ܕܬܪ ܟܬܒ ܐܣܬ ܘܬܫܒ̈ܚ̈ܬܐ
ܥܬܝܩ ܐܪܡܝ ܚܕܬ ܕ̈ܝܬܝܩ ܠܫܢ̈ܐ

Assyrian Neo-Aramaic New Testament and Psalms

Contents

1	ﻣﻘﺪﻣﺔ
250	ﺍﻟﻔﺼﻞ ﺍﻟﺜﺎﻧﻲ
351	ﺍﻟﻔﺼﻞ ﺍﻟﺜﺎﻟﺚ
414	ﺍﻟﻔﺼﻞ ﺍﻟﺮﺍﺑﻊ
517	ﺍﻟﻔﺼﻞ ﺍﻟﺨﺎﻣﺲ
588	ﺍﻟﺴﺎﺩﺱ ﻭﺍﻟﺴﺒﻌﻮﻥ
676	ﺍﻟﺨﺎﺗﻤﺔ
713	ﺍﻟﻜﺘﺎﺏ ﺍﻟﻤﺠﻠﺪ ﺍﻟﺜﺎﻧﻲ ﻋﺸﺮ
749	ﺍﻟﻜﺘﺎﺏ ﺍﻟﺜﺎﻧﻲ ﻭﺍﻟﺜﻼﺛﻮﻥ
772	ﺍﻟﻜﺘﺎﺏ ﺍﻟﺮﺍﺑﻊ ﻭﺍﻟﺜﻼﺛﻮﻥ
785	ﺍﻟﻜﺘﺎﺏ ﺍﻟﺨﺎﻣﺲ ﻭﺍﻟﺜﻼﺛﻮﻥ
797	ﺍﻟﻜﺘﺎﺏ ﺍﻟﺴﺎﺩﺱ ﻭﺍﻟﺜﻼﺛﻮﻥ
806	ﺍﻟﻜﺘﺎﺏ ﺍﻟﺴﺎﺑﻊ ﻭﺍﻟﺜﻼﺛﻮﻥ
814	ﺍﻟﻜﺘﺎﺏ ﺍﻟﻤﺠﻠﺪ ﺍﻟﺜﺎﻣﻦ ﻭﺍﻟﺜﻼﺛﻮﻥ
821	ﺍﻟﻜﺘﺎﺏ ﺍﻟﺜﺎﻣﻦ ﻭﺍﻟﺜﻼﺛﻮﻥ
826	ﺍﻟﻜﺘﺎﺏ ﺍﻟﻤﺠﻠﺪ ﺍﻟﺘﺎﺳﻊ ﻭﺍﻟﺜﻼﺛﻮﻥ
836	ﺍﻟﻜﺘﺎﺏ ﺍﻟﺘﺎﺳﻊ ﻭﺍﻟﺜﻼﺛﻮﻥ
843	ﺍﻟﻜﺘﺎﺏ ﺍﻟﺜﻼﺛﻮﻥ
847	ﺍﻟﻜﺘﺎﺏ ﺍﻟﺤﺎﺩﻱ ﻭﺍﻟﺜﻼﺛﻮﻥ
849	ﺍﻟﻜﺘﺎﺏ ﺍﻟﺤﺠﺔ
877	ﺍﻟﻜﺘﺎﺏ ﺍﻟﻤﺤﺮﻡ

ﻟﻠﻪ ﺍﻟﺮﺣﻤﻦ ﺍﻟﺮﺣﻴﻢ	887
ﻟﻠﻪ ﺍﻟﺬﻱ ﻟﻪ ﻣﺎ ﻓﻲ	897
ﻟﻠﻪ ﺍﻟﺮﺣﻤﻦ ﺍﻟﺮﺣﻴﻢ	903
ﻟﻠﻪ ﺍﻟﺬﻱ ﻟﻪ ﻣﺎ ﻓﻲ	912
ﻟﻠﻪ ﺍﻟﺬﻱ ﻟﻪ ﻣﺎ	914
ﻟﻠﻪ ﺍﻟﺬﻱ ﻟﻪ	916
ﻟﻠﻪ ﻟﻪ ﻣﺎ	919

ܥܗܕ̈ܬܐ ܘܬܫܒ̈ܚ̈ܬܐ ܒܠܫܢ̈ܐ ܕܐܬܘܪ̈ܝܐ

New Testament and Psalms in Assyrian

Language: ܣܘܪܬ̈ܝܬ ܢܝܘ̈ܐ (Assyrian Neo-Aramaic)
Provided by: Aramaic Bible Translation, Inc.

This print-on-demand edition of Scripture is produced and provided at cost by the Digital Bible Society in partnership with the Bible League of Canada, Open Doors International, and other missions and translation agencies. To order additional copies of this or other Bibles, please visit www.dbs.org (USA), www.bibleleague.ca (Canada), and www.opendoors.org (Europe).

Copyright and Permission to Copy

Copyright © 2014 Aramaic Bible Translation, Inc.
This translation is made available to you under the terms of the Creative Commons Attribution-No Derivatives license 4.0. You may share and redistribute this Bible translation or excerpts from it in any format, provided that:

You include the above copyright information.

You do not make any derivative works that change any of the actual words or punctuation of the Scriptures.

Pictures included with Scriptures and other documents are licensed just for use with those Scriptures and documents. For other uses, please contact the respective copyright owners.

PDF, ePub, and MOBI Bible covers and design are copyrighted 2017 by the Digital Bible Society (www.dbs.org).

PDF generated on 2017-08-24 from source files dated 2017-08-24.

f6b7ceb9-164d-57b4-a994-7435337915a3

ISBN: 978-1-5313-0022-7

مزمور

خداوند شبان من است

مزمور ۱-۶

۱ خداوند شبان من است،
پس هیچ کم نخواهم داشت.
۲ او مرا در مرتعهای سرسبز می‌خواباند،
و در کنار آبهای آرام هدایت می‌کند؛
۳ او جان مرا تازه می‌سازد.
به خاطر نام خود،
مرا در راههای درست رهبری می‌کند.
۴ حتی اگر در تاریک‌ترین دره‌ها راه بروم،
از هیچ بدی نخواهم ترسید،
زیرا تو با من هستی.
عصا و چوبدستی تو مرا دلگرم می‌سازد.
۵ در حضور دشمنانم سفره‌ای برای من پهن می‌کنی.
سر مرا با روغن تدهین می‌کنی،
و جام مرا لبریز می‌سازی.
۶ مطمئنم که تمام روزهای زندگی،
لطف و نیکویی تو همراه من خواهد بود،
و تا ابد در خانه خداوند ساکن خواهم بود.

۲ ۱ چرا امت‌ها طغیان می‌کنند،
و قوم‌ها نقشه‌های باطل می‌کشند؟
۲ پادشاهان جهان صف‌آرایی می‌کنند،
و رهبران با هم توطئه می‌چینند،
علیه خداوند و علیه برگزیده‌اش.
۳ «بیایید زنجیرهای آنها را پاره کنیم،
و خود را از بندشان آزاد سازیم.»
۴ اما خدایی که در آسمان تخت دارد،
از تلاش آنها برای مقابله با او خواهد خندید.
۵ سپس با خشم بر آنها سخن خواهد گفت،
و با غضب خود آنها را به وحشت خواهد انداخت.
۶ او می‌گوید: «من پادشاه خود را
بر کوه مقدس خود، صهیون، برگزیده‌ام.»
۷ من فرمان خداوند را اعلام می‌کنم.
او به من گفته است: «تو پسر من هستی.
امروز من پدر تو شده‌ام.
۸ از من بخواه تا ملت‌ها را به تو ببخشم،
و تمام نقاط دور دست جهان را به تو بدهم تا مالک آنها باشی.
۹ تو با عصای آهنین بر آنها حکومت خواهی کرد،
و آنها را مانند ظروف سفالی خرد خواهی نمود.»
۱۰ پس ای پادشاهان، عاقل باشید،
ای حاکمان جهان، عبرت بگیرید.
۱۱ خداوند را با ترس عبادت کنید،
و در حضور او لرزان شادی نمایید.

۱۲ بوسه بزنید پسر را، مبادا خشمگین شود و شما در راه هلاک شوید،
زیرا خشم او به زودی شعله‌ور می‌شود.
خوشا به حال همهٔ کسانی که به او پناه می‌برند.

مزمور داود، وقتی که از دست پسرش ابشالوم فرار می‌کرد.

۳ ای خداوند، دشمنان من چه بسیارند!
چه بسیارند کسانی که با من دشمنی می‌کنند!
۲ چه بسیارند کسانی که درباره من می‌گویند:
«خدا هرگز او را نجات نخواهد داد.» سلاه
۳ اما ای خداوند، تو سپر محافظ من هستی،
تو جلال من هستی و سر مرا بلند می‌کنی.
۴ وقتی که نزد خداوند فریاد برآوردم،
او از کوه مقدس خود به من جواب داد. سلاه
۵ آنگاه من خوابیدم و آرام گرفتم،
و دوباره از خواب برخاستم، زیرا خداوند از من حمایت می‌کرد.
۶ از هزاران دشمنی که از هر طرف به جنگ من آمده‌اند،
نمی‌ترسم.
۷ برخیز، ای خداوند! ای خدای من، مرا نجات بده!
تو همهٔ دشمنان مرا بر چانه زده، دندان‌های آنان را خرد کرده‌ای.
۸ ای خداوند، تو نجات می‌بخشی.
برکت تو بر قوم تو باد. سلاه

لذت لحاد حتذ: لتحتت. مراحة ذجمة.

٥ ١ لتاة بك ثنتمومتاة،
ذحنة بر، ١ذا بك ثنتمومتاة،
بهسنبا لثا ثعهم.

لذت لحاد حتذ: لتحتت. مراحة ذجمة.

٤ ١ لحمذهب بهصنبا ذبا بك حتاة بهصنبا،
بك صيتذح ثم بتاتاة ها،
٢ بر حتتتا، ذاا بك ذبا ثاهصنبا بهصنبا ذبا بهصنبا؟
٣ ابتا ثم ثنتاهصنبا بهصنبا ثم بك حتذح لهصنبا،
ثنتاة ها ذبا بهصنبا ثاهصنبا بهصنبا ذبا بهصنبا؟
٤ ذبا بهصنبا ثنتاة ثم بك حتذح لهصنبا،
ثنتاة ها ذبا بهصنبا ثاهصنبا بهصنبا ذبا بهصنبا؟
٥ ذحنة بر، ١ذا بك ثنتمومتاة،
ذحنة بر، ١ذا بك ثنتمومتاة،
٦ ذبا بهصنبا ثنتاة ثم بك حتذح لهصنبا،
ذحنة بر، ١ذا بك ثنتمومتاة،
٧ ذبا بهصنبا ثنتاة ثم بك حتذح لهصنبا،
ذحنة بر، ١ذا بك ثنتمومتاة،
٨ ذبا بهصنبا ثنتاة ثم بك حتذح لهصنبا،
ذحنة بر، ١ذا بك ثنتمومتاة،

لذت لحاد حتذ: لتحتت. مراحة ذجمة.

۲ بادشاہ زمین کے
اور حاکم آپس میں
خداوند اور اُس کے مسیح کے خلاف
۳ کہتے ہیں، "آؤ ہم
اُن کی رسّیاں توڑ کر
اُن کو اپنے اوپر سے پھینک دیں۔"
۴ جو آسمان پر تخت پر بیٹھا ہے
وہ ہنستا ہے،
خداوند اُن کا مذاق اُڑاتا ہے۔
۵ پھر وہ غصّے میں آ کر اُن سے بولتا ہے،
اور اُس کا غضب اُنہیں دہشت زدہ کر دیتا ہے۔
۶ "میں نے اپنے بادشاہ کو
اپنے مقدس پہاڑ صیون پر
بٹھایا ہے۔"
۷ میں خداوند کا فرمان سناؤں گا۔
خداوند نے مجھ سے کہا ہے،
"تُو میرا بیٹا ہے۔
آج میں تیرا باپ بن گیا ہوں۔
۸ مجھ سے مانگ، اور میں
قومیں تجھے میراث میں دوں گا،
اور دُنیا کے دُور دُور کے علاقے
تیرے قبضے میں دے دوں گا۔
۹ تُو لوہے کے عصا سے اُن پر حکومت کرے گا،
اور کمہار کے برتن کی طرح
اُن کو توڑ ڈالے گا۔"
۱۰ پس اے بادشاہو، سمجھ سے کام لو،
اے دُنیا کے حاکمو، عقل سیکھو،
۱۱ تاکہ خداوند کا خوف کرتے ہوئے
خوشی کے ساتھ اُس کی عبادت کرو،

אֲשֶׁר־אָמְרוּ לִלְשֹׁנֵנוּ נַגְבִּיר שְׂפָתֵינוּ אִתָּנוּ מִי־אָדוֹן לָנוּ׃
[٥] מִשֹּׁד עֲנִיִּים מֵאַנְקַת אֶבְיוֹנִים עַתָּה אָקוּם יֹאמַר יְהוָה
אָשִׁית בְּיֵשַׁע יָפִיחַ לוֹ׃
[٦] אִמְרוֹת יְהוָה אֲמָרוֹת טְהוֹרוֹת כֶּסֶף צָרוּף בַּלּוּר לָאָרֶץ
מְזֻקָּק שִׁבְעָתָיִם׃
[٧] אַתָּה יְהוָה תִּשְׁמְרֵם תִּצְּרֶנּוּ מִן־הַדּוֹר זוּ לְעוֹלָם׃
[٨] סָבִיב רְשָׁעִים יִתְהַלָּכוּן כְּרֻם זְלֻלוֹת לִבְנֵי אָדָם׃

לַמְנַצֵּחַ מִזְמוֹר לְדָוִד עַד־אָנָה יְהוָה תִּשְׁכָּחֵנִי נֶצַח עַד־אָנָה
תַּסְתִּיר אֶת־פָּנֶיךָ מִמֶּנִּי׃
[١] עַד־אָנָה אָשִׁית עֵצוֹת בְּנַפְשִׁי יָגוֹן בִּלְבָבִי יוֹמָם עַד־אָנָה
יָרוּם אֹיְבִי עָלָי׃
[٢] הַבִּיטָה עֲנֵנִי יְהוָה אֱלֹהָי הָאִירָה עֵינַי פֶּן־אִישַׁן הַמָּוֶת׃
[٣] פֶּן־יֹאמַר אוֹיְבִי יְכָלְתִּיו צָרַי יָגִילוּ כִּי אֶמּוֹט׃
[٤] וַאֲנִי בְחַסְדְּךָ בָטָחְתִּי יָגֵל לִבִּי בִּישׁוּעָתֶךָ אָשִׁירָה
לַיהוָה כִּי גָמַל עָלָי׃
[٥] וַאֲזַמְּרָה שֵׁם יְהוָה עֶלְיוֹן׃
[٦] יְהוָה מִי יָגוּר בְּאָהֳלֶךָ מִי יִשְׁכֹּן בְּהַר קָדְשֶׁךָ׃
[٧] הוֹלֵךְ תָּמִים וּפֹעֵל צֶדֶק וְדֹבֵר אֱמֶת בִּלְבָבוֹ׃
[٨] לֹא־רָגַל עַל־לְשֹׁנוֹ לֹא עָשָׂה לְרֵעֵהוּ רָעָה וְחֶרְפָּה לֹא־נָשָׂא
עַל־קְרֹבוֹ׃

۹ بەڵکو ئەو ڕاستی حوکمی جیهان دەکات،
بە دادپەروەری دادوەری گەلان دەکات.
۱۰ یەزدان پەناگەی چەوساوەکانە،
پەناگەیەکی لە کاتی تەنگانەدا.

ئەوانەی ناوی تۆ دەزانن پشت بە تۆ دەبەستن،
چونکە تۆ ئەی یەزدان هەرگیز وازت لە گەڕانەکانت نەهێناوە.

۱۱ گۆرانی ستایش بۆ یەزدان بڵێن کە لە سیۆن دادەنیشێت،
باسی کارە سەرسوڕهێنەرەکانی بکەن لە نێو گەلان.
۱۲ چونکە ئەو داوای خوێنی ئەوانە دەکاتەوە کە کوشتوویەتی،
هاوار و فریادی ستەمدیدەکان لەبیر ناکات.
۱۳ یەزدان میهرەبانی پێم بکە، بڕوانە ئازارەکانم
کە لە دوژمنانم دەیبینم؛
تۆ کە لە دەروازەکانی مردنەوە بەرزم دەکەیتەوە،
۱۴ تا هەموو ستایشەکانت بگێڕمەوە،
لە دەروازەکانی کچی سیۆن دڵخۆش بم
بە ڕزگارکردنەکەت.
۱۵ گەلان کەوتوونەتە ناو ئەو چاڵەی هەڵیان کەندووە،
پێیەکانیان گیریان خواردووە لە تۆڕەکەی خۆیان کە شاردوویانەتەوە.
۱۶ یەزدان خۆی خۆی ناسێنراوە، دادوەری کردووە،
دەستی خراپەکار گیری خواردووە لە کاری دەستی خۆی.
هیگایۆن. بیرکردنەوەی بێدادەکان
۱۷ دەگەڕێنرێنەوە بۆ ناو گۆڕ،
هەموو گەلانی ئەوانەی کە خودا لەبیری کردووە.
۱۸ چونکە هەژار لەبیر ناکرێت بۆ هەمیشە،
هیوای چەوساوەکان بۆ هەمیشە لەناو ناچێت.
۱۹ هەستە، ئەی یەزدان، با مرۆڤ زاڵ نەبێت،
با گەلان لە ڕووی تۆدا دادوەری بکرێن.
۲۰ ئەی یەزدان، ترسێکیان بخەرە سەر،
با گەلان بزانن کە تەنها مرۆڤن. سێلا

ואני, דניאל, ראיתי את המראה, ולא היו אנשים
שהיו איתי, אבל פחד גדול נפל עליהם, והם ברחו
ונחבאו. ואני נשארתי לבדי, וראיתי את המראה
הגדול הזה, ולא נשאר בי כוח, והיופי שלי הפך
אצלי לכעור, ולא נשאר בי כוח.
ושמעתי את קול דבריו, ובשמעי את קול דבריו,
נרדמתי שנת עמוק על פני, ופני ארצה.
והנה יד נגעה בי, והעמידה אותי על ברכי ועל
כפות ידי.
ויאמר אלי, דניאל איש חמודות, הבן את הדברים
אשר אני מדבר אליך, ועמוד על עמדך, כי עתה
נשלחתי אליך. וכאשר דיבר אלי את הדבר הזה,
עמדתי על עמדי בפחד.
ויאמר אלי, אל תירא דניאל, כי מן היום הראשון
אשר נתת את לבך להבין ולהתענות לפני אלוהיך,
נשמעו דבריך, ואני באתי בגלל דבריך.
ושר ממלכת פרס עמד נגדי עשרים ואחד יום,
והנה מיכאל, אחד מן השרים הראשונים, בא
לעזרתי, ואני נשארתי שם עם מלכי פרס.
ועתה באתי להבין לך את אשר יקרה לעמך באחרית
הימים, כי עוד חזון לימים.
וכאשר דיבר אלי כדברים האלה, שמתי את פני
ארצה, ונאלמתי.
והנה כדמות בני אדם נגעה בשפתי, ואפתח את פי
ואדבר, ואומר אל העומד נגדי, אדוני, במראה
הזה נהפכו עלי צירי, ולא נשאר בי כוח.
ואיך יוכל עבד אדוני זה לדבר עם אדוני זה, כי
עתה לא נשאר בי כוח, ולא נשאר בי נשימה.
ויוסף אלי לגעת בי כמראה אדם, ויחזק אותי.
ויאמר, שלום לך איש חמודות, חזק וחזק.
וכאשר דיבר אלי, התחזקתי, ואומר, דבר אדוני,
כי חיזקתני.
ויאמר, התדע למה באתי אליך? ועתה אשוב
להלחם עם שר פרס, וכאשר אצא, הנה שר יון
יבוא.
אך אגיד לך את הכתוב באמת, ואין איש מתחזק
עמי על הדברים האלה כי אם מיכאל שרכם.

تا دشمنان و انتقام‌جویان را خاموش سازی.
۳ وقتی به آسمان تو که ساخته دست تو است،
به ماه و ستارگانی که در جای خود قرار داده‌ای نگاه می‌کنم،
۴ از خود می‌پرسم: چرا به انسان فانی توجه داری؟
چرا به فرزندان آدم عنایت می‌کنی؟
۵ تو او را اندکی پایین‌تر از فرشتگان آفریدی،
و با جلال و افتخار تاج بر سرش نهادی.
۶ تو او را بر تمام آفریده‌های خود حاکم ساختی،
و همه چیز را زیر پای او نهادی:
۷ گوسفندان و گاوان،
و حتی حیوانات وحشی،
۸ پرندگان آسمان و ماهیان دریا،
و هر موجودی که در آبها زندگی می‌کند.
۹ ای خداوند، خداوند ما، نام تو در تمام دنیا چقدر عظیم است!

مزمور ۹

برای رهبر سرود: بر اساس آهنگ «نابودی پسر». مزمور داود.

۱ ای خداوند، با تمام وجود تو را ستایش می‌کنم،
و تمام کارهای شگفت‌انگیز تو را اعلام می‌نمایم.
۲ از تو شاد و سرورم،
و نام تو را ای خدای متعال می‌سرایم.
۳ وقتی دشمنانم برمی‌گردند،
از حضور تو می‌لغزند و هلاک می‌شوند،
۴ زیرا تو بر تخت نشسته‌ای و از حق من دفاع کرده‌ای.
تو با عدالت بر من داوری کرده‌ای.
۵ تو قوم‌های بیگانه را سرزنش کرده‌ای و شریران را نابود ساخته‌ای،
و نام آنها را برای همیشه محو کرده‌ای.
۶ دشمن برای همیشه نابود شده است،
شهرهایش ویران گشته،
و حتی نام آنها فراموش شده است.
۷ اما خداوند برای همیشه سلطنت می‌کند،
تخت او برای داوری برپا شده است.
۸ او جهان را با عدالت داوری می‌کند،
و با انصاف بر قوم‌ها حکومت می‌نماید.
۹ خداوند پناه مظلومان است،
پناهگاهی در زمان‌های سختی.

כִּי עָשִׂיתָ מִשְׁפָּטִי וְדִינִי;
יָשַׁבְתָּ לְכִסֵּא שֹׁפֵט צֶדֶק.
גָּעַרְתָּ גּוֹיִם אִבַּדְתָּ רָשָׁע שְׁמָם מָחִיתָ לְעוֹלָם וָעֶד.
הָאוֹיֵב תַּמּוּ חֳרָבוֹת לָנֶצַח וְעָרִים נָתַשְׁתָּ אָבַד זִכְרָם הֵמָּה.
וַיהוָה לְעוֹלָם יֵשֵׁב כּוֹנֵן לַמִּשְׁפָּט כִּסְאוֹ.
וְהוּא יִשְׁפֹּט תֵּבֵל בְּצֶדֶק יָדִין לְאֻמִּים בְּמֵישָׁרִים.
וַיְהִי יְהוָה מִשְׂגָּב לַדָּךְ מִשְׂגָּב לְעִתּוֹת בַּצָּרָה.
וְיִבְטְחוּ בְךָ יוֹדְעֵי שְׁמֶךָ כִּי לֹא עָזַבְתָּ דֹרְשֶׁיךָ יְהוָה.
זַמְּרוּ לַיהוָה יוֹשֵׁב צִיּוֹן הַגִּידוּ בָעַמִּים עֲלִילֹתָיו.
כִּי דֹרֵשׁ דָּמִים אוֹתָם זָכָר לֹא שָׁכַח צַעֲקַת עֲנִיִּים.
חָנְנֵנִי יְהוָה רְאֵה עָנְיִי מִשֹּׂנְאָי מְרוֹמְמִי מִשַּׁעֲרֵי מָוֶת.
לְמַעַן אֲסַפְּרָה כָּל תְּהִלָּתֶיךָ בְּשַׁעֲרֵי בַת צִיּוֹן אָגִילָה בִּישׁוּעָתֶךָ.
טָבְעוּ גּוֹיִם בְּשַׁחַת עָשׂוּ בָּרְשֶׁת זוּ טָמָנוּ נִלְכְּדָה רַגְלָם.
נוֹדַע יְהוָה מִשְׁפָּט עָשָׂה בְּפֹעַל כַּפָּיו נוֹקֵשׁ רָשָׁע.
הִגָּיוֹן סֶלָה שׁוּבוּ רְשָׁעִים לִשְׁאוֹלָה כָּל גּוֹיִם שְׁכֵחֵי אֱלֹהִים.
כִּי לֹא לָנֶצַח יִשָּׁכַח אֶבְיוֹן תִּקְוַת עֲנִיִּים תֹּאבַד לָעַד.
קוּמָה יְהוָה אַל יָעֹז אֱנוֹשׁ יִשָּׁפְטוּ גוֹיִם עַל פָּנֶיךָ.
שִׁיתָה יְהוָה מוֹרָה לָהֶם יֵדְעוּ גּוֹיִם אֱנוֹשׁ הֵמָּה סֶלָה.
לָמָּה יְהוָה תַּעֲמֹד בָּרָחוֹק תַּעְלִים לְעִתּוֹת בַּצָּרָה.
בְּגַאֲוַת רָשָׁע יִדְלַק עָנִי יִתָּפְשׂוּ בְּמִזִּמּוֹת זוּ חָשָׁבוּ.
כִּי הִלֵּל רָשָׁע עַל תַּאֲוַת נַפְשׁוֹ וּבֹצֵעַ בֵּרַךְ נִאֵץ יְהוָה.
רָשָׁע כְּגַאֲוַת אַפּוֹ בַּל יִדְרֹשׁ אֵין אֱלֹהִים כָּל מְזִמֹּתָיו.

۱۴ دښمنی حکم یوسف
څرګنده کړه،
او د هغه د ټولو ستاینو
لامل شو.
۱۵ هغه د صیون د لوی دروازې په څنګ کې،
د هغه د خلاصون له امله خوښ شو.
۱۶ قومونه د هغو د جوړ کړي ګودر کې ډوب شول،
د هغوی د پټو دامونو په واسطه
د هغوی پښې نیولې شوې.
۱۷ یهوه ځان څرګند کړ،
حکم یې عملي کړ،
د خپلو لاسونو په کار
شریر په خپل دام کې ونیول شو.
۱۸ شریر به هډیرې ته ولاړ شي،
ټول هغه ملتونه چې خدای هیر کړي.
۱۹ ځکه، نه به هغه، چې بې وزله ګڼل شوی،
تل هیر پاتې شي،
د بې وزلو هیله به تل ژوندۍ وي.
۲۰ پاڅه، ای هغه،
چې انسان ځواکمن کوي،
ټول قومونه دې ستا په وړاندې قضاوت شي.
۲۱ ولاړ شه، ای هغه، خپله ځان وښایه،
چې انسان ځواکمن کوي،
۱۰ ولې ته لرې ولاړ یې، ای یهوه؟
ولې په سختو وختونو کې پټ یې؟
۲ شریر د خپل غرور له امله
د بې وزلو په تعقیب کې دی،
هغه په هغو تدبیرونو کې نیول شوی
چې هغه یې د نورو لپاره جوړ کړي.
۳ شریر د خپلو هیلو په اړه فخر کوي،
هغه چې په ناوړه ګټه پسې دی،
هغه یهوه سپکاوی کوي.
۴ شریر په خپل غرور کې وایي،
چې خدای به غوښتنه ونه کړي؛
د هغه ټولې فکرونه دا دي چې خدای نشته.

۵ همه‌ی دشمنانش را خوار می‌شمارد،
زیرا داوری‌های تو را نمی‌فهمد،
و همه‌ی مخالفانش را تحقیر می‌کند.
۶ او با خود می‌گوید: «من هرگز
تکان نخواهم خورد و همیشه خوشبخت خواهم بود.»
۷ دهانش پر از لعن و دروغ و تهدید است،
و زبانش پر از شرارت و بدی.
۸ او در کمین‌گاه‌ها می‌نشیند
و بی‌گناهان را در مخفی‌گاه‌ها می‌کشد.
او با چشمانش در کمین قربانی خود است.
۹ او مانند شیری در کمین‌گاه خود،
در انتظار است تا مستمندان را شکار کند.
او مستمندان را شکار می‌کند
و آن‌ها را در تورهایش گرفتار می‌سازد.
۱۰ آن‌ها خرد می‌شوند،
و زیر پای او می‌افتند و می‌میرند.
۱۱ او با خود می‌گوید: «خدا فراموش کرده است،
چهره‌اش را برگردانده و هرگز نخواهد دید.»
۱۲ ای خداوند، برخیز و دست خود را بلند کن!
ای خدا، مستمندان را فراموش نکن.
۱۳ چرا شریر خدا را خوار می‌شمارد؟
چرا با خود می‌گوید: «خدا از من نخواهد پرسید؟»
۱۴ اما تو همه‌ی این‌ها را می‌بینی!
تو رنج و غم را می‌بینی و از آن آگاهی،
و می‌خواهی که تو انتقام بگیری.

لِنَفْسِي مِنْ خَيْرٍ. نَسِيتُ الرَّاحَةَ.
١٥ فَقُلْتُ: قَدْ بَادَ نَجْدَتِي،
وَرَجَائِي مِنَ الرَّبِّ.
١٦ اُذْكُرْ مَذَلَّتِي وَمَرَارَتِي،
الأَفْسَنْتِينَ وَالْعَلْقَمَ.
١٧ ذَاكِرَةً تَذْكُرُ وَتَنْحَنِي عَلَيَّ نَفْسِي.
١٨ هَذَا أَرُدُّهُ إِلَى قَلْبِي،
لِذَلِكَ أَرْتَجِي.
١٩ إِحْسَانَاتُ الرَّبِّ إِنَّهَا لَمْ تَفْنَ،
إِنَّ مَرَاحِمَهُ لَمْ تَزُلْ.
٢٠ هِيَ جَدِيدَةٌ فِي كُلِّ صَبَاحٍ.
كَثِيرَةٌ أَمَانَتُكَ.
٢١ اَلرَّبُّ نَصِيبِي قَالَتْ نَفْسِي،
لِذَلِكَ أَرْتَجِي لَهُ.
٢٢ اَلرَّبُّ صَالِحٌ لِلَّذِينَ يَنْتَظِرُونَهُ،
لِلنَّفْسِ الَّتِي تَطْلُبُهُ.
٢٣ جَيِّدٌ أَنْ يَنْتَظِرَ الإِنْسَانُ
وَيَسْكُتَ لِخَلاَصِ الرَّبِّ.
٢٤ جَيِّدٌ لِلرَّجُلِ أَنْ يَحْمِلَ النِّيرَ
فِي صِبَاهُ.
٢٥ يَجْلِسُ وَحْدَهُ وَيَسْكُتُ
لأَنَّهُ قَدْ حَمَّلَهُ.
٢٦ يَضَعُ فَمَهُ فِي التُّرَابِ
لَعَلَّ هُنَاكَ رَجَاءً.
٢٧ يُعْطِي خَدَّهُ لِلضَّارِبِ.
يَشْبَعُ عَارًا.
٢٨ لأَنَّ السَّيِّدَ لاَ يَرْفُضُ إِلَى الأَبَدِ.
٢٩ لأَنَّهُ إِنْ أَذَلَّ فَإِنَّهُ يَرْحَمُ
حَسَبَ كَثْرَةِ رَأْفَاتِهِ.
٣٠ لأَنَّهُ لاَ يُذِلُّ عَنْ طِيبِ قَلْبِهِ
وَلاَ يُحْزِنُ بَنِي آدَمَ.
٣١ لِسَحْقِ تَحْتَ قَدَمَيْهِ كُلَّ أَسْرَى الأَرْضِ،
٣٢ لِعَوَجِ حَقِّ رَجُلٍ قُدَّامَ وَجْهِ الْعَلِيِّ،
لِقَلْبِ الإِنْسَانِ فِي دَعْوَاهُ
لَمْ يَرَ الرَّبُّ.
٣٣ مَنْ قَالَ فَكَانَ وَالسَّيِّدُ لَمْ يَأْمُرْ؟
٣٤ مِنْ فَمِ الْعَلِيِّ لاَ تَخْرُجُ الْبَلِيَّةُ وَالْخَيْرُ؟
٣٥ لِمَاذَا يَتَذَمَّرُ الإِنْسَانُ الْحَيُّ،
الرَّجُلُ عَلَى عِقَابِ خَطَايَاهُ؟
٣٦ لِنَفْحَصْ طُرُقَنَا وَنَبْحَثْهَا،
وَلْنَرْجِعْ إِلَى الرَّبِّ.
٣٧ لِنَرْفَعْ قُلُوبَنَا مَعَ أَيَادِينَا
إِلَى اللهِ فِي السَّمَاوَاتِ.
٣٨ نَحْنُ قَدْ أَذْنَبْنَا وَتَمَرَّدْنَا.
أَنْتَ لَمْ تَغْفِرْ.
٣٩ اِسْتَرْتَ بِالْغَضَبِ وَطَرَدْتَنَا،
قَتَلْتَ لَمْ تَعْفُ.
٤٠ اِسْتَرْتَ بِالسَّحَابِ لِنَفْسِكَ
لِئَلاَّ تَجُوزَ صَلاَةٌ.
٤١ جَعَلْتَنَا قُمَامَةً وَكَنَسًا
فِي وَسْطِ الشُّعُوبِ.
٤٢ فَغَرَ عَلَيْنَا كُلُّ أَعْدَائِنَا أَفْوَاهَهُمْ.
٤٣ اِرْتَعْبَةٌ وَالْحُفْرَةُ صَارَتْ لَنَا،
الْخَرَابُ وَالسَّحْقُ.
٤٤ أَجْرَتْ أَنْهَارٌ مِنْ عَيْنَيَّ
عَلَى سَحْقِ بِنْتِ شَعْبِي.
٤٥ عَيْنِي تَسْكُبُ وَلاَ تَكُفُّ
بِلاَ انْقِطَاعٍ،
٤٦ حَتَّى يُشْرِفَ وَيَنْظُرَ الرَّبُّ مِنَ السَّمَاوَاتِ.
٤٧ عَيْنِي تُعَامِلُ نَفْسِي
مِنْ جَمِيعِ بَنَاتِ مَدِينَتِي.
٤٨ اِصْطَادُونِي كَالْعُصْفُورِ أَعْدَائِي
بِلاَ سَبَبٍ.
٤٩ أَبَادُوا فِي الْجُبِّ حَيَاتِي
وَرَمَوْا عَلَيَّ حِجَارَةً.
٥٠ طَمَّتِ الْمِيَاهُ فَوْقَ رَأْسِي،
قُلْتُ: قَدِ انْقَطَعْتُ.
٥١ دَعَوْتُ اسْمَكَ يَا رَبُّ
مِنَ الْجُبِّ الأَسْفَلِ.
٥٢ صَوْتِي سَمِعْتَ.
لاَ تَحْجُبْ أُذُنَكَ عَنْ تَنَهُّدِي
عَنْ صُرَاخِي.
٥٣ قَرُبْتَ يَوْمَ دَعَوْتُكَ.
قُلْتَ: لاَ تَخَفْ.
٥٤ اَلسَّيِّدُ خَاصَمْتَ دَعَاوِيَ نَفْسِي.
فَدَيْتَ حَيَاتِي.
٥٥ رَأَيْتَ يَا رَبُّ ظُلْمَهُمْ لِي.
اُقْضِ قَضِيَّتِي.
٥٦ رَأَيْتَ كُلَّ انْتِقَامِهِمْ،
كُلَّ أَفْكَارِهِمْ عَلَيَّ.
٥٧ سَمِعْتَ عَارَهُمْ يَا رَبُّ،
كُلَّ أَفْكَارِهِمْ عَلَيَّ.
٥٨ شِفَاهُ قَائِمِينَ عَلَيَّ وَهَمْسُهُمْ
عَلَيَّ الْيَوْمَ كُلَّهُ.
٥٩ اُنْظُرْ جُلُوسَهُمْ وَقِيَامَهُمْ.
أَنَا هُزْأَتُهُمْ.
٦٠ اُرْدُدْ لَهُمْ يَا رَبُّ جَزَاءَ أَعْمَالِ أَيَادِيهِمْ.
٦١ أَعْطِهِمْ قَسَاوَةَ قَلْبٍ.
لَعْنَتَكَ لَهُمْ.
٦٢ اِسْتَرْتَ بِالْغَضَبِ وَاضْطَهَدْتَهُمْ
وَأَهْلَكْتَهُمْ مِنْ تَحْتِ سَمَاوَاتِ الرَّبِّ.
٦٣ كَيْفَ تَذَهَّبَ الذَّهَبُ!
تَغَيَّرَ الإِبْرِيزُ الْجَيِّدُ!
حِجَارَةُ الْقُدْسِ انْتَثَرَتْ
فِي رَأْسِ كُلِّ شَارِعٍ.
٦٤ بَنُو صِهْيَوْنَ الثَّمِينُونَ
الْمُوَازَوْنَ بِالذَّهَبِ الْخَالِصِ،
٦٥ كَيْفَ حُسِبُوا أَوَانِيَ خَزَفٍ
عَمَلَ يَدَيْ فَخَّارِيٍّ!
٦٦ حَتَّى الثَّعَالِبُ تُقَدِّمُ الثَّدْيَ
تُرْضِعُ أَشْبَالَهَا.
بِنْتُ شَعْبِي صَارَتْ قَاسِيَةً
كَالنَّعَامِ فِي الْبَرِّيَّةِ.
٦٧ لَصِقَ لِسَانُ الرَّضِيعِ
بِحَنَكِهِ مِنَ الْعَطَشِ.
اَلأَوْلاَدُ سَأَلُوا خُبْزًا.
لَيْسَ مَنْ يَكْسِرُ لَهُمْ.
٦٨ اَلآكِلُونَ الأَطْعِمَةَ الْفَاخِرَةَ
خَرِبُوا فِي الشَّوَارِعِ.
اَلْمُرَبَّوْنَ عَلَى الْقِرْمِزِ
احْتَضَنُوا الْمَزَابِلَ.
٦٩ وَعَظُمَ إِثْمُ بِنْتِ شَعْبِي
أَكْثَرَ مِنْ خَطِيَّةِ سَدُومَ،
الَّتِي انْقَلَبَتْ كَلَمْحَةٍ
وَلَمْ تَحُلَّ فِيهَا أَيَادٍ.
٧٠ كَانَ نُذُرُهَا أَنْقَى مِنَ الثَّلْجِ،
أَبْيَضَ مِنَ اللَّبَنِ.
مَنْظَرُهَا أَحْمَرُ مِنَ الْيَاقُوتِ،
جِسْمُهَا كَالسَّفِيرِ.
٧١ اِسْوَدَّ أَشَدَّ مِنَ السَّوَادِ مَنْظَرُهُمْ.
لَمْ يُعْرَفُوا فِي الشَّوَارِعِ.
لَصِقَ جِلْدُهُمْ بِعِظَامِهِمْ.
يَبِسَ كَالْخَشَبِ.
٧٢ كَانَ خَيْرٌ لِقَتْلَى السَّيْفِ
مِنْ قَتْلَى الْجُوعِ،
الَّذِينَ يَذْوُونَ طَعْنًا
لِعَدَمِ غَلاَّتِ الْحَقْلِ.
٧٣ أَيَادِي نِسَاءٍ رَحِيمَاتٍ
طَبَخَتْ أَوْلاَدَهَا.
كَانُوا طَعَامًا لَهَا
فِي سَحْقِ بِنْتِ شَعْبِي.
٧٤ أَكْمَلَ الرَّبُّ غَضَبَهُ.
سَكَبَ حُمُوَّ غَضَبِهِ،
وَأَضْرَمَ نَارًا فِي صِهْيَوْنَ
فَأَكَلَتْ أُسُسَهَا.
٧٥ لَمْ يُصَدِّقْ مُلُوكُ الأَرْضِ
وَلاَ كُلُّ سُكَّانِ الْمَسْكُونَةِ
أَنَّ الْعَدُوَّ وَالْمُبْغِضَ يَدْخُلُ
أَبْوَابَ أُورُشَلِيمَ.
٧٦ مِنْ خَطَايَا أَنْبِيَائِهَا
آثَامِ كَهَنَتِهَا،
اَلَّذِينَ سَفَكُوا فِي وَسْطِهَا
دَمَ الصِّدِّيقِينَ.
٧٧ تَاهُوا عُمْيًا فِي الشَّوَارِعِ.
تَنَجَّسُوا بِالدَّمِ
حَتَّى لَمْ يَقْدِرُوا
أَنْ يَمَسُّوا ثِيَابَهُمْ.
٧٨ اِبْتَعِدُوا! نَجِسٌ! نَادَوْا عَلَيْهِمْ.
اِبْتَعِدُوا! اِبْتَعِدُوا! لاَ تَمَسُّوا!
حَتَّى إِنَّهُمْ هَرَبُوا وَتَاهُوا.
قَالُوا بَيْنَ الأُمَمِ:
لاَ يَعُودُونَ يَنْزِلُونَ.
٧٩ وَجْهُ الرَّبِّ قَسَمَهُمْ.
لاَ يَعُودُ يَنْظُرُهُمْ.
وُجُوهَ الْكَهَنَةِ لَمْ يَرْفَعُوا،
وَلاَ رَحِمُوا الشُّيُوخَ.
٨٠ بَعْدُ تَكِلُّ أَعْيُنُنَا
مِنْ أَجْلِ مَعُونَتِنَا الْبَاطِلَةِ.
فِي مُرَاقَبَتِنَا رَاقَبْنَا
أُمَّةً لاَ تَخْلُصُ.
٨١ رَاقَبُوا خُطُوَاتِنَا
حَتَّى لاَ نَقْدِرَ أَنْ نَسِيرَ فِي سَاحَاتِنَا.
قَرُبَتْ نِهَايَتُنَا.
كَمُلَتْ أَيَّامُنَا.
نَعَمْ، جَاءَتْ نِهَايَتُنَا.
٨٢ كَانَ طَارِدُونَا أَسْرَعَ
مِنْ نُسُورِ السَّمَاءِ.
عَلَى الْجِبَالِ طَارَدُونَا.
فِي الْبَرِّيَّةِ كَمَنُوا لَنَا.
٨٣ مَسِيحُ الرَّبِّ أُخِذَ فِي حُفَرِهِمْ،
الَّذِي قُلْنَا عَنْهُ:
فِي ظِلِّهِ نَحْيَا بَيْنَ الأُمَمِ.
٨٤ اِفْرَحِي وَاهْتِفِي يَا بِنْتَ أَدُومَ،
سَاكِنَةَ أَرْضِ عُوصٍ.
عَلَيْكِ أَيْضًا تَمُرُّ الْكَأْسُ.
تَسْكَرِينَ وَتَتَعَرَّيْنَ.
٨٥ قَدْ كَمُلَ إِثْمُكِ يَا بِنْتَ صِهْيَوْنَ.
لاَ يَعُودُ يَسْبِيكِ.
يَفْتَقِدُ إِثْمَكِ يَا بِنْتَ أَدُومَ.
يَكْشِفُ عَنْ خَطَايَاكِ.

٥

٢ اُذْكُرْ يَا رَبُّ مَا صَارَ لَنَا.
تَطَلَّعْ وَانْظُرْ عَارَنَا.
٢ قَدْ صَارَ مِيرَاثُنَا لِلْغُرَبَاءِ.
بُيُوتُنَا لِلأَجَانِبِ.
٣ صِرْنَا يَتَامَى بِلاَ أَبٍ.
أُمَّهَاتُنَا كَالأَرَامِلِ.
٤ شَرِبْنَا مَاءَنَا بِفِضَّةٍ.
حَطَبُنَا بِثَمَنٍ يَأْتِي.
٥ عَلَى أَعْنَاقِنَا نُضْطَهَدُ.
نَكِلُّ وَلاَ رَاحَةَ لَنَا.
٦ أَعْطَيْنَا يَدًا لِمِصْرَ وَلأَشُّورَ
لِنَشْبَعَ خُبْزًا.
٧ آبَاؤُنَا أَخْطَأُوا وَلَيْسُوا،
وَنَحْنُ حَمَلْنَا آثَامَهُمْ.
٨ عَبِيدٌ تَسَلَّطُوا عَلَيْنَا.
لَيْسَ مُخَلِّصٌ مِنْ أَيْدِيهِمْ.
٩ بِخَطَرِ أَنْفُسِنَا نَأْتِي بِخُبْزِنَا
مِنْ أَجْلِ سَيْفِ الْبَرِّيَّةِ.
١٠ جُلُودُنَا كَتَنُّورٍ اسْوَدَّتْ
مِنْ أَجْلِ حُمَّى الْجُوعِ.
١١ نِسَاءٌ فِي صِهْيَوْنَ أَذَلُّوا،
عَذَارَى فِي مُدُنِ يَهُوذَا.

ليس لها معزٍّ من جميع محبيها. صار جميع أصدقائها غادرين لها. صاروا لها أعداء.

٧ تذكرت أورشليم في أيام ذلها وتشردها
كل نفائسها التي كانت لها منذ أيام القدم.
حين سقط شعبها بيد العدو، ولم يكن من يساعدها،
رآها العدو وسخر من خرابها.

٨ أورشليم قد أخطأت خطيئة فظيعة،
لذلك صارت نجسة.
كل الذين كانوا يكرمونها يحتقرونها الآن،
لأنهم رأوا عريها.
وهي تتنهد وتلتفت إلى الوراء.

٩ نجاستها ظاهرة على ثيابها،
ولم تفكر في مستقبلها.
لذلك سقطت سقوطاً عجيباً،
وليس من يعزيها.
”يا رب، انظر إلى ذلي،
لأن العدو قد تعظم.“

١٠ مد العدو يده على كل نفائسها،
ورأت الأمم الوثنية تدخل مقدسها،
الذين أمرت ألا يدخلوا جماعتك.

١١ كل شعبها يتنهد وهو يبحث عن خبز.
باعوا نفائسهم ليأكلوا ويبقوا على قيد الحياة.
”انظر يا رب، وتأمل،
كيف صرت محتقرة.

١٢ أما يعني لكم شيء يا جميع المارين في الطريق؟
انظروا وتأملوا
هل يوجد حزن مثل حزني
الذي أصابني،
الذي أنزله الرب بي في يوم غضبه المشتعل؟

١٣ من السماء أرسل نارًا إلى عظامي
فأحرقتها.
نصب شبكة لقدمي
فأسقطني إلى الوراء.
جعلني خربة
أعاني المرض طوال اليوم.

١٤ ربط نيري على عنقي بيديه،
فالتوى وصار ثقيلاً.
جعلني أضعف قوتي.
سلمني الرب إلى أيدي أعدائي
الذين لا أستطيع أن أقاومهم.

١٥ الرب رفض كل أقوياء بين شعبي.
دعا جيشاً ضدي ليسحق شبابي.
الرب داس على العذراء بنت يهوذا
كما يدوس المرء على العنب في المعصرة.

١٦ ”لهذا أبكي،
وتفيض عيناي بالدموع،
لأن المعزي الذي يستطيع أن يعيد لي حياتي
قد ابتعد عني.
أولادي مدمرون
لأن العدو قد انتصر.“

١٧ صهيون تمد يديها طلباً للمساعدة،
ولكن ليس من يعزيها.
الرب أمر أعداء يعقوب أن يحيطوا به،
وصارت أورشليم نجسة بينهم.

١٨ ”الرب بار،
لأني تمردت على أمره.
اسمعوا يا جميع الشعوب،
وانظروا إلى حزني.
شبابي وعذاراي
ذهبوا إلى السبي.

١٩ دعوت محبيّ،
لكنهم خدعوني.
كهنتي وشيوخي
ماتوا في المدينة
بينما كانوا يبحثون عن طعام
ليبقوا على قيد الحياة.

٢٠ ”انظر يا رب إلى ضيقي،
لأن أحشائي تتألم،
وقلبي ينقلب في داخلي،
لأني تمردت عليك بشدة.
في الخارج السيف يقتل،
وفي البيت الموت.

٢١ سمعوا أني أتنهد،
ولكن ليس من يعزيني.
جميع أعدائي سمعوا بمصيبتي
وفرحوا لأنك أنت فعلت ذلك.
ليتك تجلب اليوم الذي أعلنته،
فيصبحوا مثلي.

٢٢ ليأتِ كل شرهم أمامك،
وافعل بهم كما فعلت بي
بسبب كل خطاياي،
لأن تنهداتي كثيرة
وقلبي مريض.“

که بیهوده زندگی می‌کنند.
۹ وقتی که پست‌ترین مردم محبوب می‌شوند،
و بزرگان مورد تحقیر قرار می‌گیرند.

برای رهبر سرود. مزمور داود.

۱۳ ۱ ای خداوند، تا کی مرا فراموش خواهی کرد؟
تا ابد؟ تا کی روی خود را از من پنهان خواهی کرد؟
۲ تا کی در جان خود اندیشه‌ها بپرورم،
و هر روز اندوه در دلم باشد؟
تا کی دشمنم بر من چیره شود؟
۳ ای خداوند، خدای من، به من توجه کن و جواب بده!
چشمانم را روشن کن، مبادا بمیرم
۴ و دشمنم بگوید که بر او پیروز شده است،
و مخالفانم از لغزش من شادی کنند.
۵ اما من بر محبت پایدار تو توکل کرده‌ام،
و دلم از نجات تو شاد خواهد بود.
۶ من برای خداوند سرود خواهم خواند،
زیرا که به من نیکی کرده است.

برای رهبر سرود. مزمور داود.

۱۴ ۱ احمق در دل خود می‌گوید: «خدا وجود ندارد.»
مردم چنین فاسد و شرور شده‌اند،
و هیچ یک از آنان کار نیک نمی‌کند.

٢ אָמַרְתְּ לַיהוָה אֲדֹנָי אָתָּה,
טוֹבָתִי בַּל עָלֶיךָ.
٣ לִקְדוֹשִׁים אֲשֶׁר בָּאָרֶץ הֵמָּה, וְאַדִּירֵי כָּל חֶפְצִי בָּם.
٤ יִרְבּוּ עַצְּבוֹתָם אַחֵר מָהָרוּ,
בַּל אַסִּיךְ אֶת נִסְכֵּיהֶם מִדָּם,
וּבַל אֶשָּׂא אֶת שְׁמוֹתָם עַל שְׂפָתָי.
٥ יְהוָה מְנָת חֶלְקִי וְכוֹסִי,
אַתָּה תּוֹמִיךְ גּוֹרָלִי.
٦ חֲבָלִים נָפְלוּ לִי בַּנְּעִימִים,
אַף נַחֲלָת יָפָה עָלָי.
٧ אֲבָרֵךְ אֶת יְהוָה אֲשֶׁר יְעָצָנִי,
אַף לֵילוֹת יִסְּרוּנִי כִלְיוֹתָי.
٨ שִׁוִּיתִי יְהוָה לְנֶגְדִּי תָּמִיד,
כִּי מִימִינִי בַּל אֶמּוֹט.
٩ לָכֵן שָׂמַח לִבִּי וַיָּגֶל כְּבוֹדִי,
אַף בְּשָׂרִי יִשְׁכֹּן לָבֶטַח.
١٠ כִּי לֹא תַעֲזֹב נַפְשִׁי לִשְׁאוֹל,
לֹא תִתֵּן חֲסִידְךָ לִרְאוֹת שָׁחַת.
١١ תּוֹדִיעֵנִי אֹרַח חַיִּים,
שֹׂבַע שְׂמָחוֹת אֶת פָּנֶיךָ,
נְעִימוֹת בִּימִינְךָ נֶצַח.

١٥

١ שִׁמְעָה יְהוָה צֶדֶק הַקְשִׁיבָה רִנָּתִי,
הַאֲזִינָה תְּפִלָּתִי בְּלֹא שִׂפְתֵי מִרְמָה.
٢ מִלְּפָנֶיךָ מִשְׁפָּטִי יֵצֵא,
עֵינֶיךָ תֶּחֱזֶינָה מֵישָׁרִים.
٣ בָּחַנְתָּ לִבִּי פָּקַדְתָּ לַיְלָה,
צְרַפְתַּנִי בַּל תִּמְצָא זִמָּה,
בַּל עָבַר פִּי.
٤ לְפָעֳלוֹת אָדָם בִּדְבַר שְׂפָתֶיךָ,
אֲנִי שָׁמַרְתִּי אָרְחוֹת פָּרִיצִים.

ויהי מבשר לנו,
ונלך ונגיד לבני אדם, כי קם הוא מן המתים.
ואז יראו כל בני האדם את ישוע,
כי הוא הוא המשיח שנשלח מאת אלוהים.
ואז נוכל לבשר את הבשורה לכל העולם.

ישוע מלמד על תפילה.

16 [1]ואחרי כן, ביום השבת, הלכו יעקב ויוחנן
ושמעון אל בית הכנסת.
[2]ושם הוא החל ללמד את האנשים.
ורבים שמעו אותו ונדהמו.
[3]הם אמרו זה לזה, מי הוא האיש הזה,
ומאין לו חכמה כזאת.
[4]ויש אומרים כי הוא נביא גדול,
ויש אומרים כי הוא מלך ישראל.
[5]ישוע ענה להם ואמר,
אני אומר לכם כי אין זה נכון.
[6]אני אומר לכם כי הוא בן אלוהים,
ואין לו מלך על הארץ.
[7]ויש אומרים כי הוא נביא גדול,
אבל אין זה נכון.
[8]אני אומר לכם כי הוא בן אלוהים,
ואין לו מלך על הארץ.

٩ وهو أيضًا، يا ابنى، سيكون حذرًا بهم،
لأنهم سيسلمونك إلى مجالس،
وفى مجامعهم سيجلدونك.
١٠ وأمام حكام وملوك تُحضَر من أجلى،
شهادة لهم ولأمم.
١١ وعندما يأخذونك ليسلموك،
لا تهتم مسبقًا بما تقول،
ولا تتدرب على ما تتكلم به،
بل ما يُعطَى لك فى تلك الساعة،
تكلم به،
لأنكم لستم أنتم المتكلمين،
بل روح أبيكم هو المتكلم فيكم.

١٧ ١ وسيسلم الأخ أخاه للموت،
والأب الابن،
وسيقوم الأولاد على والديهم،
ويقتلونهم.
٢ وستكونون مكروهين من الجميع،
من أجل اسمى.
ولكن الذى يصبر إلى المنتهى،
فهذا يخلص.
٣ وعندما يطردونكم من مدينة،
اهربوا إلى أخرى،
فالحق أقول لكم،
لن تكملوا مدن إسرائيل،
حتى يأتى ابن الإنسان.
٤ ولا يكون تلميذ أفضل من معلمه،
ولا عبد أفضل من سيده.
٥ يكفى التلميذ أن يكون مثل معلمه،
والعبد مثل سيده.
فإن كانوا قد لقبوا رب البيت بعلزبول،
فكم بالحرى أهل بيته.
٦ فلا تخافوهم،
لأنه لا يوجد مخفى لن يُعلَن،
ولا خفى لن يُعرَف.
٧ ما أقوله لكم فى الظلمة،
قولوه فى النور،

ئۇ قۇدرەتلىك ئىشلارنى كۆرسەتكەنلىكى ئۈچۈن.
٨ لېكىن ئۇلار
ئۆزلىرىنى ئۆلۈمدىن قۇتقۇزغۇچى بولغان؛
٩ ئۇ ھەممىدىن ئېغىر
ئېغىر خەتەرلەردىن ئۇلارنى قۇتقۇزغان،
ھازىرمۇ قۇتقۇزىدۇ دەپ ئۈمىد قىلىمىز.
١٠ ئۇنىڭدىن باشقا يەنە
ئۇلارنىڭ دۇئالىرىغا جاۋاب بېرىپ،
ئۆلۈمگە ئوخشاش ئازابلارغا
ئۇلارنى ئۆزىگە ئوخشاش قىلىپ قويغان.
١١ سىلەرمۇ بىزگە ياردەم بېرىپ،
ئۇلارغا بېرىلگەن نېمەتلەرگە
نۇرغۇن كىشىلەرنىڭ دۇئا قىلىشى ئارقىلىق
ئۇلارغا شۈكۈر ئېيتىشىڭلار كېرەك.
١٢ چۈنكى بىزنىڭ پەخىرلىنىدىغىنىمىز،
ۋىجدانىمىزنىڭ گۇۋاھلىقىدۇر.
١٣ يەنى، بىز
ئۇلارغا دۇنيا ئالدىدا
ۋە سىلەرگە نىسبەتەن
ساپ نىيەت بىلەن
ئىلاھىي ئىلتىپات ئىچىدە ياشىدۇق.
١٤ بىز سىلەرگە
باشقا ھېچ نەرسىنى يازمايمىز،
پەقەت سىلەر ئوقۇپ چۈشىنىدىغان
ۋە ئېتىراپ قىلىدىغان نەرسىلەرنىلا يازىمىز.
١٥ ئۈمىد قىلىمىزكى، سىلەر
بىزنى قىسمەن چۈشەنگەن بولساڭلار،
ئاخىرىغىچە
بىزنىڭ پەخىرلىنىدىغىنىمىز بولىسىلەر.

מי אל כמוך, נושא עון ועבר על פשע
לשארית נחלתו. לא החזיק לעד אפו כי חפץ חסד הוא.

ז

[1] הוא ישוב ירחמנו, יכבוש עונתינו
ותשליך במצולות ים כל חטאתם.
[2] תתן אמת ליעקב, חסד לאברהם,
אשר נשבעת לאבותינו מימי קדם.
[3] ויהי ה' אלהינו עמנו,
ונלחם במלחמותיו.
[4] ונשב תחת גפנו ותחת תאנתו,
ונאכל מפרי עבותינו.
[5] כי הוא ה' אלהינו ואנחנו עמו,
ונשמר את מצוותיו.
[6] ונתן לנו את ארצו,
ונירשנו את ממלכותיו.
[7] ונשב בה לעולם,
ונעבוד את ה' בכל לבבנו.
[8] ונשמע לו ולא נמרה את פיו,
ונתן לו את כל כבודנו.

הַחֹסֶן לַחֲבִיב נַחֲלַת
מִי אֵל כָּמוֹךָ נֹשֵׂא עָוֹן, ט
וְעֹבֵר עַל פֶּשַׁע לִשְׁאֵרִית
נַחֲלָתוֹ. לֹא הֶחֱזִיק לָעַד אַפּוֹ,
כִּי חָפֵץ חֶסֶד הוּא. י
יָשׁוּב יְרַחֲמֵנוּ, יִכְבֹּשׁ עֲוֹנֹתֵינוּ,
וְתַשְׁלִיךְ בִּמְצֻלוֹת יָם כָּל חַטֹּאתָם.
יא תִּתֵּן אֱמֶת לְיַעֲקֹב, חֶסֶד לְאַבְרָהָם,
אֲשֶׁר נִשְׁבַּעְתָּ לַאֲבֹתֵינוּ מִימֵי קֶדֶם.
יב אִם חָטְאוּ אֲבוֹתֵינוּ לְפָנֶיךָ וְנִתְרַחֲקוּ
מִלְּהַלֵּךְ בְּדַרְכֶּךָ וְלִשְׁמֹר מִצְוֹתֶיךָ,
יג אַתָּה בְּרַחֲמֶיךָ הָרַבִּים תִּזְכֹּר לָנוּ
וְלֹא תַשְׁחִית אֶת עַמְּךָ.
יד אַתָּה הוּא אֱלֹהֵינוּ וְלֹא אֱלֹהֵי אֲחֵרִים,
אֲשֶׁר לֹא יָדְעוּ וְלֹא הִכִּירוּ אֶת שְׁמֶךָ.
טו אַתָּה הוּא אֱלֹהֵינוּ וְלֹא אֱלֹהֵי אֲחֵרִים,
אֲשֶׁר לֹא יָדְעוּ וְלֹא הִכִּירוּ אֶת שְׁמֶךָ.
טז אַתָּה הוּא אֱלֹהֵינוּ וְלֹא אֱלֹהֵי אֲחֵרִים,
אֲשֶׁר לֹא יָדְעוּ וְלֹא הִכִּירוּ אֶת שְׁמֶךָ.
יז אַתָּה הוּא אֱלֹהֵינוּ וְלֹא אֱלֹהֵי אֲחֵרִים,
אֲשֶׁר לֹא יָדְעוּ וְלֹא הִכִּירוּ אֶת שְׁמֶךָ.
יח אַתָּה הוּא אֱלֹהֵינוּ וְלֹא אֱלֹהֵי אֲחֵרִים,
אֲשֶׁר לֹא יָדְעוּ וְלֹא הִכִּירוּ אֶת שְׁמֶךָ.

.بلا لاَبنِهْ هنُبْ مَذِنْ ماَ لوما لِبْنِ
[١٩] ٥هَهلِيْكِهْ ذَمِشْبِ،
.بِبْ ماَ هَلَ هْبِهْبِ حَهْ بِ لِفَ هْمَ
[٢٠] هْمَ فَيْذِ هْبِ مَذِنْ بِ حِذَفَ هْمَ بِ٥هَبِهْبِ،
.بلا ماَيْجَهَ تِ٥هْبِلِ لاَهَبِجَ لِهْبِ
[٢١] هْحَتْ لِهْبِ لاَهْتِهْ بِبْلِ تَحَتْ هْمَذِنْ،
.بِهْلَ هِ بِ تِبْهَ لَ لاَهَبِهْبِحَ٥
[٢٢] هْحَتْ تَحَتْ بِ٥هَبِهْبِ لِتَبِهْبِحَ بِهْلَ حَلَ بِنْ،
.بِبْ لَ بِهْبِ٥هَبِهْبِ هِ٥
[٢٣] ٥هَ لوما بِ لاَهَبِهْبِ، ماَيْجَ لِهَبِهْبِ
.بِلَ٥هْ هِ بِلَ بِبْلِ٥هَ
[٢٤] حَ٥ لِهْبِ، ٥هَ لاَهَبِهْبِ لِهْبِ مَذِنْ بِلَ ماَيْجَهَ٥هَ،
.بِهْلَ٥هَبِهْبِ لِهْبِ لاَهَبِجَ لِهْبِ
[٢٥] بِجَ ٥هَبِهْبِ٥هَ٥ لِ هْنِهْبِ٥هَ٥هْنِ،
بِجَ لِجَذِ ٥هَ٥ لِ ٥هَبِهْبِ٥هَ٥؛
[٢٦] بِجَ لِجَ٥ ٥هَ٥ لِ هْنِجَ بِجَ،
.لِهْذَ٥ ٥هَ٥ لِ ٥هَبِلَ بِجَ٥
[٢٧] هْحَتْ لِبَ٥ حَتْ لِ ٥هَفِذَ٥ لِ ٥هَ هْنِجَ٥هَيِجَ،
لاَهْبِ هْبِلَ ذَمِ٥ لِ هْنِجَ٥هَ٥.
[٢٨] هْحَتْ لِبَ٥ حَتْ لِ ٥هَيِذَ٥ بِجَ٥ لِ ٥هَذِ٥ بِ٥هَ،
مَذِنْ لِبَ٥ لِ بِ٥هَ هْنِجَ٥هَ٥.
[٢٩] هْحَتْ لِهْبِ بِلَ٥ لِ٥هَ٥ ذَمِ٥ مَ٥ هْبِ٥ حَتْ،
.بِهْلَ٥هَ٥ مَ٥ هْنِجَ٥هَ٥ بِ٥هَبِهْبِ٥هَ٥

٣٠ هُوَ طَرِيقُهُ كَامِلٌ،
قَوْلُ الرَّبِّ مُمَحَّصٌ بِالنَّارِ،
هُوَ مِجَنٌّ لِكُلِّ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْهِ.
٣١ فَمَنْ هُوَ إِلٰهٌ غَيْرُ الرَّبِّ؟
وَمَنْ هُوَ صَخْرَةٌ إِلَّا إِلٰهُنَا؟
٣٢ إِلٰهُ الْقُوَّةِ هُوَ مِنْطَقَتِي بِالْبَأْسِ،
وَجَعَلَ طَرِيقِي كَامِلًا.
٣٣ جَعَلَ رِجْلَيَّ كَالظِّبْيَةِ،
وَعَلَى مُرْتَفَعَاتِي يُقِيمُنِي.
٣٤ هُوَ يُعَلِّمُ يَدَيَّ الْحَرْبَ،
فَتَنْحَنِي ذِرَاعَايَ عَلَى قَوْسٍ مِنْ نُحَاسٍ.
٣٥ وَتُعْطِينِي تُرْسَ خَلَاصِكَ،
وَيَمِينُكَ تَعْضُدُنِي،
وَتَوَاضُعُكَ يُعَظِّمُنِي.
٣٦ تُوَسِّعُ خَطْوَتِي تَحْتِي،
فَلَا تَتَزَعْزَعُ كَاحِلَايَ.
٣٧ أُطَارِدُ أَعْدَائِي فَأُدْرِكُهُمْ،
وَلَا أَرْجِعُ حَتَّى أُفْنِيَهُمْ.
٣٨ أَسْحَقُهُمْ فَلَا يَقْدِرُونَ أَنْ يَقُومُوا،
بَلْ يَسْقُطُونَ تَحْتَ رِجْلَيَّ.
٣٩ وَتُنَطِّقُنِي بِالْقُوَّةِ لِلْحَرْبِ،
وَتَصْرَعُ تَحْتِي الْقَائِمِينَ عَلَيَّ.
٤٠ وَتَجْعَلُ أَعْدَائِي يُوَلُّونَ الدُّبُرَ أَمَامِي،

.تبئنت نهنئ لمیلچ بلب یرو نلو لچلسوب
۴۱ مومیس نلوب، ربئ بلب ۵ وئ فجنئز،
مومیس نلوب، ۵ن نهنئز نفو مومیس نلوب.
۴۲ ومجمیڤت بب سڤجز فجز فمس ب بیح جفجز بیح پلچ لمیلچ
بب سئوف ذوفیڤلز بئز.
۴۳ ۵مس فیه بب مه بب فجفیڤیوئیڤلز جنهز،
مس فجمچه بب لژسئبوئز جیوفیڤلز،
جنهز جیز سڤلز چه ۵ئجز مهه جیز فلب یلب.
۴۴ جب عمنز ئهمس، چه یهب یلب،
حبت بوجڤیز چه عمهب یلب.
۴۵ حبت بوجڤیز لمیلچ چه یڤجڤیوئمس،
ومجمیڤلز چه ڤلب مه فلئسئمس.
۴۶ شئ ملچ نهنئ ۵حنجز ملچ ربئ یلب،
ومجمهڤنهز لژئش جوفهڤنهب.
۴۷ ژئش عمنز بمجمز ملچ نهب،
وفحیئنئز جنهمیڤز ۵سمه ژمب.
۴۸ حچ فیز بب مه ڤیز بب حچ،
چه فجمیز بب لیلچ مه نهنئز جنهب،
مه زئتز جلیلچمنز بب فیه حچ بب.
۴۹ حبه ژش، چه جنجیبوئ یه جوفیڤلز، ئ نهنئز،
ولیمفوئ چه ژمجز.
۵۰ حبژیڤ جوفهڤنهز ملچ لفلحچ،
ومئجزئز جلیلچمنز لمسیمز،

لذُه٠ بحُك لحلا: ٥ذيذ٥ بجه٠ لذُه٠.

لذحت لحلا لحتا: مراحة لحتا بجه٠.

١٩ ١ عبُتا بُه٠ لحه٠ لذُه٠ تا ٥ذُه٠ بُكُا،
٥ذحُتا بجه٠ لحتا ٥ذُه٠ تا لحتُه٠ ٥ذبُجُتا بجه٠.
٢ بحُه٠ لحبُه٠ لحتا بجه٠ لحه٠ لحتا ٥ذُه٠،
٥بُتا لحُتا لحتا بجه٠ لحتا ٥ذُه٠.
٣ بُه٠ ٥ذحُتا ٥بُه٠ لحتا ٥ذُه٠،
بحتا ٥ذُه٠ لحتا بجه٠ ٥ذُه٠ ٥ذحُتا بجه٠.
٤ لحكُه٠ بُكُا ٥ذُه٠ لحلا ٥ذُه٠ بُكُا،
٥لحبُتا بجه٠ لحتا ٥ذُه٠ بُكُا،
لا ٥ذحُتا لحبُه٠ بجه٠ لحتا ٥ذُه٠ بُكُا.
٥ ٥بُه٠ بُكُا ٥ذُه٠ لحلا بجه٠ لحتا ٥ذُه٠،
بحتا ٥ذُه٠ بُكُا ٥ذُه٠ لحلا بجه٠ لحتا ٥ذُه٠.
٦ بجه٠ لحتا ٥ذُه٠ بُكُا ٥ذُه٠ لحلا بجه٠،
٥بُتا لحُتا لحتا بجه٠ لحتا ٥ذُه٠ بُكُا،
٥بُه٠ ٥ذحُتا ٥بُه٠ لحتا ٥ذُه٠ بُكُا.
٧ ٥بُه٠ لحه٠ لحتا ٥ذُه٠ بُكُا ٥ذُه٠ لحلا بجه٠،
لحتا ٥ذُه٠ بُكُا ٥ذُه٠ لحلا بجه٠ لحتا ٥ذُه٠ بُكُا.
٨ ٥ذحُتا ٥بُه٠ لحتا ٥ذُه٠ بُكُا ٥ذُه٠ لحلا بجه٠،
٥بُتا لحُتا لحتا بجه٠ لحتا ٥ذُه٠ بُكُا.
٩ ٥ذحُتا ٥بُه٠ لحتا ٥ذُه٠ بُكُا ٥ذُه٠ لحلا بجه٠،
٥بُتا لحُتا لحتا بجه٠ لحتا ٥ذُه٠ بُكُا.

[10] הרס נתץ אותי מכל עבר, ואלך,
ויסע כעץ תקותי.
[11] וגם חרה אפו עלי,
ויחשבני לו כצריו.
[12] יחדו יבואו גדודיו,
ויסלו עליהם דרכם,
ויחנו סביבות אהלי.
[13] אחי מעליי הרחיק,
ומכיריי אך נזדרו לו.
[14] קרובי חדלו,
ומיודעי שכחוני.
[15] גרי ביתי ושפחותי
נכרי נחשבתי בעיניהם,
אהי זר בעיניהם.
[16] לעבדי קראתי ולא יענה,
בפי אתחנן לו.
[17] רוחי זרה לאשתי,
וחנותי לבני בטני.
[18] גם עוללים מאסו בי,
אקומה וידברו בי.
[19] תעבוני כל אנשי סודי,
ואשר אהבתי נהפכו עלי.
[20] בעורי ובבשרי דבקה עצמי,
ואמלטה בעור שיני.

[21] חנני חנני אתם רעי,
כי יד אלוה נגעה בי.
[22] למה תרדפוני כאלוה,
ומבשרי לא תשבעו.
[23] מי יתן אף אכתבון,
מי יתן בספר יחקון.
[24] בעט ברזל ועופרת,
לעד בצור יחצבון.
[25] ואני ידעתי גואלי חי,
ואחרון על עפר יקום.
[26] ואחרי הנקפו עורי זאת,
ומבשרי אחזה אלוה.
[27] אשר אני אחזה לי,
ועיני תראו ולא זר,
כלו כליותי בחיקי.
[28] כי תאמרו מה נרדפנו,
ושורש הדבר נמצא בי.
[29] גורו לכם מפני חרב,
כי חרון עונות חרב,
למען תדעון יש משפט.

צ׳ 20

[1] ואז ענה צופר הנעמתי ואמר,
[2] לכן שעפוני רוחי להשיב לי,
ובעבורי חישה בקרבי.
[3] מוסר כלמתי אשמע,
ורוח מבינתי תענני.
[4] הזאת ידעת מקדם,
מאז שום אדם על הארץ.
[5] כי רנת רשעים מקרוב,
ושמחת חנף כרגע.

صحيفة أيوب في يديه،
وأحرق بعضها في النار
على ذبيحة المحرقة.
٦ وأخذ بعض دمها في كأس،
وسكب الباقي عند قاعدة المذبح.
٧ ثم أخذ كتاب العهد،
وقرأه على مسامع الشعب.
فقالوا: «سنطيع كل ما أمر به الرب،
وسنكون مطيعين له».
٨ فأخذ الكهنة الدم،
ورشوه على الشعب،
وقالوا: «هذا هو دم العهد
الذي عقده الرب معكم
بناء على جميع هذه الكلمات».
٩ ثم صعد موسى،
وهارون، وناداب،
وسبعون من شيوخ إسرائيل.
١٠ ورأوا إله إسرائيل،
وتحت قدميه كان شيء
يشبه أرضية من الياقوت الأزرق،
صافٍ كالسماء.
١١ ولم يمد الله يده
على أشراف بني إسرائيل،
فرأوا الله،
وأكلوا وشربوا.
١٢ وقال الرب لموسى:
«اصعد إليّ إلى الجبل،
وكن هناك،
وسأعطيك لوحي الحجر
اللذين كتبت عليهما الشريعة
والوصايا لتعليمهم».
١٣ فقام موسى
ويشوع خادمه،
وصعد موسى إلى جبل الله.
١٤ وقال لشيوخ إسرائيل:
«انتظروا هنا حتى نرجع إليكم.
هارون وحور معكم،
فمن كان له دعوى
فليذهب إليهما».
١٥ فصعد موسى إلى الجبل،
وغطى السحاب الجبل.
١٦ وحل مجد الرب على جبل سيناء،
وغطاه السحاب ستة أيام.
وفي اليوم السابع
دعا الله موسى من وسط السحاب.

۷ همه‌ی مرا دیدند مسخره‌ام می‌کنند،
دهان باز می‌کنند و سر تکان می‌دهند.
۸ می‌گویند: «به خداوند توکل کرده،
پس بگذار او تو را نجات دهد.
اگر خدا تو را دوست دارد،
پس بگذار او تو را نجات دهد.»
۹ تو مرا از رحم مادرم بیرون آوردی،
و وقتی که بر سینه‌ی مادرم بودم،
تو مرا امنیت بخشیدی.
۱۰ از بدو تولد بر تو تکیه کرده‌ام،
و از شکم مادرم تو خدای من بوده‌ای.
۱۱ پس از من دور نشو،
زیرا که مشکلات نزدیک است،
و هیچ کس دیگر نیست که به من کمک کند.
۱۲ گاوهای زیادی مرا احاطه کرده‌اند،
گاوهای نیرومند باشان مرا محاصره کرده‌اند.
۱۳ دهان خود را برای من باز کرده‌اند،
مانند شیر درنده که طعمه‌اش را می‌درد.

برای رهبر آواز. بر آهنگ «آهوی سپیده‌دم». مزمور داود.

۲۲

۱ ای خدای من، ای خدای من،
چرا مرا ترک کرده‌ای؟
چرا دور مانده‌ای و به فریاد کمک من نمی‌رسی؟
۲ ای خدای من، روز و شب نزد تو فریاد می‌زنم،
اما تو جواب نمی‌دهی.
۳ اما تو قدوس هستی،
و بر تخت ستایش‌های اسرائیل جلوس می‌کنی.

٤ حبرو هحبذحصو بْبْضْتْ،
هحبذحصو حبرو، ٥حبرو سِيْ٥حو، حبرو.
٥ يْاحبرو ٥ضا تحبه ٥حْ٥، ٥ضا سِ٥ضحبه حبرو،
حبرو هحبذحصو، ٥ضا كحبه نحبه ٥ضا.
٦ ١بْا زْنا ٥ضا سِي ٥ضا ٥ضْا، ٥تْتْ،
ئ٥ضا دْبْتْئْتْ ٥ضحبهْبْا حبْضْا.
٧ حئْس٥ سِئْتْ ٥ضا بْ٥هيْذ حبه،
ضا بْ٥حْ٥ضا حْچْ٥ح٥، ضا ئْحْتْ ذِحْتْ، ضا حبْضْا:
٨ "زْذِ بْ٥حْ٥ضا حْچْ٥ح٥ ضْحْبْا، ٥ضا ٥ضْا فِي ٥ه٥، ٥ضا
٥حْ٥ضا فِيْس٥ حْ٥ه ضا ٥ضا ئْ٥هْ٥ضا ضا ٥ضا ٥ضا ٥ضا."
٩ ضْحْتْ زْتَ٥ ٥ضا ضْچْبْ ٥ضا ٥ضْا،
٥ضْا٥ضا ضا ٥ضْا ضْچْبْ حبرو ضا٥حْتْ ٥ضا ٥ضْا ٥ضا.
١٠ ضا٥ضا ٥ضا ضا ٥ضا ٥ضا حبرو،
زْئْس٥ ٥ضا ضا ٥ضا زْتَ٥ ٥ضا ٥ضا ٥ضا.
١١ ئْ ذْس٥ ٥ضا٥ ٥ضا٥ ضا٥ ٥ضا٥ضْتْ ٥ضا ٥ضْا،
٥ضا٥ضا ضا٥ ضا٥ ٥ضا٥ضا.
١٢ ضْس ٥ضا٥ ضا ٥ضا٥ ٥ضا٥ ذْتْ،
ضْس ٥ضا٥ ضا ٥ضا٥ ٥ضا٥ضْتْ ٥ضا٥ضْتْ.
١٣ ٥ضا٥ س٥ضا٥ ٥ضا٥ ٥ضا٥ ٥ضا٥ضا٥،
٥ضا٥ضا٥ ٥ضا٥ ٥ضا٥ ٥ضا٥ضا٥ ٥ضا٥ضا٥.
١٤ ٥ضا٥ ٥ضا٥ ٥ضا٥ ٥ضا٥ ٥ضا٥ضا٥،
٥ضا٥ضا٥ ٥ضا٥ ٥ضا٥ ٥ضا٥ضا٥ ٥ضا٥ضا٥،
٥ضا٥ ٥ضا٥ ٥ضا٥ ٥ضا٥ ٥ضا٥ضا٥ ٥ضا٥ضا٥،

قدرت من مثل سفال خشک شده است،
و زبانم به کام من چسبیده است؛
تو مرا در خاک موت خواهی نهاد.
۱۶ زیرا سگان مرا احاطه کرده‌اند،
و جماعت شریران مرا محاصره نموده‌اند؛
دست و پاهای مرا سوراخ کرده‌اند.
۱۷ می‌توانم تمام استخوانهای خود را بشمارم؛
ایشان نگاه کرده، مرا تماشا می‌کنند.
۱۸ رخت مرا در میان خود تقسیم می‌کنند،
و بر لباس من قرعه می‌اندازند.
۱۹ اما تو، ای خداوند، دور مشو؛
ای قوت من، به یاری من شتاب فرما.
۲۰ جان مرا از شمشیر رهایی بخش،
و یگانه مرا از چنگ سگان.
۲۱ مرا از دهان شیر نجات بده،
و از شاخهای گاوان وحشی.
۲۲ نام تو را برای برادرانم اعلام خواهم نمود،
و تو را در میان جماعت ستایش خواهم کرد.
۲۳ ای ترسندگان خداوند، او را تسبیح بخوانید!
ای تمامی ذریت یعقوب، او را تمجید نمایید!
و از او تمامی ذریت اسرائیل بترسند!
۲۴ زیرا که او مسکنت مسکین را خوار نشمرده،

وہ میری جان کو بحال کرتا ہے۔
وہ اپنے نام کی خاطر
مجھے صداقت کی راہوں پر چلاتا ہے۔
۴ اگرچہ میں موت کے سایہ کی وادی میں سے گزروں،
تو بھی کسی بدی سے نہ ڈروں گا
کیونکہ تُو میرے ساتھ ہے۔
تیرا عصا اور تیری لاٹھی
مجھے تسلی دیتی ہیں۔
۵ تُو میرے دشمنوں کے سامنے
میرے لئے دسترخوان بچھاتا ہے۔
تُو میرے سر پر تیل ملتا ہے
اور میرا پیالہ لبالب بھر جاتا ہے۔
۶ یقیناً میری پوری زندگی میں
تیری نیکی اور شفقت میرے ساتھ رہیں گی،
اور میں ہمیشہ تک
خداوند کے گھر میں بسا رہوں گا۔

داؤد کا زبور۔

۲۴ ۱ زمین اور اس کی ہر چیز خداوند کی ہے،
دنیا اور اس کے سب باشندے بھی۔
۲ کیونکہ اُس نے زمین کو سمندروں پر بچھایا
اور اسے دریاؤں پر قائم کیا۔
۳ خداوند کے پہاڑ پر کون چڑھ سکتا ہے؟
اُس کے مقدس مقام میں کون کھڑا ہو سکتا ہے؟
۴ صرف وہ جس کے ہاتھ اور دل پاک ہیں،
جو جھوٹی چیزوں پر بھروسا نہ کرے
اور جھوٹی قسم نہ کھائے۔
۵ ایسا شخص خداوند سے برکت پائے گا،
اور اُس کا نجات دہندہ خدا اُسے راست باز ٹھہرائے گا۔
۶ ایسے لوگ خدا کے طالب ہیں،
اور یعقوب کے خدا کے حضور آتے ہیں۔

٣ כי אני ידעתי פשעי,
וחטאתי נגדי תמיד.
٤ לך לבדך חטאתי ורע בעיניך עשיתי,
למען תצדק בדברך, תזכה בשפטך.
٥ הן בעון חוללתי, ובחטא יחמתני אמי.
٦ הן אמת חפצת בטוחות, ובסתם חכמה תודיעני.
٧ תחטאני באזוב ואטהר, תכבסני ומשלג אלבין.
٨ תשמיעני ששון ושמחה, תגלנה עצמות דכית.
٩ הסתר פניך מחטאי, ומכל עוני מחה.
١٠ לב טהור ברא לי אלהים, ורוח נכון חדש בקרבי.
١١ אל תשליכני מלפניך, ורוח קדשך אל תקח ממני.
١٢ השיבה לי ששון ישעך, ורוח נדיבה תסמכני.
١٣ אלמדה פשעים דרכיך, וחטאים אליך ישובו.
١٤ הצילני מדמים אלהים, אלהי תשועתי,
תרנן לשוני צדקתך.
١٥ אדני שפתי תפתח, ופי יגיד תהלתך.
١٦ כי לא תחפץ זבח ואתנה, עולה לא תרצה.
١٧ זבחי אלהים רוח נשברה, לב נשבר ונדכה אלהים לא תבזה.
١٨ היטיבה ברצונך את ציון, תבנה חומות ירושלם.
١٩ אז תחפץ זבחי צדק עולה וכליל, אז יעלו על מזבחך פרים.

תהלים כד

١ לדוד מזמור, לה הארץ ומלואה, תבל וישבי בה.
٢ כי הוא על ימים יסדה, ועל נהרות יכוננה.
٣ מי יעלה בהר יהוה, ומי יקום במקום קדשו?
٤ נקי כפים ובר לבב, אשר לא נשא לשוא נפשי, ולא נשבע למרמה.
٥ ישא ברכה מאת יהוה, וצדקה מאלהי ישעו.

٦ أَوْ مِنْ بَعْدِ أَنْ يَقُولَ،
لَقَدْ تَغَلَّبْتُ عَلَيْهِ. وَلَا يَبْتَهِجُ مُضَايِقِي إِنْ تَزَعْزَعْتُ.
٧ لِأَنَّكَ، يَا يَهْوَهْ، بِرِضَاكَ
جَعَلْتَ جَبَلِي قَوِيًّا.
حَجَبْتَ وَجْهَكَ، فَارْتَعْتُ.
٨ إِلَيْكَ، يَا يَهْوَهْ، أَدْعُو؛
وَإِلَى سَيِّدِي أَتَضَرَّعُ:
٩ مَاذَا فِي دَمِي إِنْ نَزَلْتُ إِلَى الْحُفْرَةِ؟
هَلْ يَحْمَدُكَ التُّرَابُ؟
هَلْ يُخْبِرُ بِحَقِّكَ؟
١٠ اسْمَعْ، يَا يَهْوَهْ، وَارْحَمْنِي؛
يَا يَهْوَهْ، كُنْ مُعِينًا لِي.

مزمور داود.

٢٥ ١ إِلَيْكَ، يَا يَهْوَهْ، أَرْفَعُ نَفْسِي.
٢ إِلَهِي عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ،
فَلَا تُخْزِنِي،
وَلَا تَدَعْ أَعْدَائِي يَشْمَتُونَ بِي.
٣ لِأَنَّ كُلَّ مَنْ يَرْجُوكَ لَا يَخْزَى،
بَلْ يَخْزَى الْغَادِرُونَ بِلَا سَبَبٍ.
٤ عَرِّفْنِي، يَا يَهْوَهْ، طُرُقَكَ،

ועבטיחם לא יפלטו.
כה כשאגה לו כגור ישאג כי שאג וחרק טרף,
והחזיק ואין מציל.
כט וישאג עליו ביום ההוא כשאון ים,
והביט לארץ והנה חשך צוקה ואור חשך בעריפיה.

פרק ו

א בשנת מות המלך עזיהו וארא את אדני יושב על כסא רם ונשא,
ושוליו מלאים את ההיכל.
ב שרפים עומדים ממעל לו שש כנפות שש כנפות לאחד בשתים יכסה פניו,
ובשתים יכסה רגליו ובשתים יעופף.
ג וקרא זה אל זה ואמר קדוש קדוש קדוש יהוה צבאות,
מלא כל הארץ כבודו.
ד ויתעערו אמות הספים מקול הקורא,
והבית יתמלא עשן.
ה ואמר אוי לי כי נדמיתי כי איש טמא שפתים אנכי,
ובתוך עם טמא שפתים אנכי יושב כי את המלך יהוה צבאות ראו עיני.
ו ויעף אלי אחד מן השרפים ובידו רצפה במלקחים לקח מעל המזבח.
ז ויגע על פי ויאמר הנה נגע זה על שפתיך,
וסר עונך וחטאתך תכופר.
ח ואשמע את קול אדני אמר את מי אשלח ומי ילך לנו,
ואמר הנני שלחני.
ט ויאמר לך ואמרת לעם הזה שמעו שמוע ואל תבינו,
וראו ראו ואל תדעו.
י השמן את לב העם הזה ואזניו הכבד ועיניו השע,
פן יראה בעיניו ובאזניו ישמע ולבו יבין ושב ורפא לו.
יא ואמר עד מתי אדני ויאמר עד אשר אם שוממו ערים מאין יושב,
ובתים מאין אדם והאדמה תשומם שממה.
יב ורחק יהוה את האדם והרבתה העזובה בקרב הארץ.
יג ועוד בה עשירית ושבה והיתה לבער כאלה וכאלון,
אשר בשלכת מצבה בהם זרע קדש מצבתה.

פרק ז

א ויהי בימי אחז בן יותם בן עזיהו מלך יהודה ויעל רצין מלך ארם,
ופקח מלך ישראל על ירושלם למלחמה עליה ולא יכול להלחם עליה.
ב ויגד לבית דוד לאמר נחה ארם על אפרים,
וינע לבבו ולבב עמו כנוע עצי היער מפני הרוח.
ג ויאמר יהוה אל ישעיהו צא נא לקראת אחז אתה ושאר ישוב בנך,
אל קצה תעלת הברכה העליונה אל מסלת שדה כובס.
ד ואמרת אליו השמר והשקט אל תירא ולבבך אל ירך,
משני זנבות האשתים האלה מפני חרון אף רצין וארם ובן רמליהו.
ה יען כי יעץ עליך ארם רע אפרים ובן רמליהו לאמר,
ו נעלה ביהודה ונקיצנה ונבקענה אלינו ונמליך מלך בתוכה את בן טבאל.
ז כה אמר אדני יהוה לא תקום ולא תהיה,
ח כי ראש ארם דמשק ורצין ראש דמשק ובעוד שישים וחמש שנה יחת אפרים מעם.
ט וראש אפרים שמרון וראש שמרון בן רמליהו אם לא תאמינו כי לא תאמנו.
י ויוסף יהוה דבר אל אחז לאמר,
יא שאל לך אות מעם יהוה אלהיך העמק שאלה או הגבה למעלה.
יב ויאמר אחז לא אשאל ולא אנסה את יהוה.
יג ויאמר שמעו נא בית דוד המעט מכם הלאות אנשים כי תלאו גם את אלהי.
יד לכן יתן אדני הוא לכם אות הנה העלמה הרה וילדת בן וקראת שמו עמנואל.
טו חמאה ודבש יאכל לדעתו מאוס ברע ובחור בטוב.
טז כי בטרם ידע הנער מאוס ברע ובחור בטוב תעזב האדמה אשר אתה קץ מפני שני מלכיה.
יז יבא יהוה עליך ועל עמך ועל בית אביך ימים אשר לא באו למיום סור אפרים מעל יהודה את מלך אשור.
יח והיה ביום ההוא ישרק יהוה לזבוב אשר בקצה יאורי מצרים ולדבורה אשר בארץ אשור.
יט ובאו וינוחו כלם בנחלי הבתולים ובנקיקי הסלעים ובכל הנהלים ובכל השיחים.
כ ביום ההוא יגלח אדני בתער השכירה בעברי נהר בכר את ראש ושער הרגלים וגם את הזקן תספה.
כא והיה ביום ההוא יחיה איש עגלת בקר ושתי צאן.
כב והיה מרב עשות חלב יאכל חמאה כי חמאה ודבש יאכל כל הנותר בקרב הארץ.
כג והיה ביום ההוא כל מקום אשר יהיו שם אלף גפן באלף כסף לשמיר ולשית יהיה.
כד בחצים ובקשת יבא שמה כי שמיר ושית יהיה כל הארץ.
כה וכל ההרים אשר בעדר יעדרו לא תבא שמה יראת שמיר ושית ושלחה שור ומרמס צאן יהיו.

פרק ח

א ויאמר יהוה אלי קח לך גליון גדול וכתב עליו בחרט אנוש למהר שלל חש בז לאבד.
ב ואעידה לי עדים נאמנים את אוריה הכהן ואת זכריהו בן יברכיהו.
ג ואקרב אל הנביאה ותהר וילד בן ויאמר יהוה אלי קרא שמו מהר שלל חש בז.
ד כי בטרם ידע הילד קרא אבי ואמי ישא את חיל דמשק ואת שלל שמרון לפני מלך אשור.
ה ויוסף יהוה דבר אלי עוד לאמר,
ו יען כי מאס העם הזה את מי השלח ההלכים לאט ומשוש את רצין ובן רמליהו.
ז לכן הנה אדני מעלה עליהם את מי הנהר עזים ורבים את מלך אשור ואת כל כבודו,
ועלה על כל אפיקיו והלך על כל גדותיו.
ח ועבר ביהודה שטף ונגף ונטה עד צואר יגיע ויהי מפשי כנפיו מלא רחב ארצך עמנואל.
ט רועו עמים והתחתו ואזינו כל מרחקי ארץ התאזרו והתחתו התאזרו והתחתו.
י עצו עצה ותפר דברו דבר ולא יקום כי עמנו אל.
יא כי כה אמר יהוה אלי בחזקת היד ויסרני מלכת בדרך העם הזה לאמר,
יב אל תאמרו קשר לכל אשר יאמר העם הזה קשר ואת מוראו אל תיראו ואל תערצו.
יג את יהוה צבאות אתו תקדישו והוא מוראכם והוא מערצכם.
יד והיה למקדש ולאבן נגף ולצור מכשול לשני בתי ישראל לפח ולמוקש ליושב ירושלם.
טו וכשלו בם רבים ונפלו ונשברו ונוקשו ונלכדו.
טז צור עדות חתום תורה בלמדי.
יז וחכיתי ליהוה המסתיר פניו מבית יעקב וקויתי לו.
יח הנה אני והילדים אשר נתן לי יהוה לאתות ולמופתים בישראל מעם יהוה צבאות שכן בהר ציון.
יט וכי יאמרו אליכם דרשו אל האבות ואל הידעונים המצפצפים והמהגים הלא עם אלהיו ידרוש בעד החיים אל המתים.
כ לתורה ולתעודה אם לא יאמרו כדבר הזה אשר אין לו שחר.
כא ועבר בה נקשה ורעב והיה כי ירעב והתקצף וקלל במלכו ובאלהיו ופנה למעלה.
כב ואל ארץ יביט והנה צוקה וחשכה מעוף צוקה ומאפל נדחה.

פרק ט

א כי לא מועף למוצקה כאשר הקל בעת הראשון את ארץ זבולן וארץ נפתלי והכבד באחרון את דרך הים עבר הירדן גלילת הגוים.
ב העם ההלכים בחשך ראו אור גדול יושבי בארץ צלמות אור נגה עליהם.
ג הרבית הגוי לו הגדלת השמחה שמחו לפניך כשמחת בקציר כאשר יגילו בחלקם בשלל.
ד כי את עול סבלו ואת מטה שכמו שבט נגשו הפרת כיום מדין.
ה כי כל סאן סואן ברעש ושלמה מגולגל בדמים והיתה לשרפה מאכלת אש.
ו כי ילד ילד לנו בן נתן לנו ותהי המשרה על שכמו ויקרא שמו פלא יועץ אל גבור אבי עד שר שלום.
ז לרב המשרה ולשלום אין קץ על כסא דוד ועל ממלכתו להכין אתה ולסעדה במשפט ובצדקה מעתה ועד עולם קנאת יהוה צבאות תעשה זאת.
ח דבר שלח אדני ביעקב ונפל בישראל.
ט וידעו כל העם אפרים ויושב שמרון בגאון ובגדל לבב לאמר.
י לבנים נפלו וגזית נבנה שקמים כרתו וארזים נחליף.
יא וישגב יהוה את צרי רצין עליו וסכסך את אויביו.
יב ארם מקדם ופלשתים מאחור ויאכלו את ישראל בכל פה בזאת לא שב אפו ועוד ידו נטויה.
יג והעם לא שב עד המכהו ואת יהוה צבאות לא דרשו.
יד וישחת יהוה מישראל ראש וזנב כפה וגמא יום אחד.
טו הזקן והנשוא הוא הראש והנביא מורה שקר הוא הזנב.
טז ומאשרי העם הזה מתעים ומאשריו מבלעים.
יז על כן על בחוריו לא ישמח אדני ואת יתומיו ואת אלמנותיו לא ירחם כי כלם חנף ומרע וכל פה דבר נבלה בזאת לא שב אפו ועוד ידו נטויה.
יח כי בערה כאש רשעה שמיר ושית תאכל ותצת בסבכי היער ויתאבכו עלות עשן.
יט בעברת יהוה צבאות נעתם ארץ והיה העם כמאכלת אש איש על אחיו לא יחמול.
כ ויגזר על ימין ורעב ואכל על שמאל ולא תשבענה איש בשר זרעו יאכל.
כא מנשה את אפרים ואפרים את מנשה יחדו הם על יהודה בזאת לא שב אפו ועוד ידו נטויה.

פרק י

א הוי חוקקי חקי און ומכתבים עמלי כתבו עמל.
ב להטות דלים ממשפט ולגזל עניי עמי למען יהיה אלמנות שללם ויתומים יבוזו.
ג ומה תעשו ליום פקדה ולשואה מרחוק תבא על מי תנוסו לעזרה ואיה תניחו כבודכם.
ד בל יכרעו תחת אסיר ותחת הרוגים יפלו בזאת לא שב אפו ועוד ידו נטויה.
ה הוי אשור שבט אפי ומטה היא בידם זעמי.
ו אל גוי חנף אשלחנו ועל עם עברתי אצוה לשלל שלל וטרף טרף ולשום מדרס לרמס כטיט חוצות.
ז והוא לא כן יחשב ולבבו לא כן ידמה כי אם להשמיד ולהכרית גוים לא מעטים.
ח כי יאמר הלא שרי יחדו מלכים.
ט הלא כלנו כאשר עשיתי לכרכמיש אם לא כאשר עשיתי לקרקמיש הלא כחמת כארפד אם לא כשמרון כדמשק.
י כאשר מצאה ידי לממלכות האלילים ופסיליהם מירושלם ומשמרון.
יא הלא כאשר עשיתי לשמרון ולאלילה כן אעשה לירושלם ולעציביה.
יב והיה כי יכלה אדני את כל מעשהו בהר ציון ובירושלם אפקד על פרי גדל לב מלך אשור ועל תפארת רום עיניו.
יג כי אמר בכח ידי עשיתי ובחכמתי כי נבנתי ואסיר גבולות עמים ואוצרותיהם שללתי ואוריד כאביר יושבים.
יד ותמצא כקן ידי חיל העמים וכאסף ביצים עזובות כל הארץ אני אספתי ואין נד פוצה ומצפצף.
טו הישתבח הגרזן על החוצב בו אם יתגדל המגרה על מניפיו כמו שבט את מרימיו כמו מטה את אשר אינו עץ.
טז לכן יאמר האדון יהוה צבאות אל השמנים בכבודו ותחת כבודו יוקד יוקד כאש.
יז והיה אור ישראל לאש וקדושו ללהבה ובערה ואכלה שיתו וסמירו ביום אחד.
יח ויער יערו וכרמלו מנפש ועד בשר יכלה והיה כמסס נס.
יט ושאר עצי יערו מספר יהיו ונער יכתבם.
כ והיה ביום ההוא לא יוסיף עוד שארית ישראל ופליטת בית יעקב להשען על מכהו והשען על יהוה קדוש ישראל באמת.
כא שאר ישוב שאר יעקב אל אל גבור.
כב כי אם יהיה עמך ישראל כחול הים שאר בו ישוב כלה חרוצה שוטפת צדקה.
כג כי כלה ונחרצה אדני יהוה צבאות עשה בקרב כל הארץ.
כד לכן כה אמר אדני יהוה צבאות אל תיראי עמי יושב ציון מאשור בשבט יכך ומטהו ישא עליך בדרך מצרים.
כה ועוד מעט מזער ותם זעם ואפי בכלותם.
כו והעיר עליו יהוה צבאות שוט כמכת מדין בצור עורב ומטהו על הים והרימו בדרך מצרים.
כז והיה ביום ההוא יסור סבלו מעל שכמך ועלו מעל צוארך ונשחת עול מפני שמן.
כח בא על עית עבר במגרון למכמש יפקיד כליו.
כט עברו מעברה גבע מקום לנו הרמה חרדה שאול גבעת שאול נסה.
ל רני קולך בת גלים הקשיבי לישה ענתות.
לא נדדה מדמנה יושבי הגבים העזו.
לב עוד היום בנוב לעמד יניף ידו הר בת ציון גבעת ירושלם.
לג הנה האדון יהוה צבאות מערץ פארה במגרעה ורמי הקומה גדועים והגבהים שפלים.
לד וקצה את סבכי היער בברזל והלבנון באדיר יפול.

פרק יא

א והיה נצר מגזע ישי וחטר משרשיו יפרה.
ב ונחה עליו רוח יהוה רוח חכמה ובינה רוח עצה וגבורה רוח דעת ויראת יהוה.
ג והריחו ביראת יהוה ולא למראה עיניו ישפוט ולא למשמע אזניו יוכיח.
ד ושפט בצדק דלים והוכיח במישור לענוי ארץ והכה ארץ בשבט פיו וברוח שפתיו ימית רשע.
ה והיה צדק אזור מתניו והאמונה אזור חלציו.
ו וגר זאב עם כבש ונמר עם גדי ירבץ ועגל וכפיר ומריא יחדו ונער קטן נהג בם.
ז ופרה ודב תרעינה יחד ירבצו ילדיהן ואריה כבקר יאכל תבן.
ח ושעשע יונק על חר פתין ועל מאורת צפעוני גמול ידו הדה.
ט לא ירעו ולא ישחיתו בכל הר קדשי כי מלאה הארץ דעה את יהוה כמים לים מכסים.
י והיה ביום ההוא שרש ישי אשר עמד לנס עמים אליו גוים ידרשו והיתה מנוחתו כבוד.
יא והיה ביום ההוא יוסיף אדני שנית ידו לקנות את שארית עמו אשר ישאר מאשור וממצרים ומפתרוס ומכוש ומעילם ומשנער ומחמת ומאיי הים.
יב ונשא נס לגוים ואסף נדחי ישראל וכנסות יהודה יקבץ מארבע כנפות הארץ.
יג וסרה קנאת אפרים וצרי יהודה יכרתו אפרים לא יקנא את יהודה ויהודה לא יצר את אפרים.
יד ועפו בכתף פלשתים ימה יבזו יחד את בני קדם אדום ומואב משלוח ידם ובני עמון משמעתם.
טו והחרים יהוה את לשון ים מצרים והניף ידו על הנהר ברוחו והכהו לשבעה נחלים והדריך בנעלים.
טז והיתה מסלה לשארית עמו אשר ישאר מאשור כאשר היתה לישראל ביום עלתו מארץ מצרים.

פרק יב

א ואמרת ביום ההוא אודך יהוה כי אנפת בי ישב אפך ותנחמני.
ב הנה אל ישועתי אבטח ולא אפחד כי עזי וזמרת יה יהוה ויהי לי לישועה.
ג ושאבתם מים בששון ממעיני הישועה.
ד ואמרתם ביום ההוא הודו ליהוה קראו בשמו הודיעו בעמים עלילותיו הזכירו כי נשגב שמו.
ה זמרו ליהוה כי גאות עשה מודעת זאת בכל הארץ.
ו צהלי ורני יושבת ציון כי גדול בקרבך קדוש ישראל.

פרק יג

א משא בבל אשר חזה ישעיהו בן אמוץ.
ב על הר נשא הרימו נס הגביהו יד ויבאו פתחי נדיבים.
ג אני צויתי למקדשי גם קראתי גבורי לאפי עלזי גאותי.
ד קול המון בהרים דמות עם רב קול שאון ממלכות גוים נאספים יהוה צבאות פקד צבא מלחמה.
ה באים מארץ מרחק מקצה השמים יהוה וכלי זעמו להשחית כל הארץ.
ו הילילו כי קרוב יום יהוה כשד משדי יבוא.
ז על כן כל ידים תרפינה וכל לב אנוש ימס.
ח ונבהלו צירים וחבלים יאחזון כיולדה יתחילון איש אל רעהו יתמהו פני להבות פניהם.
ט הנה יום יהוה בא אכזר ועברה וחרון אף לשום הארץ לשמה ואת חטאיה ישמיד ממנה.
י כי כוכבי השמים וכסיליהם לא יהלו אורם חשך בצאתו בירח לא יגיה אורו.
יא ופקדתי על תבל רעה ועל רשעים עונם והשבתי גאון זדים ושפלות עריצים אשפיל.
יב אקר אנוש מפז ואדם מכתם אופיר.
יג כי על כן רגז שמים ותרעש הארץ ממקומה בעברת יהוה צבאות וביום חרון אפו.
יד והיה כצבי מרדף וכצאן אין מקבץ איש אל עמו יפנו ואיש אל ארצו ינוסו.
טו כל הנמצא ידקר וכל הנספה יפל בחרב.
טז ועולליהם ירטשו לעיניהם תשסינה בתיהם ונשיהם תשכבנה.
יז הנני מעיר עליהם את מדי הכסף לא יחפצו ובזהב לא ירצו בו.
יח וקשתות נערים תרטשנה ופרי בטן לא ירחמו על בנים לא תחוס עינם.
יט והיתה בבל צבי ממלכות תפארת גאון כשדים כמהפכת אלהים את סדם ואת עמרה.
כ לא תשב לנצח ולא תשכון עד דור ודור ולא יהל שם ערבי ורעים לא ירבצו שם.
כא ורבצו שם ציים ומלאו בתיהם אחים ושכנו שם בנות יענה ושעירים ירקדו שם.
כב וענו איים בארמנותיו ותנים בהיכלי ענג וקרוב לבוא עתה וימיה לא יאריכו.

פרק יד

א כי ירחם יהוה את יעקב ובחר עוד בישראל והניחם על אדמתם ונלוה הגר עליהם ונספחו על בית יעקב.
ב ולקחום עמים והביאום אל מקומם ויתנחלום בית ישראל על אדמת יהוה לעבדים ולשפחות והיו שבים לשובים בהם ורדו בנגשיהם ומשלו.
ג והיה ביום הניח יהוה לך מעצבך ומרגזך ומן העבדה הקשה אשר עבדת בה.
ד ונשאת המשל הזה על מלך בבל ואמרת איכה שבת נגש שבתה מדהבה.
ה שבר יהוה מטה רשעים שבט מושלים.
ו מכה עמים בעברה מכת בלתי סר רודה באף גוים נרדפה בלי חשך.
ז נחה שקטה כל הארץ פצחו רנה.
ח גם ברושים שמחו עליך ארזי לבנון לאמר מאז שכבת לא יעלה הכורת עלינו.
ט שאול מתחת רגזה לך לקראת בואך עורר לך רפאים כל עתודי ארץ הקים מכסאותם כל מלכי גוים.
י כלם יענו ויאמרו אליך גם אתה חלית כמונו אלינו נמשלת.
יא הורד שאול גאונך המון נבליך תחתיך מצע רמה ומכסיך תולעה.
יב איך נפלת משמים הילל בן שחר נגדעת לארץ חולש על גוים.
יג ואתה אמרת בלבבך השמים אעלה ממעל לכוכבי אל ארים כסאי ואשב בהר מועד בירכתי צפון.
יד אעלה על במתי עב אדמה לעליון.
טו אך אל שאול תורד אל ירכתי בור.
טז ראיך אליך יביטו אליך יתבוננו הזה האיש מרגיז הארץ מרעיש ממלכות.
יז שם תבל כמדבר וערים הרס שבוי לא פתח בית אסיריו.
יח כל מלכי גוים כלם שכבו בכבוד איש בביתו.
יט ואתה הושלכת מקברך כנצר נתעב לבוש הרוגי חרב יורדי אל אבני בור כפגר מובס.
כ לא תחבר אתם בקבורה כי ארצך שחת עמך הרגת לא יקרא לעולם זרע מרעים.
כא הכינו לבניו מטבחה בעון אבותם בל יקמו וירשו ארץ ומלאו פני תבל ערים.
כב וקמתי עליהם נאם יהוה צבאות והכרתי לבבל שם ושאר ונין ונכד נאם יהוה.
כג ושמתיה למורשת קפד ואגמי מים וטאטאתיה במטאטא השמד אמר יהוה צבאות.
כד נשבע יהוה צבאות לאמר אם לא כאשר דמיתי כן היה ואם לא כאשר יעצתי היא תקום.
כה לשבר אשור בארצי ועל הרי אבוסנו ירמסנו והסיר מעליהם עולו וסבלו מעל שכמו יסור.
כו זאת העצה היעוצה על כל הארץ הזאת והנטויה על כל הגוים.
כז כי יהוה צבאות יעץ ומי יפר ידו הנטויה היא ומי ישיבנה.
כח בשנת מות המלך אחז היה המשא הזה.
כט אל תשמחי פלשת כלך כי נשבר שבט מכך כי משרש נחש יצא צפע ופריו שרף מעופף.
ל ורעו בכורי דל ואביונים לבטח ירבצו והמתי ברעב שרשך והשאריתך יהרג.
לא הילילי שער זעקי עיר נמוגת פלשת כלך כי עשן מצפון בא ואין בודד במועדיו.
לב ומה יענה מלאכי גוי כי יהוה יסד ציון ובה יחסו עניי עמו.

פרק טו

א משא מואב כי בלילה שדד ער מואב כי בלילה דמם קיר מואב.
ב עלה הבית ודיבון הבמות לבכות על נבו ועל מידבא מואב יילל בכל ראשיו קרחה כל זקן גרעה.
ג בחוצותיה חגרו שק על גגותיה וברחבותיה כל יילל ירד בבכי.
ד ותזעק חשבון ואלעלה עד יהץ נשמעה קולם על כן חלוצי מואב יריעו נפשו לו.
ה לבי למואב יזעק בריחיה עד צוער עגלת שלשיה כי במעלה לוחית בבכי יעלה כי בדרך חורנים יעורו זעקת שבר.
ו כי מי נמרים למשמות יהיו כי יבשו חציר כלה דשא ירק לא היה.
ז על כן יתרת עשה ופקדתם על נחל הערבים ישאום.
ח כי הקיפה זעקה את גבול מואב עד אגלים יללתה ועד באר אילים יללתה.
ט כי מי דימון מלאו דם כי אשית על דימון נוספות לפליטת מואב ולשארית אדמה.

פרק טז

א שלחו כר מושל ארץ מסלע מדבר אל הר בת ציון.
ב והיו כעוף נדד קן משלחות בנות מואב מעברות ארנון.
ג הביאו עצה עשו פלילה שיתי כלילה בתוך צהרים הסתירי נדחים נוד לא הגלית.
ד יגורו בך נדחי מואב היה להם סתר מפני שודד כי אפס מוץ כלה שוד תם רמס מן הארץ.
ה והוכן בחסד כסא ויישב עליו באמת באהל דוד שפט ודורש משפט ומהר צדק.
ו שמענו גאון מואב גאה מאד גאותו וגאונו ועברתו לא כן בדיו לא כן יעשו.
ז לכן מואב ליללות ילליו כלו אך לקיר חרשת קיר חרשת אך נגועים.
ח כי שדמות חשבון אמלל גפן שבמה בעלי גוים הכו שרקותיה עד יעזר נבכו מדבר שלחותיה עברו ים.
ט על כן אבכה בבכי יעזר גפן שבמה ארוך דמעתי חשבון ואלעלה כי על קיצך ועל קצירך הידד נפל.
י ונאספה שמחה וגיל מן הכרמל ובכרמים לא ירנן ולא יריע יין בגתות לא ידרך הידד השבתי.
יא על כן מעי למואב כנור יהמיון וקרבי לקיר חרשת.
יב והיה כי נראה כי נלאה מואב על הבמה ובא אל מקדשו להתפלל ולא יוכל.
יג זה הדבר אשר דבר יהוה על מואב מאז.
יד ועתה דבר יהוה לאמר בשלש שנים כשני שכיר ונקלה כבוד מואב בכל ההמון הרב והשארית מעט מזער לא כביר.

פרק יז

א משא דמשק הנה דמשק מוסר מהיות עיר והיתה מפלה גל.
ב עזובות ערי ערוער לעדרים תהיינה והרבצו ואין מחריד.
ג ונסתם מבצר מאפרים וממלכה מדמשק ושארית ארם כבוד בני ישראל היו נאם יהוה צבאות.
ד והיה ביום ההוא ידל כבוד יעקב ושמן בשרו ירזה.
ה והיה כאסף קמיר קציר ידו וזרועו שבלים יקצור והיה כמלקט שבלים בעמק רפאים.
ו ונשאר בו עוללות כנקף זית שנים שלשה גרגרים בראש אמיר ארבעה חמשה בסעיפיה פרי נאם יהוה אלהי ישראל.
ז ביום ההוא יישעה האדם על עשהו ועיניו אל קדוש ישראל תראינה.
ח ולא יישעה אל המזבחות מעשה ידיו לא יראה ואשר עשו אצבעותיו לא יכבד האשרים והחמנים.
ט ביום ההוא יהיו ערי מבצרו כעזובת החורי והאמירי אשר עזבו מפני בני ישראל והיתה שממה.
י כי שכחת אלהי ישעך וצור מעוזך לא זכרת על כן תטע נטעי נעמנים וזמורת זר תשתול.
יא ביום נטעך תשגשגי ובבקר זרעך תפריחי נד קציר ביום נחלה ומכאוב אנוש.
יב הוי המון עמים רבים כהמות ימים ישאגון ושאון לאמים כשאון מים כבירים ישאונו.
יג לאמים כשאון מים רבים ישאון וגער בו ונס למרחוק והורדף כמוץ הרים לפני רוח וכגלגל לפני סופה.
יד לעת ערב והנה בלהה בטרם בוקר איננו זה חלק שוסינו וגורל בזזינו.

פרק יח

א הוי ארץ צלצל כנפים אשר מעבר לנהרי כוש.
ב השלחת בים גמאים ובכלי אבי על פני מים לכו מלאכים קלים אל גוי ממשך וזוחח אל עם נורא מהיותם עד הנה גוי קו קו ומבוסה אשר בזו נהרים ארצו.
ג כל יושבי תבל ושכני ארץ כנשוא נס ההרים תראו וכתקוע שופר תשמעו.
ד כי כה אמר יהוה אלי אשקטה ואביטה במכוני כחום צח על אור כענן טל בחום קציר.
ה כי לפני קציר כאשר תתם הציץ ויהי בוסר נץ תבשיל ונתח זלזלותיו במזמרות וסלסל הסיר ונתש.
ו יעזבו יחדו לעיט ההרים ולבהמת הארץ ועליו יקיץ העיט וכל בהמת הארץ עליו תחרף.
ז בעת ההיא יובל שי ליהוה צבאות עם ממשך וזוחח אל עם נורא מהיותם עד הנה גוי קו קו ומבוסה אשר בזו נהרים ארצו אל מקום שם יהוה צבאות הר ציון.

פרק יט

א משא מצרים הנה יהוה רכב על עב קל ובא מצרים ונעו אלילי מצרים מפניו ולב מצרים נמס בקרבו.
ב וסכסכתי מצרים במצרים ונלחם איש באחיו ואיש ברעהו עיר בעיר ממלכה במלכה.
ג ונבוכה רוח מצרים בקרבו ועצתו אבלע וידרשו אל האלילים ואל הבעלים ואל האבות ואל הידעונים.
ד ואסגיר את מצרים ביד אדנים קשה ומלך עז ימשל בם נאם האדון יהוה צבאות.
ה ונשתו מים מן הים ונהר יחרב ויבש.
ו והאלכו נהרות זנחו יאורי מצור וקנה וסוף קמל.
ז ערות על יאור על פי יאור וכל מזרע יאור יבש נדף ואיננו.
ח ואנחו דייגים וספדו כל משליכי חכה ביאור ופרשי מכמורת על פני מים יחלשו.
ט ובשו עבדי פשתים שרקות וארגים חוורות.
י והיו דכאיה כל עשי שכר אגמי נפש.
יא אך אולי צוער חכמי יועצי פרעה עצה בערה איך תאמרו אל פרעה בן חכמים אני בן מלכי קדם.
יב אי אפוא הם חכמיך ויגידו נא לך וידעו מה יעץ יהוה צבאות על מצרים.
יג נאלחו שרי צוער נשאו נף שרי מפיס התעו את מצרים פנת שבטיה.
יד יהוה מסך בקרבה רוח עועים ויתעו את מצרים בכל מעשהו כתעות שכור בקיאו.
טו ולא יהיה למצרים מעשה אשר יעשה ראש וזנב כפה וגמא.
טז ביום ההוא יהיה מצרים כנשים והחרד ופחד מפני תנופת יד יהוה צבאות אשר הוא מניף עליו.
יז והיתה אדמת יהודה למצרים לזכרון כל אשר יזכיר אתו אליו יפחד מפני עצת יהוה צבאות אשר הוא יעץ עליו.
יח ביום ההוא יהיו חמש ערים בארץ מצרים מדברות בשפת כנען ונשבעות ליהוה צבאות עיר ההרס יאמר לאחת.
יט ביום ההוא יהיה מזבח ליהוה בתוך ארץ מצרים ומצבה אצל גבולה ליהוה.
כ והיה לאות ולעד ליהוה צבאות בארץ מצרים כי יצעקו אל יהוה מפני לחצים ושלח להם מושיע ורב וישלחם.
כא ונודע יהוה למצרים וידעו מצרים את יהוה ביום ההוא ועבדו זבח ומנחה ונדרו נדר ליהוה ושלמו.
כב ונגף יהוה את מצרים נגף ורפא ושבו עד יהוה ונעתר להם ורפאם.
כג ביום ההוא תהיה מסלה ממצרים אשור ובא אשור במצרים ומצרים באשור ועבדו מצרים את אשור.
כד ביום ההוא יהיה ישראל שלישיה למצרים ולאשור ברכה בקרב הארץ.
כה אשר ברכו יהוה צבאות לאמר ברוך עמי מצרים ומעשה ידי אשור ונחלתי ישראל.

פרק כ

א בשנת בוא תרתן אשדודה בעת אשר שלחו סרגון מלך אשור וילחם באשדוד ויתקפה.
ב בעת ההיא דבר יהוה ביד ישעיהו בן אמוץ לאמר לך ופתחת שק מעל מתניך וחלצת נעלך מעל רגלך ותעש כן הלך ערום ויחף.
ג ויאמר יהוה כאשר הלך עבדי ישעיהו ערום ויחף שלש שנים אות ומופת על מצרים ועל כוש.
ד כן ינהג את שבי מצרים ואת גלות כוש נערים וזקנים ערום ויחף ושוף ערות מצרים.
ה ויחתו ובשו מכוש מבטחם ומצרים תפארתם.
ו ואמר יושב האי הזה ביום ההוא הנה כה מבטחנו אשר נסנו שם לעזרה להנצל מפני מלך אשור ואנחנו איך נמלט.

פרק כא

א משא מדבר ים כסופות בנגב מארץ נוראה בא ממדבר מארץ מורא.
ב חזון קשה הגד לי הבגד בוגד והשד שודד עלי עילם צורי מדי כל אנחתה השבתי.
ג על כן מלאו חלצי כחלים צירים אחזוני כצירי יולדה נעויתי משמוע נבהלתי מראות.
ד תעה לבבי פלצות בעתתני נשף חשקי שמה לי לחרדה.
ה ערוך השלחן צפה הצפית אכל שתה קומו שרים משחו מגן.
ו כי כה אמר אלי אדני לך העמד המצפה את אשר יראה יגיד.
ז ויראה רכב צמד פרשים רכב חמור רכב גמל והקשיב קשב רב מאד.
ח ויקרא אריה על מצפה אדני אנכי עמדתי תמיד יומם ועל משמרתי כל הלילות אנכי נצבתי.
ט והנה זה בא רכב אנשים צמד פרשים ויען ויאמר נפלה נפלה בבל וכל פסילי אלהיה שברו לארץ.
י מתרתי ובן גרני אשר שמעתי מיהוה צבאות אלהי ישראל הגדתי לכם.
יא משא דומה אלי קרא משעיר שמר מה מלילה שמר אמר מלילה.
יב אמר שמר אתה בקר וגם לילה אם בעיתון בעיתו שובו אתיו.
יג משא בערב ביערת בארבות תלינו אורחות דדנים.
יד לקראת צמא הביאו מים ישבי ארץ תימא קדמו בלחמו.
טו כי מפני חרבות נדדו מפני חרב שלופה ומפני קשת דרוכה ומפני כובד מלחמה.
טז כי כה אמר אלי אדני עוד שנה כשני שכיר וכל כבוד קדר יכלו.
יז ושארית מספר גבורי בני קדר ימעטו כי יהוה אלהי ישראל דבר.

פרק כב

א משא גיא חזיון מה לך כי עלית כלך על הגגות.
ב מלאה שאונות קריה עיר הומיה קריה עלזה חלליך לא חללי חרב ולא מתי מלחמה.
ג כל קציניך נדדו יחדו מקשת אסרו כל נמצאיך אסרו יחדו מרחוק ברחו.
ד על כן אמרתי שעו ממני אמרר בבכי אל תאיצו לנחמני על שד בת עמי.
ה כי יום מהומה ומבוסה ומבוכה לאדני יהוה צבאות בגיא חזיון מתלה קיר ושוע אל הר.
ו ועילם נשא אשפה ברכב אדם פרשים ומגן ערה קלעך.
ז והיה מבחר עמקיך מלאו רכב ופרשים שית ישיתו אל השער.
ח ויגל את מסך יהודה והבטת ביום ההוא אל נשק בית היער.
ט ואת בקעת דוד ראיתם כי רבו ויקבצו את מי הברכה התחתונה.
י ואת בתי ירושלם ספרתם ותתצו הבתים לבצר החומה.
יא ומקוה עשיתם בין החומתים למי הברכה הישנה ולא הבטתם אל עשיתה ויוצרה מרחוק לא ראיתם.
יב ויקרא אדני יהוה צבאות ביום ההוא לבכי ולמספד ולקרחה ולחגור שק.
יג והנה משוש וגיל הרג בקר ושחט צאן אכל בשר ושתות יין אכול ושתו כי מחר נמות.
יד ונגלה באזני יהוה צבאות אם יכפר העון הזה לכם עד תמותון אמר אדני יהוה צבאות.
טו כה אמר אדני יהוה צבאות לך בא אל הסכן הזה אל שבנא אשר על הבית מה לך פה ומי לך פה כי חצבת לך פה קבר כי חצב במרום קברו חקק במעון סלע לאהל.
טז הנה יהוה מטלטלך טלטלה גבר וסחרר סחרור יסחרך.
יז צנוף יצנפך צנפה כדור אל ארץ רחבת ידים שם תמות ושם מרכבות כבודך קלון בית אדניך.
יח והדפתיך ממצבך וממעמדך יהרסך.
יט והיה ביום ההוא אקרא לעבדי לאליקים בן חלקיהו.
כ והלבשתיו כתנתך ואבנטך אחזקנו וממשלתך אתן בידו והיה לאב לישבי ירושלם ולבית יהודה.
כא ונתתי מפתח בית דוד על שכמו ופתח ואין סגר וסגר ואין פתח.
כב ותקעתיו יתד במקום נאמן והיה לכסא כבוד לבית אביו.
כג ותלו עליו כל כבוד בית אביו הצאצאים והשפלים מכל כלי הקטן מסרות עד כל כלי הנבלים.
כד ביום ההוא נאם יהוה צבאות תמוש היתד הנתוקה במקום נאמן ונגדעה ונפלה ונכרתה המשא אשר עליה כי יהוה דבר.

פרק כג

א משא צור הילילו אניות תרשיש כי שדדה מבית מבוא מארץ כתים נגלה להם.
ב דומו ישבי אי סחרי צידון עברוך ים מלאוך.
ג ובמים רבים זרע שיחור קציר יאור תבואתה ותהי רכלת גוים.
ד בושי צידון כי אמר ים מעוז הים לאמר לא חלתי ולא ילדתי ולא גידלתי בחורים רוממתי בתולות.
ה כשמוע מצרים חלו לשמעה צור.
ו עברו תרשישה הילילו ישבי אי.
ז הזאת לכם עליזה מימי קדם קדמתה רגליה ממרחק לגור תלכנה.
ח מי יעץ זאת על צור המעטרת אשר סחריה שרים כנעניה נכבדי ארץ.
ט יהוה צבאות יעץ לחלל גאון כל צבי כל נכבדי ארץ.
י עברי ארצך כיאור בת תרשיש אין עוד מחגר.
יא ידו נטה על הים הרגיז ממלכות יהוה צוה אל כנען לשחת מעזיה.
יב ויאמר לא תוסיפי עוד לעלוז עשוקה בתולת בת צידון כתים קום עבור גם שם לא תנוחי.
יג הן ארץ כשדים זה העם לא היה אשור יסדה לציים הקימו מגדליה עוררו ארמנותיה שמו למפלה.
יד הילילו אניות תרשיש כי שדדה מעזכם.
טו והיה ביום ההוא ונשכחה צור שבעים שנה כימי מלך אחד מקצה שבעים שנה יהיה לצור כשיר הזונה.
טז קחי כנור סובבי עיר זונה נשכחת היטיבי נגן ה

۱۵ چشمانم همیشه به خداوند است،
زیرا او پاهای مرا از دام بیرون می‌کشد.
۱۶ به من توجه کن و بر من رحم نما،
زیرا تنها و رنج‌دیده هستم.
۱۷ غم‌های دلم بیشتر شده است،
مرا از مشکلاتم رهایی بخش.
۱۸ به رنج و درد من نگاه کن،
و همهٔ گناهانم را ببخش.
۱۹ ببین که دشمنانم چه بسیارند،
و چگونه از روی کینه با من دشمنی می‌کنند.
۲۰ جان مرا حفظ کن و مرا رهایی بخش،
تا شرمنده نشوم، زیرا به تو پناه برده‌ام.
۲۱ بگذار درستکاری و راستی از من محافظت کنند،
زیرا به تو امید بسته‌ام.
۲۲ ای خدا، اسرائیل را از همهٔ مشکلاتش رهایی بخش.

مزمور داود.

۲۶ ۱ ای خداوند، مرا داور خود بساز و بی‌گناهی مرا ثابت کن،
زیرا همیشه با ایمان کامل در تو زندگی کرده‌ام.
۲ ای خداوند، مرا امتحان کن و بیازما،
تا درستی قلب و فکرم را ببینی؛
۳ زیرا همیشه محبت تو را در برابر چشمانم

.ﻭﻣﻦ ﺍﻟﺨﻄﺎﻳﺎ ﺍﻟﺘﻲ ﺍﺭﺗﻜﺒﻬﺎ ﺍﻏﻔﺮ ﺫﻧﻮﺑﻲ ﻛﻠﻬﺎ.
٤ ﻷﻥ ﺃﻋﺪﺍﺋﻲ ﻛﺜﻴﺮﻭﻥ،
ﻭﻗﺪ ﺗﻜﺎﺛﺮﻭﺍ ﺍﻟﺬﻳﻦ ﻳﺒﻐﻀﻮﻧﻨﻲ ﺑﻐﻀﺔ ﻛﺎﺫﺑﺔ.
٥ ﻭﻫﻢ ﺍﻟﺬﻳﻦ ﻳﺠﺎﺯﻭﻥ ﺍﻹﺣﺴﺎﻥ ﺑﺎﻹﺳﺎﺀﺓ،
ﻳﻘﺎﻭﻣﻮﻧﻨﻲ ﻷﻧﻲ ﺃﺗﺒﻊ ﺍﻟﺨﻴﺮ.
٦ ﻛﻮﻧﻲ ﺍﻟﺮﺏ ﻧﺼﻴﺮﻱ ﻳﺎ ﺇﻟﻬﻲ،
ﻭﻻ ﺗﺸﻤﺖ ﺑﻲ ﺃﻋﺪﺍﺋﻲ،
٧ ﻭﻻ ﺗﺴﻠﻤﻨﻲ ﻟﻤﺸﻴﺌﺔ ﺧﺼﻮﻣﻲ،
ﻷﻥ ﺷﻬﻮﺩ ﺯﻭﺭ ﻗﺪ ﻗﺎﻣﻮﺍ ﻋﻠﻲ،
ﻭﺍﻟﺬﻳﻦ ﻳﻨﻔﺚ ﻇﻠﻤﻬﻢ.
٨ ﻟﻮﻻ ﺃﻧﻲ ﺁﻣﻨﺖ ﺃﻥ ﺃﺭﻯ ﺟﻮﺩﺓ ﺍﻟﺮﺏ،
ﻓﻲ ﺃﺭﺽ ﺍﻷﺣﻴﺎﺀ.
٩ ﺍﻧﺘﻈﺮ ﺍﻟﺮﺏ. ﻛﻦ ﻗﻮﻳًﺎ ﻭﻟﻴﺘﺸﺪﺩ ﻗﻠﺒﻚ،
ﻭﺍﻧﺘﻈﺮ ﺍﻟﺮﺏ ﺃﻳﻀًﺎ.

٢٧ ﻟﺪﺍﻭﺩ.

١ ﺍﻟﺮﺏ ﻫﻮ ﻧﻮﺭﻱ ﻭﺧﻼﺻﻲ ﻓﻤﻤﻦ ﺃﺧﺎﻑ؟
ﺍﻟﺮﺏ ﻫﻮ ﺣﺼﻦ ﺣﻴﺎﺗﻲ ﻓﻤﻦ ﺃﺭﺗﻌﺐ؟

۲ جب مومنیں مجھ پر حملہ کرنے آئے
تاکہ میرا گوشت کھا جائیں،
تو میرے دشمن اور میرے مخالف
خود ٹھوکر کھا کر گر پڑے۔
۳ اگر میرے خلاف لشکر بھی صف آرا ہو،
تو بھی میرا دل خوف نہ کھائے؛
اگر میرے خلاف جنگ چھڑ جائے،
تو بھی میرا اعتماد قائم رہے گا۔
۴ ایک بات ہے جو میں خداوند سے مانگتا ہوں،
ایک بات ہے جس کی میں تمنا کرتا ہوں:
کہ میری ساری زندگی خداوند کے گھر میں بسر ہو،
تاکہ میں خداوند کی خوبی پر نظر کرتا رہوں
اور اس کے مقدس خیمہ میں غور کرتا رہوں۔
۵ کیونکہ مصیبت کے دن وہ مجھے اپنے سائبان میں چھپا لے گا،
اپنے خیمہ کی پناہ میں مجھے چھپا لے گا،
اور مجھے چٹان پر اونچی جگہ پر بٹھا دے گا۔
۶ تب میرا سر میرے گرد کھڑے ہوئے دشمنوں پر
اونچا ہو جائے گا،
اور میں اس کے خیمہ میں خوشی کے نعرے لگاؤں گا۔
میں گیت گا کر خداوند کی ستائش کروں گا۔
۷ اے خداوند، میری آواز سن جب میں پکارتا ہوں،
مجھ پر رحم کر اور مجھے جواب دے۔
۸ میرا دل تیرے بارے میں کہتا ہے: "میرے درشن کے طالب ہو جاؤ۔"
اے خداوند، میں تیرے درشن کا طالب ہوں گا۔
۹ اپنا چہرہ مجھ سے نہ چھپا،
اپنے خادم پر غصہ ہو کر اسے دور نہ کر،
تو ہی میرا مددگار رہا ہے۔
اے میرے نجات دہندہ خدا،
مجھے رد نہ کر اور مجھے چھوڑ نہ دے۔

نزد زنگ دعوت نمود؛
۱۰ هنگامی که من تحت حمایت،
زندگی می کردم به حضور او.
۱۱ بلی به او، نزد خدا، توسل جستم،
و به او التماس کردم که به من رحم کند،
تا مرا از دشمنانم نجات دهد.
۱۲ زیرا هیچ نیروی دشمن به من آسیب نمی رساند،
هیچ تهمت بی اساسی بر من وارد نمی شود.
۱۳ زیرا خداوند را همیشه در نظر دارم،
و او مرا حمایت می کند.
۱۴ هان، خداوند را انتظار بکش،
بلی، صبر پیشه کن،
و خداوند را انتظار بکش.

مزمور داود.

۲۸ ۱ ای خداوند، نزد تو فریاد می کنم،
ای صخره من، به من گوش بده. مبادا که از من روی بگردانی،
مبادا که مانند کسانی شوم که به گور فرو می روند.
۲ صدای التماس مرا بشنو،
وقتی که نزد تو فریاد می کنم،
وقتی که دستهایم را به سوی محراب مقدس تو بلند می کنم.
۳ مرا با شریران و بدکاران نکش،
که با همسایگان خود سخن صلح آمیز می گویند،
اما در دلهایشان بدی می ورزند.

፬ ፍሬ ዘርህን እሰጥህ ዘንድ፣ አሳድግህማለሁ ዘርህንም አበዛለሁ፣
ከአንተም ብዙ ሕዝቦች ይወጣሉ፣
ይህችንም ምድር ለዘርህ ለዘላለም ርስት እሰጣለሁ።
፭ ስለዚህ አብርሃም ቃሌን ሰምቶአልና፣
ሥርዓቴንም ትእዛዜንም ሕጎቼንም ጠብቆአልና፣
ስለ እኔ ያዘዝሁትን ሁሉ አድርጎአልና።
፮ ይስሐቅም በጌራራ ተቀመጠ፣
፯ ሰዎቹም ስለ ሚስቱ ስለ ርብቃ ጠየቁት፤
እርስዋ ያማረች ናትና፣ እህቴ ናት አለ፤
ስለ ርብቃ ግን ሰዎቹ ይገድሉኛል ብሎ አስቦ ነበርና።
፰ ዘመኑም ብዙ ጊዜ በሆነ ጊዜ፣
አቤሜሌክ ከመስኮት ሆኖ ተመለከተ፣
ይስሐቅም ከሚስቱ ከርብቃ ጋር ሲጫወት አየ።
፱ አቤሜሌክም ይስሐቅን ጠርቶ፣ እንዲህ አለው፣
እነሆ እርስዋ ሚስትህ ናት፤ እንዴት እህቴ ናት አልህ?
ይስሐቅም አለው፣ ስለ እርስዋ ብዬ ስለ እኔ ይገድሉኛል ብዬ ነበርና።
፲ አቤሜሌክም አለ፣
ይህ ምንድር ነው? ከሕዝቡ አንዱ በቀላሉ ከሚስትህ ጋር በተኛ ነበር፣
በደልንም በላያችን ታመጣብን ነበር።
፲፩ አቤሜሌክም ሕዝቡን ሁሉ እንዲህ ብሎ አዘዘ፣
ይህን ሰው ወይም ሚስቱን የሚነካ ሁሉ ፈጽሞ ይገደል።
፲፪ ይስሐቅም በዚያች ምድር ዘራ፣
በዚያችም ዓመት መቶ እጥፍ አገኘ፣
እግዚአብሔርም ባረከው።
፲፫ ሰውየውም ታላቅ ሆነ፣
እየሄደም እያደገ እጅግ ታላቅ እስኪሆን ድረስ ገፋ፣
፲፬ የበጎችም የከብቶችም ባለጸጋ ሆነ፣
የባሪያዎችም ብዛት ነበረው፣
ፍልስጥኤማውያንም ቀኑበት።
፲፭ አባቱ አብርሃም በነበረበት ዘመን አባቱ አብርሃም ባሪያዎች የቈፈሩአቸውን ጕድጓዶች ሁሉ
ፍልስጥኤማውያን ደፈኑ፣ በአባቱም በአብርሃም ዘመን ሞልተው ነበር።
፲፮ አቤሜሌክም ይስሐቅን፣ ከእኛ ዘንድ ሂድ፣ አንተ ከእኛ እጅግ በዝተሃልና አለው።

፳፯

፩ ይስሐቅም ከዚያ ሄደ፣ በጌራራም ሸለቆ ድንኳኑን ተከለ፣ በዚያም ተቀመጠ።
፪ ይስሐቅም ጕድጓዶቹን ቈፈረ፣ አባቱ አብርሃም በነበረበት ዘመን የቈፈሩአቸውን፣
ፍልስጥኤማውያንም አባቱ ከሞተ በኋላ የደፈኑአቸውን፣
፫ ጕድጓዶች ደግሞ ቈፈረ፣ ስማቸውንም አባቱ በጠራቸው ስም ጠራቸው።
፬ ይስሐቅም ባሪያዎቹ

قُل دُعدُنا لاهلكِه.
٥ قُل دُعدُنا ةجُجُه نِجُنا،
ح هُجِه عُدنا لنِجُنا دِيجُنا.
٦ ح٥ بُعدِبُ ح٥ بِهِ هُه٥ عِبُ،
يجُنا٥ عِبُ ح٥ بِهِ هُعِبُ٥ يجُنا.
٧ قُل دُعدُنا بُعبُعِبُ كُنا دِبُجُنا.
٨ قُل دُعدُنا ح بُعيت جُبُنا،
ح بُعيت عُدنا جُبُنا دُعِبُ.
٩ قُل دُعدُنا ح بُعيت لنِجُنا،
ا٥ةجُبُ عِبُ ح٥ بُعيت ا٥ةجُبُ،
ه٥ه بُعيت ح٥ بُعيت جلك ه٥ه٥ه٥ه
"!نِجُنا" :ةجُبُ ح٥ نُجُنا جلك ه٥ه٥ه٥ه
١٠ عُدنا جلك هُه٥ح٥ ح٥ نُجُنا،
ه٥عُدنا ح٥ نُجُنا بُعلك جُبُنا.
١١ عُدنا قُ نُجُنا ه٥ه٥ه٥ه٥ ه٥ جلك ه٥ه٥ه٥ه٥

٤ وهوذا، ملاك الرب وقف عليهما،
ونور عظيم أضاء في المكان.
٥ فدحرج ملاك الرب الحجر عن الباب،
وجلس عليه.
٦ وكان منظره كالبرق،
ولباسه أبيض كالثلج.
٧ فارتعد الحراس من خوفهم منه،
وصاروا كأنهم أموات.
٨ فقال الملاك للمرأتين:
"لا تخافا أنتما،
فإني أعلم أنكما تطلبان يسوع المصلوب.
٩ ليس هو ههنا، لأنه قام كما قال.
تعالا انظرا المكان الذي كان الرب مضطجعا فيه.
١٠ واذهبا سريعا وقولا لتلاميذه:
إنه قام من الأموات،
وها هو يسبقكم إلى الجليل،
وهناك ترونه.
هذا قد قلت لكما."
١١ وبينما كانتا ذاهبتين،
إذا بعض الحراس جاءوا إلى المدينة،
وأخبروا رؤساء الكهنة بكل ما حدث.
١٢ فاجتمع هؤلاء مع الشيوخ،
وتشاوروا فيما بينهم،
وأعطوا الجنود مبلغا من المال،

وقالوا لهم: "قولوا إن تلاميذه أتوا ليلا،
وسرقوه ونحن نيام.

٣١ ١ وبعد السبت، عند فجر اليوم الأول من الأسبوع،
ذهبت مريم المجدلية ومريم الأخرى لتنظرا القبر.

۲ بخش یابم به تو، ای خداوند؛
بگذار هرگز خجل نشوم،
زیرا که تو عدالت هستی و مرا نجات می‌دهی.
۳ گوش خود را به من فرا دار،
و به سرعت مرا رهایی بخش.
صخره‌ای مستحکم برای من باش،
قلعه‌ای که مرا نجات دهد.
۴ زیرا که تو صخره و قلعه من هستی؛
به خاطر نام خود، مرا هدایت کن و راهنمایی نما.
۵ مرا از دامی که برایم پنهان کرده‌اند بیرون بیاور،
زیرا که تو پناه من هستی.
۶ روح خود را به دست تو می‌سپارم؛
ای خداوند، ای خدای امین، تو مرا فدیه داده‌ای.
۷ من از کسانی که به بت‌های بیهوده توکل می‌کنند متنفرم،
اما بر خداوند توکل دارم.
۸ شادی و خوشی من در محبت تو است،
زیرا که تو رنج مرا دیده‌ای
و از سختی‌های جانم آگاه شده‌ای.
۹ مرا به دست دشمن نسپرده‌ای،
بلکه پاهایم را در جای امن قرار داده‌ای.
۱۰ ای خداوند، بر من رحم کن، زیرا که در تنگی هستم؛
از غم چشمانم ضعیف شده،
و جانم و بدنم رنج می‌برند.
۱۱ زندگی من از غم تمام شده،
و سال‌هایم با آه و ناله گذشته است؛
قوتم از گناهم ضعیف شده،
و استخوان‌هایم ناتوان گشته‌اند.
۱۲ نزد همه دشمنانم رسوا شده‌ام،

.زندگی را بر ما تنگ کرده‌اند.
۱۳ حتی دوستانم نیز مرا ترک کرده‌اند،
و همچون مرده از یادها رفته‌ام.
مانند ظرف شکسته‌ای که دیگر به درد نمی‌خورد،
۱۴ اما ای خداوند، من بر تو توکل کرده‌ام،
و به تو می‌گویم: «تو خدای من هستی.»
۱۵ سرنوشت من در دست تو است،
پس مرا از دست دشمنانم و آزاردهندگانم رها کن.
۱۶ بگذار چهره‌ات بر خدمتگزارت بتابد،
و به رحمت خود مرا نجات بده.
۱۷ ای خداوند، نگذار که تو را صدا زده باشم و شرمنده شوم،
بلکه بگذار که شریران شرمنده شوند و در گور خاموش بمانند.
۱۸ لب‌های دروغگو را خاموش کن،
که با تکبر و غرور بر مردم عادل سخن می‌گویند.
۱۹ خدایا، چه بزرگ است نیکی‌ای که برای کسانی که از تو می‌ترسند ذخیره کرده‌ای،
و در حضور همه مردم برای کسانی که به تو پناه می‌برند آشکار ساخته‌ای.
۲۰ تو آنان را در پناه حضور خود از توطئه‌های انسان‌ها محفوظ می‌داری،
و در سایبان خود از زبان‌های شرور در امان نگه می‌داری.
۲۱ خداوند شایسته ستایش است،
زیرا محبت شگفت‌انگیز خود را به من نشان داده است،
وقتی که در شهری محاصره شده بودم.

٢٢ עַד־מָתַי תִּתְחַמָּקִין הַבַּת־הַשּׁוֹבָבָה כִּי־בָרָא יְהוָה חֲדָשָׁה בָּאָרֶץ
נְקֵבָה תְּסוֹבֵב גָּבֶר׃
٢٣ כֹּה אָמַר יְהוָה צְבָאוֹת אֱלֹהֵי יִשְׂרָאֵל
עוֹד יֹאמְרוּ אֶת־הַדָּבָר הַזֶּה בְּאֶרֶץ יְהוּדָה וּבְעָרֶיהָ
בְּשׁוּבִי אֶת־שְׁבוּתָם יְבָרֵךְ יְהוָה נְוֵה־צֶדֶק הַר הַקֹּדֶשׁ׃
٢٤ וְיָשְׁבוּ בָהּ יְהוּדָה וְכָל־עָרָיו יַחְדָּו אִכָּרִים וְנָסְעוּ בַּעֲדָרִים׃
٢٥ כִּי הִרְוֵיתִי נֶפֶשׁ עֲיֵפָה וְכָל־נֶפֶשׁ דַּלָּה מָלֵאתִי׃

٢٦ עַל־זֹאת הֵקִיצוֹתִי וָאֶרְאֶה וְשְׁנָתִי עָרְבָה לִי׃
٢٧ הִנֵּה יָמִים בָּאִים נְאֻם־יְהוָה וְזָרַעְתִּי אֶת־בֵּית יִשְׂרָאֵל וְאֶת־בֵּית יְהוּדָה
זֶרַע אָדָם וְזֶרַע בְּהֵמָה׃
٢٨ וְהָיָה כַּאֲשֶׁר שָׁקַדְתִּי עֲלֵיהֶם לִנְתוֹשׁ וְלִנְתוֹץ וְלַהֲרוֹס וּלְהַאֲבִיד וּלְהָרַע
כֵּן אֶשְׁקֹד עֲלֵיהֶם לִבְנוֹת וְלִנְטוֹעַ נְאֻם־יְהוָה׃
٢٩ בַּיָּמִים הָהֵם לֹא־יֹאמְרוּ עוֹד אָבוֹת אָכְלוּ בֹסֶר וְשִׁנֵּי בָנִים תִּקְהֶינָה׃
٣٠ כִּי אִם־אִישׁ בַּעֲוֹנוֹ יָמוּת כָּל־הָאָדָם הָאֹכֵל הַבֹּסֶר תִּקְהֶינָה שִׁנָּיו׃

٣١ הִנֵּה יָמִים בָּאִים נְאֻם־יְהוָה וְכָרַתִּי אֶת־בֵּית יִשְׂרָאֵל וְאֶת־בֵּית יְהוּדָה
בְּרִית חֲדָשָׁה׃
٣٢ לֹא כַבְּרִית אֲשֶׁר כָּרַתִּי אֶת־אֲבוֹתָם בְּיוֹם הַחֲזִיקִי בְיָדָם
לְהוֹצִיאָם מֵאֶרֶץ מִצְרַיִם אֲשֶׁר הֵמָּה הֵפֵרוּ אֶת־בְּרִיתִי וָאֶבְעַל בָּם נְאֻם־יְהוָה׃
٣٣ כִּי־זֹאת הַבְּרִית אֲשֶׁר אֶכְרֹת אֶת־בֵּית יִשְׂרָאֵל אַחֲרֵי הַיָּמִים הָהֵם נְאֻם־יְהוָה
נָתַתִּי אֶת־תּוֹרָתִי בְּקִרְבָּם וְעַל־לִבָּם אֶכְתְּבֶנָּה וְהָיִיתִי לָהֶם לֵאלֹהִים
וְהֵמָּה יִהְיוּ־לִי לְעָם׃
٣٤ וְלֹא־יְלַמְּדוּ עוֹד אִישׁ אֶת־רֵעֵהוּ וְאִישׁ אֶת־אָחִיו לֵאמֹר דְּעוּ אֶת־יְהוָה
כִּי כֻלָּם יֵדְעוּ אֹתִי לְמִקְטַנָּם וְעַד־גְּדוֹלָם נְאֻם־יְהוָה
כִּי אֶסְלַח לַעֲוֹנָם וְלַחַטָּאתָם לֹא אֶזְכָּר־עוֹד׃

٣٥ כֹּה אָמַר יְהוָה נֹתֵן שֶׁמֶשׁ לְאוֹר יוֹמָם חֻקּוֹת יָרֵחַ וְכוֹכָבִים לְאוֹר לָיְלָה
רוֹגַע הַיָּם וַיֶּהֱמוּ גַּלָּיו יְהוָה צְבָאוֹת שְׁמוֹ׃
٣٦ אִם־יָמֻשׁוּ הַחֻקִּים הָאֵלֶּה מִלְּפָנַי נְאֻם־יְהוָה גַּם זֶרַע יִשְׂרָאֵל יִשְׁבְּתוּ
מִהְיוֹת גּוֹי לְפָנַי כָּל־הַיָּמִים׃
٣٧ כֹּה אָמַר יְהוָה אִם־יִמָּדְדוּ שָׁמַיִם מִלְמָעְלָה וְיֵחָקְרוּ מוֹסְדֵי־אֶרֶץ לְמָטָּה
גַּם אֲנִי אֶזְנַח בְּכָל־זֶרַע יִשְׂרָאֵל עַל כֹּל אֲשֶׁר עָשׂוּ נְאֻם־יְהוָה׃

٣٨ הִנֵּה יָמִים בָּאִים נְאֻם־יְהוָה וְנִבְנְתָה הָעִיר לַיהוָה מִמִּגְדַּל חֲנַנְאֵל
שַׁעַר הַפִּנָּה׃
٣٩ וְיָצָא עוֹד קָוֶה הַמִּדָּה נֶגְדּוֹ עַל־גִּבְעַת גָּרֵב וְסָבַב גּוֹעָה׃
٤٠ וְכָל־הַגַּיְא הַפְּגָרִים וְהַדֶּשֶׁן וְכָל־הַשָּׂדוֹת עַד־נַחַל קִדְרוֹן
עַד פִּנַּת שַׁעַר הַסּוּסִים מִזְרָחָה קֹדֶשׁ לַיהוָה לֹא־תִנָּתֵשׁ וְלֹא־תִתָּץ עוֹד לָעַד׃

٣٢ ١ הַדָּבָר אֲשֶׁר הָיָה אֶל־יִרְמְיָהוּ מֵאֵת יְהוָה בַּשָּׁנָה הָעֲשִׂרִית לְצִדְקִיָּהוּ
מֶלֶךְ יְהוּדָה הִיא הַשָּׁנָה שְׁמֹנֶה עֶשְׂרֵה לִנְבוּכַדְרֶאצַּר׃
٢ וְאָז חֵיל מֶלֶךְ בָּבֶל מָצוֹר עַל־יְרוּשָׁלִָם וְיִרְמְיָהוּ הַנָּבִיא
הָיָה כָלוּא בַּחֲצַר הַמַּטָּרָה אֲשֶׁר בְּבֵית מֶלֶךְ יְהוּדָה׃
٣ אֲשֶׁר כְּלָאוֹ צִדְקִיָּהוּ מֶלֶךְ יְהוּדָה לֵאמֹר
מַדּוּעַ אַתָּה נִבָּא לֵאמֹר כֹּה אָמַר יְהוָה
הִנֵּה אָנֹכִי נֹתֵן אֶת־הָעִיר הַזֹּאת בְּיַד מֶלֶךְ בָּבֶל וּלְכָדָהּ׃
٤ וְצִדְקִיָּהוּ מֶלֶךְ יְהוּדָה לֹא יִמָּלֵט מִיַּד הַכַּשְׂדִּים
כִּי הִנָּתוֹן יִנָּתֵן בְּיַד מֶלֶךְ בָּבֶל וְדִבֶּר פִּיהוּ אֶת־פִּיהוּ
וְעֵינָיו עֵינָיו תִּרְאֶינָה׃
٥ וְאֶת־צִדְקִיָּהוּ יוֹבִיל בָּבֶלָה וְשָׁם יִהְיֶה עַד־פָּקְדִי אֹתוֹ נְאֻם־יְהוָה
כִּי תִלָּחֲמוּ אֶת־כַּשְׂדִּים לֹא תַצְלִיחוּ׃
٦ וַיֹּאמֶר יִרְמְיָהוּ הָיָה דְבַר־יְהוָה אֵלַי לֵאמֹר׃
٧ הִנֵּה חֲנַמְאֵל בֶּן־שַׁלֻּם דֹּדְךָ בָּא אֵלֶיךָ לֵאמֹר
קְנֵה־לְךָ אֶת־שָׂדִי אֲשֶׁר בַּעֲנָתוֹת כִּי־לְךָ מִשְׁפַּט הַיְרֻשָּׁה לִגְאֳלָה קְנֵה־לָךְ׃

٨ כי אמר יהוה צבאות אלהי ישראל עוד יקנו בתים ושדות וכרמים
בארץ הזאת.
٩ ואתפלל אל יהוה אחרי תת את ספר המקנה לברוך בן נריה,
ואמר אהה יהוה אלהים הנה אתה עשית את השמים ואת הארץ
בכחך הגדול ובזרועך הנטויה לא יפלא ממך כל דבר.
١٠ ואתה עשה לאלפים חסד ומשלם עון אבות אל חיק בניהם אחריהם
האל הגבור יהוה צבאות שמו.
١١ גדול העצה ורב העלילה אשר עיניך פקחות על כל דרכי בני אדם
לתת לאיש כדרכיו וכפרי מעלליו.
١٢ ויהי דבר יהוה אל ירמיהו שנית בעודנו כלוא בחצר המטרה
לאמר.
١٣ כה אמר יהוה צבאות אלהי ישראל בתים ושדות וכרמים יקנו עוד
בארץ הזאת.
١٤ כה אמר יהוה צבאות אלהי ישראל קח את הספרים האלה את ספר
המקנה הזה החתום ואת הספר הגלוי הזה וקח את הספרים האלה
ושים אותם בכלי חרש למען יעמדו ימים רבים.
١٥ כי כה אמר יהוה צבאות אלהי ישראל עוד יקנו בתים ושדות וכרמים
בארץ הזאת.
١٦ ואתפלל אל יהוה אחרי תת את ספר המקנה לברוך בן נריה,
לאמר.
١٧ אהה יהוה הנה עשית את השמים ואת הארץ בכחך הגדול ובזרועך
הנטויה לא יפלא ממך כל דבר.

٣٣

١ ויהי דבר יהוה אל ירמיהו שנית בעודנו כלוא בחצר המטרה
לאמר.
٢ כה אמר יהוה עשה יהוה זמה להכין אתה יהוה יצר להקים שמו.
٣ קרא אלי ואענך ואגדה לך גדלות ובצרות לא ידעת.
٤ כי כה אמר יהוה אלהי ישראל על בתי העיר הזאת ועל בתי מלכי
יהודה הנתצים אל הסלים ואל החרבות.
٥ לבוא להלחם עם הכשדים ולמלאם פגרי האדם אשר הכיתי באפי
ובחמתי ואשר הסתרתי את פני מן העיר הזאת על כל רעתם.
٦ הנני מעלה לה ארוכה ומרפא ורפאתים והגליתי להם שלום ואמת.
٧ והשבתי את שבות יהודה ואת שבות ישראל ובניתים כבראשונה.

۸ از خداوند بترسید،
ای تمام مردم جهان.
۹ زیرا او سخن گفت و همه چیز آفریده شد،
او فرمان داد و همه چیز ایجاد شد.
۱۰ خداوند نقشه‌های ملت‌ها را نقش بر آب می‌کند،
و تصمیم‌های آنها را بی‌اثر می‌سازد.
۱۱ اما نقشه‌های خداوند همیشه برقرار است،
و تصمیم‌های او تا ابد پابرجا می‌ماند.
۱۲ خوشا به حال ملتی که خداوند خدای آن است،
خوشا به حال قومی که خدا آنها را برای خود برگزیده است.
۱۳ خداوند از آسمان به زمین می‌نگرد،
و همه انسان‌ها را می‌بیند.
۱۴ او از تخت سلطنت خود
بر همه ساکنان زمین نظر می‌اندازد،
۱۵ او که دل همه را آفریده است،
و از همه کارهای آنها آگاه است.
۱۶ پادشاه به قدرت عظیم لشکر خود پیروز نمی‌شود،
و جنگجو به زور بازوی خود نجات نمی‌یابد.
۱۷ اسب برای پیروزی کافی نیست،
و با قدرت عظیم خود نمی‌تواند کسی را نجات دهد.
۱۸ اما خداوند از کسانی که او را احترام می‌کنند،
و به محبت او امید دارند، مراقبت می‌کند.
۱۹ او جان آنها را از مرگ نجات می‌دهد،

ויקחו נשיהם מבנותם.
٢٠ ויבא חמור ושכם בנו, אל שער עירם.
וידברו אל אנשי עירם לאמר.
٢١ האנשים שלמים הם אתנו,
וישבו בארץ וסחרו אותה.
והארץ הנה רחבת ידים לפניהם.
٢٢ את בנותם נקח לנו לנשים,
ואת בנותינו נתן להם.

רק בזאת יאותו לנו האנשים לשבת אתנו,
להיות לעם אחד בהמול לנו כל זכר כמונו.

٣٤

١ ותצא דינה בת לאה,
אשר ילדה ליעקב, לראות בבנות הארץ.
٢ וירא אותה שכם בן חמור החוי נשיא הארץ,
ויקח אותה וישכב אותה ויענה.
٣ ותדבק נפשו בדינה בת יעקב,
ויאהב את הנערה וידבר על לב הנערה.
٤ ויאמר שכם אל חמור אביו לאמר,
קח לי את הילדה הזאת לאשה.
٥ ויעקב שמע כי טמא את דינה בתו,
ובניו היו את מקניהם בשדה,
וחרש יעקב עד באם.
٦ ויצא חמור אבי שכם אל יעקב,
לדבר אתו.
٧ ובני יעקב באו מן השדה כשמעם,
ויתעצבו האנשים ויחר להם מאד,
כי נבלה עשה בישראל לשכב את בת יעקב,
וכן לא יעשה.

٨ فَإِنَّ ابْنَ الْإِنْسَانِ سَوْفَ يَمْضِي،
كَمَا هُوَ مَكْتُوبٌ عَنْهُ.
٩ وَلَكِنْ وَيْلٌ لِذَلِكَ الرَّجُلِ،
الَّذِي بِهِ يُسَلَّمُ ابْنُ الْإِنْسَانِ.
١٠ فَحَسَنٌ لِذَلِكَ الرَّجُلِ لَوْ لَمْ يُولَدْ قَطُّ.
١١ وَبَيْنَمَا هُمْ يَأْكُلُونَ،
أَخَذَ يَسُوعُ خُبْزًا،
١٢ وَبَارَكَ وَكَسَرَ،
وَأَعْطَاهُمْ وَقَالَ:
خُذُوا كُلُوا،
هَذَا هُوَ جَسَدِي.
١٣ ثُمَّ أَخَذَ كَأْسًا،
وَشَكَرَ وَأَعْطَاهُمْ،
فَشَرِبُوا مِنْهَا كُلُّهُمْ.
١٤ وَقَالَ لَهُمْ:
هَذَا هُوَ دَمِي،
دَمُ الْعَهْدِ الَّذِي يُسْفَكُ عَنْ كَثِيرِينَ.
١٥ الْحَقَّ أَقُولُ لَكُمْ،
لَنْ أَشْرَبَ بَعْدُ مِنْ نِتَاجِ الْكَرْمَةِ،
١٦ وَقَالُوا جَمِيعًا إِنَّهُمْ لَنْ يَتَخَلَّوْا عَنْهُ،
وَلَوِ اضْطُرُّوا إِلَى الْمَوْتِ مَعَهُ.
١٧ وَفِيمَا هُمْ سَائِرُونَ
قَالَ لَهُمْ يَسُوعُ:
كُلُّكُمْ سَتَتَخَلَّوْنَ عَنِّي هَذِهِ اللَّيْلَةَ،
١٨ لِأَنَّهُ مَكْتُوبٌ:
أَضْرِبُ الرَّاعِيَ،
فَتَتَبَدَّدُ الْخِرَافُ.
١٩ وَلَكِنْ بَعْدَ قِيَامَتِي،

ויגד יעקב לרחל כי אביה הוא
ותרץ ותגד ללאה אמה׃
[٢٠] ויהי כאשר ראה יעקב את רחל
את בת לבן אחי אמו
ואת צאן לבן אחי אמו
ויגש יעקב ויגל את האבן
מעל פי הבאר וישק את צאן לבן אחי אמו׃
[٢١] וישק יעקב לרחל
וישא את קלו ויבך׃
[٢٢] ויגד יעקב לרחל כי אחי אביה הוא
וכי בן רבקה הוא
ותרץ ותגד לאביה׃

ל״ה

[١] ויקרא יעקב אל רחל ואל לאה השדה
אל מקנהו ויבחר להן׃
[٢] ויעבד יעקב בשבע שנים את רחל
ויהיו בעיניו כימים אחדים באהבתו אתה׃
[٣] ויאמר יעקב אל לבן הבה את אשתי כי מלאו ימי
ואבואה אליה׃
[٤] ויאסף לבן את כל אנשי המקום
ויעש משתה׃
[٥] ויהי בערב ויקח את לאה בתו
ויבא אתה אליו׃
[٦] ויתן לבן לה את זלפה שפחתו
ללאה בתו שפחה׃
[٧] ויהי בבקר והנה היא לאה
ויאמר אל לבן מה זאת עשית לי
הלא ברחל עבדתי עמך
ולמה רמיתני׃
[٨] ויאמר לבן לא יעשה כן במקומנו

وَجِد یا خداوند از نجات من شاد باشد،
زیرا که تو مرا رهایی می‌بخشی.
۹ آنگاه تمام وجودم
در خداوند شادی خواهد کرد،
و از نجات او خوشحال خواهد بود.
۱۰ تمام استخوان‌هایم خواهند گفت: «ای خداوند، کیست مثل تو؟
تو ضعیف را از دست کسانی که زورشان از او بیشتر است،
و فقیر و نیازمند را از دست غارتگران می‌رهانی.»
۱۱ شاهدان دروغ برخاسته‌اند
و از چیزهایی که نمی‌دانم از من سؤال می‌کنند.
۱۲ به خوبی در مقابل نیکی‌هایم
بدی می‌کنند و مرا بی‌کس می‌گذارند.
۱۳ اما من، وقتی آنها بیمار بودند،
لباس عزا پوشیدم و روزه گرفتم،
و دعاهایم بی‌جواب ماند.
۱۴ با دوستان و برادرانم همدردی می‌کردم،
و مانند کسی که برای مادرش ماتم گرفته باشد،
غمگین و افسرده بودم.
۱۵ اما وقتی من لغزش خوردم، آنها شاد شدند و جمع شدند،
و مرا مورد حمله قرار دادند.
آنها مرا از هر طرف مورد حمله قرار دادند،
و بی‌وقفه به من توهین کردند.
۱۶ مانند دشمنان بی‌خدا،
آنها مرا مسخره کردند
و دندان‌های خود را به من نشان دادند.
۱۷ ای خداوند، تا کی می‌خواهی
فقط نظاره‌گر باشی؟

مع لحوا ديزة ديزة بسبقوب.
١٨ ته عجخيزوب كه حيتا لحوا،
كه جمّا بزدتا ده عجسيزوب.
١٩ كا شمب جلب بمب ددحوبكا،
هُسنتب جكا كا لهُا ليكا كا حوب جنا.
٢٠ هُشت بعوسوب لا حتشا،
وجلب ليتا عجب شه لا دنزدب ليتا جلب.
٢١ ومحوبوب لهُسا سوخوبوب جلب بمب،
لمحوبوا: "زهُا! زهُا! سوا جنا لهُسا جلب."
٢٢ سوا لحوا وبوا كا ضدنا، كا وبوب عوبوب،
نا ضدنا، كا ذُسب ميب.
٢٣ دحوب وبوب لجوبوب،
نا زكا بمكا وهُدب، لي بوب.
٢٤ حجب بمب كا جوجب ثه بوبب زبوبوبوبوبوب، ضدنا زكا بمكا،
جكا شمب حب.
٢٥ كا زمدب: "زهُا! وسا لي لهُا جنا ليتا جكا."
كا زمدب: حلب زي حلب: حب لي ليتا."
٢٦ زجب وهُسب بوبوب لجوبوب بمب حكا لجوبوب ميزتا شمزتا بمكا بوبوبوبوب،
كجب بجبوبا بمب وهُسب بوبوب لجوبوب بمب بمكا جكا.
٢٧ هُميب بوبوبوب لهُسا لمهُا جهُسب وهُب زب جهُسب وهُب،
وزمبنا بوب زمدب: "لحوا مي ضدنا،
وه جهُسب وهُب لمكا مي لمهُا جزي لي."
٢٨ وليتب ته بوبوبوبوب بوبوب بوبوبوبوبوب،

خداوند پناه من است.

برای سردسته داود. مزمور.

۳۶ ۱ گناه شریر را وسوسه می‌کند،
تا از ترس خدا دست بردارد.
۲ او خود را فریب می‌دهد،
و فکر می‌کند که گناهش آشکار نمی‌شود.
۳ سخنان او پر از شرارت و فریب است،
و دیگر نمی‌خواهد عاقل باشد و کار نیک کند.
۴ او حتی در رختخواب نقشه‌های بد می‌کشد،
و از راه بد برنمی‌گردد،
و از بدی دوری نمی‌کند.
۵ ای خداوند، محبت تو تا آسمان‌ها می‌رسد،
و وفاداری تو تا ابرها.
۶ عدالت تو مانند کوه‌های بلند است،
و داوری‌های تو مانند اقیانوس عمیق.
ای خداوند، تو انسان و حیوان را حفظ می‌کنی.
۷ خدایا، محبت تو چقدر ارزشمند است!
همه انسان‌ها در سایه بال‌های تو پناه می‌گیرند.
۸ آنها از برکات خانه تو سیر می‌شوند،
و تو به آنها از رودخانه شادی خود می‌نوشانی.
۹ زیرا سرچشمه زندگی نزد توست،
و ما به نور تو نور می‌بینیم.

۱۰ فقط چند روز دیگر،
و شریران از بین خواهند رفت.
هر چند به دنبال آنها بگردی،
۱۱ اما آنها را نخواهی یافت.
اما فروتنان صاحب زمین خواهند شد،
و از صلح و آرامش لذت خواهند برد.
۱۲ شریران علیه نیکان توطئه می‌چینند،
و با خشم بر آنها دندان قروچه می‌کنند.

۱۳ اما خداوند به شریران می‌خندد،
زیرا می‌داند که روز مجازات آنها نزدیک است.
۱۴ شریران شمشیر کشیده‌اند و کمان‌های خود را آماده کرده‌اند
تا فقیران و نیازمندان را بکشند
و کسانی را که راه راست را می‌روند از بین ببرند.
۱۵ اما شمشیرهای آنها به قلب خودشان فرو خواهد رفت،
و کمان‌هایشان شکسته خواهد شد.
۱۶ زندگی کوتاه یک نیکوکار بهتر است
از ثروت بسیار بسیاری از شریران.
۱۷ زیرا خداوند بازوان شریران را خواهد شکست،
اما از نیکان حمایت خواهد کرد.
۱۸ خداوند از زندگی بی‌عیب مراقبت می‌کند،
و میراث آنها تا ابد باقی خواهد ماند.
۱۹ در روزهای سختی آنها را حفظ خواهد کرد،
و در زمان قحطی سیر خواهد نمود.
۲۰ اما شریران از بین خواهند رفت،
و دشمنان خداوند مانند گل‌های زیبای صحرا پژمرده خواهند شد.
آری، آنها مانند دود ناپدید خواهند شد.
۲۱ شریران قرض می‌گیرند و پس نمی‌دهند،
اما نیکان سخاوتمندانه می‌بخشند و می‌دهند.
۲۲ کسانی که خداوند برکت می‌دهد صاحب زمین خواهند شد،
اما کسانی که او لعنت می‌کند از بین خواهند رفت.
۲۳ خداوند قدم‌های انسان را استوار می‌سازد،
و از راهی که او می‌پسندد حمایت می‌کند.
۲۴ اگر انسان بیفتد، کاملاً از پا نمی‌افتد،
زیرا خداوند دست او را گرفته است.
۲۵ من جوان بودم و اکنون پیر شده‌ام،
اما هرگز ندیده‌ام که خداوند نیکان را ترک کند
و یا فرزندان آنها گدایی کنند.
۲۶ نیکان همیشه سخاوتمندانه می‌بخشند و قرض می‌دهند،
و فرزندان آنها برکت خواهند یافت.

۳۷

۱ از شریران خشمگین نشو،
و به کسانی که بدی می‌کنند حسادت نورز.
۲ زیرا آنها مانند علف خشک زود پژمرده خواهند شد،
و مانند گیاه سبز خواهند افتاد.
۳ به خداوند توکل کن و نیکی کن،
در سرزمین خود ساکن شو و از امنیت لذت ببر.
۴ خداوند را از صمیم قلب دوست بدار،
و او خواسته‌های قلبی تو را برآورده خواهد ساخت.
۵ زندگی خود را به خداوند بسپار،
و به او توکل کن تا کارها را به انجام برساند.
۶ او پاداش نیکی تو را مانند نور روشن خواهد ساخت،
و عدالت تو را مانند خورشید ظهر.
۷ در حضور خداوند آرام باش،
و با صبر منتظر او بمان.
از شریرانی که موفق می‌شوند خشمگین نشو،
و از نقشه‌هایی که می‌کشند ناراحت نباش.

۸ خشم را ترک کن و غضب را رها کن؛
از خشم مکن که تو را به بدی وا می‌دارد.
۹ زیرا شریران نابود خواهند شد،
اما آنانی که به خداوند امید دارند، وارث زمین خواهند بود.
۱۰ بعد از اندک زمانی، شریر دیگر نخواهد بود؛
اگر به مکان او نگاه کنی، او را نخواهی یافت.
۱۱ اما فروتنان وارث زمین خواهند شد،
و از صلح و آرامش برخوردار خواهند بود.
۱۲ شریر علیه نیکوکار توطئه می‌چیند،
و با خشم بر او می‌غرد.
۱۳ اما خداوند بر شریر می‌خندد،
زیرا می‌داند که روز او نیز فرا خواهد رسید.
۱۴ شریران شمشیر کشیده‌اند و کمان خود را آماده کرده‌اند
تا فقیر و نیازمند را بکشند،
تا کسانی را که راه راست را می‌روند از پا درآورند.
۱۵ اما شمشیر خود آنان به قلب خودشان فرو خواهد رفت،
و کمان‌هایشان شکسته خواهد شد.
۱۶ مال اندک نیکوکار بهتر است
از ثروت بسیار بسیاری از شریران.
۱۷ زیرا خداوند بازوان شریران را خواهد شکست،
اما از نیکوکاران حمایت خواهد کرد.
۱۸ خداوند روزهای درستکاران را می‌داند،
و میراث آنان تا ابد باقی خواهد ماند.

۱۹ یہ تجھے جواب دینا پڑے گا،
جب کال کا وقت آئے۔
۲۰ لیکن شریر ہلاک ہوں گے،
دشمن خداوند کی مانند ہوں گے،
جو چراگاہ کی شان ہیں۔
وہ غائب ہو جائیں گے۔
۲۱ شریر قرض لیتا ہے اور ادا نہیں کرتا،
لیکن راست باز دل کھول کر دیتا ہے۔
۲۲ جن کو خدا برکت دیتا ہے وہ زمین کے مالک ہوں گے،
لیکن جن پر وہ لعنت بھیجتا ہے وہ ہلاک ہوں گے۔
۲۳ خداوند انسان کے قدم مضبوط کرتا ہے،
جب وہ اس کی راہ پر چلتا ہے۔
۲۴ اگرچہ وہ ٹھوکر کھائے، وہ گر نہیں پڑتا،
کیونکہ خداوند اس کا ہاتھ تھامے رکھتا ہے۔
۲۵ میں جوان تھا اور اب بوڑھا ہو گیا ہوں،
لیکن کبھی ایسا نہیں ہوا
کہ راست باز کو ترک کیا گیا ہو
یا اس کی اولاد کو روٹی مانگنی پڑی ہو۔
۲۶ وہ ہمیشہ فیاضی سے قرض دیتا ہے،
اور اس کی اولاد برکت پاتی ہے۔
۲۷ برائی سے باز رہو اور نیکی کرو،
تاکہ تم ہمیشہ زندہ رہو۔
۲۸ کیونکہ خداوند انصاف سے محبت رکھتا ہے،
وہ اپنے وفادار لوگوں کو ترک نہیں کرتا،
بلکہ ان کی حفاظت کرتا ہے۔

٢٩ ڤجبڤا ح٨ذ٨ ح٤ لڤبڤجا ح٤ذ٨،
ه٤ح٤ه٤ جلهلم ذبح٨ ح٤ه٤.
٣٠ ڤه٥ه٥ جڤبڤجا ح٤ ڤه٥ه٥ جڤبڤجا ح٤ ڤجمجم٨،
ه٤ي٤ح٤ ح٤ ٥ه٥ه٥ جڤبڤ.
٣١ ن٤ه٥ه٥ جڤ٨ك٥ه٥ ح٤ح٤ ٥ه٥ ح٤ح٤ ٥ه٥،
ح٤ه٥ه٥ه٥ه٥ه٥ ٨ح٤ح٨ ٨ح٤ ٨ح٤ه٥ه٥ه٥ه٥ه٥ه٥.
٣٢ ح٤ ڤبڤجا ٨ح٤ح٨ جڤبڤجا ٨ح٤ح٨،
ه٤ح٤ه٤ ٨ح٤ه٤ه٤ه٤ه٤ه٤ه٤ه٤ه٤ه٤.
٣٣ ٨ح٤ ٨ح٤ه٤ ٨ح٤ ٨ح٤ح٤ ٨ح٤ ٨ح٤ح٤ ٥ه٥ ٨ح٤ح٤ ٨ح٤ح٤ ٨ح٤ح٤

٤٠ וְיָמִים וְלֵילוֹת הֵנִיעַ יְשַׁיְּבֵם הָרֹדֵם,
וְיָמִים מִזְּבֵחַ הֵרְבֵּץ בְּעַד יְיָ לְבַדּוֹ הָרֹדֵם,
וְיָמִים לְבַדּוֹ הֵרְבֵּץ בְּעַד יְיָ הָרֹדֵם.

ישעיהו ٣٨. הַחֲזְקָה. הַמְּחֻבָּר לְיְיָ.

٣٨ ١ בְּיָמִים הָהֵם, חָלָה חִזְקִיָּהוּ לָמוּת,
וְיָמִים הָהֵם חָלָה חִזְקִיָּהוּ לָמוּת.
٢ וַיִּסֹּב חִזְקִיָּהוּ פָּנָיו אֶל הַקִּיר,
וַיִּתְפַּלֵּל אֶל יְיָ לֵאמֹר.
٣ אָנָּה יְיָ זְכֹר נָא אֵת אֲשֶׁר הִתְהַלַּכְתִּי לְפָנֶיךָ בֶּאֱמֶת,
וּבְלֵב שָׁלֵם וְהַטּוֹב בְּעֵינֶיךָ עָשִׂיתִי.
וַיִּבְךְּ חִזְקִיָּהוּ בְּכִי גָּדוֹל.
٤ וַיְהִי דְּבַר יְיָ אֶל יְשַׁעְיָהוּ לֵאמֹר,
٥ לֵךְ וְאָמַרְתָּ אֶל חִזְקִיָּהוּ,
כֹּה אָמַר יְיָ אֱלֹהֵי דָּוִד אָבִיךָ,
שָׁמַעְתִּי אֶת תְּפִלָּתֶךָ רָאִיתִי אֶת דִּמְעָתֶךָ,
הִנֵּה אֲנִי יוֹסִיף עַל יָמֶיךָ חֲמֵשׁ עֶשְׂרֵה שָׁנָה.
٦ וְאֶת עִיר הַזֹּאת אַצִּיל מִכַּף מֶלֶךְ אַשּׁוּר,
וְגַנּוֹתִי עַל הָעִיר הַזֹּאת.
٧ וְזֶה לְךָ הָאוֹת מֵאֵת יְיָ,
כִּי יַעֲשֶׂה יְיָ אֶת הַדָּבָר הַזֶּה אֲשֶׁר דִּבֶּר.
٨ הִנֵּה אֲנִי מֵשִׁיב אֶת צֵל הַמַּעֲלוֹת אֲשֶׁר יָרְדָה בְּמַעֲלוֹת אָחָז,
בַּשֶּׁמֶשׁ עֲשֶׂר מַעֲלוֹת אָחוֹר.
וַתָּשָׁב הַשֶּׁמֶשׁ עֶשֶׂר מַעֲלוֹת בַּמַּעֲלוֹת אֲשֶׁר יָרָדָה.
٩ מִכְתָּב לְחִזְקִיָּהוּ מֶלֶךְ יְהוּדָה בְּחָלְיוֹ וַיֶּחִי מֵחָלְיוֹ.

۱۰ یعنی بپذیرید، مانند تعمیدی که من می‌پذیرم،
و شما نیز همان را تجربه کنید.
۱۱ اما نشستن در سمت راست یا چپ من بر عهدهٔ من نیست،
بلکه از آنِ کسانی است که برای آن آماده شده‌اند.
۱۲ وقتی ده شاگرد دیگر این را شنیدند،
از یعقوب و یوحنا خشمگین شدند.
۱۳ پس عیسی آنها را نزد خود خواند و گفت:
«می‌دانید که حاکمان قومها بر مردم آقایی می‌کنند،
۱۴ و بزرگان بر مردم قدرت دارند.
۱۵ اما در میان شما چنین نباشد،
بلکه هر که می‌خواهد بزرگ شود،
باید خدمتگزار شما باشد.
۱۶ و هر که می‌خواهد اول باشد:
باید غلام همه باشد.
۱۷ زیرا پسر انسان نیز نیامد تا خدمت شود،
بلکه تا خدمت کند
و جان خود را فدیهٔ بسیاری بدهد.»
۱۸ سپس به اریحا رسیدند.
وقتی عیسی با شاگردان و جمعیت زیادی
از اریحا بیرون می‌رفت،
بارتیمای کور پسر تیمای
کنار راه نشسته گدایی می‌کرد.
۱۹ وقتی شنید که عیسای ناصری است،
فریاد زد و گفت:
۲۰ «ای عیسی، پسر داود، بر من رحم کن!»

٢١ כִּי תִּבְחַר בּוֹ, וְלֹא בִי,
וְלֹא אֶבְכָּר לְךָ; כִּי אַתָּה אֱלֹהַי!
٢٢ אֲשֶׁר תִּבְטַח בּוֹ,
וְלֹא תִּכָּלֵם.

לְמִנַּצֵּחַ. לִבְנֵי קֹרַח. מִזְמוֹר. שִׁירוּ לַיהוָה שִׁיר חָדָשׁ.

٣٩

١ אָמַרְתִּי: "אֶשְׁמְרָה דְרָכַי
מֵחֲטֹא בִּלְשׁוֹנִי,
אֶשְׁמְרָה לְפִי מַחְסוֹם
בְּעוֹד רָשָׁע נֶגְדִּי."
٢ נֶאֱלַמְתִּי דוּמִיָּה, נִטְרַלְתִּי מִטּוֹב,
וּכְאֵבִי נֶעְכָּר.
٣ חַם לִבִּי בְּקִרְבִּי,
בַּהֲגִיגִי תִּבְעַר אֵשׁ,
דִּבַּרְתִּי בִּלְשׁוֹנִי:
٤ "הוֹדִיעֵנִי יְהוָה קִצִּי,
וּמִדַּת יָמַי מַה הִיא,
אֵדְעָה מֶה חָדֵל אָנִי.
٥ הִנֵּה טְפָחוֹת נָתַתָּ יָמָי,
וְחֶלְדִּי כְּאַיִן נֶגְדֶּךָ.
אַךְ הֶבֶל כָּל אָדָם נִצָּב סֶלָה.
٦ אַךְ בְּצֶלֶם יִתְהַלֵּךְ אִישׁ,
אַךְ הֶבֶל יֶהֱמָיוּן,

ای عمیق که بعد عمق را ندا می‌دهد به خروش آبشارهایت.
٧ «و اورشلیم، تو را چه شده؟
چطور تو را ترک کرده‌اند.
٨ «تو که در آن ساکن هستی،
گرسنه و تشنه خواهی ماند.
٩ «و بعد از آن، تو را سیر خواهم کرد،
همه را به سیری خواهم رساند،
زیرا خدا تو را دوست دارد.
١٠ «بعد، ای دشمنان،
به سوی تو خواهد آمد.
١١ «و تو را در کوره‌ی رنج و سختی آزمایش کرده‌ام،
ولی نه به اندازه‌ی آنچه که دیگران را آزمایش کرده‌ام،
تا تو را از گناهانت پاک کنم. این
١٢ «بعد از آن، تو را خدا، نگهبانی خواهد داد،
که همیشه از تو محافظت کند،
و تو را از هر آسیبی دور نگه دارد،
و تو را از هر بلایی که بر سر دیگران آمده است،
نجات خواهد داد.
١٣ «و تو را به سرزمین
که به آن تعلق دارد برگردانده خواهد شد.»

٤٠

١ و آن‌گاه خدا به من گفت،
که به سوی مردم اورشلیم بروم و به آنها بگویم.
٢ «تو را به صحرا خواهم برد، و در آنجا با تو صحبت خواهم کرد،

وَأَقَامَ عَلَى صَخْرَةٍ رِجْلَيَّ، وَثَبَّتَ خَطَوَاتِي.
٣ وَجَعَلَ فِي فَمِي تَسْبِيحَةً جَدِيدَةً، تَرْنِيمَةً لإِلهِنَا.
كَثِيرُونَ يَرَوْنَ وَيَخَافُونَ، وَيَتَوَكَّلُونَ عَلَى الرَّبِّ.
٤ طُوبَى لِلرَّجُلِ الَّذِي جَعَلَ الرَّبَّ مِبْطَحَهُ،
وَلَمْ يَلْتَفِتْ إِلَى الْمُسْتَكْبِرِينَ وَالزَّائِغِينَ إِلَى الْكَذِبِ.
٥ قَدْ كَثَّرْتَ أَنْتَ يَا رَبُّ إِلهِي عَجَائِبَكَ وَأَفْكَارَكَ مِنْ جِهَتِنَا،
لَيْسَ تُعَدَّلُ لَدَيْكَ.
إِنْ أُخْبِرُ وَأَتَكَلَّمُ بِهَا فَهِيَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَى.
٦ ذَبِيحَةً وَتَقْدِمَةً لَمْ تُسَرَّ، أُذُنَيَّ فَتَحْتَ.
مُحْرَقَةً وَذَبِيحَةَ خَطِيَّةٍ لَمْ تَطْلُبْ.
٧ حِينَئِذٍ قُلْتُ: «هَا أَنَا جِئْتُ. فِي دَرْجِ الْكِتَابِ مَكْتُوبٌ عَنِّي:
٨ أَنْ أَعْمَلَ مَشِيئَتَكَ يَا إِلهِي سُرِرْتُ، وَشَرِيعَتُكَ فِي وَسْطِ أَحْشَائِي».
٩ بَشَّرْتُ بِالْبِرِّ فِي الْجَمَاعَةِ الْكَثِيرَةِ.
هُوَذَا لَمْ أَمْنَعْ شَفَتَيَّ، يَا رَبُّ، أَنْتَ عَلِمْتَ.
١٠ بِرَّكَ لَمْ أَكْتُمْهُ فِي قَلْبِي.
قَوْلَ أَمَانَتِكَ وَخَلاَصَكَ تَكَلَّمْتُ.
لَمْ أُخْفِ رَحْمَتَكَ وَحَقَّكَ عَنِ الْجَمَاعَةِ الْكَثِيرَةِ.

١١ הִנֵּה, כֹּל הַנֶּחֱרִים בּוֹ יֵבֹשׁוּ וְיִכָּלְמוּ,
הָיוּ כְּאַיִן וְיֹאבְדוּ אַנְשֵׁי רִיבֶךָ.
١٢ תְּבַקְשֵׁם וְלֹא תִמְצָאֵם אַנְשֵׁי מַצֻּתֶךָ,
הָיוּ כְּאַיִן וּכְתִי אַנְשֵׁי צְבָאֶךָ.
١٣ כִּי אֲנִי יְהוָה אֱלֹהֶיךָ מַחֲזִיק יְמִינֶךָ,
הָאֹמֵר לְךָ, אַל תִּירָא, אֲנִי עֲזַרְתִּיךָ.
١٤ אַל תִּירָא תּוֹלַעַת יַעֲקֹב, מְתֵי מִסְפָּר יִשְׂרָאֵל,
אֲנִי עֲזַרְתִּיךָ, נְאֻם יְהוָה וְגֹאֲלֵךְ קְדוֹשׁ יִשְׂרָאֵל.
١٥ הִנֵּה שַׂמְתִּיךָ לְמוֹרַג חָרוּץ בַּעַל פִּיפִיּוֹת,
תָּדוֹשׁ הָרִים וְתָדֹק וְגִבָעוֹת כַּמֹּץ תָּשִׂים.
١٦ תִּזְרֵם וְרוּחַ תִּשָּׂאֵם וְסוּפָה תָּפִיץ אוֹתָם,
וְאַתָּה תָּגִיל בַּיהוָה בְּקְדוֹשׁ יִשְׂרָאֵל תִּתְהַלָּל.
١٧ הָעֲנִיִּים וְהָאֶבְיוֹנִים מְבַקְשִׁים מַיִם וְאֵין,
לְשׁוֹנָם בַּצָּמָא נָשְׁתָּה, אֲנִי יְהוָה אֶעֱנֵם,
אֱלֹהֵי יִשְׂרָאֵל לֹא אֶעֶזְבֵם.

٤١

١ הַחֲרִישׁוּ אֵלַי אִיִּים וּלְאֻמִּים יַחֲלִיפוּ כֹחַ,
יִגְּשׁוּ אָז יְדַבֵּרוּ יַחְדָּו לַמִּשְׁפָּט נִקְרָבָה.

۲ مُبارک ہے وہ جو غریب کا خیال رکھتا ہے۔
خداوند مصیبت کے دن اُسے رہائی دے گا۔
۳ خداوند اُس کی حفاظت کرے گا اور اُسے زندہ رکھے گا۔
اُسے زمین پر مبارک کہا جائے گا۔
خداوند اُسے اُس کے دشمنوں کے حوالے نہ کرے۔
۴ مَیں نے کہا: "اَے خداوند، مجھ پر رحم فرما۔
مجھے شفا دے کیونکہ مَیں نے تیرا گناہ کیا ہے۔"
۵ میرے دشمن میرے بارے میں بُرا کہتے ہیں:
"وہ کب مرے گا اور کب اُس کا نام مٹ جائے گا؟"
۶ جو کوئی مجھے دیکھنے آتا ہے وہ جھوٹ بولتا ہے،
اُس کا دل میرے خلاف بُرائی جمع کرتا ہے،
اور جب وہ باہر جاتا ہے تو اُس کا ذکر کرتا ہے۔
۷ میرے سب دشمن مجھ سے نفرت کرتے ہیں
اور میرے بارے میں بُرا سوچتے ہیں:
۸ "اُس پر کوئی بُری بیماری آ پڑی ہے،
وہ بستر پر پڑا ہے اور کبھی اُٹھ نہیں سکے گا۔"
۹ یہاں تک کہ میرا جگری دوست جس پر مَیں بھروسا کرتا تھا،
جو میری روٹی کھاتا تھا، اُس نے بھی میرے خلاف ہو کر
مجھے ٹھوکر کھانے پر مجبور کر دیا ہے۔
۱۰ لیکن اَے خداوند، مجھ پر رحم فرما اور مجھے اُٹھا،
تاکہ مَیں اُن کو بدلہ دے سکوں۔
۱۱ اِس سے مَیں جانوں گا کہ تُو مجھ سے خوش ہے،
کیونکہ میرا دشمن مجھ پر فتح نہیں پائے گا۔
۱۲ کیونکہ تُو نے مجھے میری راستبازی میں سنبھالا ہے
اور ہمیشہ کے لئے اپنے حضور میں کھڑا کیا ہے۔

١٣ כחרב בעצמותי חרפוני צוררי,
באמרם אלי כל היום,
איה אלהיך.

תהלים מב

תהלים ٤٢-٧٢

למנצח משכיל לבני קרח.

٤٢ ١ כאיל תערג על אפיקי מים,
כן תערג נפשי אליך אלהים.
٢ צמאה נפשי לאלהים, לאל חי,
מתי אבוא ואראה פני אלהים?
٣ היתה לי דמעתי לחם יומם ולילה,
באמר אלי כל היום: "איה אלהיך?"
٤ אלה אזכרה ואשפכה עלי נפשי:
כי אעבר בסך אדדם עד בית אלהים,
בקול רנה ותודה המון חוגג.
٥ מה תשוחחי נפשי,
ותהמי עלי?
הוחילי לאלהים,
כי עוד אודנו
ישועות פני
٦ אלהי עלי נפשי תשתוחח,

כִּי אַתָּה אֱלֹהֵי מָעוּזִּי, לָמָּה זְנַחְתָּנִי;
לָמָּה קֹדֵר אֵלֵךְ בְּלַחַץ אוֹיֵב.
٣ שְׁלַח אוֹרְךָ וַאֲמִתֶּךָ, הֵמָּה יַנְחוּנִי;
יָבִיאוּנִי אֶל הַר קָדְשֶׁךָ וְאֶל מִשְׁכְּנוֹתֶיךָ.
٤ וְאָבוֹאָה אֶל מִזְבַּח אֱלֹהִים, אֶל אֵל שִׂמְחַת גִּילִי;
וְאוֹדְךָ בְּכִנּוֹר אֱלֹהִים אֱלֹהָי.

٤٣

١ שָׁפְטֵנִי אֱלֹהִים, וְרִיבָה רִיבִי מִגּוֹי לֹא חָסִיד;
מֵאִישׁ מִרְמָה וְעַוְלָה תְּפַלְּטֵנִי.
٢ כִּי אַתָּה אֱלֹהֵי מָעוּזִּי, לָמָּה זְנַחְתָּנִי;
לָמָּה קֹדֵר אֵלֵךְ בְּלַחַץ אוֹיֵב.
٣ שְׁלַח אוֹרְךָ וַאֲמִתֶּךָ, הֵמָּה יַנְחוּנִי;
יָבִיאוּנִי אֶל הַר קָדְשֶׁךָ וְאֶל מִשְׁכְּנוֹתֶיךָ.
٤ וְאָבוֹאָה אֶל מִזְבַּח אֱלֹהִים, אֶל אֵל שִׂמְחַת גִּילִי;
וְאוֹדְךָ בְּכִנּוֹר אֱלֹהִים אֱלֹהָי.
٥ מַה תִּשְׁתּוֹחֲחִי נַפְשִׁי, וּמַה תֶּהֱמִי עָלָי;
הוֹחִילִי לֵאלֹהִים כִּי עוֹד אוֹדֶנּוּ, יְשׁוּעוֹת פָּנָיו.
٦ אֱלֹהַי עָלַי נַפְשִׁי תִשְׁתּוֹחָח;
עַל כֵּן אֶזְכָּרְךָ מֵאֶרֶץ יַרְדֵּן וְחֶרְמוֹנִים, מֵהַר מִצְעָר.
٧ תְּהוֹם אֶל תְּהוֹם קוֹרֵא לְקוֹל צִנּוֹרֶיךָ;
כָּל מִשְׁבָּרֶיךָ וְגַלֶּיךָ עָלַי עָבָרוּ.

لِمَاذَا تَئِنُّ فِي دَاخِلِي،
وَتَتَقَلْقَلُ فِي جَوْفِي؟
تَرَجَّ عَلَى اللهِ، لأَنِّي بَعْدُ أَحْمَدُهُ،
خَلاَصُ وَجْهِي وَإِلهِي.

لِذَلِكَ تَذَكَّرْتُكَ مِنْ أَرْضِ الأُرْدُنِّ وَجَرْمُونِيمَ،
مِنْ جَبَلِ مِصْعَرَ.
٧ لُجَّةٌ تَهْتِفُ إِلَى لُجَّةٍ عِنْدَ صَوْتِ مِيزَابَاتِكَ.
كُلُّ تَيَّارَاتِكَ وَلُجَجِكَ عَلَيَّ اجْتَازَتْ.

٨ فِي النَّهَارِ يُوصِي الرَّبُّ رَحْمَتَهُ،
وَفِي اللَّيْلِ تَسْبِحَتُهُ عِنْدِي،
صَلاَةٌ لإِلهِ حَيَاتِي.
٩ أَقُولُ لإِلهِ صَخْرَتِي: لِمَاذَا نَسِيتَنِي؟
لِمَاذَا أَذْهَبُ مُحْزَنًا مِنْ مُضَايَقَةِ الْعَدُوِّ؟
١٠ بِسَحْقٍ فِي عِظَامِي عَيَّرَنِي مُضَايِقِي،
إِذْ قَالُوا لِي كُلَّ يَوْمٍ: أَيْنَ هُوَ إِلهُكَ؟

١١ لِمَاذَا أَنْتِ مُنْحَنِيَةٌ يَا نَفْسِي،
وَلِمَاذَا تَئِنِّينَ فِيَّ؟
ارْجِي اللهَ، لأَنِّي بَعْدُ أَحْمَدُهُ،
خَلاَصُ وَجْهِي وَإِلهِي.

٤٣ اقْضِ لِي يَا اللهُ، وَخَاصِمْ خُصُومَةَ نَفْسِي
مِنْ أُمَّةٍ غَيْرِ رَحِيمَةٍ،
وَمِنْ رَجُلِ غِشٍّ وَظُلْمٍ نَجِّنِي.
٢ لأَنَّكَ أَنْتَ إِلهُ حِصْنِي، لِمَاذَا رَفَضْتَنِي؟
لِمَاذَا أَذْهَبُ مُحْزَنًا مِنْ مُضَايَقَةِ الْعَدُوِّ؟
٣ أَرْسِلْ نُورَكَ وَحَقَّكَ. إِيَّاهُمَا يَهْدِيَانِ.
لِيُصْعِدَانِنِي إِلَى جَبَلِ قُدْسِكَ وَإِلَى مَسَاكِنِكَ،
٤ فَأَدْخُلَ إِلَى مَذْبَحِ اللهِ، إِلَى اللهِ فَرَحُ ابْتِهَاجِي،
وَأَحْمَدُكَ عَلَى الْعُودِ يَا اللهُ إِلهِي.
٥ لِمَاذَا أَنْتِ مُنْحَنِيَةٌ يَا نَفْسِي،
وَلِمَاذَا تَئِنِّينَ فِيَّ؟
ارْجِي اللهَ، لأَنِّي بَعْدُ أَحْمَدُهُ،
خَلاَصُ وَجْهِي وَإِلهِي.

وهُنتِ مهنيحفُ لهِ.
٨ حزُكُ عمُه حيه بِ سيهب لهُكُ،
ولحمهِ وهُمهِ لهِ لهُ نُكُ لهُ. هكُه. بحزُس لح بحُب نُكُ
٩ لهِ لهِ حيهِ لهِ لهُ لهُ لهُ

١٩ ואין הוא לבבו ולא־דעת ולא־תבונה לאמר,
חציתי בגחלתו ואופה על־אשיו בשר אזבח ואכל
ויתרו לתועבה אעשה לבול־עץ אסגוד׃
٢٠ רעה כאפר לבו הותה נלבבו ולא יציל את־נפשו
ולא יאמר הלא שקר בימיני׃
٢١ זכר־אלה יעקב וישראל כי־עבדי אתה יצרתיך עבד־לי אתה
ישראל לא תנשני׃
٢٢ מחיתי כעב פשעיך וכענן חטאתיך שובה אלי כי גאלתיך׃
٢٣ רנו שמים כי־עשה יהוה הריעו תחתיות־ארץ פצחו הרים רנה
יער וכל־עץ בו כי־גאל יהוה ישראל יתפאר׃
٢٤ כה־אמר יהוה גאלך ויצר מבטן אני יהוה עשה כל־נטה שמים
לבדי רקע הארץ מי אתי׃
٢٥ מפר אתות בדים ולקסמים יהולל משיב חכמים אחור ודעתם
יסכל׃
٢٦ מקים דבר־עבדו ועצת מלאכיו ישלים האמר לירושלם תושב
ולערי יהודה תבנינה והרסותיה אקומם׃

כל־החרבות אמר־הנה: יהוה נביאו יהוה. אשתבח אלהי
ישעיהו. ואמר לכורש: משיחו יהוה.

٤٥

١ כה־אמר יהוה למשיחו לכורש אשר־החזקתי בימינו לרד לפניו גוים
ומתני מלכים אפתח לפתח לפניו ושערים ולא יסגרו׃
٢ אני לפניך אהלך והרי עקבים אשבר דלתות נחשת ובריחי ברזל
אגדע׃

عزيز الملك جمالك،
لأنه هو سيدك، فاسجد له.
٣ وبنت صور تأتي بهدية،
أغنى الشعب كله يلتمس رضاك.
٤ كل جمال الأميرة من الداخل،
ثيابها مطرزة بخيوط الذهب.
٥ تقاد إلى الملك في ثياب مزركشة،
تتبعها عذارى صديقاتها إلى قصر الملك.
٦ وفي موكب فرح وابتهاج يدخلن قصر الملك.
٧ وعندما تقف الأميرة أمام الملك،
يكون آباؤك قد ماتوا منذ زمن بعيد،
لكن أبناءك سيكونون ملوكاً على الأرض كلها.
٨ سأجعل اسمك يذكر في كل الأجيال،
لذلك ستمجدك الشعوب إلى الأبد.
٩ أيها الملك، أنت تحب العدل وتكره الشر،
لذلك اختارك الله إلهك وملأك فرحاً أكثر من أصدقائك.
١٠ ثيابك كلها تفوح برائحة المر والعود والسليخة،
وتأتي إليك من قصور العاج بأصوات الموسيقى المفرحة.
١١ بنات الملوك من بين نسائك المكرمات،
وعلى يمينك تقف الملكة بثياب مذهبة من أوفير.

١٢ حَقًّا إِنَّهُ هُوَ ذَبِيحَةُ إِثْمِنَا،
وَلَيْسَ لِخَطَايَانَا فَقَطْ بَلْ لِخَطَايَا الْعَالَمِ كُلِّهِ.
١٣ وَحِينَ نَظَرَ إِلَيْهِ الْمُؤْمِنُونَ الْأَوَّلُونَ
تَأَكَّدُوا أَنَّهُ بَارٌّ أَمَامَ اللهِ.
١٤ وَحِينَ رَأَوْا مَا فَعَلَهُ بِهِ أَعْدَاؤُهُ،
عَرَفُوا أَنَّهُ هُوَ الْمَسِيحُ الَّذِي تَنَبَّأَ عَنْهُ الْأَنْبِيَاءُ.
١٥ لِأَنَّهُ هُوَ الَّذِي أَعْطَاهُ اللهُ
كُلَّ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ لِيَكُونَ بَارًّا.
١٦ وَهُوَ الَّذِي يَقْدِرُ أَنْ يُخَلِّصَ
كُلَّ مَنْ يَأْتِي إِلَى اللهِ بِوَاسِطَتِهِ.
١٧ لِأَنَّهُ هُوَ الَّذِي يَحْكُمُ الْعَالَمَ فِي الْيَوْمِ الْأَخِيرِ،
وَهُوَ أَيْضًا الَّذِي يَمْنَحُ الْحَيَاةَ الْأَبَدِيَّةَ لِلْمُؤْمِنِينَ.

لِرَئِيسِ الْمُغَنِّينَ. مَزْمُورٌ لِبَنِي قُورَحَ. عَلَى الْعَلَمُوثِ. أُغْنِيَةٌ.

٤٦ ١ اَللهُ مَلْجَأُنَا وَقُوَّتُنَا،
عَوْنُنَا الْحَاضِرُ فِي الضِّيقَاتِ.
٢ لِذَلِكَ لَا نَخَافُ وَلَوْ زَالَتِ الْجِبَالُ،
وَلَوِ انْهَارَتِ الْجُزُرُ فِي قَلْبِ الْبِحَارِ.
٣ وَلَوْ هَدَرَتْ مِيَاهُهَا وَزَبَدَتْ،
وَاهْتَزَّتِ الْجِبَالُ مِنْ ثَوَرَانِهَا. سِلَاهْ.
٤ هُنَاكَ نَهْرٌ تُفَرِّحُ سَوَاقِيهِ مَدِينَةَ اللهِ،
مَسْكَنَ الْعَلِيِّ الْمُقَدَّسَ.
٥ اَللهُ فِي وَسَطِهَا، لَنْ تَتَزَعْزَعَ،

يه بۆيۆن بۆگۆ جنگدا دۆڕێنەر.
٦ عەبدی سوپای یەهوەیە لەگەڵمانە،
هەروەها یاقوبی پشتیوانمانە.
٧ هەنگ بەڵێنی بەجێ هێنا،
هەڵگرتنی بۆگۆ بەسەرمانەوە.
٨ هەنگ سەیری کارەکانی یەهوەیە بکەن،
چۆن کاولکاری بەسەر زەویدا هێناوە.
٩ جەنگ بەسەر هەموو زەویدا کۆتایی هێناوە،
جەنگاوەر لەناو بردووە، چەکی شکاندووە،
جەنگ بەتەواوی سووتاندووە.
١٠ جا ئەڵێ: "ئارام بن و بزانن کە من خودام،
یه بەرز دەبمەوە لەناو نەتەوەکان،
یه بەرز دەبمەوە لەسەر زەوی."
١١ هەنگ سوپای یەهوەیە،
هەڵگرتنی بۆگۆ پشتیوانمانە.

بۆ سەرۆکی گۆرانیبێژان. مەزموری کۆڕەی قۆرەح.

٤٧

١ هەموو گەلان چەپڵە لێبدەن،
هاوار بۆ خودا بکەن بە دەنگی خۆشی.
٢ چونکە یەهوەی باڵادەست سامناکە،
پادشایەکی گەورەیە بەسەر هەموو زەویدا.
٣ گەلان ژێر دەسەڵاتمان دەخاتە،
نەتەوەکان ژێر پێمان دەخاتە.

٤ מִפְּנֵי שֹׁד כָּל־הַפְּלִשְׁתִּים,
לְהַכְרִית לְצֹר וְלְצִידוֹן כָּל־שָׂרִיד עֹזֵר.
כִּי שֹׁד יְהוָה אֶת־פְּלִשְׁתִּים, שְׁאֵרִית אִי כַפְתּוֹר.
٥ בָּאָה קָרְחָה עַל עַזָּה,
נִדְמְתָה אַשְׁקְלוֹן שְׁאֵרִית עִמְקָם.
עַד־מָתַי תִּתְגֹּדָדִי הַקָּרְחָה.
٦ הוֹי, חֶרֶב יְהוָה, עַד־מָתַי לֹא תִשְׁקוֹטִי,
אָסְפִי אֶל־תַּעְרֵךְ, הָרְגְעִי וְדֹמִי.
٧ אֵיךְ תִּשְׁקוֹט וַיהוָה צִוָּה לָהּ,
אֶל־אַשְׁקְלוֹן וְאֶל־שְׂפַת הַיָּם שָׁם יְסַדְּרָהּ.
٨ וְלִמּוֹאָב אָמַר כֹּה יְהוָה צְבָאוֹת אֱלֹהֵי יִשְׂרָאֵל,
הוֹי נְבוֹ כִּי שֻׁדָּדָה הֹבִישָׁה לְכִידָה מִשְׂגָּב וַתֵּחַת.
٩ נְתָנוּ־צִיר לְמוֹאָב כִּי עָלֹה תַּעֲלֶה,
וְעָרֶיהָ שְׁמָמָה תִּהְיֶינָה מֵאֵין יוֹשֵׁב בָּהֶן.
כִּי אֶל־יְרֻדָה שָׁדָד וְנִשְׁבָּר מוֹאָב.

٤٨

١ וְלִכְמוֹשׁ הָלַךְ עַל־מוֹאָב,
כֹּה אָמַר יְהוָה צְבָאוֹת אֱלֹהֵי יִשְׂרָאֵל.
הוֹי נְבוֹ כִּי שֻׁדָּדָה, הֹבִישָׁה נִלְכְּדָה קִרְיָתָיִם.
הֹבִישָׁה מִשְׂגָּב וְחִתָּה.
٢ תְּהִלַּת מוֹאָב לֹא עוֹד,
בְּחֶשְׁבּוֹן חָשְׁבוּ עָלֶיהָ רָעָה,
לְכוּ וְנַכְרִיתֶנָּה מִגּוֹי.
גַּם־דִּמֵּן תִּדֹּמִי אַחֲרַיִךְ תֵּלֵךְ חָרֶב.
٣ קוֹל צְוָחָה מֵחֹרונָיִם שֹׁד וָשֶׁבֶר גָּדוֹל.
٤ שִׁבְרָה מוֹאָב הוֹדִיעוּ צְעִירֶיהָ,

لأَنَّ هٰذَا اللهُ إِلٰهُنَا إِلَى الدَّهْرِ وَالأَبَدِ.
هُوَ يَقُودُنَا عَلَى الْمَوْتِ.
٥ أَمَّا صِهْيَوْنُ فَقَالَتْ: قَدْ تَرَكَنِي الرَّبُّ،
وَسَيِّدِي نَسِيَنِي.
٦ أَتَنْسَى الْعَذْرَاءُ حُلِيَّهَا،
أَوِ الْعَرُوسُ مِنْطَقَتَهَا؟
وَأَمَّا أَنَا فَقَدْ نَسِيتُ شَعْبِي
أَيَّامًا بِلاَ عَدَدٍ.
٧ لِمَاذَا تُحْسِنُ طَرِيقَكِ
لِتَطْلُبَ الْمَحَبَّةَ؟
لِذٰلِكَ عَلَّمْتِ الأَشْرَارَ طُرُقَكِ،
٨ وَفِي ثِيَابِكِ وُجِدَ دَمُ نُفُوسِ الْمَسَاكِينِ الأَبْرِيَاءِ.
لَمْ أَجِدْهُ بِنَقْبٍ بَلْ فِي كُلِّ هٰذِهِ.
٩ لٰكِنَّكِ قُلْتِ: إِنِّي بَرِيئَةٌ.
إِنَّهُ رَجَعَ عَنِّي غَضَبُهُ.
هَا أَنَا أُحَاكِمُكِ لأَنَّكِ قُلْتِ: لَمْ أُخْطِئْ.
١٠ لِمَاذَا تَذْهَبِينَ كَثِيرًا لِتُغَيِّرِي طَرِيقَكِ؟
فَمِنْ مِصْرَ أَيْضًا تَخْزَيْنَ
كَمَا خَزِيتِ مِنْ أَشُّورَ.
١١ أَيْضًا مِنْ هٰذِهِ تَخْرُجِينَ
وَيَدَاكِ عَلَى رَأْسِكِ،
لأَنَّ الرَّبَّ رَفَضَ مُتَّكَلاَتِكِ
فَلاَ تَنْجَحِينَ بِهِنَّ.
١٢ إِنْ طَلَّقَ رَجُلٌ امْرَأَتَهُ
فَذَهَبَتْ مِنْ عِنْدِهِ
وَصَارَتْ لِرَجُلٍ آخَرَ،
أَيَرْجِعُ إِلَيْهَا أَيْضًا؟
أَلاَ تَتَنَجَّسُ تِلْكَ الأَرْضُ تَنَجُّسًا؟
وَأَنْتِ قَدْ زَنَيْتِ مَعَ أَصْحَابٍ كَثِيرِينَ،
فَارْجِعِي إِلَيَّ أَنَا يَقُولُ الرَّبُّ.
١٣ ارْفَعِي عَيْنَيْكِ إِلَى الْهِضَابِ وَانْظُرِي:

וּמִבְּלִי אֵין בְּפִיהֶם תּוֹכֵחוֹת.
١٤ כֹּה אָמַר יְהוָה, גֹּאֲלָם, קְדוֹשׁ יִשְׂרָאֵל,
לְמַעַנְכֶם שִׁלַּחְתִּי בָבֶלָה וְהוֹרַדְתִּי כָל־בָּרִחִים,
וְהַכַּשְׂדִּים בָּאֳנִיּוֹת רִנָּתָם.

אֲנִי יְהוָה, קְדוֹשְׁכֶם, בּוֹרֵא יִשְׂרָאֵל, מַלְכְּכֶם.

٤٩

١ שִׁמְעוּ אִיִּים אֵלַי,
וְהַקְשִׁיבוּ לְאֻמִּים מֵרָחוֹק,
יְהוָה מִבֶּטֶן קְרָאָנִי,
מִמְּעֵי אִמִּי הִזְכִּיר שְׁמִי.
٢ וַיָּשֶׂם כְּחֶרֶב פִּי,
בְּצֵל יָדוֹ חְבָאָנִי,
וַיְשִׂמֵנִי לְחֵץ מְשֻׁלָּח,
בְּאַשְׁפָּתוֹ הִסְתִּירָנִי.
٣ וַיֹּאמֶר לִי עַבְדִּי אָתָּה,
יִשְׂרָאֵל אֲשֶׁר בְּךָ אֶתְפָּאָר.
٤ וַאֲנִי אָמַרְתִּי לָרִיק יָגַעְתִּי,
לְתֹהוּ וְהֶבֶל כֹּחִי כִלִּיתִי.
אָכֵן מִשְׁפָּטִי אֶת־יְהוָה,
וּפָעֳלִי אֶת־אֱלֹהָי.
٥ וְעַתָּה אָמַר יְהוָה יֹצְרִי מִבֶּטֶן לְעֶבֶד לוֹ,
לְשׁוֹבֵב אֵלָיו יַעֲקֹב וְיִשְׂרָאֵל לֹא יֵאָסֵף,
וְאֶכָּבֵד בְּעֵינֵי יְהוָה וֵאלֹהַי הָיָה עֻזִּי.
٦ וַיֹּאמֶר נָקֵל מִהְיוֹתְךָ לִי עֶבֶד,
לְהָקִים אֶת־שִׁבְטֵי יַעֲקֹב וְנִצְרֵי יִשְׂרָאֵל לְהָשִׁיב,
וְנָתַתִּיךָ לְאוֹר גּוֹיִם,
לִהְיוֹת יְשׁוּעָתִי עַד־קְצֵה הָאָרֶץ.
٧ כֹּה אָמַר גֹּאֵל יִשְׂרָאֵל קְדוֹשׁוֹ,
לִבְזֵה נֶפֶשׁ לְתוֹעֲבַת גּוֹי לְעֶבֶד מֹשְׁלִים,
מְלָכִים יִרְאוּ וְקָמוּ שָׂרִים וְיִשְׁתַּחֲווּ,
לְמַעַן יְהוָה אֲשֶׁר נֶאְמָן בָּחַר בְּךָ קְדוֹשׁ יִשְׂרָאֵל.
٨ כֹּה אָמַר יְהוָה בְּעֵת רָצוֹן עֲנִיתִיךָ,
וּבְיוֹם יְשׁוּעָה עֲזַרְתִּיךָ,
וְאֶצָּרְךָ וְאֶתֶּנְךָ לִבְרִית עָם,
לְהָקִים אֶרֶץ לְנַחֵל נְחָלוֹת שֹׁמֵמוֹת,
٩ לֵאמֹר לָאסִירִים צֵאוּ,
לָאֲשֶׁר בַּחֹשֶׁךְ הִגָּלוּ.

۱۰ هُخُت حِ سُبِ لمبحقِ لبِ دُهِ دِحِ لمبحقِ لبِ سُبِ حِ حخُت هُ،
بحهِ سذِّ لِ هجُلا هزهزلا دِحِ هحهِلا لِ هحهِلا بحهِ،
هِحِ عُجهِ لاِيْلِ بهجهِ لِ هحهِلا ذِيْلِ هحهِلا.
۱۱ حِ سُجِ لمبحِ هحتُخ بهجِ بِ،
هِحِ هِحهِلا دِحِ هحهِلا دِحِ هِحهِلا دِحِ هِحهِلا،
هِحِ هِحهِلا لِ هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا.
۱۲ لِ بِ حِحِ لِ هِحهِلا لِ هِحهِلا لِ هِحهِلا،
حِ ذِحِ لِ هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا،
۱۳ لِ هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا،
هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا.
۱۴ لِ هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا،
هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا
هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا.
۱۵ لِ هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا،
هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا.
۱۶ لا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا،
هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا.
۱۷ هُخُت هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا،
هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا.
۱۸ لِ هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا،
(هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا هِحهِلا

زندگی بسیار گران است،
و انسان برای همیشه زنده نمی‌ماند.
۱۰ زیرا می‌بیند که حکیمان می‌میرند،
و احمق و نادان هر دو از بین می‌روند،
و ثروت خود را برای دیگران باقی می‌گذارند.
۱۱ قبرهای آنان خانه‌های ابدی آنان است،
و نسل‌ها در آنجا ساکن می‌شوند،
اگرچه زمین‌ها را به نام خود نامیده بودند.
۱۲ انسان با همه‌ی شکوهش دوام نمی‌آورد،
او مانند حیوانات می‌میرد و از بین می‌رود.

۵۰

۱ یهوه، خدای خدایان، سخن گفته است،
و زمین را از طلوع تا غروب فرا خوانده است.
۲ از صهیون، که زیبایی کامل است،
خدا درخشیده است.
۳ خدای ما می‌آید و سکوت نخواهد کرد؛
آتش پیش روی او می‌سوزد،
و طوفان شدید گرداگرد او برپا است.
۴ او آسمان و زمین را فرا می‌خواند
تا قوم خود را داوری کند:
۵ «مقدسان مرا نزد من جمع کنید،
آنانی که با قربانی با من عهد بسته‌اند.»
۶ و آسمان‌ها عدالت او را اعلام می‌کنند،
زیرا خدا خود داور است. سلاه
۷ «ای قوم من، گوش دهید، و من سخن خواهم گفت؛
ای اسرائیل، تو را شهادت خواهم داد:
من خدا هستم، خدای تو.
۸ من تو را به خاطر قربانی‌هایت سرزنش نمی‌کنم،
زیرا قربانی‌های سوختنی تو همیشه پیش من است.
۹ من گاو نر از خانه‌ی تو نمی‌گیرم،
و نه بز از آغل‌های تو.
۱۰ زیرا همه‌ی حیوانات جنگل از آن من است،
و هزاران حیوان بر کوه‌ها.

۱۰ "هُدَت دِب مَن حَكَم مِنْ بِهِ حَدَّت دِكْتَا
مَحمَّدَا دَحزَكَا هُلْهُدَا.
۱۱ "حَ مَجِمَ لَحكَم فَجْسِهَا دِهلهُدَا،
مِكْمِكْتَا دِجْسِهَا جَمِ مَن.
۱۲ "أَ خَفِمَ مِهَا لَا أَمِحَ مِهَا يَلهُ،
هُدَت دِب مَكَم حَدِهَا مِحلمهُمِهَ.
۱۳ "هَا، مَ أَجِمَ حِهذَا دِمهُتَا،
مِهَم دِهَا دِيلَدِ؟
۱۴ "دِجِمَ لِكَمَا هَجَدَهَا،
مِهُمِم لِيَكَا يَدِهُكِ.
۱۵ "مِمَدِ يَدِ حَمَهَا دِهلِكَتَا،
مَ فِهُكِ مَ مَمَدَهُ مَ."
۱۶ رَمَا لَجَعَدِ حِهَذَا مَكَم بَكَمَا:
"هَا لَهُ لِهِمهِدَ هُمَتَ،
مِحَمَّكَا هَجِدَ حَفِمهُكِ؟
۱۷ "هُدَت بَمَ لَهُ هِم لَهُ جِدِمهَا،
مِهَدَ تَهَدَهُ لَهُ لِهِمهِدَ.
۱۸ "أَ سِا لَهُ لِيَتَا، حَ هُمَا لَهُ لِيَتَا، مَ لَهُ
مِجِم لِيَدَا هُ مَ مِهُمهُكِ.
۱۹ "فِهُمهُكِ لَهُ لِحِتِهِ لَهُ لِحِهَا،
مِيَتَهُكِ لَهُ هُمِمِم حَ لَهُ مِيَتَهُكِ.
۲۰ "حَ مَهُ مَ لَهُ لِحِتِهِ دِسِهُجِلِ مَ لِهِمهِدَ دِسِهُكِ،
جِلِ حَهَهَا دِمِهُكِ حَ دَهُمِ مَ مِهُسَهُ.

۲۱ "زیرا که مرد نزد خود نجنبد زیرا؛
که صادقان را تا ابد یاد خواهد بود،
۲۲ "فرمود که ای خداوند، ای خداوند،
۲۳ "حکم داده‌ام که بندگان تو
تا ابد بر تخت خود نشسته‌ای.
تو را بخوانند که ای خدا، خدای من هستی.

۱۵ ای خداوند، کیست که در خیمهٔ تو ساکن شود،
۲ یا که بر کوه قدس تو مسکن گزیند.
۳ که بر زبان خود غیبت نکند،
و بر همسایهٔ خود بدی روا ندارد،
۴ که در نظر او شخص مردود خوار شمرده شود،
اما خدا ترسندگان خداوند را محترم دارد،
که به ضرر خود قسم خورد و تغییر نمی‌دهد،
۵ که نقد خود را به ربا نمی‌دهد،
و بر بی‌گناه رشوه نمی‌گیرد.
۶ هر که چنین کند هرگز نخواهد لغزید.

به حیله‌ی خود پیش‌روی او را برگردان.
۷ ای نجات‌دهنده‌ی آنانی که
به تو پناه می‌برند،
از دشمنان راست‌دست خود
به قدرت رهایی‌بخش خود عمل کن.
۸ مرا مانند مردمک چشم خود نگاه دار،
در سایه‌ی بال‌هایت پنهانم کن
۹ از شر شریرانی که به من ظلم می‌کنند،
از دشمنان کشنده‌ام که مرا احاطه کرده‌اند.
۱۰ آن‌ها قلب خود را بسته‌اند،
و با دهان خود تکبر می‌کنند.
۱۱ در هر قدمی که برمی‌دارم، مرا احاطه کرده‌اند،
و چشم به زمین دوخته‌اند تا مرا به خاک بیندازند.
۱۲ مانند شیری هستند که آرزوی دریدن دارد،
مانند شیر ژیانی که در کمین است.
۱۳ ای خداوند، برخیز و با او رویارو شو و او را بیفکن!
شمشیر خود را برای نجات من بکش.
۱۴ ای خداوند، با دست خود آنان را از این دنیا،
از میان این مردم دنیوی که نصیبشان در این زندگی است،
نابود کن.
شکم آنان را با آنچه ذخیره کرده‌اند پر کن،
تا پسران آنان نیز سیر شوند
و آنچه را که باقی می‌ماند به فرزندان خود بدهند.
۱۵ اما من در عدالت تو را خواهم دید،
و چون بیدار شوم، از دیدن تو سیر خواهم شد.

[18] וְהַקִּמֹתִי אֶת בְּרִיתִי אִתָּךְ,
וּבָאתָ אֶל הַתֵּבָה אַתָּה וּבָנֶיךָ וְאִשְׁתְּךָ וּנְשֵׁי בָנֶיךָ אִתָּךְ.
[19] וּמִכָּל הַחַי מִכָּל בָּשָׂר שְׁנַיִם מִכֹּל תָּבִיא אֶל הַתֵּבָה,
לְהַחֲיוֹת אִתְּךָ זָכָר וּנְקֵבָה יִהְיוּ.

וְאַתָּה קַח לְךָ מִכָּל מַאֲכָל אֲשֶׁר יֵאָכֵל וְאָסַפְתָּ אֵלֶיךָ,
וְהָיָה לְךָ וְלָהֶם לְאָכְלָה.“

נֹחַ

[1] וַיֹּאמֶר יְהוָה אֶל נֹחַ, בֹּא אַתָּה וְכָל בֵּיתְךָ אֶל הַתֵּבָה;
כִּי אֹתְךָ רָאִיתִי צַדִּיק לְפָנַי בַּדּוֹר הַזֶּה.
[2] מִכֹּל הַבְּהֵמָה הַטְּהוֹרָה תִּקַּח לְךָ שִׁבְעָה שִׁבְעָה,
אִישׁ וְאִשְׁתּוֹ. וּמִן הַבְּהֵמָה אֲשֶׁר לֹא טְהֹרָה הִוא שְׁנַיִם,
[3] אִישׁ וְאִשְׁתּוֹ. גַּם מֵעוֹף הַשָּׁמַיִם שִׁבְעָה שִׁבְעָה,
זָכָר וּנְקֵבָה. לְחַיּוֹת זֶרַע עַל פְּנֵי כָל הָאָרֶץ.
[4] כִּי לְיָמִים עוֹד שִׁבְעָה אָנֹכִי מַמְטִיר עַל הָאָרֶץ,
אַרְבָּעִים יוֹם וְאַרְבָּעִים לָיְלָה. וּמָחִיתִי אֶת כָּל הַיְקוּם
אֲשֶׁר עָשִׂיתִי מֵעַל פְּנֵי הָאֲדָמָה.
[5] וַיַּעַשׂ נֹחַ כְּכֹל אֲשֶׁר צִוָּהוּ יְהוָה,
וְהִתְחִיל לִבְנוֹת אֶת הַתֵּבָה וְלַעֲשׂוֹת אֶת כָּל אֲשֶׁר
אֲשֶׁר צִוָּה יְהוָה אֹתוֹ. וְלֹא יָדַע נֹחַ כִּי אֵין לְהַמְטִיר
[6] עַל הָאָרֶץ, כִּי אִם לְבִנְיַן הַתֵּבָה בִּשְׁנַת
מֵאָה שָׁנָה לְחַיֵּי נֹחַ,
[7] וַיֹּאמֶר יְהוָה אֶל נֹחַ, כִּי אֹתְךָ רָאִיתִי צַדִּיק לְפָנַי בַּדּוֹר הַזֶּה,
וְעַתָּה הַשְׁלֵם אֶת בִּנְיַן הַתֵּבָה וְהַכְנֵס אֶת כָּל בֵּיתְךָ
אֶל הַתֵּבָה. וְאֶת כָּל הַחַי אֲשֶׁר אֶבְרָא אַשְׁמִיד מֵעַל פְּנֵי הָאֲדָמָה.

وسيكونون عبيدًا للأبد.“
٨ابنا أنا، إن هم لم يكونوا أبرارًا،
إن لم يكن الله قد غيّر قلوبهم وجعلها جديدة.
٩حينئذ سيرى الأبرار ويفرحون،
وكل الأشرار سيسكتون.

للقائد الموسيقي. على آلات الوتر: مزمور داود الذي كتبه.

٥٣ ١الجاهل يقول في قلبه: ”لا يوجد الله.“
إنهم فاسدون، وأعمالهم مقززة،
لا يوجد أحد يعمل الخير.
٢الله ينظر من السماء إلى البشر،
ليرى إن كان أحد يفهم،
أو يبحث عن الله.
٣لكن الكل قد ابتعد،
وصاروا جميعًا فاسدين،
لا يوجد أحد يعمل الخير، لا يوجد ولا واحد.
٤ألا يعرف فاعلو الشر هذا،
الذين يأكلون شعبي كما يأكلون الخبز،
ولا يدعون الله؟
٥سيرتعدون خوفًا عظيمًا،
لأن الله سيبعثر عظام الذين يحاصرونكم،
وسيخزيهم الله لأنه رفضهم.
٦ليت خلاص إسرائيل يأتي من صهيون!

جب يَدِيد بَكَرْ بِهِ مَيْنِ بِهِ بِهِ بِه

لذت بجنبها. فحصلت: الحامل ولدها تحت

٥٥

[١] فجأة نهار، ولم أنم حتى،
سمعت صوت الرعد يقصف بعنف.
[٢] فجريت إلى حيث،
تجمع الناس بسبب عاصفة ثلجية،
[٣] ثم قمت،
بمساعدة الناس على،
الوصول إلى مكان آمن.
[٤] حيث ذهبت إلى بيتي،
وأخذت حمامًا دافئًا.
[٥] وبعد الانتهاء أخذت،
أدوية الصداع.
[٦] وقلت لأمي: "هل يمكنك،
أن تعدي لي شيئًا ساخنًا.
[٧] فقالت أمي،
سأعد لك شيئًا،
ولكن أولًا،
[٨] "يجب أن تأكل،
شيئًا ما."
[٩] فجلست، على الأريكة،
وأخذت أتناول الطعام،
[١٠] وبعد الانتهاء،

.من شوہر پر بھی حملہ کیا ہے
۱۱ اس نے اپنا گھر،
جو قلعہ ہے ہمارے لئے،
.برباد کر دیا ہے
۱۲ وہ نہیں کوئی دشمن جو مجھے طعنے دیتا ہے،
.ورنہ میں برداشت کر لیتا
نہیں کوئی مخالف جو میرے خلاف اٹھ کھڑا ہوا ہے،
.ورنہ میں اس سے چھپ جاتا
۱۳ بلکہ تو ہی ہے، اے میرے ساتھی،
اے میرے قریبی دوست،
۱۴ جس کے ساتھ میں کبھی میٹھی باتیں کرتا تھا،
جس کے ساتھ میں خدا کے گھر میں جاتا تھا۔
۱۵ اُن کی موت اچانک آ جائے،
وہ زندہ ہی پاتال میں جا گریں،
کیونکہ ان کے گھروں میں اور ان کے دلوں میں بدی ہی بدی ہے۔
۱۶ لیکن میں خدا کو پکاروں گا،
اور خداوند مجھے بچا لے گا۔
۱۷ شام، صبح اور دوپہر کو میں
آہ و زاری کرتا رہوں گا۔
اور وہ میری سنے گا۔
۱۸ وہ مجھے ان سب سے بچا کر
امن میں لے آئے گا،
حالانکہ بہت سے میرے خلاف ہیں۔
۱۹ وہ سنے گا اور انہیں نیچا دکھائے گا،
وہ جو ازل سے تخت پر براجمان ہے۔ سلاہ
کیونکہ ان کے دل کبھی نہیں بدلتے،
اور نہ ہی وہ خدا کا خوف مانتے ہیں۔

٢٠ صديقي مدّ يده إلى أصحابه،
وحنث بعهده.
٢١ كان كلامه ألين من الزبد،
وفي قلبه حرب؛
كانت كلماته أنعم من الزيت،
ولكنها سيوف مسلولة.
٢٢ ألقِ همّك على الرب، وهو يعولك،
ولن يدع البار يتزعزع إلى الأبد.
٢٣ أما أنت يا الله، فتحدرهم إلى هوة الهلاك،
والدمويون والغادرون لن يعيشوا نصف أيامهم؛
أما أنا فأتوكل عليك.

للمغني على اللحن: الحمامة البعيدة.
لداود. لما قبض عليه الفلسطينيون في جت.

٥٦ ١ ارحمني يا الله، فإن الناس يريدون ابتلاعي؛
طول النهار يحاربونني ويضطهدونني.
٢ طول النهار يريد أعدائي ابتلاعي،
فكثيرون هم الذين يحاربونني بكبرياء.
٣ عندما أخاف،
أتوكل عليك.
٤ بالله أسبح كلامه،
بالله توكلت فلا أخاف.
ماذا يستطيع الإنسان الفاني أن يفعل بي؟

ה בְּצֶדֶק תַּעֲנֵנוּ נוֹרָאוֹת אֱלֹהֵי יִשְׁעֵנוּ,
מִבְטָח לְכָל קַצְוֵי אֶרֶץ וְרָחֳקֵי יָם.
ו מֵכִין הָרִים בְּכֹחוֹ נֶאְזָר בִּגְבוּרָה,
מַשְׁתִּיק שְׁאוֹן גַּלֵּיהֶם שְׁאוֹן גַּלֵּיהֶם וְהֲמוֹנָם,
וְרוֹגֶז לְאֻמִּים.
ז וַיִּפְחֲדוּ יוֹשְׁבֵי קְצָווֹת מֵאֹתוֹתֶיךָ,
מוֹצָאֵי בֹקֶר וְעֶרֶב תַּרְנִין.
ח פָּקַדְתָּ הָאָרֶץ וַתְּשֹׁקְקֶהָ,
רַבַּת תַּעְשִׁירֶנָּה פֶּלֶג אֱלֹהִים מָלֵא מָיִם,
תָּכִין דְּגָנָם כִּי כֵן תְּכִינֶהָ?
ט רַוֵּה גְּדוּדֶיהָ נַחֵת רְבִיבִים תְּמוֹגְגֶנָּה,
בִּצְמִיחָתָהּ תְּבָרֵךְ נִזְרָהּ.
י עִטַּרְתָּ שְׁנַת טוּבֶךָ וּמַעְגָּלֶיךָ יִרְעֲפוּ דָשֶׁן,
יִרְעֲפוּ עַל נְאוֹת מִדְבָּר וְגִיל גְּבָעוֹת תַּחְגֹּרְנָה.
יא לָבְשׁוּ כָרִים הַצֹּאן וַעֲמָקִים יַעְטְפוּ בָר,
יָרִיעוּ אַף יָשִׁירוּ לָמוֹ.
יב הַרְנִינוּ אֲדָמָה רִנָּה וְשִׂמְחָה כָּל יוֹשְׁבֶיהָ,
כִּי גָדַל בָּהּ קְדוֹשׁ יִשְׂרָאֵל.

לְמַעַן, יַטְרֵף כְּאַרְיֵה נַפְשִׁי. פֹּרֵק וְאֵין מַצִּיל.

יְהוָה אֱלֹהַי אִם עָשִׂיתִי זֹאת, אִם יֶשׁ עָוֶל בְּכַפָּי.

ז

[1] אִם גָּמַלְתִּי שִׁלְמִי רָע, וָאֲחַלְּצָה צוֹרְרִי רִיקָם.

[2] יִרְדֹּף אוֹיֵב נַפְשִׁי וְיַשֵּׂג, וְיִרְמֹס לָאָרֶץ חַיָּתִי,

וְכָבוֹדִי לֶעָפָר יַשְׁכִּן סֶלָה.

[3] קוּמָה יְהוָה בְּאַפֶּךָ, הִנָּשֵׂא בְּעִבְרוֹת צוֹרְרָי,

וְעוּרָה אֵלַי מִשְׁפָּט צִוִּיתָ.

[4] וַעֲדַת לְאֻמִּים תְּסוֹבְבֶךָ, וְעָלֶיהָ לַמָּרוֹם שׁוּבָה.

[5] יְהוָה יָדִין עַמִּים, שָׁפְטֵנִי יְהוָה כְּצִדְקִי וְכְתֻמִּי עָלָי.

[6] יִגְמָר נָא רָעַת רְשָׁעִים וּתְכוֹנֵן צַדִּיק,

וּבֹחֵן לִבּוֹת וּכְלָיוֹת אֱלֹהִים צַדִּיק.

[7] מָגִנִּי עַל אֱלֹהִים, מוֹשִׁיעַ יִשְׁרֵי לֵב.

[8] אֱלֹהִים שׁוֹפֵט צַדִּיק, וְאֵל זוֹעֵם בְּכָל יוֹם.

يح بجيب عيه أمخيه.
٨ ذحدعه، ئ كبه! ذحدعه، ههذه ذحنده!
يح بهذيه ليقذه.
٩ يح بجذبخيه ههذه ئ هذئه، ليقمخه هك ههذه يح أمخيه،
١٠ حمه ههذه ئبخه كلهذ هئه ذهذهلخ ممه، ههههحمخه
ههههذبخه بتنه كلهذه.
١١ ذهه ئ بخكه، ئ بخبه كلخ همه، ليكه ئ بخبه كلخ
ههههذه ههه ئذه هئه كلخ ههههذه.

لذمه جهجه. هيعبخا. ليهذا جهه لجه تمذ.

٧٥ ١ هه حمذذه، بخههذهه ههههجه ئ، ههه ليههههذه هه بتنه؟
٢ كا، بخهه ههه هكئهخ ههجههتخه كا بخ، ليهه ههه ليههههذه
ههههذبخه ههه ههه ليههفه ئذه.
٣ ذهذه هه بخذبه ههه هه ليههذه ههه ليهه ليهذه،
٤ هكئه ههههه ذهههه ههههه ههههه خه ممههه،
بخ ههه كلهذه بتنهههذه ههه هه ههه كلهذ.
٥ ليهكههههذه هكا همه ليه ههه،
بخ ههه ههه ههه ههه ههه ههه ههه ههه.
٦ ئ بخكه، ممههههه هك ممتنخ كلهههه، ممههههه
ليهه ههههذه ليهذبخه ليهههذه بتنه.
٧ ئ بخكه، ئ هذئه، ههههه ليهذبخه ليهههذه بتنه
ههههذبخه ههه ههه ههه ههه ههه ههه ههه ههه.
٨ ذحدعه، ئ كبه! ذحدعه، ههذه ذحنده!
يح بجيب عيه أمخيه.

۷ خدایا، دندان‌های آنها را
در دهانشان خرد کن.
ای خداوند، دندان‌های شیرهای ژیان را بشکن.
۸ بگذار مثل آب روان ناپدید شوند،
بگذار تیرهایشان مثل ساقه‌های بریده شده بی‌فایده باشد.
۹ بگذار مثل حلزونی که آب دهانش را می‌کشد،
یا مثل سقط‌شده‌ای که هرگز روز را ندیده باشد، از بین بروند.
۱۰ پیش از آنکه دیگ‌هایتان داغ شود تا خار را بسوزانید،
خدا آنها را با گردباد خشمگین خود جارو خواهد کرد.
۱۱ آنگاه مردم خواهند گفت: «خدا واقعاً عادلان را پاداش می‌دهد،
خدا واقعاً وجود دارد و بر زمین داوری می‌کند.»

دعا برای رهایی از دشمنان

برای رهبر آواز. با آهنگ «نابود نکن». مزمور داود. سرودی که داود خواند وقتی شائول مأموران فرستاد تا خانه او را زیر نظر بگیرند و او را بکشند.

۵۹ ۱ خدایا، مرا از دشمنانم نجات بده،
از کسانی که علیه من قیام می‌کنند در امان نگه دار.
۲ مرا از شر بدکاران رها کن،
و از خونریزان نجات بده.
۳ ببین چطور در کمین من نشسته‌اند،
چطور گروهی قوی علیه من متحد شده‌اند،
در حالی که من بی‌گناهم و هیچ گناهی نکرده‌ام، ای خداوند.
۴ بدون هیچ تقصیری از من، آماده حمله‌اند.
بیدار شو و به کمک من بیا و وضع را ببین.
۵ ای خداوند خدای لشکرها، ای خدای اسرائیل،

ذبحوه يقولون لحكام الأرض،
لا تُسمعه كلمة ولا تفهمه. هكذا
٦ حِ ذُبذب حذمتا أوب إلى جلتي،
وشجب شِدّة جمجمة الإنسان.
٧ وها، حِ إلحلحي حمامي في بحلحي،
جبا هبط حقوقه،
هُحت حِ أمذب: "مَن يسمعنا؟"
٨ ابنا إلى، نا مُذنا، لي كُسح حبس،
لي هبط حذمتا يقولون.
٩ نا سبب، يلوح لي هُفي،
هُحت إلى ما لي هو.
١٠ إلى جلحبا لي بوبحا حب،
إلى لي هبط أجبا لجتمتا.
١١ لا تُهلك لهم جبا ولا يكن شعبي نسب،
جعلهم بالقوة، وحطمهم يا سيدنا ترس،
نا مُذنا مُلجأ.
١٢ حبا سهلا إلى لي هُفي، وشتّتهم جميع الأمم،
قسب جبجتذبوب لجبا،
وحبا كمهلا إلى لي هبط.
١٣ تُلجأ لهم حبا تلجأ، تُلجأ يكن لهم قسب،
جذب إلى لجتمتا ما لجتمتا إلى،
جلهم هذا جذبا. هكذا
١٤ حِ ذُبذب حذمتا أوب إلى جلتي،

ובכל מאדך.
[6] והיו הדברים האלה אשר אנכי מצוך היום,
על לבבך.
[7] ושננתם לבניך, ודברת בם בשבתך בביתך,
ובלכתך בדרך, ובשכבך ובקומך.
[8] וקשרתם לאות על ידך, והיו לטטפת בין עיניך.
[9] וכתבתם על מזזות ביתך ובשעריך.

והיה כי יביאך יהוה אלהיך אל הארץ אשר נשבע לאבתיך לאברהם ליצחק וליעקב לתת לך ערים גדלות וטבות אשר לא בנית. [11] ובתים מלאים כל טוב אשר לא מלאת, וברות חצובות אשר לא חצבת, כרמים וזיתים אשר לא נטעת, ואכלת ושבעת. [12] השמר לך פן תשכח את יהוה אשר הוציאך מארץ מצרים מבית עבדים.

[13] את יהוה אלהיך תירא ואתו תעבד, ובשמו תשבע.
[14] לא תלכון אחרי אלהים אחרים מאלהי העמים אשר סביבתיכם.
[15] כי אל קנא יהוה אלהיך בתוכך פן יחרה אף יהוה אלהיך בך והשמידך מעל פני האדמה.
[16] לא תנסו את יהוה אלהיכם כאשר נסיתם במסה.
[17] שמר תשמרון את מצות יהוה אלהיכם ועדתיו וחקיו אשר צוך.
[18] והישר והטוב בעיני יהוה למען ייטב לך ובאת וירשת את הארץ הטבה אשר נשבע יהוה לאבתיך.

[19] להדף כל אויביך מפניך כאשר דבר יהוה.
[20] כי ישאלך בנך מחר לאמר מה העדת והחקים והמשפטים אשר צוה יהוה אלהינו אתכם.
[21] ואמרת לבנך עבדים היינו לפרעה במצרים ויוצאנו יהוה ממצרים ביד חזקה.
[22] ויתן יהוה אתת ומופתים גדלים ורעים במצרים בפרעה ובכל ביתו לעיננו.
[23] ואתנו הוציא משם למען הביא לתת לנו את הארץ אשר נשבע לאבתינו.

ו
[1] כי יביאך יהוה אל הארץ אשר אתה בא שמה לרשתה,
ונשא גוים רבים מפניך החתי והגרגשי והאמרי והכנעני והפרזי והחוי והיבוסי

٦ קול שאון מעיר, קול מהיכל,
קול יהוה משלם גמול לאויביו.
٧ "בטרם תחיל ילדה,
בטרם יבוא חבלה לה,
ותמלט ותלד זכר.
٨ "מי שמע כזאת, מי ראה כאלה,
התחולל ארץ ביום אחד,
אם יוולד גוי פעם אחת?
כי חוללה גם ילדה ציון את בניה.
٩ "הנני המוליד ולא אשביר, אמר יהוה,
אם אני המולד ועצרתי, אמר אלהיך.
١٠ שמחו את ירושלם וגילו בה כל אהביה,
שישו אתה משוש כל המתאבלים עליה.
١١ למען תינקו ושבעתם משד תנחומיה,
למען תמצו והתענגתם מזיז כבודה.
١٢ כי כה אמר יהוה,
הנני נוטה אליה כנהר שלום,
וכנחל שוטף כבוד גוים,
ויניקתם על צד תישאו ועל ברכים תשעשעו.
١٣ כאיש אשר אמו תנחמנו,
כן אנכי אנחם אתכם,
ובירושלם תנוחמו.
١٤ וראיתם ושש לבבכם,
ועצמותיכם כדשא תפרחנה.
ונודעה יד יהוה את עבדיו,

٦٦

١ כה אמר יהוה,
השמים כסאי והארץ הדם רגלי,
איה בית אשר תבנו לי,
ואי זה מקום מנוחתי.
٢ את כל אלה ידי עשתה,
ויהיו כל אלה נאם יהוה.
אל זה אביט,
אל עני ונכה רוח,
וחרד על דברי.
٣ שחט השור מכה איש,
זבח השה ערף כלב,
מעלה מנחה דם חזיר,
מזכיר לבונה מברך און.
גם המה בחרו בדרכיהם,
ובשקוציהם נפשם חפצה.
٤ גם אני אבחר בתעלליהם,
ומגורתם אביא להם,
יען קראתי ואין עונה,
דברתי ולא שמעו.

٥ حقًا جانبُ ربِّي، نَعَمْ، انتظارُ نفسي،
منه خلاصي.
٦ نعم هو صخرتي وخلاصي،
ملجأي. لا أتزعزع كثيرًا.
٧ على الله خلاصي ومجدي،
صخرة قوتي وملجأي.
٨ توكلوا عليه في كل حين يا شعب،
اسكبوا قلوبكم قدامه.
الله ملجأ لنا.

لإمام المغنين. على ياديثون. مزمور لداود.

٦٢ ١ حقًا نفسي تنتظر الله.
منه خلاصي.
٢ حقًا هو صخرتي وخلاصي،
ملجأي. لا أتزعزع.
٣ حتى متى تهجمون على إنسان؟
تقتلون جميعكم،
كحائط مائل وسياج منقض.
٤ إنما يتشاورون فقط في أن يدفعوه عن مرتفعه،
ويسرون بالكذب.
بأفواههم يباركون، وفي قلوبهم يلعنون.
٥ حقًا انتظري يا نفسي الله،
لأن رجائي منه.
٦ حقًا هو صخرتي وخلاصي،

فقط میں،
۷ جس نے مجھے سنبھالا ہے،
جو میرا مددگار ہے،
میں تیرے پروں کے سایہ میں خوشی سے گاؤں گا۔
۸ میری جان تجھ سے لپٹی ہوئی ہے،
تیرا داہنا ہاتھ مجھے تھامے ہوئے ہے۔
۹ لیکن جو میری جان کے درپے ہیں،
وہ زمین کی گہرائیوں میں جائیں گے۔
۱۰ وہ تلوار کے حوالے کیے جائیں گے،
اور گیدڑوں کا شکار بنیں گے۔
۱۱ لیکن بادشاہ خدا میں خوشی منائے گا،
جو اس کی قسم کھائے گا وہ فخر کرے گا،
کیونکہ جھوٹوں کا منہ بند کیا جائے گا۔
۱۲ وہ جو تیرے نام کی قسم کھاتے ہیں،

۶۳

۱ اے خدا، میری آواز سن جب میں فریاد کرتا ہوں،
دشمن کے خوف سے میری جان کی حفاظت کر۔
۲ مجھے شریروں کی خفیہ سازش سے،

تیری شفقت زندگی سے بہتر ہے،
اس لئے میرے لب تیری ستائش کریں گے۔
۴ میں زندگی بھر تیری تعریف کرتا رہوں گا،
تیرے نام پر ہاتھ اٹھا کر تیری عبادت کروں گا۔
۵ میرا دل اور جسم اس سے سیر ہو جائے گا
جیسے چربی اور مغز سے۔
میرا منہ خوشی کے گیت گائے گا۔
۶ جب میں اپنے بستر پر لیٹا ہوا تیرے بارے میں سوچتا ہوں،
رات کے پہروں میں تیرا ہی دھیان کرتا ہوں،
۷ کیونکہ تو میرا مددگار رہا ہے۔
تیرے پروں کے سائے میں میں خوشی کے گیت گاؤں گا۔
۸ میرا دل تیرے ساتھ لگا رہتا ہے،
اور تیرا داہنا ہاتھ مجھے تھامے رہتا ہے۔
۹ لیکن جو میری جان لینے کے درپے ہیں
وہ زمین کی گہرائیوں میں جائیں گے۔
۱۰ وہ تلوار کے حوالے کئے جائیں گے،
اور گیدڑوں کی خوراک بنیں گے۔
۱۱ لیکن بادشاہ خدا میں خوشی منائے گا۔
جو بھی اس کی قسم کھاتا ہے وہ فخر کرے گا،
کیونکہ جھوٹ بولنے والوں کا منہ بند کیا جائے گا۔

לדוד. תהלה בהעתיר שיחי. מפחד אויב תצר חיי.

64 [1] שמע, אלהים, בקולי בשיחי,
מפחד אויב תנצר חיי.
[2] תסתירני מסוד מרעים,
מרגשת פעלי און.
[3] אשר שננו כחרב לשונם,
דרכו חץ דבר מר.
[4] לירות בתמים מחבא פתאם יורהו,
ולא יראו.
[5] יחזקו למו דבר רע,
יספרו לטמן מוקשים;
אמרו: "מי יראנו?"
[6] חפשו עולות תמנו חפש,
וקרב איש ולב עמק.
[7] ואלהים יורם חץ פתאם,
היו מכותם.
[8] ויכשילוהו עליהם לשונותם,
ינוד כל רואה בם.
[9] וייראו כל אדם,
ויגידו פעל אלהים,
ומעשהו השכילו.
[10] ישמח צדיק ביהוה וחסה בו,

لترنم لإمام. مزمور لداود. أغنية.

٦٥ ١ يا إلهي صهيون، لك يليق التسبيح في صمت،
ولك نوفي نذورنا.
٢ يا سامع الصلاة،
إليك يأتي كل بشر.
٣ آثام كثيرة تغلبت علينا،
لكنك أنت تغفر ذنوبنا.
٤ طوبى لمن تختاره وتقربه إليك
ليسكن في ديارك.
نشبع من خيرات بيتك،
من خيرات هيكلك المقدس.
٥ بأعمال مرهوبة تستجيب لنا بالبر،
يا إلهي مخلصنا،
يا رجاء كل أقاصي الأرض
والبحار البعيدة.
٦ بقدرتك أقمت الجبال،
وتسلحت بالعزة.
٧ تسكن الأعماق وتهدئ هديرها،
وتسكن أمواجها وضجيج الأمم.
٨ فيخاف سكان أقاصي الأرض من آياتك،
ويهتف بالفرح سكان المشرق والمغرب.
٩ تعتني بالأرض وتسقيها،

في كنيسة الأبكار المكتوبين في السماء،
وإلى الله ديان الجميع،
وإلى أرواح الأبرار المكملين،
١٠ وإلى يسوع وسيط العهد الجديد،
وإلى دم الرش الذي يتكلم أفضل من هابيل.
١١ فانظروا أن لا تأبوا المتكلم.
لأنه إن كان أولئك لم ينجوا إذ أبوا المتكلم على الأرض،
فبالأحرى نحن إن أعرضنا عن الذي من السماء.
١٢ الذي صوته زعزع الأرض حينئذ،
وأما الآن فقد وعد قائلا:
١٣ إني مرة أيضا أزعزع لا الأرض فقط،
بل السماء أيضا.
١٤ وقول مرة أيضا يدل على نقل المتزعزعات
كالمصنوعات لكي تبقى التي لا تتزعزع.
١٥ لذلك نحن قابلون ملكوتا لا يتزعزع،
فلنكن شاكرين،
به نخدم الله خدمة مرضية بخشوع وتقوى.
١٦ لأن إلهنا نار آكلة.

١٣ لتثبت محبة الإخوة. ٢ لا تنسوا إضافة الغرباء.
لأن بذلك قد أضاف قوم ملائكة وهم لا يدرون.
٣ اذكروا المقيدين كأنكم مقيدون معهم،
والمذلين كأنكم أنتم أيضا في الجسد.
٤ ليكن الزواج مكرما عند الكل،
والمضجع غير دنس.

٥ تعالوا وانظروا أعمال الله،
الذي مخاوفه بين بني آدم.
٦ حوّل البحر إلى يابسة،
فعبروا النهر على أقدامهم.
هناك فرحنا به.
٧ هو متسلط إلى الأبد بقوته،
وعيناه تراقبان الأمم،
فلا يتكبر المتمردون.
٨ باركوا إلهنا أيها الشعوب،
وأسمعوا صوت تسبيحه،
٩ الذي حفظ نفوسنا على قيد الحياة،
ولم يسمح لأقدامنا بالزلل.
١٠ لأنك امتحنتنا يا الله،
وصهرتنا كما تُصهر الفضة.
١١ أوقعتنا في الشبكة،
وحمّلتنا أثقالاً على ظهورنا.
١٢ جعلت الناس يركبون رؤوسنا،
ومررنا في النار والماء،
لكنك أخرجتنا إلى مكان الراحة.
١٣ سأدخل بيتك بمحرقات،
وأفي لك بنذوري
١٤ التي نطقت بها شفتاي،

.וֹתֹא יִמ וֹנֹתּוכּכּ בֹכּ תּבּוֹתּ מּ וֹתֹא כּלֹתּוֹ
[١٥] בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ,
בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ,
תּכּוֹ. וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ
[١٦] בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ,
.בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ
[١٧] בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ,
.בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ
[١٨] בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ,
.בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ
[١٩] בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ,
.בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ
[٢٠] בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ,
.בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ

.תּכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ. וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ.

٦٧

[١] בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ,
בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ.
[٢] בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ,
.בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ
[٣] בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ,
.בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ
[٤] בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ בֹכּוֹ וֹנֹתּוֹתּוֹתּ,

לְפָנָיו׃ ו אֲבִי יְתוֹמִים וְדַיַּן אַלְמָנוֹת
אֱלֹהִים בִּמְעוֹן קָדְשׁוֹ׃ ז אֱלֹהִים מוֹשִׁיב יְחִידִים בָּיִת
מוֹצִיא אֲסִירִים בַּכֹּשָׁרוֹת אַךְ סוֹרְרִים שָׁכְנוּ צְחִיחָה׃
ח אֱלֹהִים בְּצֵאתְךָ לִפְנֵי עַמֶּךָ בְּצַעְדְּךָ בִּישִׁימוֹן סֶלָה׃
ט אֶרֶץ רָעָשָׁה אַף שָׁמַיִם נָטְפוּ מִפְּנֵי אֱלֹהִים זֶה סִינַי
מִפְּנֵי אֱלֹהִים אֱלֹהֵי יִשְׂרָאֵל׃ י גֶּשֶׁם נְדָבוֹת תָּנִיף אֱלֹהִים
נַחֲלָתְךָ וְנִלְאָה אַתָּה כוֹנַנְתָּהּ׃ יא חַיָּתְךָ יָשְׁבוּ בָהּ
תָּכִין בְּטוּבְךָ לֶעָנִי אֱלֹהִים׃ יב אֲדֹנָי יִתֵּן אֹמֶר
הַמְבַשְּׂרוֹת צְבָא רָב׃ יג מַלְכֵי צְבָאוֹת יִדֹּדוּן יִדֹּדוּן
וְנוֵה בַיִת חָלֵק שָׁלָל׃ יד אִם תִּשְׁכְּבוּן בֵּין שְׁפָתָיִם
כַּנְפֵי יוֹנָה נֶחְפָּה בַכֶּסֶף וְאֶבְרוֹתֶיהָ בִּירַקְרַק חָרוּץ׃
טו בְּפָרֵשׂ שַׁדַּי מְלָכִים בָּהּ תְּשַׁלַּג בְּצַלְמוֹן׃ טז הַר
אֱלֹהִים הַר בָּשָׁן הַר גַּבְנֻנִּים הַר בָּשָׁן׃ יז לָמָּה תְרַצַּדוּן
הָרִים גַּבְנֻנִּים הָהָר חָמַד אֱלֹהִים לְמוֹשָׁבוֹ אַף יְהוָה
יִשְׁכֹּן לָנֶצַח׃ יח רֶכֶב אֱלֹהִים רִבֹּתַיִם אַלְפֵי שִׁנְאָן אֲדֹנָי
בָּם סִינַי בַּקֹּדֶשׁ׃ יט עָלִיתָ לַמָּרוֹם שָׁבִיתָ שֶׁבִי לָקַחְתָּ
מַתָּנוֹת בָּאָדָם וְאַף סוֹרְרִים לִשְׁכֹּן יָהּ אֱלֹהִים׃ כ בָּרוּךְ
אֲדֹנָי יוֹם יוֹם יַעֲמָס לָנוּ הָאֵל יְשׁוּעָתֵנוּ סֶלָה׃ כא אֵל לָנוּ
אֵל לְהוֹשָׁעוֹת וְלַיהוָה אֲדֹנָי לַמָּוֶת תּוֹצָאוֹת׃ כב אַךְ אֱלֹהִים
יְמָחַץ רֹאשׁ אֹיְבָיו קָדְקֹד שֵׂעָר מִתְהַלֵּךְ בְּאֲשָׁמָיו׃ כג אָמַר
אֲדֹנָי מִבָּשָׁן אָשִׁיב אָשִׁיב מִמְּצֻלוֹת יָם׃ כד לְמַעַן תִּמְחַץ
רַגְלְךָ בְּדָם לְשׁוֹן כְּלָבֶיךָ מִן אֹיְבִים מִנָּה׃ כה רָאוּ הֲלִיכֹתֶיךָ
אֱלֹהִים הֲלִיכוֹת אֵלִי הֲלִיכוֹת בְּקָדְשׁוֹ׃ כו קָדְמוּ שָׂרִים
אַחַר נוֹגְנִים בְּתוֹךְ עֲלָמוֹת תֻּפֵּפוֹת׃ כז בְּמַקְהֵלוֹת בָּרְכוּ
אֱלֹהִים אֲדֹנָי מִמְקוֹר יִשְׂרָאֵל׃ כח שָׁם בִּנְיָמִין צָעִיר רוֹדֵמוֹ
שָׂרֵי יְהוּדָה רִגְמָתָם שָׂרֵי זְבוּלֻן שָׂרֵי נַפְתָּלִי׃ כט צַוָּה
אֱלֹהֶיךָ עֻזֶּךָ אֱלֹהִים זוּ עֻזָּה בָּנוּ מֵהֵיכָלֶךָ לִירוּשָׁלִָם׃
ל לְךָ יוֹבִלוּן מְלָכִים שָׁי׃ לא גְּעַר חַיַּת קָנֶה עֲדַת אַבִּירִים
בְּעֶגְלֵי עַמִּים מִתְרַפֵּס רָצֵי כֶסֶף בַּתְּרִיסִים פִּזַּר עַמִּים
קְרָבוֹת יֶחְפָּצוּ׃ לב יֵאתָיוּן חַשְׁמַנִּים מִמִּצְרַיִם כּוּשׁ תָּרִיץ
יָדָיו לֵאלֹהִים׃ לג מַמְלְכוֹת הָאָרֶץ שִׁירוּ לֵאלֹהִים זַמְּרוּ
לַאֲדֹנָי סֶלָה׃ לד לָרֹכֵב בִּשְׁמֵי שְׁמֵי קֶדֶם הֵן יִתֵּן בְּקוֹלוֹ
קוֹל עֹז׃ לה תְּנוּ עֹז לֵאלֹהִים עַל יִשְׂרָאֵל גַּאֲוָתוֹ וְעֻזּוֹ
בַּשְּׁחָקִים׃ לו נוֹרָא אֱלֹהִים מִמִּקְדָּשֶׁיךָ אֵל יִשְׂרָאֵל הוּא
נֹתֵן עֹז וְתַעֲצֻמוֹת לָעָם בָּרוּךְ אֱלֹהִים׃

٦ יְחִידִים מוֹשִׁיב בַּיִת מוֹצִיא אֲסִירִים בַּכּוֹשָׁרוֹת,
אַךְ סוֹרְרִים שָׁכְנוּ צְחִיחָה.
٧ אֱלֹהִים בְּצֵאתְךָ לִפְנֵי עַמֶּךָ, בְּצַעְדְּךָ בִּישִׁימוֹן סֶלָה.
٨ אֶרֶץ רָעָשָׁה גַּם שָׁמַיִם נָטְפוּ לִפְנֵי אֱלֹהִים, זֶה סִינַי לִפְנֵי אֱלֹהִים אֱלֹהֵי יִשְׂרָאֵל.
٩ גֶּשֶׁם נְדָבוֹת תָּנִיף אֱלֹהִים, נַחֲלָתְךָ וְנִלְאָה אַתָּה כּוֹנַנְתָּהּ.
١٠ חַיּוֹתֶיךָ יָשְׁבוּ בָהּ, תָּכִין בְּטוּבְךָ לָעֲנִי אֱלֹהִים.
١١ אֲדֹנָי יִתֵּן אֹמֶר, מְבַשְּׂרוֹת צָבָא רָב.
١٢ מַלְכֵי צְבָאוֹת יִדֹּדוּן יִדֹּדוּן, וְנוֵה בַיִת חָלְקָה שָׁלָל.
١٣ אִם תִּשְׁכְּבוּן בֵּין שְׁפָתָיִם, כַּנְפֵי יוֹנָה נֶחְפָּה בַכֶּסֶף,
וְאֶבְרוֹתֶיהָ בִּירַקְרַק חָרוּץ.
١٤ בְּפָרֵשׂ שַׁדַּי מְלָכִים בָּהּ, הִשְׁלִיגוּ בְּצַלְמוֹן.
١٥ הַר אֱלֹהִים הַר בָּשָׁן, הַר גַּבְנוּנִים הַר בָּשָׁן.

١٦ يَا جِبَالَ بَاشَانَ ذَاتَ قِمَمٍ كَثِيرَةٍ،
لِمَاذَا تَرْمُقْنَ بِحَسَدٍ الْجَبَلَ الَّذِي اخْتَارَهُ اللهُ مَسْكَنًا لَهُ،
بَلْ إِنَّ اللهَ سَيَسْكُنُ فِيهِ إِلَى الأَبَدِ.
١٧ مَرْكَبَاتُ اللهِ رِبْوَتَانِ مِنْ أُلُوفٍ مُتَكَاثِرَةٍ،
وَالسَّيِّدُ بَيْنَهَا فِي سِينَاءَ فِي الْمَكَانِ الْمُقَدَّسِ.
١٨ صَعِدْتَ إِلَى الْعَلاَءِ، وَسَبَيْتَ سَبْيًا،
وَأَخَذْتَ عَطَايَا مِنَ النَّاسِ،
حَتَّى مِنَ الْمُتَمَرِّدِينَ، لِكَيْ يَسْكُنَ الرَّبُّ الإِلهُ فِيهِمْ.
١٩ تَبَارَكَ السَّيِّدُ،
الَّذِي يَحْمِلُ عَنَّا أَثْقَالَنَا يَوْمًا بَعْدَ يَوْمٍ،
إِلهُ خَلاَصِنَا. سِلاَهْ
٢٠ إِلهُنَا هُوَ إِلهُ خَلاَصٍ،
وَلِلسَّيِّدِ الرَّبِّ مَخَارِجُ مِنَ الْمَوْتِ.
٢١ لَكِنَّ اللهَ يَسْحَقُ رُؤُوسَ أَعْدَائِهِ،
وَفَرْوَةَ رَأْسِ كُلِّ مَنْ يَسْلُكُ فِي آثَامِهِ.
٢٢ قَالَ السَّيِّدُ: "سَأَرُدُّهُمْ مِنْ بَاشَانَ،
وَأَرُدُّهُمْ مِنْ أَعْمَاقِ الْبَحْرِ،
٢٣ "لِكَيْ تَغْمِسَ رِجْلُكَ فِي الدَّمِ،
وَلِسَانُ كِلاَبِكَ يَأْخُذُ نَصِيبَهُ مِنْ أَعْدَائِكَ."
٢٤ قَدْ رَأَوْا مَوْكِبَكَ، يَا اللهُ،
مَوْكِبَ إِلهِي وَمَلِكِي فِي الْمَقْدِسِ.
٢٥ تَقَدَّمَ الْمُغَنُّونَ، وَرَاءَهُمُ الْعَازِفُونَ،
وَفِي وَسَطِهِمُ الْفَتَيَاتُ يَضْرِبْنَ الدُّفُوفَ.

٢٦ הקדימו שרים אחר נגנים,
בתוך עלמות תופפות בתופים.
٢٧ במקהלות ברכו את האל, ה׳,
מקור ישראל.
٢٨ שם בנימין, הצעיר שליטם,
יהודה ושריהם בהמונם,
שרי זבולון ושרי נפתלי.
٢٩ אלהיך ציווה עליך עוז,
אלהים, חזק את אשר פעלת למענינו.
٣٠ מהיכלך בירושלים
יובילו מלכים את מנחתם,
ישעיהו יראה את כבודך ויתפעם,
כי יבואו אליך עמים מרחוק
ויביאו לך מתנות יקרות.
٣١ ואתה תגער בחיה הפראית שבקנה,
בעדר הפרים ובעגלי העמים,
עד שיכנעו ויביאו לך כסף.
כי אוהב אלהים מלחמות.
٣٢ יבואו שליחים ממצרים,
כוש ישלח את ידיו אל אלהים.
٣٣ ממלכות הארץ, שירו לאלהים,
שירו לאדון, סלה,
לרוכב על שמי השמים הקדומים,
הנה הוא שולח את קולו, קול עוז.
٣٤ הכירו את כוחו של אלהים,
אשר הדרו על ישראל,
ועוזו בשחקים.
٣٥ נורא אתה, אלהים, מקדשיך,

וְאֵלֶיךָ אֶשְׁפֹּךְ שִׂיחִי. יְהוָה בְּעֵת רָצוֹן,
בְּרֹב חַסְדֶּךָ עֲנֵנִי בֶּאֱמֶת יִשְׁעֶךָ.

לַמְנַצֵּחַ. עַל שׁוֹשַׁנִּים. לְדָוִד. מִכְתָּם. תהלים פרק ס״ט.

٦٩

[١] הוֹשִׁיעֵנִי אֱלֹהִים, כִּי בָאוּ מַיִם עַד נָפֶשׁ.
טָבַעְתִּי בִּיוֵן מְצוֹלָה וְאֵין מָעֳמָד.
[٢] בָּאתִי בְמַעֲמַקֵּי מָיִם וְשִׁבֹּלֶת שְׁטָפַתְנִי.
יָגַעְתִּי בְקָרְאִי נֶחֱרַב גְּרוֹנִי.
כָּלוּ עֵינַי מְיַחֵל לֵאלֹהָי.
[٣] רַבּוּ מִשַּׂעֲרוֹת רֹאשִׁי שֹׂנְאַי חִנָּם,
עָצְמוּ מַצְמִיתַי אוֹיְבַי שָׁקֶר.
אֲשֶׁר לֹא גָזָלְתִּי אָז אָשִׁיב.
[٤] אֱלֹהִים אַתָּה יָדַעְתָּ לְאִוַּלְתִּי,
וְאַשְׁמוֹתַי מִמְּךָ לֹא נִכְחָדוּ.
אַל יֵבֹשׁוּ בִי קֹוֶיךָ אֲדֹנָי יְהוִה צְבָאוֹת,
אַל יִכָּלְמוּ בִי מְבַקְשֶׁיךָ אֱלֹהֵי יִשְׂרָאֵל.
[٥] כִּי עָלֶיךָ נָשָׂאתִי חֶרְפָּה,
כִּסְּתָה כְלִמָּה פָנָי.
[٦] זָר הָיִיתִי לְאֶחָי,
וְנָכְרִי לִבְנֵי אִמִּי.
[٧] כִּי קִנְאַת בֵּיתְךָ אֲכָלָתְנִי,
וְחֶרְפּוֹת חוֹרְפֶיךָ נָפְלוּ עָלָי.
[٨] וָאֲכַס בַּצּוֹם נַפְשִׁי,
וַתְּהִי לְחֶרְפּוֹתָם לִי.
[٩] וָאֶתְּנָה לְבוּשִׁי שָׂק,

وکیل خاص بخیل ربودند تشنگی مرا.
۱۰ محبت بیت تو خورد،
سوزانید مرا نکوهش یاوه.
۱۱ محبت بیت تو پوشیدم جامه،
سوزانید بر ایشان مثل.
۱۲ چیز جلوس بیت دروازه تکلم کردند،
سوزانید بر شراب نوشندگان.
۱۳ لیکن اینک، سوی تو یهوه نماز، نه وقت، خدا
نه اینکه، رحمت بسیار تو،
جواب بده مرا راستی نجات تو.
۱۴ فرو بر نه مرا گل نیست،
خلاص کرده نه مرا دشمنان نه آب.
۱۵ نه غرقه نه مرا سیل آب،
نه ببلعد مرا عمق،
نه ببندد بر من چاه دهان خود.
۱۶ جواب بده، نه مرا خدا، رحمت نیکو جواب بده،
اینک بسیار رحمت تو.
۱۷ نه بپوشان روی خود از بنده،
زود جواب بده مرا که تنگ هستم.
۱۸ نزدیک بیا، فرو نفس،
بر آزاد مرا.
۱۹ اینک تو دانی ننگ من، خجالت من، شرمساری من،
پیش روی تو همه دشمنان من.

٢٠ כְּלִמָּה שִׁבְּרָה לִבִּי וָאָנוּשָׁה
וָאֲקַוֶּה לָנוּד וְאֵין וְלִמְנַחֲמִים וְלֹא מָצָאתִי׃
٢١ וַיִּתְּנוּ בְּבָרוּתִי רֹאשׁ
וְלִצְמָאִי יַשְׁקוּנִי חֹמֶץ׃
٢٢ יְהִי שֻׁלְחָנָם לִפְנֵיהֶם לְפָח
וְלִשְׁלוֹמִים לְמוֹקֵשׁ׃
٢٣ תֶּחְשַׁכְנָה עֵינֵיהֶם מֵרְאוֹת
וּמָתְנֵיהֶם תָּמִיד הַמְעֵד׃
٢٤ שְׁפָךְ עֲלֵיהֶם זַעְמֶךָ
וַחֲרוֹן אַפְּךָ יַשִּׂיגֵם׃
٢٥ תְּהִי טִירָתָם נְשַׁמָּה
בְּאָהֳלֵיהֶם אַל יִהְיֶה יוֹשֵׁב׃
٢٦ כִּי אֲשֶׁר הִכִּיתָ רָדָפוּ
וְאֶל מַכְאוֹב חֲלָלֶיךָ יוֹסִיפוּ׃
٢٧ תֶּן עָוֹן עַל עֲוֹנָם
וְאַל יָבֹאוּ בְּצִדְקָתֶךָ׃
٢٨ יִמָּחוּ מִסֵּפֶר חַיִּים
וְעִם צַדִּיקִים אַל יִכָּתֵבוּ׃
٢٩ וַאֲנִי עָנִי וְכוֹאֵב
יְשׁוּעָתְךָ אֱלֹהִים תְּשַׂגְּבֵנִי׃
٣٠ אֲהַלְלָה שֵׁם אֱלֹהִים בְּשִׁיר
וַאֲגַדְּלֶנּוּ בְּתוֹדָה׃

٣١ וְאֶרְעֶה־שֵׁם אֱלֹהִים בְּשִׁיר וַאֲגַדְּלֶנּוּ בְּתוֹדָה׃
٣٢ וְתִיטַב לַיהוָה מִשּׁוֹר פָּר מַקְרִן מַפְרִיס׃
٣٣ רָאוּ עֲנָוִים יִשְׂמָחוּ דֹרְשֵׁי אֱלֹהִים וִיחִי לְבַבְכֶם׃
٣٤ כִּי שֹׁמֵעַ אֶל־אֶבְיוֹנִים יְהוָה וְאֶת־אֲסִירָיו לֹא בָזָה׃
٣٥ יְהַלְלוּהוּ שָׁמַיִם וָאָרֶץ יַמִּים וְכָל־רֹמֵשׂ בָּם׃
٣٦ כִּי־אֱלֹהִים יוֹשִׁיעַ צִיּוֹן וְיִבְנֶה עָרֵי יְהוּדָה וְיָשְׁבוּ־שָׁם וִירֵשׁוּהָ׃

לדוד להזכיר. יהוה הושיעה אלי. יהוה לעזרתי חושה.

٧٠

١ בְּךָ יְהוָה חָסִיתִי אַל־אֵבוֹשָׁה לְעוֹלָם׃
٢ בְּצִדְקָתְךָ פַּלְּטֵנִי וְתַחֲלִצֵנִי הַטֵּה־אֵלַי אָזְנְךָ וְהוֹשִׁיעֵנִי׃
٣ הֱיֵה־לִי לְצוּר מָעוֹז לָבוֹא תָּמִיד צִוִּיתָה לְהוֹשִׁיעֵנִי כִּי־סַלְעִי וּמְצוּדָתִי אָתָּה׃
٤ אֱלֹהַי פַּלְּטֵנִי מִיַּד רָשָׁע מִכַּף מְעַוֵּל וְחוֹמֵץ׃

ולשכיו ולשכי אחיו: ומפתחיהם בידם ופתחו את
٥ בית יהוה מדי בקר בקר, ומדי בקר בקר הם
פותחים את דלתות בית יהוה.
٦ ומשכים ביום השבת ופותחים את שערי
החצר החיצונה אשר לבית יהוה, ומשכים ביום
השבת לפתוח את שערי החצר החיצונה.
٧ ומשכים ביום השבת לפתוח את שערי החצר
החיצונה, ומשכים ביום השבת לפתוח את שערי
החצר החיצונה.
٨ ומשכים ביום השבת לפתוח את שערי החצר
החיצונה, ומשכים ביום השבת לפתוח את שערי
החצר החיצונה.

VI

١ בשנת מות המלך עזיהו, ואני, ראיתי את
אדני, יושב על כסא רם ונשא, ושוליו מלאים
את ההיכל.
٢ שרפים עומדים ממעל לו, לכל אחד שש כנפים,
בשתים יכסה פניו ובשתים יכסה רגליו ובשתים
יעופף.
٣ וקרא זה אל זה ואמר: קדוש קדוש קדוש יהוה
צבאות, מלא כל הארץ כבודו.
٤ ויהי הקול הקורא ויהי הסף ינועו מקולות
הקורא והבית יתמלא עשן.
٥ ואמר אני אוי לי כי נדמיתי, כי איש טמא שפתים
אנכי ובתוך עם טמא שפתים אנכי יושב, כי את
המלך יהוה צבאות ראו עיני.
٦ ויעף אלי אחד מן השרפים, ובידו רצפה אשר
לקח מעל המזבח במלקחים.
٧ ויגע על פי ויאמר, הנה נגע זה על שפתיך,
וסר עונך וחטאתך תכופר.
٨ ואשמע את קול אדני אומר, את מי אשלח
ומי ילך לנו. ואמר אני הנני שלחני.

۹ مگر مجھے بڑھاپے میں رد نہ کر،
جب میری طاقت جاتی رہے تو مجھے ترک نہ کر۔
۱۰ کیونکہ میرے دشمن میرے بارے میں باتیں کرتے ہیں،
اور جو میری جان کی گھات میں ہیں وہ آپس میں مشورہ کرتے ہیں،
۱۱ اور کہتے ہیں: ”خدا نے اُسے چھوڑ دیا ہے؛
اُس کا پیچھا کرو اور اُسے پکڑ لو، کیونکہ کوئی اُسے چھڑا نہیں سکتا۔“
۱۲ اے خدا، مجھ سے دُور نہ رہ،
اے میرے خدا، جلد میری مدد کر۔
۱۳ میرے مخالف شرمندہ ہو کر ہلاک ہو جائیں،
جو میری جان کے دشمن ہیں وہ رُسوائی اور بدنامی سے ڈھک جائیں۔
۱۴ لیکن میں ہمیشہ اُمید رکھوں گا،
اور تیری ہر ستائش میں اضافہ کروں گا۔
۱۵ میرا مُنہ دن بھر تیری صداقت،
اور تیری نجات کے کاموں کا بیان کرے گا،
اگرچہ میں اُن کا شمار نہیں جانتا۔
۱۶ میں خداوند خدا کے زورآور کاموں کا ذکر کروں گا،
میں صرف تیری صداقت کا ذکر کروں گا۔
۱۷ اے خدا، تُو نے بچپن سے ہی مجھے تعلیم دی ہے،
اور اب تک میں تیرے عجیب کاموں کا اعلان کرتا آیا ہوں۔
۱۸ اے خدا، جب میرے بال سفید ہو جائیں تب بھی مجھے ترک نہ کر،
جب تک میں آنے والی نسل کو تیرا زور،
اور ہر ایک کو تیری قدرت کا بیان کر لوں۔
۱۹ تیری صداقت، اے خدا، بہت اُونچی ہے،

אֲנִי בְּתוֹכִי שְׁנֵיהֶם רָעִים בְּחַבְלֵי,
וְנִכְלְאוּ בְּתוֹכִי שְׁנֵי אֲנָשִׁים?
[٢٠] אֲנִי אֲשֶׁר בְּתוֹכִי שְׁנֵי אֲנָשִׁים רָעִים,
אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי אֲשֶׁר
אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי אֲשֶׁר.
[٢١] אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי אֲשֶׁר,
אֲנִי אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי.
[٢٢] אֲנִי אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי אֲשֶׁר בְּתוֹכִי,
אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי אֲשֶׁר,
אֲנִי אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי אֲשֶׁר בְּתוֹכִי,
אֲנִי אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי.
[٢٣] אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי אֲשֶׁר,
אֲנִי אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי.
[٢٤] אֲנִי אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי אֲשֶׁר,
אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי אֲשֶׁר.

תהלים ٧٢.

٧٢

[١] אֲנִי אֲשֶׁר, אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי אֲשֶׁר,
אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי אֲשֶׁר.
[٢] אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי,
אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי.
[٣] אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי,
אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי אֲשֶׁר בְּתוֹכִי אֲנִי.

٤ يه ئجج بهُم بمعجتِا بجُمد،
يه فِذم لحنهتِا بهبقِا، ميه ثِلِ لهُلهُمد.
٥ يه أجب ميهبِ حمُد بلا عمتُا،
ميحُد بلا هُهذُ، لجُذُ بجُذِا.
٦ يه ئِا بِ بِ لهِذُ جِلِ جمذُ جِيُا سِجُا،
بِ هُعتهتُا جعفُجُ جِلِ بُدُا.
٧ يه هُلِينُا بُجمهُا حنهُمتهُا،
ميحثهُا جعُمد بِلِ جُا هِا هُهذُ.
٨ ميه هُجج مِ نُمد هِلِ نُمد،
مِ بُهذُ جفُه هِلِ هُتأيُا جِبُدُا.
٩ هُجمهِا يه هُلهِ ئمهذُا جِجبُا،
ميتعيتهِا بِفذُ يه ئحسِ.
١٠ هُلجُا جِبُدعبت ميجُذُا هُمهُجهُا يه هُمهِ،
هُلجُا جعبُا ميهُهجُا بُعنُا يه هُمهِجِب.
١١ ميه خُهِ هُجمهِ هِا حُمِا هُلجُا،
حُمِا بُمهُتُا يه فُسِ بِاِ.
١٢ هُثت يه فِبُا لهبقُا جهِيِ،
ملهجهجُا جِبُه هُبِذُا بِاِ.
١٣ يه ئجج ذُسهِا بِلِ هِهجُا ميهبقُ،
ملُنتُا جهبقِا يه فِذم.
١٤ مِ هُلهِهئا ميه هِهُا يه فِذم ئنهِ،
ميه هُوُا هُمبذُ بِهُهِ لهِتهِا.
١٥ ميه هُبِ، ميه ئهِ ميه بِاِ مِ بُهتُا جعبُ،

که تو دست راست مرا گرفته‌ای،
تا به میل خود مرا هدایت کنی
و سرانجام مرا به جلال برسانی.
۲۵ در آسمان چه کسی جز تو دارم؟
و در زمین هیچ‌کس جز تو را نمی‌خواهم.
۲۶ اگر جسم و دل من از پا درآید،
خدا صخرهٔ دل من و نصیب من تا ابد خواهد بود.
۲۷ آری، آنانی که از تو دور می‌شوند هلاک خواهند شد،
و تو همهٔ کسانی را که به تو خیانت می‌کنند نابود خواهی کرد.
۲۸ اما برای من نزدیک بودن به خدا بهترین چیز است.
من خداوند یهوه را پناه خود ساخته‌ام
تا همهٔ کارهای او را اعلام کنم.

دفتر سوم

مزمور ۷۳-۸۹

مزمور آساف.

۷۳ ۱ خدا به اسرائیل، به آنانی که دل پاک دارند،
نیکو است.

۲ ولی، نزدیک بود پاهایم لغزش کنند،
نزدیک بود قدمهایم سُر بخورند.
۳ زیرا بر متکبران حسد بردم،
وقتی شکوفایی شریران را دیدم.
۴ چون تا مرگ هیچ دردی ندارند،
بدنهایشان سالم و نیرومند است.
۵ در رنجهای انسان شریک نیستند،
و مانند دیگران گرفتار مصیبت نمی‌شوند.
۶ پس غرور مانند گردنبند دور گردنشان است،
و خشونت مانند لباس بر تنشان.
۷ چشمانشان از چربی برآمده است،
و از افکار پلیدشان لبریز.
۸ آنها مسخره می‌کنند و شرارت را موعظه می‌نمایند،
و با تکبر تهدید می‌کنند.
۹ دهانشان به آسمان می‌رود،
و زبانشان بر زمین راه می‌رود.
۱۰ پس قوم خدا به سوی آنها برمی‌گردد،
و از آبی که به فراوانی می‌نوشند سیراب می‌شود.
۱۱ و می‌گویند: «خدا چه می‌داند؟
آیا متعالی از همه چیز خبر دارد؟»
۱۲ پس، اینها شریران هستند،
همیشه در آسایش، و ثروتشان رو به افزایش.
۱۳ بنابراین، عبث است که من

وسيلتي بك الرب يهوه،
لأحدث بجميع أعمالك.
١٤ أنت سحقت رؤوس التنانين في الماء،
كسرت رؤوس التنانين على وجه المياه.
١٥ أنت شققت ينبوعا ووادا،
أنت يبست أنهارا دائمة الجريان.
١٦ لك النهار ولك الليل،
أنت هيأت النور والشمس.
١٧ أنت وضعت جميع تخوم الأرض،
الصيف والشتاء أنت صورتهما.
١٨ اذكر هذا يا رب، العدو عيّر الرب،
وشعب جاهل استهان باسمك.
١٩ لا تسلم لوحش نفس يمامتك،
حياة مساكينك لا تنسها إلى الأبد.
٢٠ انظر إلى العهد،
لأن مظالم الأرض مملوءة مساكن ظلم.
٢١ لا يرجع المنسحق خزيانا،
المسكين والبائس يسبحان اسمك.
٢٢ قم يا الله، ادفع دعواك،
اذكر تعييرك من الجاهل اليوم كله.
٢٣ لا تنس صوت مضايقيك،
ضجيج قائميك الصاعد دائما.
٢٤ لتخزَ وتخجل معا
كل الذين يسرون بشري.

٢٥ מִי־לִי בַשָּׁמָיִם וְעִמְּךָ לֹא־חָפַצְתִּי בָאָרֶץ׃
٢٦ כָּלָה שְׁאֵרִי וּלְבָבִי צוּר לִבָּבִי וְחֶלְקִי אֱלֹהִים לְעוֹלָם׃
٢٧ כִּי הִנֵּה רְחֹקֶיךָ יֹאבֵדוּ הִצְמַתָּה כָּל־זוֹנֶה מִמֶּךָּ׃
٢٨ וַאֲנִי טוֹב־לִי אֱלֹהִים שַׁתִּי בַאדֹנָי יְהוִה מַחְסִי לְסַפֵּר כָּל־מַלְאֲכוֹתֶיךָ׃

٧٤

١ לָמָּה אֱלֹהִים זָנַחְתָּ לָנֶצַח יֶעְשַׁן אַפְּךָ בְּצֹאן מַרְעִיתֶךָ׃
٢ זְכֹר עֲדָתְךָ קָנִיתָ קֶדֶם גָּאַלְתָּ שֵׁבֶט נַחֲלָתֶךָ הַר־צִיּוֹן זֶה שָׁכַנְתָּ בּוֹ׃
٣ שָׂא פְּעָמֶיךָ לְמַשּׁוֹאוֹת נֶצַח כָּל־הֵרַע אוֹיֵב בַּקֹּדֶשׁ׃
٤ שָׁאֲגוּ צוֹרְרֶיךָ בְּקֶרֶב מוֹעֲדֶךָ שָׂמוּ אוֹתֹתָם אוֹתֹת׃
٥ יִוָּדַע כְּמֵבִיא מַעְלֶה עַל סְבַךְ עֵצִים גַּרְזֶן׃
٦ וְעַתָּה פִּתּוּחֶיהָ יַחְדָּו בְּקַרְדֻּמּוֹת וְקַבָּלוֹת יַהֲלֹמוּן׃
٧ שִׁלְּחוּ בָאֵשׁ מִקְדָּשֶׁךָ לָאָרֶץ חִלְּלוּ מִשְׁכַּן שְׁמֶךָ׃

כִּי־כוֹס בְּיַד־יְהוָה חָמַר וְיַיִן מָלֵא מֶסֶךְ וַיַּגַּר מִזֶּה אַךְ שְׁמָרֶיהָ יִמְצוּ יִשְׁתּוּ כֹּל רִשְׁעֵי־אָרֶץ׃
٨ וַאֲנִי אַגִּיד לְעוֹלָם אֲזַמְּרָה לֵאלֹהֵי יַעֲקֹב׃
٩ וְכָל־קַרְנֵי רְשָׁעִים אֲגַדֵּעַ תָּרוּמְנָה קַרְנוֹת צַדִּיק׃
לְמַעַן יֵדְעוּ מִמִּזְרַח־שֶׁמֶשׁ וּמִמַּעֲרָב כִּי אֶפֶס בִּלְעָדֶיךָ
מְרוֹמֵם גְּבָעוֹת מֵאֵל הוּא נִשָּׂא וְגֵאֶה׃
١٠ אַתָּה אֱלֹהִים תְּנִיפֵם יֹרְדוּ בְּאֵר שַׁחַת אַנְשֵׁי דָמִים וּמִרְמָה לֹא יֶחֱצוּ יְמֵיהֶם
אֲנִי אֶבְטַח־בָּךְ׃
١١ וְאַתָּה אֱלֹהִים תּוֹרִידֵם לִבְאֵר שַׁחַת אַנְשֵׁי דָמִים וּמִרְמָה לֹא יֶחֱצוּ יְמֵיהֶם
וַאֲנִי אֶבְטַח־בָּךְ׃
١٢ וְהוּא יְדַבֵּר בְּכָל־עַת אֲשֶׁר־יִהְיֶה לְעוֹלָם אֲזַמְּרָה
לֵאלֹהֵי יַעֲקֹב׃
١٣ וְכָל־קַרְנֵי רְשָׁעִים אֲגַדֵּעַ תָּרוּמְנָה קַרְנוֹת צַדִּיק׃
١٤ וְכָל־קַרְנֵי רְשָׁעִים אֲגַדֵּעַ תָּרוּמְנָה קַרְנוֹת צַדִּיק׃
١٥ וְכָל־קַרְנֵי רְשָׁעִים אֲגַדֵּעַ תָּרוּמְנָה קַרְנוֹת צַדִּיק׃
١٦ וְכָל־קַרְנֵי רְשָׁעִים אֲגַדֵּעַ תָּרוּמְנָה קַרְנוֹת צַדִּיק׃
١٧ וְכָל־קַרְנֵי רְשָׁעִים אֲגַדֵּעַ תָּרוּמְנָה קַרְנוֹת צַדִּיק׃
١٨ וְכָל־קַרְנֵי רְשָׁעִים אֲגַדֵּעַ תָּרוּמְנָה קַרְנוֹת צַדִּיק׃

עניי תצפה לעולם.
[١٩] אל תשכח לנצח חיי עניך,
ואל תשכח קהלת עניך לנצח.
[٢٠] הבט לברית,
כי מלאו מחשכי ארץ נאות חמס.
[٢١] אל ישב דך נכלם,
עני ואביון יהללו שמך.
[٢٢] קומה, אלהים, ריבה ריבך,
זכור חרפתך מני נבל כל היום.
[٢٣] אל תשכח קול צוריך,
שאון קמיך עלה תמיד.

למנצח. אל תשחת. מזמור לאסף. שיר.

٧٥

[١] הודינו לך אלהים, הודינו,
וקרוב שמך ספרו נפלאותיך.
[٢] "כי אקח מועד,
אני מישרים אשפוט סלה.
[٣] נמוגים ארץ וכל יושביה,
אני תכנתי עמודיה סלה.
[٤] "אמרתי להוללים: אל תהללו,
ולרשעים: אל תרימו קרן.
[٥] אל תרימו לפרום קרנכם,

أَقُولُ لِلْمُتَفَاخِرِينَ: لَا تَفْتَخِرُوا،
٦ وَلِلأَشْرَارِ: لَا تَرْفَعُوا قَرْنًا.
لَا تَرْفَعُوا قُرُونَكُمْ إِلَى الْعَلاَءِ،
وَلَا تَتَكَلَّمُوا بِعُنُقٍ مُتَصَلِّبٍ.
٧ لأَنَّهُ لَا مِنَ الْمَشْرِقِ وَلَا مِنَ الْمَغْرِبِ،
وَلَا مِنَ الْقِفَارِ جَبَلِ الأَوْعَارِ.
٨ لأَنَّ اللهَ هُوَ الْقَاضِي.
هذَا يَضَعُ وَهذَا يَرْفَعُ.
٩ لأَنَّ فِي يَدِ الرَّبِّ كَأْسًا وَالْخَمْرُ تَفُورُ.
مَمْلُوءَةٌ مَزْجًا، وَهُوَ يَسْكُبُ مِنْهَا.
لكِنَّ عَكَرَهَا يَمُصُّهُ وَيَشْرَبُهُ
جَمِيعُ أَشْرَارِ الأَرْضِ.
١٠ أَمَّا أَنَا فَإِلَى الدَّهْرِ أُخْبِرُ،
أُرَنِّمُ لإِلهِ يَعْقُوبَ.

لإِمَامِ الْمُغَنِّينَ. عَلَى آلاَتِ الطَّرَبِ. مَزْمُورٌ لآسَافَ. أُغْنِيَةٌ.

٧٦ ١ اللهُ مَعْرُوفٌ فِي يَهُوذَا.
فِي إِسْرَائِيلَ اسْمُهُ عَظِيمٌ.
٢ وَكَانَ فِي سَالِيمَ مَظَلَّتُهُ،
وَمَسْكَنُهُ فِي صِهْيَوْنَ.
٣ هُنَاكَ كَسَرَ شِهَابَ الْقَوْسِ،
الْمِجَنَّ وَالسَّيْفَ وَالْقِتَالَ. سِلاَهْ.
٤ مُتَلأْلِئٌ أَنْتَ مُتَعَظِّمٌ عَنْ جِبَالِ الصَّيْدِ.

٥ קדם ראיתיך אחזתי בצדי ידך תנחני
ברצונך תובילני ואחר כבוד תקחני.
٦ מי לי בשמים ועמך לא חפצתי בארץ,
כלה שארי ולבבי צור לבבי וחלקי אלהים לעולם.
٧ כי הנה רחקיך יאבדו תצמית כל זונה ממך,
טוב לי דבק אלהים שתי במאדני יהוה כל מלאכותיך.
٨ אספרה בשערי בת ציון כל תהלותיך,
אגיד כי אתה יהוה אלהי ישעי כל היום נפלאותיך.
٩ כי אתה יהוה אלהי טוב וסלח ורב חסד לכל קוראיך,
והאזין יהוה תפלתי ובקול תחנוני.
١٠ ביום צרתי אקראך כי תענני תרחיבני בנפשי עוז,
ואודך יהוה אלהי בכל לבבי ואכבד שמך לעולם.
١١ כי חסדך גדול עלי והצלת נפשי משאול תחתיה,
ויהוה עזרני ואשמרה שמרת בלבבי ואשמרה תורתך.
١٢ כי תמלא נפשי בטוב ותשבעני,
ותגדל ידך עלי ותרחיבני בצדקה.

לדוד מזמור. אלהי אלהי למה עזבתני.

٧٧

١ רחוקה מישועתי דברי שאגתי,
אלהי אקרא יומם ולא תענה ולילה ולא דומיה לי.
٢ ואתה קדוש יושב תהלות ישראל,
בך בטחו אבותינו בטחו ותפלטמו,
אליך זעקו ונמלטו בך בטחו ולא בושו.

٣ הֵ֭ה בְּ֣חִיכִי לְ֑בִי וַיְחַפֵּ֥שׂ רוּחִֽי׃
אֹ֤שִׁיחָה בַנְּגִינ֨וֹת֙ כָּל־הַלָּ֣יְלָ֔ה עִם־לְבָבִ֖י הֵ֑ה
וַיְחַפֵּ֥שׂ רוּחִֽי׃ ٤ לֹא־תִ֭צֹּפְנָה שְׁמֻר֣וֹת עֵינָ֑י
נִפְעַ֖מְתִּי וְלֹ֣א אֲדַבֵּֽר׃ ٥ חִשַּׁ֣בְתִּי יָמִ֣ים מִקֶּ֑דֶם
שְׁנ֖וֹת עוֹלָמִֽים׃ ٦ אֶזְכְּרָ֣ה נְגִינָתִ֣י בַלָּ֑יְלָה
עִם־לְבָבִ֖י אָשִׂ֣יחָה וַתְּחַפֵּ֥שׂ רוּחִֽי׃ ٧ הַלְעוֹלָמ֥וֹ יִזְנַ֑ח אֲ֝דֹנָ֗י
וְלֹא־יֹסִ֥יף לְרָצ֥וֹת עֽוֹד׃ ٨ הַאָפֵ֣ס לָנֶ֣צַח חַסְדּ֑וֹ
גָּ֖מַר אֹ֣מֶר לְדֹ֣ר וָדֹֽר׃ ٩ הֲשָׁכַ֣ח חַנּ֣וֹת אֵ֑ל
אִם־קָפַ֖ץ בְּאַ֣ף רַחֲמָ֣יו סֶֽלָה׃ ١٠ וָאֹמַ֗ר חַלּוֹתִ֣י הִ֑יא
שְׁנ֖וֹת יְמִ֣ין עֶלְיֽוֹן׃ ١١ אֶזְכֹּ֣ר מַ֭עַלְלֵי יָ֑הּ
כִּֽי־אִ֝זְכְּרָ֗ה מִקֶּ֣דֶם פִּלְאֶֽךָ׃ ١٢ וְהָגִ֥יתִי בְכָל־פָּעֳלֶ֑ךָ
וּ֝בַעֲלִילוֹתֶ֗יךָ אָשִׂ֥יחָה׃
١٣ אֱלֹהִ֗ים בַּ֭קֹּדֶשׁ דַּרְכֶּ֑ךָ
מִי־אֵ֥ל גָּ֝ד֗וֹל כֵּאלֹהִֽים׃ ١٤ אַתָּ֣ה הָאֵ֣ל עֹשֵׂ֣ה פֶ֑לֶא

בְּעַמֶּךָ גָּאַלְתָּ בְּנֵי יַעֲקֹב וְיוֹסֵף סֶלָה׃
[١٦] רָאוּךָ מַיִם אֱלֹהִים רָאוּךָ מַיִם יָחִילוּ אַף יִרְגְּזוּ תְהֹמוֹת׃
[١٧] זָרְמוּ מַיִם עָבוֹת נָתְנוּ קוֹל גַּם חִצֶּיךָ יִתְהַלָּכוּ׃
[١٨] קוֹל רַעַמְךָ בַּגַּלְגַּל הֵאִירוּ בְרָקִים תֵּבֵל רָגְזָה וַתִּרְעַשׁ הָאָרֶץ׃
[١٩] בַּיָּם דַּרְכֶּךָ וּשְׁבִילוֹתֶיךָ בְּמַיִם רַבִּים וְעִקְּבוֹתֶיךָ לֹא נֹדָעוּ׃
[٢٠] נָחִיתָ כַצֹּאן עַמֶּךָ בְּיַד מֹשֶׁה וְאַהֲרֹן׃

משכיל לאסף׃

٧٨ [١] הַאֲזִינָה עַמִּי תּוֹרָתִי הַטּוּ אָזְנְכֶם לְאִמְרֵי פִי׃
[٢] אֶפְתְּחָה בְמָשָׁל פִּי אַבִּיעָה חִידוֹת מִנִּי קֶדֶם׃

٣ אֲשֶׁר שָׁמַעְנוּ וַנֵּדָעֵם,
וַאֲבוֹתֵינוּ סִפְּרוּ לָנוּ.
٤ לֹא נְכַחֵד מִבְּנֵיהֶם,
לְדוֹר אַחֲרוֹן מְסַפְּרִים תְּהִלּוֹת יְהוָה וְעֻזּוֹ,
וְנִפְלְאוֹתָיו אֲשֶׁר עָשָׂה.
٥ וַיָּקֶם עֵדוּת בְּיַעֲקֹב וְתוֹרָה שָׂם בְּיִשְׂרָאֵל,
אֲשֶׁר צִוָּה אֶת אֲבוֹתֵינוּ,
לְהוֹדִיעָם לִבְנֵיהֶם.
٦ לְמַעַן יֵדְעוּ דּוֹר אַחֲרוֹן, בָּנִים יִוָּלֵדוּ,
יָקוּמוּ וִיסַפְּרוּ לִבְנֵיהֶם.
٧ וְיָשִׂימוּ בֵאלֹהִים כִּסְלָם,
וְלֹא יִשְׁכְּחוּ מַעַלְלֵי אֵל,
וּמִצְוֹתָיו יִנְצֹרוּ.
٨ וְלֹא יִהְיוּ כַּאֲבוֹתָם דּוֹר סוֹרֵר וּמוֹרֶה,
דּוֹר לֹא הֵכִין לִבּוֹ,
וְלֹא נֶאֱמְנָה אֶת אֵל רוּחוֹ.
٩ בְּנֵי אֶפְרַיִם נוֹשְׁקֵי רוֹמֶה, הֹפְכֵי עֹרֶף בְּיוֹם קְרָב.
١٠ לֹא שָׁמְרוּ בְּרִית אֱלֹהִים,
וּבְתוֹרָתוֹ מֵאֲנוּ לָלֶכֶת.
١١ וַיִּשְׁכְּחוּ עֲלִילוֹתָיו,

سرزمین مصر، در دشت صوعن.
۱۳ دریا را شکافت و ایشان را عبور داد،
و آبها را مانند توده‌ای برپا نمود.
۱۴ در روز ابر ایشان را راهنمایی کرد،
و در تمام شب با روشنایی آتش.
۱۵ صخره‌ها را در بیابان شکافت،
و ایشان را مانند از لجه‌های عظیم سیراب نمود.
۱۶ از سنگ نهرها جاری ساخت،
و آبها را مانند رودها روان گردانید.
۱۷ اما بار دیگر به او گناه ورزیدند،
و در بیابان بر خدای متعال عصیان کردند.
۱۸ خدا را در دل خود آزمودند،
و غذا برای شهوت خود خواستند.
۱۹ و بر ضد خدا سخن گفته،
گفتند: «آیا خدا می‌تواند در بیابان سفره‌ای برای ما بگستراند؟
۲۰ اگرچه صخره را زد و آبها جاری شد،
و نهرها سرازیر گردید،
آیا می‌تواند نان هم بدهد
و گوشت برای قوم خود تهیه کند؟»
۲۱ پس خداوند این را شنید و خشمگین شد،
و آتش بر یعقوب افروخته گردید،

وجدت راهب كه جلد راهنمایی،
۲۲ هست كه اومیدوار زندگی،
وی هدیه‌دهنده فراوانی.
۲۳ راننده قطب ای لغزید بر یخچال،
وسیله ای شکست.
۲۴ وهوده ای بخش ما بیننده گرفت،
وشنا دعوا ای سیاه.
۲۵ نسخه دهلیز راحل ای زشت،
وگرانه سیاه ایستگاه.
۲۶ مهمان ای قسم دهندگی صبحانه،
ومحبوبیت قسم صلیب ساختمان.
۲۷ مهندی ای بخش سیاه ابر جغد،
وپنجره ضعیف ابر فلز جنگل.
۲۸ دیدن ای کلمه دهکده سیاه،
شیرینی دعوتنامه سیاست.
۲۹ ورجیل سیاه وهدیه فیلم ذرت،
ومهندسی بتونه سیاه ای خیابان.
۳۰ وجب کار فهمیدن بر بتونه سیاه،
عدد میلیارد سیاه‌پوست که،
۳۱ جدید دیگر راهب خانم سیاه،
ومهربانی بر ای بخشیدن،
ولایحه دهانه خیابان وحیه ای.
۳۲ حیات آشپز سیب ای فیلم،

.سقيونحتخيخ لهسعيهه لكه
٣٣ هه٥بهه، لهقهبهذهه سه ئهضئتهه سي بهبه٥ه
.ههيئتهه سهتتهضهذه.
٣٤ ههبه٢ بهه٥ه لهيه، سي بهكهلهه بهبه،
.ههضهذه لهه٥ه ضهقهه٥ه لهسهذهه.
٣٥ هجهذهه لهه٥ه ههضهذه لهسهذهه،
.سهسهذهه٢ ههه٥ ههكه ههضهذه.
٣٦ ههبه٢ سهسهضهكه سيه لهه٥ه لهكهقهه ههبه٢
ههحيئتهه هجهلهه سهسئتيخهه،
٣٧ هضهت هجهه ههبه٢ه٥ه ههه٥ لا سهسهخه تهضهت
.سهقهذهه ههتهه٥ه٥ه٥ه٥ه لا ضهه٢
٣٨ ههبه٢ هه٥ هه٥ه سهسهئهه سي لهلهقهه٥ه ههضهقهذهه ه٥ه ههبه٢
،سي هقهقهه٥ه لهكه ه٥ه٥ه٥ه سهسهئهه
ه٥ه٥ه٥ه،
.سهقهه٥ه هلهكه سي هتهقهه٥ه لهكه
٣٩ ه٥ه٥ه٥ه، هبه ه٥ه٥ه٥ه ههقهتهه سهقهجهه٥ه
.فهه٥ه هجهلهه٢ه٥ه لا ذهذه.
٤٠ حهه٥ه سهجه ههه٥ه ضهذه٥ه٢ه٥ه ه٥ه٥ه ههجه،
.ههذه هلا سي هجهقهه٥ه هه٥ه هلا سي هجهقهه٥ه
٤١ ه٥ه٥ه٥ه، ههضهذه لهه٥ه هقهقهه٥ه ه٥ه٥ه٥ه٥ه
.ه٥ه٥ه سهقهه٥ه٥ه٥ه لهلهقهه٥ه٥ه٥ه٥ه
٤٢ لا ههجهذه لا، سهقهه٥ه ه٥ه٥ه٥ه٥ه٥ه٥ه
ههه٥ه ههه٥ه٥ه٥ه٥ه لهه٥ه ضهذه٥ه٥ه٥ه٥ه٥ه٥

וַיַּהֲפֹךְ לִדְמִים יְאֹרֵיהֶם,
וְנֹזְלֵיהֶם בַּל יִשְׁתּוּן.
٤٤ יְשַׁלַּח בָּהֶם עָרֹב וַיֹּאכְלֵם,
וְצְפַרְדֵּעַ וַתַּשְׁחִיתֵם.
٤٥ וַיִּתֵּן לֶחָסִיל יְבוּלָם,
וְיְגִיעָם לָאַרְבֶּה.
٤٦ יַהֲרֹג בָּאֶלְגָּבִישׁ גַּפְנָם,
וְשִׁקְמָתָם בַּבָּרָד.
٤٧ וַיַּסְגֵּר לַבָּרָד בְּהֶמָתָם,
וּמִקְנֵיהֶם לָרְשָׁפִים.
٤٨ יְשַׁלַּח בָּהֶם חֲרוֹן אַפּוֹ,
עֶבְרָה וָזַעַם וְצָרָה,
מִשְׁלַחַת מַלְאֲכֵי רָעִים.
٤٩ יְפַלֵּס נְתִיב לְאַפּוֹ,
לֹא חָשַׂךְ מִמָּוֶת נַפְשָׁם,
וְאֶת חַיָּתָם לַדֶּבֶר הִסְגִּיר.
٥٠ וַיַּךְ כָּל בְּכוֹר בְּמִצְרָיִם,
רֵאשִׁית אוֹנִים בְּאָהֳלֵי חָם.
٥١ וַיַּסַּע כַּצֹּאן עַמּוֹ,
וַיַּנְהֲגֵם כָּעֵדֶר בַּמִּדְבָּר.
٥٢ וַיַּנְחֵם לָבֶטַח וְלֹא פָחָדוּ,
וְאֶת אוֹיְבֵיהֶם כִּסָּה הַיָּם.
٥٣ וַיְבִיאֵם אֶל גְּבוּל קָדְשׁוֹ,
הָר זֶה קָנְתָה יְמִינוֹ.

٥٤ وهو يُدخلهم على حدود مقدسه،
الى هذا الجبل الذي اقتناه يمينه.
٥٥ وطرد من امامهم امما واقسم لهم نصيبا للميراث،
واسكن في خيامها اسباط اسرائيل.
٥٦ ولكنهم امتحنوا وعصوا الله العلي،
ولم يحفظوا شهاداته.
٥٧ بل ارتدوا وغدروا كآبائهم.
انحرفوا كقوس رخوة.
٥٨ واغاظوه بمرتفعاتهم،
واغاروه بتماثيلهم المنحوتة.
٥٩ سمع الله فسخط،
ورذل اسرائيل جدا.
٦٠ وترك مسكن شيلوه،
الخيمة التي نصبها بين الناس.
٦١ واسلم للسبي عزه،
وجماله ليد العدو.
٦٢ واسلم الى السيف شعبه،
وعلى ميراثه غضب.
٦٣ نيرانه اكلت فتيانه،
وعذاراه لم تحمد.
٦٤ كهنته سقطوا بالسيف،
وارامله لم تنح.

۶۵ مانند شخصی که از خواب بیدار می‌شود،
یا مانند جنگاوری که از شراب سرخوش است.
۶۶ او دشمنان خود را عقب راند؛
آنان را برای همیشه شرمسار ساخت.
۶۷ او قوم یوسف را رد کرد،
و قبیلهٔ افرایم را برگزید.
۶۸ بلکه قبیلهٔ یهودا را برگزید،
و کوه صهیون را که دوست می‌دارد.
۶۹ او مکان مقدس خود را مانند کوه‌های بلند بنا کرد،
و آن را برای همیشه مانند زمین استوار ساخت.
۷۰ او داود را برگزید،
و او را از آغل گوسفندان فرا خواند.
۷۱ او داود را از پی میش‌های مادر گرفت،
تا شبان قوم او یعقوب،
و اسرائیل میراث او باشد.
۷۲ و داود با صداقت قلب خود شبان آنان شد،
و با مهارت دست خود ایشان را هدایت کرد.

مزمور ۷۹

۱ ای خدا، قومهای بیگانه به سرزمین تو هجوم آورده‌اند،
معبد مقدس تو را نجس کرده‌اند،
و اورشلیم را ویران ساخته‌اند.
۲ جسد خادمان تو را

.شعبك وغنم مرعاك
[١٣] فسوف نحمدك إلى الأبد،
ونسبح تسابيحك من جيل إلى جيل.

المزمور ٨٠

[١] لقائد المغنين. على شوشان عدوث. مزمور لآساف.
[٢] أصغ يا راعي إسرائيل،
يا من تقود يوسف كالقطيع.
يا من تجلس على العرش بين الكروبيين،
أشرق
[٣] أمام أفرايم وبنيامين ومنسى.
أيقظ قوتك،
وتعال لخلاصنا.
[٤] يا الله، أرجعنا إليك،
وأنر وجهك علينا لنخلص.
[٥] يا رب الجنود، إلى متى تظل غاضبا
على صلوات شعبك؟
[٦] أطعمتهم خبز الدموع،
وسقيتهم الدموع بكيلات.
[٧] جعلتنا موضع خصام لجيراننا،
وأعداؤنا يسخرون منا.
[٨] يا الله الجنود، أرجعنا إليك،
أنر وجهك علينا لنخلص.
[٩] أخرجت كرمة من مصر،
طردت الأمم وغرستها.
[١٠] أعددت لها المكان المناسب،
فتجذرت وملأت الأرض.
[١١] غطت الجبال بظلها،
وأغصانها الأرز العظيم.
[١٢] مددت أغصانها إلى البحر،
وفروعها إلى النهر.
[١٣] فلماذا هدمت أسوارها،
حتى يقطفها كل عابر طريق؟

[١٣] וְאַתָּה רֹעֵנוּ בְּעֵטֶר קְדֻשָּׁתֶךָ,
כְּמוֹ שֶׁכָּתוּב בְּךָ שֶׁאַתָּה הוּא אֱלֹהֵינוּ
וְאֲנַחְנוּ עַמְּךָ בְּנֵי בְרִיתֶךָ.

לַמְנַצֵּחַ עַל שֹׁשַׁנִּים עֵדוּת לְאָסָף מִזְמוֹר.

٨٠ [١] הַאֲזִינָה רֹעֶה יִשְׂרָאֵל, נֹהֵג כַּצֹּאן יוֹסֵף,
יוֹשֵׁב הַכְּרוּבִים הוֹפִיעָה.
[٢] לִפְנֵי אֶפְרַיִם וּבִנְיָמִן וּמְנַשֶּׁה, עוֹרְרָה אֶת גְּבוּרָתֶךָ,
וּלְכָה לִישׁוּעָתָה לָנוּ.
[٣] הֲשִׁיבֵנוּ, אֱלֹהִים,
וְהָאֵר פָּנֶיךָ וְנִוָּשֵׁעָה.
[٤] יְיָ אֱלֹהִים צְבָאוֹת,
עַד מָתַי עָשַׁנְתָּ בְּתְפִלַּת עַמֶּךָ?
[٥] הַאֲכַלְתָּם לֶחֶם דִּמְעָה וְהַשְׁקִיתָם דִּמְעוֹת,
שָׁלִישׁ.
[٦] תְּשִׂימֵנוּ מָדוֹן לִשְׁכֵנֵינוּ,
וְאוֹיְבֵינוּ לָעוּ לָנוּ.
[٧] הֲשִׁיבֵנוּ, אֱלֹהִים צְבָאוֹת,
וְהָאֵר פָּנֶיךָ וְנִוָּשֵׁעָה.
[٨] גֶּפֶן מִמִּצְרַיִם תַּסִּיעַ,
תְּגָרֵשׁ גּוֹיִם וַתִּטָּעֶהָ.
[٩] פִּנִּיתָ לְפָנֶיהָ,

و بر زمین ریشه دوانید و تمام سرزمین را پر ساخت.
۱۰ کوهها در سایه‌اش پوشیده شدند،
و سروهای بلند در زیر شاخه‌هایش.
۱۱ شاخه‌هایش تا دریا گسترده شد،
و نهالهایش تا رود فرات.
۱۲ چرا دیوارهایش را خراب کرده‌ای،
تا همهٔ رهگذران انگورهایش را بچینند؟
۱۳ گرازهای جنگل آن را ویران می‌کنند،
و حیوانات صحرا آن را می‌چرند.
۱۴ ای خدای لشکرها، بازگرد!
از آسمان نگاه کن و ببین،
و از این تاک مراقبت کن،
۱۵ از تاکی که دست راست تو کاشته،
از پسری که برای خود پرورش دادی.
۱۶ تاک تو را با آتش سوزانده‌اند و قطع کرده‌اند،
از نهیب تو هلاک می‌شوند.
۱۷ دست خود را بر کسی که در دست راست تو است،
بر پسری که برای خود پرورش دادی، دراز کن.
۱۸ آنگاه ما از تو دور نخواهیم شد؛
ما را زنده نگه دار تا نام تو را بخوانیم.
۱۹ ای یهوه، خدای لشکرها، ما را بازگردان،
روی خود را بر ما بتاب تا رستگار شویم.

برای رهبر آواز. بر گیتیت. مزمور آساف.

۸۱ ۱ خدا قوت ما را بسرایید،
برای یعقوب خدا آواز شادی بخوانید.
۲ سرود را آغاز کنید و دف را بیاورید،
چنگ دلنواز و بربط را بنوازید.
۳ در ماه نو، در ماه تمام،
در روز عید ما، شیپور را بنوازید،
۴ زیرا این فرمانی است که به اسرائیل داده شده،
دستوری است که خدای یعقوب صادر فرموده.
۵ او این را به یوسف امر فرمود،
وقتی که بر ضد مصر برخاست.
در آنجا زبانی را شنیدم که نمی‌شناختم:
۶ «بار سنگین را از دوش او برداشتم،
دستهایش از سبد خالی شد.
۷ در تنگی دعا کردی و من تو را رهانیدم،
از میان رعد به تو پاسخ دادم،
در کنار آبهای مریبه تو را آزمودم.
۸ ای قوم من، گوش کن تا به تو هشدار دهم،
ای اسرائیل، کاش به سخنان من گوش می‌دادی!
۹ در میان تو خدای بیگانه نباشد،
و نزد خدای دیگری سجده نکن.
۱۰ زیرا من یهوه خدای تو هستم،

قوم بنی‌اسرائیل به من گوش نداد،
و اسرائیل مرا نخواست.
۱۲ پس من هم آنها را رها کردم
تا هر طور که می‌خواهند زندگی کنند.
۱۳ ای کاش قوم من به من گوش می‌دادند،
و در راه‌های من گام برمی‌داشتند!
۱۴ آنگاه من در یک چشم به هم زدن
دشمنان آنها را شکست می‌دادم،
و دست خود را بر ضد دشمنان آنها بلند می‌کردم.
۱۵ دشمنان خداوند از او می‌ترسیدند،
و قوم او برای همیشه نابود می‌شد.
۱۶ اما خدا به قوم برگزیده‌اش گندم بهترین می‌داد،
و عسل از صخره‌ها برای سیر کردن آنها کافی بود.

مزمور آساف.

۸۲ ۱ خدا در مجمع خدایان حاضر است،
و در میان آنها داوری می‌کند.
۲ «تا کی می‌خواهید بی‌انصافی کنید،
و از شریران طرفداری نمایید؟
۳ از حق بی‌پدر و مادر دفاع کنید،
و از مظلومان و بینوایان حمایت نمایید.
۴ از فقیر و نیازمند دستگیری کنید،

.כִּי אֶשָּׂא אֶת־עֲוֹנָם וְלֹא אֶזְכֹּר עוֹד חַטָּאתָם׃
٥ כֹּה אָמַר יְהוָה
אֲשֶׁר נָתַן שֶׁמֶשׁ לְאוֹר יוֹמָם
חֻקּוֹת יָרֵחַ וְכוֹכָבִים לְאוֹר לָיְלָה
רֹגַע הַיָּם וַיֶּהֱמוּ גַּלָּיו
יְהוָה צְבָאוֹת שְׁמוֹ׃
٦ אִם־יָמֻשׁוּ הַחֻקִּים הָאֵלֶּה מִלְּפָנַי נְאֻם־יְהוָה
גַּם זֶרַע יִשְׂרָאֵל יִשְׁבְּתוּ מִהְיוֹת גּוֹי לְפָנַי כָּל־הַיָּמִים׃
٧ כֹּה אָמַר יְהוָה
אִם־יִמָּדְדוּ שָׁמַיִם מִמָּעַל
וְיֵחָקְרוּ מוֹסְדֵי־אֶרֶץ לְמָטָּה
גַּם־אֲנִי אֶזְנַח בְּכָל־זֶרַע יִשְׂרָאֵל
עַל כָּל־אֲשֶׁר עָשׂוּ נְאֻם־יְהוָה׃
٨ הִנֵּה יָמִים בָּאִים נְאֻם־יְהוָה
וְנִבְנְתָה הָעִיר לַיהוָה מִמִּגְדַּל חֲנַנְאֵל שַׁעַר הַפִּנָּה׃
٩ וְיָצָא עוֹד קַו הַמִּדָּה נֶגְדּוֹ עַל־גִּבְעַת גָּרֵב
וְסָבַב גּוֹעָה׃
١٠ כָּל־הָעֵמֶק הַפְּגָרִים וְהַשְּׂרֵפָה וְכָל־הַשָּׂדוֹת עַד־נַחַל קִדְרוֹן
עַד פִּנַּת שַׁעַר הַסּוּסִים מִזְרָחָה קֹדֶשׁ לַיהוָה
לֹא־תִתָּשׁ וְלֹא תִתָּץ עוֹד לָעוֹלָם׃

٨٣

١ וַיְהִי דְבַר־יְהוָה אֶל־יִרְמְיָהוּ שֵׁנִית בְּהִכָּלְאוֹ עוֹדֶנּוּ בַּחֲצַר הַמַּטָּרָה לֵאמֹר׃
٢ כֹּה אָמַר יְהוָה עֹשֶׂה אֶרֶץ יְהוָה יֹצְרָהּ לְכוֹנְנָהּ יְהוָה שְׁמוֹ׃
٣ קְרָא אֵלַי וְאֶעֱנֶךָּ וְאַגִּידָה לְךָ גְּדֹלוֹת וּבְצוּרוֹת לֹא יָדָעְתָּ׃
٤ כִּי־כֹה אָמַר יְהוָה אֱלֹהֵי יִשְׂרָאֵל עַל־בָּתֵּי הָעִיר הַזֹּאת וְעַל־בָּתֵּי מַלְכֵי יְהוּדָה
הַנְּתוּצִים אֶל־הַסֹּלְלוֹת וְאֶל־הַחֶרֶב׃
٥ בָּא לְהִלָּחֵם עִם־הַכַּשְׂדִּים וּלְמַלְאָם אֶת־בָּתֵּיהֶם פִּגְרֵי הָאָדָם אֲשֶׁר
הִכֵּיתִי בְאַפִּי וּבַחֲמָתִי וְהִסְתַּרְתִּי פָנַי מֵעַל הָעִיר הַזֹּאת עַל כָּל־רָעָתָם׃
٦ הִנֵּה אֲנִי מַעֲלֶה לָהּ אֲרוּכָה וּמַרְפֵּא

אמונה,
[7] חלצי מצרים תכחישם,
תשליכם מכף אויב.
[8] ראה נאוה הסיר,
שכן. לחלב נקפות נקפך לחם עמו
[9] חבר חיי שמיך בחבר,
חיי לחשבות חיי מחבריך,
[10] בחבורת נפלאתך לחם חבר,
נקבץ לכל לחם עמו.
[11] חבר חיים חבורה חיי שתיינו לחם בחבר,
חבר חיים שבי חיי שתלמוד שמיכם.
[12] בחל לחם שמיך: "נקם לחמיהו
חבור בנקבץ."
[13] יי נקם, חבר בחבר חיי לחם בחבר,
חיי חשם חבר חיי,
[14] נקב חבורה נקם חיי,
חבור בחלמיש נקב חיים.
[15] קולותיכם שמיכם חלף נקבץ,
לחם חלציהם קולותיכם.
[16] חבר חשלחם חבר,
נקבץ יי חבור, קולותיכם חלב
[17] נחבר חלב נחלת חבשם חבר,
חבלים נחבר חבשם.

۱۸ ولی بدان که تو، که نامت یهوه است،
که تو تنها بر تمامی زمین متعال هستی.

برای سرودخوان. بر سیتار. مزمور پسران قورح.

۸۴ ۱ ای یهوه صبایوت،
چه دلپذیر است مسکن تو!
۲ جان من برای صحن‌های یهوه
بسیار مشتاق و حتی بیتاب است.
دل و جسم من
برای خدای زنده فریاد شادی برمی‌آورند.
۳ حتی گنجشک خانه‌ای برای خود یافته،
و پرستو برای جوجه‌هایش لانه‌ای،
نزدیک محراب‌های تو، ای یهوه صبایوت،
پادشاه من و خدای من.
۴ خوشا به حال کسانی که در خانه تو ساکنند،
همیشه تو را ستایش می‌کنند.
۵ خوشا به حال کسانی که قوت خود را از تو می‌گیرند،
و راه صهیون در دلهایشان است.
۶ وقتی که از دره بکا می‌گذرند،
آن را به چشمه‌ای تبدیل می‌کنند،
و باران اول آن را پر از برکت می‌سازد.
۷ آنها از قوت به قوت می‌روند،
تا سرانجام هر یک در صهیون
در حضور خدا ظاهر می‌شود.
۸ ای یهوه خدای صبایوت، دعای مرا بشنو،
ای خدای یعقوب، به من گوش بده.
۹ ای خدا، تو که سپر ما هستی،

ישמח לבבך.
١٠ כי טוב אתה וסלח, ורב חסד לכל קוראיך.
האזינה יהוה תפלתי, והקשיבה בקול תחנוניי.
ביום צרתי אקרא אליך, כי תענני.
١١ אין כמוך באלהים אדני, ואין כמעשיך.
כל גוים אשר עשית יבואו והשתחוו לפניך, אדני,
ויכבדו לשמך.
١٢ כי גדול אתה ועשה נפלאות,
אתה אלהים לבדך.

למנצח. מזמור לבני קרח. שיר.

٨٧

١ יסודתו בהרי קדש, יהוה אהב שערי ציון,
מכל משכנות יעקב.
٢ נכבדות מדברת בך, עיר האלהים.
٣ אזכיר רהב ובבל ליודעי, הנה פלשת וצור עם כוש,
זה יולד שם.
٤ ולציון יאמר איש ואיש יולד בה,
והוא יכוננה עליון.
٥ יהוה יספר בכתוב עמים, זה יולד שם.
٦ וגם שרים כחללים בתוכה, כל מעיני בך.

۷ بِمِسبَبِ بَی پِحبَبِرَی، یَز مُدیَز،
مَمبَبِضَبَبِرَی یَز بَبِیَز.
۸ عُمبَبِ مَبَبِ یَز بَبِیَز مَبَبِ مُدیَز،
هُحُت یَز مَبَبِ عَبَبِ مَبَبِ مَبَبِ،
مَکَز ذُمبَبِ لَبَبِ.
۹ اِوَ، مَبَبِ مُدیَز مَبَبِ لَبَبِ،
جَحَیَز مَبَبِ لَبَبِ.
۱۰ پِحبَبِ مَبَبِ مَبَبِ مَبَبِ،
مَبَبِ مَبَبِ مَبَبِ مَبَبِ.
۱۱ عَبَبِ مَبَبِ یَز مُدیَز بَز مَبَبِ،
مَبَبِ یَز مَبَبِ بَز مَبَبِ.
۱۲ اِوَ مُدیَز مَبَبِ یَز مُدیَز،
مَبَبِ یَز مَبَبِ.
۱۳ مَبَبِ مَبَبِ یَز مَبَبِ،
مَبَبِ مَبَبِ یَز مَبَبِ.

مزمور ۸۶ از داود.

۱ ای یهوه، گوش خود را به من فرود آور و مرا اجابت فرما،
زیرا که فقیر و نیازمند هستم.
۲ جان مرا نگاه دار، زیرا که من مقدس هستم؛
ای خدای من، بندهٔ خود را که بر تو توکل دارد نجات بخش.
۳ ای خداوند بر من رحم فرما،
زیرا که تمامی روز نزد تو فریاد برآورده‌ام.

٤ فَسِّبْ لِنَفْسِ عَبْدِكَ،
لِأَنِّي إِلَيْكَ يَا رَبُّ، أَرْفَعُ نَفْسِي.
٥ لِأَنَّكَ أَنْتَ يَا رَبُّ، صَالِحٌ وَغَفُورٌ،
وَكَثِيرُ الرَّحْمَةِ لِجَمِيعِ الَّذِينَ يَدْعُونَكَ.
٦ اِصْغَ يَا رَبُّ، إِلَى صَلَاتِي،
وَأَنْصِتْ لِصَوْتِ تَضَرُّعَاتِي.
٧ فِي يَوْمِ ضِيقِي أَدْعُوكَ،
لِأَنَّكَ تَسْتَجِيبُ لِي.
٨ لَيْسَ بَيْنَ الْآلِهَةِ مَنْ هُوَ مِثْلُكَ يَا رَبُّ،
وَلَيْسَ أَعْمَالٌ كَأَعْمَالِكَ.
٩ جَمِيعُ الْأُمَمِ الَّتِي صَنَعْتَهَا تَأْتِي وَتَسْجُدُ أَمَامَكَ يَا رَبُّ،
وَتُمَجِّدُ اسْمَكَ،
١٠ لِأَنَّكَ أَنْتَ عَظِيمٌ وَصَانِعُ عَجَائِبَ،
أَنْتَ وَحْدَكَ اللهُ.
١١ عَلِّمْنِي يَا رَبُّ، طَرِيقَكَ فَأَسْلُكَ فِي حَقِّكَ،
وَأَتِّحِدُ قَلْبِي لِخَشْيَةِ اسْمِكَ.
١٢ أَحْمَدُكَ يَا رَبُّ إِلَهِي، بِكُلِّ قَلْبِي،
وَأُمَجِّدُ اسْمَكَ إِلَى الْأَبَدِ.
١٣ لِأَنَّ رَحْمَتَكَ عَظِيمَةٌ عَلَيَّ،
وَقَدْ أَنْقَذْتَ نَفْسِي مِنَ الْهَاوِيَةِ السُّفْلَى.
١٤ يَا اَللهُ، الْمُسْتَكْبِرُونَ قَامُوا عَلَيَّ،
وَجَمَاعَةُ الْعُتَاةِ طَلَبَتْ نَفْسِي،
وَلَمْ يَجْعَلُوكَ أَمَامَهُمْ.

١٥ ואתה, אדני, אל רחום וחנון,
ארך אפים ורב חסד ואמת.
١٦ פנה אלי וחנני,
תן עזך לעבדך,
והושיעה לבן אמתך.
١٧ עשה עמדי אות לטובה,
וראו שונאי ויבושו,
כי אתה יהוה עזרתני ונחמתני.

לבני קרח. מזמור. שיר.

٨٧ ١ יסודתו בהרי קדש.
٢ יהוה אוהב שערי ציון
מכל משכנות יעקב.
٣ נכבדות נאמרו בך,
עיר האלהים. סלה.
٤ אזכיר רהב ובבל ליודעי,
הנה פלשת וצור עם כוש:
זה יליד שם.
٥ ולציון יאמר איש ואיש נולד בה,
והוא יכוננה עליון.
יהוה יספר בכתוב עמים:
זה יליד שם. סלה.
٦ ושרים כחללים בתוכה:
כל מעיני בך.

[7] וְאָמַר אֶל־בְּנֵי יִשְׂרָאֵל׃
"הַשְׁכִּימוּ אִישׁ אֶת־מַטֵּהוּ."

וַיַּשְׁכִּימוּ בַבֹּקֶר וַיַּחֲנוּ עַל־דִּגְלֵיהֶם. וַיִּשְׁמַע יְהוָה אֶת־קוֹל דִּבְרֵיהֶם וַיִּרְאֶה.
וַיִּתְמַלֵּא אֵשׁ בְּתוֹכָם. וַיִּשְׁלַח בָּהֶם לֶהָבָה.

ז׳ז

[1] וַיְהִי בְּיוֹם כַּלּוֹת מֹשֶׁה לְהָקִים אֶת־הַמִּשְׁכָּן,
וַיִּמְשַׁח אֹתוֹ וַיְקַדֵּשׁ אֹתוֹ וְאֶת־כָּל־כֵּלָיו.
[2] וַיַּקְרִיבוּ נְשִׂיאֵי יִשְׂרָאֵל,
רָאשֵׁי בֵּית אֲבוֹתָם.
[3] וַיָּבִיאוּ אֶת־קָרְבָּנָם לִפְנֵי יְהוָה,
שִׁשָּׁה עָגְלוֹת צָב וְשִׁנֵּי עָשָׂר בָּקָר.
[4] וַיֹּאמֶר יְהוָה אֶל־מֹשֶׁה לֵאמֹר׃
[5] קַח מֵאִתָּם וְהָיוּ לַעֲבֹד אֶת־עֲבֹדַת אֹהֶל מוֹעֵד;
וְנָתַתָּה אֹתָם אֶל־הַלְוִיִּם אִישׁ כְּפִי עֲבֹדָתוֹ.
[6] וַיִּקַּח מֹשֶׁה אֶת־הָעֲגָלוֹת וְאֶת־הַבָּקָר,
וַיִּתֵּן אֹתָם אֶל־הַלְוִיִּם.
[7] אֵת שְׁתֵּי הָעֲגָלוֹת וְאֵת אַרְבָּעָה הַבָּקָר,
נָתַן לִבְנֵי גֵרְשׁוֹן כְּפִי עֲבֹדָתָם.
[8] וְאֵת אַרְבַּע הָעֲגָלוֹת וְאֵת שְׁמֹנָה הַבָּקָר,
נָתַן לִבְנֵי מְרָרִי כְּפִי עֲבֹדָתָם.

כָּל־הַיּוֹם פָּרַשְׂתִּי כַפַּי אֵלֶיךָ׃
٩ עֵינִי דָאֲבָה מִנִּי עֹנִי,
קְרָאתִיךָ יְהוָה כָּל־יוֹם,
שִׁטַּחְתִּי אֵלֶיךָ כַּפָּי׃
١٠ הֲלַמֵּתִים תַּעֲשֶׂה פֶלֶא,
אִם־רְפָאִים יָקוּמוּ יוֹדוּךָ סֶלָה׃
١١ הֲיְסֻפַּר בַּקֶּבֶר חַסְדֶּךָ,
אֱמוּנָתְךָ בָּאֲבַדּוֹן׃
١٢ הֲיִוָּדַע בַּחֹשֶׁךְ פִּלְאֶךָ,
וְצִדְקָתְךָ בְּאֶרֶץ נִשְׁכָּחָה׃
١٣ וַאֲנִי אֵלֶיךָ יְהוָה שִׁוַּעְתִּי,
וּבַבֹּקֶר תְּפִלָּתִי תְקַדְּמֶךָּ׃
١٤ לָמָה יְהוָה תִּזְנַח נַפְשִׁי,
תַּסְתִּיר פָּנֶיךָ מִמֶּנִּי׃
١٥ עָנִי אֲנִי וְגוֹסֵס מִנֹּעַר,
נָשָׂאתִי אֵמֶיךָ אָפּוּנָה׃
١٦ עָלַי עָבְרוּ חֲרוֹנֶיךָ,
בִּעוּתֶיךָ צִמְּתוּתְנִי׃
١٧ סַבּוּנִי כַמַּיִם כָּל־הַיּוֹם,
הִקִּיפוּ עָלָי יָחַד׃
١٨ הִרְחַקְתָּ מִמֶּנִּי אֹהֵב וָרֵעַ,
מְיֻדָּעַי מַחְשָׁךְ׃

משכיל לאיתן האזרחי.

٨٩

١ חסדי יהוה עולמים אשירה,
לדור ודור אודיע אמונתך בפי.
٢ כי אמרתי עולם חסד יבנה,
בשמים תכין אמונתך בהם.
٣ כרתי ברית לבחירי,
נשבעתי לדוד עבדי.
٤ עד עולם אכין זרעך,
ובניתי לדור ודור כסאך. סלה
٥ ויודו שמים פלאיך יהוה,
אף אמונתך בקהל קדשים.
٦ כי מי בשחק יערך ליהוה,
ידמה ליהוה בבני אלים?
٧ אל נערץ בסוד קדשים רבה,
ונורא על כל סביביו.
٨ יהוה אלהי צבאות,
מי כמוך חסן יה ואמונתך סביביך?
٩ אתה מושל בגאון הים,
בשוא גליו אתה תשבחם.
١٠ אתה דכית כחלל רהב,
בזרוע עזך פזרת אויביך.

۱۱ تو رهبی که رهبی دشمن را خرد کردی،
و با بازوی قدرتمند خود دشمنانت را پراکنده ساختی.
۱۲ آسمان و زمین از آن تو است،
تو جهان و هر آنچه در آن است را بنا نهادی.
۱۳ تو شمال و جنوب را آفریدی،
کوه تابور و کوه حرمون در نام تو شادی می‌کنند.
۱۴ بازوی تو نیرومند است،
دست تو قوی و دست راست تو بلند است.
۱۵ عدالت و انصاف پایه‌های تخت تو هستند،
محبت و وفاداری همراه تو می‌آیند.
۱۶ خوشا به حال قومی که صدای شیپور را می‌شناسند،
ای خداوند، که در نور حضور تو زندگی می‌کنند.
۱۷ آنها تمام روز در نام تو شادی می‌کنند،
و در عدالت تو سربلند می‌شوند.
۱۸ زیرا تو شکوه قدرت آنها هستی،
و به لطف تو است که شاخ ما بلند می‌شود.
۱۹ زیرا سپر ما از آن خداوند است،
و پادشاه ما از آن قدوس اسرائیل.
۲۰ روزی در رؤیا با وفادارانت سخن گفتی و گفتی:
«من بر یک جنگجو تاج گذاشته‌ام،
من یک جوان را از میان قوم برگزیده‌ام.
۲۱ من داود، خدمتگزارم را یافته‌ام،
و او را با روغن مقدس خود مسح کرده‌ام.

۲۲ "نہ دشمن اُس پر زبردستی کرے،
نہ شریر اُسے ستائے۔
۲۳ میں اُس کے مخالفوں کو اُس کے سامنے کچل ڈالوں گا،
اُن کو مار ڈالوں گا جو اُس سے نفرت کرتے ہیں۔
۲۴ میری وفاداری اور شفقت اُس کے ساتھ ہوں گی،
اور میرے نام کی وجہ سے اُس کا سر بلند ہو گا۔
۲۵ میں سمندر پر اُس کا ہاتھ،
اور دریاؤں پر اُس کا دہنا ہاتھ قائم کروں گا۔
۲۶ وہ مجھے پکار کر کہے گا: 'تُو میرا باپ ہے،
میرے خدا اور میری نجات کی چٹان ہے۔'
۲۷ اور میں اُسے اپنا پہلوٹھا،
دنیا کے بادشاہوں سے بلند مقام دوں گا۔
۲۸ میں ہمیشہ اُس پر اپنی شفقت ظاہر کرتا رہوں گا،
اور میرا عہد اُس کے ساتھ قائم رہے گا۔
۲۹ میں اُس کی نسل ہمیشہ تک،
اور اُس کا تخت آسمان کے دنوں تک قائم رکھوں گا۔
۳۰ "اگر اُس کے بیٹے میری شریعت کو ترک کریں،
اور میرے احکام پر نہ چلیں،
۳۱ اگر وہ میرے فرمانوں کو توڑیں،
اور میرے حکموں پر عمل نہ کریں،
۳۲ تو میں اُن کے گناہ کی سزا چھڑی سے،
اور اُن کی بدکاری کی سزا کوڑوں سے دوں گا۔
۳۳ لیکن میں اُس پر اپنی شفقت ظاہر کرتا رہوں گا،

ولا أخلف عهدي،
ولا أغير ما نطقت به شفتاي.
٣٥ مرة واحدة حلفت بقداستي،
فلا أكذب داود.
٣٦ نسله يدوم إلى الأبد،
وعرشه أمامي كالشمس.
٣٧ يثبت إلى الأبد كالقمر،
شاهد أمين في السماء.» سلاه
٣٨ لكنك رفضت وكرهت،
وغضبت على مسيحك.
٣٩ نقضت عهد عبدك،
ودنست تاجه بالتراب.
٤٠ هدمت كل أسواره،
وجعلت حصونه خرائب.
٤١ نهبه كل عابر طريق،
وصار عارًا لجيرانه.
٤٢ رفعت يمين مضايقيه،
وجعلت كل أعدائه يفرحون.
٤٣ كما رددت حد سيفه،
ولم تسنده في القتال.
٤٤ أبطلت بهاءه،
وقلبت عرشه إلى الأرض.

٤٥ הקצרת ימי נעוריו
העטית עליו בושת סלה׃
٤٦ עד מתי יהוה תסתר לנצח
תבער כאש חמתך׃
٤٧ זכר מה חלדי עלי שוא
כי לשוא בראת כל בני אדם׃
٤٨ מי גבר יחי ולא יראה מות
ימלט נפשו מיד שאול סלה׃
٤٩ אדני איה חסדיך הראשנים
נשבעת לדוד באמונתך׃
٥٠ זכר אדני חרפת עבדיך
שאתי בחיקי כל רבים עמים׃
٥١ אשר חרפו אויביך יהוה
אשר חרפו עקבות משיחך׃
٥٢ ברוך יהוה לעולם
אמן ואמן׃

תפילה למשה

תהלים ٩٠:١-١٠

למנצח לבני קרח מזמור.

٩٠ [١] אדני, אתה היית לנו מעון בדור ודור.
[٢] בטרם הרים יולדו,
ותחולל ארץ ותבל,
ומעולם עד עולם אתה אל.
[٣] תשב אנוש עד דכא,
ותאמר: "שובו, בני אדם."
[٤] כי אלף שנים בעיניך,
כיום אתמול כי יעבר,
ואשמורה בלילה.
[٥] זרמתם שנה יהיו, בבקר,
כחציר יחלף.
[٦] בבקר יציץ וחלף,
לערב ימלל ויבש.
[٧] כי כלינו באפך,
ובחמתך נבהלנו.
[٨] שתה עוונתינו לנגדך,
עלומינו למאור פניך.
[٩] כי כל ימינו פנו בעברתך,
כלינו שנינו כהגה.

۹ چونکه خداوند پناهگاه من است،
و تو حضرت اعلی را مسکن خود ساخته‌ای.
۱۰ پس هیچ بلایی به تو نخواهد رسید،
و هیچ مصیبتی به خیمه‌ات نزدیک نخواهد شد.
۱۱ زیرا به فرشتگان خود دستور داده است
تا در تمام راه‌هایت از تو محافظت کنند.
۱۲ آنها تو را بر دست‌های خود خواهند برد
تا پایت به سنگ آسیب نبیند.
۱۳ بر شیر و مار قدرت خواهی داشت،
و بر شیر ژیان و اژدها پیروز خواهی شد.
۱۴ خداوند می‌گوید: «چون او را دوست دارد،
او را نجات خواهم داد.
چون به نام من ایمان دارد، از او محافظت خواهم کرد.
۱۵ چون مرا می‌خواند، به او جواب خواهم داد.
در سختی با او خواهم بود.
او را رهایی خواهم بخشید و به او احترام خواهم گذاشت.
۱۶ عمر طولانی به او خواهم داد،
و او را از نجات خود برخوردار خواهم ساخت.»

۱۷ سرود یا مزمور داود برای روز شنبه.
خوب است که خداوند را شکر کنیم،
و نام تو را ای حضرت اعلی بسرائیم.
۲ صبح‌ها محبت تو را اعلام کنیم،
و شب‌ها امانت تو را.

۲ یہ اُس کے بارے میں کہتا ہوں: ”وہ میرا
پناہ، میرا قلعہ، میرا خدا ہے۔“
۳ خدا ہی تجھے شکاری کے پھندے سے،
اور مہلک وبا سے بچائے گا۔
۴ وہ تجھے اپنے پروں سے ڈھانپ لے گا،
اور اُس کے بازوؤں کے نیچے تجھے پناہ ملے گی۔
اُس کی سچائی تیری ڈھال اور فصیل ہو گی۔
۵ تجھے رات کے ڈراؤنے خوف سے،
اور دن کے وقت چلنے والے تیر سے،
۶ اور اندھیرے میں پھیلنے والی مہلک وبا سے،
اور دوپہر کے وقت تباہ کرنے والی آفت سے ڈر نہیں لگے گا۔
۷ اگرچہ تیرے بائیں ہزار،
اور تیرے دائیں دس ہزار گر جائیں،
تاہم یہ تجھ تک نہیں پہنچیں گے۔
۸ تُو صرف اپنی آنکھوں سے دیکھے گا،
اور شریروں کا انجام اپنی آنکھوں سے دیکھ لے گا۔
۹ کیونکہ تُو نے خداوند کو،
جو میرا پناہ ہے،
اور اعلیٰ کو اپنا مسکن بنایا ہے،
۱۰ اس لئے کوئی آفت تجھ پر نہیں آئے گی،
اور نہ کوئی وبا تیرے خیمہ کے نزدیک پھٹکے گی۔
۱۱ کیونکہ وہ اپنے فرشتوں کو تیرے بارے میں حکم دے گا،
کہ وہ تیری ساری راہوں میں تیری نگہبانی کریں۔
۱۲ وہ تجھے اپنے ہاتھوں پر اٹھا لیں گے،

جُرأت نخواهی کرد.
۱۳ شیر و مار کبری را پایمال خواهی کرد،
و بر بچهٔ شیر و اژدها پا خواهی گذاشت.
۱۴ «چون او مرا دوست دارد، من او را نجات خواهم داد؛
او را سرافراز خواهم کرد، زیرا نام مرا می‌شناسد.
۱۵ چون مرا بخواند، من او را اجابت خواهم کرد؛
در تنگی با او خواهم بود،
او را رهایی خواهم بخشید و به او عزت خواهم داد.
۱۶ عمر طولانی به او عطا خواهم کرد،
و او را از نجات خود برخوردار خواهم ساخت.»

مزمور. سرود روز سبت.

۹۲ ۱ خوب است که شکر تو را بجا آورم،
ای خداوند، و نام تو را ای متعال، بسرایم.
۲ صبح‌ها محبت استوار تو را اعلام کنم،
و شب‌ها امانت تو را،
۳ با ده تار و با چنگ،
با نوای دلنشین بربط.
۴ زیرا، ای خداوند، تو مرا با کارهایت شاد ساخته‌ای،
و من از کارهای دست تو سرود شادی می‌خوانم.
۵ ای خداوند، کارهای تو چه عظیم است!
فکرهای تو چه عمیق است!

۶ ائے خداوند کیسے بڑے ہیں تیرے کام،
کتنے گہرے ہیں تیرے خیال!
۷ بیوقوف یہ نہیں سمجھتے،
بیعقل اِن کو نہیں سمجھ آتی،
۸ کہ اگرچہ شریر گھاس کی طرح اُگتے
اور بدکار پھلتے پھولتے ہیں،
تو بھی وہ ہمیشہ کے لئے تباہ ہو جائیں گے۔
۹ لیکن تُو، اے خداوند، ہمیشہ کے لئے سرفراز ہے۔
۱۰ کیونکہ دیکھ، اے خداوند، تیرے دشمن ضرور ہلاک ہوں گے،
تیرے دشمن ضرور ہلاک ہوں گے،
اور سب بدکار پراگندہ ہو جائیں گے۔
۱۱ لیکن تُو نے میرا سینگ جنگلی بیل کی طرح بلند کیا ہے،
اور میں تازہ تیل سے مسح کیا گیا ہوں۔
۱۲ میری آنکھ نے اپنے مخالفوں کا انجام دیکھا ہے،
میرے کان نے اپنے بدخواہوں کا حال سنا ہے۔
۱۳ راست باز کھجور کے درخت کی طرح پھلتا پھولتا ہے،
لبنان کے دیودار کی طرح بڑھتا ہے۔
۱۴ وہ خداوند کے گھر میں لگائے گئے ہیں،
ہمارے خدا کے صحن میں پھلتے پھولتے ہیں۔
۱۵ بڑھاپے میں بھی وہ پھل لائیں گے،
تازہ اور سرسبز رہیں گے،
۱ خداوند بادشاہ ہے، وہ جلال سے ملبوس ہے،
خداوند طاقت سے ملبوس ہے، وہ کمر باندھے ہوئے ہے۔
۹۳

יהוה מלך גאות לבש לבש יהוה עז התאזר אף־תכון תבל בל־תמוט׃
٢ נכון כסאך מאז מעולם אתה׃
٣ נשאו נהרות יהוה נשאו נהרות קולם ישאו נהרות דכים׃
٤ מקולות מים רבים אדירים משברי־ים אדיר במרום יהוה׃
٥ עדתיך נאמנו מאד לביתך נאוה־קדש יהוה לארך ימים׃

٩٤ ١ אל נקמות יהוה אל נקמות הופיע׃
٢ הנשא שפט הארץ השב גמול על־גאים׃
٣ עד־מתי רשעים יהוה עד־מתי רשעים יעלזו׃
٤ יביעו ידברו עתק יתאמרו כל־פעלי־און׃
٥ עמך יהוה ידכאו ונחלתך יענו׃
٦ אלמנה וגר יהרגו ויתומים ירצחו׃

וְנִבְהֲלוּ בְּחִישׁוֹן.
[7] וְיָקִיצוּ אֹיְבַי: "לִי אֲדֹנָי,
וְעַתָּה בְּחַמְתְּךָ לֹא תִּשָּׂא כֻּלָּנוּ."
[8] תִּשְׁמַעְתָּם כֻּלָּנוּ, מִי בְּתוֹכָם כָּלָה וְכָמַס;
וְעַתָּה לֹא תִּשְׁמַעְתָּם, מִי תְּחַכֶּה?
[9] לְמִי לֹא נִתְּנוּ בְּנוֹתֵינוּ, וְלוֹ, לֹא תִּשְׁמַעְתָּם?
לְמִי לֹא נִכְבְּשׁוּ בְּנוֹתֵינוּ, וְלוֹ, לֹא שָׁמַעְתָּם?
[10] תִּשְׁמַעְתָּם בְּיָמִים בְּיָמִים, וְלוֹ, לֹא תִּשְׁמַעְתָּם,
עַד בְּלִי תִּשְׁמַעְתָּם לְכָל תִּשְׁמַעְתָּם?
[11] נִתְּנוּ לְנֶגֶד תִּשְׁמַעְתָּם בְּנוֹתֵינוּ
תִּשְׁמַעְתָּם אֹתָנוּ.
[12] לְמִי נִתְּנוּ בְּתִשְׁמַעְתָּם לְכָל, אֹתָנוּ,
עַד בְּלִי תִּשְׁמַעְתָּם לְכָל,
[13] נִתְּנוּ תִּשְׁמַעְתָּם אֹתָנוּ לְנֶגֶד תִּשְׁמַעְתָּם,
תִּשְׁמַעְתָּם בְּתוֹכָם תִּשְׁמַעְתָּם.
[14] תִּשְׁמַעְתָּם לִי בְּיָדִי אֲדֹנָי לְנֶגֶד,
עַד תִּשְׁמַעְתָּם לִי תִּשְׁמַעְתָּם.
[15] תִּשְׁמַעְתָּם לְנֶגֶד בְּנוֹתֵינוּ תִּשְׁמַעְתָּם לִי בְּנוֹתֵינוּ,
עַד בְּלִי תִּשְׁמַעְתָּם לְכָל תִּשְׁמַעְתָּם תִּשְׁמַעְתָּם.
[16] תִּשְׁמַעְתָּם לִי אֲדֹנָי תִּשְׁמַעְתָּם בְּתִשְׁמַעְתָּם בְּנוֹתֵינוּ תִּשְׁמַעְתָּם?
תִּשְׁמַעְתָּם לִי בְּיָדִי לִי אֲדֹנָי בְּתִשְׁמַעְתָּם בְּנוֹתֵינוּ תִּשְׁמַעְתָּם?
[17] לִי לֹא תִּשְׁמַעְתָּם אֲדֹנָי תִּשְׁמַעְתָּם לִי,
תִּשְׁמַעְתָּם לִי תִּשְׁמַעְתָּם לִי אֲדֹנָי תִּשְׁמַעְתָּם בְּנוֹתֵינוּ תִּשְׁמַעְתָּם.

١٨ يَ رَمبَ، بِمَلِ خُلِ لِهِخِيَ": بِهِبَ،
لِهِ بِذَهُ لِ، ئِ هُذِئ، بِوَهَحِهِلِ.
١٩ جَ أَمِ تِمِبَ بِهِ أَمِ جَ،
بِمِلِ بِهِمِ لِ وَقِئِهِ.
٢٠ هُ، رَ، هُمِ بِهِ بِئِهِ وَهَمِ بِهِ بِهِ بِه

٦ בֹּואוּ נִשְׁתַּחֲוֶה וְנִכְרָעָה,
נִבְרְכָה לִפְנֵי יְיָ עֹשֵׂנוּ.
٧ כִּי הוּא אֱלֹהֵינוּ,
וַאֲנַחְנוּ עַם מַרְעִיתוֹ וְצֹאן יָדוֹ.
הַיּוֹם אִם בְּקֹלוֹ תִשְׁמָעוּ,
٨ אַל תַּקְשׁוּ לִבַּבְכֶם כִּמְרִיבָה,
כְּיוֹם מַסָּה בַּמִּדְבָּר,
٩ אֲשֶׁר נִסּוּנִי אֲבוֹתֵיכֶם בְּחָנוּנִי,
גַּם רָאוּ פָּעֳלִי.
١٠ אַרְבָּעִים שָׁנָה אָקוּט בְּדוֹר,
וָאֹמַר: עַם תֹּעֵי לֵבָב הֵם,
וְהֵם לֹא יָדְעוּ דְרָכָי.
١١ אֲשֶׁר נִשְׁבַּעְתִּי בְאַפִּי,
אִם יְבֹאוּן אֶל מְנוּחָתִי.

٩٦

١ שִׁירוּ לַיְיָ שִׁיר חָדָשׁ,
שִׁירוּ לַיְיָ כָּל הָאָרֶץ.
٢ שִׁירוּ לַיְיָ בָּרְכוּ שְׁמוֹ,
בַּשְּׂרוּ מִיּוֹם אֶל יוֹם יְשׁוּעָתוֹ.
٣ סַפְּרוּ בַגּוֹיִם כְּבוֹדוֹ,
בְּכָל הָעַמִּים נִפְלְאוֹתָיו.
٤ כִּי גָדוֹל יְיָ וּמְהֻלָּל מְאֹד,
נוֹרָא הוּא עַל כָּל אֱלֹהִים.
٥ כִּי כָל אֱלֹהֵי הָעַמִּים אֱלִילִים,

הבו ליהוה כבוד שמו,
שאו מנחה ובואו לחצרותיו.
٩ השתחוו ליהוה בהדרת קודש,
חילו מפניו כל הארץ.
١٠ אמרו בגוים יהוה מלך,
אף תכון תבל בל תמוט,
ידין עמים במישרים.
١١ ישמחו השמים ותגל הארץ,
ירעם הים ומלואו.
١٢ יעלז שדי וכל אשר בו,
אז ירננו כל עצי היער.
١٣ לפני יהוה כי בא,
כי בא לשפט את הארץ,
ישפט תבל בצדק,
ועמים באמונתו.

٩٧

١ יהוה מלך תגל הארץ,
ישמחו איים רבים.
٢ ענן וערפל סביביו,

וְאִבְמוּ֗ רְחֹקִ֥ים עֹבְדֵיהֶ֑ם הַמִּתְהַלְלִ֖ים בָּאֱלִילִ֣ים
הִשְׁתַּחֲוֻ֣ה לוֹ כָּל־אֱלֹהִֽים׃
٣ שָׁמְעָ֣ה וַתִּשְׂמַ֣ח צִיּ֑וֹן
וַתָּגֵ֣לְנָה בְנ֖וֹת יְהוּדָ֣ה לְמַ֣עַן מִשְׁפָּטֶֽיךָ׃
٤ כִּֽי־אַתָּ֣ה יְהוָ֣ה עֶלְי֣וֹן עַל־כָּל־הָאָ֑רֶץ
מְאֹ֖ד נַעֲלֵ֣יתָ עַל־כָּל־אֱלֹהִֽים׃
٥ אֹהֲבֵ֣י יְהוָ֣ה שִׂנְא֣וּ רָ֑ע שֹׁמֵ֥ר נַפְשׁ֖וֹת חֲסִידָ֣יו
מִיַּ֣ד רְשָׁעִ֣ים יַצִּילֵֽם׃
٦ א֣וֹר זָ֭רַֽע לַצַּדִּ֑יק
וּלְיִשְׁרֵ֥י לֵ֝֗ב שִׂמְחָֽה׃
٧ שִׂמְח֣וּ צַדִּיקִ֣ים בַּֽיהוָ֑ה
וְה֖וֹדוּ לְזֵ֣כֶר קָדְשֽׁוֹ׃
٨ שִׁ֤ירוּ לַיהוָ֨ה׀ שִׁ֣יר חָדָ֑שׁ
כִּ֤י נִ֖פְלָאוֹת עָשָׂ֣ה יְמִינ֣וֹ וּזְרֹ֣עַ קָדְשֽׁוֹ׃
٩ הוֹדִ֣יעַ יְהוָ֣ה יְשׁוּעָת֑וֹ
לְעֵינֵ֥י הַגּוֹיִ֝֗ם גִּלָּ֥ה צִדְקָתֽוֹ׃
١٠ זָכַ֣ר חַסְדּ֣וֹ וֶֽאֱמוּנָת֑וֹ לְבֵ֥ית יִ֝שְׂרָאֵ֗ל
רָא֥וּ כָל־אַפְסֵי־אָ֑רֶץ אֵ֖ת יְשׁוּעַ֣ת אֱלֹהֵֽינוּ׃
١١ הָרִ֣יעוּ לַיהוָ֣ה כָּל־הָאָ֑רֶץ
פִּצְח֖וּ וְרַנְּנ֣וּ וְזַמֵּֽרוּ׃
١٢ זַמְּר֣וּ לַיהוָ֣ה בְּכִנּ֑וֹר בְּכִנּ֖וֹר וְק֣וֹל זִמְרָֽה׃

صفحه‌ای برای سرود شکرگزاری.

۹۸ ۱ سرود تازه‌ای برای خداوند بخوانید،
زیرا او کارهای شگفت‌انگیز کرده است.
با قدرت دست راست و بازوی مقدس خود
او پیروزی را به ارمغان آورده است.
۲ خداوند پیروزی خود را اعلام کرده،
و عدالت خود را در برابر چشم همه ملت‌ها آشکار ساخته است.
۳ او به عهد خود با خاندان اسرائیل وفادار مانده است،
و تمام مرزهای زمین پیروزی خدای ما را دیده‌اند.
۴ ای تمام مردم زمین، برای خداوند شادی کنید،
با صدای بلند سرود بخوانید و آهنگ بسازید.
۵ با چنگ برای خداوند آهنگ بسازید،
با چنگ و آوازهای دلنشین.
۶ با شیپورها و صدای شاخ قوچ،
برای پادشاه، خداوند، شادی کنید.
۷ دریا و هر آنچه در آن است، بغرّد،
دنیا و ساکنانش نیز.
۸ رودها دست بزنند،
کوه‌ها با هم شادی کنند
۹ در حضور خداوند، زیرا او می‌آید تا بر زمین داوری کند،
او دنیا را با عدالت داوری خواهد کرد،
و مردم را با انصاف.

۹۹ ۱ خداوند سلطنت می‌کند، پس مردم باید بلرزند،
او بر کروبیان تخت سلطنت دارد، پس زمین باید تکان بخورد.

۲ خداوند در صهیون بزرگ است،
و بر همهٔ قومها برتر.
۳ نام عظیم و مهیب تو را ستایش کنند،
زیرا که او قدوس است.
۴ ای پادشاه، که قدرت تو عدالت را دوست دارد،
تو انصاف را برقرار کرده،
و در یعقوب عدالت و راستی را بجا آورده‌ای.
۵ یهوه، خدای ما را متعالی بدانید،
و در برابر قدمگاه او سجده کنید،
زیرا که او قدوس است.
۶ موسی و هارون از کاهنان او،
و سموئیل از کسانی که نام او را می‌خواندند،
همه نزد خداوند دعا می‌کردند، و او ایشان را اجابت می‌فرمود.
۷ در ستون ابر با ایشان سخن می‌گفت،
و آنان شهادات و فرایضی را که به ایشان داده بود نگاه می‌داشتند.
۸ ای یهوه، خدای ما، تو ایشان را اجابت فرمودی،
خدای آمرزنده برای ایشان بودی،
هرچند که کیفر اعمال بد ایشان را دادی.
۹ یهوه، خدای ما را متعالی بدانید،
و در کوه مقدس او سجده کنید،
زیرا که یهوه، خدای ما، قدوس است.

תהלים לדוד מזמור.

١٠١ [١] חסד ומשפט אשירה,
לך יהוה, אזמרה.
[٢] אשכילה בדרך תמים,
מתי תבוא אלי?
אתהלך בתם לבבי בקרב ביתי.
[٣] לא אשית לנגד עיני דבר בליעל,
עשה סטים שנאתי,
לא ידבק בי.
[٤] לבב עקש יסור ממני,
רע לא אדע.
[٥] מלושני בסתר רעהו אצמית,
רחב עין ורחב לבב לא אוכל.

תהלים תפלה.

١٠٢ [١] יהוה שמעה תפלתי,
ושועתי אליך תבוא.
[٢] אל תסתר פניך ממני,
ביום צר לי,
הטה אלי אזנך,
ביום אקרא מהר ענני.
[٣] כי כלו כעשן ימי,
ועצמותי כמוקד נחרו.

٤ يَدِي فَحِيحٌ دَنِيٌّ لَحْمِي،
حَبِيبٌ لِي مُبْعَدٌ.
٥ مِنْ صَوْتِ تَنَهُّدِي لِصُوقٌ عِظَامِي لِلَحْمِي،
مِنْ دُنُوِّ مِنْهُ لِي، حَيَّةٌ بَرِّيَّةٌ مَعَ بُومَةٍ مِنْ
٦ جَبَلٍ بَعِيدٍ مِنْ لِدِنْيَةٍ مِنْهُ لِي،
مِنْ صَوْتِ تَنَهُّدِي لِصُوقٌ عِظَامِي لِلَحْمِي،
مِنْ صَوْتِ تَنَهُّدِي لِصُوقٌ عِظَامِي لِلَحْمِي.
٧ لِي مُشَابِهٌ قَدْ بَرِّيَّةٍ بَطِّ لِي،
لِمُقَابِرِ لِدِنْيَةٍ بَطِّ لِي.
٨ لِي سَاهِرٌ قَدْ بَرِّيَّةٍ بَطِّ لِي،
لِسَطْحٍ لِدِنْيَةٍ بَطِّ لِي.

٩ لِي مُعَيِّرٌ قَدْ يَوْمٍ لِي لِدِنْيَةٍ بَطِّ لِي،
لِي مُسْتَهْزِئٌ قَدْ بِي لِدِنْيَةٍ بَطِّ لِي.

١٠٢

١ يَا رَبُّ، اسْمَعْ صَلَاتِي،
وَلْيَأْتِ صُرَاخِي إِلَيْكَ.
٢ لَا تَحْجُبْ وَجْهَكَ عَنِّي فِي يَوْمِ ضِيقِي،
أَمِلْ أُذُنَكَ إِلَيَّ؛
فِي يَوْمِ أَدْعُوكَ أَسْرِعْ وَاسْتَجِبْ لِي.
٣ لِأَنَّ أَيَّامِي فَنِيَتْ كَدُخَانٍ،
وَعِظَامِي احْتَرَقَتْ كَحَطَبٍ.
٤ قُطِعَ كَعُشْبٍ وَيَبِسَ قَلْبِي،
حَتَّى نَسِيتُ أَنْ آكُلَ خُبْزِي.
٥ مِنْ صَوْتِ أَنِينِي لَصِقَ عَظْمِي بِلَحْمِي.

בשחתם את דרכם.
[6] וינחם יהוה כי עשה את האדם בארץ,
ויתעצב אל לבו.
[7] ויאמר יהוה; אמחה את האדם אשר בראתי מעל פני האדמה.
[8] מאדם עד בהמה עד רמש ועד עוף השמים,
כי נחמתי כי עשיתם. [9] אלה תולדות נח; נח איש צדיק תמים היה בדרתיו,
את האלהים התהלך נח. [10] ויולד נח שלשה בנים את שם את חם ואת יפת.
[11] ותשחת הארץ לפני האלהים, ותמלא הארץ חמס.
[12] וירא אלהים את הארץ, והנה נשחתה, כי השחית כל בשר,
את דרכו על הארץ. [13] ויאמר אלהים לנח, קץ כל בשר בא לפני,
כי מלאה הארץ חמס מפניהם; והנני משחיתם את הארץ.
[14] עשה לך תבת עצי גפר קנים תעשה את התבה,
וכפרת בחמר מבית ומחוץ בכפר. [15] וזה אשר תעשה אתה,
שלש מאות אמה ארך התבה, חמשים אמה רחבה,
ושלשים אמה קומתה. [16] צהר תעשה לתבה,
ואל אמה תכלנה מלמעלה;

۱۷ خداوند به دعای بی‌کسان توجه می‌کند،
و هرگز آنان را خوار نمی‌شمارد.
۱۸ این را برای نسل‌های آینده بنویسید،
تا مردمی که هنوز به دنیا نیامده‌اند خداوند را ستایش کنند.
۱۹ خداوند از آسمان بلند به زمین نگاه کرد،
تا ناله‌های اسیران را بشنود،
۲۰ و کسانی را که محکوم به مرگ بودند آزاد سازد.
۲۱ تا در صهیون نام خداوند را اعلام کنند،
و در اورشلیم او را ستایش نمایند،
۲۲ وقتی که مردم از همه جای دنیا
و پادشاهان برای عبادت خداوند جمع شوند.
۲۳ خدا در راه قدرت مرا ضعیف کرد،
و عمر مرا کوتاه ساخت.
۲۴ به او گفتم: «ای خدای من، مرا در نیمه راه نمیران،
تو که تا ابد زنده هستی.
۲۵ در ابتدا تو زمین را آفریدی،
و آسمان‌ها کار دست تو هستند.
۲۶ آنها از بین خواهند رفت، اما تو باقی خواهی ماند؛
همه مانند لباس کهنه فرسوده خواهند شد.
تو آنها را مانند لباس عوض می‌کنی و دور می‌اندازی.
۲۷ اما تو همیشه یکسان هستی،
و سال‌های عمر تو هرگز به پایان نمی‌رسد.

۲۸ فرزندان بندگانت در حضور تو ساکن خواهند شد،
و نسل ایشان در برابر تو استوار خواهد ماند.

مزمور داود.

۱۰۳

۱ ای جان من، یهوه را متبارک بخوان،
و تمامی وجود من، نام قدوس او را.
۲ ای جان من، یهوه را متبارک بخوان،
و هیچ یک از احسانهای او را فراموش نکن.
۳ او همهٔ گناهان تو را می‌بخشد،
و تمامی بیماریهایت را شفا می‌دهد.
۴ او جان تو را از هلاکت می‌رهاند،
و تو را با محبت و رحمت تاج بر سر می‌نهد.
۵ او تو را با نعمتهای فراوان سیر می‌کند،
و جوانی‌ات را همچون جوانی عقاب تازه می‌سازد.
۶ یهوه عدالت را به جا می‌آورد،
و حق همهٔ ستمدیدگان را می‌ستاند.
۷ راههای خود را به موسی،
و کارهای عظیم خود را به بنی‌اسرائیل آشکار ساخت.
۸ یهوه رحیم و فیاض است،
دیر خشم می‌گیرد و سرشار از محبت است.
۹ همیشه سرزنش نمی‌کند،
و خشم خود را تا ابد نگاه نمی‌دارد.
۱۰ با ما مطابق گناهانمان رفتار نمی‌کند،

که نیز می بخشد همهٔ گناهانت را،
و تو را از بیماری شفا می‌دهد.
۴ او جان تو را از هلاکت نجات می‌دهد،
و تو را با محبت و رحمت تاج‌گذاری می‌کند.
۵ او تو را با نعمت‌های فراوان سیر می‌سازد،
و جوانی تو را مانند جوانی عقاب تازه می‌کند.
۶ خداوند کارهای درست انجام می‌دهد،
و از ستمدیدگان دفاع می‌کند.
۷ او راه‌های خود را به موسی نشان داد،
و کارهای عظیم خود را به قوم اسرائیل.
۸ خداوند رحیم و بخشنده است،
دیر خشمگین می‌شود و محبت او بسیار است.
۹ او همیشه ما را سرزنش نمی‌کند،
و خشم خود را برای همیشه نگه نمی‌دارد.
۱۰ او با ما مطابق گناهانی که کرده‌ایم رفتار نمی‌کند،
و ما را مطابق بدی‌هایی که انجام داده‌ایم جزا نمی‌دهد.
۱۱ همان‌طور که آسمان از زمین بلند است،
محبت او نیز نسبت به کسانی که از او می‌ترسند بسیار است.
۱۲ همان‌طور که شرق از غرب دور است،
او گناهان ما را از ما دور کرده است.
۱۳ همان‌طور که پدر نسبت به فرزندان خود مهربان است،
خداوند نیز نسبت به کسانی که از او می‌ترسند مهربان است.
۱۴ زیرا او می‌داند که ما چگونه ساخته شده‌ایم،
و به یاد دارد که ما خاک هستیم.
۱۵ انسان مانند گیاه است،
مانند گل صحرا که زیبا می‌روید،
۱۶ اما وقتی بادی بر آن می‌وزد، از بین می‌رود،
و دیگر هیچ‌کس آن را نمی‌بیند.
۱۷ اما محبت خداوند نسبت به کسانی که از او می‌ترسند همیشگی است،
و عدالت او نسبت به فرزندان فرزندان آنها،
۱۸ نسبت به کسانی که عهد او را نگه می‌دارند،
و دستورهای او را به جا می‌آورند.
۱۹ خداوند تخت خود را در آسمان برپا کرده است،
و بر همه پادشاهی می‌کند.
۲۰ ای فرشتگان خداوند، که نیرومند هستید،
و دستورهای او را اطاعت می‌کنید،
خداوند را ستایش کنید.
۲۱ ای لشکرهای آسمانی خداوند،

משכיל לדוד בברכי נפשי את יהוה.
יהוה אלהי גדלת מאד,
הוד והדר לבשת.
עטה אור כשלמה נוטה שמים כיריעה.
הקורה במים עליותיו השם עבים רכובו
המהלך על כנפי רוח.
עשה מלאכיו רוחות משרתיו אש להט.
יסד ארץ על מכוניה בל תמוט עולם ועד.
תהום כלבוש כסיתו על הרים יעמדו מים.
מן גערתך ינוסון מן קול רעמך יחפזון.
יעלו הרים ירדו בקעות אל מקום זה יסדת להם.
גבול שמת בל יעברון בל ישבון לכסות הארץ.
המשלח מעינים בנחלים בין הרים יהלכון.
ישקו כל חית שדי ישברו פראים צמאם.
עליהם עוף השמים יתנו מבין ענפים יגתנו קול.
משקה הרים מעליותיו מפרי מעשיך תשבע הארץ.
מצמיח חציר לבהמה ועשב לעבדת האדם להוציא לחם מן הארץ.
ויין ישמח לבב אנוש להצהיל פנים משמן ולחם לבב אנוש יסעד.
ישבעו עצי יהוה ארזי לבנון אשר נטע.
אשר שם צפרים יקננו חסידה ברושים ביתה.
הרים הגבהים ליעלים סלעים מחסה לשפנים.
עשה ירח למועדים שמש ידע מבואו.
תשת חשך ויהי לילה בו תרמש כל חיתו יער.
הכפירים שאגים לטרף ולבקש מאל אכלם.
תזרח השמש יאספון ואל מעונותם ירבצון.
יצא אדם לפעלו ולעבדתו עד ערב.
מה רבו מעשיך יהוה כלם בחכמה עשית מלאה הארץ קנינך.
זה הים גדול ורחב ידים שם רמש ואין מספר חיות קטנות עם גדולות.
שם אניות יהלכון לויתן זה יצרת לשחק בו.
כלם אליך ישברון לתת אכלם בעתו.
תתן להם ילקטון תפתח ידך ישבעון טוב.
תסתיר פניך יבהלון תאסף רוחם גועון ואל עפרם ישובון.
תשלח רוחך יבראון ותחדש פני אדמה.

لا تُمنح لجميع بنيه.
١٠ هي تجلب لنفوسنا كل ثروة،
حتى لعبيدها هي يُعطى.
١١ هي تعبر بسرعة على الأرض،
مُقيِّدة جميع من هم في طريقها.
١٢ لتحملنا هي بعيدًا في ذهابها،
مع كل ثروة جمعتها هي منذ القدم.
١٣ هي تأتي لتهاجم من يقفون،
من أجل حياتهم على الأرض.
١٤ هي تجلب كل ما تريد،
وتدفع ما تطلبه الآلهة،
وتقف على رأس الجميع في الأرض،
١٥ وتسحق جميع من يقف ضدها،
حتى لتحتوي في كفها،
وتسود جميع من هم تحتها.
١٦ هي تجلب الأمطار لتروي الأرض،
لتأتي بالحصاد في موسمه،
١٧ لتُطعم الجميع في هذه الأرض،
لتملأ جميع الحظائر.
١٨ لتهاجم أعداء الأرض،
وتقتلهم بلا رحمة.
١٩ لتجلب على جميع الناس،
جميع ما تريد لتحصل.

٢٠ تو اندھیرا کرتا ہے اور رات ہو جاتی ہے،
جس میں جنگل کے سب جانور گھومتے ہیں۔
٢١ جوان شیر شکار کے لیے گرجتے ہیں
اور خدا سے اپنا کھانا مانگتے ہیں۔
٢٢ سورج نکلتا ہے تو وہ چلے جاتے ہیں،
اور اپنے اپنے ٹھکانے پر آرام کرتے ہیں۔
٢٣ تب انسان اپنے کام کاج کے لیے نکلتا ہے،
اور شام تک محنت کرتا رہتا ہے۔
٢٤ اے خداوند، تیرے کام کتنے بے شمار ہیں!
تو نے حکمت سے یہ سب کچھ بنایا ہے،
اور دنیا تیری مخلوق سے بھری ہوئی ہے۔
٢٥ سمندر بھی کتنا وسیع اور گہرا ہے،
جس میں بے شمار جاندار ہیں،
چھوٹے بھی اور بڑے بھی۔
٢٦ وہاں جہاز چلتے ہیں،
اور لویاتان بھی جسے تو نے اس میں کھیلنے کے لیے بنایا ہے۔
٢٧ یہ سب تیری طرف دیکھتے ہیں
کہ تو وقت پر ان کو کھانا دے۔
٢٨ جب تو انہیں دیتا ہے تو وہ اکٹھا کرتے ہیں،
جب تو اپنا ہاتھ کھولتا ہے تو وہ اچھی چیزوں سے سیر ہو جاتے ہیں۔
٢٩ جب تو اپنا منہ چھپا لیتا ہے تو وہ گھبرا جاتے ہیں،
جب تو ان کا سانس لینا بند کر دیتا ہے تو وہ مر جاتے ہیں
اور مٹی میں واپس مل جاتے ہیں۔

٣٠ רוּחֲךָ תְּשַׁלַּח יִבָּרְאוּ, וְתְחַדֵּשׁ פְּנֵי אֲדָמָה.
٣١ יְהִי כְבוֹד יְהוָה לְעוֹלָם, יִשְׂמַח יְהוָה בְּמַעֲשָׂיו.
٣٢ הַמַּבִּיט לָאָרֶץ וַתִּרְעָד, יִגַּע בֶּהָרִים וְיֶעֱשָׁנוּ.
٣٣ אָשִׁירָה לַיהוָה בְּחַיָּי, אֲזַמְּרָה לֵאלֹהַי בְּעוֹדִי.
٣٤ יֶעֱרַב עָלָיו שִׂיחִי, אָנֹכִי אֶשְׂמַח בַּיהוָה.
٣٥ יִתַּמּוּ חַטָּאִים מִן הָאָרֶץ, וּרְשָׁעִים עוֹד אֵינָם.
בָּרְכִי נַפְשִׁי אֶת יְהוָה, הַלְלוּיָהּ.

١٠٥

١ הוֹדוּ לַיהוָה קִרְאוּ בִשְׁמוֹ, הוֹדִיעוּ בָעַמִּים עֲלִילוֹתָיו.
٢ שִׁירוּ לוֹ זַמְּרוּ לוֹ, שִׂיחוּ בְּכָל נִפְלְאוֹתָיו.
٣ הִתְהַלְלוּ בְשֵׁם קָדְשׁוֹ, יִשְׂמַח לֵב מְבַקְשֵׁי יְהוָה.
٤ דִּרְשׁוּ יְהוָה וְעֻזּוֹ, בַּקְּשׁוּ פָנָיו תָּמִיד.
٥ זִכְרוּ נִפְלְאֹתָיו אֲשֶׁר עָשָׂה, מוֹפְתָיו וּמִשְׁפְּטֵי פִיהוּ.

عبدَه إبراهيم، يا نسلَ يعقوب المختارين.
٦ هو الرب إلهنا،
وأحكامُه في كل الأرض.
٧ لن ينسى عهدَه إلى الأبد،
ولا وعدَه إلى ألف جيل.
٨ عهدٌ قطعه مع إبراهيم،
وحلف به لإسحاق،
٩ وثبّته ليعقوب فريضةً،
ولإسرائيل عهدًا أبديًا،
١٠ قال فيه: «لك أعطي أرض كنعان،
ميراثًا تتقاسمونه».
١١ كانوا قلةً قليلة،
غرباء في الأرض،
١٢ يتنقلون من أمة إلى أمة،
ومن مملكة إلى شعب آخر.
١٣ فلم يدع أحدًا يظلمهم،
بل وبّخ الملوك من أجلهم،
١٤ قائلًا: «لا تمسوا مسحائي،
ولا تؤذوا أنبيائي».
١٥ فقد أرسل على الأرض جوعًا،
وقطع عنهم مؤونة الخبز.
١٦ ثم أرسل أمامهم رجلًا،
يوسف الذي بيع عبدًا.

۱۷ خدا، مردی را پیش فرستاد،
یوسف را که به بردگی فروخته شد.
۱۸ پاهایش را با زنجیر بستند،
و گردنش را در آهن گذاشتند.
۱۹ تا زمانی که پیشگویی او به وقوع پیوست،
کلام خداوند او را آزمود.
۲۰ پادشاه فرستاد و او را آزاد کرد،
حاکم قوم‌ها او را رها نمود.
۲۱ او را بر خانه‌اش گماشت،
و بر تمام دارایی‌اش حکومت کرد،
۲۲ تا بر رهبران او فرمان براند،
و حکمت را به مشاورانش بیاموزد.
۲۳ آنگاه اسرائیل به مصر آمد،
و یعقوب در سرزمین حام غریب شد.
۲۴ خدا قوم خود را بسیار برکت داد،
و آنها از دشمنانشان قوی‌تر شدند.
۲۵ خدا دل مصریان را تغییر داد تا از قوم او نفرت کنند،
و با فریب با بندگانش رفتار کنند.
۲۶ سپس موسی را که خدمتگزار او بود فرستاد،
و هارون را که برگزیده بود.
۲۷ آنها معجزات او را در میان مردم انجام دادند،
و عجایب او را در سرزمین حام.
۲۸ خدا تاریکی فرستاد و هوا را تیره کرد،

وہ حجبہ کہ اُنہوں نے اُن کے خلاف سازش کی تھی۔
۲۹ وہ دریا سمندر میں بدل گیا،
اور اُنہوں نے مچھلیوں کو مار ڈالا۔
۳۰ اُن کی زمین مینڈکوں سے بھر گئی،
یہاں تک کہ بادشاہ کے محلوں میں بھی۔
۳۱ اُس کے حکم پر بھنبھناتی مکھیاں آئیں،
اور ہر جگہ مچھر چھا گئے۔
۳۲ اُس نے بارش کے بجائے اُن پر اولے برسائے،
اور اُن کی زمین پر آگ بھڑک اٹھی۔
۳۳ اُس نے اُن کی انگور کی بیلوں اور انجیر کے درختوں کو تباہ کر دیا،
اور اُن کے علاقے کے درخت توڑ ڈالے۔
۳۴ اُس کے حکم پر ٹڈیاں آئیں،
بے شمار ٹڈے جو گنے نہ جا سکتے تھے،
۳۵ اور اُنہوں نے اُن کی ساری سبزی کھا لی،
اور اُن کی زمین کی ساری پیداوار ہڑپ کر لی۔
۳۶ پھر اُس نے اُن کے ہر پہلوٹھے کو مار ڈالا،
اُن کی طاقت کے پہلے پھل کو۔
۳۷ پھر وہ اپنے لوگوں کو سونا اور چاندی دے کر نکال لایا،
اور اُن کے قبیلوں میں کوئی بھی ٹھوکر کھا کر گر نہ پڑا۔
۳۸ مصر اُن کے جانے پر خوش ہوا،
کیونکہ اُن کا خوف اُس پر چھا گیا تھا۔
۳۹ اُس نے بادل کو اُن کے اوپر پھیلا دیا،
اور رات کو روشنی دینے کے لیے آگ۔

٤٠ וַיִּתְעַב עַל נַחֲלָתוֹ וַיִּתֵּן אוֹתָם
בְּיַד גּוֹיִם וַיִּמְשְׁלוּ בָהֶם שֹׂנְאֵיהֶם.
٤١ וַיִּלְחָצוּם אוֹיְבֵיהֶם וַיִּכָּנְעוּ תַּחַת יָדָם.
٤٢ פְּעָמִים רַבּוֹת יַצִּילֵם וְהֵם מַמְרִים בַּעֲצָתָם
וַיִּמַּכּוּ בַּעֲוֹנָם.
٤٣ וַיַּרְא בְּצֵתָם בְּשָׁמְעוֹ אֶת רִנָּתָם,
٤٤ וַיִּזְכֹּר לָהֶם בְּרִיתוֹ וַיִּנָּחֵם כְּרֹב חֲסָדָיו,
וַיִּתְּנֵם לְרַחֲמִים לִפְנֵי כָּל שׁוֹבֵיהֶם.
٤٥ הוֹשִׁיעֵנוּ יְהוָה אֱלֹהֵינוּ,
וְקַבְּצֵנוּ מִן הַגּוֹיִם. לְהֹדוֹת לְשֵׁם קָדְשֶׁךָ,
לְהִשְׁתַּבֵּחַ בִּתְהִלָּתֶךָ.

١٠٦

١ הַלְלוּיָהּ. הוֹדוּ לַיהוָה כִּי טוֹב,
כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ.
٢ מִי יְמַלֵּל גְּבוּרוֹת יְהוָה,
יַשְׁמִיעַ כָּל תְּהִלָּתוֹ?
٣ אַשְׁרֵי שֹׁמְרֵי מִשְׁפָּט,
עֹשֵׂה צְדָקָה בְּכָל עֵת.
٤ זָכְרֵנִי יְהוָה בִּרְצוֹן עַמֶּךָ,
פָּקְדֵנִי בִּישׁוּעָתֶךָ.
٥ לִרְאוֹת בְּטוּב בְּחִירֶיךָ,

כִּי־אֵין בַּמָּוֶת זִכְרֶךָ,
בִּשְׁאוֹל מִי יוֹדֶה לָךְ.
ו יָגַעְתִּי בְּאַנְחָתִי,
אַשְׂחֶה בְכָל־לַיְלָה מִטָּתִי,
בְּדִמְעָתִי עַרְשִׂי אַמְסֶה.
ז עָשְׁשָׁה מִכַּעַס עֵינִי,
עָתְקָה בְּכָל־צוֹרְרָי.
ח סוּרוּ מִמֶּנִּי כָּל־פֹּעֲלֵי אָוֶן,
כִּי שָׁמַע יְהוָה קוֹל בִּכְיִי.
ט שָׁמַע יְהוָה תְּחִנָּתִי,
יְהוָה תְּפִלָּתִי יִקָּח.
י יֵבֹשׁוּ וְיִבָּהֲלוּ מְאֹד כָּל־אֹיְבָי,
יָשֻׁבוּ יֵבֹשׁוּ רָגַע.

יא שִׁגָּיוֹן לְדָוִד אֲשֶׁר־שָׁר לַיהוָה עַל־דִּבְרֵי כּוּשִׁי בֶּן־יְמִינִי.
יְהוָה אֱלֹהַי בְּךָ חָסִיתִי,
הוֹשִׁיעֵנִי מִכָּל־רֹדְפַי וְהַצִּילֵנִי.
יב פֶּן־יִטְרֹף כְּאַרְיֵה נַפְשִׁי,
פֹּרֵק וְאֵין מַצִּיל.
יג יְהוָה אֱלֹהַי אִם־עָשִׂיתִי זֹאת,
אִם־יֶשׁ־עָוֶל בְּכַפָּי.
יד אִם־גָּמַלְתִּי שִׁלְמִי רָע,
וָאֲחַלְּצָה צוֹרְרִי רֵיקָם.
טו יִרְדֹּף אוֹיֵב נַפְשִׁי וְיַשֵּׂג,
וְיִרְמֹס לָאָרֶץ חַיָּתִי,
וְכָבוֹדִי לֶעָפָר יַשְׁכֵּן סֶלָה.
טז קוּמָה יְהוָה בְּאַפֶּךָ,
הִנָּשֵׂא בְּעֶבְרוֹת צוֹרְרָי,
וְעוּרָה אֵלַי מִשְׁפָּט צִוִּיתָ.

١٦ וַיְקַנְאוּ לְמֹשֶׁה בַּמַּחֲנֶה,
לְאַהֲרֹן קְדוֹשׁ יְהוָה.
١٧ תִּפְתַּח אֶרֶץ וַתִּבְלַע דָּתָן,
וְתָכֶס עַל עֲדַת אֲבִירָם.
١٨ וַתִּבְעַר אֵשׁ בַּעֲדָתָם,
לֶהָבָה תְּלַהֵט רְשָׁעִים.
١٩ יַעֲשׂוּ עֵגֶל בְּחֹרֵב,
וְיִשְׁתַּחֲווּ לְמַסֵּכָה.
٢٠ וַיָּמִירוּ אֶת כְּבוֹדָם
בְּתַבְנִית שׁוֹר אֹכֵל עֵשֶׂב.
٢١ שָׁכְחוּ אֵל מוֹשִׁיעָם,
עֹשֶׂה גְדֹלוֹת בְּמִצְרָיִם,
٢٢ נִפְלָאוֹת בְּאֶרֶץ חָם,
נוֹרָאוֹת עַל יַם סוּף.
٢٣ וַיֹּאמֶר לְהַשְׁמִידָם,
לוּלֵי מֹשֶׁה בְחִיר עָמַד בַּפֶּרֶץ לְפָנָיו,
לְהָשִׁיב חֲמָתוֹ מֵהַשְׁחִית.
٢٤ וַיִּמְאֲסוּ בְּאֶרֶץ חֶמְדָּה,
לֹא הֶאֱמִינוּ לִדְבָרוֹ.
٢٥ וַיֵּרָגְנוּ בְאָהֳלֵיהֶם,
לֹא שָׁמְעוּ בְּקוֹל יְהוָה.
٢٦ וַיִּשָּׂא יָדוֹ לָהֶם,
לְהַפִּיל אוֹתָם בַּמִּדְבָּר.

۲۷ و نسل‌های ایشان را در میان امت‌ها
و ایشان را در زمین‌ها پراکنده سازد.
۲۸ و به بعل فغور ملحق شدند،
و قربانی‌های مردگان را خوردند.
۲۹ و به اعمال خود خشم او را هیجان دادند،
و بلا بر ایشان شیوع یافت.
۳۰ آنگاه فینحاس برخاست و داوری کرد،
و بلا باز ایستاد.
۳۱ و این برای او به عدالت محسوب شد
از پشت تا ابد.
۳۲ و نیز او را نزد آبهای مریبه خشمگین ساختند،
و موسی به خاطر ایشان مبتلا شد،
۳۳ زیرا که روح او را تلخ ساختند،
و او به لبهای خود سخن ناشایست گفت.
۳۴ امت‌ها را هلاک نکردند،
چنانکه خداوند به ایشان امر فرموده بود.
۳۵ بلکه با امت‌ها آمیزش کردند،
و اعمال ایشان را آموختند.
۳۶ و بتهای ایشان را عبادت نمودند
که برای ایشان دامی شد.
۳۷ و پسران و دختران خود را برای دیوها قربانی کردند.
۳۸ و خون بیگناه، یعنی خون پسران و دختران خود را که
برای بتهای کنعان قربانی کردند ریختند،

وقتها دخل إلى الخيمة كل حين.
٣٩ وصاروا نجسين بأعمالهم،
وزنوا بأفعالهم.
٤٠ فحمي غضب الرب على شعبه،
وكره ميراثه.
٤١ وأسلمهم ليد الأمم،
فتسلط عليهم مبغضوهم.
٤٢ وضايقهم أعداؤهم،
وأذلوا تحت يدهم.
٤٣ مرارا كثيرة أنقذهم،
وهم بمشورتهم يتمردون،
ويتحطون بآثامهم.
٤٤ ونظر إلى ضيقهم،
حين سمع صراخهم.
٤٥ وذكر لأجلهم عهده،
وندم حسب كثرة رحمته.
٤٦ وجعلهم رحمة أمام جميع سابيهم.
٤٧ خلصنا يا رب إلهنا،
واجمعنا من بين الأمم،
لنحمد قدوسك،
ونفتخر بتسبيحك.
٤٨ مبارك الرب إله إسرائيل من الأزل إلى الأبد،

כִּי־שָׂבַע נַפְשׁ שִׁקֵּוָה,
וְנֶפֶשׁ רְעֵבָה מִלֵּא טוּב.
הַלְלוּיָהּ

הוֹדוּ לַיהוָה חַסְדּוֹ

תהלים ١٠٧-١٥٠

١٠٧ [١] הוֹדוּ לַיהוָה כִּי־טוֹב,
כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ.
[٢] יֹאמְרוּ גְּאוּלֵי יְהוָה,
אֲשֶׁר גְּאָלָם מִיַּד צָר,
[٣] וּמֵאֲרָצוֹת קִבְּצָם,
מִמִּזְרָח וּמִמַּעֲרָב,
מִצָּפוֹן וּמִיָּם.
[٤] תָּעוּ בַמִּדְבָּר בִּישִׁימוֹן דָּרֶךְ,
עִיר מוֹשָׁב לֹא מָצָאוּ.
[٥] רְעֵבִים גַּם צְמֵאִים,
נַפְשָׁם בָּהֶם תִּתְעַטָּף.
[٦] וַיִּצְעֲקוּ אֶל יְהוָה בַּצַּר לָהֶם,
מִמְּצוּקוֹתֵיהֶם יַצִּילֵם.
[٧] וַיַּדְרִיכֵם בְּדֶרֶךְ יְשָׁרָה,
לָלֶכֶת אֶל עִיר מוֹשָׁב.
[٨] יוֹדוּ לַיהוָה חַסְדּוֹ,

صحبه دهمُدهمه لحنتئل.
۹ هُحُت حد هُصحيد لَئل هُحبُءل،
صحبه دَل هُحبُءل لَئل لحُجِّل دَل حد.
۱۰ ءيتِل مه هُبه دَل هُحبُءل صحيحُ حيحُ لحُص هُحبُءل دهُمه،
هُصحِّل حلهُئل صحهِّل،
۱۱ هُحُت حجبه دَل هُحبُءل هُحُه هُحبُءل هُحُه هُحبُءل دَل هُحبُءل،
صحيحُ دَيئل مهصحيل لحُص.
۱۲ حبه أُهُل، مهحيئل هُل حجهه هُل يتمهل،
صحبُءل هُحبُءل دَل حبه هُحبُءل لحُص.
۱۳ هُحُت مهصحيل هُحبُءل دَل حبه جد حبه ئُل لحُص هُحبُءل دَل حبه ئُل يتمهل،
صحبه دَل هُحبُءل مهصحيل لحُص.
۱٤ هُحُت مهصحيل هُحبُءل دَل حبه جد حبه ئُل لحُص هُحبُءل دَل حبه ئُل يتمهل،
صحبه دَل هُحبُءل مهصحيل لحُص.
۱۵ حجبه هُحُت مهصحيل هُحبُءل دَل حبه جد حبه ئُل لحُص هُحبُءل دَل حبه ئُل يتمهل،
صحبه دَل هُحبُءل مهصحيل لحُص.
۱٦ هُحُت مهصحيل هُحبُءل دَل حبه جد حبه ئُل لحُص هُحبُءل دَل حبه ئُل يتمهل،
صحبه دَل هُحبُءل مهصحيل لحُص.
۱۷ هُحُت مهصحيل هُحبُءل دَل حبه جد حبه ئُل لحُص هُحبُءل دَل حبه ئُل يتمهل،
صحبه دَل هُحبُءل مهصحيل لحُص.
۱۸ هُحُت مهصحيل هُحبُءل دَل حبه جد حبه ئُل لحُص هُحبُءل دَل حبه ئُل يتمهل،
صحبه دَل هُحبُءل مهصحيل لحُص.
۱۹ هُحُت مهصحيل هُحبُءل دَل حبه جد حبه ئُل لحُص هُحبُءل دَل حبه ئُل يتمهل،
صحبه دَل هُحبُءل مهصحيل لحُص.

۲۰ او کلمه خود را فرستاده ایشان را شفا داد،
و ایشان را از گورهایشان رهانید.
۲۱ پس خداوند را بخاطر رحمتش شکر کنند،
و بخاطر کارهای عجیبش برای بنی آدم.
۲۲ و قربانی‌های شکرگزاری بگذرانند،
و اعمال او را با آواز شادی اعلام کنند.
۲۳ آنانی که با کشتی‌ها به دریا می‌روند،
و در آبهای بزرگ تجارت می‌کنند.
۲۴ اعمال خداوند را می‌بینند،
و کارهای عجیب او را در عمق دریا.
۲۵ زیرا که او سخن می‌گوید و طوفان برمی‌خیزد،
که امواج آن بلند می‌شود.
۲۶ به آسمان بالا می‌روند و به اعماق فرو می‌روند،
و جان ایشان از بلا گداخته می‌شود.
۲۷ تلوتلو می‌خورند و مانند مست می‌لغزند،
و تمام حکمت ایشان نابود می‌شود.
۲۸ آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برمی‌آورند،
و او ایشان را از تنگی‌هایشان بیرون می‌آورد.
۲۹ طوفان را ساکت می‌سازد،
و امواج دریا آرام می‌شود.
۳۰ پس شادی می‌کنند که آرام شده‌اند،
و او ایشان را به بندر مقصودشان می‌رساند.
۳۱ پس خداوند را بخاطر رحمتش شکر کنند،

ותחנונו׃ בסוד־ישרים ועדה׃
٣٢ ויזבחו זבחי תודה,
ובמושב זקנים יהללוהו׃
٣٣ ישם נהרות למדבר,
ומבועי מים לארץ־צמאון׃
٣٤ ארץ פרי למלחת רעת,
מרוע יושבי בה׃
٣٥ ישם מדבר לאגם־מים,
וארץ ציה למבועי מים׃
٣٦ ויושב שם רעבים,
ויכוננו עיר מושב׃
٣٧ וישדו שדות וישתלו כרמים,
ויעשו פרי תבואת׃
٣٨ ויברכם וירבו מאד,
ובהמתם לא ימעיט׃
٣٩ ויתמעטו וישחו מעצר רעה
ויגון׃
٤٠ שופך בוז על נדיבים,
ויתעם בתהו לא דרך׃
٤١ וישגב אביון משוני משפחות,
וישת כצאן אהלים׃
٤٢ יראו ישרים וישמחו,
וכל עולה קפצה פיה׃

۴۳ کون عقلمند ہے؟ وہ ان باتوں پر غور کرے،
تاکہ وہ رحیم خداوند کی محبت کو سمجھ لے۔

مزمور ۱۰۸۔ داؤد کا گیت۔

۱ اے خدا، میرا دل مضبوط ہے،
۱۰۸ میں گیت گاؤں گا اور ساز بجاؤں گا۔
۲ اے بربط اور رباب جاگ اٹھو!
میں صبح کو جگاؤں گا۔
۳ اے خداوند، میں قوموں کے درمیان تیری حمد کروں گا،
میں قبیلوں کے درمیان تیرے گیت گاؤں گا۔
۴ کیونکہ تیری محبت آسمان سے بھی بلند ہے،
تیری سچائی بادلوں تک پہنچتی ہے۔
۵ اے خدا، تو آسمان سے بھی بلند ہو جا،
تیرا جلال تمام دنیا پر چھا جائے۔
۶ تاکہ تیرے پیارے بچائے جائیں،
اپنے داہنے ہاتھ سے ہمیں بچا لے اور ہمارا جواب دے۔
۷ خدا نے اپنے مقدس مقام سے فرمایا ہے: "میں خوشی سے
شکیم کو تقسیم کروں گا اور سکوت کی وادی کو ناپ کر بانٹ دوں گا۔
۸ جلعاد میرا ہے، منسی بھی میرا ہے،
افرائیم میرے سر کا خود ہے،
یہوداہ میرا عصا ہے۔
۹ موآب میرا لگن ہے،
میں اپنا جوتا ادوم پر پھینکوں گا،

جلال خدا بر تمامی زمین باد.“
۱۰ کیست که مرا به شهر حصاردار برساند؟
کیست که مرا به ادوم رهبری کند؟
۱۱ ای خدا، آیا تو نیستی که ما را رد کردی؟
تو نیستی که با لشکرهای ما دیگر به جنگ نمی‌روی؟
۱۲ ما را در برابر دشمن یاری کن،
زیرا کمک انسان بی‌فایده است.
۱۳ با خدا پیروز خواهیم شد،
و او دشمنان ما را پایمال خواهد کرد.

برای سردسته. مزمور داود.

۱۰۹ ۱ ای خدایی که مورد ستایش من هستی، سکوت نکن!
۲ زیرا مردم شریر و فریبکار به ضد من دهان باز کرده‌اند
و به زبان دروغ با من سخن می‌گویند.
۳ آنها با سخنان نفرت‌انگیز مرا احاطه کرده‌اند
و بدون هیچ دلیلی به من حمله می‌کنند.
۴ با وجود اینکه من آنها را دوست دارم،
آنها با من دشمنی می‌کنند.
۵ آنها در برابر خوبی‌های من بدی می‌کنند
و در مقابل محبت من نفرت نشان می‌دهند.
۶ یکی از آنها را بر ضد او برگمار،
و بگذار شخصی در سمت راست او بایستد و او را متهم کند.
۷ وقتی که به محاکمه می‌رود، او را مجرم بشناس،

ולשונם דבר תרמית.
דבר שלום את רעהו בפיו ושלום יקרא ואורב שם ישים מארבו.
הלא על אלה לא אפקד נאם יהוה אם בגוי אשר כזה לא תתנקם נפשי.
על ההרים אשא בכי ונהי ועל נאות מדבר קינה כי נצתו מבלי עובר ולא שמעו קול מקנה מעוף השמים ועד בהמה נדדו הלכו.
ונתתי את ירושלים לגלים מעון תנים ואת ערי יהודה אתן שממה מבלי יושב.
מי האיש החכם ויבן את זאת ואשר דבר פי יהוה אליו ויגדה על מה אבדה הארץ נצתה כמדבר מבלי עובר.
ויאמר יהוה על עזבם את תורתי אשר נתתי לפניהם ולא שמעו בקולי ולא הלכו בה.
וילכו אחרי שרירות לבם ואחרי הבעלים אשר למדום אבותם.
לכן כה אמר יהוה צבאות אלהי ישראל הנני מאכיל את העם הזה לענה והשקיתים מי ראש.
והפיצותים בגוים אשר לא ידעום המה ואבותם ושלחתי אחריהם את החרב עד כלותי אתם.
כה אמר יהוה צבאות התבוננו וקראו למקוננות ותבואנה ואל החכמות שלחו ותבואנה.
ותמהרנה ותשאנה עלינו נהי ותרדנה עינינו דמעה ועפעפינו יזלו מים.
כי קול נהי נשמע מציון איך שדדנו בשנו מאד כי עזבנו ארץ כי השליכו משכנתינו.
כי שמענה נשים דבר יהוה ותקח אזנכם דבר פיו ולמדנה בנותיכם נהי ואשה רעותה קינה.
כי עלה מות בחלונינו בא בארמנותינו להכרית עולל מחוץ בחורים מרחבות.
דבר כה נאם יהוה ונפלה נבלת האדם כדמן על פני השדה וכעמיר מאחרי הקוצר ואין מאסף.

۱۸ و لعنت را مثل لباس خود پوشید،
پس مثل آب به درونش،
و مثل روغن به استخوانهایش فرو رفت.
۱۹ باشد که مثل ردایی او را بپوشاند،
و مثل کمربندی همیشه به کمرش ببندد.
۲۰ این است پاداش دشمنانم از جانب خداوند،
آنانی که بر جانم سخن بد می‌گویند.
۲۱ اما تو، ای خداوند یهوه، به خاطر نامت با من رفتار کن،
زیرا محبت تو نیکوست، مرا رها کن.
۲۲ زیرا من فقیر و نیازمند هستم،
و دلم در درونم مجروح است.
۲۳ مانند سایه‌ای که رو به زوال است از بین می‌روم،
مانند ملخ تکانده می‌شوم.
۲۴ زانوهایم از روزه‌داری سست شده،
و بدنم لاغر و استخوانی شده است.
۲۵ من برای آنان مایهٔ ننگ شده‌ام،
وقتی مرا می‌بینند سر تکان می‌دهند.
۲۶ ای خداوند، خدای من، مرا یاری کن،
مطابق محبت خود مرا نجات بده.
۲۷ تا بدانند که این از دست تو است،
و تو، ای خداوند، آن را انجام داده‌ای.
۲۸ آنان لعنت کنند، اما تو برکت بده،
وقتی حمله کنند، شرمسار شوند،
اما بندهٔ تو شادی کند.

[٢٩] יַלְבְּשׁוּ שׂוֹטְמַי כְּלִמָּה,
וְיַעְטְפוּ כַמְעִיל בָּשְׁתָּם.
[٣٠] אוֹדֶה יְהוָה מְאֹד בְּפִי,
וּבְתוֹךְ רַבִּים אֲהַלְלֶנּוּ.
[٣١] כִּי יַעֲמֹד לִימִין אֶבְיוֹן,
לְהוֹשִׁיעַ מִשֹּׁפְטֵי נַפְשׁוֹ.

תהלים קי

[١] לְדָוִד מִזְמוֹר.
נְאֻם יְהוָה לַאדֹנִי שֵׁב לִימִינִי,
עַד אָשִׁית אוֹיְבֶיךָ הֲדֹם לְרַגְלֶיךָ.
[٢] מַטֵּה עֻזְּךָ יִשְׁלַח יְהוָה מִצִּיּוֹן,
רְדֵה בְּקֶרֶב אוֹיְבֶיךָ.
[٣] עַמְּךָ נְדָבֹת בְּיוֹם חֵילֶךָ בְּהַדְרֵי קֹדֶשׁ,
מֵרֶחֶם מִשְׁחַר לְךָ טַל יַלְדֻתֶיךָ.
[٤] נִשְׁבַּע יְהוָה וְלֹא יִנָּחֵם:
"אַתָּה כֹהֵן לְעוֹלָם
עַל דִּבְרָתִי מַלְכִּי צֶדֶק."
[٥] אֲדֹנָי עַל יְמִינְךָ,
מָחַץ בְּיוֹם אַפּוֹ מְלָכִים.
[٦] יָדִין בַּגּוֹיִם,
מָלֵא גְוִיּוֹת,
מָחַץ רֹאשׁ עַל אֶרֶץ רַבָּה.

۷ بر نهر در راه خواهد نوشید،
از این رو سر خود را برافراشته خواهد نگاه داشت.

مزمور ۱۱۱

۱ خداوند را حمد گویید!
من خداوند را از تمامی دل شکر خواهم گفت،
در مجلس راستان و در جماعت.
۲ اعمال خداوند عظیم است،
و همه کسانی که از آنها لذت می‌برند در آنها تفکر می‌کنند.
۳ کار او پر از جلال و شکوه است،
و عدالت او تا ابد پایدار است.
۴ او عجایب خود را به یاد ماندنی ساخته است،
زیرا خداوند رحیم و مهربان است.
۵ او به ترسندگان خود غذا می‌دهد،
و همیشه عهد خود را به یاد دارد.
۶ قدرت اعمال خود را به قوم خود نشان داده،
و میراث امت‌ها را به ایشان بخشیده است.
۷ اعمال دست او امانت و عدالت است،
و همه فرامین او قابل اعتماد است.
۸ فرامین او تا ابد پایدار است،
و با راستی و درستی صادر شده‌اند.
۹ او قوم خود را رهانیده است،
و عهد خود را تا ابد برقرار ساخته است.
نام او مقدس و هیبت‌انگیز است.

١٠ יִרְאֶה רָשָׁע וְכָעָס, שִׁנָּיו יַחֲרֹק וְנָמָס;
תַּאֲוַת רְשָׁעִים תֹּאבֵד.

הַלְלוּיָהּ.

١١٢ ١ הַלְלוּיָהּ אַשְׁרֵי אִישׁ יָרֵא אֶת יְהוָה,
בְּמִצְוֹתָיו חָפֵץ מְאֹד.
٢ גִּבּוֹר בָּאָרֶץ יִהְיֶה זַרְעוֹ, דּוֹר יְשָׁרִים יְבֹרָךְ.
٣ הוֹן וָעֹשֶׁר בְּבֵיתוֹ, וְצִדְקָתוֹ עֹמֶדֶת לָעַד.
٤ זָרַח בַּחֹשֶׁךְ אוֹר לַיְשָׁרִים, חַנּוּן וְרַחוּם וְצַדִּיק.
٥ טוֹב אִישׁ חוֹנֵן וּמַלְוֶה, יְכַלְכֵּל דְּבָרָיו בְּמִשְׁפָּט.
٦ כִּי לְעוֹלָם לֹא יִמּוֹט, לְזִכָּרוֹן עוֹלָם יִהְיֶה צַדִּיק.
٧ מִשְּׁמוּעָה רָעָה לֹא יִירָא, נָכוֹן לִבּוֹ בָּטוּחַ בַּיהוָה.
٨ סָמוּךְ לִבּוֹ לֹא יִירָא עַד אֲשֶׁר יִרְאֶה בְּצָרָיו.
٩ פִּזַּר נָתַן לָאֶבְיוֹנִים, צִדְקָתוֹ עֹמֶדֶת לָעַד,
קַרְנוֹ תָּרוּם בְּכָבוֹד.

הַבּוֹטֵחַ בַּיהוָה.
١٠ רְשָׁעִים יִרְאֶה וְיִכְעָס,
שִׁנָּיו יַחֲרֹק וְנָמָס;
תַּאֲוַת רְשָׁעִים תֹּאבֵד.

הַלְלוּיָהּ.

١١٣ ١ הַלְלוּיָהּ, הַלְלוּ עַבְדֵי יְהוָה,
הַלְלוּ אֶת שֵׁם יְהוָה.
٢ יְהִי שֵׁם יְהוָה מְבֹרָךְ,
מֵעַתָּה וְעַד עוֹלָם.
٣ מִמִּזְרַח שֶׁמֶשׁ עַד מְבוֹאוֹ,
מְהֻלָּל שֵׁם יְהוָה.
٤ רָם עַל כָּל גּוֹיִם יְהוָה,
עַל הַשָּׁמַיִם כְּבוֹדוֹ.
٥ מִי כַּיהוָה אֱלֹהֵינוּ,
הַמַּגְבִּיהִי לָשָׁבֶת,
٦ הַמַּשְׁפִּילִי לִרְאוֹת
בַּשָּׁמַיִם וּבָאָרֶץ?
٧ מְקִימִי מֵעָפָר דָּל,
מֵאַשְׁפֹּת יָרִים אֶבְיוֹן,
٨ לְהוֹשִׁיבִי עִם נְדִיבִים,
עִם נְדִיבֵי עַמּוֹ.
٩ מוֹשִׁיבִי עֲקֶרֶת הַבַּיִת,

.וְיִהְיוּ לְמַטְמוֹנוֹת. וְקִבַּצְתָּ אֶת־עֲפָרָם עַל־גָּלִּים

١١٤ [١] בְּצֵאת יִשְׂרָאֵל מִמִּצְרָיִם,
בֵּית יַעֲקֹב מֵעַם לֹעֵז,
[٢] הָיְתָה יְהוּדָה לְקָדְשׁוֹ,
יִשְׂרָאֵל מַמְשְׁלוֹתָיו.
[٣] הַיָּם רָאָה וַיָּנֹס,
הַיַּרְדֵּן יִסֹּב לְאָחוֹר.
[٤] הֶהָרִים רָקְדוּ כְאֵילִים,
גְּבָעוֹת כִּבְנֵי צֹאן.
[٥] מַה־לְּךָ הַיָּם כִּי תָנוּס,
הַיַּרְדֵּן תִּסֹּב לְאָחוֹר,
[٦] הֶהָרִים תִּרְקְדוּ כְאֵילִים,
גְּבָעוֹת כִּבְנֵי צֹאן?
[٧] מִלִּפְנֵי אָדוֹן חוּלִי הָאָרֶץ,
מִלִּפְנֵי אֱלוֹהַּ יַעֲקֹב,
[٨] הַהֹפְכִי הַצּוּר אֲגַם־מָיִם,
חַלָּמִישׁ לְמַעְיְנוֹ־מָיִם.

١١٥ [١] לֹא לָנוּ יְהוָה לֹא לָנוּ,
כִּי לְשִׁמְךָ תֵּן כָּבוֹד,
עַל־חַסְדְּךָ עַל־אֲמִתֶּךָ.
[٢] לָמָּה יֹאמְרוּ הַגּוֹיִם:
"אַיֵּה נָא אֱלֹהֵיהֶם?"
[٣] וֵאלֹהֵינוּ בַּשָּׁמָיִם,

حلك دثعفا لا ى كيجا.
٤ ڑبفثعا هلفا ىعتتبا ٥ثجا مئا،
فهشئا دبجئڑا دڑئثا.
٥ فهفا ١ها ىعا ١بئا لا ى، ١ضلا ها ١هفا ثهيمبا،
بتيا ها ١بئا لا ى، ١ضلا ها ١ها ثهب.
٦ ڑئبڑا ها ١بئا لا ى، ١ضلا ها ١ثمبا،
ئسبڑا ها ١ضلا ها ١بئا لا ى، ١ثمبا بلك ڑسئ.
٧ ١بجڑا ها ١بئا لا ى، ١ضلا ها ١ذجبا،
ڑمئا ها ١ضلا ها ١بئا لا ى، ١ثجذبا،
لا فلك ثثلثحثفا ثئا ها ١ضلا ها ١بئا لا ى.
٨ ١بك دبئا ها ١ضلا ها ١بئا لا ى، ١ضلا ها ١ئبڑئتبا،
ثحلك دهيذ ١بئا ها ١ضلا ها.
٩ ئا ١بهڑئبلك، ثحثذا حهثذئا،
ثهبڑفا ١ضلا ها ١ضلا ها ثهفئثا ها ١ضلا ها.
١٠ ئا ١ها ڑمئا ١ضلا ها ١ضلا ها، حهثذئا،
ثهبڑفا ١ضلا ها ١ضلا ها ثهفئثا ها ١ضلا ها.
١١ ئا ١دبتيا دهثذئا ١ضلا ها ١ضلا ها، حهثذئا،
ثهبڑفا ١ضلا ها ١ضلا ها ثهفئثا ها ١ضلا ها.
١٢ ثهذئا ثم ثجيڑ؛ ها ثجڑ،
ها ثجڑ ثحيا ١بهڑئبلك،
ها ثجڑ ثحيا ١ضلا ها ١ذجبا.
١٣ ها ثجڑ ١دبتيا دهثذئا،
١ڑئحا ثبم ١ڑئحا،

١٤ יהוה עליכם יוסיף,
עליכם ועל בניכם.
١٥ ברוכים אתם ליהוה,
עושה שמים וארץ.
١٦ השמים, שמים ליהוה,
והארץ נתן לבני אדם.
١٧ לא המתים יהללו יה,
ולא כל יורדי דומה.
١٨ ואנחנו נברך יה מעתה ועד עולם,
הללויה. אהבתי כי ישמע יהוה

١١٦

١ את קולי תחנוני כי יט אזנו לי
ובימי אקרא.
٢ אפפוני חבלי מות,
ומצרי שאול מצאוני.
٣ צרה ויגון אמצא,
ובשם יהוה אקרא.
٤ אנה יהוה מלטה נפשי:
"חנון יהוה וצדיק,
٥ ואלהינו מרחם.
٦ שמר פתאים יהוה,
דלותי ולי יהושיע.

[7] הוֹדִי, יְהוָה, כְּצִדְקִי;
וְכִתֻּמִּי עָלָי.
[8] יִגְמֹר נָא רַע רְשָׁעִים, וְתָכוֹן צַדִּיק;
וּבֹחֵן לִבּוֹת וּכְלָיוֹת, אֱלֹהִים צַדִּיק.
[9] מָגִנִּי עַל אֱלֹהִים,
מוֹשִׁיעַ יִשְׁרֵי לֵב.
[10] אֱלֹהִים שֹׁפֵט צַדִּיק;
וְאֵל זֹעֵם בְּכָל יוֹם.
[11] אִם לֹא יָשׁוּב חַרְבּוֹ יִלָּטוֹשׁ;
דָּרְכּוֹ דָרַךְ וַיְכוֹנְנֶהָ.
[12] וְלוֹ הֵכִין כְּלֵי מָוֶת;
חִצָּיו לְדֹלְקִים יִפְעָל.
[13] הִנֵּה יָחֵל לְהַלֵּד אָוֶן,
וְהָרָה עָמָל וְיָלַד שָׁקֶר.
[14] בּוֹר כָּרָה וַיְחַפְּרֵהוּ,
וַיִּפֹּל בְּשַׁחַת יָפָעַל.
[15] יָשׁוּב עֲמָלוֹ בְרֹאשׁוֹ,
וְעַל קָדְקֳדוֹ חֲמָסוֹ יֵרֵד.
[16] אוֹדֶה יְהוָה כְּצִדְקוֹ,
וַאֲזַמְּרָה שֵׁם יְהוָה עֶלְיוֹן.
[17] יְהוָה הַכְּבִיר וְהַכְּבִיד לִי,

ירושלים. הללו-יה׃
[١٨] נדרי ליהוה אשלם נגדה-נא כל-עמו׃
יקרה בעיני יהוה המותה לחסידיו׃
[١٩] אנה יהוה כי-עבדך אני עבד-אמתך,
פתחת למוסרי׃ אזבח-זבח תודה ובשם יהוה אקרא׃
[١] נדרי ליהוה אשלם נגדה-נא כל-עמו׃
בחצרות בית יהוה בתוכך ירושלים. הללו-יה׃

١١٧

[١] הללו את-יהוה כל-גוים שבחוהו כל-האמים׃
[٢] כי גבר עלינו חסדו ואמת-יהוה לעולם. הללו-יה׃

١١٨

[١] הודו ליהוה כי-טוב כי לעולם חסדו׃
[٢] יאמר-נא ישראל כי לעולם חסדו׃
[٣] יאמרו-נא בית אהרן כי לעולם חסדו׃
[٤] יאמרו-נא יראי יהוה כי לעולם חסדו׃
[٥] מן-המצר קראתי יה ענני במרחב יה׃
[٦] יהוה לי לא אירא מה-יעשה לי אדם׃
[٧] יהוה לי בעזרי ואני אראה בשנאי׃

[8] טוֹב חָסוֹת בַּיהוָה,
מִבְּטְחַ בָּאָדָם.
[9] טוֹב חָסוֹת בַּיהוָה,
מִבְּטְחַ בִּנְדִיבִים.
[10] כָּל גּוֹיִם סְבָבוּנִי,
בְּשֵׁם יְהוָה כִּי אֲמִילַם.
[11] סַבּוּנִי גַם סְבָבוּנִי,
בְּשֵׁם יְהוָה כִּי אֲמִילַם.
[12] סַבּוּנִי כִּדְבֹרִים דֹּעֲכֵי אֵשׁ,
בְּשֵׁם יְהוָה כִּי אֲמִילַם.
[13] דָּחֹה דְּחִיתַנִי לִנְפֹּל,
וַיהוָה עֲזָרָנִי.
[14] עָזִּי וְזִמְרָת יָהּ,
וַיְהִי לִישׁוּעָה.
[15] קוֹל רִנָּה וִישׁוּעָה בְּאָהֳלֵי צַדִּיקִים,
יְמִין יְהוָה עֹשָׂה חָיִל,
[16] יְמִין יְהוָה רוֹמֵמָה,
יְמִין יְהוָה עֹשָׂה חָיִל.
[17] לֹא אָמוּת כִּי אֶחְיֶה,
וַאֲסַפֵּר מַעֲשֵׂי יָהּ.
[18] יַסֹּר יִסְּרַנִּי יָהּ,
וְלַמָּוֶת לֹא נְתָנָנִי.

۱۹ دروازه‌های عدالت را برایم باز کنید،
تا داخل شوم و خداوند را شکر کنم.
۲۰ این دروازه‌ای است که به خداوند منتهی می‌شود،
و عادلان از آن داخل می‌شوند.
۲۱ ای خدا، تو را شکر می‌کنم زیرا که دعایم را مستجاب کردی
و نجات‌دهنده من شدی.
۲۲ سنگی که معماران آن را رد کردند
حال سنگ اصلی زاویه شده است.
۲۳ این کار از جانب خداوند است
و در نظر ما شگفت‌انگیز.
۲۴ این روزی است که خداوند ساخته است،
پس در آن شاد و مسرور باشیم.
۲۵ ای خداوند، نجات بده!
ای خداوند، به ما کامیابی عطا فرما!
۲۶ مبارک است او که به نام خداوند می‌آید.
ما از خانه خداوند شما را برکت می‌دهیم.
۲۷ خداوند خدا است و نور خود را بر ما تابانیده است.
با شاخه‌های درخت قربانگاه را تا شاخ‌های آن آذین کنید.
۲۸ تو خدای من هستی و تو را شکر می‌کنم،
تو خدای من هستی و تو را تمجید می‌نمایم.
۲۹ خداوند را شکر کنید زیرا که او نیکو است،
و محبت او جاودانی است.

ב

١١٩

١ אשרי תמימי דרך,
ההלכים בתורת יהוה.
٢ אשרי נצרי עדתיו,
בכל לב ידרשוהו.
٣ אף לא פעלו עולה,
בדרכיו הלכו.
٤ אתה צויתה פקודיך,
לשמור מאד.
٥ אחלי יכנו דרכי,
לשמר חקיך.
٦ אז לא אבוש,
בהביטי אל כל מצותיך.
٧ אודך בישר לבב,
בלמדי משפטי צדקך.
٨ את חקיך אשמר,
אל תעזבני עד מאד.

ד

٩ במה יזכה נער את ארחו?
בשמר כדברך.
١٠ בכל לבי דרשתיך,
אל תשגני ממצותיך.
١١ בלבבי צפנתי אמרתך,
למען לא אחטא לך.

تو مبارک هستی، ای خداوند؛
مرا فرایض خود بیاموز.
۱۲ با لبهای خود
تمامی داوریهای دهان تو را اعلام کردم.
۱۳ در طریق شهادات تو شادی کردم
مثل کسی که بر تمامی دولت مسرور است.
۱۴ در وصایای تو تفکر خواهم نمود،
و بر طریقهای تو نظر خواهم کرد.
۱۵ در فرایض تو متلذذ خواهم بود،
و کلام تو را فراموش نخواهم کرد.
۱۶ با بندگانت احسان نما تا زنده بمانم،
و شریعت تو را نگاه خواهم داشت.
ح
۱۷ بر بندهٔ خود انعام فرما تا زنده بمانم،
و کلام تو را نگاه خواهم داشت.
۱۸ چشمان مرا باز کن تا
عجایب شریعت تو را ببینم.
۱۹ من در زمین غریب هستم،
احکام خود را از من مخفی مدار.
۲۰ جان من از اشتیاق
احکام تو همیشه شکسته است.
۲۱ متکبران، لعنت شدگان خود را توبیخ نمودی،
که از احکام تو گمراه میشوند.
۲۲ ننگ و اهانت را از من دور کن،

حتی جانم از خاک خاک می‌چسبد؛
مرا مطابق کلامت زنده بگردان.
۲۳ راه‌های خود را برایت بیان کردم،
و تو مرا اجابت فرمودی؛
فرایض خود را به من بیاموز.
۲۴ بگذار تا درک احکامت را بفهمم،
و من در عجایب تو تفکر خواهم کرد.
۲۵ جانم از غم و اندوه گداخته می‌شود؛
مرا مطابق کلامت استوار بگردان.
۲۶ راه‌های خود را برایت بیان کردم و تو مرا اجابت فرمودی؛
فرایض خود را به من بیاموز.
۲۷ بگذار تا راه امرهایت را بفهمم،
و در عجایب تو تفکر خواهم کرد.
۲۸ جانم از غم و اندوه گداخته می‌شود؛
مرا مطابق کلامت استوار بگردان.
۲۹ راه دروغ را از من دور بگردان،
و شریعت خود را به من عطا فرما.
۳۰ راه امانت را برگزیده‌ام،
و احکام تو را پیش روی خود نهاده‌ام.
۳۱ به احکامت چسبیده‌ام؛
ای خداوند، مرا خجالت‌زده مگردان.
۳۲ راه فرامین تو را خواهم دوید،
زیرا که دل مرا گشاده می‌سازی.

ס
٣٣ הוֹרֵנִי יְהוָה דֶּרֶךְ חֻקֶּיךָ,
וְאֶצְּרֶנָּה עֵקֶב.
٣٤ הֲבִינֵנִי וְאֶצְּרָה תּוֹרָתֶךָ,
וְאֶשְׁמְרֶנָּה בְכָל לֵב.
٣٥ הַדְרִיכֵנִי בִּנְתִיב מִצְוֹתֶיךָ,
כִּי בוֹ חָפָצְתִּי.
٣٦ הַט לִבִּי אֶל עֵדְוֹתֶיךָ,
וְאַל אֶל בָּצַע.
٣٧ הַעֲבֵר עֵינַי מֵרְאוֹת שָׁוְא,
בִּדְרָכֶךָ חַיֵּנִי.
٣٨ הָקֵם לְעַבְדְּךָ אִמְרָתֶךָ,
אֲשֶׁר לְיִרְאָתֶךָ.
٣٩ הַעֲבֵר חֶרְפָּתִי אֲשֶׁר יָגֹרְתִּי,
כִּי מִשְׁפָּטֶיךָ טוֹבִים.
٤٠ הִנֵּה, תָּאַבְתִּי לְפִקֻּדֶיךָ,
בְּצִדְקָתְךָ חַיֵּנִי.
ו
٤١ וְיָבֹאוּנִי חֲסָדֶךָ יְהוָה,
תְּשׁוּעָתְךָ כְּאִמְרָתֶךָ.
٤٢ וְאֶעֱנֶה חוֹרְפִי דָבָר,
כִּי בָטַחְתִּי בִּדְבָרֶךָ.
٤٣ וְאַל תַּצֵּל מִפִּי דְבַר אֱמֶת עַד מְאֹד,
כִּי לְמִשְׁפָּטְךָ יִחָלְתִּי.

וְאֶשְׁמְרָה תּוֹרָתְךָ תָּמִיד,
לְעוֹלָם וָעֶד.
וְאֶתְהַלְּכָה בָּרְחָבָה, כִּי פִקּוּדֶיךָ דָרָשְׁתִּי.
וַאֲדַבְּרָה בְעֵדוֹתֶיךָ נֶגֶד מְלָכִים, וְלֹא אֵבוֹשׁ.
וְאֶשְׁתַּעֲשַׁע בְּמִצְוֹתֶיךָ אֲשֶׁר אָהָבְתִּי.
וְאֶשָּׂא כַפַּי אֶל מִצְוֹתֶיךָ אֲשֶׁר אָהָבְתִּי, וְאָשִׂיחָה בְּחֻקֶּיךָ.

זכור

זְכֹר דָּבָר לְעַבְדֶּךָ, עַל אֲשֶׁר יִחַלְתָּנִי.
זֹאת נֶחָמָתִי בְעָנְיִי, כִּי אִמְרָתְךָ חִיָּתְנִי.
זֵדִים הֱלִיצֻנִי עַד מְאֹד, מִתּוֹרָתְךָ לֹא נָטִיתִי.
זָכַרְתִּי מִשְׁפָּטֶיךָ מֵעוֹלָם יְהוָה, וָאֶתְנֶחָם.
זַלְעָפָה אֲחָזַתְנִי מֵרְשָׁעִים עֹזְבֵי תּוֹרָתֶךָ.
זְמִרוֹת הָיוּ לִי חֻקֶּיךָ, בְּבֵית מְגוּרָי.
זָכַרְתִּי בַלַּיְלָה שִׁמְךָ יְהוָה, וָאֶשְׁמְרָה תּוֹרָתֶךָ.
זֹאת הָיְתָה לִּי, כִּי פִקֻּדֶיךָ נָצָרְתִּי.

חלק

חֶלְקִי יְהוָה אָמַרְתִּי לִשְׁמֹר דְּבָרֶיךָ.
חִלִּיתִי פָנֶיךָ בְכָל לֵב, חָנֵּנִי כְּאִמְרָתֶךָ.
חִשַּׁבְתִּי דְרָכָי, וָאָשִׁיבָה רַגְלַי אֶל עֵדוֹתֶיךָ.
חַשְׁתִּי וְלֹא הִתְמַהְמָהְתִּי, לִשְׁמֹר מִצְוֹתֶיךָ.
חֶבְלֵי רְשָׁעִים עִוְּדוּנִי, תּוֹרָתְךָ לֹא שָׁכָחְתִּי.
חֲצוֹת לַיְלָה אָקוּם לְהוֹדוֹת לָךְ, עַל מִשְׁפְּטֵי צִדְקֶךָ.
חָבֵר אָנִי לְכָל אֲשֶׁר יְרֵאוּךָ, וּלְשֹׁמְרֵי פִקּוּדֶיךָ.
חַסְדְּךָ יְהוָה מָלְאָה הָאָרֶץ, חֻקֶּיךָ לַמְּדֵנִי.

טוב

טוֹב עָשִׂיתָ עִם עַבְדְּךָ, יְהוָה כִּדְבָרֶךָ.
טוּב טַעַם וָדַעַת לַמְּדֵנִי, כִּי בְמִצְוֹתֶיךָ הֶאֱמָנְתִּי.
טֶרֶם אֶעֱנֶה אֲנִי שֹׁגֵג, וְעַתָּה אִמְרָתְךָ שָׁמָרְתִּי.
טוֹב אַתָּה וּמֵטִיב, חֻקֶּיךָ לַמְּדֵנִי.
טָפְלוּ עָלַי שֶׁקֶר זֵדִים, אֲנִי בְכָל לֵב אֶצֹּר פִּקּוּדֶיךָ.
טָפַשׁ כַּחֵלֶב לִבָּם, אֲנִי תּוֹרָתְךָ שִׁעֲשָׁעְתִּי.
טוֹב לִי כִּי עֻנֵּיתָ לְמַעַן אֶלְמַד חֻקֶּיךָ.
טוֹב תּוֹרַת פִּיךָ לִי, מֵאַלְפֵי זָהָב וָכָסֶף.

יד

יָדֶיךָ עָשׂוּנִי וַיְכוֹנְנוּנִי, הֲבִינֵנִי וְאֶלְמְדָה מִצְוֹתֶיךָ.
יְרֵאֶיךָ יִרְאוּנִי וְיִשְׂמָחוּ, כִּי לִדְבָרְךָ יִחָלְתִּי.
יָדַעְתִּי יְהוָה כִּי צֶדֶק מִשְׁפָּטֶיךָ, וֶאֱמוּנָה עִנִּיתָנִי.
יְהִי נָא חַסְדְּךָ לְנַחֲמֵנִי, כְּאִמְרָתְךָ לְעַבְדֶּךָ.
יְבוֹאוּנִי רַחֲמֶיךָ וְאֶחְיֶה, כִּי תוֹרָתְךָ שַׁעֲשֻׁעָי.
יֵבֹשׁוּ זֵדִים כִּי שֶׁקֶר עִוְּתוּנִי, אֲנִי אָשִׂיחַ בְּפִקּוּדֶיךָ.
יָשׁוּבוּ לִי יְרֵאֶיךָ וְיֹדְעֵי עֵדוֹתֶיךָ.
יְהִי לִבִּי תָמִים בְּחֻקֶּיךָ, לְמַעַן לֹא אֵבוֹשׁ.

כלה

כָּלְתָה לִתְשׁוּעָתְךָ נַפְשִׁי, לִדְבָרְךָ יִחָלְתִּי.
כָּלוּ עֵינַי לְאִמְרָתֶךָ, לֵאמֹר מָתַי תְּנַחֲמֵנִי.
כִּי הָיִיתִי כְנֹאד בְּקִיטוֹר, חֻקֶּיךָ לֹא שָׁכָחְתִּי.
כַּמָּה יְמֵי עַבְדֶּךָ, מָתַי תַּעֲשֶׂה בְרֹדְפַי מִשְׁפָּט.
כָּרוּ לִי זֵדִים שִׁיחוֹת, אֲשֶׁר לֹא כְתוֹרָתֶךָ.
כָּל מִצְוֹתֶיךָ אֱמוּנָה, שֶׁקֶר רְדָפוּנִי עָזְרֵנִי.
כִּמְעַט כִּלּוּנִי בָאָרֶץ, וַאֲנִי לֹא עָזַבְתִּי פִקּוּדֶיךָ.
כְּחַסְדְּךָ חָיֵנִי, וְאֶשְׁמְרָה עֵדוּת פִּיךָ.

ל

כִּי־בְחֻקֹּתֶיךָ חָפָצְתִּי.

٥٥ זָכַרְתִּי בַלַּיְלָה שִׁמְךָ יְהוָה,
וָאֶשְׁמְרָה תּוֹרָתֶךָ.

٥٦ זֹאת הָיְתָה־לִּי כִּי פִקֻּדֶיךָ נָצָרְתִּי.

ח

٥٧ חֶלְקִי יְהוָה אָמַרְתִּי,
לִשְׁמֹר דְּבָרֶיךָ.

٥٨ חִלִּיתִי פָנֶיךָ בְכָל־לֵב,
חָנֵּנִי כְּאִמְרָתֶךָ.

٥٩ חִשַּׁבְתִּי דְרָכָי,
וָאָשִׁיבָה רַגְלַי אֶל־עֵדֹתֶיךָ.

٦٠ חַשְׁתִּי וְלֹא הִתְמַהְמָהְתִּי,
לִשְׁמֹר מִצְוֹתֶיךָ.

٦١ חֶבְלֵי רְשָׁעִים עִוְּדוּנִי,
תּוֹרָתְךָ לֹא שָׁכָחְתִּי.

٦٢ חֲצוֹת לַיְלָה אָקוּם לְהוֹדוֹת לָךְ
עַל מִשְׁפְּטֵי צִדְקֶךָ.

٦٣ חָבֵר אֲנִי לְכָל־אֲשֶׁר יְרֵאוּךָ,
וּלְשֹׁמְרֵי פִקּוּדֶיךָ.

٦٤ חַסְדְּךָ יְהוָה מָלְאָה הָאָרֶץ,
חֻקֶּיךָ לַמְּדֵנִי.

ט

٦٥ טוב עשית עם עבדך יהוה,
כדברך עמי.
٦٦ טעם טוב ודעת למדני,
כי במצותיך האמנתי.
٦٧ בטרם אענה אני שגה,
ועתה אמרתך שמרתי.
٦٨ טוב אתה ומטיב,
למדני חקיך.
٦٩ טפלו עלי שקר זדים,
אני בכל לב אצר פקודיך.
٧٠ טפש כחלב לבם,
אני תורתך שעשועי.
٧١ טוב לי כי עניתי,
למען אלמד חקיך.
٧٢ טוב לי תורת פיך,
מאלפי זהב וכסף.

י

٧٣ ידיך עשוני ויכוננוני,
הבינני ואלמדה מצותיך.
٧٤ יראיך יראוני וישמחו,
כי לדברך יחלתי.
٧٥ ידעתי יהוה כי צדק משפטיך,
ואמונה עניתני.

כי בשקר רדפוני עזרני׃
٧٦ כמעט כלוני בארץ ואני לא עזבתי
פקודיך׃
٧٧ כחסדך חיני ואשמרה עדות פיך׃
٧٨ יבשו זדים כי שקר עותתוני אני אשיח
בפקודיך׃
٧٩ ישובו לי יראיך וידעי עדותיך׃
٨٠ יהי לבבי תמים בחקיך למען לא אבוש׃

כ

٨١ כלתה לתשועתך נפשי לדברך יחלתי׃
٨٢ כלו עיני לאמרתך לאמר מתי תנחמני׃
٨٣ כי הייתי כנאד בקיטור חקיך לא שכחתי׃
٨٤ כמה ימי עבדך מתי תעשה ברדפי משפט׃
٨٥ כרו לי זדים שיחות אשר לא כתורתך׃
٨٦ כל מצותיך אמונה שקר רדפוני עזרני׃

כִּלּוּנִי בָאָרֶץ וְאָנֹכִי לֹא עָזַבְתִּי פִּקּוּדֶיךָ׃
٨٧ כְּחַסְדְּךָ חַיֵּנִי וְאֶשְׁמְרָה עֵדוּת פִּיךָ׃
٨٨ לְעוֹלָם יְהוָה דְּבָרְךָ נִצָּב בַּשָּׁמָיִם׃
٨٩ לְדֹר וָדֹר אֱמוּנָתֶךָ כּוֹנַנְתָּ אֶרֶץ וַתַּעֲמֹד׃
٩٠ לְמִשְׁפָּטֶיךָ עָמְדוּ הַיּוֹם כִּי הַכֹּל עֲבָדֶיךָ׃
٩١ לוּלֵי תוֹרָתְךָ שַׁעֲשֻׁעָי אָז אָבַדְתִּי בְעָנְיִי׃
٩٢ לְעוֹלָם לֹא אֶשְׁכַּח פִּקּוּדֶיךָ כִּי בָם חִיִּיתָנִי׃
٩٣ לְךָ אֲנִי הוֹשִׁיעֵנִי כִּי פִקֻּדֶיךָ דָרָשְׁתִּי׃
٩٤ קִוּוּ רְשָׁעִים לְאַבְּדֵנִי עֵדֹתֶיךָ אֶתְבּוֹנָן׃
٩٥ לְכָל תִּכְלָה רָאִיתִי קֵץ רְחָבָה מִצְוָתְךָ מְאֹד׃
٩٦ מָה אָהַבְתִּי תּוֹרָתֶךָ כָּל הַיּוֹם הִיא שִׂיחָתִי׃

מ

٩٧ מָה־אָהַבְתִּי תּוֹרָתֶךָ,
כָּל־הַיּוֹם הִיא שִׂיחָתִי.
٩٨ מֵאוֹיְבַי תְּחַכְּמֵנִי מִצְוֹתֶךָ כִּי לְעוֹלָם הִיא לִי,
٩٩ מִכָּל־מְלַמְּדַי הִשְׂכַּלְתִּי כִּי עֵדְוֹתֶיךָ שִׂיחָה לִי.
١٠٠ מִזְּקֵנִים אֶתְבּוֹנָן כִּי פִקֻּדֶיךָ נָצָרְתִּי.
١٠١ מִכָּל־אֹרַח רָע כָּלִאתִי רַגְלָי לְמַעַן אֶשְׁמֹר דְּבָרֶךָ.
١٠٢ מִמִּשְׁפָּטֶיךָ לֹא סָרְתִּי כִּי אַתָּה הוֹרֵתָנִי.
١٠٣ מַה־נִּמְלְצוּ לְחִכִּי אִמְרָתֶךָ, מִדְּבַשׁ לְפִי.
١٠٤ מִפִּקּוּדֶיךָ אֶתְבּוֹנָן עַל־כֵּן שָׂנֵאתִי כָּל־אֹרַח שָׁקֶר.

נ

١٠٥ נֵר־לְרַגְלִי דְּבָרֶךָ וְאוֹר לִנְתִיבָתִי.
١٠٦ נִשְׁבַּעְתִּי וָאֲקַיֵּמָה לִשְׁמֹר מִשְׁפְּטֵי צִדְקֶךָ.
١٠٧ נַעֲנֵיתִי עַד־מְאֹד יְהוָה חַיֵּנִי כִּדְבָרֶךָ.

ئۇخشىتىڭ ھېكىملىرىڭنى ماڭا ئۆگەتكىن.
۱۰۸ ئى پەرۋەردىگار، مەن سېنىڭ ئىختىيارىي مەدھىيەلىرىڭنى
قوبۇل قىلغايسەن، ساڭا ھەمدۇ-سانا ئېيتقايمەن،
ھۆكۈملىرىڭنى ماڭا ئۆگەتكىن.
۱۰۹ جېنىم ھەمىشە قولۇمدا تۇرسىمۇ،
مەن يەنىلا قانۇنۇڭنى ئۇنتۇمايمەن.
۱۱۰ رەزىللەر ماڭا تۇزاق قويسىمۇ،
مەن يەنىلا ئەمرلىرىڭدىن ئېزىپ كەتمەيمەن.
۱۱۱ ئەمرلىرىڭ مەڭگۈ مېنىڭ مىراسىمدۇر،
چۈنكى ئۇلار قەلبىمنىڭ شادلىقىدۇر.
۱۱۲ مەن ئەمرلىرىڭگە ئەبەدىي ئەمەل قىلىشقا
قەلبىمنى مايىل قىلدىم.
ھ
۱۱۳ ئىككىلىنىپ يۈرگەنلەرنى ئۆچ كۆرىمەن،
لېكىن قانۇنۇڭنى ياخشى كۆرىمەن.
۱۱۴ سەن مېنىڭ پاناھگاھىم ۋە قالقىنىمسەن،
سۆزۈڭگە ئۈمىد باغلايمەن.
۱۱۵ ئى رەزىللەر، مەندىن يىراق بولۇڭلار،
مەن خۇدايىمنىڭ ئەمرلىرىگە ئەمەل قىلىمەن.
۱۱۶ سەن ۋەدەڭ بويىچە مېنى قوللاپ ياشارغايسەن،
ئۈمىدىمدىن مېنى ئۇيالدۇرمىغايسەن.
۱۱۷ سەن مېنى قوللىغايسەن، شۇنداق بولغاندا
مەن ئەمىن-ئېمىن بولىمەن،
ھەمىشە قانۇنۇڭغا دىققەت قىلىمەن.
۱۱۸ سەن قانۇنۇڭدىن يىراقلاشقانلارنىڭ ھەممىسىنى
رەت قىلىسەن،

همه‌ی شریران زمین را مانند سرباره دور می‌ریزی؛
بنابراین من شهادت‌های تو را دوست دارم.
۱۱۹ از ترس تو بدنم می‌لرزد،
و از داوری‌های تو می‌ترسم.
۱۲۰ من عدالت و درستی را دوست دارم؛
پس مرا به دست ستمگرانم رها نکن.
ه
۱۲۱ من کار درست و عادلانه کرده‌ام؛
پس مرا به دست ظالمانم رها نکن.
۱۲۲ ضامن خود باش و از من حمایت کن؛
نگذار متکبران بر من ظلم کنند.
۱۲۳ چشمانم از انتظار کمک تو
و از انتظار تحقق وعده‌ی عدالت تو خسته شده است.
۱۲۴ با من مطابق محبت خود رفتار کن
و احکام خود را به من بیاموز.
۱۲۵ من خدمتگزار تو هستم؛
پس به من فهم عطا کن
تا شهادت‌های تو را درک کنم.
۱۲۶ وقت آن است که تو عمل کنی، خداوند،
زیرا مردم شریعت تو را زیر پا گذاشته‌اند.
۱۲۷ من محبت تو را بیشتر از طلا،
بیشتر از طلای ناب دوست دارم.
۱۲۸ من تمام دستورهای تو را درست می‌دانم،
و از هر راه دروغ متنفرم.

פ

[١٢٩] פלאות עדותיך,
על כן נצרתם נפשי.
[١٣٠] פתח דבריך יאיר,
מבין פתיים.
[١٣١] פי פערתי ואשאפה,
כי למצותיך יערתי.
[١٣٢] פנה אלי וחנני,
כמשפט לאהביך.
[١٣٣] פעמי הכן באמרתך,
ואל תשלט בי כל אוון.
[١٣٤] פדני מעשק אדם,
ואשמרה פקודיך.
[١٣٥] פניך האר בעבדך,
ולמדני את חקיך.
[١٣٦] פלגי מים ירדו עיני,
על לא שמרו תורתך.

צ

[١٣٧] צדיק אתה יהוה,
וישר משפטיך.
[١٣٨] צויתה צדק עדותיך,
ואמונה מאד.
[١٣٩] צמתני קנאתי,

טהורה עבדך אהבתה׃
١٤٠ צעיר אנכי ונבזה פקודיך לא שכחתי׃
١٤١ צדקתך צדק לעולם ותורתך אמת׃
١٤٢ צר ומצוק מצאוני מצותיך שעשועי׃
١٤٣ צדק עדותיך לעולם הבינני ואחיה׃
١٤٤ קראתי בכל לב ענני יהוה חקיך אצרה׃
ק
١٤٥ קראתיך הושיעני ואשמרה עדתיך׃
١٤٦ קדמתי בנשף ואשוע לדבריך יחלתי׃
١٤٧ קדמו עיני אשמרות לשוח באמרתך׃
١٤٨ קולי שמעה כחסדך יהוה כמשפטיך חיני׃
١٤٩ קרבו רדפי זמה מתורתך רחקו׃
١٥٠ קרוב אתה יהוה וכל מצותיך אמת׃

دشمن من فریاد مرا می‌شنود.
۱۵۱ ای خداوند، تو نزدیک هستی،
و تمام فرمان‌هایت حقیقت است.
۱۵۲ از مدت‌ها پیش می‌دانستم
که تعالیمت را برای همیشه استوار کرده‌ای.
ذ
۱۵۳ به رنج و عذاب من بنگر و مرا نجات بده،
زیرا شریعت تو را فراموش نکرده‌ام.
۱۵۴ از من دفاع کن و مرا رهایی بخش،
زیرا وعده داده‌ای که به من حیات ببخشی.
۱۵۵ نجات از شریران دور است،
زیرا آنان فرمان‌های تو را نمی‌خواهند.
۱۵۶ ای خداوند، رحمت تو بی‌نهایت است،
پس مرا زنده نگه دار.
۱۵۷ دشمنان و آزارگران من بسیارند،
اما من از تعالیم تو روی برنگردانده‌ام.
۱۵۸ وقتی خیانتکاران را می‌بینم، متنفر می‌شوم،
زیرا کلام تو را اطاعت نمی‌کنند.
۱۵۹ ببین که چقدر فرمان‌هایت را دوست دارم،
ای خداوند، و به محبت خود مرا حیات ببخش.
۱۶۰ تمام کلام تو حقیقت است،
و عدالت تو تا ابد پایدار است.

ת

[١٦١] שָׂרִים רָדְפוּנִי חִנָּם וּמִדְּבָרְךָ פָּחַד לִבִּי׃
[١٦٢] שָׂשׂ אָנֹכִי עַל אִמְרָתֶךָ כְּמוֹצֵא שָׁלָל רָב׃
[١٦٣] שֶׁקֶר שָׂנֵאתִי וָאֲתַעֵבָה תּוֹרָתְךָ אָהָבְתִּי׃
[١٦٤] שֶׁבַע בַּיּוֹם הִלַּלְתִּיךָ עַל מִשְׁפְּטֵי צִדְקֶךָ׃
[١٦٥] שָׁלוֹם רָב לְאֹהֲבֵי תוֹרָתֶךָ וְאֵין לָמוֹ מִכְשׁוֹל׃
[١٦٦] שִׂבַּרְתִּי לִישׁוּעָתְךָ יְהוָה וּמִצְוֹתֶיךָ עָשִׂיתִי׃
[١٦٧] שָׁמְרָה נַפְשִׁי עֵדֹתֶיךָ וָאֹהֲבֵם אַהֲבָה יְתֵרָה׃
[١٦٨] שָׁמַרְתִּי פִקּוּדֶיךָ וְעֵדֹתֶיךָ כִּי כָל דְּרָכַי נֶגְדֶּךָ׃

ת

[١٦٩] תִּקְרַב רִנָּתִי לְפָנֶיךָ יְהוָה כִּדְבָרְךָ הֲבִינֵנִי׃
[١٧٠] תָּבוֹא תְחִנָּתִי לְפָנֶיךָ כְּאִמְרָתְךָ הַצִּילֵנִי׃
[١٧١] תַּבַּעְנָה שְׂפָתַי תְּהִלָּה כִּי תְלַמְּדֵנִי חֻקֶּיךָ׃

תּוֹרָתֶךָ כִּי כָל־מִצְוֹתֶיךָ צֶדֶק.
١٧٢ תְּדַבֵּר לְשׁוֹנִי אִמְרָתֶךָ,
כִּי כָל־צִדְקַת פִּיךָ.
١٧٣ תְּהִי יָדְךָ לְעָזְרָנִי,
כִּי פִקּוּדֶיךָ בָּחָרְתִּי.
١٧٤ תָּאַבְתִּי לִישׁוּעָתְךָ יְהוָה, וְתוֹרָתְךָ
שַׁעֲשֻׁעָי.
١٧٥ תִּחְיֶה נַפְשִׁי וּתְהַלְלֶךָּ,
וּמִשְׁפָּטֶיךָ יַעְזְרוּנִי.
١٧٦ תָּעִיתִי כְּשֶׂה אֹבֵד; בַּקֵּשׁ עַבְדֶּךָ,
כִּי מִצְוֹתֶיךָ לֹא שָׁכָחְתִּי.

שִׁיר הַמַּעֲלוֹת.

١٢٠ ١ אֶל־יְהוָה בַּצָּרָתָה לִי קָרָאתִי,
וַיַּעֲנֵנִי.
٢ יְהוָה הַצִּילָה נַפְשִׁי מִשְּׂפַת־שֶׁקֶר,
מִלְּשׁוֹן רְמִיָּה.
٣ מַה־יִּתֶּן לָךְ וּמַה־יֹּסִיף לָךְ,
לְשׁוֹן רְמִיָּה?
٤ חִצֵּי גִבּוֹר שְׁנוּנִים,
עִם גַּחֲלֵי רְתָמִים.
٥ אוֹיָה־לִי כִּי־גַרְתִּי מֶשֶׁךְ,
שָׁכַנְתִּי עִם־אָהֳלֵי קֵדָר.

٦ מִבְּלִי יָדַע שֹׁאֲגוֹת בִּלְבְּלוּ,
עַד עָלְתָה שַׁחַר וְאָפְלָה לָיְלָה.
٧ אֲנִי יָדַעְתִּי שִׁיר חָדָשׁ,
וְלִבִּי הָיָה מְלֵא שִׂמְחָה וְתוֹדָה.

לַמְנַצֵּחַ לַמְנַצֵּחַ.

١٢١

١ אֵלֶיךָ נָתַתִּי עֵינַי הַמְּיַחֲלוֹת,
מִי יִתֵּן לִי כְּנָפַיִם וְאָעוּפָה?
٢ אֶשְׁתַּחֲוֶה אֶל הֵיכַל קָדְשֶׁךָ,
וְאֶשְׁמַע אֶת קוֹל תְּחִנָּתִי.
٣ כִּי יָדַעְתִּי כִּי אַתָּה אֱלֹהַי,
לֹא תִּתְעַלֵּם מִמֶּנִּי.
٤ וְאִם, כִּי יֵשׁ לִי עָוֹן בְּלִבִּי,
אֶשְׁתַּחֲוֶה לְךָ בְּתוֹךְ דְּמָעוֹת.
٥ אֶשְׁמַע אֶת קוֹלְךָ בְּתוֹךְ הַסְּעָרָה,
אֶשְׁמַע אֶת קוֹל הַשֵּׁלֶג בְּתוֹךְ הַסְּעָרָה.
٦ וְאֶשְׁמַע אֶת קוֹל הַמַּלְאָכִים,
הַמְּשָׁרְתִים לְפָנֶיךָ.
٧ אֶשְׁמַע אֶת קוֹל הַשִּׁירָה שֶׁל הַמַּלְאָכִים,
אֶשְׁמַע אֶת קוֹל הַתְּפִלָּה שֶׁל הַמַּלְאָכִים.
٨ אֶשְׁמַע אֶת קוֹל הַתְּפִלָּה שֶׁל הַמַּלְאָכִים,
הַמְּבַקְּשִׁים אֶת פָּנֶיךָ.

.תמיד הטוב בקשתי, אשר בית-יהוה כל-ימי חיי

١٢٢

[١] שיר למעלות לדוד: שמחתי באומרים לי:
"בית-יהוה נלך."
[٢] עומדות היו רגלינו
בשעריך, ירושלם.
[٣] ירושלם הבנויה,
כעיר שחברה לה יחדיו.
[٤] ששם עלו שבטים, שבטי-יה,
עדות לישראל,
להודות לשם יהוה.
[٥] כי שם ישבו כסאות למשפט,
כסאות לבית דוד.
[٦] שאלו שלום ירושלם,
ישליו אהביך.
[٧] יהי שלום בחילך,
שלוה בארמנותיך.
[٨] למען אחי ורעי
אדברה נא שלום בך.
[٩] למען בית יהוה אלהינו,
אבקשה טוב לך.

שיר המעלות.

١٢٣ ١ אליך נשאתי את עיני,
היושבי בשמים.
٢ הנה, כעיני עבדים אל יד אדוניהם,
כעיני שפחה אל יד גברתה,
כן עינינו אל יהוה אלהינו,
עד שיחנו.
٣ חנינו יהוה חנינו, כי רב שבענו בוז.
٤ רבת שבעתנו לעג השאננים,
בוז לגאיונים.

שיר המעלות, לדוד. לולי יהוה,

١٢٤ ١ שיאמר נא ישראל,
לולי יהוה שהיה לנו,
٢ לולי יהוה שהיה לנו,
בקום עלינו אדם,
٣ אז חיים בלעונו,
בחרות אפם בנו.
٤ אז המים שטפונו,
נחלה עבר על נפשנו.

٥ וְיִתְלַחֲכֵךְ עָפָר אֹיְבֶיךָ כָּל־יְמֵי חַיֶּיךָ׃
٦ וְאָמְרוּ הָעֹבְרִים
בִּרְכַּת יְהוָה עֲלֵיכֶם בֵּרַכְנוּ אֶתְכֶם בְּשֵׁם יְהוָה׃
٧ וְנָתַן יְהוָה בְּפִי בְּנֵי חַיִל וְגֶבֶר לֹא יִכְשָׁל בְּפִי׃
٨ וְיָדָיו רָבוּ לוֹ וְעֶזְרַת מֵאֵת יְהוָה הָיְתָה לוֹ׃

שיר המעלות.

١٢٥

١ בְּטְחוֹן בַּיהוָה כְּהַר־צִיּוֹן לֹא יִמּוֹט לָעַד יֵשֵׁב׃
٢ יְרוּשָׁלַיִם הָרִים סָבִיב לָהּ
וַיהוָה סָבִיב לְעַמּוֹ מֵעַתָּה וְעַד־עוֹלָם׃
٣ כִּי לֹא יָנוּחַ שֵׁבֶט הָרֶשַׁע עַל גּוֹרַל הַצַּדִּיקִים
לְמַעַן לֹא יִשְׁלְחוּ הַצַּדִּיקִים בְּעַוְלָתָה יָדָיו׃
٤ הֵיטִיבָה יְהוָה לַטּוֹבִים וְלִישָׁרֵי לֵבָב׃
٥ וְהַמַּטִּים עֲקַלְקַלּוֹתָם יוֹלִיכֵם יְהוָה אֶת־פֹּעֲלֵי הָאָוֶן
שָׁלוֹם עַל־יִשְׂרָאֵל׃

לדוד שיר המעלות.

١٢٦ ١ בְּשׁוּב יְהוָה אֶת שִׁיבַת צִיּוֹן,
הָיִינוּ כְּחֹלְמִים.
٢ אָז יִמָּלֵא שְׂחוֹק פִּינוּ,
וּלְשׁוֹנֵנוּ רִנָּה;
אָז יֹאמְרוּ בַגּוֹיִם:
"הִגְדִּיל יְהוָה לַעֲשׂוֹת עִם אֵלֶּה."
٣ הִגְדִּיל יְהוָה לַעֲשׂוֹת עִמָּנוּ,
הָיִינוּ שְׂמֵחִים.
٤ שׁוּבָה יְהוָה אֶת שבותנו,
כַּאֲפִיקִים בַּנֶּגֶב.
٥ הַזֹּרְעִים בְּדִמְעָה, בְּרִנָּה יִקְצֹרוּ.
٦ הָלוֹךְ יֵלְכוּ וּבָכֹה נֹשֵׂא מֶשֶׁךְ הַזָּרַע,
בֹּא יָבוֹא בְרִנָּה נֹשֵׂא אֲלֻמֹּתָיו.

לשלמה, אם לא יהוה יבנה בית, שוא עמלו בוניו בו, אם לא יהוה שמר עיר, שוא שקד שומר.

١٢٧ ١ לְשֵׁלֹמֹה שִׁיר הַמַּעֲלוֹת
אִם יְהוָה לֹא יִבְנֶה בַּיִת,
שָׁוְא עָמְלוּ בוֹנָיו בּוֹ,
אִם יְהוָה לֹא יִשְׁמֹר עִיר,
שָׁוְא שָׁקַד שׁוֹמֵר.
٢ שָׁוְא לָכֶם מַשְׁכִּימֵי קוּם, מְאַחֲרֵי שָׁבֶת,
אֹכְלֵי לֶחֶם עֲצְבִים,
כֵּן יִתֵּן לִידִידוֹ שֵׁנָא.

שֹׁכְנֵי חֲשֵׁכִים כָּל־אַפְסֵי אָרֶץ.
٣ רָאִי, נַחֲלַת יְהוָה בָּנִים, שָׂכָר פְּרִי הַבָּטֶן.
٤ כְּחִצִּים בְּיַד גִּבּוֹר כֵּן בְּנֵי הַנְּעוּרִים.
٥ אַשְׁרֵי הַגֶּבֶר אֲשֶׁר מִלֵּא אֶת־אַשְׁפָּתוֹ מֵהֶם,
לֹא יֵבֹשׁוּ כִּי יְדַבְּרוּ אֶת־אוֹיְבִים בַּשָּׁעַר.

שִׁיר הַמַּעֲלוֹת.

١٢٨ ١ אַשְׁרֵי כָל־יְרֵא יְהוָה הַהֹלֵךְ בִּדְרָכָיו.
٢ יְגִיעַ כַּפֶּיךָ כִּי תֹאכֵל, אַשְׁרֶיךָ וְטוֹב לָךְ.
٣ אֶשְׁתְּךָ כְּגֶפֶן פֹּרִיָּה בְּיַרְכְּתֵי בֵיתֶךָ, בָּנֶיךָ כִּשְׁתִלֵי זֵיתִים סָבִיב לְשֻׁלְחָנֶךָ.
٤ הִנֵּה כִי־כֵן יְבֹרַךְ גָּבֶר יְרֵא יְהוָה.
٥ יְבָרֶכְךָ יְהוָה מִצִּיּוֹן וּרְאֵה בְּטוּב יְרוּשָׁלִָם כֹּל יְמֵי חַיֶּיךָ,
٦ וּרְאֵה בָנִים לְבָנֶיךָ שָׁלוֹם עַל־יִשְׂרָאֵל.

שיר המעלות.

١٢٩ ١"רַבַּת צְרָרוּנִי מִנְּעוּרַי, יֹאמַר נָא יִשְׂרָאֵל;
٢רַבַּת צְרָרוּנִי מִנְּעוּרָי, גַּם לֹא יָכְלוּ לִי.
٣עַל גַּבִּי חָרְשׁוּ חֹרְשִׁים, הַאֲרִיכוּ לְמַעַנְיוֹתָם."
٤יְהוָה צַדִּיק, קִצֵּץ עֲבוֹתֵי רְשָׁעִים.
٥יֵבֹשׁוּ וְיִסֹּגוּ אָחוֹר כָּל שׂנְאֵי צִיּוֹן.
٦יִהְיוּ כַּחֲצִיר גַּגּוֹת שֶׁקָּדְמַת שָׁלַף יָבֵשׁ.
٧שֶׁלֹּא מִלֵּא כַפּוֹ קוֹצֵר וְחִצְנוֹ מְעַמֵּר.
٨וְלֹא אָמְרוּ הָעֹבְרִים:
"בִּרְכַּת יְהוָה עֲלֵיכֶם, בֵּרַכְנוּכֶם בְּשֵׁם יְהוָה."

שיר המעלות.

١٣٠ ١מִמַּעֲמַקִּים קְרָאתִיךָ יְהוָה; ٢אֲדֹנָי, שִׁמְעָה בְקוֹלִי,
תִּהְיֶנָה אָזְנֶיךָ קַשֻּׁבוֹת לְקוֹל תַּחֲנוּנָי.

לִמְקֹם בְּקִבְעֹתֵיהֶם.
٣ יֵשׁ אִם־אָבוֹא, בְּאֹהֶל בֵּיתִי,
אִם־אֶעֱלֶה עַל־עֶרֶשׂ יְצוּעָי?
٤ אִם־אֶתֵּן שֵׁנָה לְעֵינָי,
לְעַפְעַפַּי תְּנוּמָה.
٥ עַד־אֶמְצָא מָקוֹם לַיהוָה,
מִשְׁכָּנוֹת לַאֲבִיר יַעֲקֹב.
٦ הִנֵּה שְׁמַעֲנֻהָ בְאֶפְרָתָה,
מְצָאנֻהוּ בִּשְׂדֵי יָעַר.
٧ נָבוֹאָה לְמִשְׁכְּנוֹתָיו,
נִשְׁתַּחֲוֶה לַהֲדֹם רַגְלָיו.
٨ קוּמָה יְהוָה לִמְנוּחָתֶךָ,
אַתָּה וַאֲרוֹן עֻזֶּךָ.
٩ כֹּהֲנֶיךָ יִלְבְּשׁוּ צֶדֶק,
וַחֲסִידֶיךָ יְרַנֵּנוּ.

١٠ מִשְּׁנֵא עַבְדְּךָ דָּוִד,
אַל־תָּשֵׁב פְּנֵי מְשִׁיחֶךָ.

١٣١

١ שִׁיר הַמַּעֲלוֹת, לְדָוִד: יְהוָה לֹא־גָבַהּ לִבִּי וְלֹא רָמוּ עֵינָי,
וְלֹא־הָלַכְתִּי בִגְדֹלוֹת וּבְנִפְלָאוֹת מִמֶּנִּי.
٢ אִם־לֹא שִׁוִּיתִי וְדוֹמַמְתִּי נַפְשִׁי,
כְּגָמֻל עַל־אִמּוֹ כַּגָּמֻל עָלַי נַפְשִׁי.
٣ יַחֵל יִשְׂרָאֵל אֶל־יְהוָה,

אם יבקש אביו לחם.

שיר המעלות לדוד.

١٣٢

[١] זכור, יהוה, לדוד,
את כל עניותו,
[٢] אשר נשבע ליהוה,
נדר לאביר יעקב:
[٣] "אם אבוא באוהל ביתי,
אם אעלה על ערש יצועי,
[٤] אם אתן שינה לעיני,
לעפעפי תנומה,
[٥] עד אמצא מקום ליהוה,
משכנות לאביר יעקב."
[٦] הנה, שמענוהו באפרתה,
מצאנוהו בשדות יער.
[٧] נבואה למשכנותיו,
נשתחוה להדום רגליו.
[٨] קומה, יהוה, למנוחתך,
אתה וארון עזך.
[٩] כהניך ילבשו צדק,
וחסידיך ירננו.
[١٠] בעבור דוד עבדך,
אל תשב פני משיחך.

۱۱ خداوند برای داود
قسم خورده است،
و او از آن برنخواهد گشت:
«یکی از فرزندان تو
را بر تخت تو خواهم نشاند.
۱۲ اگر فرزندان تو
عهد مرا نگاه دارند
و از شهادت من پیروی کنند،
فرزندان ایشان نیز
تا ابد بر تخت تو خواهند نشست.»
۱۳ زیرا خداوند صهیون را برگزیده،
و آن را برای سکونت خود خواسته است:
۱۴ «این است آرامگاه من تا ابد،
در اینجا ساکن خواهم شد، زیرا که آن را خواسته‌ام.
۱۵ آذوقهٔ آن را فراوان خواهم ساخت،
و فقیران آن را سیر خواهم کرد.
۱۶ کاهنانش را با نجات خواهم پوشانید،
و مقدسانش با شادی خواهند سرود.
۱۷ در آنجا شاخ داود را خواهم رویانید،
و چراغ مسیح خود را روشن نگاه خواهم داشت.
۱۸ دشمنان او را با خجالت خواهم پوشانید،
اما تاج او بر سرش خواهد درخشید.»

سرود زیارت

۱۳۳ ۱ چه نیکو و چه دلپسند است
وقتی برادران با هم در صلح زندگی کنند!
۲ این مانند روغن گرانبهایی است
که بر سر هارون ریخته شد،

הַלְלוּ אֶת־יְהוָה,
כָּל־עַבְדֵי יְהוָה,
הָעֹמְדִים בְּבֵית יְהוָה בְּחַצְרוֹת בֵּית אֱלֹהֵינוּ.
٣ הַלְלוּיָהּ כִּי־טוֹב יְהוָה,
זַמְּרוּ לְשְׁמוֹ כִּי נָעִים,
כִּי יַעֲקֹב בָּחַר לוֹ יָהּ, יִשְׂרָאֵל לִסְגֻלָּתוֹ.
כִּי אֲנִי יָדַעְתִּי כִּי גָדוֹל יְהוָה,
וַאֲדֹנֵינוּ מִכָּל־אֱלֹהִים.

תהלים ١٣٤.

١٣٤

١ שִׁיר, לַמַּעֲלוֹת הִנֵּה בָּרְכוּ אֶת־יְהוָה,
כָּל־עַבְדֵי יְהוָה הָעֹמְדִים בְּבֵית יְהוָה בַּלֵּילוֹת.
٢ שְׂאוּ יְדֵכֶם קֹדֶשׁ,
וּבָרְכוּ אֶת־יְהוָה.
٣ יְבָרֶכְךָ יְהוָה מִצִּיּוֹן,
עֹשֵׂה שָׁמַיִם וָאָרֶץ.

תהלים ١٣٥.

١٣٥

١ הַלְלוּיָהּ הַלְלוּ אֶת־שֵׁם יְהוָה,
הַלְלוּ עַבְדֵי יְהוָה, ٢ שֶׁעֹמְדִים בְּבֵית יְהוָה,
בַּחֲצֵרוֹת בֵּית אֱלֹהֵינוּ.
٣ הַלְלוּיָהּ כִּי־טוֹב יְהוָה זַמְּרוּ לְשְׁמוֹ כִּי נָעִים,
כִּי יַעֲקֹב בָּחַר לוֹ יָהּ, יִשְׂרָאֵל לִסְגֻלָּתוֹ.

٤ فَٱخْتَارَ يَعْقُوبَ لِنَفْسِهِ،
وَإِسْرَائِيلَ خَاصَّتَهُ.
٥ فَإِنِّي أَنَا قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ ٱلرَّبَّ عَظِيمٌ،
وَسَيِّدَنَا أَعْظَمُ مِنْ كُلِّ ٱلْآلِهَةِ.
٦ كُلَّ مَا سَرَّ بِهِ ٱلرَّبُّ صَنَعَ،
فِي ٱلسَّمَاوَاتِ وَفِي ٱلْأَرْضِ،
فِي ٱلْبِحَارِ وَفِي كُلِّ ٱللُّجَجِ.
٧ مُصْعِدٌ ٱلسَّحَابَ مِنْ أَقَاصِي ٱلْأَرْضِ،
صَانِعٌ ٱلْبُرُوقَ لِلْمَطَرِ،
مُخْرِجٌ ٱلرِّيحَ مِنْ خَزَائِنِهِ.
٨ ٱلَّذِي ضَرَبَ أَبْكَارَ مِصْرَ،
مِنَ ٱلنَّاسِ إِلَى ٱلْبَهَائِمِ.
٩ أَرْسَلَ آيَاتِهِ وَعَجَائِبَهُ إِلَى وَسْطِكِ يَا مِصْرُ،
عَلَى فِرْعَوْنَ وَعَلَى جَمِيعِ عَبِيدِهِ.
١٠ ٱلَّذِي ضَرَبَ أُمَمًا كَثِيرَةً،
وَقَتَلَ مُلُوكًا أَعِزَّاءَ؛
١١ سِيحُونَ مَلِكَ ٱلْأَمُورِيِّينَ،
وَعُوجَ مَلِكَ بَاشَانَ،
وَجَمِيعَ مَمَالِكِ كَنْعَانَ.
١٢ وَأَعْطَى أَرْضَهُمْ مِيرَاثًا،
مِيرَاثًا لِإِسْرَائِيلَ شَعْبِهِ.
١٣ يَا رَبُّ، ٱسْمُكَ إِلَى ٱلدَّهْرِ،
يَا رَبُّ، ذِكْرُكَ إِلَى دَوْرٍ فَدَوْرٍ.
١٤ لِأَنَّ ٱلرَّبَّ يَدِينُ شَعْبَهُ،

עצבים הם ואין בהם כל רוח.
[١٥] כמוהם יהיו עושיהם,
כל אשר בטח בהם.
[١٦] בית ישראל ברכו את יהוה,
בית אהרן ברכו את יהוה,
[١٧] בית הלוי ברכו את יהוה,
יראי יהוה ברכו את יהוה.
[١٨] ברוך יהוה מציון,
שוכן ירושלם.
הללויה.
[١٩] הודו ליהוה כי טוב,
כי לעולם חסדו,
[٢٠] הודו לאלהי האלהים,
כי לעולם חסדו,
[٢١] הודו לאדני האדנים,
כי לעולם חסדו.
למכה מצרים בבכוריהם,
כי לעולם חסדו.
[١] ויוצא ישראל מתוכם,
כי לעולם חסדו.
ביד חזקה ובזרוע נטויה,
כי לעולם חסדו.
[٢] לגזר ים סוף לגזרים,
כי לעולם חסדו.
והעביר ישראל בתוכו,
כי לעולם חסדו.
[٣] ונער פרעה וחילו בים סוף,
כי לעולם חסדו.
[٤] למוליך עמו במדבר,
כי לעולם חסדו.

٥ לַעֹשֵׂי הַשָּׁמַיִם בִּתְבוּנָה כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ׃
כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ.
٦ לָרוֹקַע הָאָרֶץ עַל הַמָּיִם כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ׃
כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ.
٧ לַעֲשֵׂה אוֹרִים גְּדֹלִים כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ׃
כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ.
٨ אֶת הַשֶּׁמֶשׁ לְמֶמְשֶׁלֶת בַּיּוֹם כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ׃
כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ.
٩ אֶת הַיָּרֵחַ וְכוֹכָבִים לְמֶמְשְׁלוֹת בַּלָּיְלָה כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ׃
כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ.
١٠ לְמַכֵּה מִצְרַיִם בִּבְכוֹרֵיהֶם כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ׃
כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ.
١١ וַיּוֹצֵא יִשְׂרָאֵל מִתּוֹכָם כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ׃
כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ.
١٢ בְּיָד חֲזָקָה וּבִזְרוֹעַ נְטוּיָה כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ׃
כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ.
١٣ לְגֹזֵר יַם סוּף לִגְזָרִים כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ׃
כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ.
١٤ וְהֶעֱבִיר יִשְׂרָאֵל בְּתוֹכוֹ כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ׃
כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ.
١٥ וְנִעֵר פַּרְעֹה וְחֵילוֹ בְּיַם סוּף כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ׃
כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ.
١٦ לְמוֹלִיךְ עַמּוֹ בַּמִּדְבָּר כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ׃

هُتَ لئبم بَنَ بحبصاي.
۱۷ لَهَ ٥هَ جمي ٥هَ يَ بَحلجَ لَهَ،
هُتَ لئبم بَنَ بحبصاي.
۱۸ ٥مهبلجَ هَ يَ بَحلجَ جبتيَ لَهَ،
هُتَ لئبم بَنَ بحبصاي.
۱۹ لهبسم بَحلجَ بَنَمهذَ لَهَ،
هُتَ لئبم بَنَ بحبصاي.
۲۰ ٥لحهبلجَ بَحلجَ جبتَ لَهَ،
هُتَ لئبم بَنَ بحبصاي.
۲۱ ٥مهبلجَ هَ يَ لَجمهمهَ لئذهـ ـمهنَ بَنَ لَهَ،
هُتَ لئبم بَنَ بحبصاي.
۲۲ نَذهـ لَهبلجَ لَهبهذَ بَحلجَ هَ يَ جلجَ،
هُتَ لئبم بَنَ بحبصاي.
۲۳ لَجَ هَ جبذَ لجهـ ـهحهـ ـهحهـ ـلَجَ،
هُتَ لئبم بَنَ بحبصاي.
۲۴ ٥هـ ـهحهـ ـهذهـ ـمهـ ـهَ يَ بَحلجَ بم هَ،
هُتَ لئبم بَنَ بحبصاي.
۲۵ لَجَ نَ ٥مهبلجَ بَحلجَ لحلجَ بَنَ،
هُتَ لئبم بَنَ بحبصاي.
۲۶ لَجَ بَحلجَ لَهَ لَجَ لهذَ لَهَ،
هُتَ لئبم بَنَ بحبصاي.

۱۳۷

۱ لَجَ بَحلجَ لَهَ لَهَ بَحلجَ،
هُتَ لحبم ٥هـ ـمهبـ لَجَ، لَهَ لحبم ٥هـ لَجَ،

جَبَ جَبِذَا بِي يَهْوَه.
٢ بَابِلَ بِهَا بِيَقِظ جَبَكَهَه،
هَا بِي جِيَنْجَ.
٣ حَهَ جَهُمَ بِجَكَنَبِ بِذَهَبِهُا بِهَا جَبَ هَهَ هَبِ هِيَ هَمَ،
هَيْبِيَنْبِ بِهَا جَبَ هَهَ هَبِ هِيَ هَمَ:
"هَهَمَيِ بِهَا هَبِ هَمَ هَبِ يَ هَهَمَ."
٤ جَرَبَ أَهَجَ هَمَ هَبِ جَهَمَ،
بَبَ بَهَ هَبِ هَبِ؟
٥ يَ نَيِنَبَ، هَ رَهَيَ هَ،
نَهَ هَهَبِ هَهَبِ هَهَ.
٦ هَيَ يَهَ بَهَ هَهَبَ،
يَ كَ جَيَنَبَ،
يَ كَ جَهَ رَهَيَ هَ،
يَبَبَ هَ جَ هَبِ هَهَبِ.
٧ جَهَ، هَ هَهَ، رَبَ بَهَ،
هَهَ جَكَهَ رَهَيَ هَ،
رَهَبِ هَ: "هَ هَ، هَ هَ،
هَبَ هَ هَ."
٨ هَ هَ هَ يَبَبَ، هَبَ هَ هَ،
هَ جَهَ هَهَ جَ هَ،
رَهَبِ هَ هَ.
٩ هَ جَهَ هَهَ جَ هَ هَ هَ
هَ هَ.

مزمور داؤد کا۔

۱۳۸

۱ اے خداوند، میں پورے دل سے تیرا شکر ادا کروں گا،
فرشتوں کے سامنے تیری حمد گاؤں گا۔
۲ میں تیرے مقدس ہیکل کی طرف سجدہ کروں گا،
تیرے نام کا شکر ادا کروں گا
تیری شفقت اور وفاداری کی وجہ سے۔
کیونکہ تُو نے اپنے کلام کو اپنے سارے نام سے بڑھ کر بلند کیا ہے۔
۳ جس دن میں نے تجھے پکارا تُو نے جواب دیا،
تُو نے میری جان کو قوت سے بھر دیا۔
۴ اے خداوند، دنیا کے سارے بادشاہ تیرا شکر ادا کریں گے،
کیونکہ انہوں نے تیرے منہ کی باتیں سنی ہیں۔
۵ وہ خداوند کی راہوں کے بارے میں گائیں گے،
کیونکہ خداوند کا جلال بڑا ہے۔
۶ اگرچہ خداوند بلند ہے تو بھی وہ
فروتن لوگوں پر توجہ دیتا ہے،
لیکن گھمنڈی لوگوں کو وہ دُور ہی سے پہچانتا ہے۔
۷ اگرچہ میں مصیبت میں چلتا رہوں تو بھی تُو مجھے زندہ رکھے گا۔
تُو میرے دشمنوں کے غصے کے خلاف ہاتھ بڑھائے گا،
تیرا داہنا ہاتھ مجھے بچائے گا۔
۸ خداوند میرے لئے سب کچھ پورا کرے گا
جو اُس نے میرے بارے میں کہا ہے۔
اے خداوند، تیری شفقت ابد تک قائم رہتی ہے۔
تُو اپنے ہاتھ کے کام کو ترک نہ کر۔

לבנון. תהלים לדוד מזמור.

١٣٩

١ יְהוָה, חָקַרְתָּנִי וַתֵּדָע.
אַתָּה יָדַעְתָּ שִׁבְתִּי וְקִימִי;
בַּנְתָּה לְרֵעִי מֵרָחוֹק.
٢ אָרְחִי וְרִבְעִי זֵרִיתָ,
וְכָל דְּרָכַי הִסְכַּנְתָּה.
٣ כִּי אֵין מִלָּה בִּלְשׁוֹנִי,
וְהִנֵּה יְהוָה יָדַעְתָּ כֻּלָּהּ.
٤ אָחוֹר וָקֶדֶם צַרְתָּנִי,
וַתָּשֶׁת עָלַי כַּפֶּכָה.
٥ פְּלִיאָה דַעַת מִמֶּנִּי,
נִשְׂגְּבָה לֹא אוּכַל לָהּ.
٦ אָנָה אֵלֵךְ מֵרוּחֶךָ,
וְאָנָה מִפָּנֶיךָ אֶבְרָחָה.
٧ אִם אֶסַּק שָׁמַיִם שָׁם אָתָּה,
וְאַצִּיעָה שְׁאוֹל הִנֶּךָּ.
٨ אֶשָּׂא כַנְפֵי שָׁחַר,
אֶשְׁכְּנָה בְּאַחֲרִית יָם.
٩ גַּם שָׁם יָדְךָ תַנְחֵנִי,
וְתֹאחֲזֵנִי יְמִינֶךָ.
١٠ וָאֹמַר אַךְ חֹשֶׁךְ יְשׁוּפֵנִי,
וְלַיְלָה אוֹר בַּעֲדֵנִי.
١١ גַּם חֹשֶׁךְ לֹא יַחְשִׁיךְ מִמֶּךָּ,
וְלַיְלָה כַּיּוֹם יָאִיר,

۱۲ زیرا تاریکی هم از تو تاریک نمی‌باشد،
و شب مثل روز روشن است.
تاریکی و روشنایی برای تو یکسان است.
۱۳ زیرا که تو کلیه‌های مرا آفریدی،
و مرا در شکم مادرم بافتی.
۱۴ تو را شکر می‌کنم زیرا که به طریقی ترسناک و عجیب آفریده شده‌ام.
کارهای تو عجیب است،
و جان من این را خوب می‌داند.
۱۵ استخوان‌هایم از تو مخفی نبود،
وقتی که در مخفی‌گاه ساخته می‌شدم،
و در قعر زمین بافته می‌شدم.
۱۶ چشمان تو جنین مرا دیدند،
و تمام روزهایی که برایم تعیین شده بود،
پیش از آنکه یکی از آنها آغاز شود، در کتاب تو نوشته شده بود.
۱۷ ای خدا، افکار تو برای من چقدر ارزشمند است،
و تعداد آنها چقدر زیاد!
۱۸ اگر آنها را بشمارم، از شن بیشتر خواهند بود.
وقتی از خواب بیدار می‌شوم، هنوز با تو هستم.
۱۹ ای خدا، امیدوارم که شریران را بکشی،
و مردان خون‌ریز را از من دور کنی.
۲۰ زیرا آنها درباره تو سخن بد می‌گویند،
و دشمنان تو نام تو را به بدی می‌برند.
۲۱ ای خداوند، آیا من از کسانی که از تو متنفرند متنفر نیستم،

أم تحتقر الذين قاموا عليك؟
٢٢ بغضة التام أبغضهم،
صاروا لي أعداء.
٢٣ فتش علي يا الله واعرف قلبي،
امتحني واعرف أفكاري.
٢٤ وانظر إن كان في طريق الوجع فيَّ،
واهدني طريق الأبد.

للرئيس. مزمور لداود.

١٤٠ ١ نجني يا الله من الإنسان الشرير،
من الرجل الظالم انقذني.
٢ الذين يفكرون الشرور في قلوبهم،
كل النهار يجتمعون للحروب.
٣ حددوا ألسنتهم كالحية،
سم الأفعوان تحت شفاههم. سلاه
٤ احفظني يا الله من يدي الشرير،
من الرجل الظالم انقذني،
الذين قرروا أن يدفعوا خطواتي.
٥ المتكبرون أخفوا فخا لي وحبالا،
مدوا شبكة على جانب الطريق،
وضعوا لي مصائد. سلاه
٦ قلت للرب: "أنت إلهي،

۷ "مُدرِک بُگذار، بلکه بخشنده،
حوصله کن و خطا بر خطا نیاور.
۸ "کار شیطان، نه مُدرِک، بخشنده و پُرمحبت است،
بسیار کند است در خشم و پُر از محبت. هلله.
۹ "خشم خود را همیشه نگه نمی‌دارد،
و کینه‌توز نیست.
۱۰ "ما را مطابق گناهانمان مجازات نکرده،
و به خاطر بدی‌هایمان به ما پاداش نداده است.
۱۱ "زیرا همان‌طور که آسمان بلند است بالای زمین،
رحمت او بر ترسندگانش عظیم است.
۱۲ همان‌طور که شرق از غرب دور است،
گناهان ما را از ما دور کرده است.
۱۳ همان‌طور که پدر بر فرزندان رحم می‌کند،
خداوند بر ترسندگانش رحم می‌کند.

۱۴۱ ۱ ای مُدرِک، دعای مرا بشنو، به فریادم گوش بده،
و به اشک‌هایم توجه کن.
۲ بگذار دعایم در حضورت مانند بخور بالا برود،
و دستانم مانند قربانی شام.
۳ ای مُدرِک، دهانم را نگاه دار،
و مراقب لبهایم باش.
۴ نگذار قلبم به کارهای بد تمایل پیدا کند،
یا در کارهای شرارت‌آمیز

כִּי עֹדֶנָּה תְּפִלָּתִי בְּרָעוֹתֵיהֶם׃
סָלְעֵי נִשָּׁמְטוּ בְיַד שֹׁפְטֵיהֶם וְשָׁמְעוּ אֶת אֲמָרַי כִּי נָעֲמוּ׃
כְּפֹלֵחַ וּבֹקֵעַ בָּאָרֶץ נִפְזְרוּ עַצְמוֹתֵינוּ לְפִי שְׁאוֹל׃
כִּי אֵלֶיךָ יְהוִה אֲדֹנָי עֵינָי כִּי חָסִיתִי בְךָ אַל תְּעַר נַפְשִׁי׃
שָׁמְרֵנִי מִיָּדִי פַּח יָקְשׁוּ לִי וּמוֹקְשֵׁי פֹּעֲלֵי אָוֶן׃
יִפְּלוּ בְמִכְמֹרֹתָיו רְשָׁעִים יָחַד אֲנִי עָבֹר׃

מַשְׂכִּיל לְדָוִד בִּהְיוֹתוֹ בַמְּעָרָה תְּפִלָּה׃ ١٤٢

קוֹלִי אֶל יְהוָה אֶזְעָק קוֹלִי אֶל יְהוָה אֶתְחַנָּן׃ ١
אָשִׁיחַ לְפָנָיו שִׂיחִי צָרָתִי לְפָנָיו אַגִּיד׃ ٢
בְּהִתְעַטֵּף עָלַי רוּחִי וְאַתָּה יָדַעְתָּ נְתִיבָתִי בְּאֹרַח זוּ אַהֲלֵךְ טָמְנוּ פַח לִי׃ ٣

حامی من است، پناهگاه من،
و رهایی‌بخش من.
۳ او سپر من است و من به او پناه می‌برم،
او قوم‌ها را زیر فرمان من می‌آورد.
۴ ای خداوند، انسان چیست که او را به یاد آوری،
و فرزند آدم چیست که به او توجه کنی؟
۵ انسان مانند نفس است،
و روزهای عمرش مانند سایه‌ای گذرا.
۶ ای خداوند، آسمان را بشکاف و فرود آی،
کوه‌ها را لمس کن تا دود شوند.
۷ برق بفرست و دشمنانم را پراکنده کن،
تیرهایت را رها کن و آنها را شکست بده.
۸ دست خود را از آسمان دراز کن و مرا رهایی بخش،
مرا از آبهای عمیق و از دست بیگانگان نجات بده.
۹ آنها دروغ می‌گویند و قسم‌های دروغ می‌خورند.

مزمور ۱۴۴

۱ ای خداوند، صخره من، تو را ستایش می‌کنم،
زیرا تو مرا برای جنگ آموزش داده‌ای و برای نبرد آماده کرده‌ای.
۲ تو محبت و قلعه من هستی،
پناهگاه و رهایی‌بخش من،
سپر من و کسی که به او پناه می‌برم.
او قوم‌ها را زیر فرمان من می‌آورد.
۳ ای خداوند، انسان چیست که او را به یاد آوری،
و فرزند آدم چیست که به او توجه کنی؟
۴ انسان مانند نفس است،
و روزهای عمرش مانند سایه‌ای گذرا.
۵ ای خداوند، آسمان را بشکاف و فرود آی،

۶ دستهایم را به سوی تو دراز می‌کنم؛
جانم مانند زمین خشک و بی‌آب
تشنهٔ توست. سِلاه
۷ ای خداوند، زود مرا اجابت فرما،
زیرا روحم رو به زوال است.
روی خود را از من برمگردان،
مبادا مانند کسانی شوم که به گور فرو می‌روند.
۸ صبح‌گاه رحمت خود را بر من آشکار کن،
زیرا بر تو توکل دارم.
راهی را که باید بروم به من نشان بده،
زیرا جان خود را به تو تسلیم می‌کنم.
۹ ای خداوند، مرا از دشمنانم نجات بده،
زیرا در تو پناه می‌جویم.
۱۰ به من بیاموز که مطابق اراده‌ات رفتار کنم،
زیرا تو خدای من هستی.
روح نیکوی تو مرا به راه راست هدایت کند.
۱۱ ای خداوند، به خاطر نام خود مرا زنده نگاه دار،
و به خاطر عدالت خود جان مرا از تنگی نجات بده.
۱۲ به خاطر محبت استوارت دشمنانم را نابود کن،
و همهٔ کسانی را که جانم را آزار می‌دهند هلاک ساز،
زیرا من بندهٔ تو هستم.

תהלים קמד.

קמד

[1] לדוד, ברוך יהוה צורי,
המלמד ידי לקרב, אצבעותי למלחמה.
[2] חסדי ומצודתי, משגבי ומפלטי לי,
מגני ובו חסיתי, הדובד עמים תחתי.
[3] יהוה מה אדם ותדעהו, בן אנוש ותחשבהו?
[4] אדם להבל דמה, ימיו כצל עובר.
[5] יהוה הטה שמיך וירד, גע בהרים ויעשנו.
[6] בזק ופזר איביהמו, חציך ותהמו.
[7] שלח ידיך ממרום, פרה והצילני, ממים רבים, מיד בני נכר.
[8] אשר פיהם דבר שוא, וימינם ימין שקר.
[9] אלהים שיר חדש אשירה לך, בנבל עשור אזמרה לך,

הַמַּכְנִיעַ עַמִּים תַּחְתָּי.
١٠ הַנּוֹתֵן תְּשׁוּעוֹת לְמַלְכּוֹ,
הַפּוֹדֶה אֶת דָּוִד עַבְדּוֹ מֵחֶרֶב רָעָה.
١١ פְּצֵנִי וְהַצִּילֵנִי מִיַּד בְּנֵי נֵכָר,
אֲשֶׁר פִּיהֶם דִּבֶּר שָׁוְא,
וִימִינָם יְמִין שָׁקֶר.
١٢ אֲשֶׁר בָּנֵינוּ כִּנְטִעִים מְגֻדָּלִים בִּנְעוּרֵיהֶם,
בְּנוֹתֵינוּ כְּזָוִיֹּת מְחֻטָּבוֹת תַּבְנִית הֵיכָל.
١٣ אֲסָמֵינוּ מְלֵאִים מְפִיקִים מִזַּן אֶל זַן,
צֹאנֵנוּ מַאֲלִפוֹת אֲלָפִים וְרִבְבוֹת בְּחוּצוֹתֵינוּ.
١٤ אַלּוּפֵינוּ מְסֻבָּלִים, אֵין פֶּרֶץ וְאֵין יוֹצֵאת,
וְאֵין צְוָחָה בִּרְחֹבוֹתֵינוּ.
١٥ אַשְׁרֵי הָעָם שֶׁכָּכָה לּוֹ,
אַשְׁרֵי הָעָם שֶׁיְּהוָה אֱלֹהָיו.

١٤٥

תְּהִלָּה לְדָוִד.
אֲרוֹמִמְךָ אֱלוֹהַי הַמֶּלֶךְ,
וַאֲבָרְכָה שִׁמְךָ לְעוֹלָם וָעֶד.
٢ בְּכָל יוֹם אֲבָרְכֶךָּ,
וַאֲהַלְלָה שִׁמְךָ לְעוֹלָם וָעֶד.
٣ גָּדוֹל יְהוָה וּמְהֻלָּל מְאֹד,
וְלִגְדֻלָּתוֹ אֵין חֵקֶר.
٤ דּוֹר לְדוֹר יְשַׁבַּח מַעֲשֶׂיךָ,
וּגְבוּרֹתֶיךָ יַגִּידוּ.
٥ הֲדַר כְּבוֹד הוֹדֶךָ,
וְדִבְרֵי נִפְלְאוֹתֶיךָ אָשִׂיחָה.

صالح هو الرب للجميع،
ورأفته على كل أعماله.
١٠ يحمدك يا رب كل أعمالك،
وأتقياؤك يباركونك.
١١ يتحدثون بمجد ملكك،
ويتكلمون عن جبروتك،
١٢ ليعرّفوا بنو آدم بقوتك
ومجد عظمة ملكك.
١٣ ملكك ملك كل الدهور،
وسلطانك في كل دور فدور.
١٤ الرب يعضد كل الساقطين،
ويقيم كل المنحنين.
١٥ عيون الكل إليك تترجى،
وأنت تعطيهم طعامهم في حينه.
١٦ تفتح يدك،
وتشبع كل حي رضى.
١٧ الرب بار في كل طرقه،
ورحيم في كل أعماله.
١٨ الرب قريب من كل الذين يدعونه،
من كل الذين يدعونه بالحق.
١٩ يعمل رضى خائفيه،
ويسمع تضرعهم ويخلصهم.
٢٠ الرب يحفظ كل محبيه،
وكل الأشرار يهلكهم.
٢١ فمي يتكلم بتسبحة الرب،
وليبارك كل بشر اسم قدسه
إلى الدهر والأبد.

١٧ צַדִּיק יְהוָה בְּכָל־דְּרָכָיו,
וְחָסִיד בְּכָל־מַעֲשָׂיו.
١٨ קָרוֹב יְהוָה לְכָל־קֹרְאָיו,
לְכֹל אֲשֶׁר יִקְרָאֻהוּ בֶאֱמֶת.
١٩ רְצוֹן־יְרֵאָיו יַעֲשֶׂה,
וְאֶת־שַׁוְעָתָם יִשְׁמַע וְיוֹשִׁיעֵם.
٢٠ שׁוֹמֵר יְהוָה אֶת־כָּל־אֹהֲבָיו,
וְאֵת כָּל־הָרְשָׁעִים יַשְׁמִיד.
٢١ תְּהִלַּת יְהוָה יְדַבֶּר־פִּי,
וִיבָרֵךְ כָּל־בָּשָׂר שֵׁם קָדְשׁוֹ לְעוֹלָם וָעֶד.

١٤٦

١ הַלְלוּיָהּ, הַלְלִי נַפְשִׁי, אֶת־יְהוָה.
٢ אֲהַלְלָה יְהוָה בְּחַיָּי,
אֲזַמְּרָה לֵאלֹהַי בְּעוֹדִי.
٣ אַל־תִּבְטְחוּ בִּנְדִיבִים,
בְּבֶן־אָדָם שֶׁאֵין לוֹ תְּשׁוּעָה.
٤ תֵּצֵא רוּחוֹ יָשֻׁב לְאַדְמָתוֹ,
בַּיּוֹם הַהוּא אָבְדוּ עֶשְׁתֹּנֹתָיו.
٥ אַשְׁרֵי שֶׁאֵל יַעֲקֹב בְּעֶזְרוֹ,
שִׂבְרוֹ עַל יְהוָה אֱלֹהָיו,
٦ עֹשֶׂה שָׁמַיִם וָאָרֶץ,
אֶת־הַיָּם וְאֶת כָּל־אֲשֶׁר בָּם,
הַשֹּׁמֵר אֱמֶת לְעוֹלָם,
٧ עֹשֶׂה מִשְׁפָּט לָעֲשׁוּקִים,

شُتُئ دِبُسُد لحصِتِ،
مُدئ عُدئ دِبُهتِ،
٨ مُدئ فُسُئ دِبُتِ دِهمتِ،
مُدئ مُدمُئ دِصِحتِ،
مُدئ مُيتُئ دِبُتِ،
٩ مُدئ نُهذُئ دِمُتُبِتِ،
هُبذُئ دِبُهُتِ مِتِهُدِئُه،
ربُئ رهُدئ دِبُعتِ دِبُعتِ حِ مُحِصِتِ.
١٠ مُدئ حِ مُدئ حِلحِهُ مُحِ عِحِ حِ،
بُكُتِ، ئ حِمُسِ، لِبُذُه دِبُذُه.

١٤٧

١ مُبحِسِ لمُدئ،
هُتُح مُدئ حِ مُدئ دِبُكُ،
هُتُح مُحِهمُهُ مُكُ؛ لسمُهُ مُكُ حِ مُهُ مِتِهُسُهُ.
٢ حِتُئ مِحِتِهُ مُدئ،
حمُتِ دِمُهذُمِلِ مِحِ مُحِ.
٣ حِ مُحِ لهُبتِ دِتُ،
مِه حِ مهُتُهُ دِهُتُهُ.
٤ حِ مُحِ مِتُئ دِحُمتِ،
لحُلِ حِ مُتِ مِتِ.
٥ حمُذُ مِحِ مُحِ مِذُه مُتُئ،
لمُحمُهُ مُه مِهُحمُهُ.
٦ حِ هُحِ مِحِتِ مُدئ،
حِ مُحِ دُعمُ حِحِ بُلِ بُدئ.

۷ با سپاس خداوند را بسرایید،
با چنگ خدای ما را بنوازید.
۸ او است که آسمان را با ابرها می‌پوشاند،
و باران را برای زمین فراهم می‌سازد،
و علف را بر کوه‌ها می‌رویاند.
۹ او است که به حیوانات خوراک می‌دهد،
و به کلاغ‌ها وقتی که گرسنه‌اند.
۱۰ او از قدرت اسب خوشش نمی‌آید،
و از چابکی سرباز لذت نمی‌برد.
۱۱ خداوند از کسانی خشنود است که او را احترام می‌کنند،
و امید خود را بر محبت او می‌گذارند.
۱۲ ای اورشلیم، خداوند را ستایش کن،
ای صهیون، خدای خود را تمجید نما.
۱۳ زیرا او دروازه‌های تو را محکم می‌سازد،
و فرزندان تو را برکت می‌دهد.
۱۴ او صلح را در سرزمین تو برقرار می‌سازد،
و تو را با بهترین گندم سیر می‌کند.
۱۵ او فرمان خود را به زمین می‌فرستد،
و کلامش با سرعت جاری می‌شود.
۱۶ او برف را مانند پشم می‌فرستد،
و شبنم را مانند خاکستر پخش می‌کند.
۱۷ او تگرگ را مانند سنگریزه می‌ریزد،
کیست که در برابر سرمای او بایستد؟

۱۸ او خپل کلام لیږي او دوی ویلي کوي،
د خپلې باد په ولولو سره اوبه بهیږي.
۱۹ هغه خپل کلام یعقوب ته ښکاره کوي،
خپل قانون او حکمونه اسرائیل ته.
۲۰ هغه هر یو ملت سره همدا کار نه دی کړی؛
دوی د هغه حکمونه نه پوهیږي.
هللویاه

۱۴۸ ۱ هللویاه!
د آسمان څخه د څښتن ستاینه وکړئ،
د لوړو ځایونو کې د هغه ستاینه وکړئ.
۲ د هغه ټولو فرښتو ستاینه وکړئ،
د هغه ټولو لښکرو ستاینه وکړئ.
۳ د لمر او سپوږمۍ ستاینه وکړئ،
د ټولو رڼا ورکوونکو ستورو ستاینه وکړئ.
۴ د آسمانونو د آسمانونو ستاینه وکړئ،
او د هغو اوبو چې د آسمانونو پورته دي.
۵ د څښتن نوم ستاینه وکړئ،
ځکه چې هغه امر وکړ او دوی پیدا شول.
۶ هغه دوی تل او تل ټینګ کړل،
هغه یو فرمان ورکړ چې تیریږي نه.
۷ د څښتن ستاینه وکړئ له ځمکې،
د لویو سمندرونو ستاینه وکړئ.
۸ اور او ژاله، واورې او وړیځې،

פִּי־תֵבֵל בְּכֹל־הָאָרֶץ׃
٩ הֹלְלוּ הָרִים וְכָל־גְּבָעוֹת׃
עֵץ פְּרִי וְכָל־אֲרָזִים׃
١٠ הַחַיָּה וְכָל־בְּהֵמָה׃
רֶמֶשׂ וְצִפּוֹר כָּנָף׃
١١ מַלְכֵי־אֶרֶץ וְכָל־לְאֻמִּים׃
שָׂרִים וְכָל־שֹׁפְטֵי אָרֶץ׃
١٢ בָּחוּר וְגַם־בְּתוּלָה׃
זְקֵנִים עִם־נְעָרִים׃
١٣ יְהַלְלוּ אֶת־שֵׁם יְהוָה׃
כִּי־נִשְׂגָּב שְׁמוֹ לְבַדּוֹ׃
הוֹדוֹ עַל־אֶרֶץ וְשָׁמָיִם׃
١٤ וַיָּרֶם קֶרֶן לְעַמּוֹ׃
תְּהִלָּה לְכָל־חֲסִידָיו׃
לִבְנֵי יִשְׂרָאֵל עַם קְרֹבוֹ׃
הַלְלוּיָהּ׃

١٤٩

١ הַלְלוּיָהּ׃
שִׁירוּ לַיהוָה שִׁיר חָדָשׁ׃
תְּהִלָּתוֹ בִּקְהַל חֲסִידִים׃
٢ יִשְׂמַח יִשְׂרָאֵל בְּעֹשָׂיו׃
בְּנֵי־צִיּוֹן יָגִילוּ בְמַלְכָּם׃
٣ יְהַלְלוּ שְׁמוֹ בְמָחוֹל׃
בְּתֹף וְכִנּוֹר יְזַמְּרוּ־לוֹ׃

٤ هُشَت حِ حشُه لا هُدئ حِنِئ،
حِ بِهِذهحه لمحهحِتِ لِهِبِ حِ.
٥ فُسِ بِجِهُذ حِبِقِ،
هُمهِس بِلِكِ حهِنُتهُه.
٦ ذهمذُه جِئُه لا هُكُحهُهس،
ههُه حِتِ هُهُتِ هِذِ هُهُ،
٧ لِحِجِئ هُ٥ حِكُ لا هُهُ،
هُحِنِقِتهُئ حِنِقِ.
٨ لِهُذِ هُلحُت هِتِكِ لا،
٥هِهِمهُذِ حهُچِ لا هُهُ.
٩ لِحِجِئ حِنِئ هُ٥ حِكُ-
هِمِكِ مِ لحُهِ هِنِقِهِجِ هِ.

١٥٠

١ هُلِلهِئ، بِحِسِ لِهُكُ حِنِئ،
بِحِسِ لِهُكُ حِنِئ حِهِجِمِ.
٢ بِحِسِ لِهُ حِسِ هُ٥ حِنِئ،
بِحِسِ لِهُ حِسِ لِهِ هُ٥ حِنِئ.
٣ بِحِسِ لِهُ حِسِ لِهِ حِنِئ،
بِحِسِ لِهُ حِسِ لِهِ حِنِئ.
٤ بِحِسِ لِهُ حِسِ لِهِ حِنِئ،
بِحِسِ لِهُ حِسِ لِهِ حِنِئ.
٥ بِحِسِ لِهُ حِسِ لِهِ حِنِئ،
بِحِسِ لِهُ حِسِ لِهِ حِنِئ.

٦ حلجد نجمصهُن جحسُن لهُمدنُن،
ونجلجونُن.

سكس لمللمو

لسكس مكسكس لاكمكس لكمو

٣:٢٢-٣٨ لمس

١ أَنَا مِنْ أَرْضِ الْعُبُودِيَّةِ، وَمِنْ عَصَا غَضَبِهِ، وَمِنْ نِيرِ
٢ تَجْدِيفِهِ. أَنَا سَارَ وَأَظْلَمَنِي، وَأَبْعَدَنِي وَأَتْعَبَنِي؛
٣ وَجَعَلَنِي يَسْكُنُ فِي الظُّلُمَاتِ، وَفِي الْمَوْتَى الْقُدَمَاءِ.
٤ وَبَنَى عَلَيَّ وَأَحَاطَنِي بِالْمَرَارَةِ وَالْمَشَقَّةِ؛ وَأَقَامَنِي
٥ فِي الظُّلُمَاتِ، كَالْمَوْتَى الَّذِينَ لَا يَعُودُونَ أَبَدًا. وَبَنَى
٦ عَلَيَّ وَأَحَاطَنِي بِالْمَرَارَةِ وَالْمَشَقَّةِ؛ وَأَقَامَنِي
٧ فِي الظُّلُمَاتِ، كَالْمَوْتَى الَّذِينَ لَا يَعُودُونَ أَبَدًا. وَبَنَى
٨ عَلَيَّ وَأَحَاطَنِي بِالْمَرَارَةِ وَالْمَشَقَّةِ؛ وَأَقَامَنِي
٩ فِي الظُّلُمَاتِ، كَالْمَوْتَى الَّذِينَ لَا يَعُودُونَ أَبَدًا. وَبَنَى
١٠ عَلَيَّ وَأَحَاطَنِي بِالْمَرَارَةِ وَالْمَشَقَّةِ؛ وَأَقَامَنِي
١١ فِي الظُّلُمَاتِ، كَالْمَوْتَى الَّذِينَ لَا يَعُودُونَ أَبَدًا. وَبَنَى
١٢a عَلَيَّ وَأَحَاطَنِي بِالْمَرَارَةِ وَالْمَشَقَّةِ. ١٢ مَهْمَا صَرَخْتُ
١٣ وَاسْتَغَثْتُ، سَدَّ أُذُنَهُ عَنْ صَلَاتِي؛ ١٣ وَبِحِجَارَةٍ
١٤ مَنْحُوتَةٍ سَدَّ طُرُقِي، وَأَعْوَجَ سُبُلِي. ١٤ صَارَ لِي

---

a ١:١١ ت مكلخ ٢٤:١٤-١٥؛ ت جدحمس ٣٦:١٠؛ زكمو ٢٧:٢٠

מובילים על הבתים; בחצר הפנימית ובאולם הבית;
[15] ויצק מובילים על הבתים שנים עשר אמה הקומה; וקו שנים עשר אמה יסב את שניהם. [16] ויעש כתרים שני יעש מצק לראשי העמודים, חמש אמות קומת הכתר האחד וחמש אמות קומת הכתר השני. [17] ושבכות, מעשה שתי עבות לשני הכתרים אשר על ראשי העמודים. [18] ויעש את העמודים ושתי טורים סביב על השבכה האחת לכסות את הכתרים אשר על ראש הרמון בשני הכתרים. [19] ומעשה העמודים שושנת אולם ארבעה באמה. [20] והכתרים על שני העמודים גם מלמעלה לעמת הבטן אשר אצל השבכה, ורמונים מאתים טורים סביב על הכתר השני. [21] ויקם את העמודים לאולם ההיכל, ויקם את העמוד הימני ויקרא את שמו יכין, ויקם את העמוד השמאלי ויקרא את שמו בעז. [22] ועל ראש העמודים מעשה שושן ותכל מלאכת העמודים.

מזבח הנחושת

שמות כז:א-ז

[23] ויעש את הים מוצק עשר באמה משפתו עד שפתו עגל סביב וחמש באמה קומתו וקו שלשים באמה יסב אתו סביב. [24] ופקעים תחת שפתו סביב סבבים עשרה באמה מקיפים את הים שני טורי הפקעים יצוקים במוצקתו. [25] עמד על שנים עשר בקר שלשה פנים צפונה ושלשה פנים ימה ושלשה פנים נגבה ושלשה פנים מזרחה והים למעלה עליהם ומחציתם אחוריהם בית. [26] ועביו טפח והשפה כמעשה שפת כוס פרח שושן מחזיק אלפים בת יכיל.

[27] ויעש את המכנות עשר נחשת אמה ארכה המכנה האחת ואמה רחבה המכנה האחת ואמה קומתה שלשים באמה. [28] ומעשה המכנות זה מסגרות להן בין המשקלות. [29] ועל המסגרות אשר בין המשקלות אריות בקר ופרים וכרבים ועל המשקלות מלמעלה ומתחת לאריות ולבקר לרכים מעשה מורד. [30] וארבעה אופנים לכל מכנה נחשת ושני סרני נחשת ושני כתפותיו לו ויסדו מתחת לכיור כתפות יצוקות לעמת כל אחת. [31] ופיו מבית לכתר ולמעלה באמה והפיו עגל מעשה כן אמה וחצי ועל פיו גם מחשבות על מחשביהם. [32] והאופנים מתחת לאסגרות ידות המכנה בתוכה ומעמדת האופן אחד לכל מכנה. [33] ומעשה האופנים כמעשה אופן מרכבה דברם ואופניהם ונבהם וחשוקיהם וחשוריהם כולם מוצקים. [34] וארבע כתפות לארבע פנות המכנה האחת מן המכנה כתפותיה. [35] ובראש המכנה חצי אמה עגל סביב וחמש באמה גבהו ומעמדתיו וחשוקיו ממנו יהיו. [36] ועל לחות מעמדתיו ועל חשוקיו פתח כרובים תמרים וכרבים כמלא מקום לכל אחד ואחד סביב. [37] כמעשה המכנות עשר יעשה מוצק אחד מדתם ומשקלם ומתכנתם.

[۲۳] اور اچانک ایک آدمی جو ناپاک روح کے قبضہ میں تھا عبادت خانہ میں آیا اور چلّا کر کہنے لگا،
[b] [۲۴] "اے یسوع ناصری ہم سے تجھ کو کیا کام؟ کیا تو ہم کو ہلاک کرنے آیا ہے؟ میں تجھ کو جانتا ہوں کہ تو کون ہے، خدا کا قدوس۔" [۲۵] یسوع نے اسے جھڑک کر کہا، "چپ رہ اور اس میں سے نکل جا!" [۲۶] اس پر ناپاک روح اسے مروڑ کر اور بڑی چیخ مار کر اس میں سے نکل گئی۔

یسوع کا بہت سے بیماروں کو شفا دینا

۲ [۱] چند دن کے بعد یسوع پھر کفرنحوم میں آیا، اور خبر مشہور ہوئی کہ وہ گھر میں ہے۔ [۲] اتنے لوگ جمع ہوئے کہ دروازے کے سامنے بھی جگہ نہ رہی، اور وہ ان کو کلام سنانے لگا۔ [۳] اتنے میں چار آدمی ایک مفلوج کو اٹھائے ہوئے اس کے پاس لائے۔ [۴] مگر بھیڑ کے سبب سے وہ اسے یسوع کے پاس نہ لا سکے، اس لئے جس جگہ وہ تھا اس کی چھت اوپر سے توڑ کر اور چھید کر اس کھٹولے کو جس پر مفلوج پڑا تھا نیچے لٹکا دیا۔ [۵] یسوع نے ان کا ایمان دیکھ کر مفلوج سے کہا، "بیٹا، تیرے گناہ معاف ہوئے۔"
[۶] وہاں کئی فقیہہ بیٹھے تھے، اور اپنے دلوں میں سوچنے لگے، [۷] "یہ کیوں ایسا کفر بکتا ہے؟ خدا کے سوا کون گناہ معاف کر سکتا ہے؟"
[c] [۸] یسوع نے اپنی روح میں جان لیا کہ وہ دل میں یہ سوچ رہے ہیں، اور ان سے کہا، "تم اپنے دلوں میں یہ کیوں سوچتے ہو؟ [۹] مفلوج سے کیا کہنا آسان ہے، یہ کہ تیرے گناہ معاف ہوئے، یا یہ کہ اٹھ اپنا کھٹولا اٹھا کر چل پھر؟

---

[b] ۱:۲۳ لوقا ۴:۳۳ [c] ۲:۶ احبار ۵:۲

۹ جب ہیرودیس بادشاہ کی باتیں سن چکے تو وہ روانہ ہو گئے۔ اور دیکھو، جو ستارہ
انہوں نے مشرق میں دیکھا تھا وہ ان کے آگے آگے چلتا رہا یہاں تک کہ جس جگہ
بچہ تھا اُس کے اوپر آ کر ٹھہر گیا۔ ۱۰ جب انہوں نے ستارہ کو دیکھا تو بہت ہی
خوش ہوئے۔ ۱۱ اور گھر میں جا کر بچہ کو اُس کی ماں مریم کے پاس دیکھا اور
گر کر اُسے سجدہ کیا۔ پھر اپنے خزانے کھول کر اُس کی نذر یعنی لوبان اور
مُر اور سونا پیش کیا۔ ۱۲ اور خواب میں ہدایت پا کر کہ ہیرودیس کے پاس نہ
جانا، کسی اور راہ سے اپنے ملک کو روانہ ہو گئے۔

یوسف کا مصر کو بھاگنا

۱۳ جب وہ روانہ ہو گئے تو دیکھو، خداوند کے فرشتہ نے یوسف کو خواب میں
دکھائی دے کر کہا، ”اُٹھ، بچہ اور اُس کی ماں کو ساتھ لے کر مصر کو بھاگ
جا، اور جب تک میں تجھے خبر نہ دوں وہیں رہنا کیونکہ ہیرودیس اس بچہ کو
ڈھونڈھنے کو ہے۔“ ۱۴ اُس نے اُٹھ کر رات ہی کو بچہ اور اُس کی ماں کو ساتھ
لیا اور مصر کو روانہ ہو گیا۔ ۱۵ اور ہیرودیس کی موت تک وہیں رہا تاکہ
جو خداوند نبی کی معرفت فرمایا تھا پورا ہو، کہ میں نے اپنے بیٹے کو مصر سے
بلایا۔[d]

بیت لحم کے لڑکوں کا قتل

۱۶ جب ہیرودیس نے دیکھا کہ مجوسی مجھے ٹھٹھا دے گئے تو بہت ہی غصہ ہوا
اور آدمی بھیج کر بیت لحم اور اُس کے سب علاقہ کے اندر کے دو برس کے
اور اُن سے کم عمر کے لڑکوں کو جو ٹھیک اُس وقت کے حساب سے جو اُس نے

---

[d] ۲:۱۵ ہوسیع ۱:۱۱

וּבְנֵי יְהוּדָה, יַחַד עַל בֵּית יִשְׂרָאֵל יֵלְכוּ וּבָאוּ יַחְדָּו מֵאֶרֶץ הַצָּפוֹן עַל הָאֶרֶץ אֲשֶׁר הִנְחַלְתִּי לַאֲבוֹתֵיכֶם. [١٧] בָּעֵת הַהִוא יִקְרְאוּ לִירוּשָׁלַם כִּסֵּא יְהוָה וְנִקְווּ אֵלֶיהָ כָּל הַגּוֹיִם לְשֵׁם יְהוָה לִירוּשָׁלָם וְלֹא יֵלְכוּ עוֹד אַחֲרֵי שְׁרִרוּת לִבָּם הָרָע:
[١٨] בַּיָּמִים הָהֵמָּה יֵלְכוּ בֵית יְהוּדָה אֶל בֵּית יִשְׂרָאֵל וְיָבֹאוּ יַחְדָּו מֵאֶרֶץ צָפוֹן עַל הָאָרֶץ אֲשֶׁר נָחַלְתִּי לַאֲבוֹתֵיכֶם. [e]

שיבת ישראל אל אלהיו

[١٩] וְאָנֹכִי אָמַרְתִּי אֵיךְ אָשִׂימְךָ בַּבָּנִים וְאֶתְּנָה לְךָ אֶרֶץ חֶמְדָּה צְבִי צִבְאוֹת גּוֹיִם וָאֹמַר אָבִי תִקְרְאִי לִי וּמֵאַחֲרַי לֹא תָשׁוּבִי מִהְיוֹת: [٢٠] אָכֵן בָּגְדָה אִשָּׁה מֵרֵעָהּ כֵּן בְּגַדְתֶּם בִּי בֵּית יִשְׂרָאֵל נְאֻם יְהוָה: [٢١] קוֹל עַל שְׁפָיִים נִשְׁמָע בְּכִי תַחֲנוּנֵי בְּנֵי יִשְׂרָאֵל כִּי הִעְוּוּ אֶת דַּרְכָּם שָׁכְחוּ אֶת יְהוָה אֱלֹהֵיהֶם: [٢٢] שׁוּבוּ בָנִים שׁוֹבָבִים אֶרְפָּה מְשׁוּבֹתֵיכֶם הִנֵּנוּ בָאִים אֵלֶיךָ כִּי אַתָּה יְהוָה אֱלֹהֵינוּ: [٢٣] אָכֵן לַשֶּׁקֶר מִגְּבָעוֹת הֲמוֹן הָרִים אָכֵן בַּיהוָה אֱלֹהֵינוּ לִתְשׁוּעַת יִשְׂרָאֵל: [٢٤] וְהַבֹּשֶׁת אָכְלָה אֶת יְגִיעֵי אֲבוֹתֵינוּ מִנְּעוּרֵינוּ אֶת צֹאנָם וְאֶת בְּקָרָם אֶת בְּנֵיהֶם וְאֶת בְּנוֹתֵיהֶם: [٢٥] נִשְׁכְּבָה בָּבָשְׁתֵּנוּ וְתְכַסֵּנוּ כְלִמָּתֵנוּ כִּי לַיהוָה אֱלֹהֵינוּ חָטָאנוּ אֲנַחְנוּ וַאֲבוֹתֵינוּ מִנְּעוּרֵינוּ וְעַד הַיּוֹם הַזֶּה וְלֹא שָׁמַעְנוּ בְּקוֹל יְהוָה אֱלֹהֵינוּ:

קריאה לשוב אל יהוה

הושע ١٤:١-٨; יואל ٢:١٢-١٣، ١٥-١٧; עמוס ٥:٤-٦، ١٤-١٥

٣ [١] וְאָמַר הֵן יְשַׁלַּח אִישׁ אֶת אִשְׁתּוֹ וְהָלְכָה מֵאִתּוֹ וְהָיְתָה לְאִישׁ אַחֵר הֲיָשׁוּב אֵלֶיהָ עוֹד הֲלוֹא חָנוֹף תֶּחֱנַף הָאָרֶץ הַהִוא וְאַתְּ זָנִית רֵעִים רַבִּים וְאוּלָם שׁוּבִי אֵלָי נְאֻם יְהוָה: [٢] שְׂאִי עֵינַיִךְ אֶל שְׁפָיִים וּרְאִי אֵיפֹה לֹא הָשְׁגָּלְתְּ עַל הַדְּרָכִים יָשַׁבְתְּ לָהֶם כָּעֲרָבִי בַּמִּדְבָּר וַתְּחַנְפִי אֶת הָאָרֶץ בְּזִנּוּתַיִךְ וּבְרָעָתֵךְ: [٣] וַתִּמָּנַע רְבִבִים וְלֶקֶשׁ מַלְקוֹשׁ לֹא הָיָה וּמֵצַח אִשָּׁה זוֹנָה הָיָה לָךְ מֵאַנְתְּ הִכָּלֵם:

---

[e] ٢:١٨ דברים ١٥:٣١

فَكَلَّمَ حِينَئِذٍ كُلُّ خَائِفِ الرَّبِّ، وَصَغَى الرَّبُّ وَسَمِعَ،
وَكُتِبَ سِفْرُ تَذْكِرَةٍ أَمَامَهُ لِخَائِفِي الرَّبِّ وَلِمُفَكِّرِينَ فِي اسْمِهِ. [f]١٦
وَيَكُونُونَ لِي، قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ، ذَخِيرَةً فِي اليَوْمِ الَّذِي أَنَا أَصْنَعُ،
وَأُشْفِقُ عَلَيْهِمْ كَمَا يُشْفِقُ الإِنْسَانُ عَلَى ابْنِهِ الَّذِي يَخْدِمُهُ. [g]١٧
فَتَعُودُونَ وَتُمَيِّزُونَ بَيْنَ الصِّدِّيقِ وَالشِّرِّيرِ، بَيْنَ مَنْ يَخْدِمُ اللهَ
وَمَنْ لاَ يَخْدِمُهُ.

١ «لأَنَّهُ هُوَذَا يَوْمٌ آتٍ مُتَّقِدًا كَالتَّنُّورِ، وَيَكُونُ كُلُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ
وَكُلُّ فَاعِلِي الشَّرِّ قَشًّا، وَيُحْرِقُهُمُ الْيَوْمُ الآتِي، قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ،
فَلاَ يُبْقِي لَهُمْ أَصْلاً وَلاَ فَرْعًا. ٢ وَلَكُمْ أَيُّهَا الْمُتَّقُونَ اسْمِي تُشْرِقُ
شَمْسُ الْبِرِّ وَالشِّفَاءُ فِي أَجْنِحَتِهَا، فَتَخْرُجُونَ وَتَنْشَأُونَ كَعُجُولِ
الصِّيرَةِ. ٣ وَتَدُوسُونَ الأَشْرَارَ لأَنَّهُمْ يَكُونُونَ رَمَادًا تَحْتَ
فُضُولِ أَقْدَامِكُمْ فِي اليَوْمِ الَّذِي أَنَا أَصْنَعُ، قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ.
٤ اذْكُرُوا شَرِيعَةَ مُوسَى عَبْدِي الَّتِي أَمَرْتُهُ بِهَا فِي حُورِيبَ لأَجْلِ
جَمِيعِ إِسْرَائِيلَ، الْفَرَائِضَ وَالأَحْكَامَ. [h]٥ هَا أَنَا أُرْسِلُ لَكُمْ إِيلِيَّا
النَّبِيَّ قَبْلَ مَجِيءِ يَوْمِ الرَّبِّ الْعَظِيمِ وَالْمَخُوفِ. ٦ فَيَرُدُّ قَلْبَ
الآبَاءِ عَلَى الأَبْنَاءِ، وَقَلْبَ الأَبْنَاءِ عَلَى آبَائِهِمْ، لِئَلاَّ آتِيَ وَأَضْرِبَ
الأَرْضَ بِلَعْنَةٍ».

---

[f] ٣:١٦ لوقا ١:٦ [g] ٣:١٧ خ تثنية ٧:١٤ [h] ٤:٥ متى ١١:١٤

מתתיהו ١٨מתמתי

מתמתי ١:٩-١١; לוקס ٣:٢١-٢٢

١٣ ואז בא ישוע מן הגליל אל הירדן, ובקש מיוחנן שיטבול אותו. ١٤ אבל יוחנן ניסה למנוע ממנו זאת: "אני צריך שתטבול אותי, ואתה בא אליי?" ١٥ אבל ישוע ענה לו: "עשה כך עכשיו, כי ראוי שנקיים את כל מה שהאל ציווה." ואז יוחנן הסכים. ١٦ כאשר ישוע עלה מן המים, השמים נפתחו, והוא ראה את רוח האל יורדת עליו כמו יונה. ١٧ ומן השמים נשמע קול שאמר: "זה הוא בני האהוב, שאני אוהב מאוד, ושבו אני מרוצה."

מתתיהו ١٩מתמתי

מתמתי ١:١٢-١٣; לוקס ٤:١-١٣

٤ ١ אחר כך הוביל רוח האל את ישוע אל המדבר, כדי שהשטן ינסה לפתות אותו. ٢ ישוע צם ארבעים יום וארבעים לילה, ולבסוף הוא הרעב. ٣ אז התקרב אליו השטן ואמר: "אם אתה באמת בן האל, הורה לאבנים האלה שיהפכו ללחם." ٤ אבל ישוע ענה לו: "כתוב בספרי הקודש שלנו: 'לא בלחם לבדו יחיה האדם, אלא בכל דבר שהאל אומר.'"

---

h ٣:١٧ דברי ١:٤٢ i ٤:٤ תהלים ٩١:١١-١٢ ٣:٨ תהלים ٩٥:١٠

ויאמר אליו השטן: "אם בן־אלהים אתה, אמר לאבנים האלה שתהיינה לחמים."[j] ויען ישוע ויאמר אליו: "כתוב גם כתוב: לא על־הלחם לבדו יחיה האדם, כי אם על כל־מוצא פי יהוה."[k] ויקחהו השטן אל־העיר הקדושה ויעמידהו על־כנף הבית ויאמר אליו: "אם בן־אלהים אתה, השלך את־עצמך מזה כי כתוב הוא: מלאכיו יצוה לך ועל־כפים ישאוך פן־תגף באבן רגלך." ויען ישוע ויאמר אליו: "גם כתוב הוא: לא תנסה את־יהוה אלהיך." ויקחהו השטן עוד אל־הר גבוה מאד ויראהו את כל־ממלכות העולם ואת כבודן ויאמר אליו: "כל־אלה אתן לך אם־תפול ארצה ותשתחוה לי." ויאמר אליו ישוע: "לך השטן, כי כתוב הוא: את־יהוה אלהיך תשתחוה ואותו לבדו תעבוד." ואז עזב השטן את־ישוע ומלאכים באו ויתנו לו שרות.

ישוע מתחיל במלאכתו

מרקוס א:יד-טו; לוקס ד:יד-טו

יב כאשר שמע ישוע כי נתפש יוחנן, הלך אל־הגליל. יג ויעזוב את־נצרת ויבוא וישב בכפר נחום אשר על־שפת הים בגבול זבולון ונפתלי. יד למען אשר יקום הדבר אשר דבר ישעיהו הנביא לאמר:

טו "ארץ זבולון וארץ נפתלי, דרך הים עבר הירדן גלילת הגוים,

---

[j] ד:ג דברים ח:ג-טז [k] ד:ד תהלים צא:יא-יב [l] ד:י תהלים ו:יג

[١٦] وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ يُدَنْ. وَهٰذِهِ الْآيَاتُ تَتْبَعُ الَّذِينَ آمَنُوا: بِاسْمِي يُخْرِجُونَ شَيَاطِينَ، وَيَتَكَلَّمُونَ بِأَلْسِنَةٍ جَدِيدَةٍ، [١٧م] وَيَحْمِلُونَ حَيَّاتٍ بِأَيْدِيهِمْ، وَإِنْ شَرِبُوا شَيْئًا مُمِيتًا لَا يَضُرُّهُمْ، وَيَضَعُونَ أَيْدِيَهُمْ عَلَى الْمَرْضَى فَيَبْرَأُونَ.»

الرب يسوع يصعد إلى السماء

مرقس ١٦:١-٢٠؛ لوقا ٥:١-١١

[١٨] ثُمَّ إِنَّ الرَّبَّ يَسُوعَ بَعْدَمَا كَلَّمَهُمْ ارْتَفَعَ إِلَى السَّمَاءِ وَجَلَسَ عَنْ يَمِينِ اللهِ. [١٩] وَأَمَّا هُمْ فَخَرَجُوا وَكَرَزُوا فِي كُلِّ مَكَانٍ، وَالرَّبُّ يَعْمَلُ مَعَهُمْ وَيُثَبِّتُ الْكَلِمَةَ بِالآيَاتِ التَّابِعَةِ. آمِينَ.

الرب يسوع يصعد إلى السماء

أعمال ١:٦-١١

[٢٣] وَأَمَّا يَسُوعُ فَبَعْدَمَا تَكَلَّمَ مَعَهُمْ ارْتَفَعَ وَهُمْ يَنْظُرُونَ، وَأَخَذَتْهُ سَحَابَةٌ عَنْ أَعْيُنِهِمْ. [٢٤] وَإِذْ كَانُوا شَاخِصِينَ إِلَى السَّمَاءِ عِنْدَمَا كَانَ يَذْهَبُ، إِذَا رَجُلَانِ قَدْ وَقَفَا بِهِمَا فِي لِبَاسٍ أَبْيَضَ، [٢٥] اللَّذَانِ أَيْضًا قَالَا: «أَيُّهَا الرِّجَالُ الْجَلِيلِيُّونَ، مَا بَالُكُمْ وَاقِفِينَ تَنْظُرُونَ إِلَى السَّمَاءِ؟ إِنَّ يَسُوعَ هٰذَا الَّذِي ارْتَفَعَ عَنْكُمْ إِلَى السَّمَاءِ سَيَأْتِي هٰكَذَا كَمَا نَظَرْتُمُوهُ مُنْطَلِقًا إِلَى السَّمَاءِ.»

[١٧م] مرقس ١٦:٤ وأعمال ١:٩-١٢

.ماي ـمهمحم ،ايتمحم ،ايڭيڭ ،ايڭ ـمسح ىهه ٥بلا بأه
٢٥ ىلمك ـمأ ايتنجم ٥ڭمحيڭ ايسڭلا مع ىتيح ايڭ ماڭ٥ ـمهڭ
ايڭنجم مع ايڭتلم مع ،مع ـمجم مع ،ايڭيڭ ـمهمڭيڭ.

ايماح كلم ـمسح ١٨٥،٥٤٥

O ١ايمع ـمسا مع ،ايتيحا ـمهم ،ايمم ماي ايماڭ؛ ٥ڭ ـم٥ب ماي،
ـمهڭيسا٥ مڭ٥مع ماي ايڭ٥م. ٢ـمڭمجم٥ماڭ ماحيحا مڭ٥ڭيسا٥ـم:

ايتاح

٢٣-٢٠:٦ ليما

٣"ماڭ ايڭمحيحا ايڭ ـمسح ڭتڭ، ڭبڭ ايڭمحيحا ماڭ ـمسح ڭتڭ،
٤"ماڭ ايڭ ايڭجڭيتا ڭبڭ، ڭتڭ أب ٥ـم ڭتڭ أب ٥ـم ايڭ. ٥"ماڭ
ايڭمحيحا، ڭتڭ أب ٥ـم ىڭب ايڭنا. ٦"ماڭ أب ايڭ ڭتڭ أب ٥ـم
ايڭ٥ماڭ، ڭتڭ أب ٥ـم ڭجب. ٧ـم"ماڭ ايڭ ڭتڭ أب ٥ـم ـمسح
٥ـم ڭب ـمڭ ايڭ أب ايڭ ڭتڭ، ـمسڭيڭ ايڭمحيحا ايڭ ـمسح
ـمڭ٥ ٥ـم ڭتڭ أب ٥ـم ڭتڭ. ٨"ماڭ أب ايڭ ايڭجڭيتا ڭبڭ،
ايڭنا. ٩٥"ماڭ ايڭجڭيتا ڭبڭ، ڭتڭ ايڭمحيحا ايڭنا ٥ـم ڭب ـمڭ.
١٠"ماڭ أب ايڭمحيحا ٥ـم ڭتڭ، ڭبڭ ـمسح ايڭ أب ايڭمحيحا
ايڭمحيحا ڭبڭ. ١١"ماڭ ايڭ ايڭمحيحا ايڭمحيحا ايڭمحيحا
ـمڭ٥ ١٢"ماڭ ايڭمحيحا ايڭمحيحا ايڭمحيحا ايڭمحيحا ايڭمحيحا
ايڭمحيحا ايڭمحيحا ايڭمحيحا ايڭمحيحا ايڭمحيحا ايڭمحيحا.

٥:٦ ٢ـمڭ ٥٥:١-٢ ٥:٨٥ ـمأ ٢٤:٣-٤

نمک اور روشنی کی مثال

متی ۵:۹؛ لوقا ۱۴:۳۴-۳۵

۱۳ "تم زمین کا نمک ہو، لیکن اگر نمک کا مزہ جاتا رہے تو پھر کس چیز سے
نمکین کیا جائے گا؟ وہ کسی کام کا نہیں رہتا سوا اس کے کہ باہر پھینکا جائے
اور آدمی پاؤں تلے روندیں۔ ۱۴ تم دنیا کے نور ہو۔ پہاڑ پر بسا ہوا شہر
چھپ نہیں سکتا۔ ۱۵ نہ لوگ چراغ جلا کر پیمانہ کے نیچے رکھتے ہیں بلکہ
چراغدان پر تاکہ گھر کے سب لوگوں کو روشنی دے۔ ۱۶ اسی طرح تمہاری
روشنی آدمیوں کے سامنے چمکے تاکہ وہ تمہارے اچھے کام دیکھ کر تمہارے
باپ کی جو آسمان پر ہے تمجید کریں۔

شریعت کی تکمیل

۱۷ "یہ نہ سمجھو کہ میں توریت یا نبیوں کی کتابوں کو منسوخ کرنے آیا ہوں۔
میں انہیں منسوخ کرنے نہیں بلکہ پورا کرنے آیا ہوں۔ ۱۸ میں تم سے سچ کہتا
ہوں کہ جب تک آسمان اور زمین ٹل نہ جائیں توریت کا ایک نقطہ یا شوشہ
بھی ہرگز نہ ٹلے گا جب تک سب کچھ پورا نہ ہو لے۔ ۱۹ پس جو کوئی ان
چھوٹے سے چھوٹے حکموں میں سے کسی ایک کو توڑے اور لوگوں کو
ایسا ہی سکھائے وہ آسمان کی بادشاہی میں سب سے چھوٹا کہلائے گا؛
لیکن جو کوئی ان پر عمل کرے اور سکھائے وہ آسمان کی بادشاہی میں
بڑا کہلائے گا۔ ۲۰ کیونکہ میں تم سے کہتا ہوں کہ اگر تمہاری راست بازی
فقیہوں اور فریسیوں کی راست بازی سے بڑھ کر نہ ہو تو تم ہرگز آسمان کی
بادشاہی میں داخل نہ ہوں گے۔

הכתוב לא תנאף

[21] "שמעתם שנאמר לראשונים לא תנאף וכל הנואף בא בדין: [22] ואני אומר לכם שכל הכועס על אחיו בדין; וכל האומר לאחיו ריקה בא בדין לפני הסנהדרין; וכל האומר לו שוטה בא בדין לגיהנם של אש. [23] לפיכך אם אתה מקריב את קרבנך על המזבח ושם נזכרת לך שאחיך יש לו עליך דבר, [24] הנח שם את קרבנך לפני המזבח ולך תחילה ופייס את אחיך ואחר כך בא והקרב את קרבנך. [25] הוי מתרצה לבעל דינך מהרה בעודך בדרך עמו פן ימסרך בעל דינך ביד השופט והשופט ביד השוטר ויתנו אותך בבית האסורים. [26] אמן אני אומר לך לא תצא משם עד שתשלם את הקנס האחרון.

הכתוב לא תנאף את אשתך

[27] "שמעתם שנאמר לראשונים לא תנאף: [28] ואני אומר לכם כל המביט באשת חבירו בתאוה כבר נאף עמה בלבו. [29] לפיכך אם עינך הימנית מכשלת אותך נקר אותה והשלך ממך שטוב לך שיאבד לך אחד מאבריך ואל יושלך כל גופך לגיהנם. [30] וכן אם ידך הימנית מכשלת אותך כרות אותה והשלך ממך שטוב לך שיאבד לך אחד מאבריך ואל יושלך כל גופך לגיהנם.

---

p ה:כא משלי כ:יג q ה:כז משלי כ:יד

ואַל־תִּשָּׁבַע בְּרֹאשֶׁךָ כִּי־אֵינְךָ יָכוֹל לַעֲשׂוֹת שְׂעָרָה אַחַת לָבָן אוֹ שָׁחֹר׃
לז כִּי אִם־יְהִי דְבַרְכֶם כֵּן כֵּן לֹא לֹא כִּי הַיֶּתֶר מִן־הָרָע הוּא׃

עין תחת עין

לח שָׁמַעְתֶּם כִּי נֶאֱמַר עַיִן תַּחַת עַיִן וְשֵׁן תַּחַת שֵׁן׃
לט וַאֲנִי אֹמֵר לָכֶם לֹא תִתְנַגְּדוּ לָרָע כִּי אִם־מִי שֶׁיַּכְּךָ עַל־לֶחְיְךָ הַיָּמִין
הַפְנֵה אֵלָיו גַּם אֶת־הַשֵּׁנִית׃
מ וְהָרוֹצֶה לָדוּן עִמְּךָ וְלָקַחַת אֶת־כֻּתָּנְתְּךָ הַנַּח לוֹ גַּם אֶת־הַמְעִיל׃
מא וְכָל־אֲשֶׁר יְאַלֶּצְךָ לָלֶכֶת אֶלֶף אַחַת עִמּוֹ לֵךְ שְׁתַּיִם׃
מב שְׁאַל לְכָל־אֲשֶׁר יִשְׁאָלֶךָּ וּמִן־הָרוֹצֶה לִלְוֹת מִמְּךָ אַל־תָּסֹב פָּנֶיךָ׃

אהבת אויבים

מג שָׁמַעְתֶּם כִּי נֶאֱמַר תֶּאֱהַב אֶת־רֵעֲךָ וְשָׂנֵאתָ אֶת־אֹיְבֶךָ׃
מד וַאֲנִי אֹמֵר לָכֶם אֶהֱבוּ אֶת־אֹיְבֵיכֶם וְהִתְפַּלְלוּ בְּעַד רֹדְפֵיכֶם׃
מה לְמַעַן תִּהְיוּ בְּנֵי אֲבִיכֶם שֶׁבַּשָּׁמָיִם כִּי הוּא מַזְרִיחַ שִׁמְשׁוֹ עַל־רָעִים
וְעַל־טוֹבִים וּמוֹרִיד גִּשְׁמוֹ עַל־צַדִּיקִים וְעַל־עוֹלִים׃
מו כִּי אִם־תֶּאֱהֲבוּ אֶת־אֹהֲבֵיכֶם מָה שָּׂכָר לָכֶם הֲלֹא גַּם־הַמֹּכְסִים עֹשִׂים כֵּן׃
מז וְאִם־תַּשְׁלִימוּ רַק לְאַחֵיכֶם מָה יֶתֶר תַּעֲשׂוּ הֲלֹא גַּם־הַגּוֹיִם עֹשִׂים כֵּן׃
מח לָכֵן תִּהְיוּ אַתֶּם תְּמִימִים כַּאֲשֶׁר אָבִיכֶם שֶׁבַּשָּׁמַיִם תָּמִים הוּא׃

ו:ד[r] ה״א ט״ו ל״ג ב׳ ל״ב ל״ג ב׳ ל״ב ל״ג ב׳ ל״ב

شفاء المجنون من

٢٩:٦ لوقا ٣٠-

٣٨ "عندما وصل يسوع إلى الشاطئ الآخر، في منطقة
الجراسيين،[t] ٣٩ التقى برجل يسكنه روح نجس. كان
الرجل يعيش بين القبور، ولم يستطع أحد أن يربطه
حتى بسلسلة. ٤٠ فقد كان قد قُيِّد بالسلاسل والقيود
مرارًا، ولكنه كان يقطع السلاسل ويحطم القيود، ولم
يستطع أحد أن يروضه. ٤١ وكان يصرخ ليلًا ونهارًا
بين القبور وعلى الجبال، ويجرح نفسه بالحجارة.
٤٢ فلما رأى يسوع من بعيد، ركض نحوه وسجد له،
وصرخ بصوت عالٍ:

شفاء المرأة النازفة

٢٧:٦-٢٨، ٣٢ لوقا ٣٢-٣٦

٤٣ "يسوع ابن الله العلي، ما علاقتك بي؟ أتوسل إليك
باسم الله أن لا تعذبني!" ٤٤u لأن يسوع كان قد قال
للروح النجس أن يخرج من الرجل. ثم سأل يسوع
الروح النجس: "ما اسمك؟" فأجاب: "اسمي لجئون،
لأننا كثيرون." ٤٥ وطلبت الأرواح النجسة من يسوع
ألا يرسلها خارج المنطقة. ٤٦ وكان هناك قطيع كبير
من الخنازير يرعى على التل قرب البحيرة. ٤٧ فطلبت
الأرواح النجسة من يسوع أن يرسلها إلى الخنازير،

---

t٥:٣٨ حرفيًا الجرجسيين ٢١:١٩ لوقا ٢٤:٢١؛ ٢٠:٢٤؛ ٨ مع بعض المخطوطات
u٥:٤٣ حرفيًا ١٨:١٩

ואין אני"? ٤٨ הנה צרפתיך ולא כבחון בחרתיך בכור עני, למעני למעני אעשה, כי איך יחל שמי, וכבודי לאחר לא אתן.

ישעיה נביא

٦ ١ שמעו זאת בית יעקב הנקראים בשם ישראל ומימי יהודה יצאו, הנשבעים בשם יהוה ומזכירים את אלהי ישראל, לא באמת ולא בצדקה. ٢ כי מן העיר הקדש נקראו, ועל אלהי ישראל נשענו, יהוה צבאות שמו. ٣ את הראשנות מאז הגדתי ומפי יצאו ואשמיעם, פתאם עשיתי ותבאנה. ٤ מדעתי כי קשה אתה, וגיד ברזל עורפך ומצחך נחושה. ٥ ואגד לך מאז בטרם תבוא השמעתיך, פן תאמר עצבי עשם ופסלי ונסכי צום אמרם. ٦ שמעת חזה כל זאת ואתם הלוא תגידו, השמעתיך חדשות מעתה ונצרות ולא ידעתם. ٧ עתה נבראו ולא מאז, ולפני יום ולא שמעתם, פן תאמר הנה ידעתים. ٨ גם לא שמעת גם לא ידעת גם מאז לא פתחה אזנך, כי ידעתי בגוד תבגוד ופשע מרחם קרא לך. ٩ למעני למען שמי אאריך אפי, ולתהלתי אחטם לך לבלתי הכרתך. ١٠ הנה צרפתיך ולא כבחון בחרתיך בכור עני. ١١ למעני למעני אעשה, כי איך יחל שמי, וכבודי לאחר לא אתן.

ישעיה כורש ישראל

ישעיה ٤٥:١١-٤

١٢ כה אמר יהוה קדוש ישראל ויצרו, שאלוני אתיות על בני ועל פעל ידי תצוני. ١٣ אני עשיתי ארץ, ואדם עליה בראתי, אני ידי נטו שחקים, וכל צבאם צויתי. ١٤ כה אמר יהוה יגיע מצרים וסחר כוש, וסבאים אנשי מדה עליך יעברו ולך יהיו, אחריך ילכו בזקים ולך ישתחוו, אליך יתפללו אך בך אל ואין עוד אפס אלהים. ١٥ אכן אתה אל מסתתר אלהי ישראל מושיע. ١٦ בשו וגם נכלמו כלם יחדו הלכו במכלמה חרשי צירים. ١٧ ישראל נושע ביהוה תשועת עולמים לא תבשו ולא תכלמו עד עולמי עד.

وَيَقُولُ لَهُمْ: «لَا تَأْخُذُوا شَيْئًا لِلطَّرِيقِ، سِوَى عَصًا فَقَطْ، لَا مِزْوَدًا وَلَا خُبْزًا وَلَا نُحَاسًا فِي أَحْزِمَتِكُمْ. ٩ بَلِ انْتَعِلُوا صَنَادِلَ، وَلَا تَلْبَسُوا ثَوْبَيْنِ.
١٠ وَقَالَ لَهُمْ: حَيْثُمَا دَخَلْتُمْ بَيْتًا فَأَقِيمُوا فِيهِ إِلَى أَنْ تَخْرُجُوا مِنَ الْمَكَانِ.
١١ وَكُلُّ مَنْ لَا يَقْبَلُكُمْ وَلَا يَسْمَعُ لَكُمْ، فَاخْرُجُوا مِنْ هُنَاكَ وَانْفُضُوا التُّرَابَ الَّذِي تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ شَهَادَةً عَلَيْهِمْ».
١٢ فَخَرَجُوا وَكَرَزُوا بِأَنْ يَتُوبَ النَّاسُ،
١٣ وَأَخْرَجُوا شَيَاطِينَ كَثِيرِينَ، وَدَهَنُوا بِالزَّيْتِ مَرْضَى كَثِيرِينَ فَشَفَوْهُمْ.

موت يوحنا المعمدان

١٤ وَسَمِعَ الْمَلِكُ هِيرُودُسُ بِذَلِكَ، لأَنَّ اسْمَ يَسُوعَ صَارَ مَشْهُورًا، وَقَالَ: «يُوحَنَّا الْمَعْمَدَانُ قَدْ قَامَ مِنَ الأَمْوَاتِ، وَلِذَلِكَ تَعْمَلُ بِهِ هَذِهِ الْقُوَّاتُ».
١٥ وَآخَرُونَ قَالُوا: «إِنَّهُ إِيلِيَّا». وَآخَرُونَ قَالُوا: «إِنَّهُ نَبِيٌّ كَوَاحِدٍ مِنَ الأَنْبِيَاءِ».
١٦ فَلَمَّا سَمِعَ هِيرُودُسُ قَالَ: «يُوحَنَّا الَّذِي قَطَعْتُ أَنَا رَأْسَهُ قَدْ قَامَ!».
١٧ لأَنَّ هِيرُودُسَ نَفْسَهُ كَانَ قَدْ أَرْسَلَ وَأَمْسَكَ يُوحَنَّا وَأَوْثَقَهُ فِي السِّجْنِ بِسَبَبِ هِيرُودِيَّا امْرَأَةِ فِيلُبُّسَ أَخِيهِ، لأَنَّهُ تَزَوَّجَهَا.
١٨ لأَنَّ يُوحَنَّا كَانَ قَدْ قَالَ لِهِيرُودُسَ: «لَا يَحِلُّ لَكَ أَنْ تَأْخُذَ امْرَأَةَ أَخِيكَ».
١٩ فَكَانَتْ هِيرُودِيَّا تُقَاوِمُهُ وَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَهُ، وَلَمْ تَقْدِرْ،
٢٠ لأَنَّ هِيرُودُسَ كَانَ يَهَابُ يُوحَنَّا، عَالِمًا أَنَّهُ رَجُلٌ بَارٌّ وَقِدِّيسٌ، وَكَانَ يَحْفَظُهُ. وَإِذْ سَمِعَهُ فَعَلَ كَثِيرًا،

بحث لا يتنبأ بحث، بحيث هو لكي لا يكون هذه لكي بحث، بحيث
لحجة. [٢١] هذا هو ما قد بحث بحث، لحجة هذه بحيث بحيث هو.

ملء الخطاب الحق

لوقا ١١:٣٤-٣٦

[٢٢] "حتى، هذه بحيث بحيث في، لحجة. ملء بين بحيث الخطاب
في فوضى حتى، ملء هذه فوضى في بين." [٢٣] حتى بين فوضى
في فوضى حتى، ملء هذه فوضى في بين. حتى بين فوضى فوضى
لحد فوضى، حتى بين فوضى حتى بحيث في، لحجة. فوضى بين هو
في هو!

[٢٤] "لا لحد بين في بحث لم تحت، هذه، لا فوضى حتى في بين بين
لحد هو؛ حيث في بين بحيث بحث في لم هذه بين. لا لحد في لحد
في لحد لا فوضى لحد بين.

هم لحد لا

لوقا ١٢:٢٢-٣٤

[٢٥] "هذه أن هذه هم لحد لحد، لا لحد، لحد لي بين أن لحد
لحد هذه في لحد في، لحد في هذه لحد لحد في لحد في لحد
بين لحد في. لحد في بحث بين لحد هذه لحد لحد، لحد
في. لحد هذه لحد في لحد لحد لحد بين بين، لحد لحد
هم بحث لحد لحد لحد؟ [٢٦] "لحد لحد: لا أن لحد هم لحد
لحد هو لحد هم لحد؟ [٢٧] "لحد هذه لحد لحد لحد، لحد
لا. لحد هذه لحد لحد لحد بين بين، لحد لحد لحد لحد
هم بحث لحد لحد لحد؟ [٢٨] "لحد هذه لحد هم لحد لحد
لحد لحد لحد لحد لحد لحد لحد لحد لحد لحد لحد لحد

וְחִטָּאתְךָ כְּפֻרָה׃ [٢٩] וָאֶשְׁמַע אֶת־קוֹל אֲדֹנָי אֹמֵר אֵת־מִי אֶשְׁלָח וּמִי יֵלֵךְ־לָנוּ
וָאֹמַר הִנֵּנִי שְׁלָחֵנִי׃ [٣٠] וַיֹּאמֶר לֵךְ וְאָמַרְתָּ לָעָם הַזֶּה שִׁמְעוּ שָׁמוֹעַ וְאַל־תָּבִינוּ
וּרְאוּ רָאוֹ וְאַל־תֵּדָעוּ׃ [٣١] הַשְׁמֵן לֵב־הָעָם הַזֶּה וְאָזְנָיו הַכְבֵּד וְעֵינָיו הָשַׁע פֶּן־יִרְאֶה
בְעֵינָיו וּבְאָזְנָיו יִשְׁמָע וּלְבָבוֹ יָבִין וְשָׁב וְרָפָא לוֹ׃ [٣٢] וָאֹמַר עַד־מָתַי אֲדֹנָי וַיֹּאמֶר
עַד אֲשֶׁר־שָׁאוּ עָרִים מֵאֵין יוֹשֵׁב וּבָתִּים מֵאֵין אָדָם וְהָאֲדָמָה תִּשָּׁאֶה שְׁמָמָה׃
[٣٣] וְרִחַק יְהוָה אֶת־הָאָדָם וְרַבָּה הָעֲזוּבָה בְּקֶרֶב הָאָרֶץ׃ [٣٤] וְעוֹד בָּהּ עֲשִׂרִיָּה וְשָׁבָה
וְהָיְתָה לְבִעֵר כְּאֵלָה וְכָאַלּוֹן אֲשֶׁר בְּשִׁלְכֶת מַצֶּבֶת בָּהֶם זֶרַע קֹדֶשׁ מַצֶּבְתָּהּ׃

ישעיהו ז

מלחמת ארם ואפרים

ישעיה ٦:٣٧-٣٨، ٤١-٤٢

[١] וַיְהִי בִּימֵי אָחָז בֶּן־יוֹתָם בֶּן־עֻזִּיָּהוּ מֶלֶךְ יְהוּדָה עָלָה רְצִין מֶלֶךְ־אֲרָם וּפֶקַח בֶּן־רְמַלְיָהוּ
מֶלֶךְ יִשְׂרָאֵל יְרוּשָׁלַ͏ִם לַמִּלְחָמָה עָלֶיהָ וְלֹא יָכֹל לְהִלָּחֵם עָלֶיהָ׃ [٢] וַיֻּגַּד לְבֵית דָּוִד
לֵאמֹר נָחָה אֲרָם עַל־אֶפְרָיִם וַיָּנַע לְבָבוֹ וְלֵב עַמּוֹ כְּנוֹעַ עֵצִים מִפְּנֵי רוּחַ׃ [٣] וַיֹּאמֶר יְהוָה
אֶל־יְשַׁעְיָהוּ צֵא־נָא לִקְרַאת אָחָז אַתָּה וּשְׁאָר יָשׁוּב בְּנֶךָ אֶל־קְצֵה תְּעָלַת הַבְּרֵכָה הָעֶלְיוֹנָה
אֶל־מְסִלַּת שְׂדֵה כוֹבֵס׃ [٤] וְאָמַרְתָּ אֵלָיו הִשָּׁמֶר וְהַשְׁקֵט אַל־תִּירָא וְרַךְ לְבָבְךָ אַל־יִירָא
מִשְּׁנֵי זַנְבוֹת הָאוּדִים הָעֲשֵׁנִים הָאֵלֶּה בַּחֲרִי אַף רְצִין וַאֲרָם וּבֶן־רְמַלְיָהוּ׃ [٥] יַעַן כִּי־יָעַץ
עָלֶיךָ אֲרָם רָעָה אֶפְרַיִם וּבֶן־רְמַלְיָהוּ לֵאמֹר׃ [٦] נַעֲלֶה בִיהוּדָה וְנָקִיצֶנָּהָ וְנָבַקְעֶנָּהָ אֵלֵינוּ
וְנַמְלִיךְ מֶלֶךְ בְּתוֹכָהּ אֶת־בֶּן־טָבְאַל׃ [٧] כֹּה אָמַר אֲדֹנָי יְהוִה לֹא תָקוּם וְלֹא תִהְיֶה׃
[٨] כִּי רֹאשׁ אֲרָם דַּמֶּשֶׂק וְרֹאשׁ דַּמֶּשֶׂק רְצִין וּבְעוֹד שִׁשִּׁים וַחֲמֵשׁ שָׁנָה יֵחַת אֶפְרַיִם
מֵעָם׃ [٩] וְרֹאשׁ אֶפְרַיִם שֹׁמְרוֹן וְרֹאשׁ שֹׁמְרוֹן בֶּן־רְמַלְיָהוּ אִם־לֹא תַאֲמִינוּ כִּי לֹא
תֵאָמֵנוּ׃

رسالة يعقوب

يعقوب ١١:٩-١٣

٧ "يا إخوتي، اصغوا إليّ: ألم يختر الله فقراء هذا العالم
ليكونوا أغنياء بالإيمان، ويرثوا الملكوت الذي وعد به
الذين يحبونه؟ ٨ أما أنتم فقد أهنتم الفقير. ألا يضطهدكم
الأغنياء، ويجرونكم إلى المحاكم؟ ٩ ألا يجدفون على
الاسم الكريم الذي دُعي عليكم؟ ١٠ إن كنتم تتمّمون
الشريعة الملكية بحسب الكتاب: "تحب قريبك كنفسك"،
فحسنًا تفعلون. ١١ ولكن إن كنتم تحابون الناس، ترتكبون
خطيئة، وتوبّخكم الشريعة كمخالفين لها. ١٢ تكلموا
وتصرفوا كأناس سيُدانون بشريعة الحرية. ١٣ فالدينونة
بلا رحمة على من لا يرحم، والرحمة تفتخر على الدينونة.

١ يوحنا ٢:٤

١ يوحنا ٢٤:١٣

١٣ "أيها الأولاد، إنني أكتب إليكم لأن خطاياكم قد غُفرت
لكم من أجل اسمه. ١٤ "أيها الآباء، إنني أكتب إليكم لأنكم
عرفتم الذي هو منذ البدء. أيها الشبان، إنني أكتب إليكم
لأنكم أقوياء، وكلمة الله ثابتة فيكم، وقد انتصرتم على
الشرير.

בקשת נעמן

מלכים ב ה:מג-מד

[15] "ואז הוא וכל מלוויו חזרו אל איש האלוהים. הם עמדו לפניו, והוא אמר: "עכשיו אני יודע שאין אלוהים בכל העולם, אלא בישראל. קח מתנה ממני, בבקשה." [16] אבל אלישע סירב. "חי יהוה, אלוהים שאני משרת," הוא אמר. נעמן ניסה לשכנע אותו לקחת את המתנה, אבל אלישע סירב. [17] "אם כך," אמר נעמן, "אולי תרשה לי לקחת משא של אדמה? אני מבטיח שמעתה אעלה קרבנות ליהוה רק על אדמת ישראל. [18] אבל יהוה, אני מבקש ממך שתסלח לי על דבר אחד: כאשר אני מלווה את אדוני למקדש של רימון, ומשתחווה שם, יהוה, אנא סלח לי." [19] אלישע ענה: "לך בשלום." נעמן נסע משם, ואחרי שעבר מרחק קצר,

יהוא נמשח למלוך על ישראל

מלכים ב ט:א-ג

[20] "אבל גיחזי, משרתו של אלישע, חשב לעצמו: 'אדוני נתן לנעמן הארמי הזה לקחת את המתנה שהביא. חי יהוה, אני אלך אחריו ואקבל ממנו משהו.'

יהוא מוביל מרד נגד יורם

מלכים ב ח:כח-כט

[21] "אז גיחזי רדף אחרי נעמן. כשנעמן ראה שמישהו רץ אחריו, הוא ירד מהמרכבה כדי לפגוש אותו. "הכל בסדר?" הוא שאל. [22] "כן," ענה גיחזי. "אדוני שלח אותי לומר שזה עתה הגיעו אליו שני נערים מהר אפרים, מבני הנביאים. הוא מבקש ממך כיכר כסף ושתי חליפות בגדים עבורם." [23] "בוודאי," ענה נעמן. "קח שתי כיכרות כסף." הוא נתן לשני משרתיו לשאת את המתנה, והם הלכו לפני גיחזי. כשהגיעו לגבעה,

יהוא הורג את יורם ואחזיהו

מלכים ב ט:כד-כז

[24] "אבל יהוא, שהיה עדיין על המרכבה, ירה חץ ישר בלבו של יהורם, והוא נפל מת. [25] "שלוף את גופתו," אמר יהוא לשלישי שלו, "וזרוק אותו לתוך שדה הקבורה של נבות היזרעאלי. אני זוכר שפעם אתה ואני רכבנו יחד אחרי אחאב אביו, וראינו את יהוה משמיע את הנבואה הזאת נגדו:

وعندما يأتي أبو العريس، وأصدقاؤه الذين يرافقونه، فليسهروا وهم ينتظرونه. ٣٥ فإنكم لا تعرفون متى يأتي، في المساء أو في منتصف الليل، أو عند صياح الديك، أو في الصباح الباكر. ٣٦ فإذا جاء فجأة، فلا تدعوه يجدكم نائمين. ٣٧ وما أقوله لكم أقوله لكل الناس: اسهروا!»

يسوع يشفي ابنة امرأة فينيقية

متى ١٥:٢١-٢٨

٧ ١ ثم ترك يسوع تلك المنطقة، وذهب إلى مدينة صور. ودخل بيتاً ولم يرد أن يعرف أحد بوجوده هناك، ولكنه لم يستطع أن يبقى مختفياً. ٢ فقد سمعت عنه امرأة كنعانية، ابنتها مصابة بروح نجس، فجاءت وسقطت عند قدميه. ٣ وكانت تطلب منه أن يخرج الشيطان من ابنتها. ٤ فقال لها يسوع: «دعي أولاد البيت يشبعون أولاً، لأنه ليس من الحسن أن يؤخذ خبز الأولاد ويرمى للكلاب.» ٥ فأجابته المرأة: «نعم يا سيد، ولكن الكلاب تحت المائدة تأكل من فتات خبز الأولاد.» ٦ فقال لها يسوع: «لأجل هذا الكلام اذهبي، فقد خرج الشيطان من ابنتك.» ٧ فمضت إلى بيتها، ووجدت ابنتها مستلقية على السرير، وقد خرج الشيطان منها.

يسوع يشفي رجلاً أصم وأخرس

مرقس ٧:١-١٠؛ متى ٤:٤٣-٤٥

٨ ثم عاد يسوع من تلك المنطقة، وذهب إلى بحيرة الجليل، ومر في وسط منطقة المدن العشر. ٩ وهناك جاءوا إليه برجل أصم وأخرس، وطلبوا منه أن يضع يده عليه ليشفيه. ١٠ فأخذه يسوع بعيداً عن الجمع، ووضع أصابعه في أذنيه، ثم تفل ولمس لسانه. ١١ ورفع نظره إلى السماء، وتنهد، وقال له: «افثا»، أي «انفتح». ١٢ فانفتحت أذناه في الحال، وانحلت عقدة لسانه، وصار يتكلم بوضوح. ١٣ فأمرهم يسوع أن لا يخبروا أحداً بما حدث. ولكن كلما أمرهم بذلك، كانوا يذيعون الخبر أكثر فأكثر. ١٤ وكانوا يندهشون جداً ويقولون: «لقد عمل كل شيء على أحسن ما يرام! فهو يجعل الصم يسمعون، والخرس يتكلمون!»

٧:٣٧ أشعياء ٣٥:٥-٦

ומיד יצא ממנו הצרעת. ויטהר. ז ויאמר אליו ישוע: "לך, הראה את עצמך לכהן, והקרב את הקרבן שצוה משה, לעדות להם." ח וכאשר נכנס ישוע בכפר כפרנחום, ניגש אליו שר מאה ואמר: "אדוני, עבדי שוכב בביתי משותק, ומתייסר מאוד." ט ויאמר לו ישוע: "אבוא וארפא אותו." י ויען שר המאה ויאמר: "אדוני, לא אהיה ראוי שתבוא תחת קורתי. אך אמור דבר, ויבריא עבדי. יא כי גם אני איש תחת ממשלה, ויש תחתי חיילים, ואומר לזה: 'לך', והוא הולך; ולאחר: 'בוא הנה', והוא בא; ולעבדי: 'עשה זאת', והוא עושה." יב וישמע ישוע ויתמה, ויאמר לאנשים שבאו אחריו: "אמן אומר אני לכם, לא מצאתי כזאת אמונה בישראל. יג ועתה לכו לדרככם, ויהי לכם כאשר האמנתם." ובאותה שעה נתרפא עבד השר. יד וישוע בא לבית פטרוס, וראה את חמות פטרוס שוכבת חולה בקדחת. טו וישוע נגע בידה, ותעזב אותה הקדחת, ותקם ותשרת לו.

הרפואות בשעות הערב והנבואה לישעיהו

מרקוס א:כט-לד; לוקס ד:לח-מא

יד ישוע בא לבית פטרוס, וראה את חמות פטרוס שוכבת חולה בקדחת. טו וישוע נגע בידה, ותעזב אותה הקדחת, ותקם ותשרת לו. טז ויהי בערב, ויביאו אליו רבים שוכבים חולים ומוכי שדים, ויגרש את הרוחות בדבר אחד, וכל החולים נרפאו. יז וכך נתקיים דבר הנביא ישעיהו: "הוא לקח את חולשותינו ונשא את מחלותינו."

وشفاهم.[w] ٣٤ فتحنن يسوع ولمس اعينهم، وفي الحال ابصرت اعينهم، فتبعوه.

الابرص والاعمى

٨:٢-٤ لوقا ٥:١٢-١٦؛ ٩:٥٧-٦٢

٨ ١٨ ولما رأى يسوع جموعا كثيرة حوله امر بالذهاب الى العبر الآخر. ١٩ فجاء كاتب
وقال له: "يا معلم، اتبعك اينما تذهب." ٢٠ فقال له يسوع: "للثعالب اوجرة ولطيور
السماء اوكار، واما ابن الانسان فليس له اين يسند رأسه." ٢١ وقال له آخر من تلاميذه:
"يا سيد، ائذن لي ان امضي اولا فادفن ابي." ٢٢ فقال له يسوع: "اتبعني، ودع الموتى
يدفنون موتاهم."

العاصفة

متى ٨:٢٣-٢٧؛ لوقا ٨:٢٢-٢٥؛ مزمور ٤:٣٥-٤١؛ ١٠٧:٢٣-٣٢

٢٣ ثم دخل السفينة وتبعه تلاميذه. ٢٤ وحدث هياج عظيم في البحر حتى غطت الامواج
السفينة، وكان هو نائما. ٢٥ فتقدموا وايقظوه قائلين: "يا سيد، نجنا فاننا نهلك!" ٢٦ فقال
لهم: "لماذا انتم خائفون يا قليلي الايمان؟" ثم قام وانتهر الرياح والبحر، فصار هدوء
عظيم. ٢٧ فتعجب الناس قائلين: "ما هذا؟ فان الرياح والبحر تطيعانه!"

---

[w] ٨:١٧ اشعياء ٤:٥٣

ישוע מרפא אדם בבית הכנסת

מתי ٨:٢٦-٣٩ ;לוקס ٥:١٧-٢٠ :מקבילות

[28] ואז הם הגיעו לעיר בשם כפר נחום. כשהגיע השבת נכנס ישוע לבית הכנסת
והחל ללמד את העם. [29] כולם היו נדהמים מהדרך שבה לימד, כי הוא לימד
[30] אך חמותו של שמעון שכבה חולה עם קדחת, ומיד סיפרו לו עליה.
[31] הוא ניגש אליה, לקח אותה בידו והרים אותה. הקדחת נעלמה מיד,
[32] בערב, לאחר שהשמש שקעה, הביאו אליו את כל החולים והמשוגעים.
[33] כל תושבי העיר התאספו ליד הבית. [34] ישוע ריפא רבים שסבלו ממחלות
קשות, והוציא שדים רבים מהאנשים שהחזיקו בהם. אך הוא לא נתן לשדים
לדבר, כי הם ידעו מי הוא.

ישוע מטהר מצורע

מתי ٨:١-٤ ;לוקס ٥:١٢-١٦

[1] ישוע חזר לכפר נחום, וכולם שמעו שהוא בבית. [2] אנשים רבים התאספו
סביבו, עד שלא נותר מקום אפילו ליד הדלת. הוא דיבר אל העם על הבשורה.
[3] אז הגיעו אליו ארבעה אנשים שנשאו איש משותק על אלונקה. [4] הם לא
יכלו להגיע אל ישוע בגלל ההמון, אז הם עלו על הגג, פתחו בו פתח והורידו

يسوع: "أما تعرفون ما معنى هذا الكلام: ٤ 'أريد رحمة لا ذبيحة.' فما جئت لأدعو الصالحين بل الخطاة." ٥ فقال له بعض تلاميذ يوحنا: "نحن والفريسيون نصوم كثيرا، فلماذا تلاميذك لا يصومون؟" ٦ فأجابهم يسوع: "هل يستطيع أصدقاء العريس أن يحزنوا ما دام العريس معهم؟ ولكن ستأتي أيام يؤخذ فيها العريس عنهم، فحينئذ يصومون. ٧ لا أحد يرقع ثوبا قديما برقعة من قماش جديد، لأن الرقعة تشد الثوب فيصير الخرق أسوأ. ٨ ولا يجعل أحد خمرا جديدة في زقاق قديمة، لئلا تشق الزقاق فتسيل الخمر وتتلف الزقاق. بل يجعل الخمر الجديدة في زقاق جديدة فتحفظ كلتاهما."

شفاء ابنة رئيس وامرأة نازفة

مرقس ٥:٢١-٤٣؛ لوقا ٨:٤٠-٥٦

٩ وبينما يسوع يتكلم إذا برئيس من رؤساء المجمع قد جاء وسجد له وقال: "ابنتي الآن ماتت، ولكن تعال وضع يدك عليها فتحيا." ١٠ فقام يسوع وتبعه هو وتلاميذه. ١١ وإذا امرأة كانت مصابة بنزف دم منذ اثنتي عشرة سنة جاءت من وراء يسوع ولمست هدب ثوبه، ١٢ لأنها قالت في نفسها: "إن لمست ثوبه فقط شفيت." ١٣ فالتفت يسوع ورآها وقال: "ثقي يا ابنة، إيمانك شفاك." فشفيت المرأة من تلك الساعة.

---

x ٩:١٣ تك ٦:٦

يسوع يشفي ولدا مصروعا

متى ١٧:١٤-٢٠؛ لوقا ٩:٣٧-٤٣

١٤ وعندما عاد يسوع إلى تلاميذه رأى حولهم جمعا كبيرا
وبعض معلمي الشريعة يجادلونهم. ١٥ وما إن رأى الجمع
يسوع حتى دهشوا وركضوا نحوه ليسلموا عليه. ١٦ فسألهم:
"عما تجادلون معهم؟" ١٧ فأجابه رجل من الجمع: "يا معلم،
أتيت بابني إليك لأن به روحا أخرس يصرعه. ١٨ وحيثما
يأخذه يمزقه، فيزبد ويصرّ بأسنانه ويتيبس. طلبت من
تلاميذك أن يطردوه، لكنهم عجزوا عن ذلك."

١٩ فقال يسوع: "أيها الجيل الكافر، إلى متى أبقى معكم؟
إلى متى أتحمل أخطاءكم؟ ائتوني بالولد." ٢٠ فأتوا به إليه.
وما إن رأى يسوع الروح النجس حتى صرع الولد فسقط على
الأرض يتلوى ويزبد. ٢١ فسأل يسوع أباه: "منذ متى أصيب
بهذا؟" فأجاب الأب: "منذ طفولته. ٢٢ وكثيرا ما ألقاه
الروح في النار أو في الماء ليقتله. فإن كنت تستطيع أن
تفعل شيئا فتعطف علينا وساعدنا." ٢٣ فقال له يسوع:

[٢٤] وصاح أبو الولد بدموع: «أنا أؤمن يا سيد، فساعد إيماني الضعيف!»
[٢٥] ولما رأى يسوع أن الجمع يتكاثر عليه، انتهر الروح النجس قائلاً له:
«أيها الروح الأخرس الأصم، أنا آمرك أن تخرج منه ولا تعد تدخل فيه!»
[٢٦] فصرخ الروح وصرعه بعنف وخرج منه، فصار الولد كالميت حتى إن
كثيرين قالوا: «لقد مات!» [٢٧] فأمسك يسوع بيده وأقامه، فوقف على قدميه.

[٢٨] ولما دخل يسوع بيتاً انفرد به تلاميذه وسألوه: «لماذا لم نستطع نحن
أن نطرد هذا الروح؟» [٢٩] فأجابهم: «هذا النوع لا يخرج إلا بالصلاة
والصوم.»

[٣٠] ثم خرجوا من هناك واجتازوا الجليل، ولم يرد يسوع أن يعلم أحداً
بوجوده هناك. [٣١] لأنه كان يعلم تلاميذه ويقول لهم: «سيسلم ابن
الإنسان إلى أيدي الناس فيقتلونه، وبعد ثلاثة أيام من قتله يقوم.»
[٣٢] ولكنهم لم يفهموا كلامه وخافوا أن يسألوه عنه.

[٣٣] ثم وصلوا إلى كفرناحوم، وبعد أن استقروا في البيت سألهم يسوع:
«عما كنتم تتجادلون في الطريق؟» [٣٤] فسكتوا لأنهم كانوا في الطريق
يتجادلون في من هو أعظم.

يسوع يعلّم عن الطلاق

٣٥ثم جاء اليه بعض الفريسيين ليجرّبوه، وسألوه: «هل يحلّ للرجل أن يطلّق امرأته؟» ٣٦فأجابهم يسوع: «بماذا أوصاكم موسى؟» ٣٧فقالوا: «سمح موسى بكتابة وثيقة طلاق وتسريح المرأة.» ٣٨فقال لهم يسوع: «من أجل قساوة قلوبكم كتب لكم موسى هذه الوصية. ٣٩ولكن منذ بدء الخليقة خلقهما الله ذكرًا وأنثى. ٧ ٤٠لذلك يترك الرجل أباه وأمه ويلتصق بامرأته، ٤١فيصير الاثنان جسدًا واحدًا. فلا يعودان اثنين بل جسد واحد. ٤٢فما جمعه الله لا يفرّقه الانسان.»

يسوع يبارك الأولاد

مت ١٩:١٣-١٥؛ لو ١٨:١٥-١٧

١٠ ثم قام يسوع من هناك وذهب إلى منطقة اليهودية وعبر نهر الأردن. فتبعته جموع كثيرة من جديد، وكان يعلّمهم كعادته. ٢فجاء اليه الفريسيون ليجرّبوه، وسألوه: «هل يحلّ للرجل أن يطلّق امرأته؟» ٣فأجابهم يسوع: «بماذا أوصاكم موسى؟» ٤فقالوا: «سمح موسى بكتابة وثيقة طلاق وتسريح المرأة.»

---

٧ ٩:٣٦ تث ١٧:٢٧؛ ١ أخ ١٧:٢٢؛ ح ب ٢ ١٦:١٨؛ مز ٥:٣٤

הפטרת בחקתי

ירמיה טז:יט-יז:יד; במדבר ו:כב-כז

יט יְהוָה עֻזִּי וּמָעוֹזִּי וּמְנוּסִי בְּיוֹם צָרָה אֵלֶיךָ גּוֹיִם יָבוֹאוּ מֵאַפְסֵי אָרֶץ וְיֹאמְרוּ אַךְ שֶׁקֶר נָחֲלוּ אֲבוֹתֵינוּ הֶבֶל וְאֵין בָּם מוֹעִיל׃ כ הֲיַעֲשֶׂה לוֹ אָדָם אֱלֹהִים וְהֵם לֹא אֱלֹהִים׃ כא לָכֵן הִנֵּה אֲנֹכִי מוֹדִיעַ פַּעַם זֹאת אוֹדִיעֵם אֶת יָדִי וְאֶת גְּבוּרָתִי וְיָדְעוּ כִּי שְׁמִי יְהוָה׃ יז א חַטַּאת יְהוּדָה כְּתוּבָה בְּעֵט בַּרְזֶל בְּצִפֹּרֶן שָׁמִיר חֲרוּתָה עַל לוּחַ לִבָּם וְלִקְרְנוֹת מִזְבְּחוֹתֵיכֶם׃ ב כְּזָכְרָם בְּנֵיהֶם אֶת מִזְבְּחוֹתָם וְאֶת אֲשֵׁרִים עַל עֵץ רַעֲנָן עַל גִּבְעוֹת הַגָּבֹהוֹת׃ ג הָרִי בַּשָּׂדֶה חֵילְךָ כָּל אוֹצְרוֹתֶיךָ לְבַז אֶתֵּן בָּמוֹתֶיךָ עַל חַטָּאת בְּכָל גְּבוּלֶיךָ׃ ד וְשָׁמַטְתָּה וּבְךָ מִנַּחֲלָתְךָ אֲשֶׁר נָתַתִּי לָךְ וְהַעֲבַדְתִּיךָ אֶת אֹיְבֶיךָ בְּאֶרֶץ אֲשֶׁר לֹא יָדָעְתָּ כִּי אֵשׁ קְדַחְתֶּם בְּאַפִּי עַד עוֹלָם תּוּקָד׃ ה כֹּה אָמַר יְהוָה אָרוּר הַגֶּבֶר אֲשֶׁר יִבְטַח בָּאָדָם וְשָׂם בָּשָׂר זְרֹעוֹ וּמִן יְהוָה יָסוּר לִבּוֹ׃ ו וְהָיָה כְּעַרְעָר בָּעֲרָבָה וְלֹא יִרְאֶה כִּי יָבוֹא טוֹב וְשָׁכַן חֲרֵרִים בַּמִּדְבָּר אֶרֶץ מְלֵחָה וְלֹא תֵשֵׁב׃ ז בָּרוּךְ הַגֶּבֶר אֲשֶׁר יִבְטַח בַּיהוָה וְהָיָה יְהוָה מִבְטַחוֹ׃ ח וְהָיָה כְּעֵץ שָׁתוּל עַל מַיִם וְעַל יוּבַל יְשַׁלַּח שָׁרָשָׁיו וְלֹא יִרְאֶה כִּי יָבוֹא חֹם וְהָיָה עָלֵהוּ רַעֲנָן וּבִשְׁנַת בַּצֹּרֶת לֹא יִדְאָג וְלֹא יָמִישׁ מֵעֲשׂוֹת פֶּרִי׃ ט עָקֹב הַלֵּב מִכֹּל וְאָנֻשׁ הוּא מִי יֵדָעֶנּוּ׃ י אֲנִי יְהוָה חֹקֵר לֵב בֹּחֵן כְּלָיוֹת וְלָתֵת לְאִישׁ כִּדְרָכָיו כִּפְרִי מַעֲלָלָיו׃ יא קֹרֵא דָגָר וְלֹא יָלָד עֹשֶׂה עֹשֶׁר לֹא בְמִשְׁפָּט בַּחֲצִי יָמָיו יַעַזְבֶנּוּ וּבְאַחֲרִיתוֹ יִהְיֶה נָבָל׃ יב כִּסֵּא כָבוֹד מָרוֹם מֵרִאשׁוֹן מְקוֹם מִקְדָּשֵׁנוּ׃ יג מִקְוֵה יִשְׂרָאֵל יְהוָה כָּל עֹזְבֶיךָ יֵבֹשׁוּ סוּרֵי בָּאָרֶץ יִכָּתֵבוּ כִּי עָזְבוּ מְקוֹר מַיִם חַיִּים אֶת יְהוָה׃ יד רְפָאֵנִי יְהוָה וְאֵרָפֵא הוֹשִׁיעֵנִי וְאִוָּשֵׁעָה כִּי תְהִלָּתִי אָתָּה׃ טו הֵן הֵמָּה אֹמְרִים אֵיֵּה דְבַר יְהוָה יֵאָתָה נָּא׃ טז וַאֲנִי לֹא אַחַשְׁתִּי מֵרֹעֶה אַחֲרֶיךָ וְיוֹם אָנוֹשׁ לֹא אִוִּיתִי אַתָּה יָדָעְתָּ מוֹצָא שְׂפָתַי נְכֹחָה הָיָה לְפָנֶיךָ׃ יז אַל תְּהִי לִי לְמַחְתָּה אַתָּה מַחְסִי בְּיוֹם רָעָה׃ יח יֵבֹשׁוּ רֹדְפָי וְאַל אֵבֹשָׁה אֲנִי אֶחָתּוּ הֵמָּה וְאַל אֵחַתָּה אֲנִי הָבִיא עֲלֵיהֶם יוֹם רָעָה וּמִשְׁנֶה שִׁבָּרוֹן שַׁבְּרֵם׃ יט כֹּה אָמַר יְהוָה אֵלַי לֵךְ וְעָמַדְתָּ בְּפֶתַח בְּנֵי עָם אֲשֶׁר יָבֹאוּ בוֹ מַלְכֵי יְהוּדָה וַאֲשֶׁר יֵצְאוּ בוֹ וּבְכָל שַׁעֲרֵי יְרוּשָׁלִָם׃ כ וְאָמַרְתָּ אֲלֵהֶם שִׁמְעוּ דְבַר יְהוָה מַלְכֵי יְהוּדָה וְכָל יְהוּדָה וְכֹל יוֹשְׁבֵי יְרוּשָׁלִַם הַבָּאִים בַּשְּׁעָרִים הָאֵלֶּה׃ כא כֹּה אָמַר יְהוָה הִשָּׁמְרוּ בְנַפְשׁוֹתֵיכֶם וְאַל תִּשְׂאוּ מַשָּׂא בְּיוֹם הַשַּׁבָּת וְהֲבֵאתֶם בְּשַׁעֲרֵי יְרוּשָׁלִָם׃ כב וְלֹא תוֹצִיאוּ מַשָּׂא מִבָּתֵּיכֶם בְּיוֹם הַשַּׁבָּת וְכָל מְלָאכָה לֹא תַעֲשׂוּ וְקִדַּשְׁתֶּם אֶת יוֹם הַשַּׁבָּת כַּאֲשֶׁר צִוִּיתִי אֶת אֲבוֹתֵיכֶם׃ כג וְלֹא שָׁמְעוּ וְלֹא הִטּוּ אֶת אָזְנָם וַיַּקְשׁוּ אֶת עָרְפָּם לְבִלְתִּי שְׁמוֹעַ וּלְבִלְתִּי קַחַת מוּסָר׃ כד וְהָיָה אִם שָׁמוֹעַ תִּשְׁמְעוּן אֵלַי נְאֻם יְהוָה לְבִלְתִּי הָבִיא מַשָּׂא בְּשַׁעֲרֵי הָעִיר הַזֹּאת בְּיוֹם הַשַּׁבָּת וּלְקַדֵּשׁ אֶת יוֹם הַשַּׁבָּת לְבִלְתִּי עֲשׂוֹת בּוֹ כָּל מְלָאכָה׃ כה וּבָאוּ בְשַׁעֲרֵי הָעִיר הַזֹּאת מְלָכִים וְשָׂרִים יֹשְׁבִים עַל כִּסֵּא דָוִד רֹכְבִים בָּרֶכֶב וּבַסּוּסִים הֵמָּה וְשָׂרֵיהֶם אִישׁ יְהוּדָה וְיוֹשְׁבֵי יְרוּשָׁלִַם וְיָשְׁבָה הָעִיר הַזֹּאת לְעוֹלָם׃ כו וּבָאוּ מֵעָרֵי יְהוּדָה וּמִסְּבִיבוֹת יְרוּשָׁלִַם וּמֵאֶרֶץ בִּנְיָמִן וּמִן הַשְּׁפֵלָה וּמִן הָהָר וּמִן הַנֶּגֶב מְבִיאִים עוֹלָה וְזֶבַח וּמִנְחָה וּלְבוֹנָה וּמְבִיאִים תּוֹדָה בֵּית יְהוָה׃ כז וְאִם לֹא תִשְׁמְעוּ אֵלַי לְקַדֵּשׁ אֶת יוֹם הַשַּׁבָּת וְלִבְלְתִּי שְׂאֵת מַשָּׂא וּבָא בְּשַׁעֲרֵי יְרוּשָׁלִַם בְּיוֹם הַשַּׁבָּת וְהִצַּתִּי אֵשׁ בִּשְׁעָרֶיהָ וְאָכְלָה אַרְמְנוֹת יְרוּשָׁלִַם וְלֹא תִכְבֶּה׃ א הַדָּבָר אֲשֶׁר הָיָה אֶל יִרְמְיָהוּ מֵאֵת יְהוָה לֵאמֹר׃ ב קוּם וְרֵד בֵּית הַיּוֹצֵר וְשָׁם אַשְׁמִיעֲךָ אֶת דְּבָרָי׃ ג וָאֵרֵד בֵּית הַיּוֹצֵר וְהִנֵּה הוּא עֹשֶׂה מְלָאכָה עַל הָאָבְנָיִם׃ ד וְנִשְׁחַת הַכְּלִי אֲשֶׁר הוּא עֹשֶׂה בַּחֹמֶר בְּיַד הַיּוֹצֵר וְשָׁב וְעָשָׂה כְּלִי אַחֵר כַּאֲשֶׁר טוֹב בְּעֵינֵי הַיּוֹצֵר לַעֲשׂוֹת׃ ה וַיְהִי דְבַר יְהוָה אֵלַי לֵאמֹר׃ ו הַכְּיוֹצֵר הַזֶּה לֹא אוּכַל לַעֲשׂוֹת לָכֶם בֵּית יִשְׂרָאֵל נְאֻם יְהוָה הִנֵּה כַּחֹמֶר בְּיַד הַיּוֹצֵר כֵּן אַתֶּם בְּיָדִי בֵּית יִשְׂרָאֵל׃ ז רֶגַע אֲדַבֵּר עַל גּוֹי וְעַל מַמְלָכָה לִנְתוֹשׁ וְלִנְתוֹץ וּלְהַאֲבִיד׃ ח וְשָׁב הַגּוֹי הַהוּא מֵרָעָתוֹ אֲשֶׁר דִּבַּרְתִּי עָלָיו וְנִחַמְתִּי עַל הָרָעָה אֲשֶׁר חָשַׁבְתִּי לַעֲשׂוֹת לוֹ׃ ט וְרֶגַע אֲדַבֵּר עַל גּוֹי וְעַל מַמְלָכָה לִבְנוֹת וְלִנְטוֹעַ׃ י וְעָשָׂה הָרַע הַזֶּה בְּעֵינַי לְבִלְתִּי שְׁמוֹעַ בְּקוֹלִי וְנִחַמְתִּי עַל הַטּוֹבָה אֲשֶׁר אָמַרְתִּי לְהֵיטִיב אוֹתָם׃ יא וְעַתָּה אֱמֹר נָא אֶל אִישׁ יְהוּדָה וְאֶל יוֹשְׁבֵי יְרוּשָׁלִַם לֵאמֹר כֹּה אָמַר יְהוָה הִנֵּה אֹצֵר עֲלֵיכֶם רָעָה וְחֹשֵׁב עֲלֵיכֶם מַחֲשָׁבָה שׁוּבוּ נָא אִישׁ מִדַּרְכּוֹ הָרָעָה וְהֵיטִיבוּ דַּרְכֵיכֶם וּמַעַלְלֵיכֶם׃ יב וַיֹּאמְרוּ נוֹאָשׁ כִּי אַחֲרֵי מַחְשְׁבוֹתֵינוּ נֵלֵךְ וְאִישׁ שְׁרִרוּת לִבּוֹ הָרָע נַעֲשֶׂה׃ יג לָכֵן כֹּה אָמַר יְהוָה שַׁאֲלוּ נָא בַגּוֹיִם מִי שָׁמַע כָּאֵלֶּה שָׁמְעָה מְאֹד עָשְׂתָה בְתוּלַת יִשְׂרָאֵל׃ יד הֲיִטֹּשׁ מִסֶּלַע לְבָנוֹן מָקוֹר שָׂדָי אִם יִנָּתְשׁוּ מֵי נֵכָר זָרִים קָרִים נוֹזָלִים׃ טו כִּי שְׁכֵחַנִי עַמִּי לְשָׁוְא יְקַטֵּרוּ וַיַּכְשִׁלוּם בְּדַרְכָּם דַּרְכֵי עוֹלָם לָלֶכֶת בִּנְתִיבוֹת דֶּרֶךְ לֹא סְלוּלָה׃ טז לָשׂוּם אַרְצָם לִשַּׁמָּה שְׁרֻקַת עוֹלָם כָּל עוֹבֵר עָלֶיהָ יִשֹּׁם וְיָנִיעַ לְרֹאשׁוֹ׃ יז כְּרוּחַ קָדִים אָפִיצֵם לִפְנֵי אוֹיֵב עֹרֶף וְלֹא פָנִים אַרְאֵם בְּיוֹם אֵידָם׃ יח וַיֹּאמְרוּ בָּאוּ וְנַחְשְׁבָה עַל יִרְמְיָהוּ כִּי לֹא תֹאבַד תּוֹרָה מִכֹּהֵן וְעֵצָה מֵחָכָם וְדָבָר מִנָּבִיא לְכוּ וְנַכֵּנוּ אוֹתוֹ בַּלָּשׁוֹן וְאַל נַקְשִׁיבָה אֶל כָּל דְּבָרָיו׃ יט הַקְשִׁיבָה יְהוָה אֵלָי וְשִׁמְעָה בְּקוֹל רִיבָי׃ כ הֲיִשָּׁלֵם תַּחַת טוֹבָה רָעָה כִּי כָרוּ שִׁיחָה לְנַפְשִׁי זְכֹר עָמְדִי לְפָנֶיךָ לְדַבֵּר עֲלֵיהֶם טוֹבָה לְהָשִׁיב אֶת חֲמָתְךָ מֵהֶם׃ כא לָכֵן תֵּן אֶת בְּנֵיהֶם לָרָעָב וְהַגִּירֵם עַל יְדֵי חָרֶב וּתְהִי נְשֵׁיהֶם שַׁכֻּלוֹת וְאַלְמָנוֹת וַאֲנָשֵׁיהֶם יִהְיוּ מוּמָתֵי מָוֶת בַּחוּרֵיהֶם הֻכֵּי חֶרֶב בַּמִּלְחָמָה׃ כב תִּשָּׁמַע זְעָקָה מִבָּתֵּיהֶם כִּי תָבִיא עָלֵימוֹ גְדוּד פִּתְאֹם כִּי כָרוּ שִׁיחָה לִלְכְּדֵנִי וּפַחִים טָמְנוּ לְרַגְלָי׃ כג וְאַתָּה יְהוָה יָדַעְתָּה כָּל עֲצָתָם עָלַי לָמָוֶת אַל תְּכַס עַל עֲוֹנָם וְחַטָּאתָם מִלְּפָנֶיךָ אַל תִּמָּחֶה וְיִהְיוּ כֹּשְׁלִים לְפָנֶיךָ בְּעֵת אַפְּךָ עֲשֵׂה בָּהֶם׃ א כֹּה אָמַר יְהוָה לֵךְ וְקָנִיתָ לְךָ בַּד פִּשְׁתִּים וַאֲזוֹר וְשִׂמְתָּם עַל מָתְנֶיךָ וּבַמַּיִם לֹא תְבִיאֵם׃ ב וָאֶקֶן אֶת הָאֵזוֹר כִּדְבַר יְהוָה וָאָשִׂם עַל מָתְנָי׃ ג וַיְהִי דְבַר יְהוָה אֵלַי שֵׁנִית לֵאמֹר׃ ד קַח אֶת הָאֵזוֹר אֲשֶׁר קָנִיתָ אֲשֶׁר עַל מָתְנֶיךָ וְקוּם לֵךְ פְּרָתָה וְטָמְנֵהוּ שָׁם בְּנֹקֶר סָלָע׃ ה וָאֵלֵךְ וָאֶטְמְנֵהוּ בִּפְרָת כַּאֲשֶׁר צִוָּה יְהוָה אֹתִי׃ ו וַיְהִי מִקְצֵה יָמִים וַיֹּאמֶר יְהוָה אֵלַי קוּם לֵךְ פְּרָתָה וְקַח מִשָּׁם אֶת הָאֵזוֹר אֲשֶׁר צִוִּיתִיךָ שָׁם לְטַמְּנוֹ׃ ז וָאֵלֵךְ פְּרָתָה וָאֶחְפֹּר וָאֶקַּח אֶת הָאֵזוֹר מִן הַמָּקוֹם אֲשֶׁר טְמַנְתִּיו שָׁמָּה וְהִנֵּה נִשְׁחַת הָאֵזוֹר לֹא יִצְלַח לְכֹל׃ ח וַיְהִי דְבַר יְהוָה אֵלַי לֵאמֹר׃ ט כֹּה אָמַר יְהוָה כָּזֹאת אַשְׁחִית אֶת גְּאוֹן יְהוּדָה וְאֶת גְּאוֹן יְרוּשָׁלִָם הָרָב׃ י הָעָם הַזֶּה הָרָעִים הַמְאָנִים לִשְׁמוֹעַ אֶת דְּבָרָי הַהֹלְכִים בִּשְׁרִרוּת לִבָּם וַיֵּלְכוּ אַחֲרֵי אֱלֹהִים אֲחֵרִים לְעָבְדָם וּלְהִשְׁתַּחֲוֹת לָהֶם וְיִהְיוּ כָּאֵזוֹר הַזֶּה אֲשֶׁר לֹא יִצְלַח לְכֹל׃ יא כִּי כַאֲשֶׁר יִדְבַּק הָאֵזוֹר אֶל מָתְנֵי אִישׁ כֵּן הִדְבַּקְתִּי אֵלַי אֶת כָּל בֵּית יִשְׂרָאֵל וְאֶת כָּל בֵּית יְהוּדָה נְאֻם יְהוָה לִהְיוֹת לִי לְעָם וּלְשֵׁם וּלְתִפְאֶרֶת וְלִתְהִלָּה וְלֹא שָׁמָעוּ׃ יב וְאָמַרְתָּ אֲלֵהֶם כֹּה אָמַר יְהוָה אֱלֹהֵי יִשְׂרָאֵל כָּל נֵבֶל יִמָּלֵא יָיִן וְאָמְרוּ אֵלֶיךָ הֲלוֹא יָדוֹעַ נֵדַע כִּי כָל נֵבֶל יִמָּלֵא יָיִן׃ יג וְאָמַרְתָּ אֲלֵהֶם כֹּה אָמַר יְהוָה הִנֵּה אֲנִי מְמַלֵּא אֶת כָּל יוֹשְׁבֵי הָאָרֶץ הַזֹּאת וְאֶת הַמְלָכִים הַיֹּשְׁבִים לְדָוִד עַל כִּסְאוֹ וְאֶת הַכֹּהֲנִים וְאֶת הַנְּבִיאִים וְאֶת כָּל יוֹשְׁבֵי יְרוּשָׁלִַם שִׁכָּרוֹן׃ יד וְנִפַּצְתִּים אִישׁ אֶל רֵעֵהוּ וְהָאָבוֹת וְהַבָּנִים יַחְדָּו נְאֻם יְהוָה לֹא אֶחְמֹל וְלֹא אָחוֹס וְלֹא אֲרַחֵם מֵהַשְׁחִיתָם׃ טו שִׁמְעוּ וְהַאֲזִינוּ אַל תִּגְבְּהוּ כִּי יְהוָה דִּבֶּר׃ טז תְּנוּ לַיהוָה אֱלֹהֵיכֶם כָּבוֹד בְּטֶרֶם יַחְשִׁיךְ וּבְטֶרֶם יִתְּנוּ רַגְלֵיכֶם עַל הָרֵי נָשֶׁף וְקִוִּיתֶם לָאוֹר וְשָׂמָהּ לְצַלְמָוֶת יָשִׁית לַעֲרָפֶל׃ יז וְאִם לֹא תִשְׁמָעוּהָ בְּמִסְתָּרִים תִּבְכֶּה נַפְשִׁי מִפְּנֵי גַאֲוָה וְדָמוֹעַ תִּדְמַע וְתֵרַד עֵינִי דִמְעָה כִּי נִשְׁבָּה עֵדֶר יְהוָה׃ יח אֱמֹר לַגְּבִרָה וְלַגְּבִירָה הִשְׁפִּילוּ שְׁבוּ כִּי יָרַד מֵרֹאשְׁכֶם כֶּתֶר תִּפְאַרְתְּכֶם׃ יט עָרֵי הַנֶּגֶב סֻגָּרוּ וְאֵין פּוֹתֵחַ גָּלוּת יְהוּדָה כֻּלָּהּ הָגְלָה שָׁלוֹם הָגְלָה כָּלִיל׃ כ שְׂאוּ עֵינֵיכֶם וּרְאוּ הַבָּאִים מִצָּפוֹן אַיֵּה הַצֹּאן נִתַּן לָךְ עֵדֶר תִּפְאַרְתֶּךָ׃ כא מַה תֹּאמְרִי כִּי יִפְקֹד עָלַיִךְ וְאַתְּ לִמַּדְתְּ אוֹתָם עָלַיִךְ אֵלֶּפֶת כְּמוֹ יוֹלֵדָה הֲלוֹא צָרוֹת תְּאָחֶזֵךְ כַּמָּה׃ כב וְכִי תֹאמְרִי בְּלִבֵּךְ מַדּוּעַ קָרְאוּנִי אֵלֶּה בְּרֹב עֲוֹנֵךְ נִגְלוּ שׁוּלַיִךְ נֶחְפָּה עֲקֵבָיִךְ׃ כג הֲיַהֲפֹךְ כוּשִׁי עוֹרוֹ וְנָמֵר חַבּוּרָתוֹ גַּם אַתֶּם תּוּכְלוּ הֵיטִיב לִמְדֵי הָרַע׃ כד וַאֲפִיצֵם כְּקַשׁ עֹבֵר לְרוּחַ מִדְבָּר׃ כה זֶה גּוֹרָלֵךְ מְנָת מַדַּיִךְ מֵאִתִּי נְאֻם יְהוָה אֲשֶׁר שָׁכַחַתְּ אוֹתִי וַתִּבְטְחִי בַּשָּׁקֶר׃ כו וְגַם אֲנִי חָשַׂפְתִּי שׁוּלַיִךְ עַל פָּנָיִךְ וְנִרְאָה קְלוֹנֵךְ׃ כז נַאֲפוּפַיִךְ וּמְצַהֲלוֹתַיִךְ זִמַּת זְנוּנַיִךְ עַל גְּבָעוֹת בַּשָּׂדֶה רָאִיתִי שִׁקּוּצַיִךְ אוֹי לָךְ יְרוּשָׁלִַם לֹא תִטְהָרִי אַחֲרֵי מָתַי עוֹד׃ א דְּבַר יְהוָה אֲשֶׁר הָיָה אֶל יִרְמְיָהוּ עַל דִּבְרֵי הַבָּצוֹרֶת׃ ב אָבְלָה יְהוּדָה וּשְׁעָרֶיהָ אֻמְלְלוּ קָדְרוּ לָאָרֶץ וְצִוְחַת יְרוּשָׁלִַם עָלָתָה׃ ג וְחֹרֵיהֶם שָׁלְחוּ צְעִירֵיהֶם לַמָּיִם בָּאוּ עַל גַּבָּאוֹת לֹא מָצְאוּ מַיִם שָׁבוּ כֵלֵיהֶם רֵקָם בֹּשׁוּ וְכָלְמוּ וְחָפוּ רָאשָׁם׃ ד עַל אֲדָמָה חַתָּה כִּי לֹא הָיָה גֶשֶׁם בָּאָרֶץ בֹּשׁוּ אִכָּרִים חָפוּ רָאשָׁם׃ ה כִּי גַם אַיֶּלֶת בַּשָּׂדֶה יָלְדָה וְעָזָבָה כִּי לֹא הָיָה דֶשֶׁא׃ ו וּפְרָאִים עָמְדוּ עַל שְׁפָיִים שָׁאֲפוּ תַנִּים כְּלֹא עֵינֵיהֶם כִּי אֵין עֵשֶׂב׃ ז אִם עֲוֹנֹתֵינוּ עָנוּ בָנוּ יְהוָה עֲשֵׂה לְמַעַן שְׁמֶךָ כִּי רַבּוּ מְשׁוּבֹתֵינוּ לְךָ חָטָאנוּ׃ ח מִקְוֵה יִשְׂרָאֵל מוֹשִׁיעוֹ בְּעֵת צָרָה לָמָּה תִהְיֶה כְּגֵר בָּאָרֶץ וּכְאֹרֵחַ נָטָה לָלוּן׃ ט לָמָּה תִהְיֶה כְּאִישׁ נִדְהָם כְּגִבּוֹר לֹא יוּכַל לְהוֹשִׁיעַ וְאַתָּה בְקִרְבֵּנוּ יְהוָה וְשִׁמְךָ עָלֵינוּ נִקְרָא אַל תַּנִּיחֵנוּ׃ י כֹּה אָמַר יְהוָה לָעָם הַזֶּה כֵּן אָהֲבוּ לָנוּעַ רַגְלֵיהֶם לֹא חָשָׂכוּ וַיהוָה לֹא רָצָם עַתָּה יִזְכֹּר עֲוֹנָם וְיִפְקֹד חַטֹּאתָם׃ יא וַיֹּאמֶר יְהוָה אֵלַי אַל תִּתְפַּלֵּל בְּעַד הָעָם הַזֶּה לְטוֹבָה׃ יב כִּי יָצֻמוּ אֵינֶנִּי שֹׁמֵעַ אֶת רִנָּתָם וְכִי יַעֲלוּ עוֹלָה וּמִנְחָה אֵינֶנִּי רוֹצֵם כִּי אִם בַּחֶרֶב וּבָרָעָב וּבַדֶּבֶר אֲנִי מְכַלֶּה אוֹתָם׃ יג וָאֹמַר אֲהָהּ אֲדֹנָי יְהוִה הִנֵּה הַנְּבִיאִים אֹמְרִים אֲלֵהֶם לֹא תִרְאוּ חֶרֶב וְרָעָב לֹא יִהְיֶה לָכֶם כִּי אֱמֶת שָׁלוֹם אֶתֵּן לָכֶם בַּמָּקוֹם הַזֶּה׃ יד וַיֹּאמֶר יְהוָה אֵלַי שֶׁקֶר הַנְּבִיאִים נִבְּאִים בִּשְׁמִי לֹא שְׁלַחְתִּים וְלֹא צִוִּיתִים וְלֹא דִבַּרְתִּי אֲלֵהֶם חֲזוֹן שֶׁקֶר וְקֶסֶם וֶאֱלִיל וְתַרְמוּת לִבָּם הֵמָּה נִבְּאִים לָכֶם׃ טו לָכֵן כֹּה אָמַר יְהוָה עַל הַנְּבִיאִים הַנִּבְּאִים בִּשְׁמִי וַאֲנִי לֹא שְׁלַחְתִּים וְהֵמָּה אֹמְרִים חֶרֶב וְרָעָב לֹא יִהְיֶה בָּאָרֶץ הַזֹּאת בַּחֶרֶב וּבָרָעָב יִתַּמּוּ הַנְּבִיאִים הָהֵם׃ טז וְהָעָם אֲשֶׁר הֵמָּה נִבְּאִים לָהֶם יִהְיוּ מֻשְׁלָכִים בְּחוּצוֹת יְרוּשָׁלִַם מִפְּנֵי הָרָעָב וְהַחֶרֶב וְאֵין קוֹבֵר הֵמָּה נָשֵׁיהֶם וּבְנֵיהֶם וּבְנוֹתֵיהֶם וְשָׁפַכְתִּי עֲלֵיהֶם אֶת רָעָתָם׃ יז וְאָמַרְתָּ אֵלֵיהֶם אֶת הַדָּבָר הַזֶּה תֵּרַדְנָה עֵינַי דִּמְעָה לַיְלָה וְיוֹמָם וְאַל תִּדֹּמְנָה כִּי שֶׁבֶר גְּדוֹל בְּתוּלַת בַּת עַמִּי מַכָּה נִחְלָה מְאֹד׃ יח אִם יָצָאתִי הַשָּׂדֶה וְהִנֵּה חַלְלֵי חָרֶב וְאִם בָּאתִי הָעִיר וְהִנֵּה תַּחֲלוּאֵי רָעָב כִּי גַם נָבִיא גַּם כֹּהֵן סָחֲרוּ אֶל אֶרֶץ וְלֹא יָדָעוּ׃ יט הֲמָאֹס מָאַסְתָּ אֶת יְהוּדָה אִם בְּצִיּוֹן גָּעֲלָה נַפְשֶׁךָ מַדּוּעַ הִכִּיתָנוּ וְאֵין לָנוּ מַרְפֵּא לְשָׁלוֹם וְאֵין טוֹבָה לְעֵת מַרְפֵּא וְהִנֵּה בְעָתָה׃ כ יָדַעְנוּ יְהוָה רִשְׁעֵנוּ עֲוֹן אֲבוֹתֵינוּ כִּי חָטָאנוּ לָךְ׃ כא אַל תְּנַאֵץ לְמַעַנְךָ אַל תְּנַבֵּל כִּסֵּא כְבוֹדֶךָ זְכֹר אַל תָּפֵר בְּרִיתְךָ אִתָּנוּ׃ כב הֲיֵשׁ בְּהַבְלֵי הַגּוֹיִם מַגְשִׁמִים וְאִם הַשָּׁמַיִם יִתְּנוּ רְבִבִים הֲלוֹא אַתָּה הוּא יְהוָה אֱלֹהֵינוּ וְנִקְוֶה לָךְ כִּי אַתָּה עָשִׂיתָ אֶת כָּל אֵלֶּה׃ א וַיֹּאמֶר יְהוָה אֵלַי אִם יַעֲמֹד מֹשֶׁה וּשְׁמוּאֵל לְפָנַי אֵין נַפְשִׁי אֶל הָעָם הַזֶּה שַׁלַּח מֵעַל פָּנַי וְיֵצֵאוּ׃ ב וְהָיָה כִּי יֹאמְרוּ אֵלֶיךָ אָנָה נֵצֵא וְאָמַרְתָּ אֲלֵהֶם כֹּה אָמַר יְהוָה אֲשֶׁר לַמָּוֶת לַמָּוֶת וַאֲשֶׁר לַחֶרֶב לַחֶרֶב וַאֲשֶׁר לָרָעָב לָרָעָב וַאֲשֶׁר לַשִּׁבְיָה לַשִּׁבְיָה׃ ג וּפָקַדְתִּי עֲלֵיהֶם אַרְבָּעָה מִשְׁפָּחוֹת נְאֻם יְהוָה אֶת הַחֶרֶב לַהֲרֹג וְאֶת הַכְּלָבִים לְסַחֵב וְאֶת עוֹף הַשָּׁמַיִם וְאֶת בֶּהֱמַת הָאָרֶץ לֶאֱכוֹל וּלְהַשְׁחִית׃ ד וְנָתַתִּים לְזַעֲוָה לְכֹל מַמְלְכוֹת הָאָרֶץ עַל מְנַשֶּׁה בֶן יְחִזְקִיָּהוּ מֶלֶךְ יְהוּדָה עַל אֲשֶׁר עָשָׂה בִּירוּשָׁלִָם׃ ה כִּי מִי יַחְמֹל עָלַיִךְ יְרוּשָׁלִַם וּמִי יָנוּד לָךְ וּמִי יָסוּר לִשְׁאֹל לְשָׁלוֹם לָךְ׃ ו אַתְּ נָטַשְׁתְּ אֹתִי נְאֻם יְהוָה אָחוֹר תֵּלֵכִי וְאֵט יָדִי עָלַיִךְ וְאַשְׁחִיתֵךְ נִלְאֵיתִי הִנָּחֵם׃ ז וְאֶזְרֵם בְּמִזְרֶה בִּשְׁעָרֵי הָאָרֶץ שִׁכַּלְתִּי אִבַּדְתִּי אֶת עַמִּי מִדַּרְכֵיהֶם לֹא שָׁבוּ׃ ח עָצְמוּ לִי אַלְמְנוֹתָיו מֵחוֹל יַמִּים הֵבֵאתִי לָהֶם עַל אֵם בָּחוּר שֹׁדֵד בַּצָּהֳרַיִם הִפַּלְתִּי עָלֶיהָ פִּתְאֹם עִיר וּבֶהָלוֹת נָפַל עָלֶיהָ׃ ט אֻמְלְלָה יֹלֶדֶת שִׁבְעָה נָפְחָה נַפְשָׁהּ בָּאָה שִׁמְשָׁהּ בְּעוֹד יוֹמָם בּוֹשָׁה וְחָפְרָה וְיֶתֶר לַחֶרֶב אֶתֵּן לִפְנֵי אוֹיְבֵיהֶם נְאֻם יְהוָה׃ י אוֹיָה לִי אִמִּי כִּי יְלִדְתָּנִי אִישׁ רִיב וְאִישׁ מָדוֹן לְכָל הָאָרֶץ לֹא נָשִׁיתִי וְלֹא נָשׁוּ בִי כֻּלּוֹ מְקַלְלֵנִי׃ יא אָמַר יְהוָה אִם לֹא שְׂרִידְךָ לְטוֹבָה אִם לֹא הִפְגַּעְתִּי בְּךָ בְּעֵת רָעָה וּבְעֵת צָרָה אֶת הָאוֹיֵב׃ יב הֲיֻרַע בַּרְזֶל בַּרְזֶל מִצָּפוֹן וּנְחוּשָׁה׃ יג חֵילְךָ וְאוֹצְרוֹתֶיךָ לָבַז אֶתֵּן לֹא בְמִמְכָּר וְלֹא בְמֹחִיר וּבְכָל גְּבוּלֶיךָ׃ יד וְהַעֲבַרְתִּי אֶת אֹיְבֶיךָ בְּאֶרֶץ אֲשֶׁר לֹא יָדָעְתָּ כִּי אֵשׁ קָדְחָה בְאַפִּי עֲלֵיכֶם תּוּקָד׃ טו אַתָּה יָדַעְתָּ יְהוָה זָכְרֵנִי וּפָקְדֵנִי וְהַנְקֶם לִי מֵרֹדְפַי אַל לְאֶרֶךְ אַפְּךָ תִּקָּחֵנִי דַּע שְׂאֵתִי עָלֶיךָ חָרְפָּה׃ טז נִמְצְאוּ דְבָרֶיךָ וָאֹכְלֵם וַיְהִי דְבָרְךָ לִי לְשָׂשׂוֹן וּלְמְשׂוֹשׂ לִבִּי כִּי נִקְרָא שִׁמְךָ עָלַי יְהוָה אֱלֹהִים צְבָאוֹת׃ יז לֹא יָשַׁבְתִּי בְּסוֹד מְשַׂחֲקִים וָאֶגְלוֹזָה מִפְּנֵי יָדְךָ בָּדָד יָשַׁבְתִּי כִּי זַעַם מָלָאתָנִי׃ יח לָמָּה הָיָה כְאֵב נִצְחִי וּמַכָּתִי אֲנוּשָׁה מֵאֲנָה הֵרָפֵא הֱיוֹת תִּהְיֶה לִי כְּאַכְזָב מַיִם לֹא נֶאֱמָנוּ׃ יט לָכֵן כֹּה אָמַר יְהוָה אִם תָּשׁוּב וַאֲשִׁיבְךָ לְפָנַי תַּעֲמֹד וְאִם תּוֹצִיא יָקָר מִזּוֹל כְּפִי תִּהְיֶה יָשֻׁבוּ הֵמָּה אֵלֶיךָ וְאַתָּה לֹא תָשׁוּב אֲלֵיהֶם׃ כ וְנָתַתִּיךָ לָעָם הַזֶּה לְחוֹמַת נְחֹשֶׁת בְּצוּרָה וְנִלְחֲמוּ אֵלֶיךָ וְלֹא יוּכְלוּ לְךָ כִּי אִתְּךָ אֲנִי לְהוֹשִׁיעֲךָ וּלְהַצִּילֶךָ נְאֻם יְהוָה׃ כא וְהִצַּלְתִּיךָ מִיַּד רָעִים וּפְדִיתִיךָ מִכַּף עָרִיצִים׃ א וַיְהִי דְבַר יְהוָה אֵלַי לֵאמֹר׃ ב לֹא תִקַּח לְךָ אִשָּׁה וְלֹא יִהְיוּ לְךָ בָנִים וּבָנוֹת בַּמָּקוֹם הַזֶּה׃ ג כִּי כֹה אָמַר יְהוָה עַל הַבָּנִים וְעַל הַבָּנוֹת הַיִּלֹּדִים בַּמָּקוֹם הַזֶּה וְעַל אִמֹּתָם הַיֹּלְדוֹת אוֹתָם וְעַל אֲבוֹתָם הַמּוֹלְדִים אוֹתָם בָּאָרֶץ הַזֹּאת׃ ד מוֹתֵי חֲלָיִם יָמֻתוּ לֹא יִסָּפְדוּ וְלֹא יִקָּבֵרוּ לְדֹמֶן עַל פְּנֵי אֲדָמָה יִהְיוּ וּבַחֶרֶב וּבָרָעָב יִתַּמּוּ וְהָיְתָה נִבְלָתָם לְמַאֲכָל לְעוֹף הַשָּׁמַיִם וּלְבֶהֱמַת הָאָרֶץ׃ ה כִּי כֹה אָמַר יְהוָה אַל תָּבוֹא בֵּית מַרְזֵחַ וְאַל תֵּלֵךְ לִסְפֹּד וְאַל תָּנֹד לָהֶם כִּי אָסַפְתִּי אֶת שְׁלוֹמִי מֵאֵת הָעָם הַזֶּה נְא

مرقس ١٠ الكتاب المقدس

متى ١٩:١٣-٢٠؛ لوقا ١٢:٢١-١٧

[16] "أو أنت تعتقد أنه يمكنك أن تقول: أنا لست مسؤولاً عن ما يحدث لي؛ أنا أستطيع أن أفعل ما أريد بحياتي. [17] "أنت مخطئ تمامًا. أنت لست سيد حياتك، بل أنت عبد لله. أنت لست مالك حياتك، بل أنت مجرد مستأجر. [18] "أنت تعتقد أنك تعرف كل شيء عن الحياة، لكنك لا تعرف شيئًا عن الحياة الحقيقية. [19] "أنت تعتقد أنك تعرف كل شيء، لكن الحقيقة هي أنك لا تعرف شيئًا عن الحياة الحقيقية؛ أنت تعيش حياة مليئة بالأشياء الباطلة والعديمة الفائدة. [20] "أنت تعيش حياة مليئة بالأشياء الباطلة والعديمة الفائدة؛ لأنك تعيش حياة منفصلة عن الله. [21] "أنت تعتقد أنك تعرف كل شيء، لكنك لا تعرف شيئًا عن الحياة الحقيقية، لأنك لا تعرف الله. [22] "أنت تعتقد أنك تعرف كل شيء عن الحياة الحقيقية، لكنك لا تعرف شيئًا عن الحياة الحقيقية. [23] "أنت تعتقد أنك تعرف كل شيء عن الحياة الحقيقية، لكنك لا تعرف شيئًا عن الحياة الحقيقية. [24] "أنت تعتقد أنك تعرف كل شيء عن الحياة الحقيقية، لكنك لا تعرف شيئًا عن الحياة الحقيقية. [25] "أنت تعتقد أنك تعرف كل شيء عن الحياة الحقيقية، لكنك لا تعرف شيئًا عن الحياة الحقيقية. أنت تعتقد أنك تعرف كل شيء عن الحياة الحقيقية، لكنك لا تعرف شيئًا عن الحياة الحقيقية.

متى ١٢:١، ٢ مع لوقا ٦:١، ٢

لوقا ١٢:٢-٧

٢٦ "لكن أقول لك، كل أعمالك مكشوفة أمام الله. كل ما تقولونه في الظلام سيسمعه الناس في النور. وكل ما تهمسون به في الغرفة الداخلية سيُعلن على السطوح. ٢٨ "لا تخافوا من الذين يقتلون الجسد، لكنهم لا يستطيعون قتل النفس. بل خافوا من الذي يستطيع أن يرمي النفس والجسد في جهنم. ٢٩ "أليست العصافير تُباع بفلسين؟ ومع ذلك لا يموت واحد منها بدون علم أبيكم. ٣٠ "حتى شعور رؤوسكم جميعها محصاة. لذلك لا تخافوا. أنتم أثمن من عصافير كثيرة. ٣١ "لكني أقول لك، كل من يعترف بي أمام الناس، سأعترف به أمام ملائكة الله.

متى ١٠:٣٢، ٣٣

لوقا ١٢:٨-٩

٣٢ "لذلك، كل من يعترف بي أمام الناس، سأعترف به أمام أبي السماوي. ٣٣ "لكن من ينكرني أمام الناس، سأنكره أمام أبي السماوي.

لا تعلم اليوم ولا الساعة

متى ٢٤:٣٦؛ ٢٥:١٣ مرقس ١٣:٣٢

٣٤ "لا تظنوا أني جئت لأجلب السلام إلى الأرض. لم آتِ لأجلب السلام، بل السيف. ٣٥ "جئت لأجعل الرجل يعادي أباه،

الذين قدسهم الآب وأرسلهم إلى العالم، ٣٦ "فكيف تقولون لي إنني أجدف لأنني قلت إنني ابن الله؟ [a]

يسوع يذهب إلى عبر الأردن

٣٧ "فإن لم أعمل أعمال أبي، فلا تؤمنوا بي. ٣٨ ولكن إن كنت أعملها، فآمنوا بالأعمال إن لم تؤمنوا بي. حينئذ تعلمون وتؤمنون أن الآب فيّ وأنا في الآب." ٣٩ فحاولوا مرة أخرى أن يقبضوا عليه، لكنه أفلت من أيديهم.

٤٠ ثم ذهب يسوع مرة أخرى إلى عبر الأردن إلى المكان الذي كان يعمد فيه يوحنا في البداية، وبقي هناك. ٤١ وجاء إليه كثيرون وقالوا: "لم يعمل يوحنا أية معجزة، ولكن كل ما قاله عن هذا الرجل كان صحيحاً." ٤٢ وآمن كثيرون هناك بيسوع.

مرض لعازر وموته

يوحنا ١١:١-٤٦

١١ كان رجل اسمه لعازر مريضاً في بيت عنيا، القرية التي كانت تسكن فيها مريم وأختها مرثا.

---

[a] ١٠:٣٦ مزمور ٨٢:٦

אליהו חולק את רוחו עם אלישע ועולה השמימה

ב מלכים ב ב:א-יח

ב [1] וַיְהִי בְּהַעֲלוֹת יְהוָה אֶת־אֵלִיָּהוּ בַּסְּעָרָה הַשָּׁמָיְמָה וְאֱלִישָׁע הָלַךְ מֵהַגִּלְגָּל׃ [2] וַיֹּאמֶר אֵלִיָּהוּ אֶל־אֱלִישָׁע שֶׁב־נָא פֹּה כִּי יְהוָה שְׁלָחַנִי עַד־בֵּית־אֵל וַיֹּאמֶר אֱלִישָׁע חַי־יְהוָה וְחֵי־נַפְשְׁךָ אִם־אֶעֶזָבֶךָ וַיֵּרְדוּ בֵּית־אֵל׃ [3] וַיֵּצְאוּ בְנֵי־הַנְּבִיאִים אֲשֶׁר בְּבֵית־אֵל אֶל־אֱלִישָׁע וַיֹּאמְרוּ אֵלָיו הֲיָדַעְתָּ כִּי הַיּוֹם יְהוָה לֹקֵחַ אֶת־אֲדֹנֶיךָ מֵעַל רֹאשֶׁךָ וַיֹּאמֶר גַּם־אֲנִי יָדַעְתִּי הַחֲרִישׁוּ׃ [4] וַיֹּאמֶר לוֹ אֱלִיָּהוּ אֱלִישָׁע שֶׁב־נָא פֹּה כִּי יְהוָה שְׁלָחַנִי יְרֵחוֹ וַיֹּאמֶר חַי־יְהוָה וְחֵי־נַפְשְׁךָ אִם־אֶעֶזָבֶךָ וַיָּבֹאוּ יְרֵחוֹ׃ [5] וַיִּגְּשׁוּ בְנֵי־הַנְּבִיאִים אֲשֶׁר בִּירֵחוֹ אֶל־אֱלִישָׁע וַיֹּאמְרוּ אֵלָיו הֲיָדַעְתָּ כִּי הַיּוֹם יְהוָה לֹקֵחַ אֶת־אֲדֹנֶיךָ מֵעַל רֹאשֶׁךָ וַיֹּאמֶר גַּם־אֲנִי יָדַעְתִּי הַחֲרִישׁוּ׃ [6] וַיֹּאמֶר לוֹ אֱלִיָּהוּ שֶׁב־נָא פֹּה כִּי יְהוָה שְׁלָחַנִי אֶל־הַיַּרְדֵּן וַיֹּאמֶר חַי־יְהוָה וְחֵי־נַפְשְׁךָ אִם־אֶעֶזָבֶךָ וַיֵּלְכוּ שְׁנֵיהֶם׃ [7] וַחֲמִשִּׁים אִישׁ מִבְּנֵי הַנְּבִיאִים הָלְכוּ וַיַּעַמְדוּ מִנֶּגֶד מֵרָחֹק וְהֵם עָמְדוּ עַל־הַיַּרְדֵּן׃ [8] וְאֵלִיָּהוּ לָקַח אַדַּרְתּוֹ וַיִּגְלֹם וַיַּךְ אֶת־הַמַּיִם וַיֵּחָצוּ הֵנָּה וְהֵנָּה וַיַּעַבְרוּ שְׁנֵיהֶם בֶּחָרָבָה׃ [9] וַיְהִי כַּעֲבָרָם וְאֵלִיָּהוּ אָמַר אֶל־אֱלִישָׁע שְׁאַל מַה־אֶעֱשֶׂה לָּךְ בְּטֶרֶם אִלָּקַח מֵעִמָּךְ וַיֹּאמֶר אֱלִישָׁע וְיִהִי־נָא פִּי שְׁנַיִם בְּרוּחֲךָ אֵלָי׃ [10] וַיֹּאמֶר הִקְשִׁיתָ לִשְׁאֹל אִם־תִּרְאֶה אֹתִי לֻקָּח מֵעִמָּךְ וְכֵן יִהְיֶה־לָּךְ וְאִם־אֵינְךָ רֹאֶה לֹא יִהְיֶה׃ [11] וַיְהִי הֵמָּה הֹלְכִים הָלוֹךְ וְדַבֵּר וְהִנֵּה רֶכֶב־אֵשׁ וְסוּסֵי אֵשׁ וַיַּפְרִדוּ בֵּין שְׁנֵיהֶם וַיַּעַל אֵלִיָּהוּ בַּסְּעָרָה הַשָּׁמָיִם׃ [12] וֶאֱלִישָׁע רֹאֶה וְהוּא מְצַעֵק אָבִי אָבִי רֶכֶב יִשְׂרָאֵל וּפָרָשָׁיו וַיִּרְאֵהוּ עוֹד וַיַּחֲזֵק בְּבִגְדֵי עַצְמוֹ וַיִּקְרָעֵם לִשְׁנַיִם קְרָעִים׃ [13] וַיַּרֶם אֶת־אַדֶּרֶת אֵלִיָּהוּ אֲשֶׁר נָפְלָה מֵעָלָיו וַיָּשָׁב וַיַּעֲמֹד עַל־שְׂפַת הַיַּרְדֵּן׃ [14] וַיִּקַּח אֶת־אַדֶּרֶת אֵלִיָּהוּ אֲשֶׁר נָפְלָה מֵעָלָיו וַיַּךְ אֶת־הַמַּיִם וַיֹּאמֶר אַיֵּה יְהוָה אֱלֹהֵי אֵלִיָּהוּ גַּם־הוּא וַיַּךְ אֶת־הַמַּיִם וַיֵּחָצוּ הֵנָּה וְהֵנָּה וַיַּעֲבֹר אֱלִישָׁע׃

---

[a] 2:1 בראשית ה:כד; מלכים ב ב:יא [b] 2:6 שמות יד:כא-כב; יהושע ג:יג-יז [c] 2:10 מלאכי ג:כג

وَيُؤْمِنُ أَنَّ مَا يَقُولُهُ يَحْدُثُ، فَسَيَكُونُ لَهُ مَا يَقُولُهُ. [١٥]
[pol]"لِهَذَا أَقُولُ لَكُمْ: كُلُّ مَا تَطْلُبُونَهُ فِي الصَّلاَةِ، آمِنُوا أَنَّكُمْ قَدْ نِلْتُمُوهُ، فَيَكُونَ لَكُمْ.

[١٦]"وَعِنْدَمَا تَقِفُونَ تُصَلُّونَ، اغْفِرُوا لِكُلِّ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكُمْ، لِكَيْ يَغْفِرَ أَبُوكُمُ الَّذِي فِي السَّمَاوَاتِ خَطَايَاكُمْ أَيْضًا." [١٧]

سُلْطَةُ يَسُوعَ

١٠:١٣-١٥ متى

[٢٠]وَفِي الصَّبَاحِ الْبَاكِرِ، وَهُمْ عَائِدُونَ إِلَى أُورُشَلِيمَ، رَأَوْا أَنَّ التِّينَةَ قَدْ يَبِسَتْ مِنَ الْجُذُورِ. [٢١]فَتَذَكَّرَ بُطْرُسُ مَا حَدَثَ، وَقَالَ لِيَسُوعَ: "يَا سَيِّدُ، انْظُرْ! التِّينَةُ الَّتِي لَعَنْتَهَا قَدْ يَبِسَتْ!" [٢٢]فَأَجَابَ يَسُوعُ: "ثِقُوا بِاللهِ. [٢٣]فَالْحَقَّ أَقُولُ لَكُمْ: مَنْ قَالَ لِهَذَا الْجَبَلِ: انْتَزِعْ مِنْ مَكَانِكَ وَاطْرَحْ فِي الْبَحْرِ، وَلَمْ يَشُكَّ فِي قَلْبِهِ، بَلْ آمَنَ أَنَّ مَا يَقُولُهُ يَحْدُثُ، فَسَيَكُونُ لَهُ مَا يَقُولُهُ. [٢٤]لِهَذَا أَقُولُ لَكُمْ: كُلُّ مَا تَطْلُبُونَهُ فِي الصَّلاَةِ، آمِنُوا أَنَّكُمْ قَدْ نِلْتُمُوهُ، فَيَكُونَ لَكُمْ.

---

[e] ١١:٢٣ حزقيال ١٩:٢٤-٢٨ [d] ١١:١٤ تثنية ٥:٤

التحية الثانية

١٠:٢١-٢٢ المكية

[٢٥] وقال لي: "لا تختم نبوءة هذا الكتاب، لأن الوقت قريب. [٢٦] ليستمر الظالم في ظلمه، والنجس في نجاسته، والصالح في صلاحه، والقديس في قداسته." [٢٧] "ها أنا آتي سريعًا، ومعي أجري لأعطي كل واحد بحسب عمله. [٢٨] أنا الألف والياء، البداية والنهاية، الأول والآخر." [٢٩] طوبى للذين يغسلون حللهم ليكون لهم الحق في شجرة الحياة، ويدخلون المدينة من أبوابها. [٣٠] خارج المدينة الكلاب والسحرة والزناة والقتلة وعبدة الأوثان وكل من يحب الكذب ويعمله.

الرسالة الثانية إلى أهل كولوسي

٢:٢٣-٢٨؛ المكية ٦:١-٥

١٢ [١] أيها الأحباء، لا تصدقوا كل روح، بل امتحنوا الأرواح هل هي من الله، لأن أنبياء كذبة كثيرين قد خرجوا إلى العالم. [٢] بهذا تعرفون روح الله: كل روح يعترف بيسوع المسيح الذي جاء في الجسد هو من الله، [٣] وكل روح لا يعترف بيسوع ليس من الله، بل هو روح المسيح الدجال الذي سمعتم أنه يأتي، وهو الآن في العالم. [٤] أنتم يا أولادي من الله وقد غلبتموهم، لأن الذي فيكم أعظم من الذي في العالم. [٥] هم من العالم، لذلك يتكلمون بما للعالم، والعالم يسمعهم. [٦] نحن من الله، ومن يعرف الله يسمعنا، ومن ليس من الله لا يسمعنا. بهذا نعرف روح الحق وروح الضلال.

---

f ١٢:١ مكة ٢٥:٢٣ g ١٢:٤ ١ تسالونيكي ٢:١-٦

ہے، جو اپنے گھر کے لئے کچھ نہ لے جائے، اُس کے پاؤں میں جوتی باندھو اور دو کُرتے نہ پہنو۔ ۱۰ پھر اُس نے اُن سے کہا، ”جس گھر میں تم داخل ہو وہیں ٹھہرے رہو جب تک وہاں سے روانہ نہ ہو۔ ۱۱ اور جس جگہ کے لوگ تمہارا استقبال نہ کریں اور تمہاری بات نہ سنیں وہاں سے نکلتے وقت اُن کے خلاف گواہی دینے کے لئے اپنے پاؤں کی گرد جھاڑ دو۔“ ۱۲ اور وہ روانہ ہو کر لوگوں کو توبہ کی منادی کرتے رہے۔ ۱۳ اور بدروحوں کو نکالتے اور بہت سے بیماروں پر تیل مل کر اُنہیں شفا دیتے رہے۔

یوحنا بپتسمہ دینے والے کا قتل

۱۴ یسوع کا نام مشہور ہو گیا تھا اور بادشاہ ہیرودیس نے بھی اُس کے بارے میں سنا۔ کچھ لوگ کہتے تھے، ”یہ یوحنا بپتسمہ دینے والا ہے جو مُردوں میں سے جی اُٹھا ہے اور اِسی لئے اُس میں معجزانہ قدرت کام کر رہی ہے۔“ ۱۵ دوسرے کہتے تھے، ”یہ ایلیاہ نبی ہے۔“ اور کچھ کہتے تھے، ”یہ پرانے زمانے کے نبیوں جیسا ایک نبی ہے۔“ ۱۶ ہیرودیس نے یہ سُن کر کہا، ”یہ یوحنا ہی ہے جس کا سر میں نے قلم کروایا تھا۔ یہ مُردوں میں سے جی اُٹھا ہے۔“

۱۷ ہیرودیس نے اپنے بھائی فلپُس کی بیوی ہیرودیاس کی خاطر آدمی بھیج کر یوحنا کو گرفتار کروایا اور قید خانے میں ڈلوا دیا تھا۔ ۱۸ یوحنا نے ہیرودیس سے کہا تھا، ”اپنے بھائی کی بیوی کو اپنے پاس رکھنا آپ کے لئے جائز نہیں ہے۔“ ۱۹ اِس لئے ہیرودیاس یوحنا سے دشمنی رکھتی تھی اور اُسے مار ڈالنا چاہتی تھی، لیکن وہ ایسا نہ کر سکی ۲۰ کیونکہ ہیرودیس یوحنا کو راستباز اور مقدس آدمی جان کر اُس سے ڈرتا تھا اور اُسے محفوظ رکھتا تھا۔ جب وہ یوحنا کی باتیں سنتا تھا تو بہت پریشان ہو جاتا تھا، پھر بھی اُسے اچھا لگتا تھا کہ اُس کی باتیں سنے۔

۲۱ آخر ایک موقع آیا جب ہیرودیس نے اپنی سالگرہ پر اپنے درباریوں، فوجی افسروں اور گلیل کے

---

h ۱۲:۴ متی ۹:۲۴ i ۱۲:۵ متی ۹:۲۸-۱۰ j ۱۲:۷ متی ۶:۶

[۱۷] جواب میں یسوع نے اُن سے کہا، قیصر کی چیزیں قیصر کو اور خدا کی چیزیں خدا کو دو۔
اور وہ اُس پر بہت حیران ہوئے۔

[۱۸] پھر صدوقی جو کہتے ہیں کہ مُردوں کا جی اُٹھنا نہیں ہوتا، اُس کے پاس آئے اور اُس سے
پوچھنے لگے،

[۱۹] اُستاد، موسیٰ نے ہمارے لئے لکھا ہے کہ اگر کسی کا بھائی بیوی چھوڑ کر مر جائے اور
اولاد نہ چھوڑے تو اُس کا بھائی اُس عورت سے شادی کر لے اور اپنے بھائی کے لئے نسل
پیدا کرے۔

[۲۰] سات بھائی تھے۔ پہلے نے شادی کی اور اولاد کے بغیر مر گیا۔

[۲۱] دوسرے نے اُس عورت سے شادی کی اور وہ بھی اولاد کے بغیر مر گیا۔ تیسرے نے بھی
ایسا ہی کیا۔

[۲۲] یہاں تک کہ ساتوں نے اُس سے شادی کی اور اولاد کے بغیر مر گئے۔ آخر میں وہ عورت بھی
مر گئی۔

[۲۳] پس جی اُٹھنے پر جب لوگ جی اُٹھیں گے تو وہ کس کی بیوی ہو گی؟ کیونکہ ساتوں نے
اُسے بیوی بنایا تھا۔

[۲۴] یسوع نے اُن سے کہا، کیا تم اِس لئے غلطی میں نہیں پڑے ہو کہ نہ تو کلامِ مُقدس کو
سمجھتے ہو اور نہ خدا کی قدرت کو؟ [۲۵] کیونکہ جب مُردے جی اُٹھیں گے تو نہ تو شادی
کریں گے اور نہ شادی کی جائے گی بلکہ وہ آسمان پر فرشتوں کی مانند ہوں گے۔ [۲۶] اور
مُردوں کے جی اُٹھنے کے بارے میں کیا تم نے موسیٰ کی کتاب میں نہیں پڑھا کہ خدا نے
جھاڑی میں سے اُس سے کیا کہا تھا؟ اُس نے کہا تھا، مَیں ابرہام کا خدا، اضحاق کا خدا اور
یعقوب کا خدا ہوں۔ [۲۷] وہ مُردوں کا خدا نہیں بلکہ زندوں کا خدا ہے۔ تم بڑی غلطی میں
پڑے ہو۔

بڑا حکم کونسا ہے

متی ۲۲:۳۴-۴۰؛ لوقا ۱۰:۲۵-۲۸

[۲۸] اُن میں سے ایک شریعت کا اُستاد آیا اور اُن کو بحث کرتے سُن کر اور یہ جان کر کہ
یسوع نے اُن کو اچھا جواب دیا ہے، اُس سے پوچھا، سب حکموں میں سے بڑا حکم کونسا ہے؟

---

[k] ۱۲:۲۱ زبور ۱۱۰:۱-۴

لِأَنَّ «نَارًا آكِلَةً هِيَ إِلهُنَا أَيْضًا». ٢٩ لِذلِكَ، بِمَا أَنَّنَا نَتَسَلَّمُ مَلَكُوتًا لَا يَتَزَعْزَعُ، لِنَكُنْ شَاكِرِينَ، وَبِهِ نَعْبُدُ اللهَ عِبَادَةً مَرْضِيَّةً بِخُشُوعٍ وَتَقْوَى. ٣٠ فَإِنَّ إِلهَنَا هُوَ نَارٌ آكِلَةٌ. ٣١

الدعوة إلى الثبات

عبرانيين ١٢:٣٠-٣٩

٣٠ «لِنَكُنْ ثَابِتِينَ فِي مَحَبَّةِ الإِخْوَةِ، وَلَا تَنْسَوْا إِكْرَامَ الغُرَبَاءِ، لأَنَّ بِهِ قَدْ أَكْرَمَ أُنَاسٌ مَلاَئِكَةً وَهُمْ لَا يَدْرُونَ. ٣١ اُذْكُرُوا الْمُقَيَّدِينَ كَأَنَّكُمْ مُقَيَّدُونَ مَعَهُمْ، وَالْمُذَلِّينَ كَأَنَّكُمْ أَيْضًا فِي الْجَسَدِ. ٣٢ لِيَكُنِ الزَّوَاجُ مُكَرَّمًا عِنْدَ الْجَمِيعِ، وَالْمَضْجَعُ غَيْرَ دَنِسٍ، وَأَمَّا الزُّنَاةُ وَالْفَاسِقُونَ فَسَيَدِينُهُمُ اللهُ. ٣٣ لِتَكُنْ سِيرَتُكُمْ غَيْرَ مُتَعَلِّقَةٍ بِمَحَبَّةِ الْمَالِ، مُكْتَفِينَ بِمَا عِنْدَكُمُ الآنَ، لأَنَّهُ قَدْ قَالَ: «لَا أُهْمِلُكَ وَلَا أَتْرُكُكَ». ٣٤ حَتَّى إِنَّنَا نَقُولُ بِثِقَةٍ: «الرَّبُّ مُعِينٌ لِي فَلَا أَخَافُ. مَاذَا يَصْنَعُ بِي إِنْسَانٌ؟» ٣٥ اُذْكُرُوا مُرْشِدِيكُمُ الَّذِينَ كَلَّمُوكُمْ بِكَلِمَةِ اللهِ، وَتَأَمَّلُوا فِي نِهَايَةِ سِيرَتِهِمْ وَاقْتَدُوا بِإِيمَانِهِمْ. ٣٦ يَسُوعُ الْمَسِيحُ هُوَ هُوَ أَمْسِ وَالْيَوْمَ وَإِلَى الأَبَدِ. ٣٧ لَا تَنْقَادُوا إِلَى تَعَالِيمَ مُتَنَوِّعَةٍ وَغَرِيبَةٍ، لأَنَّهُ مِنَ الْحَسَنِ أَنْ تَكُونَ الْقُلُوبُ مُؤَيَّدَةً بِالنِّعْمَةِ، لَا بِأَطْعِمَةٍ لَمْ يَنْتَفِعِ الَّذِينَ اهْتَمُّوا بِهَا. ٣٨ لَنَا مَذْبَحٌ لَيْسَ لِلْخُدَّامِ سُلْطَانٌ أَنْ يَأْكُلُوا مِنْهُ. ٣٩ لأَنَّ أَجْسَامَ الْبَهَائِمِ الَّتِي يُدْخَلُ بِدَمِهَا إِلَى الْقُدْسِ عَنِ الْخَطِيَّةِ لِرَئِيسِ الْكَهَنَةِ تُحْرَقُ خَارِجَ الْمَحَلَّةِ.

دعوة إلى الثبات

عبرانيين ١٣:١-٢٥

١ «لِتَثْبُتْ مَحَبَّةُ الإِخْوَةِ. ٢ لَا تَنْسَوْا إِكْرَامَ الْغُرَبَاءِ، لأَنَّ بِهِ قَدْ أَكْرَمَ أُنَاسٌ مَلاَئِكَةً وَهُمْ لَا يَدْرُونَ. ٣ اُذْكُرُوا الْمُقَيَّدِينَ كَأَنَّكُمْ مُقَيَّدُونَ مَعَهُمْ، وَالْمُذَلِّينَ كَأَنَّكُمْ أَيْضًا فِي الْجَسَدِ. ٤ لِيَكُنِ الزَّوَاجُ مُكَرَّمًا عِنْدَ الْجَمِيعِ، وَالْمَضْجَعُ غَيْرَ دَنِسٍ، وَأَمَّا الزُّنَاةُ وَالْفَاسِقُونَ فَسَيَدِينُهُمُ اللهُ. ٥ لِتَكُنْ سِيرَتُكُمْ غَيْرَ مُتَعَلِّقَةٍ بِمَحَبَّةِ الْمَالِ، مُكْتَفِينَ بِمَا عِنْدَكُمُ الآنَ، لأَنَّهُ قَدْ قَالَ: «لَا أُهْمِلُكَ وَلَا أَتْرُكُكَ». ٦ حَتَّى إِنَّنَا نَقُولُ بِثِقَةٍ: «الرَّبُّ مُعِينٌ لِي فَلَا أَخَافُ. مَاذَا يَصْنَعُ بِي إِنْسَانٌ؟» ٧ اُذْكُرُوا مُرْشِدِيكُمُ الَّذِينَ كَلَّمُوكُمْ بِكَلِمَةِ اللهِ، وَتَأَمَّلُوا فِي نِهَايَةِ سِيرَتِهِمْ وَاقْتَدُوا بِإِيمَانِهِمْ. ٨ يَسُوعُ الْمَسِيحُ هُوَ هُوَ أَمْسِ وَالْيَوْمَ وَإِلَى الأَبَدِ. ٩ لَا تَنْقَادُوا إِلَى تَعَالِيمَ مُتَنَوِّعَةٍ وَغَرِيبَةٍ، لأَنَّهُ مِنَ الْحَسَنِ أَنْ تَكُونَ الْقُلُوبُ مُؤَيَّدَةً بِالنِّعْمَةِ، لَا بِأَطْعِمَةٍ لَمْ يَنْتَفِعِ الَّذِينَ اهْتَمُّوا بِهَا. ١٠ لَنَا مَذْبَحٌ لَيْسَ لِلْخُدَّامِ سُلْطَانٌ أَنْ يَأْكُلُوا مِنْهُ. ١١ لأَنَّ أَجْسَامَ الْبَهَائِمِ الَّتِي يُدْخَلُ بِدَمِهَا إِلَى الْقُدْسِ عَنِ الْخَطِيَّةِ لِرَئِيسِ الْكَهَنَةِ تُحْرَقُ خَارِجَ الْمَحَلَّةِ. ١٢ لِذلِكَ، كَيْ يُقَدِّسَ الشَّعْبَ بِدَمِ نَفْسِهِ يَسُوعُ أَيْضًا تَأَلَّمَ خَارِجَ الْبَابِ. ١٣ فَلْنَخْرُجْ إِذًا إِلَيْهِ خَارِجَ الْمَحَلَّةِ حَامِلِينَ عَارَهُ. ١٤ لأَنَّ لَيْسَ لَنَا هُنَا مَدِينَةٌ بَاقِيَةٌ، بَلْ نَطْلُبُ الْعَتِيدَةَ. ١٥ فَلْنُقَدِّمْ بِهِ ذَبِيحَةَ التَّسْبِيحِ دَائِمًا لِلَّهِ، أَيْ ثَمَرَ شِفَاهٍ مُعْتَرِفَةٍ بِاسْمِهِ. ١٦ وَلَا تَنْسَوُا الإِحْسَانَ وَالتَّوْزِيعَ، لأَنَّ بِذَبَائِحَ مِثْلِ هذِهِ يُسَرُّ اللهُ. ١٧ أَطِيعُوا مُرْشِدِيكُمْ وَاخْضَعُوا لَهُمْ، لأَنَّهُمْ هُمْ يَسْهَرُونَ لأَجْلِ نُفُوسِكُمْ كَمَنْ سَوْفَ يُعْطُونَ حِسَابًا، لِكَيْ يَفْعَلُوا ذلِكَ بِفَرَحٍ لَا تَنُوحًا، لأَنَّ هذَا غَيْرُ نَافِعٍ لَكُمْ. ١٨ صَلُّوا لأَجْلِنَا، لأَنَّنَا نَثِقُ أَنَّ لَنَا ضَمِيرًا صَالِحًا، إِذْ نَحْنُ نَرْغَبُ أَنْ نَتَصَرَّفَ حَسَنًا فِي كُلِّ شَيْءٍ. ١٩ وَأَطْلُبُ إِلَيْكُمْ أَنْ تَفْعَلُوا هذَا أَكْثَرَ، لِكَيْ أُرَدَّ إِلَيْكُمْ سَرِيعًا. ٢٠ وَإِلهُ السَّلاَمِ الَّذِي أَصْعَدَ مِنْ بَيْنِ الأَمْوَاتِ رَاعِيَ الْخِرَافِ الْعَظِيمَ رَبَّنَا يَسُوعَ بِدَمِ الْعَهْدِ الأَبَدِيِّ، ٢١ لِيُكْمِلْكُمْ فِي كُلِّ عَمَلٍ صَالِحٍ لِتَعْمَلُوا مَشِيئَتَهُ، عَامِلاً فِينَا مَا يَرْضَى أَمَامَهُ بِيَسُوعَ الْمَسِيحِ، الَّذِي لَهُ الْمَجْدُ إِلَى أَبَدِ الآبِدِينَ. آمِينَ. ٢٢ وَأَطْلُبُ إِلَيْكُمْ أَيُّهَا الإِخْوَةُ أَنْ تَحْتَمِلُوا كَلِمَةَ الْوَعْظِ، لأَنِّي أَيْضًا إِنَّمَا كَتَبْتُ إِلَيْكُمْ بِكَلِمَاتٍ قَلِيلَةٍ. ٢٣ اِعْلَمُوا أَنَّ أَخَانَا تِيمُوثَاوُسَ قَدْ أُطْلِقَ، الَّذِي إِنْ أَتَى سَرِيعًا أَرَاكُمْ مَعَهُ. ٢٤ سَلِّمُوا عَلَى جَمِيعِ مُرْشِدِيكُمْ وَعَلَى جَمِيعِ الْقِدِّيسِينَ. يُسَلِّمُ عَلَيْكُمُ الَّذِينَ مِنْ إِيطَالِيَا. ٢٥ اَلنِّعْمَةُ مَعَ جَمِيعِكُمْ. آمِينَ.

فيه لا تظنوا انكم تعرفون ساعة مجيئه.» ٤١ فقال له بطرس: «يا سيد، ألعلك تقول هذا المثل لنا أم للجميع أيضا؟» ٤٢ فقال الرب: «من هو الوكيل الأمين الحكيم الذي يقيمه سيده على خدمه ليعطيهم طعامهم في حينه؟ ٤٣ طوبى لذلك العبد الذي يجده سيده عاملا هكذا حين يأتي. ٤٤ الحق أقول لكم إنه يقيمه على جميع أمواله. ٤٥ ولكن إن قال العبد في قلبه: سيدي يبطئ في مجيئه، فيبدأ يضرب الخدام والجواري ويأكل ويشرب ويسكر، ٤٦ فإن سيد ذلك العبد يأتي في يوم لا يتوقعه وفي ساعة لا يعرفها، فيقطعه ويجعل نصيبه مع غير المؤمنين. ٤٧ وذلك العبد الذي علم إرادة سيده ولم يستعد ولم يعمل بإرادته يضرب ضربا كثيرا. ٤٨ وأما الذي لم يعلم وفعل ما يستوجب الضرب فيضرب ضربا قليلا. فكل من أعطي كثيرا يطلب منه كثير، ومن استودع كثيرا يطالب بأكثر.

يسوع يسبب انقسامات

لوقا ١١:٢٤-٢٦

٤٩ «جئت لألقي نارا على الأرض، فكم أتمنى أن تكون قد اشتعلت الآن! ٥٠ لي معمودية يجب أن أعتمد بها، فكم أنا متضايق حتى تتم! ٥١ أتظنون أني جئت لأعطي سلاما على الأرض؟ كلا، أقول لكم، بل انقساما. ٥٢ فمن الآن فصاعدا يكون خمسة في بيت واحد منقسمين، ثلاثة على اثنين واثنان على ثلاثة. ٥٣ يقف الأب ضد ابنه والابن ضد أبيه، والأم ضد ابنتها والابنة ضد أمها، والحماة ضد كنتها والكنة ضد حماتها.»

---

[l] ١٢:٤١ متى ٥:٣ [m] ١٢:٤٢ ١ صموئيل ١٠:١-١٠

مثل الكرمة والفلاحين

متى ٢١:٣٣-٤٦؛ لوقا ٢٠:٩-١٩

٤٦ ثم بدأ يقول للشعب هذا المثل: «كان رجل قد غرس كرمة، وأحاطها بسياج، وحفر فيها حوض عصير، وبنى برجا للحراسة، ثم أجرها لفلاحين وسافر إلى بلد بعيد. ٤٧ وعندما حان موسم القطاف، أرسل عبيده إلى الفلاحين ليأخذوا نصيبه من المحصول. ٤٨ لكن الفلاحين أمسكوا بالعبيد، فضربوا واحدا وقتلوا آخر ورجموا ثالثا. ٤٩ فأرسل عبيدا آخرين أكثر عددا من الأولين، ففعل الفلاحون بهم كما فعلوا بالأولين. ٥٠ وأخيرا أرسل إليهم ابنه الوحيد قائلا: ‹سيحترمون ابني›. ٥١ لكن الفلاحين لما رأوا الابن قالوا في أنفسهم: ‹هذا هو الوارث، هلم نقتله فيصير الميراث لنا›. ٥٢ فأمسكوا به وقتلوه وألقوه خارج الكرم. ٥٣ فماذا يفعل صاحب الكرم؟ ٥٤ سيأتي ويهلك الفلاحين ويعطي الكرم لآخرين».

مثل التينة

متى ٢١:١-٩؛ لوقا ١٩:٢٨-٤٠

١٣ ١ وفيما هو خارج من الهيكل، قال له أحد تلاميذه: «انظر يا معلم، ما أعظم هذه الحجارة وما أعظم هذه المباني!» ٢ فأجابه يسوع: «أتنظر هذه المباني العظيمة؟ لن يترك حجر على حجر، بل سيهدم كلها». ٣ وبينما كان يسوع جالسا على جبل الزيتون مقابل الهيكل، سأله بطرس ويعقوب ويوحنا وأندراوس على انفراد: ٤ «قل لنا متى يحدث هذا؟ وما العلامة التي تدل على أن كل هذه الأمور على وشك الحدوث؟» ٥ فأجابهم يسوع قائلا: «احذروا أن يضلكم أحد. ٦ فكثيرون سيأتون باسمي ويقولون: ‹أنا هو المسيح›، ويضلون كثيرين. ٧ وعندما تسمعون عن حروب وإشاعات حروب، فلا تضطربوا، لأن هذه الأمور لا بد أن تحدث، ولكن النهاية لم تأت بعد. ٨ فأمة تقوم على أمة، ومملكة على مملكة، وتحدث زلازل في أماكن كثيرة، وتكون مجاعات. هذه هي بداية الأوجاع.

۹"هم پلحوښتې، زما حضرت پاچا سلیمان، او زما خدمتګاران به تاسو سره
جوړ نه شي ځکه چې ستاسو پلار زما ټول ځواک پوهیږي.

د ابشالوم مرګ

د تکوین ۳۷:۳۴؛ ۲سمو ۱۳:۳۱-۳۶

۱۰او پاچا داؤد خپلو ټولو خدمتګارانو ته وویل: "ما ته یې ووایاست:
چې ابشالوم چیرته دی؟" ۱۱خو څوک یې ورته ځواب ورنکړ. بیا
پاچا ورته وویل: "زه تاسو ته قسم درکوم چې ما ته یې ووایاست چې
هغه چیرته دی، زه به لاړ شم او هغه به راوړم." ۱۲خو هغه ورته
وویل: "نه، زما ښاغلیه پاچا، ما ته یې مه ویایه چې ما ته قسم
درکړه چې زه به یې نه وژنم. ۱۳که زه دا کار وکړم، نو زه به
خپل ژوند له لاسه ورکړم، ځکه چې تاسو به زما ټول ژوند
ګډوډ کړئ. ۱۴زه پوهیږم چې ټول ژوند به یې له لاسه ورکړم،
خو زه به هیڅکله هم خپل ژوند له لاسه ورنکړم. زه به خپل
ټول ځواک ولګوم چې هغه بیرته راوغواړم."

۱۵خو سلیمان ورته وویل: "زه به دا کار وکړم، خو زما داؤد
پلار به څه وکړي؟ زه به ستا ټول ځواک پوهیږم، ستا
ټولې ځواکمنې ډلې به زما د پلار ساتنه وکړي، خو
ستا ټول ځواک به یوازې د ریګو په څیر وي."

۱۳:۱۵ د حزقیال ۹:۶-۱۰

مثل الزارع والحقل

متى ١٣:٤-٢٠؛ لوقا ٨:١١-١٥

١٨ "اسمعوا إذًا معنى مثل الزارع. ١٩ كل من يسمع كلمة الملكوت ولا يفهمها يأتي الشرير ويخطف ما زُرع في قلبه. هذا هو الذي زُرع على الطريق. ٢٠ والذي زُرع على الأرض المحجرة هو من يسمع الكلمة ويقبلها للوقت بفرح. ٢١ لكن ليس لها أصل في نفسه بل هو إنسان قليل الثبات. فعندما يحدث ضيق أو اضطهاد بسبب الكلمة يسقط للوقت. ٢٢ والذي زُرع بين الشوك هو من يسمع الكلمة، لكن هموم هذا العالم وخداع الغنى يخنقان الكلمة فلا تثمر. ٢٣ والذي زُرع على الأرض الجيدة هو من يسمع الكلمة ويفهمها، فيثمر ويعطي بعضه مئة وبعضه ستين وبعضه ثلاثين."

مثل الزوان

٢٤ وضرب لهم مثلاً آخر قائلاً: "يشبه ملكوت السماوات إنسانًا زرع زرعًا جيدًا في حقله. ٢٥ وفيما الناس نيام جاء عدوه وزرع زوانًا بين القمح وانصرف. ٢٦ فلما نبت الزرع وصنع ثمرًا حينئذ ظهر الزوان أيضًا. ٢٧ فجاء عبيد رب البيت وقالوا له: 'يا سيد، أما زرعت زرعًا جيدًا في حقلك؟ فمن أين له الزوان؟' ٢٨ فقال لهم: 'إنسان عدو فعل هذا.' فقال له العبيد: 'أتريد أن نمضي ونجمعه؟'

فرمانبردار بنیں۔ [۲۹] لیکن اگر آپ ایک دوسرے کو کاٹتے اور کھا جاتے ہیں تو
خبردار رہیں کہ ایک دوسرے کے ہاتھوں ہلاک نہ ہو جائیں۔ [۳۰] میرا مطلب یہ ہے
کہ اپنی زندگی اس طرح گزاریں کہ روح القدس آپ کی رہنمائی کرے۔ اپنی نفسانی
خواہشات کو پورا نہ کریں۔ [۳۱] کیونکہ نفسانی خواہشات روح القدس کے خلاف
ہیں، اور روح القدس نفسانی خواہشات کے خلاف ہے۔ یہ دونوں ایک دوسرے کے
مخالف ہیں، اس لئے آپ وہ کام نہیں کر سکتے جو آپ کرنا چاہتے ہیں۔

بیج بونے والے کی تمثیل

متی ۱۳:۱-۹؛ مرقس ۴:۱-۹؛ لوقا ۸:۴-۸

[۳۲] پھر یسوع نے ایک اور تمثیل سنا کر لوگوں کو سکھانا شروع کیا۔ اتنے
لوگ جمع ہو گئے کہ وہ ایک کشتی میں بیٹھ گیا اور ساحل پر کھڑے لوگوں کو
تعلیم دینے لگا۔ [۳] اس نے کہا: "ایک کسان بیج بونے نکلا۔ [۴] جب وہ بیج
بو رہا تھا تو کچھ بیج راستے کے کنارے گر پڑے۔ پرندوں نے آ کر انہیں کھا
لیا۔ [۵] کچھ بیج پتھریلی زمین پر گرے جہاں بہت کم مٹی تھی۔ وہ جلد ہی
اگ آئے کیونکہ مٹی گہری نہیں تھی۔ [۶] لیکن جب سورج نکلا تو پودے جھلس
گئے اور چونکہ ان کی جڑیں گہری نہیں تھیں اس لئے وہ سوکھ گئے۔ [۷] کچھ
بیج جھاڑیوں میں گرے۔ جھاڑیاں بڑھ کر اتنی گھنی ہو گئیں کہ انہوں نے
پودوں کو دبا دیا اور وہ پھل نہ لا سکے۔ [۸] کچھ بیج اچھی زمین پر گرے۔
وہ اگ آئے اور بڑھ کر پھل لائے۔ کچھ نے تیس گنا، کچھ نے ساٹھ گنا اور
کچھ نے سو گنا پھل دیا۔"

[۹] پھر یسوع نے کہا: "جس کے سننے کے کان ہیں وہ سن لے۔"

[۱۰] شاگرد یسوع کے پاس آئے اور پوچھا: "آپ لوگوں کو تمثیلوں میں
کیوں سکھاتے ہیں؟" [۱۱] یسوع نے جواب دیا: "تمہیں خدا کی بادشاہی کے
بھید سمجھنے کی سمجھ دی گئی ہے، لیکن دوسروں کو نہیں دی گئی۔ [۱۲] جس کے
پاس کچھ ہے اسے اور دیا جائے گا اور اس کے پاس بہت کچھ ہو جائے گا۔ لیکن
جس کے پاس کچھ نہیں اس سے وہ بھی لے لیا جائے گا جو اس کے پاس ہے۔
[۱۳] میں لوگوں کو تمثیلوں میں اس لئے سکھاتا ہوں کہ وہ دیکھتے ہوئے بھی
نہیں دیکھتے اور سنتے ہوئے بھی نہ سنتے ہیں اور نہ سمجھتے ہیں۔ [۱۴] یسعیاہ
نبی کی یہ پیشگوئی ان پر پوری ہوتی ہے:

'تم سنو گے لیکن سمجھو گے نہیں،
تم دیکھو گے لیکن تمہیں کچھ نظر نہیں آئے گا۔
[۱۵] کیونکہ ان لوگوں کے دل سخت ہو گئے ہیں،
ان کے کان بہرے ہو گئے ہیں
اور انہوں نے اپنی آنکھیں بند کر لی ہیں۔
ایسا نہ ہو کہ وہ اپنی آنکھوں سے دیکھیں،
اپنے کانوں سے سنیں،
اپنے دل سے سمجھیں
اور میری طرف رجوع کریں
اور میں انہیں شفا دوں۔'

۱۳:۳۵ زبور ۷۸:۲

صموئيل الثاني ١٣

٣٦ فجاء يوناداب ابن شمعة أخي داود. ونزل يوناداب
وجلس على الأرض، وجميع عبيد الملك وقفوا حوله.
٣٧ وأما أبشالوم فهرب وذهب إلى تلماي بن عميهود
ملك جشور. وناح داود على ابنه كل الأيام.
٣٨ وأبشالوم هرب وذهب إلى جشور، وكان هناك ثلاث
سنين. ٣٩ وكف الملك داود عن الخروج إلى أبشالوم؛
لأنه تعزى عن عمنون، لأنه كان قد مات.

١٤ وعلم يوآب بن صروية أن قلب الملك على أبشالوم.
٢ فأرسل يوآب إلى تقوع وأخذ من هناك امرأة حكيمة
وقال لها: تظاهري بالحزن، والبسي ثياب حزن، ولا
تدهني بزيت، بل كوني كامرأة قد ناحت على ميت
أيام. ٣ وادخلي على الملك وكلميه بهذا الكلام.
وجعل يوآب الكلام في فمها.

٤ فدخلت المرأة التقوعية على الملك وخرت على
وجهها إلى الأرض وسجدت، وقالت: خلصني يا ملك.
٥ فقال لها الملك: ما لك؟ فقالت: أنا امرأة أرملة،
قد مات رجلي. ٦ وكان لجاريتك ابنان، فتخاصما في
الحقل وليس من يخلصهما، فضرب أحدهما الآخر
وقتله. ٧ وها كل العشيرة قد قامت على جاريتك
وقالوا: سلم الذي قتل أخاه لنقتله بنفس أخيه
الذي قتله ونبيد الوارث أيضا. فيطفئون جمرتي
التي بقيت، ولا يبقون لرجلي اسما ولا بقية على
وجه الأرض.

كى. لازمدا ئۆزىڭنى ئاقلىغان ھەممە ئادەم ئۆستۈرۈلىدۇ؛ ئۆزىنى ئۆستۈرگەن ھەممە ئادەم [٤٩]"ھەققىدە ئېيتىمەن، ئۇلار ھەققانىي بولۇپ ئۆيىگە ئۆتكەن ھالدا ئەمەس، بەلكى ئىسادىن ئۆتكەن ھالدا ئۆيىگە ئۆتكەن. [٥٠]"ئەي ئاتا ئىبراھىم، ماڭا رەھىم قىلغىن، ئەۋەتكىن ئۇ بارمىقىنى سۇغا چىلاپ تىلىمنى سالقىن قىلسۇن، چۈنكى مەن بۇ ئالاۋ ئىچىدە قاتتىق ئازابلىنىۋاتىمەن.' [٥١]ئىبراھىم ئۇنىڭغا مۇنداق جاۋاب بەردى: 'ئەي بالام، ئېسىڭدە بولسۇنكى، سەن ھاياتلىقىڭدا ياخشى نەرسىلەرنى ئالغان بولساڭ، ئەمما ئەلئازەر يامان نەرسىلەرنى ئالغان بولسا، ئەمدى ئۇ بۇ يەردە ئەزا تارتىۋاتىدۇ، سەن بولساڭ ئازابلىنىۋاتىسەن. [٥٢]ئۇستىگە-ئۈستۈن، بىز بىلەن سىلەرنىڭ ئارىڭلاردا چوڭقۇر بوشلۇق بار بولۇپ، بۇ يەردىن سىلەرگە ئۆتمەكچى بولغانلار ئۆتەلمەيدۇ، ئۇ يەردىن بىزگە ئۆتمەكچى بولغانلارمۇ ئۆتەلمەيدۇ.'

ئىسادىن ئۆتكەن ئىماننىڭ كۈچى

مەتتا ٦:١-٦؛ لۇقا ٤:١٦-٣٠

[٥٣]ئىبراھىم ئۇنىڭغا مۇنداق جاۋاب بەردى: 'ئۇلارنىڭ مۇسا بىلەن پەيغەمبەرلەرگە قۇلاق سالمىغانلىقى ئۈچۈن، [٥٤]ئەگەر بىرسى ئۆلۈمدىن قايتىپ ئۇلارنىڭ يېنىغا بارسا، ئۇلار ئۆزگىرىدۇ.' [٥٥]ئەي ئاتا ئىبراھىم، ئەگەر ئۇلار مۇسا بىلەن پەيغەمبەرلەرگە قۇلاق سالمىسا، ئۆلۈمدىن قايتىپ كەلگەن بىرسىگىمۇ ئىشەنمەيدۇ.' [٥٦]ئىبراھىم ئۇنىڭغا: 'بالام، ئېسىڭدە بولسۇنكى، سەن ھاياتلىقىڭدا ياخشى نەرسىلەرنى ئالغان بولساڭ، ئەمما ئەلئازەر يامان نەرسىلەرنى ئالغان بولسا، ئەمدى ئۇ بۇ يەردە ئەزا تارتىۋاتىدۇ، سەن بولساڭ ئازابلىنىۋاتىسەن. [٥٧]ئۇستىگە-ئۈستۈن، بىز بىلەن سىلەرنىڭ ئارىڭلاردا چوڭقۇر بوشلۇق بار بولۇپ، بۇ يەردىن سىلەرگە ئۆتمەكچى بولغانلار ئۆتەلمەيدۇ، ئۇ يەردىن بىزگە ئۆتمەكچى بولغانلارمۇ ئۆتەلمەيدۇ.' [٥٨]ئۇ ئادەم يەنە ئېيتتى: 'ئۇنداقتا ئەي ئاتا، ئۇنى ئۆيۈمگە ئەۋەتكىن، چۈنكى مېنىڭ بەش ئاكا-ئۇكام بار. ئۇ ئۇلارغا ئاگاھلاندۇرسۇن، ئۇلارمۇ بۇ ئازابلىنىدىغان جايغا كەلمىسۇن.' [٥٩]ئىبراھىم ئۇنىڭغا: 'ئۇلارنىڭ مۇسا بىلەن پەيغەمبەرلەرگە قۇلاق سالمىغانلىقى ئۈچۈن، ئۇلار ئۆزگىرىدۇ.' [٦٠]"ئەي ئاتا ئىبراھىم، ماڭا رەھىم قىلغىن، ئەۋەتكىن ئۇ بارمىقىنى سۇغا چىلاپ تىلىمنى سالقىن قىلسۇن، چۈنكى مەن بۇ ئالاۋ ئىچىدە قاتتىق ئازابلىنىۋاتىمەن.' [٦١]ئىبراھىم ئۇنىڭغا جاۋاب بەردى: 'بالام، ئېسىڭدە بولسۇنكى، سەن ھاياتلىقىڭدا ياخشى نەرسىلەرنى ئالغان بولساڭ، ئەمما ئەلئازەر يامان نەرسىلەرنى ئالغان بولسا، ئەمدى ئۇ بۇ يەردە ئەزا تارتىۋاتىدۇ، سەن بولساڭ ئازابلىنىۋاتىسەن.

ئىسادىن ئۆتكەن ئىماننىڭ كۈچى

مەتتا ٦:١٤-٢٩؛ لۇقا ٩:٧-٩

١٤ [١]ئەيسا ئۆز شاگىرتلىرىغا مۇنداق دېدى: "ئازدۇرۇشلار چوقۇم كېلىدۇ، لېكىن ئۇلارنى ئازدۇرىدىغان كىشىگە ۋاي-ھەسرەت! [٢]ئۇنداق كىشىنىڭ بوينىغا بىر تاش ئېسىلىپ دېڭىزغا تاشلىنىشى ئۇنىڭ ئۈچۈن ياخشى بولاتتى.

כִּי מִבְּיָדוֹ, הוּא יְהוֹאָחָז הַבְּכוֹר וְהַמֶּלֶךְ תַּחְתָּיו וְהַנְּבִיא הוּא.” ٣ וְתַחַת הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, הוּא יְהוֹיָקִים הַשֵּׁנִי, וְהַמֶּלֶךְ הוּא וְהַנְּבִיא הוּא, וְהַנְּבִיא הוּא יְהוֹיָכִין, וְהַמֶּלֶךְ הוּא וְהַנְּבִיא הוּא, וְהַנְּבִיא הוּא יְהוֹיָקִים הַשְּׁלִישִׁי, וְהַמֶּלֶךְ הוּא וְהַנְּבִיא הוּא. ٤ וְתַחַת הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה הוּא יְהוֹיָקִים הָרְבִיעִי, וְהַמֶּלֶךְ הוּא וְהַנְּבִיא הוּא: ”לֹא יִמָּלֵט מִמֶּנּוּ אִישׁ מִבְּנֵי הָאָדָם, וְלֹא יִמָּלֵט מִמֶּנּוּ אִישׁ מִבְּנֵי הָאָדָם, וְלֹא יִמָּלֵט מִמֶּנּוּ אִישׁ מִבְּנֵי הָאָדָם.” [do] וְתַחַת הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה הוּא יְהוֹיָקִים הַחֲמִישִׁי, וְהַמֶּלֶךְ הוּא וְהַנְּבִיא הוּא. [٦] וְהוּא וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה. [٧] וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה. [٨] וְהוּא, כִּי אִם הוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה. [٩] וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה.” [٩] וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה. [١٠] וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה. [١١] וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה. [١٢] וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה.

הַמֶּלֶךְ הַמְשִׁיחַ הַמְּלוּכָה

מִכְתָּם ٦:٣٠-٤٤; לוּקָס ٩:١٠-١٧; מַתִּי ٦:١-١٤

[١٣] וְהִנֵּה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה הוּא הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה. [١٤] וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה. [١٥] וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה, וְהוּא הָיָה הַנְּבִיא הַיָּדוֹת הָאֵלֶּה.

[do] ١٤:٤ תרגום ٢١:٢٠

وَأَخَذَ يُعَلِّمُهُمْ وَيَقُولُ لَهُمْ: "أَلَيْسَ مَكْتُوبًا: بَيْتِي بَيْتُ الصَّلاَةِ يُدْعَى لِجَمِيعِ الأُمَمِ؟ وَأَنْتُمْ جَعَلْتُمُوهُ مَغَارَةَ لُصُوصٍ!" [١٧] وَسَمِعَ الْكَتَبَةُ وَرُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ، فَطَلَبُوا كَيْفَ يُهْلِكُونَهُ. لأَنَّهُمْ خَافُوهُ، إِذْ بُهِتَ الْجَمْعُ كُلُّهُ مِنْ تَعْلِيمِهِ. [١٨] وَلَمَّا صَارَ الْمَسَاءُ خَرَجَ إِلَى خَارِجِ الْمَدِينَةِ. [١٩] وَفِي الصَّبَاحِ بَاكِرًا فِيمَا هُمْ مُجْتَازُونَ رَأَوُا التِّينَةَ قَدْ يَبِسَتْ مِنَ الأُصُولِ. [٢٠] فَتَذَكَّرَ بُطْرُسُ وَقَالَ لَهُ: "يَا سَيِّدِي، انْظُرْ، التِّينَةُ الَّتِي لَعَنْتَهَا قَدْ يَبِسَتْ!" [٢١] فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُمْ: "لِيَكُنْ لَكُمْ إِيمَانُ اللهِ. لأَنَّ الْحَقَّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ مَنْ قَالَ لِهذَا الْجَبَلِ: انْتَقِلْ وَانْطَرِحْ فِي الْبَحْرِ، وَلاَ يَشُكُّ فِي قَلْبِهِ بَلْ يُؤْمِنُ أَنَّ مَا يَقُولُهُ يَكُونُ، فَمَهْمَا قَالَ يَكُونُ لَهُ.

الصلاة المجابة والغفران

متى ٢١:١٠-٢٢؛ لوقا ٦:١٧؛ متى ٦:٤٥-٥٢

[٢٢] فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُمْ: "لِيَكُنْ لَكُمْ إِيمَانُ اللهِ. [٢٣] لأَنَّ الْحَقَّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ مَنْ قَالَ لِهذَا الْجَبَلِ: انْتَقِلْ وَانْطَرِحْ فِي الْبَحْرِ، وَلاَ يَشُكُّ فِي قَلْبِهِ بَلْ يُؤْمِنُ أَنَّ مَا يَقُولُهُ يَكُونُ، فَمَهْمَا قَالَ يَكُونُ لَهُ. [٢٤] لِذلِكَ أَقُولُ لَكُمْ: كُلُّ مَا تَطْلُبُونَهُ حِينَمَا تُصَلُّونَ، فَآمِنُوا أَنَّكُمْ تَنَالُونَهُ فَيَكُونُ لَكُمْ. [٢٥] وَمَتَى وَقَفْتُمْ تُصَلُّونَ فَاغْفِرُوا إِنْ كَانَ لَكُمْ عَلَى أَحَدٍ شَيْءٌ، لِكَيْ يَغْفِرَ أَبُوكُمْ أَيْضًا الَّذِي فِي السَّمَاوَاتِ زَلاَّتِكُمْ. [٢٦] وَإِنْ لَمْ تَغْفِرُوا أَنْتُمْ فَأَبُوكُمْ أَيْضًا الَّذِي فِي السَّمَاوَاتِ لاَ يَغْفِرُ زَلاَّتِكُمْ." [٢٧] ثُمَّ جَاءُوا أَيْضًا إِلَى أُورُشَلِيمَ. وَفِيمَا هُوَ يَتَمَشَّى فِي الْهَيْكَلِ جَاءَ إِلَيْهِ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ وَالْكَتَبَةُ وَالشُّيُوخُ، [٢٨] وَقَالُوا لَهُ: "بِأَيِّ سُلْطَانٍ تَفْعَلُ هذَا؟ وَمَنْ أَعْطَاكَ هذَا السُّلْطَانَ حَتَّى تَفْعَلَ هذَا؟"

وعلمهم بأن يقصد، على سبيل المثال، الفقراء المحتاجين عليه أن يعطيهم ما يحتاجون إليه. [٢٩] ولكن بالطبع، لا يقدر الفقراء المحتاجون أن يعطوا الله شيئًا. [٣٠] ولكن الله يريد أن يعطي الفقراء المحتاجين، وهو يريد أن يعطيهم من خلال أولئك الذين يعطون الفقراء. [٣١] وهذا يعني أن الله يريد أن يعطي الفقراء من خلال أولئك الذين يعطون الفقراء. [٣٢] وهذا يعني أن الله يريد أن يعطي الفقراء من خلال أولئك الذين يعطون الفقراء. [٣٣] وهذا يعني أن الله يريد أن يعطي الفقراء من خلال أولئك الذين يعطون الفقراء. [٣٤] وهذا يعني أن الله يريد أن يعطي الفقراء من خلال أولئك الذين يعطون الفقراء. [٣٥] وهذا يعني أن الله يريد أن يعطي الفقراء من خلال أولئك الذين يعطون الفقراء. [٣٦] وهذا يعني أن الله يريد أن يعطي الفقراء من خلال أولئك الذين يعطون الفقراء. وهذا يعني أن الله يريد أن يعطي الفقراء من خلال أولئك الذين يعطون الفقراء.

مثل الرجل الغني والرجل الفقير

لوقا ١٦:١٩-٣١

١٩ «كان رجل غني يلبس ثيابًا فاخرة وأرجوانية، ويتنعم كل يوم بالولائم الفاخرة. ٢٠ وكان عند بوابة بيته رجل فقير اسمه لعازر، مغطى بالقروح، ٢١ يتمنى أن يشبع من الفتات الذي يسقط من مائدة الغني. حتى الكلاب كانت تأتي وتلحس قروحه. ٢٢ ثم مات الفقير، وحملته الملائكة إلى حضن إبراهيم. ومات الغني أيضًا ودُفن. ٢٣ وفي الهاوية، وهو في العذاب، رفع عينيه ورأى إبراهيم من بعيد، ولعازر في حضنه.

فۇنۇس پېترۇس ئۇنىڭغا: «ئۇستاز، بۇ تەمسىلنى بىزگە ئېيتىپ بەرگىنىڭ، ياكى ھەممە ئادەمگىمۇ؟» ٤ ئەيسا ئۇلارغا مۇنداق دېدى: «ئەقىل-پاراسەتلىك ۋەكىل ۋە سادىق باشقۇرغۇچى كىم بولىدۇ؟ ئۇ ئىگىسى ئۆيىدىكىلەرنى ۋاقتىدا ئوزۇق-تۈلۈك بىلەن تەمىنلەش ئۈچۈن ئۇلارنىڭ ئۈستىدىن تەيىنلىگەن كىشى. ٥ ئىگىسى كەلگەندە، ئۇ شۇنداق قىلىۋاتقان ئادەمنى كۆرسە، بەخت-سائادەتكە ئېرىشىدۇ. ٦ مەن سىلەرگە راستىنى ئېيتىپ قويۇشۇم كېرەك، ئىگىسى ئۇنى بارلىق مال-مۈلكىگە ۋارىسلىق قىلىدىغان قىلىپ تەيىنلەيدۇ. ٧ لېكىن ئەگەر ئۇ ئادەم ئۆز-ئۆزىگە: ‹ئىگەم كېلىشىگە خېلى ۋاقىت بار› دەپ ئويلاپ، ئۆزىدىن كىچىك خىزمەتچىلەرنى ئۇرۇپ-سوقۇشقا، يەپ-ئىچىپ مەست بولۇشقا باشلىسا، ٨ ئۇ خىزمەتچى ئىگىسى كۈتمىگەن كۈندە ۋە ئۇ بىلمەيدىغان ۋاقىتتا كېلىدۇ. ٩ ئىگىسى ئۇنى ئىككىگە بۆلۈپ، ئۇنىڭغا ساختىپەزلەرنىڭ تەقدىرىنى بېرىدۇ. ئۇ يەردە يىغا-زار ۋە چىشلىرىنى غۇچۇرلىتىش بولىدۇ.» ١٠ ئەيسا يەنە مۇنداق دېدى: «ئەمدى ئاسمان پادىشاھلىقى ئۈچۈن ئۈلگە بولىدىغان ئىككى ئادەمنى سىلەرگە سۆزلەپ بېرەي. ١١ بىرى ياخشى ئادەم بولۇپ، ئۇ ئۆزىنىڭ ئىگىسىنىڭ ئۇنىڭغا ئىشەنچ بىلدۈرگەنلىكىگە ھۆرمەت قىلاتتى. ئۇ ئىگىسىنىڭ ئۇنىڭغا بولغان ئۈمىدىنى ئاقلاش ئۈچۈن ھەممە ئىشنى ئەستايىدىللىق بىلەن قىلاتتى. ١٢ يەنە بىرى بولسا ئۆزىنى ئاقلاشقا ئۇرۇنۇپ، ئۆزىنى ھەممىدىن ئۈستۈن كۆرسىتىشكە تىرىشاتتى. ١٣ ئەيسا مۇنداق دېدى: «ئىككىڭلار ئىچىدە قايسىڭلار ئۇنىڭ ئۈستىدىن ئۆزۈڭلارنى ئۈستۈن كۆرسىتىشكە تىرىشىسىلەر؟ ئۇنداق ئادەم ئۆزىنى ئاقلاشقا ئۇرۇنۇپ، ئۆزىنى ھەممىدىن ئۈستۈن كۆرسىتىشكە تىرىشىدۇ. ئۇ ئادەم ئۆزىنى ئاقلاشقا ئۇرۇنۇپ، ئۆزىنى ھەممىدىن ئۈستۈن كۆرسىتىشكە تىرىشىدۇ. ١٤ ئەمما ئىككىنچى ئادەم ئۆزىنى ئاقلاشقا ئۇرۇنمايتى. ئۇ ئۆزىنى ھەممىدىن ئۈستۈن كۆرسىتىشكە تىرىشمايتى. ئۇ

لِيَسُوعَ. ٢٠ "إِنِّي مَا جِئْتُ لِجَدِيدِ لِجَدِيدِ. إِنَّمَا لِجَلَبِ لِجَدِيدِ كَيْ يَمُوتَ لِجَدِيدِ لِي خَلِيقَةٍ لِجَدِيدَةٍ."

لِمَحَبَّةِ لِجَدِيدَةِ لِمَحَبَّةِ

مَتَّى ٧:٢٤-٣٠

٢١ وَمِنْ ذَلِكَ لِمَوْضِعِ قَامَ يَسُوعُ كَيْ لِمَرَّةِ مَعَ مَنْ لِمَوْضِعِ. ٢٢ وَهُوَذَا سِتَّةُ لِجَدِيدَةُ لِمَحَبَّةُ لِمَرَّةُ كَانَ مَعَ أَبٍ لِمَوْضِعِ، فَصَاحَتْ: "يَسُوعُ لِجَلِيلِ مَنْ لِتَرَفَّقْ بِي، لِمَرَضِ بِي شَدِيدٌ، لِمَرَضُ لِجَلِيلِ مَنْ لِتَرَفَّقْ لِمَرَضِ." ٢٣ لِمَرَّةُ وَهُوَ لَمْ يَقُلْ مَا يَقُولُ مَا بِهِ بِحَدٍّ. وَلِمَحَبَّةُ لِمَرَّةُ لِمَرَضِ لِمَرَضِ: "لِمَرَضُ، لِمَرَضُ." ٢٤ يَقُولُ لِمَرَضُ لِمَرَضِ: "لَا فَرَجَ لَهَا لَا لِمَرَضُ لِمَرَضِ لِمَرَضِ." ٢٥ لِمَرَّةُ وَهِيَ لِمَرَضُ لِمَرَضُ، فَلَمَّا لِمَرَضُ لِمَرَضُ: "لِمَرَضُ، لِمَرَضُ." ٢٦ لِمَرَّةُ وَهُوَ يَقُولُ لِمَرَضُ: "لِمَرَضُ مَنْ سَبَبُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ، لِمَرَضُ." ٢٧ وَهُوَ يَقُولُ لِمَرَضُ: "وَلَا لِمَرَضُ، لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ." ٢٨ فَلَمَّا لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ." ٢٨ فَلَمَّا لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ، لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ: "لِمَرَضُ، لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ، لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ." وَلِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ.

لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ

٢٩ وَمِنْ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ، لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ، ٣٠ وَلِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ. لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ، لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ، لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ لِمَرَضُ

وهو حينئذٍ، ايضا بعد امرأته، ويقول: ليس لي رئيس، ولا حتى
صديقا تسمّيه؛ واجعل لي ذكرا واهدمْ الكل.

الفريسيون يطلبون آية

متى ٨:١-١٠

٣٢ وقاموا من هناك ومضوا الى تخوم اليهودية عبر الاردن،
فاجتمع اليه ايضا جموع كثيرة، وكان يعلّمهم كما كان
عوّد ايضا. ٣٣ فدنا الفريسيون وسألوه: "هل يحلّ للرجل
ان يطلّق امرأته؟" ليجرّبوه. ٣٤ فقال لهم: "ماذا اوصاكم
موسى؟" ٣٥ فقالوا: "موسى لم يأذن ان يُكتب طلاق
فتطلّق." ٣٦ فقال لهم يسوع: "من اجل قساوة قلوبكم
كتب لكم هذه الوصية، ٣٧ ولكن من بدء الخليقة ذكرا
وانثى خلقهما الله. ٣٨ من اجل هذا يترك الرجل اباه
وامه ويلتصق بامرأته، ٣٩ ويكون الاثنان جسدا واحدا،
حتى انهما ليسا بعد اثنين بل جسد واحد. ٤٠ فالذي جمعه
الله لا يفرّقه انسان."

شفاء الاعمى في بيت صيدا

متى ٨:١١-١٣؛ لوقا ١٢:٥٤-٥٦

١٦ ١ ثم ان قوما جاءوا الى بيت صيدا، فقدّموا اليه اعمى
وطلبوا اليه ان يلمسه. ٢ فاخذ بيد الاعمى واخرجه الى
خارج القرية، وتفل في عينيه ووضع يديه عليه وسأله:
"هل تبصر شيئا؟" ٣ فنظر وقال: "ابصر الناس كاشجار

كان تعبان.' ٣"وحينما دخل الى المجمع، كان هناك رجل يده يابسة،
وكان الناس يراقبون يسوع ليروا اذا كان يشفي يوم السبت، لكي
يجدوا سببا يشتكون به عليه. ٤"فقال يسوع للرجل ذي اليد اليابسة:
"قف امام الجميع هنا." ثم التفت الى الناس وسألهم: "ما هو
الصحيح يوم السبت، عمل الخير ام عمل الشر؟ هل ننقذ حياة ام
ندعها تموت؟" لكنهم التزموا الصمت.

قصة الصليب

مرقس ١٤:٨ حتى ٢١

٥"ثم نظر اليهم بغضب وحزن، لأن قلوبهم كانت قاسية. وقال
للرجل: "مد يدك." ٦فمدها، فشفيت يده. ٧فانسحب يسوع مع
تلاميذه الى البحيرة، وتبعه جمع كبير من الجليل واليهودية
٨واورشليم وأدومية وعبر الاردن وحول صور وصيدا. فقد سمعوا
بكل ما كان يعمله، فجاءوا اليه. ٩فطلب من تلاميذه ان يهيئوا
له قاربا صغيرا، لئلا يزحمه الناس ١٠لانه شفى كثيرين، حتى
ان المرضى كانوا يتدافعون ليلمسوه. ١١وكانت الارواح النجسة
اذا رأته خرت امامه وصرخت: "انت ابن الله!" ١٢فكان ينهاها
بشدة عن اعلان شخصيته.

يسوع يشفي رجلا أعمى

متى ٨:٢٧-٣٠؛ لوقا ٩:١٨-٢١

١٣ ثم جاء إلى بيت صيدا، وهناك قدموا إليه رجلا أعمى، وتوسلوا إليه أن يلمسه. ١٤ فأخذ الأعمى بيده وقاده إلى خارج القرية، وتفل في عينيه ووضع يديه عليه وسأله: «هل تبصر شيئا؟» ١٥ فنظر الرجل وقال: «أرى أناسا يمشون، ولكنهم يبدون كالأشجار.» ١٦ فوضع يسوع يديه على عينيه مرة أخرى، فأبصر الرجل وشفي تماما، وصار يرى كل شيء بوضوح. ١٧ ثم أرسله إلى بيته قائلا: «لا تدخل القرية.»

بطرس يعترف بأن يسوع هو المسيح

متى ٨:٢٧-٩:١؛ لوقا ٩:٢٢-٢٧

١٨ ثم خرج يسوع وتلاميذه إلى قرى قيصرية فيلبس، وفي الطريق سألهم: «من يقول الناس إني أنا؟» ١٩ فأجابوه: «يقول البعض إنك يوحنا المعمدان، وآخرون يقولون إنك إيليا، وغيرهم يقولون إنك أحد الأنبياء.» ٢٠ فسألهم: «وأنتم من تقولون إني أنا؟» فأجاب بطرس: «أنت المسيح.»

תפילתו תפילה אחת בלבד, בזה שהוא מתפלל אל אלוהים.“ [23] ואז ישוע אמר לתלמידיו: ”אני אומר לכם, כל מה שתבקשו בתפילה, תאמינו שכבר קיבלתם אותו, ואכן כך יהיה.“

ישוע מלמד על אמונה

מתי יז:יד-כ; לוקס ט:לז-מג

[24] כשהגיעו חזרה אל העם, ניגש אליו אדם, כרע ברך לפניו ואמר: ”אדוני, רחם על בני, כי הוא חולה קשה, לפעמים הוא נופל לאש ולפעמים לתוך המים. [25] הבאתי אותו אל תלמידיך, אך הם לא יכלו לרפא אותו.“ [26] ישוע ענה: ”הו, דור כופר! עד מתי אהיה איתכם? עד מתי אצטרך לסבול אתכם? הביאו את הילד אלי.“ [27] הם הביאו את הילד, וברגע שראה ישוע את הילד, הוא גרם לרוח הרעה לצרוח בקול רם ולהפיל את הילד על הקרקע, והילד התגלגל ונאבק בקצף בפה. [28t] ”אדוני, כמה זמן הילד הזה כבר חולה?“ שאל ישוע את האב. ”מאז שהיה תינוק,“ ענה האב. [29] ”הרוח הרעה הפילה אותו לעתים קרובות לתוך האש ולתוך המים, כדי להרוג אותו. אבל אם אתה יכול לעשות משהו, בבקשה עזור לנו, כי אנחנו מרחמים עליו.“

ישוע מדבר שוב על מותו

מתי יז:כב-כג; לוקס ט:מג-מה

[30] ישוע ותלמידיו עזבו את המקום ועברו דרך הגליל, [31] אך ישוע לא רצה שאיש יידע היכן הם נמצאים, כי הוא רצה לבלות יותר זמן עם תלמידיו ולדבר איתם. [32] הוא אמר להם: ”בן האדם ייתן ביד אנשים, והם יהרגו אותו, אך שלושה ימים לאחר מותו הוא יקום לתחייה.“ אבל תלמידיו לא הבינו את דבריו, ופחדו לשאול אותו.

---

[t] 16:27 מתי 12:62

وَقَالَ: «هٰذَا هُوَ ابْنِي الْحَبِيبُ، بِهِ سُرِرْتُ كُلَّ السُّرُورِ. لَهُ اسْمَعُوا!» ٦ فَلَمَّا سَمِعَ التَّلَامِيذُ ذٰلِكَ خَرُّوا عَلَى وُجُوهِهِمْ وَخَافُوا جِدًّا. ٧ فَتَقَدَّمَ يَسُوعُ وَلَمَسَهُمْ وَقَالَ: «قُومُوا وَلَا تَخَافُوا». ٨ فَرَفَعُوا أَعْيُنَهُمْ وَلَمْ يَرَوْا أَحَدًا إِلَّا يَسُوعَ وَحْدَهُ.

٩ وَفِيمَا هُمْ نَازِلُونَ مِنَ الْجَبَلِ أَوْصَاهُمْ يَسُوعُ: «لَا تُخْبِرُوا أَحَدًا بِمَا رَأَيْتُمْ حَتَّى يَقُومَ ابْنُ الْإِنْسَانِ مِنَ الْأَمْوَاتِ». ١٠ فَسَأَلَهُ التَّلَامِيذُ: «لِمَاذَا يَقُولُ مُعَلِّمُو الشَّرِيعَةِ إِنَّ إِيلِيَّا يَجِبُ أَنْ يَأْتِيَ أَوَّلًا؟» ١١ فَأَجَابَ: «إِيلِيَّا يَأْتِي أَوَّلًا وَيُرَتِّبُ كُلَّ شَيْءٍ. ١٢ وَلٰكِنْ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ إِيلِيَّا قَدْ أَتَى وَلَمْ يَعْرِفُوهُ، بَلْ فَعَلُوا بِهِ كُلَّ مَا أَرَادُوا. وَهٰكَذَا ابْنُ الْإِنْسَانِ أَيْضًا سَوْفَ يُعَانِي الْآلَامَ عَلَى أَيْدِيهِمْ». ١٣ حِينَئِذٍ فَهِمَ التَّلَامِيذُ أَنَّهُ كَانَ يُكَلِّمُهُمْ عَنْ يُوحَنَّا الْمَعْمَدَانِ.

شفاء ولد مصاب بالصرع

مرقس ٩:١٤-٢٩؛ لوقا ٩:٣٧-٤٣

١٤ وَلَمَّا جَاءُوا إِلَى الْجَمْعِ، جَاءَ إِلَيْهِ رَجُلٌ وَجَثَا عَلَى رُكْبَتَيْهِ أَمَامَهُ ١٥ وَقَالَ: «يَا سَيِّدُ، ارْحَمِ ابْنِي

ا١٧:١٠ ملاخي ٤:٥

كي تكون له وتكون له الحياة الابدية. ثم ان يسوع قال لتلاميذه "ان
[16] العثرات آتية لا محالة. ولكن ويل للذي تأتي بواسطته. [17] خير له لو
طوق الرحى على عنقه والقي في البحر من ان يعثر احد هؤلاء الصغار.
[18] احترزوا لانفسكم. ان اخطأ اليك اخوك فانتهره. وان تاب فاغفر له.
[19] وان اخطأ اليك سبع مرات في اليوم وسبع مرات في اليوم رجع اليك
قائلا انا تائب فاغفر له." [20] فقال الرسل للرب "زد ايماننا." [21] فقال
الرب "لو كان لكم ايمان كحبة خردل لكنتم تقولون لهذا الجميز انقلع
وانغرس في البحر فيطيعكم. [22] فمن منكم له عبد يحرث او يرعى يقول
له لدى رجوعه من الحقل تقدم حالا واتكئ. [23] بل ألا يقول له اعدد
ما اتعشى به وتمنطق واخدمني حتى آكل واشرب وبعد ذلك تأكل انت
وتشرب. [24] هل للعبد فضل لانه فعل ما امر به. [25] كذلك انتم ايضا
متى فعلتم كل ما امرتم به فقولوا اننا عبيد بطالون لاننا انما عملنا ما كان
يجب علينا عمله."

شفاء عشرة برص

لوقا ٩:٣٠-٣٢؛ متى ١٠:٣٩-٤٥

[26] وكما كان في ايام نوح كذلك يكون ايضا في ايام ابن الانسان.
[27] كانوا يأكلون ويشربون ويتزوجون ويزوجون الى اليوم الذي دخل
فيه نوح الفلك وجاء الطوفان واهلكهم اجمعين. [28] وكذلك كما كان في
ايام لوط كانوا يأكلون ويشربون ويشترون ويبيعون ويغرسون ويبنون.
[29] ولكن اليوم الذي خرج فيه لوط من سدوم امطر نارا وكبريتا من
السماء واهلكهم اجمعين. [30] هكذا يكون يوم ابن الانسان يعلن. [31] في
ذلك اليوم من كان على السطح وامتعته في البيت فلا ينزل ليأخذها ومن
كان في الحقل كذلك لا يرجع الى الوراء. [32] اذكروا امرأة لوط. [33] من
طلب ان يخلص نفسه يهلكها ومن اهلكها يحييها. [34] اقول لكم في تلك
الليلة يكون اثنان على فراش واحد فيؤخذ الواحد ويترك الآخر. [35] اثنتان
تطحنان معا فتؤخذ الواحدة وتترك الاخرى. [36] اثنان يكونان في الحقل
فيؤخذ الواحد ويترك الآخر." [37] فاجابوا وقالوا له "اين يا سيد." فقال
لهم "حيث الجثة هناك تجتمع النسور ايضا."

---

[٢٤] ١٧:٢٤ متى ١٣:٣٠

مِنْهُمْ؟» [٢٥] فَقَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: «الْحَقَّ أَقُولُ لَكُمْ، إِنْ كَانَ لَكُمْ إِيمَانٌ مِثْلُ حَبَّةِ خَرْدَلٍ، فَسَتَقُولُونَ لِهٰذَا الْجَبَلِ: انْتَقِلْ مِنْ هُنَا إِلَى هُنَاكَ فَيَنْتَقِلَ، وَلَا يَكُونُ شَيْءٌ غَيْرُ مُمْكِنٍ لَدَيْكُمْ. [٢٦] وَأَمَّا هٰذَا الْجِنْسُ فَلَا يَخْرُجُ إِلَّا بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ.»

يَسُوعُ يَشْفِي صَبِيًّا مَجْنُونًا

مرقس ٩:١٤-٢٩؛ لوقا ٩:٣٧-٤٣

١٧ [١] وَفِيمَا هُمْ مُجْتَمِعُونَ حَوْلَ الْجُمُوعِ قَالَ تِلْمِيذٌ لِيَسُوعَ: «يَا مُعَلِّمُ، مَاذَا أَعْمَلُ لِكَيْ أَرِثَ الْحَيَاةَ الأَبَدِيَّةَ؟» [٢] فَقَالَ لَهُ يَسُوعُ: «لِمَاذَا تَدْعُونَنِي صَالِحًا؟ لَيْسَ أَحَدٌ صَالِحًا إِلَّا وَاحِدٌ، وَهُوَ اللهُ. وَلٰكِنْ إِنْ أَرَدْتَ أَنْ تَدْخُلَ الْحَيَاةَ فَاحْفَظِ الْوَصَايَا.» [٣] فَقَالَ لَهُ: «أَيَّةَ وَصَايَا؟» فَقَالَ يَسُوعُ: «لَا تَقْتُلْ، لَا تَزْنِ، لَا تَسْرِقْ، لَا تَشْهَدْ بِالزُّورِ، [٤] أَكْرِمْ أَبَاكَ وَأُمَّكَ، وَأَحِبَّ قَرِيبَكَ كَنَفْسِكَ.» [٥] قَالَ لَهُ الشَّابُّ: «كُلُّ هٰذِهِ قَدْ حَفِظْتُهَا مُنْذُ حَدَاثَتِي، فَمَاذَا يُعْوِزُنِي بَعْدُ؟»

يَسُوعُ يَشْفِي صَبِيًّا مَجْنُونًا

مرقس ٩:٤٢-٤٨؛ لوقا ١٧:١-٢

[٦] «فَإِنَّ مَنْ يُعْثِرُ أَحَدَ هٰؤُلَاءِ الصِّغَارِ الْمُؤْمِنِينَ بِي، خَيْرٌ لَهُ أَنْ يُعَلَّقَ فِي عُنُقِهِ حَجَرُ رَحًى يُدِيرُهُ حِمَارٌ، وَيُغْرَقَ فِي لُجَّةِ الْبَحْرِ.

ז "פֹּה תֵּשֵׁב, וְתַגֵּד לִי, הַאֶתֵּן לְךָ אֶת בִּתִּי לְאִשָּׁה, וְהָיְתָה לְךָ לְבַיִת. ח וְאִם לֹא תַּגִּיד לִי, הֲתֵדַע לִי אֵיךְ אֶתֵּן לְךָ אֶת בִּתִּי לְאִשָּׁה, כִּי לֹא תַּגִּיד לִי. ט וַיֹּאמֶר לוֹ יְהוֹנָתָן בְּנוֹ שָׁאוּל, הֲלֹא אִם יָדַעְתָּ כִּי שָׂנֹא שָׂנֵא אָבִי אֹתָךְ, וְהִתְנַבֵּא עִמָּנוּ הַמִּלְחָמָה, וְהָיָה אִם יֵשׁ בְּךָ עָוֹן וְהָמַתָּה אֹתְךָ אָבִי, וְלָמָּה תִּתְנַבֵּא בִּי? י וַיֹּאמֶר דָּוִד אֶל יְהוֹנָתָן, מִי יַגִּיד לִי אוֹ מִי יִשָּׂא לִי כִּי יַעֲנֶה אָבִיךָ אֹתְךָ קָשׁוֹת? יא וַיֹּאמֶר יְהוֹנָתָן אֶל דָּוִד, לְכָה וְנֵצְאָה הַשָּׂדֶה, וַיֵּצְאוּ שְׁנֵיהֶם הַשָּׂדֶה. יב וַיֹּאמֶר יְהוֹנָתָן אֶל דָּוִד, יְהוָה אֱלֹהֵי יִשְׂרָאֵל יוֹדֵעַ, כִּי אֶחְקֹר אֶת אָבִי כָּעֵת מָחָר הַשְּׁלִשִׁת, וְהִנֵּה טוֹב אֶל דָּוִד, וְלֹא אָז אֶשְׁלַח אֵלֶיךָ וְגָלִיתִי אֶת אָזְנֶךָ. יג כֹּה יַעֲשֶׂה יְהוָה לִיהוֹנָתָן וְכֹה יֹסִף, כִּי יִיטַב אֶת הָרָעָה אֵלֶיךָ וְגָלִיתִי אֶת אָזְנֶךָ וְשִׁלַּחְתִּיךָ וְהָלַכְתָּ לְשָׁלוֹם, וְיִהְיֶה יְהוָה עִמָּךְ כַּאֲשֶׁר הָיָה עִם אָבִי. יד וְלֹא אִם עוֹדֶנִּי חָי לֹא תַעֲשֶׂה עִמָּדִי חֶסֶד יְהוָה וְלֹא אָמוּת. טו וְלֹא תַכְרִית אֶת חַסְדְּךָ מֵעִם בֵּיתִי עַד עוֹלָם וְלֹא בְּהַכְרִית יְהוָה אֶת אֹיְבֵי דָוִד אִישׁ מֵעַל פְּנֵי הָאֲדָמָה. טז וַיִּכְרֹת יְהוֹנָתָן עִם בֵּית דָּוִד וּבִקֵּשׁ יְהוָה מִיַּד אֹיְבֵי דָוִד.

הסוד נחשף

מלכים א יח:ג-ז

ג וְעֹבַדְיָהוּ יָרֵא אֶת יְהוָה מְאֹד. וַיְהִי בְּהַכְרִית אִיזֶבֶל אֶת נְבִיאֵי יְהוָה וַיִּקַּח עֹבַדְיָהוּ מֵאָה נְבִיאִים וַיַּחְבִּאֵם חֲמִשִּׁים אִישׁ בַּמְּעָרָה וְכִלְכְּלָם לֶחֶם וָמָיִם. ד וַיֹּאמֶר אַחְאָב אֶל עֹבַדְיָהוּ, לֵךְ בָּאָרֶץ אֶל כָּל מַעְיְנוֹת הַמַּיִם וְאֶל כָּל הַנְּחָלִים אוּלַי נִמְצָא חָצִיר וְנֶחְיֶה סוּס וָפֶרֶד וְלֹא נַכְרִית מִן הַבְּהֵמָה. ה וְלָהֶם חִלַּק הָאָרֶץ לַעֲבֹר בָּהּ, אַחְאָב הָלַךְ דֶּרֶךְ אֶחָד לְבַדּוֹ וְעֹבַדְיָהוּ הָלַךְ דֶּרֶךְ אֶחָד לְבַדּוֹ. ו וַיַּעַבְרוּ בָּאָרֶץ לְרָאוֹת אֶת מַעְיְנוֹת הַמַּיִם וְאֶל כָּל הַנְּחָלִים אוּלַי נִמְצָא חָצִיר וְנֶחְיֶה סוּס וָפֶרֶד וְלֹא נַכְרִית מִן הַבְּהֵמָה. ז וַיֵּלֶךְ עֹבַדְיָהוּ בַּדָּרֶךְ וְהִנֵּה אֵלִיָּהוּ לִקְרָאתוֹ וַיַּכִּרֵהוּ וַיִּפֹּל עַל פָּנָיו וַיֹּאמֶר הֲזֶה אֲדֹנִי אֵלִיָּהוּ.

زیادہ نہ دیں بلکہ جو کچھ آپ کے پاس ہے وہ بیچ کر غریبوں کو دیں۔ پھر آپ کو آسمان پر خزانہ ملے گا۔ تب آ کر میرے پیچھے ہو لیں۔“ [۱۷۳] ۲۳ لیکن یہ سن کر وہ بہت اداس ہو گیا، کیونکہ وہ بہت دولتمند تھا۔ ۲۴ یسوع نے اُس کی طرف دیکھ کر کہا، ”دولت والوں کا خدا کی بادشاہی میں داخل ہونا کتنا مشکل ہے! ۲۵ اونٹ کا سوئی کے ناکے میں سے گزرنا آسان ہے، لیکن دولت والے کا خدا کی بادشاہی میں داخل ہونا آسان نہیں۔“ ۲۶ سننے والوں نے پوچھا، ”پھر کون نجات پا سکتا ہے؟“ ۲۷ اُس نے جواب دیا، ”جو کام انسان کے لئے ناممکن ہیں وہ خدا کے لئے ممکن ہیں۔“ ۲۸ پطرس نے کہا، ”دیکھ، ہم اپنا سب کچھ چھوڑ کر تیرے پیچھے ہو لئے ہیں۔“ ۲۹ یسوع نے جواب دیا، ”میں تم سے سچ کہتا ہوں کہ جس نے میری اور انجیل کی خاطر گھر یا بھائیوں یا بہنوں یا ماں یا باپ یا بچوں یا کھیتوں کو چھوڑ دیا ہے

۱۸:۱۶ [۱۷۳] متی ۱۹:۱۵

ים לחמור"[٢٩], ויאמר אליו הנביא בחנם לא תלחם׳: ויהי מאחריו, וים
יכתב׳: ויפגע יהו ים ויאמר אליו כה אמר יהוה יען אמרך אמרים
ים לחמי ולא, ולוי יהב. ים ולא שמע כי הוא נוגע. ים לחמי[٣٠]
יום שם יהב[٣١]. ושמיני הוא נפקד לחלו ויצא אל ים ויבא
יום לפי, ולוי יום שמע, ים ויום יהב שמיני הוא נפקד יום
ויצא מאת ים אליו: ׳ויאמר ים לחמי לחלו ושמיני הוא נפקד
ים לחמי ולא

ואמר אלישע שמעו דבר יהוה כה אמר יהוה כעת סאה סלת בשקל ושתי סאים שערים בשקל מחר בשער שמריה׃ [7] ויען השלישי אשר נשען על ידו את המלך ויאמר אל איש האלהים הנה יהוה עשה ארבות בשמים היתכן הדבר הזה ויאמר הנך רואה בעיניך ומשם לא תאכל׃ [8] והנה ארבעה אנשים מצרעים היו פתח השער ויאמרו איש אל רעהו מה אנחנו יושבים פה עד מתנו׃ [9] אם אמרנו נבוא העירה והרעב בעיר ומתנו שם ואם ישבנו פה ומתנו גם עתה לכו ונפלה אל מחנה ארם אם יחיונו ונחיה ואם ימיתונו ומתנו׃ [10] ויקמו בנשף לבוא אל מחנה ארם ויבאו עד קצה מחנה ארם והנה אין שם איש וקול אדם לא שמע כי אם הסוסים קשורים והחמרים קשורים והאהלים כאשר הם׃ [11] ויקראו השערים ויגידו בית המלך׃ [12] ויקם המלך לילה ויאמר אל עבדיו אגידה נא לכם את אשר עשו לנו ארם ידעו כי רעבים אנחנו ויצאו מן המחנה להסתר בשדה לאמר כי יצאו העם מן העיר ונחזיקה חיים ובעיר׃ [13] ויען אחד מעבדיו ויאמר יקחו נא חמשה מן הסוסים הנשארים אשר נשארו בה הנם כהמון כל ישראל הנשארים בה הנם כהמון כל ישראל התמים ונשלחה ונראה׃ [14] ויקחו שני רכב סוסים וישלח המלך אחרי מחנה ארם לאמר לכו וראו׃ [15] וילכו אחריהם עד הירדן והנה כל הדרך מלאה בגדים וכלים אשר השליכו ארם בחפזם וישבו המלאכים וישבו המלך׃

ריפוי נעמן

מלכים ב ה:א-יד; לוקס ד:כז; מתי י:ח

[1] ונעמן שר צבא מלך ארם היה איש גדול לפני אדניו ונשא פנים כי בו נתן יהוה תשועה לארם והאיש היה גבור חיל מצרע׃ [2] וארם יצאו גדודים ויחטפו מארץ ישראל נערה קטנה ותהי לפני אשת נעמן׃ [3] ותאמר אל גברתה לו יעמד אדני לפני הנביא אשר בשמרון אז יאסף אתו מצרעתו׃ [4] ויבא איש אל אדניו ויגד לאמר כזאת וכזאת דברה הנערה אשר מארץ ישראל׃ [5] ויאמר מלך ארם לך בא ואשלחה ספר אל מלך ישראל וילך ויקח בידו עשרת ככרי כסף ושת אלפים זהב ועשרת חלפי בגדים׃ [6] ויביא הספר אל מלך ישראל לאמר ועתה כבוא הספר הזה אליך הנה שלחתי אליך את נעמן עבדי ואספתו מצרעתו׃ [7] ויהי כקרא מלך ישראל את הספר ויקרע בגדיו ויאמר האלהים אני להמית ולהחיות כי זה שלח אלי לאסף איש מצרעתו כי אך דעו נא וראו כי מתאנה הוא לי׃ [8] ויהי כשמע אלישע איש האלהים כי קרע מלך ישראל את בגדיו וישלח אל המלך לאמר למה קרעת בגדיך יבא נא אלי ויידע כי יש נביא בישראל׃ [9] ויבא נעמן בסוסו וברכבו ויעמד פתח בית אלישע׃ [10] וישלח אליו אלישע מלאך לאמר הלך ורחצת שבע פעמים בירדן ושב בשרך לך וטהר׃ [11] ויקצף נעמן וילך ויאמר הנה אמרתי אלי יצא יצוא ועמד ונקרא בשם יהוה אלהיו והניף ידו על המקום ורפא המצרע׃ [12] הלא טובים אבנה ופרפר נהרות דמשק מכל מימי ישראל הלא ארחץ בם וטהרתי ויפן וילך בחמה׃ [13] ויגשו עבדיו וידברו אליו ויאמרו אבי דבר גדול הנביא דבר אליך הלא תעשנו ואף כי אמר אליך רחץ וטהר׃ [14] וירד ויטבל בירדן שבע פעמים כדבר איש האלהים וישב בשרו כבשר נער קטן וטהר׃ [15] וישב אל איש האלהים הוא ומחניתו ויבא ויעמד לפניו ויאמר הנה נא ידעתי כי אין אלהים בכל הארץ כי אם בישראל ועתה קח נא ברכה מאת עבדך׃

---

[7] מלכים ב יט:ז; ישעיה לז:ז-ד

الغني الحزين يسوع الصالح

متى ١٧:١٠-٣١؛ لوقا ١٨:١٨-٣٠

١٦ وإذا بِٱلَّذِي تَقَدَّمَ، وَقَالَ: "أَيُّهَا ٱلْمُعَلِّمُ ٱلصَّالِحُ، أَيَّ صَلَاحٍ أَعْمَلُ لِكَيْ
أَرِثَ ٱلْحَيَاةَ ٱلْأَبَدِيَّةَ؟" ١٧ فَقَالَ لَهُ يَسُوعُ: "لِمَاذَا تَدْعُونَنِي صَالِحًا؟ لَيْسَ أَحَدٌ
صَالِحًا إِلَّا وَاحِدٌ، ٱللهُ. وَلٰكِنْ إِنْ كُنْتَ تُرِيدُ أَنْ تَدْخُلَ ٱلْحَيَاةَ فَٱحْفَظِ
ٱلْوَصَايَا." ١٨ قَالَ لَهُ: "أَيَّةَ ٱلْوَصَايَا؟" فَقَالَ يَسُوعُ: "لَا تَقْتُلْ، لَا تَزْنِ، لَا تَسْرِقْ،
لَا تَشْهَدْ بِٱلزُّورِ، ١٩ أَكْرِمْ أَبَاكَ وَأُمَّكَ، وَأَحِبَّ قَرِيبَكَ كَنَفْسِكَ." ٢٠a فَقَالَ لَهُ
ٱلشَّابُّ: "كُلُّ هٰذِهِ قَدْ حَفِظْتُهَا مُنْذُ حَدَاثَتِي. فَمَاذَا يُعْوِزُنِي بَعْدُ؟" ٢١ قَالَ لَهُ
يَسُوعُ: "إِنْ كُنْتَ تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ كَامِلًا، فَٱذْهَبْ وَبِعْ أَمْلَاكَكَ وَأَعْطِ ٱلْفُقَرَاءَ،
فَيَكُونَ لَكَ كَنْزٌ فِي ٱلسَّمَاوَاتِ. وَتَعَالَ ٱتْبَعْنِي حَامِلًا ٱلصَّلِيبَ." ٢٢ فَلَمَّا سَمِعَ
ٱلشَّابُّ ٱلْكَلِمَةَ مَضَى حَزِينًا، لِأَنَّهُ كَانَ ذَا أَمْلَاكٍ كَثِيرَةٍ.
٢٣ فَنَظَرَ يَسُوعُ حَوْلَهُ وَقَالَ لِتَلَامِيذِهِ: "مَا أَعْسَرَ دُخُولَ ٱلَّذِينَ عِنْدَهُمُ ٱلْأَمْوَالَ
إِلَى مَلَكُوتِ ٱللهِ!" ٢٤ فَتَحَيَّرَ ٱلتَّلَامِيذُ مِنْ كَلَامِهِ. فَأَجَابَ يَسُوعُ أَيْضًا وَقَالَ لَهُمْ:
"يَا بَنِيَّ، مَا أَعْسَرَ دُخُولَ ٱلْمُتَّكِلِينَ عَلَى ٱلْأَمْوَالِ إِلَى مَلَكُوتِ ٱللهِ! ٢٥ مُرُورُ
جَمَلٍ مِنْ ثَقْبِ إِبْرَةٍ أَسْهَلُ مِنْ دُخُولِ غَنِيٍّ إِلَى مَلَكُوتِ ٱللهِ." ٢٦ فَبُهِتُوا جِدًّا
وَقَالُوا فِيمَا بَيْنَهُمْ: "فَمَنْ يَسْتَطِيعُ إِذًا أَنْ يَخْلُصَ؟" ٢٧ فَنَظَرَ إِلَيْهِمْ يَسُوعُ
وَقَالَ: "عِنْدَ ٱلنَّاسِ غَيْرُ مُسْتَطَاعٍ، وَلٰكِنْ لَيْسَ عِنْدَ ٱللهِ، لِأَنَّ كُلَّ ٱلْأَشْيَاءِ
مُسْتَطَاعَةٌ عِنْدَ ٱللهِ."

---

[a] ١٩:١٩ خروج ٢٠:١٢-١٦؛ تث ٥:١٦-٢٠؛ حز ١٨:١٩

ים הבשר?" [٢٨] ויאמר אליהם הנביא: "הזהרו איש ברוחו ואל יבגוד באשת נעוריו, כי שונא אני בגירושין, אמר יהוה אלהי ישראל, וכסה חמס על לבושו, אמר יהוה צבאות. לכן השמרו ברוחכם ואל תבגדו. [٢٩]" אלה הדברים אשר דבר הנביא מלאכי אל כל ישראל. הנה אנכי שולח לכם את אליה התשבי, בטרם יבוא יום יהוה הגדול והנורא. [٣٠] והשיב לב אבות על בנים ולב בנים על אבותם.

מלאכי פרק ב

٢ [١]"ועתה אליכם הכוהנים הזאת המצוה. [٢]אם לא תשמעו ואם לא תשימו על לב לתת כבוד לשמי, אמר יהוה צבאות, ושלחתי בכם את המארה ואת ברכותיכם ארה, וגם ארתי כי אינכם שמים על לב. [٣]הנה אנכי גוער לכם את הזרע ופרשתי פרש על פניכם, פרש חגיכם, ונשא אתכם אליו. [٤]וידעתם כי שלחתי אליכם את המצוה הזאת להיות בריתי את לוי, אמר יהוה צבאות. [٥]בריתי היתה אתו החיים והשלום ואתנם לו ליראה ויירא ממני ומפני שמי נחת. [٦]תורת אמת היתה בפיהו ועולה לא נמצא בשפתיו, בשלום והלך אתי ורבים השיב מעון. [٧]כי שפתי כהן ישמרו דעת ותורה יבקשו מפיהו, כי מלאך יהוה צבאות הוא. [٨]ואתם סרתם מן הדרך הכשלתם רבים בתורה, שחתם ברית הלוי, אמר יהוה צבאות. [٩]גם אני נתתי אתכם נבזים ושפלים לכל העם, כפי אשר אינכם שמרים את דרכי ונושאים פנים בתורה.[b]

---

[b] ٢:٨ ואתם סרתם מן הדרך וגו' ١٥:٢٤ מלכים א

אני שומע דיבת רבים מגור סביב הגידו ונגידנו כל אנשי שלומי שומרי צלעי אולי יפתה ונוכלה לו ונקחה נקמתנו ממנו׃ ١٠ ויהוה עמדי כגבור עריץ על כן רודפי יכשלו ולא יוכלו בשו מאד כי לא השכילו כלמת עולם אשר לא תשכח׃ ١١ ויהוה צבאות בחן צדיק ראה כליות ולבות אראה נגמתך ממנו כי אליך גליתי את ריבי׃ ١٢ שירו ליהוה הללו את יהוה כי הציל את נפש אביון מיד מרעים׃ ١٣ ארור היום אשר יולדתי בו היום אשר ילדתני אמי אל יהי מבורך׃ ١٤ ארור האיש אשר אמר לאבי לאמר נקבה ילד לך שמח שימחהו׃ ١٥ והיה האיש ההוא כערים אשר הפך יהוה ולא נחם ושמע זעקה בעת בקר ותרועה בעת צהרים׃ ١٦ אשר לא המתני מרחם ותהי לי אמי קברי ורחמה עבורה לנצח׃ ١٧ למה מרחם יצאתי לראות עמל ויגון ויכלו בבשת ימי׃

ירמיהו ٢١ ירמיהו ٢٢ ירמיהו ٢٣ ירמיהו ٢٤ ירמיהו ٢٥

ירמיה ٢١:١-١٠ ירמיה ٢٢:١٠-١٢؛ ירמיה ٢٣:١-٨ ירמיה ٢٤:١-١٠ ירמיה ٢٥:١-٣٨

١٧ בא אל בית מלך יהודה משפחת רכב אחד ועמו שלשה ויאמר אליהם כה אמר יהוה עשקו וגזלו יד מיד עשק ויתום וגר לא עשו וחמס לא עשו ושפך דם נקי לא שפכו במקום הזה׃ ١٨ כי אם בזאת יתהלל המתהלל השכל וידוע אותי כי אני יהוה עשה חסד משפט וצדקה בארץ כי באלה חפצתי נאם יהוה׃ ١٩ הנה ימים באים נאם יהוה ונתתי לדויד צמח צדיק ומלך מלך והשכיל ועשה משפט וצדקה בארץ׃

يعقوب ويوحنا يطلبان المجد

مرقس ١٠:٣٥-٤٥

٢٠ فجاءت إليه أم ابني زبدي مع ابنيها وسجدت وطلبت منه شيئًا. ٢١ فقال لها: "ماذا تريدين؟" فأجابت: "قل أن يجلس ابناي هذان واحد عن يمينك والآخر عن يسارك في ملكوتك." ٢٢ فأجاب يسوع: "لستما تعلمان ما تطلبان. أتستطيعان أن تشربا الكأس التي سأشربها أنا؟" قالا له: "نستطيع." ٢٣ فقال لهما: "كأسي تشربانها، وأما الجلوس عن يميني وعن يساري فليس لي أن أعطي أحدًا إلا الذين أعدهم أبي لهم." ٢٤ ولما سمع العشرة الآخرون غضبوا على الأخوين. ٢٥ فدعاهم يسوع وقال: "أنتم تعلمون أن رؤساء الأمم يسودون عليها، والعظماء يتسلطون عليها. ٢٦ فلا يكون هكذا بينكم، بل من أراد أن يكون عظيمًا فيكم فليكن لكم خادمًا، ٢٧ ومن أراد أن يكون أولًا فيكم فليكن لكم عبدًا. ٢٨ كما أن ابن الإنسان لم يأتِ ليُخدَم بل ليَخدِم، وليبذل نفسه فدية عن كثيرين."

החולה בלוד ומלאכי האלוהים

מקבילות מ ١٠:٤٦-٥٢; לוקס ١٨:٣٥-٤٣

[٢٩] כך הוא נשאר שם עד יום השבת, ואז הם הלכו משם ביחד. [٣٠] אך
כאשר הוא ישב לאכול בביתו של לוי, באו גם הרבה מוכסים וחוטאים
אחרים לשבת עם ישוע ותלמידיו. הפרושים ראו זאת ואמרו בתרעומת
לתלמידיו: "מדוע אתם אוכלים ושותים עם מוכסים וחוטאים?" [٣١] ישוע
ענה להם: "לא החולים זקוקים לרופא, אלא אלה שאינם מרגישים בטוב.
[٣٢] לא באתי לקרוא לצדיקים, אלא לחוטאים שיחזרו בתשובה."

שאלה על הצום

מקבילות מ ١١:١-١١; לוקס ١٩:٢٨-٣٨; יוחנן ١٢:١٢-١٩

[١] יום אחד עברו ישוע ותלמידיו בשדות חיטה, ובעודם הולכים
٢١ תלשו התלמידים שיבולים ואכלו את הגרעינים. [٢] אמרו לו הפרושים:
"ראה, תלמידיך עושים את אשר אסור לעשות בשבת!" [٣] ענה להם ישוע:
"הלא קראתם מה עשה דוד כאשר הוא ואנשיו היו רעבים? [٤] הוא נכנס

ה וַיִּשְׁלַח חוּרָם אֶת־עֲבָדָיו אֶל־שְׁלֹמֹה כִּי שָׁמַע כִּי אֹתוֹ מָשְׁחוּ לְמֶלֶךְ תַּחַת אָבִיו כִּי־אֹהֵב חוּרָם הָיָה לְדָוִד כָּל־יָמָיו׃ ו וַיֹּאמֶר שְׁלֹמֹה אֶל־חוּרָם לֵאמֹר׃ ז יָדַעְתָּ אֶת־דָּוִד אָבִי כִּי לֹא יָכֹל לִבְנוֹת בַּיִת לְשֵׁם יְהוָה אֱלֹהָיו מִפְּנֵי הַמִּלְחָמוֹת אֲשֶׁר סְבָבוּהוּ עַד־תֵּת יְהוָה אֹתָם תַּחַת כַּפּוֹת רַגְלָיו׃ ח וְעַתָּה הֵנִיחַ יְהוָה אֱלֹהָי לִי מִסָּבִיב אֵין שָׂטָן וְאֵין פֶּגַע רָע׃ ט וְהִנֵּה אֹמֵר אֲנִי לִבְנוֹת בַּיִת לְשֵׁם יְהוָה אֱלֹהָי כַּאֲשֶׁר דִּבֶּר יְהוָה אֶל־דָּוִד אָבִי לֵאמֹר בִּנְךָ אֲשֶׁר־אֶתֵּן תַּחְתֶּיךָ עַל־כִּסְאֶךָ הוּא יִבְנֶה־בַּיִת לִשְׁמִי׃ י וְעַתָּה צַו וְיִכְרְתוּ־לִי אֲרָזִים מִן־הַלְּבָנוֹן וַעֲבָדַי יִהְיוּ עִם־עֲבָדֶיךָ וְשָׂכַר עֲבָדֶיךָ אֶתֵּן לְךָ כְּכֹל אֲשֶׁר תֹּאמַר כִּי אַתָּה יָדַעְתָּ אֵין בָּנוּ אִישׁ יוֹדֵעַ לִכְרֹת עֵצִים כַּצִּדֹנִים׃ יא וַיְהִי כִּשְׁמֹעַ חוּרָם אֶת־דִּבְרֵי שְׁלֹמֹה וַיִּשְׂמַח מְאֹד וַיֹּאמֶר בָּרוּךְ יְהוָה הַיּוֹם אֲשֶׁר נָתַן לְדָוִד בֵּן חָכָם עַל־הָעָם הָרַב הַזֶּה׃ יב וַיֹּאמֶר חוּרָם בָּרוּךְ יְהוָה אֱלֹהֵי יִשְׂרָאֵל אֲשֶׁר עָשָׂה אֶת־הַשָּׁמַיִם וְאֶת־הָאָרֶץ אֲשֶׁר נָתַן לְדָוִד הַמֶּלֶךְ בֵּן חָכָם יָדַע חָכְמָה וּתְבוּנָה וְשֵׂכֶל רָב אֲשֶׁר יִבְנֶה־בַּיִת לַיהוָה וּבַיִת לְמַלְכוּתוֹ׃ יג וְעַתָּה שָׁלַחְתִּי חוּרָם אֲבִי׃ יד בֶּן־אִשָּׁה מִבְּנוֹת דָּן וְאָבִיו אִישׁ־צֹר חָכָם לִפְתֹּחַ בַּזָּהָב וּבַכֶּסֶף בַּנְּחֹשֶׁת בַּבַּרְזֶל בָּאֲבָנִים וּבָעֵצִים בְּאַרְגָּמָן וּבִתְכֵלֶת וּבְבוּץ וּבְכַרְמִיל וְלִפְתֹּחַ כָּל־פִּתּוּחַ וְלַחְשֹׁב כָּל־מַחֲשָׁבֶת אֲשֶׁר־יִנָּתֵן־לוֹ עִם־חֲכָמֶיךָ וְעִם־חַכְמֵי אֲדֹנִי דָוִד אָבִיךָ׃ טו וְעַתָּה אֶת־הַחִטִּים וְהַשְּׂעֹרִים הַשֶּׁמֶן וְהַיַּיִן אֲשֶׁר אָמַר אֲדֹנִי יִשְׁלַח לְעַבָדָיו׃ טז וַאֲנַחְנוּ נִכְרֹת עֲצֵי־לְבָנוֹן כְּכָל־צָרְכֶּךָ וְהֵבֵאנוּ לְךָ רָפְסוֹת עַל־יָם יָפוֹ וְאַתָּה תַּעֲלֵם יְרוּשָׁלִָם׃ יז וַיִּסְפֹּר שְׁלֹמֹה אֶת־כָּל־הָאֲנָשִׁים הַגֵּרִים אֲשֶׁר בְּאֶרֶץ יִשְׂרָאֵל אַחֲרֵי הַמִּסְפָּר אֲשֶׁר סָפַר דָּוִד אָבִיו וַיִּמָּצְאוּ מֵאָה וַחֲמִשִּׁים אֶלֶף וּשְׁלֹשֶׁת אֲלָפִים׃ יח וַיַּעַשׂ מֵהֶם שִׁבְעִים אֶלֶף סַבָּל וּשְׁמֹנִים אֶלֶף חֹצֵב בָּהָר וּשְׁלֹשֶׁת אֲלָפִים וְשֵׁשׁ מֵאוֹת נִצָּבִים עַל־הַמְלָאכָה׃

בניית בית המקדש

מלכים ב יט:כא-לד; ישעיה לז:כב-לה; ב דברי הימים ב:יב-כב

א וַיְהִי בִּשְׁנַת אַרְבַּע מֵאוֹת שָׁנָה וּשְׁמֹנִים שָׁנָה לְצֵאת בְּנֵי־יִשְׂרָאֵל מֵאֶרֶץ מִצְרַיִם בַּשָּׁנָה הָרְבִיעִית לִמְלֹךְ שְׁלֹמֹה עַל־יִשְׂרָאֵל בְּחֹדֶשׁ זִו הוּא הַחֹדֶשׁ הַשֵּׁנִי לִפְנֵי בְּנוֹת שְׁלֹמֹה לַיהוָה׃ ב וְהַבַּיִת אֲשֶׁר בָּנָה הַמֶּלֶךְ שְׁלֹמֹה לַיהוָה שִׁשִּׁים אַמָּה אָרְכּוֹ וְעֶשְׂרִים רָחְבּוֹ וּשְׁלֹשִׁים אַמָּה קוֹמָתוֹ׃ ג וְאוּלָם עַל־פְּנֵי הֵיכַל הַבַּיִת עֶשְׂרִים אַמָּה אָרְכּוֹ עַל־פְּנֵי רֹחַב הַבַּיִת עֲשֶׂר אַמּוֹת רָחְבּוֹ לִפְנֵי הַבָּיִת׃ ד וַיַּעַשׂ לַבַּיִת חַלּוֹנֵי שְׁקֻפִים אֲטוּמִים׃ ה וַיִּבֶן עַל־קִיר הַבַּיִת יָצוּעַ סָבִיב לְקִירוֹת בֵּית־הַבַּיִת וְלַהֵיכָל וְלִדְבִיר וַיַּעַשׂ צְלָעוֹת סָבִיב׃ ו הַיָּצוּעַ הַתַּחְתּוֹן חָמֵשׁ אַמּוֹת רָחְבּוֹ וְהָאֶמְצָעִי שֵׁשׁ אַמּוֹת רָחְבּוֹ וְהַשְּׁלִישִׁי שֶׁבַע אַמּוֹת רָחְבּוֹ כִּי מִגְרָעוֹת נָתַן לַבַּיִת מִחוּץ סָבִיב לְבִלְתִּי הֱיוֹת אֲחֻזִים בְּקִירוֹת הַבָּיִת׃ ז וְהַבַּיִת בְּבִנְיָתוֹ אֶבֶן שְׁלֵמָה מְסֻתֶּה נִבְנָה וְקוֹל פַּטִּישׁ וְגַרְזֶן וְכָל־כְּלִי בַרְזֶל לֹא נִשְׁמַע בַּבַּיִת בְּבִנְיָתוֹ׃ ח פֶּתַח הַיָּצוּעַ הַתִּיכוֹן עַל־שֹׁכֶם הַבָּיִת הַיְמָנִית וְעָלוּ בְּלוּלִים אֶל־הַתִּיכוֹנָה וּמִן־הַתִּיכוֹנָה אֶל־הַשְּׁלִשִׁית׃ ט וַיִּבֶן אֶת־הַבָּיִת וַיְכַלֵּהוּ וַיִּסְפֹּן אֶת־הַבַּיִת בְּקָרוֹת אֲרָזִים וְחֻפָּה אֶת־הַבַּיִת בְּחֻלֹת וְלוּחֹת אֲרָזִים׃ י וַיִּבֶן אֶת־הַיָּצוּעַ עַל־כָּל־הַבַּיִת חֲמֵשׁ אַמּוֹת קוֹמָתוֹ וְנָחַר לַבַּיִת בְּעֵצֵי אָרֶז׃ יא וַיְהִי דְבַר־יְהוָה אֶל־שְׁלֹמֹה לֵאמֹר׃ יב הַבַּיִת הַזֶּה אֲשֶׁר אַתָּה בֹנֶה אִם־תֵּלֵךְ בְּחֻקֹּתַי וּמִשְׁפָּטַי תַּעֲשֶׂה וְשָׁמַרְתָּ אֶת־כָּל־מִצְוֹתַי לָלֶכֶת בָּהֶם וַהֲקִמֹתִי אֶת־דְּבָרִי אִתָּךְ אֲשֶׁר דִּבַּרְתִּי אֶל־דָּוִד אָבִיךָ׃ יג וְשָׁכַנְתִּי בְּתוֹךְ בְּנֵי יִשְׂרָאֵל וְלֹא אֶעֱזֹב אֶת־עַמִּי יִשְׂרָאֵל׃ יד וַיִּבֶן שְׁלֹמֹה אֶת־הַבַּיִת וַיְכַלֵּהוּ׃ טו וַיִּבֶן אֶת־קִירוֹת הַבַּיִת מִבַּיִת בְּצִפּוּי אֲרָזִים מִיַּרְכְּתֵי הַבַּיִת מִקִּיר הַבַּיִת וְצִפָּה אֹתָם מִבַּיִת בְּעֵץ וְצִפָּה לָהֶם מִבַּיִת בְּקֶרֶשׁ עֵצִים׃ טז וַיִּבֶן עֶשְׂרִים אַמָּה מִיַּרְכְּתֵי הַבַּיִת בְּקֶרֶשׁ עֵצִים מִן־הַיְסוֹד עַד־הַקִּירוֹת וַיִּבֶן לוֹ מִבַּיִת לִדְבִיר לְקֹדֶשׁ קָדָשִׁים׃ יז וְהַבַּיִת הַהֵיכָל לִפְנֵי הַדְּבִיר אַרְבָּעִים אַמָּה׃ יח וְאֶרֶז הַבַּיִת מִבַּיִת פְּקֻעֵי וְפִתּוּחֵי צִצִּים הַכֹּל אֶרֶז אֵין אֶבֶן נִרְאָתָה׃ יט וְאֶת־הַדְּבִיר בְּתוֹךְ הַבַּיִת מִבַּיִת הֵכִין לָשׂוּם שָׁם אֶת־אֲרוֹן בְּרִית־יְהוָה׃ כ וּפְנֵי הַדְּבִיר עֶשְׂרִים בָּאַמָּה אָרְכּוֹ וְעֶשְׂרִים בָּאַמָּה רָחְבּוֹ וְעֶשְׂרִים בָּאַמָּה קוֹמָתוֹ וַיְצַפֵּהוּ זָהָב סָגוּר וַיְצַף מִזְבַּח אֶרֶז׃ כא וַיְצַף שְׁלֹמֹה אֶת־הַבַּיִת מִבַּיִת זָהָב סָגוּר וַיַּעֲבֵר בַּדֵּי זָהָב לִפְנֵי הַדְּבִיר וַיְצַפֵּהוּ זָהָב׃ כב וְאֶת־כָּל־הַבַּיִת צִפָּה זָהָב עַד־תֻּם כָּל־הַבָּיִת וְאֵת כָּל־הַמִּזְבֵּחַ אֲשֶׁר לִדְבִיר צִפָּה זָהָב׃ כג וַיַּעַשׂ בַּדְּבִיר שְׁנֵי כְרוּבִים זֵית עֲשָׂרָה אַמּוֹת קוֹמָתָם׃ כד וַחֲמֵשׁ אַמּוֹת הַכָּנָף הָאֶחָת לַכְּרוּב וַחֲמֵשׁ אַמּוֹת כְּנַף הַכְּרוּב הַשֵּׁנִי עֶשֶׂר אַמּוֹת מִקְצֵה כְנָפוֹ עַד־קְצֵה כְנָפוֹ׃ כה וַעֲשֶׂר אַמּוֹת הַכְּרוּב הַשֵּׁנִי מִדָּה אַחַת וְקוֹמָה אַחַת לִשְׁנֵי הַכְּרוּבִים׃ כו קוֹמַת הַכְּרוּב הָאֶחָד עֶשֶׂר אַמּוֹת וְכֵן הַכְּרוּב הַשֵּׁנִי׃ כז וַיִּתֵּן אֶת־הַכְּרוּבִים בְּתוֹךְ הַבַּיִת הַפְּנִימִית וַיִּפְרְשׂוּ אֶת־כַּנְפֵי הַכְּרוּבִים וַתִּגַּע כְּנַף־הָאֶחָת בַּקִּיר וְכְנַף הַכְּרוּב הַשֵּׁנִית נָגְעָה בַּקִּיר הַשֵּׁנִי וְכַנְפֵיהֶם בַּתָּוֶךְ הַבַּיִת נוֹגְעוֹת כָּנָף בְּכָנָף׃ כח וַיְצַף אֶת־הַכְּרוּבִים זָהָב׃ כט וְאֶת־כָּל־קִירוֹת הַבַּיִת סָבִיב חָרַט פִּתּוּחֵי פְּתוּחִים שְׁנֵי כְרוּבִים וְתִמֹרֹת וּפִקְעֵי צִצִּים מִבַּיִת וּמִחוּץ׃ ל וְאֶת־רִצְפַּת הַבַּיִת צִפָּה זָהָב מִבַּיִת וּמִחוּץ׃ לא וַיַּעַשׂ לִפֶתַח הַדְּבִיר דַּלְתוֹת עֵץ זַיִת מְזוּזַת חֲמֻשִׁית׃ לב וּשְׁתֵּי דַלְתוֹת עֵץ זַיִת וַיִּפְתֹּל עֲלֵיהֶם פִּתּוּחֵי כְּרוּבִים וְתִמֹרֹת וּפִקְעֵי צִצִּים וַיְצַף זָהָב וְהִטָּה עַל־הַכְּרוּבִים וְעַל־הַתִּמֹרֹת זָהָב׃ לג וַיַּעַשׂ לְפֶתַח הַהֵיכָל מְזוּזַת עֵץ זַיִת רְבוּעָה׃ לד וּשְׁתֵּי דַלְתוֹת עֵץ בְּרוֹשׁ שְׁתֵּי כַנְפוֹת הַדֶּלֶת הַמְקֻפָּלֶת וּשְׁתֵּי כַנְפוֹת לַדֶּלֶת הַשֵּׁנִית׃

---

c 21:5 שופטים 9:9 d 21:9 ראה גם 26:118 e 21:13 ראה גם 7:56

f 21:13 ראה גם 11:7

[16] ויאמרו אל אליהו: "הנה נא יש עם עבדיך חמשים בני חיל,
ילכו נא ויבקשו את אדוניך: פן נשאו רוח יהוה והשלכו
[17g] אותו על אחד ההרים או אל אחת הגיאות?" ויפצר בו עד
בושו ויאמר: "שלחו".

אלישע מחלק את ירדן

מלכים ב ב:יד-כב, יג:כא, ד:לב-לז

[18] וישובו אליו והוא ישב בירחו, ויאמר אליהם. [19] ויאמרו אל
העיר, הנה נא מושב העיר טוב כאשר אדוני רואה, והמים רעים
והארץ משכלת." ויאמר: "קחו לי צלוחית חדשה ושימו שם
מלח." ויקחו אליו. [20] ויצא אל מוצא המים וישלך שם מלח
ויאמר: "כה אמר יהוה: רפאתי למים האלה, לא יהיה משם עוד
מות ומשכלת." [21] ותרפינה המים עד היום הזה כדבר אלישע
אשר דבר. [22]ויעל משם בית אל, והוא עלה בדרך, ונערים
קטנים יצאו מן העיר ויתקלסו בו ויאמרו אליו: "עלה קרח,
עלה קרח!" [23] ויפן אחריו וירא אותם ויקללם בשם יהוה.
ותצאנה שתי דובות מן היער ותבקענה מהם ארבעים ושנים
ילדים. [24] וילך משם אל הר הכרמל וישב שמה ויחזר לשמרון.

---

[g] 16:21 מ־Qumran 2:8

ישוע ענה להם: "אמן אני אומר לכם, אם יהיה לכם אמונה ולא תפקפקו, לא רק תעשו את מה שנעשה לתאנה הזאת, אלא גם אם תגידו להר הזה: 'הסר את עצמך והשלך אל הים', זה יקרה. [٢٢] כל אשר תבקשו בתפילה מתוך אמונה, תקבלו."

[٢٣] כאשר נכנס ישוע אל המקדש, ניגשו אליו ראשי הכוהנים והזקנים של העם בעת שלימד, ושאלו: "באיזה סמכות אתה עושה את הדברים האלה? ומי נתן לך את הסמכות הזאת?" [٢٤] ישוע ענה להם: "גם אני אשאל אתכם שאלה אחת, ואם תענו לי עליה, אגיד לכם באיזה סמכות אני עושה את הדברים האלה. [٢٥] מאיפה היתה טבילתו של יוחנן? האם היא באה מן השמים או מבני אדם?" הם התווכחו ביניהם ואמרו: "אם נגיד שהיא באה מן השמים, הוא ישאל אותנו: 'אז למה לא האמנתם לו?' [٢٦] ואם נגיד שהיא באה מבני אדם, נצטרך להתמודד עם זעם ההמון, כי כולם חושבים שיוחנן היה נביא." [٢٧] לכן הם ענו לישוע: "לא יודעים." וישוע אמר להם: "אם כך, גם אני לא אגיד לכם באיזה סמכות אני עושה את הדברים האלה.

משל שני הבנים

[٢٨] "מה דעתכם בעניין הזה? היה לאדם אחד שני בנים. הוא ניגש לבן הראשון ואמר: 'בני, לך היום לעבוד בכרם שלנו.' [٢٩] הבן ענה: 'לא רוצה!' אבל אחר כך הוא התחרט ובכל זאת הלך. [٣٠] האב ניגש לבן השני ואמר לו את אותו הדבר. הבן ענה: 'כן, אבא!' אבל הוא לא הלך. [٣١] מי מבין השניים עשה את רצון אביו?" הם ענו: "הראשון." ישוע אמר להם: "אמן אני אומר לכם, שגובאי המסים והזונות ייכנסו למלכות אלוהים לפניכם. [٣٢] כי יוחנן בא אליכם בדרך הצדק, אבל לא האמנתם לו, בעוד שגובאי המסים והזונות כן האמינו לו. ואפילו כשראיתם את זה, לא חזרתם בתשובה ולא האמנתם לו."

مثل الكرامين القتلة

مرقس ١٢:١-١٢؛ لوقا ٢٠:٩-١٩

٣٣ «اسمعوا مثلاً آخر: كان رجل يملك أرضاً، فغرس كرماً وأحاطه بسياج، وحفر فيه معصرة للعنب، وبنى برجاً للحراسة، ثم أجره لبعض الكرامين وسافر. ٣٤ وعندما حان موسم القطاف، أرسل عبيده إلى الكرامين ليقبضوا ثمار كرمه. ٣٥ فأمسك الكرامين بالعبيد، فضربوا واحداً وقتلوا آخر ورجموا ثالثاً. ٣٦ فأرسل صاحب الكرم عبيداً آخرين أكثر عدداً من الأولين، ففعل الكرامين بهم كما فعلوا بالأولين. ٣٧ وأخيراً أرسل إليهم ابنه قائلاً: ‹سيحترمون ابني›. ٣٨ ولكن الكرامين لما رأوا الابن قالوا في أنفسهم: ‹هذا هو الوارث، هلموا نقتله ونستولي على ميراثه›. ٣٩ فأمسكوه وقتلوه وألقوا بجثته خارج الكرم. ٤٠ فعندما يأتي صاحب الكرم، ماذا يفعل بهؤلاء الكرامين؟» ٤١ أجابوه: «سيهلك هؤلاء الأشرار هلاكاً سيئاً، ويؤجر الكرم لكرامين آخرين يسلمونه الثمار في مواسمها.» ٤٢ فقال لهم يسوع: «ألم تقرأوا قط في الكتب المقدسة:

‹الحجر الذي رفضه البناؤون
قد صار حجر الزاوية الرئيسي.
هذا من عند الرب،
وهو أمر عجيب في أعيننا›؟[h]

٤٣ «لذلك أقول لكم إن ملكوت الله سينتزع منكم ويعطى لشعب يثمر أعماله.

---

[h] ٢١:٤٢ مزمور ١١٨:٢٢-٢٣

ה קרה זאת אשר אתם תראו ולא יעזב פה אבן על אבן אשר לא תתץ׃" ٤٣ ויהי בשבתו על הר הזיתים ניגשו אליו התלמידים לבדם ויאמרו אלינו מתי יהיה זאת ומה יהיה אות בבוא אתה ולתום העולם׃" ٤٤ ויען ישוע ויאמר להם ראו פן יתעה איש אתכם׃ ٤٥ כי רבים יבואו בשמי לאמר אני הוא המשיח ואת רבים יתעו׃ ٤٦ ושמעתם מלחמות וקול מלחמות ראו אל תבהלו כי הכרח הוא שיהיו הדברים האלה אך לא יהיה עוד הקץ׃ ٤٧ כי יקום גוי על גוי וממלכה על ממלכה ורעבון ומגפות ורעשי אדמות בכל מקום׃ ٤٨ וכל אלה יהיו רק תחלת חבלים׃ ٤٩ אז ימסרו אתכם לצרות והרגו אתכם ותהיו שנואים לכל הגוים בעבור שמי׃ ٥٠ ואז יכשלו רבים ויבגדו איש את רעהו ויתנו איש את רעהו׃ ٥١ ורבים נביאי שקר יקומו ויתעו רבים׃ ٥٢ ובהרבות העולה תקרר אהבת רבים׃ ٥٣ והנשאר בתוך כל אלה הוא יחיה׃ ٥٤ ונשמעו הבשורות האלה בכל העולם לעדות לכל הגוים ואז יבוא הקץ׃ ٥٥ לכן כאשר תראו את שקוץ השממה אשר דבר עליו דניאל הנביא עומד במקום הקדש הקורא יבין׃ ٥٦ אז הנמצאים ביהודה ינוסו אל ההרים׃ ٥٧ והעומד על הגג אל ירד לקחת את אשר בביתו׃ ٥٨ והעומד בשדה אל ישב לקחת את בגדיו׃ ٥٩ ואוי להרות ולמניקות בימים ההם׃ ٦٠ והתפללו כי לא יהיה בריחתכם בחורף או ביום השבת׃ ٦١ כי אז תהיה צרה גדולה אשר לא היתה כמוה מראשית העולם עד עתה ולא תהיה עוד׃ ٦٢ ואלמלי לא קצרו הימים ההם לא יחיה כל בשר אך בעבור הנבחרים אשר בחר בהם יקצר את הימים׃ ٦٣ ואז אם יאמר לכם איש הנה פה המשיח או הנה שם אל תאמינו׃ ٦٤ כי יקומו משיחי שקר ונביאי שקר ויעשו אותות ומופתים גדולים להתעות אם אפשר גם את הנבחרים׃ ٦٥ הנה אמרתי לכם מראש׃ ٦٦ לכן אם יאמרו לכם הנה במדבר אל תצאו הנה בחדרים אל תאמינו׃ ٦٧ כי כאשר הברק יצא ממזרח ונראה עד מערב כן יהיה בוא בן האדם׃ ٦٨ בכל מקום אשר יהיה הפגר שם יתקבצו הנשרים׃ ٦٩ ומיד אחרי צרת הימים ההם השמש יחשך והירח לא יתן את אורו והכוכבים יפלו מן השמים וכוחות השמים יתמוטטו׃ ٧٠ ואז יראה אות בן האדם בשמים ואז יספדו כל שבטי הארץ וראו את בן האדם בא על ענני השמים בכח ובכבוד גדול׃ ٧١ וישלח את מלאכיו בשופר גדול קול ויקבצו את נבחריו מארבע רוחות השמים מקצה השמים ועד קצה׃ ٧٢ ומן התאנה למדו משל כאשר ענפיה ילדים ועלים יצמיחו אתם תדעו כי קרוב הקץ׃ ٧٣ כן גם אתם כאשר תראו את כל אלה דעו כי קרוב הוא על הפתחים׃ ٧٤ אמן אני אומר לכם לא יעבור הדור הזה עד אשר יהיו כל אלה׃ ٧٥ השמים והארץ יעברו אך דברי לא יעברו׃ ٧٦ ואת היום ההוא ואת השעה ההיא לא ידע איש לא מלאכי השמים כי אם אבי לבדו׃ ٧٧ כי כאשר היו ימי נח כן יהיה בוא בן האדם׃ ٧٨ כי כאשר היו בימים ההם לפני המבול אכלו ושתו נשאו ונתנו נשאו נשים ונתנו לנשים עד היום אשר בא נח אל התבה׃ ٧٩ ולא ידעו עד בא המבול ויקח את כולם כן יהיה בוא בן האדם׃ ٨٠ אז יהיו שנים בשדה אחד יקח ואחד יעזב׃ ٨١ שתים טחנות טוחנות יחדו אחת תקח ואחת תעזב׃ ٨٢ לכן שקדו כי לא תדעו באיזה יום יבוא אדוניכם׃ ٨٣ ודעו זאת כי אם ידע בעל הבית באיזה אשמורת יבוא הגנב הלא שקד היה ולא יתן לחתור את ביתו׃ ٨٤ לכן גם אתם היו מוכנים כי בשעה אשר לא תחשבו יבוא בן האדם׃ ٨٥ מי הוא העבד הנאמן והנבון אשר שם אדוניו על עבדיו לתת להם את אכלם בעתו׃ ٨٦ אשרי העבד אשר אדוניו כאשר יבוא ימצאנו עושה כן׃ ٨٧ אמן אני אומר לכם על כל רכושו ישימנו׃ ٨٨ ואם העבד הרע הזה יאמר בלבו אדוני מאחר לבוא׃ ٨٩ ויחל להכות את עבדיו ולאכול ולשתות עם השכורים׃ ٩٠ יבוא אדון העבד ההוא ביום אשר לא יחשב ובשעה אשר לא ידע׃ ٩١ ויכרתהו ואת חלקו ישים עם הצבועים שם יהיה בכיה וחרוק שנים׃ ٢٥ אז תדמה מלכות השמים לעשר בתולות אשר לקחו נרותיהן ויצאו לקראת החתן׃ ٢ וחמש מהן היו סכלות וחמש חכמות׃ ٣ הסכלות לקחו נרותיהן ולא לקחו עמהן שמן׃ ٤ והחכמות לקחו שמן בכלי עם נרותיהן׃ ٥ ויאחר החתן לבוא ותנמנמנה כולן ותישנה׃ ٦ ובחצות הלילה נשמע קול צעקה הנה החתן בא צאו לקראתו׃ ٧ אז קמו כל הבתולות ההן ויטיבו את נרותיהן׃ ٨ ויאמרו הסכלות אל החכמות תנו נא לנו משמנכן כי נרותינו כבות׃ ٩ ותענינה החכמות לאמר פן לא יספיק לנו ולכן לכו נא אל המוכרים וקנו לכן׃ ١٠ ובלכתן לקנות בא החתן והנכונות באו עמו אל חדר החתונה ותסגר הדלת׃ ١١ ואחרי כן באו גם יתר הבתולות ויאמרו אדוני אדוני פתח לנו׃ ١٢ ויען ויאמר אמן אני אומר לכם לא ידעתי אתכן׃ ١٣ לכן שקדו כי לא תדעו את היום ולא את השעה׃ ١٤ כי כאיש נוסע אשר קרא לעבדיו ויתן להם את רכושו׃ ١٥ לאחד נתן חמשת ככרי כסף ולאחד שנים ולאחד אחד לכל איש כפי כחו ויסע׃ ١٦ וילך העבד אשר קבל חמשת הככרים ויסחר בהם ויעש עוד חמשת ככרים׃ ١٧ וכן העבד אשר קבל שנים הרויח גם הוא שנים׃ ١٨ והעבד אשר קבל ככר אחד הלך וחפר בארץ ויטמן שם את כסף אדוניו׃ ١٩ אחרי ימים רבים בא אדון העבדים ההם ויתישב את חשבון עבדיו׃ ٢٠ ויבוא העבד אשר קבל חמשת הככרים ויקרב אליו חמשת ככרים אחרים ויאמר אדוני חמשת ככרים נתת לי הנה חמשת ככרים אחרים הרויחותי׃ ٢١ ויאמר אליו אדוניו יפה עבד טוב ונאמן בקטן היית נאמן על רב אשים אותך משל על הרבה בוא אל שמחת אדוניך׃ ٢٢ ויבוא גם העבד אשר קבל שנים ככרים ויאמר אדוני שנים ככרים נתת לי הנה שנים ככרים אחרים הרויחותי׃ ٢٣ ויאמר אליו אדוניו יפה עבד טוב ונאמן בקטן היית נאמן על רב אשים אותך משל על הרבה בוא אל שמחת אדוניך׃ ٢٤ ויבוא גם העבד אשר קבל ככר אחד ויאמר אדוני ידעתי כי אדם קשה אתה קוצר במקום אשר לא זרעת ואוסף במקום אשר לא פזרת׃ ٢٥ ואירא ואלך ואטמן את כספך באדמה הנה לך את אשר לך׃ ٢٦ ויען אדוניו ויאמר אליו עבד רע ועצל ידעת כי קוצר אני במקום אשר לא זרעתי ואוסף במקום אשר לא פזרתי׃ ٢٧ לכן היה לך לתת את כספי לשלחנים ובבואי הייתי לוקח את שלי עם תוספת׃ ٢٨ לכן קחו נא ממנו את הככר ותנו אותו לבעל העשרה ככרים׃ ٢٩ כי לכל אשר יש לו יתן ויוסף לו ומאשר אין לו גם את אשר לו יקחו ממנו׃ ٣٠ ואת העבד הבטל שלחו אל החשך החיצון שם יהיה בכיה וחרוק שנים׃ ٣١ ובבוא בן האדם בכבודו וכל המלאכים עמו אז ישב על כסא כבודו׃ ٣٢ ונאספו לפניו כל הגוים והבדיל ביניהם כאשר הרועה מבדיל בין הכבשים לבין השעירים׃ ٣٣ ויעמד הכבשים על ימינו והשעירים על שמאלו׃ ٣٤ אז יאמר המלך אל הנמצאים על ימינו באו הנה ברוכי אבי רשו את הממלכה אשר הוכן לכם מיסוד העולם׃ ٣٥ כי רעב הייתי ותתנו לי לאכול צמא הייתי ותשקוני גר הייתי ותאספוני׃ ٣٦ ערום הייתי ותלבישוני חולה הייתי ותבקרוני אסיר הייתי ותבואו אלי׃ ٣٧ אז יענו אותו הצדיקים לאמר אדוני מתי ראינוך רעב ונאכילך או צמא והשקינוך׃ ٣٨ ומתי ראינוך גר ונאספך או ערום והלבשנוך׃ ٣٩ ומתי ראינוך חולה או אסיר ונבוא אליך׃ ٤٠ ויען המלך ויאמר אליהם אמן אני אומר לכם בעבור אשר עשיתם זאת לאחד מן האחים הקטנים האלה גם לי עשיתם׃ ٤١ אז יאמר גם אל הנמצאים על שמאלו לכו מאתי ארורים אל האש הנצחית הכנה לשטן ולמלאכיו׃ ٤٢ כי רעב הייתי ולא נתתם לי לאכול צמא הייתי ולא השקיתוני׃ ٤٣ גר הייתי ולא אספתוני ערום ולא הלבשתוני חולה ואסיר ולא בקרתוני׃ ٤٤ אז יענו גם הם לאמר אדוני מתי ראינוך רעב או צמא או גר או ערום או חולה או אסיר ולא שרתנוך׃ ٤٥ ויען אותם לאמר אמן אני אומר לכם בעבור אשר לא עשיתם זאת לאחד מן הקטנים האלה גם לי לא עשיתם׃ ٤٦ והלכו אלה אל עונש עולם והצדיקים אל חיי עולם׃ ٢٦ ויהי כאשר כלה ישוע את כל הדברים האלה ויאמר אל תלמידיו׃ ٢ ידעתם כי אחרי שני ימים יהיה הפסח ובן האדם יסגר להצלב׃ ٣ אז נאספו ראשי הכהנים וזקני העם אל חצר הכהן הגדול אשר נקרא קיפא׃ ٤ ויתיעצו יחד לתפוש את ישוע במרמה ולהמיתו׃ ٥ ויאמרו לא ביום החג פן יהיה מהומה בעם׃ ٦ ובהיות ישוע בבית עניה בבית שמעון המצורע׃ ٧ ותבוא אליו אשה ובידה פך שמן יקר ותצק על ראשו בהיותו מסב׃ ٨ ויראו התלמידים ויאמרו למה זה האבדן הזה׃ ٩ כי אפשר למכור את השמן הזה בדמים רבים ולתת לעניים׃ ١٠ וידע ישוע ויאמר אליהם למה תטרידו את האשה כי מעשה טוב עשתה אלי׃ ١١ כי העניים תמיד עמכם ואותי לא תמיד תהיו עמכם׃ ١٢ כי בצקת השמן הזה על גופי לקברי עשתה׃ ١٣ אמן אני אומר לכם בכל העולם אשר יבשר הבשורה הזאת גם את אשר עשתה זאת תספר לזכרונה׃ ١٤ אז הלך אחד משנים עשר אשר שמו יהודה איש קריות אל ראשי הכהנים׃ ١٥ ויאמר מה תתנו לי ואני אמסור אותו לכם ויתנו לו שלשים כסף׃ ١٦ ומעת ההיא בקש יהודה הזדמנות למסרו׃ ١٧ וביום הראשון לחג המצות ויגשו התלמידים אל ישוע ויאמרו אליו איה תרצה שנכין לך לאכול את הפסח׃ ١٨ ויאמר לכו העירה אל איש פלוני ואמרתם אליו כה אמר המורה עתי קרובה אצלך אעשה את הפסח אתך עם תלמידי׃ ١٩ ויעשו התלמידים כאשר צוה אותם ישוע ויכינו את הפסח׃ ٢٠ ובהיות הערב ויסב עם שנים עשר תלמידיו׃ ٢١ ובאכלם ויאמר אמן אני אומר לכם כי אחד מכם יסגירני׃ ٢٢ ויעצבו מאד ויחלו לאמר איש איש אדוני הלא אני הוא׃ ٢٣ ויען ויאמר הטובל עמי בקערה הוא יסגירני׃ ٢٤ בן האדם הולך כאשר כתוב עליו אבל אוי לאיש ההוא אשר בן האדם יסגר בידו טוב לו לאיש ההוא אם לא נולד׃ ٢٥ ויען יהודה אשר מסרו ויאמר הלא אני הוא רבי ויאמר אליו אתה אמרת׃ ٢٦ ובאכלם לקח ישוע את הלחם ויברך ויבצע ויתן לתלמידיו ויאמר קחו אכלו זה הוא גופי׃ ٢٧ ויקח את הכוס ויברך ויתן להם ויאמר שתו ממנו כולכם׃ ٢٨ כי זה הוא דמי הברית אשר נשפך בעד רבים לסליחת חטאים׃ ٢٩ ואני אומר לכם לא אשתה עוד מפרי הגפן הזה עד היום ההוא אשר אשתה אתכם חדש במלכות אבי׃ ٣٠ ויהללו ויצאו אל הר הזיתים׃ ٣١ ויאמר אליהם ישוע כולכם תכשלו בי הלילה כי כתוב אכה את הרועה ונפוצו צאן העדר׃ ٣٢ ואחרי קומי אקדים אתכם הגלילה׃ ٣٣ ויען פטרוס ויאמר אליו אף כי כולם יכשלו בך אני לא אכשל לעולם׃ ٣٤ ויאמר אליו ישוע אמן אני אומר לך כי היום הזה בלילה בטרם יקרא התרנגול שלש פעמים תכחישני׃ ٣٥ ויאמר אליו פטרוס אף כי אמות עמך לא אכחישך וכן אמרו כל התלמידים׃ ٣٦ אז בא ישוע עמהם אל מקום אשר שמו גת שמנים ויאמר אל תלמידיו שבו פה עד אשר אלך שמה והתפללתי׃ ٣٧ ויקח את פטרוס ואת שני בני זבדי עמו ויחל להתעצב ולהתאונן׃ ٣٨ ויאמר אליהם נפשי עצובה מאד עד מות שבו פה ושקדו אתי׃ ٣٩ ויתהלך מעט ויפל על פניו ויתפלל לאמר אבי אם אפשר יעבור ממני הכוס הזה אך לא כרצוני כי אם כרצונך׃ ٤٠ ויבוא אל תלמידיו וימצאם ישנים ויאמר אל פטרוס כה לא יכלתם שקוד אתי שעה אחת׃ ٤١ שקדו והתפללו פן תבואו בנסיון הרוח אמנם חפץ הוא אך הבשר חלש׃ ٤٢ וילך שנית ויתפלל לאמר אבי אם לא יעבור הכוס הזה ממני אם לא אשתנו אשתנו כרצונך׃ ٤٣ ויבוא וימצאם ישנים כי כבדו עיניהם מאד׃ ٤٤ ויעזבם וילך שנית ויתפלל בפעם השלישית את הדבר הזה׃ ٤٥ אז בא אל תלמידיו ויאמר אליהם ישנו נא ונוחו הנה הגיעה השעה ובן האדם נמסר בידי חטאים׃ ٤٦ קומו נלכה הנה הגיע אשר מסרני׃ ٤٧ ובעודנו מדבר והנה יהודה אחד משנים עשר בא ועמו המון רב בחרבות ובמקלות מאת ראשי הכהנים וזקני העם׃ ٤٨ ומוסרו נתן להם אות לאמר אשר אשקנו הוא אחזו בו׃ ٤٩ ויגש מיד אל ישוע ויאמר שלום רבי וישקהו׃ ٥٠ ויאמר אליו ישוע רעי למה באת ויגשו וישלחו ידיהם בישוע ויאחזוהו׃ ٥١ והנה אחד מהנלוים אל ישוע שלח את ידו ויחרט את חרבו ויך את עבד הכהן הגדול ויכרת את אזנו׃ ٥٢ ויאמר אליו ישוע השב את חרבך אל מקומה כי כל אשר יקח חרב בחרב יפול׃ ٥٣ אם תחשב כי אין אני יכול עתה להתחנן אל אבי ויעמד לי יותר משנים עשר אלפי מלאכים׃ ٥٤ ואיך תמלאנה הכתובים כי כן יהיה׃ ٥٥ ויאמר ישוע אל ההמון כאל פרוץ יצאתם בחרבות ובמקלות לתפשני הלא יום יום הייתי יושב אתכם בבית המקדש ולא תפשתם אותי׃ ٥٦ אך כל זאת היתה בעבור אשר תמלאנה הכתובים בנביאים ואז כל התלמידים עזבו אותו וינוסו׃ ٥٧ ויתפשו את ישוע ויובילו אותו אל בית קיפא הכהן הגדול אשר שם נאספו הסופרים וזקני העם׃ ٥٨ ופטרוס הלך אחריו מרחוק עד חצר הכהן הגדול ויבא פנימה וישב עם השמשים לראות את הקץ׃ ٥٩ וראשי הכהנים וכל הסנהדרין בקשו עדות שקר על ישוע למען המיתו׃ ٦٠ ולא מצאו אף כי באו עדים רבים ואחרונה באו שני עדים׃ ٦١ ויאמרו זה אמר אני יכול להרוס את היכל האלהים ולבנותו בשלשת ימים׃ ٦٢ ויקם הכהן הגדול ויאמר אליו הלא תענה מאומה מה העידו אלה עליך׃ ٦٣ ויחרש ישוע ויען הכהן הגדול ויאמר אליו השבעתיך באלהים חיים הגד לנו אם אתה המשיח בן האלהים׃ ٦٤ ויאמר אליו ישוע אתה אמרת ואני אומר לכם מעתה תראו את בן האדם יושב על ימין הגבורה ובא על ענני השמים׃ ٦٥ אז קרע הכהן הגדול את בגדיו ויאמר הנה חלל הוא מה עוד לנו עדים הנה עתה שמעתם את חלולו׃ ٦٦ מה דעתכם ויענו ויאמרו חייב מות הוא׃ ٦٧ ויירקו בפניו ויכוהו באגרופים ואחרים סטרו לו׃ ٦٨ ויאמרו נבא לנו המשיח מי הוא המכך׃ ٦٩ ופטרוס ישב בחוץ בחצר ותבוא אליו שפחה אחת ותאמר גם אתה היית עם ישוע הגלילי׃ ٧٠ ויכחש לפני כולם ויאמר לא ידעתי את אשר אמרת׃ ٧١ ויצא אל השער ותראהו שפחה אחרת ותאמר אל האנשים אשר שם גם זה היה עם ישוע הנצרתי׃ ٧٢ וישב ויכחש בשבועה לא ידעתי את האיש׃ ٧٣ ומעט אחרי כן באו העומדים שם ויאמרו אל פטרוס אמת אתה גם אתה מהם כי גם דבורך מגלה אותך׃ ٧٤ אז החל לקלל ולהשבע לא ידעתי את האיש ומיד קרא התרנגול׃ ٧٥ ויזכר פטרוס את דבר ישוע אשר אמר אליו בטרם יקרא התרנגול שלש פעמים תכחישני ויצא החוצה ויבך בכי תמרורים׃ ٢٧ ויהי בבקר ויועצו כל ראשי הכהנים וזקני העם על ישוע למען המיתו׃ ٢ ויאסרו אותו וילכו ויסגירו אותו אל פילטוס הנגיד׃ ٣ אז ראה יהודה אשר מסרו כי נדון ישוע ויתחרט וישב את שלשים הכסף אל ראשי הכהנים ואל הזקנים׃ ٤ ויאמר חטאתי כי מסרתי דם נקי ויאמרו מה לנו ואתה תראה׃ ٥ ויטל את הכסף בהיכל וילך ויתלה את עצמו׃ ٦ וראשי הכהנים לקחו את הכסף ויאמרו לא נכון לשים אותו בקרבן כי כסף דם הוא׃ ٧ ויועצו ויקנו בו את שדה היוצר לקבורה לזרים׃ ٨ על כן נקרא השדה ההוא שדה דם עד היום הזה׃ ٩ אז נתמלאו הדברים אשר דבר ירמיהו הנביא לאמר ויקחו את שלשים הכסף דמי היקר אשר שמו עליו בני ישראל׃ ١٠ ויתנו אותם בשדה היוצר כאשר צוני יהוה׃ ١١ וישוע עמד לפני הנגיד וישאלהו הנגיד לאמר אתה מלך היהודים ויאמר אליו ישוע אתה אמרת׃ ١٢ ובהיות עליו האשמות מראשי הכהנים וזקני העם לא ענה מאומה׃ ١٣ ויאמר אליו פילטוס הלא תשמע כמה עדים יעידו עליך׃ ١٤ ולא ענהו אף לא דבר אחד עד כי תמה הנגיד מאד׃ ١٥ ובחג ההוא נהג הנגיד לשחרר לעם אסיר אחד אשר יבחרו׃ ١٦ ולו אסיר ידוע אשר שמו ברבי אבא׃ ١٧ ויהי בהקהל העם ויאמר אליהם פילטוס את מי תרצו שאשחרר לכם את ברבי אבא או את ישוע הנקרא המשיח׃ ١٨ כי ידע כי מקנאה מסרוהו׃ ١٩ ובשבתו על כסא המשפט שלחה אליו אשתו לאמר אל תעש דבר עם הצדיק הזה כי רבות עניתי היום בחלום בגללו׃ ٢٠ וראשי הכהנים וזקני העם הסיתו את ההמון לבקש את ברבי אבא ולהמית את ישוע׃ ٢١ ויען הנגיד ויאמר אליהם את מי מן השנים תרצו שאשחרר לכם ויאמרו את ברבי אבא׃ ٢٢ ויאמר אליהם פילטוס מה אעשה לישוע הנקרא המשיח כולם יאמרו יצלב׃ ٢٣ ויאמר הנגיד מה הרע עשה ויצעקו עוד יותר לאמר יצלב׃ ٢٤ ויראה פילטוס כי לא יועיל דבר כי אם יגדל המהומה ויקח מים ויטהר את ידיו לעיני העם ויאמר נקי אני מדם הצדיק הזה ראו אתם׃ ٢٥ ויען כל העם ויאמרו דמו עלינו ועל בנינו׃ ٢٦ אז שחרר להם את ברבי אבא ויצו להלקות את ישוע ולמסרו להצלב׃ ٢٧ ויקחו חיילי הנגיד את ישוע אל הפרטום ויקבצו עליו את כל הגדוד׃ ٢٨ ויפשיטו אותו ויעטפו אותו בבגד ארגמן׃ ٢٩ ויקלעו עטרת קוצים ויתנו על ראשו וקנה בימינו ויכרעו לפניו ויתלוצצו עליו לאמר שלום לך מלך היהודים׃ ٣٠ ויירקו בו ויקחו את הקנה ויכוהו על ראשו׃ ٣١ ואחרי התלוצצם עליו ויפשיטו את הבגד ויעטפו אותו בבגדיו ויובילו אותו להצלב׃ ٣٢ ובצאתם ויפגשו איש קורני אחד ושמו שמעון ויכריחו אותו לשאת את עמוד הצלב׃ ٣٣ ויבאו אל מקום אשר שמו גלגלתא שהוא מקום הגלגלת׃ ٣٤ ויתנו לו לשתות חומץ מעורב במרורים ויטעם ולא רצה לשתות׃ ٣٥ ויצלבו אותו ויחלקו את בגדיו בגורל׃ ٣٦ וישבו שם וישמרו אותו׃ ٣٧ ויתנו על ראשו כתב את אשמתו כתוב ישוע הנצרתי מלך היהודים׃ ٣٨ ויצלבו אתו שני פושעים אחד מימינו ואחד משמאלו׃ ٣٩ והעוברים ירקו בו ויניעו בראשם׃ ٤٠ ויאמרו הלא אתה הוא המחריב את היכל האלהים ובונה אותו בשלשת ימים הושיע נא את נפשך אם בן האלהים אתה וירד מן הצלב׃ ٤١ כן גם ראשי הכהנים וסופרים וזקנים התלוצצו עליו לאמר׃ ٤٢ אחרים הושיע ואת נפשו אינו יכול להושיע אם מלך ישראל הוא ירד נא עתה מן הצלב ונאמין בו׃ ٤٣ בטח באלהים יפלטהו עתה אם חפץ בו כי אמר בן אלהים אני׃ ٤٤ גם הפושעים אשר נצלבו אתו חרפוהו׃ ٤٥ ומן השעה השישית ויהי חשך על כל הארץ עד השעה התשיעית׃ ٤٦ ובשעה התשיעית ויזעק ישוע בקול גדול לאמר אלי אלי למה עזבתני׃ ٤٧ ויבינו מן העומדים שם ויאמרו אליהו הוא קורא׃ ٤٨ וימהר אחד מהם ויקח ספוג וימלאהו חומץ ויתחבהו על קנה ויתן לו לשתות׃ ٤٩ ויאמרו הניחו לו נראה אם יבוא אליהו להושיעו׃ ٥٠ וישוע זעק שנית בקול גדול ויגוע׃ ٥١ והנה פרכת בית המקדש נקרעה לשנים מלמעלה עד למטה והארץ רעשה והסלעים נבקעו׃ ٥٢ והקברים נפתחו וגופות רבים מהקדושים אשר נרדמו קמו׃ ٥٣ ויצאו מן הקברים אחרי תחית ישוע ויבואו אל העיר הקדושה ויראו לרבים׃ ٥٤ ויראו מאד שר המאה וחיליו השומרים את ישוע בראותם את הרעש ואת אשר נעשה ויאמרו אמת בן אלהים היה זה׃ ٥٥ ושם היו נשים רבות מרחוק אשר ראו את כל אלה אשר באו עם ישוע מן הגליל לשרתו׃ ٥٦ ובתוכן מרים מגדלית ומרים אם יעקב ויוסף ואם בני זבדי׃ ٥٧ ובערב היום ויבוא איש עשיר מן הרמתים ושמו יוסף גם הוא היה תלמיד ישוע׃ ٥٨ ויבוא אל פילטוס ויבקש את גופת ישוע ויצו פילטוס לתת את הגופה׃ ٥٩ ויקח יוסף את הגופה ויחבשה בסדין נקי׃ ٦٠ וישם אותה בקבר חדש אשר חצב בסלע ויגל אבן גדולה על פתח הקבר וילך לו׃ ٦١ ומרים מגדלית ומרים אחרת ישבו שם נגד הקבר׃ ٦٢ ומחרת היום אשר אחרי יום הכנה נאספו ראשי הכהנים והפרושים אל פילטוס׃ ٦٣ ויאמרו אדוני זכרנו כי הדיח המסית ההוא בחייו ויאמר אחרי שלשת ימים אקום׃ ٦٤ ועתה צו לשמור את הקבר עד היום השלישי פן יבואו תלמידיו בלילה וגנבוהו ואמרו אל העם כי קם מן המתים והיתה האחרונה רעה מן הראשונה׃ ٦٥ ויאמר אליהם פילטוס יש לכם שמרים לכו שמרו כאשר תדעו׃ ٦٦ וילכו ויחתמו את הקבר ויעמידו שמרים׃ ٢٨ ויהי אחרי השבת בעת אור היום הראשון לשבת ותבואנה מרים מגדלית ומרים אחרת לראות את הקבר׃ ٢ והנה רעש גדול היה כי מלאך יהוה ירד מן השמים ויגש ויגל את האבן מפתח הקבר וישב עליה׃ ٣ ומראהו כברק ולבושו לבן כשלג׃ ٤ ומפחד המלאך רעדו השמרים ויהיו כמתים׃ ٥ ויען המלאך ויאמר אל הנשים אל תיראנה כי אני יודע כי ישוע הנצרתי המצולב אתן מבקשות׃ ٦ אין הוא פה כי קם כאשר אמר לכו ראו את המקום אשר שכב שם׃ ٧ ולכו מהרה ואמרו אל תלמידיו כי קם מן המתים והנה הוא הולך לפניכם הגלילה שם תראוהו הנה אמרתי לכם׃ ٨ ותצאנה מהרה מן הקבר ביראה וגילה גדולה ותרוצנה להגיד לתלמידיו׃ ٩ והנה ישוע פגש בהן ויאמר שלום לכן ותגשנה ותחזקנה ברגליו וישתחוו לו׃ ١٠ ויאמר אליהן ישוע אל תיראנה לכו הגידו לאחי שילכו הגלילה שם יראוני׃ ١١ ובלכתן והנה מן השמרים באו העירה ויגידו לראשי הכהנים את כל אשר נעשה׃ ١٢ ויאספו עם הזקנים ויועצו ויתנו כסף רב לחיילים׃ ١٣ ויאמרו אמרו כי תלמידיו באו בלילה וגנבוהו בהיותינו ישנים׃ ١٤ ואם יגיד הדבר הזה לנגיד אנחנו נפייסנו ואתכם נשחרר מדאגה׃ ١٥ ויקחו הכסף ויעשו כאשר צוום ויפץ הדבר הזה בקרב היהודים עד היום הזה׃ ١٦ ואחד עשר התלמידים הלכו הגלילה אל ההר אשר צוה אותם ישוע׃ ١٧ וירא אותו וישתחוו לו ויש מהם אשר ספקו׃ ١٨ ויגש ישוע ויאמר אל תלמידיו נתנה לי כל רשות בשמים ובארץ׃ ١٩ לכן לכו והלמדתם את כל הגוים וטבלתם אותם בשם האב והבן ורוח הקדש׃ ٢٠ ולמדתם אותם לשמור את כל אשר צויתי אתכם והנה אני עמכם כל הימים עד תכלית העולם׃ אמן׃

בשורת מרקוס

פרק ١

١ תחלת בשורת ישוע המשיח בן האלהים׃ ٢ כאשר כתוב בנביא ישעיהו הנה אני שלח את מלאכי לפני פניך אשר יכין את דרכך׃ ٣ קול קורא במדבר הכינו את דרך יהוה ישרו נתיבותיו׃ ٤ ויהי יוחנן המטביל במדבר ויטבול ויקרא לכל העם לטבול בטבילת תשובה לסליחת חטאים׃ ٥ ויצאו אליו כל יושבי יהודה וכל יושבי ירושלים ויטבלו כולם בירדן ויתודו את חטאתם׃ ٦ ויוחנן לבוש שער גמלים וחגור חגורת עור על מתניו ואכל ארבה ודבש יער׃ ٧ ויקרא לאמר אחרי יבוא אחד ממני אשר אין אני ראוי לשחת לו את שרוך נעליו׃ ٨ אני טבלתי אתכם במים והוא יטבל אתכם ברוח הקדש׃ ٩ ויהי בימים ההם ויבוא ישוע מנצרת הגלילית ויטבל בירדן על יוחנן׃ ١٠ ויעל מן המים ויראה את השמים נפתחים ואת הרוח יורד עליו כיונה׃ ١١ ויהי קול מן השמים לאמר אתה בני אהובי בך חפצתי׃ ١٢ ומיד הוציאתו הרוח אל המדבר׃ ١٣ ויהי שם במדבר ארבעים יום ויתנסה מן השטן ויהי עם החיות ומלאכים שרתו לו׃ ١٤ ואחרי אסר יוחנן ויבוא ישוע אל הגליל ויקרא את בשורת האלהים׃ ١٥ ויאמר הגיעה העת ומלכות האלהים קרבה שובו מחטאתיכם והאמינו בבשורה׃ ١٦ ויעבור על יד ים הגליל וירא את שמעון ואת אנדריי אחי שמעון משליכים את המכמרת בים כי דייגים היו׃ ١٧ ויאמר אליהם ישוע לכו אחרי ואעשה אתכם לדייגי אדם׃ ١٨ ויעזבו מיד את המכמרת וילכו אחריו׃ ١٩ ויעבור משם מעט וירא את יעקב בן זבדי ואת יוחנן אחיו בספינה מתקנים את המכמרת׃ ٢٠ ויקרא אליהם מיד ויעזבו את אביהם זבדי בספינה עם השכירים וילכו אחריו׃ ٢١ ויבואו כפר נחום ומיד ביום השבת ויבא אל בית הכנסת וילמד׃ ٢٢ ויתמהו על תורתו כי היה מלמדם כמושל ולא כסופרים׃ ٢٣ ויהי שם איש אשר רוח טמאה בו ויצעק׃ ٢٤ לאמר מה לנו ולך ישוע הנצרתי באת לאבדנו ידעתיך מי אתה קדוש האלהים׃ ٢٥ ויגער בו ישוע לאמר החרש וצא ממנו׃ ٢٦ ויפל הרוח הטמאה את האיש בתוכם ויצא ממנו ולא הזיקו׃ ٢٧ ויתמהו כל העם ויאמרו איש איש אל רעהו מה זאת מה הלמוד החדש הזה כי בסמכות הוא מצוה גם לרוחות הטמאות והן שומעות בקולו׃ ٢٨ ויפץ שמעו מיד בכל סביבות הגליל׃ ٢٩ ומיד בצאתם מבית הכנסת ויבואו בית שמעון ואנדריי עם יעקב ויוחנן׃ ٣٠ וחמות שמעון שכבה חולה בקדחת ומיד אמרו לו עליה׃ ٣١ ויגש ויקח בידה ויעמידה ותעזבה הקדחת ותשרתם׃ ٣٢ ויהי בערב בבוא השמש ויביאו אליו כל החולים והמשוגעים׃ ٣٣ ויתקבצו כל העיר על הפתח׃ ٣٤ וירפא רבים חולי מחלות שונות ויגרש שדים רבים ולא נתן לשדים לדבר כי ידעו אותו׃ ٣٥ ויהי בבקר בהשכים עוד חשך ויקם ויצא אל מקום שומם ויתפלל שם׃ ٣٦ וישמעון ואשר עמו ויבקשו אחריו׃ ٣٧ וימצאו אותו ויאמרו אליו כל אנשי העיר מבקשים אותך׃ ٣٨ ויאמר אליהם נלכה הלאה אל הכפרים הקרובים לשם אדבר גם שם כי לזאת יצאתי׃ ٣٩ ויהי מטיף בבתי כנסיותם בכל הגליל ומגרש שדים׃ ٤٠ ויבוא אליו מצורע ויתחנן לפניו ויכרע על ברכיו ויאמר אליו אם תחפץ תוכל לטהרני׃ ٤١ וירחם עליו וישלח את ידו ויגע בו ויאמר אליו חפצתי טהר׃ ٤٢ ומיד הלכה ממנו המחלה ויטהר׃ ٤٣ ויזהירהו ויגרשהו מיד׃ ٤٤ ויאמר אליו ראה אל תגיד דבר לאיש כי אם לך הראה את עצמך לכהן והקרב בעד טהרתך את אשר צוה משה לעדות להם׃ ٤٥ ויצא ויחל לספר הרבה ולהפיץ את הדבר עד כי לא יכול עוד ישוע לבוא בעיר בגלוי כי אם בחוץ במקומות שוממים ויבואו אליו מכל עבר׃

פרק ٢

١ ויבוא שנית כפר נחום אחרי ימים ויהי כי נשמע כי בבית הוא׃ ٢ ויתקבצו רבים עד כי לא נשאר מקום אף לא בפתח ויהי מדבר אליהם את הדבר׃ ٣ ויבואו אליו ארבעה נושאים משכב ובו איש משותק׃ ٤ ולא יכלו להגיש אותו אליו מפני ההמון ויפשיטו את הגג אשר על ראשו ויחתרו ויורידו את המשכב אשר שכב עליו המשותק׃ ٥ וישוע ראה את אמונתם ויאמר אל המשותק בני סלוחים חטאתיך׃ ٦ והיו שם מן הסופרים ויתרעמו בלבבם׃ ٧ מדוע זה מדבר כזאת הוא מחלל את השם מי יכול לסלוח חטאים כי אם אלהים לבדו׃ ٨ וישוע ידע מיד ברוחו כי כן הם מתרעמים בקרבם ויאמר אליהם מדוע אתם מתרעמים בלבבכם׃ ٩ מה קל לומר למשותק סלוחים חטאתיך או לומר קום שא משכבך והתהלך׃ ١٠ אך למען תדעו כי בן האדם יש לו רשות בארץ לסלוח חטאים׃ ١١ ויאמר אל המשותק אני אומר לך קום שא משכבך ולך אל ביתך׃ ١٢ ויקם ויסע משכבו בידו ויצא לעיני כולם עד כי תמהו כל העם ויכבדו את האלהים ויאמרו לא ראינו כזאת מעולם׃ ١٣ ויצא שנית אל הים וכל העם באו אליו ויורם׃ ١٤ ויעבור משם וירא את לוי בן חלפי יושב בבית המכס ויאמר אליו לך אחרי ויקם וילך אחריו׃ ١٥ ויהי בשבת ישוע בבית

אבנים, ויאמר לו: ׳אדוני, אתה יודע את אשר אמר עבדך, כי אם לא אמות
אני ואתה לא תמות? הנה עבדך לא עשה דבר מכל אשר אמר.׳ [13] ויען
ישוע ויאמר: ׳אמת אני אומר לך, כי אם לא תהיו כילדים קטנים לא
תוכלו לבוא אל מלכות השמים, ואם לא תשובו ותהיו כילדים לא תוכלו
לבוא.׳ [14] ״אחת דבר אתו חסרה לו בהיותו מלא חכמה.״

משל הכרם

ישעיה ה׳:א-ז; ירמיה י״ב:י; מתי כ״א:ל״ג-מ״ו

[15] ישוע החל לדבר אל העם משל זה: ״היה איש אחד אשר נטע כרם
ויגדר אותו סביב, וחפר בו יקב ובנה מגדל, ואחר כך נתנו לכורמים
ויצא למרחק. [16] בעת הבציר שלח את עבדיו אל הכורמים לקבל את
חלקו מן היבול. אך הכורמים תפסו את העבדים, הכו את אחד, הרגו את
השני ורגמו את השלישי באבנים. [17] ואז שלח עבדים אחרים, יותר
מהראשונים, אך הכורמים עשו להם כמו לראשונים. [18] ולבסוף שלח
אליהם את בנו, בטוח שיכבדו את בנו. אך כאשר ראו הכורמים את הבן
אמרו זה לזה: ׳זה הוא היורש! בואו נהרגהו ונקח את נחלתו!׳ [19] ואז
תפסו את הבן והרגוהו. ישוע שאל: ״מה יעשה בעל הכרם לכורמים?
[20] הוא יבוא ויהרוג את הכורמים ויתן את הכרם לאחרים.״ כאשר
שמעו זאת אמרו: ״חס וחלילה!״ [21] אך ישוע הביט בהם ואמר: ״הרי
כתוב בתורה: ׳האבן אשר מאסו הבונים הפכה לאבן הפינה.׳ [22] ישוע
המשיך ואמר: ׳כל מי שייפול על האבן הזאת יישבר, ואבן זאת תמחץ
את כל מי שעליו היא תפול.׳

הפטרת פרשת בלק

מיכה ה:ו-ו:ח; במדבר כב:ב-כד:כה

[23] הרים נאם יהוה אשר לכם אמן ושמחו ואל גבעות כי נשא יהוה
[24] ויאמר: "קומי, ריבי את ההרים ותשמענה הגבעות קולך. שמעו
נא ההרים את ריב יהוה והאיתנים מוסדי ארץ כי ריב ליהוה עם עמו
[25i] ועם ישראל יתוכח. עמי מה עשיתי לך ובמה הלאיתיך ענה בי.
[26] כי העליתיך מארץ מצרים ומבית עבדים פדיתיך ואשלח לפניך את
[27] משה אהרן ומרים." עמי זכר נא מה יעץ בלק מלך מואב ומה ענה
[28] אתו בלעם בן בעור מן השטים עד הגלגל למען דעת צדקות יהוה.
[29] "במה אקדם יהוה אכף לאלהי מרום האקדמנו בעולות בעגלים
[30] בני שנה? הירצה יהוה באלפי אילים ברבבות נחלי שמן התן בכורי
[31] פשעי פרי בטני חטאת נפשי." הגיד לך אדם מה טוב ומה יהוה דורש
[32] ממך כי אם עשות משפט ואהבת חסד והצנע לכת עם אלהיך. [32] "קול
יהוה לעיר יקרא ותושיה יראה שמך שמעו מטה ומי יעדה.' [33] העוד
באיש אוצרות רשע ואיפת רזון זעומה. [33] אזכה במאזני רשע ובכיס
אבני מרמה." [33] אשר עשרם מלא חמס ויושביה דברו שקר ולשונם

---

[i] ב:כב ומקבילות; כה:ה [j] לב:כב; ו:ג

ישוע חסם הצדוקים

מרקוס ١٢:٢٨-٣٤; לוקס ٢٠:٢٥-٢٨

[٣٤] כשהפרושים שמעו שישוע השתיק את הצדוקים, [٣٥] אחד מהם, מומחה בתורה, ניסה להלכד אותו בשאלה: [٣٦] "מורה, איזו מצווה בתורה היא החשובה ביותר?" [٣٧] ישוע ענה: "'אהוב את יהוה אלוהיך בכל לבך, בכל נפשך ובכל מחשבתך.' [٣٨k] זאת המצווה הראשונה והחשובה ביותר. [٣٩] אך יש מצווה שנייה שדומה לה: 'אהוב את שכנך כמו שאתה אוהב את עצמך.' [٤٠] כל התורה כולה ודברי הנביאים תלויים בשתי המצוות האלה."

ישוע שאל את הפרושים שאלה

מרקוס ١٢:٣٥-٣٧; לוקס ٢٠:٤١-٤٤

[٤١] כשהפרושים התאספו יחד, [٤٢] ישוע שאל אותם: "מה דעתכם על המשיח? למי הוא יהיה בן?" הם ענו: "הוא יהיה בן של דוד." [٤٣] ישוע אמר: "אם כך, איך דוד, בהשראת רוח הקודש, קורא לו 'אדוני', כשהוא אומר:

[٤٤] 'יהוה אמר לאדוני: שב לימיני עד שאשים את אויביך תחת רגליך.'[m]

[٤٥] אם דוד קורא למשיח 'אדוני', איך הוא יכול להיות בן שלו?" [٤٦] אף אחד לא יכול היה לענות לו מילה, ומאותו יום לא העז איש לשאול אותו עוד שאלות.

---

k ٢٢:٣٧ ויקרא יט ١٨:١٩ l ٢٢:٣٩ דברים ו ٥:٦ m ٢٢:٤٤ תהלים קי ١:١١٠

דברות השניות

שמות ל״ד:י״ב-כ״ח; ויקרא כ״ו:מ״ו, דברים ז׳:י״א-כ״ו, י״א:כ״ו-ל״ב

٢٣ [١] וְאִישׁ אֲשֶׁר יִקָּרֶה־בּוֹ פְצַע־דַּכָּא אוֹ כְרֻת שָׁפָכָה בִּמְבוֹאֹתָיו לֹא יָבוֹא בִּקְהַל יְהוָה׃ [٢] לֹא־יָבוֹא מַמְזֵר בִּקְהַל יְהוָה גַּם דּוֹר עֲשִׂירִי לֹא־יָבוֹא לוֹ בִּקְהַל יְהוָה׃ [٣] עַמֹּנִי וּמוֹאָבִי לֹא־יָבוֹא בִּקְהַל יְהוָה גַּם דּוֹר עֲשִׂירִי לֹא־יָבוֹא לָהֶם בִּקְהַל יְהוָה עַד עוֹלָם׃ [٤] עַל דְּבַר אֲשֶׁר לֹא קִדְּמוּ אֶתְכֶם בַּלֶּחֶם וּבַמַּיִם בַּדֶּרֶךְ בְּצֵאתְכֶם מִמִּצְרָיִם וַאֲשֶׁר שָׂכַר עָלֶיךָ אֶת־בִּלְעָם בֶּן־בְּעוֹר מִפְּתוֹר אֲרַם נַהֲרַיִם לְקַלְלֶךָּ׃ [٥] וְלֹא־אָבָה יְהוָה אֱלֹהֶיךָ לִשְׁמֹעַ אֶל־בִּלְעָם וַיַּהֲפֹךְ יְהוָה אֱלֹהֶיךָ לְךָ אֶת־הַקְּלָלָה לִבְרָכָה כִּי אֲהֵבְךָ יְהוָה אֱלֹהֶיךָ׃ [٦] לֹא־תִדְרֹשׁ שְׁלֹמָם וְטֹבָתָם כָּל־יָמֶיךָ לְעוֹלָם׃ [٧] לֹא־תְתַעֵב אֲדֹמִי כִּי אָחִיךָ הוּא לֹא־תְתַעֵב מִצְרִי כִּי־גֵר הָיִיתָ בְאַרְצוֹ׃ [٨] בָּנִים אֲשֶׁר יִוָּלְדוּ לָהֶם דּוֹר שְׁלִשִׁי יָבוֹא לָהֶם בִּקְהַל יְהוָה׃ [٩] כִּי־תֵצֵא מַחֲנֶה עַל־אֹיְבֶיךָ וְנִשְׁמַרְתָּ מִכָּל־דָּבָר רָע׃ [١٠] כִּי יִהְיֶה בְךָ אִישׁ אֲשֶׁר לֹא־יִהְיֶה טָהוֹר מִקְרֵה לָיְלָה וְיָצָא אֶל־מִחוּץ לַמַּחֲנֶה לֹא יָבוֹא אֶל־תּוֹךְ הַמַּחֲנֶה׃ [١١] וְהָיָה לִפְנוֹת עֶרֶב יִרְחַץ בַּמָּיִם וּכְבֹא הַשֶּׁמֶשׁ יָבוֹא אֶל־תּוֹךְ הַמַּחֲנֶה׃ [١٢] וּמוֹצָא יִהְיֶה לְךָ מִחוּץ לַמַּחֲנֶה וְיָצָאתָ שָׁמָּה אֶל־הַחוּץ׃ [١٣] וְיָתֵד תִּהְיֶה לְךָ עַל־אֲזֵנֶךָ וְהָיָה בְשִׁבְתְּךָ חוּץ וְכָרִיתָ בָּהּ וְשַׁבְתָּ וְכִסִּיתָ אֶת־צֹאָתְךָ׃

דברות האחרונות

[١٤] כִּי יְהוָה אֱלֹהֶיךָ מִתְהַלֵּךְ בְּקֶרֶב מַחֲנֶךָ לְהַצִּלְךָ וְלָתֵת אֹיְבֶיךָ לְפָנֶיךָ וְהָיָה מַחֲנֶיךָ קָדוֹשׁ וְלֹא־יִרְאֶה בְךָ עֶרְוַת דָּבָר וְשָׁב מֵאַחֲרֶיךָ׃

כ״ג:ה׳ נחמיה י״ג:ב׳ ח׳:ו׳ תהלים ק״ט:כ״ח ל״ח:ט״ו כ״ג:ה׳

حبوا أوذا. [١٤] "وَمِ يَكُمجُ هُفِدَا مُعَقِيدَا، مُعَبِيدَا، هُتَّت دُجَبُكُمْ
مُحَكُمُكُا دَعَمُدَا جَكِكَ حَنَتَنَّتَا. إِسُكُمْ لَا هُجَبُكُمْ، وَأَبَ دَتَّبَ هُجَبُ
لَا تُجَمُكُمْ كُمْ دَهُجَبُ. [١٥] "وَمِ يَكُمجُ هُفِدَا مُعَقِيدَا، مُعَبِيدَا،
دَجَا هُجَبُكُمْ نَمُدَا مُحِيدَا مُحَمُكُمُدَا هُجَ مَجَدُنَا لَهُمُجُمُكُمْ، مَاهُمْ
مُعَمُكُمُكُمْ، لَا، لَا هُجَبُكُمْ لَا حَدَمُنَا دَجُمُنَا هُجَ كَمَّ هُجَبُ
مُكَمُجُمْ. [١٦] "وَمِ يَكُمجُ مُعَجُمُنَا هُعَمِيَا، دَجَا أُمُجَبُكُمْ: 'مِ دَنُمِدَا حَمُهُكُا، لَا
هُكَمْ هُجَ هُجَبُ؛ لَهُنَا مِ دَنُمِدَا حَمَّجُمَّا دَكُمَ هُهُكُا، هُنُمَّا هُكَا.' [١٧] "نَا
هُجَيَّا مُعَمِيَا، إِسُبَ هُكَا حَمَّتَ كَمَّا دُجَّا، دُجَّا هُ هُكُا دَجَا مُعَمَّتَ
لَحُجَّا؟ [١٨] "دَجَا أُمُجَبُكُمْ: 'لَا لَنَّتَا نُمِدَا حَمُجَدَنُا، لَا هُكَا هُجَ هُجَبُ، لَهُنَا
مِ دَنُمِدَا حَمُمُحَنَّتَا دَكِكَ هُجَدَنُا، كَا قُيَّتَ لَهُجَا حَمُمُجُمُكُا.' [١٩] "نَا
هُجَيَّا مُعَمِيَا، إِسُبَ هُكَا حَمَّتَ كَمَّا دُجَّا، مُمُحَنَّتَا هُ هُجَدَنُا دَجَا مُعَمَّتَ
حَمُمُحَنَّتَا؟ [٢٠] "وَجَا حَكِكَ مِ دَنُمِدَا حَمُجَدَنُا، دَجَا نُمِدَا حَمِ مُحَكُمُ هُجَبُ
دَبَهُ بَكُمُجُمْ. [٢١] "وَمِ دَنُمِدَا حَمُهُكُا، دَجَا نُمِدَا حَمِ مُحَكُمُ دَكُمَ دَكُمِدَ كَمُجُمْ.
[٢٢] "وَمِ دَنُمِدَا حَمُجَنُا، دَجَا نُمِدَا حَمُحَمُهُنَا دَبُكُمُا مُحَكُمُ دَكُمَ بَكُمُجُمْ. [p]
[٢٣] "وَمِ يَكُمجُ هُفِدَا مُعَقِيدَا، مُعَبِيدَا. دَجَا نُمُجَبُكُمْ مُحَمُهُدَا دَنُمِدَا [q]
مُحَيَّكُ مُجَمُحَنَّا، لَهُنَا لَا تُجَمُكُمْ هُجَبُنَّتَا مُمُمُتَّا دَنُمُمُهُا: دَبُمُ،
مُتَّمِدَ، مُمُمُنُمُبُمُا. إِنَّا مُكَا مُمُا دَكُجَبُكُمْ مُمُمَ كَمُا، وَأَبَ
لَهِيَدَا كَا تُجَمُكُمْ مُمُمَ كَمُا. [٢٤] "نَا مُحَمُجَنَّتَا هُعَمِيَا، نَّكَنَّتَا دَجَمُا
مُحَكُمَّتَا دَجَمُكُا. [٢٥] "وَمِ يَكُمجُ هُفِدَا مُعَقِيدَا، مُعَبِيدَا، دَجَا
دُجَكُمْ لَكُمُجُمْ دَجُمُا مُدَأَجَمُدُا، لَهُنَا مِ لَكُمُا مُكَا هُنَا سَجُمُنَا
مُحَمُجُمُحَنُمُا. [٢٦] "نَا مُعَقِيدَا هُعَمِيَا، مُجَمُهُا دُجَمُا كُمُا دَجُمُا
مُحَمُجَنُمُا، دَجَا مُمُمُنُمُبُمُا كَمُا دُجَمُا مُدَأَجَمُدُا، هُكَا دَجَا مُمُمُنُمُبُمُا
دَجَا يَكُمجُ. [٢٧] "وَمِ يَكُمجُ هُفِدَا مُعَقِيدَا، مُعَبِيدَا، دَجَا دُجَبُكُمْ

---

[p] ٢٣:٢٢ أعمال ١:٦٦ [q] ٢٣:٢٣ حزقيال ٣٠:٢٧

هُفِرَا ەقتِيبَا، هِعَفِيذَا، ىَا ذُمِكَا لِهِجَا ەسِيۋَا، دِم لِجِذَ هِعَفِيذَا، ىَا قُمِب سِيا جِبِۋَا، ابَا مِم لِكَا مِلِا ىَا لِجِذَا دِمِبَا ەحكَا ھِلِنِهِكَا. [٢٨] "ھُجِذَا ەوَا ىَا ذُمِكَا، مِم لِجِذَ ىَا ذُمِكَا ابَا هِجِبَا، ابَا مِم لِكَا مِلِا ەسِيۋَا ەھِعِفِذَا. [٢٩] "ھَ ىَكَا هِفِرَا لِهِجَا ەسِيۋَا ەقتِيبَا، هِعَفِيذَا، دِجَا ىَا هِجِذَا دِمِبَا، ەھِمِلِهِكَا ىَا مِمِجِۋَا دِنِهِبَا. [٣٠] "ەجَا أِمِذِلِهِكَا: 'لِ ھُفِب ەوَە ىَا ىَمَا دِنِهِبَا دِنِهِبَا، [٣١] "ھُجِذَا دِتِخَفِبَا، لِ ھُفِب ەوَە ىَا جِذِجِا هِمِھِلِكَا دِنِهِبَا.' [٣٢] "ھُجِذَا ابَا لِهِجَا ەسِيۋَا مِلِا ىَكَا هِجِبَا ەسِيۋَا دِنِهِبَا ەھِعِفِذَا. [٣٣] "ابَا سِفِرَا ەقتِيبَا دِجِيتِبَا، ذُجِب ىَا هِجِبَا ەسِيۋَا هِجِبَا ەسِيۋَا ىَا جِذِجِا ەسِيۋَا مِم جِفِرَا جِفِرَا؟

ەزِجِلِم ەسِيۋَا دِنِهِبَا

٣٥-٣٤:١٣ ـمكـ

[٣٤] "ەجَا أِمِذِلِهِكَا، ھُا أِمِذِ ابَا جِذِجِا هِمِھِلِكَا ىَا دِجِذِجِا ەھِعِفِذَا. ىَا ەسِيۋَا ەسِيۋَا ىَا ذُمِكَا ەسِيۋَا ەسِيۋَا ەسِيۋَا ىَا ذُمِك

٣٧ "ويروشليم، ويروشليم، يا شهرى كه پيغمبران را مى‌كشى و آنانى را كه نزد تو فرستاده شده‌اند سنگسار مى‌كنى، چند بار خواستم فرزندانت را جمع كنم، همچنان كه مرغ جوجه‌هاى خود را زير بالهاى خود جمع مى‌كند، اما نخواستى. ٣٨ اكنون خانه شما ويران گذاشته خواهد شد. ٣٩ زيرا به شما مى‌گويم، مرا ديگر نخواهيد ديد تا وقتى كه بگوييد: 'مبارك است او كه به نام خداوند مى‌آيد.'"[s]

عيسى در اورشليم

متى ٢١:١-٩؛ مرقس ١١:١-١٠؛ يوحنا ١٢:١٢-١٩

٢٤ ١ وقتى نزديك اورشليم رسيدند، به بيت‌فاجى در كوه زيتون رسيدند. عيسى دو شاگرد خود را پيش فرستاد ٢ و به آنها گفت: "به دهكده‌اى كه روبروى شماست برويد. به محض ورود، كره الاغى را خواهيد ديد كه بسته است و هيچ انسانى تاكنون بر آن سوار نشده است. آن را باز كنيد و بياوريد. ٣ اگر كسى از شما پرسيد كه چرا اين كار را مى‌كنيد، بگوييد كه خداوند به آن احتياج دارد و زود آن را پس خواهد فرستاد."

ورود پيروزمندانه

متى ٢١:٣-١١؛ مرقس ١١:٧-١٠؛ يوحنا ١٢:١٢-١٩

٤ پس آن دو شاگرد رفتند و همه چيز را همان‌طور كه عيسى گفته بود يافتند. ٥ وقتى مشغول باز كردن كره الاغ بودند، صاحبان آن از ايشان پرسيدند: "چرا اين كره را باز مى‌كنيد؟" ٦ شاگردان پاسخ دادند: "خداوند به آن احتياج دارد." ٧ آنگاه كره را نزد عيسى آوردند و رداهاى خود را بر پشت آن انداختند و عيسى بر آن سوار شد. ٨ در راه، مردم رداهاى خود را بر زمين پهن مى‌كردند تا عيسى از روى آنها عبور كند. ٩ وقتى به سرازيرى كوه زيتون رسيدند، تمام شاگردان با صداى بلند شروع به شادى كردند و خدا را به خاطر معجزاتى كه ديده بودند ستايش كردند و گفتند:

---

s ٢٣:٣٩ مزامير ١١٨:٢٦

وَهَذَا مَعْنَى مَا قَدْ قِيلَ، أَنَّ الْمَسِيحَ يَبْقَى إِلَى الأَبَدِ. ٧"وَهَا أَنَا أَقُولُ لَكُمْ: ابْتَعِدُوا عَنْ هَؤُلاَءِ النَّاسِ، وَاتْرُكُوهُمْ لأَنَّ مَشُورَتَهُمْ وَأَعْمَالَهُمْ هِيَ مِنَ الشَّرِّ، وَإِذَا قَادَ الأَعْمَى أَعْمَى آخَرَ فَكِلاَهُمَا يَسْقُطَانِ فِي حُفْرَةٍ. ٨"إِنَّنَا نَحْنُ الَّذِينَ خَتَنَّا قُلُوبَنَا بِالرُّوحِ الْقُدُسِ، وَلَيْسَ بِالْحَرْفِ، وَنَحْنُ نَعْبُدُ اللهَ بِالرُّوحِ الْقُدُسِ، وَنَفْتَخِرُ بِالْمَسِيحِ يَسُوعَ، وَلاَ نَثِقُ بِالأُمُورِ الْجَسَدِيَّةِ. ٩"وَمَعَ أَنَّ لِي أَسْبَابًا كَثِيرَةً لِلثِّقَةِ بِالأُمُورِ الْجَسَدِيَّةِ، فَإِنَّنِي لاَ أَثِقُ بِهَا. ١٠"وَلَكِنْ إِذَا كَانَ أَحَدٌ يَظُنُّ أَنَّ لَهُ أَسْبَابًا لِلثِّقَةِ بِالأُمُورِ الْجَسَدِيَّةِ، فَأَنَا أَكْثَرُ مِنْهُ. ١١"فَقَدْ خُتِنْتُ وَأَنَا ابْنُ ثَمَانِيَةِ أَيَّامٍ، وَأَنَا مِنْ نَسْلِ إِسْرَائِيلَ، وَمِنْ سِبْطِ بَنْيَامِينَ، وَعِبْرَانِيٌّ مِنَ الْعِبْرَانِيِّينَ، وَفَرِّيسِيٌّ فِي الشَّرِيعَةِ. ١٢"وَكُنْتُ مُضْطَهِدًا لِلْكَنِيسَةِ، وَفِي الْبِرِّ الَّذِي بِالشَّرِيعَةِ كُنْتُ بِلاَ لَوْمٍ. ١٣"وَلَكِنْ مَهْمَا كَانَ لِي مِنْ رِبْحٍ، فَقَدْ حَسِبْتُهُ خَسَارَةً مِنْ أَجْلِ الْمَسِيحِ. ١٤"بَلْ إِنَّنِي أَعُدُّ كُلَّ شَيْءٍ خَسَارَةً مِنْ أَجْلِ الْمَعْرِفَةِ الْفَائِقَةِ بِيَسُوعَ الْمَسِيحِ رَبِّي، الَّذِي مِنْ أَجْلِهِ خَسِرْتُ كُلَّ شَيْءٍ، وَأَعُدُّ كُلَّ شَيْءٍ نُفَايَةً لِكَيْ أَرْبَحَ الْمَسِيحَ

رؤيا يوحنا

متى ١٣:١٤-٢٣؛ لوقا ٢١:٢٠-٢٤

١٥"وَأَخِيرًا يَا إِخْوَتِي، افْرَحُوا فِي الرَّبِّ. لاَ أَتْعَبُ مِنْ كِتَابَةِ هَذِهِ الأُمُورِ لَكُمْ، فَهِيَ تُثَبِّتُكُمْ. ١٦"احْذَرُوا الْكِلاَبَ، احْذَرُوا الْفَاعِلِينَ الشَّرَّ، احْذَرُوا الْقَطْعَ. ١٧"لأَنَّنَا نَحْنُ الْمَطْهُورُونَ الَّذِينَ نَعْبُدُ اللهَ بِالرُّوحِ الْقُدُسِ، وَنَفْتَخِرُ بِالْمَسِيحِ يَسُوعَ، وَلاَ نَثِقُ بِالْجَسَدِ. ١٨"وَمَعَ أَنَّ لِي أَسْبَابًا لِلثِّقَةِ بِالْجَسَدِ. إِنْ كَانَ أَحَدٌ يَظُنُّ أَنَّ لَهُ أَسْبَابًا لِلثِّقَةِ بِالْجَسَدِ، فَأَنَا أَكْثَرُ مِنْهُ. ١٩"أَنَا الَّذِي خُتِنْتُ وَأَنَا ابْنُ ثَمَانِيَةِ أَيَّامٍ، وَأَنَا مِنْ نَسْلِ إِسْرَائِيلَ، وَمِنْ سِبْطِ بَنْيَامِينَ، وَعِبْرَانِيٌّ مِنَ الْعِبْرَانِيِّينَ، وَفَرِّيسِيٌّ فِي الشَّرِيعَةِ. ٢٠"وَأَنَا مُضْطَهِدٌ لِلْكَنِيسَةِ، وَفِي الْبِرِّ الَّذِي بِالشَّرِيعَةِ كُنْتُ بِلاَ لَوْمٍ. ٢١"وَلَكِنْ مَهْمَا كَانَ لِي مِنْ رِبْحٍ، فَقَدْ حَسِبْتُهُ خَسَارَةً مِنْ أَجْلِ الْمَسِيحِ. ٢٢"بَلْ إِنَّنِي أَعُدُّ كُلَّ شَيْءٍ خَسَارَةً مِنْ أَجْلِ الْمَعْرِفَةِ الْفَائِقَةِ بِيَسُوعَ الْمَسِيحِ رَبِّي، الَّذِي مِنْ أَجْلِهِ خَسِرْتُ كُلَّ شَيْءٍ، وَأَعُدُّ كُلَّ شَيْءٍ نُفَايَةً لِكَيْ أَرْبَحَ الْمَسِيحَ

---

t ٢٤:١٥ تثنية ٢٧:٩؛ ٣١:١١؛ ١١:١٢ u ٢٤:٢١ تثنية ١:١٢

ואחרי כן יבוא בעל הבית ויאמר לו: 'למה ישבת כאן כל היום בטל מלאכה?' ויענה לו: 'כי לא שכרו אותנו.' ויאמר לו: 'לך גם אתה אל כרמי ותעבוד שם.' ובערב אמר בעל הבית לנהל חשבונותיו: 'קרא לפועלים ותן להם את שכרם, החל מן האחרונים ועד הראשונים.' וכאשר באו אלה שהתחילו לעבוד בשעה האחרונה וקיבלו שכר יום שלם, חשבו שיקבלו יותר מאחרים. אך גם הם קיבלו שכר יום שלם. ויאמרו לבעל הבית: 'האחרונים האלה עבדו שעה אחת בלבד, ואתה שילמת להם כמו לנו, שעבדנו כל היום בחום הרב.' ויענה בעל הבית לאחד מהם: 'ידידי, לא עשיתי לך עוול. הלא הסכמת איתי על שכר יום שלם, ולכן קח את שכרך ולך. אם רצוני לתת לאחרון כמו לך, הרשות בידי. האם עין רעה תהיה לך משום שאני טוב?' כך יהיו האחרונים ראשונים והראשונים אחרונים."

הודעה שלישית על הגלות

מרקוס ١٠:٣٢-٣٤; לוקס ١٨:٣١-٣٤

[17] בעלותו לירושלים לקח ישוע את שנים עשר תלמידיו בדרך בצד, ואמר להם: [18] "הנה אנו עולים לירושלים, ושם יסגירו את בן האדם לידי הכוהנים הגדולים והסופרים, והם ישפטו אותו למוות. [19] ויסגירו אותו לידי הגויים, ויתעללו בו, ויצליפו בו, וצלבו אותו, ואחרי שלושה ימים יקום לתחייה."

בקשת יעקב ויוחנן

מרקוס ١٠:٣٥-٤٥

[20] אז ניגשה אליו אם בניו של זבדי עם בניה, והשתחוותה לפניו כדי לבקש ממנו דבר. [21] ויאמר לה: "מה את רוצה?" ותענה לו: "אמור שבניי האלה, יעקב ויוחנן, ישבו אחד מימינך ואחד משמאלך במלכותך." [22] ויען ישוע ויאמר ליעקב ויוחנן: "אינכם יודעים מה אתם מבקשים. האם אתם יכולים לשתות את הכוס שאני עתיד לשתות?" ויאמרו לו: "אנחנו יכולים." [23] ויאמר להם: "כוסי אכן תשתו, אך לא לי לתת לכם לשבת מימיני ומשמאלי, כי אם למי שאבי הכין להם."

[24] וכאשר שמעו עשרת התלמידים האחרים, כעסו על יעקב ויוחנן. [25] אך ישוע קרא אליו את כולם ואמר: "אתם יודעים שמושלי הגויים שולטים בהם בכוח, ושרי הגויים מנצלים את כוחם לרעה. [26] אבל לא כך יהיה ביניכם. כל מי שרוצה להיות גדול ביניכם, יהיה משרת לכולם. [27] וכל מי שרוצה להיות ראשון ביניכם, יהיה עבד לכולם. [28] כי גם בן האדם לא בא כדי שישרתו אותו, אלא כדי לשרת ולתת את נפשו כפדיון בעד רבים."

ריפוי שני עיוורים

מרקוס ١٠:٤٦-٥٢; לוקס ١٨:٣٥-٤٣

[29] כאשר יצאו מיריחו, הלכו אחריו המון גדול של אנשים. [30] ושני עיוורים ישבו על יד הדרך, וכאשר שמעו שישוע עובר שם, צעקו: "אדוננו, בן דוד, רחם עלינו!" [31] והאנשים נזפו בהם שישתקו, אך הם צעקו עוד יותר: "אדוננו, בן דוד, רחם עלינו!" [32] ישוע עמד, קרא להם ושאל: "מה אתם רוצים שאעשה לכם?" [33] ויענו לו: "אדוננו, שנראה שוב!" [34] וישוע חמל עליהם, נגע בעיניהם, ומיד ראו שוב. והם הלכו אחריו.

٢٤:٢٩ ישעיהו ١٣:١٠; ٤:٣٤

٣٠:٢٤ תהלים ٧:١٣; יהושע ١٢:١٠-١٤; מתי ١٣:٢٤-٢٧; לוקס ١٧:٢٦-٣٠

يسوع يتحدث عن مجيئه

مرقس ١٣:٢٨-٣١؛ لوقا ٢١:٢٩-٣٣

٣٢ "من التينة تعلموا هذا المثل. متى صارت أغصانها طرية وأخرجت
أوراقها، تعلمون أن الصيف قريب. ٣٣ هكذا أنتم أيضا، متى رأيتم كل
هذه الأمور، اعلموا أنه قريب على الأبواب. ٣٤ الحق أقول لكم، لا يمضي
هذا الجيل حتى يحدث كل هذا. ٣٥ السماء والأرض تزولان، ولكن كلامي
لن يزول.

لا أحد يعرف متى يأتي ابن الإنسان

مرقس ١٣:٣٢-٣٧؛ لوقا ١٧:٢٦-٣٠، ٣٤-٣٦

٣٦ "وأما ذلك اليوم وتلك الساعة فلا يعلمهما أحد، لا ملائكة السماوات
ولا الابن، إلا الآب وحده. ٣٧ "ولكن كما كان في أيام نوح، هكذا يكون
مجيء ابن الإنسان. ٣٨x "لأنه كما كانوا في الأيام التي قبل الطوفان
يأكلون ويشربون ويتزوجون ويزوجون إلى اليوم الذي دخل فيه نوح الفلك،
٣٩ ولم يعلموا حتى جاء الطوفان وأخذ الجميع، هكذا يكون أيضا مجيء ابن
الإنسان. ٤٠y "حينئذ يكون رجلان في الحقل، يؤخذ الواحد ويترك الآخر.
٤١ "امرأتان تطحنان على الرحى، تؤخذ الواحدة وتترك الأخرى. ٤٢ "اسهروا
إذا لستم تعلمون في أية ساعة يأتي ربكم. ٤٣ "واعلموا هذا أنه لو علم رب
البيت في أية هزيعة يأتي السارق، لسهر وما ترك بيته يُنقب.

---

x٢٤:٣٧ تكوين ٦:٥-٨ y٢٤:٣٩ تكوين ٧:٦-٢٤

وهسإ هوا لجبهُ، ٤٤"هُجبا لجلها لهُا حقِّبا لهُا حتجا لِا لجبذ

בְּתוֹכָהּ׃ ٨ וְאָמַר בַּיּוֹם הַהוּא הִנֵּה אֱלֹהֵינוּ זֶה קִוִּינוּ לוֹ וְיוֹשִׁיעֵנוּ זֶה יְהוָה קִוִּינוּ לוֹ נָגִילָה וְנִשְׂמְחָה בִּישׁוּעָתוֹ׃ ٩ כִּי תָנוּחַ יַד־יְהוָה בָּהָר הַזֶּה וְנָדוֹשׁ מוֹאָב תַּחְתָּיו כִּנְדוֹשׁ מַתְבֵּן בְּמֵי מַדְמֵנָה׃ ١٠ וּפָרַשׂ יָדָיו בְּתוֹכוֹ כַּאֲשֶׁר יִפְרֹשׂ הַשֹּׂחֶה לִשְׂחוֹת וְהִשְׁפִּיל גַּאֲוָתוֹ עִם תְּרוּמֹת יָדָיו׃ ١١ וּמִבְצַר מִשְׂגַּב חוֹמֹתֶיךָ הִשְׁפִּיל הִגִּיעַ הִשִּׁיחַ לָאָרֶץ עַד־עָפָר׃ ١٢ בַּיּוֹם הַהוּא יוּשַׁר הַשִּׁיר הַזֹּאת בְּאֶרֶץ יְהוּדָה עִיר עֹז לָנוּ יְשׁוּעָה יָשִׁית חוֹמוֹת וָחֵל׃ ١٣ פִּתְחוּ שְׁעָרִים וְיָבֹא גּוֹי צַדִּיק שֹׁמֵר אֱמוּנִים׃ ١٤ יֵצֶר סָמוּךְ תִּצֹּר שָׁלוֹם שָׁלוֹם כִּי בְךָ בָּטוּחַ׃ ١٥ בִּטְחוּ בַיהוָה עֲדֵי עַד כִּי בְּיָהּ יְהוָה צוּר עוֹלָמִים׃ ١٦ כִּי שָׁחַח יוֹשֵׁב מָרוֹם קִרְיָה נִשְׂגָּבָה יַשְׁפִּילֶנָּה יַשְׁפִּילָהּ עַד־אָרֶץ יַגִּיעֶנָּה עַד־עָפָר׃ ١٧ תִּרְמְסֶנָּה רָגֶל רַגְלֵי עֲנִיִּים פַּעֲמֵי דַלִּים׃ ١٨ אֹרַח לְצַדִּיק מֵישָׁרִים מַעְגַּל צַדִּיקִים תְּפַלֵּס׃ ١٩ אַף אֹרַח מִשְׁפָּטֶיךָ יְהוָה קִוִּינוּךָ לְשִׁמְךָ וּלְזִכְרְךָ תַּאֲוַת נָפֶשׁ׃ ٢٠ נַפְשִׁי אִוִּיתִיךָ בַלַּיְלָה אַף־רוּחִי בְקִרְבִּי אֲשַׁחֲרֶךָּ כִּי כַאֲשֶׁר מִשְׁפָּטֶיךָ לָאָרֶץ צֶדֶק לָמְדוּ יוֹשְׁבֵי תֵבֵל׃

ישעיה כ"ו

ישעיה ٢٦:١-٢١

١ בַּיּוֹם הַהוּא יוּשַׁר הַשִּׁיר הַזֹּאת בְּאֶרֶץ יְהוּדָה עִיר עֹז לָנוּ יְשׁוּעָה יָשִׁית חוֹמוֹת וָחֵל׃ ٢ פִּתְחוּ שְׁעָרִים וְיָבֹא גּוֹי צַדִּיק שֹׁמֵר אֱמוּנִים׃ ٣ יֵצֶר סָמוּךְ תִּצֹּר שָׁלוֹם שָׁלוֹם כִּי בְךָ בָּטוּחַ׃ ٤ בִּטְחוּ בַיהוָה עֲדֵי עַד כִּי בְּיָהּ יְהוָה צוּר עוֹלָמִים׃ ٥ כִּי שָׁחַח יוֹשֵׁב מָרוֹם קִרְיָה נִשְׂגָּבָה יַשְׁפִּילֶנָּה יַשְׁפִּילָהּ עַד־אָרֶץ יַגִּיעֶנָּה עַד־עָפָר׃ ٦ תִּרְמְסֶנָּה רָגֶל רַגְלֵי עֲנִיִּים פַּעֲמֵי דַלִּים׃ ٧ אֹרַח לְצַדִּיק מֵישָׁרִים מַעְגַּל צַדִּיקִים תְּפַלֵּס׃ ٨ אַף אֹרַח מִשְׁפָּטֶיךָ יְהוָה קִוִּינוּךָ לְשִׁמְךָ וּלְזִכְרְךָ תַּאֲוַת נָפֶשׁ׃ ٩ נַפְשִׁי אִוִּיתִיךָ בַלַּיְלָה אַף־רוּחִי בְקִרְבִּי אֲשַׁחֲרֶךָּ כִּי כַאֲשֶׁר מִשְׁפָּטֶיךָ לָאָרֶץ צֶדֶק לָמְדוּ יוֹשְׁבֵי תֵבֵל׃ ١٠ יֻחַן רָשָׁע בַּל־לָמַד צֶדֶק בְּאֶרֶץ נְכֹחוֹת יְעַוֵּל וּבַל־יִרְאֶה גְּאוֹת יְהוָה׃ ١١ יְהוָה רָמָה יָדְךָ בַּל יֶחֱזָיוּן יֶחֱזוּ וְיֵבֹשׁוּ קִנְאַת עָם אַף אֵשׁ צָרֶיךָ תֹּאכְלֵם׃ ١٢ יְהוָה תִּשְׁפֹּת שָׁלוֹם לָנוּ כִּי גַם כָּל־מַעֲשֵׂינוּ פָּעַלְתָּ לָּנוּ׃ ١٣ יְהוָה אֱלֹהֵינוּ בְּעָלוּנוּ זולתך [זוּלָתְךָ] שָׁלְטוּ בָּנוּ לְבַדְךָ בְּךָ נַזְכִּיר שְׁמֶךָ׃ ١٤ מֵתִים בַּל־יִחְיוּ רְפָאִים בַּל־יָקוּמוּ לָכֵן פָּקַדְתָּ וַתַּשְׁמִידֵם וַתְּאַבֵּד כָּל־זֵכֶר לָמוֹ׃ ١٥ יָסַפְתָּ לַגּוֹי יְהוָה יָסַפְתָּ לַגּוֹי נִכְבָּדְתָּ רִחַקְתָּ כָּל־קַצְוֵי אָרֶץ׃ ١٦ יְהוָה בַּצַּר פָּקְדוּךָ צָקוֹן לָחַשׁ מוּסָרֶךָ׃ ١٧ כַּהֹרָה לַמּוֹלֶדֶת תַּקְרִיב תָּחִיל תִּזְעַק בחבליה [בַּחֲבָלֶיהָ] מִפָּנֶיךָ יְהוָה׃ ١٨ הָרִינוּ חַלְנוּ כְּמוֹ יָלַדְנוּ רוּחַ כִּמְעַנוּ יְשׁוּעוֹת בַּל־נַעֲשֶׂה אֶרֶץ וּבַל־יִפְּלוּ יוֹשְׁבֵי תֵבֵל׃ ١٩ יִחְיוּ מֵתֶיךָ נְבֵלָתִי יְקוּמוּן הָקִיצוּ וְרַנְּנוּ שֹׁכְנֵי עָפָר כִּי טַל אוֹרוֹת טַלֶּךָ וְאֶרֶץ רְפָאִים תַּפִּיל׃ ٢٠ לֵךְ עַמִּי בֹּא־בַחֲדָרֶיךָ וּסְגֹר דַּלְתְּךָ בַּעַדֶךָ חֲבִי כִמְעַט רֶגַע עַד־יַעֲבָר זָעַם׃

كالجاهم الجّحا لمتمم، بخب، 'مُخ: ماجمعا، ولمعا، ولِّا لمتا لمتمم ما
ماجمع مالِّا ماجمعا، ها، بخ لِّمالمعا لمتمم لمتا لمتمم ها، بخ لِّمالمعا
'كالجا لِّلِّا لِّلِّا لِّلِّا لِّلِّا لِّلِّا لِّلِّا لِّلِّا لِّلِّا لِّلِّا لِّلِّا

احكام بارے شريعت

٣١ "اپنے ذاتی خادموں، مردوں اور عورتوں کو غلام بنانے کے لئے
تم قوموں کے پاس جانا جو تمہارے ارد گرد ہیں۔ ٣٢ تم دوسری
قوموں کے پردیسیوں کو بھی غلام بنا سکتے ہو۔ تم ان کے بچوں کو
بھی غلام بنا سکتے ہو۔ تم ان کو خرید سکتے ہو۔ ٣٣ تم ان کو ہمیشہ
کے لئے اپنے پاس رکھ سکتے ہو۔ تم ان کو اپنے بھائیوں پر
حکمران نہیں بنا سکتے۔

٣٤ "خداوند کا کلام موسیٰ پر نازل ہوا: 'موسیٰ سے کہو، جب
کوئی شخص اپنی بیٹی کو بیچ دے، تو وہ غلام کی طرح آزاد نہیں
ہوگی۔ ٣٥ "'اگر کوئی شخص اپنی بیٹی کو بیچ دے، تو وہ غلام کی
طرح آزاد نہیں ہوگی۔ ٣٦ "'اگر کوئی شخص اپنی بیٹی کو بیچ دے،
تو وہ غلام کی طرح آزاد ہوگی۔ اگر کوئی شخص اپنی بیٹی کو بیچ
دے، تو وہ غلام کی طرح آزاد ہوگی۔ اگر کوئی شخص اپنی بیٹی کو
بیچ دے، تو وہ غلام کی طرح آزاد ہوگی۔ اگر کوئی شخص اپنی بیٹی
کو بیچ دے، تو وہ غلام کی طرح آزاد ہوگی۔ ٣٧ "'اگر کوئی شخص
اپنی بیٹی کو بیچ دے، تو وہ غلام کی طرح آزاد ہوگی۔ اگر کوئی
شخص اپنی بیٹی کو بیچ دے، تو وہ غلام کی طرح آزاد ہوگی۔ ٣٨ "'اگر
کوئی شخص اپنی بیٹی کو بیچ دے، تو وہ غلام کی طرح آزاد ہوگی۔
اگر کوئی شخص اپنی بیٹی کو بیچ دے، تو وہ غلام کی طرح آزاد
ہوگی۔ ٣٩ "'اگر کوئی شخص اپنی بیٹی کو بیچ دے، تو وہ غلام کی
طرح آزاد ہوگی۔ اگر کوئی شخص اپنی بیٹی کو بیچ دے، تو وہ غلام
کی طرح آزاد ہوگی۔

٤٠ "خداوند کا کلام موسیٰ پر نازل ہوا: 'موسیٰ سے کہو، جب
کوئی شخص اپنی بیٹی کو بیچ دے، تو وہ غلام کی طرح آزاد نہیں
ہوگی۔'

٤١ "خداوند کا کلام موسیٰ پر نازل ہوا: 'اسرائیل کے لوگوں سے
کہو کہ اگر کوئی شخص اپنی بیٹی کو بیچ دے، تو وہ غلام کی طرح
آزاد نہیں ہوگی۔ ٤٢ "'اگر کوئی شخص اپنی بیٹی کو بیچ دے، تو وہ
غلام کی طرح آزاد ہوگی۔ اگر کوئی شخص اپنی بیٹی کو بیچ دے،
تو وہ غلام کی طرح آزاد ہوگی۔ ٤٣ "'اگر کوئی شخص اپنی بیٹی کو

فجأة جاء يهوذا أحد الاثني عشر، ومعه جمع كبير من الناس بسيوف وعصي، من عند رؤساء الكهنة والكتبة والشيوخ. ٤٤ وكان الذي يسلمه قد أعطاهم علامة قائلا: ’الذي أقبله هو هو. امسكوه وامضوا به بحراسة.‘ ٤٥ فلما جاء للوقت قال له: ’يا سيدي، يا سيدي!‘ وقبله. ٤٦ فألقوا عليه أيديهم وأمسكوه. ٤٧ فاستل واحد من القيام كان معه سيفه وضرب عبد رئيس الكهنة فقطع أذنه. ٤٨ فأجاب يسوع وقال لهم: ”كأنه على لص خرجتم بسيوف وعصي لتأخذوني. ٤٩ كنت معكم كل يوم أعلم في الهيكل، ولم تمسكوني. لكن لتكمل الكتب.“ ٥٠ فتركه الجميع وهربوا.

محاكمة يسوع أمام السنهدريم

متى ٢٦:١-٢؛ لوقا ٢٢:١-٢؛ يوحنا ١١:٤٥-٥٣

١٤ وكان بعد يومين الفصح وأيام الفطير. وكان رؤساء الكهنة والكتبة يطلبون كيف يمسكونه بمكر ويقتلونه. ٢ لكنهم قالوا: ”ليس في العيد لئلا يكون شغب في الشعب.“ [a]

٣ وإذ كان في بيت عنيا في بيت سمعان الأبرص واتكأ جاءت امرأة لها قارورة طيب ناردين خالص كثير الثمن. فكسرت القارورة وسكبت على رأسه. ٤ وكان قوم في أنفسهم مغتاظين: ”لماذا كان تلف الطيب هذا؟ ٥ لأنه كان يمكن أن يباع بأكثر من ثلاثمائة دينار ويعطى للفقراء.“ وكانوا يزمجرون عليها. ٦ فقال يسوع: ”اتركوها. لماذا تزعجون المرأة؟ قد عملت بي عملا حسنا. ٧ لأن الفقراء معكم في كل حين، ومتى شئتم تقدرون أن تعملوا بهم خيرا، وأما أنا فلست معكم في كل حين. ٨ عملت ما عندها. سبقت فدهنت جسدي للتكفين. ٩ الحق أقول لكم: حيثما يكرز بهذا الإنجيل في كل العالم يخبر أيضا بما فعلته هذه تذكارا لها.“ [z]

[a] ٢:١٢ متى ٢٦:٥ [z] ٢٥:٤٦ متى ٢:١٢-٢٧

תהלת לחגי תשרי

תהלים ١٤:٣-٩; ישעיה ١٢:١-٨

٦ הַלְוַיִם מְקַדְּשֵׁי יְהוָה כֻּלָּם, וְגַם לְבֵית אֲחִיהֶם עֲשׂוּ כֵּן מִצְוַת יְהוָה. ٧ וַיַּקְרִיבוּ
בְּנֵי הַמְּשֹׁרְרִים הַלְוִיִּם אֶת אֲשַׁם הַשְּׁבוּעָה אֶל בֵּית יְהוָה כְּמִצְוַת הַמֶּלֶךְ
בְּיַד הַנְּבִיאִים, ٨ וַיִּבְנוּ הַמִּזְבֵּחַ מִן הַכֶּסֶף אֲשֶׁר הוּבָא אֶל בֵּית יְהוָה. וַיַּעֲמִידוּ
בְּמָקוֹמוֹ אֶת כָּל הַכְּלִי הַזָּהָב וְהַכֶּסֶף וְהַכֵּלִים אֲשֶׁר עָשׂוּ לְהַקְרִיב עַל הַמִּזְבֵּחַ
הַחָדָשׁ. ٩ וַיְהִי בְּיוֹם הַשְּׁנִי לְחֹדֶשׁ הַשֵּׁנִי הֵחֵלּוּ הַכֹּהֲנִים וְהַלְוִיִּם וְכָל הַבָּאִים
מִן הַגּוֹלָה אֶל בֵּית יְהוָה וַיָּסֻדוּ בֵּית יְהוָה בְּיוֹם הַזֶּה. ١٠ וַיַּעֲמִידוּ אֶת הַכֹּהֲנִים
בְּלִבּוּשָׁם בַּחֲצֹצְרוֹת וְהַלְוִיִּם בְּנֵי אָסָף בִּמְצִלְתַּיִם לְהַלֵּל לַיהוָה עַל יְדֵי דָּוִד
מֶלֶךְ יִשְׂרָאֵל. ١١ וַיְהַלְלוּ בְּהַלֵּל וּלְהוֹדוֹת לַיהוָה כִּי טוֹב כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ עַל
יִשְׂרָאֵל; וְכָל הָעָם תָּרִיעוּ תְרוּעָה גְדוֹלָה בְּהַלֵּל לַיהוָה עַל הוּסַד בֵּית יְהוָה.
١٢b וְרַבִּים מִן הַכֹּהֲנִים וְהַלְוִיִּם וְרָאשֵׁי הָאָבוֹת הַזְּקֵנִים אֲשֶׁר רָאוּ אֶת הַבַּיִת
הָרִאשׁוֹן בְּיִסַּד הַזֶּה לְעֵינֵיהֶם בָּכוּ בְקוֹל גָּדוֹל וְרַבִּים בַּתְּרוּעָה בְּשִׂמְחָה לְהָרִים
קוֹל. ١٣ וְלֹא יָכְלוּ הָעָם לְהָבִין תְּרוּעַת הַשִּׂמְחָה בְּקוֹל הָעָם בְּקוֹל הַבֶּכִי כִּי הָעָם
מַרְעִים תְּרוּעָה גְדוֹלָה וְהַקּוֹל נִשְׁמַע עַד לָרָחוֹק. ١٤ וַיְהִי בְּשָׁמְעָם אֶת קוֹל
הַתְּרוּעָה הַזֹּאת וַיִּשְׁמְעוּ בְּנֵי הַגּוֹלָה כִּי בָנִים הַהֵיכָל לַיהוָה אֱלֹהֵי יִשְׂרָאֵל.
١٥ וַיִּקְרְבוּ אֶל זְרֻבָּבֶל וְאֶל רָאשֵׁי הָאָבוֹת לְבֵית אֲבוֹתָם הַזְּקֵנִים אֲשֶׁר רָאוּ אֶת
הַבַּיִת הָרִאשׁוֹן בְּיִסַּד הַזֶּה לְעֵינֵיהֶם וַיֹּאמְרוּ אֲלֵיהֶם בְּקוֹל גָּדוֹל וּבְקוֹל רָם
וְהָעָם מַרְנִנִים בְּקוֹל גָּדוֹל עַד לָרָחוֹק.

תהלת לאחר הקרבת העומר

תהלים ١٤:١-١١; דברים ٢٢:٣-٦

---

[b] ٢٦:١١ ישעיה ٥٨ ١١:١٥

ויאמרו אל כל קהל העם לאמר׃ [16c] משפט מות לאיש הזה כי בשם יהוה אלהינו דבר אלינו׃

משפט הנביא מן האדמה

מיכה ג׳:ט-יב; ישעיה כ״ב:ז-יד; ירמיהו כ״ו:כ-כג

[17] ויקמו אנשים מזקני הארץ ויאמרו אל כל קהל העם לאמר׃ [18] מיכיה המורשתי היה נבא בימי חזקיה מלך יהודה ויאמר אל כל עם יהודה לאמר כה אמר יהוה צבאות ציון שדה תחרש וירושלם עיים תהיה והר הבית לבמות יער׃ [19] החמיתו אתו חזקיה מלך יהודה וכל יהודה ההמת המית את יהוה ויחל את פני יהוה וינחם יהוה על הרעה אשר דבר עליהם ואנחנו עשים רעה גדולה אל נפשותינו׃ [20] וגם איש היה מתנבא בשם יהוה אוריה בן שמעיהו מקרית יערים ויתנבא על העיר ועל הארץ ככל דברי ירמיהו׃ [21] וישמע יהויקים המלך כל גבוריו וכל השרים את דבריו ויבקש המלך להמיתו וישמע אוריה וייראו וברח ויבא מצרימה׃ [22] וישלח יהויקים המלך אנשים מצרימה את אלנתן בן עכבור ואנשים אתו מצרימה׃ [23] ויוציאו את אוריה ממצרים ויביאו אתו אל יהויקים המלך ויכהו בחרב וישלך את נבלתו אל קברי בני העם׃ [24d] רק יד אחיקם בן שפן היתה את ירמיהו לבלתי תת אתו ביד העם להמיתו׃

[16c] כו:טז, כא; יב:יא [17] כו:יח [18] כב:כב; מיכה ג:יב [19] כו:יט [20] כו:כ-כג [21] כו:כב [22] כו:כד [23] כו:כג [24d] כו:כד; מלכים ב כב:יד; ט:לז

خدا حضرت داؤد اور مسیح

زبور ۱۱۰:۱؛ اعمال ۲:۳۴-۳۵؛ ۱ کرنتھیوں ۱۵:۲۵-۲۷؛ عبرانیوں ۱:۱۳-۱۴؛ ۱۰:۱۲-۱۳

۲۶ جب وہ کھا رہے تھے تو یسوع نے روٹی لی اور برکت دے کر توڑی۔ پھر
اُس نے روٹی شاگردوں کو دے کر کہا، ”لو، کھاؤ۔ یہ میرا جسم ہے۔“
۲۷ پھر اُس نے پیالہ لے کر شکر ادا کیا اور اُنہیں دے کر کہا: ”سب اِس
میں سے پیو، ۲۸ کیونکہ یہ میرا خون ہے جو عہد کو قائم کرتا ہے۔ یہ
خون بہت سوں کے گناہوں کی معافی کے لئے بہایا جائے گا۔ ۲۹ میں
تم سے کہتا ہوں کہ اب سے انگور کا رس کبھی نہیں پیوں گا جب تک
اُس دن نہ پیوں جب میں اپنے باپ کی بادشاہی میں تمہارے ساتھ نیا
رس پیوں۔“

پطرس کا یسوع کا انکار کرنے کی پیشگوئی

زکریاہ ۱۳:۷؛ متی ۲۶:۳۱f

۳۰ پھر وہ زیتون کے پہاڑ پر گئے۔ ۳۱ یسوع نے اُن سے کہا، ”اِسی رات
تم سب میرا ساتھ چھوڑ دو گے۔ کیونکہ لکھا ہے، ’میں چرواہے کو
ماروں گا اور بھیڑ کے گلے کی بھیڑیں بکھر جائیں گی۔‘ ۳۲ لیکن
میرے جی اُٹھنے کے بعد میں تم سے پہلے گلیل جاؤں گا۔“ ۳۳ پطرس نے
اُس سے کہا، ”اگر سب ٹھوکر کھائیں تو بھی میں ہرگز ٹھوکر نہ کھاؤں
گا۔“ ۳۴ یسوع نے اُس سے کہا، ”میں تجھ سے سچ کہتا ہوں کہ آج
اِسی رات مرغ کے دو بار بولنے سے پہلے تُو تین بار میرا انکار کرے گا۔“
۳۵ پطرس نے اُس سے کہا، ”اگر میرا تیرے ساتھ مرنا بھی ہو تو بھی میں
تیرا انکار ہرگز نہ کروں گا۔“ سب شاگردوں نے بھی یہی کہا۔

---

e ۲۶:۲۸ زبور ۱۱۰:۱ f ۳۱:۳۱-۳۴ ۲۶:۳۱ زکریاہ ۱۳:۷

یسوع نے جواب دیا: "کیا تم نے کبھی نہیں پڑھا کہ جس پتھر کو معماروں نے رد کیا
وہی کونے کا سرا بن گیا۔

گتسمنی کا باغ

مرقس ۱۴:۳۲-۴۲؛ لوقا ۲۲:۳۹-۴۶

[۳۶] پھر یسوع اپنے شاگردوں کے ساتھ جتسمنی نامی جگہ میں آیا اور ان سے کہا:
"یہیں بیٹھے رہو جب تک میں وہاں جا کر دعا کروں۔" [۳۷] پطرس اور زبدی کے دونوں
بیٹوں کو اپنے ساتھ لے گیا۔ وہ بہت غمگین اور بیقرار ہونے لگا۔ [۳۸] یسوع نے
ان سے کہا: "میرا دل موت جیسا غمگین ہے۔ یہیں ٹھہرو اور میرے ساتھ جاگتے
رہو۔" [۳۹] وہ تھوڑا آگے گیا اور منہ کے بل گر کر دعا کرنے لگا: "اے میرے
باپ، اگر ممکن ہو تو یہ پیالہ مجھ سے ٹل جائے۔ تاہم میری نہیں بلکہ تیری
مرضی پوری ہو۔" [۴۰] پھر وہ شاگردوں کے پاس واپس آیا اور انہیں سوتے ہوئے
پایا۔ اس نے پطرس سے کہا: "کیا تم ایک گھنٹہ بھی میرے ساتھ جاگتے نہیں رہ
سکتے؟ [۴۱] جاگتے رہو اور دعا کرتے رہو تاکہ تم آزمائش میں نہ پڑو۔ روح تو
آمادہ ہے لیکن جسم کمزور ہے۔" [۴۲] وہ دوسری بار گیا اور دعا کرنے لگا:
"اے میرے باپ، اگر ممکن نہیں کہ یہ پیالہ مجھ سے ٹل جائے اور مجھے اسے پینا
ہی ہے تو تیری مرضی پوری ہو۔" [۴۳] وہ واپس آیا تو انہیں پھر سوتے ہوئے پایا
کیونکہ ان کی آنکھیں نیند سے بوجھل ہو رہی تھیں۔ [۴۴] اس لئے وہ انہیں چھوڑ
کر پھر گیا اور تیسری بار جا کر وہی بات کہتے ہوئے دعا کرنے لگا۔ [۴۵] پھر وہ
شاگردوں کے پاس آ کر ان سے کہنے لگا: "اب سوتے اور آرام کرتے رہو۔ دیکھو
وقت آ گیا ہے کہ ابنِ آدم گناہگاروں کے ہاتھ میں پکڑوایا جائے۔ [۴۶] اٹھو،
چلیں۔ دیکھو میرا پکڑوانے والا نزدیک آ گیا ہے۔"

ـمتمت لاصجيه لاسقه

مخصص ١٤:٤٣-٥٠؛ لمم ٢٢:٤٧-٥٣؛ ـمسم ١٨:٣-١٢

٤٧ جِ بتمتلِهُ خهجيهُ مِ بِ بِ، بِهُ بِ بِهُ، هُ بِ بِهُ بِ بِ بِ

متى تأتي الساعة التي فيها يقوم الموتى

مزمور ١٤:٥٣-٦٥؛ أيوب ٢٢:٥٤-٥٥، ٦٣-٧١؛ مرثاة ١٨:١٣-١٤، ١٩-٢٤

٥٧ وأنت تجتمع أنت وكل الذين معك عند النهر، وتشربون من الماء الذي
٥٨ تشربه. وأنا أيضًا أشرب معكم. وسوف تبحثون عني ولا تجدونني. حيث
أكون أنا لا يمكنكم أن تأتوا. ٥٩ وكما قلت لليهود الآن أقول لكم أيضًا.
٦٠ وأنا أعطيكم وصية جديدة أن تحبوا بعضكم بعضًا. كما أحببتكم أنا
يجب عليكم أن تحبوا بعضكم بعضًا. ٦١ إن كان لكم حب بعضكم لبعض
فسيعرف الجميع أنكم تلاميذي.»

٦٢ فقال له سمعان بطرس: «يا سيد، إلى أين تذهب؟» أجابه يسوع: «حيث
أذهب لا يمكنك أن تتبعني الآن، ولكنك ستتبعني فيما بعد.» ٦٣ فقال له
بطرس: «يا سيد، لماذا لا أستطيع أن أتبعك الآن؟ إني مستعد أن أبذل
حياتي من أجلك.» ٦٤ فأجابه يسوع: «أتبذل حياتك من أجلي؟ الحق الحق
أقول لك إن الديك لن يصيح حتى تكون قد أنكرتني ثلاث مرات.

---

g ٢٦:٦٤ متى ١٣:٧

ויאמר אליו אלישע לך רחץ שבע פעמים בירדן ושוב בשרך
וטהר׃ [68h] ויאמר נעמן הלוא טוב אמרתי אלי יצא יצוא ועמד
ויקרא בשם יהוה אלהיו והניף ידו אל המקום ורפא המצרע׃

מעשה הנביאים עם המלכים

הפטרת פרשת וישלח

עובדיה א:א-כא; ישעיה יז:א-יד; ישעיה כא:יא-יז; ישעיה יח:א-ז; ישעיה כא:א-י

[69] ויהי מלאכי ישו ויגד לו את כל הדברים האלה ויקרא אליו
ויאמר אליו [70] ועתה קום רד לקראת האיש והגדת לו כה אמר
יהוה הנשאתה ורצחת וגם ירשת אמר יהוה ובמקום אשר לקקו
הכלבים את דם נבות יקקו הכלבים את דמך גם אתך׃ [71] ויאמר
אחאב אל אליהו המצאתני אויבי ויאמר מצאתי יען התמכרך
לעשות הרע בעיני יהוה׃ [72] הנני מביא עליך רעה ובערתי
אחריך והכרתי לאחאב משתין בקיר ועצור ועזוב בישראל׃
[73] וגם אל איזבל דבר יהוה לאמר הכלבים יאכלו את איזבל
בחל יזרעאל׃ [74] המת לאחאב בעיר יאכלו הכלבים והמת
בשדה יאכלו עוף השמים׃ [75] רק לא היה כאחאב אשר התמכר
לעשות הרע בעיני יהוה אשר הסיתתו איזבל אשתו׃ [76] ויתעב
מאד ללכת אחרי הגלולים ככל אשר עשו האמרי אשר הוריש
יהוה את בני ישראל׃ [77] ויהי כי שמע אחאב את הדברים
האלה ויקרע בגדיו וישם שק על בשרו ויצם ושכב בשק והלך
אט׃ [78] ויהי דבר יהוה אל אליהו התשבי לאמר׃ [79] הראית
כי נכנע אחאב מפני על כי נכנע מפני לא אביא הרעה בימיו
בימי בנו אביא הרעה על ביתו׃

מעשה הנביא עם אחאב

הפטרת פרשת וישלח

מלכים א כב:א-לה; דברי הימים ב יח:א-כז; מלכים א כב:כט-לה

כב [1] וישבו שלש שנים אין מלחמה בין ארם לבין ישראל׃
[2] ויהי בשנה השלישית וירד יהושפט מלך יהודה אל מלך

[68h] מלכים ב ה:יד; בראשית כו:כו

مثل کے معنی کا خلاصہ دیا جاتا ہے

متی ۱۳:۱۸-۱۹

۱۳ پھر جب وہ اپنے شاگردوں کے پاس واپس آیا تو دیکھا کہ بہت سے لوگ جمع ہیں، اور علمِ دین کے اُستاد اُن سے بحث کر رہے ہیں۔ ۱۴ جونہی لوگوں نے یسوع کو دیکھا تو حیران ہو گئے اور دوڑ کر اُس کا استقبال کیا۔ ۱۵ اُس نے اُن سے پوچھا: "تم اُن سے کس بات پر بحث کر رہے ہو؟" ۱۶ بھیڑ میں سے ایک شخص نے جواب دیا: "اُستاد، میں اپنے بیٹے کو آپ کے پاس لایا ہوں کیونکہ اُس پر ایک گونگی روح کا قبضہ ہے۔ ۱۷ جب بھی یہ روح اُس پر حملہ کرتی ہے تو اُسے زمین پر پٹخ دیتی ہے۔ وہ منہ سے جھاگ نکالتا، دانت پیستا اور اکڑ جاتا ہے۔ میں نے آپ کے شاگردوں سے درخواست کی کہ وہ اُسے نکالیں، لیکن وہ ایسا نہ کر سکے۔" ۱۸ یسوع نے جواب دیا: "اے بے ایمان نسل! میں کب تک تمہارے ساتھ رہوں گا؟ کب تک تمہیں برداشت کرتا رہوں گا؟ اُسے میرے پاس لاؤ۔" ۱۹ چنانچہ لوگ لڑکے کو یسوع کے پاس لے آئے۔ جونہی روح نے یسوع کو دیکھا تو لڑکے کو زور سے جھٹکا دیا۔ لڑکا زمین پر گر پڑا اور منہ سے جھاگ نکالتا ہوا تڑپنے لگا۔ ۲۰ یسوع نے اُس کے باپ سے پوچھا: "اِسے کب سے ایسا ہو رہا ہے؟" باپ نے جواب دیا: "بچپن سے۔ ۲۱ کئی بار اِس روح نے اُسے مارنے کے لئے آگ یا پانی میں پھینکا ہے۔ اگر آپ کچھ کر سکتے ہیں تو ہم پر رحم کھا کر ہماری مدد کریں۔" ۲۲ یسوع نے کہا: "اگر آپ کر سکتے ہیں! جو ایمان رکھتا ہے اُس کے لئے سب کچھ ممکن ہے۔" ۲۳ اِس پر لڑکے کے باپ نے فوراً پکار کر کہا: "میں ایمان رکھتا ہوں۔ میرے ایمان کی کمزوری پر قابو پانے میں میری مدد کریں۔"

یسوع کا دوبارہ اپنی موت کا ذکر کرنا

متی ۱۷:۲۲-۲۳؛ لوقا ۱۴:۹-۱۵؛ متی ۱۷:۲۰-۱۹

۲۴ جب یسوع اور اُس کے شاگرد گلیل سے گزر رہے تھے تو یسوع نہیں چاہتا تھا کہ کسی کو پتا چلے کہ وہ کہاں ہے۔ ۲۵ اُس نے اپنے شاگردوں کو تعلیم دینے کے لئے کہا: "ابنِ‌آدم کو انسانوں کے حوالے کیا جائے گا، اور وہ اُسے مار ڈالیں گے۔ لیکن تین دن کے بعد وہ جی اُٹھے گا۔" ۲۶ شاگرد یہ بات سمجھ نہ سکے، لیکن اُنہیں یسوع سے پوچھنے کا ڈر تھا۔

کون سب سے بڑا ہے؟

متی ۱:۱۸-۵؛ لوقا ۴۶:۹-۴۸

۳۳ یسوع اور اُس کے شاگرد کفرنحوم پہنچے۔ جب وہ گھر میں تھے تو یسوع نے اُن سے پوچھا: "راستے میں تم کس بات پر بحث کر رہے تھے؟" ۳۴ لیکن وہ خاموش رہے، کیونکہ راستے میں وہ آپس میں بحث کر رہے تھے کہ ہم میں سب سے بڑا کون ہے۔ ۳۵ یسوع بیٹھ گیا اور بارہ شاگردوں کو اپنے پاس بلا کر کہا: "اگر کوئی پہلا ہونا چاہتا ہے تو اُسے سب سے آخر میں اور سب کا خادم بننا ہوگا۔" ۳۶ پھر اُس نے ایک بچے کو لیا اور اُسے اُن کے درمیان کھڑا کر کے اُسے گلے لگایا۔ ۳۷ اُس نے کہا: "جو کوئی میرے نام پر اِن بچوں میں سے کسی کو قبول کرتا ہے وہ مجھے قبول کرتا ہے، اور جو کوئی مجھے قبول کرتا ہے وہ نہ صرف مجھے بلکہ اُسے بھی قبول کرتا ہے جس نے مجھے بھیجا ہے۔"

---

[i] ۱۰:۲۷ اعمال ۱۱:۱۲-۱۳؛ زکریاہ ۱۹:۱-۱۳؛ ۳۲:۶-۹

וַיִּקְרַע אֹתָם לִשְׁנַיִם קְרָעִים. 13 וַיָּרֶם אֶת־אַדֶּרֶת אֵלִיָּהוּ אֲשֶׁר נָפְלָה מֵעָלָיו וַיָּשָׁב
וַיַּעֲמֹד עַל־שְׂפַת הַיַּרְדֵּן. 14 וַיִּקַּח אֶת־אַדֶּרֶת אֵלִיָּהוּ אֲשֶׁר נָפְלָה מֵעָלָיו וַיַּךְ אֶת־הַמַּיִם
וַיֹּאמַר אַיֵּה יְהוָה אֱלֹהֵי אֵלִיָּהוּ גַּם־הוּא אָז וַיַּךְ אֶת־הַמַּיִם וַיֵּחָצוּ הֵנָּה וָהֵנָּה וַיַּעֲבֹר
יְהוֹשָׁפָט.

הלל בן מאה

מזמור יח:ו-טו; דברי הימים ב כג:יג-כה; משלי יח:יט-לא; יז:יט-כו

15 וַיִּרְאוּ אֹתוֹ בְּנֵי־הַנְּבִיאִים אֲשֶׁר מִנֶּגֶד יְרֵחוֹ לְעֻמָּתָם וַיֹּאמְרוּ נָחָה רוּחַ אֵלִיָּהוּ עַל־
אֱלִישָׁע וַיָּבֹאוּ לִקְרָאתוֹ וַיִּשְׁתַּחֲווּ־לוֹ אָרְצָה. 16 וַיֹּאמְרוּ אֵלָיו הִנֵּה נָא יֵשׁ עִם־עֲבָדֶיךָ
חֲמִשִּׁים אַנְשֵׁי חַיִל יֵלְכוּ נָא וִיבַקְשׁוּ אֶת־אֲדֹנֶיךָ פֶּן־נְשָׂאוֹ רוּחַ יְהוָה וְהִשְׁלִכוֹ אֹתוֹ אֶל־
אַחַד הֶהָרִים וְאֶל־אַחַת הַגֵּאָיוֹת וַיֹּאמֶר לֹא תִשְׁלָחוּ. 17 וַיִּפְצְרוּ־בוֹ עַד־בּוֹשׁ וַיֹּאמֶר שִׁלְחוּ
וַיִּשְׁלְחוּ חֲמִשִּׁים אִישׁ וַיְבַקְשׁוּ שְׁלֹשֶׁת יָמִים וְלֹא מְצָאֻהוּ. 18 וַיָּשֻׁבוּ אֵלָיו וְהוּא יֹשֵׁב בִּירֵחוֹ
וַיֹּאמֶר אֲלֵהֶם הֲלֹא אָמַרְתִּי אֲלֵכֶם לֹא תֵלֵכוּ.

19 וַאֲנְשֵׁי הָעִיר אָמְרוּ אֶל־אֱלִישָׁע הִנֵּה נָא מוֹשַׁב הָעִיר טוֹב כַּאֲשֶׁר אֲדֹנִי רֹאֶה וְהַמַּיִם
רָעִים וְהָאָרֶץ מְשַׁכָּלֶת. 20 וַיֹּאמֶר קְחוּ־לִי צְלֹחִית חָדָשָׁה וְשִׂימוּ־שָׁם מֶלַח וַיִּקְחוּ אֵלָיו.
21 וַיֵּצֵא אֶל־מוֹצָא הַמַּיִם וַיַּשְׁלֵךְ־שָׁם מֶלַח וַיֹּאמֶר כֹּה אָמַר יְהוָה רִפֵּאתִי לַמַּיִם הָאֵלֶּה לֹא־
יִהְיֶה מִשָּׁם עוֹד מָוֶת וּמְשַׁכָּלֶת. 22 וַיֵּרָפְאוּ הַמַּיִם עַד הַיּוֹם הַזֶּה כִּדְבַר אֱלִישָׁע אֲשֶׁר דִּבֵּר.

23 וַיַּעַל מִשָּׁם בֵּית־אֵל וְהוּא עֹלֶה בַדֶּרֶךְ וּנְעָרִים קְטַנִּים יָצְאוּ מִן־הָעִיר וַיִּתְקַלְּסוּ־בוֹ
וַיֹּאמְרוּ לוֹ עֲלֵה קָרֵחַ עֲלֵה קָרֵחַ. 24 וַיִּפֶן אַחֲרָיו וַיִּרְאֵם וַיְקַלְלֵם בְּשֵׁם יְהוָה וַתֵּצֶאנָה שְׁתַּיִם
דֻּבִּים מִן־הַיַּעַר וַתְּבַקַּעְנָה מֵהֶם אַרְבָּעִים וּשְׁנֵי יְלָדִים.

[٢٥] "הם חילקו ביניהם את בגדיי בגורל." [j] [٢٦] ואז ישבו שם וישמרו עליו. [٢٧] מעל לראשו תלו את הכתב שבו נרשמה אשמתו: "זה ישוע, מלך היהודים". [٢٨] אתו נצלבו שני פושעים, אחד מימין ואחד משמאל. [٢٩] העוברים והשבים לעגו לו, הניעו בראשם [٣٠] ואמרו: "אתה שהרסת את המקדש ובנית אותו מחדש בתוך שלושה ימים, עזור לעצמך! אם אתה בן האלוהים, רד מהצלב!" [٣١] כך גם לעגו לו הכוהנים הראשיים יחד עם המורים לתורה והזקנים, ואמרו: [٣٢] "הוא הציל אחרים, אבל את עצמו אינו יכול להציל! הוא מלך ישראל, שירד עכשיו מהצלב ונאמין בו! [٣٣] הוא בטח בה', שיציל אותו עכשיו אם הוא חפץ בו, כי הוא אמר: 'אני בן האלוהים'". [٣٤] גם הפושעים שנצלבו איתו חירפו אותו. [٣٥] [k] בשעה שתים עשרה בצהריים ירד חושך על כל הארץ, ונמשך עד שעה שלוש אחר הצהריים. [٣٦] בשעה שלוש בערך זעק ישוע בקול גדול: "אלי, אלי, למה עזבת אותי?" [l] [٣٧] כשהבינו חלק מהעומדים שם את דבריו, אמרו: "הוא קורא לאליהו!" [٣٨] מיד רץ אחד מהם, לקח ספוג, הרטיב אותו בחומץ, שם אותו על קנה והשקה את ישוע. [٣٩] אחרים אמרו: "חכו, נראה אם אליהו יבוא להוריד אותו מהצלב!" [٤٠] ישוע זעק שוב בקול גדול ונפח את נשמתו.

[٥١] ואז נקרע הפרוכת שבמקדש לשניים, מלמעלה עד למטה. האדמה רעדה, הסלעים נבקעו, [٥٢] הקברים נפתחו, וגופות של קדושים רבים שמתו קמו לתחייה. [٥٣] הם יצאו מהקברים אחרי תחיית ישוע, נכנסו לירושלים והופיעו לרבים. [٥٤] כשראו המפקד הרומי והחיילים שעמדו על משמר ליד ישוע את הרעידת אדמה ואת כל מה שקרה, נבהלו מאוד ואמרו: "באמת היה זה בן האלוהים!" [٥٥] גם נשים רבות שהיו שם ועקבו אחרי ישוע מהגליל ושירתו אותו, עמדו מרחוק וצפו בכל מה שקרה. [٥٦] בין הנשים היו מרים מגדלית, מרים אם יעקב ויוסי, ואם בניו של זבדי.

---

[j] ٢٧:٣٤ תהלים ٢١:٦٩

[36k] وقال يا ابا الآب كل شيء مستطاع لك فاجز عني هذه الكأس. بل لا ما اريد انا بل ما تريد انت.» [37] ثم جاء فوجدهم نياما فقال لبطرس: «يا سمعان أنائم انت. أما قدرت ان تسهر ساعة واحدة؟ [38] اسهروا وصلوا لئلا تدخلوا في تجربة. اما الروح فنشيط واما الجسد فضعيف.» [39] ومضى ايضا وصلى قائلا القول عينه. [40] ثم رجع فوجدهم ايضا نياما لان اعينهم كانت قد ثقلت. ولم يعلموا ماذا يجيبونه. [41] ثم جاء ثالثة وقال لهم: «ناموا الآن واستريحوا. كفى. قد اتت الساعة. ها ابن البشر يسلم الى ايدي الخطاة. [42] قوموا نمضي. هوذا الذي يسلمني قد اقترب.»

القبض على يسوع

متى ٢٦:٤٧-٥٦؛ لوقا ٢٢:٤٧-٥٣؛ يوحنا ١٨:٣-١١

[43] وللوقت فيما هو يتكلم اقبل يهوذا احد الاثني عشر ومعه جمع كثير بسيوف وعصي من عند رؤساء الكهنة والكتبة والشيوخ. [44] وقد اعطى مسلمه علامة قائلا: «الذي اقبله هو هو. امسكوه وامضوا به بحرص.» [45] فلما جاء للوقت تقدم اليه وقال: «يا سيدي يا سيدي.» وقبله. [46] فالقوا عليه ايديهم وامسكوه. [47] فاستل واحد من القيام حاضرين سيفه وضرب عبد رئيس الكهنة فقطع اذنه. [48] فاجاب يسوع وقال لهم: «كأنه على لص خرجتم بسيوف وعصي لتأخذوني. [49] كنت معكم كل يوم اعلم في الهيكل وما امسكتموني. لكن لتكمل الكتب.» [50] فتركه الجميع وهربوا.

---

[k] ١٤:٣٦ مرقس ١٠:٣٨ [l] ١٤:٤١ مرقس ١٠:٤٥

[m] ١٤:٤٣ مرقس ١١:١ [n] ١٤:٤٦ مرقس ١١:٧

لِأَنَّهُ كَانَ يَعْلَمُ. [٤٩٥] وَأَخَذَ يُوسُفُ الْجَسَدَ: "وَهُوَ بِنَفْسِهِ مُسَلَّمٌ إِلَى يَدَيْ
الْمَوْتِ الْمُرْعِبِ." [٥٠] وَبَعْدَ مَا كَفَّنَهُ فِي سِتْرٍ نَقِيٍّ وَضَعَهُ فِي قَبْرِهِ
الْجَدِيدِ.

[٥١] حِينَ جَاءَ الْمَسِيحُ إِلَى الْعَالَمِ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَكَانٌ يَسْتَرِيحُ فِيهِ، بَلْ
كَانَ يَتَنَقَّلُ مِنْ مَكَانٍ إِلَى آخَرَ. [٥٢ب] وَعِنْدَمَا مَاتَ عَلَى الصَّلِيبِ، وَبَعْدَ
أَنْ طَعَنَهُ الْجُنُودُ بِالرُّمْحِ، خَرَجَ مِنْ جَنْبِهِ دَمٌ وَمَاءٌ. [٥٣] وَلَمْ يَكُنْ
أَحَدٌ مِنَ الْجُنُودِ يَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الدَّمَ وَالْمَاءَ يَرْمُزَانِ إِلَى الْمَعْمُودِيَّةِ
وَالْعَشَاءِ الرَّبَّانِيِّ. [٥٤] وَلَمْ يَكُنْ أَحَدٌ يَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الدَّمَ وَالْمَاءَ
يَرْمُزَانِ إِلَى الْخَلَاصِ وَالْحَيَاةِ الْأَبَدِيَّةِ. [٥٥] وَلَمْ يَكُنْ أَحَدٌ يَعْلَمُ أَنَّ
هَذَا الدَّمَ وَالْمَاءَ يَرْمُزَانِ إِلَى الْمَسِيحِ: "هَذَا هُوَ حَمَلُ اللهِ الَّذِي
يَرْفَعُ خَطِيَّةَ الْعَالَمِ." [٥٦] وَلَمْ يَكُنْ أَحَدٌ يَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الدَّمَ وَالْمَاءَ
يَرْمُزَانِ إِلَى الْمَسِيحِ: "هَذَا هُوَ الْحَمَلُ الَّذِي يُعْطِي حَيَاتَهُ فِدْيَةً عَنْ
كَثِيرِينَ." [٥٧] وَلَمْ يَكُنْ أَحَدٌ يَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الدَّمَ وَالْمَاءَ يَرْمُزَانِ إِلَى
الْمَسِيحِ: "هَذَا هُوَ الْحَمَلُ الَّذِي يَحْمِلُ خَطَايَا الْعَالَمِ عَلَى الصَّلِيبِ."

الدفن

متى ٢٧:٥٧-٦٠؛ لوقا ٢٣:٥٠-٥٦؛ مرقس ١٥:٤٢-٤٧؛ يوحنا ١٩:٣٨-٤٢

[٥٧] وَبَعْدَ أَنْ مَاتَ يَسُوعُ، وَقَبْلَ أَنْ يَأْتِيَ السَّبْتُ الَّذِي لَمْ يَكُنْ يَسْمَحُ
لِأَحَدٍ بِالْعَمَلِ فِيهِ، كَانَ هُنَاكَ رَجُلٌ غَنِيٌّ اسْمُهُ يُوسُفُ الرَّامِيُّ. [٥٨] وَكَانَ
يُوسُفُ الرَّامِيُّ مِنْ أَتْبَاعِ يَسُوعَ، وَلَكِنَّهُ كَانَ يَخْفِي ذَلِكَ خَوْفًا مِنَ
الْيَهُودِ. [٥٩] وَكَانَ يُوسُفُ الرَّامِيُّ عُضْوًا فِي الْمَجْلِسِ الْيَهُودِيِّ
الْأَعْلَى. [٦٠] وَكَانَ يُوسُفُ الرَّامِيُّ رَجُلًا صَالِحًا وَبَارًّا، وَلَمْ يَكُنْ
مُوَافِقًا عَلَى قَرَارِ الْمَجْلِسِ وَلَا عَلَى عَمَلِهِ.

---

[٤٩٥] ٢٧:٤٨ متى ١٢:٦٩ [٥٠] ٢٧:٥١ لوقا ٢٣:٣١-٣٣

وَسَمِعَ هِيرُودُسُ الْمَلِكُ بِذٰلِكَ، لِأَنَّ اسْمَهُ قَدْ صَارَ مَشْهُورًا. وَقَالَ: «إِنَّ يُوحَنَّا الْمَعْمَدَانَ قَدْ قَامَ مِنَ الْأَمْوَاتِ، وَلِذٰلِكَ تَعْمَلُ بِهِ هٰذِهِ الْقُوَّاتُ». ١٥ وَآخَرُونَ قَالُوا: «إِنَّهُ إِيلِيَّا». وَآخَرُونَ قَالُوا: «إِنَّهُ نَبِيٌّ كَوَاحِدٍ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ». ١٦ وَلٰكِنَّ هِيرُودُسَ لَمَّا سَمِعَ قَالَ: «إِنَّ يُوحَنَّا الَّذِي قَطَعْتُ أَنَا رَأْسَهُ قَدْ قَامَ!». ١٧ لِأَنَّ هِيرُودُسَ نَفْسَهُ كَانَ قَدْ أَرْسَلَ وَأَمْسَكَ يُوحَنَّا وَأَوْثَقَهُ فِي السِّجْنِ بِسَبَبِ هِيرُودِيَّا امْرَأَةِ فِيلُبُّسَ أَخِيهِ، لِأَنَّهُ تَزَوَّجَهَا. ١٨ لِأَنَّ يُوحَنَّا كَانَ قَدْ قَالَ لِهِيرُودُسَ: «لَا يَحِلُّ لَكَ أَنْ تَأْخُذَ امْرَأَةَ أَخِيكَ». ١٩ فَكَانَتْ هِيرُودِيَّا تُقَاوِمُهُ وَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَهُ، وَلَمْ تَقْدِرْ. ٢٠ لِأَنَّ هِيرُودُسَ كَانَ يَهَابُ يُوحَنَّا، عَالِمًا أَنَّهُ رَجُلٌ بَارٌّ وَقِدِّيسٌ، وَكَانَ يَحْفَظُهُ. وَإِذَا سَمِعَهُ فَعَلَ كَثِيرًا، وَسَمِعَهُ بِسُرُورٍ.

مقتل يوحنا المعمدان

متى ١٤:١-١٢؛ لوقا ٩:٧-٩

٢٨ ١ وَفِي ذٰلِكَ الْوَقْتِ، إِذْ سَمِعَ رَئِيسُ الرُّبُعِ يَسُوعَ، ٢ قَالَ لِغِلْمَانِهِ: «هٰذَا هُوَ يُوحَنَّا الْمَعْمَدَانُ. هُوَ قَدْ قَامَ مِنَ الْأَمْوَاتِ، وَلِذٰلِكَ تَعْمَلُ بِهِ قُوَّاتٌ». ٣ لِأَنَّ هِيرُودُسَ نَفْسَهُ كَانَ قَدْ أَمْسَكَ يُوحَنَّا وَأَوْثَقَهُ وَوَضَعَهُ فِي السِّجْنِ بِسَبَبِ هِيرُودِيَّا امْرَأَةِ فِيلُبُّسَ أَخِيهِ، لِأَنَّهُ تَزَوَّجَهَا. ٤ لِأَنَّ يُوحَنَّا كَانَ قَدْ قَالَ لَهُ: «لَا يَحِلُّ لَكَ أَنْ تَأْخُذَهَا». ٥ وَإِذْ أَرَادَ أَنْ يَقْتُلَهُ خَافَ الشَّعْبَ، لِأَنَّهُمْ كَانُوا يَحْسِبُونَهُ نَبِيًّا. ٦ وَلٰكِنْ لَمَّا كَانَ مِيلَادُ هِيرُودُسَ عُمِلَ رَقْصٌ فِي الْوَسْطِ، فَرَقَصَتِ ابْنَةُ هِيرُودِيَّا وَسَرَّتْ هِيرُودُسَ، ٧ فَوَعَدَ بِقَسَمٍ أَنْ يُعْطِيَهَا مَهْمَا سَأَلَتْ. ٨ فَهِيَ إِذْ

وأخبروا يسوع بكل ما حدث. ١٤ فقال لهم: «تعالوا أنتم وحدكم إلى مكان خالٍ
وارتاحوا قليلًا». لأن كثيرين كانوا يأتون ويذهبون، ولم يكن لهم وقت حتى
لتناول الطعام. ١٥ فمضوا في السفينة إلى مكان خالٍ وحدهم. ١٦ لكن كثيرين
رأوهم وهم يذهبون، وعرفوا إلى أين كانوا ذاهبين، فجروا من جميع المدن
وسبقوهم إلى المكان. ١٧ فلما نزل يسوع من السفينة رأى جمعًا كبيرًا، فتحنن
عليهم لأنهم كانوا كخراف لا راعي لها، وابتدأ يعلمهم كثيرًا.

١٨ ولما صار المساء جاء تلاميذه إليه وقالوا: «المكان قفر، والوقت قد
فات، ١٩ فاصرفهم ليذهبوا إلى القرى المحيطة ويشتروا لأنفسهم طعامًا».
٢٠ فأجاب: «أعطوهم أنتم ليأكلوا». فقالوا له: «أنذهب ونشتري خبزًا بمئتي
دينار ونطعمهم؟» ٢١ فقال لهم: «كم رغيفًا عندكم؟ اذهبوا وانظروا». ولما
عرفوا قالوا: «خمسة أرغفة وسمكتان». ٢٢ فأمرهم أن يجلسوا جماعات
جماعات على العشب الأخضر. ٢٣ فجلسوا صفوفًا صفوفًا، مئة مئة وخمسين
خمسين. ٢٤ فأخذ الأرغفة الخمسة والسمكتين ونظر إلى السماء وبارك
وكسر الأرغفة وأعطى تلاميذه ليقدموا للجمع. وقسم السمكتين بين الجميع.
٢٥ فأكل الجميع وشبعوا، ورفعوا ما فضل عن الأرغفة والسمك اثنتي عشرة
قفة مملوءة. ٢٦ وكان الذين أكلوا الأرغفة خمسة آلاف رجل.

يسوع يمشي على الماء

متى ١٤:١٦-١٨؛ لوقا ٣٦:٢٤-٤٩؛ يوحنا ١٩:٢٠-٢٣؛ أعمال ١:٦-٨

٤٥ وللوقت ألزم تلاميذه أن يدخلوا السفينة ويسبقوه إلى العبر إلى بيت صيدا
بينما يصرف هو الجموع. ٤٦ ولما ودعهم مضى إلى الجبل ليصلي. ٤٧ ولما
صار المساء كانت السفينة في وسط البحر، وهو وحده على البر. ٤٨ فرآهم
يتعبون في التجديف لأن الريح كانت مضادة لهم، وقرب نحو الهزيع الرابع
من الليل جاء إليهم ماشيًا على البحر، وأراد أن يجتاز بهم. ٤٩ فلما رأوه
ماشيًا على البحر ظنوا أنه خيال فصرخوا، ٥٠ لأن الجميع رأوه واضطربوا.
فللوقت تكلم معهم وقال لهم: «ثقوا أنا هو لا تخافوا». ٥١ ثم صعد إليهم إلى
السفينة فسكنت الريح، وبهتوا في أنفسهم جدًا وتعجبوا، ٥٢ لأنهم لم يفهموا
بالأرغفة، إذ كانت قلوبهم غليظة.

فَاذْهَبُوا وَتَلْمِذُوا جَمِيعَ الأُمَمِ، وَعَمِّدُوهُمْ بِاسْمِ الآبِ وَالابْنِ وَالرُّوحِ الْقُدُسِ. [١٩] وَعَلِّمُوهُمْ أَنْ يَحْفَظُوا كُلَّ مَا أَوْصَيْتُكُمْ بِهِ. وَهَا أَنَا مَعَكُمْ كُلَّ الأَيَّامِ إِلَى انْقِضَاءِ الدَّهْرِ». [٢٠]

הוראות למשרתים

לנגינה במקהלה. מזמור לבני קורח.

תהלים ג:א-יב; ד:א-ט, טו-יז; ה:א-יב; יט:א-כט

I ישוע עזב את הבית ויצא ללכת. [1] תלמידיו באו אליו והראו לו את
מבני הבית. [2] אבל הוא אמר להם: "האם אינכם רואים את כל
אלה? אמן, אני אומר לכם: לא יישאר כאן אבן על אבן, כולם
יהרסו." [3]

[4] כשישב ישוע על הר הזיתים מול בית המקדש, ניגשו אליו
תלמידיו בסתר ושאלו: [5] "ספר לנו, מתי יקרה הדבר? ומה
יהיה האות לביאתך ולסוף העולם?" [6] ישוע ענה להם: "היזהרו
שלא יטעה אתכם אף אחד. [7] רבים יבואו בשמי ויאמרו: 'אני
המשיח!' ויטעו רבים. [8] תשמעו על מלחמות ועל שמועות
מלחמות, אך אל תיבהלו. כך חייב לקרות, אבל זה עדיין לא
הסוף. [9] אומות תקומנה זו על זו, ומלכויות על מלכויות.
במקומות שונים יהיו רעידות אדמה ורעב. אלה יהיו רק
התחלת הצרות.

---

[1] 9:1 מתי כג:1 [2] 3:1 לוקס כא:5 [3] 40:3 מרקוס יג:1 [4] 6:1 מתי כד:3 [5] 8:1 מתי כד:7

מתתיהו לא־ג מתחיל

מתי ג:יג-יז; לוק ג:כא-כב

[9] ויהי בימים ההם, ויבוא ישוע מנצרת הגליל, ויטבל בירדן מיוחנן. [10] ויעל
מיד מן המים, והנה השמים נפתחו לו, ויראה את רוח אלהים יורד כיונה ובא
עליו. [11] והנה קול מן השמים לאמר: "זה הוא בני אהובי אשר בו חפצתי."[t]

הפיתוי הראשון

מתי ד:א-יא; לוק ד:א-יג

[12] ואחרי כן עלה ישוע הגלילה ברוח אלהים. [13] ויבוא בכפר נחום אשר על
שפת הים בגבול זבולון ונפתלי, [14] למלאת את אשר נאמר ביד ישעיהו הנביא
לאמר:

ישוע מתחיל לשרת בגליל

מתי ד:יב-יז; לוק ד:יד-טו

[15] "ארץ זבולון וארץ נפתלי, דרך הים עבר הירדן, גליל הגוים,
[16] העם הישב בחשך ראה אור גדול, והיושבים בארץ צלמות אור זרח עליהם."

---

[t] ג:יא תהל ב:ז

נחמה ונצחון מבשרים לבני ישראל

ישעיה ٤٠:١-١١; ١٨:٤٢-٢٢; ٥٠:١-١١

١٦ כאשר שמעו כל הגויים שבסביבה כי נתן יהוה את ישראל
בידם, ונפלה עליהם אימה ופחד, ונמסו מפניהם כל יושבי
הארץ. ١٧ ויאמרו אלה אל אלה: "הנה אנחנו מתים כי
אין לנו חלק בישראל, ואין לנו אלוהים שיעזור לנו."
١٨ ויאמרו כל הגויים: "אין אלוהים לישראל, אין לו
עזר ואין לו מושיע." ١٩ ואז אמר יהוה אל ישראל:
"אל תירא ואל תחת, כי אני יהוה אלוהיך. ٢٠ אני
אתן לך את הארץ הזאת, ואתה תרשה לעמים רבים
לבוא אליך כי ישמחו לעבוד את יהוה אלוהיך, כי
הוא אלוהים חיים ואין אחר."

משמעות של נבואה שהתגשמה

מתי ٤:٣١-٣٧

٢١ ואז הלך ישוע אל הגליל שבצפון, אל העיר נצרת
שבה גדל. ٢٢ ומשם הלך אל העיר כפר נחום שבגליל
אל הים, שם גרו אנשי שבטי זבולון ונפתלי. ٢٣ ואז
התגשמה נבואתו של ישעיה הנביא. ٢٤ "כך אמר:
"ארץ זבולון וארץ נפתלי, הדרך אל הים ומעבר לנהר
הירדן, גליל העמים! ٢٥ העם היושב בחושך ראה אור
גדול, ועל היושבים בארץ הצלמוות זרח אור!"
٢٦ ומאז החל ישוע להטיף ולומר: "שובו אל אלוהים!
כי מלכות השמים קרובה!"

[27] ויהי כאשר ישב ישוע משם ויעבר על יד בית המכס וירא את לוי בן חלפי יושב שם בבית המכס ויאמר אליו: "לך אחרי!" ויקם לוי וילך אחריו. [28] ויהי בהיות ישוע בבית לוי וישבו שם לאכול ויבואו רבים מן המוכסים וחוטאים וישבו עם ישוע ועם תלמידיו כי רבים היו ההולכים אחריו.

ישוע ותענית

מתי ט:יד-יז; לוקס ה:לג-לט

[29] ויבואו אליו תלמידי יוחנן ותלמידי הפרושים וישאלו אותו: "מדוע תלמידיך אינם מתענים כמונו?" [30] ויען ישוע ויאמר אליהם: "האפשר לבני החתן להתענות בעוד החתן עמהם? [31] הלא ידוע כי הימים יבואו וייקח החתן מעליהם ואז יתענו. [32] אין איש תופר בגד חדש בבגד ישן כי הבגד החדש יקרע את הישן והקרע יגדל עוד יותר. [33] וכן אין איש נותן יין חדש בנאדות ישנות כי היין יבקע את הנאדות והיין ישפך והנאדות תאבדנה. [34] אך יין חדש נותנים בנאדות חדשות ושתי הנאדות תישמרנה."

ישוע ושבת

לוקס ו:א-ה

[35] ויהי ביום השבת וילך ישוע בשדות וילכו תלמידיו ויקטפו שבלים ויאכלו. [36] ויאמרו אליו הפרושים: "הנה תלמידיך עושים את אשר לא יעשה איש ביום השבת!" [37] ויען ישוע ויאמר אליהם: "הלא קראתם מה עשה דוד בהיותו ורעיו רעבים? [38] כיצד נכנס לבית האלוהים בימי אביתר הכוהן הגדול ויאכל את לחם הפנים אשר לא הותר לאכול אלא לכוהנים בלבד ויתן גם לרעיו?"

روح پاک تجھ پر اُترے گا اور تُو قدرت پائے گا۔ اِس لئے وہ بچہ
پیدا ہو گا جو پاک ہو گا اور خدا کا بیٹا کہلائے گا۔ [۳۶] دیکھ، تیری
رشتہ دار الیشبع بھی بڑھاپے میں حاملہ ہوئی ہے۔ لوگ جسے بانجھ
کہتے تھے اُس کے بھی چھ مہینے ہو چکے ہیں۔ [۳۷] کیونکہ خدا کے
لئے کوئی بات ناممکن نہیں ہے۔“ [۳۸] مریم نے کہا: ”مَیں خداوند کی
خادمہ ہوں۔ جیسا تُو نے کہا ویسا ہی میرے ساتھ ہو۔“ پھر فرشتہ
اُس کے پاس سے چلا گیا۔

مریم الیشبع سے ملتی ہے

لوقا ۱:۸-۴۰؛ ۱۲:۵-۱۶ پطرس

[۳۹] اُن دنوں میں مریم اُٹھ کر جلدی سے پہاڑی علاقہ میں یہوداہ کے
ایک شہر کو گئی۔ [۴۰] وہاں وہ زکریاہ کے گھر میں داخل ہوئی اور
الیشبع کو سلام کیا۔ [۴۱] جونہی الیشبع نے مریم کا سلام سُنا تو اُس
کے پیٹ میں بچہ اُچھلنے لگا اور الیشبع روح القدس سے معمور ہو
گئی۔ [۴۲] اُس نے اُونچی آواز سے کہا: ”تُو عورتوں میں مبارک ہے
اور تیرے پیٹ کا پھل بھی مبارک ہے۔ [۴۳] میرے لئے کیا ہی بڑی
بات ہے کہ میرے خداوند کی ماں میرے پاس آئی ہے! [۴۴] جونہی
تیرا سلام میرے کانوں میں پڑا تو میرے پیٹ میں بچہ خوشی سے
اُچھلنے لگا۔ [۴۵] مبارک ہے وہ جو ایمان لایا کہ خداوند کا کلام
اُس تک پہنچے گا۔“

زکریاہ کا گیت

لوقا ۱:۶۷-۸۰؛ ۱۷:۵-۲۶ پطرس

۲ [۱] اُن دنوں میں قیصر اگستس نے حکم دیا کہ تمام رومی
سلطنت میں مردم شماری کی جائے۔ [۲] یہ پہلی مردم شماری تھی
جو اُس وقت ہوئی جب کرینیس شام کا گورنر تھا۔ [۳] سب لوگ

---

[۴۵] ۱:۴۵ پیدائش ۱۴:۱-۳۲

הבית ונכנס שוב אל בית הכנסת, ושם היה איש שידו היתה
יבשה. ٢ והיו שם כמה אנשים שחיפשו עילה להאשים את
ישוע, ולכן עקבו אחריו בקפדנות כדי לראות אם ירפא את
האיש ביום השבת. ٣ ישוע אמר לאיש שידו היתה יבשה:
"קום ועמוד במרכז!" ٤ ואז שאל את האנשים: "מה מותר
לעשות ביום השבת – להציל חיים או להרוג?" אבל הם
שתקו. ٥ ישוע הביט בהם בכעס, והתאבל על עיוורון לבם,
ואמר לאיש: "הושט את ידך!" האיש הושיט את ידו, והיא
נרפאה. ٦ אז יצאו הפרושים ומיד התלכדו עם אנשי מפלגת
הורודיים נגד ישוע, כדי לחפש דרך להרוג אותו.

٧ ישוע עזב את המקום עם תלמידיו, והלך אל חוף הים.
הרבה אנשים מהגליל הלכו אחריו, וגם מיהודה, ٨ מירושלים,
מאדום, מעבר לנהר הירדן ומסביבות העיר צור וצידון.
כשהם שמעו על כל הדברים הנפלאים שעשה, הגיעו אליו
המוני אנשים. ٩ ישוע ביקש מתלמידיו שיכינו לו סירה קטנה,
כדי שלא יידחפו אליו ויפילו אותו למים. ١٠ הוא ריפא הרבה
אנשים, ולכן כל החולים רצו לגעת בו. ١١ כאשר רוחות
טמאות ראו אותו, הן נפלו לפניו וצעקו: "אתה בן האלוהים!"
١٢ אבל ישוע הזהיר אותן בחומרה שלא יגלו מי הוא.

١٣ ישוע עלה על ההר וקרא אליו את האנשים שרצה,
והם באו אליו. ١٤ הוא בחר שנים עשר מהם, וקרא להם
שליחים. הוא רצה שיהיו איתו כל הזמן, וגם שילמד אותם
איך להטיף את הבשורה ולגרש רוחות טמאות. ١٥ הוא קרא
להם "בני רעם". ١٦ שמעון, שנקרא גם כיפא; ١٧ יעקב ויוחנן
בני זבדי, שנקראו גם בני רעם; ١٨ אנדרי, פיליפוס, בר-תולמי,
מתי, תומא, יעקב בן חלפי, תדי, שמעון הקנאי, ١٩ ויהודה
איש קריות, שבגד בישוע.

ישוע ובעל הבית

מרקוס ٩:٩-١٣; לוקס ٢٧:٥-٣٢

٢٠ ישוע חזר הביתה, ושוב התאספו אנשים רבים סביבו,
עד שלא היה לו אפילו זמן לאכול. ٢١ כאשר שמעו על כך
קרוביו, הם יצאו לקחת אותו, כי חשבו שהוא איבד את
שפיותו. ٢٢ גם חכמי התורה שירדו מירושלים אמרו: "הוא
משרת את בעל זבוב, שליט השדים!" ٢٣ ישוע קרא אליהם
ואמר להם משל: "איך יכול שטן לגרש שטן? ٢٤ אם ממלכה
תתחלק נגד עצמה, היא לא תוכל להתקיים. ٢٥ אם משפחה
תתחלק נגד עצמה, היא לא תוכל להתקיים. ٢٦ אם השטן
יתנגד לעצמו ויתחלק, הוא לא יוכל להתקיים, אלא יגמור את
קיומו. ٢٧ אף אחד לא יכול להיכנס לבית של אדם חזק

[15] וכשהוא היה יושב לאכול בביתו של לוי, רבים מהאספים ומהחוטאים ישבו
יחד עם ישוע ותלמידיו, שכן רבים היו מקרב הבאים אחריו. [16] כאשר
הפרושים ראו שהוא אוכל עם האספים והחוטאים, הם שאלו את תלמידיו:
"מדוע הוא אוכל עם האספים והחוטאים?" [17] כששמע זאת ישוע, הוא אמר
להם: "לא החולים זקוקים לרופא, אלא החולים. לא באתי לקרוא לצדיקים
לתשובה, אלא לחוטאים."

הצום

מתי ט׳:י״ד-י״ז; לוקס ה׳:ל״ג-ל״ט

[18] פעם אחת כאשר תלמידי יוחנן המטביל וכן הפרושים צמו, באו אנשים
אל ישוע ושאלו: "מדוע תלמידי יוחנן והפרושים צמים, אך תלמידיך אינם
צמים?" [19] ישוע השיב להם: "האם יכולים אורחי החתונה לצום כאשר
החתן נמצא עמם? כל עוד החתן נמצא עמם, הם לא יצומו. [20] אך יבוא יום
שבו החתן ייקח מהם, ואז הם יצומו באותו יום.

[21] "איש לא תופר טלאי של בד חדש על בגד ישן, שכן הטלאי החדש יכווץ
את הבגד הישן, והקרע יגדל. [22] ואיש לא ממלא יין חדש בשקי עור ישנים,
שכן היין יבקע את השקים, והיין והשקים יאבדו. יין חדש ממלאים בשקים
חדשים."

מלאכי נביא הבטחת ביטול

מלאכי יב:א-ח; ו:ה-ט

[23] הנה אנכי שלח לכם את אליה הנביא לפני בוא יום יהוה הגדול והנורא׃ [24] והשיב לב אבות על בנים ולב בנים על אבותם פן אבוא והכיתי את הארץ חרם׃ [25] כי הנה אנכי שלח לכם את יהוה צבאות ביד מלאכי וישבו לב אבות על בנים ולב בנים על אבותם ולא יבוא השמד בכל הארץ׃ [26] ויהי בעת ההיא ויהי כשמעם את הדבר אשר דבר יהוה ויאמר אליהם הנה אנכי שלח לכם את יהוה צבאות ביד מלאכי ולא יבוא השמד בכל הארץ׃ [27] ויהי בעת ההיא ויהי כשמעם את הדבר אשר דבר יהוה ויאמר אליהם הנה אנכי שלח לכם את יהוה צבאות ביד מלאכי ולא יבוא השמד בכל הארץ׃ [28] ויהי בעת ההיא ויהי כשמעם את הדבר אשר דבר יהוה ויאמר אליהם הנה אנכי שלח לכם את יהוה צבאות ביד מלאכי ולא יבוא השמד בכל הארץ׃

מלאכי נביא הבטחת ביטול

מלאכי יב:ט-יד; ו:ו-יא

[1] ג כי הנה היום בא בוער כתנור והיו כל זדים וכל עושי רשעה קש והלהט אתם היום הבא אמר יהוה צבאות אשר לא יעזב להם שרש וענף׃ [2] ושמש צדקה ומרפא בכנפיה ויצאתם ופשתם כעגלי מרבק׃ [3] וסאתם רשעים כי יהיו אפר תחת כפות רגליכם ביום אשר אני עשה אמר יהוה צבאות׃ [4] זכרו תורת משה עבדי אשר צויתי אתו בחרב על כל ישראל חקים ומשפטים׃ [5] הנה אנכי שלח לכם את אליה הנביא לפני בוא יום יהוה הגדול והנורא׃

מתי ב:כג ב:כו ב ;כה:כג מתי יא:יד ;ב:כו ב ;א:כא-ו

ולא תשחט, ואת לא תאכל." ופרוש רבינו: "בפיך." ולא תשחט כלל. [6] ואם תרצה לומר שהיה מצוה לשחוט ולהניח בהמה בבית כדי שיהיה לו בשר לאכול.

הנס השמן מרבה

[7] ואשה אחת מנשי בני הנביאים צעקה אל אלישע לאמר, עבדך אישי מת, ואתה ידעת כי עבדך היה ירא את ה', והנושה בא לקחת את שני ילדי לו לעבדים. [8] ויאמר אלישע אליה, מה אעשה לך, הגידי לי, מה יש לך בבית, ותאמר, לא יש לשפחתך כל בבית כי אם אסוך שמן. [9] ויאמר, לכי שאלי לך כלים מן החוץ מאת כל שכנתיך כלים ריקים אל תמעיטי. [10] ובאת ובאת את בניך בעד הדלת ואת בעלך, ויצקת אל כל הכלים האלה והמלא תניחי. [11] ותלך מאתו ותסגר את הדלת בעד עצמה ובעד בניה, המה מגישים אליה והיא יצקת. [12] ויהי כמלאות הכלים ותאמר אל בנה, הגישה אלי עוד כלי, ויאמר אליה, אין עוד כלי, ויעמד השמן. [13] ותבוא ותגד לאיש האלהים, וילך ויאמר, לכי מכרי את השמן ושלמי את נשיכה, ואת ובניך תחיי משאר השמן.

הנס הבן

מלכים ב ד:ח-לז; לוקס ז:יב-טז

[14] ויהי היום ויעבר אלישע אל שונם, ושם אשה גדולה, ותחזק בו לאכל לחם, והיה מדי עברו יסור שמה לאכל לחם. [15] ותאמר אל אישה, הנה נא ידעתי כי איש אלהים קדוש הוא עבר עלינו תמיד. [16] נעשה נא עלית קטנה ונשים לו שם מטה ושלחן וכסא ומנורה, והיה בבואו אלינו יסור שמה. [17] ותהר האשה, ותלד בן לעת חיה כאשר דבר אליה אלישע.

[18] ויוחנן, ופדכיהו, ובן אלעשה, ובן עזריאל, ומשלמיהו, ויהודה, ובניהו, ובן שמעי, ויחיאל, ועזזיהו, וסבעיה, ונחלתי. [19] ויחבדיה וחנניה, ובני הזזי, ויקמעם, ואליעזר. [20] ובני ישעיה שמעיה, ובניו, ושאי עדו. [21] ובני יהללאל זיף, ובני יהודה שלה, ובני פרץ עתיה, ובני זרח יואל, ובני שמעי שלומית. [22] ובני המואלי מתניה, ויזיאל, ובני שמעי שלשים ומאה. [23] ובני אשכנז שמעיה, ובני יהושיה עמריה, ויהוחנן, ובני הודויה חשבה. [24] ובני בני פרץ מחלליאל, מן בני זרח עתי. [25] ובני איוב יואש, ובני מלכיה, ובני שמעי. [26] ובני חשים עמשי, ובני בדיה, ובני הדד, ובני פנואל. [27] ובני שמעי שמשרי, ובני יחיאל, ובני זכריה. [28] ובני בלגה שמוע, ובני יעזר, ובני מלכיה. [29] ובני הקוץ יהוה, ובני אבנר. [30] ובני ירחם, ובני בתואל ועזי. [31] ובני ישפיה, ובני עזרי, ובני עדיה, ובני יואל, ובני בניה. [32] ובני שמעי זכריה, ובני בכרי שמעי. [33] ובני ראובן מיכה, ובני יואל שמעי, ובני בעל חנן, ובני בעור. [34] ובני יוסף מצנית, ובני גדליה, ובני יואל, ובני יהוא בן יוסיביה, ובני שרויה, ובני עדיאל. [35] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [36] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [37] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [38] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [39] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [40] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [41] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [42] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [43] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [44] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [45] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [46] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [47] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [48] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [49] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [50] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [51] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [52] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [53] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [54] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [55] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [56] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [57] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [58] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [59] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [60] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [61] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [62] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [63] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [64] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [65] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [66] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [67] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [68] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [69] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [70] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [71] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [72] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [73] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [74] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [75] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [76] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [77] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [78] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [79] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [80] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [81] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [82] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [83] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [84] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [85] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [86] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [87] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [88] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [89] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [90] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [91] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [92] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [93] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [94] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [95] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [96] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [97] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [98] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [99] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [100] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [101] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [102] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [103] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [104] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [105] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [106] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [107] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [108] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [109] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [110] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [111] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [112] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [113] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [114] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [115] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [116] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [117] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [118] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [119] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [120] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [121] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [122] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [123] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [124] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [125] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [126] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [127] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [128] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [129] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [130] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [131] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [132] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [133] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [134] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [135] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [136] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [137] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [138] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [139] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [140] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [141] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [142] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [143] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [144] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [145] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [146] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [147] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [148] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [149] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [150] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [151] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [152] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [153] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [154] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [155] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [156] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [157] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [158] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [159] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [160] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [161] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [162] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [163] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [164] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [165] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [166] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [167] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [168] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [169] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [170] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [171] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [172] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [173] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [174] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [175] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [176] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [177] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [178] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [179] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [180] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [181] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [182] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [183] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [184] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [185] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [186] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [187] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [188] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [189] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [190] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [191] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [192] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [193] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [194] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [195] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [196] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [197] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [198] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [199] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [200] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [201] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [202] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [203] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [204] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [205] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [206] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [207] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [208] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [209] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [210] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [211] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [212] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [213] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [214] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [215] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [216] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [217] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [218] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [219] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [220] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [221] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [222] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [223] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [224] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [225] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [226] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [227] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [228] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [229] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [230] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [231] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [232] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [233] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [234] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [235] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [236] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [237] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [238] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [239] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [240] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [241] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [242] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [243] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [244] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [245] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [246] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [247] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [248] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [249] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [250] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [251] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [252] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [253] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [254] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [255] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [256] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [257] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [258] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [259] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [260] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [261] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [262] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [263] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [264] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [265] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [266] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [267] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [268] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [269] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [270] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [271] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [272] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [273] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [274] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [275] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [276] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [277] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [278] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [279] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [280] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [281] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [282] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [283] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [284] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [285] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [286] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [287] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [288] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [289] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [290] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [291] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [292] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [293] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [294] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [295] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [296] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [297] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [298] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [299] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [300] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [301] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [302] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [303] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [304] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [305] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [306] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [307] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [308] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [309] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [310] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [311] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [312] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [313] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [314] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [315] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [316] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [317] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [318] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [319] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [320] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [321] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [322] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [323] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [324] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [325] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [326] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [327] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [328] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [329] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [330] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [331] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [332] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [333] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [334] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [335] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [336] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [337] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [338] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [339] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [340] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [341] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [342] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [343] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [344] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [345] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [346] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [347] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [348] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [349] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [350] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [351] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [352] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [353] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [354] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [355] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [356] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [357] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [358] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [359] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [360] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [361] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [362] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [363] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [364] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [365] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [366] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [367] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [368] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [369] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [370] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [371] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [372] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [373] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [374] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [375] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [376] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [377] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [378] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [379] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [380] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [381] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [382] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [383] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [384] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [385] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [386] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [387] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [388] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [389] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [390] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [391] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [392] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [393] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [394] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [395] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [396] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [397] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [398] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [399] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [400] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [401] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [402] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [403] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [404] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [405] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [406] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [407] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [408] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [409] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [410] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [411] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [412] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [413] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [414] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [415] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [416] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [417] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [418] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [419] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [420] ובני יואל שמעיה, ובני יהוחדה, ובני יעשיאל, ובני יעקוב, ויהושוע, וסתיה, ויעדיה, ובני עזיאל. [421] ובני שפטיה רעואל, ובני יזניה, ובני בזי. [422] ובני יהודה פרץ, ובני חצרון, ובני כרמי. [423] ובני בני פרץ חמול, ובני שמעי שלומית. [424] ובני ראובן חנוך, ובני פלוא, ובני חצרון, ובני כרמי. [425] ובני שמעי יואל, ובני יהודיה, ובני אשבנה. [426] ובני יואל שמעיה,

משל הכרם והחכורים

מרקוס יב:א-יב; לוקס כ:ט-יט

[31] ואז הוא פנה אליהם ואמר: "אמן, אמן אני אומר לכם, שאין נביא
שמתקבל יפה בעיר שלו. [32] אליהו, למשל, היה בימי אחאב
המלך בשומרון, אבל לא נשלח אל אף אחד מהאלמנות שחיו
בישראל, אלא לאלמנה אחת בצרפת שבצידון. [33] ואלישע הנביא
ריפא רק את נעמן הארמי, ולא את אף אחד מהמצורעים שחיו
בישראל." [34] כשהקהל שמע את הדברים האלה, הם התמלאו
כעס. [35] הם קמו, הוציאו את ישוע מהעיר, והובילו אותו אל
קצה ההר שעליו נבנתה העיר, כדי לזרוק אותו משם למטה.
אבל ישוע עבר דרכם והמשיך בדרכו.

ישוע מלמד על אהבה

מרקוס יב:כח-לד; לוקס י:כה-כח

[1] אחרי זה ישוע הלך לבית המקדש, ושם הוא התחיל ללמד את
העם. הוא אמר: [2] "יש אדם שהיו לו שני בנים. הוא הלך אל
הבן הראשון ואמר לו: 'בני, לך היום לעבוד בכרם שלנו.' [3] אבל
הבן ענה לאביו: 'לא, אבא, אני לא רוצה ללכת.' אבל אחר כך
הבן הלך לכרם. [4] אחר כך האב הלך אל הבן השני ואמר לו
אותו דבר. הבן השני ענה לאביו: 'כן, אבא, אני אלך.' אבל הבן
הזה לא הלך לכרם. [5] ואז האב אמר לבן: 'אם אתה לא רוצה
לעבוד בכרם, אז לפחות תלך לשם ותראה מה קורה שם.' אבל
הבן לא הלך לכרם. [6] הוא נשאר בבית, כי הוא לא רצה לעבוד
בכרם. [7] ואז האב הלך אל הבן הראשון. הוא אמר לו: 'בני, אני
רוצה שתלך לכרם.' אבל הבן ענה לאביו: 'לא, אבא, אני לא
רוצה ללכת לכרם.' [8] ואז האב הלך אל הבן השני. הוא אמר לו

ואיזהלה יסוד שהשלים יסוד הלכתי מהותי שיש בתורה; ואחר כך הלכה זו מתפרשת ביסוד נוסף. [9] ומתחיל ביסוד הראשון: "כי בחמשה עשר יום בחודש הזה יהיה חג הסוכות, שבעת ימים ליהוה." [10] ואחר כך ביסוד השני: "ביום הראשון מקרא קודש יהיה לכם, כל מלאכת עבודה לא תעשו בו." [11] ואחר כך ביסוד השלישי: "ושבעת ימים תקריבו אשה עולה ליהוה, פרים בני בקר שנים, אילם שנים, וכבשים בני שנה שבעה, תמימים יהיו לכם." [12] ואחר כך ביסוד הרביעי: "ומנחתם וניסכיהם לפרים לאילים ולכבשים במספרם כמשפטם." [13] ואחר כך ביסוד החמישי: "ושעיר חטאת אחד, מלבד עולת התמיד, תעשו."

מתתיהו ט:ד

מתי ד:כג; לוקס ח:ט-י; יוחנן יג:יז-יח, יד:כא, טו:י, יז:ו, כ:לא.

[10] ויהי בהיותו בבית בבית עניה ויושב על שלחנו, והנה רבים מן המוכסים וחוטאים באו וישבו עם ישוע ותלמידיו. [11] וכאשר ראו הפרושים אמרו אל תלמידיו: "מדוע רבכם אוכל עם מוכסים וחוטאים?" [12] וישוע שמע ויאמר: "לא הרופא צריכים הבריאים, כי אם החולים. [13] ולכו ולמדו מה הוא אשר נאמר: 'רחמים חפצתי ולא זבח, כי לא צדיקים קראתי לשוב, כי אם חוטאים.'" [x]

מתתיהו ט:יא

לוקס ה:כז-לב; מתי יב:א-ח

[14] אז באו אליו תלמידי יוחנן ויאמרו: "מדוע אנחנו והפרושים מרבים לצום, ואילו תלמידיך אינם צמים?" [15] וישוע ענה להם: "האם יכולים בני החתן להתאבל כל עוד החתן עמהם? אך יבוא יום אשר יילקח החתן מעליהם, ואז יצומו. [16] "איש לא יתפור טלאי בד חדש על בגד ישן, כי הטלאי יקרע חלק מהבגד, והקרע יגדל. [17] "וכן לא ימזגו יין חדש בנאדות ישנות, כי הנאדות יקרעו, והיין ישפך והנאדות תאבדנה. אלא יין חדש ימזגו בנאדות חדשות, ושניהם יישמרו."

---

[x] תהלים ד:ב; הושע ו:ו

[19] "וְהַדְּאָגוֹת שֶׁל הָעוֹלָם הַזֶּה, וְהַהַטְעָיָה שֶׁבָּעֹשֶׁר, וְהַתַּאֲווֹת לְכָל שְׁאָר הַדְּבָרִים
הָאֲחֵרִים נִכְנָסִים וְחוֹנְקִים אֶת הַדָּבָר, וְהוּא נַעֲשֶׂה חֲסַר פֵּרוֹת. [20] וְאֵלֶּה שֶׁנִּזְרְעוּ עַל
הָאֲדָמָה הַטּוֹבָה, הֵם אֵלֶּה שֶׁשּׁוֹמְעִים אֶת הַדָּבָר וְקוֹבְלִים אוֹתוֹ, וְנוֹשְׂאִים פֵּרוֹת,
אֶחָד שְׁלוֹשִׁים וְאֶחָד שִׁשִּׁים וְאֶחָד מֵאָה."

מָשָׁל שֶׁל הַנֵּר

מרקוס ٤:٢١-٢٩

[21] וַיֹּאמֶר לָהֶם: "הַאִם נֵר מוּבָא כְּדֵי לְהַנִּיחַ אוֹתוֹ מִתַּחַת לְסַל אוֹ מִתַּחַת לְמִטָּה?
הֲלֹא כְּדֵי לְהַנִּיחַ אוֹתוֹ עַל הַמְּנוֹרָה? [22] כִּי אֵין דָּבָר נֶעְלָם אֶלָּא כְּדֵי שֶׁיִּתְגַּלֶּה, וְאֵין
דָּבָר סָתוּם אֶלָּא כְּדֵי שֶׁיָּבוֹא לְאוֹר. [23] אִם לְמִישֶׁהוּ יֵשׁ אָזְנַיִם לִשְׁמוֹעַ, יִשְׁמָע!"
[24] וַיֹּאמֶר לָהֶם: "שִׂימוּ לֵב לְמַה שֶׁאַתֶּם שׁוֹמְעִים. בְּאוֹתוֹ מִדָּה שֶׁבָּהּ אַתֶּם מוֹדְדִים
לַאֲחֵרִים, בָּהּ יָמַדְדוּ גַּם לָכֶם, וְיוֹסִיפוּ לָכֶם. [25] כִּי לְמִי שֶׁיֵּשׁ לוֹ יִנָּתֵן עוֹד, וּמִי שֶׁאֵין
לוֹ אֲפִלּוּ מַה שֶּׁיֵּשׁ לוֹ יִלָּקַח מִמֶּנּוּ."

מָשָׁל שֶׁל הַזֶּרַע הַצּוֹמֵחַ מֵאֲלֵיו

[26] וַיֹּאמֶר לָהֶם: "כָּךְ הוּא מַלְכוּת הָאֱלֹהִים כְּמוֹ אָדָם שֶׁזָּרַע זֶרַע בָּאֲדָמָה, [27] וְיָשֵׁן
וְקָם לַיְלָה וְיוֹם, וְהַזֶּרַע צוֹמֵחַ וְגָדֵל, וְהוּא אֵינֶנּוּ יוֹדֵעַ אֵיךְ. [28] כִּי הָאֲדָמָה מְפִיקָה
פֵּרוֹת מֵאֵלֶיהָ, תְּחִלָּה עֵשֶׂב, אַחַר כָּךְ שִׁבֹּלֶת, וְאַחַר כָּךְ גַּרְעִין מָלֵא בַּשִּׁבֹּלֶת.
[29] וּכְשֶׁהַפְּרִי מַבְשִׁיל, מִיָּד הוּא שׁוֹלֵחַ אֶת הַמַּגָּל, כִּי הִגִּיעַ הַקָּצִיר."

הקהלת הלוויים לשרת

מלכים א ٨:١٤-٢١; דברי הימים ב ٥:١١-١٤

٣٠ וישמעו אחיהם: "האם לא אתם הקהלתם את הלוויים? הנה
הם יחד עם בניהם, כמו שכתוב בספר משה?" ٣١ "כן, הקהלתם
אותם כדי שיעמדו לשרת את ה' בבית אלוהים, כמו שהוא
אמר. הוא אמר שהם יהיו אחראים על כל הדברים הקטנים
והגדולים בבית אלוהים, וגם על הלחם המיוחד שמונח על
השולחן." ٣٢ "הוא אמר שהם יהיו אחראים על הלחם
המיוחד, על הקטורת ועל כלי הקודש. הוא אמר שהם יהיו
אחראים על כל הדברים הקשורים לבית אלוהים, ושהם יעזרו
לכהנים, בני אהרון, בכל מה שהם צריכים לעשות."
٣٣ וכך הקהלת הלוויים נגמרה, ואחרי זה הם התחילו לעבוד
עם הכהנים. ٣٤ בכל הקהלת הלוויים היו שמונים ושמונה
אנשים. הם היו מבני קהת, ואחד מהם היה ראש הלוויים.
הוא היה אחראי על כל הדברים הקשורים לקטורת, כי הוא היה
חכם מאוד בדברים האלה.

מלכים ב ٢٣:٤

מלכים א ٨:٢٢-٢٣; דברי הימים ב ٥:١٢-١٤

٣٥ וכך אמר משה לבני ישראל: "אחרי שאלוהים יעזור לכם
לנצח, תעלו לארץ הכנענים ותיקחו את הארץ שהוא הבטיח
לאבות אבותיכם." ٣٦ אבל אתם לא תיקחו את הארץ
בכוח, כי אם בעזרת אלוהים. ٣٧ אתם תלכו לפני ה' ותעבדו
אותו בבית המקדש. ٣٨ אתם תעבדו את ה' בכל הלב שלכם
ובכל הנפש שלכם. אל תעבדו את האלים של העמים
שיהיו סביבכם. ٣٩ אתם תשמרו את כל הדברים שה' אמר
לכם, כי הוא אמר: "אל תעבדו אותם." ٤٠ אתם תשמרו את
כל הדברים שה' אמר לכם, כי הוא אמר: "אם תעבדו אותי
ותעשו את כל הדברים שאני אמרתי לכם, אז אני אעזור לכם

وَقَالُوا بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: «مَنْ هُوَ هٰذَا؟ فَإِنَّ الرِّيحَ أَيْضًا وَالْبَحْرَ يُطِيعَانِهِ!»

شفاء المجنون في كورة الجرجسيين

متى ٨:٢٨-٣٤؛ لوقا ٨:٢٦-٣٩

٥ ١ثُمَّ جَاءُوا إِلَى عَبْرِ الْبَحْرِ إِلَى كُورَةِ الْجَرْجَسِيِّينَ. ٢ وَلَمَّا خَرَجَ مِنَ السَّفِينَةِ
لِلْوَقْتِ اسْتَقْبَلَهُ مِنَ الْقُبُورِ إِنْسَانٌ بِهِ رُوحٌ نَجِسٌ، ٣ الَّذِي كَانَ مَسْكَنُهُ فِي الْقُبُورِ،
وَلَمْ يَقْدِرْ أَحَدٌ أَنْ يَرْبِطَهُ وَلَا بِسَلَاسِلَ، ٤ لِأَنَّهُ قَدْ رُبِطَ مِرَارًا بِقُيُودٍ وَسَلَاسِلَ
فَقَطَّرَ السَّلَاسِلَ مِنْهُ وَكَسَّرَ الْقُيُودَ، وَلَمْ يَقْدِرْ أَحَدٌ أَنْ يُذَلِّلَهُ. ٥ وَكَانَ دَائِمًا
لَيْلًا وَنَهَارًا فِي الْقُبُورِ وَفِي الْجِبَالِ يَصْرُخُ وَيَخْمُشُ نَفْسَهُ بِالْحِجَارَةِ.
٦ فَلَمَّا رَأَى يَسُوعَ مِنْ بَعِيدٍ رَكَضَ وَسَجَدَ لَهُ، ٧ وَصَرَخَ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ وَقَالَ: «مَا لِي
وَلَكَ يَا يَسُوعُ ابْنَ اللهِ الْعَلِيِّ؟ أَسْتَحْلِفُكَ بِاللهِ أَنْ لَا تُعَذِّبَنِي!» ٨ لِأَنَّهُ قَالَ لَهُ:
«اخْرُجْ يَا رُوحُ النَّجِسُ مِنَ الْإِنْسَانِ!» ٩ وَسَأَلَهُ: «مَا اسْمُكَ؟» فَقَالَ لَهُ: «اسْمِي
لَجْئُونُ، لِأَنَّنَا كَثِيرُونَ.» ١٠ وَطَلَبَ إِلَيْهِ كَثِيرًا أَنْ لَا يُرْسِلَهُمْ خَارِجًا عَنِ الْكُورَةِ.
١١ وَكَانَ هُنَاكَ عِنْدَ الْجَبَلِ قَطِيعُ خَنَازِيرَ كَبِيرٌ يَرْعَى، ١٢ فَطَلَبَتْ إِلَيْهِ كُلُّ الشَّيَاطِينِ
قَائِلَةً: «أَرْسِلْنَا إِلَى الْخَنَازِيرِ لِنَدْخُلَ فِيهَا.» ١٣ فَأَذِنَ لَهُمْ يَسُوعُ لِلْوَقْتِ. فَخَرَجَتِ
الْأَرْوَاحُ النَّجِسَةُ وَدَخَلَتِ الْخَنَازِيرَ، وَكَانَ نَحْوُ أَلْفَيْنِ، فَاخْتَنَقَتْ فِي الْبَحْرِ.

[14] וְזֶה הָיָה הַמַּס אֲשֶׁר הֶעֱלָה שְׁלֹמֹה מֵת לְהוֹסִיף עֲלֵיהֶם
לְעֲבֹדָה אֶלֶף אִישׁ לְחֳדָשִׁים תְּחִלָּפוֹת חֳדָשִׁים הָיוּ בַלְּבָנוֹן
שְׁנַיִם חֳדָשִׁים בְּבֵיתָם וְאֲדֹנִירָם עַל הַמַּס. [15] וַיְהִי לִשְׁלֹמֹה
שִׁבְעִים אֶלֶף סַבָּל וּשְׁמֹנִים אֶלֶף חֹצֵב בָּהָר. [16] מִלְּבַד שָׂרֵי
הַנִּצָּבִים לִשְׁלֹמֹה אֲשֶׁר עַל הַמְּלָאכָה שְׁלֹשׁ מֵאוֹת וַחֲמִשִּׁים
הָרֹדִים בָּעָם הָעֹשִׂים בַּמְּלָאכָה. [17] וַיְצַו הַמֶּלֶךְ וַיַּסִּעוּ אֲבָנִים
גְּדֹלוֹת אֲבָנִים יְקָרוֹת לְיַסֵּד הַבַּיִת גָּזִית מְפֻתָּחוֹת: [18] וַיִּפְעֲלוּ
בוֹנֵי שְׁלֹמֹה וּבוֹנֵי חִירָם וְהַגִּבְלִים וַיָּכִינוּ עֵצִים וְאַבְנֵי הַבָּנִים
לִבְנוֹת הַבָּיִת:

בניית בית המקדש

ו מלכים ט:יח-כה; ב דברי הימים ח:ג-ט

[1] וַיְהִי בִּשְׁנַת אַרְבַּע מֵאוֹת וְאַרְבָּעִים שָׁנָה לְצֵאת בְּנֵי יִשְׂרָאֵל
מֵאֶרֶץ מִצְרַיִם בַּשָּׁנָה הָרְבִיעִית בְּחֹדֶשׁ זִו הוּא הַחֹדֶשׁ הַשֵּׁנִי
לִמְלֹךְ שְׁלֹמֹה עַל יִשְׂרָאֵל וַיִּבֶן הַבַּיִת לַיהוָה: [2] וְהַבַּיִת אֲשֶׁר בָּנָה
הַמֶּלֶךְ שְׁלֹמֹה לַיהוָה אָרְכּוֹ שִׁשִּׁים אַמָּה וְרָחְבּוֹ עֶשְׂרִים אַמָּה
וְקוֹמָתוֹ שְׁלֹשִׁים אַמָּה: [3] וְהָאוּלָם עַל פְּנֵי הֵיכַל הַבַּיִת עֶשְׂרִים
אַמָּה אָרְכּוֹ עַל פְּנֵי רֹחַב הַבַּיִת עֲשֶׂר אַמּוֹת רָחְבּוֹ לִפְנֵי הַבָּיִת:
[4] וַיַּעַשׂ לַבַּיִת חַלּוֹנֵי שְׁקֻפִים אֲטוּמִים: [5] וַיִּבֶן עַל קִיר הַבַּיִת
צְלָעוֹת סָבִיב לְקִירוֹת הַבַּיִת סָבִיב לַהֵיכָל וְלַדְּבִיר וַיַּעַשׂ צְלָעוֹת
סָבִיב: [6] הַיָּצוּעַ הַתַּחְתּוֹנָה חָמֵשׁ בָּאַמָּה הָרְחָבָה וְהַתִּיכֹנָה שֵׁשׁ
בָּאַמָּה הָרְחָבָה וְהַשְּׁלִשִׁית שֶׁבַע בָּאַמָּה הָרְחָבָה כִּי מִגְרָעוֹת נָתַן
לַבַּיִת מִחוּץ סָבִיב לְבִלְתִּי הֱיוֹת נֹגְעִים בְּקִירוֹת הַבָּיִת: [7] וְהַבַּיִת
בְּהִבָּנֹתוֹ אֶבֶן שְׁלֵמָה מְסֻתָּת הִבְנָה וְקוֹמַת וְקַרְדֻּם וְכָל כְּלִי בַרְזֶל
לֹא נִשְׁמַע בַּבַּיִת בְּהִבָּנֹתוֹ: [8] פֶּתַח הַצֵּלָע הַתִּיכֹנָה בְּכֶתֶף הַבָּיִת
הַיְמָנִית וַיַּעֲלוּ בְּלוּלִים עַל הַתִּיכֹנָה וּמִן הַתִּיכֹנָה אֶל הַשְּׁלִשִׁית:
[9] וַיִּבֶן אֶת הַבָּיִת וַיְכַלֵּהוּ וַיִּסְפֹּן אֶת הַבַּיִת בְּקֹרוֹת וְחֲסִיוֹת אֲרָזִים:
[10] וַיִּבֶן אֶת הַיָּצוּעַ עַל כָּל הַבַּיִת חָמֵשׁ אַמּוֹת קוֹמָתוֹ וַיֶּאֱחֹז אֶת
הַבַּיִת בְּעֵצֵי אָרֶז: [11] וַיְהִי דְבַר יְהוָה אֶל שְׁלֹמֹה לֵאמֹר: [12] הַבַּיִת
הַזֶּה אֲשֶׁר אַתָּה בֹנֶה אִם בְּחֻקֹּתַי תֵּלֵךְ וְאֶת מִשְׁפָּטַי תַּעֲשֶׂה וְשָׁמַרְתָּ
אֶת כָּל מִצְוֹתַי לָלֶכֶת בָּהֶם וַהֲקִמֹתִי אֶת דְּבָרִי אִתָּךְ אֲשֶׁר דִּבַּרְתִּי
אֶל דָּוִד אָבִיךָ: [13] וְשָׁכַנְתִּי בְּתוֹךְ בְּנֵי יִשְׂרָאֵל וְלֹא אֶעֱזֹב אֶת עַמִּי
יִשְׂרָאֵל:

[25] ויבוא בקהל ויגד לו את אשר ראה ושמע מן איש האלהים ויתנבא כן, [26] ויהי
בלילה ההוא ויקם הוא ובניו ויקחו את העצמות מקבר הנביא ויעלו אותם אליהם
ויקברו אותם בקבר אבותיהם אשר נקברו שם. [27] ויאמר אל בניו לאמר: כאשר
אמות קברו אותי בקבר אשר נקבר איש האלהים בו, שימו את עצמותי אצל
עצמותיו. [28] כי הדבר אשר קרא בדבר יהוה על המזבח בבית אל ועל כל בתי
הבמות אשר בשומרון יבוא. [29] ויהי אחרי הדברים האלה ולא שב יהורם מדרכו
הרעה אשר הלך בה מימי ירבעם בן נבט, ויעש גם הפעם במות בקצות העם
ומי שחפץ מלא ידו ויהי לכהנים במות.

[30] ויהי הדבר הזה לחטאת לבית ירבעם ולהכרית ולהשמיד אותו מעל פני
האדמה. [31] ויקם חזאל מלך ארם על יהורם ויעל אל רמות גלעד ויכו את
בני עמון ואת מואב ואת ישראל אשר עמו: [32] ויעל חזאל מלך ארם ויצר על
רמות גלעד ויכם עד בוא אל ארץ גלעד ואל הבשן. [33] ויהי בעת ההיא ויחל
יהוה להכרית בישראל ויכם חזאל בכל גבולם, מירדן מזרחה כל ארץ הגלעדי
הגדי והראובני והמנשי מערוער אשר על נחל ארנון וגלעד והבשן. [34] ויתר
דברי יהוא וכל אשר עשה וכל גבורתו הלוא הם כתובים על ספר דברי הימים
למלכי ישראל. [35] וישכב יהוא עם אבתיו ויקברו אותו בשומרון ויקם יהואחז
בנו תחתיו. [36] ויהי ימי אשר מלך יהוא על ישראל בשומרון עשרים ושמונה
שנה. [37] ויעש הרע בעיני יהוה ויסר את חטאות ירבעם בן נבט אשר החטיא
את ישראל לא סר ממנו. [38] ויתר דברי יהואחז וכל אשר עשה וגבורתו הלוא
הם כתובים על ספר דברי הימים למלכי ישראל. [39] וישכב יהואחז עם אבתיו
ויקברו אותו בשומרון ויקם יואש בנו תחתיו. [40] ויהי בשנת שלש ושלשים

ואמרו לה שלפחות עכשיו היא תשתוק. אך היא המשיכה לצעוק, 40
ואנשים מן הקהל לעגו לה. אז הוציא ישוע את כולם החוצה,
למעט את האב ואת האם של הילדה ואת שלושת תלמידיו הקרובים
אליו ביותר, ונכנס עם הילדה לחדר שבו שכבה. 41 הוא לקח את
ידה ואמר לה בארמית: "טליתא קומי!" שפירושו: "ילדה קטנה,
אני אומר לך, קומי!" 42 הילדה קמה מיד והתחילה ללכת, למרות
שהיתה בת שתים עשרה. כולם נדהמו מאוד. 43 ישוע הורה להם
בתוקף שלא יספרו לאיש על מה שקרה, ואמר להאכיל את הילדה.

ישוע בנצרת

מתי יג:נג-נח; לוקס ד:טז-ל

ו ישוע עזב את המקום ההוא ושב לנצרת, עיר מולדתו, ותלמידיו 1
הלכו אתו. 2 כשהגיע יום השבת החל ללמד בבית הכנסת, ורבים
מהשומעים נדהמו מאוד. "מאין לו כל זאת?" שאלו. "מה החכמה
שניתנה לו? ומה הנפלאות האלה שנעשות בידיו? 3 הלא זה הנגר,
בנו של מרים, ואחי יעקב, יוסי, יהודה ושמעון! הלא אחיותיו
גרות כאן בינינו!" ולא יכלו לקבל את דבריו. 4 ישוע אמר להם:
"נביא מכובד בכל מקום, חוץ מבמולדתו ובקרב קרוביו ומשפחתו."
5 ולא יכול היה לעשות שם שום נס, למעט לרפא כמה חולים על
ידי הנחת ידיו עליהם. 6 הוא תמה על חוסר האמונה שלהם.
ואז הלך ממקום למקום בכפרים הסמוכים והמשיך ללמד.

הכנסת הכהנים והלויים

תהלים 1:10, 5-15; דברי הימים ו 1:9-6

7 וכאשר הגיעו הכהנים מן הקודש, והענן מילא את בית ה׳,
8 לא יכלו הכהנים לעמוד ולשרת בגלל הענן, כי כבוד ה׳ מילא את בית ה׳.
9 אז אמר שלמה: ״ה׳ אמר שיישב בערפל כבד, 10 ואני בניתי לך בית מפואר,
מקום שבו תשב לנצח.״ 11 ואז פנה המלך שלמה אל כל הקהל שעמד שם,
וברך אותם בקול רם. 12 ״ברוך ה׳ אלוהי ישראל, שדיבר בפה אל דוד אבי,
ובידיו הוא קיים את הבטחתו. 13 כי אמר: מאז שהוצאתי את עמי ישראל
ממצרים, לא בחרתי בעיר כלשהי בכל שבטי ישראל כדי לבנות בה בית,
אלא בחרתי בירושלים כדי שיהיה שם מקום לשמי, ובחרתי בדוד שיהיה
מלך על עמי ישראל.

תפילת שלמה בפני המזבח

תהלים 1:14-12; דברי הימים ו 7:6-9

14 ואז עמד שלמה לפני מזבח ה׳ נגד כל הקהל, ופרש את כפיו השמימה,
15 ואמר: ״ה׳ אלוהי ישראל, אין אלוהים כמוך בשמים ובארץ. אתה שומר את
הברית ומקיים את החסד לעבדיך, אשר הולכים לפניך בכל לבם. 16 עתה, ה׳
אלוהי ישראל, קיים את הבטחתך לעבדך דוד אבי, כאשר אמרת לו: לא יחסר
לך איש מזרעך לשבת על כסא ישראל, אם רק יקפידו בניך על דרכם ללכת
בתורתי כפי שהלכת לפני. 17 ועתה, ה׳ אלוהי ישראל, יתקיים נא דברך
שאמרת לעבדך דוד. 18 אך האם באמת יגור אלוהים עם בני אדם על הארץ?

ויאמר אליהם: "לא תוכלו לבוא אחרי עכשיו, אבל תבואו אחרי בעתיד."
[١٩] ויהי כאשר הגיעו אל הכפר, ויקחו את הילד ויעלו אל החדר העליון, ויניחו אותו על המיטה, ויצאו. [٢٠] ויהי כאשר ראה הילד את פניו, ויתחיל לבכות בקול גדול, ויקם ויתהלך בחדר הלוך ושוב, ויתפלל אל אלהים בקול רם. [٢١] ויהי כאשר שמעו אנשי הכפר את קול בכי הילד, ויתאספו כולם אל הבית, ויעמדו על הפתח, ויקשיבו לתפלת הילד. [٢٢] ויהי כאשר שמע הילד את קול הרבים, ויפתח את עיניו, ויראם, ויתבייש מאד. ויאמר אליהם: "מדוע באתם הנה? מי שלח אתכם?" [٢٣] ויאמרו אליו: "לא שלחנו איש, כי דאגנו לך מאד." [٢٤] ויאמר אליהם: "אם כן, שובו איש לביתו, כי אין לי צורך בכם." [٢٥] ויהי כאשר שמעו אנשי הכפר את דברי הילד, ויתביישו מאד, ויפנו עורף ויסתלקו מן הבית. [٢٦] ויהי כאשר יצאו כל האנשים, ויסגור הילד את הדלת, ויתפלל אל אלהים בקול רם. [٢٧] ויהי כאשר כלה הילד את תפלתו, ויקם ויתהלך בחדר הלוך ושוב. ויהי כאשר התעייף הילד, ויישב על הכסא ויתפלל אל אלהים בקול רם. [٢٨] ויהי כאשר כלה הילד את תפלתו, ויקם ויתהלך בחדר הלוך ושוב. [٢٩] ויהי כאשר ראה הילד את אנשי הכפר, ויתביישו מאד, ויפנו עורף ויסתלקו מן הבית.

يسوع يطعم ٥٠٠٠

متى ١٤:١٣-٢١؛ لوقا ٩:١٠-١٧؛ يوحنا ٦:١-١٤

٣٠ثم عاد الرسل الى يسوع واخبروه بكل ما فعلوه وعلموه. ٣١فقال لهم: "تعالوا انتم وحدكم الى مكان خلوي واستريحوا قليلا." فقد كان كثيرون يأتون ويذهبون، حتى لم يكن لهم وقت حتى للأكل. ٣٢فركبوا السفينة ومضوا وحدهم الى مكان خلوي. ٣٣فرآهم كثيرون وهم ذاهبون، وعرفوا من هم. فجروا من جميع المدن على الطريق وسبقوهم الى المكان. ٣٤فلما نزل يسوع ورأى الجموع الكثيرة تحنن عليهم لانهم كانوا كخراف لا راعي لها، وابتدأ يعلمهم كثيرا. ٣٥ولما مالت الشمس جاء تلاميذه وقالوا: "المكان قفر والوقت قد فات. ٣٦فاصرفهم ليذهبوا الى المزارع والقرى المحيطة ويشتروا لانفسهم طعاما." ٣٧فاجاب: "اعطوهم انتم ما ياكلون." فقالوا له: "أنمضي ونشتري بمئتي دينار خبزا ونطعمهم؟" ٣٨فقال لهم: "كم رغيفا عندكم؟ اذهبوا وانظروا." ولما علموا قالوا: "خمسة وسمكتان." ٣٩فامرهم ان يجلسوا كلهم فرقا على العشب الاخضر. ٤٠فجلسوا حلقات حلقات، مئة مئة وخمسين خمسين. ٤١فاخذ الخمسة ارغفة والسمكتين ونظر الى السماء وبارك وكسر الارغفة وناولها تلاميذه ليقدموها للجموع. وقسم السمكتين بين الجميع.

٦:٣٤ عدد ٢٧:١٧؛ ١ ملوك ٢٢:١٧؛ ٢ اخبار ١٨:١٦؛ امثال ٥:٣٤

لأنه هذا هو دمي الذي للعهد الجديد، الذي يسفك عن كثيرين لمغفرة الخطايا. ٢٩ ولكني أقول لكم إني لا أشرب بعد من نتاج الكرمة هذا إلى ذلك اليوم حين أشربه جديدا معكم في ملكوت أبي. ٣٠ ثم سبحوا وخرجوا إلى جبل الزيتون.

يسوع يتنبأ بإنكار بطرس

متى ٢٦:٣١-٣٥؛ لوقا ٢٢:٣١-٣٤؛ يوحنا ١٣:٣٦-٣٨

٣١ وقال لهم يسوع: «كلكم تشكون فيّ هذه الليلة، لأنه مكتوب: أضرب الراعي فتتبدد خراف الرعية. ٣٢ ولكن بعد قيامتي سأسبقكم إلى الجليل». ٣٣ فأجاب بطرس وقال له: «وإن شك فيك الجميع، فأنا لا أشك أبدا». ٣٤ فقال له يسوع: «الحق أقول لك إنك اليوم في هذه الليلة قبل أن يصيح الديك مرتين تنكرني ثلاث مرات». ٣٥ فقال له بطرس بتأكيد أكثر: «لو اضطررت أن أموت معك لا أنكرك البتة». وكذلك قال جميع التلاميذ أيضا.

ישוע מרפא את המשותק

מתי ט:א-ח

ט וַיַּעַל בַּסְּפִינָה וַיַּעֲבֹר וַיָּבֹא אֶל־עִירוֹ׃ ב וְהִנֵּה מֵבִיאִים אֵלָיו מְשֻׁתָּק מֻשְׁכָּב עַל־מִטָּתוֹ וַיַּרְא יֵשׁוּעַ אֶת־אֱמוּנָתָם וַיֹּאמֶר אֶל־הַמְשֻׁתָּק בְּנִי שְׂאֵה לֵב סְלוּחִים חַטֹּאתֶיךָ׃ ג וְהִנֵּה מִן־הַסּוֹפְרִים אָמְרוּ בְלִבָּם זֶה מְגַדֵּף׃ ד וַיֵּדַע יֵשׁוּעַ אֶת־מַחְשְׁבוֹתָם וַיֹּאמֶר לָמָּה אַתֶּם חֹשְׁבִים רָעוֹת בִּלְבַבְכֶם׃ ה כִּי מַה־נָּקַל לֵאמֹר סְלוּחִים חַטֹּאתֶיךָ וְאִם־לֵאמֹר קוּם וְהִתְהַלֵּךְ׃ ו וְלָמַעַן תֵּדְעוּן כִּי־רְשׁוּת בְּיַד־בֶּן־הָאָדָם עַל־הָאָרֶץ לְסַלֵּחַ חַטֹּאת אָז אָמַר אֶל־הַמְשֻׁתָּק קוּם שָׂא אֶת־מִטָּתְךָ וְלֵךְ אֶל־בֵּיתֶךָ׃ ז וַיָּקָם וַיֵּלֶךְ אֶל־בֵּיתוֹ׃ ח וַיִּרְאוּ הָעַמִּים וַיִּירָאוּ וַיְהַלְלוּ אֶת־הָאֱלֹהִים אֲשֶׁר נָתַן רְשׁוּת כָּזֹאת בְּיַד־בְּנֵי־אָדָם׃

ישוע קורא לשמעון ולאחרים

לוקס ה:א-יא

ה וַיְהִי בִּהְיוֹת הָעָם נִלְחָצִים עָלָיו לִשְׁמֹעַ אֶת־דְּבַר־אֱלֹהִים וְהוּא עֹמֵד עַל־יַד אֲגַם גִּנֵּסַר׃ ב וַיַּרְא שְׁתֵּי סְפִינוֹת עֹמְדוֹת עַל־שְׂפַת הָאֲגַם וְהַדַּיָּגִים יָרְדוּ מֵהֶן וַיְכַבְּסוּ אֶת־רְשָׁתוֹתֵיהֶם׃ ג וַיַּעַל בְּאַחַת הַסְּפִינוֹת אֲשֶׁר לְשִׁמְעוֹן וַיְבַקֵּשׁ מִמֶּנּוּ לְהַרְחִיק מְעַט מִן־הַיַּבָּשָׁה וַיֵּשֶׁב וַיְלַמֵּד אֶת־הָעָם מִן־הַסְּפִינָה׃ ד וּכְכַלּוֹתוֹ לְדַבֵּר אָמַר אֶל־שִׁמְעוֹן הַרְחֵק לָךְ אֶל־הָעֹמֶק וְהוֹרִידוּ אֶת־רְשָׁתוֹתֵיכֶם לָדוּג׃ ה וַיַּעַן שִׁמְעוֹן וַיֹּאמֶר אֵלָיו רַבִּי כָּל־הַלַּיְלָה עָמַלְנוּ וְלֹא לָכַדְנוּ דָּג אַךְ עַל־פִּי דְבָרְךָ אַשְׁלִיךְ אֶת־הָרְשָׁתוֹת׃ ו וַיַּעֲשׂוּ כֵן וַיִּלְכְּדוּ דָּגִים לָרֹב עַד כִּי נִבְקְעוּ רְשָׁתוֹתֵיהֶם׃ ז וַיָּנִיפוּ אֶל־חֲבֵרֵיהֶם אֲשֶׁר בַּסְּפִינָה הָאַחֶרֶת לָבוֹא וְלַעְזֹר לָהֶם וַיָּבֹאוּ וַיְמַלְאוּ שְׁתֵּי הַסְּפִינוֹת עַד כִּי שָׁקְעוּ׃ ח וַיַּרְא שִׁמְעוֹן פֶּטְרוֹס וַיִּפֹּל לִפְנֵי יֵשׁוּעַ עַל־בִּרְכָּיו וַיֹּאמֶר אֲדֹנִי צֵא מִמֶּנִּי כִּי אִישׁ חוֹטֵא אָנִי׃ ט כִּי תְמָהוֹן נָפַל עָלָיו וְעַל כָּל־אֲשֶׁר עִמּוֹ עַל־רֹב הַדָּגִים אֲשֶׁר לָכָדוּ׃ י וְכֵן עַל־יַעֲקֹב וְיוֹחָנָן בְּנֵי זַבְדַּי אֲשֶׁר הָיוּ חֲבֵרִים לְשִׁמְעוֹן וַיֹּאמֶר יֵשׁוּעַ אֶל־שִׁמְעוֹן אַל־תִּירָא מֵעַתָּה אָדָם אַתָּה תִּלְכֹּד׃ יא וַיְבִיאוּ אֶת־הַסְּפִינוֹת אֶל־הַיַּבָּשָׁה וַיַּעַזְבוּ אֶת־הַכֹּל וַיֵּלְכוּ אַחֲרָיו׃

ז וְהִנֵּה מֵאָה אֲנָשִׁים מִזִּקְנֵי הָעָם, וַיַּרְא אֹתָם אֶת־פֶּתַח
הָאֹהֶל וַיֹּאמֶר אֲלֵהֶם, מַה־אַתֶּם בָּאִים לִקְרַאת־מִי מִן־
הָעֵדָה הַזֹּאת עַל־פִּי הַמַּטֶּה וְעַל־פִּי הַמַּחֲנֶה וְעַל־פִּי
הָאֹהֶל. ח וַיֹּאמֶר פִּינְחָס בֶּן־אֶלְעָזָר בֶּן־אַהֲרֹן הַכֹּהֵן
אֶל־הָאֲנָשִׁים הַבָּאִים עָלָיו, כֹּה אָמַר יְהוָה אֱלֹהֵי
יִשְׂרָאֵל, הָרִימוּ אִישׁ אֶת־חַרְבּוֹ עַל־יְרֵכוֹ וְהַעֲבִרוּ
וְשׁוּבוּ אִישׁ שַׁעַר אֶל־שַׁעַר בְּכָל־מַחֲנֵה יִשְׂרָאֵל וְהִרְגוּ
אִישׁ אֶת־אָחִיו וְאִישׁ אֶת־רֵעֵהוּ וְאִישׁ אֶת־קָרֹבוֹ.
ט וַיַּעֲשׂוּ בְּנֵי־לֵוִי כִּדְבַר מֹשֶׁה, וַיִּפֹּל מִן־הָעָם בַּיּוֹם
הַהוּא כִּשְׁלֹשֶׁת אֲלָפִים אִישׁ. י וַיֹּאמֶר מֹשֶׁה אֶל־
הָאֲנָשִׁים, מַלְאוּ יֶדְכֶם הַיּוֹם לַיהוָה כִּי אִישׁ בְּבִנּוֹ וּבְאָחִיו
וְלָתֵת עֲלֵיכֶם הַיּוֹם בְּרָכָה. יא וַיְהִי מִמָּחֳרָת וַיֹּאמֶר
מֹשֶׁה אֶל־הָעָם, אַתֶּם חֲטָאתֶם חֲטָאָה גְדֹלָה וְעַתָּה
אֶעֱלֶה אֶל־יְהוָה אוּלַי אֲכַפְּרָה בְּעַד חַטַּאתְכֶם.
יב וַיָּשָׁב מֹשֶׁה אֶל־יְהוָה וַיֹּאמֶר, אָנָּא חָטָא הָעָם הַזֶּה
חֲטָאָה גְדֹלָה וַיַּעֲשׂוּ לָהֶם אֱלֹהֵי זָהָב. יג וְעַתָּה אִם־
תִּשָּׂא חַטָּאתָם וְאִם־אַיִן מְחֵנִי נָא מִסִּפְרְךָ אֲשֶׁר כָּתָבְתָּ.
יד וַיֹּאמֶר יְהוָה אֶל־מֹשֶׁה, מִי אֲשֶׁר חָטָא לִי אֶמְחֶנּוּ
מִסִּפְרִי. טו וְעַתָּה לֵךְ נְחֵה אֶת־הָעָם אֶל־אֲשֶׁר דִּבַּרְתִּי
לָךְ, הִנֵּה מַלְאָכִי יֵלֵךְ לְפָנֶיךָ וּבְיוֹם פָּקְדִי וּפָקַדְתִּי
עֲלֵהֶם חַטָּאתָם. טז וַיִּגֹּף יְהוָה אֶת־הָעָם עַל אֲשֶׁר עָשׂוּ
אֶת־הָעֵגֶל אֲשֶׁר עָשָׂה אַהֲרֹן.

יז וַיְדַבֵּר יְהוָה אֶל־מֹשֶׁה לֵאמֹר: יח דַּבֵּר אֶל־בְּנֵי
יִשְׂרָאֵל וְאָמַרְתָּ אֲלֵהֶם, אִישׁ אִישׁ מִבֵּית יִשְׂרָאֵל
וּמִן־הַגֵּר בְּיִשְׂרָאֵל אֲשֶׁר יַקְרִיב קָרְבָּנוֹ לְכֹל נִדְרֵיהֶם
וּלְכֹל נִדְבוֹתָם אֲשֶׁר יַקְרִיבוּ לַיהוָה בְּעֹלָה. יט לִרְצֹנְכֶם
תָּקְרִיבוּ אֶת־הַבְּהֵמָה זָכָר תָּמִים בַּבָּקָר וְאֶת־הַכְּשָׂבִים
וְאֶת־הָעִזִּים. כ שִׁבְעַת יָמִים תֹּאכַל מַצּוֹת וּבַיּוֹם הַשְּׁבִיעִי
עֲצֶרֶת תִּהְיֶה לָכֶם כָּל־מְלֶאכֶת עֲבֹדָה לֹא תַעֲשׂוּ.
כא שִׁבְעַת יָמִים תַּקְרִיבוּ אִשֶּׁה רֵיחַ נִיחֹחַ לַיהוָה פָּרִים
בְּנֵי־בָקָר שְׁנַיִם וְאַיִל אֶחָד כְּבָשִׂים בְּנֵי־שָׁנָה שִׁבְעָה
תְּמִימִם יִהְיוּ לָכֶם. כב וּשְׂעִיר חַטָּאת אֶחָד לְכַפֵּר עֲלֵיכֶם.

ז:ז[z] במדבר ג:כט ואילך; ח:יט ואילך; במדבר יח:ה

ז:י[a] שמות כ:יב; דברים יב:כ; ז:כו

ז:י[b] שמות כא:יז; ויקרא כ:ט

أسوأ، ائتجأ، ميكل، [۲۲]"پخضخوأ، حبوأ، بخلخأ، عذسوأ، بخت حبأ، بحوذأ، بجبيذوأ، هجلوأ. [۲۳]"حكمه بأ حبتيا ح فلهب هم كأ ولهيلب لجذنتا."

لاسدد لاحجو لسعد

۲۸-۲۱:۱۵ مدم

[۲۴]ولهبم يا هم هم كأ لهبلا سفوب لاسوأ يا لهبلا ولهبلا سفوب ذيذ ولهيخ. ولهجبيا لهب بخ كأ، ولا يا تحا وأو بخ هب نجد ولهبلا، لهنا كا ولهبا يا ولهجبيا لهب بخ كأ، ولا يا تحا وأو بخ هب نجد ولهبلا، لهنا كا ولهبا [۲۵]لهنا سخ لهبلا وأو كا حذأ لهبلا، لهجبيا حبوأ فيد وأو ولهيتا. لهنا سخ لهبلا وأو كا حذأ لهبلا، لهجبيا حبوأ ذوسا پخمدا، بخ عسبد بخ حبوأ كا ولهبلا ولهبلا ولهبلا يا ولهبلا ولهبلا ولهبلا يا ولهبلا ولهبلا ولهبلا ي

מקום שאתה עומד עליו הוא אדמת קודש. [33] אמר יהוה אלי: שלח את נעליך מרגליך, כי המקום שאתה עומד עליו הוא אדמת קודש. [34] ראה ראיתי את עוני של עמי במצרים, שמעתי את נאקתם, וירדתי להצילם. ועתה לכה, אשלחך מצרימה. [35] משה זה שהכחישו אותו באומרם: "מי שמך לשר ולשופט?" הוא זה ששלח אלוהים להיות שר וגואל בעזרת המלאך שנגלה אליו בסנה. [36] משה זה הוציא את העם ממצרים, עשה מופתים וניסים בארץ מצרים, בים סוף ובמדבר במשך ארבעים שנה. [37] משה זה אמר לבני ישראל: "אלוהים יקים לכם נביא מבין אחיכם, כמוני." [38] משה זה היה בקהל העם במדבר, כאשר דיבר אליו המלאך בהר סיני, וכאשר דיבר אל אבותינו. משה זה קיבל את דברי החיים כדי להעבירם לנו. [39] אבותינו לא רצו לשמוע בו, אלא דחו אותו והעדיפו לשוב למצרים. [40] הם אמרו לאהרון: "עשה לנו אלילים שילכו לפנינו, כי איננו יודעים מה קרה למשה, האיש שהוציא אותנו ממצרים." [41] באותם ימים עשו עגל, הקריבו זבח לאליל והתענגו על מעשי ידיהם. [42] אלוהים הפנה מהם את פניו, והניח להם לעבוד את צבא השמים, כפי שכתוב בספר הנביאים:

"בית ישראל, האם הקרבתם לי זבחים וקורבנות
במשך ארבעים שנה במדבר?
[43] לא, נשאתם את אוהל המולך ואת כוכב האל רפן,
את הצלמים שעשיתם כדי להשתחוות להם.
לכן אגלה אתכם בגלות מעבר לבבל."

[44] "אוהל העדות היה עם אבותינו במדבר, כפי שציווה אלוהים את משה לעשות אותו לפי הדגם שראה. [45] יהושע הביא את האוהל לארץ כנען, כאשר כבש את הארץ מידי העמים שגורשו מפני אבותינו. האוהל נשאר בארץ עד ימי דוד. [46] דוד מצא חן בעיני אלוהים וביקש לבנות משכן לאלוהי יעקב. [47] אך שלמה הוא זה שבנה את בית המקדש. [48] אבל אלוהים העליון אינו שוכן בבתים שבני אדם בונים, כפי שכתוב בספר הנביאים:

[49] "השמים הם כסאי, והארץ היא הדום רגלי.
איזה בית תבנו לי, אומר יהוה,
או איזה מקום יהיה מנוחתי?
[50] הרי כל אלה נעשו על ידי!"

[51] "עמי הקשה עורף, אתם ערלי לב ואוזן! אתם תמיד מתנגדים לרוח הקודש, כמו אבותיכם! [52] איזה נביא לא רדפו אבותיכם? הם הרגו את כל אלה שניבאו על בואו של הצדיק, שאתם עתה בגדתם בו ורצחתם אותו. [53] אתם קיבלתם את התורה שהעבירו לכם מלאכים, אך לא שמרתם אותה."

סטפנוס נרגם למוות

[54] כששמעו חברי המועצה את דברי סטפנוס, התמלאו כעס והחלו לחרוק שיניים כלפיו. [55] אך סטפנוס, שהתמלא רוח הקודש, הביט השמימה וראה את כבוד אלוהים ואת ישוע עומד לימין אלוהים. [56] "אני רואה את השמים פתוחים, ואת בן האדם עומד לימין אלוהים!" קרא סטפנוס. [57] אז צעקו חברי המועצה בקול גדול, סתמו את אוזניהם, ויחד הם רצו אליו. [58] הם גררו אותו החוצה מהעיר ורגמו אותו באבנים. העדים הניחו את בגדיהם לרגלי בחור צעיר בשם שאול. [59] בעודם רגמו את סטפנוס באבנים, הוא התפלל: "אדוני ישוע, קבל את רוחי!" [60] אחר כך כרע על ברכיו וקרא בקול גדול: "אדוני, אל תחשב להם את החטא הזה!" ואחרי שאמר זאת, מת.

שאול רודף את הכנסייה

8 שאול היה שותף מלא למעשה הרצח. באותו יום החלה רדיפה נמרצת נגד הכנסייה בירושלים, ומאמינים רבים נאלצו לברוח מהעיר ולהתפזר בכל רחבי יהודה ושומרון. [2] אנשים יראי אלוהים קברו את סטפנוס בכבוד והתאבלו עליו קשות. [3] שאול, לעומת זאת, הרס את הכנסייה: הוא נכנס לבתים, גרר משם גברים ונשים, והשליך אותם לכלא.

פיליפוס בשומרון

[4] המאמינים שנאלצו לברוח מירושלים הלכו לכל מקום והפיצו את הבשורה. [5] פיליפוס, למשל, הגיע לעיר שומרון והכריז שם על המשיח. [6] כל האנשים הקשיבו בתשומת לב לדבריו, כי ראו את המופתים שעשה. [7] רוחות טמאות יצאו מרבים מהאנשים שהיו בשליטתן, וקולן נשמע בצרחות. רבים מהמשותקים והצולעים נרפאו. [8] לכן שרר שמחה גדולה בעיר.

ואחזיה בן־עתליה ראה כי מת בית־אביו, ויקם ויעבד את־בית המלך ויקברהו כי אמר כי־בן־יהושפט הוא אשר־דרש את־יהוה בכל־לבבו. ויהי עתה לא־היה לבית אחזיה כח לשמור ממלכה.

איזבל נהרגת

מלכים ב ט:א-ל

א ואלישע הנביא קרא לאחד מבני הנביאים ויאמר אליו חגר מתניך וקח בידך את־פך השמן הזה והלך רמת גלעדה. ב וכאשר תבוא שמה וראית שם את־יהוא בן־יהושפט בן־נמשי ובאת והקמת אותו מתוך אחיו והבאת אותו אל־חדר בתוך החדר. ג ולקחת את־פך השמן ויצקת על־ראשו ואמרת כה אמר יהוה משחתיך למלך על־ישראל ופתחת הדלת ונסת ולא תחכה. ד וילך הנער הנער הנביא רמת גלעדה. ה וכאשר בא והנה שרי החיל יושבים ויאמר דבר־לי אליך שר. ויאמר יהוא אל־מי מכלנו. ויאמר אליך שר. ו ויקם ויבא הבית והוא יצק השמן על־ראשו ויאמר אליו כה אמר יהוה אלהי ישראל משחתיך למלך על־עם יהוה על־ישראל. ז והכית את־בית אחאב אדניך ונקמתי דמי עבדי הנביאים ודם כל־עבדי יהוה מיד איזבל. ח והאבד כל־בית אחאב והכרתי לאחאב משתין בקיר ועצור ועזוב בישראל. ט ונתתי את־בית אחאב כבית ירבעם בן־נבט וכבעשא בן־אחיה. י ואת־איזבל יאכלו הכלבים בחלקת יזרעאל ואין קבר ויפתח הדלת וינס.

יהוא מתמנה למלך

מלכים ב ט:ה-יג

יא ויהוא יצא אל־עבדי אדניו ויאמרו לו השלום באו המשוגע הזה אליך ויאמר אליהם אתם ידעתם את־האיש ואת־שיחו. יב ויאמרו שקר נא הגד־לנו ויאמר כה וכה דבר אלי לאמר כה אמר יהוה משחתיך למלך על־ישראל. יג וימהרו ויקחו איש את־בגדו ויתנו תחת־רגליו על־גבי המעלות ויתקעו בשופר ויאמרו מלך יהוא.

יהוא הורג את יהורם

מלכים ב ט:יד-כו

יד ויתקשר יהוא בן־יהושפט בן־נמשי על־יהורם וגו יהורם ושמר הוא ואל־כל־ישראל מפני חזאל מלך־ארם. טו והמלך יהורם שב להתרפא ביזרעאל מן־המכות אשר יכו־לו בנלחמו עם־חזאל מלך־ארם ויאמר יהוא אם־יש נפשכם אתי אל־תצא פליט מן־העיר ללכת להגיד ביזרעאל. טז ויהוא רכב ויסע יזרעאלה כי יהורם שכב שם ואחזיה מלך־יהודה ירד לראות ביהורם. יז והצפה עמד על־מגדל יזרעאל וירא את־כת יהוא בבאו ויאמר כת אני רואה ויאמר יהורם קח־רכב ושלח לקראתם ויאמר השלום. יח וילך רכב־הסוסים לקראתו ויאמר כה אמר המלך השלום ויאמר יהוא מה־לך ולשלום סב אחרי. ויגד הצפה לאמר בא־המלאך עד־אליהם ולא שב. יט וישלח רכב־סוסים שני ויבא אליהם ויאמר כה אמר המלך השלום ויאמר יהוא מה־לך ולשלום סב אחרי. כ ויגד הצפה לאמר בא עד־אליהם ולא שב והנהיגה כנהיגת יהוא בן־נמשי כי־בנהיגה ינהג. כא ויאמר יהורם אסר רכבו ויאסר רכבו ויצא יהורם מלך־ישראל ואחזיה מלך־יהודה איש ברכבו ויצאו לקראת יהוא ויפגעו אתו בחלקת נבות היזרעאלי. כב ויהי כראות יהורם את־יהוא ויאמר השלום יהוא ויאמר מה השלום עד־זנוני איזבל אמך וכשפיה הרבים. כג וישב יהורם את־ידיו וינס ויאמר אל־אחזיה מרמה אחזיה. כד ויהוא מלא כח את־ידו בקשת והכה את־יהורם בין כתפיו ויצא החץ מלבו ויכר ברכבו. כה ויאמר יהוא אל־בדקר שליש שא והשלכהו בחלקת שדה נבות היזרעאלי כי זכר אני אתך ואתה רכבים אחרי אביו משא עליו את־המשא הזה לאמר. כו אם־לא את־דמי נבות ואת־דמי בניו ראיתי אמש נאם־יהוה ושלמתי לך בחלקה הזאת נאם־יהוה ועתה שא והשלכהו בחלקה כדבר יהוה.

אתה לא מבין עדיין? [19c]" יט כשפרסתי חמשת הלחמים לחמשת אלפים,
כמה סלים מלאים של פירורים אספתם?" הם ענו: "שנים עשר." כ "וכשפרסתי
שבעת הלחמים לארבעת אלפים, כמה סלים מלאים של פירורים אספתם?"
הוא שאל. "שבעה." כא ואז הוא אמר להם: "עדיין לא אתם מבינים?"

ריפוי של עיוור

כב כשהגיעו לבית־צידה, הביאו לישוע עיוור והתחננו שיגע בו. כג הוא לקח
את העיוור בידו והוליך אותו אל מחוץ לכפר. אחר־כך ירק על עיניו של
העיוור, שם עליו את ידיו ושאל אותו: "האם אתה רואה משהו?" כד העיוור
הרים את עיניו ואמר: "אני רואה אנשים, אבל הם נראים לי כמו עצים
שהולכים." כה ישוע שם שוב את ידיו על עיניו של העיוור, והעיוור הביט
היטב. עיניו נפקחו, הוא נרפא ויכול היה לראות כל דבר בבירור. כו ישוע
שלח את האיש לביתו ואמר לו: "אל תחזור לכפר."

פטרוס מכריז שישוע הוא המשיח

מתי טז:יג-כ; לוקס ט:יח-כא

כז ישוע ותלמידיו יצאו לכפרי קיסריה שליד מבוע הירדן. בדרך שאל
את תלמידיו: "מי אומרים בני האדם שאני?" כח הם ענו: "יש האומרים
שאתה יוחנן המטביל, אחרים אומרים שאתה אליהו, ויש שחושבים שאתה
אחד הנביאים." כט "ומי אתם אומרים שאני?" שאל אותם. פטרוס ענה:
"אתה המשיח!" ל ישוע הזהיר אותם שלא יספרו לאיש על כך.

[19c] ח:יח ירמיהו ה:כא; יחזקאל יב:ב; מתי יג:יג

יוחנן על יסוד "ראו השה האלוהים, הנושא את חטאת העולם!" ׳ מעיד יוחנן: "ראיתי את הרוח יורד מן השמים כיונה, והוא נשאר עליו. ׳ לא הכרתי אותו, אבל האל ששלח אותי לטבול במים אמר לי: 'כאשר תראה את הרוח יורד ונשאר על אדם, הוא הוא זה שיטביל ברוח הקודש.' ׳ ראיתי זאת בעיני, ואני מעיד שזהו בן האל."

קריאת התלמידים הראשונים

יוחנן ׳:׳-׳׳; לוקס ׳:׳׳-׳׳

׳ למחרת עמד יוחנן שוב עם שני תלמידיו, ׳ וכשראה את ישוע הולך, אמר: "הנה השה האלוהים!" ׳ שני התלמידים שמעו את דבריו ופנו ללכת אחרי ישוע. ׳ ישוע הסתובב וראה אותם הולכים אחריו, ושאל: "מה אתם מבקשים?" הם ענו: "רבי, היכן אתה גר?" ׳ הוא השיב: "בואו וראו." הם הלכו אתו וראו היכן הוא גר, והישארו אצלו כל אותו היום. היה זה בערך בשעה עשר בבוקר.

׳ אחד משני התלמידים ששמעו את יוחנן ופנו ללכת אחרי ישוע היה אנדריאס, אחיו של שמעון כיפא. ׳ אנדריאס מצא תחילה את אחיו שמעון, ואמר לו: "מצאנו את המשיח!" ׳ ואנדריאס הביא את שמעון אל ישוע. ישוע הביט בשמעון ואמר: "אתה שמעון בן יונה, אך תיקרא כיפא."

קריאת פיליפוס ונתנאל

יוחנן ׳:׳׳-׳׳; לוקס ׳:׳׳-׳׳

׳ למחרת החליט ישוע ללכת לגליל, ומצא את פיליפוס מבית צידה, עיר מולדתם של אנדריאס ושמעון כיפא. ׳ ישוע אמר לפיליפוס: "בוא אחרי!" ׳ פיליפוס מצא את נתנאל ואמר לו: "מצאנו את מי שמשה כתב עליו בתורה, ואת מי שהנביאים כתבו עליו: ישוע בן יוסף מנצרת." ׳ נתנאל ענה: "האם יכול להיות שמנצרת יבוא משהו טוב?" פיליפוס השיב: "בוא וראה בעצמך."

ואמרתי להם שאליהו אכן בא קודם ועושה הכול כמו שכתוב
עליו."

ט [1]ואמר להם עוד: "אמת אני אומר לכם, יש כאן עומדים
כמה שלא ימותו עד שיראו את מלכות האלוהים באה בכוח."

ישוע משתנה בהר

מתי יז:א-יג; לוקס ט:כח-לו

[2]שישה ימים אחר כך לקח ישוע את פטרוס ואת יעקב ואת
יוחנן ועלה איתם להר גבוה. שם הוא השתנה לפניהם.
[3]בגדיו הפכו לבנים מאוד, לבנים יותר מכל כובס בעולם.
[4]ואז הופיעו לפניהם אליהו ומשה, והם שוחחו עם ישוע.
[5]פטרוס אמר לישוע: "רבי, טוב שאנחנו כאן! בוא ונבנה
שלושה מבנים: אחד בשבילך, אחד בשביל משה ואחד
בשביל אליהו." [6]הוא לא ידע מה לומר, כי כולם היו
מבוהלים מאוד. [7]ואז ענן ירד וכיסה אותם, ומתוך הענן
נשמע קול: "זה בני האהוב, שמעו לו!" [8]ופתאום כשהסתכלו
סביבם, לא ראו עוד אף אחד חוץ מישוע לבדו.

[9]בדרך חזרה מההר אסר עליהם ישוע לספר לאיש את
מה שראו עד שבן האדם יקום לתחייה מן המתים. [10]הם
שמרו את הדבר בסוד, אך שאלו זה את זה מה פירוש
"לקום לתחייה מן המתים". [11]ואז שאלו את ישוע: "מדוע
מלמדי התורה אומרים שאליהו חייב לבוא לפני
שהמשיח יבוא?"

[12]ישוע ענה: "אליהו אכן בא לפני כן כדי להכין את

[12] ויען הוא ויאמר אליהם: "אליהו אמנם יבוא ראשונה
ומשיב את כל הדברים. וכתוב הוא על בן האדם
כי יסבול רבות ויבזה. [13] אבל אני אומר לכם
כי אליהו כבר בא ועשו לו כל אשר חפצו,
כאשר כתוב עליו."

הנער בעל הרוח הטמאה

מתי י״ז:י״ד-כ״א; לוקס ט׳:ל״ז-מ״ג

[14] כאשר הגיעו אל התלמידים ראו המון גדול
מקיף אותם וסופרים מתווכחים עמם. [15] כל העם
כאשר ראו את ישוע נדהמו מאוד ורצו לקראתו
לשאול מה בינו לבין התלמידים. [16] ויאמר אליהם,
מה אתם מתווכחים עמם? [17] ויען אחד מן ההמון
ויאמר: "רבי, הבאתי אליך את בני אשר רוח
אלם בו. [18] ובכל אשר יתפוש אותו יפילנו ארצה,
והוא מקציף ושורק בשיניו ונמוג. אמרתי לתלמידיך
לגרשו ולא יכלו." [19] ויען להם ויאמר: "הו דור
כפור! עד מתי אהיה עמכם? עד מתי אסבול
אתכם? הביאו אותו אלי." [20] ויביאו אותו אליו.
וכאשר ראה ישוע את הרוח הטמאה מיד החל
הנער להתפתל, ויפול ארצה ויתגלגל ויקציף.
[21] וישאל ישוע את אביו: "כמה זמן עבר מאז
אשר החל לו כך?" ויען: "משנולד. [22] לעתים
קרובות הפילו אל האש ואל המים להאבידו.
אבל אם אתה יכול משהו, עזרנו וחמול עלינו."
[23] ויאמר אליו ישוע: "אם תוכל! הכל יכול

اور شاگرد بھی یہی کہتے تھے۔ ۲۴ مگر اُس باپ نے فوراً چلا کر کہا، "میں ایمان رکھتا ہوں۔ میری بے ایمانی پر مدد کر!" ۲۵ جب یسوع نے دیکھا کہ لوگ دوڑ کر جمع ہو رہے ہیں، تو اُس نے ناپاک روح کو یہ کہہ کر ڈانٹا، "اے گونگی اور بہری روح، میں تجھے حکم دیتا ہوں کہ اِس میں سے نکل جا اور پھر کبھی اِس میں داخل نہ ہونا!" ۲۶ تب روح چلا کر اور لڑکے کو بہت مروڑ کر نکل گئی۔ لڑکا مُردہ سا ہو گیا، یہاں تک کہ بہت سے لوگ کہنے لگے، "وہ مر گیا ہے!" ۲۷ لیکن یسوع نے اُس کا ہاتھ پکڑ کر اُسے اُٹھایا، اور وہ کھڑا ہو گیا۔ ۲۸ پھر جب یسوع گھر میں داخل ہوا تو اُس کے شاگرد الگ میں اُس سے پوچھنے لگے، "ہم اُسے کیوں نہ نکال سکے؟" ۲۹ اُس نے جواب دیا، "اِس قسم کی روح کو دُعا کے سوا کسی اَور طریقے سے نہیں نکالا جا سکتا۔"

یسوع اپنی موت کی پیشگوئی دوسری بار کرتا ہے

متی ۱۷:۲۲-۲۳؛ لوقا ۹:۴۳-۴۵

۳۰ پھر وہ وہاں سے روانہ ہوئے اور گلیل سے گزرتے رہے۔ یسوع نہیں چاہتا تھا کہ کسی کو پتا چلے کہ ہم کہاں ہیں۔ ۳۱ اُس نے اپنے شاگردوں کو خاص طور پر تعلیم دی۔ اُس نے اُن سے کہا، "ابنِ آدم کو انسانوں کے حوالے کیا جائے گا، اور وہ اُسے مار ڈالیں گے۔ لیکن تین دن کے بعد وہ جی اُٹھے گا۔" ۳۲ لیکن اُنہیں اُس کی یہ بات سمجھ نہ آئی، اور وہ اُس سے پوچھنے سے ڈرتے تھے۔

سب سے بڑا کون؟

متی ۱۸:۱-۵؛ لوقا ۹:۴۶-۴۸

۳۳ پھر وہ کفرناحوم آئے۔ جب یسوع گھر میں تھا تو اُس نے اُن سے پوچھا، "راستے میں تم کس بات پر بحث کر رہے تھے؟" ۳۴ لیکن اُنہوں نے کوئی جواب نہ دیا، کیونکہ راستے میں وہ آپس میں اِس بات پر بحث کر رہے تھے کہ ہم میں سب سے بڑا کون ہے۔

ויהי מת בחור זה ויביאו אותו לקבורה ויקח את אביו ואת אמו ואת אחיו, וילכו
אחריו. [35] ויבא אל הבית, ויבא גם הוא ויקח את הבחור ויוציאהו החוצה
ויאמר: "אם בכיתי אני את בני, או שדמעותי זלגו על לחיי, הנה אין זה
מעשה אלהים. [36] ואם אמרתי אני כי אלהים הוא בני, הנה אין זה אלא
מעשה אלהים." [37] ויען ויאמר: "אלהים הוא בני, ואם אמרתי כי אלהים הוא
בני, הנה לא אמרתי כי אם אמת. ואם אין זה אמת, הנה אין זה אלא
מעשה אלהים."

הבחור הנכה והאיש

מרקוס ט:מא-נ

[38] ויען ויאמר: "בני, שמע נא אלי כי הוא בני יחידי, ואשר יש לי רק הוא
לבדו. [39] ויאמר אלי: הנה אין אני יודע כי אם אמת כי אין אני יודע: כי
בכל עת אשר יתפשהו הוא יצעק פתאם ויקרעהו ויחבלהו ויסיר את רגליו
ממנו בקושי. [40] ואמר אל תלמידיך כי יגרשו אותו, ולא יכלו. [41] ויען אלהים
ויאמר: הן עתה אני אלך אל בני ואשוב אליכם, ואז אראה אם יש בכם
אמונה אמיתית אם לא." [42] ויהי בעת אשר בא הבחור אל אלהים ויפל ארצה
ויתגלגל לפניו. [43] ויגער אלהים ברוח הטמאה ויתרפא הבחור ויקם על רגליו
ויהי כאיש בריא. [44] ויאמר אלהים אל תלמידיו: שמעו נא את אשר אני

ויהי בהשמע ישוע אליו ויאמר לו. "חסר לך אחת. לך את כל אשר לך ומכור ותן לעניים ויהי לך אוצר בשמים ובוא הנה ואחרי כן קח את הצלב ולך אחרי." [٤٢] ויהי בשמע האיש את הדבר ויעצב מאד כי עשיר גדול היה. [٤٣] ויאמר ישוע אל תלמידיו. "אמן אמן אומר אני לכם כי קשה יהיה לעשיר לבוא בשערי מלכות השמים. [٤٤] ואומר אני לכם כי יקל יותר לגמל לעבור בחור המחט מאשר לעשיר לבוא במלכות השמים." [٤٥] ויתמהו התלמידים מאד ויאמרו איש אל רעהו. "מי יוכל אפוא להנצל?" [٤٦] ויבט ישוע אליהם ויאמר. "אצל בני האדם אי אפשר אבל לא אצל האלהים כי הכל אפשר לאלהים." [٤٧] ויען פטרוס ויאמר אליו. "הנה עזבנו הכל ונלך אחריך." [٤٨] ויען ישוע ויאמר. "אמן אומר אני לכם כי אין איש אשר עזב בית או אחים או אחיות או אב או אם או אשה או בנים או שדות בעבורי ובעבור הבשורה [٤٩] כי אם יקבל מאה כפולה עתה בעת הזאת בתים ואחים ואחיות ואמהות ובנים ושדות ובסוף הימים יקבל חיי עולם. [٥٠] ורבים הראשונים יהיו אחרונים והאחרונים יהיו ראשונים."

ישוע מנבא על מותו

מרקוס י:לב-מה

י [١] ויקומו משם וילכו אל גבול יהודה ועבר הירדן ויתקבצו אליו עוד המון עם ויהי כמנהגו ויורם עוד. [٢] ויגשו אליו הפרושים וינסו אותו באמרם. "האם מותר לאיש לגרש את אשתו?" [٣] ויען ויאמר אליהם. "מה צוה אתכם משה?" [٤] ויאמרו. "משה התיר לכתוב ספר כריתות ולשלח." [٥] ויען ישוע ויאמר אליהם. "בגלל קשי לבבכם כתב לכם את המצוה הזאת. [٦] אבל מראשית הבריאה זכר ונקבה עשה אותם האלהים. [٧] על כן יעזוב האיש את אביו ואת אמו ודבק באשתו. [٨] והיו שניהם לבשר אחד ולא שנים כי אם בשר אחד. [٩] אשר אפוא חבר האלהים אל יפרידנו האדם."

---

[d] ٩:٤٨ דברים ٢٤:٦٦ [e] ١٠:٤ שמות ٢٠:١٤ [f] ١٠:٦ בראשית ١:٢٧

ז "אלישע בא עד דמשק, ובן הדד מלך ארם חלה,[g] ויגד לו לאמר
איש האלהים בא עד הנה. ח "ויאמר המלך אל חזאל, קח בידך מנחה
ולך לקראת איש האלהים, ודרשת את יהוה מעליו לאמר: החיה
אחיה ממחלתי זאת? ט "וילך חזאל לקראתו, ויקח מנחה בידו וכל
טוב דמשק משא ארבעים גמל, ויבא ויעמד לפניו, ויאמר: בנך בן
הדד מלך ארם שלחני אליך לאמר: החיה אחיה ממחלתי זאת?
י "ויאמר אליו אלישע: לך אמר אליו: חיה תחיה, והראני יהוה כי
מות ימות. יא "וישם פניו וישם עד בוש, ויבך איש האלהים.
יב "ויאמר חזאל: מדוע אדני בוכה? ויאמר: כי ידעתי את הרעה
אשר תעשה לבני ישראל, מבצריהם תשלח באש ובחוריהם בחרב
תהרג ועלליהם תרטש והרותיהם תבקע. יג "ויאמר חזאל: כי מה
עבדך הכלב כי יעשה את הדבר הגדול הזה? ויאמר אלישע: הראני
יהוה אתך מלך על ארם. יד "וילך מעם אלישע ויבא אל אדניו,
ויאמר אליו: מה אמר לך אלישע? ויאמר: אמר לי, החיה תחיה.
טו "ויהי ממחרת ויקח את המכבר וישרך על פניו, וימת; וימלך
חזאל תחתיו.

יהורם מלך יהודה

מלכים ב ח:טז-כד; דברי הימים ב כא:ה-כ

טז "ובשנת חמש ליורם בן אחאב מלך ישראל, ויהושפט עודנו מלך
יהודה, מלך יהורם בן יהושפט מלך יהודה. יז "בן שלשים ושתים
שנה היה במלכו, ושמונה שנים מלך בירושלם. יח "וילך בדרך
מלכי ישראל כאשר עשו בית אחאב, כי בת אחאב היתה לו לאשה,
ויעש הרע בעיני יהוה. יט "ולא אבה יהוה להשחית את יהודה,
למען דויד עבדו, כאשר אמר לתת לו נר לו ולבניו כל הימים.
כ "בימיו פשעה אדום מתחת יד יהודה, וימליכו עליהם מלך.
כא "ויעבר יורם צעיר ואת כל הרכב עמו, ויהי הוא קם לילה
ויך את אדום הסבב עליו ואת שרי הרכב, והעם נס לאהליו.
כב "ופשעה אדום מתחת יד יהודה עד היום הזה. אז פשעה לבנה
באותו עת. כג "ויתר דברי יורם וכל אשר עשה, הלא הם כתובים
על ספר דברי הימים למלכי יהודה. כד "וישכב יורם עם אבתיו

---

[g] ח:ז ואלישע ב:כד

וכלכלתם?" [18] ויענה אליו ותאמר: "מתמנית אשר אמנה לכי? הן אלמנה
אני ובעלי זקן. [19] "ותמנתי את מנחתי: כי איעז, כי לחמה, כי שלחה, כי
אשיר ושמחה בבכלי, כי אתאה, ואעמד לפניכם ותחנוני.[h] " [20] ויענה
אליו הוא ותאמר: "אמלקה, אין כזאת שמעתי מי אגדבה." [21] ותגד
אליה לאמר: "אבי מנחם הוא אבי ותמנת שמו ואמי ואחיותי אלי
ואשיר בשמחה ואתאה ואעמד לפניהם. ואלך אני אחרי אשר אמרתי,
ואראה את אשר אבי מנחם הולך לפני ואחיותי אחרי. [22] ותגד הוא
אמרה אלי לאמר, ותראני את אשר אני הולך לפניהם ואחיותי אחרי.
[23] ויאמר אלי אבי מנחם ואמי ותמנת ואחיותי ישמו: "אמת אשר
אלך אבוא אשר ואעמד בשערי אשר אמרתי." [24] ותגד אלי אבי
ואמי ותמנת ואחיותי אשר אלך אשר אני הולך אבוא אשר ואעמד
ואחיותי ישמו: "אמתי, אמת אשר אלך אבוא אשר אני הולך אשר
ואעמד בשערי אשר אמרתי." [25] "אמת אשר אלך אשר אעמד
בשערי אשר אמרתי. [26] ואחיותי אשר אלך אשר אעמד בשערי אשר
אמרתי תשמח בשמחי אין אשר אלך אשר אעמד בשערי." [27] ותגד
אבי מנחם אלי ואמי ותמנת ואחיותי ישמו: "שמעתי לי אשר אמרתי הן,
אלך אשר אעמד בשערי אשר אמרתי." [28] ויענה אליו ויאמר אלי:
"הן אשר אמרתי לי אלך אשר אמרתי לי תאמרי." [29] ויענה אבי
ואמי ותמנת ואחיותי ישמו: "אמרתי לי אלך, אלך ואתי אמרתי אשר, לי
אשמרתי לי שאלתי, לי תתי לי ידי לי אמרי, לי אמתי לי ואמתי,
ואת אמרתי לי ואמרתי אלי, [30] "אי אמרתי אמר אמרי אתי הלך, אתי
ואת אמרתי אלי ואמרתי אלי, לי אמרתי אלי ואמרתי לי אמרתי,

---

[h] ١٠:١٩ מכאן עד ٢٠:١٢-١٦; ٨ם ואילך ٥:١٦-٢٠

בשר ודם יהיה בלבכם. [31] ״וכל בית ישראל בשר ודם יקראו, ויגידו בשר
ודמיהם.״

מלאכי הבית שהם הכהנים והלויים

ישעיה ל״ב:י״ז-י״ט; ירמיה ל״א:ל״ג-ל״ד

[32] כך יאמר ה׳ צבאות, אלהי ישראל, אם לא תהיה בריתי
ויומם את יום ולילה את לילה לא תהיינה. [33] אז גם זרע יעקב
ודוד עבדי ימאס, מלהיות מושל מזרעו על זרע אברהם יצחק
ויעקב. כי אשיב את שבותם ורחמתים. [34] ״ואתה בן אדם, קח לך
לבנה אחת וכתוב עליה שתי מקלות, והיו לאחד בידך. ואמרו
אליהם כה אמר ה׳ אלהים: הנה אני לוקח את מקל יוסף אשר
ביד אפרים ושבטי ישראל חבריו ונתתי אותם עליו את מקל
יהודה ועשיתים עץ אחד והיו אחד בידי.״

הבטחת הגאולה

ישעיה נ״ב:י״ג-נ״ג

[35] הנה ישכיל עבדי, ירום ונשא וגבה מאד. כאשר שממו עליך
רבים, כן משחת מאיש מראהו ותארו מבני אדם. [36] כן יזה גוים
רבים עליו יקפצו מלכים פיהם כי אשר לא סופר להם ראו
ואשר לא שמעו התבוננו. [37] מי האמין לשמעתנו וזרוע ה׳ על מי
נגלתה? [38] ויעל כיונק לפניו וכשורש מארץ ציה לא תאר לו
ולא הדר ונראהו ולא מראה ונחמדהו. נבזה ונחדל אישים איש
מכאובות וידוע חולי וכמסתר פנים ממנו נבזה ולא חשבנהו.
אכן חלינו הוא נשא ומכאובינו סבלם ואנחנו חשבנהו נגוע מכה
אלהים ומענה. [39] והוא מחולל מפשעינו מדכא מעוונתינו מוסר
שלומנו עליו ובחבורתו נרפא לנו. כלנו כצאן תעינו איש לדרכו

ואת שמאלי, ٤٠ "אבל הישיבה ליד ימיני או שמאלי לא שלי לתת, אלא לאלה שהוכן להם."

٤١ כשעשרת האחרים שמעו את זה, הם התחילו להתרעם על יעקב ויוחנן. ٤٢ ישוע קרא אליו את כולם ואמר: "אתם יודעים שאלה שנחשבים למנהיגים בעמים שולטים עליהם בכוח, והגדולים שלהם משתמשים בסמכותם כדי לדכא אותם. ٤٣ אבל לא כך יהיה ביניכם. כל מי שרוצה להיות גדול ביניכם יהיה משרת שלכם, ٤٤ וכל מי שרוצה להיות ראשון ביניכם יהיה עבד של כולם. ٤٥ כי גם בן האדם לא בא כדי שישרתו לו, אלא כדי לשרת ולתת את חייו כפדיון עבור רבים."

ישוע מרפא את בר-טימי

מתי ٢٠:٢٩-٣٤; לוקס ١٨:٣٥-٤٣

٤٦ הם הגיעו לעיר יריחו. כשישוע ותלמידיו יצאו מהעיר עם קהל גדול, בר-טימי, שפירושו בן-תמאי, ישב ליד הדרך וקיבל נדבות. ٤٧ כששמע שישוע הנצרתי עובר שם, הוא התחיל לצעוק: "ישוע, בן דוד, רחם עלי!" ٤٨ רבים נזפו בו ואמרו לו לשתוק, אבל הוא צעק עוד יותר: "בן דוד, רחם עלי!"

٤٩ ישוע עצר ואמר: "קראו לו." אנשים קראו לעיוור ואמרו לו: "תהיה בשמחה, קום, הוא קורא לך." ٥٠ הוא השליך את גלימתו, קפץ על רגליו והלך אל ישוע. ٥١ ישוע שאל אותו: "מה אתה רוצה שאעשה לך?" העיוור ענה: "רבוני, שאראה שוב!" ٥٢ ישוע אמר לו: "לך, האמונה שלך הצילה אותך." ומיד הוא ראה שוב, והלך אחרי ישוע בדרך.

"אֱלֹהַי, אֱלֹהַי, לָמָה עֲזַבְתָּנִי?" הוּא הִתְפַּלֵּל בְּקוֹל רָם.
הַמְּלָאכִים הָיוּ שָׁם וְשָׁרְתוּ לוֹ.

כְּנִיסָתוֹ הַמְּנֻצַּחַת לִירוּשָׁלַיִם

מתי ٢١:١-١١; לוקס ١٩:٢٨-٤٠; מרקוס ١٢:١٢-١٩

١١ [١] כַּאֲשֶׁר הִתְקָרְבוּ אֶל יְרוּשָׁלַיִם, אֶל בֵּית פָּגֵי וּבֵית עַנְיָה
לְיַד הַר הַזֵּיתִים, שָׁלַח יֵשׁוּעַ שְׁנַיִם מִתַּלְמִידָיו, [٢] וְאָמַר לָהֶם:
"לְכוּ אֶל הַכְּפָר שֶׁלְּפָנֵיכֶם, וּמִיָּד כְּשֶׁתִּכָּנְסוּ בּוֹ תִּמְצְאוּ
עַיִר קָשׁוּר שָׁם, אֲשֶׁר עוֹד לֹא רָכַב עָלָיו אִישׁ. הַתִּירוּ אֹתוֹ
וְהָבִיאוּ אֹתוֹ. [٣] וְאִם יֹאמַר לָכֶם אִישׁ: 'מַדּוּעַ אַתֶּם עוֹשִׂים
זֹאת?' אִמְרוּ: 'הָאָדוֹן זָקוּק לוֹ, וְיַחֲזִירֶנּוּ מִיָּד הֵנָּה.'" [٤] וַיֵּלְכוּ
הַשְּׁנַיִם וּמָצְאוּ אֶת הָעַיִר קָשׁוּר לְיַד הַדֶּלֶת בַּחוּץ, בְּצוֹמֶת
הַדְּרָכִים, וַיַּתִּירוּ אֹתוֹ. [٥] וְכַמָּה מֵהָעוֹמְדִים שָׁם אָמְרוּ אֵלֵיהֶם:
"מַה אַתֶּם עוֹשִׂים? לָמָּה אַתֶּם מַתִּירִים אֶת הָעַיִר?" [٦] וְהֵם
עָנוּ לָהֶם כַּאֲשֶׁר צִוָּה אֶתְהֶם יֵשׁוּעַ, וַיַּנִּיחוּ לָהֶם לָקַחַת אֶת
הָעַיִר. [٧] וַיָּבִיאוּ אֶת הָעַיִר אֶל יֵשׁוּעַ וַיָּשִׂימוּ עָלָיו אֶת
בִּגְדֵיהֶם, וַיֵּשֶׁב עָלָיו. [٨] וְרַבִּים מִן הָעָם פָּרְשׂוּ אֶת בִּגְדֵיהֶם
עַל הַדֶּרֶךְ, וְאֲחֵרִים קָצְרוּ עֲנָפִים מִן הָעֵצִים וְהִשְׁלִיכוּם עַל
הַדֶּרֶךְ. [٩] וְאֵלֶּה אֲשֶׁר הָלְכוּ לְפָנָיו וְאֵלֶּה אֲשֶׁר בָּאוּ אַחֲרָיו
הָיוּ צוֹעֲקִים בְּקוֹל רָם: "הוֹשַׁע נָא! בָּרוּךְ הַבָּא בְּשֵׁם יְהוָה!
[i] [١٠] בָּרוּךְ הַבָּא מַלְכוּת אָבִינוּ דָּוִד! הוֹשַׁע נָא!" [١١] וַיָּבֹא יֵשׁוּעַ
אֶל יְרוּשָׁלַיִם וַיִּכָּנֵס אֶל הַמִּקְדָּשׁ, וַיִּתְבּוֹנֵן בְּכָל הַנִּמְצָא שָׁם
סָבִיב, וְכִי כְבָר הָיְתָה הַשָּׁעָה מְאֻחֶרֶת וְהָעֶרֶב יָרַד, וַיֵּצֵא
עִם שְׁנֵים עָשָׂר תַּלְמִידָיו אֶל בֵּית עַנְיָה.

---

[i] ١١:٩ תהלים ١١٨:٢٥-٢٦

בחכמה שלו בנה בית, והקים את עמודיו שבעה. בשבח החכם
מתגאה בעושרו.

משל נוסף

מכה ٢١:١٨-١٩

١٢ הנה משל נוסף, משל שמתאים לאלה שחושבים שהם
חכמים, בני. שמע את דברי והשתמש בהם. ١٣ אם אתה
מחפש את האמת, אם אתה רוצה לדעת את הדרך הנכונה
לחיות, אם אתה רוצה לדעת מה נכון ומה לא נכון, בני
היקר, אם אתה רוצה לדעת את כל זה, שים לב למה
שאומרים החכמים. ١٤ אומרים החכמים: "אל תתנהג
כמו אחד מהאנשים הטיפשים שחושבים שהם יודעים
הכול." אומרים החכמים.

משל נוסף נוסף

מכה ٢١:١٢-١٧; לוקס ١٩:٤٥-٤٨; משלי ٢:١٣-٢٢

١٥ אם אתה רואה אדם שמתעלם מהחוקים של
האלוהים, ומתנהג כאילו הוא יכול לעשות כל מה שבא
לו, ١٦ אל תתפלא. יש אנשים שחושבים שהם יודעים
הכול, אבל הם לא יודעים את האמת. ١٧ אומרים החכמים:
"כל מי שמתנהג כך, כל מי שלא מקשיב לאלוהים, כל
מי שחושב שהוא יודע הכול, כל מי שלא מוכן לשמוע
עצות מאחרים, כל מי שחושב שהוא יודע יותר מכולם,
אותו אדם אפשר לקרוא 'טיפש'." ١٨k אומרים החכמים:
"אל תתנהג כמו אחד מהאנשים הטיפשים שחושבים
שהם יודעים הכול." ١٩j אומרים החכמים: "אל תתנהג
כמו אחד מהאנשים הטיפשים שחושבים שהם יודעים
הכול, כי אם תתנהג כך, אתה עלול לגרום לאנשים
אחרים לחשוב שאתה טיפש."

---

j١٧:١١ דברים ٥٦:٧ k١٧:١١ משלי ٧:١١

כאשר, בבוקר יום אחד, עברו על פני התאנה, ראו שהיא יבשה [19] ומשה
לשרשיה. [20] בבוקר למחרת, כשעברו על פני התאנה, ראו שהיא יבשה
לשרשיה. [21] פטרוס נזכר בדבר ואמר לו: "רבי, תראה! התאנה שקיללת
יבשה!" [22] ישוע ענה להם: "תהיה לכם אמונה באלוהים. [23] אמן אני
אומר לכם, כל מי שיגיד להר הזה: 'עקור משורשיך והתמוטט לים', ולא
יפקפק בליבו, אלא יאמין שמה שהוא אומר יתגשם, הדבר יקרה לו.
[24] לכן אני אומר לכם: כל מה שתבקשו בתפילה, תאמינו שכבר קיבלתם
אותו, והדבר יקרה לכם. [25] וכאשר אתם עומדים להתפלל, סלחו לכל
מי שחטא נגדכם, כדי שאבי שבשמים יסלח גם לכם על חטאיכם."
[26] [אך אם אינכם סולחים, אבי שבשמים לא יסלח לכם על חטאיכם."]

סמכות ישוע מוטלת בספק

מתי 21:23-27; לוקס 20:1-8

[27] הם הגיעו שוב לירושלים, ובעודו מטייל במקדש ניגשו אליו ראשי
הכוהנים, חכמי התורה והזקנים, [28] ושאלו אותו: "באיזו סמכות אתה
עושה את הדברים האלה? מי נתן לך את הסמכות לעשות זאת?" [29] ישוע
ענה להם: "אשאל גם אני אתכם שאלה אחת, ואם תענו לי עליה, אגיד לכם
באיזו סמכות אני עושה את הדברים האלה. [30] האם יוחנן קיבל את
סמכותו לטבול אנשים מהשמים או מבני אדם? ענו לי!" [31] הם התייעצו
ביניהם ואמרו: "אם נגיד שמהשמים, הוא יגיד לנו: 'אז למה לא האמנתם

אמיתי שהוא בן דוד שלי. ל״ז אפילו דוד מכנה אותו ״אדוני״, אז איך הוא יכול להיות בן שלו?״ ל״ח ואז הוא המשיך ללמד את העם: ״תיזהרו מהמורים של התורה! הם אוהבים ללכת עם בגדים ארוכים ולקבל ברכות מיוחדות כשהם נכנסים לבתי הכנסת. ל״ט הם אוהבים את המקומות הכבודים בבתי הכנסת ובמסיבות. מ הם אוכלים את הבתים של אלמנות עניות, ואחר כך מתפללים תפילות ארוכות כדי להראות לכולם כמה הם צדיקים. הם יקבלו עונש נורא!״

הנדבה של האלמנה העניה

מ״א יז:ח-טז; מרקוס יב:מא-מד

יב א ישוע ישב מול הקופות בבית המקדש וראה איך האנשים שמים כסף. עשירים רבים נתנו סכומים גדולים. ב אבל אז הגיעה אלמנה עניה ונתנה שתי מטבעות קטנות מאוד. ג ישוע אמר לתלמידים: ״אני אומר לכם את האמת: האלמנה העניה הזאת נתנה יותר מכל האנשים האחרים. ד כולם נתנו מהכסף שהיה להם בשפע, אבל היא נתנה מהכסף שהיה לה כדי לחיות. היא נתנה את כל הכסף שהיה לה.״

---

[1] יב:א מרקוס יב:א-ב

ואז הוא אמר להם: "אליהו אכן בא קודם כדי להכין את הכול.
אבל איך כתוב על בן האדם? שהוא יסבול הרבה ויידחה.
אבל אני אומר לכם שאליהו כבר בא,
ועשו לו כל מה שרצו,
כמו שכתוב עליו."

הילד המשוגע

מתי יז:יד-כא; לוקס ט:לז-מג

[14] כשהגיעו אל שאר התלמידים, הם ראו המון גדול מקיף אותם,
ומורי דת מתווכחים איתם. [15] כשכל האנשים ראו את ישוע,
הם התפעלו מאוד ורצו לברך אותו. [16] הוא שאל את התלמידים:
"על מה אתם מתווכחים?"

[17] אחד האנשים ענה: "רבי, הבאתי אליך את הבן שלי,
כי רוח מטמטמת מנעה ממנו לדבר.
[18] כל פעם שהרוח תופסת אותו, היא מפילה אותו ארצה,
והוא מקציף, חורק בשיניים ונהיה נוקשה.
ביקשתי מהתלמידים שלך לגרש את הרוח,
אבל הם לא הצליחו."

[19] ישוע ענה: "אנשים שאינם מאמינים! עד מתי אהיה איתכם?
עד מתי אצטרך לסבול אתכם?
הביאו אותו אלי!"

[20] אז הביאו את הילד אל ישוע.
כשהרוח ראתה את ישוע, היא גרמה לילד להתפתל על הקרקע,
והוא קצף מהפה.

[21] ישוע שאל את אבי הילד: "כמה זמן זה קורה לו?"
האב ענה: "מאז שהיה תינוק.
[22] הרוח הרעה הפילה אותו לעתים קרובות לתוך אש או מים
כדי להרוג אותו.
אבל אם אתה יכול לעשות משהו, בבקשה עזור לנו!
תרחם עלינו!"

[23] ישוע ענה: "מה זאת אומרת 'אם אני יכול'?
הכול אפשרי למי שמאמין!"

---

[m] ט:יא מלאכי ד:ה-ו

התנגדות הצדוקים

מתי ٢٢:٢٣-٣٣; לוקס ٢٠:٢٧-٤٠

[١٨] ואז באו אליו הצדוקים, שאומרים שאין תחיית המתים,
ושאלו אותו: [١٩] "רבי, משה כתב לנו
שאם אח של אדם מת והשאיר אחריו אשה אך לא ילדים,
אחיו צריך לשאת את אשתו ולהקים צאצאים לאחיו.
[٢٠] היו שבעה אחים. הבכור נשא אשה ומת בלי ילדים.
[٢١] השני נשא את האשה ומת גם הוא בלי ילדים.
השלישי עשה כמוהו. [٢٢] כך כל שבעת האחים נשאו את האשה
ומתו בלי ילדים. לבסוף מתה גם האשה. [٢٣] בתחיית המתים,
כשהם יקומו לחיים, של מי תהיה האשה? כולם נשאו אותה."

[٢٤] ישוע ענה להם: "אתם טועים כי אינכם מכירים את הכתובים
ואת כוחו של אלוהים. [٢٥] כשהמתים יקומו לחיים,
לא יינשאו ולא תינשאנה, אלא יהיו כמלאכים בשמים.
[٢٦] ובנוגע לעובדה שהמתים יקומו לחיים, הלא קראתם
בספר משה על הסנה הבוער, איך אלוהים אמר למשה:
'אני אלוהי אברהם, אלוהי יצחק ואלוהי יעקב'? [٢٧] הוא אינו
אלוהי המתים, אלא אלוהי החיים. אתם טועים מאוד."

מרקוס ١٢:١٩ח ומקבילות מת ٢٢:٢٥ו שמות ٣:٦ מקבילות ١٢:٢٦ו

האיש הכי חשוב

מתי ٢٢:٣٤-٤٠; לוקס ١٠:٢٥-٢٨

٢٨ אחד מהמורים של התורה שמע את הוויכוח ביניהם. הוא ראה
שישוע ענה היטב לשאלות הקשות, וניגש אליו ושאל: "איזו מצווה
מכל המצוות היא החשובה ביותר?" ٢٩ ישוע ענה: "הראשונה היא:
'שמע, ישראל, יהוה אלוהינו, יהוה אחד הוא. ٣٠ אהבת את יהוה
אלוהיך בכל לבך, בכל נפשך, בכל מחשבתך ובכל כוחך.' ٣١ השנייה
היא: 'אהבת את חברך כמו את עצמך.' אין מצווה אחרת שחשובה
יותר מאלה." ٣٢ המורה אמר לו: "נכון מאוד, רבי, אתה צודק כשאתה
אומר שיהוה הוא האחד, ואין אחר מלבדו. ٣٣ אהבת אותו בכל לבך,
בכל הבנתך ובכל כוחך, ואהבת את חברך כמו את עצמך – זה חשוב
יותר מכל הקורבנות והזבחים שמקריבים בבית המקדש." ٣٤ כשישוע
שמע שהאיש ענה בחוכמה, הוא אמר לו: "אתה לא רחוק מלהיות
חבר בממלכת האלוהים." ואחרי זה לא העז אף אחד לשאול את ישוע
עוד שאלות.

בן דוד או אדון?

מתי ٢٢:٤١-٤٦; לוקס ٢٠:٤١-٤٤

٣٥ כשישוע לימד במקדש, הוא שאל: "למה אומרים שהמשיח יהיה
בן דוד? ٣٦ דוד עצמו אמר בספר תהלים, בהשראת רוח הקודש:

ואמר להם, 'מדוע אומרים הסופרים שהמשיח הוא בן דוד?
[٣٧٢] כי דוד עצמו אמר ברוח הקודש,
'יהוה אמר לאדוני, שב לימיני
עד אשר אשים את אויביך תחת רגליך.'
אם דוד עצמו קורא למשיח 'אדוני', איך הוא יכול להיות בנו?"

אזהרה מפני הסופרים

מתי ٢٣:١-٣٦; לוקס ٢٠:٤٥-٤٧

[٣٨] ואמר להם בהוראתו: "היזהרו מהסופרים, שאוהבים ללכת בבגדים ארוכים
ולקבל ברכות בשווקים, [٣٩] ולשבת במושבים הראשיים בבתי הכנסת
ובמקומות הכבוד בסעודות. [٤٠] הם אוכלים את בתי האלמנות
ומתפללים תפילות ארוכות למראית עין. הם יקבלו עונש חמור מאוד."

נדבת האלמנה העניה

לוקס ٢١:١-٤

[٤١] ישוע ישב מול תיבות הנדבות במקדש וראה איך האנשים מכניסים כסף.
עשירים רבים נתנו סכומים גדולים. [٤٢] אבל אלמנה עניה אחת באה ונתנה
שתי פרוטות, שהן שווי של פחות מאגורה אחת.
[٤٣] ישוע קרא לתלמידיו ואמר להם: "האמת שאני אומר לכם,
האלמנה העניה הזאת נתנה יותר מכל האחרים שנתנו לקופה.
[٤٤] כי כולם נתנו מתוך העושר שלהם, אבל היא נתנה מתוך העוני שלה
את כל מה שהיה לה לחיות."

---

[٣٧٢] ١٢:٣٦ מזמור ١١٠:١

الْحِنْطَةُ وَالزُّؤَانُ

مرقس ٤:٢٦-٢٩؛ لوقا ١٣:١٨-١٩

١٣ ١ فِي ذٰلِكَ الْيَوْمِ خَرَجَ يَسُوعُ مِنَ الْبَيْتِ وَجَلَسَ عَلَى شَاطِئِ الْبَحْرِ. ٢ فَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ جُمُوعٌ كَثِيرَةٌ، حَتَّى إِنَّهُ دَخَلَ السَّفِينَةَ وَجَلَسَ، وَكُلُّ الْجُمُوعِ وَقَفَتْ عَلَى الشَّاطِئِ. ٣ فَكَلَّمَهُمْ كَثِيرًا بِأَمْثَالٍ قَائِلًا: «هُوَذَا الزَّارِعُ قَدْ خَرَجَ لِيَزْرَعَ. ٤ وَفِيمَا هُوَ يَزْرَعُ سَقَطَ بَعْضٌ عَلَى الطَّرِيقِ، فَجَاءَتِ الطُّيُورُ وَأَكَلَتْهُ. ٥ وَسَقَطَ بَعْضٌ عَلَى الأَمَاكِنِ الْمُحْجِرَةِ حَيْثُ لَمْ تَكُنْ لَهُ تُرْبَةٌ كَثِيرَةٌ، وَلِلْوَقْتِ نَبَتَ إِذْ لَمْ يَكُنْ لَهُ عُمْقُ أَرْضٍ. ٦ وَلٰكِنْ لَمَّا أَشْرَقَتِ الشَّمْسُ احْتَرَقَ، وَإِذْ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَصْلٌ يَبِسَ. ٧ وَسَقَطَ بَعْضٌ عَلَى الشَّوْكِ، فَطَلَعَ الشَّوْكُ وَخَنَقَهُ. ٨ وَسَقَطَ بَعْضٌ عَلَى الأَرْضِ الْجَيِّدَةِ وَأَعْطَى ثَمَرًا، بَعْضٌ مِئَةً، وَبَعْضٌ سِتِّينَ، وَبَعْضٌ ثَلاَثِينَ. ٩ مَنْ لَهُ أُذُنَانِ لِلسَّمْعِ فَلْيَسْمَعْ». ١٠ ثُمَّ تَقَدَّمَ التَّلاَمِيذُ وَقَالُوا لَهُ: «لِمَاذَا تُكَلِّمُهُمْ بِأَمْثَالٍ؟» ١١ فَأَجَابَ وَقَالَ لَهُمْ: «لأَنَّهُ قَدْ أُعْطِيَ لَكُمْ أَنْ تَعْرِفُوا أَسْرَارَ مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ، وَأَمَّا لأُولٰئِكَ فَلَمْ يُعْطَ.

مَثَلُ الْحِنْطَةِ وَالزُّؤَانِ

مرقس ٤:٣٠-٣٤؛ لوقا ١٣:٢٠-٢١

١٢ لأَنَّ كُلَّ مَنْ لَهُ سَيُعْطَى فَيُزَادُ، وَمَنْ لَيْسَ لَهُ فَالَّذِي يَظُنُّ أَنَّ لَهُ سَيُؤْخَذُ مِنْهُ. ١٣ لِهٰذَا أُكَلِّمُهُمْ بِأَمْثَالٍ، لأَنَّهُمْ مُبْصِرِينَ لاَ يُبْصِرُونَ، وَسَامِعِينَ لاَ يَسْمَعُونَ وَلاَ يَفْهَمُونَ. ١٤ وَتَتِمُّ فِيهِمْ نُبُوَّةُ إِشَعْيَاءَ الْقَائِلَةُ: بِسَمْعٍ تَسْمَعُونَ وَلاَ تَفْهَمُونَ، وَمُبْصِرِينَ تُبْصِرُونَ وَلاَ تَنْظُرُونَ. ١٥ لأَنَّ قَلْبَ هٰذَا الشَّعْبِ قَدْ غَلُظَ، وَبِالأُذُنِ ثَقُلُوا عَلَى السَّمْعِ، وَغَمَّضُوا عُيُونَهُمْ لِئَلاَّ يُبْصِرُوا بِالْعُيُونِ وَيَسْمَعُوا بِالأُذُنِ وَيَفْهَمُوا بِالْقَلْبِ وَيَرْجِعُوا فَأَشْفِيَهُمْ. ١٦ وَأَمَّا أَعْيُنُكُمْ فَطُوبَى لَهَا لأَنَّهَا تُبْصِرُ، وَآذَانُكُمْ لأَنَّهَا تَسْمَعُ. ١٧ فَإِنِّي الْحَقَّ أَقُولُ لَكُمْ إِنَّ أَنْبِيَاءَ وَأَبْرَارًا كَثِيرِينَ اشْتَهَوْا أَنْ يَرَوْا مَا أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ وَلَمْ يَرَوْا، وَأَنْ يَسْمَعُوا مَا أَنْتُمْ تَسْمَعُونَ وَلَمْ يَسْمَعُوا.

ולמלכותו, כי אלהיו לא יעזבהו כמו שהבטיח לו, אלא יעשה אותו מלך על כל ישראל לעולם. ١٢ "ועתה שמרו את מצוות יהוה אלהיכם, ולכו בדרכיו, ועשו את החוקים והמשפטים והמצוות אשר נתן לכם משה. ١٣ "אם תעשו כן, יהוה יהיה עמכם בכל אשר תלכו, ויעזור לכם להכות את כל אויביכם. ١٤ "אבל אם תסורו מדרכיו ותעזבו את החוקים והמצוות אשר נתן לכם משה, ותלכו אחרי אלהים אחרים ותעבדו אותם, ١٥ אז יהוה יכה אתכם ואת מלכיכם, ויגלה אתכם אל ארץ אחרת, כמו שעשה לאבותיכם בימי יהושע בן נון. ١٦ "ואם תשובו אל יהוה בכל לבבכם, ותסירו את האלילים מקרבכם, ١٧ אז יהוה יחזיר לכם את ארצכם, ויעזור לכם להכות את כל אויביכם. ١٨ "אבל אם תמשיכו לעבוד את האלילים, ולא תשובו אל יהוה, אז יהוה יגלה אתכם אל ארץ אחרת, כמו שעשה לאבותיכם בימי שמואל הנביא. ١٩ "אתם תראו את הארץ הטובה אשר נתן לכם יהוה, ואחר כך תמותו ותלכו אל מקום המתים, כמו כל אבותיכם. ٢٠ "אבל יהוה לא שכח את הברית אשר כרת עם אבותיכם, ולכן יקים מכם עם חדש. הוא יהיה עם קדוש, ויתן לו ארץ טובה. ٢١ "העם הזה יהיה עם גדול ורב, כמו שהבטיח יהוה לאברהם, ולא יהיה אפשר למנות את כל אנשיו. ٢٢ "אתם עם קדוש, ויהוה בחר בכם מכל העמים שעל פני האדמה, כדי שתהיו לו לעם סגולה. ٢٣ "הוא נתן לכם ארץ טובה, ואתם תלכו בדרכיו ותשמרו את מצוותיו, כמו שהבטיח לאבותיכם. אתם תהיו עם קדוש, ויהוה יהיה אלהיכם.

מלכות שלמה

ב מלכים ב:א-ד; ב דברי הימים א:יד-ב:יז

١٤ "הנה הגיע הזמן שבו אבנה בית מקדש ליהוה אלהי, כמו שהבטיח לדוד אבי. (יהוה נתן לדוד ולי שלום בכל הארץ. ١٥ "יהוה אמר לי שאבנה את הבית, כי לא נתן לדוד אבי לבנות את הבית, מפני שהיו לו מלחמות רבות. ١٦ "אבל יהוה אמר לי שאבנה את הבית, כי לא נתן לדוד אבי לבנות את הבית, מפני שהיו לו מלחמות רבות. ١٧ "אחרי שיהוה נתן לי מנוחה מכל אויבי, ١٨ אמר לי יהוה שאבנה את הבית. ١٩ "אתם תראו את הבית שאבנה, ואחר כך תמותו ותלכו אל מקום המתים, כמו כל אבותיכם. ٢٠ "אבל יהוה לא שכח את הברית אשר כרת עם אבותיכם, ולכן יקים מכם עם חדש. הוא יהיה עם קדוש, ויתן לו ארץ טובה. ٢١ "העם הזה יהיה עם גדול ורב, כמו שהבטיח יהוה לאברהם, ולא יהיה אפשר למנות את כל אנשיו. ٢٢ "אתם עם קדוש, ויהוה בחר בכם מכל העמים שעל פני האדמה, כדי שתהיו לו לעם סגולה. ٢٣ "הנה הגיע הזמן שבו אבנה בית מקדש ליהוה אלהי, כמו שהבטיח לדוד אבי. (יהוה נתן לדוד ולי שלום בכל הארץ. ١٤ "הנה הגיע הזמן שבו אבנה בית מקדש ליהוה אלהי, כמו שהבטיח לדוד אבי. (יהוה נתן לדוד ולי שלום בכל הארץ.

---

[s] ١٤:١٣ דברי הימים ב ٢٧:٩; ٣١:١١; ١١:١٢ [t] ١٩:١٣ דברי הימים א. ١:١٢

הזמנת המלכה לשווא

אסתר ב׳:כ״ה–כ״ח; בראשית כ״ד:כ״ט–ל״א

[24] "ואתם שומעים, כי אחד מן הגויים, שהוא מן הגוי, שהוא מן הגוי, [25u] "ומכרתי את יהודה ביד אויביהם, ומשלו בהם אויביהם, [26v] ואת כל הגוי הזה אתן ביד אויביהם. [27w] "ומכרתי את בניך ואת בנותיך ביד בני יהודה, והם ימכרו אותם לשבי לגוי רחוק, כי יהוה דבר. [28] "ואתם שומעים את דברי, כל אשר אני מצווה אתכם היום: אל תעשו כן לאלהי אחיכם, [29] "כי אני יהוה אלהיכם, ואתם תשמרו את חוקותי ואת משפטי, כאשר אני מצווה אתכם היום, ואתם תעשו אותם. [30] "ואם לא תשמעו אלי ולא תעשו את כל המצוות האלה, [31] "ואם תמאסו בחוקותי ואם תמאסו במשפטי ולא תעשו את כל מצוותי, להפרכם את בריתי.

הבטחת שלום ושמחה

ישעיה ל״ה:י׳; ירמיה ל״ג:ו׳–ט׳

[32] "אל תירא כי אתה לא תבוש, ואל תכלם כי לא תחפיר, כי בושת עלומיך תשכח, וחרפת אלמנותיך לא תזכר עוד. [33] "הנה, אני, יהוה אלהיך, אוחז בימינך, האומר לך, אל תירא, אני עזרתיך.

---

[u] ב׳:ל״ד–ל״ה; ל״א:ג׳; ט״ו:י״ג [v] ב״ה:כ״ה; ל״ג:ז׳

[w] ב״ה:כ״ו; ל״ג:ז׳

هُتَفُوا: ”ابْنُ دَاوُدَ! خَلِّصْ يَا رَبُّ! مُبَارَكٌ الآتِي بِاسْمِ الرَّبِّ. ٣٤ أَوْصَنَّا فِي الأَعَالِي!“
وَلَمَّا دَخَلَ أُورُشَلِيمَ، ارْتَجَّتِ الْمَدِينَةُ كُلُّهَا وَقَالَتْ: ”مَنْ هَذَا؟“ ٣٥ فَقَالَ الْجُمُوعُ:
”هَذَا يَسُوعُ النَّبِيُّ مِنَ النَّاصِرَةِ الَّتِي فِي الْجَلِيلِ.“ ٣٦ وَدَخَلَ يَسُوعُ هَيْكَلَ اللهِ وَطَرَدَ
جَمِيعَ الَّذِينَ كَانُوا يَبِيعُونَ وَيَشْتَرُونَ فِي الْهَيْكَلِ، وَقَلَبَ مَوَائِدَ الصَّيَارِفَةِ وَكَرَاسِيَّ
بَاعَةِ الْحَمَائِمِ. ٣٧ وَقَالَ لَهُمْ: ”مَكْتُوبٌ: بَيْتِي بَيْتُ الصَّلاَةِ يُدْعَى، وَأَنْتُمْ تَجْعَلُونَهُ
مَغَارَةَ لُصُوصٍ!“

شِفَاءُ الأَعْمَى وَالأَعْرَجِ

مرقس ١١:٤٥-٥٣؛ لوقا ٢٢:١-٢؛ مرقس ١٤:١-٥

١٤ ١ وَلَمَّا سَمِعَ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ وَالْكَتَبَةُ الْعَجَائِبَ الَّتِي صَنَعَ، وَالأَوْلاَدَ يَهْتِفُونَ فِي
الْهَيْكَلِ وَيَقُولُونَ: ”أَوْصَنَّا لاِبْنِ دَاوُدَ!“ ٢ اغْتَاظُوا ٣ وَقَالُوا لَهُ: ”أَتَسْمَعُ مَا يَقُولُ هَؤُلاَءِ؟“
فَقَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: ”نَعَمْ. أَمَا قَرَأْتُمْ قَطُّ: مِنْ أَفْوَاهِ الأَطْفَالِ وَالرُّضَّعِ هَيَّأْتَ تَسْبِيحًا؟“
٤ ٥ وَتَرَكَهُمْ وَخَرَجَ خَارِجَ الْمَدِينَةِ إِلَى بَيْتِ عَنْيَا وَبَاتَ هُنَاكَ.

تَجْفِيفُ التِّينَةِ

مرقس ١١:١٢-١٤؛ ٢٠-٢٦

٦ وَفِي الْغَدِ لَمَّا رَجَعَ مِنَ الْمَدِينَةِ جَاعَ، ٧ فَنَظَرَ شَجَرَةَ تِينٍ عَلَى الطَّرِيقِ وَجَاءَ إِلَيْهَا
وَلَمْ يَجِدْ فِيهَا شَيْئًا إِلاَّ وَرَقًا فَقَطْ، فَقَالَ لَهَا: ”لاَ يَكُنْ مِنْكِ ثَمَرٌ بَعْدُ إِلَى الأَبَدِ!“
فَيَبِسَتِ التِّينَةُ فِي الْحَالِ. ٨ فَلَمَّا رَأَى التَّلاَمِيذُ ذَلِكَ تَعَجَّبُوا قَائِلِينَ: ”كَيْفَ يَبِسَتِ التِّينَةُ
فِي الْحَالِ؟“ ٩ فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُمُ: ”الْحَقَّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنْ كَانَ لَكُمْ إِيمَانٌ وَلاَ
تَشُكُّونَ فَلاَ تَفْعَلُونَ أَمْرَ التِّينَةِ فَقَطْ، بَلْ إِنْ قُلْتُمْ أَيْضًا لِهَذَا الْجَبَلِ: انْتَقِلْ وَانْطَرِحْ فِي
الْبَحْرِ فَسَيَكُونُ. ١٠ وَكُلُّ مَا تَطْلُبُونَهُ فِي الصَّلاَةِ مُؤْمِنِينَ تَنَالُونَهُ.“

---

x ١٤:١ مرقس ١١:١٢-٢٧

וּמִשְׁפָּט? וּמִי יִבְחַר לִי מִמֶּנִּי בְּחוּר, וְאֶתְיַצְּבָה לְפָנָיו? וַיֹּאמֶר יְהוָה: "הִנֵּה עַם יָצָא מִמִּצְרַיִם, וְהִנֵּה כִסָּה אֶת עֵין הָאָרֶץ, וְהוּא יֵשֶׁב עָלַי וְהָרַגְתִּיו. [7] וְלֹא אֶשְׁמַע אֶל קוֹל יְהוָה, וְלֹא אֶתֵּן לְהַכּוֹת אֶת הָאָרֶץ בְּמַכָּה אַחַת

ישוע כי ואמר [15] "האם אתה אומר זאת מדעתך, או שאחרים אמרו לך עלי?"
אמר להם: "הנה, אני אומר לכם, אפילו מכל הדברים שעשיתי, אין אחד
שאינו נכון. [16] אבל אני יודע שכל מה שאמרתי הוא אמת, כי אלוהים
שלח אותי לעשות את כל הדברים האלה, ואני עושה את רצונו בלבד."
[17] כאשר הגיע הלילה, ישוע הלך עם שנים עשר תלמידיו אל בית
[18] כשהיו יושבים ואוכלים, ישוע אמר: "אמת אומר לכם, אחד מכם
[19] התלמידים החלו להיות עצובים מאוד, ואמרו לו אחד אחרי השני:
[20] ישוע ענה: "זה אחד משנים עשר שאוכל איתי מהקערה הזאת.
[21] בן האדם ילך בדיוק כפי שנאמר עליו בכתבים הקדושים, אבל אוי
לאדם שבוגד בבן האדם! עדיף היה לו לאדם זה לא להיוולד מאשר
לעשות את הדבר הנורא הזה."

הסעודה האחרונה

מתי ٢٦:٢٦-٣٠; לוקס ٢٢:١٥-٢٠; ١ לקורינתים ١١:٢٣-٢٥

[22] בזמן שהיו אוכלים, ישוע לקח לחם, ברך אותו, פרס אותו לתלמידיו
ואמר: "קחו, זה הגוף שלי." [23] אחר כך לקח כוס יין, הודה לאלוהים,
נתן לתלמידיו, וכולם שתו ממנה. [24] ישוע אמר להם: "זה הדם שלי,
שנשפך עבור רבים, כדי לכרות ברית בין אלוהים לאדם. [25] אמת אומר
לכם, לא אשתה עוד מיין הגפן עד היום שבו אשתה אותו חדש במלכות
אלוהים."

---

[z] ١٤:١٨ מתי ٩:٤١ [a] ١٤:٢٤ שמות ٣١:٣١-٣٤

[٢٦] ואחרי שרו את ההלל, יצאו להר הזיתים.

ישוע מנבא שפטרוס יכחיש אותו

מתי ٢٦:٣١-٣٥; לוקס ٢٢:٣١-٣٤; יוחנן ١٣:٣٦-٣٨

[٢٧] ואז אמר להם ישוע: "כולכם תכשלו ותעזבו אותי, כי כתוב בספרים:
'אלוהים יכה את הרועה,
והצאן תתפזר.'[a] [٢٨] אבל אחרי שאקום לתחייה אלך לגליל לפניכם."[b]
[٢٩] אמר לו פטרוס: "גם אם כולם יכשלו ויעזבו אותך, אני לא אעשה זאת!"
[٣٠] ענה לו ישוע: "אמת אומר לך, היום, בלילה הזה, לפני שהתרנגול יקרא פעמיים, תכחיש אותי שלוש פעמים."
[٣١] אבל פטרוס המשיך להתווכח: "גם אם אצטרך למות איתך, לעולם לא אכחיש אותך!" וכל שאר התלמידים אמרו אותו דבר.

ישוע בגת שמנים

מתי ٢٦:٣٦-٤٦; לוקס ٢٢:٣٩-٤٦

[٣٢] אחר כך הגיעו ישוע ותלמידיו לגת שמנים, ואמר להם: "שבו כאן בזמן שאני מתפלל." [٣٣] ואז לקח עמו את פטרוס ואת יעקב ואת יוחנן, ונבהל ונדהם מאוד. [٣٤] ואמר להם: "נפשי מלאה עצב עד מוות. הישארו כאן ושמרו ערים." [٣٥] והלך קצת רחוק מהם, נפל על הקרקע והתפלל שאם אפשר, שלא יצטרך לעבור את הייסורים האלה.

---

[a] זכריה ١٣:٧ [b] ١٤:٢٧ מרקוס ١٦:٧

[٣٦] ואמר: "אבא, אבי, הכל יכול אתה, העבר את הכוס הזאת ממני. אבל לא כרצוני אני, אלא כרצונך."

[٣٧] ובא וראה אותם ישנים, ואמר לשמעון: "שמעון, ישנת? לא יכולת לשמור שעה אחת? [٣٨] שמרו והתפללו, שלא תיכנסו לניסיון. הרוח נכונה, אבל הבשר חלש." [٣٩] והלך שוב והתפלל, ואמר את אותם הדברים. [٤٠] ושוב בא ומצא אותם ישנים, כי עיניהם היו כבדות, ולא ידעו מה להשיב לו. [٤١] ובא בפעם השלישית ואמר להם: "ישנים אתם עדיין ונחים? די! הגיעה השעה. הנה בן האדם נמסר בידי החוטאים. [٤٢] קומו, נלכה. הנה הבוגד שלי קרב."

המעצר בגת שמנים

מתי ٢٦:٤٧-٥٦; לוקס ٢٢:٤٧-٥٣; יוחנן ١٨:٣-١٢

[٤٣] ומיד, בעודו מדבר, הגיע יהודה, אחד משנים עשר, ואתו המון גדול עם חרבות ומקלות, שנשלחו מאת ראשי הכוהנים והסופרים והזקנים. [٤٤] הבוגד שלו נתן להם אות ואמר: "הנושק לו הוא הוא, תפסו בו ולכו איתו בזהירות." [٤٥] ומיד כשבא ניגש אליו ואמר: "רבי, רבי," ונישק לו. [٤٦] אז שלחו בו את ידיהם ותפסו בו. [٤٧] אחד מהעומדים שלף חרבו והכה את עבד הכוהן הגדול וכרת את אוזנו. [٤٨] ויען ישוע ואמר להם: "כמו על פושע יצאתם עלי עם חרבות ומקלות לתפוס אותי?

הי פה הלה."[٤٩] הב יהודהמבגדי הקשה הנה יהוה הלוה
נפש לא יהודהמבגדי פה פה בהמתה יהודה יהוה יהודה
שלך יהוה שמחה שמחתיהודה יהוה יהוה."[٥٠] הקרה
שלך יהוה שמה שמחה יהוה יהוה יהוה יהוה יהו

הכהן הגדול קרע את בגדיו ואמר: "מה עוד אנחנו צריכים עדים? ٦٣ אתם שמעתם את הניבול פה! מה דעתכם?" כולם פסקו שהוא חייב למות. ٦٤ אחדים התחילו לירוק עליו, לכסות את פניו ולהכות אותו באגרופים. הם צחקו עליו ואמרו: "נבא לנו!" ואז השומרים לקחו אותו והיכו אותו.

פטרוס מכחיש את ישוע

מתי ٢٦:٦٩-٧٥; לוקס ٢٢:٥٦-٦٢; יוחנן ١٨:١٥-١٨, ٢٥-٢٧

٦٦ בינתיים פטרוס היה למטה בחצר. אחת המשרתות של הכהן הגדול ٦٧ ראתה אותו מחמם את עצמו ליד האש. היא הסתכלה עליו ואמרה: "גם אתה היית עם ישוע הנצרתי!" ٦٨ אבל פטרוס הכחיש: "לא, אני לא מבין על מה את מדברת!" ואז הוא יצא החוצה לכניסה לחצר. ٦٩ המשרתת ראתה אותו שם ואמרה לכל האנשים שעמדו שם: "הוא אחד מהם!" ٧٠ אבל פטרוס הכחיש שוב. כעבור זמן קצר אמרו לו האנשים שעמדו שם: "בוודאי שאתה אחד מהם! אתה גלילי!" ٧١ אבל פטרוס נשבע: "אני נשבע בשם אלוהים שאני לא מכיר את האיש הזה שאתם מדברים עליו!" ٧٢ באותו רגע קרא התרנגול בפעם השנייה. פטרוס נזכר שישוע אמר לו: "לפני שהתרנגול יקרא פעמיים, אתה תכחיש אותי שלוש פעמים." ואז הוא התחיל לבכות.

١٤:٦٢c תהלים ١١٠:١; דניאל ٧:١٣

אחאב מבזה לנבות הנבלי

מל״א ٢١:١-٢, ١١-١٤; דה״ב ٢٣:١-٥; משלי ١٨:٢٨-٣٨

١٥ ١ וְהִנֵּה נַעֲרַת יָפָה לְדָוִד וַתְּהִי לִפְנֵי הַמֶּלֶךְ וַתְּשָׁרְתֵהוּ וַתְּהִי לוֹ לְסֹכֶנֶת וְאַתָּה אֲדֹנִי הַמֶּלֶךְ יִשְׁכַּב בְּחֵיקֶךָ וְחַמּוּ לַאדֹנִי הַמֶּלֶךְ׃ ٢ וַיְבַקְשׁוּ עַל הַנַּעֲרָה יָפָה עַד כָּל גְּבוּל יִשְׂרָאֵל וַיִּמְצְאוּ אֶת אֲבִישַׁג הַשּׁוּנַמִּית וַיָּבִאוּ אֹתָהּ אֶל הַמֶּלֶךְ׃ ٣ וְהַנַּעֲרָה יָפָה עַד מְאֹד וַתְּהִי לְסֹכֶנֶת לַמֶּלֶךְ וַתְּשָׁרְתֵהוּ וְהַמֶּלֶךְ לֹא יָדָעָהּ׃ ٤ וַיֹּאמֶר אֲדֹנִיָּה בֶן חַגִּית אָנֹכִי אֶמְלֹךְ וַיַּעַשׂ לוֹ רֶכֶב וּפָרָשִׁים וַחֲמִשִּׁים אִישׁ רָצִים לְפָנָיו׃ ٥ וְלֹא עֲצָבוֹ אָבִיו מִיָּמָיו לֵאמֹר מַדּוּעַ כָּכָה אָתָּה עֹשֶׂה וְגַם הוּא טוֹב תֹּאַר מְאֹד וְהוּא יָלַד אֹתוֹ אַחֲרֵי אַבְשָׁלוֹם׃ ٦ וַיִּוָּעַץ עִם יוֹאָב בֶּן צְרוּיָה וְעִם אֶבְיָתָר הַכֹּהֵן וַיַּעְזְרוּ אַחֲרֵי אֲדֹנִיָּה׃ ٧ וְעִם שְׁלֹמֹה בֶן צָדוֹק וְעִם בְּנָיָהוּ בֶן יְהוֹיָדָע וְנָתָן הַנָּבִיא וְשִׁמְעִי וְרֵעִי וְהַגִּבֹּרִים אֲשֶׁר לְדָוִד לֹא הָיוּ עִם אֲדֹנִיָּה׃ ٨ וַיִּזְבַּח אֲדֹנִיָּה צֹאן וּבָקָר וּמְרִיא עִם אֶבֶן הַזֹּחֶלֶת אֲשֶׁר אֵצֶל עֵין רֹגֵל וַיִּקְרָא אֶת כָּל אֶחָיו בְּנֵי הַמֶּלֶךְ וְאֶת כָּל אַנְשֵׁי יְהוּדָה עַבְדֵי הַמֶּלֶךְ׃ ٩ וְאֶת נָתָן הַנָּבִיא וּבְנָיָהוּ וְהַגִּבֹּרִים וְאֶת שְׁלֹמֹה אָחִיו לֹא קָרָא׃ ١٠ וַיֹּאמֶר נָתָן אֶל בַּת שֶׁבַע אֵם שְׁלֹמֹה לֵאמֹר הֲלוֹא שָׁמַעַתְּ כִּי מָלַךְ אֲדֹנִיָּה בֶן חַגִּית וַאדֹנֵינוּ דָּוִד לֹא יָדָע׃ ١١ וְעַתָּה לְכִי יָעַצְתִּי נָא עֵצָה וּמַלְּטִי אֶת נַפְשֵׁךְ וְאֶת נֶפֶשׁ בְּנֵךְ שְׁלֹמֹה׃ ١٢ לְכִי נָא וּבוֹאִי אֶל הַמֶּלֶךְ דָּוִד וְאָמַרְתְּ אֵלָיו הֲלוֹא אַתָּה אֲדֹנִי הַמֶּלֶךְ נִשְׁבַּעְתָּ לְשִׁפְחָתֶךָ לֵאמֹר כִּי שְׁלֹמֹה בְנֵךְ יִמְלֹךְ אַחֲרָי וְהוּא יֵשֵׁב עַל כִּסְאִי וְלָמָּה מָלְכָה אֲדֹנִיָּה׃

בתואל נאנח ומפחד אחאב

מל״א ٢١:١٥-٢٦; דה״ב ٢٣:١٣-٢٥; משלי ١٨:٣٩–١٩:١٦

١٣ וְהִנֵּה עוֹדֵךְ מְדַבֶּרֶת עִם הַמֶּלֶךְ וַאֲנִי אָבוֹא אַחֲרַיִךְ וּמִלֵּאתִי אֶת דְּבָרָיִךְ׃ ١٤ וַתֵּלֶךְ בַּת שֶׁבַע אֶל הַמֶּלֶךְ הַחֲדֶרָה וְהַמֶּלֶךְ זָקֵן מְאֹד וַאֲבִישַׁג הַשּׁוּנַמִּית מְשָׁרֶתֶת אֶת הַמֶּלֶךְ׃ ١٥ וַתִּקֹּד בַּת שֶׁבַע וַתִּשְׁתַּחוּ לַמֶּלֶךְ וַיֹּאמֶר הַמֶּלֶךְ מַה לָּךְ׃ ١٦ וַתֹּאמֶר אֵלָיו אֲדֹנִי אַתָּה נִשְׁבַּעְתָּ בַּיהוָה אֱלֹהֶיךָ לְשִׁפְחָתֶךָ לֵאמֹר כִּי שְׁלֹמֹה בְנֵךְ יִמְלֹךְ אַחֲרָי וְהוּא יֵשֵׁב עַל כִּסְאִי׃ ١٧ וְעַתָּה הִנֵּה אֲדֹנִיָּה מָלָךְ וְאַתָּה אֲדֹנִי הַמֶּלֶךְ לֹא יָדָעְתָּ׃ ١٨ וַיִּזְבַּח שׁוֹר וּמְרִיא וְצֹאן לָרֹב וַיִּקְרָא לְכָל בְּנֵי הַמֶּלֶךְ וְלְאֶבְיָתָר הַכֹּהֵן וְלְיוֹאָב שַׂר הַצָּבָא וְאֶת שְׁלֹמֹה עַבְדְּךָ לֹא קָרָא׃ ١٩ וְאַתָּה אֲדֹנִי הַמֶּלֶךְ עֵינֵי כָל יִשְׂרָאֵל עָלֶיךָ לְהַגִּיד לָהֶם מִי יֵשֵׁב עַל כִּסֵּא אֲדֹנִי הַמֶּלֶךְ אַחֲרָיו׃ ٢٠ וְהָיָה כְּשֶׁבֶת אֲדֹנִי הַמֶּלֶךְ עִם אֲבֹתָיו וְהָיִיתִי אֲנִי וּבְנִי שְׁלֹמֹה חַטָּאִים׃ ٢١ וַיְהִי עוֹדֶנָּה מְדַבֶּרֶת עִם הַמֶּלֶךְ וְנָתָן הַנָּבִיא בָּא׃ ٢٢ וַיַּגִּידוּ לַמֶּלֶךְ לֵאמֹר הִנֵּה נָתָן הַנָּבִיא וַיָּבֹא לִפְנֵי הַמֶּלֶךְ׃ ٢٣ וַיֹּאמֶר הַמֶּלֶךְ קִרְאוּ לְנָתָן וַיֹּאמֶר הַמֶּלֶךְ הֲלוֹא אַתָּה אֲדֹנִי הַמֶּלֶךְ אָמַרְתָּ אֲדֹנִיָּה יִמְלֹךְ אַחֲרָי וְהוּא יֵשֵׁב עַל כִּסְאִי׃ ٢٤ כִּי יָרַד הַיּוֹם וַיִּזְבַּח שׁוֹר וּמְרִיא וְצֹאן לָרֹב וַיִּקְרָא לְכָל בְּנֵי הַמֶּלֶךְ וְלְשָׂרֵי הַצָּבָא וְלְאֶבְיָתָר הַכֹּהֵן וְהִנָּם אֹכְלִים וְשֹׁתִים לְפָנָיו וַיֹּאמְרוּ יְחִי הַמֶּלֶךְ אֲדֹנִיָּה׃ ٢٥ וְאֹתִי עַבְדֶּךָ וְצָדוֹק הַכֹּהֵן וּבְנָיָהוּ בֶן יְהוֹיָדָע וְאֶת שְׁלֹמֹה עַבְדְּךָ לֹא קָרָא׃ ٢٦ אִם מֵאֲדֹנִי הַמֶּלֶךְ נִהְיָה הַדָּבָר הַזֶּה וְלֹא הוֹדַעְתָּ אֶת עַבְדֶּךָ מִי יֵשֵׁב עַל כִּסֵּא אֲדֹנִי הַמֶּלֶךְ אַחֲרָיו׃

ای حیوان؟" [۱۳] و نیز مردمان به من: "ای کاهن." [۱۴] ای خداوند
بخشنده و مهربان، که در آسمان: "چه کسی با خیمهٔ تو مهمان خواهد شد؟
کیست که بر کوه مقدس تو ساکن گردد؟" [۱۵] و گفت: "آن که بی عیب
رفتار کند و عدالت را بجا آورد و در دل خود راستی را بگوید. که بر
زبان خود تهمت نزند و با همسایهٔ خود بدی نکند و ننگ را بر خویشان
خود روا ندارد.

مزمور داود

مزمور ۲۷:۲۷-۳۱؛ مسیح ۲:۱۹-۳

[۱۶] و نیز پیغمبر گفت که خدا را دیدم که به دست راست من است
تا نلغزم. [۱۷] و نیز گفت که خدا را دیدم که به دست راست من است
تا نلغزم. [۱۸] و نیز گفت که خدا را دیدم که به دست راست من است
تا نلغزم. [۱۹] و همچنین گفت: "خدا را دیدم که برابر من است."
زیرا که او به دست راست من است تا نلغزم، و از این جهت دلم شاد
است و زبانم وجد می‌کند، و جسم من نیز در امید ساکن خواهد بود،
زیرا که نفس مرا در عالم اموات نخواهی گذاشت و نخواهی گذاشت
که قدوس تو فساد را ببیند. [۲۰] و نیز گفت که خدا را دیدم که
راههای حیات را به من آموخت و مرا از شادی با روی خود پر خواهد
کرد.

مزمور سلیمان

مزمور ۲۷:۳۲-۴۴؛ اعمال ۲۳:۲۶-۴۳؛ مسیح ۱۹:۱۷-۲۷

[۲۱] پس از آن که او را دفن کردند، چنان که رسم است، در خانهٔ
مردگان، جایی که پادشاهان را دفن می‌کنند، او را نیز دفن کردند.
و نام او را نمی‌دانم که چیست. [۲۲] و نیز گفت که خدا را دیدم
که به دست راست من است تا نلغزم. [۲۳] و نیز گفت که خدا را دیدم
که به دست راست من است تا نلغزم. [۲۴] و نیز گفت که خدا را دیدم

ולקחו את בגדיו, ויפלו גורל[d] מה יקח כל אחד.
כה ויהי השעה השלישית, ויצלבו אותו.
כו וכתובת האשמה שלו היתה כתובה: המלך של היהודים.
כז ויצלבו איתו שני פושעים, אחד מימינו ואחד משמאלו.
כח וכך התקיים הכתוב שאומר: ״ונמנה עם פושעים.״
כט והעוברים ליד הצלב היו מנבלים בו, מניעים את ראשיהם ואומרים: ״הא, אתה שהרסת את המקדש ובנית אותו תוך שלושה ימים,
ל הושע את עצמך ורד מהצלב!״
לא כך גם ראשי הכהנים לעגו ביניהם עם הסופרים ואמרו: ״הוא הושיע אחרים, את עצמו אינו יכול להושיע.
לב המשיח, מלך ישראל, ירד נא עתה מהצלב, למען נראה ונאמין.״ גם האנשים שנצלבו איתו חירפו אותו.

מות ישוע

מתי כ״ז:ל״ה-נ״ו; לוקס כ״ג:מ״ד-מ״ט; יוחנן י״ט:כ״ח-ל׳

לג כשהגיעה השעה השישית, חשכה כל הארץ עד השעה התשיעית.
לד ובשעה התשיעית קרא ישוע בקול גדול: ״אלוהי, אלוהי, למה עזבת אותי?״[e]
לה כששמעו זאת חלק מהעומדים שם אמרו: ״הוא קורא לאליהו.״
לו אחד מהם רץ ומילא ספוג בחומץ, שם אותו על קנה והשקה אותו, ואמר: ״נראה אם אליהו יבוא להוריד אותו.״
לז ישוע צעק בקול גדול ונפח את נשמתו.
לח ופרוכת המקדש נקרעה לשניים, מלמעלה עד למטה.
לט כשראה המפקד הרומי שעמד מולו כיצד מת, אמר: ״באמת האיש הזה היה בן אלוהים.״

---

d ט״ו:כ״ד מזמורים כ״ב:י״ט e ט״ו:ל״ד דברים ו׳:ד׳

[h]ט״ו:ל״ו ישעיה כ״ב:י״ג ל״ו:כ״ב ל״ז:כ״א ל״ט:ג׳ 21:69 תהלים [i]ט״ו:ל״ח ירמיה ל״א:ל״א-ל״ג

ואז הפרגוד בבית המקדש נקרע לשנים מלמעלה עד למטה. [39i] וכאשר הקצין שעמד מולו ראה שנשם כך ומת, אמר: "באמת האיש הזה היה בן אלוהים." [37] ונשים רבות עמדו מרחוק וצפו בו. בין הנשים היו מרים מגדלית, מרים אם יעקב הצעיר ויוסי, ושלומית. [38] הן היו עוקבות אחריו והשרתו כאשר היה בגליל. ונשים רבות אחרות שעלו איתו לירושלים היו שם גם כן.

[40] כאשר ערב כבר ירד, כי היום היה יום ההכנה, כלומר היום שלפני השבת, [41] יוסף מן הרמתיים, חבר במועצה היהודית, אדם עשיר וישר שחיכה לבוא מלכות אלוהים, הלך אל פילטוס והתחנן שיתן לו את גופת ישוע. [42] פילטוס תמה שישוע כבר מת, [43] אז הוא קרא לקצין ושאל אותו אם ישוע אכן מת. כאשר הקצין אישר זאת, פילטוס נתן ליוסף את הגופה. [44] יוסף קנה סדין, הוריד את גופת ישוע מהצלב, עטף אותו בסדין והניח אותו בקבר חצוב בסלע. לאחר מכן הוא גלל אבן גדולה אל פתח הקבר. [45] מרים מגדלית ומרים אם יוסי ראו היכן הניחו את ישוע. [46] למחרת היום, יום השבת, הכוהנים והפרושים התאספו אל פילטוס [47] ואמרו: "אדוננו, אנו זוכרים שהמתעתע הזה אמר בחייו, 'לאחר שלושה ימים אקום לתחייה.' [48] לכן אנו מבקשים שתורה לחיילים לשמור על הקבר עד היום השלישי, כדי שתלמידיו לא יוכלו לבוא ולגנוב את גופתו ולהגיד לעם שהוא קם לתחייה מן המתים. אם הם יעשו זאת, הרמאות האחרונה הזאת תהיה גרועה יותר מקודמתה."

ויסע משם ויבא בגבול צור וצידון, [47] והנה אשה כנענית
יצאה מן הגבולות ההם ותצעק אליו.

ישוע מרפא את בת האשה הכנענית

מרקוס ז':כ"ד-ל"א; מתתיהו ט"ו:כ"א-כ"ח

ט"ז [1] ויגש אליו התלמידים ויאמרו אליו, הנה
בגבול הזה יש אשה כנענית, ובתה חולה רעה. [2] ותצעק
אחרי ישוע, ותאמר: אדני בן דוד, חנני עליך. [3] ויען אותה
ולא דבר אליה דבר. ויגשו התלמידים ויאמרו אליו: "שלחה
כי תצעק אחרינו!" [4] ויען ישוע ויאמר אל התלמידים,
לא שלחתי כי אם אל הכבשים האובדות מבית ישראל.
[5] ותבוא האשה ותשתחו לפניו ותאמר: "אדני, עזרני!"
[6] ויען ישוע ויאמר: "לא נאות לקחת את לחם הבנים
ולהשליך לכלבים." [7] ותאמר: "כן אדני, גם הכלבים
יאכלו מן הפתים אשר יפלו משלחן אדוניהם." [8] ויען
ישוע ויאמר אליה: "אשה, גדולה אמונתך! יהי לך כאשר
תרצי." ותרפא בתה מחליה מן השעה ההיא.

ישוע מרפא חולים רבים ומאכיל ארבעת אלפים

מרקוס ח':א'-י'; מתתיהו ט"ו:ל"ב-ל"ט

[9] ויעבור ישוע משם ויבא אל הים הגלילי, ויעל אל ההר
וישב שם. [10] ויבאו אליו המון רב, אשר הביאו עמם

אחרים ופשוטים שהיו, כמובן, פחות מלומדים מהם בדקדוק ובתורה. [11] ומכיוון שהם היו קרובים יותר לעם, הם הבינו את הבעיות שלו ואת הצרכים שלהם טוב יותר מהפרושים.

הנחיות לחיים של תלמידים

מתי ٢٤:١٣-٣٥

[12] כך גם אתם, כאשר תראו את הדברים האלה קורים, דעו שהוא קרוב, ממש על הדלת. [13] אני אומר לכם את האמת: הדור הזה לא יעבור עד שכל הדברים האלה יתרחשו. השמים והארץ יעברו, אבל דברי לא יעברו לעולם.

יום הדין ומתי הוא יבוא

מתי ٢٤:٣٦-٤٩; ٢٥:١٣; לוקס ٢١:٣٤-٣٦; ١٧:٢٦-٣٠; ٢٨:١٦-٢٠; מעשי השליחים ١:٦-٨

[14] אבל לגבי היום ההוא או השעה ההיא, אף אחד לא יודע מתי הם יבואו, לא המלאכים בשמים ולא אני, הבן. רק האב יודע. [15] היו ערניים ומוכנים! אל תישנו, כי אינכם יודעים מתי יגיע הזמן הקבוע. [16] זה דומה לאדם שנסע לחו"ל. הוא עזב את ביתו ונתן לעבדים שלו את האחריות, כל אחד על עבודה מסוימת, ואמר לשומר הפתח שיישאר ער. [17] אז היו לו עבדים שעבדו בבתים שלהם, בכפרים ובערים שבהם גרו. [18] הוא חזר הביתה בערב, או בחצות, או בשעה שהתרנגולים קראו בבוקר, או בבוקר. אל תתנו לו למצוא אתכם ישנים כשיחזור הביתה בפתע פתאום.

مخصص

لوقا ٢٤:٥٠-٥٣؛ مخصص ١:٩-١١

[١٩] ثم ذهب الى يوحنا، وصنع حفرة في الجدار، ودخل
وغطى عورة أبيه. [٢٠] وأتى قايين بثمر من الأرض
وقدمه، وقدم هابيل أيضا من أبكار غنمه ومن سمانها.
فنظر الرب الى هابيل وقربانه.

لوقا يعلّم تلاميذه

يسوع يرسل اثنين وسبعين تلميذاً

١ وبعد هذا عيّن السيّد اثنين وسبعين تلميذاً آخرين،
وأرسلهم اثنين اثنين أمامه إلى كلّ مدينة وموضع
كان هو مزمعاً أن يذهب إليه. ٢ فقال لهم:
«الحصاد كثير، ولكنّ الفعلة قليلون.
فاطلبوا من ربّ الحصاد أن يرسل فعلة إلى حصاده.
٣ انطلقوا! ها أنا أرسلكم كالحملان بين الذئاب.
٤ لا تحملوا كيساً ولا مزوداً ولا أحذية،
ولا تسلّموا على أحد في الطريق.
٥ وأيّ بيت دخلتموه، قولوا أوّلاً: سلام لهذا البيت.
٦ فإن كان هناك ابن السلام، فسلامكم يحلّ عليه؛
وإن لم يكن، فسلامكم يرجع إليكم.
٧ وأقيموا في ذلك البيت نفسه، تأكلون وتشربون
مما عندهم، لأنّ الفاعل يستحقّ أجرته.
لا تنتقلوا من بيت إلى بيت.
٨ وأيّ مدينة دخلتموها وقبلوكم، كلوا مما يقدّم لكم،
٩ واشفوا مرضاها، وقولوا لهم: قد اقترب منكم ملكوت الله.
١٠ وأيّ مدينة دخلتموها ولم يقبلوكم، فاخرجوا إلى شوارعها
وقولوا: ١١ حتّى التراب الذي لصق بأرجلنا من مدينتكم
نمسحه عليكم. ومع ذلك اعلموا أنّ ملكوت الله قد اقترب.

١٢ أقول لكم إنّ سدوم ستكون في ذلك اليوم
أكثر احتمالاً من تلك المدينة.

١٠:١ ١ تيمو ٥:١٨؛ متى ١٠:١٠

١١ ملاك الرب ظهر له واقفا عن يمين مذبح البخور. ١٢ فلما رآه زكريا
اضطرب وداخله خوف شديد. ١٣ فقال له الملاك: "لا تخف يا زكريا، لأن
طلبتك قد سمعت، وامرأتك أليصابات ستلد لك ابنا وتسميه يوحنا. ١٤ يكون
لك فرح وابتهاج، وكثيرون سيفرحون بولادته. ١٥ لأنه يكون عظيما أمام
الرب. لا يشرب خمرا ولا مسكرا، ويمتلئ من الروس القدس منذ بطن أمه.
١٦ ويرد كثيرين من بني إسرائيل إلى الرب إلههم. ١٧ ويتقدم أمامه بروح
إيليا وقوته ليرد قلوب الآباء إلى الأبناء والعصاة إلى فكر الأبرار، لكي
يهيئ للرب شعبا مستعدا."

١٨ فقال زكريا للملاك: "كيف أعلم هذا؟ لأني أنا شيخ وامرأتي
متقدمة في أيامها." ١٩ فأجاب الملاك وقال له: "أنا جبرائيل الواقف قدام
الله، وقد أرسلت لأكلمك وأبشرك بهذا. ٢٠ وها أنت تكون صامتا ولا
تستطيع الكلام إلى اليوم الذي يكون فيه هذا، لأنك لم تؤمن بكلامي الذي
سيتم في وقته."

٢١ وكان الشعب منتظرين زكريا، وتعجبوا من إبطائه في الهيكل. ٢٢ فلما
خرج لم يستطع أن يكلمهم، فعلموا أنه رأى رؤيا في الهيكل. وكان يومئ
إليهم وبقي صامتا. ٢٣ ولما كملت أيام خدمته مضى إلى بيته. ٢٤ وبعد تلك
الأيام حبلت أليصابات امرأته وأخفت نفسها خمسة أشهر قائلة:

---

k ١:١٥ عدد ٦:٣ l ١:١٧ ملاخي ٤:٥-٦

كان يعلمهم بقوة، وليس كالكتبة. ٢٥"فانتهره يسوع: "اسكت، واخرج منه!" ٢٦فصرعه الروح النجس وصرخ بصوت عظيم وخرج منه.

يسوع يشفي حماة سمعان

٢٩وما إن خرجوا من المجمع ذهبوا مع يعقوب ويوحنا إلى بيت سمعان وأندراوس. ٣٠وكانت حماة سمعان مريضة بالحمى، فأخبروه عنها في الحال. ٣١فتقدم إليها وأمسك بيدها وأقامها، فتركتها الحمى في الحال وأخذت تخدمهم.

يسوع يشفي مرضى كثيرين

٣٢وعند المساء، بعد غروب الشمس، جاءوا إليه بكل المرضى والمصروعين، ٣٣واجتمع أهل البلدة كلهم على الباب. ٣٤فشفى كثيرين من أمراض مختلفة، وطرد شياطين كثيرة، ولم يدع الشياطين تتكلم لأنها كانت تعرفه.

يسوع يصلي في مكان منعزل

٣٥وفي الصباح الباكر، قبل أن يطلع النهار، قام يسوع وخرج إلى مكان منعزل وأخذ يصلي هناك. ٣٦فتبعه سمعان والذين معه، ٣٧ولما وجدوه قالوا له: "الجميع يبحثون عنك."

٣٨فأجابهم: "لنذهب إلى القرى المجاورة لنكرز هناك أيضاً، لأني لهذا السبب جئت." ٣٩فذهب يكرز في مجامعهم في كل الجليل، ويطرد الشياطين.

١:٣٣m متى ٧:٩ ١:٣٧n لوقا ١٨:١٤

مزمور داود برای استجابت

۳۹ تو به من قوت میدهی تا در جنگ پیروز شوم،
و دشمنانم را شکست دهم.
۴۰ تو مرا یاری میکنی تا بر دشمنانم غلبه کنم،
و آنانی را که از من نفرت دارند نابود سازم.
۴۱ آنها فریاد میزنند، اما کسی نیست که به ایشان کمک کند؛
حتی نزد تو فریاد برمیآورند، اما تو جواب نمیدهی.
۴۲ من آنها را مانند گرد و خاک در باد پراکنده میسازم،
و مانند گل کثیف در کوچهها پایمال میکنم.
۴۳ تو مرا از شورشهای قوم نجات دادی،
و مرا رهبر ملتها ساختی.
ملتهایی که من هرگز آنها را نمیشناختم، اکنون خدمتگزار من شدهاند.
۴۴ به محض شنیدن خبر من، از من اطاعت میکنند؛
بیگانگان نزد من میآیند تا از من چیزی بخواهند.
۴۵ آنها دلسرد شدهاند،
و با ترس و لرز از قلعههای خود بیرون میآیند.

مزمور ستایش خداوند

۴۶ خداوند زنده است!
ستایش بر صخرهٔ من باد!
خدا که نجات دهندهٔ من است، سرافراز باد!
۴۷ او انتقام مرا گرفته،
و ملتها را زیر پای من انداخته است.
۴۸ او مرا از دست دشمنانم نجات داده است.
بله، او مرا بر دشمنانم پیروز گردانیده،
و از دست ظالمان رهایی بخشیده است.
۴۹ بنابراین، ای خداوند، در میان ملتها تو را ستایش خواهم کرد،
و سرودهایی برای تو خواهم سرود.
۵۰ تو پادشاه را پیروز میگردانی،
و بر مسیح خود، بر داود و فرزندانش، تا ابد رحمت خود را نشان میدهی.
۵۱ خداوند به پادشاه وعدههای بزرگی داده است،
و به داود و فرزندانش تا ابد محبت خود را نشان خواهد داد.

٥٢ "هكذا ايضا انتم، عندما تنظرون كل هذه الاشياء، اعلموا ان ابن الانسان قريب على الابواب. ٥٣ "الحق اقول لكم، لن يمضي هذا الجيل حتى يحدث كل هذا. ٥٤ "السماء والارض تزولان، ولكن كلامي لن يزول. ٥٥ "واما عن ذلك اليوم او تلك الساعة فلا يعلم احد، لا ملائكة السماوات ولا الابن، بل الآب وحده. ٥٦ "كما كان في ايام نوح، هكذا يكون مجيء ابن الانسان. ٥٧ فكما كانوا في تلك الايام قبل الطوفان يأكلون ويشربون ويتزوجون ويزوجون الى اليوم الذي دخل فيه نوح الفلك، ٥٨ ولم يعلموا حتى جاء الطوفان واخذ الجميع، هكذا يكون ايضا مجيء ابن الانسان. ٥٩ حينئذ يكون رجلان في الحقل، فيؤخذ الواحد ويترك الآخر. ٦٠ وامرأتان تطحنان على الرحى، فتؤخذ الواحدة وتترك الاخرى. ٦١ اسهروا اذا لستم تعلمون في اية ساعة يأتي ربكم. ٦٢ واعلموا هذا: لو علم رب البيت في اية هزيع يأتي السارق لسهر ولم يدع بيته ينقب. ٦٣ لهذا كونوا انتم ايضا مستعدين، لان ابن الانسان يأتي في ساعة لا تظنون.

مثل العبد الامين والعبد الشرير

٤٥ "فمن هو العبد الامين الحكيم الذي اقامه سيده على عبيده ليعطيهم الطعام في حينه؟ ٤٦ طوبى لذلك العبد الذي اذا جاء سيده يجده يفعل هكذا. ٤٧ الحق اقول لكم انه يقيمه على جميع امواله. ٤٨ ولكن ان قال ذلك العبد الشرير في قلبه: سيدي يبطئ قدومه، ٤٩ فابتدأ يضرب العبيد رفقاءه ويأكل ويشرب مع السكيرين، ٥٠ يأتي سيد ذلك العبد في يوم لا يترقبه وفي ساعة لا يعرفها، ٥١ فيقطعه ويجعل نصيبه مع المرائين. هناك يكون البكاء وصرير الاسنان.

٢٤:١ لوقا ١٢:٣٩ ٢٤:٣٦ لوقا ١٧:٢٦-٢٧؛ ١ تسالونيكي ٥:٢ ٢٤:٤٢ لوقا ١٢:٤٠

٢٤:٤٥ لوقا ١٢:٤٢

نبوءة زكريا

٦٧ وامتلأ زكريا أبوه من الروح القدس، وتنبأ قائلا:
٦٨ «مبارك الرب إله إسرائيل،
لأنه افتقد شعبه وصنع فداء لهم،
٦٩ وأقام قرن خلاص لنا
في بيت داود فتاه،
٧٠ كما تكلم بفم أنبيائه القديسين منذ الدهر،
٧١ خلاص من أعدائنا
ومن يد جميع مبغضينا،
٧٢ ليصنع رحمة مع آبائنا،
ويذكر عهده المقدس،
٧٣ القسم الذي حلف لإبراهيم أبينا،
٧٤ أن يعطينا إنا بلا خوف،
منقذين من يد أعدائنا،
نعبده
٧٥ بقداسة وبر أمامه كل أيامنا.
٧٦ وأنت أيها الصبي، نبي العلي تدعى،
لأنك تتقدم أمام الرب لتهيئ طرقه،
٧٧ لتعطي شعبه معرفة الخلاص
بمغفرة خطاياهم،
٧٨ بأحشاء رأفة إلهنا
التي بها افتقدنا المشرق من العلاء،
٧٩ ليضيء للجالسين في الظلمة وظلال الموت،
لكي يهدي أرجلنا في طريق السلام.»
٨٠ وكان الصبي ينمو ويتقوى بالروح،
وكان في البراري إلى يوم ظهوره لإسرائيل.

لوقا ١:٦٧ ر ملاخي ٣:١ س لوقا ٩:٢ ١:٧٩ س

عیسیٰ مسیح کا اختیار

مرقس ۲:۱-۱۲

۲ [۱]چند دِنوں کے بعد یسوع دوبارہ کفرنحوم آیا۔ جب لوگوں کو پتا چلا کہ وہ گھر میں ہے
[۲]تو اِتنے سارے لوگ جمع ہو گئے کہ دروازے کے سامنے بھی جگہ نہ رہی۔ یسوع نے
[۳]اُنہیں کلامِ خدا سنایا۔ اِتنے میں چار آدمی ایک مفلوج کو لے کر آئے۔ [۴]وہ اُسے
یسوع کے پاس نہ لا سکے کیونکہ وہاں بہت بھیڑ تھی۔ اِس لئے اُنہوں نے اُس جگہ کی
چھت کھول دی جہاں یسوع تھا۔ پھر اُنہوں نے مفلوج کی چارپائی نیچے لٹکا دی۔
[۵]یسوع نے اُن کا ایمان دیکھ کر مفلوج سے کہا، ”بیٹے، تیرے گناہ معاف ہو گئے ہیں۔“
[۶]وہاں کچھ شریعت کے اُستاد بیٹھے تھے۔ اُنہوں نے دِل میں سوچا، [۷]”یہ کیا کہہ رہا
ہے؟ یہ تو کُفر بک رہا ہے! صرف خدا ہی گناہ معاف کر سکتا ہے۔“
[۸]یسوع نے فوراً جان لیا کہ وہ کیا سوچ رہے ہیں۔ اِس لئے اُس نے اُن سے پوچھا،
”تم اپنے دِلوں میں ایسی باتیں کیوں سوچ رہے ہو؟ [۹]کیا مفلوج سے کہنا آسان ہے کہ
تیرے گناہ معاف ہو گئے ہیں یا یہ کہنا کہ اُٹھ، اپنی چارپائی اُٹھا کر چل پھر؟
[۱۰]مَیں ابنِ آدم ہوں۔ مجھے دُنیا میں گناہ معاف کرنے کا اختیار دیا گیا ہے۔ اِس بات کا
ثبوت تمہیں ابھی مِل جائے گا۔“ پھر یسوع نے مفلوج سے کہا، [۱۱]”مَیں تجھے کہتا ہوں،
اُٹھ، اپنی چارپائی اُٹھا کر اپنے گھر چلا جا۔“ [۱۲]وہ اُٹھ کھڑا ہوا اور فوراً اپنی چارپائی
اُٹھا کر سب کے سامنے سے چلا گیا۔ یہ دیکھ کر سب لوگ حیران رہ گئے اور خدا کی
تمجید کرنے لگے۔ وہ کہتے تھے، ”ہم نے ایسا کبھی نہیں دیکھا۔“

[١٣] وصارت معه بغتة جمهور من الجند السماوي مسبحين الله، [١٤] قائلين: "المجد لله في الأعالي، وعلى الأرض السلام، وبالناس المسرة."

[١٥] فلما مضت عنهم الملائكة إلى السماء، قال الرعاة بعضهم لبعض: "لنذهب الآن إلى بيت لحم ونرى هذا الأمر الذي قد حدث، الذي أعلمنا به الرب." [١٦] فجاءوا مسرعين، ووجدوا مريم ويوسف، والطفل مضطجعا في المذود. [١٧] فلما رأوه أخبروا عن القول الذي قيل لهم عن هذا الصبي. [١٨] وكل الذين سمعوا تعجبوا مما قاله الرعاة لهم. [١٩] وأما مريم فكانت تحفظ جميع هذه الأمور متفكرة في قلبها. [٢٠] ثم رجع الرعاة وهم يمجدون الله ويسبحونه على كل ما سمعوا ورأوا كما قيل لهم.

ختان يسوع وتقديمه في الهيكل

[٢١] ولما تمت ثمانية أيام لختان الصبي سمي يسوع، كما دعي من الملاك قبل أن حبل به في البطن. [٢٢] ولما تمت أيام تطهيرها حسب شريعة موسى، صعدوا به إلى أورشليم ليقدموه للرب، [٢٣t] كما هو مكتوب في ناموس الرب: كل ذكر فاتح رحم يدعى قدوسا للرب. [٢٤u] وليقدموا ذبيحة كما قيل في ناموس الرب: زوج يمام أو فرخا حمام.

---

[t] ٢:٢٣ خر ١٣:٢، ١٢ [u] ٢:٢٤ لاو ١٢:٣

هذا أيضًا جالسًا عند بئر يعقوب. فكان نحو الساعة السادسة. [٧]

السامرية عند البئر

فجاءت امرأة من السامرة لتستقي ماءً. قال يسوع للمرأة: «أعطيني لأشرب». [٨] فقد مضى تلاميذه إلى المدينة ليشتروا طعامًا. [٩] فقالت له المرأة السامرية: «كيف تطلب أنت اليهودي أن تشرب مني وأنا امرأة سامرية؟» (لأن اليهود لا يعاشرون السامريين). [١٠] أجاب يسوع وقال لها: «لو كنت تعرفين عطية الله، ومن هو الذي يقول لك: أعطيني لأشرب، لطلبت أنت منه فأعطاك ماءً حيًا». [١١] قالت له المرأة: «يا سيد، ليس عندك ما تستقي به، والبئر عميقة. فمن أين لك الماء الحي؟ [١٢] ألعلك أعظم من أبينا يعقوب الذي أعطانا البئر وشرب منها هو وبنوه ومواشيه؟» [١٣] أجاب يسوع وقال لها: «كل من يشرب من هذا الماء يعطش ثانية، [١٤] وأما من يشرب من الماء الذي أعطيه أنا فلن يعطش أبدًا، بل إن الماء الذي أعطيه يصير فيه نبع ماء يتفجر للحياة الأبدية». [١٥] قالت له المرأة: «يا سيد، أعطني هذا الماء لكي لا أعطش ولا آتي إلى هنا لأستقي».

يسوع يكشف عن خطايا المرأة

[١٦] قال لها يسوع: «اذهبي وادعي زوجك وتعالي إلى هنا». [١٧] أجابت المرأة وقالت له: «ليس لي زوج». قال لها يسوع: «حسنًا قلت إنه ليس لك زوج، [١٨] لأنك قد كان لك خمسة أزواج، والذي لك الآن ليس هو زوجك. بهذا قلت الحق». [١٩] قالت له المرأة: «يا سيد، أرى أنك نبي. [٢٠] آباؤنا سجدوا على هذا الجبل، وأنتم تقولون إن في أورشليم المكان الذي ينبغي أن نسجد فيه». [٢١] قال لها يسوع: «صدقيني يا امرأة، إن الساعة تأتي حين لا تسجدون للآب على هذا الجبل ولا في أورشليم. [٢٢] أنتم تسجدون لما لا تعرفون، ونحن نسجد لما نعرف، لأن الخلاص هو من اليهود. [٢٣] ولكن الساعة تأتي، بل هي الآن قد حانت، حين يسجد الساجدون الحقيقيون للآب بالروح والحق، لأن الآب يطلب أن يكون له مثل هؤلاء الساجدين. [٢٤] الله روح، والذين يسجدون له ينبغي أن يسجدوا بالروح والحق». [٢٥] قالت له المرأة: «أنا أعلم أن المسيح، الذي يُدعى المسيا، سيأتي. فعندما يأتي هو يخبرنا بكل شيء». [٢٦] قال لها يسوع: «أنا الذي أكلمك».

يسوع يتكلم مع تلاميذه

[٢٧] وفي تلك الساعة جاء تلاميذه، فتعجبوا أنه كان يتكلم مع امرأة، ولكن لم يقل أحد منهم: ماذا تريد؟ أو: لماذا تتكلم معها؟ [٢٨] فتركت المرأة جرتها ومضت إلى المدينة وقالت للناس: [٢٩] «تعالوا انظروا إنسانًا قال لي كل ما فعلت. ألعله هو المسيح؟» [٣٠] فخرجوا من المدينة وأتوا إليه.

[٣١] وفي أثناء ذلك كان تلاميذه يطلبون إليه قائلين: «يا معلم، كل». [٣٢] فقال لهم: «إن لي طعامًا لآكل لستم تعرفونه أنتم». [٣٣] فقال التلاميذ بعضهم لبعض: «ألعل أحدًا أتى له بطعام؟» [٣٤] قال لهم يسوع: «طعامي أن أعمل مشيئة الذي أرسلني وأتمم عمله. [٣٥] ألستم تقولون: إن بين الزرع والحصاد أربعة أشهر؟ ها أنا أقول لكم: ارفعوا أعينكم وانظروا الحقول كيف ابيضت للحصاد. [٣٦] فالحاصد يأخذ أجرته ويجمع ثمرًا للحياة الأبدية، ليفرح الزارع والحاصد معًا. [٣٧] لأن في هذا يصدق القول المأثور: إن واحدًا يزرع وآخر يحصد.

---

٧ ٢:٢٤ تكوين ٨:١٢ ٢٧ ٢:٣٣ ملوك الأول ٦:٤٢؛ ٦:٤٩

ואז[38], כשהיה הנער בן שתים עשרה, עלו כמנהג החג. כאשר
סיימו את ימי החג, ושבו הביתה, נשאר הנער ירושלים מבלי
שהוריו ידעו על כך.

בבית המקדש

[39] כאשר חשבו שהנער נמצא בשיירה, נסעו יום שלם, ורק
אז החלו לחפש אותו בין קרוביהם ומכריהם. [40] כשלא מצאו
אותו, שבו לירושלים וחיפשו אותו שם.

ישוע בין החכמים

[41] שלושה ימים לאחר מכן מצאו אותו בבית המקדש. הוא
ישב בין החכמים, הקשיב להם ושאל שאלות. [42x] כל השומעים
התפלאו על הבנתו ועל תשובותיו. [43] כאשר סיימו את ימי
החג, החלו הוריו לשוב הביתה, אך הנער נשאר בירושלים,
[44] מבלי שיודעו הוריו דבר. הם חשבו שהוא נמצא בין
הקבוצה, ורק לאחר יום הלכו לחפש אותו בין קרוביהם
ומכריהם. [45] כאשר לא מצאו אותו, שבו לירושלים וחיפשו
אותו שם. [46] לאחר שלושה ימים מצאו אותו בבית המקדש,
יושב בין החכמים, מקשיב להם ושואל שאלות. [47] כל
השומעים אותו התפלאו מאוד על הבנתו ועל תשובותיו.
[48] כאשר ראו אותו הוריו, הם נדהמו. אמו אמרה אליו: "בני,
מדוע עשית לנו כך? הנה אביך ואני חיפשנו אותך בדאגה
רבה." [49] הוא ענה להם: "מדוע חיפשתם אותי? הרי ידעתם
שעלי להיות בבית אבי."

---

[x] לוקס ב:41-כז 1:12-27

ופֹּה יְהוָה נֹתֵן לָנוּ? הֲבַת סֹפֵר הוּא לָנוּ: "מִמְּחָרָת הַחַג וַיֹּאמֶר אֵלֵיהֶם הִנֵּה אַתֶּם חֹטְאִים גְּדוֹלָה וַאֲנִי הָלַכְתִּי אֶל הַר הַזֵּיתִים׃ [٥٠] וְשׁוּב בַּבֹּקֶר לִפְנוֹת עֶרֶב הִנֵּה אֲנִי בָּא אֶל הַמִּקְדָּשׁ וְכָל הָעָם בָּאוּ אֵלָיו וַיֵּשֶׁב וַיְלַמְּדֵם׃

[٥١] וְהַסּוֹפְרִים וְהַפְּרוּשִׁים הֵבִיאוּ אִשָּׁה שֶׁנִּתְפְּשָׂה בְּנִאוּף וַיַּעֲמִידוּהָ בָּאֶמְצַע׃ [٥٢] וַיֹּאמְרוּ אֵלָיו רַבִּי הָאִשָּׁה הַזֹּאת נִתְפְּשָׂה בְּנִאוּף בְּמַעֲשֶׂה׃ [y]

יוחנן ٨:١-٥٣

הגאולה של האישה הנואפת

משלי ٣:١-١٢; מעשים ١:١-٨; לוקס ١٩:١-٢٨

٨ [١] וְיֵשׁוּעַ הָלַךְ אֶל הַר הַזֵּיתִים׃ [٢] וְלִפְנוֹת בֹּקֶר שָׁב אֶל הַמִּקְדָּשׁ וְכָל הָעָם בָּאוּ אֵלָיו וַיֵּשֶׁב וַיְלַמְּדֵם׃ [٣] וְהַסּוֹפְרִים וְהַפְּרוּשִׁים הֵבִיאוּ אִשָּׁה שֶׁנִּתְפְּשָׂה בְּנִאוּף וַיַּעֲמִידוּהָ בָּאֶמְצַע׃ [٤] וַיֹּאמְרוּ אֵלָיו רַבִּי הָאִשָּׁה הַזֹּאת נִתְפְּשָׂה בְּנִאוּף בְּמַעֲשֶׂה׃ [z] וּמֹשֶׁה בַּתּוֹרָה צִוָּה עָלֵינוּ לִסְקֹל אֶת הַנָּשִׁים הָאֵלֶּה אַתָּה מַה תֹּאמַר׃ [٥] וְזֹאת אָמְרוּ לְנַסּוֹתוֹ לְמַעַן יִמְצְאוּ עִלָּה לְהַשְׁחִיתוֹ וַיֵּשׁוּעַ רָכַן אַרְצָה וַיַּחֵל לִכְתֹּב בָּאָבָק בְּאֶצְבָּעוֹתָיו׃ [٦] וְכַאֲשֶׁר הִמְשִׁיכוּ לִשְׁאֹל אוֹתוֹ הֵרִים אֶת עֵינָיו וַיֹּאמֶר אֲלֵיהֶם: "מִי שֶׁאֵין בּוֹ חֵטְא יַשְׁלִיךְ בָּהּ אֶבֶן רִאשׁוֹנָה׃" [٧] וְשׁוּב רָכַן אַרְצָה וַיַּחֵל לִכְתֹּב בָּאָבָק׃ [٨] וְכַאֲשֶׁר שָׁמְעוּ הַדְּבָרִים הַלָּלוּ יָצְאוּ אִישׁ אִישׁ לְפִי גְּדֹלוֹ עַד הַקְּטַנִּים בָּהֶם וַיֵּשׁוּעַ נִשְׁאַר לְבַדּוֹ וְהָאִשָּׁה עוֹמֶדֶת בָּאֶמְצַע׃ [٩] וַיֵּשׁוּעַ הֵרִים אֶת עֵינָיו וַיֹּאמֶר אֵלֶיהָ: "אִשָּׁה אַיֵּה הֵם הַמַּשְׁמִיצִים אוֹתָךְ הַאִם אֵין אִישׁ שֶׁיַּרְשִׁיעַ אוֹתָךְ׃" [١٠] וַתֹּאמֶר: "אֵין אִישׁ אֲדוֹנִי." וַיֹּאמֶר יֵשׁוּעַ: "גַּם אֲנִי לֹא אַרְשִׁיעַ אוֹתָךְ לְכִי וְאַל תֶּחֱטְאִי עוֹד׃" [z]

---

[y] ٢:٥٢ א חסרות ٢٦:٢ [z] ٣:٦ ראו ٤٠:٣-٥

٧ وهو يقول لِلجُموع الّتي خَرجَت لِكَي يَعتَمِدوا مِنهُ: "يا أولادَ
الأفاعي، مَن أراكُم أن تَهرُبوا مِنَ الغَضَبِ الآتي؟ ٨ فَاصنَعوا
ثِمارًا تَليقُ بِالتَّوبَة، ولا تَبدَأوا تَقولونَ في أنفُسِكُم: 'لَنا
إبراهيمُ أبًا'. لأنّي أقولُ لَكُم إنَّ اللهَ قادِرٌ أن يُقيمَ مِن هذِهِ
الحِجارَةِ أبناءً لإبراهيم. ٩ والآنَ قَد وُضِعَ الفَأسُ عَلى أصلِ
الشَّجَر، فَكُلُّ شَجَرَةٍ لا تُثمِرُ ثَمَرًا جَيِّدًا تُقطَعُ وتُلقى في
النّار."

١٠ فَسَأَلَهُ الجُموعُ قائِلين: "ماذا نَصنَعُ إذًا؟" ١١ فَأَجابَ
وقالَ لَهُم: "مَن لَهُ ثَوبانِ فَليُعطِ مَن لَيسَ لَهُ، ومَن لَهُ
طَعامٌ فَليَصنَعْ كَذلِك." ١٢ وجاءَ عُشّارونَ لِيَعتَمِدوا وقالوا
لَهُ: "يا مُعَلِّم، ماذا نَصنَعُ نَحنُ؟" ١٣ فَقالَ لَهُم: "لا تَستَوفوا
أكثَرَ مِمّا فُرِضَ لَكُم." ١٤ وسَأَلَهُ أيضًا جُنودٌ قائِلين: "وماذا
نَصنَعُ نَحنُ؟" فَقالَ لَهُم: "لا تَظلِموا أحَدًا ولا تَشُوا بِأَحَدٍ
بِالباطِل، واكتَفوا بِأُجرَتِكُم."

١٥ وإذ كانَ الشَّعبُ في انتِظار، وكانَ الجَميعُ يُفَكِّرونَ في
قُلوبِهِم عَن يوحَنّا لَعَلَّهُ هو المَسيح، ١٦ أجابَ يوحَنّا قائِلًا
لِلجَميع: "أنا أُعَمِّدُكُم بِالماء، ولكِن يَأتي مَن هو أقوى مِنّي،
الّذي لَستُ أهلًا أن أحُلَّ سَيرَ حِذائِهِ. هو يُعَمِّدُكُم بِالرّوحِ
القُدُسِ وبِالنّار. ١٧ وفي يَدِهِ المِذراةُ لِيُنَقّيَ بَيدَرَهُ ويَجمَعَ
القَمحَ إلى مَخزَنِهِ، وأمّا التِّبنُ فَيُحرِقُهُ بِنارٍ لا تُطفَأ."
١٨ وبِأَنواعٍ كَثيرَةٍ مِنَ الوَعظِ بَشَّرَ الشَّعبَ.

١٩ ولكن هيرودس رئيس الربع، اذ وبخ منه هيروديا امرأة اخيه وجميع
٢٠ الشرور التي عملها هيرودس، زاد هذا ايضا على الكل فحبس يوحنا.

معمودية يسوع

متى ٣:١٣-١٧؛ مرقس ١:٩-١١

٢١ ولما اعتمد جميع الشعب، واعتمد يسوع ايضا وكان يصلي، انفتحت
٢٢ السماء، ونزل الروح القدس عليه في هيئة جسمية مثل حمامة. وكان
صوت من السماء قائلا: «انت ابني الحبيب بك سررت».[a]

نسب يسوع

متى ١:١-١٧

٢٣ ويسوع نفسه كان ابن نحو ثلاثين سنة لما ابتدأ، وهو على ما كان
يظن ابن يوسف بن هالي، ٢٤ بن متثاة بن لاوي بن ملكي بن يننا بن
٢٥ يوسف، بن متثيا بن عاموص بن ناحوم بن حسلي بن نجي، ٢٦ بن
معث بن متثيا بن شمعي بن يوسف بن يهوذا، ٢٧ بن يوحنا بن ريسا بن
زربابل بن شألتيئيل بن نيري، ٢٨ بن ملكي بن ادي بن قوسام بن
المودام بن عير، ٢٩ بن يوسي بن اليعزر بن يوريم بن متثات بن لاوي،
٣٠ بن شمعون بن يهوذا بن يوسف بن يونان بن الياقيم،

---

[a] ٣:٢٢ تث ١:٤٢

בניהם, הנותן בהם חכמה, הנותן בהם תבונה, הנותן בהם דעת, [٣١] הנותן בלבם, הנותן בלבב, הנותן בשלו, הנותן בגוי, הנותן בזמם, [٣٢] הנותן בחבב, הנותן בחכמה, הנותן בחכם, הנותן בחלמות, [٣٣] הנותן בחבונה, הנותן בגדם, הנותן בשכל, הנותן בעוז, [٣٤] הנותן בחמה, הנותן בחרש, הנותן בחושב, [٣٥] הנותן בחשמל, הנותן בחרש, הנותן בקלב, הנותן בכתב, הנותן בחכם, [٣٦] הנותן בחלץ, הנותן בחפחת, הנותן בחם, הנותן בחש, הנותן בחלם, [٣٧] הנותן בחשבת, הנותן בשוק, הנותן בחב, הנותן בחשכלים, [٣٨] הנותן בחלץ, הנותן בחרש, הנותן בחם, הנותן בגדם, בם בגדם.

הפטרת תזריע

עמוס ב:א-יא; מלכים ב ד:יב-יג

٤ [١] ואשה אחת מנשי בני הנביאים צעקה אל אלישע לאמר עבדך אישי מת, ואתה ידעת כי עבדך היה ירא את יהוה. והנושה בא לקחת את שני ילדי לו לעבדים. [٢] ויאמר אליה אלישע מה אעשה לך הגידי לי מה יש לך בבית. ותאמר אין לשפחתך כל בבית כי אם אסוך שמן. [٣] ויאמר לכי שאלי לך כלים מן החוץ מאת כל שכניך כלים רקים אל תמעיטי. [٤] ובאת ובאת דלת בעדך ובעד בניך וישפכת על כל הכלים האלה והמלא תסיעי.

فَأَجَابَهُ يَسُوعُ: «مَكْتُوبٌ أَيْضًا: لَا تُجَرِّبْ
الرَّبَّ إِلٰهَكَ.»[٤c] ٩ثُمَّ أَصْعَدَهُ إِبْلِيسُ إِلَى أُورُشَلِيمَ وَأَوْقَفَهُ عَلَى
جَنَاحِ الْهَيْكَلِ، وَقَالَ لَهُ: «إِنْ كُنْتَ ابْنَ اللهِ، فَاطْرَحْ نَفْسَكَ مِنْ هُنَا إِلَى
أَسْفَلُ، ١٠لِأَنَّهُ مَكْتُوبٌ: يُوصِي مَلَائِكَتَهُ بِكَ لِكَيْ يَحْفَظُوكَ،
١١وَعَلَى أَيْدِيهِمْ يَحْمِلُونَكَ لِئَلَّا تَصْدِمَ بِحَجَرٍ رِجْلَكَ.»[٤d] ١٢فَأَجَابَ
يَسُوعُ: «إِنَّهُ قِيلَ: لَا تُجَرِّبْ الرَّبَّ إِلٰهَكَ.»[٤e] ١٣وَلَمَّا أَكْمَلَ إِبْلِيسُ كُلَّ
تَجْرِبَةٍ فَارَقَهُ إِلَى حِينٍ.

يسوع يبدأ خدمته

متى ٤:١٢-١٧؛ مرقس ١:١٤-١٥

١٤ثُمَّ رَجَعَ يَسُوعُ بِقُوَّةِ الرُّوحِ إِلَى الْجَلِيلِ، وَخَبَرُهُ ذَاعَ فِي كُلِّ
الْكُورَةِ الْمُحِيطَةِ. ١٥وَكَانَ يُعَلِّمُ فِي مَجَامِعِهِمْ وَيُمَجَّدُ مِنَ الْجَمِيعِ.

---

[c] ٤:٨ تث ٦:١٣ [d] ٤:١١ مز ٩١:١١-١٢

[e] ٤:١٢ تث ٦:١٦

عظة يسوع في الناصرة

مرقس ٦:١-٦؛ متى ١٣:٥٣-٥٨؛ مرقس ٦:١-٦

١٦ ثم جاء إلى الناصرة حيث تربى، ودخل المجمع يوم السبت كعادته، وقام ليقرأ. ١٧ فدفع إليه سفر النبي إشعياء، ولما فتحه وجد الموضع الذي كان مكتوبًا فيه:

١٨ «روح الرب عليّ، لأنه مسحني لأبشر المساكين،
أرسلني لأنادي للمأسورين بالإطلاق،
وللعميان بعودة البصر،
لأرسل المنسحقين في الحرية،
١٩ لأنادي بسنة الرب المقبولة».

٢٠ ثم طوى السفر وسلمه للخادم وجلس، وكانت عيون الجميع في المجمع شاخصة إليه. ٢١ فابتدأ يقول لهم: «اليوم قد تمّ هذا المكتوب في مسامعكم».

٢٢ فكان الجميع يشهدون له ويتعجبون من الكلام المملوء نعمة الذي كان يخرج من فمه، وقالوا: «أليس هذا ابن يوسف؟» ٢٣ فقال لهم: «لا شك أنكم تقولون لي هذا المثل: ‹أيها الطبيب، اشفِ نفسك. فكل ما سمعنا أنه جرى في كفرناحوم افعله أيضًا هنا في وطنك›». ٢٤ وقال: «الحق أقول لكم إنه لا يُقبل نبي في وطنه. ٢٥ بالحق أقول لكم إن كثيرات من الأرامل كنّ في أيام إيليا في إسرائيل، حين أغلقت السماء ثلاث سنين وستة أشهر، وحدث جوع عظيم في كل الأرض، ٢٦ ولم يُرسل إيليا إلى واحدة منهن إلا إلى امرأة أرملة في صرفة صيدا.

---

f ٤:١٩ إشعياء ٦١:١-٢

[٢٦] "أنا هو، أنا الذي يتكلم معك." [٢٧] وفي هذا الوقت رجع تلاميذه، وتعجبوا أنه كان يتكلم مع امرأة، ولكن لم يقل أحد منهم: ماذا تريد؟ أو: لماذا تتكلم معها؟[g] [٢٨] فتركت المرأة جرتها، ومضت إلى المدينة وقالت للناس: [h]
[٢٩] "هلموا انظروا إنسانًا قال لي كل ما فعلته. أليس هذا هو المسيح؟" [٣٠] فخرجوا من المدينة وأتوا إليه.

[٣١] وفي أثناء ذلك كان تلاميذه يطلبون إليه قائلين: "يا معلم، كل." [٣٢] فقال لهم: "إن لي طعامًا لآكل لستم تعرفونه أنتم." [٣٣] فقال التلاميذ بعضهم لبعض: "ألعل أحدًا أتاه بشيء ليأكل؟" [٣٤] قال لهم يسوع: "طعامي أن أعمل مشيئة الذي أرسلني وأتمم عمله. [٣٥] ألستم تقولون: إنه بعد أربعة أشهر يأتي الحصاد؟ ها أنا أقول لكم: ارفعوا أعينكم وانظروا الحقول كيف هي مبيضة للحصاد. [٣٦] والذي يحصد يأخذ أجرة ويجمع ثمرًا للحياة الأبدية، لكي يفرح الزارع والحاصد معًا. [٣٧] لأن في هذا القول الصادق: إن واحدًا يزرع وآخر يحصد. [٣٨] أنا أرسلتكم لتحصدوا ما لم تتعبوا فيه. آخرون تعبوا وأنتم قد دخلتم على تعبهم."

شفاء ابن خادم الملك في كفرناحوم

متى ٨:٥-١٣

[٤٦] فجاء يسوع أيضًا إلى قانا الجليل حيث صنع الماء خمرًا. وكان خادم الملك في كفرناحوم ابنه مريضًا. [٤٧] فلما سمع أن يسوع قد جاء من اليهودية إلى الجليل، ذهب إليه وطلب أن ينزل ويشفي ابنه، لأنه كان مشرفًا على الموت. [٤٨] فقال يسوع له: "إن لم تروا آيات وعجائب لا تؤمنوا." [٤٩] قال له خادم الملك: "يا سيد، انزل قبل أن يموت ابني." [٥٠] قال له يسوع: "اذهب، ابنك حي." فآمن الرجل بالكلمة التي قالها له يسوع وذهب. [٥١] وفيما هو نازل استقبله عبيده وأخبروه قائلين: "ابنك حي." [٥٢] فسألهم عن الساعة التي فيها أخذ يتحسن، فقالوا له: "أمس في الساعة السابعة تركته الحمى." [٥٣] فعلم الأب أن تلك الساعة هي التي قال له فيها يسوع: "ابنك حي." فآمن هو وكل بيته. [٥٤] هذه الآية فعلها يسوع أيضًا ثانية لما جاء من اليهودية إلى الجليل.

---

g ٤:٢٦ أو صلح ١٧:١-١٦ h ٤:٢٧ ح صلح ٥:١-١٤

فخرج صيته في كل مكان من تلك البقعة. ٣٧ وكان الجموع يأتون اليه ويتوسلون اليه ان يقيم عندهم.

يسوع يشفي حماة سمعان وكثيرين آخرين

متى ٨:١٤-١٧؛ مرقس ١:٢٩-٣٤

٣٨ فقام يسوع وخرج من المجمع ودخل بيت سمعان. وكانت حماة سمعان مصابة بحمى شديدة، فسألوه من اجلها. ٣٩ فوقف عليها وانتهر الحمى فتركتها. وفي الحال قامت وصارت تخدمهم. ٤٠ ولما غربت الشمس جاء الناس بجميع المرضى الذين كانت بهم امراض مختلفة، فوضع يديه على كل واحد منهم وشفاهم. ٤١ وخرجت شياطين من كثيرين وهي تصرخ وتقول: "انت ابن الله". فانتهرها ولم يدعها تتكلم لانها عرفت انه المسيح.

يسوع يكرز في مجامع اليهودية

متى ٤:٢٣-٢٥؛ مرقس ١:٣٥-٣٩

٤٢ ولما كان النهار خرج وذهب الى موضع خلاء. وكانت الجموع تفتش عليه حتى اتوا اليه، وكانوا يمسكونه لئلا يذهب عنهم. ٤٣ فقال لهم: "ينبغي ان ابشر المدن الاخر ايضا بملكوت الله لاني لهذا قد أرسلت". ٤٤ فكان يكرز في مجامع اليهودية.

يسوع يشفي رجلاً مشلولاً

مرقس ٢:١-١٢؛ متى ٩:١-٨

٥ ١ وفيما كان يسوع في إحدى المدن، إذا برجل مصاب بالجذام، فلما رأى يسوع
سقط على وجهه وتوسل إليه قائلاً: «يا سيد، إن شئت فأنت قادر أن تطهرني.»
٣ فمد يسوع يده ولمسه وقال: «أريد أن تطهر.» وفي الحال زال عنه الجذام.
٤ ثم أمره قائلاً: «لا تخبر أحداً بذلك، بل اذهب وأرِ نفسك للكاهن، وقدم
عن تطهيرك ما أمر به موسى شهادة لهم.»
٥ وذاع خبر يسوع أكثر فأكثر، فكان الناس يأتون من كل مكان ليسمعوه
ويطلبوا منه أن يشفيهم من أمراضهم. ١٦ أما هو فكان يعتزل إلى الأماكن
الخالية ويصلي.
١٧ وفي أحد الأيام كان يسوع يعلم، وكان بين الحاضرين جماعة من الفريسيين
ومعلمي الشريعة الذين جاءوا من كل قرية في الجليل واليهودية ومن أورشليم.
وكانت قدرة الرب تظهر في شفاء المرضى.
١٨ وإذا برجال يحملون على فراش رجلاً مشلولاً، وحاولوا أن يدخلوا به
ليضعوه أمام يسوع. ١٩ ولما لم يجدوا طريقاً لإدخاله بسبب الجمع، صعدوا إلى
السطح ونزلوا به من بين القرميد مع فراشه إلى وسط الجمع أمام يسوع.
٢٠ فلما رأى إيمانهم قال للرجل: «أيها الإنسان، غفرت خطاياك.»

شفاء أبرص

متى ٨:١-٤؛ مرقس ١:٤٠-٤٥

١٢ وفيما هو في إحدى المدن، إذا برجل مملوء برصًا، فلما رأى يسوع خرّ على وجهه وطلب إليه قائلًا: «يا سيد، إن شئت فأنت قادر أن تطهرني». ١٣ فمد يسوع يده ولمسه قائلًا: «أريد، فكن طاهرًا». وفي الحال ذهب عنه البرص. ١٤ فأوصاه أن لا يقول لأحد، بل «اذهب وأرِ نفسك للكاهن، وقدم عن تطهيرك كما أمر موسى، شهادة لهم». [i] ١٥ وذاع خبره أكثر فأكثر، فكان يجتمع جموع كثيرة ليسمعوه ويشفوا من أمراضهم. ١٦ وكان هو يعتزل في البراري ويصلي.

شفاء مخلع

متى ٩:١-٨؛ مرقس ٢:١-١٢

١٧ وفي أحد الأيام كان يعلم، وكان جالسون هناك فريسيون ومعلمو الشريعة قد جاءوا من كل قرية في الجليل واليهودية ومن أورشليم، وكانت قدرة الرب تحل فيه ليشفي. ١٨ وإذا برجال يحملون على سرير رجلًا مخلعًا، فحاولوا أن يدخلوه ويضعوه أمامه. ١٩ ولما لم يجدوا سبيلًا كيف يدخلونه بسبب الجمع، صعدوا على السطح ودلوه بالسرير من بين الآجر إلى وسط الجمع أمام يسوع. ٢٠ فلما رأى إيمانهم قال: «أيها الإنسان، مغفورة لك خطاياك».

---

[i] ٥:١٤ لاويين ١٤:١-٣٢

برنابا نے یوسف، جسے رسولوں نے برنابا یعنی
تسلی دینے والا کا لقب دیا تھا، ۳۷ اپنا کھیت بیچ
کر رقم رسولوں کے حوالے کر دی۔
۳۸ لیکن حننیاہ نامی ایک شخص نے اپنی بیوی
سفیرہ کے ساتھ مل کر اپنی جائیداد بیچ دی۔
۳۹ پھر اُس نے اپنی بیوی کے علم میں لا کر
رقم کا کچھ حصہ اپنے لئے رکھ لیا اور باقی
رقم رسولوں کے حوالے کر دی۔ ۴۰ پطرس نے
اُس سے کہا، "حننیاہ، تُو نے اپنے دل میں
شیطان کو کیوں جگہ دی؟ تُو نے روح القدس
سے جھوٹ کیوں بولا؟ تُو نے اپنی جائیداد
کی پوری قیمت کیوں نہ ادا کی؟ ۴۱ جب تک
وہ تیرے پاس تھی تب تک تیری ہی تھی۔
اور جب تُو نے اُسے بیچ دیا تو بھی رقم
تیرے ہی اختیار میں تھی۔ تُو نے ایسا کام
کرنے کا منصوبہ کیوں باندھا؟ تُو نے
انسانوں سے نہیں بلکہ خدا سے جھوٹ بولا
ہے۔" ۴۲ یہ سُن کر حننیاہ گر پڑا اور مر گیا۔
جو لوگ وہاں موجود تھے اُن سب پر خوف
طاری ہو گیا۔ ۴۳ پھر کچھ نوجوان اُٹھے،
اُس کی لاش کو کفن میں لپیٹا اور دفن کرنے
کے لئے باہر لے گئے۔

رسولوں کی مزید خدمت (۵:۱۲-۴۲)

متی ۹:۹-۱۳؛ مرقس ۲:۱۳-۱۷

۱۲ رسولوں کے ہاتھوں لوگوں میں بہت سے
معجزے اور عجیب کام ظاہر ہوتے رہے۔
سب ایمان والے سلیمان کے برآمدے میں
جمع ہوتے تھے۔ ۱۳ دوسرے لوگوں کی
ہمت نہ ہوتی تھی کہ اُن کے ساتھ شامل
ہو جائیں، لیکن لوگ اُن کی بڑی عزت
کرتے تھے۔ ۱۴ ایمان لانے والوں کی تعداد
بڑھتی رہی اور بہت سے مرد اور عورتیں
خداوند پر ایمان لا کر اُس کے ساتھ شامل
ہوتے رہے۔ ۱۵ لوگ بیماروں کو گلیوں میں
لے آتے اور اُنہیں چارپائیوں اور بستروں
پر لٹا دیتے تھے تاکہ جب پطرس وہاں سے
گزرے تو کم از کم اُس کا سایہ ہی کسی
بیمار پر پڑ جائے۔ ۱۶ یروشلیم کے آس پاس
کے شہروں سے بھی لوگ بیماروں اور
بدروحوں کے ستائے ہوئے لوگوں کو لے کر
آتے تھے۔ اُن سب کو شفا ملتی تھی۔

הרפואה הגדולה ביותר

מרקוס ٩:١٤-١٧; מתתיהו ٢:١٨-٢٢

[٣٣] ואז הוא אמר לאנשים: "תארו לעצמכם שיש לכם כוס יין חדש, [٣٤] מה יקרה אם תניחו אותו ליד האש? הוא יתחמם ויתפוצץ!
[٣٥] "יין חדש צריך להיות בכלים חדשים, שיוכלו להתרחב ולהכיל אותו.
[٣٦] "אף אחד לא לוקח בגד חדש ומשתמש בו כדי לתקן בגד ישן, כי אז הבגד החדש יתקלקל, והבגד הישן לא ייראה טוב עם הבגד החדש.
[٣٧] "וכך גם אי אפשר לשים יין חדש בכלים ישנים. [٣٨] יין חדש צריך להיות בכלים חדשים, כדי שיוכלו לשמור עליו. [٣٩] ואף אחד לא רוצה יין חדש אחרי שהוא שתה יין ישן, כי הוא אומר: 'היין הישן שלנו טוב יותר!'"

הרעבים בשבת

מרקוס ١:١٢-٨; מתתיהו ٢:٢٣-٢٨

[١] באחד השבתות עבר ישוע עם תלמידיו בשדות חיטה, והתלמידים שלו התחילו לקטוף שיבולים ולאכול את הגרעינים. [٢] כמה מהמנהיגים הדתיים ראו את זה ואמרו: "למה אתם עושים את מה שאסור לעשות בשבת?" [٣] ישוע ענה להם: "האם לא קראתם מה דוד עשה כאשר הוא ואנשיו היו רעבים? [٤] הוא נכנס לבית האלוהים, לקח את לחם הקודש ואכל אותו, למרות שרק הכוהנים הורשו לאכול ממנו. [٥] ואז הוא נתן ללוויתו לאכול ממנו גם. האם לא קראתם בתורה שמותר לכוהנים לעבוד בשבת בבית המקדש?

ז מרקוס ٦:١ ו; מתתיהו ٢٥:٢٣

؟فرّيسيين حتى جميع هؤلاء الذين هم خارج هذا البيت يحبّون هذا الكلام
٤"حينئذ ذهب يسوع إلى الفرّيسيين الذين كانوا يحبّون أنفسهم أن يكونوا
أبرارًا أمام الناس، وقال لهم: ليس أحد يستطيع أن يخدم سيّدين،
[ok]لأنه إمّا أن يبغض هذا ويحبّ ذاك، أو يلازم هذا ويحتقر ذاك.
لا يستطيع أحد أن يخدم الله والمال.

الابن الضالّ

لوقا ١٥:١١-٣٢؛ متى ١٢:٩-١٤؛ ٣:١-٦

٦ثم قال يسوع هذا المثل لأناس كانوا يحبّون أنفسهم أن يكونوا أبرارًا
أمام الناس، ويحتقرون الآخرين: ٧"كان رجل له ابنان. فجاء الابن
الأصغر إلى أبيه وقال له: يا أبي، أعطني الجزء الذي يخصّني من
أملاكك. فقسم الأب أملاكه بينهما. ١٣بعد أيام قليلة جمع الابن الأصغر
كلّ ما يملك وسافر إلى بلد بعيد، وهناك بذّر أمواله في حياة اللهو
والفجور. ١٤وعندما أنفق كلّ شيء، حدث في ذلك البلد أن جاعة شديدة
حلّت، فبدأ يشعر بالحاجة. ١٥فذهب والتصق بواحد من أهل ذلك البلد،
فأرسله إلى حقوله ليرعى الخنازير. ١٦وكان يتمنّى أن يملأ بطنه من
الخرّوب الذي كانت الخنازير تأكله، ولكن لم يعطه أحد شيئًا.
١٧فرجع إلى نفسه وقال: كم من أجير عند أبي يفضل عنه الخبز، وأنا
أموت هنا جوعًا! ١٨سأقوم وأذهب إلى أبي وأقول له: يا أبي، أخطأت
إلى السماء وأمامك، ١٩ولست مستحقًّا بعد أن أدعى ابنك، فاجعلني
كأحد أجرائك.

الابن الضالّ

لوقا ١٥:١١-٣٢؛ متى ٣:١-٦

٢٠فقام ورجع إلى أبيه. وبينما كان لا يزال بعيدًا رآه أبوه، فتحنّن

[ok] ٤:٦ بعض المخطوطات ١ ٦:٢١-٦

ולמען יכשלו וישברו ונוקשו ונלכדו׃ ١٤ כה אמר יהוה אלהים קדוש ישראל
בשובה ונחת תושעון בהשקט ובבטחה תהיה גבורתכם ולא אביתם׃ ١٥ ותאמרו לא כי
על סוס ננוס על כן תנוסון ועל קל נרכב על כן יקלו רדפיכם׃ ١٦ אלף אחד מפני
גערת אחד מפני גערת חמשה תנוסו עד אם נותרתם כתרן על ראש ההר וכנס על
הגבעה׃

ישעיה ישראל ישוב

ישעיה ٤:٢٣-٢٥

١٧ כי אם חנני יהוה לכן אקוה לו וחכיתי לו כי מסתיר הוא את פניו מבית יעקב
וקויתי לו׃ ١٨ הנני והילדים אשר נתן לי יהוה לאתות ולמופתים בישראל מעם יהוה
צבאות שכן בהר ציון׃ ١٩ וכי יאמרו אליכם דרשו אל האבות ואל הידענים המצפצפים
והמהגים הלוא עם אלהיו ידרוש בעד החיים אל המתים׃ ٢٠ לתורה ולתעודה אם לא
יאמרו כדבר הזה אשר אין לו שחר׃ ٢١ ועבר בה נקשה ורעב והיה כי ירעב והתקצף
וקלל במלכו ובאלהיו ופנה למעלה׃ ٢٢ ואל ארץ יביט והנה צרה וחשכה מעוף
צוקה ואפלה נדחה׃

ישעיה ישראל ומשיח

ישעיה ٥:١-١٢

٢٠ שמעו מחבקוק הנביא:
"הנה יהוה מקים כשדים הגוי המר והנמהר ההולך למרחבי ארץ
לרשת משכנות לא לו׃ ٢١ הוא נורא ואיום ממנו משפטו ושאתו יצא׃
וסוסיו קלו מנמרים וחדו מזאבי ערב ופרשיו יפרשו ופרשיו מרחוק יבואו
כנשר חש לאכול׃ ٢٢ הוא כלו לחמס יבוא משאת פניהם קדים ויאסף כחול
שבי׃

٢٣ على ذلك افرحوا وتهللوا هذا، لان اجركم عظيم في السماء. لان هكذا فعل
آباؤهم بالانبياء.
٢٤ "ولكن ويل لكم ايها الاغنياء، لانكم قد نلتم عزاءكم.
٢٥ ويل لكم ايها الشبعانون الآن، لانكم ستجوعون. ويل لكم ايها الضاحكون الآن،
لانكم ستحزنون وتبكون.
٢٦ ويل لكم اذا قال فيكم جميع الناس حسنا. لان هكذا فعل آباؤهم بالانبياء
الكذبة.

محبة الاعداء

متى ٥:٣٨-٤٨؛ ٧:١٢ ←

٢٧ "ولكني اقول لكم ايها السامعون، احبوا اعداءكم. احسنوا الى مبغضيكم.
٢٨ باركوا لاعنيكم. صلوا لاجل المسيئين اليكم. ٢٩ من لطمك على خدك فاعرض له
الآخر ايضا. ومن اخذ ردآءك فلا تمنعه ثوبك ايضا. ٣٠ اعط كل من سالك. ومن اخذ
الذي لك فلا تطالبه. ٣١ وكما تريدون ان يفعل الناس بكم افعلوا انتم بهم كذلك.
٣٢ فان احببتم الذين يحبونكم فاية نعمة لكم؟ لان الخطاة ايضا يحبون محبيهم.
٣٣ وان احسنتم الى الذين يحسنون اليكم فاية نعمة لكم؟ لان الخطاة ايضا يفعلون
هكذا. ٣٤ وان اقرضتم الذين ترجون ان تستوفوا منهم فاية نعمة لكم؟ لان الخطاة
ايضا يقرضون الخطاة لكي يستوفوا منهم المثل. ٣٥ بل احبوا اعداءكم واحسنوا

يُحبهم هم أيضًا. ٣٣ وإن أحسنتم إلى الذين يحسنون إليكم، فأي فضل لكم؟ فإن الخطاة أيضًا يفعلون هذا. ٣٤ وإن أقرضتم الذين ترجون أن تستردوا منهم، فأي فضل لكم؟ فإن الخطاة أيضًا يقرضون الخطاة ليستردوا المثل.

محبة الأعداء

متى ٥:٤٣-٤٨

٣٥ بل أحبوا أعداءكم، وأحسنوا إليهم، وأقرضوا وأنتم لا ترجون شيئًا، فيكون أجركم عظيمًا، وتكونوا بني العلي، لأنه منعم على غير الشاكرين والأشرار. ٣٦ فكونوا رحماء كما أن أباكم رحيم.

عدم الدينونة

متى ٧:١-٥

٣٧ "لا تدينوا فلا تُدانوا. لا تحكموا على الآخرين فلا يُحكم عليكم. اغفروا تُغفر لكم. ٣٨ أعطوا تُعطوا. كيلاً جيدًا مملوءًا هزًا ومهزوزًا وفائضًا يُعطى في أحضانكم، لأنكم بالكيل الذي تكيلون به يُكال لكم."

٣٩ وقال لهم مثلاً: "ألعل أعمى يقود أعمى؟ ألا يسقط كلاهما في حفرة؟ ٤٠ ليس التلميذ أفضل من معلمه، بل كل من يتعلم يكون مثل معلمه.

٤١ "لماذا تنظر القذى الذي في عين أخيك، وأما الخشبة التي في عينك فلا تفطن لها؟ ٤٢ أم كيف تقدر أن تقول لأخيك: أيها الأخ، دعني أخرج القذى الذي في عينك، وأنت لا تبصر الخشبة التي في عينك؟ يا مرائي، أخرج أولاً الخشبة من عينك، وحينئذ تبصر جيدًا أن تخرج القذى الذي في عين أخيك.

ثمر الشجرة الصالحة

متى ٧:١٧-٢٠؛ ١٢:٣٤-٣٥

٤٣ "لأنه ليست شجرة جيدة تثمر ثمرًا رديًا، ولا أيضًا شجرة رديئة تثمر ثمرًا جيدًا. ٤٤ لأن كل شجرة تعرف من ثمرها. فإنه لا يجتنى تين من العوسج، ولا يقطف عنب من العليق.

تتبعه هي لكي تنقذ، ولكن كل من يهلك حياته من أجلي ومن أجل الإنجيل فهو يخلصها. ٣٦ فماذا ينتفع الإنسان لو ربح العالم كله وخسر نفسه؟ ٣٧ أو ماذا يعطي الإنسان فداء عن نفسه؟ ٣٨ فكل من يستحي بي وبكلامي في هذا الجيل الفاسق الخاطئ، يستحي به ابن البشر أيضا متى جاء في مجد أبيه مع الملائكة القديسين.»

يسوع يتحول أمام تلاميذه

لوقا ٩:٢٨-٣٦؛ متى ١٧:١-٨

٢٨ وبعد هذا الكلام بنحو ثمانية أيام أخذ معه بطرس ويوحنا ويعقوب وصعد إلى الجبل ليصلي. ٢٩ وفيما هو يصلي تغير منظر وجهه وصارت ثيابه بيضاء تلمع. ٣٠ وإذا رجلان يتكلمان معه، وهما موسى وإيليا، ٣١ ظهرا في مجد وتكلما عن خروجه الذي كان عتيدا أن يكمله في أورشليم. ٣٢ وكان بطرس ورفقاؤه مثقلين بالنوم، فلما استيقظوا رأوا مجده والرجلين الواقفين معه. ٣٣ وفيما هما يفارقانه قال بطرس ليسوع: «يا معلم، جيد أن نكون ههنا، فلنصنع ثلاث مظال، واحدة لك وواحدة لموسى وواحدة لإيليا.» وهو لم يعلم ما يقول.

يسوع يشفي ولدا مصروعا

لوقا ٩:٣٧-٤٣؛ متى ١٧:١٤-٢٠

٣٧ وفي اليوم التالي لما نزلوا من الجبل استقبله جمع كثير. ٣٨ وإذا رجل من الجمع صرخ قائلا: «يا معلم، أسألك أن تنظر إلى ابني، فإنه وحيد لي. ٣٩ وها روح يأخذه فيصرخ بغتة، ويصرعه فيزبد، ويكاد لا يفارقه إلا بعد أن يهلكه. ٤٠ وقد سألت تلاميذك أن يخرجوه فلم يقدروا.»

فَإِنِّي أَيْضًا إِنْسَانٌ تَحْتَ سُلْطَانٍ، وَلِي جُنُودٌ تَحْتَ يَدِي، فَأَقُولُ لِهَذَا: اذْهَبْ فَيَذْهَبُ، وَلِآخَرَ: ائْتِ فَيَأْتِي، وَلِعَبْدِي: افْعَلْ هَذَا فَيَفْعَلُ». ٦ فَانْطَلَقَ يَسُوعُ مَعَهُمْ.

وَفِيمَا هُوَ لَيْسَ بَعِيدًا عَنِ الْبَيْتِ، أَرْسَلَ قَائِدُ الْمِئَةِ أَصْدِقَاءَ قَالُوا لَهُ: «يَا سَيِّدُ، لَا تَتْعَبْ نَفْسَكَ، لأَنِّي لَسْتُ مُسْتَحِقًّا أَنْ تَدْخُلَ تَحْتَ سَقْفِي. ٧ لِذَلِكَ لَمْ أَحْسِبْ نَفْسِي أَهْلًا أَنْ آتِيَ إِلَيْكَ، بَلْ قُلْ كَلِمَةً فَيُشْفَى غُلَامِي. ٨ لأَنِّي أَنَا أَيْضًا إِنْسَانٌ مُرَتَّبٌ تَحْتَ سُلْطَانٍ، وَلِي جُنُودٌ تَحْتَ يَدِي، أَقُولُ لِهَذَا: ’اذْهَبْ‘ فَيَذْهَبُ، وَلِآخَرَ: ’ائْتِ‘ فَيَأْتِي، وَلِعَبْدِي: ’افْعَلْ هَذَا‘ فَيَفْعَلُ». ٩ فَلَمَّا سَمِعَ يَسُوعُ هَذَا تَعَجَّبَ مِنْهُ، وَالْتَفَتَ وَقَالَ لِلْجَمْعِ الَّذِي يَتْبَعُهُ: «أَقُولُ لَكُمْ: لَا وَلَا فِي إِسْرَائِيلَ وَجَدْتُ إِيمَانًا بِمِقْدَارِ هَذَا!». ١٠ فَرَجَعَ الْمُرْسَلُونَ إِلَى الْبَيْتِ، فَوَجَدُوا الْعَبْدَ الَّذِي كَانَ مَرِيضًا قَدْ عُوفِيَ.

يَسُوعُ يُقِيمُ ابْنَ أَرْمَلَةِ نَايِينَ

١١ وَفِي الْيَوْمِ التَّالِي ذَهَبَ إِلَى مَدِينَةٍ تُسَمَّى نَايِينَ، وَذَهَبَ مَعَهُ كَثِيرُونَ مِنْ تَلَامِيذِهِ وَجَمْعٌ كَثِيرٌ. ١٢ وَلَمَّا اقْتَرَبَ إِلَى بَابِ الْمَدِينَةِ إِذَا مَيِّتٌ مَحْمُولٌ، ابْنٌ وَحِيدٌ لأُمِّهِ وَهِيَ أَرْمَلَةٌ، وَمَعَهَا جَمْعٌ كَثِيرٌ مِنَ الْمَدِينَةِ. ١٣ فَلَمَّا رَآهَا الرَّبُّ تَحَنَّنَ عَلَيْهَا وَقَالَ لَهَا: «لَا تَبْكِي». ١٤ ثُمَّ تَقَدَّمَ وَلَمَسَ النَّعْشَ، فَوَقَفَ حَامِلُوهُ. فَقَالَ: «أَيُّهَا الشَّابُّ، لَكَ أَقُولُ قُمْ». ١٥ فَجَلَسَ الْمَيْتُ وَابْتَدَأَ يَتَكَلَّمُ، فَدَفَعَهُ إِلَى أُمِّهِ. ١٦ فَأَخَذَ الْجَمِيعَ خَوْفٌ، وَكَانُوا يُمَجِّدُونَ اللهَ قَائِلِينَ: «قَدْ قَامَ فِينَا نَبِيٌّ عَظِيمٌ»، وَ«قَدِ افْتَقَدَ اللهُ شَعْبَهُ».

يسوع يحيي ابن أرملة نايين

لوقا ٧:١١-١٩

١١ وبعد ذلك ذهب إلى مدينة تسمى نايين، وسار معه كثيرون من تلاميذه وجمع كبير.
١٢ وعندما اقترب من باب المدينة، إذا بميت يُحمل، وهو ابن وحيد لأمه، وكانت أرملة،
وكان معها جمع كبير من أهل المدينة. ١٣ فلما رآها السيد تحنن عليها وقال لها: «لا تبكي».
١٤ ثم تقدم ولمس النعش، فوقف الحاملون، فقال: «أيها الشاب، لك أقول قم!»
١٥ فجلس الميت وابتدأ يتكلم، فدفعه إلى أمه. ١٦ فأخذ الجميع خوف، وكانوا يمجدون الله
قائلين: «قد قام بيننا نبي عظيم، وافتقد الله شعبه». ١٧ وخرج هذا الخبر عنه في كل اليهودية
وفي جميع الكورة المحيطة.

سؤال يوحنا المعمدان

متى ١١:٢-١٩

١٨ وأخبر يوحنا تلاميذه بجميع هذه الأمور. فدعا يوحنا اثنين من تلاميذه ١٩ وأرسلهما إلى
السيد قائلين: «أأنت هو الآتي، أم ننتظر آخر؟» ٢٠ فلما جاء الرجلان إلى يسوع قالا: «يوحنا
المعمدان أرسلنا إليك قائلين: أأنت هو الآتي، أم ننتظر آخر؟» ٢١ وفي تلك الساعة شفى
كثيرين من أمراض وأوجاع وأرواح شريرة، وأبصر عميان كثيرون. ٢٢ فأجاب وقال لهما:
«اذهبا وأخبرا يوحنا بما رأيتما وسمعتما: العميان يبصرون، والعرج يمشون، والبرص
يطهرون، والصم يسمعون، والموتى يقامون، والمساكين يبشرون. ٢٣ وطوبى لمن لا يعثر
فيّ».

٢٤ ولما مضى رسولا يوحنا ابتدأ يقول للجموع عن يوحنا: «ماذا خرجتم إلى البرية
لتنظروا؟ أقصبة تحركها الريح؟ ٢٥ بل ماذا خرجتم لتنظروا؟ أإنسانا لابسا ثيابا ناعمة؟
هوذا الذين يلبسون الثياب الفاخرة والمعيشة الرخية هم في قصور الملوك. ٢٦ بل ماذا
خرجتم لتنظروا؟ أنبيا؟ نعم، أقول لكم، وأفضل من نبي. ٢٧ هذا الذي كُتب عنه: ‘هأنذا
أرسل أمام وجهك ملاكي الذي يهيئ طريقك قدامك’. ٢٨m لأني أقول لكم: إن بين المولودين
من النساء لا يوجد نبي أعظم من يوحنا المعمدان، ولكن الأصغر في ملكوت الله أعظم منه».

---

l ٧:٢٢ إشعياء ٣٥:٥-٦، ٦١:١ m ٧:٢٧ ملاخي ٣:١

وَتَعْمَدُوا مِنْ مَعْمُودِيَّةِ يُوحَنَّا، كَانَتْ مِنَ اللهِ حُجَّةً لَهُمْ.
وَأَمَّا الْفَرِّيسِيُّونَ وَالنَّامُوسِيُّونَ، فَرَفَضُوا مَشُورَةَ اللهِ مِنْ جِهَتِهِمْ، إِذْ لَمْ يَتَعَمَّدُوا مِنْهُ.

٣١ «فَبِمَنْ أُشَبِّهُ أُنَاسَ هذَا الْجِيلِ؟ وَمَاذَا يُشْبِهُونَ؟
٣٢ يُشْبِهُونَ صِبْيَانًا جَالِسِينَ فِي السُّوقِ يُنَادِي بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَيَقُولُونَ: ‹زَمَّرْنَا لَكُمْ فَلَمْ تَرْقُصُوا. نُحْنَا لَكُمْ فَلَمْ تَبْكُوا.›
٣٣ لأَنَّهُ قَدْ جَاءَ يُوحَنَّا الْمَعْمَدَانُ لاَ يَأْكُلُ خُبْزًا وَلاَ يَشْرَبُ خَمْرًا، وَأَنْتُمْ تَقُولُونَ: ‹بِهِ شَيْطَانٌ.›
٣٤ جَاءَ ابْنُ الإِنْسَانِ يَأْكُلُ وَيَشْرَبُ، وَأَنْتُمْ تَقُولُونَ: ‹هُوَذَا إِنْسَانٌ أَكُولٌ وَشِرِّيبُ خَمْرٍ، مُحِبُّ الْعَشَّارِينَ وَالْخُطَاةِ.›
٣٥ وَلكِنْ حُكْمَةُ اللهِ تَتَبَرَّرُ مِنْ جَمِيعِ بَنِيهَا.»

المرأة الخاطئة تمسح قدمي يسوع

٣٦ وَسَأَلَهُ أَحَدُ الْفَرِّيسِيِّينَ أَنْ يَتَغَدَّى مَعَهُ، فَدَخَلَ بَيْتَ الْفَرِّيسِيِّ وَاتَّكَأَ.
٣٧ وَإِذَا امْرَأَةٌ فِي الْمَدِينَةِ كَانَتْ خَاطِئَةً، إِذْ عَلِمَتْ أَنَّهُ مُتَّكِئٌ فِي بَيْتِ الْفَرِّيسِيِّ، جَاءَتْ بِقَارُورَةِ طِيبٍ
٣٨ وَوَقَفَتْ عِنْدَ قَدَمَيْهِ مِنْ وَرَائِهِ تَبْكِي، وَابْتَدَأَتْ تَبُلُّ قَدَمَيْهِ بِالدُّمُوعِ وَتَمْسَحُهُمَا بِشَعْرِ رَأْسِهَا، وَتُقَبِّلُ قَدَمَيْهِ وَتَدْهَنُهُمَا بِالطِّيبِ.
٣٩ فَلَمَّا رَأَى الْفَرِّيسِيُّ الَّذِي دَعَاهُ ذلِكَ تَكَلَّمَ فِي نَفْسِهِ قَائِلاً: «لَوْ كَانَ هذَا نَبِيًّا لَعَلِمَ مَنْ وَمَا وَكَيْفَ هِيَ الْمَرْأَةُ الَّتِي تَلْمُسُهُ، أَنَّهَا خَاطِئَةٌ.»

٤٠ فأجابه يسوع قائلا له: «سمعان، عندي شيء أقوله لك». فقال: «قل يا معلم». ٤١ «كان لمقرض مديونان: على الواحد خمسمئة دينار، وعلى الآخر خمسون. ٤٢ وإذ لم يكن لهما ما يوفيان، سامح كليهما. فقل: أيهما يكون أكثر محبة له؟» ٤٣ أجاب سمعان: «أظن الذي سامح بالأكثر». فقال له: «بالصواب حكمت». ٤٤ ثم التفت إلى المرأة وقال لسمعان: «أتنظر هذه المرأة؟ دخلت بيتك، فلم تعطني ماء لرجلي، وأما هي فقد بللت رجلي بدموعها ومسحتها بشعر رأسها. ٤٥ لم تقبلني بقبلة، وأما هي فمنذ دخلت لم تكف عن تقبيل رجلي. ٤٦ لم تدهن رأسي بالزيت، وأما هي فقد دهنت رجلي بالطيب. ٤٧ لذلك أقول لك: قد غفرت خطاياها الكثيرة، لأنها أحبت كثيرا. والذي يغفر له قليل يحب قليلا». ٤٨ ثم قال للمرأة: «مغفورة لك خطاياك». ٤٩ فابتدأ المتكئون معه يقولون في أنفسهم: «من هذا الذي يغفر خطايا أيضا؟» ٥٠ فقال يسوع للمرأة: «إيمانك قد خلصك، اذهبي بسلام».

يسوع يجول في المدن والقرى

٨ ١ وبعد ذلك كان يسير في مدن وقرى يكرز ويبشر بملكوت الله، ومعه الاثنا عشر ٢ ونساء كثيرات كن قد شفين من أرواح شريرة وأمراض: مريم التي تدعى المجدلية، التي خرج منها سبعة شياطين،

ואז, כאשר אנשים מכל הערים הסמוכות באו אל ישוע;
לספר לו את מחלותיהם, ³ ומהם אשר רוחות טמאות
התענו אותם, וכולם נרפאו. ⁴ כאשר ישוע הגיע אל
הבית של שמעון, הוא ראה שחמותו של שמעון
שוכבת במיטה עם חום גבוה.

משל הזורע

מתי ١٣:١-٩; מרקוס ٤:١-٩

⁴ כאשר אנשים רבים מכל הערים התאספו אל ישוע,
הוא סיפר להם משל. ⁵ "איש אחד יצא לזרוע את
זרעיו. כאשר הוא זרע, חלק מהזרעים נפלו על
השביל, שם הם נרמסו, והעופות של השמים אכלו
אותם. ⁶ חלק מהזרעים נפלו על הסלע, ולאחר
שהם צמחו, הם התייבשו כי לא היה להם מספיק
מים. ⁷ חלק מהזרעים נפלו בין הקוצים, וכאשר
הקוצים צמחו יחד עם הזרעים, הם חנקו אותם.
⁸ חלק מהזרעים נפלו על הקרקע הטובה, וכאשר הם
צמחו, הם נשאו פרי פי מאה." ישוע סיים את דבריו
ואמר: "מי שיש לו אוזניים לשמוע, יקשיב!"

מדוע ישוע מלמד במשלים

מתי ١٣:١٠-١٧; מרקוס ٤:١٠-١٢

⁹ תלמידיו של ישוע שאלו אותו: "מה פירוש המשל
הזה?" ¹⁰ הוא ענה להם: "אלוהים נתן לכם לדעת את
סודות מלכות השמים, אבל לאחרים אני מלמד
במשלים, כדי שכאשר הם יראו, הם לא יבינו,

هُتَت ٱلجَتمع ٱلَّذي يَعبُدُ ٱللهَ هُنا، أَو يَعبُدُ ٱللهَ في بَيتِهِ.[n]

ٱلمَثَلُ عَنِ ٱلزَّارِعِ

متى ١٣:١٨-٢٣؛ مرقس ٤:١٣-٢٠

١١ "أَمَّا مَعنى هٰذا ٱلمَثَلِ. ٱلبِذارُ هِيَ كَلِمَةُ ٱللهِ. ١٢ وَٱلَّذينَ على ٱلطَّريقِ هُمُ ٱلَّذينَ يَسمَعونَ ٱلكَلِمَةَ، ثُمَّ يَأتي إِبليسُ وَيَخطَفُ ٱلكَلِمَةَ مِن قُلوبِهِم لِئَلَّا يُؤمِنوا وَيَخلُصوا. ١٣ وَٱلَّذينَ على ٱلصَّخرِ هُمُ ٱلَّذينَ إِذا سَمِعوا ٱلكَلِمَةَ قَبِلوها بِفَرَحٍ، وَلٰكِنَّ لَيسَ لَها أُصولٌ فيهِم، فَهُمْ يُؤمِنونَ إِلى حينٍ وَفي وَقتِ ٱلتَّجرِبَةِ يَرتَدّونَ. ١٤ وَٱلَّذي سَقَطَ في ٱلشَّوكِ هُمُ ٱلَّذينَ سَمِعوا ثُمَّ مَضَوا وَٱختَنَقوا مِنَ ٱلهُمومِ وَٱلغِنى وَلَذّاتِ ٱلحَياةِ، وَلَم يَأتوا بِثَمَرٍ كامِلٍ. ١٥ وَٱلَّذي على ٱلأَرضِ ٱلجَيِّدَةِ هُمُ ٱلَّذينَ بِقَلبٍ جَيِّدٍ وَصالِحٍ يَسمَعونَ ٱلكَلِمَةَ وَيَحفَظونَها وَيُثمِرونَ بِٱلصَّبرِ.

ٱلسِّراجُ

مرقس ٤:٢١-٢٥

١٦ "لَيسَ أَحَدٌ يُوقِدُ سِراجًا وَيُغَطّيهِ بِإِناءٍ أَو يَضَعُهُ تَحتَ ٱلسَّريرِ، بَل يَضَعُهُ على ٱلمَنارَةِ لِكَي يَنظُرَ ٱلدّاخِلونَ ٱلنّورَ. ١٧ فَلَيسَ شَيءٌ مَكتومًا إِلّا سَيُستَعلَنُ، وَلا خَفِيٌّ إِلّا سَيُعلَمُ وَيَظهَرُ إِلى ٱلعَلَنِ. ١٨ فَٱنظُروا كَيفَ تَسمَعونَ، فَإِنَّ مَن لَهُ يُعطى، وَمَن لَيسَ لَهُ فَٱلَّذي يَظُنُّ أَنَّ لَهُ يُؤخَذُ مِنهُ.

---

n ٨:١٠ تثنية ٩:٦

حرِّك كل من لمسه حتى يشفى، وهكذا أعلن أمام الجميع."

يسوع يقيم ابنة يايرس

متى ٩:١٨-٢٦؛ مرقس ٥:٢١-٤٣

١٩ وجاءت إليه أم يسوع وإخوته، ولكنهم لم يستطيعوا الوصول إليه بسبب الجمع. ٢٠ فأخبره أحدهم قائلاً: "أمك وإخوتك واقفون خارجاً يريدون أن يروك." ٢١ فأجاب يسوع: "أمي وإخوتي هم الذين يسمعون كلمة الله ويعملون بها."

يسوع يقيم ابنة يايرس ويشفي المرأة

متى ٩:١٨-٢٦؛ مرقس ٥:٢١-٤٣

٢٢ وفي أحد الأيام ركب يسوع مع تلاميذه في قارب، وقال لهم: "لنعبر إلى الجانب الآخر من البحيرة." فانطلقوا. ٢٣ وبينما كانوا يبحرون، نام يسوع. وهبت على البحيرة عاصفة شديدة، فامتلأ القارب بالماء، وصاروا في خطر. ٢٤ فجاءوا وأيقظوه قائلين: "يا معلم، يا معلم، نحن نهلك!" فقام وانتهر الريح والأمواج، فهدأت وصار كل شيء هادئاً. ٢٥ ثم قال لهم: "أين إيمانكم؟" فخافوا وتعجبوا قائلين بعضهم لبعض: "من هو هذا الذي يأمر الريح والماء فتطيعه؟"

הנביא הגדול מכל הנביאים

מתי ٨:٢٨-٣٤; מרקוס ٥:١-٢٠

[٢٦] ואז הוא עלה לסירה ויצא עם תלמידיו, [٢٧] ופתאום התחולל סערה גדולה בים, עד כדי כך שהגלים כיסו את הסירה. אבל הוא נרדם. [٢٨] כשהגיעו לגליל שבעבר הירדן, לארץ הגדרים, פגשו בשני אנשים משוגעים שיצאו מקברות העיר. הם היו כל כך מסוכנים, עד שאיש לא העז לעבור באזור. [٢٩] הם התחילו לצעוק: "מה אתה רוצה ממנו, בן האל? אתה בא לענות אותנו לפני הזמן?" [٣٠] ליד המקום רעו עדר גדול של חזירים. [٣١] השדים התחננו: "אם אתה מגרש אותנו, שלח אותנו אל תוך העדר." [٣٢] הוא אמר להם: "לכו!" והשדים יצאו מהאנשים ונכנסו אל החזירים. העדר כולו רץ במורד הגבעה, נפל אל הים ומת.

[٣٣] הרועים ברחו אל העיר וסיפרו את כל הסיפור, כולל מה שקרה לאנשים המשוגעים. [٣٤] כל תושבי העיר יצאו לקראתו של ישוע, וכשראו אותו ביקשו ממנו שיעזוב את האזור.

٣٦ وأنبأ الذين رأوا كيف شُفي المجنون
٣٧ جميع أهل كورة الجدريين أن يذهب عنهم، لأنهم كانوا قد أخذهم خوف عظيم. فدخل السفينة ورجع.
٣٨ وكان الرجل الذي خرجت منه الشياطين يطلب أن يكون معه، فصرفه يسوع قائلاً:
٣٩ "ارجع إلى بيتك وحدث بكل ما صنع الله بك." فمضى وهو يكرز في المدينة كلها بكل ما صنع به يسوع.

شفاء المرأة النازفة وإقامة ابنة يايرس

متى ٩:١٨-٢٦؛ مرقس ٥:٢١-٤٣

٤٠ ولما رجع يسوع قبله الجمع، لأنهم كانوا جميعهم ينتظرونه.
٤١ وإذا رجل اسمه يايرس قد جاء، وهو رئيس المجمع، فخر عند رجلي يسوع وطلب إليه أن يدخل بيته،
٤٢ لأن كانت له ابنة وحيدة نحو ابنة اثنتي عشرة سنة، وكانت تحتضر. وفيما هو ذاهب ازدحمت عليه الجموع.
٤٣ وكانت امرأة بها نزف دم منذ اثنتي عشرة سنة، التي كانت قد أنفقت كل معيشتها على الأطباء ولم تقدر أن تشفى من أحد،
٤٤ تقدمت من وراء يسوع ولمست هدب ثوبه، وللوقت وقف نزف دمها.
٤٥ فقال يسوع: "من لمسني؟" وإذ كان الجميع ينكرون قال بطرس والذين معه: "يا معلم الجموع يزحمونك ويضايقونك، وتقول من لمسني؟"
٤٦ فقال يسوع: "لمسني أحد، لأني علمت أن قوة قد خرجت مني."

هيكل لا بد يجب أن تحقق، يجب تعليم الرسل بعد: "ابن[٤٦] "يجب؟" الرسل يعرف لوقا يعلم الذي هو الله. "يجب[٤٧] يعرف يسوع، لأن كل يعرف الذي الله يعلم الذي

ואחרי שישה ימים לקח ישוע את פטרוס, יעקב ויוחנן, והוביל אותם לבדם אל הר גבוה. ושם השתנה מראהו לפניהם. [3] בגדיו נעשו מבהיקים ולבנים כשלג, כפי שאין שום מכבסה בעולם יכולה להלבין. [4] ואז הופיעו לפניהם אליהו ומשה, ושוחחו עם ישוע. [5] פטרוס אמר לישוע: "רבי, טוב שאנחנו כאן! בוא ונקים שלושה אוהלים: אחד עבורך, אחד עבור משה ואחד עבור אליהו." [6] הוא לא ידע מה לומר, כי כולם נבהלו מאוד. [7] ואז ירד ענן וכיסה עליהם, ומתוכו נשמע קול: "זה בני האהוב, שמעו לו!" [8] כשהסתכלו סביבם, ראו שישוע לבדו נמצא איתם, ואליהו ומשה כבר לא היו שם.

[9] בדרך חזרה מההר ציווה עליהם ישוע שלא יספרו לאיש על מה שראו, עד שבן האדם יקום מן המתים. [10] הם שמרו את הדבר בסוד, אך שאלו זה את זה מה פירוש "לקום מן המתים". [11] אחר כך שאלו אותו: "מדוע מלמדים הסופרים שאליהו חייב לבוא ראשון?"

ישוע מרפא ילד שרוח רעה שולטת בו

מתי יז:יד-כא; לוקס ט:לז-מג

[12] כשירדו מההר, התקבצו סביבם המון אנשים גדול. ואז ניגש אליהם איש אחד, כרע ברך לפני ישוע ואמר: "רבי, בני הוא יחידי, ורוח רעה שולטת בו. [13] לפעמים היא מפילה אותו ארצה, והוא מקציף ונוחר, ומתפתל בייסורים. [14] ביקשתי מתלמידיך לגרש את הרוח, אך הם לא הצליחו."

وهو يصلي حتى صار منظر وجهه يتغير وصارت ثيابه
بيضاء لامعة.

[٣٠] وإذا رجلان يتكلمان معه، وهما موسى وإيليا، [٣١] اللذان ظهرا
بمجد وتكلما عن خروجه الذي كان عتيدا أن يكمله في
أورشليم. [٣٢] وكان بطرس والذين معه مثقلين بالنوم، فلما
استيقظوا رأوا مجده والرجلين الواقفين معه. [٣٣] وفيما هما
يفارقانه قال بطرس ليسوع: "يا معلم، جيد أن نكون ههنا،
فلنصنع ثلاث مظال: واحدة لك وواحدة لموسى وواحدة
لإيليا"، غير عالم بما يقول. [٣٤] وفيما هو يقول هذا حدث
غمام وظللهم، فخافوا عندما دخلوا في الغمام. [٣٥] وصار
صوت من الغمام قائلا: "هذا هو ابني المختار، له اسمعوا".
[٣٦] وبعد حدوث الصوت وجد يسوع وحده. وهم سكتوا
وما أخبروا أحدا في تلك الأيام بشيء مما رأوا.

يسوع يشفي ولدا مصروعا

متى ١٧:١٤-١٨؛ مرقس ٩:١٤-٢٧

[٣٧] وفي اليوم التالي لما نزلوا من الجبل استقبله جمع كثير.
[٣٨] وإذا رجل من الجمع نادى قائلا: "يا معلم، أطلب إليك أن
تنظر إلى ابني فإنه وحيد لي. [٣٩] وهوذا روح يأخذه فيصرخ
بغتة ويصرعه فيزبد ويرضه بشدة ويكاد يفارقه بعد أن

[٢١] ابنا يسوع وقال لهما: "لا تقولا هذا لاحد. [٢٢] وقال: "ابن البشر ينبغي ان يتالم كثيرا ويرفضه الشيوخ ورؤساء الكهنة والكتبة ويقتل وفي اليوم الثالث يقوم."

الدعوة لحمل الصليب

متى ١٦:٢٤-٢٧؛ مرقس ٨:٣٤-٣٨

[٢٣] وقال للجميع: "من اراد ان يتبعني فلينكر نفسه ويحمل صليبه كل يوم ويتبعني. [٢٤] فمن اراد ان يخلص نفسه يهلكها، ومن يهلك نفسه من اجلي يخلصها. [٢٥] لان ماذا ينتفع الانسان لو ربح العالم كله وخسر نفسه او اضر بها؟ [٢٦] فمن يستحي بي وبكلامي يستحي به ابن الانسان متى جاء بمجده ومجد الاب والملائكة القديسين. [٢٧] ولكني اقول لكم بالحق ان من القيام ههنا قوما لا يذوقون الموت حتى يروا ملكوت الله."

التجلي

متى ١٧:١-٨؛ مرقس ٩:٢-٨

[٢٨] وبعد هذا الكلام بنحو ثمانية ايام اخذ بطرس ويوحنا ويعقوب وصعد الى الجبل ليصلي. [٢٩] وفيما هو يصلي صار منظر وجهه متغيرا

شِفْيه سالِيتجلاه، سالِفِف هِيا فِلِيسِيه سا بيف، هِيا يِلِيَ
ولاصتسا ني. ٣٠ولِيا ٨ني ريثِ، ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا جِيلِيَ. ٣١ بيف
هِيا ني جِيجِيا هِيا سالِيَبِيه ٨يه ولِيه هِيهولِيهِيا، ولِيَبِيَ، يِيا ني
ولِيه يِيجِيا ولِيه ٨ني ريثِ، ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا جِيلِيَ. ٣٢ يِيلِيَ
ولِيه يِيجِيا ولِيه سالِيَبِيه جِيلِيَ ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا جِيلِيَ
ولِيه يِيجِيا ولِيه ٨ني ريثِ، ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا جِيلِيَ. ٣٣ ولِيه
ولِيه سالِيَبِيه ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا جِيلِيَ ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا
ولِيه يِيجِيا ولِيه ٨ني ريثِ، ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا جِيلِيَ. ٣٤ ولِيه
هِيهولِيهِيا ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا جِيلِيَ ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا
ولِيه يِيجِيا ولِيه ٨ني ريثِ، ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا جِيلِيَ. ٣٥ ولِيه
ولِيه يِيجِيا ولِيه ٨ني ريثِ، ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا جِيلِيَ ولِيه ولِيَا،
هِيهولِيهِيا: "ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا جِيلِيَ ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا
ولِيه يِيجِيا ولِيه ٨ني ريثِ، ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا جِيلِيَ." ٣٦ ولِيه
ولِيه يِيجِيا ولِيه ٨ني ريثِ، ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا جِيلِيَ ولِيه ولِيَا،
هِيهولِيهِيا ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا جِيلِيَ ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا
ولِيه يِيجِيا ولِيه ٨ني ريثِ، ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا جِيلِيَ. ولِيه
ولِيه يِيجِيا ولِيه ٨ني ريثِ، ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا جِيلِيَ ولِيه ولِيَا،
هِيهولِيهِيا ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا جِيلِيَ ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا
ولِيه يِيجِيا ولِيه ٨ني ريثِ، ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا جِيلِيَ.

ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا جِيلِيَ ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا

ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا جِيلِيَ ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا ٩:١٤-٢٧؛ ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا ١٧:١٤-١٨ ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا

٣٧ ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا. ٣٨ ولِيه
ولِيه يِيجِيا ولِيه ٨ني ريثِ، ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا جِيلِيَ ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا ولِيه ولِيَا، هِيهولِيهِيا

لكن ابْنُ الانْسانِ يَجِبُ ان يَتَألَّمَ كثيرًا ويُرْفَضَ مِنَ الشُّيُوخِ وَرُؤَسَاءِ الكَهَنَةِ وَالكَتَبَةِ وَيُقْتَلَ وَفِي اليَوْمِ الثَّالِثِ يَقُومُ.» [٤١] ثُمَّ قَالَ لِلْجَمِيعِ: «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَتْبَعَنِي فَلْيُنْكِرْ نَفْسَهُ وَيَحْمِلْ صَلِيبَهُ كُلَّ يَوْمٍ وَيَتْبَعْنِي. [٤٢] فَإِنَّ مَنْ أَرَادَ أَنْ يُخَلِّصَ نَفْسَهُ يُهْلِكُهَا، وَمَنْ أَهْلَكَ نَفْسَهُ مِنْ أَجْلِي فَهَذَا يُخَلِّصُهَا. [٤٣] فَمَاذَا يَنْتَفِعُ الإِنْسَانُ لَوْ رَبِحَ الْعَالَمَ كُلَّهُ وَأَهْلَكَ نَفْسَهُ أَوْ خَسِرَهَا؟ [٤٤] فَإِنَّ مَنْ يَسْتَحِي بِي وَبِكَلاَمِي فِي هَذَا الْجِيلِ الْفَاسِقِ الْخَاطِئِ، فَابْنُ الإِنْسَانِ أَيْضًا يَسْتَحِي بِهِ مَتَى جَاءَ بِمَجْدِ أَبِيهِ مَعَ الْمَلاَئِكَةِ الْقِدِّيسِينَ.» [٤٥] وَقَالَ لَهُمْ: «الْحَقَّ أَقُولُ لَكُمْ إِنَّ مِنَ الْقِيَامِ هَهُنَا قَوْمًا لاَ يَذُوقُونَ الْمَوْتَ حَتَّى يَرَوْا مَلَكُوتَ اللهِ قَدْ أَتَى بِقُوَّةٍ.»

التجلي

وبعد هذا الكلام نحو ثمانية أيام أخذ بطرس ويوحنا ويعقوب وصعد إلى الجبل ليصلي. وفيما هو يصلي صار منظر وجهه متغيرا ولباسه مبيضا لامعا. وإذا رجلان يتكلمان معه وهما موسى وإيليا. [٤٦] اللذان ظهرا بمجد وتكلما عن خروجه الذي كان عتيدا أن يكمله في أورشليم. [٤٧] وأما بطرس والذين معه فكانوا قد تثقلوا بالنوم. ولما استيقظوا رأوا مجده والرجلين الواقفين معه. [٤٨] فبينما هما يفارقانه قال بطرس ليسوع: «يا معلم جيد أن نكون ههنا. فلنصنع ثلاث مظال لك واحدة ولموسى واحدة ولإيليا واحدة» وهو لا يعلم ما يقول.

يسوع يطرد روحا نجسا

مرقس ٩:٣٨-٤٠

٤٩ فَأَجَابَ يُوحَنَّا: «يَا مُعَلِّمُ، رَأَيْنَا وَاحِدًا يُخْرِجُ الشَّيَاطِينَ بِاسْمِكَ، وَكُنَّا نَمْنَعُهُ لأَنَّهُ لَيْسَ يَتْبَعُ مَعَنَا». ٥٠ فَقَالَ لَهُ يَسُوعُ: «لاَ تَمْنَعُوهُ، لأَنَّ مَنْ لَيْسَ هُوَ عَلَيْنَا فَهُوَ مَعَنَا».

رفض السامريين ليسوع

٥١ وَلَمَّا حَانَتْ أَيَّامُ ارْتِفَاعِهِ، اسْتَقَرَّ عَلَى الذَّهَابِ إِلَى أُورُشَلِيمَ، ٥٢ وَأَرْسَلَ رُسُلاً قُدَّامَ وَجْهِهِ، فَذَهَبُوا وَدَخَلُوا قَرْيَةَ السَّامِرِيِّينَ حَتَّى يُعِدُّوا لَهُ. ٥٣ فَلَمْ يَقْبَلُوهُ، لأَنَّ وَجْهَهُ كَانَ مُتَوَجِّهًا نَحْوَ أُورُشَلِيمَ. ٥٤ وَلَمَّا رَأَى تِلْمِيذَاهُ يَعْقُوبُ وَيُوحَنَّا ذَلِكَ قَالاَ: «يَا سَيِّدُ، أَتُرِيدُ أَنْ نَقُولَ أَنْ تَنْزِلَ نَارٌ مِنَ السَّمَاءِ وَتُفْنِيَهُمْ كَمَا فَعَلَ إِيلِيَّا أَيْضًا؟» [dd] ٥٥ فَالْتَفَتَ وَانْتَهَرَهُمَا وَقَالَ: «لَسْتُمَا تَعْلَمَانِ مِنْ أَيِّ رُوحٍ أَنْتُمَا. ٥٦ لأَنَّ ابْنَ الإِنْسَانِ لَمْ يَأْتِ لِيُهْلِكَ أَنْفُسَ النَّاسِ بَلْ لِيُخَلِّصَ». فَمَضَوْا إِلَى قَرْيَةٍ أُخْرَى.

شروط التلمذة

متى ٨:١٩-٢٢

٥٧ وَفِيمَا هُمْ سَائِرُونَ فِي الطَّرِيقِ قَالَ لَهُ وَاحِدٌ: «يَا سَيِّدُ، أَتْبَعُكَ أَيْنَمَا تَمْضِي». ٥٨ فَقَالَ لَهُ يَسُوعُ: «لِلثَّعَالِبِ أَوْجِرَةٌ وَلِطُيُورِ السَّمَاءِ أَوْكَارٌ، وَأَمَّا ابْنُ الإِنْسَانِ فَلَيْسَ لَهُ أَيْنَ يُسْنِدُ رَأْسَهُ».

[dd] ٩:٥٤ بعض ا ملكا ١:٩-١٦

بنا، "يارب، حتى نحن نطرد الشياطين باسمك!" ١٨ فقال لهما: "كنت أرى الشيطان ساقطا من السماء كالبرق. ١٩ ها أنا أعطيكم السلطان لتدوسوا الحيات والعقارب وكل قوة العدو، ولا يضركم شيء البتة. ٢٠ ولكن لا تفرحوا بهذا أن الأرواح تخضع لكم، بل افرحوا بالحري أن أسماءكم كتبت في السماوات." ٢١ في تلك الساعة تهلل يسوع بالروح القدس وقال: "أحمدك أيها الآب رب السماء والأرض، لأنك أخفيت هذه عن الحكماء والفهماء وأعلنتها للأطفال. نعم أيها الآب، لأن هكذا صارت المسرة أمامك." ٢٢ والتفت إلى تلاميذه وقال لهم على انفراد: "كل شيء قد دفع إلي من أبي، وليس أحد يعرف من هو الابن إلا الآب، ولا من هو الآب إلا الابن ومن أراد الابن أن يعلن له."

مثل السامري الصالح

١٠ ١ ثم قام واحد من علماء الشريعة ليجربه، وقال: "يا معلم، ماذا أعمل لأرث الحياة الأبدية؟" ٢ فقال له: "ماذا كتب في الشريعة؟ كيف تقرأ؟" ٣ فأجاب وقال: "تحب الرب إلهك من كل قلبك، ومن كل نفسك، ومن كل قدرتك، ومن كل فكرك، وقريبك كنفسك." ٤ فقال له: "بالصواب أجبت. اعمل هذا فتحيا." ٥ وأما هو فإذ أراد أن يبرر نفسه قال ليسوع: "ومن هو قريبي؟" ٦ فأجاب يسوع وقال: "كان إنسان نازلا من أورشليم إلى أريحا، فوقع بين لصوص فعروه وجرحوه ومضوا وتركوه بين حي وميت. ٧ فاتفق أن كاهنا نزل في تلك الطريق، فلما رآه مر مقابله. ٨ وكذلك لاوي أيضا إذ صار عند المكان جاء ونظر ومر مقابله. ٩ وأما سامري مسافر فجاء عليه، ولما رآه تحنن، ١٠ فتقدم وضمد جراحاته وصب عليها زيتا وخمرا، وأركبه على دابته وأتى به إلى فندق واعتنى به. ١١ وفي الغد لما مضى أخرج دينارين وأعطى صاحب الفندق وقال له: اعتن به، ومهما أنفقت أكثر فعند رجوعي أوفيك. ١٢ فأي هؤلاء الثلاثة ترى صار قريبا للذي وقع بين اللصوص؟" ١٣ فقال: "الذي صنع معه الرحمة." فقال له يسوع: "اذهب أنت واصنع كذلك."

فَبِهٰذَا نَمْسَحُ عَلَيْكُمْ نَحْنُ أَيْضًا. [11] لٰكِنِ اعْلَمُوا هٰذَا: قَدِ اقْتَرَبَ مِنْكُمْ مَلَكُوتُ اللهِ.
فَنَفْضُ عَلَيْكُمْ حَتَّى التُّرَابَ الَّذِي لَصِقَ بِنَا مِنْ مَدِينَتِكُمْ. وَلٰكِنِ اعْلَمُوا هٰذَا: قَدِ اقْتَرَبَ
مَلَكُوتُ اللهِ. [12] أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ سَدُومَ سَتَكُونُ أَكْثَرَ احْتِمَالًا مِنْ تِلْكَ الْمَدِينَةِ فِي ذٰلِكَ
الْيَوْمِ.

الرب يسوع يدين المدن التي لم تتب

لوقا ١١:٢٠-٢٤ متى

[13] «وَيْلٌ لَكِ يَا كُورَزِينُ، وَيْلٌ لَكِ يَا بَيْتَ صَيْدَا، لِأَنَّهُ لَوْ صُنِعَتْ فِي صُورَ وَصَيْدَا
الْقُوَّاتُ الَّتِي صُنِعَتْ فِيكُمَا، لَتَابَتَا مُنْذُ زَمَانٍ فِي الْمُسُوحِ وَالرَّمَادِ. [14] وَلٰكِنْ تَكُونُ
صُورُ وَصَيْدَا أَكْثَرَ احْتِمَالًا فِي الدِّينُونَةِ مِنْكُمَا. [15] وَأَنْتِ يَا كَفَرْنَاحُومُ، هَلْ تُرْتَفِعِينَ
إِلَى السَّمَاءِ؟ بَلْ إِلَى الْهَاوِيَةِ تَهْبِطِينَ. [16] «مَنْ يَسْمَعُكُمْ يَسْمَعُنِي، وَمَنْ يَرْفُضُكُمْ
يَرْفُضُنِي، وَمَنْ يَرْفُضُنِي يَرْفُضُ الَّذِي أَرْسَلَنِي.»

رجوع السبعين

[17] وَعَادَ السَّبْعُونَ بِفَرَحٍ، وَهُمْ يَقُولُونَ: «يَا رَبُّ، حَتَّى الشَّيَاطِينُ تَخْضَعُ لَنَا بِاسْمِكَ.»
[18] فَقَالَ لَهُمْ: «كُنْتُ أُبْصِرُ الشَّيْطَانَ سَاقِطًا مِثْلَ الْبَرْقِ مِنَ السَّمَاءِ. [19] هَا أَنَا قَدْ
أَعْطَيْتُكُمُ السُّلْطَانَ لِتَدُوسُوا الْحَيَّاتِ وَالْعَقَارِبَ، وَكُلَّ قُوَّةِ الْعَدُوِّ، وَلَا يَضُرُّكُمْ شَيْءٌ
الْبَتَّةَ. [20] وَلٰكِنْ لَا تَفْرَحُوا بِهٰذَا أَنَّ الْأَرْوَاحَ تَخْضَعُ لَكُمْ، بَلْ افْرَحُوا بِالْحَرِيِّ أَنَّ
أَسْمَاءَكُمْ كُتِبَتْ فِي السَّمَاوَاتِ.»

---

[9] ١٠:١٢ متى ١٥:١٩-٢٨ [12] ١٠:١٤ تكوين ٢٣:١-١٨؛ ٢٨:١-٢٦

ואת הבית אשר בו הקטורת הקדושה ואת השלחן אשר
עליו.

שבת בראשית

בראשית יא:כה-לב; יב:א-יז

[21] ויהי אחרי הכות את אברם וישב מלחמת כדרלעמר
ומלכי אשר אתו אל עמק שוה הוא עמק המלך: [22] ומלכי
צדק מלך שלם הוציא לחם ויין והוא כהן לאל עליון:
[23] ויברכהו ויאמר ברוך אברם לאל עליון קנה שמים
וארץ: [24] וברוך אל עליון אשר מגן צריך בידך ויתן לו
מכל. ויאמר אברם אל מלכי סדם הרם ידי אל יהוה אל
עליון קנה שמים וארץ: [25] אם מחוט ועד שרוך נעל ואם
אקח מכל אשר לך ולא תאמר אני העשרתי את אברם:
[26] בלעדי רק אשר אכלו הנערים וחלק האנשים אשר
הלכו אתי ענר אשכל וממרא הם יקחו חלקם: [27] ויהי
אחרי הדברים האלה היה דבר יהוה אל אברם במחזה
לאמר אל תירא אברם אנכי מגן לך שכרך הרבה מאד:
[28] ויאמר אברם אדני יהוה מה תתן לי ואנכי הולך
ערירי ובן משק ביתי הוא דמשק אליעזר: [29] ויאמר
אברם הן לי לא נתת זרע והנה בן ביתי יורש אתי:

שבת נחמו

[30] ויהי דבר יהוה אליו לאמר לא יירשך זה כי אם אשר
יצא ממעיך הוא יירשך: [31] ויוצא אתו החוצה ויאמר
הבט נא השמים וספר הכוכבים אם תוכל לספר אתם
ויאמר לו כה יהיה זרעך: [32] והאמן ביהוה ויחשבה לו
צדקה: [33] ויאמר אליו אני יהוה אשר הוצאתיך מאור
כשדים לתת לך את הארץ הזאת לרשתה: [34] ויאמר
אדני יהוה במה אדע כי אירשנה: [35] ויאמר אליו קחה לי
עגלה משלשת ועז משלשת ואיל משלש ותר ובן יונה:
[36] ויקח לו את כל אלה ויבתר אתם בתוך ויתן איש
בתרו לקראת רעהו ואת הצפור לא בתר: [37] וירד העיט
על הפגרים ויאשבם אברם: [38] ויהי השמש לבוא ותרדמה
נפלה על אברם והנה אימה חשכה גדלה נפלת עליו:
[39] ויאמר לאברם ידע תדע כי גר יהיה זרעך בארץ לא
להם ועבדום וענו אתם ארבע מאות שנה: [40] וגם את
הגוי אשר יעבדו דן אנכי ואחרי כן יצאו ברכש גדול:
[41] ואתה תבוא אל אבתיך בשלום תקבר בשיבה טובה:
[42] ודור רביעי ישובו הנה כי לא שלם עון האמרי עד
הנה: [43] ויהי השמש באה ועלטה היתה והנה תנור עשן
ולפיד אש אשר עבר בין הגזרים האלה: [44] ביום ההוא
כרת יהוה את אברם ברית לאמר לזרעך נתתי את הארץ
הזאת מנהר מצרים עד הנהר הגדול נהר פרת: [45] את
הקיני ואת הקנזי ואת הקדמני: [46] ואת החתי ואת
הפרזי ואת הרפאים: [47] ואת האמרי ואת הכנעני ואת
הגרגשי ואת היבוסי:

---

[s] ב:ו ואד יעלה מן הארץ ושקה את כל פני האדמה ב:י-יד ונהר יוצא מעדן להשקות את הגן ומשם יפרד והיה לארבעה ראשים ... ושם הנהר הרביעי פרת [t] יב:ו-ז ויעבר אברם בארץ עד מקום שכם עד אלון מורה והכנעני אז בארץ: וירא יהוה אל אברם ויאמר לזרעך אתן את הארץ הזאת

٢٩ابي الذي اعطاني اياها هو اعظم من الكل. ولا يقدر احد ان يخطف من يد ابي.
٣٠انا والآب واحد.» ٣١فتناول اليهود حجارة ليرجموه. ٣٢فاجابهم يسوع: «اريتكم اعمالا كثيرة حسنة من عند ابي. بسبب اي عمل منها ترجمونني؟» ٣٣اجابه اليهود: «لسنا نرجمك لاجل عمل حسن بل لاجل تجديف، لانك وانت انسان تجعل نفسك الها.» ٣٤اجابهم يسوع: «أليس مكتوبا في ناموسكم انا قلت انكم آلهة. ٣٥ان قال آلهة لاولئك الذين صار اليهم كلام الله، ولا يمكن ان ينقض المكتوب، ٣٦فالذي قدسه الآب وارسله الى العالم اتقولون له انك تجدف لانني قلت انا ابن الله؟ ٣٧ان لم اعمل اعمال ابي فلا تؤمنوا بي. ٣٨ولكن ان كنت اعمل فان لم تؤمنوا بي فآمنوا بالاعمال لكي تعرفوا وتؤمنوا ان الآب فيّ وانا فيه.» ٣٩فطلبوا ايضا ان يمسكوه فافلت من ايديهم.

٤٠ومضى ايضا الى عبر الاردن الى الموضع الذي كان يوحنا اولا يعمد فيه وأقام هناك.

”مُعلِّم، إِنَّ هٰذا الكلامَ الَّذي تَقولُه يُسيءُ إِلَينا نَحنُ أَيضًا.“ ٤٦ فَقالَ يَسوع: ”وَيلٌ لَكُم أَيضًا
أَيُّها الشَّريعِيُّون، لأَنَّكُم تُثقِلونَ النَّاسَ بِأَحمالٍ عَسِرَةِ الحَمل، وَأَنتُم لا تَمَسُّونَ الأَحمالَ
بِأَحَدٍ مِن أَصابِعِكُم. ٤٧ وَيلٌ لَكُم لأَنَّكُم تَبنونَ قُبورًا لِلأَنبِياءِ الَّذينَ قَتَلَهُم آباؤُكُم. ٤٨ فَأَنتُم
تَشهَدونَ وَتُوافِقونَ عَلى أَعمالِ آبائِكُم، لأَنَّهُم هُم قَتَلوهُم وَأَنتُم تَبنونَ قُبورَهُم. ٤٩ لِذٰلِكَ قالَ
حِكمَةُ اللهِ: ’سَأُرسِلُ إِلَيهِم أَنبِياءَ وَرُسُلًا، فَيَقتُلونَ بَعضًا وَيَضطَهِدونَ بَعضًا.‘ ٥٠ فَمِنْ هٰذا
الجيلِ تُطلَبُ دِماءُ جَميعِ الأَنبِياءِ الَّتي سُفِكَت مُنذُ إِنشاءِ العالَم، ٥١ مِن دَمِ هابيلَ إِلى دَمِ
زَكَرِيَّا الَّذي قُتِلَ بَينَ المَذبَحِ وَالهَيكَل. نَعَم، أَقولُ لَكُم إِنَّ هٰذا الجيلَ سَيُطالَبُ بِها.

٥٢ ”وَيلٌ لَكُم أَيُّها الشَّريعِيُّون، لأَنَّكُم أَخَذتُم مِفتاحَ المَعرِفَة. أَنتُم لَم تَدخُلوا، وَمَنَعتُم
الَّذينَ أَرادوا الدُّخولَ.“

٥٣ وَلَمَّا خَرَجَ مِن هُناكَ، أَخَذَ الكَتَبَةُ وَالفَرِّيسِيُّونَ يُلِحُّونَ عَلَيهِ إِلحاحًا شَديدًا، وَيَستَدرِجونَهُ
لِيَتَكَلَّمَ عَلى أُمورٍ كَثيرَة، ٥٤ وَيَتَرَبَّصونَ بِهِ لِيَصطادوا شَيئًا مِن فَمِهِ يَتَّهِمونَهُ بِهِ.

١١

١ وَكانَ يَسوعُ يُصَلِّي في مَكانٍ ما، فَلَمَّا فَرَغَ قالَ لَهُ أَحَدُ تَلاميذِهِ: ”يا رَبّ، عَلِّمنا أَن
نُصَلِّيَ كَما عَلَّمَ يوحَنَّا تَلاميذَهُ.“ ٢ فَقالَ لَهُم: ”إِذا صَلَّيتُم فَقولوا: أَبانا الَّذي في السَّماوات،
لِيَتَقَدَّسِ اسمُكَ، لِيَأتِ مَلَكوتُكَ، ٣ خُبزَنا كَفافَنا أَعطِنا كُلَّ يَوم، ٤ وَاغفِر لَنا خَطايانا
لأَنَّنا نَحنُ أَيضًا نَغفِرُ لِكُلِّ مَن أَساءَ إِلَينا، وَلا تُدخِلنا في التَّجرِبَة.“

٥ وَقالَ لَهُم: ”مَن مِنكُم يَكونُ لَهُ صَديقٌ فَيَأتيهِ في نِصفِ اللَّيلِ وَيَقولُ لَهُ: ’يا صَديقي،
أَقرِضني ثَلاثَةَ أَرغِفَة، ٦ لأَنَّ صَديقًا لي قَدِمَ عَلَيَّ مِن سَفَرٍ وَلَيسَ عِندي ما أُقَدِّمُ لَه.‘ ٧ فَيُجيبُ
ذٰكَ مِن داخِلٍ وَيَقول: ’لا تُزعِجني، فَالبابُ مُقفَلٌ الآنَ وَأَولادي مَعي في الفِراش، لا أَستَطيعُ
أَن أَقومَ وَأُعطِيَكَ.‘ ٨ أَقولُ لَكُم: وَإِن لَم يَقُم وَيُعطِهِ لأَنَّهُ صَديقُه، فَمِن أَجلِ وَقاحَتِهِ يَقومُ

يَهْوذَا وَسِمْعَانَ وَيَعْقُوبَ بْنِ حَلْفَى وَسِمْعَانَ الْمُلَقَّبِ الْغَيُورَ،
وَيَهُوذَا بْنِ يَعْقُوبَ وَيَهُوذَا الإِسْخَرْيُوطِيِّ الَّذِي صَارَ خَائِنًا.

شفاء أعمى أريحا

مرقس ١٠:٤٦-٥٢

١٢-٧:٧ متى

٩"وَأَنَا أَقُولُ لَكُمْ: اطْلُبُوا تُعْطَوْا، اُبْحَثُوا تَجِدُوا، اقْرَعُوا يُفْتَحْ لَكُمْ.
١٠لأَنَّ كُلَّ مَنْ يَطْلُبُ يَأْخُذُ، وَمَنْ يَبْحَثُ يَجِدُ، وَمَنْ يَقْرَعُ يُفْتَحُ لَهُ.
١١"أَيُّ أَبٍ مِنْكُمْ إِذَا سَأَلَهُ ابْنُهُ خُبْزًا يُعْطِيهِ حَجَرًا؟ أَوْ إِذَا سَأَلَهُ سَمَكَةً
يُعْطِيهِ بَدَلَ السَّمَكَةِ حَيَّةً؟ ١٢أَوْ إِذَا سَأَلَهُ بَيْضَةً يُعْطِيهِ عَقْرَبًا؟ ١٣فَإِنْ كُنْتُمْ
وَأَنْتُمْ أَشْرَارٌ تَعْرِفُونَ أَنْ تُعْطُوا أَوْلاَدَكُمْ عَطَايَا جَيِّدَةً، فَكَمْ بِالْحَرِيِّ يُعْطِي
أَبُوكُمُ السَّمَاوِيُّ الرُّوحَ الْقُدُسَ لِلَّذِينَ يَسْأَلُونَهُ!"

اتهام الفريسيين بالتعاون مع الشيطان

مرقس ٣:٢٠-٢٧؛ متى ١٢:٢٢-٣٠

١٤وَكَانَ يُخْرِجُ شَيْطَانًا وَهُوَ أَخْرَسُ. فَلَمَّا خَرَجَ الشَّيْطَانُ تَكَلَّمَ الأَخْرَسُ،
فَتَعَجَّبَ الْجُمُوعُ. ١٥وَقَالَ قَوْمٌ مِنْهُمْ: "بِبَعْلَزَبُولَ رَئِيسِ الشَّيَاطِينِ يُخْرِجُ
الشَّيَاطِينَ". ١٦وَآخَرُونَ لِيُجَرِّبُوهُ طَلَبُوا مِنْهُ آيَةً مِنَ السَّمَاءِ. ١٧فَعَلِمَ أَفْكَارَهُمْ
وَقَالَ لَهُمْ: "كُلُّ مَمْلَكَةٍ مُنْقَسِمَةٍ عَلَى نَفْسِهَا تَخْرَبُ، وَبَيْتٌ عَلَى بَيْتٍ يَسْقُطُ.

يَسُوعُ هُوَ حَجَرُ الزَّاوِيَةِ الَّذِي رَفَضَهُ الْبَنَّاؤُونَ، ١٨ "وَلَكِنْ مَاذَا يَعْنِي هذَا الْمَكْتُوبُ: 'إِنَّ الْحَجَرَ الَّذِي رَفَضَهُ الْبَنَّاؤُونَ هُوَ قَدْ صَارَ رَأْسَ الزَّاوِيَةِ'؟ ١٩ كُلُّ مَنْ يَسْقُطُ عَلَى ذلِكَ الْحَجَرِ يَتَحَطَّمُ، وَعَلَى مَنْ سَقَطَ هُوَ عَلَيْهِ يَسْحَقُهُ." ٢٠ وَطَلَبَ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ وَالْكَتَبَةُ أَنْ يُلْقُوا أَيْدِيَهُمْ عَلَيْهِ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ، لأَنَّهُمْ عَلِمُوا أَنَّهُ قَالَ هذَا الْمَثَلَ عَلَيْهِمْ. وَلكِنَّهُمْ خَافُوا الشَّعْبَ. ٢١ فَرَاقَبُوهُ وَأَرْسَلُوا جَوَاسِيسَ يَتَظَاهَرُونَ أَنَّهُمْ أَبْرَارٌ، لِكَيْ يَقْتَنِصُوا مِنْ كَلاَمِهِ حَتَّى يُسَلِّمُوهُ إِلَى حُكْمِ الْوَالِي وَسُلْطَانِهِ. ٢٢ فَسَأَلُوهُ قَائِلِينَ: "يَا مُعَلِّمُ، نَعْلَمُ أَنَّكَ بِالاسْتِقَامَةِ تَقُولُ وَتُعَلِّمُ، وَلاَ تَأْخُذُ بِالْوُجُوهِ بَلْ بِالْحَقِّ تُعَلِّمُ طَرِيقَ اللهِ. ٢٣ أَيَجُوزُ لَنَا جِزْيَةٌ لِقَيْصَرَ أَمْ لاَ؟" ٢٤ فَفَطِنَ لِمَكْرِهِمْ وَقَالَ لَهُمْ: "لِمَاذَا تُجَرِّبُونَنِي؟ ٢٥ أَرُونِي دِينَارًا. لِمَنْ هُوَ هذَا التِّمْثَالُ وَالْكِتَابَةُ؟" فَقَالُوا: "لِقَيْصَرَ." ٢٦ فَقَالَ لَهُمْ: "فَأَعْطُوا مَا لِقَيْصَرَ لِقَيْصَرَ، وَمَا لِلَّهِ لِلَّهِ." ٢٧ وَلَمْ يَقْدِرُوا أَنْ يُمْسِكُوا كَلاَمًا قُدَّامَ الشَّعْبِ، بَلْ تَعَجَّبُوا مِنْ جَوَابِهِ وَسَكَتُوا.

مَثَلُ الْكَرَّامِينَ الأَشْرَارِ

٢٠-٩:١٢ متى ٢١:٣٣-٤٦

٢٨ "ثُمَّ ابْتَدَأَ يُكَلِّمُ الشَّعْبَ بِهذَا الْمَثَلِ: "إِنْسَانٌ غَرَسَ كَرْمًا وَسَلَّمَهُ إِلَى كَرَّامِينَ وَسَافَرَ زَمَانًا طَوِيلاً. ٢٩ وَفِي الْوَقْتِ أَرْسَلَ إِلَى الْكَرَّامِينَ عَبْدًا لِكَيْ يُعْطُوهُ مِنْ ثَمَرِ الْكَرْمِ، فَجَلَدَهُ الْكَرَّامُونَ وَصَرَفُوهُ فَارِغًا. ٣٠ وَعَادَ فَأَرْسَلَ عَبْدًا آخَرَ، فَجَلَدُوا ذلِكَ أَيْضًا وَأَهَانُوهُ وَصَرَفُوهُ فَارِغًا. ٣١ وَعَادَ فَأَرْسَلَ ثَالِثًا، فَجَرَحُوا هذَا أَيْضًا وَطَرَحُوهُ خَارِجًا. ٣٢ فَقَالَ صَاحِبُ الْكَرْمِ: مَاذَا أَعْمَلُ؟ أُرْسِلُ ابْنِي الْحَبِيبَ لَعَلَّهُمْ إِذَا رَأَوْهُ يَهَابُونَهُ. ٣٣ فَلَمَّا رَآهُ الْكَرَّامُونَ تَآمَرُوا فِيمَا بَيْنَهُمْ قَائِلِينَ: هذَا هُوَ الْوَارِثُ. هَلُمُّوا نَقْتُلْهُ لِكَيْ يَصِيرَ لَنَا الْمِيرَاثُ. ٣٤ فَأَخَذُوهُ وَأَخْرَجُوهُ خَارِجَ الْكَرْمِ وَقَتَلُوهُ. فَمَاذَا يَفْعَلُ بِهِمْ صَاحِبُ الْكَرْمِ؟ ٣٥ يَأْتِي وَيُهْلِكُ الْكَرَّامِينَ هؤُلاَءِ وَيُعْطِي الْكَرْمَ لآخَرِينَ." فَلَمَّا سَمِعُوا قَالُوا: "حَاشَا!" ٣٦ فَنَظَرَ إِلَيْهِمْ وَقَالَ: "فَمَا هُوَ هذَا الْمَكْتُوبُ: 'إِنَّ الْحَجَرَ الَّذِي رَفَضَهُ الْبَنَّاؤُونَ هُوَ قَدْ صَارَ رَأْسَ الزَّاوِيَةِ'؟ ٣٧ كُلُّ مَنْ يَسْقُطُ عَلَى ذلِكَ الْحَجَرِ يَتَحَطَّمُ، وَعَلَى مَنْ سَقَطَ هُوَ عَلَيْهِ يَسْحَقُهُ." ٣٨ وَطَلَبَ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ وَالْكَتَبَةُ أَنْ يُلْقُوا أَيْدِيَهُمْ عَلَيْهِ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ، لأَنَّهُمْ عَلِمُوا أَنَّهُ قَالَ هذَا الْمَثَلَ عَلَيْهِمْ. وَلكِنَّهُمْ خَافُوا الشَّعْبَ.

آية يونان النبي

متى ١٢:٣٨-٤٢؛ تثنية ١٨:١٥ ؛ أعمال ٣:٢٢

٢٩ وَجَاءَ الْجُمُوعُ يَتَكَاثَرُونَ عَلَيْهِ، فَابْتَدَأَ يَقُولُ: "هذَا الْجِيلُ جِيلٌ شِرِّيرٌ.
يَطْلُبُ آيَةً، وَلَا تُعْطَى لَهُ آيَةٌ إِلَّا آيَةُ يُونَانَ النَّبِيِّ. ٣٠ لِأَنَّهُ كَمَا كَانَ يُونَانُ
آيَةً لِأَهْلِ نِينَوَى، هكَذَا يَكُونُ ابْنُ الْإِنْسَانِ أَيْضًا لِهذَا الْجِيلِ. ٣١ مَلِكَةُ
الْجَنُوبِ تَقُومُ فِي الدَّيْنُونَةِ مَعَ رِجَالِ هذَا الْجِيلِ وَتَدِينُهُمْ، لِأَنَّهَا أَتَتْ مِنْ أَقَاصِي
الْأَرْضِ لِتَسْمَعَ حِكْمَةَ سُلَيْمَانَ، وَهُوَ ذَا أَعْظَمُ مِنْ سُلَيْمَانَ هَهُنَا. ٣٢ رِجَالُ نِينَوَى
يَقُومُونَ فِي الدَّيْنُونَةِ مَعَ هذَا الْجِيلِ وَيَدِينُونَهُ، لِأَنَّهُمْ تَابُوا بِمُنَادَاةِ يُونَانَ،
وَهُوَ ذَا أَعْظَمُ مِنْ يُونَانَ هَهُنَا.

مثل السراج

متى ٥:١٥؛ ٦:٢٢-٢٣

٣٣ "لَيْسَ أَحَدٌ يُوقِدُ سِرَاجًا وَيَضَعُهُ فِي مَخْبَإٍ، وَلَا تَحْتَ الْمِكْيَالِ، بَلْ عَلَى
الْمَنَارَةِ، لِكَيْ يَنْظُرَ الدَّاخِلُونَ النُّورَ. ٣٤ سِرَاجُ الْجَسَدِ هُوَ الْعَيْنُ. فَمَتَى كَانَتْ
عَيْنُكَ بَسِيطَةً، فَجَسَدُكَ كُلُّهُ يَكُونُ نَيِّرًا. وَمَتَى كَانَتْ شِرِّيرَةً، فَجَسَدُكَ أَيْضًا
يَكُونُ مُظْلِمًا. ٣٥ فَانْظُرْ لِئَلَّا يَكُونَ النُّورُ الَّذِي فِيكَ ظَلَامًا. ٣٦ فَإِنْ كَانَ جَسَدُكَ
كُلُّهُ نَيِّرًا، لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مُظْلِمٌ، يَكُونُ نَيِّرًا كُلُّهُ، كَمَا يُنِيرُكَ السِّرَاجُ بِلَمَعَانِهِ".

---

[u] ١١:٣١ ١ ملوك ١٠:١-١٠؛ ٢ أخبار الأيام ٩:١-١٢

انتقاد الفريسيين والناموسيين

متى ٢٣:١-٣٦؛ مرقس ١٢:٣٨-٤٠؛ لوقا ٢٠:٤٥-٤٧

٣٧ وبَيْنَمَا هُوَ يَتَكَلَّمُ، سَأَلَهُ أَحَدُ الْفَرِّيسِيِّينَ أَنْ يَتَغَدَّى عِنْدَهُ،
فَدَخَلَ وَاتَّكَأَ. ٣٨ وَلَمَّا رَآهُ الْفَرِّيسِيُّ لَمْ يَتَعَمَّدْ أَنْ يَغْتَسِلَ قَبْلَ الْغَدَاءِ.
٣٩ فَقَالَ لَهُ الرَّبُّ: «أَنْتُمْ أَيُّهَا الْفَرِّيسِيُّونَ تُنَقُّونَ خَارِجَ الْكَأْسِ
وَالصَّحْفَةِ، وَأَمَّا بَاطِنُكُمْ فَمَمْلُوءٌ اخْتِطَافًا وَخُبْثًا. ٤٠ يَا أَغْبِيَاءُ، أَلَيْسَ الَّذِي
صَنَعَ الْخَارِجَ صَنَعَ الدَّاخِلَ أَيْضًا؟ ٤١ بَلْ أَعْطُوا الْمَا فِي الصَّحْفَةِ صَدَقَةً،
فَهُوَذَا كُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ نَقِيًّا لَكُمْ. ٤٢ «وَيْلٌ لَكُمْ أَيُّهَا الْفَرِّيسِيُّونَ، لأَنَّكُمْ
تُعَشِّرُونَ النَّعْنَاعَ وَالسَّذَابَ وَكُلَّ بَقْلٍ، وَتَتَجَاوَزُونَ الْقَضَاءَ وَمَحَبَّةَ اللهِ.
كَانَ يَنْبَغِي أَنْ هذِهِ عَمِلُوا وَتِلْكَ لاَ يُتْرَكُ. ٤٣ «وَيْلٌ لَكُمْ أَيُّهَا الْفَرِّيسِيُّونَ،
لأَنَّكُمْ تُحِبُّونَ الْمَجْلِسَ الأَوَّلَ فِي الْمَجَامِعِ وَالتَّحِيَّاتِ فِي الأَسْوَاقِ.
٤٤ «وَيْلٌ لَكُمْ أَيُّهَا الْكَتَبَةُ وَالْفَرِّيسِيُّونَ الْمُرَاؤُونَ، لأَنَّكُمْ كَالْقُبُورِ
الَّتِي لاَ تَظْهَرُ، وَالنَّاسُ يَمْشُونَ عَلَيْهَا وَلاَ يَعْلَمُونَ».

انتقاد الناموسيين

٤٥ فَأَجَابَ وَاحِدٌ مِنَ النَّامُوسِيِّينَ: «يَا مُعَلِّمُ، إِذْ تَقُولُ هذَا تَشْتِمُنَا
نَحْنُ أَيْضًا». ٤٦ فَقَالَ: «وَوَيْلٌ لَكُمْ أَيْضًا أَيُّهَا النَّامُوسِيُّونَ، لأَنَّكُمْ
تُعَسِّرُونَ النَّاسَ بِأَحْمَالٍ عَسِرَةِ الْحَمْلِ، وَأَنْتُمْ لاَ تَمَسُّونَ الأَحْمَالَ
بِإِحْدَى أَصَابِعِكُمْ. ٤٧ وَيْلٌ لَكُمْ، لأَنَّكُمْ تَبْنُونَ قُبُورَ الأَنْبِيَاءِ، وَآبَاؤُكُمْ

تَشْهَدُونَ لِأَعْمَالِ آبَائِكُمْ، لأَنَّهُمْ هُمْ قَتَلُوهُمْ وَأَنْتُمْ تَبْنُونَ قُبُورَهُمْ. ٤٨
تَبْرِّرُونَهَا. لأَنَّ أُولَئِكَ قَتَلُوهُمْ، وَأَنْتُمْ تَبْنُونَ قُبُورَهُمْ. ٤٩لِهذَا أَيْضًا قَالَ
حِكْمَةُ اللهِ: أُرْسِلُ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَ وَرُسُلاً، فَيَقْتُلُونَ مِنْهُمْ وَيَطْرُدُونَ، ٥٠لِكَيْ
يُطْلَبَ مِنْ هذَا الْجِيلِ دَمُ جَمِيعِ الأَنْبِيَاءِ الْمُهْرَاقُ مُنْذُ إِنْشَاءِ الْعَالَمِ، ٥١مِنْ
دَمِ هَابِيلَ إِلَى دَمِ زَكَرِيَّا الَّذِي أُهْلِكَ بَيْنَ الْمَذْبَحِ وَالْبَيْتِ. نَعَمْ أَقُولُ لَكُمْ
إِنَّهُ يُطْلَبُ مِنْ هذَا الْجِيلِ. ٥٢وَيْلٌ لَكُمْ أَيُّهَا النَّامُوسِيُّونَ، لأَنَّكُمْ أَخَذْتُمْ
مِفْتَاحَ الْمَعْرِفَةِ. لَمْ تَدْخُلُوا أَنْتُمْ، وَالدَّاخِلُونَ مَنَعْتُمُوهُمْ!» ٥٣وَلَمَّا قَالَ لَهُمْ
هذَا، ابْتَدَأَ الْكَتَبَةُ وَالْفَرِّيسِيُّونَ يُلِحُّونَ عَلَيْهِ إِلْحَاحًا شَدِيدًا، وَيَسْتَخْرِجُونَ
مِنْ أَفْوَاهِهِ أَشْيَاءَ كَثِيرَةً، ٥٤مُتَرَبِّصِينَ بِهِ، لِيَقْتَنِصُوا شَيْئًا مِنْ فَمِهِ.

تحذير من الرياء

١٢ فِي أَثْنَاءِ ذلِكَ، إِذِ اجْتَمَعَ رُبَوَاتُ الْجَمْعِ حَتَّى دَاسَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا، ابْتَدَأَ
يَقُولُ أَوَّلاً لِتَلاَمِيذِهِ: «احْتَرِزُوا مِنْ خَمِيرِ الْفَرِّيسِيِّينَ الَّذِي هُوَ الرِّيَاءُ. ٢لأَنَّهُ لَيْسَ
مَكْتُومٌ إِلاَّ سَيُسْتَعْلَنُ، وَلاَ خَفِيٌّ إِلاَّ سَيُعْلَمُ. ٣لِذلِكَ كُلُّ مَا قُلْتُمْ فِي الظُّلْمَةِ
يُسْمَعُ فِي النُّورِ، وَمَا كَلَّمْتُمْ بِهِ فِي الأُذُنِ فِي الْمَخَادِعِ يُنَادَى بِهِ عَلَى السُّطُوحِ.

---

٧ ١١:٥١ تكوين ٤:٨؛ ٢ أخبار الأيام ٢٤:٢٠-٢١

لوقا حسب كل مع

لوقا ١٠:٢٨-٣١

٤"لِهذا أقول لكم، لا تخافوا من الذين يقتلون الجسد، وبعد ذلك ليس لهم شيء أكثر أن يفعلوه. ٥لكني أريكم من ينبغي أن تخافوه: خافوا من الذي بعد أن يقتل له سلطان أن يلقي في جهنم. نعم، أقول لكم، من هذا خافوا. ٦أليست خمسة عصافير تباع بفلسين؟ ومع ذلك ليس واحد منها منسيا عند الله. ٧بل حتى شعور رؤوسكم جميعها محصاة. لا تخافوا، فأنتم أثمن من عصافير كثيرة.

متى ١٠:٣٢-٣٣؛ ١٢:٣٢؛ ١٠:١٩-٢٠

٨"لِهذا أقول لكم، كل من يعترف بي قدام الناس، يعترف به ابن الإنسان قدام ملائكة الله. ٩ولكن من ينكرني قدام الناس، ينكر قدام ملائكة الله. ١٠وكل من يتكلم كلمة على ابن الإنسان يغفر له، ولكن من يجدف على الروح القدس لا يغفر له.

١١"ومتى قدموكم إلى المجامع والحكام والسلاطين، فلا تهتموا كيف أو بماذا تحتجون أو بماذا تقولون، ١٢لأن الروح القدس يعلمكم في تلك الساعة ما ينبغي أن تقولوه."

مثل الغني الغبي

١٣ فقال له واحد من الجمع: "يا معلم، قل لأخي أن يقسم الميراث معي."
١٤ فأجابه يسوع: "يا إنسان، من أقامني عليكما قاضيًا أو مقسمًا؟"
١٥ ثم قال لهم: "احذروا واحترسوا من الطمع، لأن حياة الإنسان لا تكون من كثرة ما يملك."
١٦ وضرب لهم مثلًا قائلًا: "إن إنسانًا غنيًا أخصبت حقوله،
١٧ ففكر في نفسه قائلًا: 'ماذا أعمل، لأن ليس لي موضع أخزن فيه غلتي؟'
١٨ وقال: 'هذا أعمل: أهدم أهرائي وأبني أكبر، وأخزن هناك كل غلتي وخيراتي،
١٩ ثم أقول لنفسي: يا نفس، لك خيرات كثيرة موضوعة لسنين كثيرة، فاستريحي وكلي واشربي وافرحي.'
٢٠ فقال له الله: 'يا غبي، في هذه الليلة تُطلب نفسك منك، فهذه التي أعددتها لمن تكون؟'
٢١ هكذا الذي يكنز لنفسه ولا يغتني لله."

لا تهتموا بالأشياء

لوقا ١٢:٢٢-٣٤

٢٢ ثم قال لتلاميذه: "من أجل هذا أقول لكم: لا تهتموا لحياتكم بما تأكلون، ولا لأجسادكم بما تلبسون.
٢٣ الحياة أفضل من الطعام، والجسد أفضل من اللباس.
٢٤ تأملوا الغربان: إنها لا تزرع ولا تحصد، ولا لها مخزن ولا أهراء، والله يقوتها. كم أنتم أفضل من الطيور!

فاسق الذي يقول في قلبه سيدي يبطئ قدومه، ويبتدئ يضرب العبيد والاماء ويأكل ويشرب ويسكر. ٤٦ يأتي سيد ذلك العبد في يوم لا يترقبه وفي ساعة لا يعرفها، فيقطعه ويجعل نصيبه مع غير المؤمنين. ٤٧ وذلك العبد الذي علم ارادة سيده ولم يستعد ولم يعمل بحسب ارادته يضرب كثيرا. ٤٨ واما الذي لم يعلم فعمل ما يستحق العقاب يضرب قليلا. فكل من اعطي كثيرا يطلب منه كثير، ومن استودع كثيرا يطالب بأكثر.

٤٩ "جئت لألقي نارا على الارض، فماذا اريد لو اضطرمت؟ ٥٠ ولي صبغة يجب ان اصطبغ بها، فما اشد ضيقي حتى تكمل! ٥١ أتظنون اني جئت لأعطي سلاما على الارض؟ كلا، اقول لكم بل انقساما. ٥٢ فمن الآن يكون خمسة في بيت واحد منقسمين ثلاثة على اثنين واثنان على ثلاثة. ٥٣ ينقسم الاب على الابن والابن على الاب، والام على البنت والبنت على الام، والحماة على كنتها والكنة على حماتها."

علامات الأزمنة

٥٤ وقال ايضا للجموع اذا رأيتم السحاب تطلع من المغرب فللوقت تقولون ان مطرا يأتي، وهكذا يكون. ٥٥ واذا رأيتم الريح الجنوبية تهب تقولون ان حرا يكون، وهكذا يكون. ٥٦ يا مراؤون تعرفون ان تميزوا وجه الارض والسماء، فكيف لا تميزون هذا الزمان؟ ٥٧ ولماذا لا تحكمون من انفسكم بما هو الحق؟ ٥٨ فانك حين تمضي مع خصمك الى الرئيس في الطريق اجتهد وأنت معه ان تتخلص منه لئلا يجرك الى القاضي والقاضي يدفعك الى الشرطي والشرطي يلقيك في السجن. ٥٩ اقول لك لن تخرج من هناك حتى توفي الفلس الاخير.

هذه، كي يفتحوا له حالما يأتي ويقرع. ٣٧ طوبى لأولئك العبيد الذين يجدهم السيد ساهرين عندما يأتي. الحق أقول لكم إنه يتمنطق ويتكئهم ويتقدم ليخدمهم. ٣٨ وإن أتى في الهزيع الثاني أو في الهزيع الثالث ووجدهم هكذا، فطوبى لأولئك العبيد. ٣٩ واعلموا هذا: لو علم رب البيت في أي ساعة يأتي السارق لسهر ولم يدع بيته يُنقب. ٤٠ فكونوا أنتم أيضا مستعدين، لأن ابن الإنسان يأتي في ساعة لا تظنونها.»

٤١ فقال له بطرس: «يا رب، ألنا تقول هذا المثل أم للجميع أيضا؟» ٤٢ فقال الرب: «فمن هو الوكيل الأمين الحكيم الذي يقيمه سيده على خدمه ليعطيهم طعامهم في حينه؟ ٤٣ طوبى لذلك العبد الذي إذا جاء سيده يجده يفعل هكذا. ٤٤ الحق أقول لكم إنه يقيمه على جميع أمواله. ٤٥ ولكن إن قال ذلك العبد في قلبه: ‹سيدي يبطئ في مجيئه›، وابتدأ يضرب العبيد والإماء ويأكل ويشرب ويسكر، ٤٦ فإن سيد ذلك العبد يأتي في يوم لا يترقبه وفي ساعة لا يعرفها، فيقطعه ويجعل نصيبه مع غير المؤمنين. ٤٧ وذلك العبد الذي علم إرادة سيده ولم يستعد ولم يعمل بإرادته يُضرب كثيرا. ٤٨ وأما الذي لم يعلم فعمل ما يستحق عقوبة يُضرب قليلا. فكل من أعطي كثيرا يُطلب منه كثير، ومن استودعوه كثيرا يطالبونه بأكثر.

مثل العبد الأمين

لوقا ١٢:٤١-٤٨

٤١ فقال له بطرس: «يا رب، أتقول هذا المثل لنا أم للجميع أيضًا؟»
٤٢ فقال الرب: «فمن هو الوكيل الأمين الحكيم الذي يقيمه سيده على
خدمه ليعطيهم طعامهم في حينه؟ ٤٣ طوبى لذلك العبد الذي إذا جاء
سيده يجده يفعل هكذا. ٤٤ بالحق أقول لكم إنه يقيمه على جميع
أمواله. ٤٥ ولكن إن قال ذلك العبد في قلبه: سيدي يبطئ قدومه،
فابتدأ يضرب الغلمان والجواري، ويأكل ويشرب ويسكر، ٤٦ يأتي سيد
ذلك العبد في يوم لا يترقبه وفي ساعة لا يعرفها، ويقطعه نصفين
ويجعل نصيبه مع غير المؤمنين. ٤٧ وذلك العبد الذي علم إرادة سيده
ولم يستعد ولم يعمل بحسب إرادته يضرب كثيرًا. ٤٨ وأما الذي لم
يعلم، فعمل ما يستحق عقوبة، يضرب قليلًا. فكل من أعطي كثيرًا
يطلب منه كثير، ومن يودعونه كثيرًا يطالبونه بأكثر.

انقسام بسبب المسيح

لوقا ١٢:٥١-٥٣

٥١ أتظنون أني جئت لأعطي سلامًا على الأرض؟ كلا، أقول لكم، بل
انقسامًا. ٥٢ فمن الآن يكون خمسة في بيت واحد منقسمين، ثلاثة على
اثنين واثنان على ثلاثة. ٥٣ ينقسم الأب على الابن والابن على الأب،
والأم على البنت والبنت على الأم، والحماة على كنتها والكنة على
حماتها.»

متى ١٠:٣٤-٣٦ ٧:٦

ترجمة حد خلوص

متى ٢٥:٥-٢٦

٥٨ "اجعل صنيعك بأن تعي، وفيك ترجمتك حد بأوك مفهم، وشوفه ما صنيعك بأن تعي وفيك مفهم، وتنك، وتنك صحي ترى خلي بأن، صنيعك وفيك ما صنيعك وفيك تج

לאלהי, ולעבוד את כל המצות האלה אשר אנכי מצוך היום לעשות הישר בעיני יהוה אלהיך׃ {ס}
יג כי יקום בקרבך נביא או חלם חלום ונתן אליך אות או מופת׃ יב ובא האות והמופת אשר דבר
אליך לאמר נלכה אחרי אלהים אחרים אשר לא ידעתם ונעבדם׃ יג לא תשמע אל דברי הנביא
ההוא או אל חלם החלום ההוא כי מנסה יהוה אלהיכם אתכם לדעת הישכם אהבים את יהוה
אלהיכם בכל לבבכם ובכל נפשכם׃ יד אחרי יהוה אלהיכם תלכו ואתו תיראו ואת מצותיו תשמרו
ובקלו תשמעו ואתו תעבדו ובו תדבקון׃ טו והנביא ההוא או חלם החלום ההוא יומת כי דבר סרה
על יהוה אלהיכם המוציא אתכם מארץ מצרים והפדך מבית עבדים להדיחך מן הדרך אשר צוך
יהוה אלהיך ללכת בה ובערת הרע מקרבך׃ {ס} טז כי יסיתך אחיך בן אמך או בנך או בתך או
אשת חיקך או רעך אשר כנפשך בסתר לאמר נלכה ונעבדה אלהים אחרים אשר לא ידעת אתה
ואבתיך׃ יז מאלהי העמים אשר סביבתיכם הקרבים אליך או הרחקים ממך מקצה הארץ ועד
קצה הארץ׃ יח לא תאבה לו ולא תשמע אליו ולא תחס עינך עליו ולא תחמל ולא תכסה עליו׃
יט כי הרג תהרגנו ידך תהיה בו בראשונה להמיתו ויד כל העם באחרונה׃ כ ורגמתו באבנים
ומת כי בקש להדיחך מעל יהוה אלהיך המוציאך מארץ מצרים מבית עבדים׃ כא וכל ישראל
ישמעו ויראו ולא יוסיפו לעשות כדבר הרע הזה בקרבך׃ {ס} כב כי תשמע באחת ערך אשר יהוה
אלהיך נתן לך לשבת שם לאמר׃ כג יצאו אנשים בני בליעל מקרבך וידיחו את יושבי עירם לאמר
נלכה ונעבדה אלהים אחרים אשר לא ידעתם׃ כד ודרשת וחקרת ושאלת היטב והנה אמת נכון
הדבר נעשתה התועבה הזאת בקרבך׃ כה הכה תכה את יושבי העיר ההוא לפי חרב החרם אתה
אותה ואת כל אשר בה ואת בהמתה לפי חרב׃ כו וכל שללה תקבץ אל תוך רחבה ושרפת באש
את העיר ואת כל שללה כליל ליהוה אלהיך והיתה תל עולם לא תבנה עוד׃ כז ודבק בידך מאומה
מן החרם למען ישב יהוה מחרון אפו ונתן לך רחמים ורחמך והרבך כאשר נשבע לאבתיך׃ כח כי
תשמע בקול יהוה אלהיך לשמר את כל מצותיו אשר אנכי מצוך היום לעשות הישר בעיני יהוה
אלהיך׃ {ס}

יד א בנים אתם ליהוה אלהיכם לא תתגדדו ולא תשימו קרחה בין עיניכם למת׃ ב כי עם קדוש
אתה ליהוה אלהיך ובך בחר יהוה להיות לו לעם סגלה מכל העמים אשר על פני האדמה׃ {ס}
ג לא תאכל כל תועבה׃ ד זאת הבהמה אשר תאכלו שור כשב אמר ושה עזים׃ ה איל וצבי ויחמור
וזמר ואקו ודישן׃ ו וכל בהמה מפרסת פרסה ושסעת שסע שתים מעלת גרה בבהמה אתה תאכלו׃
ז אך את זה לא תאכלו מעלי הגרה ומן המפרסי הפרסה הגמל והארנבת והשפן כי מעלה גרה
הם ופרסה לא הפריסו טמא הוא לכם׃ ח והחזיר כי מפריס פרסה הוא ולא גרה טמא הוא לכם
מבשרם לא תאכלו ובנבלתם לא תגעו׃ ט את זה תאכלו מכל אשר במים כל אשר לו סנפיר
וקשקשת תאכלו׃ י וכל אשר אין לו סנפיר וקשקשת לא תאכלו טמא הוא לכם׃ {ס} יא כל צפור
טהרה תאכלו׃ יב ואלה אשר לא תאכלו מהם הנשר והפרס והעזניה׃ יג והראה והאיה והדיה
למינהו׃ יד ואת כל ערב למינו׃ טו ואת בת היענה והתחמס והשחף ואת הנץ למינהו׃ טז את
הכוס ואת הינשוף והתנשמת׃ יז ואת הקאת והרחם והשלך׃ יח והחסידה והאנפה למינה והדוכיפת
והעטלף׃ יט וכל שרץ העוף טמא הוא לכם לא יאכלו׃ כ כל עוף טהר תאכלו׃ כא לא תאכלו כל
נבלה לגר אשר בשעריך תתננה ואכלה או מכר לנכרי כי עם קדוש אתה ליהוה אלהיך לא תבשל
גדי בחלב אמו׃ {ס} כב עשר תעשר את כל תבואת זרעך היצא השדה שנה שנה׃ כג ואכלת לפני
יהוה אלהיך במקום אשר יבחר לשכן שמו שם מעשר דגנך תירשך ויצהרך ובכרת בקרך וצאנך
למען תלמד ליראה את יהוה אלהיך כל הימים׃ כד וכי ירבה ממך הדרך כי לא תוכל שאתו כי
ירחק ממך המקום אשר יבחר יהוה אלהיך לשום שמו שם כי יברכך יהוה אלהיך׃ כה ונתתה
בכסף וצרת הכסף בידך והלכת אל המקום אשר יבחר יהוה אלהיך בו׃ כו ונתתה הכסף בכל אשר
תאוה נפשך בבקר ובצאן ובין ובשכר ובכל אשר תשאלך נפשך ואכלת שם לפני יהוה אלהיך
ושמחת אתה וביתך׃

---

[x] ט״ו ו׳ 13:14 ואתחנן 5:13-14

مثل حبة الخردل وخميرة العجين

متى ١٣:٣١-٣٣؛ مرقس ٤:٣٠-٣٢

١٨ ثم قال: "ماذا يشبه ملكوت الله؟ وبماذا أشبهه؟ ١٩ إنه يشبه حبة
خردل أخذها رجل وزرعها في بستانه، فنمت وصارت شجرة كبيرة،
وعشش طير السماء في أغصانها."

٢٠ وقال أيضاً: "بماذا أشبه ملكوت الله؟ ٢١ إنه يشبه الخميرة التي
أخذتها امرأة ووضعتها في ثلاثة أكياس من الدقيق حتى اختمر العجين
كله."

الباب الضيق

٢٢ وكان يسوع يجتاز المدن والقرى وهو يعلم ويتجه نحو أورشليم.
٢٣ فقال له أحدهم: "يا سيد، أقليل هم الذين يخلصون؟" فأجابهم:
٢٤ "اجتهدوا أن تدخلوا من الباب الضيق، لأني أقول لكم إن كثيرين
سيحاولون الدخول ولا يستطيعون. ٢٥ فمتى قام رب البيت وأغلق
الباب، وبدأتم تقفون خارجاً وتقرعون الباب قائلين: 'يا سيد، افتح
لنا'، فيجيبكم: 'لا أعرفكم ولا أعلم من أين أنتم.' ٢٦ فتقولون: 'لقد
أكلنا وشربنا معك، وعلمت في شوارعنا.' ٢٧ فيقول لكم: 'لا أعرفكم
ولا أعلم من أين أنتم. ابتعدوا عني يا جميع فاعلي الإثم.' ٢٨ هناك
يكون البكاء وصرير الأسنان عندما ترون إبراهيم وإسحاق ويعقوب
وجميع الأنبياء في ملكوت الله، وأنتم مطرودون إلى الخارج.

يسوع الى بيته. ٢٩ "كيف يستطيع احد ان يدخل بيت القوي وينهب امتعته ما لم يوثق القوي اولا؟ فعندئذ يستطيع ان ينهب بيته. ٣٠ "الحق اقول لكم ان كل الخطايا تغفر لبني البشر، والتجاديف التي يجدفونها، ٢٩ ولكن من يجدف على الروح القدس لا يغفر له ابدا، بل هو مذنب بخطية ابدية." ٣٠ لانهم قالوا ان فيه روحا نجسا.

يسوع يختار الاثني عشر

٣:٧-١٩

٧ ثم انصرف يسوع مع تلاميذه الى البحيرة، وتبعته جموع كثيرة من الجليل ومن اليهودية ٨ ومن اورشليم ومن ادومية ومن عبر الاردن ومن حول صور وصيدا. فقد سمعت الجموع كل ما كان يعمل، فجاءت اليه. ٩ فقال لتلاميذه ان يهيئوا له زورقا صغيرا بسبب الجموع، لئلا يزحموه. ١٠ لانه شفى كثيرين، حتى ان المصابين بالامراض كانوا يتدافعون عليه ليلمسوه. ١١ والارواح النجسة كلما رأته خرت امامه وصرخت قائلة: "انت ابن الله!" ١٢ فانتهرها بشدة لئلا تظهره. ١٣ ثم صعد الى الجبل ودعا اليه الذين اراد هو، فجاءوا اليه. ١٤ فاختار منهم اثني عشر ليكونوا معه ويرسلهم للكرازة ١٥ ولهم سلطان على شفاء الامراض واخراج الشياطين. ١٦ فاختار الاثني عشر: سمعان الذي سماه بطرس، ١٧ ويعقوب بن زبدي ويوحنا اخا يعقوب، وسماهما بوانرجس اي ابناء الرعد، ١٨ واندراوس وفيلبس وبرثولماوس ومتى وتوما ويعقوب بن حلفى وتداوس وسمعان القانوي ١٩ ويهوذا الاسخريوطي الذي اسلمه.

يسوع ورؤساء الكهنة

١١:١٤-٢١

١٤ ١ وكان عيد الفصح والفطير بعد يومين، فكان رؤساء الكهنة والكتبة يطلبون كيف يمسكونه بمكر ويقتلونه. ٢ لانهم قالوا: "ليس في العيد لئلا يكون شغب في الشعب."

---

٧ ٣:٣٥ مع تث ٢٦:١١٨

وَلَمْ يَقْدِرُوا أَنْ يُجِيبُوهُ عَلَى هٰذِهِ. ٤ فَقَالَ لِلْمَدْعُوِّينَ: "هَلْ يَحِلُّ الشِّفَاءُ فِي السَّبْتِ أَمْ لَا؟" ٥ فَسَكَتُوا. فَأَخَذَهُ وَأَبْرَأَهُ وَصَرَفَهُ. ٦ ثُمَّ قَالَ لَهُمْ: "مَنْ مِنْكُمْ يَسْقُطُ حِمَارُهُ أَوْ ثَوْرُهُ فِي بِئْرٍ وَلَا يَنْشِلُهُ حَالًا فِي يَوْمِ السَّبْتِ؟" ٧ وَلَمْ يَقْدِرُوا أَنْ يُجَاوِبُوهُ عَلَى هٰذِهِ الأُمُورِ.

دعوة إلى التواضع

٨ وَقَالَ لِلْمَدْعُوِّينَ مَثَلًا، إِذْ لَاحَظَ كَيْفَ اخْتَارُوا الْمُتَّكَآتِ الْأُولَى، قَائِلًا لَهُمْ: ٩ "مَتَى دُعِيتَ أَحَدٌ مِنْ قِبَلِ إِنْسَانٍ إِلَى عُرْسٍ، فَلَا تَتَّكِئْ فِي الْمَتَّكَإِ الْأَوَّلِ، لِئَلَّا يَكُونَ أَكْرَمُ مِنْكَ مَدْعُوًّا مِنْ قِبَلِهِ، ١٠ فَيَأْتِيَ الَّذِي دَعَاكَ وَإِيَّاهُ وَيَقُولَ لَكَ: 'أَعْطِ مَكَانًا لِهٰذَا'، فَحِينَئِذٍ تَبْتَدِئُ بِخَجَلٍ تَتَّخِذُ الْمَكَانَ الأَخِيرَ. ١١ لأَنَّ كُلَّ مَنْ يَرْفَعُ نَفْسَهُ يَتَّضِعُ، وَمَنْ يَضَعُ نَفْسَهُ يَرْتَفِعُ." ١٢ وَقَالَ أَيْضًا لِلَّذِي دَعَاهُ: "مَتَى صَنَعْتَ غَدَاءً أَوْ عَشَاءً فَلَا تَدْعُ أَصْدِقَاءَكَ وَلَا إِخْوَتَكَ وَلَا أَقْرِبَاءَكَ وَلَا جِيرَانَكَ الأَغْنِيَاءَ، لِئَلَّا يَدْعُوكَ هُمْ أَيْضًا فَتَكُونَ لَكَ مُجَازَاةٌ. ١٣ بَلْ مَتَى صَنَعْتَ وَلِيمَةً فَادْعُ الْمَسَاكِينَ، الْجُدَّعَ، الْعُرْجَ، الْعُمْيَ، ١٤ فَتَكُونَ مُغْتَبِطًا، إِذْ لَيْسَ لَهُمْ حَتَّى يُكَافِئُوكَ، لأَنَّكَ تُكَافَأُ فِي قِيَامَةِ الأَبْرَارِ."

---

z ١٤:١٠ مت ٢٥:٦-٧

משא בבל על בבל

ישעיה ١٣:١-١٠

١ משא בבל על בבל, אשר חזה ישעיה בן אמוץ. ٢ על הר נשא נס, הרימו קול להם, הניפו יד ויבואו פתחי נדיבים. ٣ אני צויתי למקדשי, גם קראתי גבורי לאפי, עליזי גאותי. ٤ קול המון בהרים, דמות עם רב, קול שאון ממלכות גוים נאספים, יהוה צבאות פקד צבא מלחמה. ٥ באים מארץ מרחק, מקצה השמים, יהוה וכלי זעמו, לחבל כל הארץ. ٦ הילילו, כי קרוב יום יהוה, כשוד משדי יבוא. ٧ על כן כל ידים תרפינה, וכל לב אנוש ימס. ٨ ונבהלו, צירים ומכאובים יאחזון, כיולדה יתחוללו, איש אל רעהו יתמהו, פני להבות פניהם. ٩ הנה יום יהוה בא, אכזרי ועברה וחרון אף, לשום הארץ לשמה, וחטאיה ישמיד ממנה. ١٠ כי כוכבי השמים וכסיליהם לא יהלו אורם, חשך השמש במוצאו, וירח לא יגיה אורו.

١١ ופקדתי על תבל רעה, ועל רשעים עונם, והשבתי גאון זדים, וגבהות עריצים אשפיל. ١٢ אקר אנוש מפז, ואדם מכתם אופיר. ١٣ על כן שמים ארגיז, ותזעזע הארץ ממקומה, בעברת יהוה צבאות וביום חרון אפו. ١٤ והיה כצבי מרדף, וכצאן אין מקבץ, איש אל עמו יפנו, ואיש אל ארצו ינוסו. ١٥ כל הנמצא ידקר, וכל הנספה יפל בחרב. ١٦ ועולליהם לעיניהם ירוטשו, בתיהם תשסינה, ונשיהם תשגלנה. ١٧ הנני מעיר עליהם את מדי, הכסף לא יחפצו, וזהב לא ירצו בו. ١٨ וקשתות נערים תרטשנה, ופרי בטן לא ירחמו, על בנים לא תחוס עינם. ١٩ והיתה בבל צבי ממלכות, תפארת גאון כשדים, כמהפכת אלהים את סדם ואת עמרה. ٢٠ לא תשב לנצח ולא תשכון עד דור ודור, וערבי לא יהל שם, ורעים לא ירבצו שם. ٢١ ורבצו שם ציים, ומלאו בתיהם עים, ושכנו שם בנות יענה, ושעירים ירקדו שם. ٢٢ וענו איים בארמנותיה, ותנים בהיכלי ענג, וקרוב לבוא עתה, וימיה לא יאריכון.

ישעיה ١٤:١-١٠

١ כי ירחם יהוה את יעקב, ובחר עוד בישראל, והניחם על אדמתם, ונלוה הגר עליהם, ונספחו על בית יעקב. ٢ ולקחום עמים והביאום אל מקומם, ויתנחלום בית יהוה על אדמת עבדים ושפחות, והיו שובים לשוביהם, ומשלו במנגשיהם. ٣ והיה ביום הניח יהוה לך מעצבך ומרגזך, ומן העבודה הקשה אשר עבדת בה. ٤ ונשאת המשל הזה על מלך בבל, ואמרת: איך שבת נגש, שבתה מדהבה. ٥ שבר יהוה מטה רשעים, שבט משלים. ٦ מכה עמים בעברה מכת בלתי סר, רדה באף גוים, רדפה בלי חשך. ٧ נחה שקטה כל הארץ, פצחו רנה. ٨ גם ברושים שמחו לך, ארזי לבנון לאמר: מאז שכבת לא יעלה הכורת עלינו. ٩ שאול מתחת רגזה לך לקראת בואך, עורר לך רפאים כל עתודי ארץ, הקים מכסאותם כל מלכי גוים. ١٠ כלם יענו ויאמרו אליך: אף אתה חלית כמונו, אלינו נמשלת.

مثل عن الصلاة

لوقا ١١:٥-١٣؛ متى ٧:٧-١١

٢٥ ثم التفت يسوع إلى الجموع التي كانت تتبعه وقال لهم: ٢٦"من يأتي إليّ ولا يكره أباه وأمه، وامرأته وأولاده، وإخوته وأخواته، بل نفسه أيضًا، لا يقدر أن يكون تلميذًا لي. ٢٧ ومن لا يحمل صليبه ويتبعني لا يقدر أن يكون تلميذًا لي. ٢٨"فمن منكم يريد أن يبني برجًا، لا يجلس أولًا ويحسب النفقة التي تلزم لإكماله، هل عنده ما يكفي لإتمامه؟ ٢٩لئلا يضع أساسًا ولا يقدر أن يكمله، فكل الذين يرونه يبتدئون يستهزئون به، ٣٠قائلين: 'هذا الإنسان ابتدأ أن يبني ولم يقدر أن يكمل.' ٣١أو أي ملك يذهب محاربًا ملكًا آخر، لا يجلس أولًا ويتشاور هل يقدر بعشرة آلاف أن يلاقي الآتي عليه بعشرين ألفًا؟ ٣٢وإلا فوهو بعد لا يزال بعيدًا يرسل سفارة ويطلب شروط السلام. ٣٣هكذا كل واحد منكم لا يترك جميع أمواله لا يقدر أن يكون تلميذًا لي.

عديم الفائدة

متى ٥:١٣؛ مرقس ٩:٥٠

٣٤"الملح جيد، ولكن إن فسد الملح فبماذا يصلح؟ ٣٥لا للأرض ولا للمزبلة، بل يطرحونه خارجًا. من له أذنان للسمع فليسمع."

مثل الخروف الضال

لوقا ١٥:١٨-١٤

١٥ ١فكان جميع العشارين والخطاة يدنون منه ليسمعوه. ٢فكان الفريسيون والكتبة يتذمرون قائلين: "هذا يقبل خطاة ويأكل معهم." ٣فكلمهم بهذا المثل قائلا: ٤"أي انسان منكم له مئة خروف واضاع واحدا منها لا يترك التسعة والتسعين في البرية ويذهب وراء الضال حتى يجده؟ ٥واذا وجده يضعه على منكبيه فرحا. ٦وآتيا الى بيته يدعو الاصدقاء والجيران قائلا لهم: 'افرحوا معي لاني وجدت خروفي الضال.' ٧اقول لكم انه هكذا يكون فرح في السماء بخاطئ واحد يتوب اكثر من تسعة وتسعين بارا لا يحتاجون الى توبة.

مثل الدرهم الضائع

٨"او اية امرأة لها عشرة دراهم ان اضاعت درهما واحدا لا توقد سراجا وتكنس البيت وتفتش بعناية حتى تجده؟ ٩واذا وجدته تدعو الصديقات والجارات قائلة: 'افرحن معي لاني وجدت الدرهم الذي اضعته.' ١٠هكذا اقول لكم يكون فرح قدام ملائكة الله بخاطئ واحد يتوب."

الابن الضال

١١ فقال يسوع: "كان لرجل ابنان. ١٢ فقال الأصغر منهما لأبيه: 'يا أبي، أعطني النصيب الذي يخصني من الميراث.' فقسم الأب أملاكه بينهما. ١٣ وبعد أيام قليلة جمع الابن الأصغر كل ما يملك وسافر إلى بلد بعيد، وهناك بدد ثروته في حياة الفجور. ١٤ وبعد أن أنفق كل شيء، حدث أن حلت مجاعة شديدة في تلك البلاد، فبدأ يشعر بالحاجة. ١٥ فذهب والتصق بأحد أهل تلك البلاد، فأرسله إلى حقوله ليرعى الخنازير. ١٦ وكان يتمنى أن يملأ بطنه من الخرنوب الذي كانت تأكله الخنازير، ولكن لم يعطه أحد شيئاً. ١٧ فلما رجع إلى رشده قال: 'كم من أجير عند أبي يفيض عليهم الخبز، وأنا أموت هنا جوعاً! ١٨ سأقوم وأذهب إلى أبي وأقول له: يا أبي، أخطأت إلى السماء وأمامك، ١٩ ولست بعد مستحقاً أن أدعى ابناً لك، فاجعلني كأحد أجرائك.' ٢٠ فقام ومضى إلى أبيه. وبينما كان لا يزال بعيداً رآه أبوه فتحنن وأسرع إليه وعانقه وقبله. ٢١ فقال له الابن: 'يا أبي، أخطأت إلى السماء وأمامك، ولست بعد مستحقاً أن أدعى ابناً لك.' ٢٢ فقال الأب لعبيده: 'هاتوا الثوب الأفضل وألبسوه، واجعلوا خاتماً في يده وحذاء في رجليه، ٢٣ وقدموا العجل المسمن واذبحوه فنأكل ونفرح،

وَهُوَ ٱلْمُقِيمُ، كَمَا لِيَسُوعَ وَهُوَ ٱبْنُ حَتَّى ٱلْآنَ أَعْمَلُ أَبِي وَأَنَا أَعْمَلُ.»[٢٤]»
ٱلْمَوْتَى وَيُحْيِيهِمْ، هٰكَذَا ٱلِابْنُ أَيْضًا يُحْيِي ٱلَّذِينَ يُرِيدُ.

[٢٥]«اَلْحَقَّ ٱلْحَقَّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّهُ يَأْتِي وَقْتٌ، وَهُوَ ٱلْآنَ، حِينَ يَسْمَعُ أَمْوَاتُ
صَوْتَ ٱبْنِ ٱللهِ، وَٱلسَّامِعُونَ يَحْيَوْنَ. [٢٦]لِأَنَّهُ كَمَا ٱلْآبُ لَهُ حَيَاةٌ فِي نَفْسِهِ، كَذٰلِكَ
أَعْطَى ٱلِابْنَ أَيْضًا أَنْ تَكُونَ لَهُ حَيَاةٌ فِي نَفْسِهِ. [٢٧]وَأَعْطَاهُ سُلْطَانًا أَنْ يَدِينَ
أَيْضًا، لِأَنَّهُ ٱبْنُ ٱلْإِنْسَانِ. [٢٨]لَا تَتَعَجَّبُوا مِنْ هٰذَا، لِأَنَّهُ تَأْتِي سَاعَةٌ
فِيهَا جَمِيعُ ٱلَّذِينَ فِي ٱلْقُبُورِ يَسْمَعُونَ صَوْتَهُ، [٢٩]فَيَخْرُجُ ٱلَّذِينَ فَعَلُوا ٱلصَّالِحَاتِ
إِلَى قِيَامَةِ ٱلْحَيَاةِ، وَٱلَّذِينَ عَمِلُوا ٱلسَّيِّئَاتِ إِلَى قِيَامَةِ ٱلدَّيْنُونَةِ.

[٣٠]«لَا أَقْدِرُ أَنَا نَفْسِي أَنْ أَفْعَلَ شَيْئًا. كَمَا أَسْمَعُ أَدِينُ، وَدَيْنُونَتِي عَادِلَةٌ، لِأَنِّي لَا
أَطْلُبُ مَشِيئَةَ نَفْسِي، بَلْ مَشِيئَةَ ٱلْآبِ ٱلَّذِي أَرْسَلَنِي. [٣١]إِنْ كُنْتُ أَشْهَدُ لِنَفْسِي،
فَشَهَادَتِي لَيْسَتْ حَقًّا. [٣٢]يُوجَدُ آخَرُ يَشْهَدُ لِي، وَأَعْلَمُ أَنَّ ٱلشَّهَادَةَ ٱلَّتِي يَشْهَدُهَا
لِي حَقٌّ. [٣٣]أَنْتُمْ أَرْسَلْتُمْ إِلَى يُوحَنَّا فَشَهِدَ لِلْحَقِّ. [٣٤]وَأَمَّا أَنَا فَلَسْتُ أَقْبَلُ
شَهَادَةً مِنَ ٱلْإِنْسَانِ، لٰكِنِّي أَقُولُ هٰذَا لِكَيْ تَخْلُصُوا أَنْتُمْ. [٣٥]كَانَ هُوَ ٱلسِّرَاجَ
ٱلْمُوقَدَ وَٱلْمُنِيرَ، وَأَنْتُمْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَبْتَهِجُوا سَاعَةً فِي نُورِهِ.

ٱلْمَسِيحُ رَبُّ ٱلسَّبْتِ

١٦ [١]وَقَالَ أَيْضًا لِتَلَامِيذِهِ: «كَانَ إِنْسَانٌ غَنِيٌّ، وَكَانَ لَهُ وَكِيلٌ، فَٱشْتُكِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ
هٰذَا يُبَذِّرُ أَمْوَالَهُ. [٢]فَدَعَاهُ وَقَالَ لَهُ: مَا هٰذَا ٱلَّذِي أَسْمَعُ عَنْكَ؟ أَعْطِ حِسَابَ
وَكَالَتِكَ، لِأَنَّكَ لَا تَقْدِرُ أَنْ تَكُونَ بَعْدُ وَكِيلًا. [٣]فَقَالَ ٱلْوَكِيلُ فِي نَفْسِهِ: مَاذَا
أَصْنَعُ، لِأَنَّ سَيِّدِي يَنْزِعُ ٱلْوَكَالَةَ عَنِّي؟ أَنَا لَسْتُ أَسْتَطِيعُ أَنْ أَفْلَحَ. أَسْأَلُ أَيَّ شَيْءٍ
أَنَا خَجِلْتُ أَنْ أَسْتَعْطِيَ. [٤]قَدْ عَلِمْتُ مَاذَا أَفْعَلُ، حَتَّى مَتَى أُعْزَلُ عَنِ ٱلْوَكَالَةِ يَقْبَلُونَنِي

صديقه ليتنيح عم بجب جب ما ليه ”صح، ٥ ”صتُحتاه كه لب بحلب لاهُبحب
ملعبيه لحبهُبنا: ’حصُل ذِمنُنا معه قد هُذب؟‘ ٦ ”ليجاب ما: ’هذا حمولا
بحهُحه لاهُبحيلجُل حهُحه هُجبهُحه حلاهمه.‘ لعبنا ما: ’ليه ما ليه
بمحتب حمولجُل.‘ ٧ ”حهُحيليه عم جب لعبنا: ’بَتا حصُل ذِمنُنا معه قد هُذب؟‘
ليجاب ما: ’هُذا حهُجه جسجُل.‘ لعبنا ما: ’ليه ما ليه
حهُحه هُجبهُحه حلاهمه.‘

٨ ”سمبنا هُذا لجُل جبُه لجُل عُهُلا لاهُبنهُحتاهُلا قلبه ما، هُحت لنُتا
لجُل ذِشُلا بَتا حصُل بمقبه مل كه ذُهُسه عم حنهُتا بجُحذا. ٩ ”لهُه
لُتا جِمُذا حلاهجُه، حلاهجُه هُجبهُحه كلاهجُه عم ليه لجُه بجُل،
لعبهُه هُحهُحه لجُحبجُه حلاهجُه بحلب هُجبهُحه عم جسجُل. ١٠ ”هم لعبهُحه
ليه، ما بَتا جُه لجُل عُهُلا ما، هم لعبهُحه عُهُلا بجُحبجُه هُجبهُحه
لجُل ما. ١١ ”ما حصبب لجُه كه ما لجُه ذِمنُنا هُجبهُحه، هُب ما هُهُا
لجُه كه هُب لعبهُحه هُجبهُح

شكر لنفسه ولكن لا يحب خلاصه. هو يحتقر الذين يحبونه ١٥ وقال لهم
انتم هم الذين تبررون انفسكم قدام الناس. واما الله فيعرف قلوبكم.
لان ما هو مرتفع عند الناس هو رجس قدام الله. ١٦ كان الناموس
والانبياء الى يوحنا. من ذلك الوقت يبشر بملكوت الله
ويضغط كل واحد يدخل اليه بقوة. ١٧ ولكن زوال السماء والارض
اسهل من سقوط شرطة واحدة من الناموس.

الطلاق والزنا

١٨ كل من يطلق امرأته ويتزوج باخرى يزني، ومن يتزوج بمطلقة
من رجل يزني. ١٩ كان انسان غني يلبس الارجوان والبز الفاخر
ويتنعم كل يوم مترفها. ٢٠ وكان مسكين اسمه لعازر قد طرح عند
بابه مضروبا بالقروح، ٢١ ويشتهي ان يشبع من الفتات الساقط من
مائدة الغني. بل ولحست الكلاب قروحه. ٢٢ فمات المسكين
وحملته الملائكة الى حضن ابرهيم. ومات الغني ايضا ودفن.
٢٣ ورفع عينيه في الهاوية وهو في العذاب ورأى ابرهيم من بعيد
ولعازر في حضنه، ٢٤ فنادى وقال: يا ابي ابرهيم ارحمني وارسل
لعازر ليبل طرف اصبعه بماء ويبرد لساني لاني معذب في هذا
اللهيب. ٢٥ فقال ابرهيم: يا ابني اذكر انك استوفيت خيراتك في
حياتك وكذلك لعازر البلايا. والآن هو يتعزى وانت تتعذب.
٢٦ وفوق هذا كله بيننا وبينكم هوة عظيمة قد اثبتت حتى ان
الذين يريدون العبور من ههنا اليكم لا يقدرون ولا من هناك
يجتازون الينا. ٢٧ فقال: اسألك اذا يا ابت ان ترسله الى بيت
ابي، ٢٨ لان لي خمسة اخوة حتى يشهد لهم لكي لا ياتوا هم

אחר אין לו שום דבר, חוץ מזה שהוא מאמין באלוהים. תהיו נדיבים לאחרים. ²⁹ישוע אמר: ״אני אומר לכם את האמת, שאין אף אחד שעזב את הבית שלו, את אשתו, את האחים שלו, את ההורים שלו או את הילדים שלו בגלל המלכות של אלוהים, ³⁰שלא יקבל הרבה יותר בחיים האלה, ובחיי העולם הבא יקבל חיי נצח.״

ישוע מנבא על מותו בפעם השלישית

מתי כ׳:י״ז-י״ט; מרקוס י׳:ל״ב-ל״4; יוחנן י״ב:ל״ג

17 ³¹ישוע לקח את שנים עשר השליחים שלו הצידה, ואמר להם: ״עכשיו אנחנו הולכים לירושלים. כל מה שהנביאים כתבו על בן האדם יתגשם. ³²הוא יימסר לידי הגויים, ויעלילו עליו, יתעללו בו וירקו עליו. ³³הם יצליפו בו ויהרגו אותו, אבל ביום השלישי הוא יקום לתחייה.״ ³⁴השליחים לא הבינו את זה בכלל. המשמעות של הדברים האלה הייתה נסתרת מהם, והם לא הבינו את מה שישוע אמר להם.

ישוע מרפא עיוור

מתי כ׳:כ״ט-ל״4; מרקוס י׳:מ״6-נ״2

³⁵כשישוע התקרב לעיר יריחו, עיוור אחד ישב ליד הדרך וביקש נדבות. ³⁶כשהוא שמע את ההמון עובר, הוא שאל מה קורה. ³⁷אמרו לו: ״ישוע מנצרת עובר כאן.״ ³⁸״ישוע, בן דוד, רחם עליי!״ הוא צעק. ³⁹אנשים שהלכו לפני ישוע אמרו לו לשתוק, אבל הוא צעק עוד יותר: ״בן דוד, רחם עליי!״ ⁴⁰ישוע עצר והורה להביא אליו את העיוור. כשהוא התקרב, ישוע שאל אותו: ⁴¹״מה אתה רוצה שאעשה בשבילך?״ ״אדוני, אני רוצה לראות שוב!״ ⁴²״תראה שוב,״ אמר ישוע, ״האמונה שלך הצילה אותך.״ ⁴³באותו רגע העיוור ראה שוב, והלך אחרי ישוע, מהלל את אלוהים. כל העם שראה את הנס שיבח את אלוהים.

هذا الغريب الذي هو من جنس آخر؟» ١٩ ثم قال له: «قم واذهب، إيمانك قد شفاك».

شفاء عشرة برص

١١ وفيما هو ذاهب إلى أورشليم، اجتاز بين السامرة والجليل. ١٢ ولما دخل إحدى القرى، استقبله عشرة برص، فوقفوا من بعيد ١٣ ورفعوا أصواتهم قائلين: «يا يسوع المعلم، ارحمنا!» ١٤ فلما رآهم قال لهم: «اذهبوا وأروا أنفسكم للكهنة». وفيما هم ذاهبون طهروا. ١٥ فرجع واحد منهم لما رأى أنه قد برئ، ومجد الله بصوت عظيم، ١٦ وخر على وجهه عند قدمي يسوع شاكرا له. وكان هذا سامريا. ١٧ فقال يسوع: «أليس العشرة قد طهروا؟ فأين التسعة؟ ١٨ ألم يوجد من يرجع ليعطي المجد لله إلا هذا الغريب الجنس؟» ١٩ ثم قال له: «قم واذهب، إيمانك قد شفاك».

---

[a] ١٧:١٤ حزقيال ١٤:١-٣٢

العشرة البرص البرصان

لوقا ١٧:٢٠-٣٧، ٢٨-٣٠، ٣٢-٣٤

٢٠ وسأله الفريسيون متى يأتي ملكوت الله؟ فأجابهم وقال: «لا يأتي ملكوت الله
بمراقبة، ٢١ ولا يقولون: ها هو ههنا، أو ها هو هناك. لأن ملكوت الله داخلكم.»
٢٢ وقال للتلاميذ: «ستأتي أيام تشتهون فيها أن تروا يوما واحدا من أيام ابن
الإنسان فلا تبصرون. ٢٣ وسيقولون لكم: ها هو ههنا، أو ها هو هناك. لا تذهبوا
ولا تتبعوهم. ٢٤ لأنه كما أن البرق حين يلمع من ناحية تحت السماء يضيء إلى
الناحية الأخرى تحت السماء، هكذا يكون ابن الإنسان في يومه. ٢٥ ولكن ينبغي
أولا أن يتألم كثيرا ويرفضه هذا الجيل. ٢٦ وكما كان في أيام نوح هكذا يكون
أيضا في أيام ابن الإنسان. ٢٧ كانوا يأكلون ويشربون ويتزوجون ويزوجون إلى
اليوم الذي دخل فيه نوح الفلك وجاء الطوفان وأهلكهم جميعا. ٢٨ وكذلك كما
كان في أيام لوط: كانوا يأكلون ويشربون ويشترون ويبيعون ويغرسون ويبنون.
٢٩ ولكن في اليوم الذي خرج فيه لوط من سدوم أمطر نارا وكبريتا من السماء
فأهلكهم جميعا. ٣٠ هكذا يكون في اليوم الذي يظهر فيه ابن الإنسان. ٣١ في
ذلك اليوم من كان على السطح وأمتعته في البيت فلا ينزل ليأخذها، ومن كان في
الحقل كذلك لا يرجع إلى الوراء. ٣٢ اذكروا امرأة لوط. ٣٣ من طلب أن يخلص
نفسه يهلكها، ومن أهلكها يحييها. ٣٤ أقول لكم: في تلك الليلة يكون اثنان على
فراش واحد، فيؤخذ الواحد ويترك الآخر. ٣٥ واثنتان تطحنان معا، فتؤخذ الواحدة
وتترك الأخرى. ٣٦ واثنان يكونان في الحقل، فيؤخذ الواحد ويترك الآخر.»
٣٧ فأجابوا وقالوا له: «أين يا سيد؟» فقال لهم: «حيث الجثة هناك تجتمع النسور.»

ليعبر الجبل من جديد. ٣٣ «من يحاول أن يحفظ حياته فسوف يفقدها، ومن يفقد حياته من أجلي فسوف يجدها. ٣٤ أقول لكم إنه في تلك الليلة سيكون اثنان نائمين على سرير واحد، فيؤخذ واحد ويترك الآخر. ٣٥ وستكون امرأتان تطحنان معا على الرحى، فتؤخذ واحدة وتترك الأخرى.» ٣٦ ٣٧ فسألوه: «أين يا سيد؟» فأجابهم: «حيث توجد الجثة، هناك تتجمع النسور.»

مثل القاضي والأرملة

١٨ ثم روى لهم مثلا ليبين أنه ينبغي عليهم أن يصلوا دائما ولا ييأسوا. ٢ قال: «كان في مدينة قاض لا يخاف الله ولا يهتم بالناس. ٣ وكان في تلك المدينة أرملة كانت تأتي إليه وتقول: ‹أنصفني من خصمي!› ٤ فرفض القاضي لفترة طويلة. ثم قال في نفسه: ‹مع أني لا أخاف الله ولا أهتم بالناس، ٥ إلا أن هذه الأرملة تزعجني، فسأنصفها لئلا تستمر في مجيئها وتضربني على وجهي.›» ٦ وقال الرب: «اسمعوا ما قاله القاضي الظالم. ٧ أفلا ينصف الله مختاريه الذين يصرخون إليه ليل نهار؟ أفيتأخر في نصرتهم؟ ٨ أقول لكم إنه سينصفهم سريعا. ولكن عندما يأتي ابن الإنسان، هل يجد الإيمان على الأرض؟»

٣٣e ١٧:٣٣ لوقا ١٩:٢٦

مثل الفريسي والعشار

٩ ثم قال هذا المثل لقوم واثقين بانفسهم انهم ابرار ويحتقرون الآخرين: ١٠ «انسانان صعدا الى الهيكل ليصليا، واحد فريسي والآخر عشار. ١١ فالفريسي وقف يصلي في نفسه هكذا: ‹اللهم اني اشكرك اني لست مثل سائر الناس الخاطفين الظالمين الفاسقين ولا مثل هذا العشار. ١٢ اصوم مرتين في الاسبوع واعشر كل ما اقتنيه.› ١٣ واما العشار فوقف من بعيد لا يشاء ان يرفع عينيه نحو السماء بل قرع على صدره قائلا: ‹اللهم ارحمني انا الخاطئ.› ١٤ اقول لكم ان هذا نزل الى بيته مبررا دون ذاك لان كل من يرفع نفسه يتضع ومن يضع نفسه يرتفع.»

يسوع يبارك الاولاد

متى ١٩:١٣-١٥؛ مرقس ١٠:١٣-١٦

١٥ وكانوا يقدمون اليه اولادهم ايضا لكي يلمسهم. فلما رأى التلاميذ انتهروهم. ١٦ فدعا يسوع الاولاد اليه وقال: «دعوا الاولاد يأتون الي ولا تمنعوهم لان لمثل هؤلاء ملكوت الله. ١٧ الحق اقول لكم من لا يقبل ملكوت الله مثل ولد فلن يدخله.»

مثل القاضي الظالم والأرملة

لوقا ١٨:١-٨؛ متى ١٩:١٦-٣٠؛ مرقس ١٠:١٧-٣١

١٨ وسأله أحد الرؤساء، قائلاً: "أيها المعلم الصالح، ماذا أعمل لأرث الحياة
الأبدية؟" ١٩ فقال له يسوع: "لماذا تدعوني صالحاً؟ ليس أحد صالحاً إلا واحد،
وهو الله. ٢٠ أنت تعرف الوصايا: لا تزنِ، لا تقتل، لا تسرق، لا تشهد بالزور،
أكرم أباك وأمك." ٢١ فقال: "كل هذه قد حفظتها منذ صباي." f ٢٢ فلما سمع يسوع
قال له: "ينقصك شيء واحد بعد: بع كل ما تملك ووزعه على الفقراء، فيكون
لك كنز في السماء، وتعال اتبعني." ٢٣ فلما سمع هذا حزن جداً، لأنه كان
غنياً جداً. ٢٤ فلما رآه يسوع قال: "ما أعسر دخول ذوي الأموال إلى ملكوت
الله! ٢٥ فإن مرور الجمل من ثقب الإبرة أيسر من دخول غني إلى ملكوت الله."
٢٦ فقال السامعون: "فمن يستطيع إذاً أن يخلص؟" ٢٧ فأجاب: "ما هو مستحيل
عند الناس فهو ممكن عند الله." ٢٨ فقال بطرس: "ها نحن قد تركنا كل شيء
وتبعناك." ٢٩ فقال لهم: "الحق أقول لكم: ما من أحد ترك بيتاً أو امرأة أو
إخوة أو والدين أو أولاداً من أجل ملكوت الله، ٣٠ إلا وينال في هذا الزمان
أضعاف ما تركه، وفي الدهر الآتي الحياة الأبدية."

---

f ١٨:٢٠ خروج ٢٠:١٢-١٦؛ تثنية ٥:١٦-٢٠

يسوع يتنبأ بموته للمرة الثالثة

متى ٢٠:١٧-١٩؛ مرقس ١٠:٣٢-٣٤

٣١ ثم أخذ الاثني عشر جانبا وقال لهم: "ها نحن صاعدون إلى أورشليم، وسيتم في أورشليم كل ما كتبه الأنبياء عن ابن الإنسان. ٣٢ فإنه سيسلم إلى الأمم، ويستهزأ به ويشتم ويبصق عليه، ٣٣ وبعد أن يجلدوه سيقتلونه، وفي اليوم الثالث يقوم." ٣٤ لكنهم لم يفهموا شيئا من هذا الكلام، فقد كان معناه مخفيا عنهم، ولم يدركوا ما كان يقوله.

يسوع يشفي أعمى أريحا

متى ٢٠:٢٩-٣٤؛ مرقس ١٠:٤٦-٥٢

٣٥ وفيما كان يقترب من أريحا، كان أعمى جالسا على الطريق يتسول. ٣٦ وعندما سمع الجمع يمر سأل عما يحدث، ٣٧ فأخبروه أن يسوع الناصري مجتاز من هناك. ٣٨ فصرخ قائلا: "يسوع ابن داود، ارحمني!" ٣٩ فانتهره الذين كانوا يتقدمون الجمع وطلبوا منه أن يسكت، لكنه ازداد صراخا: "يا ابن داود، ارحمني!" ٤٠ فوقف يسوع وأمر أن يأتوا به إليه. ولما اقترب منه سأله: ٤١ "ماذا تريد أن أفعل لك؟" فأجاب: "يا سيد، أريد أن أبصر." ٤٢ فقال له يسوع: "أبصر، إيمانك قد شفاك." ٤٣ وفي الحال أبصر الأعمى، وتبعه وهو يمجد الله. ولما رأى الشعب ذلك سبحوا الله.

فرصتي ليسوع بن زكا صديق قديم. لاوي لزكا ليصبح تلميذ قبل سنوات عديدة، حتى
يخبر عن يسوع.

مثل العبيد العشرة

١٩ ١ثم دخل يسوع أريحا وبدأ يمر في شوارعها. ٢وهناك رجل غني اسمه زكا
٣كان رئيس جباة الضرائب في المدينة. أراد أن يرى يسوع، ولكنه كان قصيرًا
٤فركض إلى الأمام وتسلق جميزة ليتمكن من رؤيته، لأن يسوع كان سيمر من
٥هناك. فلما وصل يسوع إلى المكان نظر إلى فوق ورآه، وقال له: "زكا، انزل
٦بسرعة! يجب أن أمكث في بيتك اليوم." فنزل زكا بسرعة وأخذ يسوع إلى
٧بيته بفرح. ولكن الناس الذين رأوا ما حدث تذمروا وقالوا: "لقد ذهب يسوع
٨ليمكث في بيت رجل خاطئ!" ولكن زكا وقف أمام يسوع وقال: "يا سيد، أعد
٩نصف أموالي للفقراء، وإذا كنت قد أخذت من أحد شيئًا بطريقة غير شريفة
١٠فسأعيد له أربعة أضعاف ما أخذت." فقال يسوع: "اليوم جاء الخلاص إلى
١١هذا البيت، لأن زكا أيضًا ابن لإبراهيم. لقد جئت لأبحث عن الخطاة
١٢وأخلصهم." ثم قال يسوع هذا المثل لأنه كان قريبًا من أورشليم، وكان
١٣الناس يظنون أن ملكوت الله سيظهر قريبًا: "كان رجل نبيل يريد أن يصبح

وعشرة من عبيده ودفع اليهم عشرة أمناء وقال لهم تاجروا حتى آتي. ١٤ واما رعاياه فكانوا يبغضونه فارسلوا وراءه سفارة قائلين لا نريد ان هذا يملك علينا. ١٥ فحدث لما رجع بعد ما اخذ الملك ان امر ان يدعى اليه اولئك العبيد الذين اعطى الفضة ليعلم ما الذي ربحه كل واحد بالمتاجرة. ١٦ فجاء الاول قائلا يا سيد مناك ربح عشرة امناء. ١٧ فقال له نعما ايها العبد الصالح لانك كنت امينا في القليل فليكن لك سلطان على عشر مدن. ١٨ ثم جاء الثاني قائلا يا سيد مناك عمل خمسة امناء. ١٩ فقال لهذا ايضا كن على خمس مدن. ٢٠ ثم جاء آخر قائلا يا سيد هوذا مناك التي كانت عندي موضوعة في منديل. ٢١ لاني كنت اخافك لانك انسان صارم تأخذ ما لم تضع وتحصد ما لم تزرع. ٢٢ فقال له من فمك ادينك ايها العبد الشرير. عرفت اني انسان صارم آخذ ما لم اضع واحصد ما لم ازرع. ٢٣ فلماذا لم تعط فضتي على مائدة الصيارفة فآتي انا وآخذها مع ربا. ٢٤ ثم قال للواقفين قدامه خذوا منه المنا واعطوها لصاحب العشرة الامناء. ٢٥ فقالوا له يا سيد له عشرة امناء. ٢٦ لاني اقول لكم انه لكل من له يعطى ومن ليس له فالذي يظن انه له يؤخذ منه. ٢٧ واما اعدائي هؤلاء الذين لم يريدوا ان املك عليهم فأتوا بهم وارموهم قدامي.

الذين هتفوا في الصباح، صاروا يقولون في المساء: ‹لم يكن
هذا ما نريده›.‹›

مثل الأمناء والعبيد

١٢:١٢-١٩؛ متى ٢٥:١٤-٣٠؛ ١١:١-١١؛ مرقس ٢١:١-١١؛ لوقا ٢٨ ١٩:١٢-٢٧

٢٨ وبعد أن قال يسوع هذا، تقدم في الطريق صاعدا إلى
٢٩ أورشليم. وعندما اقترب من بيت فاجي وبيت عنيا، عند
الجبل المسمى جبل الزيتون، أرسل اثنين من تلاميذه
٣٠ وقال لهما: «اذهبا إلى القرية المقابلة، وعندما تدخلانها
ستجدان جحشا مربوطا لم يركبه أحد من الناس قط.
٣١ فحلاه وأتيا به. وإن سألكما أحد: ‹لماذا تحلانه؟›
٣٢ فقولا له: ‹السيد في حاجة إليه›». فذهب المرسلان
٣٣ ووجدا الأمر كما قال لهما يسوع. وبينما كانا يحلان
٣٤ الجحش، قال لهما أصحابه: «لماذا تحلان الجحش؟»
٣٥ فأجابا: «السيد في حاجة إليه». ٣٦ وأتيا به إلى يسوع،
وألقيا ثيابهما على الجحش، وأركبا يسوع عليه. ٣٧ وفيما
كان يسوع يتقدم في طريقه، كان الناس يفرشون ثيابهم
على الطريق. ٣٨ وعندما اقترب من المكان الذي يبدأ
منه النزول من جبل الزيتون، أخذ جمهور التلاميذ
يهللون فرحا، ويسبحون الله بأعلى أصواتهم على كل
ما رأوه من المعجزات، قائلين:
«تبارك الملك الآتي باسم الرب.

وَقَالَ لَهُ بَعْضُ الْفَرِّيسِيِّينَ مِنَ الْجَمْعِ: «يَا مُعَلِّمُ، انْتَهِرْ تَلاَمِيذَكَ!» [39g] فَأَجَابَ وَقَالَ لَهُمْ: «أَقُولُ لَكُمْ إِنَّهُ إِنْ سَكَتَ هؤُلاَءِ فَالْحِجَارَةُ تَصْرُخُ!»

يسوع يبكي على أورشليم

[41] وَلَمَّا قَرُبَ نَظَرَ إِلَى الْمَدِينَةِ وَبَكَى عَلَيْهَا، [42] قَائِلاً: «لَيْتَكِ عَلِمْتِ أَنْتِ أَيْضًا، حَتَّى فِي يَوْمِكِ هذَا، مَا هُوَ لِسَلاَمِكِ! وَلكِنَّهُ الآنَ قَدْ خَفِيَ عَنْ عَيْنَيْكِ. [43] لأَنَّهُ سَتَأْتِي أَيَّامٌ عَلَيْكِ وَيُحِيطُ أَعْدَاؤُكِ بِكِ بِمِتْرَاسٍ وَيُحْدِقُونَ بِكِ وَيَضْغَطُونَ عَلَيْكِ مِنْ كُلِّ جِهَةٍ، [44] وَيَهْدِمُونَكِ وَبَنِيكِ فِيكِ هَدْمًا، وَلاَ يَتْرُكُونَ فِيكِ حَجَرًا عَلَى حَجَرٍ، عِوَضَ أَنَّكِ لَمْ تَعْرِفِي زَمَانَ افْتِقَادِكِ!»

يسوع يطرد الباعة من الهيكل

مرقس ١١:١٥-١٩؛ متى ٢١:١٢-١٧؛ لوقا ١٩:٤٥h؛ إشعياء ٥٦:٧؛ إرميا ٧:١١

[45] ثُمَّ دَخَلَ الْهَيْكَلَ وَابْتَدَأَ يُخْرِجُ الَّذِينَ كَانُوا يَبِيعُونَ فِيهِ وَيَشْتَرُونَ، [46] قَائِلاً لَهُمْ: «مَكْتُوبٌ: بَيْتِي بَيْتُ الصَّلاَةِ، وَأَنْتُمْ جَعَلْتُمُوهُ مَغَارَةَ لُصُوصٍ!» [47h] وَكَانَ يُعَلِّمُ كُلَّ يَوْمٍ فِي الْهَيْكَلِ. وَكَانَ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ وَالْكَتَبَةُ وَالرُّؤَسَاءُ مِنَ الشَّعْبِ يَطْلُبُونَ أَنْ يُهْلِكُوهُ، [48] وَلَمْ يَكُونُوا يَجِدُونَ مَا يَفْعَلُونَ، لأَنَّ الشَّعْبَ كُلَّهُ كَانَ مُتَعَلِّقًا بِهِ يَسْمَعُهُ.

[39g] مزمور ١١٨:٢٦ [47h] لوقا ١٩:٤٦

سؤال رؤساء كهنة عن سلطان يسوع

متى ٢١:٢٣-٢٧؛ مرقس ١١:٢٧-٣٣

٢٠ [١] وفيما هو يعلم الشعب في الهيكل ويبشرهم، جاء رؤساء الكهنة والكتبة مع الشيوخ، [٢] وكلموه قائلين: "قل لنا بأي سلطان تفعل هذه الأمور، أو من هو الذي أعطاك هذا السلطان؟" [٣] فأجاب وقال لهم: "وأنا أيضاً أسألكم كلمة واحدة، فقولوا لي: [٤] معمودية يوحنا أكانت من السماء أم من الناس؟" [٥] فتفاوضوا فيما بينهم قائلين: "إن قلنا من السماء، يقول: فلماذا لم تؤمنوا به؟ [٦] وإن قلنا من الناس، فالشعب كله يرجمنا، لأنه مقتنع أن يوحنا نبي." [٧] فأجابوا أنهم لا يعلمون من أين كانت. [٨] فقال لهم يسوع: "ولا أنا أقول لكم بأي سلطان أفعل هذه الأمور."

مثل الكرامين الأشرار

متى ٢١:٣٣-٤٦؛ مرقس ١٢:١-١٢

[٩] وابتدأ يقول للشعب هذا المثل: "إن رجلاً غرس كرماً، وأجره لكرامين، وسافر زماناً طويلاً. [١٠] وفي الوقت المناسب أرسل عبداً إلى الكرامين ليعطوه من ثمر الكرم، فضربه الكرامون وصرفوه فارغاً. [١١] فعاد وأرسل عبداً آخر، فضربوه أيضاً وأهانوه وصرفوه فارغاً. [١٢] فعاد وأرسل ثالثاً، فجرحوه أيضاً وطردوه.

فقال السيد: ’ماذا أفعل؟ سأرسل ابني الحبيب. لعله يحترمه.‘ ١٤ ”ولكن عندما رأى الكرامون الابن قالوا في أنفسهم: ’هذا هو الوارث. لنقتله لكي يصبح الميراث لنا.‘ ١٥ فأخرجوه خارج الكرم وقتلوه. ”فماذا يفعل صاحب الكرم بهؤلاء الكرامين؟ ١٦ سيأتي ويقتلهم ويعطي الكرم لآخرين.“ فلما سمع الناس ذلك قالوا: ”حاشا أن يحدث هذا!“ ١٧ فنظر يسوع إليهم وقال: ”إذن ما معنى هذا المكتوب:

‘الحجر الذي رفضه البناؤون
صار حجر الزاوية الرئيسي.’ [i]

١٨ كل من يسقط على هذا الحجر يتحطم، ومن يسقط الحجر عليه يسحقه.“

١٩ فأراد معلمو الشريعة وكبار الكهنة أن يقبضوا عليه في الحال، لأنهم أدركوا أنه قال هذا المثل عنهم. ولكنهم خافوا الشعب.

دفع الجزية لقيصر

متى ٢٢:١٥-٢٢؛ مرقس ١٢:١٣-١٧

٢٠ فأخذ رؤساء الكهنة والكتبة يراقبونه، وأرسلوا جواسيس يتظاهرون بالصلاح ليوقعوه في كلمة فيسلموه إلى سلطة الحاكم وسلطانه. ٢١ فسألوه: ”يا معلم، نعلم أنك تقول وتعلم الحق، ولا تحابي أحدا بل تعلم طريق الله بالحق. ٢٢ فهل يجوز لنا أن ندفع الجزية لقيصر أم لا؟“ ٢٣ فعرف يسوع مكرهم، فقال لهم: ٢٤ ”أروني دينارا. لمن هذه الصورة والكتابة؟“ فأجابوا: ”لقيصر.“

---

[i] ٢٠:١٧ مزمور ١١٨:٢٢

حواريين: "ڇا توهان واقعي اهو پيالو پيئڻ لاءِ تيار آهيو، جيڪو مان پيئڻ وارو آهيان؟" انهن
جواب ڏنو: "اسين تيار آهيون." [٢٥] عيسيٰ انهن کي چيو: "بيشڪ توهان منهنجو پيالو پيئندا،
پر مان نه آهيان جو توهان کي ڪنهن کي ڏيڻ جو حڪم ڏيان. اهو حڪم انهن لاءِ آهي، جن
لاءِ منهنجي پيءُ اهو تيار ڪيو آهي."

خدمت ڪرڻ عظمت جو رستو آهي

مرقس ١٠:٤٢-٤٥؛ لوقا ٢٢:٢٤-٢٧

[٢٧] جڏهن ٻيا ڏهه رسول اهو ٻڌو، تڏهن انهن ٻنهي ڀائرن تي ڏاڍا ناراض ٿيا. [٢٨] پر
عيسيٰ انهن سڀني کي پاڻ وٽ سڏيو ۽ چيو: "توهان ڄاڻو ٿا ته دنيا جي حڪمران پنهنجي
رعيت تي حڪومت ڪندا آهن، ۽ وڏا اختيار رکندڙ پنهنجي ماتحتن تي اختيار هلائيندا آهن.
[٢٩] پر توهان جي وچ ۾ اهڙو نه ٿيندو. توهان مان جيڪو وڏو ٿيڻ چاهي، تنهن کي
توهان جي خدمتگار بڻجڻو پوندو. [٣٠] ۽ جيڪو توهان مان پهريون نمبر وٺڻ چاهي، تنهن
کي توهان سڀني جو غلام بڻجڻو پوندو. [٣١] ڇاڪاڻ ته مان انسان جو پٽ به پنهنجي
خدمت ڪرائڻ لاءِ نه آيو آهيان، پر ٻين جي خدمت ڪرڻ ۽ پنهنجي جان ڏيڻ آيو آهيان،
ته جيئن ڪيترن ئي ماڻهن جي آزادي لاءِ قيمت ادا ڪري سگهان." [٣٢] جڏهن عيسيٰ
يريحو شهر ۾ داخل ٿي رهيو هو، تڏهن هڪ وڏو هجوم سندس پٺيان هلڻ لڳو. [٣٣] ٻن
انڌن ماڻهن، جيڪي رستي جي ڪپ تي ويٺا هئا، جڏهن ٻڌو ته عيسيٰ اتان لنگهي رهيو آهي،
تڏهن هنن رڙ ڪري چيو: "اي مالڪ، داؤد جا پٽ، اسان تي رحم ڪر!" [٣٤] عيسيٰ هنن
جي آواز ٻڌي بيهي رهيو ۽ هنن کان پڇيائين: "توهان مون کان ڇا ٿا گهرو؟" [٣٥] هنن
جواب ڏنو: "اي مالڪ، اسان جون اکيون کلي وڃن." [٣٦] عيسيٰ کين چيو: "توهان
گهر وڃو، توهان جي ايمان توهان کي شفا ڏني آهي." [٣٧] ٻنهي کي فوري طور نظر اچڻ
لڳو ۽ هنن عيسيٰ جي پٺيان هلڻ شروع ڪيو. [٣٨] ٻنهي انڌن ماڻهن جي شفا ڏسي سڀني
ماڻهن خدا جي واکاڻ ڪئي.

٢٠:٢٨ʲ ۽ ڪجهه نسخن ۾ ٢٥:٢٠ هيٺ ٻيو اضافو ڏنو ويو آهي ٦:٣ ٢٠:٣٧ᵏ

[٣٩] فَقَالَ بَعْضُ الْكَتَبَةِ: «يَا مُعَلِّمُ، قُلْتَ حَسَنًا.» [٤٠] وَلَمْ يَعُودُوا يَجْسُرُونَ أَنْ يَسْأَلُوهُ عَنْ شَيْءٍ.

المسيح، ابن داود وربه

متى ٢٢:٤١-٤٦؛ مرقس ١٢:٣٥-٣٧

[٤١] ثُمَّ قَالَ لَهُمْ: «كَيْفَ يَقُولُونَ إِنَّ الْمَسِيحَ ابْنُ دَاوُدَ؟ [٤٢] وَدَاوُدُ نَفْسُهُ يَقُولُ فِي سِفْرِ الْمَزَامِيرِ:
'قَالَ الرَّبُّ لِرَبِّي، اجْلِسْ عَنْ يَمِينِي،
[٤٣] حَتَّى أَجْعَلَ أَعْدَاءَكَ مَوْطِئًا لِقَدَمَيْكَ'. [٤٤] فَإِنْ دَعَا دَاوُدُ الْمَسِيحَ رَبًّا، فَكَيْفَ يَكُونُ ابْنَهُ؟»

احذروا الكتبة المرائين

متى ٢٣:١-٣٦؛ مرقس ١٢:٣٨-٤٠؛ لوقا ١١:٣٧-٥٤

[٤٥] وَفِيمَا كَانَ جَمِيعُ الشَّعْبِ يَسْمَعُونَ، قَالَ لِتَلاَمِيذِهِ: [٤٦] «احْتَرِسُوا مِنَ الْكَتَبَةِ الَّذِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَمَشَّوْا بِالثِّيَابِ الطَّوِيلَةِ، وَيُحِبُّونَ التَّحِيَّاتِ فِي الأَسْوَاقِ، وَالْمَجَالِسَ الأُولَى فِي الْمَجَامِعِ، وَالْمَقَاعِدَ الأُولَى فِي الْوَلاَئِمِ. [٤٧] الَّذِينَ يَأْكُلُونَ بُيُوتَ الأَرَامِلِ، وَيُرَاءُونَ بِإِطَالَةِ صَلَوَاتِهِمْ. هَؤُلاَءِ يَأْخُذُونَ دَيْنُونَةً أَعْظَمَ.»

---

[1] ٢٠:٤٣ مز ١١٠:١

הקהילה השבעית

מעשי השליחים י״ב:מ״א-מ״ד

כא [1]כאשר הגיעו השליחים אל הקהילה השביעית, הם מצאו שהיא
נמצאת בסכנה גדולה. [2]שלושה מן הזקנים הראשיים, שהיו
מנהיגי הקהילה, נעצרו. [3]הם הואשמו: "מעשיהם של אנשי
הקהילה הזאת הם מרדניים. הם מלמדים את העם לעבוד את
האל בדרך שונה מן הדרך שבה עבדו אבותינו. [4]הם אינם
מכבדים את התורה של משה, ואינם מקיימים את מצוות
הקודש שניתנו לנו מאת האל."

הנס הגדול שהתרחש בבית הכנסת

מעשי השליחים ט׳:ל״ה-מ״ב; מעשי השליחים י״ג:א׳-ב׳

[5]השליחים הבינו שהם נמצאים בסכנה גדולה. הם החליטו
לעזוב את העיר ולנסוע לעיר אחרת. [6]"אנו נלך לעיר אחרת",
הם אמרו. "שם נוכל להקים קהילה חדשה, ואנשי הקהילה
הזאת לא יוכלו לפגוע בנו. [7]אנו נלך לעיר שבה יש בית כנסת
גדול, כדי שנוכל להתפלל שם עם אנשי הקהילה החדשה."

הנס בבית הכנסת

מעשי השליחים ג׳:א׳-י״ג; מעשי השליחים י״ד:ג׳-ד׳

[8]כאשר הגיעו השליחים לעיר החדשה, הם נכנסו לבית הכנסת
הגדול. [9]"שלום לכם, אחינו היקרים!' הם קראו בקול רם:
'אנו באנו אליכם כדי לספר לכם על האל שלנו, שהוא גדול
מכל האלים שאתם מכירים. [10]אנו מאמינים שהאל שלנו

چۆنکە لەسەر سەری کاهینی گەورە لە نێو برا کانیدا
ڕۆنی مەسح کراوە و جلوبەرگی تایبەتی لەبەر دەکرێت،
ئەو نابێت قژی خۆی شۆڕ بکاتەوە یان جلەکانی
بدڕێنێت. [١٠] نابێت بچێتە نێو هیچ لەشێکی مردووەوە،
تەنانەت ئەگەر باوک یان دایکی خۆشی بێت. [١١] نابێت
بچێتە شوێنی پیرۆز، نابێت بچێتە شوێنی پیرۆز،

ملكه، وعلى رؤساء يهوذا وعلى اورشليم وعلى الرؤساء ٢٤ "ها انا
قد دفعت صدقيا ملك يهوذا وعبيده وشعبه والباقين في
هذه المدينة الذين خرجوا اليكم من الوبا والسيف والجوع
ليد نبوخذنصر ملك بابل وليد اعدائهم وليد طالبي انفسهم.

الاصحاح الثاني والعشرون

ارميا ٢٤:٢٩-٣١؛ تثنية ١٣:٢٤-٢٧

فيدفعهم ليد طالبي انفسهم وتكون جثتهم طعاما لطير ٢٥
السماء ولوحش الارض. وادفع صدقيا ملك يهوذا وعبيده
وشعبه والباقين في هذه المدينة الذين يخرجون اليكم من
الوبا والسيف والجوع ليد نبوخذنصر ملك بابل وليد اعدائهم ٢٦
وليد طالبي انفسهم فيضربهم بحد السيف. لا يعفو عنهم
ولا يشفق ولا يرحم. ٢٧ وقل لهم هكذا قال الرب اله
اسرائيل ها انا ارد سلاح الحرب الذي في ايديكم الذين
انتم محاربون به ملك بابل والكلدانيين الذين هم محاصرون
خارجا عن السور وأجمع في وسط هذه المدينة. ٢٨ وانا
احارب انا يدي وبذراع قوية وبغضب وبسخط وبغيظ
عظيم، وأضرب سكان هذه المدينة."

الاصحاح الثاني والعشرون

ارميا ٢٤:٣٢-٣٥؛ تثنية ١٣:٢٨-٣١

وعن بيت ملك يهوذا: "اسمعوا كلمة الرب، يا بيت ٢٩
داود. هكذا قال الرب. اقضوا في الغداة قضاء وخلصوا ٣٠
المغتصب من يد ظالمه لئلا يخرج كنار غضبي فتحرق
ولا يكون من يطفئ من اجل شر افعالكم. ٣١ هانذا عليك
يا ساكنة الوادي يا صخر السهل، يقول الرب. القائلين من
يهبط علينا ومن يدخل مساكننا. ٣٢ واعاقبكم حسب ثمر
افعالكم، يقول الرب، واشعل نارا في وعرها فتاكل كل ما
حولها. ٣٣ هكذا قال الرب لا تنح عن بيت ملك يهوذا
وهناك تكلم بهذا الكلام وقل اسمع كلمة الرب يا ملك
يهوذا الجالس على كرسي داود انت وعبيدك وشعبك
الداخلون من هذه الابواب. ٣٤ هكذا قال الرب اجروا
الحق وخلصوا المغتصب من يد ظالمه ولا تظلموا ولا
تجوروا على الغريب واليتيم والارملة ولا تسفكوا دما زكيا

ارميا ٢١:٢٥ن ٣١:٢

٣٥ "תשמע, ישראל: יהוה אלהינו יהוה אחד. ٣٦ ואהבת את יהוה אלהיך בכל לבבך ובכל נפשך ובכל מאדך. ٣٧ זה הוא הדבר הראשון והגדול. ٣٨ והשני דומה לו: ואהבת לרעך כמוך. ٣٩ בשני הדברים האלה תלויה כל התורה והנביאים."

ישוע ובעיית המשיח

מתי ٢٢:٤١-٤٦; מרקוס ١٢:٣٥-٣٧; לוקס ٢٠:٤١-٤٤

٤١ כשהפרושים התאספו יחד, שאל אותם ישוע: ٤٢ "מה דעתכם על המשיח? למי הוא בן?" הם ענו לו: "הוא בן דוד." ٤٣ ישוע שאל אותם: "איך אם כן דוד, בהשראת הרוח, קורא לו אדוני? הוא אומר: ٤٤ יהוה אמר לאדוני: שב לימיני עד אשר אשים את אויביך תחת רגליך. ٤٥ אם דוד קורא לו אדוני, איך הוא יכול להיות בנו?" ٤٦ אף אחד לא יכול היה לענות לו מילה, ומאותו יום לא העז איש לשאול אותו שאלות.

משל המלך והחתונה

לוקס ١٤:١٥-٢٤

٢٢ ישוע שוב דיבר אליהם במשלים. הוא אמר: ٢ "מלכות השמים דומה למלך שערך חתונה לבנו. ٣ הוא שלח את עבדיו לקרוא לאורחים שהוזמנו, אבל הם סירבו לבוא. ٤ שוב שלח עבדים אחרים, ואמר להם: 'ספרו לאורחים שהכנתי ארוחה מפוארת, שורי המשמנים נשחטו, הכל מוכן. בואו לחתונה!' ٥ אבל האורחים לא שעו לדבריו. אחד הלך לשדה שלו, אחר לעסק שלו, ٦ ואחרים תפסו את העבדים, התעללו בהם והרגו אותם. ٧ המלך כעס מאוד, שלח את צבאו, הרג את הרוצחים והצית את עירם.

משל בגד החתונה

מתי ٧:٢١-٢٣; לוקס ٢٦:١٤-٢٧

٨ ואז אמר המלך לעבדיו: 'החתונה מוכנה, אבל האורחים שהוזמנו לא היו ראויים. ٩ לכו אל פתחי הדרכים והזמינו לחתונה כל מי שתפגשו.' ١٠ העבדים יצאו לרחובות והביאו את כל מי שפגשו, טובים ורעים כאחד, עד שהאולם התמלא אורחים.

٢٢:١ משלי ١٢:١-٢٧

"וְהִנֵּה יַד־מֹסְרִי אִתִּי עַל־הַשֻּׁלְחָן׃ ٩כִּי־בֶן־הָאָדָם הוֹלֵךְ כַּאֲשֶׁר נֶחְרָץ אוּלָם אוֹי לָאִישׁ הַהוּא אֲשֶׁר־הוּא מוֹסֵר אֹתוֹ׃" ١٠וַיָּחֵלּוּ הַתַּלְמִידִים לִשְׁאֹל אִישׁ אֶת־רֵעֵהוּ מִי־אֶפְשָׁר הוּא אֲשֶׁר־יַעֲשֶׂה אֶת־הַדָּבָר הַזֶּה׃ ١١וַיְהִי גַּם־מַחֲלֹקֶת נִתְעוֹרְרָה בֵּינֵיהֶם מִי מֵהֶם יֵחָשֵׁב לַגָּדוֹל׃ ١٢וַיֹּאמֶר אֲלֵיהֶם הַמֶּלֶךְ הַגּוֹיִם מוֹשְׁלִים בָּהֶם וְהָרוֹדִים בָּהֶם נִקְרְאִים מְשִׁיבֵי רָעָה׃ ١٣וְאַתֶּם לֹא כֵן תִּהְיוּ כִּי הַגָּדוֹל בָּכֶם יִהְיֶה כַּצָּעִיר וְהַמֹּשֵׁל כְּמְשָׁרֵת׃ ١٤כִּי מִי־גָדוֹל הַיֹּשֵׁב לְסֻבָּה אוֹ הַמְשָׁרֵת הֲלֹא הַיֹּשֵׁב לְסֻבָּה אֲבָל אֲנִי בְּתוֹכְכֶם כַּמְשָׁרֵת׃ ١٥וַיֹּאמֶר אֲלֵיהֶם אַתֶּם הֱיִיתֶם עִמִּי בְּנִסְיוֹנוֹתָי׃ ١٦וַאֲנִי אֲשִׂים לָכֶם בְּרִית כַּאֲשֶׁר שָׂם־לִי אָבִי מַלְכוּת׃ ١٧וְתֹאכְלוּ וְתִשְׁתּוּ עַל־שֻׁלְחָנִי בְּמַלְכוּתִי וְתֵשְׁבוּ עַל־כִּסְאוֹת וְשָׁפְטוּ אֶת־שְׁנֵים עָשָׂר שִׁבְטֵי יִשְׂרָאֵל׃ ١٨וַיֹּאמֶר שִׁמְעוֹן אֲדֹנָי הִנֵּה אִתְּךָ אֲנִי מוּכָן לָלֶכֶת גַּם־לְבֵית הָאֲסוּרִים גַּם־לָמוּת׃ ١٩וַיֹּאמֶר אֵלָיו אֲנִי אֹמֵר לְךָ פֶּטֶר לֹא־יִקְרָא הַיּוֹם הַזֶּה עַד־אֲשֶׁר תִּכְחֵשׁ שָׁלוֹשׁ פְּעָמִים כִּי אֹתִי אַתָּה מַכִּיר׃ ٢٠וַיֹּאמֶר אֲלֵיהֶם כַּאֲשֶׁר שְׁלַחְתִּי אֶתְכֶם בְּלֹא כִיס וְתַרְמִיל וּנְעָלִים הֲחָסַרְתֶּם דָּבָר וַיֹּאמְרוּ לֹא׃ ٢١וַיֹּאמֶר אֲלֵיהֶם אֲבָל עַתָּה אֲשֶׁר־כִּיס לוֹ יִקָּחֶנּוּ וְכֵן תַּרְמִיל וַאֲשֶׁר אֵין לוֹ יִמְכֹּר אֶת־מְעִילוֹ וְיִקֶן־לוֹ חָרֶב׃ ٢٢כִּי אֲנִי אֹמֵר לָכֶם כִּי עוֹד זֹאת הַכָּתוּב בְּתוֹרָתִי עָלַי צָרִיךְ לְהִתְקַיֵּם וְנִמְנָה עִם־פּוֹשְׁעִים וְגַם כָּתוּב עָלַי יִתְקַיֵּם כִּי־אֵין לִי סוֹף׃

הר הזיתים

מתי ٢٦:٣٠-٣٥; מרקוס ١٤:٢٦-٣١; ١ קורינתים ١١:٢٣-٢٥

٢٣וַיֵּצְאוּ וַיֵּלְכוּ כְּדַרְכָּם אֶל־הַר הַזֵּיתִים׃ ٢٤וַיֹּאמֶר אֲלֵיהֶם יֵשׁוּעַ כֻּלְּכֶם תִּכָּשְׁלוּ בִּי בַּלַּיְלָה הַזֶּה כִּי כָתוּב אַכֶּה אֶת־הָרוֹעֶה וְנָפְצוּ צֹאן הָעֵדֶר׃ ٢٥וְאַחֲרֵי קוּמִי אֲנִי אֶקְדִּם אֶתְכֶם גָּלִילָה׃ ٢٦וַיַּעַן פֶּטֶר וַיֹּאמֶר אֵלָיו אֲדֹנָי אִם־כֻּלָּם יִכָּשְׁלוּ בָּךְ אֲנִי לֹא אֶכָּשֵׁל׃ ٢٧וַיֹּאמֶר אֵלָיו יֵשׁוּעַ אָמֵן אֲנִי אֹמֵר לְךָ כִּי אַתָּה הַיּוֹם הַזֶּה בַּלַּיְלָה הַזֶּה בְּטֶרֶם יִקְרָא הַתַּרְנְגֹל שָׁלוֹשׁ פְּעָמִים תִּכְחֵשׁ כִּי אֹתִי אַתָּה מַכִּיר׃ ٢٨וַיֹּאמֶר אֵלָיו פֶּטֶר אֲפִלּוּ אִם־אָמוּת אִתָּךְ לֹא אֶכְחָשׁ לָךְ וְכֵן אָמְרוּ כָּל־הַתַּלְמִידִים׃

---

p٢٢:٢٠ ירמיהו ٣١:٣١-٣٤ q٢٢:٢١ תהלים ٤١:٩

ויבואו אליו צדוקים האומרים שאין תחיית המתים, וישאלו אותו לאמר: ٢٣
משה כתב לנו שאם מת לאחד אחיו ואשתו נשארת בלי ילדים, שיקח אחיו את אשתו

ישוע על תחיית המתים

ויגיד להם שיקח את אשתו ויקים זרע לאחיו. ٢٤ היו אצלנו שבעה אחים, והבכור לקח אשה ומת, ולא הניח זרע, והניח את אשתו לאחיו. ٢٥ כן גם השני והשלישי עד השביעי. ٢٦ ואחרי כל אלה מתה האשה גם היא. ٢٧ ובתחיית המתים, כאשר יקומו, של מי מהשבעה תהיה האשה? כי כולם היו נשואים לה." ٢٨ ויען ישוע ויאמר אליהם: "אתם טועים, כי אינכם יודעים את הכתובים ולא את כוח האלוהים. ٢٩ כי בתחיית המתים לא יישאו ולא יינשאו, אלא יהיו כמלאכי השמים בשמים. ٣٠ ועל תחיית המתים, הלא קראתם בספר משה, בסיפור הסנה הבוער, איך אלוהים אמר אליו: 'אני אלוהי אברהם, אלוהי יצחק ואלוהי יעקב.' ٣١ אלוהים אינו אלוהי מתים, אלא אלוהי חיים." ٣٢ כששמעו זאת ההמונים נדהמו מתורתו. ٣٣

הפקודה הגדולה ביותר

מתי ٢٢:٣٤-٤٠; מרקוס ١٢:٢٨-٣١; לוקס ١٠:٢٥-٢٨

ופרושים שמעו שהשתיק את הצדוקים, ונאספו יחד. ٣٤ ואחד מהם, מומחה בתורת משה, שאל אותו כדי לנסותו: ٣٥ "רבי, איזו מצווה היא הגדולה ביותר בתורה?" ٣٦ ישוע ענה לו: "'תאהב את יהוה אלוהיך בכל לבך, בכל נפשך ובכל מחשבתך.' ٣٧ זאת המצווה הראשונה והגדולה. ٣٨

فصحنا عشاءنا معه.» ٣٤ فأجاب بطرس: «أقول لك يا يهوذا إن الديك لن يصيح اليوم حتى تكون قد أنكرتني ثلاث مرات.»

كيس النقود وسيف

٣٥ ثم قال يسوع للرسل: «عندما أرسلتكم بلا كيس نقود ولا حقيبة ولا حذاء، هل احتجتم إلى شيء؟» فأجابوا: «لا.» ٣٦ فقال لهم: «لكن الآن من يملك كيس نقود فليأخذه، ومن يملك حقيبة فليأخذها، ومن لا يملك سيفا فليبع ثوبه ويشتر سيفا. ٣٧ لأني أقول لكم إن ما كتب عني لا بد أن يتم الآن، وهو: ‹أحصي مع المذنبين›. نعم، ما كتب عني يتم الآن.» ٣٨ فقالوا: «يا سيد، ها سيفان هنا.» فأجابهم: «يكفي!»

صلاة يسوع في بستان الزيتون

متى ٢٦:٣٦-٤٦؛ مرقس ١٤:٣٢-٤٢

٣٩ ثم خرج وذهب كعادته إلى جبل الزيتون، وتبعه تلاميذه. ٤٠ ولما وصل إلى المكان قال لهم: «صلوا لكي لا تقعوا في التجربة.» ٤١ وابتعد عنهم نحو رمية حجر، وجثا وصلى ٤٢ قائلا: «يا أبتاه، إن شئت فأبعد عني هذه الكأس، ولكن لتكن مشيئتك لا مشيئتي.» ٤٣ فظهر له ملاك من السماء يقويه. ٤٤ وإذ كان في كرب

---

٢ ٢٢:٣٧ إشعياء ٥٣:١٢

تلاميذه فوجدهم نائمين من الحزن، ٤٦ فقال لهم: «لماذا أنتم نائمون؟ قوموا وصلّوا لئلا تسقطوا في التجربة».

خيانة يهوذا وإلقاء القبض على يسوع

متى ٢٦:٤٧-٥٦؛ مرقس ١٤:٤٣-٥٠؛ يوحنا ١٨:٣-١١

٤٧ وبينما هو يتكلم، إذا بجمع من الناس، وأمامهم الذي يُدعى يهوذا، أحد الاثني عشر، يتقدمهم، واقترب من يسوع ليقبّله. ٤٨ فقال له يسوع: «يا يهوذا، أبقبلة تسلّم ابن الإنسان؟» ٤٩ فلما رأى الذين حوله ما سيحدث، قالوا: «يا سيد، أنضرب بالسيف؟» ٥٠ وضرب واحد منهم عبد رئيس الكهنة فقطع أذنه اليمنى. ٥١ فأجاب يسوع: «كفى!» ولمس أذن العبد وشفاه. ٥٢ ثم قال يسوع للذين جاءوا عليه، رؤساء الكهنة وقادة حراس الهيكل وشيوخ اليهود: «أجئتم كأنني لص، حتى حملتم السيوف والعصي؟ ٥٣ كنت معكم كل يوم في الهيكل، ولم تمدوا أيديكم عليّ. ولكن هذه ساعتكم وسلطان الظلمة».

משל הכורמים הרעים

מתי ٢١:٣٣-٤٦; מרקוס ١٢:١-١٢; לוקס ٢٠:٩-١٩; מעשי השליחים ٤:١١; ١ פטרוס ٢:٧

٣٣ «שמעו משל נוסף. היה פעם איש עשיר שנטע כרם. הוא גידר אותו סביב, חפר בו בור לדריכת ענבים ובנה מגדל שמירה. אחר כך השכיר את הכרם לכורמים ונסע למדינה אחרת. ٣٤ כשהגיע זמן הבציר שלח עבדים אל הכורמים כדי לקבל את חלקו בתנובה. ٣٥ אבל הכורמים תפסו את העבדים, הכו את אחד, הרגו את השני ורגמו את השלישי באבנים. ٣٦ שוב שלח עבדים, הפעם יותר ממספרם הראשון, אבל הכורמים התייחסו אליהם באותה צורה. ٣٧ לבסוף שלח אליהם את בנו, בטוח שיכבדו אותו. ٣٨ אבל כשהכורמים ראו את הבן הם אמרו זה לזה: ‘הנה היורש! בואו נהרוג אותו ונשתלט על הכרם!’ ٣٩ אז תפסו את הבן, הוציאו אותו מחוץ לכרם והרגו אותו.

٤٠ «כשיבוא בעל הכרם, מה לדעתכם יעשה לכורמים?» ٤١ הם ענו: «הוא יהרוג את הרשעים בלי רחמים ויחכיר את הכרם לכורמים אחרים, שיתנו לו את חלקו בתנובה בזמן הבציר.»

٤٢ ישוע שאל אותם: «האם לא קראתם מעולם בכתבי הקודש:

‘האבן שהבנאים דחו
הפכה לאבן הפינה החשובה ביותר.
٤٣ זה נעשה על ידי יהוה,
והמעשה מפליא בעינינו’?

٤٤ כל מי שייפול על האבן הזאת יישבר לרסיסים, ומי שהאבן תיפול עליו תמחץ אותו.»

٤٥ כשראשי הכוהנים והפרושים שמעו את המשל, הבינו שישוע מדבר עליהם. ٤٦ הם רצו לתפוס אותו, אבל פחדו מהאנשים, כי הם חשבו שישוע הוא נביא.

הבטחה לבנין מחדש

ישעיה ٢٦:٥٩-٦٦; תהלים ١٤:٥٥-٦٤; ישעיה ١٨:١٩-٢٤

٦٦ כִּי אֲנִי יָדַעְתִּי מַעֲשֵׂיהֶם וְאֶת מַחְשְׁבֹתֵיהֶם בָּאָה לְקַבֵּץ אֶת כָּל הַגּוֹיִם וְהַלְּשֹׁנוֹת
וְבָאוּ וְרָאוּ אֶת כְּבוֹדִי. ٦٧ וְשַׂמְתִּי בָהֶם אוֹת וְשָׁלַחְתִּי מֵהֶם פְּלֵטִים אֶל הַגּוֹיִם תַּרְשִׁישׁ
פּוּל וְלוּד מֹשְׁכֵי קֶשֶׁת תֻּבַל וְיָוָן הָאִיִּים הָרְחֹקִים אֲשֶׁר לֹא שָׁמְעוּ אֶת שִׁמְעִי וְלֹא רָאוּ אֶת
כְּבוֹדִי וְהִגִּידוּ אֶת כְּבוֹדִי בַּגּוֹיִם. ٦٨ וְהֵבִיאוּ אֶת כָּל אֲחֵיכֶם מִכָּל הַגּוֹיִם מִנְחָה לַיהוָה
בַּסּוּסִים וּבָרֶכֶב וּבְכַרְכָּרוֹת וּבְפִרְדִּים וּבִרְכָשִׁים עַל הַר קָדְשִׁי יְרוּשָׁלַ͏ִם אָמַר יְהוָה כַּאֲשֶׁר
יָבִיאוּ בְנֵי יִשְׂרָאֵל אֶת הַמִּנְחָה בִּכְלִי טָהוֹר בֵּית יְהוָה. ٦٩ וְגַם מֵהֶם אֶקַּח לַכֹּהֲנִים לַלְוִיִּם
אָמַר יְהוָה. ٧٠ כִּי כַּאֲשֶׁר הַשָּׁמַיִם הַחֲדָשִׁים וְהָאָרֶץ הַחֲדָשָׁה אֲשֶׁר אֲנִי עֹשֶׂה עֹמְדִים לְפָנַי
נְאֻם יְהוָה כֵּן יַעֲמֹד זַרְעֲכֶם וְשִׁמְכֶם. ٧١ וְהָיָה מִדֵּי חֹדֶשׁ בְּחָדְשׁוֹ וּמִדֵּי שַׁבָּת בְּשַׁבַּתּוֹ יָבוֹא כָל
בָּשָׂר לְהִשְׁתַּחֲוֹת לְפָנַי אָמַר יְהוָה. ٧٢ וְיָצְאוּ וְרָאוּ בְּפִגְרֵי הָאֲנָשִׁים הַפֹּשְׁעִים בִּי כִּי תוֹלַעְתָּם
לֹא תָמוּת וְאִשָּׁם לֹא תִכְבֶּה וְהָיוּ דֵרָאוֹן לְכָל בָּשָׂר.

הבטחה לבנין מחדש

ירמיה ٢٧:١-٢, ١١-١٤; תהלים ١٥:١-٥; ישעיה ١٨:٢٨-٣٨

٢٣ ١ דְּבַר יְהוָה אֲשֶׁר הָיָה אֶל יִרְמְיָהוּ עַל עִנְיַן כָּל יְהוּדָה בַּשָּׁנָה הָרִאשׁוֹנָה לְמָלְכוֹ
צִדְקִיָּהוּ מֶלֶךְ יְהוּדָה. ٢ וַיְדַבֵּר יִרְמְיָהוּ אֶל כָּל בֵּית יְהוּדָה וְאֶל כָּל יוֹשְׁבֵי יְרוּשָׁלַ͏ִם לֵאמֹר:
כֹּה אָמַר יְהוָה אֱלֹהֵי יִשְׂרָאֵל לֵאמֹר הֵיטִיבוּ דַרְכֵיכֶם וּמַעַלְלֵיכֶם וְאֶשְׁכְּנָה אִתְּכֶם בַּמָּקוֹם
הַזֶּה. ٣ אַל תִּבְטְחוּ לָכֶם אֶל דִּבְרֵי הַשֶּׁקֶר לֵאמֹר הֵיכַל יְהוָה הֵיכַל יְהוָה הֵיכַל יְהוָה הֵמָּה.
כִּי אִם הֵיטֵב תֵּיטִיבוּ אֶת דַּרְכֵיכֶם וְאֶת מַעַלְלֵיכֶם אִם עָשׂוֹ תַּעֲשׂוּ מִשְׁפָּט בֵּין אִישׁ וּבֵין
רֵעֵהוּ. ٤ גֵּר יָתוֹם וְאַלְמָנָה אַל תַּעֹשְׁקוּ וְדָם נָקִי אַל תִּשְׁפְּכוּ בַּמָּקוֹם הַזֶּה וְאַחֲרֵי אֱלֹהֵי
נֵכָר לֹא תֵלְכוּ לְרָעָתְכֶם. ٥ אִם עָשׂוֹ תַּעֲשׂוּ אֶת הַדָּבָר הַזֶּה וְדָרַשְׁתִּי בְּאֹהֶל הַזֶּה וְעַל כִּסְאוֹ
יֹשְׁבִים מְלָכִים לְדָוִד רֹכְבִים וְעֹלִים הֵמָּה וְעַבְדָּיו וְעַמּוֹ. ٦ וְאִם לֹא תִשְׁמְעוּ אֶת הַדְּבָרִים הָאֵלֶּה
נִשְׁבַּעְתִּי נְאֻם יְהוָה כִּי לְשַׁמָּה יִהְיֶה הַבַּיִת הַזֶּה. ٧ כִּי כֹה אָמַר יְהוָה עַל בֵּית מֶלֶךְ יְהוּדָה
גִּלְעָד אַתָּה לִי רֹאשׁ הַלְּבָנוֹן אִם לֹא שׂוֹם אָשִׂימְךָ מִדְבָּר עָרִים לֹא יֹשָׁבוּ. ٨ וְקִדַּשְׁתִּי עָלֶיךָ
מַשְׁחִתִים אִישׁ וְכֵלָיו וְכָרְתוּ אֶת מִבְחַר אֲרָזֶיךָ וְהִפִּילוּ עַל הָאֵשׁ. ٩ וְעָבְרוּ גּוֹיִם רַבִּים עַל
הָעִיר הַזֹּאת וְאָמְרוּ אִישׁ אֶל רֵעֵהוּ עַל מָה עָשָׂה יְהוָה כָּזֹאת לָעִיר הַגְּדוֹלָה הַזֹּאת.

٧ وفي اليوم الأول تعقدون محفلا مقدسا. لا تعملوا فيه عملا ما.
٨ وتقربون للرب محرقة سبعة أيام. وفي اليوم السابع محفل مقدس.
لا تعملوا فيه عملا ما.

عيد الحصاد

٩ وكلم الرب موسى قائلا: ١٠ كلم بني اسرائيل وقل لهم: متى دخلتم
الارض التي انا اعطيكم وحصدتم حصيدها، تأتون بحزمة من باكورة
حصيدكم الى الكاهن. ١١ فيلوح الحزمة امام الرب لترضوا عنكم.
في غد السبت يلوحها الكاهن. ١٢ وتعملون في يوم تلويحكم الحزمة
خروفا صحيحا ابن سنة محرقة للرب. ١٣ وتقدمته طحين اثنين من
عشر عشرة من زيت، وقربانا للرب رائحة سرور، وسكيبه خمر ربع
الهين. ١٤ ولا تأكلوا خبزا او قمحا او سويقا حتى يوم تقريبكم
قربان الهكم. فريضة دهرية في اجيالكم في جميع مساكنكم.

عيد الخيام

٢٣ ١٥ وكلم الرب موسى قائلا: ١٦ كلم بني اسرائيل قائلا: في
الشهر السابع في اليوم الاول من الشهر يكون لكم سبت، تذكارا
بهتاف، محفلا مقدسا. ٢٥ لا تعملوا فيه عملا ما. وتقربون محرقة
للرب. ٢٦ وكلم الرب موسى قائلا: ٢٧ اما العاشر من هذا الشهر
السابع فهو يوم الكفارات. يكون لكم محفلا مقدسا، وتذللون
انفسكم وتقربون محرقة للرب. ٢٨ ولا تعملوا عملا ما في هذا اليوم
عينه، لانه يوم كفارات للتكفير عنكم امام الرب الهكم. ٢٩ لان كل
نفس لا تتذلل في هذا اليوم عينه تقطع من شعبها. ٣٠ وكل نفس
تعمل عملا ما في هذا اليوم عينه فاني ابيد تلك النفس من بين

ئێوە ڕەحمەتی: "هێشتا ئاژەڵی بچووک لەگەڵ ئێوە ١٩ بن! ئێوە بەدوای منا دەگەڕێن، وەک چۆن بە
دوژمنەکانتان دەڵێن کە هیچ هیوایەک نییە بۆ ئەوەی ئێوە بگەڕێنەوە بۆ ماڵەوە. ٢٠ هیچ
کەسێک ناتوانێت دوو خاوەن بەندە بێت، چونکە یان ڕقی لە یەکێک دەبێتەوە و خۆشی
دەوێت بە دووەم، یان بە یەکەم دڵسۆز دەبێت و سووکایەتی بە دووەم دەکات. ئێوە ناتوانن
هەم خوا بپەرستن و هەم پارە. ٢١ بۆیە پێی گوتم: "هەر لە ئێستاوە دڵنیا مەبە لە
سەرکەوتنی خۆت! ٢٢ تەنانەت ئەگەر دوژمنەکانت بە تۆ بڵێن: 'ئێمە ئەوەندە بەهێزین
کە هیچ کەس ناتوانێت ئێمە بشکێنێت.' ئەوا هێشتا هیچ هیوایەک نییە بۆ تۆ. هەرچی
زووترە باشترە بۆ تۆ کە بگەڕێیتەوە بۆ ماڵەوە. ٢٣ ئەگەر ئێوە ئەوە بکەن کە من
داوای لێ دەکەم، ئەوا ئێوە دەتوانن لە ئێستاوە بۆ هەمیشە لە ژیانێکی پڕ لە
سەرکەوتن بژین. ٢٤ ئێوە دەتوانن ببن بە هاوڕێی خوا. ئەگەر ئێوە ئەوە بکەن کە من
داوای لێ دەکەم، ئەوا ئێوە دەتوانن ببن بە هاوڕێی خوا. ٢٥ ئەوە ئەو شتانەیە کە
خوا، کە ئێوە دەتوانن ببن بە هاوڕێی، ئەگەر ئێوە بڕوا بە کوڕەکەی بکەن کە
ناردوویەتی بۆ ئەوەی ببێتە ڕزگارکەری جیهان.

ئەزموونی ئیمان

ڕۆمیان ١٥:٢١-٣٢؛ ئەیوب ١٩:١٧-٢٧؛ ٢٧:٣٢-٤٤

٢٦ ئێوە دەتوانن ببن بە هاوڕێی خوا، بەڵام ئەگەر ئێوە بڕوا بە کوڕەکەی نەکەن کە
ناردوویەتی بۆ ئەوەی ببێتە ڕزگارکەری جیهان، ئەوا ئێوە هیچ هیوایەکتان نییە بۆ
ڕزگاربوون. ٢٧ ئێوە وەک ئەو دارە وشکەن کە لە باخەکەدا چەقێنراوە، بەڵام هیچ
بەرهەمێک ناهێنێت. ٢٨ ئێوە وەک ئەو گەنمەن کە لە ناو ئاشەکەدا هەڵدەگیرێت:
"ئێمە ئەوەندە بەهێزین کە هیچ کەس ناتوانێت ئێمە بشکێنێت، چونکە ئێمە هاوڕێی خوا
هەڵبژێردراوەکانین، هەرچەندە خوا ڕقی لێمان دەبێتەوە." ٢٩ "ئەوە ئەو شتانەیە کە
خوا دەڵێت: 'ئێمە ئەوەندە بەهێزین کە هیچ کەس ناتوانێت ئێمە بشکێنێت، هەرچەندە
ئێوە ڕقتان لێمان دەبێتەوە، هەرچەندە ئێوە ئێمە ڕەت دەکەنەوە.' ٣٠ "ئەوە ئەو شتانەیە

ي.» [٣١s] فقال يسوع: «يا أبتاه، اغفر لهم، لأنهم لا يعلمون ماذا يفعلون.
وقسموا ثيابه وألقوا قرعة عليها. [٣٤] وكان الشعب واقفا ينظر. وكان الرؤساء أيضا مع
الجند يسخرون به قائلين: «خلص آخرين، فليخلص نفسه إن كان هذا هو المسيح
مختار الله.» [t] [٣٥] وكان الجند أيضا يستهزئون به، إذ جاءوا وقدموا له خلا [٣٦]
وقالوا: «إن كنت أنت ملك اليهود فخلص نفسك.» [٣٧u] وكانت أيضا عليه علة
مكتوبة بأحرف يونانية ورومانية وعبرانية: «هذا هو ملك اليهود.» [٣٨] وكان
واحد من المذنبين المعلقين يجدف عليه قائلا: «إن كنت أنت المسيح فخلص نفسك
وإيانا.» [٣٩] فأجاب الآخر وانتهره قائلا: «أما تخاف الله، إذ أنت تحت هذا
القضاء عينه؟ [٤٠] ونحن بعدل، لأننا ننال استحقاق ما فعلنا، وأما هذا فلم يفعل
شيئا ليس في محله.» [٤١] وقال ليسوع: «اذكرني يا سيد متى جئت في ملكوتك.»
[٤٢] فقال له يسوع: «الحق أقول لك إنك اليوم تكون معي في الفردوس.» [٤٣]
وكان نحو الساعة السادسة، فكانت ظلمة على الأرض كلها إلى الساعة التاسعة،

٨-٧:٢٢ زكريا ٢٣:٣٦u ١٨:٢٢ زكريا ٢٣:٣٤t ٨:١٠ متى ٢٣:٣٠s

الصلب والموت

متى ٢٧:٣٢-٥٦؛ مرقس ١٥:٢١-٤١؛ يوحنا ١٩:١٧-٣٠

٤٤ إِنَّهُ كَانَ نَحْوَ السَّاعَةِ السَّادِسَةِ، وَصَارَتْ ظُلْمَةٌ عَلَى كُلِّ الأَرْضِ إِلَى السَّاعَةِ التَّاسِعَةِ، ٤٥ وَاظْلَمَّتِ الشَّمْسُ، وَانْشَقَّ حِجَابُ الْهَيْكَلِ مِنْ وَسْطِهِ. ٤٦ وَنَادَى يَسُوعُ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ: «يَا أَبَتَاهُ، فِي يَدَيْكَ أَسْتَوْدِعُ رُوحِي». وَلَمَّا قَالَ هذَا أَسْلَمَ الرُّوحَ. ٤٧ فَلَمَّا رَأَى قَائِدُ الْمِئَةِ مَا كَانَ مَجَّدَ اللهَ قَائِلاً: «بِالْحَقِيقَةِ كَانَ هذَا الإِنْسَانُ بَارًّا». ٤٨ وَجَمِيعُ الْجُمُوعِ الَّذِينَ كَانُوا قَدِ اجْتَمَعُوا لِهذَا النَّظَرِ، لَمَّا نَظَرُوا الأُمُورَ الَّتِي كَانَتْ، رَجَعُوا وَهُمْ يَقْرَعُونَ صُدُورَهُمْ. ٤٩ وَكَانَ جَمِيعُ مَعَارِفِهِ وَالنِّسَاءُ اللَّوَاتِي تَبِعْنَهُ مِنَ الْجَلِيلِ وَاقِفِينَ مِنْ بَعِيدٍ نَاظِرِينَ هذِهِ الأُمُورَ.

الدفن

متى ٢٧:٥٧-٦١؛ مرقس ١٥:٤٢-٤٧؛ يوحنا ١٩:٣٨-٤٢

٥٠ وَإِذَا رَجُلٌ اسْمُهُ يُوسُفُ، وَهُوَ مُشِيرٌ وَرَجُلٌ صَالِحٌ وَبَارٌّ، ٥١ هذَا لَمْ يُوَافِقْ عَلَى الْمَشُورَةِ وَعَمَلِ الْقَوْمِ، وَهُوَ مِنَ الرَّامَةِ مَدِينَةِ الْيَهُودِ، وَكَانَ يَنْتَظِرُ مَلَكُوتَ اللهِ. ٥٢ هذَا تَقَدَّمَ إِلَى بِيلاَطُسَ وَطَلَبَ جَسَدَ يَسُوعَ. ٥٣ وَأَنْزَلَهُ وَلَفَّهُ بِسِتْرٍ وَوَضَعَهُ فِي قَبْرٍ مَنْحُوتٍ حَيْثُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ قَطُّ قَدْ وُضِعَ. ٥٤ وَكَانَ يَوْمُ الإِعْدَادِ، وَالسَّبْتُ يَلُوحُ. ٥٥ وَتَبِعَتِ النِّسَاءُ اللَّوَاتِي كُنَّ قَدْ أَتَيْنَ مَعَهُ مِنَ الْجَلِيلِ، وَنَظَرْنَ الْقَبْرَ وَكَيْفَ وُضِعَ جَسَدُهُ،

٢٣:٤٥ أعمال ٢٦:٣١-٣٣

הארץ ומלואה תבל וישבי בה׃ ٥٦ כי הוא על ימים יסדה ועל נהרות יכוננה׃ מי יעלה בהר יהוה ומי יקום במקום קדשו׃

מזמור לדוד

עלה ליהוה הארץ ומלואה תבל וישבי בה׃ ٢ כי הוא על ימים יסדה ועל נהרות יכוננה׃ ٣ מי יעלה בהר יהוה ומי יקום במקום קדשו׃ ٤ נקי כפים ובר לבב אשר לא נשא לשוא נפשי ולא נשבע למרמה׃ ٥ ישא ברכה מאת יהוה וצדקה מאלהי ישעו׃ ٦ זה דור דרשו מבקשי פניך יעקב סלה׃ ٧ שאו שערים ראשיכם והנשאו פתחי עולם ויבא מלך הכבוד׃ ٨ מי זה מלך הכבוד יהוה עזוז וגבור יהוה גבור מלחמה׃ ٩ שאו שערים ראשיכם ושאו פתחי עולם ויבא מלך הכבוד׃ ١٠ מי הוא זה מלך הכבוד יהוה צבאות הוא מלך הכבוד סלה׃

לדוד אליך יהוה נפשי אשכה אלהי בטחתי אל אבושה אל יעלצו אויבי לי׃ ٢ גם כל קויך לא יבושו יבשו הבגדים ריקם׃ ٣ דרכיך יהוה הודיעני ארחותיך למדני׃ ٤ הדריכני באמתך ולמדני כי אתה אלהי ישעי אותך קויתי כל היום׃ ٥ זכר רחמיך יהוה וחסדיך כי מעולם המה׃ ٦ חטאות נעורי ופשעי אל תזכר כחסדך זכר לי אתה למענ טובך יהוה׃ ٧ טוב וישר יהוה על כן יורה חטאים בדרך׃ ٨ ידרך ענוים במשפט וילמד ענוים דרכו׃ ٩ כל ארחות יהוה חסד ואמת לנצרי בריתו ועדותיו׃ ١٠ למען שמך יהוה וסלחת לעוני כי רב הוא׃ ١١ מי זה האיש ירא יהוה יורנו בדרך יבחר׃ ١٢ נפשו בטוב תלין וזרעו יירש ארץ׃ ١٣ סוד יהוה ליראיו וברית להודיעם׃ ١٤ עיני תמיד אל יהוה כי הוא יוציא ממצודה רגלי׃ ١٥ פנה אלי וחנני כי יחיד ועני אני׃ ١٦ צרות לבבי הרחיבו ממצוקותי הוציאני׃ ١٧ ראה עניי ועמלי וסלח לכל חטאותי׃ ١٨ ראה אויבי כי רבו ושנאת חמס שנאוני׃ ١٩ שמרה נפשי והצילני אל אבוש כי חסיתי בך׃ ٢٠ תם וישר יצרוני כי קויתיך׃ ٢١ פדה אלהים את ישראל מכל צרותיו׃

לדוד שפטני יהוה כי אני בתמי הלכתי וביהוה בטחתי לא אמעד׃ ٢ בחנני יהוה ונסני צרפה כליותי ולבי׃ ٣ כי חסדך לנגד עיני והתהלכתי באמתך׃ ٤ לא ישבתי עם מתי שוא ועם נעלמים לא אבוא׃ ٥ שנאתי קהל מרעים ועם רשעים לא אשב׃ ٦ ארחץ בנקיון כפי ואסובבה את מזבחך יהוה׃ ٧ לשמע בקול תודה ולספר כל נפלאותיך׃ ٨ יהוה אהבתי מעון ביתך ומקום משכן כבודך׃ ٩ אל תאסף עם חטאים נפשי ועם אנשי דמים חייי׃ ١٠ אשר בידיהם זמה וימינם מלאה שחד׃ ١١ ואני בתמי אלך פדני וחנני׃ ١٢ רגלי עמדה במישור במקהלים אברך יהוה׃

ליהוה אור וישעי ממי אירא יהוה מעוז חיי ממי אפחד׃ ٢ בקרב עלי מרעים לאכל את בשרי צרי ואויבי לי המה כשלו ונפלו׃ ٣ אם תחנה עלי מחנה לא יירא לבי אם תקום עלי מלחמה בזאת אני בוטח׃ ٤ אחת שאלתי מאת יהוה אותה אבקש שבתי בבית יהוה כל ימי חיי לחזות בנעם יהוה ולבקר בהיכלו׃ ٥ כי יצפנני בסכה ביום רעה יסתרני בסתר אהלו בצור ירוממני׃ ٦ ועתה ירום ראשי על אויבי סביבותי ואזבחה באהלו זבחי תרועה אשירה ואזמרה ליהוה׃ ٧ שמע יהוה קולי אקרא וחנני וענני׃ ٨ לך אמר לבי בקשו פני את פניך יהוה אבקש׃ ٩ אל תסתר פניך ממני אל תט באף עבדך עזרתי אל תטשני ואל תעזבני אלהי ישעי׃ ١٠ כי אבי ואמי עזבוני ויהוה יאספני׃ ١١ הורני יהוה דרכך ונחני באורח מישור למען שוררי׃ ١٢ אל תתנני בנפש צרי כי קמו בי עדי שקר ויפח חמס׃ ١٣ לולא האמנתי לראות בטוב יהוה בארץ חיים׃ ١٤ קוה אל יהוה חזק ויאמץ לבך וקוה אל יהוה׃

אליך יהוה אקרא צורי אל תחרש ממני פן תחשה ממני ונמשלתי עם יורדי בור׃ ٢ שמע קול תחנוני בשועי אליך בנשאי ידי אל דביר קדשך׃ ٣ אל תמשכני עם רשעים ועם פעלי און דברי שלום את רעיהם והרעה בלבבותם׃ ٤ תן להם כפעלם וכרוע מעלליהם כמעשה ידיהם תן להם השב גמולם להם׃ ٥ כי לא יבינו אל פעלות יהוה ואל מעשה ידיו יהרסם ולא יבנם׃ ٦ ברוך יהוה כי שמע קול תחנוני׃ ٧ יהוה עזי ומגני בו בטח לבי ונעזרתי ויעלז לבבי ומשירי אודנו׃ ٨ יהוה עז למו ומעוז ישעות משיחו הוא׃ ٩ הושיעה את עמך וברך את נחלתך ורעם ונשאם עד העולם׃

הבו ליהוה בני אלים הבו ליהוה כבוד ועז׃ ٢ הבו ליהוה כבוד שמו השתחוו ליהוה בהדרת קדש׃ ٣ קול יהוה על המים אל הכבוד הרעים יהוה על מים רבים׃ ٤ קול יהוה בכח קול יהוה בהדר׃ ٥ קול יהוה שבר ארזים וישבר יהוה את ארזי הלבנון׃ ٦ וירקידם כמו עגל לבנון ושריון כמו בן ראמים׃ ٧ קול יהוה חצב להבות אש׃ ٨ קול יהוה יחיל מדבר יחיל יהוה מדבר קדש׃ ٩ קול יהוה יחולל אילות ויחשף יערות ובהיכלו כלו אומר כבוד׃ ١٠ יהוה למבול ישב וישב יהוה מלך לעולם׃ ١١ יהוה עז לעמו יתן יהוה יברך את עמו בשלום׃

מזמור שיר חנכת הבית לדוד׃ ٢ ארוממך יהוה כי דליתני ולא שמחת אויבי לי׃ ٣ יהוה אלהי שועתי אליך ותרפאני׃ ٤ יהוה העלית מן שאול נפשי חייתני מיורדי בור׃ ٥ זמרו ליהוה חסידיו והודו לזכר קדשו׃ ٦ כי רגע באפו חיים ברצונו בקר ילין בכי ולבקר רנה׃ ٧ ואני אמרתי בשלוי בל אמוט לעולם׃ ٨ יהוה ברצונך העמדתה להררי עז הסתרת פניך הייתי נבהל׃ ٩ אליך יהוה אקרא ואל אדני אתחנן׃ ١٠ מה בצעי ברדתי אל שחת היודך עפר הגיד אמתך׃ ١١ שמע יהוה וחנני יהוה היה עזר לי׃ ١٢ הפכת מספדי למחול לי פתחת שקי ותאזרני שמחה׃ ١٣ למען יזמרך כבוד ולא ידם יהוה אלהי לעולם אודך׃

למנצח מזמור לדוד׃ ٢ בך יהוה חסיתי אל אבושה לעולם בצדקתך פלטני׃ ٣ הטה אלי אזנך מהרה הצילני היה לי לצור מעוז לבית מצודות להושיעני׃ ٤ כי סלעי ומצודתי אתה ולמען שמך תנחני ותנהלני׃ ٥ תוציאני מרשת זו טמנו לי כי אתה מעוזי׃ ٦ בידך אפקיד רוחי פדית אותי יהוה אל אמת׃ ٧ שנאתי השמרים הבלי שוא ואני אל יהוה בטחתי׃ ٨ אגילה ואשמחה בחסדך אשר ראית את עניי ידעת בצרות נפשי׃ ٩ ולא הסגרתני ביד אויב העמדת במרחב רגלי׃ ١٠ חנני יהוה כי צר לי עששה מכעס עיני נפשי ובטני׃ ١١ כי כלו ביגון חייי ושנותי באנחה כשל בעוני כחי ועצמותי עששו׃ ١٢ מכל צוררי הייתי חרפה ולשכניי ביותר ופחד למיודעי ראי חוץ נדדו ממני׃ ١٣ נשכחתי כמת מלב הייתי כאובד כלי׃ ١٤ כי דבת רבים שומעת מגור מסביב בהוסדם יחדו עלי לקחת נפשי זמו׃ ١٥ ואני עליך בטחתי יהוה אמרתי אלהי אתה׃ ١٦ בידיך עתותי הצילני מיד אויבי ומרדפי׃ ١٧ האירה פניך על עבדך הושיעני בחסדך׃ ١٨ יהוה אל אבוש כי קראתיך יבשו רשעים ידמו לשאול׃ ١٩ תאלמנה שפתי שקר הדוברות על צדיק עתק בגאון ובוז׃ ٢٠ מה רב טובך אשר צפנת ליריאיך פעלת לחוסים בך נגד בני אדם׃ ٢١ תסתירם בסתר פניך מרכסי איש תצפנם בסכה מריב לשונות׃ ٢٢ ברוך יהוה כי הפליא חסדו לי בעיר מצור׃ ٢٣ ואני אמרתי בחפזי נגרזתי מנגד עיניך אכן שמעת קול תחנוני בשועי אליך׃ ٢٤ אהבו את יהוה כל חסידיו אמונים נצר יהוה ומשלם על יתר עושה גאוה׃ ٢٥ חזקו ויאמץ לבכם כל המיחלים ליהוה׃

לדוד משכיל אשרי נשוי פשע כסוי חטאה׃ ٢ אשרי אדם לא יחשב יהוה לו עון ואין ברוחו רמיה׃ ٣ כי החרשתי בלו עצמותי בשאגתי כל היום׃ ٤ כי יומם ולילה תכבד עלי ידך נהפך לשדי בחרבני קיץ סלה׃ ٥ חטאתי אודיעך ועוני לא כסיתי אמרתי אודה עלי פשעי ליהוה ואתה נשאת עון חטאתי סלה׃ ٦ על זאת יתפלל כל חסיד אליך לעת מצוא רק לשטף מים רבים אליו לא יגיעו׃ ٧ אתה סתר לי מצר תצרני רני פלט תסובבני סלה׃ ٨ אשכילך ואורך בדרך זו תלך איעצה עליך עיני׃ ٩ אל תהיו כסוס כפרד אין הבין במתג עדיו לבלום בל קרב אליך׃ ١٠ רבים מכאובים לרשע והבוטח ביהוה חסד יסובבנו׃ ١١ שמחו ביהוה וגילו צדיקים והרנינו כל ישרי לב׃

רננו צדיקים ביהוה לישרים נאוה תהלה׃ ٢ הודו ליהוה בכנור בנבל עשור זמרו לו׃ ٣ שירו לו שיר חדש היטיבו נגן בתרועה׃ ٤ כי ישר דבר יהוה וכל מעשהו באמונה׃ ٥ אוהב צדקה ומשפט חסד יהוה מלאה הארץ׃ ٦ בדבר יהוה שמים נעשו וברוח פיו כל צבאם׃ ٧ כנס כנד מי הים נתן באוצרות תהומות׃ ٨ ייראו מיהוה כל הארץ ממנו יגורו כל ישבי תבל׃ ٩ כי הוא אמר ויהי הוא צוה ויעמד׃ ١٠ יהוה הפיר עצת גוים הניא מחשבות עמים׃ ١١ עצת יהוה לעולם תעמד מחשבות לבו לדר ודר׃ ١٢ אשרי הגוי אשר יהוה אלהיו העם בחר לנחלה לו׃ ١٣ משמים הביט יהוה ראה את כל בני אדם׃ ١٤ ממכון שבתו השגיח אל כל יושבי הארץ׃ ١٥ היוצר יחד לבם המבין אל כל מעשיהם׃ ١٦ אין המלך נושעברב חיל גבור לא ינצל ברב כח׃ ١٧ שקר הסוס לתשועה ובשפע חילו לא ימלט׃ ١٨ הנה עין יהוה אל יראיו למיחלים לחסדו׃ ١٩ להציל ממות נפשם ולחיותם ברעב׃ ٢٠ נפשנו חכתה ליהוה עזרנו ומגננו הוא׃ ٢١ כי בו ישמח לבנו כי בשם קדשו בטחנו׃ ٢٢ יהי חסדך יהוה עלינו כאשר יחלנו לך׃

לדוד בשנותו את טעמו לפני אבימלך ויגרשהו וילך׃ ٢ אברכה את יהוה בכל עת תמיד תהלתו בפי׃ ٣ ביהוה תתהלל נפשי ישמעו ענוים וישמחו׃ ٤ גדלו ליהוה אתי ונרוממה שמו יחדו׃ ٥ דרשתי את יהוה ועניני ומכל מגורותי הצילני׃ ٦ הביטו אליו ונהרו ופניהם אל יחפרו׃ ٧ זה עני קרא ויהוה שמע ומכל צרותיו הושיעו׃ ٨ חונה מלאך יהוה סביב ליריאיו ויחלצם׃ ٩ טעמו וראו כי טוב יהוה אשרי הגבר יחסה בו׃ ١٠ יראו את יהוה קדשיו כי אין מחסור ליריאיו׃ ١١ כפירים רשו ורעבו ודרשי יהוה לא יחסרו כל טוב׃ ١٢ לכו בנים שמעו לי יראת יהוה אלמדכם׃ ١٣ מי האיש החפץ חיים אהב ימים לראות טוב׃ ١٤ נצר לשונך מרע ושפתיך מדבר מרמה׃ ١٥ סור מרע ועשה טוב בקש שלום ורדפהו׃ ١٦ עיני יהוה אל צדיקים ואזניו אל שועתם׃ ١٧ פני יהוה בעשי רע להכרית מארץ זכרם׃ ١٨ צעקו וייהוה שמע ומכל צרותם הצילם׃ ١٩ קרוב יהוה לנשברי לב ואת דכאי רוח יושיע׃ ٢٠ רבות רעות צדיק ומכלם יצילנו יהוה׃ ٢١ שומר כל עצמותיו אחת מהנה לא נשברה׃ ٢٢ תמותת רשע רעה ושנאי צדיק יאשמו׃ ٢٣ פודה יהוה נפש עבדיו ולא יאשמו כל החסים בו׃

לדוד ריבה יהוה את יריבי לחם את לוחמי׃ ٢ החזק מגן וצנה וקומה בעזרתי׃ ٣ והרק חנית וסגר לקראת רדפי אמר לנפשי ישעתך אני׃ ٤ יבשו ויכלמו מבקשי נפשי יסגו אחור וייחפרו חשבי רעתי׃ ٥ יהיו כמץ לפני רוח ומלאך יהוה דוחה׃ ٦ יהי דרכם חשך וחלקלקות ומלאך יהוה רדפם׃ ٧ כי חינם טמנו לי שחתם רשת לנפשי חנם תכרו לה׃ ٨ תבואהו שואה לא ידע ורשתו אשר טמן תלכדו בשואה יפול בה׃ ٩ ונפשי תגיל ביהוה תשיש בישועתו׃ ١٠ כל עצמותי תאמרנה יהוה מי כמוך מציל עני מחזק ממנו ועני ואביון מגזלו׃ ١١ יקומון עדי חמס אשר לא ידעתי ישאלוני׃ ١٢ משלמים לי רעה תחת טובה שכלה לנפשי׃ ١٣ ואני בחלותם לבושי שק עניתי בצום נפשי ותפלתי על חיקי תשוב׃ ١٤ כרע כאח לי הלכתי כאבל אם קודר שחותי׃ ١٥ ובצלעי שמחו ונאספו נאספו עלי נכים ולא ידעתי קרעו ולא דמו׃ ١٦ כחנפי לעגי מעוג חרק עלי שניהמו׃ ١٧ אדני כמה תראה השיבה נפשי משאיותם מכפירים יחידתי׃ ١٨ אודך בקהל רב בעם עצום אהללנו׃ ١٩ אל ישמחו לי אויבי שקר שונאי חנם יקרצו עין׃ ٢٠ כי לא שלום ידברו ועל רגעי ארץ דברי מרמות יחשבון׃ ٢١ ויפצו עלי פיהם אמרו האח האח ראתה עינינו׃ ٢٢ ראית יהוה אל תחרש אדני אל תרחק ממני׃ ٢٣ הקיצה ועורה למשפטי אלהי ואדני לריבי׃ ٢٤ שפטני כצדקך יהוה אלהי ואל ישמחו לי׃ ٢٥ אל יאמרו בלבבם האח נפשנו אל יאמרו בלענוהו׃ ٢٦ יבשו וייחפרו יחדו שמחי לרעתי ילבשו בושת וכלמה המגדילים עלי׃ ٢٧ ירנו וישמחו חפצי צדקי ויאמרו תמיד יגדל יהוה החפץ שלום עבדו׃ ٢٨ ולשוני תהגה צדקתך כל היום תהלתך׃

לדוד נאם פשע לרשע בקרב לבו אין פחד אלהים נגד עיניו׃ ٢ כי החליק אליו בעיניו למצא עונו לשנא׃ ٣ דברי פיהו און ומרמה חדל להשכיל להיטיב׃ ٤ און יחשב על משכבו יתיצב על דרך לא טוב רע לא ימאס׃ ٥ יהוה בהשמים חסדך אמונתך עד שחקים׃ ٦ צדקתך כהרי אל משפטיך תהום רבה אדם ובהמה תושיע יהוה׃ ٧ מה יקרה חסדך אלהים ובני אדם בצל כנפיך יחסיון׃ ٨ ירוין מדשן ביתך ונחל עדניך תשקם׃ ٩ כי עמך מקור חיים באורך נראה אור׃ ١٠ משוך חסדך ליודעיך וצדקתך לישרי לב׃ ١١ אל תבוא רגל גאוה ויד רשעים אל תנדני׃ ١٢ שם נפלו פעלי און דחו ולא יכלו קום׃

לדוד אל תתחר במרעים אל תקנא בעושי עולה׃ ٢ כי כחציר מהרה ימלולון וכירק דשא יבולון׃ ٣ בטח ביהוה ועשה טוב שכן ארץ ורעה אמונה׃ ٤ והתענג על יהוה ויתן לך משאלות לבך׃ ٥ גול על יהוה דרכך ובטח עליו והוא יעשה׃ ٦ והוציא כאור צדקך ומשפטך כצהרים׃ ٧ דום ליהוה והתחולל לו אל תתחר במצליח דרכו באיש עושה מזמות׃ ٨ חדל מאף ועזוב חמה אל תתחר אך להרע׃ ٩ כי מרעים יכרתון ומקוי יהוה המה יירשו ארץ׃ ١٠ ועוד מעט ואין רשע והתבוננת על מקומו ואינו׃ ١١ ועניים יירשו ארץ והתענגו על רב שלום׃ ١٢ זומם רשע לצדיק וחרק עליו שניו׃ ١٣ אדני יהוה ישחק לו כי ראה כי יום בואו׃ ١٤ חרב פתחו רשעים ודרכו קשתם להפיל עני ואביון לטבח ישרי דרך׃ ١٥ חרבם תבוא בלבם וקשתותם תשברנה׃ ١٦ טוב מעט לצדיק מהמון רשעים רבים׃ ١٧ כי זרועות רשעים תשברנה ותומך צדיקים יהוה׃ ١٨ יודע יהוה ימי תמימים ונחלתם לעולם תהיה׃ ١٩ לא יבשו בעת רעה ובימי רעבון ישבעו׃ ٢٠ כי רשעים יאבדו ואיבי יהוה כיקר כרים כלו בעשן כלו׃ ٢١ לוה רשע ולא ישלם וצדיק חונן ונותן׃ ٢٢ כי מברכיו ירשו ארץ ומקללו יכרתו׃ ٢٣ מיהוה מצעדי גבר כוננו וידרך יחפץ׃ ٢٤ כי יפול לא יוטל כי יהוה סומך ידו׃ ٢٥ נער הייתי גם זקנתי ולא ראיתי צדיק נעזב וזרעו מבקש לחם׃ ٢٦ כל היום חונן ומלוה וזרעו לברכה׃ ٢٧ סור מרע ועשה טוב ושכן לעד׃ ٢٨ כי יהוה אוהב משפט ולא יעזב את חסידיו לעולם נשמרו ווזרע רשעים נכרת׃ ٢٩ צדיקים יירשו ארץ וישכנו לעד עליה׃ ٣٠ פי צדיק יהגה חכמות ולשונו תדבר משפט׃ ٣١ תורת אלהיו בלבו לא תמעד אשריו׃ ٣٢ צופה רשע לצדיק ומבקש להמיתו׃ ٣٣ יהוה לא יעזבנו בידו ולא ירשיענו בהשפטו׃ ٣٤ קוה אל יהוה ושמר דרכו וירממך לרשת ארץ בהכרת רשעים תראה׃ ٣٥ ראיתי רשע עריץ ומתערה כאזרח רענן׃ ٣٦ ויעבר והנה איננו ואבקשהו ולא נמצא׃ ٣٧ שמר תם וראה ישר כי אחרית לאיש שלום׃ ٣٨ ופשעים נשמדו יחדו אחרית רשעים נכרתה׃ ٣٩ ותשועת צדיקים מיהוה מעוזם בעת צרה׃ ٤٠ ויעזרם יהוה ויפלטם יפלטם מרשעים ויושיעם כי חסו בו׃

לדוד להזכיר אל יהוה בחמתך אל תוכיחני ובקצפך אל תיסרני׃ ٢ כי חציך נחתו בי ותנחת עלי ידך׃ ٣ אין מתם בבשרי מפני זעמך אין שלום בעצמותי מפני חטאתי׃ ٤ כי עונותי עברו ראשי כמשא כבד יכבדו ממני׃ ٥ הבאישו נמקו חבורותי מפני אולתי׃ ٦ נעויתי שוחותי עד מאד כל היום קודר הלכתי׃ ٧ כי כסלי מלאו נקלה ואין מתם בבשרי׃ ٨ נפוגותי ונדכיתי עד מאד שאגתי משאון לבי׃ ٩ אדני נגדך כל תאותי ואנחתי ממך לא נסתרה׃ ١٠ לבבי סחרחר עזבני כחי ואור עיני גם הוא אין אתי׃ ١١ אוהבי ורעי מנגד נגעי וקרובי מרחוק עמדו׃ ١٢ ויקושו מבקשי נפשי ודורשי רעתי דברו הוות וכל היום מרמות יהגו׃ ١٣ ואני כחרש לא אשמע וכאלם לא יפתח פיו׃ ١٤ ואהי כאיש אשר לא שמע ואין בפיו תוכחות׃ ١٥ כי לך יהוה הוחלתי אתה תענה אדני אלהי׃ ١٦ כי אמרתי פן ישמחו לי בגוד רגלי עלי הגדילו׃ ١٧ כי אני לצלע נכון ומכאובי נגדי תמיד׃ ١٨ כי אגיד עוני אדאג מחטאתי׃ ١٩ וחיי עצומי אויבי רבו ומשנאי שקר הרבו׃ ٢٠ ומשלמי רעה תחת טובה ישטנוני תחת רדפי טוב׃ ٢١ אל תעזבני יהוה אלהי אל תרחק ממני׃ ٢٢ חישה לעזרתי אדני תשועתי׃

לדוד לנצח לידותון אמרתי אשמרה דרכי מחטוא בלשוני אשמרה למו פי מחסום בעוד רשע נגדי׃ ٢ נאלמתי דומיה החשיתי מטוב וכאבי נעכר׃ ٣ חם לבבי בקרבי בהגיגי תבער אש דברתי בלשוני׃ ٤ הודיעני יהוה קצי ומדת ימי מה היא אדעה מה חדל אני׃ ٥ הנה טפחות נתת ימי וחלדי כאין נגדך אך כל הבל כל אדם נצב סלה׃ ٦ אך בצלם יתהלך איש אך הבל יהמיון צובר ולא ידע מי אספם׃ ٧ ועתה מה קויתי אדני תוחלתי לך היא׃ ٨ מכל פשעי הצילני חרפת נבל אל תשימני׃ ٩ נאלמתי לא אפתח פי כי אתה עשית׃ ١٠ הסר מעלי נגעך מתגרת ידך אני כליתי׃ ١١ בתוכחות על עון יסרת כעש מחמד נפשו אך הבל כל אדם סלה׃ ١٢ שמעה תפלתי יהוה ושועתי האזינה אל דמעתי אל תחרש כי גר אנכי עמך תושב ככל אבותי׃ ١٣ שעה ממני ואבליגה בטרם אלך ואאינה׃

לדוד לנצח קוה קויתי יהוה ויט אלי וישמע שועתי׃ ٢ ויעלני מבור שאון מטיט היון ויקם על סלע רגלי כונן אשרי׃ ٣ ויתן בפי שיר חדש תהלה לאלהינו יראו רבים וייראו ויבטחו ביהוה׃ ٤ אשרי הגבר אשר שם יהוה מבטחו ולא פנה אל רהבים ושטי כזב׃ ٥ רבית עשית אתה יהוה אלהי נפלאותיך ומחשבותיך אלינו אין ערוך אגידה ואדברה עצמו מספר׃ ٦ זבח ומנחה לא חפצת אזנים כרית לי עולה וחטאה לא שאלת׃ ٧ אז אמרתי הנה באתי במגלת ספר כתוב עלי׃ ٨ לעשות רצונך אלהי חפצתי ותורתך בתוך מעי׃ ٩ בשרתי צדק בקהל רב הן שפתי לא אכלא יהוה אתה ידעת׃ ١٠ צדקתך לא כסיתי בתוך לבי אמונתך ותשועתך אמרתי לא כחדתי חסדך ואמתך לקהל רב׃ ١١ אתה יהוה לא תכלא רחמיך ממני חסדך ואמתך תמיד ינצרוני׃ ١٢ כי אפפו עלי רעות עד אין מספר השיגוני עונותי ולא יכולתי לראות עצמו מספר מראשי ולבבי עזבני׃ ١٣ רצה יהוה להצילני יהוה לעזרתי חושה׃ ١٤ יבשו וייחפרו יחדו מבקשי נפשי לספותה יסגו אחור וייכלמו חפצי רעתי׃ ١٥ יתמהו על עקב בשתם האמרים לי האח האח׃ ١٦ ישישו וישמחו בך כל מבקשיך יאמרו תמיד יגדל יהוה אהבי תשועתך׃ ١٧ ואני עני ואביון אדני יחשב לי עזרתי ומפלטי אתה אלהי אל תאחר׃

למנצח לדוד משכיל אשרי משכיל אל דל ביום רעה ימלטהו יהוה׃ ٢ יהוה ישמרהו ויחייהו אשר יאשר בארץ ואל תתנהו בנפש אויביו׃ ٣ יהוה יסעדנו על ערש דוי כל משכבו הפכת בחליו׃ ٤ אני אמרתי יהוה חנני רפאה נפשי כי חטאתי לך׃ ٥ אויבי יאמרו רע לי מתי ימות ואבד שמו׃ ٦ ואם בא לראות שוא דברה לבו יקבץ און לו יצא בחוץ ידבר׃ ٧ יחד עלי יתלחשו כל שונאי עלי יחשבו רעה לי׃ ٨ דבר בליעל יצוק בו ואשר שכב לא יוסיף לקום׃ ٩ גם איש שלומי אשר בטחתי בו אוכל לחמי הגדיל עלי עקב׃ ١٠ ואתה יהוה חנני והקימני ואשלמה להם׃ ١١ בזאת ידעתי כי חפצת בי כי לא ירוע אויבי עלי׃ ١٢ ואני בתמתי תמכת בי ותציבני לפניך לעולם׃ ١٣ ברוך יהוה אלהי ישראל מן העולם ועד העולם אמן ואמן׃

למנצח משכיל לבני קרח כאיל תערג על אפיקי מים כן תערג נפשי אליך אלהים׃ ٢ צמאה נפשי לאלהים לאל חי מתי אבוא וארא פני אלהים׃ ٣ היתה לי דמעתי לחם יומם ולילה באמר אלי כל היום איה אלהיך׃ ٤ אלה אזכרה ואשפכה עלי נפשי כי אעבר בסך אדדם עד בית אלהים בקול רנה ותודה המון חוגג׃ ٥ מה תשתוחחי נפשי ותהמי עלי הוחילי לאלהים כי עוד אודנו ישועות פני׃ ٦ אלהי עלי נפשי אזכרך על כן מארץ ירדן וחרמונים מהר מצער׃ ٧ תהום אל תהום קורא לקול צנוריך כל משבריך וגליך עלי עברו׃ ٨ יומם יצוה יהוה חסדו ובלילה שירה עמי תפלה לאל חיי׃ ٩ אומרה לאל סלעי למה שכחתני למה קודר אלך בלחץ אויב׃ ١٠ ברצח בעצמותי חרפוני צוררי באמרם אלי כל היום איה אלהיך׃ ١١ מה תשתוחחי נפשי ומה תהמי עלי הוחילי לאלהים כי עוד אודנו ישועות פני ואלהי׃

שפטני אלהים וריבה ריבי מגוי לא חסיד מאיש מרמה ועול תפלטני׃ ٢ כי אתה אלהי מעוזי למה זנחתני למה קודר אלך בלחץ אויב׃ ٣ שלח אורך ואמתך המה ינחוני יביאוני אל הר קדשך ואל משכנותיך׃ ٤ ואבואה אל מזבח אלהים אל אל שמחת גילי ואודך בכנור אלהים אלהי׃ ٥ מה תשתוחחי נפשי ומה תהמי עלי הוחילי לאלהים כי עוד אודנו ישועות פני ואלהי׃

למנצח לבני קרח משכיל אלהים באזנינו שמענו אבותינו ספרו לנו פעל פעלת בימיהם בימי קדם׃ ٢ אתה ידך גוים הורשת ותטעם רע לאמים ותפשטם׃ ٣ כי לא בחרבם ירשו ארץ וזרועם לא הושיעה למו כי ימינך וזרועך ואור פניך כי רצית בם׃ ٤ אתה הוא מלכי אלהים צוה ישועות יעקב׃ ٥ בך צרינו ננגח בשמך נבוס קמינו׃ ٦ כי לא בקשתי אבטח וחרבי לא תושיעני׃ ٧ כי הושעתנו מצרינו ומשנאינו הבישות׃ ٨ באלהים הללנו כל היום ושמך לעולם נודה סלה׃ ٩ אך זנחת ותכלימנו ולא תצא בצבאותינו׃ ١٠ תשיבנו אחור מני צר ומשנאינו שסו למו׃ ١١ תתנינו כצאן מאכל ובגוים זריתנו׃ ١٢ תמכר עמך בלא הון ולא רבית בם׃ ١٣ תשימנו חרפה לשכנינו לעג וקלס לסביבותינו׃ ١٤ תשימנו משל בגוים מנוד ראש בלאמים׃ ١٥ כל היום כלמתי נגדי ובשת פני כסתני׃ ١٦ מקול מחרף ומגדף מפני אויב ומתנקם׃ ١٧ כל זאת באתנו ולא שכחנוך ולא שקרנו בבריתך׃ ١٨ לא נסוג אחור לבנו ותט אשרינו מנתיבתך׃ ١٩ כי דכיתנו במקום תנים ותכס עלינו בצלמות׃ ٢٠ אם שכחנו שם אלהינו ונפרש כפינו לאל נכר׃ ٢١ הלא אלהים יחקר זאת כי הוא יודע תעלמות לב׃ ٢٢ כי עליך הרגנו כל היום נחשבנו כצאן טבחה׃ ٢٣ עורה למה תישן אדני הקיצה אל תזנח לנצח׃ ٢٤ למה פניך תסתיר תשכח עניינו ולחצנו׃ ٢٥ כי שחה לעפר נפשנו דבקה לארץ בטננו׃ ٢٦ קומה עזרתה לנו ופדנו למען חסדך׃

למנצח על שושנים לבני קרח משכיל שיר ידידות׃ ٢ רחש לבי דבר טוב אומר אני מעשי למלך לשוני עט סופר מהיר׃ ٣ יפיפית מבני אדם הוצק חן בשפתותיך על כן ברכך אלהים לעולם׃ ٤ חגור חרבך על ירך גבור הודך והדרך׃ ٥ והדרך צלח רכב על דבר אמת וענוה צדק ותורא ימינך נוראות׃ ٦ חציך שנונים עמים תחתיך יפלו בלב אויבי מלך׃ ٧ כסאך אלהים עולם ועד שבט מישר שבט מלכותך׃ ٨ אהבת צדק ותשנא רשע על כן משחך אלהים אלהיך שמן ששון מחבריך׃ ٩ מר ואהלות קציעות כל בגדותיך מן היכלי שן מנו שמחוך׃ ١٠ בנות מלכים ביקרותיך ניצבה שגל לימינך באופיר׃ ١١ שמעי בת וראי והטי אזנך ושכחי עמך ובית אביך׃ ١٢ ויתאו המלך יפיך כי הוא אדניך והשתחוי לו׃ ١٣ ובת צור במנחה פני עשירי עם׃ ١٤ כל כבודה בת מלך פנימה מלאת משבצות זהב לבושה׃ ١٥ רקמות תובל לרעותיה בתולתיה אחריה מובאות לך׃ ١٦ תובלנה בשמחה ועלזות תבאינה בהיכל מלך׃ ١٧ תחת אבותיך יהיו בניך תשיתמו לשרים בכל הארץ׃ ١٨ אזכירה שמך בכל דור ודור על כן עמים יהודוך לעולם ועד׃

למנצח לבני קרח על עלמות שיר׃ ٢ אלהים לנו מחסה ועז עזרה בצרות נמצא מאד׃ ٣ על כן לא נירא בהמיר ארץ ובמוט הרים בלב ימים׃ ٤ יהמו ויחמרו מימיו ירעשו הרים בגאותו סלה׃ ٥ נהר פלגיו ישמחו עיר אלהים קדש משכני עליון׃ ٦ אלהים בקרבה בל תמוט יעזרה אלהים לפנות בקר׃ ٧ המו גוים מלכו נתן בקולו תמוג ארץ׃ ٨ יהוה צבאות עמנו משגב לנו אלהי יעקב סלה׃ ٩ לכו חזו מפעלות יהוה אשר שם שמות בארץ׃ ١٠ משבית מלחמות עד קצה הארץ קשת ישבר וקצץ חנית עגלות ישרף באש׃ ١١ הרפו ודעו כי אנכי אלהים ארום בגוים ארום בארץ׃ ١٢ יהוה צבאות עמנו משגב לנו אלהי יעקב סלה׃

למנצח לבני קרח מזמור׃ ٢ כל העמים תקעו כף הריעו לאלהים בקול רנה׃ ٣ כי יהוה עליון נורא מלך גדול על כל הארץ׃ ٤ ידבר עמים תחתינו ולאמים תחת רגלינו׃ ٥ יבחר לנו את נחלתנו את גאון יעקב אשר אהב סלה׃ ٦ עלה אלהים בתרועה יהוה בקול שופר׃ ٧ זמרו אלהים זמרו זמרו למלכנו זמרו׃ ٨ כי מלך כל הארץ אלהים זמרו משכיל׃ ٩ מלך אלהים על גוים אלהים ישב על כסא קדשו׃ ١٠ נדיבי עמים נאספו עם אלהי אברהם כי לאלהים מגני ארץ מאד נעלה׃

שיר מזמור לבני קרח׃ ٢ גדול יהוה ומהלל מאד בעיר אלהינו הר קדשו׃ ٣ יפה נוף משוש כל הארץ הר ציון ירכתי צפון קרית מלך רב׃ ٤ אלהים בארמנותיה נודע למשגב׃ ٥ כי הנה המלכים נועדו עברו יחדו׃ ٦ הם ראו כן תמהו נבהלו נחפזו׃ ٧ רעדה אחזתם שם חיל כיולדה׃ ٨ ברוח קדים תשבר אניות תרשיש׃ ٩ כאשר שמענו כן ראינו בעיר יהוה צבאות בעיר אלהינו אלהים יכוננה עד עולם סלה׃ ١٠ דמינו אלהים חסדך בקרב היכלך׃ ١١ כשמך אלהים כן תהלתך על קצוי ארץ צדק מלאה ימינך׃ ١٢ ישמח הר ציון תגלנה בנות יהודה למען משפטיך׃ ١٣ סבו ציון והקיפוה ספרו מגדליה׃ ١٤ שיתו לבכם לחילה פסגו ארמנותיה למען תספרו לדור אחרון׃ ١٥ כי זה אלהים אלהינו עולם ועד הוא ינהגנו על מות׃

למנצח לבני קרח מזמור׃ ٢ שמעו זאת כל העמים האזינו כל יושבי חלד׃ ٣ גם בני אדם גם בני איש יחד עשיר ואביון׃ ٤ פי ידבר חכמות והגיון לבי תבונות׃ ٥ אטה למשל אזני אפתח בכנור חידתי׃ ٦ למה אירא בימי רע עון עקבי יסובבני׃ ٧ הבוטחים על חילם וברב עשרם יתהללו׃ ٨ אח לא פדה יפדה איש לא יתן לאלהים כפרו׃ ٩ ויקר פדות נפשם וחדל לעולם׃ ١٠ ויחי עוד לנצח לא יראה השחת׃ ١١ כי יראה חכמים ימותון יחד כסיל ובער יאבדו ועזבו לאחרים חילם׃ ١٢ קרבם בתימו לעולם משכנותם לדר ודר קראו בשמותם על אדמותם׃ ١

الرجل الغني ولعازر

لوقا ١٦:١٢-١٣

١٣ وهو يقول هذا أرسل إليه بعض الذين وقفوا هناك
وقالوا له: يا معلم، قل لأخي أن يقسم معي الميراث.
١٤ فقال له: يا إنسان، من أقامني عليكما قاضيا أو مقسما؟
١٥ ثم قال لهم: انظروا وتحفظوا من الطمع، لأن حياة
الإنسان لا تكون من كثرة أمواله. ١٦ وضرب لهم مثلا
قائلا: إنسان غني كانت كورته قد أخصبت جدا،
١٧ ففكر في نفسه قائلا: ماذا أعمل، لأن ليس لي
موضع أخزن فيه غلتي؟ ١٨ وقال: هذا أعمل، أهدم
أهرائي وأبني أكبر، وأخزن هناك جميع غلاتي وخيراتي،
١٩ وأقول لنفسي: يا نفس، لك خيرات كثيرة موضوعة
لسنين كثيرة، استريحي وكلي واشربي وافرحي.
٢٠ فقال له الله: يا جاهل، هذه الليلة تطلب نفسك منك،
فهذه التي أعددتها لمن تكون؟ ٢١ هكذا الذي يكنز
لنفسه، وليس هو غنيا لله.
٢٢ ثم قال لتلاميذه: لذلك أقول لكم: لا تهتموا لأنفسكم
بما تأكلون، ولا لأجسادكم بما تلبسون. ٢٣ الحياة أفضل
من الطعام، والجسد أفضل من اللباس. ٢٤ تأملوا الغربان
أنها لا تزرع ولا تحصد، التي ليس لها مخدع ولا
أهراء، والله يقوتها. كم أنتم أفضل من الطيور!
٢٥ ومن منكم إذا اهتم يقدر أن يزيد على قامته ذراعا

وَبِدَايَةً مِنْ مُوسَى وَجَمِيعِ الأَنْبِيَاءِ فَسَّرَ لَهُمَا مَا كُتِبَ عَنْهُ فِي جَمِيعِ الْكُتُبِ. [٢٦] "أَلَمْ يَكُنْ مَحْتُومًا أَنَّ الْمَسِيحَ يَتَأَلَّمُ وَيَدْخُلُ إِلَى مَجْدِهِ؟" [٢٧] ثُمَّ اقْتَرَبُوا مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَا ذَاهِبَيْنِ إِلَيْهَا، فَتَظَاهَرَ يَسُوعُ أَنَّهُ مُسَافِرٌ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ. [٢٨] فَأَلَحَّا عَلَيْهِ قَائِلَيْنِ: "امْكُثْ مَعَنَا لأَنَّهُ قَدْ أَصْبَحَ الْمَسَاءُ وَالنَّهَارُ قَدْ مَالَ". فَدَخَلَ لِيَمْكُثَ مَعَهُمَا. [٢٩] وَلَمَّا اتَّكَأَ مَعَهُمَا عَلَى الْمَائِدَةِ أَخَذَ خُبْزًا وَبَارَكَ وَكَسَّرَ وَنَاوَلَهُمَا. [٣٠] فَانْفَتَحَتْ أَعْيُنُهُمَا وَعَرَفَاهُ، ثُمَّ اخْتَفَى عَنْهُمَا. [٣١] فَقَالَ أَحَدُهُمَا لِلآخَرِ: "أَلَمْ تَكُنْ قُلُوبُنَا مُلْتَهِبَةً فِينَا حِينَ كَانَ يُكَلِّمُنَا فِي الطَّرِيقِ وَيَشْرَحُ لَنَا الْكُتُبَ؟" [٣٢] وَفِي تِلْكَ السَّاعَةِ عَيْنِهَا قَامَا وَرَجَعَا إِلَى أُورُشَلِيمَ، فَوَجَدَا الأَحَدَ عَشَرَ وَالَّذِينَ مَعَهُمْ مُجْتَمِعِينَ، [٣٣] وَهُمْ يَقُولُونَ: "إِنَّ الرَّبَّ قَدْ قَامَ حَقًّا وَتَرَاءَى لِسِمْعَانَ". [٣٤] فَرَوَى هُمَا أَيْضًا مَا حَدَثَ فِي الطَّرِيقِ وَكَيْفَ عَرَفَاهُ عِنْدَ كَسْرِ الْخُبْزِ. [٣٥] وَبَيْنَمَا هُمَا يَتَكَلَّمَانِ إِذَا بِيَسُوعَ قَدْ وَقَفَ فِي وَسْطِهِمْ وَقَالَ لَهُمْ: "السَّلاَمُ لَكُمْ!"

يسوع يظهر لتلاميذه

متى ٢٨:١٦-٢٠؛ مرقس ١٦:١٤-١٨؛ يوحنا ٢٠:١٩-٢٣؛ أعمال ١:٦-٨

[٣٦] وَلَمَّا تَكَلَّمَا بِهَذَا وَقَفَ يَسُوعُ نَفْسُهُ فِي وَسْطِهِمْ وَقَالَ لَهُمْ: "سَلاَمٌ لَكُمْ". [٣٧] فَجَزِعُوا وَخَافُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ نَظَرُوا رُوحًا. [٣٨] فَقَالَ لَهُمْ: "لِمَاذَا أَنْتُمْ مُضْطَرِبُونَ وَلِمَاذَا تَخْطُرُ أَفْكَارٌ فِي قُلُوبِكُمْ؟ [٣٩] اُنْظُرُوا يَدَيَّ وَرِجْلَيَّ أَنِّي أَنَا هُوَ. جُسُّونِي وَانْظُرُوا، فَإِنَّ الرُّوحَ لَيْسَ لَهُ لَحْمٌ وَعِظَامٌ كَمَا تَرَوْنَ لِي".

هكذا ينبغي أن يتألم المسيح، ويقوم من الأموات في اليوم الثالث. ٤٧ وباسمه تُعلَن التوبة لمغفرة الخطايا لجميع الأمم، ابتداءً من أورشليم. ٤٨ أنتم شهود على هذه الأمور. ٤٩ وها أنا أرسل إليكم ما وعد به أبي. فاقيموا في المدينة حتى تُلبَسوا القوة من العلاء."

صعود يسوع

مرقس ١٦:١٩-٢٠؛ أعمال الرسل ١:٩-١١

٥٠ ثم خرج بهم إلى خارج المدينة حتى بيت عنيا، ورفع يديه وباركهم. ٥١ وفيما هو يباركهم انفصل عنهم وارتفع إلى السماء. ٥٢ فسجدوا له ورجعوا إلى أورشليم بفرح عظيم. ٥٣ وكانوا يواظبون في الهيكل يسبحون الله.

ماسح حماليق

ماسح حماليق ۱

۱ حذف هذه الكلمات، هذه الكلمات هي، هذه الكلمات، هذه الكلمات
هي حماليق. ۲ أنا هذه حذف هذه الكلمات هي. ۳ حكم حماليق
هي بعد بعد أنت حماليق هذه بعد هي بعد. حماليق
هي الماسح، حماليق هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد.
٤ هي بعد حماليق هي، هذه بعد أنت حماليق. ٥ هذه الكلمات
في حذف هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد.

ماسح ٥ حماليق هذه ماسح

٦ هذه هذه بعد أنت حذف هي الكلمات، ٧ أنا هذه
حماليق هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد.
٨ هذه في هذه هذه هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد.
٩ هذه هذه في بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد.
١٠ هذه هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد.
هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد.
١١ بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد.
١٢ بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد.
١٣ أنا بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد.
١٤ هذه هذه بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد.
١٥ هذه هذه هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد هي بعد.

وَقَالَ: "اتْبَعَانِي وَأَنَا أَجْعَلُكُمَا صَيَّادَيِ النَّاسِ". ١٨ فَتَرَكَا حَالاً شِبَاكَهُمَا وَتَبِعَاهُ. ١٩ وَمَضَى قَلِيلاً مِنْ هُنَاكَ فَرَأَى يَعْقُوبَ بْنَ زَبْدَايَ وَيُوحَنَّا أَخَاهُ فِي السَّفِينَةِ يُصْلِحَانِ شِبَاكَهُمَا. ٢٠ فَدَعَاهُمَا لِلْوَقْتِ، فَتَرَكَا أَبَاهُمَا زَبْدَايَ فِي السَّفِينَةِ مَعَ الأُجَرَاءِ وَمَضَيَا وَرَاءَهُ.

يسوع يطرد روحاً نجساً

مرقس ١:٢١-٢٨؛ لوقا ٤:٣١-٣٧

٢١ ثُمَّ دَخَلُوا كَفْرَنَاحُومَ، وَفِي السَّبْتِ دَخَلَ يَسُوعُ الْمَجْمَعَ وَأَخَذَ يُعَلِّمُ. ٢٢ فَبُهِتَ النَّاسُ مِنْ تَعْلِيمِهِ، لأَنَّهُ كَانَ يُعَلِّمُهُمْ كَمَنْ لَهُ سُلْطَانٌ، لَيْسَ كَالْكَتَبَةِ. ٢٣ وَكَانَ فِي مَجْمَعِهِمْ رَجُلٌ بِهِ رُوحٌ نَجِسٌ، فَصَرَخَ قَائِلاً: ٢٤ "مَا لَنَا وَلَكَ يَا يَسُوعَ النَّاصِرِيُّ؟ أَجِئْتَ لِتُهْلِكَنَا؟ أَنَا أَعْرِفُكَ مَنْ أَنْتَ: قُدُّوسُ اللهِ!" ٢٥ فَانْتَهَرَهُ يَسُوعُ قَائِلاً: "اخْرَسْ وَاخْرُجْ مِنْهُ!" ٢٦ فَصَرَعَهُ الرُّوحُ النَّجِسُ وَصَرَخَ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ وَخَرَجَ مِنْهُ. ٢٧ فَبُهِتَ الْجَمِيعُ حَتَّى سَأَلَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً قَائِلِينَ: "مَا هَذَا؟ مَا هُوَ هَذَا التَّعْلِيمُ الْجَدِيدُ؟ إِنَّهُ بِسُلْطَانٍ يَأْمُرُ حَتَّى الأَرْوَاحِ النَّجِسَةِ فَتُطِيعُهُ!"

---

[w] ١:٢١ متى ٤:٥؛ ٨:٥ [x] ١:٢٣ لوقا ٤:٣٣ ١٨، ١٥:١٨ أعمال ١٩:١٣

כִּי אִם לְכוּ אֶל־צֹאן אֲבֵדוֹת בֵּית יִשְׂרָאֵל׃" [28] וַיָּבֹא הָאִשָּׁה וַתִּשְׁתַּחוּ לְפָנָיו
וַתֹּאמֶר אֲדֹנִי עָזְרֵנִי׃

משל הלחם הטוב

[29] וַיַּעַן וַיֹּאמֶר לֹא־טוֹב לָקַחַת לֶחֶם הַבָּנִים וְלַהֲשְׁלִיךְ לַכְּלָבִים׃ [30] וְהִיא
אָמְרָה כֵּן אֲדֹנִי וְגַם הַכְּלָבִים יֹאכְלוּ מִן־הַפְּרוּרִים אֲשֶׁר יִפְּלוּ מִשֻּׁלְחַן אֲדוֹנֵיהֶם׃
[31] אָז עָנָה יֵשׁוּעַ וַיֹּאמֶר לָהּ אִשָּׁה גְּדוֹלָה אֱמוּנָתֵךְ יְהִי לָךְ כִּרְצוֹנֵךְ וַתֵּרָפֵא בִתָּהּ
מֵאוֹתָהּ הָעֵת׃ [32] וַיַּעֲבֹר יֵשׁוּעַ מִשָּׁם וַיָּבֹא אֶל־יַד יָם הַגָּלִיל וַיַּעַל הָהָר וַיֵּשֶׁב שָׁם׃
[33] וַיִּקָּבְצוּ אֵלָיו הֲמוֹן עָם רַב אֲשֶׁר הָיוּ עִמָּם פִּסְחִים עִוְרִים אִלְּמִים חִגְרִים וְחֵרְשִׁים
וַיַּשְׁלִיכוּם לִפְנֵי יֵשׁוּעַ וַיְרַפְּאֵם׃ [34] וַיִּתְמְהוּ הָעָם בִּרְאוֹתָם אִלְּמִים מְדַבְּרִים חֵרְשִׁים
שֹׁמְעִים פִּסְחִים הֹלְכִים וְעִוְרִים רֹאִים וַיְפָאֲרוּ אֶת־אֱלֹהֵי יִשְׂרָאֵל׃

האכלת ארבעת אלפים

[35] וַיִּקְרָא יֵשׁוּעַ אֶל־תַּלְמִידָיו וַיֹּאמֶר אֲלֵיהֶם חָנַנְתִּי עַל־הָעָם כִּי שְׁלֹשֶׁת יָמִים
הֵם עִמָּדִי וְאֵין לָהֶם מַה־לֶּאֱכֹל וְלֹא אֹבֶה לְשַׁלְּחָם רֵקָם פֶּן־יִכָּשְׁלוּ בַּדָּרֶךְ׃ [36] וַיֹּאמְרוּ
אֵלָיו תַּלְמִידָיו אֵי מִזֶּה נוּכַל בַּמִּדְבָּר הַזֶּה לְהַשְׂבִּיעַ לֶחֶם לְהָמוֹן כָּזֶה׃ [37] וַיֹּאמֶר
יֵשׁוּעַ אֲלֵיהֶם כַּמָּה לֶחֶם לָכֶם וַיֹּאמְרוּ שִׁבְעָה וּמְעַט דָּגִים׃ [38] וַיְצַו יֵשׁוּעַ לָשֶׁבֶת
עַל־הָאָרֶץ וַיִּקַּח אֶת־שִׁבְעַת הַלֶּחֶם וְאֶת־הַדָּגִים וַיְבָרֶךְ וַיִּבְקַע וַיִּתֵּן לְתַלְמִידָיו
וְהַתַּלְמִידִים נָתְנוּ לָעָם׃ [39] וַיֹּאכְלוּ כֻלָּם וַיִּשְׂבָּעוּ וַיִּשְׂאוּ אֶת־הַנּוֹתָר מֵהֶם שִׁבְעָה
סַלִּים מָלֵא׃ וְהָאֹכְלִים הָיוּ כְּאַרְבַּעַת אֲלָפִים אִישׁ מִלְּבַד הַנָּשִׁים וְהַטַּפ׃

فاسق كلمة ولا يخرج من فمكم بل نعم نعم لا لا، لئلا تسقطوا تحت الدينونة. ٣٨ قد سمعتم أنه قيل: عين بعين وسن بسن. ٣٩ وأما أنا فأقول لكم لا تقاوموا الشر، بل من لطمك على خدك الأيمن فحول له الآخر أيضا. ٤٠ ومن أراد أن يخاصمك ويأخذ ثوبك فاترك له الرداء أيضا. ٤١ ومن سخرك ميلا واحدا فاذهب معه اثنين. ٤٢ من سألك فأعطه، ومن أراد أن يقترض منك فلا ترده.

محبة الأعداء

٤٣ قد سمعتم أنه قيل: تحب قريبك وتبغض عدوك. ٤٤ وأما أنا فأقول لكم أحبوا أعداءكم، باركوا لاعنيكم، أحسنوا إلى مبغضيكم، وصلوا لأجل الذين يسيئون إليكم ويطردونكم، ٤٥ لكي تكونوا أبناء أبيكم الذي في السماوات، فإنه يشرق شمسه على الأشرار والصالحين، ويمطر على الأبرار والظالمين. ٤٦ لأنه إن أحببتم الذين يحبونكم فأي أجر لكم؟ أليس العشارون أيضا يفعلون ذلك؟ ٤٧ وإن سلمتم على إخوتكم فقط فأي فضل تصنعون؟ أليس العشارون أيضا يفعلون هكذا؟ ٤٨ فكونوا أنتم كاملين كما أن أباكم الذي في السماوات هو كامل.

بیمار کو شفا دینے کا اختیار ہے، جو اُن کو بھی دیا گیا جو اُس پر ایمان لائے۔" [۷] یہ سُن کر
چند شریعت کے اُستاد جو وہاں بیٹھے تھے اپنے دلوں میں سوچنے لگے، [۸] "یہ شخص ایسا کفر
کیوں بکتا ہے؟ خدا کے سوا کون گناہ معاف کر سکتا ہے؟" یسوع نے فوراً اپنی روح میں جان
لیا کہ وہ کیا سوچ رہے ہیں، اور اُن سے پوچھا: [۹] "تم اپنے دلوں میں ایسا کیوں سوچتے ہو؟
کیا آسان ہے کہ اِس مفلوج سے کہوں، تیرے گناہ معاف ہوئے، یا یہ کہوں، اُٹھ اپنی چارپائی
اُٹھا کر چل پھر؟ [۱۰] لیکن تاکہ تم جانو کہ ابنِ آدم کو زمین پر گناہ معاف کرنے کا اختیار
ہے،" اُس نے مفلوج سے کہا، [۱۱] "میں تجھ سے کہتا ہوں، اُٹھ اپنی چارپائی اُٹھا کر اپنے گھر
چلا جا۔" [۱۲] وہ اُٹھا اور فوراً چارپائی اُٹھا کر سب کے سامنے وہاں سے چلا گیا، یہاں تک
کہ سب حیران رہ گئے اور خدا کی تمجید کرنے لگے، اور کہا: "ہم نے ایسا کبھی نہیں دیکھا۔"

لاوی کو بلانا اور روزے کا سوال

۲ [۱۳] پھر یسوع جھیل کے کنارے گیا۔ سب لوگ اُس کے پاس آئے اور وہ اُن کو تعلیم دینے
لگا۔ [۱۴] راستے میں اُس نے حلفیس کے بیٹے لاوی کو محصول کی چوکی پر بیٹھے دیکھا۔ یسوع
نے اُس سے کہا: "میرے پیچھے ہو لے۔" لاوی اُٹھا اور اُس کے پیچھے ہو لیا۔ [۱۵] پھر ایسا ہوا
کہ یسوع لاوی کے گھر میں کھانا کھانے بیٹھا، اور بہت سے محصول لینے والے اور گناہگار
یسوع اور اُس کے شاگردوں کے ساتھ کھانا کھانے بیٹھے، کیونکہ ایسے بہت لوگ تھے جو اُس
کے پیرو ہو گئے تھے۔ [۱۶] جب شریعت کے اُستادوں نے جو فریسی تھے دیکھا کہ وہ گناہگاروں
اور محصول لینے والوں کے ساتھ کھانا کھا رہا ہے، تو اُس کے شاگردوں سے کہا: "وہ محصول
لینے والوں اور گناہگاروں کے ساتھ کیوں کھاتا پیتا ہے؟" [۱۷] یہ سُن کر یسوع نے اُن سے
کہا: "تندرستوں کو نہیں بلکہ بیماروں کو طبیب کی حاجت ہوتی ہے۔ میں راستبازوں کو نہیں
بلکہ گناہگاروں کو توبہ کے لئے بلانے آیا ہوں۔"

[۱۸] یوحنا کے شاگرد اور فریسی روزہ رکھا کرتے تھے۔ کچھ لوگ آئے اور یسوع سے پوچھا:
"یوحنا کے شاگرد اور فریسیوں کے شاگرد تو روزہ رکھتے ہیں، لیکن تیرے شاگرد روزہ کیوں
نہیں رکھتے؟" [۱۹] یسوع نے اُن سے کہا: "دولہا کے ساتھ رہتے ہوئے براتی روزہ نہیں رکھ
سکتے۔ جب تک دولہا اُن کے ساتھ ہے وہ روزہ نہیں رکھ سکتے۔ [۲۰] لیکن وہ دن آئیں گے
جب دولہا اُن سے جُدا کر لیا جائے گا، اور اُس دن وہ روزہ رکھیں گے۔ [۲۱] کوئی شخص نئے
کپڑے کا ٹکڑا پرانے کپڑے پر نہیں لگاتا، کیونکہ نیا ٹکڑا پرانے کپڑے کو پھاڑ لیتا ہے اور
پھٹن اَور بڑھ جاتی ہے۔ [۲۲] اور کوئی شخص نئی مے پرانی مشکوں میں نہیں بھرتا، ورنہ
مے مشکوں کو پھاڑ دیتی ہے اور مے بھی ضائع ہو جاتی ہے اور مشکیں بھی۔ نئی مے نئی
مشکوں میں بھرنی چاہیئے۔"

۲:۱۵ ۱سموئیل ۲۸:۱۲

عیسیٰ لاجے جذام متاثر

متی ۸:۱-۴؛ لوقا ۵:۱۲-۱۶؛ ۱۷:۱۴-۱۹

۴۰ پھر ایک جذام متاثر عیسیٰ کے پاس آیا اور اُس کے سامنے گھٹنے ٹیک کر اُس سے
منت کرنے لگا، "اگر آپ چاہیں تو مجھے پاک کر سکتے ہیں۔" ۴۱ عیسیٰ کو اُس پر ترس آیا،
اُس نے ہاتھ بڑھا کر اُسے چھوا اور کہا، "میں چاہتا ہوں۔ پاک ہو جا!" ۴۲ اُسی لمحے جذام
اُس میں سے غائب ہو گیا اور وہ پاک ہو گیا۔ ۴۳ عیسیٰ نے اُسے سختی سے تنبیہ کی اور
فوراً اُسے روانہ کر دیا، ۴۴ "دیکھ، کسی کو کچھ نہ بتانا، بلکہ جا کر اپنے آپ کو امام کو
دکھا اور جو کچھ موسیٰ نے پاک ہونے کے بارے میں حکم دیا ہے اُسے پیش کر۔ یہ
لوگوں کے لئے گواہی ہو گی۔" ۴۵ لیکن اُس آدمی نے جا کر اِس واقعے کا اِتنا چرچا کیا
اور اِتنی باتیں پھیلائیں کہ عیسیٰ کھل کر کسی شہر میں داخل نہ ہو سکا۔ اُس کو باہر
ویران جگہوں میں رہنا پڑا۔ لیکن لوگ ہر طرف سے اُس کے پاس آتے رہے۔

۲:۱۴ z احبار ۱۴:۱-۳۲ ۲:۱۷ a ۹:۶۹ زبور ۶۹:۹

یسوع کا بپتسمہ دینے والے یحیٰی کی خدمت، جو توبہ کی دعوت دیتا تھا

۳ ۱ اُن دنوں میں یحیٰی بپتسمہ دینے والا آیا اور یہودیہ کے بیابان میں
۲ یہ منادی کرنے لگا، ”توبہ کرو، کیونکہ آسمان کی بادشاہی نزدیک آ گئی ہے۔“
۳ یہ وہی شخص ہے جس کا ذکر یسعیاہ نبی کی معرفت ہوا تھا: ”بیابان میں
پکارنے والے کی آواز: خداوند کی راہ تیار کرو، اُس کے راستے سیدھے بناؤ۔“
۴ یحیٰی کا لباس اونٹ کے بالوں کا تھا اور وہ چمڑے کا پٹکا باندھتا تھا۔ اُس کی
خوراک ٹڈیاں اور جنگلی شہد تھا۔ ۵ یروشلیم، سارا یہودیہ اور یردن کے آس پاس
کے سارے علاقے کے لوگ اُس کے پاس جاتے رہے۔ ۶ وہ اپنے گناہ مان کر یردن
دریا میں اُس سے بپتسمہ لیتے رہے۔
۷ جب اُس نے بہت سے فریسیوں اور صدوقیوں کو بپتسمہ لینے کے لئے آتے
دیکھا تو اُن سے کہا، ”اے سانپ کے بچو! کس نے تمہیں خبردار کیا کہ آنے والے
غضب سے بھاگو؟ ۸ اب ایسے پھل پیدا کرو جو توبہ کے مطابق ہوں۔ ۹ اور اپنے
دلوں میں یہ خیال نہ کرو کہ ابرہام ہمارا باپ ہے۔ کیونکہ میں تم سے کہتا ہوں کہ
خدا ان پتھروں سے ابرہام کے لئے اولاد پیدا کر سکتا ہے۔ ۱۰ درخت کی جڑ پر
پہلے ہی کلہاڑا رکھا ہوا ہے۔ ہر وہ درخت جو اچھا پھل نہ لائے کاٹا جائے گا اور
آگ میں ڈالا جائے گا۔
۱۱ ”میں تو توبہ کے لئے تمہیں پانی سے بپتسمہ دیتا ہوں، لیکن میرے بعد
ایک آنے والا ہے جو مجھ سے زیادہ قدرتمند ہے۔ میں اس لائق بھی نہیں کہ اُس
کی جوتیاں اُٹھاؤں۔ وہ تمہیں روح القدس اور آگ سے بپتسمہ دے گا۔ ۱۲ اُس کا
چھاج اُس کے ہاتھ میں ہے اور وہ اپنا کھلیان اچھی طرح صاف کرے گا۔ وہ اپنا
گیہوں تو اپنے گودام میں جمع کرے گا، لیکن بھوسے کو ایسی آگ میں جلائے گا

ڈاجب کے جز کوا ”۱۳ جمعہ ہفتہ کے لیے اُمید کی خوشخبری سنانے والے
ملک راھبل کے بعد ہم دیکھتے ہیں کہ وہ کیا کچھ کرتا ہے، حزقیاہ کی بیماری
کے بعد۔ ۱۴ ”ڈاجب دمحمد سوچ میں کہ جذبہ کم ہو گیا ہے، ہفتہ
وقف مخلص حزقیاہ ۱۵b ”جلال نہ ہونے کی وجہ سے ہیکل
کی بیت کے لوگ۔“ ۱۶ ھفتہ ڈاجب محمد کی بڑی کامیابیوں کے
لحظہ بسبڑ، جلال نہ ہونے کی وجہ سے کہ پہلے، یکا ڈاجب بیت کی
ہم۔ ۱۷ ھفتہ کہ عجز بڑی لحظہ کی جذبے، یکا وقف عظیم
ملک بیت کی ہے ۱۸ نہ ڈاجب ہم کہ ہے کہ ڈیت جذبے، ہفتہ
جذبے، ھفتہ کہ محمد کی بسبڑ ڈاجب۔ ۱۹ ڈاجب ملک
جذبے، بڑی ڈاجب کے لیے کی لحظہ، ڈاجب بیت ڈیت محمد کی
ہم جب ھفتہ ڈاجب ۲۰ جلال جذبے بیت ہفتہ ۔ہفتہ
لحظہ، ہے کہ ڈاجب وکا کچھ جب وقف ہیکل ۔ہفتہ ۲۱ ڈاجب
جذبے عظیم، جے کہ ڈاجب وقف ڈاجب جذبے ۔ہفتہ ڈاجب ملک
حجبڈ۔

ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ

۲۲ ہم جب ڈاجب ہفتہ کے لیے ہیں ڈاجب ۔ہفتہ ہفتہ، ہفتہ
ہم کہ ہفتہ ہفتہ کی بسبڑ ہفتہ ۔ہفتہ ۲۳ ڈاجب ہفتہ ہفتہ
ہم کہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ
ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ۲۴ ھفتہ
حجبڈ، ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ
۲۵ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ
حقبڈ۔ ۲۶ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ ہفتہ: ”ڈجب،

---

[b] ۱۴:۳ محمد ۹:۲۱

יוחנן אומר לו: "אדם לא יכול לקבל דבר אלא אם כן ניתן לו מן השמים. כבר אמרתי לכם שאני לא המשיח, אלא שנשלחתי לפניו. כלה שייכת לחתן, אבל חבר החתן עומד ושומע את החתן ושמח מאוד כשהוא שומע את קולו. אני מרגיש כמו חבר החתן. הוא חייב להיות יותר ויותר חשוב, ואני פחות ופחות חשוב. הבא מלמעלה הוא מעל לכולם. הבא מן הארץ שייך לארץ ומדבר על דברים ארציים. הבא מן השמים הוא מעל לכולם. הוא מעיד על מה שראה ושמע, אבל אף אחד לא מקבל את עדותו. כל מי שמקבל את עדותו מאשר שאלוהים אמת. הוא שלח אותי, ואני מדבר את דבריו, כי הוא נותן לי את הרוח בלי גבול. האב אוהב את הבן ונתן לו את כל הדברים. כל מי שמאמין בבן יש לו חיי נצח. אבל כל מי שלא מקבל את הבן לא יראה חיי נצח, אלא אלוהים יעניש אותו."

ישוע ואשת השומרון

ד ישוע שמע שהפרושים שמעו שהוא עושה ומטביל יותר תלמידים מיוחנן. (למרות שלא ישוע עצמו טבל, אלא תלמידיו.) כשהוא שמע שהפרושים שמעו, הוא עזב את יהודה וחזר לגליל. בדרך הוא היה צריך לעבור דרך שומרון. בסוף הוא הגיע לעיר בשומרון שנקראת סיכר, ליד השדה שיעקב נתן ליוסף בנו. שם היתה בארו של יעקב. ישוע היה עייף מהנסיעה הארוכה, אז הוא ישב ליד הבאר. זה היה בערך בצהריים. אשה שומרונית באה לשאוב מים. ישוע אמר לה: "תני לי לשתות." (תלמידיו של ישוע הלכו לעיר לקנות אוכל.) האשה אמרה לישוע: "אתה יהודי ואני שומרונית. למה אתה מבקש ממני לשתות?" היהודים לא מדברים עם השומרונים.

ישוע ענה לה: "אם היית יודעת מי מבקש ממך לשתות, היית מבקשת ממנו מים חיים." האשה אמרה לו: "אדוני, אין לך אפילו דלי, והבאר עמוקה. איך תשיג מים חיים? אבותינו שתו מהבאר הזאת, ואתה חושב שאתה יותר גדול מיעקב?" ישוע ענה לה: "כל מי שיש לו מים מהבאר הזאת יצטרך לשתות שוב. אבל מי שישתה מהמים שאני אתן לו לעולם לא יצטרך לשתות שוב. המים שאני אתן לו יהפכו בתוכו לנחל של מים חיים, שיזרמו לחיי נצח."

ד וְעוֹדָם מְדַבְּרִים אֶל־הָעָם בָּאוּ עֲלֵיהֶם הַכֹּהֲנִים וְשַׂר בֵּית־הַמִּקְדָּשׁ וְהַצְּדוֹקִים׃ ה
בְּהִתְעַצְּבָם עַל־כִּי לִמְּדוּ אֶת־הָעָם וְהִגִּידוּ בְּיֵשׁוּעַ אֶת־תְּחִיַּת הַמֵּתִים׃ ו וַיִּתְפְּשׂוּ
בָּהֶם וַיַּשִּׂימוּם בְּבֵית־הָאֲסוּרִים עַד־יוֹם מָחָר כִּי עֶרֶב הָיָה כְּבָר׃ ז וְרַבִּים מִן־הַשֹּׁמְעִים
הַדָּבָר הֶאֱמִינוּ וַיְהִי מִסְפַּר הָאֲנָשִׁים לְבַדָּם כְּחָמֵשֶׁת אֲלָפִים׃ ח וַיְהִי מִמָּחֳרָת וַיִּקָּבְצוּ
רָאשֵׁי הָעָם וְהַזְּקֵנִים וְהַסּוֹפְרִים יְרוּשָׁלָיִם׃ ט וְחַנָּן הַכֹּהֵן הַגָּדוֹל וְקַיָּפָא וְיוֹחָנָן וְאַלֶכְסַנְדְּרוֹס
וְכָל־אֲשֶׁר מִזֶּרַע כֹּהֲנֵי הַגָּדוֹל׃ י וַיַּעֲמִידוּ אֶת־הַשְּׁנַיִם בְּתוֹכָם וַיִּשְׁאֲלוּ אוֹתָם בְּאֵי־זֶה
כֹּחַ וּבְאֵי־זֶה שֵׁם עָשׂוּ זֹאת׃ יא אָז פֶּטֶר מָלֵא רוּחַ־קֹדֶשׁ וַיֹּאמֶר אֲלֵיהֶם רָאשֵׁי הָעָם
וְהַזְּקֵנִים שִׁמְעוּ נָא׃ יב אִם־עַל־אֹדוֹת הַחוֹלֶה הַזֶּה נִשְׁפָּטִים אֲנַחְנוּ הַיּוֹם וְעַל־אֹדוֹת
הֵיטִיב עִמּוֹ בְּאֵי־זֶה כֹּחַ נִרְפָּא׃ יג יִשְׂרָאֵל כֻּלּוֹ יֵדַע נָא כִּי בְּשֵׁם יֵשׁוּעַ הַנָּצְרִי אֲשֶׁר
אַתֶּם תְּלִיתֶם עַל־עֵץ וַאֲשֶׁר הֲקִימוֹ אֱלֹהִים מִן־הַמֵּתִים בְּשֵׁם הַזֶּה עָמַד הַחוֹלֶה הַזֶּה
לִפְנֵיכֶם בָּרִיא׃ יד הוּא הָאֶבֶן אֲשֶׁר מְאַסְתֶּם בָּהּ בּוֹנִים אֲשֶׁר הָיְתָה לְרֹאשׁ פִּנָּה׃ טו וְאֵין
בְּאֵי־מִי אַחֵר לְהוֹשִׁיעַ כִּי אֵין שֵׁם אַחֵר תַּחַת הַשָּׁמַיִם אֲשֶׁר נִתַּן בֵּין בְּנֵי אָדָם וְאֲשֶׁר
בּוֹ נִוָּשַׁע אֲנָשִׁים׃ טז וַיִּרְאוּ אֶת־עֹז פִּי פֶּטֶר וְיוֹחָנָן וַיִּתְמְהוּ כִּי אֲנָשִׁים עַמֵּי הָאָרֶץ
וְלֹא לָמְדוּ דָּבָר הֵמָּה וַיַּכִּירוּ כִּי אֶת־יֵשׁוּעַ הָיוּ עִמָּם׃ יז וְהִנֵּה הָאִישׁ הַנִּרְפָּא עֹמֵד
אִתָּם וְאֵין לָהֶם מַה־לַּעֲנוֹת׃ יח וַיְצַוּוּם לָצֵאת מִן־הַמּוֹעֵצָה וַיִּוָּעֲצוּ בֵּינֵיהֶם׃ יט לֵאמֹר
מַה־נַּעֲשֶׂה לָאֲנָשִׁים הָאֵלֶּה כִּי אוֹת נִכָּר נִרְאָה עַל־יָדָם לְכָל־יוֹשְׁבֵי יְרוּשָׁלַיִם וְאֵין
לָנוּ יְכֹלֶת לְהַכְחִישׁ׃ כ אַךְ לְבִלְתִּי הָפְצָה עוֹד בָּעָם נְאַיְּמֵם וְלֹא יְדַבְּרוּ עוֹד בְּשֵׁם הַזֶּה
אֶל־אִישׁ׃ כא וַיִּקְרָאוּ אֲלֵיהֶם וַיְצַוּוּם לְבִלְתִּי דַּבֵּר וְלַמֵּד בְּשֵׁם יֵשׁוּעַ כְּלָל וְלֹא שָׁמְעוּ
אֲלֵיהֶם פֶּטֶר וְיוֹחָנָן׃ כב וַיֹּאמֶר אֲלֵיהֶם הֲיֵשׁ לִשְׁמֹעַ אֲלֵיכֶם יוֹתֵר מִשְּׁמֹעַ אֶל־אֱלֹהִים
שִׁפְטוּ אַתֶּם׃ כג כִּי אֵין אֲנַחְנוּ יְכוֹלִים לְבִלְתִּי דַּבֵּר אֶת־אֲשֶׁר רָאִינוּ וְשָׁמָעְנוּ׃ כד וַיְאַיְּמוּם
עוֹד וַיְשַׁלְּחוּם כִּי לֹא מָצְאוּ דָּבָר לְהַעֲנִישָׁם עַל־אֹדוֹת הָעָם כִּי כֻלָּם הִלְלוּ אֱלֹהִים עַל
אֲשֶׁר נַעֲשָׂה׃ כה כִּי בֶן־אַרְבָּעִים שָׁנָה הָיָה הָאִישׁ אֲשֶׁר נִרְפָּא בְּמוֹפֵת זֶה׃ כו וַיְהִי כְּשׁוּבָם
אֶל־חֲבֵרֵיהֶם וַיַּגִּידוּ לָהֶם כָּל־אֲשֶׁר אָמְרוּ אֲלֵיהֶם רָאשֵׁי הָעָם וְהַזְּקֵנִים׃ כז וַיִּשְׁמְעוּ
וַיִּשְׂאוּ קוֹל אֶל־אֱלֹהִים וַיֹּאמְרוּ אֲדֹנָי אַתָּה הָאֵל עֹשֵׂה הַשָּׁמַיִם וְהָאָרֶץ וְהַיָּם וְכָל־אֲשֶׁר
בָּם׃ כח הָאֹמֵר בְּפִי דָּוִד עַבְדֶּךָ לָמָּה רָגְשׁוּ גּוֹיִם וּלְאֻמִּים הָגוּ רִיק׃ כט עָמְדוּ מַלְכֵי־אֶרֶץ
וְרוֹזְנִים נוֹסְדוּ יָחַד עַל־יְהוָה וְעַל־מְשִׁיחוֹ׃ ל כִּי אָכֵן נֶאֶסְפוּ בָּעִיר הַזֹּאת הֹרוֹדוֹס וְגַם
פָּנְטִיוֹס פִּילָטוֹס עִם־גּוֹיִם וְעַם־יִשְׂרָאֵל עַל־עַבְדְּךָ הַקָּדוֹשׁ אֲשֶׁר מָשַׁחְתָּ׃ לא לַעֲשׂוֹת
אֵת אֲשֶׁר־יָעַצְתָּה יָדְךָ וְרֹאשְׁךָ הָיָה לִפְנֵי־זֶה לִהְיוֹת׃ לב וְעַתָּה אֲדֹנָי הַבִּיטָה אֶל־אַיְמֵיהֶם
וְתֵן לַעֲבָדֶיךָ לְדַבֵּר אֶת־דְּבָרְךָ בְּכָל־עֹז׃ לג וּבְהוֹשִׁיטְךָ יָדְךָ לִרְפוֹא וּלְהַעֲשׂוֹת אוֹתוֹת
וּמוֹפְתִים בְּשֵׁם קָדְשְׁךָ יֵשׁוּעַ עַבְדֶּךָ׃ לד וַיְהִי כְּהִתְפַּלְלָם וַיִּרְעַשׁ הַמָּקוֹם אֲשֶׁר הָיוּ שָׁם
מְקֻבָּצִים וַיִּמָּלְאוּ כֻלָּם רוּחַ־קֹדֶשׁ וַיְדַבְּרוּ אֶת־דְּבַר אֱלֹהִים בְּעֹז׃ לה וְהַמַּאֲמִינִים הָיוּ
לְלֵב אֶחָד וְלָנֶפֶשׁ אַחַת וְאֵין אִישׁ מֵהֶם אֹמֵר כִּי רְכוּשׁוֹ הוּא לְבַדּוֹ כִּי אִם כָּל־אֲשֶׁר לָהֶם
הָיָה לָהֶם לְרֵעִים׃ לו וְיוֹסֵף אֲשֶׁר נִקְרָא בַּרְנַבָּא מִן־הַשְּׁלִיחִים אֲשֶׁר פֵּרוּשׁוֹ בֶּן־נֶחָמָה
הַלֵּוִי אִישׁ קַפְרִסִּי׃ לז וַיִּמְכֹּר שָׂדֶה אֲשֶׁר לוֹ וַיָּבֵא אֶת־הַכֶּסֶף וַיָּשֶׂם לִפְנֵי רַגְלֵי הַשְּׁלִיחִים׃

ד:ה ראה ל״ב ל״ג; יט:לג; מתי יב:לב; לוקס יב:י

[١٩] ﻢﻬﻴﻠﻋ ﻞﻛ ﻲﺗﺎﻳ ﻮﻫ ﺞﺠﻳ: "ﻮﺒﺧ، ﻲﺴﻴﺋ ﻦﻣ ﺪﻨﺘﺒﻟ ﻦﻣ ﻮﻫ. [٢٠] "ﺰﺠﻴﺠﻟ
ﻲﻟﻮﺻ ﺪﻴﺧ ﺪﻴﺑ ﻦﻣ ﺎﻤﻫﺪﺣﺍ ﻲﻫ ﺰﻴﺠﻟ، ﺎﻨﺋ ﺰﻴﺠﻟ ﺎﻣ ﺪﻴﺧ ﺪﻴﺑ ﻦﻣ ﺎﻤﻫﺪﺣﺍ ﻲﻫ
ﻚﻟ

الشياطين فتخرج، وتصرخ بصوت عظيم قائلة: أنت هو ابن الله!
فانتهرها يسوع ولم يدعها تتكلم، لأنها علمت أنه هو المسيح.
٤٢ ولما صار النهار خرج ومضى إلى موضع خلاء، والجموع
طلبوه حتى أتوا إليه، وحاولوا أن يمنعوه لكي لا يذهب عنهم.
٤٣ فقال لهم: «ينبغي أن أبشر بملكوت الله في المدن الأخرى
أيضا، لأني لهذا قد أرسلت». ٤٤ وكان يكرز في مجامع اليهود
في اليهودية.

شفاء المجنون الأعمى

متى ٨:٥-١٣؛ لوقا ٧:١-١٠

٥ وفيما كان الجمع يزدحم عليه ليسمع كلمة الله، كان واقفا
عند بحيرة جنيسارت، ٢ فرأى سفينتين واقفتين عند البحيرة،
وقد نزل الصيادون منهما وغسلوا شباكهم. ٣ فدخل إحدى
السفينتين، وكانت لسمعان، وطلب إليه أن يبتعد قليلا عن
الشاطئ. ثم جلس وجعل يعلم الجموع من السفينة. ٤ ولما
فرغ من الكلام قال لسمعان: «ابعد إلى العمق، وألقوا شباككم
للصيد». ٥ فأجاب سمعان وقال له: «يا معلم، قد تعبنا الليل
كله ولم نصطد شيئا، ولكن على كلمتك سأرمي الشبكة».
٦ ولما فعلوا ذلك اصطادوا كمية كبيرة من السمك، حتى
كادت شبكتهم تتمزق. ٧ فأشاروا إلى شركائهم الذين في
السفينة الأخرى أن يأتوا ويساعدوهم، فأتوا وملأوا السفينتين

٤٧ רְדִי֙ שְׁבִ֣י עֲפָ֔ר בְּתוּלַ֖ת בַּת־בָּבֶ֑ל שְׁבִי־לָ֙ךְ אֶ֣רֶץ כִּסֵּ֔א אֵ֥ין כִּסֵּ֖א בַּת־כַּשְׂדִּ֑ים כִּ֣י לֹ֤א תוֹסִ֙יפִי֙ יִקְרְאִ֣י לָ֔ךְ רַכָּ֖ה וַעֲדִינָֽה׃ ٤٨ קְחִ֤י רֵחַיִם֙ וְטַחֲנִ֣י קָמַ֔חַ גַּלִּ֥י צַמָּתֵ֖ךְ חֶשְׂפִּ֣י שֹׁ֑בֶל גַּלִּי־יָ֖רֶךְ עִבְרִ֥י נְהָרֽוֹת׃ ٤٩ תִּגָּל֙ עֶרְוָתֵ֔ךְ גַּם־תֵּרָאֶ֖ה חֶרְפָּתֵ֑ךְ נָקָ֤ם אֶקָּח֙ וְלֹ֣א אֶפְגַּ֔ע אָמַ֥ר גֹּאֲלֵ֖נוּ יְהוָ֥ה צְבָא֛וֹת שְׁמ֑וֹ קְד֥וֹשׁ יִשְׂרָאֵֽל׃ ٥٠ שְׁבִ֤י דֻמָּה֙ בָּֽא־חֹ֔שֶׁךְ בַּת־כַּשְׂדִּ֖ים כִּ֣י לֹא־תוֹסִ֥יפִי יִקְרְאִ֖י לָ֑ךְ גְּבֶ֖רֶת מַמְלָכֽוֹת׃ ٥١ קָצַ֤פְתִּי עַמִּי֙ חִלַּ֣לְתִּי נַחֲלָתִ֔י אֶתְּנֵ֖ם בְּיָדֵ֑ךְ לֹא־שַׂ֤מְתְּ לָהֶם֙ רַחֲמִ֔ים עַל־זָקֵ֖ן הִכְבַּ֥דְתְּ עֻלֵּ֖ךְ מְאֹֽד׃ ٥٢ וַתֹּ֣אמְרִ֔י לֹ֥א אֶהְיֶ֖ה גְּבֶ֣רֶת לְעוֹלָ֑ם עַד־לֹ֣א שַׂ֤מְתְּ אֶל־לִבֵּךְ֙ לֹא־זָכַ֣רְתְּ אַחֲרִיתָֽהּ׃ ٥٣ וְעַתָּ֣ה שִׁמְעִי־זֹ֔את עֲדִינָ֖ה הַיּוֹשֶׁ֣בֶת לָבֶ֑טַח הָאֹמֶ֣רֶת בִּלְבָבֵ֔ךְ אֲנִ֥י וְאַפְסִ֖י עוֹד֙ לֹא־אֵשֵׁ֣ב אַלְמָנָ֔ה וְלֹ֥א אֵדַ֖ע שִׁכּוֹלֽ׃ ٥٤ וּבָ֣אוּ לָ֔ךְ שְׁתֵּ֥י אֵל֖וּ בְּרֶ֣גַע בְּי֣וֹם אֶחָ֑ד שִׁכּ֤וֹל וְאַלְמָנָה֙ בְּתַמָּ֣ם בָּ֔אוּ עַל־רֹ֥ב כְּשָׁפַ֖יִךְ בְּעֹצֶ֥ם חַבָּרַ֖יִךְ מְאֹֽד׃ ٥٥ וַתִּבְטְחִי֙ בְּרָעָתֵ֔ךְ אָמַ֕רְתְּ אֵ֥ין רֹאָ֖נִי חָכְמָתְךָ֣ וְדַעְתֵּ֑ךְ הִ֣יא שֹׁבָבָ֔תְךְ וַתֹּ֣אמְרִ֔י אֲנִ֥י וְאַפְסִ֖י עוֹד֙ ٥٦ וַתָּבֹ֤א עָלֶ֙יךָ֙ רָעָ֔ה לֹ֥א תֵדְעִ֖י שַׁחְרָ֑הּ וְתִפֹּ֤ל עָלֶ֙יךָ֙ הוֹ֔ת לֹ֥א תוּכְלִ֖י כָּפְרָ֑הּ וְתָבֹ֤א עָלֶ֙יךָ֙ פִּתְאֹ֔ם לֹ֥א תֵדָֽעִי׃ ٥٧ עִמְדִי־נָ֙א֙ בְּחַבָּרַ֔יִךְ וּבְרֹ֥ב כְּשָׁפַ֖יִךְ אֲשֶׁ֣ר יָגַ֑עַתְּ מִנְּעוּרַ֔יִךְ אוּלַ֥י תּוּכְלִ֖י הוֹעִ֑יל אוּלַ֖י תַּעֲרִיצִֽי׃ ٥٨ נִלְאִ֤ית בְּרֹב֙ עֲצָתָ֔יִךְ יַעַמְדוּ־נָ֙א֙ וְיוֹשִׁיעֻ֔ךְ הֹבְרֵ֥י שָׁמַ֖יִם הַחֹזִ֣ים בַּכּוֹכָבִ֑ים מוֹדִעִ֣ים לֶחֳדָשִׁ֔ים מִמֶּ֖ךָּ אֵ֥ת אֲשֶׁר־יָבֹֽאוּ׃ ٥٩ הִנֵּ֣ה הָיוּ֙ כְּקַ֔שׁ אֵ֥שׁ שָׂרָ֖פָתַם לֹא־יַצִּ֣ילוּ אֶת־נַפְשָׁ֑ם לֹא־יִהְיֶ֤ה גַחֶ֙לֶת֙ לִצְלוֹתָ֔ם אוּר֙ לָשֶׁ֔בֶת נֶגְדּֽוֹ׃ ٦٠ כֵּ֚ן הָיוּ־לָ֔ךְ עָמָ֖ל סָחֲרֵ֑ךְ נָעוּ֙ לְתַעְתֻּעֶ֔יהָ אֵ֥ין מוֹשִׁ֖יעַ לָֽךְ׃

מה שהיה יהיה

٤٧ ١ יְרַ֣ד וְשֵׁ֔בָה בְּתוּלַ֖ת בַּת־בָּבֶ֑ל שְׁבִי־לָ֙ךְ אֶ֣רֶץ כִּסֵּ֔א אֵ֥ין כִּסֵּ֖א בַּת־כַּשְׂדִּ֑ים כִּ֣י לֹ֤א תוֹסִ֙יפִי֙ יִקְרְאִ֣י לָ֔ךְ רַכָּ֖ה וַעֲדִינָֽה׃ ٢ קְחִ֤י רֵחַיִם֙ וְטַחֲנִ֣י קָמַ֔חַ גַּלִּ֥י צַמָּתֵ֖ךְ חֶשְׂפִּ֣י שֹׁ֑בֶל גַּלִּי־יָ֖רֶךְ עִבְרִ֥י נְהָרֽוֹת׃ ٣ תִּגָּל֙ עֶרְוָתֵ֔ךְ גַּם־תֵּרָאֶ֖ה חֶרְפָּתֵ֑ךְ נָקָ֤ם אֶקָּח֙ וְלֹ֣א אֶפְגַּ֔ע ٤ אָמַ֥ר גֹּאֲלֵ֖נוּ יְהוָ֥ה צְבָא֛וֹת שְׁמ֑וֹ קְד֥וֹשׁ יִשְׂרָאֵֽל׃ ٥ שְׁבִ֤י דֻמָּה֙ בָּֽא־חֹ֔שֶׁךְ בַּת־כַּשְׂדִּ֖ים כִּ֣י לֹא־תוֹסִ֥יפִי יִקְרְאִ֖י לָ֑ךְ גְּבֶ֖רֶת מַמְלָכֽוֹת׃ ٦ קָצַ֤פְתִּי עַמִּי֙ חִלַּ֣לְתִּי נַחֲלָתִ֔י אֶתְּנֵ֖ם בְּיָדֵ֑ךְ לֹא־שַׂ֤מְתְּ לָהֶם֙ רַחֲמִ֔ים עַל־זָקֵ֖ן הִכְבַּ֥דְתְּ עֻלֵּ֖ךְ מְאֹֽד׃ ٧ וַתֹּ֣אמְרִ֔י לֹ֥א אֶהְיֶ֖ה גְּבֶ֣רֶת לְעוֹלָ֑ם עַד־לֹ֣א שַׂ֤מְתְּ אֶל־לִבֵּךְ֙ לֹא־זָכַ֣רְתְּ אַחֲרִיתָֽהּ׃ ٨ וְעַתָּ֣ה שִׁמְעִי־זֹ֔את עֲדִינָ֖ה הַיּוֹשֶׁ֣בֶת לָבֶ֑טַח הָאֹמֶ֣רֶת בִּלְבָבֵ֔ךְ אֲנִ֥י וְאַפְסִ֖י עוֹד֙ לֹא־אֵשֵׁ֣ב אַלְמָנָ֔ה וְלֹ֥א אֵדַ֖ע שִׁכּוֹלֽ׃ ٩ וּבָ֣אוּ לָ֔ךְ שְׁתֵּ֥י אֵל֖וּ בְּרֶ֣גַע בְּי֣וֹם אֶחָ֑ד שִׁכּ֤וֹל וְאַלְמָנָה֙ בְּתַמָּ֣ם בָּ֔אוּ עַל־רֹ֥ב כְּשָׁפַ֖יִךְ בְּעֹצֶ֥ם חַבָּרַ֖יִךְ מְאֹֽד׃ ١٠ וַתִּבְטְחִי֙ בְּרָעָתֵ֔ךְ אָמַ֕רְתְּ אֵ֥ין רֹאָ֖נִי חָכְמָתְךָ֣ וְדַעְתֵּ֑ךְ הִ֣יא שֹׁבָבָ֔תְךְ וַתֹּ֣אמְרִ֔י אֲנִ֥י וְאַפְסִ֖י עוֹד֙ ١١ וַתָּבֹ֤א עָלֶ֙יךָ֙ רָעָ֔ה לֹ֥א תֵדְעִ֖י שַׁחְרָ֑הּ וְתִפֹּ֤ל עָלֶ֙יךָ֙ הוֹ֔ת לֹ֥א תוּכְלִ֖י כָּפְרָ֑הּ וְתָבֹ֤א עָלֶ֙יךָ֙ פִּתְאֹ֔ם לֹ֥א תֵדָֽעִי׃ ١٢ עִמְדִי־נָ֙א֙ בְּחַבָּרַ֔יִךְ וּבְרֹ֥ב כְּשָׁפַ֖יִךְ אֲשֶׁ֣ר יָגַ֑עַתְּ מִנְּעוּרַ֔יִךְ אוּלַ֥י תּוּכְלִ֖י הוֹעִ֑יל אוּלַ֖י תַּעֲרִיצִֽי׃ ١٣ נִלְאִ֤ית בְּרֹב֙ עֲצָתָ֔יִךְ יַעַמְדוּ־נָ֙א֙ וְיוֹשִׁיעֻ֔ךְ הֹבְרֵ֥י שָׁמַ֖יִם הַחֹזִ֣ים בַּכּוֹכָבִ֑ים מוֹדִעִ֣ים לֶחֳדָשִׁ֔ים מִמֶּ֖ךָּ אֵ֥ת אֲשֶׁר־יָבֹֽאוּ׃ ١٤ הִנֵּ֣ה הָיוּ֙ כְּקַ֔שׁ אֵ֥שׁ שָׂרָ֖פָתַם לֹא־יַצִּ֣ילוּ אֶת־נַפְשָׁ֑ם לֹא־יִהְיֶ֤ה גַחֶ֙לֶת֙ לִצְלוֹתָ֔ם אוּר֙ לָשֶׁ֔בֶת נֶגְדּֽוֹ׃ ١٥ כֵּ֚ן הָיוּ־לָ֔ךְ עָמָ֖ל סָחֲרֵ֑ךְ נָעוּ֙ לְתַעְתֻּעֶ֔יהָ אֵ֥ין מוֹשִׁ֖יעַ לָֽךְ׃

"מִנַּיִן לָכֶם הַמַּחְשָׁבוֹת הָרָעוֹת הָאֵלֶּה? ח כִּי מַה־קַּל לֵאמֹר לַמְשֻׁתָּק: 'נְשׂוֹא
חַטֹּאתֶיךָ', אוֹ לֵאמֹר: 'קוּם וְהִתְהַלֵּךְ'? ט אֲבָל לְמַעַן תֵּדְעוּ כִּי לְבֶן־הָאָדָם
רָשׁוּת עַל־הָאָרֶץ לִסְלֹחַ חַטֹּאוֹת" – אָז אָמַר לַמְשֻׁתָּק: י"קוּם, שָׂא אֶת־
מִטָּתְךָ וְלֵךְ לְבֵיתֶךָ!" יא וַיָּקָם וַיֵּלֶךְ לְבֵיתוֹ. יב וְהֶהָמוֹן רָאָה וַיִּירָא וַיְפָאֵר
אֶת־הָאֱלֹהִים אֲשֶׁר נָתַן כָּזֹאת רָשׁוּת לִבְנֵי אָדָם.

יג וַיְהִי בְּעָבְרוֹ מִשָּׁם וַיַּרְא אִישׁ יוֹשֵׁב בְּבֵית הַמֶּכֶס וּשְׁמוֹ מַתִּתְיָהוּ, וַיֹּאמֶר
אֵלָיו: "לֵךְ אַחֲרָי!" וַיָּקָם וַיֵּלֶךְ אַחֲרָיו. יד וַיְהִי בְּשִׁבְתּוֹ בְּבֵיתוֹ וְהִנֵּה רַבִּים
מִן־הַמֹּכְסִים וְהַחַטָּאִים בָּאוּ וַיָּסֹבּוּ אֶת־יֵשׁוּעַ וְאֶת־תַּלְמִידָיו. טו וַיְהִי כִּי
רָאוּ הַפְּרוּשִׁים וַיֹּאמְרוּ אֶל־תַּלְמִידָיו: "מַדּוּעַ יֹאכַל רַבְּכֶם עִם־מֹכְסִים
וְחַטָּאִים?" טז וַיִּשְׁמַע יֵשׁוּעַ וַיֹּאמֶר: "לֹא הָרֹפְאִים צְרִיכִים לָאִישׁ הַבָּרִיא
כִּי אִם־לַחוֹלִים. יז וְאַתֶּם לְכוּ וְלִמְדוּ מַה־זֹּאת אָמַר: 'חֶסֶד אֶחְפָּץ וְלֹא
זָבַח'; כִּי לֹא בָאתִי לִקְרֹא לְצַדִּיקִים כִּי אִם־לְחַטָּאִים לְתְשׁוּבָה."

יח וַיְהִי בְּדַבֵּר אֵלֶּה אֲלֵיהֶם וְהִנֵּה בָּא אֵלָיו אִישׁ אֶחָד מִן־הַשָּׂרִים וַיִּשְׁתָּחוּ
לְפָנָיו וַיֹּאמֶר: "בִּתִּי עַתָּה מֵתָה, אַךְ בֹּאָה וְשִׂימָה יָדְךָ עָלֶיהָ וְתִחְיֶה."
יט וַיָּקָם יֵשׁוּעַ וַיֵּלֶךְ אַחֲרָיו וְתַלְמִידָיו גַּם־כֵּן. כ וְהִנֵּה אִשָּׁה אֲשֶׁר זָבָה דָּם
שְׁתֵּים עֶשְׂרֵה שָׁנָה נִגְּשָׁה מֵאָחוֹר וַתִּגַּע בִּכְנַף בִּגְדוֹ, כא כִּי אָמְרָה בְּלִבָּהּ:
"אִם־אַךְ אֶגַּע בִּבְגָדָיו אֶוָּשֵׁעָה." כב וַיִּפֶן יֵשׁוּעַ וַיִּרְאֶהָ וַיֹּאמֶר: "בִּתִּי
בִּטְחִי בֶּאֱמוּנָתֵךְ הוֹשִׁיעָה לָךְ." וַתִּוָּשַׁע הָאִשָּׁה מֵאָז. כג וַיְהִי כְּבוֹא יֵשׁוּעַ
בְּבֵית הַשַּׂר וַיַּרְא אֶת־הַמְנַגְּנִים וְאֶת־הֶהָמוֹן מְהוּמָם, כד וַיֹּאמֶר: "לְכוּ
מִזֶּה, כִּי לֹא מֵתָה הַיַּלְדָּה כִּי אִם־יְשֵׁנָה." וַיִּלְעֲגוּ לוֹ. כה וַיְהִי כַּאֲשֶׁר הוֹצִיא
אֶת־הֶהָמוֹן וַיָּבֹא וַיֹּאחֶז בְּיַד הַיַּלְדָּה וַתָּקָם. כו וַתֵּצֵא הַשְּׁמוּעָה הַזֹּאת
בְּכָל־הָאָרֶץ הַהִיא.

---

d 9:10 זכריה 21:17

الخطية الجنسية

١٩ وهكذا يقول السيد الرب: "أيها الرعاة الأشرار الذين يدمرون
ويشتتون خراف مرعاي، لأنكم لم تعتنوا بها جيدًا، بل اعتنيتم
بأنفسكم فقط وتركتم خرافي للجوع. ٢٠"هكذا قال السيد الرب
لهؤلاء الرعاة الأشرار: سأعاقبكم على شروركم، وأنقذ خرافي
من أفواهكم، فلا تعود تفترسها. ٢١"هكذا قال السيد الرب
لهؤلاء الرعاة الأشرار: سأعاقبكم على شروركم، وأنقذ خرافي
من أفواهكم، فلا تعود تفترسها. ٢٢"هكذا قال السيد الرب
لهؤلاء الرعاة الأشرار: سأعاقبكم على شروركم، وأنقذ خرافي
من أفواهكم، فلا تعود تفترسها. ٢٣"وأقيم عليها راعيًا واحدًا
يرعاها، عبدي داود، فيرعاها ويكون راعيًا لها. ٢٤"أنا الرب
إلهها، وعبدي داود رئيسًا بينها. أنا الرب قد تكلمت.
٢٥"وأقطع معها عهد سلام، وأطرد الوحوش الضارية من الأرض،
فيسكن الناس في البرية بأمان وينامون في الغابات بسلام.
٢٦"وأجعلها وما حول تلي بركة، وأرسل الغيث في وقته،
فتكون غيوث بركة. ٢٧"وتعطي أشجار الحقل ثمارها، والأرض
تعطي غلتها، وتسكن شعبي في أرضها بأمان. وعندما أحطم
قضبان نيرهم، وأنقذهم من أيدي الذين استعبدوهم، يعلمون
أني أنا الرب. ٢٨"لن يصبحوا بعد غنيمة للأمم، ولن تفترسهم
وحوش البرية، بل يسكنون بأمان، ولن يخيفهم أحد. ٢٩"وأهيئ
لهم أرضًا مشهورة بمحاصيلها، فلا يموتون جوعًا في الأرض،
ولا يحتملون بعد عار الأمم. ٣٠e"فيعلمون أني أنا الرب إلههم
معهم، وأنهم شعبي أنا بيت إسرائيل، يقول السيد الرب.

---

e٣٠ ٥:٢٩ حزقيال ٢:١٢

ومن يتزوج بمطلقة فإنه يزني. ٣٣ «وأيضا قد سمعتم أنه قيل للقدماء لا تحنث بل أوف للرب أقسامك. ٣٤ وأما أنا فأقول لكم لا تحلفوا البتة لا بالسماء لأنها عرش الله ٣٥ ولا بالأرض لأنها موطئ قدميه ولا بأورشليم لأنها مدينة الملك العظيم. ٣٦ ولا تحلف برأسك لأنك لا تقدر أن تجعل شعرة واحدة بيضاء أو سوداء. ٣٧ بل ليكن كلامكم نعم نعم لا لا وما زاد على هذا فهو من الشرير. ٣٨ «سمعتم أنه قيل عين بعين وسن بسن. ٣٩ وأما أنا فأقول لكم لا تقاوموا الشر بل من لطمك على خدك الأيمن فحول له الآخر أيضا. ٤٠ ومن أراد أن يخاصمك ويأخذ ثوبك فاترك له الرداء أيضا. ٤١ ومن سخرك ميلا واحدا فاذهب معه اثنين. ٤٢ أعط من سألك ومن أراد أن يقترض منك فلا ترده. ٤٣ «سمعتم أنه قيل تحب قريبك وتبغض عدوك. ٤٤ وأما أنا فأقول لكم أحبوا أعداءكم باركوا لاعنيكم أحسنوا إلى مبغضيكم وصلوا لأجل الذين يسيئون إليكم ويطردونكم ٤٥ لكي تكونوا أبناء أبيكم الذي في السماوات فإنه يشرق شمسه على الأشرار والصالحين ويمطر على الأبرار والظالمين.

[٤٦] "هُتَّت ڽ حَحَّك ەه، ەەه ڤەڤەڤەڤ ڤ ڤەڤەڤەڤ ەەه ڤەڤەڤەڤ ڤەڤەڤ، ڤەڤەڤ ەەه ڤەڤەڤەڤ ڤ ڤەڤەڤەڤ ڤەڤەڤ ڤ ڤەڤەڤ ڤەڤەڤ ڤ ڤەڤەڤ ڤەڤەڤ ڤ

[13] ضَحِكَتْ سارَةُ في نَفْسِها قائِلَةً: «بَعْدَ أَنْ شِخْتُ وَسَيِّدي شَيْخٌ، أَيَكُونُ لي
[14] وَلَدٌ حَقًّا؟» فَقالَ الرَّبُّ لإِبْراهيمَ: «لِماذا ضَحِكَتْ سارَةُ قائِلَةً: أَحَقًّا سَأَلِدُ
وَأَنا عَجُوزٌ؟ [15] هَلْ يَعْسُرُ عَلَى الرَّبِّ شَيْءٌ؟ في الْمَوْعِدِ الَّذي عَيَّنْتُهُ لَكَ
أَعُودُ إِلَيْكَ في السَّنَةِ الْمُقْبِلَةِ، وَيَكُونُ لِسارَةَ وَلَدٌ». [16] فَأَنْكَرَتْ سارَةُ
قائِلَةً: «لَمْ أَضْحَكْ»، لأَنَّها خافَتْ. فَقالَ: «بَلْ ضَحِكْتِ».

إبراهيم يشفع في سدوم

[17] وَقامَ الرِّجالُ مِنْ هُناكَ وَتَطَلَّعُوا نَحْوَ سَدُومَ، وَكانَ إِبْراهيمُ يُشَيِّعُهُمْ.
[18] وَقالَ الرَّبُّ: «أَيُمْكِنُ أَنْ أُخْفِيَ عَنْ إِبْراهيمَ ما أَنا عَازِمٌ عَلَى عَمَلِهِ،
[19] وَهُوَ يَصِيرُ أُمَّةً كَبيرَةً وَقَوِيَّةً، وَبِهِ تَتَبارَكُ جَمِيعُ أُمَمِ الأَرْضِ؟ [20] لأَنِّي
اخْتَرْتُهُ لِيُوصِيَ بَنِيهِ وَأَهْلَ بَيْتِهِ مِنْ بَعْدِهِ أَنْ يَحْفَظُوا طَرِيقَ الرَّبِّ
وَيَعْمَلُوا بِالْبِرِّ وَالْعَدْلِ، لِكَيْ يُحَقِّقَ الرَّبُّ لإِبْراهيمَ كُلَّ مَا وَعَدَهُ بِهِ».
[21] فَقالَ الرَّبُّ: «إِنَّ صُراخَ سَدُومَ وَعَمُورَةَ قَدْ كَثُرَ، وَإِنَّ خَطِيَّتَهُمْ قَدْ
عَظُمَتْ جِدًّا. [22] فَأَنْزِلُ وَأَرَى هَلْ عَمِلُوا بِالْكُلِّيَّةِ كَالصُّراخِ الَّذي
بَلَغَنِي، أَمْ لا، لأَعْلَمَ».

إبراهيم يساوم

[23] فَتَقَدَّمَ إِبْراهيمُ وَقالَ: «أَتُهْلِكُ الْبارَّ مَعَ الأَثيمِ؟ [24] رُبَّما كانَ خَمْسُونَ
بارًّا في الْمَدينَةِ، أَتُهْلِكُهُمْ وَلا تَصْفَحُ عَنِ الْمَكانِ مِنْ أَجْلِ الْخَمْسينَ

فقط عصاً. لا خبزاً ولا مزوداً ولا نقوداً في أحزمتهم. [٩] بل أوصاهم أن يلبسوا صنادل في أرجلهم، وأن لا يلبسوا ثوبين. [١٠] وقال لهم: «حيثما دخلتم بيتاً فأقيموا فيه حتى ترحلوا من ذلك المكان. [١١] وإذا لم يقبلكم أحد في مكان ما ولم يصغ إليكم، فاخرجوا من هناك وانفضوا التراب الذي على أقدامكم شهادة عليهم.» [١٢] فخرج التلاميذ ينادون بالتوبة، [١٣] وطردوا شياطين كثيرة، ومسحوا بالزيت مرضى كثيرين فشفوهم.

[١٤] وسمع الملك هيرودس بما كان يسوع يعمله، لأن اسمه كان قد ذاع، فقال بعض الناس: «يوحنا المعمدان قد قام من بين الأموات، ولذلك تظهر فيه هذه القوى العجيبة.» [١٥] وقال آخرون: «إنه إيليا.» وقال غيرهم: «إنه نبي كأحد أنبياء الأزمنة الماضية.» [١٦] فلما سمع هيرودس بذلك قال: «يوحنا الذي قطعت رأسه قد قام من بين الأموات.»

[١٧] فإن هيرودس كان قد أرسل رجاله وألقى القبض على يوحنا وأوثقه في السجن بسبب هيروديا زوجة فيلبس أخيه، لأنه كان قد تزوجها. [١٨] وكان يوحنا يقول لهيرودس: «لا يحل لك أن تأخذ زوجة أخيك.» [١٩] فكانت هيروديا تضمر الشر ليوحنا وتريد قتله، ولكنها لم تستطع ذلك. [٢٠] لأن هيرودس كان يهاب يوحنا، عالماً أنه رجل بار وقديس، فكان يحميه. وكان يستمع إليه بسرور كلما تكلم، على الرغم من أنه كان يحتار في كثير من أقواله.

[٢١] وأخيراً جاء اليوم المناسب عندما أقام هيرودس وليمة في يوم مولده لكبار رجال دولته وقادة جيشه ووجهاء الجليل. [٢٢] فدخلت ابنة هيروديا وقامت ترقص أمامهم، فسرت كثيراً الملك وضيوفه. فقال الملك للفتاة: «اطلبي مني ما تشائين وسأعطيك.» [٢٣] وأقسم لها قائلاً: «مهما طلبت مني فسأعطيك حتى نصف مملكتي.» [٢٤] فخرجت وسألت أمها: «ماذا أطلب؟» فأجابت: «رأس يوحنا المعمدان.» [٢٥] فعادت الفتاة مسرعة إلى الملك وطلبت منه قائلة: «أريد أن تعطيني الآن على طبق رأس يوحنا المعمدان.» [٢٦] فحزن الملك جداً، ولكن بسبب قسمه أمام ضيوفه لم يشأ أن يرفض طلبها. [٢٧] فأرسل على الفور أحد الحراس وأمره أن يأتي برأس يوحنا. فمضى الحارس وقطع رأس يوحنا في السجن، [٢٨] وأتى به على طبق وسلمه للفتاة، فسلمته بدورها لأمها. [٢٩] فلما سمع تلاميذ يوحنا بما حدث جاءوا وأخذوا جثته ووضعوه في قبر.

[٣٠] ثم اجتمع الرسل بيسوع وأخبروه بكل ما عملوه وعلموه. [٣١] فقال لهم: «تعالوا أنتم وحدكم إلى مكان خلوي واستريحوا قليلاً.» لأن الناس كانوا كثيرين يأتون ويذهبون، حتى لم يكن لهم وقت حتى للأكل. [٣٢] فركبوا السفينة وذهبوا إلى مكان خلوي وحدهم. [٣٣] فرآهم الناس وهم ذاهبون، وعرفوا إلى أين يقصدون، فتبعوهم مشياً على الأقدام من جميع المدن المجاورة، وسبقوهم إلى المكان. [٣٤] فلما نزل يسوع من السفينة ورأى الجموع الكثيرة أشفق عليهم، لأنهم كانوا كخراف لا راعي لها، فأخذ يعلمهم كثيراً من الأمور.

[٣٥] ولما حان المساء جاء إليه تلاميذه وقالوا: «المكان قفر والوقت قد تأخر، [٣٦] فاصرفهم ليذهبوا إلى القرى والمزارع المجاورة ويشتروا لهم طعاماً.» [٣٧] فأجاب: «أعطوهم أنتم ما يأكلون.» فقالوا له: «أنذهب ونشتري خبزاً بمئتي دينار ونطعمهم؟» [٣٨] فقال لهم: «كم رغيفاً عندكم؟ اذهبوا وانظروا.» فلما عرفوا قالوا: «خمسة أرغفة وسمكتان.»

---

[f] ٦:٣١ مرقس ٦:٤، ١٥؛ لوقا ٩:١٥؛ مزمور ٢٤:٧٨، ٢٥

هو بنه كوز صالح لأن، بدون بحث قصد، يخرج منه ما هو صالح. ٤٦ "ولماذا تدعونني يا رب، يا رب وأنتم لا تعملون ما أقوله؟ ٤٧ كل من يأتي إليّ ويسمع كلامي ويعمل به، سأريكم كيف هو شبيه. ٤٨ هو شبيه برجل بنى بيته على الصخر، فحفر وتعمق ووضع الأساس على الصخر. فلما جاء الفيضان اندفع النهر بقوة على ذلك البيت، ولكنه لم يستطع أن يهزه لأنه كان مبنيًا جيدًا. ٤٩ أما من يسمع كلامي ولا يعمل به فهو شبيه برجل بنى بيته على الأرض بدون أساس. فلما اندفع النهر عليه سقط البيت في الحال، وكان سقوطه عظيمًا."

٧ فلما أكمل يسوع كل هذا الكلام أمام الشعب، دخل كفرناحوم. ٢ وكان عبد لقائد مئة مريضًا على وشك الموت، وكان هذا العبد عزيزًا على سيده. ٣ فلما سمع القائد عن يسوع أرسل إليه بعض شيوخ اليهود يطلبون منه أن يأتي ويشفي عبده. ٤ فلما جاء هؤلاء إلى يسوع توسلوا إليه بإلحاح قائلين: "إن هذا القائد يستحق أن تفعل له هذا، ٥ لأنه يحب أمتنا وقد بنى لنا مجمعنا." ٦ فذهب يسوع معهم. ولما اقترب من البيت أرسل القائد أصدقاءه يقولون له: "يا سيد، لا تتعب نفسك، لأني لست مستحقًا أن تدخل تحت سقفي. ٧ لذلك لم أعتبر نفسي أهلاً أن آتي إليك بنفسي، بل قل كلمة فقط فيبرأ غلامي. ٨ لأني أنا نفسي رجل تحت سلطان، ولي جنود تحت يدي، أقول لهذا اذهب فيذهب، ولآخر تعال فيأتي، ولعبدي افعل هذا فيفعل." ٩ فلما سمع يسوع هذا تعجب منه، والتفت إلى الجمع الذي يتبعه وقال: "الحق أقول لكم إني لم أجد إيمانًا بمثل هذا حتى في إسرائيل." ١٠ فلما رجع المرسلون إلى البيت وجدوا العبد قد برئ.

١١ وبعد ذلك ذهب يسوع إلى مدينة تسمى نايين، وكان تلاميذه يسيرون معه وجمع كثير من الناس. ١٢ فلما اقترب من باب المدينة إذا بميت محمول، وهو ابن وحيد لأمه، وكانت أرملة، وكان معها جمع كثير من أهل المدينة. ١٣ فلما رآها السيد تحنن عليها وقال لها: "لا تبكي." ١٤ ثم تقدم ولمس النعش، فوقف الحاملون، فقال: "أيها الشاب، لك أقول قم." ١٥ فجلس الميت وابتدأ يتكلم، فدفعه إلى أمه. ١٦ فأخذ الجميع خوف، وكانوا يمجدون الله قائلين: "قد قام بيننا نبي عظيم، وافتقد الله شعبه." ١٧ وخرج هذا الخبر عنه في كل اليهودية وفي جميع الكورة المحيطة.

١٨ وأخبر يوحنا تلاميذه بكل هذه الأمور، فدعا اثنين منهم ١٩ وأرسلهما إلى يسوع يقولان: "أأنت هو الآتي، أم ننتظر آخر؟" ٢٠ فلما جاء الرجلان إليه قالا: "يوحنا المعمدان أرسلنا إليك قائلاً: أأنت هو الآتي، أم ننتظر آخر؟" ٢١ وفي تلك الساعة شفى يسوع كثيرين من أمراض وأوجاع وأرواح شريرة، وأبصر كثيرون من العميان. ٢٢ فأجاب وقال لهما: "اذهبا وأخبرا يوحنا بما رأيتما وسمعتما: العميان يبصرون، والعرج يمشون، والبرص يطهرون، والصم يسمعون، والموتى يقومون، والمساكين يبشرون. ٢٣ وطوبى لمن لا يعثر فيّ."

g٧:٤٥ لوقا ٦:٤٥ g١٣:٥٤

וַיְצַו לָהֶם עַל כָּל הַסֻּבִּים עַל הָעֵשֶׂב הַיָּרֹק. ٤٠ וַיִּסְּבוּ בְּחֻלְקֵי מֵאָה וּבַחֲמִשִּׁים. ٤١ וַיִּקַּח אֶת חֲמֵשֶׁת הַלֶּחֶם וְאֶת שְׁנֵי הַדָּגִים וַיִּשָּׂא עֵינָיו הַשָּׁמַיְמָה וַיְבָרֶךְ וַיִּפְרֹס אֶת הַלֶּחֶם וַיִּתֵּן לְתַלְמִידָיו לָשׂוּם לִפְנֵי הָעָם וְאֶת שְׁנֵי הַדָּגִים חִלַּק לְכֻלָּם. ٤٢ וַיֹּאכְלוּ כֻּלָּם וַיִּשְׂבָּעוּ. ٤٣ וַיַּרִימוּ שְׁנֵים עָשָׂר סַלֵּי מְלֵאִים פְּתִיתֵי לֶחֶם וְגַם מִן הַדָּגִים. ٤٤ וְהָאֹכְלִים בַּלֶּחֶם הָיוּ חֲמֵשֶׁת אֲלָפִים אִישׁ.

٤٥ וְאַחַר כָּךְ אִלֵּץ אֶת תַּלְמִידָיו לַעֲלוֹת אֶל הַסִּירָה וְלַעֲבֹר לִפְנֵי בֵּית צַיְדָה בְּעֵבֶר הַיָּם, עַד אֲשֶׁר יְשַׁלַּח אֶת הָעָם. ٤٦ וְאַחֲרֵי שֶׁשִּׁלַּח אֶת הָעָם עָלָה אֶל הָהָר לְהִתְפַּלֵּל. ٤٧ וּבְעֶרֶב הָיְתָה הַסִּירָה בְּלֵב הַיָּם וְהוּא לְבַדּוֹ עַל הַיַּבָּשָׁה. ٤٨ וַיַּרְא כִּי הֵם מְיַגְּעִים בַּחֲתֹר כִּי הָיָה הָרוּחַ נֶגְדָּם. וּבְאַשְׁמֹרֶת הָרְבִיעִית בָּא אֲלֵיהֶם הוֹלֵךְ עַל הַיָּם וְרָצָה לַעֲבֹר עַל פְּנֵיהֶם. ٤٩ וְהֵם כִּרְאוֹתָם אֹתוֹ הוֹלֵךְ עַל הַיָּם חָשְׁבוּ כִּי רוּחַ הוּא וַיִּצְעֲקוּ. ٥٠ כִּי כֻלָּם רָאוּהוּ וַיִּבָּהֲלוּ. וַיְדַבֵּר אֲלֵיהֶם מִיָּד וַיֹּאמֶר: "קַחוּ לֵב! אֲנִי הוּא, אַל תִּירָאוּ!" ٥١ וַיַּעַל אֲלֵיהֶם אֶל הַסִּירָה וַיִּשְׁקֹט הָרוּחַ. וְהֵם הָיוּ מְאֹד נְבוֹכִים בְּקִרְבָּם וְתָמְהוּ עַל הַדָּבָר, ٥٢ כִּי לֹא הֵבִינוּ עַל אֹדוֹת הַלֶּחֶם, כִּי לִבָּם הָיָה כָּבֵד.

٥٣ וַיַּעַבְרוּ וַיָּבֹאוּ אֶל אֶרֶץ גנוסר וַיַּעֲגְנוּ. ٥٤ וַיֵּצְאוּ מִן הַסִּירָה וַיַּכִּירוּ אֹתוֹ מִיָּד, ٥٥ וַיָּרוּצוּ בְּכָל הָאָרֶץ הַהִיא וַיָּחֵלּוּ לְהָבִיא אֶת הַחוֹלִים עַל מִטּוֹתָם אֶל כָּל מָקוֹם אֲשֶׁר שָׁמְעוּ כִּי שָׁם הוּא. ٥٦ וּבְכָל אֲשֶׁר בָּא אֶל כְּפָרִים אוֹ עָרִים אוֹ שָׂדוֹת הִנִּיחוּ אֶת הַחוֹלִים בָּרְחוֹבוֹת וּבִקְּשׁוּ מִמֶּנּוּ לָגַעַת אֲפִלּוּ בְּכַנְפֵי בִגְדּוֹ, וְכָל הַנֹּגְעִים בּוֹ נִרְפָּאוּ.

ז הַמַּחְלֹקֶת עַל מִצְוֹת הָאֲנָשִׁים

٧ וַיִּקָּבְצוּ אֵלָיו הַפְּרוּשִׁים וְכַמָּה מִן הַסּוֹפְרִים אֲשֶׁר בָּאוּ מִירוּשָׁלַיִם, ٢ וַיִּרְאוּ כִּי כַמָּה מִתַּלְמִידָיו אֹכְלִים לֶחֶם בְּיָדַיִם טְמֵאוֹת, כְּלוֹמַר בְּלֹא נְטִילָה. ٣ כִּי הַפְּרוּשִׁים וְכָל הַיְּהוּדִים לֹא יֹאכְלוּ עַד אִם יִטְבְּלוּ יָדָם עַד הַמִּרְפָּק, כְּמִצְוַת הַזְּקֵנִים אֲשֶׁר קִבְּלוּ. ٤ וְכִי יָשׁוּבוּ מִן הַשּׁוּק לֹא יֹאכְלוּ עַד אִם יִטְבְּלוּ. וְיֵשׁ עוֹד רַבּוֹת אֲשֶׁר קִבְּלוּ לִשְׁמֹר, כְּגוֹן טְבִילַת כּוֹסוֹת וְכַדִּים וּכְלֵי נְחֹשֶׁת וְכֵלִים. ٥ וַיִּשְׁאֲלוּ אֹתוֹ הַפְּרוּשִׁים וְהַסּוֹפְרִים: "מַדּוּעַ אֵין תַּלְמִידֶיךָ הוֹלְכִים כְּמִצְוַת הַזְּקֵנִים, כִּי אִם אוֹכְלִים לֶחֶם בְּיָדַיִם טְמֵאוֹת?" ٦ וַיַּעַן וַיֹּאמֶר אֲלֵיהֶם: "הֵיטֵב נִבָּא יְשַׁעְיָהוּ עֲלֵיכֶם הַצְּבוּעִים, כַּכָּתוּב: 'הָעָם הַזֶּה מְכַבְּדֵנִי בִּשְׂפָתָיו, וְלִבּוֹ רָחוֹק מִמֶּנִּי. ٧ וְלַשָּׁוְא יְעָבְדוּנִי, כִּי מְלַמְּדִים תַּלְמוּדֵי אֱנוֹשׁ מִצְוֹת אֱנוֹשׁ.' ٨ כִּי עֲזַבְתֶּם אֶת מִצְוַת אֱלֹהִים וְאֶחֱזְתֶּם בְּמַסֹּרֶת בְּנֵי אָדָם."

٩ וַיֹּאמֶר אֲלֵיהֶם: "הֵיטֵב אַתֶּם מְבַטְּלִים אֶת מִצְוַת אֱלֹהִים לְמַעַן הָקֵם אֶת מַסֹּרֶתְכֶם. ١٠ כִּי מֹשֶׁה אָמַר: 'כַּבֵּד אֶת אָבִיךָ וְאֶת אִמֶּךָ', וְגַם: 'מְקַלֵּל אָב אוֹ אֵם מוֹת יוּמָת.' ١١ וְאַתֶּם אֹמְרִים: 'אִם אָדָם אָמַר לְאָבִיו אוֹ לְאִמּוֹ: קָרְבָּן כָּל אֲשֶׁר תִּנָּהֶנּוּ מִמֶּנִּי', ١٢ וְלֹא תִתְּנוּ לוֹ לַעֲשׂוֹת עוֹד דָּבָר לְאָבִיו וּלְאִמּוֹ. ١٣ וְכָכָה אַתֶּם מְבַטְּלִים אֶת דְּבַר אֱלֹהִים בְּמַסֹּרֶתְכֶם אֲשֶׁר מְסַרְתֶּם. וְכַיּוֹצֵא בָּזֶה אַתֶּם עֹשִׂים הַרְבֵּה."

١٤ וַיִּקְרָא אֶל כָּל הָעָם וַיֹּאמֶר אֲלֵיהֶם: "שִׁמְעוּ אֵלַי כֻּלְּכֶם וְהָבִינוּ. ١٥ אֵין דָּבָר מִבַּחוּץ לָאָדָם אֲשֶׁר בְּבֹאוֹ אֶל תּוֹכוֹ יְטַמְּאֶנּוּ, כִּי אִם הַיֹּצֵא מִן הָאָדָם הוּא מְטַמֵּא אֶת הָאָדָם. ١٦ אִם יֶשׁ לְאִישׁ אָזְנַיִם לִשְׁמֹעַ, יִשְׁמָע!" ١٧ וַיְהִי כַּאֲשֶׁר בָּא אֶל הַבַּיִת מִן הָעָם וַיִּשְׁאֲלוּ אֹתוֹ תַּלְמִידָיו עַל הַמָּשָׁל. ١٨ וַיֹּאמֶר אֲלֵיהֶם: "הֲגַם אַתֶּם כֵּן לֹא תָבִינוּ? הֲלֹא תֵדְעוּ כִּי כָל הַבָּא אֶל הָאָדָם מִבַּחוּץ לֹא יְטַמְּאֶנּוּ, ١٩ כִּי לֹא אֶל לִבּוֹ יָבוֹא כִּי אִם אֶל הַבֶּטֶן, וְאַחַר כֵּן יֵצֵא אֶל הַמּוֹצָא?" וַיְטַהֵר אֶת כָּל הַמַּאֲכָלִים. ٢٠ וַיֹּאמֶר: "הַיֹּצֵא מִן הָאָדָם הוּא מְטַמֵּא אֶת הָאָדָם, ٢١ כִּי מִלֵּב בְּנֵי אָדָם יֵצְאוּ מַחְשְׁבוֹת רָעוֹת, זְנוּת, גְּנֵבוֹת, רְצִיחוֹת, ٢٢ נְאֻפִים, בִּצָּעוֹן, רִשְׁעָה, מִרְמָה, הוֹלֶלוּת, עַיִן רָעָה, גִּדּוּף, גַּאֲוָה, סִכְלוּת. ٢٣ כָּל הָרָעוֹת הָאֵלֶּה מִבַּיִת יֵצְאוּ וְאֶת הָאָדָם מְטַמֵּאוֹת."

ית הפלגה.[٧٠] ויעשו בני ישראל כאשר צוה יהוה את משה כן עשו׃ ס
ויאמר יהוה אל משה בא אל פרעה כי אני הכבדתי את לבו ואת לב עבדיו למען שתי אתתי אלה בקרבו׃[٧١] ולמען תספר באזני בנך ובן בנך את אשר התעללתי במצרים ואת אתתי אשר שמתי בם ויד׃ס

ויאמר יהוה אל משה

ז [١] בא אל פרעה כי אני הכבדתי את לבו ואת לב עבדיו למען שתי אתתי אלה בקרבו׃ [٢] ולמען תספר באזני בנך ובן בנך את אשר התעללתי במצרים ואת אתתי אשר שמתי בם ויד׃ס [٣] ויעש משה ואהרן כן כאשר צוה יהוה אתם כן עשו׃ [٤] ופרעה לא ישמע אליכם ונתתי את ידי במצרים ויצאתי את צבאתי את עמי בני ישראל מארץ מצרים בשפטים גדלים׃ [٥] וידעו מצרים כי אני יהוה בנטתי את ידי על מצרים והוצאתי את בני ישראל מתוכם׃ [٦] ויעש משה ואהרן כאשר צוה יהוה אתם כן עשו׃ [٧] ומשה בן שמנים שנה ואהרן בן שלשים ושלש שנה בדברם אל פרעה׃ [٨] ויאמר יהוה אל משה ואל אהרן לאמר׃ [٩] כי ידבר אליכם פרעה לאמר תנו לכם מופת ואמרת אל אהרן קח את מטך והשלך לפני פרעה יהי לתנין׃ [١٠] ויבא משה ואהרן אל פרעה ויעשו כן כאשר צוה יהוה וישלך אהרן את מטהו לפני פרעה ולפני עבדיו ויהי לתנין׃ [١١] ויקרא גם פרעה לחכמים ולמכשפים ויעשו גם המה חרטמי מצרים בלהטיהם כן׃ [١٢] ויבלעו איש מטהו ויהיו לתנינם ותבלע מטה אהרן את מטותם׃ [١٣] ויחזק לב פרעה ולא שמע אליהם כאשר דבר יהוה׃ ס

---

[h] ٧:٢ ראה ٣:٢٣؛ ٤:٢٨ ומראי מקומות שם ١٣:١٦

الذين يدخلون منه كثيرون. ١٣ لان الباب واسع والطريق رحب
المؤدي الى الهلاك، وكثيرون هم الذين يسلكون فيه.

الباب الضيق والطريق الرحب

١٤ ما اضيق الباب وكم هي كربة الطريق المؤدي الى الحياة،
والقليلون هم الذين يجدونه! ١٥ احترزوا من الانبياء الكذبة الذين
يأتونكم بثياب الحملان وهم في الباطن ذئاب خاطفة. ١٦ من ثمارهم
تعرفونهم. هل يجتنى من الشوك عنب او من الحسك تين؟ ١٧ هكذا كل
شجرة صالحة تثمر ثمارا جيدة، واما الشجرة الفاسدة فتثمر ثمارا
رديئة. ١٨ لا تستطيع شجرة صالحة ان تثمر ثمارا رديئة ولا شجرة
فاسدة ان تثمر ثمارا جيدة. ١٩ كل شجرة لا تثمر ثمرا جيدا تقطع
وتلقى في النار. ٢٠ فمن ثمارهم تعرفونهم.

٢١ ليس كل من يقول لي: يا رب، يا رب، يدخل ملكوت السماوات،
بل من يعمل مشيئة ابي الذي في السماوات. ٢٢ كثيرون يقولون لي في
ذلك اليوم: يا رب، يا رب، أليس باسمك تنبأنا، وباسمك اخرجنا
شياطين، وباسمك صنعنا قوات كثيرة؟ ٢٣ فحينئذ اصرح لهم: اني لم
اعرفكم قط. اذهبوا عني يا فاعلي الاثم.[i]

٢٤ فكل من يسمع كلامي هذا ويعمل به اشبهه برجل عاقل بنى
بيته على الصخر.

[i] ٧:٢٢ تث ١٨:٢٠-٢٢؛ ١٣:١٠؛ ٣:١٢

لماذا تدعونني يا رب يا رب ولا تعملون ما أقوله؟

٢٥ كل من يأتي إليّ ويسمع كلامي ويعمل به، أريكم
لمن يشبه. ٢٦ يشبه رجلاً بنى بيته على الصخر. ٢٧ نزل
المطر، وجاءت السيول، وهبت الرياح وضربت ذلك البيت،
فلم يسقط لأنه كان مؤسساً على الصخر. ٢٨ وكل من يسمع
كلامي هذا ولا يعمل به يشبه رجلاً بنى بيته على الرمل.
٢٩ نزل المطر، وجاءت السيول، وهبت الرياح وضربت ذلك
البيت، فسقط وكان سقوطه عظيماً.»

٣٠ ولما أكمل يسوع كلامه هذا، بهت الجموع من تعليمه،
٣١ لأنه كان يعلمهم كمن له سلطان، وليس كمعلميهم.

٣٢ ولما نزل من الجبل تبعته جموع كثيرة.

٣٣ وجاء أبرص وسجد له وقال: «يا سيد، إن أردت فأنت
قادر أن تطهرني.» ٣٤ فمد يسوع يده ولمسه وقال: «أريد
أن تطهر.» وفي الحال طهر من برصه. ٣٥ ثم قال له يسوع:
«انظر لا تخبر أحداً، بل اذهب وأرِ نفسك للكاهن، وقدم
القربان الذي أمر به موسى شهادة لهم.»

٣٦ ولما دخل يسوع كفرناحوم جاء إليه قائد مئة يطلب

הנאשם השני נסקל למוות

[37] הוא זה משה שאמר לבני ישראל, נביא יקים לכם אלוהים מבין אחיכם כמוני. [j][38] הוא היה בקהל בעת שהיו במדבר, עם המלאך שדיבר אליו בהר סיני, ועם אבותינו. הוא קיבל דברים חיים להעביר לנו. [39] אבותינו לא רצו לציית לו. הם דחו אותו ורצו לחזור למצרים. [40] הם אמרו לאהרון: 'עשה לנו אלילים שילכו לפנינו, כי איננו יודעים מה קרה למשה, האיש שהוציא אותנו ממצרים.' [41] לכן הם יצרו עגל, הקריבו לו קורבן ושמחו במעשי ידיהם. [42] אז הפנה אלוהים את גבו מהם ונתן להם לעבוד את כוכבי השמים, כפי שכתוב בספר הנביאים: 'בית ישראל, האם הקרבתם לי חיות וקורבנות במשך ארבעים שנה במדבר? [k][43] לא, נשאתם את אוהל המולך ואת כוכב האלוהים רפן, את הדמויות שיצרתם כדי להשתחוות להן. לכן אגלה אתכם ואגרום לכם לגלות מעבר לבבל.' [44] אבותינו נשאו את אוהל העדות במדבר, כפי שאלוהים ציווה את משה לבנות לפי הדגם שראה. [45] יהושע הוביל את אבותינו בכיבוש הארצות שאלוהים גירש מפני אבותינו, ואוהל העדות נשאר בארץ עד ימי דוד. [46] דוד זכה לחסד רב מאלוהים וביקש לבנות משכן לאלוהי יעקב. [47] אבל שלמה הוא זה שבנה את הבית. [48] אבל אלוהים העליון לא גר בבתים שבני אדם בונים. כפי שהנביא אומר: [49] 'השמים הם כסאי והארץ היא משענת רגלי. איזה סוג של בית תבנו לי? אומר יהוה. או איפה יהיה מקום מנוחתי? [50] הרי ידי עשתה את כל הדברים האלה!' [l]

---

[j] דברים יח:15 [k] עמוס ה:25-27

۵۱ "تُمہیں تُمہارے عقیدہ کے مطابق ہی ملے گا۔" ۵۲ اُس وقت شاگرد یسوع کے پاس آئے اور
پوچھنے لگے، "آسمان کی بادشاہی میں سب سے بڑا کون ہے؟" ۵۳ یسوع نے ایک چھوٹے بچے کو
اپنے پاس بُلایا اور اُسے اُن کے بیچ کھڑا کر کے ۵۴ کہا، "میں تُم سے سچ کہتا ہوں کہ اگر تُم
اپنے چال چلن کو بدل کر بچوں کی طرح نہ بن جاؤ تو آسمان کی بادشاہی میں ہرگز داخل نہ ہو
سکو گے۔ ۵۵ پس جو کوئی اپنے آپ کو اِس بچے کی طرح چھوٹا بنا لے گا وہی آسمان کی بادشاہی
میں سب سے بڑا ہو گا۔ ۵۶ اور جو کوئی میرے نام پر ایسے ایک بچے کو قبول کرتا ہے وہ گویا
مجھ ہی کو قبول کرتا ہے۔

ٹھوکر کھانے کے بارے میں تعلیم

۷ ۱ "ہائے دُنیا پر کہ لوگ ٹھوکر کھائیں! ٹھوکروں کا آنا تو ضروری ہے، لیکن ہائے اُس
شخص پر جس کے ذریعہ ٹھوکر آتی ہے۔ ۲ اگر تیرا ہاتھ یا تیرا پاؤں تجھے ٹھوکر کھانے پر اُکسائے
تو اُسے کاٹ کر اپنے پاس سے پھینک دے۔ اپاہج یا لنگڑا ہو کر زندگی میں داخل ہونا تیرے لئے
بہتر ہے بجائے اِس کے کہ دو ہاتھ یا دو پاؤں رکھتے ہوئے ابدی آگ میں ڈالا جائے۔ ۳ اگر تیری
آنکھ تجھے ٹھوکر کھانے پر اُکسائے تو اُسے نکال کر اپنے پاس سے پھینک دے۔ کانا ہو کر زندگی
میں داخل ہونا تیرے لئے بہتر ہے بجائے اِس کے کہ دو آنکھیں رکھتے ہوئے جہنم کی آگ میں
ڈالا جائے۔ ۴ اگر تیرا ہاتھ یا تیرا پاؤں تجھے ٹھوکر کھانے پر اُکسائے تو اُسے کاٹ کر اپنے پاس
سے پھینک دے۔ اپاہج یا لنگڑا ہو کر زندگی میں داخل ہونا تیرے لئے بہتر ہے بجائے اِس کے کہ
دو ہاتھ یا دو پاؤں رکھتے ہوئے ابدی آگ میں ڈالا جائے۔ ۵ اگر تیری آنکھ تجھے ٹھوکر کھانے پر
اُکسائے تو اُسے نکال کر اپنے پاس سے پھینک دے۔ کانا ہو کر زندگی میں داخل ہونا تیرے لئے
بہتر ہے بجائے اِس کے کہ دو آنکھیں رکھتے ہوئے جہنم کی آگ میں ڈالا جائے۔ ۶ کیونکہ ہر
شخص کو آگ سے نمک کی طرح صاف کیا جائے گا۔ ۷ نمک اچھی چیز ہے، لیکن اگر نمک اپنا
نمکین پن کھو بیٹھے تو پھر اُسے کیسے بحال کیا جا سکتا ہے؟ تُم اپنے اندر نمک کی طرح
ہونا چاہئے اور ایک دوسرے کے ساتھ امن سے رہنا چاہئے۔"

---

[1] ۸:۵ حوالہ ۲۰:۱۰؛ ۱۸ نمبر مصحف ۲۲:۲۲-۲۴

یسوع کی نشان کی درخواست

١٢ یسوع نے اپنی روح میں گہری آہ بھر کر کہا: "اس زمانے کے لوگ
نشان کیوں مانگتے ہیں؟ میں تم سے سچ کہتا ہوں کہ اس زمانے کے
١٣ لوگوں کو کوئی نشان نہیں دیا جائے گا۔" پھر وہ انہیں چھوڑ کر
١٤ دوبارہ کشتی پر سوار ہوا اور جھیل کے دوسرے کنارے روانہ ہو گئے۔
شاگرد روٹی لینا بھول گئے تھے اور کشتی میں ان کے پاس صرف
١٥ ایک روٹی تھی۔ یسوع نے انہیں تاکید کی: "خبردار، فریسیوں کے
١٦ خمیر اور ہیرودیس کے خمیر سے ہوشیار رہو۔" ١٧ وہ آپس میں
بحث کرنے لگے کہ ہمارے پاس روٹی نہیں ہے۔ یسوع نے یہ جان کر
ان سے کہا: "تم روٹی نہ ہونے کی بات کیوں کر رہے ہو؟ کیا تم
١٨ اب تک نہ سمجھے اور نہ بوجھے؟ کیا تمہارے دل پتھر کے ہو گئے
١٩ ہیں؟ تمہاری آنکھیں ہیں، کیا تم دیکھتے نہیں؟ تمہارے کان ہیں،
کیا تم سنتے نہیں؟ اور کیا تمہیں یاد نہیں کہ جب میں نے پانچ
روٹیاں پانچ ہزار آدمیوں کے لیے توڑی تھیں تو تم نے ٢٠ ٹوکریوں
میں بچا ہوا کتنا ٹکڑا جمع کیا تھا؟" انہوں نے جواب دیا: "بارہ۔"
٢١ "اور جب میں نے سات روٹیاں چار ہزار آدمیوں کے لیے توڑی
تھیں تو تم نے ٹوکریوں میں بچا ہوا کتنا ٹکڑا جمع کیا تھا؟" انہوں
نے جواب دیا: "سات۔" ٢٢ یسوع نے ان سے کہا: "کیا اب بھی تم
نہیں سمجھتے؟"

بیت صیدا میں ایک اندھے کو بینائی عطا کرنا

٢٣ وہ بیت صیدا پہنچے تو لوگ ایک اندھے کو یسوع کے پاس لائے اور
٢٤ اس کی درخواست کی کہ اسے چھو لے۔ یسوع نے اندھے کا ہاتھ پکڑ

يَسُوعَ تَبِعَهُ تَلَامِيذُهُ. ٢٣ وَلَمَّا دَخَلَ السَّفِينَةَ تَبِعَهُ تَلَامِيذُهُ. ٢٤ وَإِذَا
زَلْزَلَةٌ حَدَثَتْ فِي الْبَحْرِ حَتَّى غَطَّتِ الأَمْوَاجُ السَّفِينَةَ، وَهُوَ كَانَ نَائِمًا.
٢٥ فَتَقَدَّمَ تَلَامِيذُهُ وَأَيْقَظُوهُ قَائِلِينَ: «يَا سَيِّدُ، نَجِّنَا فَإِنَّنَا نَهْلِكُ!»
٢٦ فَقَالَ لَهُمْ: «لِمَاذَا أَنْتُمْ خَائِفُونَ يَا قَلِيلِي الإِيمَانِ؟» ثُمَّ قَامَ وَانْتَهَرَ
الرِّيَاحَ وَالْبَحْرَ، فَصَارَ هُدُوءٌ عَظِيمٌ. ٢٧ وَتَعَجَّبَ النَّاسُ قَائِلِينَ: «أَيُّ
إِنْسَانٍ هَذَا، فَإِنَّ الرِّيَاحَ وَالْبَحْرَ أَيْضًا تُطِيعُهُ؟»

شفاء المجنونين في كورة الجرجسيين

٢٨ وَلَمَّا جَاءَ إِلَى عَبْرِ الْبَحْرِ إِلَى كُورَةِ الْجَرْجَسِيِّينَ اسْتَقْبَلَهُ مَجْنُونَانِ
خَارِجَانِ مِنَ الْقُبُورِ، شَرِسَانِ جِدًّا، حَتَّى لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ يَقْدِرُ أَنْ يَجْتَازَ
فِي تِلْكَ الطَّرِيقِ. ٢٩ وَإِذَا هُمَا قَدْ صَرَخَا قَائِلَيْنِ: «مَا لَنَا وَلَكَ يَا يَسُوعُ
ابْنَ اللهِ؟ أَجِئْتَ إِلَى هُنَا قَبْلَ الْوَقْتِ لِتُعَذِّبَنَا؟» ٣٠ وَكَانَ بَعِيدًا مِنْهُمْ
قَطِيعُ خَنَازِيرَ كَثِيرٌ تَرْعَى. ٣١ فَالشَّيَاطِينُ طَلَبُوا إِلَيْهِ قَائِلِينَ: «إِنْ كُنْتَ
تُخْرِجُنَا فَأْذَنْ لَنَا أَنْ نَمْضِيَ إِلَى قَطِيعِ الْخَنَازِيرِ». ٣٢ فَقَالَ لَهُمُ: «اذْهَبُوا».
فَخَرَجُوا وَمَضَوْا إِلَى الْخَنَازِيرِ، وَإِذَا الْقَطِيعُ كُلُّهُ اندَفَعَ بِشِدَّةٍ عَلَى الْبَحْرِ
إِلَى الْمِيَاهِ وَمَاتَ فِي الْمِيَاهِ. ٣٣ وَأَمَّا الرُّعَاةُ فَهَرَبُوا وَمَضَوْا إِلَى الْمَدِينَةِ
وَأَخْبَرُوا بِكُلِّ شَيْءٍ وَبِأَمْرِ الْمَجْنُونَيْنِ. ٣٤ وَإِذَا كُلُّ الْمَدِينَةِ قَدْ خَرَجَتْ
لِلِقَاءِ يَسُوعَ، وَلَمَّا أَبْصَرُوهُ طَلَبُوا أَنْ يَتَعَدَّى تُخُومَهُمْ.

فَأَجَابَ يَسُوعُ: «أَلَيْسَ الْعَشَرَةُ قَدْ طَهُرُوا؟ فَأَيْنَ التِّسْعَةُ؟ ١٨
أَلَمْ يُوجَدْ مَنْ يَرْجِعُ لِيُمَجِّدَ اللهَ إِلاَّ هذَا الْغَرِيبُ الْجِنْسِ؟»
ثُمَّ قَالَ لَهُ: «قُمْ وَامْضِ. إِيمَانُكَ قَدْ خَلَّصَكَ».

يَسُوعُ وَالْمَرْأَةُ الْخَاطِئَةُ

وَفِيمَا هُوَ مُتَّكِئٌ فِي بَيْتِ سِمْعَانَ الْفَرِّيسِيِّ، إِذَا امْرَأَةٌ فِي الْمَدِينَةِ ٣٦
كَانَتْ خَاطِئَةً، لَمَّا عَلِمَتْ أَنَّهُ مُتَّكِئٌ فِي بَيْتِ الْفَرِّيسِيِّ، جَاءَتْ بِقَارُورَةِ
طِيبٍ، وَوَقَفَتْ عِنْدَ قَدَمَيْهِ مِنْ وَرَائِهِ تَبْكِي، وَابْتَدَأَتْ تَغْسِلُ قَدَمَيْهِ بِالدُّمُوعِ
وَتَمْسَحُهُمَا بِشَعْرِ رَأْسِهَا، وَتُقَبِّلُ قَدَمَيْهِ وَتَدْهَنُهُمَا بِالطِّيبِ. فَلَمَّا رَأَى ٣٧
الْفَرِّيسِيُّ الَّذِي دَعَاهُ ذلِكَ تَكَلَّمَ فِي نَفْسِهِ قَائِلاً: «لَوْ كَانَ هذَا نَبِيًّا
لَعَلِمَ مَنْ هِيَ وَمَا هِيَ الْمَرْأَةُ الَّتِي تَلْمَسُهُ، أَنَّهَا خَاطِئَةٌ!». فَأَجَابَ يَسُوعُ ٤٠
وَقَالَ لَهُ: «سِمْعَانُ، عِنْدِي شَيْءٌ أَقُولُهُ لَكَ». فَقَالَ: «قُلْ يَا مُعَلِّمُ».
«كَانَ لِمُقْرِضٍ مَدْيُونَانِ: عَلَى الْوَاحِدِ خَمْسُمِئَةِ دِينَارٍ، وَعَلَى الآخَرِ ٤١
خَمْسُونَ. وَإِذْ لَمْ يَكُنْ لَهُمَا مَا يُوفِيَانِ سَامَحَ الاثْنَيْنِ. فَقُلْ: أَيُّهُمَا يَكُونُ
أَكْثَرَ مَحَبَّةً لَهُ؟». ٤٢ فَأَجَابَ سِمْعَانُ وَقَالَ: «أَظُنُّ الَّذِي سَامَحَ بِالأَكْثَرِ».
فَقَالَ لَهُ: «بِالصَّوَابِ حَكَمْتَ». ٤٣ وَالْتَفَتَ إِلَى الْمَرْأَةِ وَقَالَ لِسِمْعَانَ:
«أَتَنْظُرُ هذِهِ الْمَرْأَةَ؟ إِنِّي دَخَلْتُ بَيْتَكَ وَلَمْ تُعْطِ لِي مَاءً لِرِجْلَيَّ، وَأَمَّا هِيَ
فَقَدْ بَلَّتْ رِجْلَيَّ بِدُمُوعِهَا وَمَسَحَتْهُمَا بِشَعْرِ رَأْسِهَا. ٤٤ قُبْلَةً لَمْ تُقَبِّلْنِي،
وَأَمَّا هِيَ فَمُنْذُ دَخَلْتُ لَمْ تَكُفَّ عَنْ تَقْبِيلِ رِجْلَيَّ. بِزَيْتٍ لَمْ تَدْهُنْ رَأْسِي،
وَأَمَّا هِيَ فَقَدْ دَهَنَتْ بِالطِّيبِ رِجْلَيَّ. ٤٥ لِذلِكَ أَقُولُ لَكَ: مَغْفُورَةٌ خَطَايَاهَا
الْكَثِيرَةُ لأَنَّهَا أَحَبَّتْ كَثِيرًا. وَلكِنَّ الْقَلِيلَ يُغْفَرُ لَهُ يُحِبُّ قَلِيلاً». ٤٦ فَقَالَ
لَهَا: «مَغْفُورَةٌ لَكِ خَطَايَاكِ». ٤٧ فَابْتَدَأَ الْمُتَّكِئُونَ مَعَهُ يَقُولُونَ فِي

مسیح کا شاگرد بننے کی قیمت

۴۸ یسوع نے اُس کو جواب دیا: "لومڑیوں کے بھٹ ہیں اور ہوا کے پرندوں کے گھونسلے، مگر ابنِ آدم کے لئے سر رکھنے کی جگہ نہیں۔" ۴۹ ایک اَور شاگرد نے اُس سے کہا: "اے خداوند، پہلے مجھے جانے دے کہ اپنے باپ کو دفن کر آؤں۔" ۵۰ لیکن یسوع نے اُس سے کہا: "مُردوں کو اپنے مُردے دفن کرنے دے، مگر تُو جا کر خدا کی بادشاہی کا اعلان کر۔" ۵۱ ایک اَور نے کہا: "اے خداوند، میں تیرا پیرو ہوں گا، مگر پہلے مجھے اجازت دے کہ اپنے گھر والوں سے رخصت ہو آؤں۔" ۵۲ یسوع نے اُس سے کہا: "جو شخص ہل پر ہاتھ رکھ کر پیچھے دیکھتا ہے وہ خدا کی بادشاہی کے لائق نہیں۔"

یسوع مسیح کا مفلوج کو شفا دینا

۹ ۱ پھر وہ کشتی میں بیٹھ کر پار گیا اور اپنے شہر میں آیا۔
۲ اور دیکھو، لوگ ایک مفلوج کو جو پلنگ پر پڑا تھا اُس کے پاس لائے۔ یسوع نے اُن کا ایمان دیکھ کر مفلوج سے کہا، "بیٹے، خاطر جمع رکھ، تیرے گناہ معاف ہوئے۔"
۳ اِس پر شریعت کے چند اُستاد آپس میں کہنے لگے، "یہ کفر بکتا ہے۔"
۴ یسوع اُن کے خیالوں کو جان کر کہنے لگا، "تم اپنے دلوں میں برا کیوں سوچتے ہو؟
۵ کیا آسان ہے کہ کہوں، تیرے گناہ معاف ہوئے، یا یہ کہوں، اُٹھ اور چل پھر؟
۶ لیکن تاکہ تم جانو کہ اِبنِ آدم کو زمین پر گناہ معاف کرنے کا اختیار ہے" (اُس نے مفلوج سے کہا)، "اُٹھ، اپنا پلنگ اُٹھا کر اپنے گھر چلا جا۔"
۷ وہ اُٹھ کر اپنے گھر چلا گیا۔
۸ یہ دیکھ کر لوگ ڈر گئے اور خدا کی تمجید کرنے لگے جس نے انسان کو ایسا اختیار دیا تھا۔

متی کا بلایا جانا

۹ یسوع وہاں سے آگے بڑھا تو اُس نے متی نامی ایک شخص کو دیکھا جو محصول کی چوکی پر بیٹھا تھا۔ یسوع نے اُس سے کہا، "میرے پیچھے ہو لے۔" وہ اُٹھ کر اُس کے پیچھے ہو لیا۔
۱۰ بعد میں یسوع اپنے گھر میں کھانا کھانے بیٹھا تو بہت سے محصول لینے والے اور گناہگار آ کر اُس کے اور اُس کے شاگردوں کے ساتھ کھانا کھانے بیٹھ گئے۔
۱۱ یہ دیکھ کر فریسی اُس کے شاگردوں سے کہنے لگے، "تمہارا اُستاد محصول لینے والوں اور گناہگاروں کے ساتھ کیوں کھاتا ہے؟"
۱۲ یہ سُن کر یسوع نے کہا، "تندرستوں کو نہیں بلکہ بیماروں کو طبیب کی ضرورت ہوتی ہے۔
۱۳ جا کر سیکھو کہ اِس کا کیا مطلب ہے، 'مَیں قربانی نہیں بلکہ رحم چاہتا ہوں۔' مَیں راستبازوں کو نہیں بلکہ گناہگاروں کو بلانے آیا ہوں۔"

یسوع اور مرگی کا روح

[۱۳] مگر میں تم سے کہتا ہوں کہ ایلیاہ تو آ چکا ہے اور جیسا کہ اُس کے بارے میں لکھا ہے اُس نے جو کچھ چاہا اُس کے ساتھ کیا۔
[۱۴] جب وہ شاگردوں کے پاس آیا تو اُس نے دیکھا کہ بڑی بھیڑ اُن کے گرد جمع ہے اور اُستاد اُن سے بحث کر رہے ہیں۔ [۱۵] جونہی لوگوں نے یسوع کو دیکھا تو وہ بہت حیران ہوئے اور دوڑ کر اُس کا استقبال کیا۔ [۱۶] یسوع نے اُن سے پوچھا: "تم اُن سے کیا بحث کر رہے ہو؟"
[۱۷] بھیڑ میں سے ایک شخص نے جواب دیا: "اُستاد، میں اپنے بیٹے کو آپ کے پاس لایا ہوں۔ اُس پر ایک گونگی روح کا قبضہ ہے۔ [۱۸] جب بھی یہ روح اُس پر قابو پاتی ہے تو اُسے زمین پر پٹخ دیتی ہے۔ وہ منہ سے جھاگ نکالتا، دانت پیستا اور اکڑ جاتا ہے۔ میں نے آپ کے شاگردوں سے کہا کہ اُسے نکالیں، لیکن وہ ایسا نہ کر سکے۔"
[۱۹] یسوع نے جواب دیا: "اے بےایمان نسل، میں کب تک تمہارے ساتھ رہوں گا؟ کب تک تمہیں برداشت کرتا رہوں گا؟ لڑکے کو میرے پاس لاؤ۔"
[۲۰] چنانچہ لوگ اُسے یسوع کے پاس لے آئے۔ جونہی روح نے یسوع کو دیکھا تو اُس نے لڑکے کو زور سے جھٹکا دیا۔ وہ زمین پر گر کر منہ سے جھاگ نکالتا اور لوٹنیاں کھانے لگا۔
[۲۱] یسوع نے اُس کے باپ سے پوچھا، "اِس کو کب سے ایسا ہو رہا ہے؟"
اُس نے جواب دیا، "بچپن سے ہی۔ [۲۲] اکثر اِس روح نے اُسے مارنے کے لئے اُسے آگ یا پانی میں گرایا ہے۔ اگر آپ کچھ کر سکتے ہیں تو ہم پر رحم کر کے ہماری مدد کریں۔"
[۲۳] یسوع نے اُس سے کہا، "اگر آپ کر سکتے ہیں! جو ایمان رکھتا ہے اُس کے لئے سب کچھ ممکن ہے۔"
[۲۴] لڑکے کے باپ نے فوراً پکار کر کہا، "میں ایمان رکھتا ہوں۔ میرے ایمان کی کمی کو پورا کر دیں۔"
[۲۵] یسوع نے دیکھا کہ لوگ بڑی تعداد میں جمع ہو رہے ہیں۔ اُس نے ناپاک روح کو ڈانٹا، "اے گونگی اور بہری روح، میں تجھے حکم دیتا ہوں کہ اِس لڑکے میں سے نکل آ۔ پھر کبھی اِس میں داخل نہ ہونا۔"

بچہ بچہ مردہ ہے۔" [۲۶] چیختے چلّاتے روح اُس میں سے نکل گیا۔ لڑکا
مُردہ سا ہو گیا، اِتنا کہ بہت سے لوگ کہنے لگے، "یہ تو مر گیا ہے!"
[۲۷] لیکن یسوع نے اُس کا ہاتھ پکڑ کر اُسے اُٹھایا، اور وہ کھڑا ہو گیا۔
[۲۸] پھر جب یسوع گھر میں داخل ہوا تو شاگرد اُس سے نجی طور پر
پوچھنے لگے، "ہم اِسے کیوں نہ نکال سکے؟" [۲۹] اُس نے جواب دیا،
"اِس قسم کی روح کو دُعا کے سوا کسی اَور طریقے سے نہیں نکالا جا
سکتا۔"

[۳۰] وہاں سے روانہ ہو کر وہ گلیل سے گزرنے لگے۔ یسوع نہیں چاہتا
تھا کہ کسی کو پتا چلے، [۳۱] کیونکہ وہ اپنے شاگردوں کو تعلیم دے رہا
تھا۔ اُس نے اُن سے کہا، "اِبنِ آدم کو آدمیوں کے حوالے کیا جائے گا۔
وہ اُسے قتل کریں گے، اور تین دن کے بعد وہ جی اُٹھے گا۔" [۳۲] لیکن
شاگرد اِس بات کو سمجھ نہ سکے، اور اُس سے پوچھنے سے ڈرتے تھے۔

[۳۳] وہ کفرنحوم آئے۔ گھر میں داخل ہونے کے بعد یسوع نے اُن سے
پوچھا، "راستے میں تم کس بات پر بحث کر رہے تھے؟" [۳۴] لیکن وہ
خاموش رہے، کیونکہ راستے میں وہ اِس پر بحث کر رہے تھے کہ ہم میں
سے کون بڑا ہے۔

[۳۵] یسوع بیٹھ گیا اور بارہ شاگردوں کو بُلا کر کہنے لگا، "اگر کوئی
پہلا ہونا چاہے تو اُسے سب سے پیچھے اور سب کا خادم بننا ہو گا۔"
[۳۶] پھر اُس نے ایک بچے کو لیا اور اُسے اُن کے درمیان کھڑا کر کے
[۳۷] اُسے گلے لگا کر کہا، "جو کوئی میرے نام پر اِن بچوں میں سے
کسی کو قبول کرتا ہے وہ مجھے قبول کرتا ہے، اور جو کوئی مجھے قبول
کرتا ہے وہ مجھے نہیں بلکہ اُسے قبول کرتا ہے جس نے مجھے بھیجا ہے۔"

[۳۸] یوحنا نے اُس سے کہا، "اُستاد، ہم نے ایک شخص کو تیرے نام پر
بدروحوں کو نکالتے دیکھا۔ ہم نے اُسے روکنے کی کوشش کی، کیونکہ وہ
ہمارے ساتھ نہیں چلتا۔" [۳۹] لیکن یسوع نے کہا، "اُسے نہ روکو۔
کوئی ایسا نہیں جو میرے نام پر معجزہ دکھائے اور پھر جلد ہی میرے
بارے میں بُرا کہنے لگے۔ [۴۰] جو ہمارا مخالف نہیں وہ ہمارا ساتھی ہے۔
[۴۱] مَیں تم سے سچ کہتا ہوں کہ جو کوئی تمہیں مسیح کا شاگرد جان کر

رہائی دینے والا ہو۔ اور جو کوئی اپنی جان کو بچانا چاہے وہ اسے کھو بیٹھے گا،
اور جو میری خاطر اپنی جان کھو دے وہ اسے پائے گا۔

شاگردوں کا بھیجا جانا

۱۰ ۱ پھر عیسیٰ نے اپنے بارہ شاگردوں کو اپنے پاس بلایا اور انہیں
ناپاک روحوں پر اختیار دیا کہ وہ ان میں سے نکل جائیں اور ہر طرح کی
بیماری اور ہر طرح کی کمزوری دور کریں۔ ۲ ان بارہ رسولوں کے نام یہ ہیں:
پہلا شمعون جو پطرس کہلاتا ہے اور اس کا بھائی اندریاس۔ زبدی کا بیٹا
یعقوب اور اس کا بھائی یوحنا۔ ۳ فلپس اور برتلمی۔ توما اور متی جو محصول
لینے کا کام کرتا تھا۔ حلفی کا بیٹا یعقوب اور تدی۔ ۴ شمعون قنانی اور
یہوداہ اسکریوتی جس نے بعد میں یسوع کو پکڑوایا۔

۵ ان بارہ کو یسوع نے یہ ہدایات دے کر بھیجا: "غیر قوموں کے علاقے
میں نہ جانا اور سامریوں کے کسی شہر میں داخل نہ ہونا۔ ۶ بلکہ اسرائیل کے
گھرانے کی کھوئی ہوئی بھیڑوں کے پاس جانا۔ ۷ جاتے جاتے یہ اعلان کرنا کہ
آسمان کی بادشاہی قریب آ گئی ہے۔ ۸ بیماروں کو شفا دینا، مُردوں کو زندہ
کرنا، کوڑھیوں کو پاک کرنا اور بدروحوں کو نکالنا۔ تم نے یہ چیزیں مفت
پائی ہیں، اس لیے مفت ہی دینا۔ ۹ اپنے پاس سونا، چاندی یا پیسے نہ رکھنا۔
۱۰ سفر کے لیے تھیلا، دو کُرتے، جوتی یا لاٹھی بھی نہ لینا۔ کیونکہ کام کرنے
والے کو اپنی خوراک کا حق ہے۔ ۱۱ "جس شہر یا گاؤں میں جاؤ وہاں کسی
ایسے شخص کو تلاش کرنا جو تمہارا استقبال کرنے کے لائق ہو اور وہیں
ٹھہرنا جب تک وہاں سے روانہ نہ ہو۔ ۱۲ "جب کسی گھر میں جاؤ تو اس
گھر کے لوگوں کو سلام کہنا۔ ۱۳ اگر وہ گھر اس کے لائق ہو تو تمہارا سلام
اس پر ٹھہرے گا، لیکن اگر وہ اس کے لائق نہ ہو تو تمہارا سلام تم پر واپس

ای ۱۳ "جبهٔ خوب جبهٔ خیلی بچهٔ ای، خوب. ۱۴ "آن من. ماخوذ جبهٔ تخت
ذهن بچهٔ ای جبهٔ خوب، ۱۵ "ذهب بد ای تخت جبهٔ ای جبهٔ خیلی. ۱۶ "نه
به، خانه ای جبهٔ تخت. ای جبهٔ ای بچهٔ من آیا جبهٔ خیلی. ۱۷ "نه
خانه ای بد جبهٔ خوب. ۱۸ "نه جبهٔ ای ذهن: جبهٔ جبهٔ آیا بد جبهٔ
جبهٔ آن من. آن من جبهٔ ای. نه به نه جبهٔ آیا جبهٔ جبهٔ جبهٔ
نه به نه جبهٔ جبهٔ ای نه به جبهٔ." ۱۹ خانه آن جبهٔ، جبهٔ آن جبهٔ
ای نه ای نه جبهٔ آیا. ۲۰ ذهن آن جبهٔ جبهٔ آیا نه ای نه جبهٔ
خوب نه جبهٔ جبهٔ: "نه ای نه، خانه ای. خوب جبهٔ ای نه جبهٔ
آیا؟" ۲۱ نه آیا نه جبهٔ: "آن ای نه ای نه آیا نه جبهٔ نه نه
ای نه. خوب نه ای جبهٔ ای نه جبهٔ؟"

ای نه جبهٔ نه

۲۲ نه ۲۳ جبهٔ ای نه ای نه، جبهٔ نه جبهٔ ای نه. ۲۴ نه خوب
نه ای نه جبهٔ ای نه جبهٔ. جبهٔ نه جبهٔ ای نه: "نه نه نه
نه، نه نه نه ای نه نه جبهٔ ای نه نه؟ آ نه نه نه نه،
نه جبهٔ نه نه ای نه: "نه نه نه نه ای نه نه." ۲۵ نه
ای نه جبهٔ نه نه. نه نه نه نه نه نه نه نه نه نه
نه نه نه نه نه نه نه نه نه نه. ۲۶ "نه نه نه نه
نه، نه." ۲۷ "نه نه نه نه نه نه نه نه نه نه
نه نه نه، نه نه نه نه نه نه نه. ۲۸ "نه نه
نه نه نه نه نه نه نه نه نه نه نه نه نه.

۲۹ "کیا چڑیوں کی دو پیسے میں نہیں بکتیں؟ تاہم تمہارے باپ کی مرضی کے بغیر ان میں سے ایک بھی زمین پر نہیں گرتی۔ ۳۰ بلکہ تمہارے سر کے بال بھی سب گنے ہوئے ہیں۔ ۳۱ پس مت ڈرو۔ تم بہت سی چڑیوں سے زیادہ قیمتی ہو۔" ۳۲ "ہر وہ شخص جو انسانوں کے سامنے میرا اقرار کرے گا میں بھی اپنے باپ کے سامنے جو آسمان پر ہے اُس کا اقرار کروں گا۔ ۳۳ لیکن جو کوئی انسانوں کے سامنے میرا انکار کرے گا میں بھی اپنے باپ کے سامنے جو آسمان پر ہے اُس کا انکار کروں گا۔" ۳۴m "یہ نہ سمجھو کہ میں زمین پر صلح لانے آیا ہوں۔ میں صلح نہیں بلکہ تلوار لانے آیا ہوں۔ ۳۵n میں تو آیا ہوں کہ بیٹے کو اُس کے باپ سے، بیٹی کو اُس کی ماں سے اور بہو کو اُس کی ساس سے جدا کر دوں۔ ۳۶ "انسان کے دشمن اُس کے اپنے گھر کے لوگ ہوں گے۔" ۳۷ "جو کوئی اپنے باپ یا ماں کو مجھ سے زیادہ عزیز رکھے وہ میرے لائق نہیں۔ جو اپنے بیٹے یا بیٹی کو مجھ سے زیادہ عزیز رکھے وہ بھی میرے لائق نہیں۔ ۳۸ جو اپنی صلیب اُٹھا کر میرے پیچھے نہ چلے وہ بھی میرے لائق نہیں۔ ۳۹ جو اپنی جان بچانے کی کوشش کرے گا وہ اُسے کھو دے گا، لیکن جو میری خاطر اپنی جان کھو دے گا وہ اُسے پائے گا۔

۴۰ "جو تمہارا استقبال کرتا ہے وہ مجھ کو قبول کرتا ہے، اور جو مجھ کو قبول کرتا ہے وہ اُس کو قبول کرتا ہے جس نے مجھے بھیجا ہے۔ ۴۱ جو نبی کا استقبال اس لئے کرتا ہے کہ وہ نبی ہے اُسے نبی کا اجر ملے گا، اور جو راستباز کا استقبال اس لئے کرتا ہے کہ وہ راستباز ہے اُسے راستباز کا اجر ملے گا۔ ۴۲ اور جو کوئی ان چھوٹوں میں سے کسی کو ٹھنڈے پانی کا ایک پیالہ بھی پلائے گا اس لئے کہ وہ میرا شاگرد ہے تو میں تم سے سچ کہتا ہوں کہ وہ اپنا اجر ہرگز نہ کھوئے گا۔"

یوحنا بپتسمہ دینے والے کا سوال

۱۱ ۱ جب یسوع اپنے بارہ شاگردوں کو ہدایات دے چکا تو وہ وہاں سے چلا گیا تاکہ گلیل کے شہروں میں تعلیم دے اور منادی کرے۔ ۲ اُدھر یوحنا قید خانے میں تھا۔ وہاں اُس نے مسیح کے کاموں کے بارے میں سنا۔ اُس نے اپنے دو شاگردوں کو ۳ یسوع کے پاس بھیجا تاکہ اُس سے پوچھیں، "کیا آپ ہی وہ ہیں جس کے آنے کی پیشگوئی کی گئی تھی، یا ہم کسی اَور کا انتظار کریں؟"

۴ یسوع نے جواب دیا، "جاؤ اور یوحنا کو بتاؤ کہ جو کچھ تم سنتے اور دیکھتے ہو ۵ اندھے بینا ہو رہے ہیں، لنگڑے چل رہے ہیں، کوڑھی پاک صاف ہو رہے ہیں، بہرے سن رہے ہیں، مُردے زندہ کئے جا رہے ہیں اور غریبوں کو خوشخبری سنائی جا رہی ہے۔ ۶ مبارک ہے وہ جو میرے بارے میں ٹھوکر نہ کھائے۔"

---

m۱۰:۳۳ متی ۱۶:۲۴ n۱۰:۳۴ متی ۶:۸۲

تیز. ۳ ودس ماوناوس ایکنا حدیکا ذکنا دحهوه. بکنا حدیکا ایسناوس ودس تحیهمد ومیتس کاه تحهوه. بکنا حدیکا ایسناوس ودس تحیهمد ومیتس کاه
شهۆتا ءتهڤۆتا ءهمیه دی، ءهی بکنا ءهمیه دی ءهی ءهمیه دی ءهی ءهمیه دی ءهی

متی ۱۱

۱۷ اینبی دھلیز کی سچائی جنہوں نے جنت حاصل کرنی ہے وہ بچوں جیسے ہیں جو
کھیل بازار میں بیٹھ کر ایک دوسرے کو پکارتے ہیں۔ ۱۸ کیونکہ جنہوں نے جنت حاصل کرنی ہے وہ
نہ تو یحیٰی کی طرح روزہ رکھتے اور نہ ہی کھاتے پیتے ہیں، ۱۹ وہ ابنِ آدم کی طرح کھاتے پیتے ہیں
اور لوگ کہتے ہیں، ”دیکھو، یہ پیٹو اور شرابی ہے، محصول لینے والوں اور گناہگاروں کا دوست!“
حکمت اپنے سب کاموں سے راست ثابت ہوتی ہے۔ ۲۰ اینبی جن شہروں میں یسوع نے
زیادہ تر معجزے دکھائے تھے وہ ان کے توبہ نہ کرنے پر انہیں ملامت کرنے لگا۔ ۲۱ ”ہائے
تجھ پر، خورزین! ہائے تجھ پر، بیت صیدا! کیونکہ جو معجزے تم میں دکھائے گئے اگر وہ
صور اور صیدا میں دکھائے جاتے تو وہاں کے لوگ کب کے ٹاٹ پہن کر اور راکھ میں بیٹھ کر توبہ
کر چکے ہوتے۔ ۲۲ لیکن میں تم سے کہتا ہوں کہ عدالت کے دن صور اور صیدا کی حالت تمہاری
حالت سے کہیں بہتر ہوگی۔ ۲۳ اور تو، کفرناحوم، کیا تو آسمان تک سربلند کیا جائے گا؟
نہیں، تو پاتال تک پست کیا جائے گا۔ اگر جو معجزے تجھ میں دکھائے گئے وہ سدوم میں
دکھائے جاتے تو وہ آج تک قائم رہتا۔ ۲۴ لیکن میں تم سے کہتا ہوں کہ عدالت کے دن سدوم کی
حالت تیری حالت سے کہیں بہتر ہوگی۔“ ۲۵ اُس وقت یسوع نے کہا: ”اے باپ، آسمان اور
زمین کے مالک، میں تیری حمد کرتا ہوں کہ تُو نے یہ باتیں دانشمند اور عقلمند لوگوں سے
چھپا کر بچوں پر ظاہر کی ہیں۔ ۲۶ ہاں، اے باپ، کیونکہ تجھے یہی پسند آیا۔ ۲۷ میرے باپ نے
سب کچھ میرے سپرد کر دیا ہے۔ کوئی نہیں جانتا کہ بیٹا کون ہے سوائے باپ کے، اور کوئی نہیں
جانتا کہ باپ کون ہے سوائے بیٹے کے اور اُس کے جس پر بیٹا اُسے ظاہر کرنا چاہے۔ ۲۸ اے
تمام محنت کرنے والو اور بوجھ تلے دبے ہوئے لوگو، میرے پاس آؤ، اور میں تمہیں آرام دوں گا۔
۲۹ میرا جوا اپنے اوپر اُٹھا لو اور مجھ سے سیکھو، کیونکہ میں حلیم اور دل کا فروتن ہوں۔ تب تم
اپنے لئے آرام پاؤ گے، ۳۰ کیونکہ میرا جوا سہل اور میرا بوجھ ہلکا ہے۔“

يشوع في حبه فرأى، فبكت التي اليهود فرأى يسوع أيضا بكت
عندما يسوع فقال. ٣٤ له قالوا: "يا أين له وضعتموه؟" فقال
٣٥ "تعال يا، سيدي." له قالوا. ٣٦ يسوع فرأى: "انظروا
كيف كان يحبه!" ٣٧ منهم بعض فقال: "ألم أعمى فتح الذي
هذا أيضا يقدر كان أفما يموت؟"

يسوع يقيم لعازر من الموت

٣٨ فانزعجت يسوع فرجع. القبر في كان مغارة وكانت
عليها، ٣٩ يسوع فقال: "ارفعوا الحجر." فقالت الميت أخت
مرثا له: "يا، سيدي قد أنتن فإنه الآن؛ أربعة منذ
٤٠ يسوع فقال مكان؟" له: "ألم قلت أن إن آمنت
٤١ الله مجد ترى فإنك؟" فرفعوا الحجر. عيناه يسوع
السماء إلى فقال: "أيها، أشكرك أنك سمعت لي.
٤٢ أنا أن علمت لكني دائما تسمعني أنك أعلم كنت
واقفين الذين الجمع أجل من قلته الذي هذا
٤٣ أن بعد هذا قال، صوت بأعلى يسوع فنادى
٤٤ "لعازر، يا، فاخرج!" فخرج الميت كان هكذا
ورجلاه يداه بأقمطة ملفوفا
الأموات من قام الذي
"دعوه، له فقال بأكفان.

הפטרת בחוקותי

ירמיהו 16:19-17:14; חבקוק 2:1-4; לוקס 22:1-2

[45] לָכֵן הִנֵּה אָנֹכִי פַּעַם הַזֹּאת אוֹדִיעֵם אוֹתָם אֶת יָדִי וְאֶת גְּבוּרָתִי וְיָדְעוּ כִּי שְׁמִי יְהוָה׃ [46] וְנִבָּא יִרְמְיָהוּ וַיֹּאמֶר הִנֵּה בָּאוּ בָנִים וּבְנוֹת וּבָאוּ בָנִים בְּבֵית הַמִּקְדָּשׁ וּבָאוּ בְנוֹת בְּבֵית הַמִּקְדָּשׁ׃ [47] וְכָל הַנִּשְׁאָרִים בְּבֵית הַמִּקְדָּשׁ וּבְבֵית הַמִּקְדָּשׁ וּבְכָל הַנִּמְצָאִים בְּבֵית הַמִּקְדָּשׁ וּבְבֵית הַמִּקְדָּשׁ יָמוּתוּ בְּיַד הַנְּבִיאִים וּבְיַד הַנְּבִיאוֹת׃ [48] וַיֹּאמֶר אֲדֹנָי יְהוָה אֶל הַנְּבִיאִים וְאֶל הַנְּבִיאוֹת אֲשֶׁר הִנֵּה הַנְּבִיאִים וְה

فَصَارَ يَسُوعُ يَجُولُ فِي الْجَلِيلِ كُلِّهِ، وَيُعَلِّمُ فِي مَجَامِعِهِمْ، وَيَكْرِزُ بِبِشَارَةِ الْمَلَكُوتِ، وَيَشْفِي كُلَّ مَرَضٍ وَكُلَّ ضُعْفٍ فِي الشَّعْبِ.

يسوع سيد السبت

مرقس ٢:٢٣-٣:٦؛ لوقا ٦:١-١١

١٢ ١ فِي ذٰلِكَ الْوَقْتِ اجْتَازَ يَسُوعُ فِي السَّبْتِ بَيْنَ الزُّرُوعِ، وَتَلَامِيذُهُ جَاعُوا فَابْتَدَأُوا يَقْطِفُونَ سَنَابِلَ وَيَأْكُلُونَ. ٢ فَلَمَّا رَأَى الْفَرِّيسِيُّونَ قَالُوا لَهُ: «هُوَذَا تَلَامِيذُكَ يَفْعَلُونَ مَا لَا يَحِلُّ فِعْلُهُ فِي السَّبْتِ». ٣ فَقَالَ لَهُمْ: «أَمَا قَرَأْتُمْ مَا فَعَلَ دَاوُدُ حِينَ جَاعَ هُوَ وَالَّذِينَ مَعَهُ: ٤ كَيْفَ دَخَلَ بَيْتَ اللهِ وَأَكَلَ خُبْزَ التَّقْدِمَةِ الَّذِي لَمْ يَحِلَّ لَهُ أَكْلُهُ وَلَا لِلَّذِينَ مَعَهُ، بَلْ لِلْكَهَنَةِ فَقَطْ؟ ٥ أَوْ أَمَا قَرَأْتُمْ فِي النَّامُوسِ أَنَّ الْكَهَنَةَ فِي السَّبْتِ فِي الْهَيْكَلِ يُدَنِّسُونَ السَّبْتَ وَهُمْ أَبْرِيَاءُ؟ ٦ وَلٰكِنْ أَقُولُ لَكُمْ إِنَّ هٰهُنَا أَعْظَمَ مِنَ الْهَيْكَلِ. ٧ فَلَوْ عَلِمْتُمْ مَا هُوَ: إِنِّي رَحْمَةً أُرِيدُ لَا ذَبِيحَةً، لَمَا كُنْتُمْ تَحْكُمُونَ عَلَى الأَبْرِيَاءِ. ٨ فَإِنَّ ابْنَ الإِنْسَانِ هُوَ رَبُّ السَّبْتِ أَيْضًا». ٩ ثُمَّ انْتَقَلَ مِنْ هُنَاكَ وَجَاءَ إِلَى مَجْمَعِهِمْ،

---

٥ ١٢:٨ عد ٢٨ ١١:١٥

۱۰ آیا نوشته‌های مقدس را نخوانده‌اید که می‌گوید:
«سنگی که معماران رد کردند،
حال سنگ اصلی زاویه شده است.
۱۱ خداوند این را کرده است،
و در نظر ما شگفت‌انگیز است.»

مَثَلِ باغبانان بدکار

مرقس ۱۲:۱-۱۱؛ متی ۲۱:۳۳-۴۶؛ لوقا ۲۰:۹-۱۹

۱۲ رهبران یهود فهمیدند که عیسی این مَثَل را علیه آنها گفته است، پس می‌خواستند او را دستگیر کنند. اما از ترس مردم دست به کار نشدند. پس او را رها کردند و رفتند.

۱۳ سپس رهبران یهود عده‌ای از فریسیان و هیرودیسیان را نزد عیسی فرستادند تا او را در سخنانش به دام بیندازند. ۱۴ آنها نزد او آمدند و گفتند:
«استاد، ما می‌دانیم که تو راستگو هستی و از کسی حمایت نمی‌کنی، زیرا به ظاهر افراد توجه نمی‌کنی، بلکه راه خدا را به درستی تعلیم می‌دهی.
آیا پرداخت مالیات به امپراتور روم درست است یا نه؟
۱۵ آیا ما مالیات بپردازیم یا نپردازیم؟»
اما عیسی از ریاکاری آنها آگاه بود، پس به آنها گفت:
«چرا مرا امتحان می‌کنید؟
یک سکهٔ نقره برای من بیاورید تا آن را ببینم.»
۱۶ آنها سکه را آوردند و عیسی از آنها پرسید:
«تصویر و نام چه کسی بر این سکه است؟»
آنها پاسخ دادند:
«تصویر و نام امپراتور.»
۱۷ عیسی به آنها گفت:
«پس آنچه را که متعلق به امپراتور است، به او بدهید،
و آنچه را که متعلق به خداست، به خدا بدهید.»
آنها از پاسخ او بسیار متعجب شدند.

۱۲:۱۳p مزمور ۱۱۸:۲۵، ۲۶ ۱۲:۱۵q پیدایش ۹:۹

عیسیٰ کے خلاف فریسیوں کا منصوبہ

۲۰ وہ بید کا کچلا ہوا سرکنڈا نہیں توڑے گا اور
ٹمٹماتی ہوئی بتی کو نہیں بجھائے گا
یہاں تک کہ وہ انصاف کو فتح مند کرے۔ ۲۱ اور غیر قومیں
اُس کے نام پر اُمید رکھیں گی۔“
۲۲ پھر لوگ ایک آدمی کو اُس کے پاس لائے جو بدروح کے قبضہ میں تھا۔ وہ اندھا اور گونگا تھا۔ عیسیٰ نے اُسے شفا دی تاکہ وہ بولنے اور دیکھنے لگے۔ ۲۳ سب لوگ حیران ہو گئے اور کہنے لگے، ”کیا یہ داؤد کا بیٹا نہیں ہو سکتا؟“ ۲۴ لیکن جب فریسیوں نے یہ سنا تو کہا، ”یہ شخص بدروحوں کو صرف بدروحوں کے سردار بعلزبول کی مدد سے نکالتا ہے۔“

۲۵ عیسیٰ نے اُن کے خیالات جان کر اُن سے کہا، ”ہر سلطنت جو آپس میں پھوٹ کا شکار ہو برباد ہو جاتی ہے۔ کوئی شہر یا گھرانا جو آپس میں پھوٹ کا شکار ہو قائم نہیں رہ سکتا۔ ۲۶ اگر شیطان شیطان کو نکالتا ہے تو وہ اپنے آپ میں پھوٹ کا شکار ہے۔ پھر اُس کی سلطنت کیسے قائم رہے گی؟

عیسیٰ اور بدروحوں کے سردار

۲۷ ”اگر میں بعلزبول کی مدد سے بدروحوں کو نکالتا ہوں تو پھر تمہارے لوگ کس کی مدد سے اُنہیں نکالتے ہیں؟ اِس لئے وہی تمہارے جج ہوں گے۔ ۲۸ لیکن اگر میں خدا کے روح کی مدد سے بدروحوں کو نکالتا ہوں تو اِس کا مطلب ہے کہ خدا کی بادشاہی تم تک پہنچ گئی ہے۔ ۲۹ یا کوئی شخص کسی طاقتور آدمی کے گھر میں کیسے گھس کر اُس کا مال لوٹ سکتا ہے جب تک وہ پہلے اُس طاقتور آدمی کو باندھ نہ لے؟ پھر ہی وہ اُس کے گھر کو لوٹ سکے گا۔ ۳۰ جو میرا ساتھ نہیں دیتا وہ میرا مخالف ہے۔ اور جو میرے ساتھ مل کر جمع نہیں کرتا وہ بکھیر رہا ہے۔ ۳۱ اِس لئے میں تم سے کہتا ہوں کہ لوگوں کے ہر گناہ اور کفر کا بخشا جانا ممکن ہے لیکن روح کے خلاف کفر کا بخشا جانا ممکن نہیں۔ ۳۲ اگر کوئی شخص ابنِ آدم کے خلاف کچھ کہے تو اُسے معاف کیا جا سکتا ہے لیکن اگر کوئی شخص روح القدس کے خلاف کچھ کہے تو اُسے معاف نہیں کیا جائے گا۔ نہ تو اِس دنیا میں اور نہ ہی آنے والی دنیا میں۔

۳۳ ”یا تو درخت کو اچھا مانو اور اُس کا پھل بھی اچھا مانو یا درخت کو برا مانو اور اُس کا پھل بھی برا مانو۔ کیونکہ درخت کا پتہ اُس کے پھل سے چلتا ہے۔ ۳۴ اے سانپ کے بچو!

تو کہ نہیں جانتا، تو میرے ساتھ بھی نہیں کرے گا۔" [۳۵r] پھر
اُس نے کہا: "کس کو خدا کی بادشاہی سے تشبیہ دوں؟ کس
مثال سے اُس کا بیان کروں؟ [۳۶] وہ رائی کے دانے کی مانند ہے
جسے کسی شخص نے لے کر اپنے باغ میں بویا۔ وہ بڑھ کر
درخت بن گیا اور ہوا کے پرندوں نے آ کر اُس کی ڈالیوں پر
بسیرا کیا۔" [۳۷] پھر اُس نے کہا: "میں خدا کی بادشاہی کو کس
چیز سے تشبیہ دوں؟ [۳۸] وہ خمیر کی مانند ہے جسے کسی
عورت نے لے کر تین سیر آٹے میں ملایا یہاں تک کہ سارا
خمیر ہو گیا۔" [۳۹s] یسوع نے یہ سب باتیں بھیڑ سے مثالوں
میں کہیں۔ وہ بغیر مثال کے اُن سے کچھ نہ کہتا تھا۔ [۴۰] یہ
اس لئے ہوا کہ جو کچھ نبی کی معرفت کہا گیا تھا وہ پورا
ہو: [۴۱t] "میں اپنا منہ مثال میں کھولوں گا۔ میں
بنائے عالم سے پوشیدہ باتیں بیان کروں گا۔" [۴۲] پھر
یسوع بھیڑ کو چھوڑ کر گھر میں آیا۔ اُس کے شاگرد اُس کے
پاس آ کر کہنے لگے، "کھیت کے جنگلی دانوں کی مثال ہمیں
سمجھا دیجئے۔" [۴۳] اُس نے جواب میں کہا: "اچھا بیج
ابنِ آدم ہے۔

۱۲:۳۴r زبور ۷۸:۲؛ یسعیاہ ۶:۹ ۱۴:۷ ۱۲:۳۸s زبور ۱۰۵:۱ ۱۲:۴۰t زبور ۱۰۶:۱

تمثیل خزانہ اور موتی

۴۴ "آسمان کی بادشاہی کھیت میں چھپے ہوئے خزانے کی مانند ہے۔ جب کوئی آدمی اسے پاتا ہے تو اسے پھر چھپا دیتا ہے۔ پھر وہ خوشی سے جاتا ہے اور اپنا سب کچھ بیچ کر اس کھیت کو خرید لیتا ہے۔ ۴۵ "آسمان کی بادشاہی ایک سوداگر کی مانند ہے جو اچھے موتیوں کی تلاش میں ہے۔ ۴۶ جب اسے ایک بہت قیمتی موتی ملتا ہے تو وہ جاتا ہے اور اپنا سب کچھ بیچ کر اسے خرید لیتا ہے۔

تمثیل جال

۴۷ "آسمان کی بادشاہی ایک جال کی مانند ہے جو سمندر میں پھینکا جاتا ہے اور ہر قسم کی مچھلی پکڑتا ہے۔ ۴۸ جب جال بھر جاتا ہے تو مچھیرے اسے کنارے پر کھینچ لیتے ہیں۔ پھر وہ بیٹھ کر اچھی مچھلی کو برتنوں میں جمع کرتے ہیں اور خراب مچھلی کو پھینک دیتے ہیں۔ ۴۹ دنیا کے آخر میں بھی ایسا ہی ہوگا۔ فرشتے آئیں گے اور راستبازوں میں سے شریروں کو الگ کر دیں گے۔ ۵۰ وہ انہیں بھڑکتی ہوئی بھٹی میں پھینک دیں گے جہاں لوگ روئیں گے اور دانت پیسیں گے۔"

نئے اور پرانے خزانے کی تمثیل

۵۱ یسوع نے پوچھا، "کیا تم نے ان باتوں کو سمجھ لیا ہے؟" شاگردوں نے جواب دیا، "جی ہاں۔" ۵۲ یسوع نے کہا، "اس لیے ہر وہ شریعت کا معلم جو آسمان کی بادشاہی کے بارے میں تعلیم دیتا ہے، ایک گھر کے مالک کی مانند ہے جو اپنے خزانے سے نئی اور پرانی چیزیں نکالتا ہے۔"

٦ ١ربمع دبلا ىلع جيهلا ءاضقلا ءوس لخيشلا ىلع لادبلا ،رهمحلا ىلإ
ىنابعلا ىدحإ ىلع حوبصلا ٧ ؟"تبلكلا ءلملا هيلإ هلسرأ" :لوقيو ،ليئرسإ
ىنابعلا ىدحإ :"ىنعي ،بذك ،لب" :لوقيو ،ليئرسإ ىلإ هجولا هجوي
ىلإ ىنعي ،"ىنعي ىلإ ءاج دقل" :لوقيو ،ليئرسإ ىلإ ٨ .هيلإ ءاج دقل
ىلإ ءاج دقل" :لوقيو ،ليئرسإ ىلإ هجولا هجوي ،"لا ،لب" :لوقيو ،ليئرسإ
ىنابعلا ىكبي ٩ ."تبلكلا ءلملا هيلإ ءاج دقل ،لب ،بذك ،ىنعي
ليئرسإ ىلإ هجولا هجوي ،ليئرسإ ىلإ هجولا هجوي ىنابعلا لاقو
ىلإ ىنعي ىلإ لاقو ،"بذك ،ىنعي ،ىنعي" :لوقيو ١٠ ."ىنعي ءاج دقل
ىلإ ءاج دقل ،ليئرسإ ءلم ىلإ ،ىلإ ءاسنلا ءاج" :ىنعي ىلإ ىنعي
ليئرسإ ءلم ىلإ ،ىلإ ءاسنلا ءاج .ىلإ ءاسنلا ءاج ،ليئرسإ ءلم
ىلإ ءاسنلا ءاج ،ليئرسإ ءلم ىلإ ،ىلإ ءاسنلا ءاج .ىلإ ءاسنلا ءاج
ىنابعلا لاقف ١١ ."ليئرسإ ءلم ىلإ ،ىلإ ءاسنلا ءاج ،ليئرسإ ءلم
ىلإ ءاسنلا ءاج ،ىلإ ءاسنلا ءاج" :ليئرسإ ىلإ هجولا هجوي
ىلإ ءاسنلا ءاج ،ىلإ ءاسنلا ءاج .ىلإ ءاسنلا ءاج ،ليئرسإ ءلم
ىلإ ءاسنلا ءاج ،ليئرسإ ءلم ىلإ ،ىلإ ءاسنلا ءاج .ىلإ ءاسنلا ءاج
ىنابعلا لاقف ١٢ ."ليئرسإ ءلم ىلإ ،ىلإ ءاسنلا ءاج ،ليئرسإ ءلم
ىلإ ءاسنلا ءاج ،ىلإ ءاسنلا ءاج" :ليئرسإ ىلإ هجولا هجوي
ىلإ ءاسنلا ءاج ،ليئرسإ ءلم ىلإ ،ىلإ ءاسنلا ءاج .ىلإ ءاسنلا ءاج
ليئرسإ ءلم ىلإ ،ىلإ ءاسنلا ءاج .ىلإ ءاسنلا ءاج ،ليئرسإ ءلم
ىلإ ءاسنلا ءاج ،ليئرسإ ءلم ىلإ ،ىلإ ءاسنلا ءاج .ىلإ ءاسنلا ءاج

٢٠"والذي زُرع على الأرض المزروعة هو الذي يسمع الكلمة ويقبلها في الحال بفرح،
٢١ولكن ليس له أصل في نفسه، بل هو إلى حين. فعندما يحدث ضيق أو اضطهاد بسبب الكلمة
سرعان ما يتخلى عنها.

٢٢والذي زُرع بين الأشواك هو الذي يسمع الكلمة، ولكن هموم هذا العالم وخداع الغنى
يخنقان الكلمة فلا تثمر.

٢٣والذي زُرع على الأرض الجيدة هو الذي يسمع الكلمة ويفهمها، فيثمر ويعطي بعضه مئة
ضعف وبعضه ستين وبعضه ثلاثين."

٢٤وقدم لهم مثلاً آخر قائلاً: "يشبه ملكوت السماوات رجلاً زرع حقله زرعاً جيداً.
٢٥وبينما كان الناس نائمين جاء عدوه وزرع زؤاناً بين القمح وانصرف.
٢٦فلما نبت الزرع وأخرج سنبله ظهر الزؤان أيضاً.
٢٧فجاء عبيد رب البيت وقالوا له: 'يا سيد، أما زرعت حقلك زرعاً جيداً؟ فمن أين له الزؤان؟'
٢٨فقال لهم: 'العدو فعل هذا'. فقال له العبيد: 'أتريد أن نذهب ونجمعه؟'
٢٩فقال: 'لا، لئلا تقلعوا القمح مع الزؤان وأنتم تجمعونه.
٣٠دعوهما ينميان معاً إلى الحصاد، وفي وقت الحصاد أقول للحصادين: اجمعوا أولاً الزؤان
واربطوه حزماً ليحرق، وأما القمح فاجمعوه إلى مخزني.'"

عیسیٰ جذام کے داغ لگاتا ہے

مرقس ۱:۴۰-۴۵؛ متی ۸:۱-۴؛ لوقا ۵:۱۲-۱۶

۳۱ جب وہ یہ تمثیل اُن کے سامنے پیش کر رہا تھا تو ایک اَور تمثیل بھی دی۔ "آسمان کی بادشاہی
اُس رائی کے دانے کی مانند ہے جسے کوئی شخص لے کر اپنے کھیت میں بو دے۔ ۳۲ یہ سب بیجوں سے
چھوٹا ہوتا ہے، لیکن جب بڑھ جاتا ہے تو سب سبزیوں سے بڑا ہو جاتا ہے۔ یہ ایسا درخت بن جاتا ہے
کہ ہوا کے پرندے آ کر اُس کی ٹہنیوں پر گھونسلے بناتے ہیں۔" ۳۳ اُس نے اُنہیں ایک اَور تمثیل
بھی سنائی۔ "آسمان کی بادشاہی اُس خمیر کی مانند ہے جسے کوئی عورت لے کر تین پیمانے آٹے میں
ملا دے تاکہ سارا آٹا خمیر ہو جائے۔"

۳۴ یسوع نے یہ سب باتیں بھیڑ کو تمثیلوں میں سنائیں۔ اُس نے تمثیل کے بغیر اُن سے کچھ نہ کہا۔
۳۵ یہ اِس لئے ہوا کہ جو کچھ نبی کی معرفت کہا گیا تھا وہ پورا ہو جائے، "میں اپنا منہ تمثیلوں میں
کھولوں گا۔ میں دنیا کے آغاز سے پوشیدہ باتیں بیان کروں گا۔"

۳۶ پھر یسوع بھیڑ کو رخصت کر کے گھر میں داخل ہوا۔ اُس کے شاگرد اُس کے پاس آئے اور کہا:
"کھیت کے جنگلی پودوں کی تمثیل ہمیں سمجھا دیں۔" ۳۷ اُس نے جواب دیا: "اچھا بیج جو بوتا ہے
اِبنِ‌آدم ہے۔ ۳۸ کھیت دنیا ہے۔ اچھا بیج بادشاہی کے فرزند ہیں۔ جنگلی پودے شریر کے فرزند ہیں۔
۳۹ دشمن جو اُنہیں بوتا ہے ابلیس ہے۔ فصل کا وقت دنیا کے خاتمے کا زمانہ ہے۔ کاٹنے والے
فرشتے ہیں۔

گیہوں اور جنگلی پودے

۱۴ ۱ "کل قیامت کے دن خدا کی بادشاہی کا کیا حال ہو گا۔ اُس کی مثال دیتا ہوں۔ ۲ کسی شخص کے
کھیت میں جنگلی پودے اُگ آئے ہیں۔ وہ کھیت کا مالک ہے۔ اُس نے اُنہیں بویا نہیں۔ اُس کے

٣ "وہ یسوع بیت عنیاہ میں شمعون کوڑھی کے گھر میں کھانا کھانے بیٹھا تھا، جب ایک عورت سنگِ مرمر کی بوتل میں خالص جٹامانسی کا بیش قیمت عطر لے کر آئی۔ اُس نے بوتل توڑ کر عطر یسوع کے سر پر انڈیل دیا۔ ٤ کچھ لوگ آپس میں کہنے لگے: "عطر کو اِس طرح ضائع کرنے کا کیا فائدہ؟ ٥ اِسے تو تین سو دینار سے زیادہ میں بیچ کر رقم غریبوں کو دی جا سکتی تھی۔" اور وہ اُس پر بہت غصہ ہوئے۔ ٦ لیکن یسوع نے کہا: "اِسے تنگ نہ کرو۔ یہ اچھا کام کیوں کر رہی ہے؟ ٧ غریب تو ہمیشہ تمہارے ساتھ رہیں گے، اور جب چاہو تم اُن کی مدد کر سکتے ہو۔ لیکن میں ہمیشہ تمہارے ساتھ نہیں رہوں گا۔ ٨ اِس عورت نے جو کچھ کر سکتی تھی وہ کر دیا ہے۔ میرے دفن کی تیاری میں اِس نے میرے بدن پر پہلے ہی سے عطر مل دیا ہے۔ ٩ مَیں تم سے سچ کہتا ہوں کہ دُنیا میں جہاں بھی اِس خوشخبری کا اعلان کیا جائے گا وہاں اِس عورت کا کیا ہوا کام بھی اِس کی یاد میں بیان کیا جائے گا۔"

١٠ پھر یہوداہ اسکریوتی جو بارہ رسولوں میں سے ایک تھا، سردار کاہنوں کے پاس گیا تاکہ یسوع کو اُن کے حوالے کر دے۔ ١١ اُنہوں نے یہ سُن کر خوشی کا اظہار کیا اور اُس سے وعدہ کیا کہ اُسے رقم دیں گے۔ تب سے وہ یسوع کو پکڑوانے کا موقع ڈھونڈنے لگا۔

١٢ خمیر کی روٹی کی عید کے پہلے دن جب فسح کا جانور ذبح کیا جاتا تھا، یسوع کے شاگردوں نے اُس سے پوچھا، "کہاں چاہتے ہیں کہ ہم جا کر آپ کے لئے فسح کے کھانے کا انتظام کریں؟" ١٣ اُس نے دو شاگردوں کو یہ کہہ کر بھیجا، "شہر میں جاؤ۔ وہاں تمہیں ایک آدمی ملے گا جو پانی کا مٹکا اُٹھائے ہوئے ہو گا۔ اُس کے پیچھے پیچھے چلے جانا۔ ١٤ جس گھر میں وہ جائے اُس کے مالک سے کہنا، 'اُستاد کہتا ہے کہ میرا وقت قریب آ گیا ہے۔ کیا تمہارے گھر میں کوئی کمرہ ہے جہاں مَیں اپنے شاگردوں کے ساتھ فسح کا کھانا کھا سکوں؟' ١٥ وہ آدمی تمہیں اوپر کی منزل پر ایک بڑا کمرہ دکھائے گا جو سجا ہوا اور تیار ہو گا۔ وہیں ہمارے لئے کھانا تیار کرو۔" ١٦ شاگرد روانہ ہوئے اور شہر میں آ کر سب کچھ ویسا ہی پایا جیسا یسوع نے کہا تھا۔ اُنہوں نے فسح کا کھانا تیار کیا۔

١٧ جب شام ہوئی تو یسوع بارہ رسولوں کے ساتھ وہاں آیا۔

تحقیق، کہ ان میں سے ایک بھی ہلاک نہ ہو۔ ۱۵ اگر تیرا بھائی تیرا گناہ کرے تو جا اور اکیلے میں اُس کی خطا اُس پر ظاہر کر۔ اگر وہ تیری سنے تو تُو نے اپنے بھائی کو پا لیا۔ ۱۶ لیکن اگر وہ نہ سنے تو ایک یا دو اَور کو اپنے ساتھ لے جا تاکہ ہر بات دو یا تین گواہوں کے منہ سے ثابت ہو جائے۔ ۱۷ اگر وہ اُن کی بھی نہ سنے تو کلیسیا سے کہہ دے۔ اگر وہ کلیسیا کی بھی نہ سنے تو تُو اُسے غیرقوم اور محصول لینے والے کی مانند سمجھ۔ ۱۸ "میں تم سے سچ کہتا ہوں کہ جو کچھ تم زمین پر باندھو گے وہ آسمان پر بندھا ہوا ہو گا اور جو کچھ تم زمین پر کھولو گے وہ آسمان پر کھلا ہوا ہو گا۔ ۱۹ پھر میں تم سے یہ بھی کہتا ہوں کہ اگر تم میں سے دو جن کا ایمان ہے زمین پر کسی بات کے لئے اتفاق کریں تو جو کچھ وہ مانگیں وہ میرا باپ جو آسمان پر ہے اُن کے لئے کرے گا۔ ۲۰ کیونکہ جہاں دو یا تین میرے نام پر جمع ہوتے ہیں وہاں میں اُن کے بیچ میں ہوں۔" ۲۱ تب پطرس نے پاس آ کر اُس سے کہا، "خداوند، اگر میرا بھائی میرا گناہ کرتا رہے تو میں کتنی بار اُسے معاف کروں؟ کیا سات بار تک؟" ۲۲ یسوع نے اُسے جواب دیا، "میں تجھ سے یہ نہیں کہتا کہ سات بار تک بلکہ سات بار کو سترگنا تک۔ ۲۳ اِس لئے آسمان کی بادشاہی اُس بادشاہ کی مانند ہے جس نے اپنے خادموں سے حساب لینا چاہا۔ ۲۴ جب وہ حساب لینے لگا تو ایک شخص اُس کے سامنے لایا گیا جو دس ہزار توڑے کا قرضدار تھا۔ ۲۵ چونکہ اُس کے پاس ادا کرنے کو کچھ نہ تھا اِس لئے اُس کے مالک نے حکم دیا کہ اُسے اُس کی بیوی اور بچوں اور سب کچھ جو اُس کا تھا بیچ دیا جائے تاکہ قرض ادا ہو جائے۔ ۲۶ اِس پر خادم نے گر کر اُسے سجدہ کیا اور کہا، 'اے خداوند، مجھے مہلت دے تو میں سب کچھ ادا کر دوں گا۔' ۲۷ اُس خادم کے مالک نے ترس کھا کر اُسے چھوڑ دیا اور قرض معاف کر دیا۔ ۲۸ لیکن جب وہ خادم باہر گیا تو اُس نے اپنے ایک ساتھی خادم کو پایا جو اُس کا سو دینار کا قرضدار تھا۔ اُس نے اُسے پکڑ کر گلا گھونٹنا شروع کیا اور کہا، 'جو کچھ تُو مجھ پر واجب ہے وہ ادا کر!' ۲۹ اِس پر اُس ساتھی خادم نے گر کر اُس سے منت کی، 'مجھے مہلت دے تو میں سب ادا کر دوں گا۔' ۳۰ لیکن اُس نے نہ مانا بلکہ جا کر اُسے قید میں ڈلوا دیا جب تک وہ قرض ادا نہ کر دے۔ ۳۱ جب اُس کے ساتھی خادم یہ ماجرا دیکھ کر بہت رنجیدہ ہوئے تو گئے اور اپنے مالک کو سارا حال سنا دیا۔

سنة العتق

١٥ ١"في نهاية كل سبع سنوات تعفون ديونكم. ٢حسب الشريعة التي أعطيها لكم اليوم، يجب أن يعفو كل دائن عن الدين الذي أقرضه لأخيه أو لقريبه. لا يجوز أن يطالب أحد أخاه بالدين، لأن الرب قد أعلن أن سنة العتق قد بدأت. ٣يمكنكم أن تطالبوا الأجنبي بالدين، لكن يجب أن تعفوا عن كل ما لأخيكم. ٤لا يوجد فقير بينكم، لأن الرب سيباركم في الأرض التي يعطيكم إياها لتمتلكوها، ٥إذا أطعتم الرب إلهكم بالكامل، وحفظتم جميع الوصايا التي أعطيكم إياها اليوم. ٦فالرب إلهكم سيباركم كما وعدكم، فتقرضون أمما كثيرة دون أن تقترضوا منها. وتسودون على أمم كثيرة دون أن تخضعوا لسيطرة أحد.

٧"إذا كان أحد إخوتكم فقيرًا في إحدى مدن الأرض التي يعطيكم الرب إلهكم إياها، فلا تكونوا قساة القلوب ولا تغلقوا أيديكم في وجه أخيكم الفقير. ٨بل افتحوا أيديكم له، وأقرضوه ما يحتاج إليه. ٩احذروا أن تفكروا بالشر في قلوبكم، قائلين: 'قد اقتربت السنة السابعة، سنة العتق'، فتنظروا بعين الشر إلى أخيكم الفقير، ولا تعطوه شيئًا. فيشتكي عليكم إلى الرب، وتكونون مذنبين بالخطية. ١٠أعطوا الفقير بسخاء، ولا تتذمروا عندما تعطونه، لأن الرب إلهكم سيباركم في كل أعمالكم وفي كل ما تعملون. ١١لن يختفي الفقراء من الأرض، لذلك أوصيكم أن تكونوا كرماء مع إخوتكم المحتاجين والفقراء في أرضكم.

بحصد بحبب حلل حثث هُثِّيتِه حفِجه يَكه بذا مِنا بب ١ حاذِه جَجِد ح
بب ١ نِنا لَكا بب يَاب حفِجه حِجِه حلِجه ١٦ "كا بُسه حفِجه يَاب
حفِجه بب يَكه حفِجه حِجِه حلِجه ١ نِنا بب حثث حم بب يَكه
حفِجه بب يَكه حفِجه ١ نِنا بب حلِجه حفِجه يَكه بب حلِج

هیچ کس نمی‌تواند وارد خانهٔ مرد زورآور شود و اموال او را غارت کند، مگر اینکه اول آن مرد را ببندد و آنگاه خانه‌اش را غارت کند. [۲۷]عیسی به آنها گفت: «امشب همهٔ شما مرا ترک خواهید کرد، زیرا نوشته شده است: ”خدا شبان را خواهد زد و گوسفندان پراکنده خواهند شد.“ [۲۸]اما پس از آنکه زنده شدم، پیش از شما به جلیل خواهم رفت.»

۱۶ [۱]زنان دعنبه کرده حنوط خریدند تا بروند و بدن عیسی را حنوط کنند. [۲]صبح روز یکشنبه، بسیار زود، هنگام طلوع آفتاب، سر قبر رفتند. [۳]در راه به یکدیگر می‌گفتند: «چه کسی سنگ را از دهانهٔ قبر برای ما غلتانده است؟» [۴]اما وقتی نگاه کردند دیدند سنگ غلتانده شده است، و سنگ بسیار بزرگ بود. [۵]وارد قبر که شدند، جوانی را دیدند که لباسی سفید بر تن داشت و در سمت راست قبر نشسته بود. از دیدن او بسیار ترسیدند.

عیسی بر مریم مجدلیه ظاهر می‌شود

[۶]اما او به آنها گفت: «نترسید! شما عیسای ناصری را که مصلوب شده بود می‌جویید. او برخاسته است! او اینجا نیست. ببینید، این جایی است که او را گذاشته بودند. [۷]حالا بروید و به شاگردان او و به پطرس بگویید که او پیش از شما به جلیل می‌رود. همان‌جا او را خواهید دید، درست همان‌طور که به شما گفته بود.»

[۸]زنان با ترس و وحشت از قبر گریختند و از شدت هیجان چیزی به کسی نگفتند.

[۹]عیسی صبح روز یکشنبه زودتر از همه بر مریم مجدلیه ظاهر شد، همان زنی که هفت دیو از او بیرون رانده بود. [۱۰]مریم رفت و به یاران عیسی که ماتم‌زده و گریان بودند خبر داد. [۱۱]اما وقتی شنیدند که عیسی زنده است و مریم او را دیده است، باور نکردند. [۱۲]بعد از این، عیسی به دو نفر از شاگردان خود در بین راه به شکل دیگری ظاهر شد. [۱۳]آن دو برگشتند و به بقیه خبر دادند، اما آنها نیز باور نکردند.

۲۶:۱۵ مرقس ۱۹:۳۵؛ ۶۹:۴

فجأة حدث أن، كان يصلي بعزلة وتلاميذه معه، فسألهم قائلاً: ”من يقول الناس إني أنا؟“ [١٤] فأجابوه: ”البعض يقول يوحنا المعمدان، والبعض إيليا، وآخرون إرميا أو أحد الأنبياء.“ [١٥] فقال لهم: ”وأنتم، من تقولون إني أنا؟“ [١٦] فأجاب سمعان بطرس: ”أنت المسيح ابن الله الحي.“ [١٧] فقال له يسوع: ”طوبى لك يا سمعان بن يونا، لأن لحماً ودماً لم يعلنا لك هذا، بل أبي الذي في السماوات. [١٨] وأنا أقول لك أيضاً: أنت بطرس، وعلى هذه الصخرة سأبني كنيستي، وأبواب الجحيم لن تقوى عليها. [١٩] وسأعطيك مفاتيح ملكوت السماوات، فكل ما تربطه على الأرض يكون مربوطاً في السماوات، وكل ما تحله على الأرض يكون محلولاً في السماوات.“ [٢٠] ثم أوصى تلاميذه أن لا يخبروا أحداً أنه يسوع المسيح.

[٢١] ومنذ ذلك الوقت ابتدأ يسوع يخبر تلاميذه أنه لا بد أن يذهب إلى أورشليم، ويتألم كثيراً على أيدي الشيوخ ورؤساء الكهنة والكتبة، ويُقتل، وفي اليوم الثالث يقوم من الموت. [٢٢] فأخذه بطرس جانباً وابتدأ ينتهره قائلاً: ”حاشا لك يا رب! لن يحدث لك هذا أبداً.“ [٢٣] فالتفت يسوع وقال لبطرس: ”اذهب عني يا شيطان! أنت لي عثرة، لأنك لا تفكر بما لله، بل بما للناس.“

[٢٤] ثم قال يسوع لتلاميذه: ”من أراد أن يتبعني، فليتخلَّ عن نفسه ويحمل صليبه ويتبعني. [٢٥] لأن من أراد أن يخلص نفسه يهلكها، ومن يهلك نفسه من أجلي يجدها. [٢٦] فماذا ينتفع الإنسان لو ربح العالم كله وخسر نفسه؟ أو ماذا يعطي الإنسان ثمناً لنفسه؟ [٢٧] لأن ابن الإنسان سوف يأتي في مجد أبيه مع ملائكته، وحينئذٍ يجازي كل واحد بحسب أعماله. [٢٨] الحق أقول لكم: إن من القائمين ههنا قوماً لن يذوقوا الموت حتى يروا ابن الإنسان آتياً في ملكوته.“

تعبد الرب إلهك وإياه وحده تخدم. ٢٤"فجاء إليه رجل أبرص
وقال له يا معلم صالح ماذا أعمل لأرث الحياة الأبدية.

سؤال عن الطلاق

٢٥"فقال له لماذا تدعوني صالحا. ليس أحد صالحا إلا واحد الله.
وأنت تعرف الوصايا لا تزن لا تقتل لا تسرق لا تشهد بالزور
٢٦لا تسلب أكرم أباك وأمك وأحب قريبك كنفسك. ٢٧فقال له
يسوع واحدة تعوزك بع كل ما لك ووزع على المساكين فيكون
لك كنز في السماء وتعال اتبعني حاملا الصليب. ٢٨فلما سمع
الشاب قال له هذا مضى حزينا لأنه كان ذا مال كثير.
٢٩فقال يسوع لتلاميذه الحق أقول لكم إنه يعسر أن يدخل غني
ملكوت السماوات. ٣٠وأقول لكم أيضا إن مرور جمل من ثقب
إبرة أيسر من أن يدخل غني ملكوت الله. ٣١فلما سمع تلاميذه
بهتوا جدا قائلين: "فمن يستطيع إذا أن يخلص؟ ٣٢فنظر إليهم
يسوع وقال: "عند الناس هذا غير مستطاع ولكن ليس عند الله.
لأن كل شيء مستطاع عند الله."

مكافأة التلاميذ

١٩ ٣٣فابتدأ بطرس يقول له: "ها نحن قد تركنا كل شيء وتبعناك
فماذا يكون لنا. ٢٨فقال لهم يسوع الحق أقول لكم إنكم أنتم
الذين تبعتموني في التجديد متى جلس ابن الإنسان على كرسي
مجده تجلسون أنتم أيضا على اثني عشر كرسيا تدينون أسباط
إسرائيل الاثني عشر. ٢٩وكل من ترك بيوتا أو إخوة أو أخوات
أو أبا أو أما أو امرأة أو أولادا أو حقولا من أجل اسمي يأخذ
مئة ضعف ويرث الحياة الأبدية. ٣٠ولكن كثيرون أولون يكونون
آخرين وآخرون أولين.

נְגִ֑יד, וְיִפְתְּח֣וּ דַלְתֹ֔ות וְיָבֹ֖א גֹּויִ֣ם צַדִּ֑יק שֹׁמֵ֖ר אֱמוּנִֽים׃ ٣ יֵ֣צֶר סָמ֤וךְ תִּצֹּר֙ שָׁלֹ֣ום שָׁלֹ֔ום כִּ֥י בְךָ֖ בָּטָֽח׃ ٤ בִּטְח֤וּ בַֽיהוָה֙ עֲדֵ֣י עַ֔ד כִּ֥י בְיָ֖הּ יְהוָ֑ה צ֖וּר עֹלָמִֽים׃ ٥ כִּ֣י שָׁח֤ וֹ יֹשְׁבֵי֙ מָר֔וֹם קִרְיָ֥ה נִשְׂגָּ֖בָה יַשְׁפִּילֶ֑נָּה יַשְׁפִּילָ֥הּ עַד־אֶ֖רֶץ יַגִּיעֶ֥נָּה עַד־עָֽפָר׃ ٦ תִּרְמְסֶ֣נָּה רָ֔גֶל רַגְלֵ֖י עָנִ֑י פְּעָמִ֖ים דַּלִּֽים׃ ٧ אֹ֣רַח לַצַּדִּ֔יק מֵישָׁרִ֖ים תְּפַלֵּ֑ס מַעְגַּ֥ל צַדִּיקִ֖ים תְּפַלֵּֽס׃ ٨ אַף־אֹ֣רַח מִשְׁפָּטֶ֔יךָ קִוִּ֥ינוּךָ֖ יְהוָ֑ה לְשִׁמְךָ֥ וּלְזִכְרְךָ֖ תַּאֲוַ֥ת נָֽפֶשׁ׃ ٩ נַפְשִׁ֥י אִוִּיתִ֖ךָ בַּלָּ֑יְלָה אַף־רוּחִ֥י בְקִרְבִּ֖י אֲשַׁחֲרֶ֑ךָּ כִּֽי־כַאֲשֶׁ֤ר מִשְׁפָּטֶ֙יךָ֙ לָאָ֔רֶץ צֶ֥דֶק לָמְד֖וּ יֹשְׁבֵ֥י תֵבֵֽל׃ ١٠ יֻחַ֤ן רָשָׁע֙ בַּל־לָמַ֣ד צֶ֔דֶק בְּאֶ֥רֶץ נְכֹחוֹת֙ יְעַוֵּ֔ל וּבַל־יִרְאֶ֖ה גְּא֥וֹן יְהוָֽה׃ ١١ יְהוָ֖ה רָ֣מָה יָדְךָ֑ בַּל־יֶחֱזָ֔יוּ יֶחֱז֥וּ וְיֵבֹ֖שׁוּ קִנְאַת־עָ֑ם אַף־אֵ֥שׁ צָרֶ֖יךָ תֹּאכְלֵֽם׃ ١٢ יְהוָ֖ה תִּשְׁפֹּ֣ת שָׁלֹ֑ום כִּ֥י גַם־כָּל־מַעֲשֵׂ֖ינוּ פָּעַ֥לְתָּ לָּֽנוּ׃ ١٣ יְהוָ֣ה אֱלֹהֵ֔ינוּ בְּעָלוּנוּ֙ אֲדֹנִ֣ים זֻלָתֶ֔ךָ בָּ֥ךְ נַזְכִּ֖יר שְׁמֶֽךָ׃ ١٤ מֵתִ֣ים בַּל־יִחְי֔וּ רְפָאִ֖ים בַּל־יָקֻ֑מוּ לָכֵ֤ן פָּקַדְתָּ֙ וַתַּשְׁמִידֵ֔ם וַתְּאַבֵּ֖ד כָּל־זֵֽכֶר׃ ١٥ יָסַ֥פְתָּ לַגֹּ֖וי יְהוָ֑ה יָסַ֥פְתָּ לַגֹּ֖וי נִכְבָּ֑דְתָּ רִחַ֖קְתָּ כָּל־קַצְוֵי־אָֽרֶץ׃ ١٦ יְהוָ֖ה בַּצַּ֣ר פָּקָ֑דוּךָ צָ֥קוֹן לָ֖חַשׁ מוּסָרֶֽךָ׃

۱۷ وہ ابھی راستے پر روانہ ہونے ہی والا تھا کہ ایک شخص دوڑتا ہوا آیا اور اُس کے سامنے
گھٹنے ٹیک کر اُس سے پوچھنے لگا، "اے نیک اُستاد، ہمیشہ کی زندگی کا وارث ہونے کے
لئے مجھے کیا کرنا چاہئے؟" ۱۸ یسوع نے اُس سے کہا، "تُو مجھے نیک کیوں کہتا ہے؟
کوئی نیک نہیں مگر ایک یعنی خدا۔ ۱۹ تُو احکام تو جانتا ہے: 'خون نہ کر، زنا نہ کر، چوری نہ
کر، جھوٹی گواہی نہ دے، دغا نہ کر، اپنے باپ اور اپنی ماں کی عزت کر۔'" ۲۰ اُس نے اُس سے
کہا، "اُستاد، اِن سب کو تو مَیں لڑکپن سے مانتا آیا ہوں۔" ۲۱ یسوع نے اُس پر نظر کی اور
اُس سے محبت رکھ کر کہا، "تجھ میں ایک بات کی کمی ہے۔ جا، جو کچھ تیرا ہے بیچ کر کنگالوں
کو دے دے اور تجھے آسمان پر خزانہ ملے گا۔ تب آ کر صلیب اُٹھا لے اور میرے پیچھے ہو لے۔"
۲۲ اِس بات سے اُس کا چہرہ اُتر گیا اور وہ غمگین ہو کر چلا گیا، کیونکہ اُس کا بڑا مال و
اسباب تھا۔ ۲۳ تب یسوع نے چاروں طرف نظر کر کے اپنے شاگردوں سے کہا، "دولتمند کا
خدا کی بادشاہی میں داخل ہونا کیسا مشکل ہے!" ۲۴ شاگرد اُس کی باتوں سے حیران ہوئے۔
پر یسوع نے پھر جواب میں اُن سے کہا، "بچو، خدا کی بادشاہی میں داخل ہونا کیسا مشکل ہے!
۲۵ دولتمند کا خدا کی بادشاہی میں داخل ہونے سے سوئی کے ناکے میں سے اُونٹ کا نکل جانا
آسان ہے۔" ۲۶ وہ اَور بھی بہت حیران ہو کر آپس میں کہنے لگے، "پھر کون نجات پا سکتا ہے؟"
۲۷ یسوع نے اُن پر نظر کر کے کہا، "آدمیوں سے تو یہ ہو نہیں سکتا پر خدا سے نہیں، کیونکہ
خدا سے سب کچھ ہو سکتا ہے۔"

یسوع کا رسولوں سے دوسری بار یروشلیم میں دُکھ اُٹھانے کا ذکر کرنا

متی ۲۰:۱۷-۱۹؛ لوقا ۱۸:۳۱-۳۴

۲۸ پطرس اُس سے کہنے لگا، "دیکھ، ہم سب کچھ چھوڑ کر تیرے پیچھے ہو لئے ہیں۔" ۲۹ یسوع
نے جواب میں کہا، "مَیں تم سے سچ کہتا ہوں کہ ایسا کوئی نہیں جس نے میرے اور
انجیل کے لئے گھر یا بھائی یا بہن یا ماں یا باپ یا بچے یا کھیت چھوڑے ہوں

سنة ٢٠٢٤ للهجرة، الموافق لسنة ٢٠٢٤ للميلاد، هي سنة كبيسة تبدأ يوم الاثنين ٢٩ فبراير ٢٠٢٤ وتنتهي يوم الثلاثاء ٢٨ فبراير ٢٠٢٥. [٤] وفيها، كما في كل سنة كبيسة، يُضاف يوم واحد إلى شهر فبراير ليصبح ٢٩ يومًا بدلًا من ٢٨. [٥] وقد اختار المجلس الأعلى للشؤون الفلكية هذا الاسم لأن السنة تحتوي على ٣٦٦ يومًا. [٦] وقال الأمين العام للمجلس، الدكتور سليم الورداني، في مؤتمر صحفي عقده في مقر المجلس في مدينة النخيلة: "أردنا اسمًا يسهل تذكره، ويكون مرتبطًا بالسماء والنجوم، فوقع الاختيار على الثريا." [٧] وأضاف أن المجلس تلقى أكثر من ١٢٠ اقتراحًا من مختلف أنحاء البلاد قبل أن يحسم أمره. [٨] وأوضح أن الاسم الجديد يعني "الكثيرة" أو "المتجمعة"، وأن اختياره جاء بعد دراسة أسماء النجوم والكواكب التي كانت معروفة عند العرب القدماء. [٩] وقال: "أردنا اسمًا يربط بين التراث والعلم، وبين ما كان يعرفه أجدادنا وما نعرفه نحن اليوم." [١٠] وأشار إلى أن الاسم لا يحمل أي دلالة سياسية أو دينية، وأنه مفتوح للجميع. [١١] وأكد الورداني أن المجلس سيعلن في وقت لاحق عن الأسماء التي ستطلق على السنوات الكبيسة المقبلة، وأن العمل جارٍ على وضع قائمة تمتد حتى عام ٢٠٣٢.

متى ٢٦:٥٧-٥٨؛ مرقس ١٤:٥٣-٥٤؛ لوقا ٢٢:٥٤

[١٢] ثم مضوا بيسوع إلى رئيس الكهنة، فاجتمع عنده جميع رؤساء الكهنة والشيوخ وكتبة الشريعة. [١٣] وتبعه بطرس من بعيد حتى وصل إلى ساحة بيت رئيس الكهنة، ودخل وجلس مع الخدام ليرى كيف ستنتهي الأمور. [١٤] وكان رؤساء الكهنة ومجلس الشيوخ كلهم يبحثون عن شهادة زور ضد يسوع ليقتلوه، [١٥] فقد شهد كثيرون بالباطل، لكن شهاداتهم لم تتفق. [١٦] ثم قام قوم وشهدوا عليه قائلين: [١٧] "نحن سمعناه يقول: أنا أهدم هذا الهيكل المصنوع بالأيدي، وفي ثلاثة أيام أبني آخر لا بأيدي." [١٨] ولكن حتى في هذا لم تتفق شهادتهم. [١٩] فقام رئيس الكهنة في وسطهم وسأل يسوع: "ألا تجيب بشيء؟ ماذا يشهد هؤلاء عليك؟" [٢٠] أما يسوع فسكت ولم يجب بشيء. فسأله رئيس الكهنة مرة أخرى: "أأنت المسيح ابن المبارك؟" [٢١] فقال يسوع: "أنا هو، وسترون ابن الإنسان جالسًا عن يمين القدرة، وآتيًا على سحاب السماء." [٢٢] فمزق رئيس الكهنة ثيابه وقال: "ما حاجتنا بعد إلى شهود؟ [٢٣] قد سمعتم التجديف بأذنكم، فما رأيكم؟" فحكموا عليه جميعًا بأنه يستحق الموت.

يسوع يتحدث عن الصلاة

متى ٢٦:٦٩-٧٠؛ مرقس ١٤:٦٦-٦٨؛ لوقا ٢٢:٥٥-٥٧

١٥ يسوع. وعندما تلاميذه رأوا ذلك انتهروهم. ١٦ ولكن يسوع دعا الأولاد إليه وقال: «دعوا الأولاد يأتون إليّ ولا تمنعوهم، لأن ملكوت الله هو لمثل هؤلاء. ١٧ الحق أقول لكم: من لا يقبل ملكوت الله مثل ولد لن يدخله أبدًا».

يسوع والرجل الغني

متى ١٩:١٦-٣٠؛ مرقس ١٠:١٧-٣١

١٨ وسأله أحد الرؤساء: «أيها المعلم الصالح، ماذا أعمل لأرث الحياة الأبدية؟» ١٩ فقال له يسوع: «لماذا تدعوني صالحًا؟ ليس أحد صالحًا إلا واحد، وهو الله. ٢٠ أنت تعرف الوصايا: لا تزنِ، لا تقتل، لا تسرق، لا تشهد بالزور، أكرم أباك وأمك». ٢١ فقال: «كل هذه قد حفظتها منذ حداثتي». ٢٢ فلما سمع يسوع قال له: «ينقصك أيضًا شيء: بع كل ما لك ووزع على الفقراء فيكون لك كنز في السماء، وتعال اتبعني». ٢٣ فلما سمع ذلك حزن جدًا، لأنه كان غنيًا جدًا.

[٢٤] ויאמר אליהם, מה אתם מבקשים? ויאמרו אליו, רבי, שיהיו אלה שני בנינו
יושבים אחד מימינך ואחד משמאלך בכבודך.

ישוע מבטיח לתלמידיו רדיפות

מתי ٢٦:٧١-٧٥; מרקוס ١٤:٦٩-٧٢; לוקס ٢٢:٥٨-٦٢

[٢٥] וישוע קרא אליהם ואמר: ידעתם כי שליטי העמים מושלים בהם, וגדוליהם
רודים בהם. [٢٦] אבל לא כן יהיה בינכם, אלא כל אשר ירצה להיות גדול בינכם
יהיה משרתכם, [٢٧] וכל אשר ירצה להיות ראשון בינכם יהיה עבדכם. [٢٨] כמו
שבן האדם לא בא כדי שישרתו לו, אלא כדי לשרת ולתת את נפשו כפדיון
בעד רבים.

ישוע מרפא עיוור

מתי ٢٠:٢٩-٣٤; מרקוס ١٠:٤٦-٥٢; לוקס ١٨:٣٥-٤٣

[٢٩] ובצאתם מיריחו, הלך אחריו המון גדול. [٣٠] והנה שני עיוורים ישבו על
הדרך, וכששמעו כי ישוע עובר שם, צעקו ואמרו: "אדון, בן דוד, רחם עלינו!"
[٣١] והעם גער בהם שישתקו, אבל הם צעקו עוד יותר: "אדון, בן דוד, רחם
עלינו!" [٣٢] ישוע עמד, קרא להם ושאל: "מה אתם רוצים שאעשה לכם?"
[٣٣] והם ענו לו: "אדוני, שנראה!" [٣٤] וישוע ריחם עליהם, נגע בעיניהם

زاؤ ڪو بڌڻ ٿو چاهي تہ ڀلي ائين ڪري. ”پر هتي ساڻ ٿي
ڪا ڏاڍي؟“ ٣٥ ۽ ڪنڌ کڻي ڏٺائين تہ ڪي ماڻهو ڪهاڙيون
ڪنڌ تي رکي ايندا پئي. ”ڇا تون ڪاهي پيو يا ڪا ڪاهي
ڪري آيو آهين؟“ ٣٦ ڪنڌ ساڻ چوڻ لڳو: ”مڙس تہ ڪاهي
ڪري آيو آهي پر ڪنهن تي نہ. ڪاهي ڪري آيو آهي
ڪنهن ڪاهي ڪري آيو آهي، ڪنهن ڪنهن تي نہ. ڪاهي
ڪري آيو آهي تہ ڪنڌ ڪنهن تي نہ.“ ٣٧ ڪاهي ڪري آيو
ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو آهي: ”ڪير آهي جو ڪنهن تي نہ
ڪاهي ڪري آيو آهي؟“ ڪنڌ ساڻ چوڻ لڳو: ”ڪير آهي
ڪنهن ڪاهي ڪري آيو آهي. ڪنهن ڪنهن تي نہ ڪاهي
ڪري آيو آهي تہ ڪنڌ ڪنهن تي نہ ڪاهي ڪري آيو
آهي.“ ٣٨ ڪاهي ڪري آيو آهي: ”ڪاهي ڪيئن ڪاهي آيو،
ڪنهن ڪاهي ڪري آيو آهي تہ ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو
آهي. ڪنهن ڪاهي ڪري آيو آهي تہ ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو
آهي. ڪنهن ڪاهي ڪري آيو آهي تہ ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو
آهي.“

ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو آهي

ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو آهي ٢٧:١٥-٣١؛ ڪنڌ ١٥:١٦-٢٠؛ ڪنڌ ٢٣:١-٥

١٩ ١ ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو آهي تہ ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو
آهي. ٢ ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو آهي تہ ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو
آهي، ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو آهي تہ ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو
آهي ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو آهي. ٣ ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو
آهي ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو آهي تہ ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو
آهي. ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو آهي: ”ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو
آهي، ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو آهي تہ ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو
آهي.“ ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو آهي تہ ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو
آهي. ٤ ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو آهي تہ ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو
آهي: ”ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو آهي، ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو
آهي ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو آهي. ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو
آهي ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو آهي ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو
آهي.“ ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو آهي تہ ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو
آهي ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو آهي، ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو
آهي ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو آهي ڪنڌ ڪاهي ڪري آيو
آهي.

تا بحال بخاطر بیاورید که من تا چه اندازه برای شما دعا کرده‌ام.» ۵ بعد
شاگردان، همانطور که عیسی به آنها گفته بود، به دهکده‌ها رفتند و
همه‌جا را گشتند. آنها مریض‌ها را شفا می‌دادند و به مردم می‌گفتند:
«توبه کنید.» ۷ عیسی به آن دوازده نفر گفته بود: «شما را مانند گوسفندانی
می‌فرستم که در میان گرگ‌ها زندگی می‌کنند.» ۸ بعد به آنها گفت که
چه کنند و چه نکنند. ۹ گفت: «وقتی به شهری رفتید و مردم آن شهر
از شما پذیرایی کردند، همان غذایی را بخورید که به شما می‌دهند.
۱۰ وقتی وارد خانه‌ای شدید، تا وقتی که از آن شهر نروید همان‌جا بمانید.
۱۱ اگر در شهری کسی از شما پذیرایی نکرد و به حرف‌هایتان گوش نداد،
از آن شهر بیرون بروید و حتی گرد و خاک آن شهر را از پاهایتان بتکانید
تا شهادتی باشد بر ضد آنها.» ۱۲ آنها رفتند و به مردم گفتند که توبه کنند
و از گناهان خود دست بکشند. ۱۳ آنها دیوهای زیادی را بیرون راندند و
عده زیادی از بیماران را با روغن شفا دادند.
۱۴ پادشاه هیرودیس هم از کارهای عیسی خبر شد، زیرا نام او در همه‌جا
سر زبان‌ها بود. بعضی‌ها می‌گفتند: «یحیای تعمیددهنده از مردگان
برخاسته است و به همین دلیل است که می‌تواند معجزه کند.»
۱۵ بعضی‌ها می‌گفتند: «او ایلیاست.» و بعضی‌ها می‌گفتند: «او یکی از
پیامبران خدا مانند پیامبران قدیم است.» ۱۶ وقتی هیرودیس این حرف‌ها
را شنید، گفت: «یحیی که سرش را بریدم، حالا زنده شده است.»
۱۷ هیرودیس قبلاً دستور داده بود یحیی را دستگیر کنند و او را در زندان
زنجیر کنند. این کار به خاطر هیرودیا، زن برادرش فیلیپُس، انجام شد.
هیرودیس با هیرودیا ازدواج کرده بود، ۱۸ و یحیی به هیرودیس گفته بود:
«ازدواج تو با زن برادرت کار درستی نیست.» ۱۹ هیرودیا از دست یحیی

ما يقوم هكذا مكتوب: "١٦ وسيدين هو شعبه كما يدين راعي الخراف،
ويقول: "يا معلم، صالح هو الله الذي أعطى الناس السلطان أن يفعلوا هذا.
ما يريد الله أن يفعله.

الأمثال

مرقس ١٢:١-١١؛ لوقا ٢٠:٩-١٨؛ أعمال الرسل ٤:١١-١٢؛ ١ بطرس ٧:٢-٨

١٧ فنظر إليهم يسوع وقال: "ما معنى ما هو مكتوب في الكتاب المقدس:
'الحجر الذي رفضه البناؤون
صار حجر الزاوية الرئيسي'؟ ١٨ فكل من يسقط على هذا الحجر يتحطم،
ومن يسقط هذا الحجر عليه يسحقه."
١٩ فلما سمع رؤساء الكهنة والفريسيون هذه الأمثال علموا أنه يقصدهم.
٢٠ فحاولوا أن يقبضوا عليه، ولكنهم خافوا الناس، لأنهم كانوا يعتبرون يسوع نبيًا.
٢١ فتركوه وانصرفوا.
٢٢ ثم أخذ يسوع يتكلم إليهم بأمثال أخرى فقال:
٢٣ "يشبه ملكوت السماوات رجلًا ملكًا أقام وليمة عرس لابنه.
٢٤ فأرسل عبيده ليدعوا المدعوين إلى الوليمة، فلم يريدوا أن يأتوا.
فأرسل عبيدًا آخرين وقال لهم:
'قولوا للمدعوين
إن وليمتي قد أعددتها،
ثيراني وطيوري المسمنة قد ذبحت،
وكل شيء جاهز.
تعالوا إلى وليمة العرس.'

---

[١٧] ١٩:٢٤ أو الحجر.

.ישוע המשיח בשבח לנפש

٢٥ כי אותם שהיו בעבודה הזאת, ושהיו יושבים בבתיהם, בהם הודיע
בדברים הרבה שעבד את ידיו בשביל הצרכים שלו ושל אלה שהיו
עמו, ואז אמר: "בנים יקרים, אני עומד לעזוב אתכם, ואני רוצה
לבקש מכם שתזכרו את דברי ישוע, כי הוא אמר: 'יותר טוב לתת
מאשר לקבל.'" ٢٧ אחרי שאמר את הדברים האלה, הוא כרע על
ברכיו והתפלל.

הפרידה מאפסוס

מעשי ٢٧:٤٥-٥٦; מעשי השליחים ٣٣:١٥-٤١; לוקס ٤٤:٢٣-٤٩

٢٨ כולם בכו בקול רם, נפלו על צווארו של פולוס ונישקו אותו,
כואבים את הדברים שאמר, כי ידעו שלא יראו עוד את פניו.
٢٩ ואז הוא עזב אותם והלך לספינה. ٣٠ אבל כשהגיעו לספינה
הוא ראה שהיהודים שנאו אותו מאוד. הוא ידע שהם תכננו
להרוג אותו. לכן הוא הלך לאחור לכיוון החוף, ומשם הוא עלה
על ספינה אחרת שהפליגה לכיוון ירושלים. ٣١ אחרי שהגיעו
לירושלים, הם הלכו לבית של יעקב, ושם הם פגשו את כל
הזקנים של הכנסייה. פולוס סיפר להם את כל הדברים שעשה
בקרב העמים השונים בדרך שבה אלוהים עזר לו בעבודתו.
٣٢ כשהם שמעו את הדברים האלה, הם התחילו לשבח את
אלוהים. אחרי זה הם אמרו לו: "אחינו, אתה רואה כמה אלפים
מהיהודים כבר האמינו בישוע, ושכולם עדיין שומרים את
התורה בקנאות. ٣٣ הם שמעו שאתה מלמד את כל היהודים
שחיים בין העמים לעזוב את משה, ואתה אומר להם שלא
צריך למול את הילדים שלהם ולא צריך לחיות לפי המנהגים
שלנו. ٣٤ מה יהיה? הם בוודאי ישמעו שאתה כאן.

لِئَلَّا يُكْسَرَ عَظْمٌ مِنْهُ. [٣٧] وَيَقُولُ كِتَابٌ آخَرُ أَيْضًا: «سَيَنْظُرُونَ إِلَى الَّذِي طَعَنُوهُ».[x] [٣٨] وَبَعْدَ هَذَا سَأَلَ يُوسُفُ الَّذِي مِنَ الرَّامَةِ بِيلاَطُسَ أَنْ يَأْخُذَ جَسَدَ يَسُوعَ، وَكَانَ يُوسُفُ تِلْمِيذًا لِيَسُوعَ، وَلَكِنْ خُفْيَةً لِسَبَبِ الْخَوْفِ مِنَ الْيَهُودِ. فَأَذِنَ بِيلاَطُسُ. فَجَاءَ وَأَخَذَ جَسَدَ يَسُوعَ. [٣٩] وَجَاءَ أَيْضًا نِيقُودِيمُوسُ، الَّذِي أَتَى أَوَّلاً إِلَى يَسُوعَ لَيْلاً، وَهُوَ حَامِلٌ مَزِيجَ مُرٍّ وَعُودٍ نَحْوَ مِئَةِ رَطْلٍ. [٤٠] فَأَخَذَا جَسَدَ يَسُوعَ وَلَفَّاهُ بِأَكْفَانٍ مَعَ الأَطْيَابِ، كَمَا لِلْيَهُودِ عَادَةٌ أَنْ يُكَفِّنُوا. [٤١] وَكَانَ فِي الْمَوْضِعِ الَّذِي صُلِبَ فِيهِ بُسْتَانٌ، وَفِي الْبُسْتَانِ قَبْرٌ جَدِيدٌ لَمْ يُوضَعْ فِيهِ أَحَدٌ قَطُّ. [٤٢] فَهُنَاكَ مِنْ أَجْلِ يَوْمِ التَّهْيِئَةِ لِلْيَهُودِ، لأَنَّ الْقَبْرَ كَانَ قَرِيبًا، وَضَعَا يَسُوعَ.

---

x ١٩:٣٦ خروج ١٢:٤٦؛ عدد ٩:١٢؛ مزمور ٣٤:٢٠ y ١٩:٣٧ زكريا ١٢:١٠

۱۵تته ۵ل مح مدتد ۱۵مممه

مدممه ۲۸:۱-۱۰؛ ۱ممل ۸:۱هه۱-۱۶؛ ۱ممل ۲٤:۱-۱۲

۲۰ ۱ ۱۵ح۵ذ دبحَحتذ، ۱۵ح۵ ۱۵تتم تد، ۱۵ح۵ ۱۵ح۵ ۱۵ح۵ذ ۱۵ح۵ذ ۱۵ح۵ذ

لمحې ځمکې څخه. ۱۳ خو هغه یوه مشر ته وویل: "ملګرې، زه ستا
سره بې انصافي نه کوم. ایا ته زما سره د یوه دینار په اندازه
تړون نه وې کړی؟ ځه خپل مزدوري واخله او لاړ شه. زه غواړم
چې دې وروستي سړي ته هم ستا په څیر مزدوري ورکړم. ۱۵ زه
خپل مال څنګه چې غواړم، هغسې کولی شم. ایا ته ځکه زما په
نیکۍ حسد کوې چې زه سخي یم؟" ۱۶ همدا ډول وروستي به
لومړي او لومړي به وروستي وي."

د عیسی دریم ځل د مرګ پیشګویي

مرقس ۱۰:۳۲-۳۴؛ لوقا ۱۸:۳۱-۳۴

۱۷ کله چې عیسی د یروشلم په لور روان و، نو یوازې دولس
شاګردان یې خپل ځان سره یو ځای کړل او په لاره یې ورته
وویل: ۱۸ "ګورئ، موږ یروشلم ته ځو او د انسان زوی به
مشرانو او د شریعت عالمانو ته وسپارل شي. دوی به هغه د مرګ
سزا ورکړي ۱۹ او بیا به یې د ټوکو لپاره غیر یهودانو ته
وسپاري. دوی به هغه ټوکې کړي، په کوړه به یې وهي او بیا به
یې په صلیب وباسي. خو په دریمه ورځ به هغه بیا ژوندی شي."

د زبدي د زامنو غوښتنه

مرقس ۱۰:۳۵-۴۵

۲۰ بیا د زبدي د زامنو مور خپلو زامنو سره عیسی ته راغله او
په درناوي یې د هغه څخه یوه غوښتنه وکړه. ۲۱ عیسی ترې
وپوښتل: "څه غواړې؟" هغې ورته وویل: "ستا په پاچهۍ کې
زما دواړو زامنو ته اجازه راکړه چې یو د ستا ښي لاس او بل
یې ستا چپ لاس ته کښیني." ۲۲ خو عیسی ورته وویل: "تاسو
نه پوهیږئ چې څه غواړئ. ایا تاسو کولی شئ هغه جام وڅښئ
چې زه یې وڅښم؟" دوی ورته وویل: "هو، کولی شو." ۲۳ عیسی
ورته وویل: "بیشکه چې زما جام به وڅښئ، خو زه نه پوهیږم

لِيَسُوعَ بِتَمَّ فَرَحٍ لِ، مَسَرَّتُهُمْ لِتَثَرُّ لِمَلَكُوتِ لَا فَسَلَكُوا لَا لِمَا، مَسَرَّةٍ.“

لِمَوْلَى لِمِ لِتَمَّ مَعَدَ

[٢٤] لِمَوْلَى، بِهِ مَعَ هِيَ لِمَدَّ لِجَا جَهَجَهَ لِمَا تِمَّ لِمَا، لِمَدَّ لِمَا لِمَا، لِ مَا بِهِ [٢٥] لِمَعَدَّ لِمَا لِمَا لِمَا لِمَا، مَسَرَّةٍ. لِمَعَدَّ لِمَا لِمَا لِمَا لِمَا

نئے آسمان اور نئی زمین

۲۱ ۱ پھر مَیں نے نئے آسمان اور نئی زمین کو دیکھا، کیونکہ پہلے آسمان اور پہلی
زمین جاتی رہی تھیں۔ سمندر بھی نہ رہا۔ ۲ مَیں یوحنا نے مقدس شہر نئے یروشلیم کو
بھی دیکھا جو خدا کے پاس سے آسمان پر سے اُتر رہا تھا۔ وہ اُس دُلہن کی مانند
آراستہ تھا جو اپنے دُولہا کے لئے بناؤ سنگار کرتی ہے۔ ۳ پھر مَیں نے تخت سے
بلند آواز سُنی جو کہہ رہی تھی: ”دیکھو، خدا کا خیمہ اب انسان کے درمیان ہے۔
وہ اُن کے ساتھ سکونت کرے گا، اور وہ اُس کے لوگ ہوں گے۔ خود خدا اُن کے
ساتھ رہے گا اور اُن کا خدا ہو گا۔ ۴ وہ اُن کی آنکھوں سے ہر آنسو پونچھ دے گا۔
موت پھر کبھی نہ ہو گی، نہ ماتم، نہ چیخ و پکار، نہ درد۔ کیونکہ پہلی چیزیں
جاتی رہی ہیں۔“

۵ تخت پر بیٹھا ہوا شخص کہنے لگا، ”دیکھو، مَیں سب کچھ نیا کر رہا ہوں۔“
پھر اُس نے مجھ سے کہا، ”لکھ لے، کیونکہ یہ باتیں سچی اور قابلِ اعتماد ہیں۔“
۶ اُس نے مجھ سے یہ بھی کہا، ”یہ پُورا ہو چکا ہے۔ مَیں الف اور یے ہوں، ابتدا
اور انتہا ہوں۔ جو کوئی پیاسا ہے اُسے مَیں زندگی کے چشمہ کا پانی مُفت پینے
دُوں گا۔ ۷ جو فتح پائے وہ سب کچھ وراثت میں پائے گا، اور مَیں اُس کا خدا
ہوں گا اور وہ میرا بیٹا ہو گا۔ ۸ لیکن بزدلوں، بے وفاؤں، گھناؤنے کاموں کے
مرتکبوں، قاتلوں، بدکاروں، جادوگروں، بُت پرستوں اور سب جھوٹوں کا حصہ
اُس جھیل میں ہو گا جو آگ اور گندھک سے جلتی رہتی ہے۔ یہ دوسری موت ہے۔“

۹ پھر ساتوں فرشتوں میں سے ایک آیا جن کے پاس ساتوں آخری آفتیں تھیں
جو ساتوں پیالے بھرے ہوئے تھے۔ اُس نے مجھ سے کہا، ”آ، مَیں تجھے دُلہن
یعنی برّہ کی بیوی دکھاؤں گا۔“ ۱۰ پھر وہ فرشتہ مجھے رُوح میں ایک بڑے اور
اُونچے پہاڑ پر لے گیا، اور مَیں نے مقدس شہر یروشلیم کو دیکھا جو آسمان پر سے
خدا کے پاس سے اُتر رہا تھا۔ ۱۱ وہ خدا کے جلال سے معمور تھا۔ اُس کی چمک
بیش قیمت پتھر کی مانند تھی، یعنی یشب کی طرح جو بلّور کی مانند صاف ہے۔
۱۲ اُس کی بڑی اور اُونچی فصیل تھی جس میں بارہ دروازے تھے۔ دروازوں پر

لہ انجیر کے درخت کے پاس پہنچا تو اُس پر کچھ پتے ہی پتے پائے۔ اُس نے درخت سے کہا، "اب سے کبھی تجھ پر پھل نہ لگے!" اور انجیر کا درخت اُسی وقت سوکھ گیا۔ [۲۰] شاگرد یہ دیکھ کر حیران رہ گئے اور کہنے لگے، "انجیر کا درخت اتنی جلدی کیسے سوکھ گیا؟" [۲۱] یسوع نے جواب دیا، "میں تم سے سچ کہتا ہوں، اگر تم ایمان رکھو اور شک نہ کرو تو نہ صرف انجیر کے درخت کے ساتھ جو کچھ میں نے کیا ہے وہ کر سکو گے بلکہ اگر تم اس پہاڑ سے بھی کہو، 'اُٹھ کر سمندر میں جا گر،' تو ایسا ہی ہو جائے گا۔ [۲۲] اور اگر تم ایمان رکھو تو جو کچھ بھی دعا میں مانگو گے وہ تمہیں مل جائے گا۔"

یسوع کے اختیار پر سوال

[۲۳] پھر یسوع ہیکل میں داخل ہو کر تعلیم دینے لگا۔ اُس وقت اعلیٰ کاہن اور قوم کے بزرگ اُس کے پاس آئے اور پوچھنے لگے، "تم کس اختیار سے یہ کام کر رہے ہو؟ کس نے تمہیں یہ اختیار دیا ہے؟" [۲۴] یسوع نے جواب دیا، "میں بھی تم سے ایک سوال پوچھتا ہوں۔ اگر تم اس کا جواب دو تو میں بھی بتا دوں گا کہ کس اختیار سے یہ کام کر رہا ہوں۔ [۲۵] یحیٰی کا بپتسمہ کہاں سے تھا، آسمان سے یا انسان سے؟" وہ آپس میں کہنے لگے، "اگر ہم کہیں کہ آسمان سے تھا تو یہ ہم سے پوچھے گا کہ پھر تم نے اُس پر ایمان کیوں نہ لایا۔ [۲۶] اور اگر ہم کہیں کہ انسان سے تھا تو ہمیں لوگوں سے ڈر ہے کیونکہ سب یحیٰی کو نبی مانتے ہیں۔" [۲۷] چنانچہ اُنہوں نے یسوع سے کہا، "ہمیں معلوم نہیں۔" یسوع نے بھی کہا، "تو پھر میں بھی تمہیں نہیں بتاؤں گا کہ کس اختیار سے یہ کام کر رہا ہوں۔

دو بیٹوں کی تمثیل

[۲۸] "تم کیا سمجھتے ہو؟ ایک شخص کے دو بیٹے تھے۔ اُس نے پہلے بیٹے کے پاس جا کر کہا، 'بیٹا، آج جا کر انگور کے باغ میں کام کر۔' [۲۹] بیٹے نے جواب دیا، 'میں نہیں جاؤں گا۔' لیکن بعد میں اُس کا دل بدل گیا اور وہ چلا گیا۔ [۳۰] پھر باپ دوسرے بیٹے کے پاس گیا اور اُس سے بھی یہی کہا۔ اُس نے جواب دیا، 'جی ابا، میں جاؤں گا۔' لیکن وہ نہ گیا۔ [۳۱] بتائیں، دونوں میں سے کس نے باپ کی مرضی پوری کی؟" اُنہوں نے جواب دیا، "پہلے نے۔" یسوع نے اُن سے کہا، "میں تم سے سچ کہتا ہوں کہ محصول لینے والے اور فاحشہ عورتیں تم سے پہلے خدا کی بادشاہی میں داخل ہو رہی ہیں۔ [۳۲] کیونکہ یحیٰی راستبازی کی راہ دکھانے آیا، لیکن تم نے اُس پر ایمان نہ لایا۔ محصول لینے والے اور فاحشہ عورتوں نے اُس پر ایمان لایا۔ یہ دیکھ کر بھی تم نے توبہ نہ کی اور اُس پر ایمان نہ لائے۔

ص ٥٥٥ حسم ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥ ٥٥٥٥

٢٠ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥ ٥٥٥ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥ ٥٥٥ ٥٥٥ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥ ٥٥٥٥
٥٥٥٥ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥ ٥٥٥٥٨
٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨
٢١ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨
٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨
٢٢ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨
٢٣ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨
٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨
٢٤ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨
٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨
٢٥ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨
٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨
٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨ ٥٥٥٥٨

تعليم يوحنا عن الصوم

١ وكان تلاميذ يوحنا يصومون كثيرا ويطلبون طلبات. وكذلك تلاميذ الفريسيين. وهؤلاء يأكلون ويشربون. ٢ فجاء اليه قوم وقالوا له لماذا تلاميذ يوحنا يصومون كثيرا ويطلبون طلبات وكذلك تلاميذ الفريسيين وتلاميذك لا يصومون ولا يأكلون ولا يشربون. ٣ فقال لهم يسوع هل يقدر بنو العرس ان يصوموا والعريس معهم. ٤ ولكن ستأتي ايام وحينما يرتفع العريس عنهم فحينئذ يصومون. ٥ ولا يرقع احد على ثوب عتيق برقعة من جديد لان الجديد يأخذ من العتيق فيصير الخرق اردأ. ٦ ولا يجعل احد خمرا جديدة في زقاق عتيقة لئلا تشق الخمر الزقاق فتهرق الخمر والزقاق يتلف بل يجعلون خمرا جديدة في زقاق جديدة فكلاهما يحفظان. ٧ ولا يشق احد ثوبا جديدا برقعة من جديد لئلا يأخذ الجديد من العتيق فيصير الخرق اردأ. ٨ ولا يجعل احد خمرا جديدة في زقاق عتيقة لئلا تشق الخمر الزقاق فتهرق الخمر والزقاق يتلف بل يجعلون خمرا جديدة في زقاق جديدة فكلاهما يحفظان. ٩ ولا يشرب احد يريد الخمر العتيقة يريد الجديدة لانه يقول العتيقة أطيب.

ובכן, מדוע אתה מתנהג כמו אדם שאין לו שום תקווה? האם אתה חושב שאלוהים לא יכול לעזור לך?"

הסכנה בתורה

[12] אחיי בניי יקרים, אל תתנהגו כמו ילדים קטנים שמתלהבים מכל דבר חדש שהם שומעים, [13] אלא תהיו בוגרים ואחראיים. אל תתנהגו כמו אנשים שאין להם תקווה, שחיים רק בשביל ההנאות הרגעיות של החיים הזה. [14] אני מאמין שאלוהים אוהב אתכם, ושהוא רוצה שתחיו חיים מלאים ומשמעותיים. אל תתנהגו כמו אנשים שאין להם תקווה.

[15] כאשר הנביא אליהו היה בהר חורב, הוא שמע את קולו של אלוהים. [16] אלוהים שאל את אליהו: "מה אתה עושה כאן?" [17] אליהו ענה: "אני עובד קשה מאוד בשביל אלוהים, אבל אף אחד לא מקשיב לי. כולם רוצים לעבוד את האלים של העמים שסביבנו, ואני היחיד שנשאר נאמן לאלוהים האמיתי." [18] אלוהים אמר לאליהו: "אל תדאג, יש עוד שבעת אלפים אנשים בישראל שלא כרעו ברך לפני האלים של העמים שסביבנו." [19] אחרי שאלוהים דיבר עם אליהו, הוא הלך ומצא את אלישע בן שפט. אלישע היה עובד קשה בחווה של אביו, והוא היה אחד מתריסר עובדים שעבדו בחווה. [20] "אני רוצה להיות כמו אלוהים," אמר אלישע לאליהו. "אני רוצה לעבוד את אלוהים בכל ליבי ובכל נפשי."

אלמנתי ונתתי לה את כרמיה משם ואת עמק עכור לפתח
תקוה ועניתה שם כימי נעוריה וכיום עלותה מארץ
מצרים.[21z] 16 והיה ביום ההוא נאם יהוה תקראי אישי
ולא תקראי אלי עוד בעלי.[22] 17 והסרתי את שמות הבעלים
מפיה ולא יזכרו עוד בשמותם.
18 וכרתי להם ברית ביום ההוא עם חית השדה ועם עוף
השמים ורמש האדמה וקשת וחרב ומלחמה אשבר מן
הארץ והשכבתים לבטח.[23]

19 וארשתיך לי לעולם וארשתיך לי בצדק ובמשפט ובחסד
וברחמים. 20 וארשתיך לי באמונה וידעת את יהוה.[24]
21 והיה ביום ההוא אענה נאם יהוה אענה את השמים והם
יענו את הארץ. 22 והארץ תענה את הדגן ואת התירוש ואת
היצהר והם יענו את יזרעאל.[25] 23 וזרעתיה לי בארץ
ורחמתי את לא רחמה ואמרתי ללא עמי עמי אתה והוא
יאמר אלהי.[26]

הושע מוכיח את אשתו

ב 1 ואמר יהוה אל הושע לך עוד אהב אשת רעה ומנאפת
כאהבת יהוה את בני ישראל והם פונים אל אלהים אחרים
ואהבי אשישי ענבים.[a] 2 ואכרה אותה לי בחמשה עשר
כסף וחומר שעורים ולתך שעורים. 3 ואמר אליה ימים רבים
תשבי לי לא תזני ולא תהיי לאיש וגם אני אליך.[z] 4 כי ימים
רבים ישבו בני ישראל אין מלך ואין שר ואין זבח ואין
מצבה ואין אפוד ותרפים.
5 אחר ישובו בני ישראל ובקשו את יהוה אלהיהם ואת דוד
מלכם ופחדו אל יהוה ואל טובו באחרית הימים.[a]

2:1a הושע 1:10; 25:69 ז"ע 8:109 2:1a ישעיה 2:1-4; 11:9-16 מיכה 4:1-5 ז"ע 1:20 הושע 21-15:23 ז"ע

جێگیر. ٧ حکمەت هەیە ڕۆح، ئەوەش بۆ هیچ
ئەوە نییە: بە وشەی زانست لە ڕێگەی ڕۆحەوە،
٨ "حکمەت بۆ هەندێ لە ئێمە دابین دەکرێت؛
هەمان ڕۆح زانست بە هەندێکی تر دابین دەکات
٩ "ئیمان، بە هەمان ڕۆح؛ بەخشینی تەندروستی،
بە هەمان ڕۆح؛ ١٠ "بە هێزی، پێغەمبەری،
توانای جیاکردنەوەی ڕۆحەکان، بە جۆرەها
زمان، بە تەرجەمەکردنی زمانەکان. ١١ "هەموو
ئەمانە کارەکانی هەمان ڕۆحن، بەشی هەرکەسێک
بە ویستی خۆی دابەش دەکات.

هەموو جەستە پێویستی بە هەموو ئەندامەکانی هەیە

١٢ هەروەک جەستە یەک یەکەیە و ئەندامی زۆری هەیە،
بەڵام هەموو ئەندامەکانی جەستە، هەرچەندە زۆرن، جەستەیەکی تەواو پێکدەهێنن، هەروەها
مەسیحیش. ١٣ "ئێمە هەموومان لە یەک ڕۆحدا
بۆ جەستەیەک بەیەکەوە نوێژکراین، جولەکە یان
یۆنانی، کۆیلە یان ئازاد، هەموومان لە یەک ڕۆحدا
ئاوی پیرۆزمان خواردەوە. ١٤ جەستە تەنها لە یەک
ئەندام پێکنایەت، بەڵکو لە زۆر ئەندام پێکدێت.
١٥ ئەگەر پێ بڵێت: "چونکە دەست نیم، ئیتر
لەشی مەسیح نیم"، ئەوا ئەمە ناگۆڕێت کە
ئەندامێکی لەشە. ١٦ ئەگەر گوێ بڵێت: "چونکە
چاو نیم، ئیتر لەشی مەسیح نیم"، ئەوا ئەمە
ناگۆڕێت کە ئەندامێکی لەشە. ١٧ ئەگەر هەموو
جەستە چاو بوایە، گوێ لە کوێ دەبوو؟ ئەگەر
هەموو گوێ بوایە، بۆنکردن لە کوێ دەبوو؟
١٨ بەڵام ئێستا خودا ئەندامەکانی جەستەی
دابەش کردووە، هەریەکەیان وەک خۆی
دیاریکراوە.
١٩ ئەگەر هەموو ئەندامەکان یەک ئەندام
بوونایە، جەستە لە کوێ دەبوو؟

۲۰ یعنی که قرار بستم با ایشان،
و با تمامی حیوانات صحرا،
و با پرندگان آسمان،
و با خزندگان زمین.
کمان و شمشیر و جنگ را
از زمین برمی‌دارم،
تا همه در امنیت بخوابند.[b]
۲۱ «تو را برای همیشه به عقد خود درمی‌آورم؛
تو را به عدالت و انصاف،
به محبت و رحمت به عقد خود درمی‌آورم.
۲۲ تو را به امانت به عقد خود درمی‌آورم،
و تو خداوند را خواهی شناخت.
۲۳ «در آن روز من جواب خواهم داد»،
خداوند می‌گوید.
«من جواب خواهم داد
و باران را بر زمین خواهم فرستاد،
و زمین غله و شیره و روغن را
برای مردم جزرعیل خواهد فرستاد.
۲۴ و من او را برای خود در این سرزمین
مانند زراعت می‌کارم؛
بر لورحامه رحم خواهم کرد،
و به لوعمی خواهم گفت که تو قوم من هستی،
و او خواهد گفت که تو خدای من هستی.»
۲۵ خداوند به من گفت: «باز برو و زنی را دوست بدار
که محبوب دیگران است و زنا می‌کند،
همان‌طور که من بنی‌اسرائیل را دوست دارم،
با وجود آن‌که آنها به خدایان دیگر روی می‌آورند
و کیک کشمش را دوست دارند.»
۲ پس من پانزده نقره و پنج خرمن جو
و یک بشکه شراب به او دادم
۳ و به او گفتم: «تو باید مدت زیادی
فقط برای من زندگی کنی.
دیگر نباید روسپی‌گری کنی
و با هیچ مردی رابطه نامشروع داشته باشی.
من هم با تو همین‌طور رفتار خواهم کرد.»
۴ زیرا بنی‌اسرائیل مدت زیادی
بدون پادشاه و رهبر،
بدون قربانی و ستون مقدس،
بدون افود و بت خانگی زندگی خواهند کرد.
۵ سپس بنی‌اسرائیل برگشته،
یهوه خدای خود و داود پادشاه خود را خواهند طلبید
و در روزهای آخر
با ترس و لرز به سوی یهوه و نیکی او خواهند آمد.

---

[b] ۲:۲۱ اشعیا ۲:۲۸-۳۲ [c] ۲:۲۸ مزمور ۱۶:۸-۱۱

[d] ۲:۳۰ ت تثنیه ۷:۱۲-۱۳؛ مزمور ۱۳۲:۱۱

בְּיָדְךָ, וְאַתָּה תְּמִיתֵם כְּמוֹ כֻלָּם, כִּי אַתָּה הוּא אֱלֹהֵינוּ וְאֱלֹהֵי
אֲבוֹתֵינוּ לְבַדְּךָ. [34] "אַתָּה הִתְחַלְתָּ לְהוֹשִׁיעַ אֶת עַמְּךָ
יִשְׂרָאֵל בְּגָלוּת מִצְרַיִם, וְאַתָּה הוֹצֵאתָ אֶת אֲבוֹתֵינוּ
מִשָּׁם בְּיָדְךָ הַחֲזָקָה:

וְאַתָּה הוּא שֶׁעָשִׂיתָ לְמַעַן שִׁמְךָ הַגָּדוֹל עִם הַיָּם,
[35] וְהוֹלַכְתָּ בְּנֵי יִשְׂרָאֵל בְּתוֹכוֹ בֶּחָרָבָה. [36e] "וְאַתָּה הוּא שֶׁבָּלַעְתָּ
אֶת רוֹדְפֵיהֶם וְאֶת שׂוֹנְאֵיהֶם בְּתוֹךְ תְּהוֹמוֹת, כַּאֲשֶׁר בָּא
הַמַּיִם עַל הָהָרִים, וְאֵין מֵהֶם שָׁרִיד וְלֹא פָּלִיט. [37] וְעַל
זֹאת שִׁבְּחוּ הָהָרִים כְּאֵילִים, וְהַגְּבָעוֹת כִּבְנֵי צֹאן, וְהַיָּם
וְהַתְּהוֹמוֹת נָתְנוּ קוֹלָם וְהֵרִימוּ יָדָם לְמַעְלָה. [38] "מִי כָּמוֹךָ
בָּאֵלִים, יְהוָה, מִי כָּמוֹךָ נֶאְדָּר בַּקֹּדֶשׁ?" [39] וְעַל זֹאת
שָׁמְחוּ הָאֲדָמוֹת וְהָרָקִיעַ וְהַיָּם וְכָל אֲשֶׁר בָּהֶם, וְהַנְּהָרוֹת
וְהַמַּעְיָנוֹת וְהַתַּנִּינִים וְכָל הַתְּהוֹמוֹת, וְהָאֵשׁ וְהַבָּרָד וְהַשֶּׁלֶג
וְהַקִּיטוֹר וְהָרוּחַ הַסּוֹעֵרָה, וְכָל הַנִּבְרָאִים וְכָל הָאָרֶץ
וְכָל הַיְשׁוּבָה, וְכָל הָעַמִּים וְכָל הַלְוִיִּם וְכָל בְּנֵי אָדָם
וְכָל הַבְּרִיּוֹת, וְכָל אֲשֶׁר בָּרָאתָ בָּאָרֶץ וּבַשָּׁמַיִם.

[40] וְכָל הַנְּבִיאִים וְהַנְּבִיאוֹת הַיּוֹדְעִים אֶת יָדְךָ בְּכָל אֲשֶׁר
הִתְנַבְּאוּ: "כֹּה אָמַר יְהוָה, הַמַּכִּין לַיָּם דַּרְכּוֹ וּבְמַיִם עַזִּים
נְתִיבָתוֹ. [41] וְאֵת הַמּוֹצִיא רֶכֶב וְסוּס חַיִל וְגִבּוֹר." וְעַל כֵּן
הַמַּלְכִיּוֹת וְהַנְּבִיאִים הַלְלוּ אֶת שִׁמְךָ בְּשִׁירָה וְאָמְרוּ:

הַלְלוּיָהּ

[42] "הוֹדוּ לַיהוָה כִּי טוֹב, כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ, הוֹדוּ לֵאלֹהֵי
הָאֱלֹהִים, כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ. [43] לְעֹשֵׂה נִפְלָאוֹת גְּדֹלוֹת
לְבַדּוֹ, כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ, לְעֹשֵׂה הַשָּׁמַיִם בִּתְבוּנָה, כִּי
לְעוֹלָם חַסְדּוֹ, לְרוֹקַע הָאָרֶץ עַל הַמָּיִם, כִּי לְעוֹלָם חַסְדּוֹ.

---

[e] ב:לה:ב תהלים קי:א

[44] כלה ושמיך פיה את בחצי לה, פיהם לילך בת בחלבי ושמיך כלה
[45] ופשטיה, ופיה פיה את אבוא ונתנו פיהם בת אבוא ופיה ושמיך
שמחה לה ושמיך כלה ופיה. [46] כלה יהוה את בת כלה ופיה
[47] ושמיך, ופיה את אבוא ופיה בת אבוא ופיה ושמיך כלה ופיה
ופיה את אבוא ופיה בת אבוא ופיה ושמיך כלה ופיה, ופיה
ושמיך כלה ופיה.

הושע נשא את אשתו

ג [1] ויאמר יהוה אלי עוד אהבי אשה אהבת רעה ומנאפת
כאהבת יהוה את בני ישראל והמה פנים אל אלהים אחרים
ואהבי אשישי ענבים. [2] ואכרה אותה לי בחמשה עשר כסף
וחמר שערים וחצי חמר שערים. [3] ואמר אליה ימים רבים
תשבי לי לא תזני ולא תהיי לאיש וגם אנכי אליך. [4] כי ימים
רבים ישבו בני ישראל אין מלך ואין שר ואין זבח ואין מצבה
ואין אפוד ותרפים. [5] אחר ישבו בני ישראל ובקשו את יהוה
אלהיהם ואת דוד מלכם ופחדו אל יהוה ואל טובו באחרית
הימים.

בדק לכן הנה אנכי יוסף להפליא את העם הזה הפלא גדול וחכמת חכמיו תאבד ובינת נבוניו תסתתר׃ יא כי הוי על חכמים כי יבוא עליהם ועל נבונים כי יהיה להם׃

הפטרת בהעלתך לבני אשכנז

יא כה אמר יהוה צבאות אם יהיה לשארית העם הזה בעיני ההם גם בעיני יאמר יהוה צבאות׃ יב הבית ואם יהיה בבית ומת והיה קרוב אל הבית ואמר אל אחרי המשרף את העצמות מבית ואמר אל אשר בירכתי הבית הישנו עוד אתך ואמר אין ואמר אל אל תזכיר כי לא נזכיר בשם יהוה׃ יג כי הנה יהוה מצוה והכה הבית הגדול שברים והקטן בקעים׃ יד הסוסים ברקע בצורים בשדה הבקר ועגלתו ברכב ועשו את מרכבתו לכבוד וישבו על כסא בית יהוה כמנהג המזבח לפני יהוה׃ טו ועבדי בעלי שם כאחד כולם לעבוד את יהוה כי הם עבדי יהוה׃

יהוה אלהיך הוא עבר לפניך הוא ישמיד את הגוים האלה מפניך וירשתם אותם
יהושע הוא עבר לפניך כאשר דבר יהוה׃ [21] וצויתי את יהושע בעת ההיא לאמר
עיניך הרואות את כל אשר עשה יהוה אלהיכם לשני המלכים האלה כן יעשה יהוה
לכל הממלכות אשר אתה עבר שמה׃ [22] לא תיראם כי יהוה אלהיכם הוא הנלחם
לכם׃ [23] ואתחנן אל יהוה בעת ההיא לאמר׃ [24f] אדני יהוה אתה החלות את
עבדך את גדלך ואת ידך החזקה כי מי אל בשמים ובארץ אשר יעשה כמעשיך
וכגבורתך׃ [25] אעברה נא ואראה את הארץ הטובה אשר בעבר הירדן את ההר
הטוב הזה והלבנון׃ [26g] ויתעבר יהוה בי למענכם ולא שמע אלי ויאמר יהוה אלי
רב לך אל תוסף דבר אלי עוד בדבר הזה׃ [27] עלה ראש הפסגה ושא עיניך
ימה וצפונה ותימנה וראה בעיניך כי לא תעבר את הירדן הזה׃ [28] וצו את
יהושע וחזקהו ואמצהו כי הוא יעבר לפני העם הזה והוא ינחיל אתם את הארץ
אשר תראה׃ [29] וכנשב בגיא מול בית פעור׃

פרשה שנייה ציווי לשמור את התורה

ד [1] ועתה ישראל שמע אל החקים ואל המשפטים אשר אנכי מלמד אתכם לעשות
למען תחיו ובאתם וירשתם את הארץ אשר יהוה אלהי אבתיכם נתן לכם׃ [2] לא
תספו על הדבר אשר אנכי מצוה אתכם ולא תגרעו ממנו לשמר את מצות יהוה
אלהיכם אשר אנכי מצוה אתכם׃ [3] עיניכם הרואות את אשר עשה יהוה בבעל פעור
כי כל האיש אשר הלך אחרי בעל פעור השמידו יהוה אלהיך מקרבך׃ [4] ואתם
הדבקים ביהוה אלהיכם חיים כלכם היום׃ [5] ראה למדתי אתכם חקים ומשפטים
כאשר צוני יהוה אלהי לעשות כן בקרב הארץ אשר אתם באים שמה לרשתה׃
[6] ושמרתם ועשיתם כי היא חכמתכם ובינתכם לעיני העמים אשר ישמעון את כל
החקים האלה ואמרו רק עם חכם ונבון הגוי הגדול הזה׃

---

f3:23 ס"ת אדנ"י יהוה התחלת את ג:כד; יח:כב-יט, טו:יח g3:25 ס"ת הטוב ההר הזה

והשלישי והרביעי עד השבעה. ז וכאשר הביאו אותם לפניהם, שאלו: "באיזה כוח או באיזה שם עשיתם זאת?" ח אז פטרוס, מלא ברוח הקודש, אמר להם: "שליטי העם וזקניו, ט אם היום אנו נחקרים על מעשה חסד שנעשה לאדם חולה, ועל ידי מי הוא נרפא, י הרי ברור לכם ולכל עם ישראל שבאמת בשם ישוע המשיח הנצרתי, שאתם צלבתם אותו ואלוהים החיה אותו מן המתים, בשמו הוא עומד זה לפניכם בריא. יא ישוע הוא 'האבן שנזרקה על ידי הבונים, והפכה לאבן הפינה'. יב ואין בשום אדם אחר ישועה, כי אין שום שם אחר מתחת לשמים שניתן לבני האדם, שבו עלינו להיוושע."

יג כאשר ראו את חירותם של פטרוס ויוחנן, והבינו שהם אנשים פשוטים ולא למדו בבתי הספר הגבוהים, הם נדהמו. הם זיהו אותם כמי שהיו עם ישוע. יד אבל כאשר ראו את האיש שנרפא עומד לצידם, לא היה להם מה לומר נגד זה. טו לכן הורו להם לצאת מן האולם, והתייעצו ביניהם. טז "מה נעשה לאנשים האלה?" הם שאלו. "כולם בירושלים יודעים שהם עשו נס גלוי, ואנחנו לא יכולים להכחיש זאת. יז אבל כדי שהשמועה לא תתפשט עוד בעם, נאיים עליהם שלא ידברו יותר בשם הזה לאף אדם." יח אז קראו להם שוב, והורו להם לא לדבר ולא ללמד בשם ישוע בכלל. יט אבל פטרוס ויוחנן ענו להם: "שפטו בעצמכם: האם נכון בעיני אלוהים שנשמע לכם ולא לו? כ אנחנו לא יכולים שלא לספר על מה שראינו ושמענו!" כא הם איימו עליהם שוב, ואז שחררו אותם, כי לא מצאו שום עילה להעניש אותם. כל העם שיבח את אלוהים על מה שקרה, כב כי האיש שנרפא בנס היה בן יותר מארבעים.

כג כאשר שוחררו פטרוס ויוחנן, הלכו אל חבריהם וסיפרו להם את כל מה שאמרו להם ראשי הכוהנים והזקנים. כד כאשר שמעו זאת, כולם הרימו את קולם בתפילה אל אלוהים, ואמרו: "אדוננו, אתה הוא שברא את השמים ואת הארץ ואת הים ואת כל אשר בהם. כה אתה הוא שאמרת ברוח הקודש על ידי דוד עבדך, אבי עמנו:

'מדוע התרגשו העמים,
ומדוע הגו האומות הבלים?
כו מלכי הארץ התייצבו,
והשליטים נועצו יחד
נגד ה' ונגד משיחו.'[h]

כז ואכן, בעיר הזאת התאספו יחד נגד ישוע, עבדך המשיח, הורדוס ופונטיוס פילטוס עם העמים ועם עם ישראל, כח כדי לעשות את כל מה שהחלטת מראש שיקרה. כט ועכשיו, אדוננו, שמע את איומיהם, ותן לנו, עבדיך, לדבר את דברך באומץ לב. ל שלח את ידך לרפא, ותן שיתבצעו אותות ומופתים בשם ישוע עבדך הקדוש." לא כאשר סיימו להתפלל, הרעידה הרוח את המקום שבו התאספו, ומילאה את כולם ברוח הקודש, והם דיברו את דבר אלוהים באומץ לב.

לב כל המאמינים היו לב אחד ונפש אחת, ואף אחד לא טען שרכושו שייך לו, אלא הכל היה משותף ביניהם. לג השליחים העידו בכוח רב על תחיית ישוע האדון, וחסד גדול היה על כולם. לד לא היה ביניהם אף נזקק, כי כל מי שהיו לו שדות או בתים מכר אותם, הביא את הכסף לשליחים, לד ומסר אותו לידיהם. לה ואלה חילקו לכל אחד לפי צרכיו.

לו יוסף, שהשליחים כינו אותו בר נבא, שפירושו 'בן העידוד', שהיה לוי ומוצאו מקפריסין, לז מכר שדה שהיתה שייכת לו, הביא את הכסף ומסר אותו לשליחים.

---

h ד:יא מזמורים ק״יח:כב; ק״יח:כו

[19] ופטרוס ויוחנן ענו להם: "שפטו בעצמכם אם נכון לפני אלוהים
לשמוע לכם יותר מאשר לאלוהים. [20] כי אנחנו לא יכולים שלא לדבר
על מה שראינו ושמענו." [21] השלטונות איימו עוד יותר על השליחים
ושחררו אותם. הם לא מצאו שום דרך להעניש אותם, כי כל העם
שיבח את אלוהים על מה שקרה. [22] האיש שנרפא בנס היה בן יותר
מארבעים שנה.

תפילת המאמינים

[23] כשפטרוס ויוחנן חזרו לחבריהם, הם סיפרו להם את כל מה
שהכוהנים הגדולים והזקנים אמרו להם. [24] כשהאמינים שמעו את
הדברים האלה, כולם יחד התחילו להתפלל בקול רם לאלוהים:
"אדוננו, אתה ברא את השמים ואת הארץ ואת הים ואת כל מה
שנמצא בהם. [25] אתה אמרת ברוח הקודש על ידי דוד עבדך:
מדוע עמים מסוימים כועסים?
ומדוע אומות חושבות על דברים חסרי ערך?
[26] מלכי העולם מתכוננים להילחם,
והשליטים מתאספים יחד
נגד יהוה ונגד המשיח שלו.[i]
[27] כי אכן, הורוד ושלטון רומא התאספו בעיר הזאת נגד ישוע,
עבדך המשיח שלך, אותו משחת. [28] הם עשו את כל מה שהחלטת
מראש שיקרה. [29] ועכשיו, אדוננו, שים לב לאיומים שלהם
והענק לעבדיך שלך את היכולת לדבר את דברך בביטחון רב.

---

[i] ד:כו מתהלים ב:א-ב

دەڤێ خۆدێ ڕەبەنێ هەمی، هەڤجار ئەڤ ئەرکێ ئەز
دەدمە تە ژ بەر کو تو ژ دلێ خۆ تێ ڕێکا ڕاستێ
دچی ژ بەر کو تو ئەرکێ خۆدێ ڕەبەنێ خۆ ل جهێ
ئیسرائیلێ ئینا دەستێ خۆ. ٣١ بەرا خۆ ژی ئەڤ
ئەرکێ ئەز دەدمە تە، بەرا خۆ ژی ئەڤ ئەرکێ ئەز
دەدمە تە ل جهێ ئیسرائیلێ ئینا دەستێ خۆ.

ئەرکێ ئەرونی ڕەبەنی

٣٢ ئەرکێ ئەرونی ڕەبەنی ژی ئەڤ ئەرکێ ئەز
دەدمە تە. ڕۆژا تو ئەرونی ڕەبەنی دێ ئینی
ئەرکێ ئەز ڕا ژبەر ئەڤێ ئەز ڕۆژا تو ئەرونی
ڕەبەنی

وەک وەسا کە بۆ، وەک ئێوەش دەبێت بەو؟ ئەگەر وەسا کەسێک بەو بەند بە وەک ئەو، ئەو وەسا ئەوەی ئەو ئەوەی ئەو ئەوەی ئەو

خێڵ بنجکەت هەستیار. [16] ئەو ڕۆژە هەر ژنێ بە مێردێکی هاوشێوەی دایکی
خۆی دەڵێت، هەر کچێک هاوشێوەی باپیرە گەورەی خۆی دەبێت، هەموو
هاوسەرگیرییەکان هەر بەم شێوەیە دەبن.

ئەنجامی کۆتایی

[17] هەڵبەت هەر کەس هەوڵ بدات هاوسەرگیری نابەجێ، بەهیچ شێوەیەک
ناتوانێت ڕێگا لە ئەنجامەکانی بگرێت. [18] هەندێک لەو کەسانەی
هەوڵدەدەن، هەرگیز ناگەنە ئەنجام. [19] ئێوە خێڵی بنجارەکان
هەرگیز ناگەنە ئەنجام چونکە هەر هەموو ئەو شتانەی دەیکەن
هەڵەیە. [20] "ئەی هاوسەرگیرییەکانی خێڵی بنجارەکان،
هەرگیز ناگەنە ئەنجام چونکە هەموو ئەو شتانەی دەیکەن هەڵەیە."
[21] ئینجا جەستە هاوسەرگیرییەکانی خێڵی بنجارەکان
هەڵدەگرێت، هەروەها هەموو ئەو شتانەی لەگەڵیدا هەیە، هەتا
هەموو ئەو شتانەی لەگەڵیدا هەیە، هەتا خێڵی بنجارەکان
هەرگیز ناگەنە ئەنجام. جا ئەو کاتە ئەو خێڵەی بنجارەکان
هەڵدەوەشێنێتەوە، هەموو ئەو شتانەی لەگەڵیدا هەیە
هەڵدەگرێت، هەتا هەموو ئەو شتانەی لەگەڵیدا هەیە
هاوسەرگیرییەکانی خێڵی بنجارەکان هەرگیز ناگەنە ئەنجام.
[22] ئینجا ئینجیلەکانی خێڵی بنجارەکان کە هەموو ئەو شتانەی
لەگەڵیدا هەیە هاوسەرگیرییەکانی خێڵی بنجارەکان هەرگیز
ناگەنە ئەنجام. [23] "ئەی بۆ هەیە هاوسەرگیرییەکانی خێڵی
بنجارەکان هەرگیز ناگەنە ئەنجام، ئەمڕۆ: [24] ئینجا جەستە
ئەنجامی کۆتایی ئەو شتانەی لەگەڵیدا هەیە هاوسەرگیرییەکانی
خێڵی بنجارەکان، هەر کەسێک ئەو شتانەی لەگەڵیدا هەیە
هاوسەرگیرییەکانی خێڵی بنجارەکان، هەموو ئەو شتانەی
دەیکات، هەر کەسێک ئەو شتانەی لەگەڵیدا هەیە هاوسەرگیرییەکانی
خێڵی بنجارەکان، هەموو ئەو شتانەی دەیکات." [25] هاوسەرگیرییەکانی
خێڵی بنجارەکان هەرگیز ناگەنە ئەنجام: "ئەو، ئەو ئێستا دەڵێت
هەڵەیە، ئەوە چۆن هەڵەیە ئەو کاتەی ئێمە ئەنجامەکانی
خێڵی بنجارەکان هەرگیز ناگەنە ئەنجام." [26] هاوسەرگیرییەکانی
خێڵی بنجارەکان هەرگیز ناگەنە ئەنجام چونکە ئەوان
هەرگیز ناتوانن ئەو شتانەی لەگەڵیدا هەیە هاوسەرگیرییەکانی
خێڵی بنجارەکان هەڵبگرن. [27] ئینجا هەموو ئەو شتانەی لەگەڵیدا
هەیە هاوسەرگیرییەکانی خێڵی بنجارەکان، هەموو ئەو شتانەی
لەگەڵیدا هەیە هاوسەرگیرییەکانی خێڵی بنجارەکان هەرگیز
ناگەنە ئەنجام. [28] هەڵبەت هەرگیز ناگەنە ئەنجام: ئەو

"قسە بۆ ئەو ژنانە بکە کە هاوسەرگیریان لەگەڵ پیاوانی
ئەو شارە کردووە، هەروەها بۆ هەموو ئەو ژنانەی کە
ئەنجامی ئەو هاوسەرگیریانە دەبینن، ئەمە دەڵێم:
ئێوە ژنانی ئەو پیاوانەن کە ئەم پەیمانەی خوارەوە
دەبەستن: ٢٩ ئێوە ژنانی ئەو پیاوانەن کە ئەم پەیمانەی
خوارەوە دەبەستن: ٣٠ "ژنانی دڵنیا مەبن لە دڵنیایی
هەڵەی خۆتان، چونکە ئەو پیاوانەی کە ئێوە
هاوسەرگیریان لەگەڵ دەکەن، بە ٥ یان ٦ مانگ
جارێک هاوسەرگیری لەگەڵ ژنێکی تر دەکەن.
٣١ ژنانی دڵنیا مەبن لە هیچ هاوسەرگیرییەک
کە ئەنجامەکەی ئەوە بێت کە ئێوە ناچار بکات
بۆ ماوەیەکی درێژ لە ماڵی باوکتان دابنیشن،
٣٢ "ئەمن هیچ ئارەزوویەکم نییە ئەو ژنانە
هاوسەرگیری پیاوانی ئەو شارە بکەن کە ئێوە
ژنانی ئەو پیاوانەن."

٣٣ ئینجا جەمعە لەسەر ئەو بڕیارە کۆتایی هات
کە لەسەر تەختی حوکمڕانی ئەو شارە دابنرێت.
٣٤ ئینجا ئەو پیاوانەی کە ئەو شارەیان بەڕێوە
دەبرد، هەموو ئەو کەسانەی کە لە ئەو شارەدا
دەژیان، هەموو ئەو کەسانەی کە لە دەرەوەی
شارەکەوە هاتبوون بۆ ئەوەی لەگەڵ ئەو
پیاوانەدا بژین، هەموویان کۆ کردەوە، ٣٥ ئینجا
ئەو کەسە بڕیاری لەسەر ئەو پیاوانە دا کە
هاوسەرگیری لەگەڵ ئەو ژنانەدا کردبوو کە
ئەوانیش ئەو ژنانەن کە لە ماڵی باوکیان
دانیشتبوون، ٣٦ "ئەگەر هیچ کەسێک لە ئێوە
ئەمڕۆ ئەو پەیمانە نەشکێنێت کە لەگەڵ
ئەو ژنانەدا بەستوویەتی، ئەوا ئەو کەسە
ئەمڕۆ ئەو شارە بەڕێوە دەبات. ئەو
کەسانەی کە لە دەرەوەی شارەکەوە هاتوون
بۆ ئەوەی لەگەڵ ئەو پیاوانەدا بژین، ئەوا
ئەوانیش ئەو شارە بەڕێوە دەبەن. ٣٧ "هیچ
کەس ناتوانێت ئەو پەیمانە نەشکێنێت کە
لەگەڵ ژنانی ئەو شارەدا بەستوویەتی، ئەگەر
ئەو کەسە پیاوێکی ئەو شارە بێت یان ژنێکی
ئەو شارە بێت. ئەو کەسانەی کە لە ماڵی
باوکیان دانیشتبوون، ئەوانیش ئەو ژنانەن
کە ئەو پیاوانەی کە لە ئەو شارەدا دەژیان
هاوسەرگیری لەگەڵ کردبوون، ئەگەر ئەو
پیاوانە ئەو پەیمانەیان شکاندبێت کە
لەگەڵ ئەو ژنانەدا بەستوویانە، ئەوا ئەو
ژنانەش ئەو پەیمانەیان شکاندووە کە
لەگەڵ ئەو پیاوانەدا بەستوویانە. ٣٨ "ئەگەر
ئەو کەسانەی کە لە ماڵی باوکیان دانیشتبوون
ئەو پەیمانەیان شکاندبێت کە لەگەڵ ئەو
پیاوانەدا بەستوویانە، ئەوا ئەو پیاوانەش
ئەو پەیمانەیان شکاندووە کە لەگەڵ ئەو
ژنانەدا بەستوویانە. ٣٩ "ئەگەر ئەو ژنانە
هیچ کەسێکیان لە ئێوە نەکوشتبێت کە ئەو
کەسە ئەو پەیمانەی شکاندبێت کە لەگەڵ
ئەو ژنانەدا بەستوویەتی، ئەوا ئەو ژنانەش
ئەو پەیمانەیان شکاندووە کە لەگەڵ ئەو
پیاوانەدا بەستوویانە.

ואלך אחרי מאהביי הנתנים לחמי ומימי צמרי ופשתי שמני ונשקי. ו׳ לכן הנני שך את דרכך בסוכים ובניתי את גדרה ונתיבותיה לא תמצא. ז׳ ורדפה את מאהביה ולא תשיגם ובקשתם ולא תמצא כי תאמר אלכה ואשובה אל אישי הראשון כי טוב לי אז מעתה. ח׳ והיא לא ידעה כי אנכי נתתי לה את הדגן ואת התירוש ואת היצהר והכסף הרביתי לה וזהב עשו הבעל. ט׳ לכן אשוב ולקחתי דגני בעתו ותירושי במועדו והצלתי צמרי ופשתי לכסות את ערותה. י׳ ועתה אגלה את נבלתה לעיני מאהביה ואיש לא יצילנה מידי. י״א והשבתי כל משושה חגיה חדשיה ושבתותיה וכל מועדיה. י״ב והשמתי גפנה ותאנתה אשר אמרה אתנה הנה לי אשר נתנו לי מאהביי ושמתים ליער ואכלתם חית השדה. י״ג ופקדתי עליה את ימי הבעלים אשר תקטיר להם ותעד נזמה וחליה ותלך אחרי מאהביה ואתי שכחה נאם יהוה. י״ד לכן הנני מפתיה והולכתיה המדבר ודברתי על לבה. ט״ו ונתתי לה את כרמיה משם ואת עמק עכור לפתח תקוה ועניתה שמה כימי נעוריה וכיום עלותה מארץ מצרים. ט״ז והיה ביום ההוא נאם יהוה תקראי אישי ולא תקראי אלי עוד בעלי. י״ז והסירותי את שמות הבעלים מפיה ולא יזכרו עוד בשמם. י״ח וכרתי להם ברית ביום ההוא עם חית השדה ועם עוף השמים ורמש האדמה וקשת וחרב ומלחמה אשבר מן הארץ והשכבתים לבטח. י״ט וארשתיך לי לעולם וארשתיך לי בצדק ובמשפט ובחסד וברחמים. כ׳ וארשתיך לי באמונה וידעת את יהוה. כ״א והיה ביום ההוא אענה נאם יהוה אענה את השמים והם יענו את הארץ. כ״ב והארץ תענה את הדגן ואת התירוש ואת היצהר והם יענו את יזרעאל. כ״ג וזרעתיה לי בארץ ורחמתי את לא רחמה ואמרתי ללא עמי עמי אתה והוא יאמר אלהי.

ג׳

א׳ ויאמר יהוה אלי עוד לכי אהבי אשה אהובת רע ומנאפת כאהבת יהוה אל אלהים ופנו אל אלהים אחרים ואהבי אשישי ענבים. ב׳ ואכרה אותה לי בחמשה עשר כסף וחומר שעורים ולתך שעורים. ג׳ ואמר אליה ימים רבים תשבי לי לא תזני ולא תהיי לאיש וגם אנכי אליך. ד׳ כי ימים רבים ישבו בני ישראל אין מלך ואין שר ואין זבח ואין מצבה ואין אפוד ותרפים. ה׳ אחר ישבו בני ישראל ובקשו את יהוה אלהיהם ואת דוד מלכם ופחדו אל יהוה ואל טובו באחרית הימים.

הושע דואג לעמו

٨ אפרים בגוים הוא יתבולל, אפרים היה עוגה בלתי הפוכה. ٩ אכלו זרים כחו והוא לא ידע, גם שיבה זרקה בו והוא לא ידע. ١٠ וענה גאון ישראל בפניו ולא שבו ליהוה אלהיהם ולא בקשוהו בכל זאת. ١١ ויהי אפרים כיונה פותה אין לב, מצרים קראו הלכו אשור. ١٢ בלכתם אפרוש עליהם רשתי כעוף השמים אורידם כשמוע לעדתם. ١٣ אוי להם כי נדדו ממני שוד להם כי פשעו בי ואני אפדם ודברו עלי כזבים. ١٤ ולא זעקו אלי בלבבם כי יילילו על משכבותם לדגן ולתירוש יתגודדו בי סרו. ١٥ ואני יסרתי זרועתם ואמצתים וחשבו עלי רעה. ١٦ ישובו לא על על קשת היו שריהם בחרב יפלו מזעם לשונם זאת להם לעג בארץ מצרים.

הושע מוכיח את ישראל

٧ ١ בהרפאי לרפא את ישראל ותגלה אפרים רעת שומרון כי עשו שקר וגנב יבוא פשט גדודים בחוץ. ٢ ולא יאמרו בלבבם כל רעתם זכרתי עתה סבבתם מעלליהם נגד פני היו. ٣ במלכם ישמחו רעה ובשריהם בכזביהם. ٤ כולם מנאפים כתנור בוער מאפה יחדל מלהביע מרקד הבצק עד החמיצו. ٥ יום מלכנו החלו שרים חמת היין משך ידו את לצים. ٦ כי קרבו כתנור לבבם בארבם כל הלילה ישן אפיהם בבקר הוא בוער כאש להבה. ٧ כולם חמים כתנור ויאכלו את שופטיהם כל מלכיהם נפלו אין קורא בהם אלי. ٨ אפרים בעמים הוא יתבולל אפרים היה עוגה בלתי הפוכה.

ויאמר אליו, ברוך אתה ליי, בן אחי אתה! [j]"ויאמר אליו יואב, כה יוסיף ליי אלהיך אל העם ככה ומאה פעמים, ועיני אדוני המלך הלא רואות כי כולם עבדי אדוני הם, למה יבקש זאת אדוני, למה יהיה לאשמה לישראל? [k]ויחזק דבר המלך את יואב, וילך יואב הגלעדה וירם משם את אבשלום וישב ירושלם. [l]"ויאמר המלך אל יואב, הנה נא עשיתי את הדבר הזה, ולך השב את הנער את אבשלום. [m]"ויען יואב את המלך ויאמר, היום ידע עבדך כי מצאתי חן בעיניך אדוני המלך, לאשר עשה המלך את דבר עבדו. [n]"ויקם יואב וילך גשור ויבא את אבשלום ירושלם. [o]"ויאמר המלך, יסב אל ביתו ופני לא יראו, ויסב אבשלום אל ביתו ופני המלך לא ראו. [p]"ולאבשלום לא היה איש נאוה מאד בכל ישראל להתהלל יפי ממנו, ממכף רגלו ועד קדקדו לא היה בו מום. [q]"ולאבשלום שלשת בנים ובת אחת ושמה תמר, היתה אשה יפת מראה. [r]"וישב אבשלום בירושלם שתי שנים ימים ופני המלך לא ראו. [s]"וישלח אבשלום אל יואב לשלחו אל המלך, ולא אבה לבוא אליו וישלח עוד שנית ולא אבה לבוא. [t]"ויאמר אל עבדיו, ראו חלקת יואב אצלי ולו שם שעורים, לכו והציתו אתה באש, ויצתו עבדי אבשלום את החלקה באש.

---

[j] ז:ג בראשית יח:א [k] ז:ד בראשית יח:יא [l] ז:ה בראשית יב:ד-ט

[m] ז:ו בראשית יב:ז; ח:יז [n] ז:ז בראשית טו:יג-יד

[o] ז:ח בראשית יז:א-יד [p] ז:ט בראשית לז:ג, יא [q] ז:ט בראשית לז:כח

[r] ז:י בראשית מא:לט-מד [s] ז:יא בראשית מא:נג-נו [t] ז:יב בראשית מב:א-ג

ואפרים כיונה פתוי[u] אל־מצרים קראו אל־אשור הלכו׃ ישחו בלכתם
אפרש עליהם רשתי כעוף השמים אורידם כשמע לעדתם׃ [14] אוי להם כי
נדדו ממני שד להם כי פשעו בי ואני אפדם ואתם דברו עלי כזבים׃ [15]
ולא זעקו אלי בלבבם כי יילילו על־משכבותם לדגן ותירוש יתגודדו
ממני יסורו׃ [16w] ואני יסרתי זרועתם ואני חשבתי עלי רע׃ ישובו לא־על
מתעלה היו כקשת רמיה שריו יפלו בחרב מגדעת לשונם זו להם
בארץ מצרים׃ [17x] והיה תקיעת בחוכו כנשר על־בית יהוה יען עברו
בריתי ועל־תורתי פשעו׃ [18y] אלי יזעקו אבי אתה רעי נעורי אתה׃
[19z] היעתר לנצח אם־יעטר לדור ותדבר הן־תוכל ותיטב לה׃ [20] ועתה
אתם אמרתם לא־תוכל אדם כי אם־אשה ואנכי אמרתי לא־תוכל׃
[21] ועתה אדני יהוה אמת אתה ואתה דברת אל־עבדך הטוב הזה
ותאמר אליו אתה ואנכי אשה אשר לא־תוכל אדם כי אם־אשה׃ [22a]
ועתה אדני יהוה אמת אתה ואתה דברת אל־עבדך הטוב הזה ותאמר
אליו אתה ואנכי אשה אשר לא־תוכל אדם כי אם־אשה׃ [23] ועתה אדני
יהוה אמת אתה ואתה דברת אל־עבדך הטוב הזה ותאמר אליו אתה
ואנכי אשה אשר לא־תוכל אדם כי אם־אשה׃ [24] ועתה אדני יהוה אמת
אתה ואתה דברת אל־עבדך הטוב הזה ותאמר אליו אתה ואנכי אשה
אשר לא־תוכל אדם כי אם־אשה׃ [25] ועתה אדני יהוה אמת אתה
ואתה דברת אל־עבדך הטוב הזה ותאמר אליו אתה ואנכי אשה אשר
לא־תוכל אדם כי אם־אשה׃

---

[u] ז:יג בראשית מה:ג-ד, טז ז:יד בראשית מה:ט-י; מו:כט-לד

[v] ז:טו בראשית מט:כד; שמואל ב כב:מ

[w] ז:טז בראשית מט:כד; שמואל ב כב:מ

[x] ז:יח בראשית כג:ג-כ; יט:לג; יג:נ; לב:ד

[y] ז:יח שמואל ב ז:ח-יא [z] ז:יט שמואל ב ז:יח-כט [a] ז:כא שמואל ב ג:א-י

כי הקיץ הגיע אז כי עוד מעט, והנה השדות לבנו לקציר. [26]וכל הקוצר כבר קיבל שכר ואסף פרי לאחסנה לחיי עולם. וגם הזורע והקוצר יחדיו ישמחו, [27]כי הנה הגיע הזמן שבו אמרתי: 'אספו תחילה את הקוש וקשרו אותו לצרורות לשרפה, ואת החיטה אספו אל אוצרי.' [28]"ומי הוא הקוש? הם הם בני הרשע. [29b]"והשדה? העולם כולו. והזרע הטוב? הם בני הממלכה. [c]והקוש? הם בני הרשע. [30]והאויב אשר זרע אותם הוא השטן. והקציר? הוא סוף העולם, והקוצרים? הם המלאכים. [31]"כמו שהקוש נאסף ונשרף באש, כך יהיה בסוף העולם. [32]"בן האדם ישלח את מלאכיו, והם יאספו מתוך מלכותו את כל המכשילים ואת כל עושי הרשע, [33]"והם ישליכו אותם אל כבשן האש, [d]שם יהיה בכי וחרק שיניים. [34]"אז יזרחו הצדיקים כשמש בממלכת אביהם. מי שיש לו אוזניים לשמוע, ישמע!

[35]"ועוד משל סיפר להם ישוע: "ממלכת השמים דומה לאוצר שהיה קבור בשדה, אשר מצאו אדם אחד וטמן אותו שוב. ומרוב שמחתו הלך ומכר את כל אשר לו, וקנה את השדה ההוא.

[36]"ממלכת השמים דומה גם לסוחר שחיפש פנינים יפות. [37]כאשר מצא פנינה אחת יקרת ערך, הלך ומכר את כל אשר לו, וקנה את הפנינה.

[38]"ממלכת השמים דומה גם לרשת שהושלכה אל הים ואספה דגים מכל המינים. [39]כאשר התמלאה הרשת, משכו אותה החוצה אל החוף, ואז ישבו וברו את הדגים הטובים לתוך כלים, והשליכו את הפסולת. [40]כך יהיה בסוף העולם. המלאכים יבואו ויפרידו את הרשעים מבין הצדיקים, [41]והם ישליכו את הרשעים אל כבשן האש, שם יהיה בכי וחרק שיניים. [42]"ואז יזרחו הצדיקים כשמש בממלכת אביהם. מי שיש לו אוזניים לשמוע, ישמע!

[43]"האם הבנתם את כל המשלים האלה?" שאל ישוע. "כן, אדוני," ענו התלמידים. [44]"לכן כל מורה לתורת ממלכת השמים דומה לבעל בית אשר מוציא מאוצרו דברים חדשים וישנים כאחד."

[45]"ממלכת השמים דומה גם לסוחר שחיפש פנינים יפות. [46]כאשר מצא פנינה אחת יקרת ערך, הלך ומכר את כל אשר לו, וקנה את הפנינה.

[47]"ממלכת השמים דומה גם לרשת שהושלכה אל הים ואספה דגים מכל המינים. [48]כאשר התמלאה הרשת, משכו אותה החוצה אל החוף, ואז ישבו וברו את הדגים הטובים לתוך כלים, והשליכו את הפסולת. [49]כך יהיה בסוף העולם. המלאכים יבואו ויפרידו את הרשעים מבין הצדיקים, [50]והם ישליכו את הרשעים אל כבשן האש, שם יהיה בכי וחרק שיניים. [51]"ואז יזרחו הצדיקים כשמש בממלכת אביהם. מי שיש לו אוזניים לשמוע, ישמע!

[52]"האם הבנתם את כל המשלים האלה?" שאל ישוע. "כן, אדוני," ענו התלמידים. [53]"לכן כל מורה לתורת ממלכת השמים דומה לבעל בית אשר מוציא מאוצרו דברים חדשים וישנים כאחד."

[54]ואז הלך ישוע לנצרת, עיר מולדתו, ושם לימד את אנשי העיר בבתי הכנסת. [55]"מאין לו לאיש הזה חכמה כזאת ויכולת לעשות ניסים?" שאלו אנשי העיר. "הלא הוא בן של הנגר! ואמו היא מרים, ואחיו יעקב, יוסף, שמעון ויהודה. [56]ואחיותיו גרות כאן בינינו. מאין לו כל זה?" [57]ולא רצו להאמין בו. אז אמר להם ישוע: "נביא מכובד בכל מקום, חוץ מבמולדתו ובקרב משפחתו." [58]ולכן לא עשה שם הרבה ניסים, בגלל חוסר האמונה שלהם.

---

[a] 7:28 מתי 7:28 [b] 2:14 מתי 14:2

[c] 7:29 מתי 2:11-10 [d] 3:6 מתי 7:32

[e] 7:34 מתי 3:5, 7-8, 10 [f] 7:36 מתי 3:7; 12:14

שמעו ואינו מבינים הנה אנכי מביא עליהם רעה[g] ולא יוכלו לברוח ממנה. כי יזעקו אלי ולא אענה להם כי אסיר אני מידם ולא יוכלו להציל את עצמם, אף כי פדיתי אותם[h] והם דברו עלי שקרים. לא זעקו אלי בלבם כאשר היו מיללים על משכבותם, על דגן ותירוש יתגודדו ובי ימרו. ואני יסרתי וחזקתי את זרועותם ואת עלי חשבו רעה. שבו ולא על[i] כקשת רמיה היו לשונם נפלו בחרב שריהם בגלל חרפת לשונם, זאת תהיה לעג להם בארץ מצרים. ואמרתי בלבי: אתן את בניך לרעב ואת בנותיך לחרב ויהיו בניך ובנותיך למרעה לעדר ולצאן ולא יהיה להם רועה. ואת אשר יברחו מן החרב יפלו בגולה ואת אשר יהיו בגולה ישכחו אותי כי שברתי את לבם הזונה אשר סרה ממני ואת עיניהם הזונות אשר זנו אחרי גלוליהם ונמאסו בעיני עצמם על כל הרעות אשר עשו בכל תועבותיהם. ואעש זאת למען שמי לבלתי החל לחללו לעיני הגויים אשר הייתי להם לעיני כל הגויים אשר הוצאתי אותם מארץ מצרים[j] ואביאם אל הארץ אשר נשאתי את ידי לתת לאבותיהם ארץ זבת חלב ודבש צבי היא לכל הארצות[k] ואראם את כל תועבות עיניהם ואומר אליהם איש שקוצי עיניו השליכו ובגלולי מצרים אל תטמאו אני יהוה אלהיכם. וימרו בי ולא אבו לשמוע אלי איש את שקוצי עיניהם לא השליכו ואת גלולי מצרים לא עזבו ואמר לשפוך חמתי עליהם לכלות אפי בהם בתוך ארץ מצרים. ואעש למען שמי לבלתי החל לחללו לעיני הגויים אשר הם בתוכם אשר נודעתי אליהם לעיניהם להוציאם מארץ מצרים[l] והוצאתים מארץ מצרים ואבאם אל המדבר. ואתן להם את חקותי ואת משפטי אודיעם אשר יעשה אותם האדם וחי בהם[m] וגם את שבתותי נתתי להם להיות לאות ביני וביניהם לדעת כי אני יהוה מקדשם. וימרו בי בית ישראל במדבר בחקותי לא הלכו ואת משפטי מאסו אשר יעשה אותם האדם וחי בהם ואת שבתותי חללו מאד ואמר לשפוך חמתי עליהם במדבר לכלותם. ואעש למען שמי לבלתי החל לחללו לעיני הגויים אשר הוצאתי אותם לעיניהם. גם אני נשאתי את ידי להם במדבר לבלתי הביא אותם אל הארץ אשר נתתי זבת חלב ודבש צבי היא לכל הארצות כי את משפטי מאסו ואת חקותי לא הלכו בה ואת שבתותי חללו כי אחרי גלוליהם היה לבם הולך. ותחס עיני עליהם משחתם ולא עשיתים כלה ולא הפרתי את בריתי אתם כי אני יהוה אלהיהם. ואראה להם לזכר ברית את שתי האבנים אשר הוצאתי מתחת לארץ מצרים להיות לעיני כל הגויים להיות להם לאלהים אני יהוה. ואדבר אל בני ישראל במדבר סיני בחקותי תלכו ואת משפטי תשמרו ועשיתם אותם ואני אתן גשמיכם בעתם והארץ תתן יבולה ועץ השדה יתן פריו. ויגע לכם דיש את בציר ובציר יגיע את זרע וגו'

---

g ٧:٣٧ בראשית ٥ ٧:٣٨h ירמיהו ١٨ ،١٥:١٨ ١٧:٢٠-١:١٩

i ٧:٤٠ ירמיהו ١:٣٢ j ٧:٤١ ירמיהו ٦-٢:٣٢ k ٧:٤٣ יחזקאל ٢٧-٢٥:٥

l ٧:٤٤ ירמיהו ٤٠ ،٩:٢٥ m ٧:٤٥ ויקרא לא נאמר ١٧-١٤:٣

ڕۆژێک ئایا ئەو دەبێتە هۆی هەڵدانی بۆنە. [u٤٣]"بۆنە بەهەشتییەکان. ئەوەی ڕۆژێک هەڵدەستێت بۆ ڕۆژێک. [u٤٤]"بۆنە ئێوە ئەو کەسەی کە ئەو ئەمڕۆ ئەو ئەو ئەو

ەی هێدی. ٦ "خۆ بەفر، هێلک، هەڤپەیڤەها ەی لێوێ ەی هێدی، دەبەت خێلک ئەسپ." ٦ ەی هێدی ەی ەوەدەسی ەی هەتا ژەهڕا هاژۆ سەدی ڕێکەت هێدی. "خۆ، ڕێ ژەدا هەتا ژەهڕا." ەی ڕێ ئەهێڵ ئەرەدا ساڤێ ئەرەدا، دەبەت ەی هێدی.

ئەڤدا دەهەدا ئەڤەت

٧ ١ڕۆڤێ ەی لێوەن. هەڤپەیڤێهێ ڕێکەیی ەی ڕۆڕ ئەهێڵ ئەرەدا ەی ڕێ ئەهێڵ ئەرەدا ەی ڕێ ئەهێڵ ئەرەدا ەی ڕێ

הושע

[9] כמו בימי הגבעה יזכור עונם יפקוד חטאתם. [10] כענבים במדבר מצאתי ישראל, כבכורה בתאנה בראשיתה ראיתי אבותיכם, הם באו אל בעל פעור ויפרשו לבשת ויהיו שקוצים כאהביהם. [11] אפרים כעוף יעופו כבודם מלדה ומבטן ומהריון. [12] כי אם יגדלו את בניהם ושכלתים מאדם גם כי אסור מהם בשורי בהפרעי גם אוי להם. [13] אפרים כאשר ראיתי לצור שתול בנעמה ואפרים יוציא להרוג בניו. [14] תן להם ה' מה תתן תן להם רחם משכל וציון יבש. [15] כל רעתם בגלגל כי שם שנאתים על רוע מעלליהם מביתי אגרשם לא אוסיף אהבתם כל שריהם סוררים. [16] הוכה אפרים שרשם יבש פרי בל יעשון גם כי ילדון והמתי מחמדי בטנם. [17] יאסרם אלי אלי למה זנחתני אהיה נד בגוים. [18] גפן בוקה ישראל פרי יעה לו כרב פריו הרבה למזבחות כטוב ארצו היטיבו למצבות. [19] חלק לבם עתה יאשמו הוא יערף מזבחותם ישחית מצבותם. [20] כי עתה יאמרו אין מלך לנו כי לא יראנו את ה' והמלך מה יעשה לנו. [21] דברו דברים אלות שבוע אלה וכרת ברית ומפרח כראש שדי משפט.

[22]"כעת התפלל אל אלוהים, ואולי יסלח לך על המחשבה הרעה שלך, [23]"אני רואה שאתה מלא מרירות וחטא." [24]השיב שמעון: "התפלל אתה אל אלוהים בעבורי, שלא יקרה לי כל מה שאמרת." [25]לאחר שהעידו ודיברו את דבר האדון, חזרו לירושלים, ובדרך בישרו את הבשורה בכפרים רבים של השומרונים.

פיליפוס ואיש כוש

[26]מלאך האדון אמר אל פיליפוס: "קום ולך דרומה אל הדרך היורדת מירושלים לעזה, הדרך המדברית." [27]פיליפוס קם והלך, ובדרך פגש איש כושי, סריס ונכבד בחצר קנדקי מלכת כוש, שהיה ממונה על כל אוצרותיה. האיש בא לירושלים להשתחוות, [28]וכעת חזר לביתו. הוא ישב במרכבתו וקרא בספר הנביא ישעיהו. [29]אמר הרוח לפיליפוס: "גש אל המרכבה והישאר קרוב אליה." [30]רץ פיליפוס אל המרכבה ושמע את האיש קורא בספר הנביא ישעיהו. הוא שאל: "האם אתה מבין את אשר אתה קורא?" [31]ענה האיש: "כיצד אוכל להבין אם לא יסביר לי מישהו?" ואז הזמין את פיליפוס לשבת במרכבה לידו. [32]הקטע בכתוב שקרא האיש היה:

"כצאן לטבח הובל,
וכשה אילם לפני גוזזיו,
כך לא יפתח את פיו.

[33]בהשפלתו לא זכה למשפט הוגן,
ומי יוכל לספר את תולדותיו?
כי חייו נלקחו מן הארץ."

[٣٤٢] ויאמר לו אבשלום אל אחיו: "ראה יואב, חלקה לי, כי לו היתה עמדי שם ויבקש לשלחני אל המלך לאמר למה באתי מגשור עוד טוב לי להיות שם לפניו ועתה אראה פני המלך ואם יש בי עון והמיתני."

[٣٣] ויבא יואב אל המלך ויגד לו ויקרא לאבשלום ויבא אליו וישתחו לו על אפיו ארצה לפני המלך וישק המלך לאבשלום.

שמואל ב יד

[١] וידע יואב בן צרויה כי אל המלך לבו על אבשלום ויאמר יואב אל האשה התקועית ואמר אליה התאבלי נא והלבשי נא בגדי אבל ואל תסוכי שמן והיית כאשה ימים רבים אבלה על מת. [٢] ותבא האשה התקועית אל המלך ותפל על אפיה ארצה ותשתחו ותאמר הושיעה המלך. [٣] ויאמר לה המלך מה לך ותאמר אמנה אשה אלמנה אנכי ויפול אישך. [٤] ותהי שפחתך שני בנים ויתגוששו שניהם בשדה ואין מציל ביניהם ויכהו האחד את השני וימיתהו. [٥] והנה קמה כל המשפחה על שפחתך ויאמרו תני את המכה את אחיו ונמיתהו בנפש אחיו אשר הרג ונשמידה גם את היורש ושמו את גחלתי אשר כבתה בלתי השים לאישי שם ושאר על פני האדמה.

---

[٣٤٢] ב שמואל ח:٣٣ ח-ז:٥٣

ואכלה את אהביה ולא תשיגם ובקשתם ולא תמצא כי תאמר אלכה ואשובה אל אישי הראשון כי טוב לי אז מעתה. ח כי היא לא ידעה כי אני נתתי לה את הדגן והתירוש והיצהר וכסף הרביתי לה וזהב עשו לבעל. ט לכן אשוב ולקחתי דגני בעתו ותירושי במועדו והצלתי צמרי ופשתי לכסות את ערותה. י ועתה אגלה את נבלתה לעיני מאהביה ואיש לא יצילנה מידי. יא והשבתי כל משושה חגיה חדשה ושבתה וכל מועדיה. יב והשמתי גפנה ותאנתה אשר אמרה אתנה היא לי אשר נתנו לי מאהביי ושמתים ליער ואכלתם חית השדה. יג ופקדתי עליה את ימי הבעלים אשר תקטיר להם ותעד נזמה וחליה ותלך אחרי מאהביה ואתי שכחה נאם יהוה. יד לכן הנני מפתיה והולכתיה המדבר ודברתי על לבה. טו ונתתי לה את כרמיה משם ואת עמק עכור לפתח תקוה ועניתה שמה כימי נעוריה וכיום עלותה מארץ מצרים. טז והיה ביום ההוא נאם יהוה תקראי אישי ולא תקראי אלי עוד בעלי. יז והסירותי את שמות הבעלים מפיה ולא יזכרו עוד בשמם. יח וכרתי להם ברית ביום ההוא עם חית השדה ועם עוף השמים ורמש האדמה וקשת וחרב ומלחמה אשבר מן הארץ והשכבתים לבטח. יט וארשתיך לי לעולם וארשתיך לי בצדק ובמשפט ובחסד וברחמים. כ וארשתיך לי באמונה וידעת את יהוה. כא והיה ביום ההוא אענה נאם יהוה אענה את השמים והם יענו את הארץ. כב והארץ תענה את הדגן ואת התירוש ואת היצהר והם יענו את יזרעאל. כג וזרעתיה לי בארץ ורחמתי את לא רחמה ואמרתי ללא עמי עמי אתה והוא יאמר אלהי.

ג א ויאמר יהוה אלי עוד לכי אהבי אשה רעת ומנאפת כאהבת יהוה את בני ישראל והם פונים אל אלהים אחרים ואהבי אשישי ענבים. ב ואכרה אותה לי בחמשה עשר כסף וחומר שעורים ולתך שעורים. ג ואמר אליה ימים רבים תשבי לי לא תזני ולא תהיי לאיש וגם אנכי אליך. ד כי ימים רבים ישבו בני ישראל אין מלך ואין שר ואין זבח ואין מצבה ואין אפוד ותרפים. ה אחר ישבו בני ישראל ובקשו את יהוה אלהיהם ואת דוד מלכם ופחדו אל יהוה ואל טובו באחרית הימים.

ד א שמעו דבר יהוה בני ישראל כי ריב ליהוה עם יושבי הארץ כי אין אמת ואין חסד ואין דעת אלהים בארץ. ב אלה וכחש ורצח וגנב ונאף פרצו ודמים בדמים נגעו. ג על כן תאבל הארץ ואמלל כל יושב בה בחית השדה ובעוף השמים וגם דגי הים יאספו. ד אך איש אל ירב ואל יוכח עם כמוך עמי וריבך כמתי כהן. ה וכשלת היום ונכשל גם נביא עמך דמיתי אמך. ו נדמו עמי מבלי דעת כי אתה הדעת מאסתי גם אני אמאסך מכהן לי וישכח תורת אלהיך אשכח גם אני בניך. ז כרבם כן חטאו לי כבודם בקלון אמיר. ח חטאת עמי יאכלו ואל עונם ישאו נפשם. ט והיה כעם כן כהן ופקדתי עליו את דרכיו ומעלליו אשיב לו. י ואכלו ולא ישבעו זנו ולא יפרצו כי יהוה עזבו לשמר. יא זנות ויין ותירוש יקח לב. יב עמי בעצו ישאל ומקלו יגיד לו כי רוח זנונים התעה ויזנו מתחת אלהיהם. יג על ראשי ההרים יזבחו ועל הגבעות יקטרו תחת אלה ולבנה ואלה כי טוב צלה על כן תזנינה בנותיכם ועל כלותיכם תנאפנה. יד לא אפקד על בנותיכם כי תזנינה ועל כלותיכם כי תנאפנה כי הם עם הזנות יפרדו ועם הקדשות יזבחו ועם לא יבין יפל. טו אם זנית אתה ישראל אל יאשם יהודה ואל תבאו הגלגל ואל תעלו בית און ואל תשבעו חי יהוה. טז כי כפרה סררה סוררת עתה ירעם יהוה כבר ברחב. יז נבר עצבים אפרים הנח לו. יח סר גאון שכרם זנה זנו אהבו הבו קלון מגניה. יט צרתו החתה אותה ברוחה ויבשו מזבחותם.

ה א שמעו זאת הכהנים והקשיבו בית ישראל ובית המלך האזינו כי לכם המשפט כי פח הייתם למצפה ורשת פרושה על תבור. ב ושחטה שחטים העמיקו ואני מוסר לכלם. ג אני ידעתי אפרים וישראל לא נכחד ממני כי עתה זנית אפרים נטמא ישראל. ד לא יתנו מעלליהם לשוב אל אלהיהם כי רוח זנונים בקרבם ואת יהוה לא ידעו. ה וענה גאון ישראל בפניו ולא שבו אל יהוה אלהיהם ולא בקשוהו בכל זאת. ו בצאנם ובבקרם ילכו לבקש את יהוה ולא ימצא חלץ מהם. ז ביהוה בגדו כי בנים זרים ילדו עתה יאכלם חדש את חלקיהם. ח תקעו שופר בגבעה חצצרה ברמה הריעו בבית און אחריך בנימין. ט אפרים לשמה תהיה בתוכחת הודעתי נאמנה. י היו שרי יהודה כמסיגי גבול עליהם אשפוך כמים עברתי. יא עשוק אפרים רצוץ משפט כי הואיל הלך אחרי צו. יב ואני כעש לאפרים וכרקב לבית יהודה. יג וירא אפרים את חליו ויהודה את מוסרו וילך אפרים אל אשור וישלח אל מלך ירב והוא לא יוכל לרפא לכם ולא יגה מכם מוסר. יד כי אנכי כשחל לאפרים וככפיר לבית יהודה אני אני אטרף ואלך אשא ואין מציל. טו אלך אשובה אל מקומי עד אשר יאשמו ובקשו פני בצר להם ישחרונני.

ו א לכו ונשובה אל יהוה כי הוא טרף וירפאנו יך ויחבשנו. ב יחיינו מיומים ביום השלישי יקימנו ונחיה לפניו. ג ונדעה נרדפה לדעת את יהוה כשחרו נכון מוצאו וכיורה יבוא לנו כגשם מלקוש יזרע ארץ. ד מה אעשה לך אפרים מה אעשה לך יהודה וחסדכם כענן בקר וכטל משכים הולך. ה על כן חצבתי בנביאים הרגתים באמרי פי ומשפטיך אור יצא. ו כי חסד חפצתי ולא זבח ודעת אלהים מעלות. ז והמה כאדם עברו ברית שם בגדו בי. ח גלעד קריית פעלי און עקבה מדם. ט וכחכי גדודים איש חבר לכהנים דרך ירצחו שכמה כי זמה עשו. י בבית ישראל שערורה ראיתי שם זנות לאפרים נטמא ישראל. יא גם יהודה שת קציר לך בשובי שבות עמי בעוד אשוב וארפא את ישראל ונגלה עון אפרים ורעת שמרון כי עשו שקר וגנב יבוא פשט חוץ. ב ולא יאמרו ללבותם כל רעתם זכרתי עתה סבבתם עלילותם נגדו פני היו. ג במלכם ישמחו רעתם ובשריהם בכזבם. ד כלם מנאפים כתנור בוער מבעיר אפה מרקיד הלוש עד חמצתו. ה יום מלכנו החלו שרים חמת היין משך ידו את לצים. ו כי קרבו כתנור לבם בארבם כל הלילה ישן אפם בבקר הוא בער כאש להבה. ז כלם חמים כתנור ואכלו את שפטיהם כל מלכיהם נפלו אין קורא בי מהם. ח אפרים בעמים הוא יתבולל אפרים היה עגה בלתי הפוכה. ט אכלו זרים כחו וזה לא ידע גם שיבה זרקה בו וזה לא ידע. י וענה גאון ישראל בפניו ולא שבו אל יהוה אלהיהם ולא בקשוהו בכל זאת. יא ויהי אפרים כיונה פתיה אין לב מצרים יקראו אשור הלכו. יב כאשר ילכו אפרש עליהם רשתי כעוף השמים אורידם כשמוע לעדתם. יג אוי להם כי נדדו מני שד להם כי פשעו בי ואני אפדם ואני דברו עלי כזבים. יד ולא זעקו אלי בלבבם כי יילילו על משכבותם לדגן ולתירוש יתגודדו ממרי עלי. טו ואני יסרתי חזקתי זרועתם ואני עלי רעה יחשבו. טז ישובו לא על על כזב היו שריו בחרבו יפלו מזעם לשונם זאת להם לעג בארץ מצרים.

ח א אל חכך שופר כנשר על בית יהוה יען עברו בריתי ועל תורתי פשעו. ב אלי יזעקו אלהי ידענוך ישראל. ג זנח ישראל טוב אויב ירדפו. ד המה המליכו ולא ממני השירו ולא ידעתי כספם וזהבם עשו להם עצבים למען יכרת. ה זנח עגלך שמרון חרה אפי בם עד מתי לא יוכלו נקיון. ו כי מישראל והוא חרש עשהו ולא אלהים כי שבבים יהיה עגל שמרון. ז כי רוח יזרעו וסופתה יקצרו קמח אין לו צמח לא יעשה בלי יבלענו זרים. ח נבלע ישראל עתה היו בגוים ככלי אין חפץ בם. ט כי המה עלו אשור פרא בודד לו אפרים התנו אהבים. י גם כי יתנו בגוים עתה אקבצם ויחלו מעט ממשא מלך שרים. יא כי הרבה אפרים מזבחות לחטא היו לו מזבחות לחטא. יב אכתוב לו רבו תורתי כמו זר נחשבו. יג זבחי הבי יזבחו בשר ויאכלו יהוה לא רצם עתה יזכר עונם ויפקד חטאתם המה מצרים ישובו. יד וישכח ישראל את עשהו ויבן היכלות ויהודה הרבה ערי מבצר ושלחתי אש בעריו ואכלה ארמנותיה.

ט א אל תשמחי ישראל אל גיל כעמים כי זנית מעל אלהיך אהבת אתנן על כל גרנות דגן. ב גרן ויקב לא יזין ותירוש יכחש בה. ג לא ישבו בארץ יהוה ושב אפרים למצרים ובאשור טמא יאכלו. ד לא יסכו ליהוה יין ולא יערבו לו זבחיהם כלחם אונים להם כל אכליו יטמאו כי לחמם לנפשם לא יבוא בבית יהוה. ה מה תעשו ליום מועד וליום חג יהוה. ו כי הנה הלכו משד שבר תקבצם מצרים תקברם נף מנפתם תירש כסף חמדיהם קמוש יירשם באהליהם. ז באו ימי הפקדה באו ימי השלם ידעו ישראל אויל הנביא משגע איש הרוח על רב עונך ורבה מרה. ח צפה אפרים עם אלהי נביא פח יקוש על כל דרכיו מרה בבית אלהיו. ט השחיתו עמקה כימי הגבעה יזכר עונם יפקד חטאתם. י כענבים במדבר מצאתי ישראל כבכורה בתאנה בפגיה ראיתי אבותיהם הם באו בעל פעור ויגזרו לבשת ויהיו שקוצים כאהביהם. יא אפרים כעוף יתעופף כבודם מלדה ומבטן ומהרון. יב כי אם יגדלו את בניהם ושכלתים מאדם גם כי אוי להם בשורי מהם. יג אפרים כאשר ראיתי לצור שתולה בנוה ואפרים להוציא אל הרצח בניו. יד תן להם יהוה מה תתן תן להם רחם משכל ושדים צמתים. טו כל רעתם בגלגל כי שם שנאתים על רוע מעלליהם מביתי אגרשם לא אוסיף אהבתם כל שריהם סרי סוררים. טז הוכה אפרים שרשם יבש פרי בל יעשון גם כי יולידון והמתי מחמדי בטנם. יז מאסם אלי אלהי כי לא שמעו לו והיו נדדים בגוים.

י א גפן בוקה ישראל פרי יוציא לו כרב פריו להרב למזבחות כטוב ארצו היטיבו למצבות. ב חלק לבם עתה יאשמו הוא יערף מזבחותם יערוץ מצבותם. ג כי עתה יאמרו אין מלך לנו כי לא יראנו יהוה ומלך מה יעשה לנו. ד דברו דברים אלות שוא כרות ברית ופרח כראש משפט על תלמי שדי בתבונתך. ה לעגלות בית און יגורו כי אבל עליו עמו וכמריו עליו יגילו על כבודו כי גלה ממנו. ו גם הוא לאשור יובל מנחה למלך יריב תקח בושת ויעץ יקח אפרים. ז נדמה שמרון מלכה כקצף על פני מים. ח ונשמדו במות און חטאת ישראל קוץ ועלה על מזבחותם ואמרו להרים כסו אתנו ולגבעות נפלו עלינו. ט מימי הגבעה חטאת ישראל שם עמדו לא תשיג בבני עולה את המלחמה. י באותי אסרם ויקבצו עמים עליהם באסרם לשתי עינותם. יא ואפרים עגלה למדה אהבת דוש ואני עברתי על טוב עלה אפרים יחרש יעבד לו יהודה יחרוש לו יעקב. יב זרעו לכם לצדקה קצרו לפי חסד נירו לכם עת לדרוש את יהוה עד יבא וירה צדק למו. יג חרשתם רשע עולה קצרתם אכלתם פרי כחש כי בטחת בדרכך ברב גבוריך. יד ושאון יקום בעמך וכל מבצריך ישדד כשד שלמן בית ארבאל ביום מלחמה אם על בנים רטשה. טו כן עשה לכם בית אל מפני רעת רעכם בשחר המלך ישראל נדמה ידמה.

יא א כי נער וישראל ואהבהו וממצרים קראתי לבני. ב קראתים כן הלכו מפניהם לבעלים יזבחו ולפסלים יקטרון. ג ואנכי תרגלתי לאפרים קחם על זרועותיו וידעו כי רפאתים. ד בעבותות אדם אמשכם בחבלי אהבה והייתי להם כמרימי על לחייהם ואט אליו אוכיל. ה לא ישוב אל ארץ מצרים והאשור הוא מלכו כי מאנו לשוב. ו וחלה חרב בעריו וכלתה בדיו ואכלתם מלעצותיהם. ז ועמי תלואים למשובתי אל על יקראוהו יחדו לא ירומם. ח איך אתנך אפרים אמגנך ישראל איך אשימך כאדמה אשימך כצבויים נהפך לבי בקרבי יחד נכמרו נחומי. ט לא אעשה חרון אפי לא אשוב לשחת כי אל אנכי ולא איש בקרבך קדוש ולא אבוא בעיר. י אחרי יהוה ילכו כאריה ישאג כי הוא ישאג ויחרדו בנים מים. יא יחרדו כצפור ממצרים וכיונה מארץ אשור והושבתים על בתיהם נאם יהוה. יב סבבני בכחש אפרים ובמרמה בית ישראל ויהודה עד רד עם אל ועם קדושים נאמן.

יב א אפרים רעה רוח ורודף קדים כל היום כזב ושד ירבה וברית עם אשור יכרתו ושמן למצרים יובל. ב וריב ליהוה עם יהודה ופקד על יעקב כדרכיו כמעלליו ישיב לו. ג בבטן עקב את אחיו ובאונו שרה את אלהים. ד ושר אל מלאך ויכל בכה ויתחנן לו בבית אל ימצאנו ושם ידבר עמנו. ה ויהוה אלהי הצבאות יהוה זכרו. ו ואתה באלהיך תשוב חסד ומשפט שמר וקוה אל אלהיך תמיד. ז כנען במאזני מרמה עשק אהב להעשיק. ח ויאמר אפרים אך עשרתי מצאתי לי אוני כל יגיעי לא ימצאו לי עון אשר חטא. ט ואני יהוה אלהיך מארץ מצרים עוד אושיבך כימי מועד. י ואדבר על הנביאים ואני חזון הרביתי ובנביאים אדמה. יא הגלעד אך שוא היו גלגל אם שור זבחו גם מזבחותם כגלים על תלמי שדי בתבונתך. יב לעגלות בית און יגורו כי אבל עליו עמו וכמריו עליו יגילו על כבודו כי גלה ממנו. יג גם הוא לאשור יובל מנחה למלך יריב תקח בושת ויעץ יקח אפרים. יד נדמה שמרון מלכה כקצף על פני מים. טו ונשמדו במות און חטאת ישראל קוץ ועלה על מזבחותם ואמרו להרים כסו אתנו ולגבעות נפלו עלינו. טז מימי הגבעה חטאת ישראל שם עמדו לא תשיג בבני עולה את המלחמה. יז באותי אסרם ויקבצו עמים עליהם באסרם לשתי עינותם. יח ואפרים עגלה למדה אהבת דוש ואני עברתי על טוב עלה אפרים יחרש יעבד לו יהודה יחרוש לו יעקב. יט זרעו לכם לצדקה קצרו לפי חסד נירו לכם עת לדרוש את יהוה עד יבא וירה צדק למו. כ חרשתם רשע עולה קצרתם אכלתם פרי כחש כי בטחת בדרכך ברב גבוריך. כא ושאון יקום בעמך וכל מבצריך ישדד כשד שלמן בית ארבאל ביום מלחמה אם על בנים רטשה. כב כן עשה לכם בית אל מפני רעת רעכם בשחר המלך ישראל נדמה ידמה.

יג א כי נער וישראל ואהבהו וממצרים קראתי לבני. ב קראתים כן הלכו מפניהם לבעלים יזבחו ולפסלים יקטרון. ג ואנכי תרגלתי לאפרים קחם על זרועותיו וידעו כי רפאתים. ד בעבותות אדם אמשכם בחבלי אהבה והייתי להם כמרימי על לחייהם ואט אליו אוכיל. ה לא ישוב אל ארץ מצרים והאשור הוא מלכו כי מאנו לשוב. ו וחלה חרב בעריו וכלתה בדיו ואכלתם מלעצותיהם. ז ועמי תלואים למשובתי אל על יקראוהו יחדו לא ירומם. ח איך אתנך אפרים אמגנך ישראל איך אשימך כאדמה אשימך כצבויים נהפך לבי בקרבי יחד נכמרו נחומי. ט לא אעשה חרון אפי לא אשוב לשחת כי אל אנכי ולא איש בקרבך קדוש ולא אבוא בעיר. י אחרי יהוה ילכו כאריה ישאג כי הוא ישאג ויחרדו בנים מים. יא יחרדו כצפור ממצרים וכיונה מארץ אשור והושבתים על בתיהם נאם יהוה. יב סבבני בכחש אפרים ובמרמה בית ישראל ויהודה עד רד עם אל ועם קדושים נאמן.

יד א שובה ישראל עד יהוה אלהיך כי כשלת בעונך. ב קחו עמכם דברים ושובו אל יהוה אמרו אליו כל תשא עון וקח טוב ונשלמה פרים שפתינו. ג אשור לא יושיענו על סוס לא נרכב ולא נאמר עוד אלהינו למעשה ידינו אשר בך ירחם יתום. ד ארפא משובתם אהבם נדבה כי שב אפי ממנו. ה אהיה כטל לישראל יפרח כשושנה ויך שרשיו כלבנון. ו תלכנה יונקותיו והיה כזית הודו וריח לו כלבנון. ז ישבו צלו יחיו דגן ויפרח כגפן זכרו כיין לבנון. ח אפרים מה לי עוד לעצבים אני עניתי ואשורנו אני כברוש רענן ממני פריך נמצא. ט מי חכם ויבן אלה נבון וידע אלה כי ישרים דרכי יהוה וצדיקים ילכו בם ופשעים יכשלו בם.

[١٩] چونکە ئەو هێزەی لە ئاسمانەکانەوە دێتە خوارەوە، ئەو
ئەوەندە گەورە دەبێت کە هیچ کەس ناتوانێت بیژمێرێت.

ئاماژەکردن بە ئاشتەوایی

[٢٠] ئینجا ئەو بە دەنگێکی بەرز دەیگوت: «ئەگەر کەسێک
هەیە گوێی هەبێت، با گوێ لە من بگرێت. [٢١] ئەو کەسەی
دەبێت بە دیل، دیل دەبرێت، ئەوەی بە شمشێر
دەکوژرێت، بە شمشێر دەکوژرێت. ئەمە ئەو کاتەیە کە
خۆڕاگری و باوەڕی پیرۆزەکان دیار دەبێت.»

[٢٢] ئینجا ئەو سێیەمی فریشتەکان هاتە دەرەوە و بە
دەنگێکی بەرز بە من گوت: «ئەوە چی دەبینیت؟ ئەو
دڕندەیەی کە لە دەریاچەی ئاگر و گۆگردا سووتێنرا،
ئەوە ئەو ئاژەڵەیە و ئەو پەیکەرەی هەیەتی، هەروەها
ئەو نیشانەیەی لەسەر نێوچاوانیان دانراوە. ئەمانە
ئەو کەسانەن کە ئارامگرییان هەیە و فەرمانەکانی
خودا و باوەڕی عیسا دەپارێزن.»

[١٣] ئینجا دەنگێکم لە ئاسمانەوە بیست کە پێی گوتم:
«بینووسە: لە ئێستاوە ببەخشرێن ئەو مردووانەی
لە یەزدان دەمرن.» ڕۆح دەفەرموێت: «بەڵێ، با
لە ماندووبوونەکانیان پشوو بدەن، چونکە کارەکانیان
لەگەڵیان دەڕۆن.»

دروێنەکردنی زەوی

[١٤] ئینجا سەیرم کرد، هەر ئەوە بوو ئەبرێکی سپی
دەرکەوت، لەسەر ئەبرەکە کەسێک دانیشتبوو کە
تاجێکی زێڕینی لەسەر بوو، داسێکی تیژیشی لە
دەستدا بوو. [١٥] ئینجا فریشتەیەکی تر لە پەرستگاوە
هاتە دەرەوە و بە دەنگێکی بەرز هاواری بۆ ئەو
کەسەی لەسەر ئەبرەکە دانیشتبوو کرد: «داسەکەت
بهێنە و دروێنە بکە، چونکە کاتی دروێنەکردن
هاتووە، چونکە دروێنەی زەوی پێگەیشتووە.»

ژێدا هیڤیا دێ ژێدا ئەڤجا دۆدنێ. [٢٩] ئەڤجا دۆدنێ ئەڤ ژێدا هیڤیا ژێدا
ئەڤ خەبەرێ، ژبەر دێ ژبەر ئەڤ ئەڤ ئەڤ

ולא רחמתי את בת פתחיה ושבתם מאחרי ואני אהיה לכם לאלהים ונשיא בתוככם אני יהוה דברתי׃ ד׳ ואני אהיה אלהיך מארץ מצרים ואלהים זולתי לא תדע ומושיע אין בלתי׃ ה׳ אני ידעתיך במדבר בארץ תארות׃ ו׳ כמרעיתם וישבעו שבעו ורם לבבם על כן שכחוני׃ ז׳ ואהי להם כשחל כנמר על דרך אשור׃ ח׳ אפגשם כדוב שכול קרע סגר חזיותם ואוכלם שם כלביא חית השדה תבקעם׃ ט׳ שחתך ישראל כי בי בעזרך׃ י׳ אהי מלכך אפוא יושיעך בכל עריך ושפטיך אשר אמרת תן לי מלך ושרים׃ י״א אתן לך מלך באפי ואקח בעברתי׃ י״ב צרור עון אפרים צפון חטאתו׃ י״ג חבלי יולדה יבאוהו הוא בן לא חכם כי עת לא יעמד במשבר בנים׃ י״ד מיד שאול אפדם ממות אגאלם אהי דבריך מות אהי קטבך שאול נחם יסתר מעיני׃ ט״ו כי הוא בין אחים יפריא ויבוא קדים רוח יהוה ממדבר עלה ויבוש מקורו ויחרב מעינו הוא יבזז אוצר כל כלי חמדה׃ ט״ז תאשם שמרון כי מרתה באלהיה בחרב יפלו עולליהם וריטיהם יבקעו והרותיהם יבקעו׃

הושע

ישראל נאשם בעבודת האלילים

י א׳ גפן בוקה ישראל פרי משה לו כרב פריו הרבה למזבחות היטיב למצבות ידיהם׃ ב׳ חלק לבם עתה יאשמו הוא יערף מזבחותם יהרוס מצבותם׃ ג׳ כי עתה יאמרו אין מלך לנו כי לא יראנו יהוה ומלך מה יעשה לנו׃ ד׳ דברו דברים אלות שוא כרות ברית ופרח כראש משפט על תלמי שדי׃ ה׳ ליראת יושבי שמרון כי אבל עליו עמו וכמריו עליו יגילו על כבודו כי גלה ממנו׃ ו׳ גם הוא לאשור יובל מנחה לרב יבשת עצה יקח אפרים ובושת יקח ישראל מעצתו׃ ז׳ נדמה שמרון מלכה כקצף על פני מים׃ ח׳ ונשמדו במות און חטאת ישראל קוץ ודרדר יעלה על מזבחותם ואמרו להרים כסו לנו ולגבעות נפלו עלינו׃ ט׳ מימי הגבעה חטאת ישראל שם עמדו לא תשיג בגבעת בני עולה׃ י׳ באותי אסרם ויקבצו עמים עליהם באסרם לשתי עינותם׃ י״א ואפרים עגלה מלמדת אהבתי ואני עברתי על טוב צוארה ארכיב אפרים יחרש יעקב לו ישד גבעות׃ י״ב זרעו לכם לצדקה קצרו לפי חסד נירו לכם עת לדרוש את יהוה עד יבא וירה צדק עליכם׃ י״ג חרשתם רשע עולה אכלתם פרי כחש כי בדרכך בכרב גבוריך׃ י״ד ושאון יקום בעמך וכל מבצריך ישדד כשד שלמן בית ארבאל ביום מלחמה אם על בנים רוטשה׃ ט״ו כן עשה לכם בית אל מפני רעת רעכם בשחר המלך ישראל נדמם יומם׃

אהבת יהוה לישראל

י״א א׳ כי נער ישראל ואהבהו וממצרים קראתי לבני׃ ב׳ קראתי להם כן הלכו מפניהם לבעלים יזבחו ולפסלים יקטרו׃ ג׳ ואנכי תרגלתי לאפרים קחם על זרועותיו ולא ידעו כי רפאתים׃ ד׳ בעבותי אדם במוסרות אהבה ואהי להם כמרימי על לחייהם ואט אליו אוכיל׃ ה׳ לא ישוב אל ארץ מצרים ואשור הוא מלכו כי מאנו לשוב׃ ו׳ וחלל בעריו ובדי כלותיו ואכלם מעצותיהם׃ ז׳ ועמי תלואים למשובתי ואל על יקראוהו יחדו לא ירומם׃ ח׳ איך אתנך אפרים אמגנך ישראל איך אשימך כאדמה אשיתך כצבויים נהפך עלי לבי יחד נכמרו נחומי׃ ט׳ לא אעשה חרון אפי לא אשוב לשחת כי אל אנכי ולא איש בקרבך ולא אבוא בעיר׃ י׳ אחרי יהוה ילכו כאריה ישאג כי הוא ישאג ויחרדו בנים מים׃ י״א יחרדו כצפור ממצרים וכיונה מארץ אשור והושבתים על בתיהם נאם יהוה׃ י״ב סבבני בכחש אפרים ובמרמה בית ישראל ויהודה עוד רד עם אל ונאמן עם קדושים׃

יהוה נגד ישראל בגלל חטאיו

י״ב א׳ אפרים רעה רוח ורודף קדים כל היום כזב ושד ברית עם אשור ושמן למצרים יובל׃ ב׳ וריב ליהוה עם יהודה ופקד על יעקב כדרכיו כמעלליו ישיב לו׃ ג׳ בבטן אחיו עקב ובאונו שרה את אלהים׃ ד׳ ושר אל מלאך ויכל בכה ויתחנן לו בבית אל ימצאנו ושם ידבר עמנו׃ ה׳ ויהוה אלהי הצבאות יהוה זכרו׃ ו׳ ואתה באלהיך תשוב חסד ומשפט שמר והוחל אלהיך תמיד׃ ז׳ כנען במאזני מרמה עשק אהב׃ ח׳ ויאמר אפרים אך עשרתי מצאתי לי כל יגיעי לא ימצאו לי עון אשר חטא׃ ט׳ ואני יהוה אלהיך מארץ מצרים עוד אושיבך כימי מועד׃ י׳ ואדבר ביד הנביאים ואני חזון הרביתי וביד הנביאים אדמה׃ י״א אם גלעד אך שוא היו בגלגל שורים זבחו גם מזבחותם כגלי על תלמי שדי׃ י״ב וברח יעקב שדי ארם וישרר בפלה אשה ובאשה שמר׃ י״ג וביד נביא העלה יהוה את ישראל ממצרים וביד נביא נשמר׃ י״ד הכעיס אפרים תמרורים ודמיו עליו יטוש וחרפתו ישיב לו אדניו׃

יהוה נגד ישראל בגלל עבודת האלילים

י״ג א׳ בדבר אפרים רתת נשא הוא אשם במבעל וימת׃ ב׳ ועתה יוסיפו לחטוא ויעשו להם מסכה מכספם כתבונתם עצבים כלו להם הם אמרים לזבחי אדם עגלים ישקון׃ ג׳ לכן יהיו כענן בקר וכטל משכים הולך כמוץ יסוער מגרן וכעשן מארבה׃ ד׳ ואנכי יהוה אלהיך מארץ מצרים ואלהים זולתי לא תדע ומושיע אין בלתי׃ ה׳ אני ידעתיך במדבר בארץ תארות׃ ו׳ כמרעיתם וישבעו שבעו ורם לבבם על כן שכחוני׃ ז׳ ואהי להם כשחל כנמר על דרך אשור׃ ח׳ אפגשם כדוב שכול קרע סגר חזיותם ואוכלם שם כלביא חית השדה תבקעם׃ ט׳ שחתך ישראל כי בי בעזרך׃ י׳ אהי מלכך אפוא יושיעך בכל עריך ושפטיך אשר אמרת תן לי מלך ושרים׃ י״א אתן לך מלך באפי ואקח בעברתי׃ י״ב צרור עון אפרים צפון חטאתו׃ י״ג חבלי יולדה יבאוהו הוא בן לא חכם כי עת לא יעמד במשבר בנים׃ י״ד מיד שאול אפדם ממות אגאלם אהי דבריך מות אהי קטבך שאול נחם יסתר מעיני׃ ט״ו כי הוא בין אחים יפריא ויבוא קדים רוח יהוה ממדבר עלה ויבוש מקורו ויחרב מעינו הוא יבזז אוצר כל כלי חמדה׃ ט״ז תאשם שמרון כי מרתה באלהיה בחרב יפלו עולליהם וריטיהם יבקעו והרותיהם יבקעו׃

داود ئەحمەد ئەسیر

٩ حەشەرێ ژێ ئەڤ ئەسیرێ ئیسرائیلێ ب هێز ڤەگێڕان، چ ژ ئەسیرێ
مەدیان، چ ژ ئەسیرێ فەلەستینان، ئەحمەد داود ل بەر ئاڤا ئوردنێ
ڕاوەستیا. ١٠ ئەحمەد داود ل ئیسرائیلێ چ ئەسیرێ نەهێلا. ئەو
ژێ ڕاکرن، ئەحمەد داود ل جهێ خۆ ڤەگێڕان. ١١ ئەڤ ئەسیرێ
ئیسرائیلێ ل ئەحمەد داود ڤەگێڕان، ئەو ل ئەحمەد داود ڕاوەستیا،
ئەحمەد داود ل ئەڤ ئەسیرێ ئیسرائیلێ ڤەگێڕان. ١٢ ئەحمەد داود
ئەسیرێ ئیسرائیلێ ڤەگێڕان ب ئەسیرێ ئەڤرایمێ، ئەسیرێ ئەڤرایمێ
ژی ل ئەحمەد داود ڤەگێڕان. ١٣ ئەڤ ڕاستی ئەحمەد داود ل
ئەڤرایمێ، ل ئەحمەد داود ل ئیسرائیلێ، ل ئەحمەد داود ل ئەسیرێ
ئیسرائیلێ ڤەگێڕان: "ئەحمەد داود، ئەڤ، ئەڤ ئەسیرێ ئیسرائیلێ."
١٤ ئەحمەد داود ژێ ئەسیرێ ئیسرائیلێ ڕاکرن: "ئەڤ، ئەڤ ئەسیرێ
ئیسرائیلێ." ١٥ ئەحمەد داود ژێ ئەسیرێ ئیسرائیلێ ڕاکرن: "ئەڤ،
ئەڤ ئەسیرێ ئیسرائیلێ." ١٦ ئەحمەد داود ژێ ئەسیرێ ئیسرائیلێ
ڕاکرن: "ئەڤ، ئەڤ ئەسیرێ ئیسرائیلێ."

١٧ چ ئەحمەد داود ژێ ئەسیرێ ئیسرائیلێ ڕاکرن، ئەو ژێ ئەسیرێ
ئیسرائیلێ ڤەگێڕان. ئەحمەد داود ژێ ئەسیرێ ئیسرائیلێ ڕاکرن:
"ئەحمەد، ئەڤ ئەسیرێ ئیسرائیلێ ئەسیرێ ئەڤرایمێ ل ئەحمەد داود
ڤەگێڕان. ١٨ ئەحمەد داود ژێ ئەسیرێ ئیسرائیلێ ڕاکرن: "ئەحمەد
داود، ئەڤ ئەسیرێ ئیسرائیلێ ئەسیرێ ئەڤرایمێ ل ئەحمەد داود
ڤەگێڕان." ١٩ چ ئەحمەد داود ژێ ئەسیرێ ئیسرائیلێ ڕاکرن:
"ئەحمەد، ئەڤ ئەسیرێ ئیسرائیلێ ئەسیرێ ئەڤرایمێ ل ئەحمەد داود
ڤەگێڕان." ٢٠ ئەحمەد داود ژێ ئەسیرێ ئیسرائیلێ ڕاکرن: "ئەحمەد،
ئەڤ ئەسیرێ ئیسرائیلێ ئەسیرێ ئەڤرایمێ ل ئەحمەد داود ڤەگێڕان."
٢١ ئەحمەد داود ژێ ئەسیرێ ئیسرائیلێ ڕاکرن: "ئەحمەد، ئەڤ
ئەسیرێ ئیسرائیلێ ئەسیرێ ئەڤرایمێ ل ئەحمەد داود ڤەگێڕان."
٢٢ ئەحمەد داود ژێ ئەسیرێ ئیسرائیلێ ڕاکرن: "ئەحمەد، ئەڤ
ئەسیرێ ئیسرائیلێ ئەسیرێ ئەڤرایمێ ل ئەحمەد داود ڤەگێڕان."

ישראל את אלהי ואתה הושע לך עוד אהוב אשה רעת ומנאפת כאהבת יהוה
את בני ישראל והמה פנים אל אלהים אחרים ואהבי אשישי ענבים׃ ב וָאֲכַרֶהָ
לִי בַּכֶּסֶף וַחֲמֵשׁ עֲשָׂרֹת כָּסֶף וְלֶתֶךְ שְׂעֹרִים׃ ג וָאֹמַר אֵלֶיהָ יָמִים רַבִּים
תֵּשְׁבִי לִי לֹא תִזְנִי וְלֹא תִהְיִי לְאִישׁ וְגַם אָנֹכִי אֵלַיִךְ׃ ד כִּי יָמִים רַבִּים
יֵשְׁבוּ בְנֵי יִשְׂרָאֵל אֵין מֶלֶךְ וְאֵין שַׂר וְאֵין זֶבַח וְאֵין מַצֵּבָה וְאֵין אֵפוֹד
וּתְרָפִים׃ ה אַחַר יָשׁוּבוּ בְנֵי יִשְׂרָאֵל וּבִקְשׁוּ אֶת יְהוָה אֱלֹהֵיהֶם וְאֶת דָּוִד
מַלְכָּם וּפָחֲדוּ אֶל יְהוָה וְאֶל טוּבוֹ בְּאַחֲרִית הַיָּמִים׃ ו שִׁמְעוּ דְבַר יְהוָה
בְּנֵי יִשְׂרָאֵל כִּי רִיב לַיהוָה עִם יוֹשְׁבֵי הָאָרֶץ כִּי אֵין אֱמֶת וְאֵין חֶסֶד וְאֵין
דַּעַת אֱלֹהִים בָּאָרֶץ׃ ז אָלָה וְכַחֵשׁ וְרָצֹחַ וְגָנֹב וְנָאֹף פָּרָצוּ וְדָמִים בְּדָמִים
נָגָעוּ׃ ח עַל כֵּן תֶּאֱבַל הָאָרֶץ וְאֻמְלַל כָּל יוֹשֵׁב בָּהּ בְּחַיַּת הַשָּׂדֶה וּבְעוֹף
הַשָּׁמָיִם וְגַם דְּגֵי הַיָּם יֵאָסֵפוּ׃ ט אַךְ אִישׁ אַל יָרֵב וְאַל יוכח [יוֹכַח] וְעַמְּךָ
כְּמָרִיבֵי כֹהֵן׃ י וְכָשַׁלְתָּ הַיּוֹם וְכָשַׁל גַּם נָבִיא עִמָּךְ דָּמִיתִי אִמֶּךָ׃ יא נִדְמוּ
עַמִּי מֵאַין דַּעַת כִּי אַתָּה הַדַּעַת מָאַסְתָּ וְאֶמְאָסְךָ מִכַּהֵן לִי וְתוֹרַת אֱלֹהֶיךָ
אֶשְׁכַּח גַּם אָנֹכִי בָּנֶיךָ׃ יב כָּהֳנָם רַבָּם כְּנִי חָטְאוּ לִי כְּבוֹדָם בְּקָלוֹן אָמִיר׃
יג חַטֹּאת עַמִּי יֹאכֵלוּ וְאֶל עֲוֹנָם יִשְׂאוּ נַפְשָׁם׃ יד וְהָיָה כָּעָם כַּכֹּהֵן וּפָקַדְתִּי
עָלָיו דַּרְכָּיו וּמַעֲלָלָיו אָשִׁיב לוֹ׃ טו וְאָכוֹל וְלֹא יִשְׂבָּעוּ הִזְנוּ וְלֹא פָרָצוּ כִּי
לַיהוָה עָזְבוּ לִשְׁמֹר׃ טז כִּי כְּפָרָה סֹרֵרָה סָרְרָה יִשְׂרָאֵל עַתָּה יִרְעֵם יְהוָה
כְּכֶבֶשׂ בַּמֶּרְחָב׃ יז אֶפְרַיִם חֻבָּר עֲצַבִּים הַנִּיחֵהוּ׃ יח סָר סִבְאָם זָנֹה זָנוּ
אָהֲבוּ הָבוּ קְלוֹנוֹתֶיהָ׃ יט צָרַרְתָּהּ רוּחַ בְּכַנְפֶיהָ וְיֵבֹשׁוּ מִזִּבְחֹתָם׃ כ שִׁמְעוּ
זֹאת הַכֹּהֲנִים וְהַקְשִׁיבוּ בֵּית יִשְׂרָאֵל וּבֵית הַמֶּלֶךְ הַאֲזִינוּ כִּי לָכֶם הַמִּשְׁפָּט
כִּי פַח הָיִיתֶם לְמִצְפָּה וְרֶשֶׁת פְּרוּשָׂה עַל תָּבוֹר׃ כא וְשַׁחֲטָה שַׂטִּים הֶעְמֵקוּ
וַאֲנִי מוּסָר לְכֻלָּם׃ כב יָדַעְתִּי אֶפְרַיִם וְיִשְׂרָאֵל לֹא נִכְחַד מִמֶּנִּי כִּי עַתָּה
הִזְנָה אֶפְרַיִם נִטְמָא יִשְׂרָאֵל׃ כג לֹא יִתְּנוּ מַעַלְלֵיהֶם לָשׁוּב אֶל אֱלֹהֵיהֶם כִּי
רוּחַ זְנוּנִים בְּקִרְבָּם וְאֶת יְהוָה לֹא יָדָעוּ׃ כד וְעָנְתָה גְאוֹן יִשְׂרָאֵל בְּפָנָיו
וְלֹא שָׁבוּ אֶל יְהוָה אֱלֹהֵיהֶם וְלֹא בִקְשׁוּהוּ בְּכָל זֹאת׃ כה יִשְׂרָאֵל וְאֶפְרַיִם
יִכָּשְׁלוּ בַּעֲוֹנָם יִכָּשַׁל גַּם יְהוּדָה עִמָּם׃ כו בְּצֹאנָם וּבִבְקָרָם יֵלְכוּ לְבַקֵּשׁ אֶת
יְהוָה וְלֹא יִמְצָא חָלַץ מִמֶּנּוּ׃ כז בַּיהוָה בָּגָדוּ כִּי בָנִים זָרִים יָלָדוּ עַתָּה יֹאכְלֵם
חֹדֶשׁ אֶת חֶלְקֵיהֶם׃ כח תִּקְעוּ שׁוֹפָר בַּגִּבְעָה חֲצוֹצְרָה בָּרָמָה הָרִיעוּ בֵּית
אָוֶן אַחֲרֶיךָ בִּנְיָמִין׃ כט אֶפְרַיִם לְשַׁמָּה תִּהְיֶה בְּיוֹם תּוֹכָחָה בְּשִׁבְטֵי יִשְׂרָאֵל
הוֹדַעְתִּי נֶאֱמָנָה׃ ל הָיוּ שָׂרֵי יְהוּדָה כְּמַסִּיגֵי גְבוּל עֲלֵיהֶם אֶשְׁפֹּךְ כַּמַּיִם עֶבְרָתִי׃
לא עָשׁוּק אֶפְרַיִם רְצוּץ מִשְׁפָּט כִּי הוֹאִיל הָלַךְ אַחֲרֵי צָו׃ לב וְאָנֹכִי כָּעָשׁ
לְאֶפְרַיִם וּכְרָקָב לְבֵית יְהוּדָה׃ לג וַיַּרְא אֶפְרַיִם אֶת חָלְיוֹ וְיְהוּדָה אֶת מְזֹרוֹ
וַיֵּלֶךְ אֶפְרַיִם אֶל אַשּׁוּר וַיִּשְׁלַח אֶל מֶלֶךְ יָרֵב וְהוּא לֹא יוּכַל לִרְפֹּא לָכֶם וְלֹא
יִגְהֶה מִכֶּם מָזוֹר׃ לד כִּי אָנֹכִי כַּשַּׁחַל לְאֶפְרַיִם וּכְכְפִיר לְבֵית יְהוּדָה אֲנִי אֲנִי
אֶטְרֹף וְאֵלֵךְ אֶשָּׂא וְאֵין מַצִּיל׃ לה אֵלְכָה אָשׁוּבָה אֶל מְקוֹמִי עַד אֲשֶׁר יֶאְשְׁמוּ
וּבִקְשׁוּ פָנָי בַּצַּר יְשַׁחֲרוּנְנִי׃ לו לְכוּ וְנָשׁוּבָה אֶל יְהוָה כִּי הוּא טָרָף וְיִרְפָּאֵנוּ
יַךְ וְיַחְבְּשֵׁנוּ׃ לז יְחַיֵּנוּ מִיּוֹמָיִם בַּיּוֹם הַשְּׁלִשִׁי יְקִימֵנוּ וְנִחְיֶה לְפָנָיו׃ לח וְנֵדְעָה
נִרְדְּפָה לָדַעַת אֶת יְהוָה כְּנִשְׁחָרוֹ נָכוֹן מוֹצָאוֹ וְיָבוֹא כַגֶּשֶׁם לָנוּ כְּמַלְקוֹשׁ
יוֹרֶה אָרֶץ׃ לט מָה אֶעֱשֶׂה לְךָ אֶפְרַיִם מָה אֶעֱשֶׂה לְךָ יְהוּדָה וְחַסְדְּכֶם כַּעֲנַן בֹּקֶר
וְכַטַּל מַשְׁכִּים הוֹלֵךְ׃ מ עַל כֵּן חָצַבְתִּי בַנְּבִיאִים הֲרַגְתִּים בְּאִמְרֵי פִי וּמִשְׁפָּטֶיךָ
אוֹר יֵצֵא׃ מא כִּי חֶסֶד חָפַצְתִּי וְלֹא זָבַח וְדַעַת אֱלֹהִים מֵעֹלוֹת׃ מב וְהֵמָּה כְּאָדָם
עָבְרוּ בְרִית שָׁם בָּגְדוּ בִי׃ מג גִּלְעָד קִרְיַת פֹּעֲלֵי אָוֶן עֲקֻבָּה מִדָּם׃ מד וְכַחֲכֵי
גְדוּדִים אִישׁ חָבֵר כֹּהֲנִים רָצְחוּ דֶּרֶךְ שְׁכֶמָה כִּי זִמָּה עָשׂוּ׃ מה בְּבֵית יִשְׂרָאֵל
רָאִיתִי שַׁעֲרִירִיָּה שָׁם זְנוּת לְאֶפְרַיִם נִטְמָא יִשְׂרָאֵל׃ מו גַּם יְהוּדָה שָׁת קָצִיר
לָךְ בְּשׁוּבִי שְׁבוּת עַמִּי׃ א בְּרָפְאִי יִשְׂרָאֵל וְנִגְלָה אֶפְרַיִם וְנִפְתְּחוּ שֹׁמְרוֹן
הוֹשע ג:ה 619 הושע ב:כג

ڤاجە ئاك ڕەبا. ٣٦ "ڕەبا ئاك ئەجەمە، مەحەل ئا ئەجەمە ئەسكەس ەيێ ھەجە ڤاجە
ئەجەڤە يا ڕەبا ئا ئەجەڤە ھەسكەس يا ڤەحێ، ھەجە ئەجەڤە ئەسكەس ئەجە ئەجەڤە
ئەجێ ھەسكەس ڤاجە ڕەبا ئەجەڤە ھە. ٣٧ "ھە ڤاجەڤە ڕەبا ئەسكەس ئەجە ئەجەڤە
ئەجەڤە، ھە ئەجە ھەجێ ئەجە ئەجە ئەجە. ٣٨ "ڕەجە ڕەبا ئەجەڤە ئەجەڤە يا ئەجەڤە ئەجە
ھەجەڤە ئەجەڤە ھە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە، ھەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەسكەس
ئەجەڤە ئەجەڤە، ھەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە. ٣٩ "ڕەبا ئەجەڤە
ھەجەڤە ھە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە يا ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە.
ھەجەڤە ھە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە. ٤٠ "ڕەبا ڕەبا ئەجەڤە
ھەجەڤە يا ئەجەڤە ئەسكەس ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە يا ئەجەڤە ئەسكەس ئەجەڤە
ئەجەڤە يا ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە. ٤١ "ڕەبا ئا ئەجەڤە يا ئەجەڤە
ئەجەڤە يا ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە،
ھەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە،
ھەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە. ٤٢ "ھەجەڤە
ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە
ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە
ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە
ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە
ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە
ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە
ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە
ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە
ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە
ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە
ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە ئەجەڤە

יהוה שלח אותי לנבא נגד העיר הזאת ונגד כל הבתים בה
שראיתם בעיניכם.

משל הכרם הרע

11 [1] ועכשיו אשיר לידיד שלי שיר על כרם שלו.
הידיד שלי נטע כרם בגבעה פורייה. [2] הוא חפר בו
וסילק ממנו את האבנים, ונטע בו גפנים משובחות.
הוא בנה מגדל בתוך הכרם, וחצב בו יקב לדריכת
הענבים. הוא ציפה אותו בתקווה שיצמחו בו ענבים
טובים, אבל הוא קיבל רק ענבים בעלי ריח רע.
[3] ועכשיו, אתם תושבי ירושלים ואנשי יהודה,
שפטו נא בינו לבין הכרם שלי. [4] מה עוד יכולתי
לעשות לכרם שלי? הרי עשיתי לו הכול! מדוע
קיבלתי ענבים בעלי ריח רע, במקום ענבים טובים?
[5] עכשיו אני אגיד לכם מה אני עומד לעשות לכרם
שלי: אני אסיר ממנו את הגדר שלו, והוא יישרף
באש. אני אהרוס את החומה שלו, והוא ייהרס
ויידרך ברגלי אדם. [6] אני אהפוך אותו לשממה
נטושה. לא יזמרו בו עוד ולא יעדרו בו עוד, אלא
יצמחו בו שיחי קוצים וסירים. אני אצווה על העננים
שלא יורידו עוד גשם על הכרם הזה.'" [7] הכרם של
יהוה צבאות הוא עם ישראל, ואנשי יהודה הם הנטע
שהוא נטע בגינתו. הוא ציפה שיעשו מעשים טובים,
אבל במקום זה הם עשו מעשים רעים. הוא ציפה
שיעשו צדק, אבל במקום זה הם יצרו עוול. הוא
ציפה שיעשו מה שנכון, אבל במקום זה הם יצרו
בלגן. [8] אוי לכם, אנשים שקונים עוד ועוד בתים
ושדות, עד שלא נשאר מקום לאף אחד אחר, ורק
אתם גרים בארץ. [9] יהוה צבאות אמר לי את
הדברים האלה, ואני מבטיח לכם שהם יתגשמו:
'הבתים הגדולים והיפים שבניתם יישארו ריקים,
ואפילו אדם אחד לא יגור בהם. [10] עשרה דונמים
של כרמי ענבים יניבו רק בת אחת של יין, ושקית
זרעים תניב רק עשרה קילו תבואה.' [11] אוי לכם,
אנשים שקמים מוקדם בבוקר כדי לרדוף אחרי
משקאות חריפים, ונשארים ערים עד שעות הלילה
המאוחרות כדי שהיין יחמם אתכם. [12] בכל
המסיבות שלכם יש נגנים על נבלים, תופים,
חלילים וכינורות, אבל אתם לא מתייחסים למה
שיהוה עושה, ולא חשבתם על כך שהוא יעניש
אתכם. [13] לכן אתם עומדים להילקח לגלות
בגלל שאינכם יודעים דברים רבים. האנשים
החשובים שלכם ימותו ברעב, והאחרים ייהרגו
בקרב או ימותו מצמא. [14] לכן שאול הרחיב את
עצמו ופתח את פיו לרווחה, ואין לו גבול. כל
העשירים והחשובים של ירושלים ייפלו לתוכו,
וכולם יחגגו שם. [15] כולם יושפלו, ואפילו
האנשים החשובים ביותר יושפלו, והעיניים של
האנשים הגאים יושפלו. [16] אבל יהוה צבאות
יתגבה עליהם בצדקתו, ואלוהים הקדוש יוכיח את
עצמו בכך שיעניש את העם שלו. [17] אז הכבשים
יוכלו לרעות כאילו הן בגינה, והעזים יוכלו לאכול
בשדות של עשירים שנהרגו.

[18] אוי לאנשים שמנסים להסתיר את חטאיהם
מאחורי שקרים, ומנסים להסתיר את עוולותיהם
מאחורי עגלות מלאות בשקרים. [19] הם אומרים:
'אלוהים, תן לנו לראות מה אתה עומד לעשות,
ואנחנו נאמין לך. תן לנו לראות את התוכנית
שלך, ואנחנו נאמין לך.' [20] אוי לאנשים שאומרים
שרע הוא טוב ושטוב הוא רע, שחושך הוא אור
ואור הוא חושך, שמר הוא מתוק ומתוק הוא מר.
[21] אוי לאנשים שחושבים שהם חכמים, ושחושבים
שהם יודעים הכול. [22] אוי לגיבורים שלנו, שהם
שתיינים גדולים ומסוגלים לשתות כמויות גדולות
של יין. [23] אוי לשופטים שלנו, שמקבלים שוחד
כדי לזכות את האשמים, ומסרבים לעזור לאנשים
חפים מפשע. [24] לכן, כמו שלשון אש אוכלת
קש ומכלה אותו, כך שורשיהם של האנשים
האלה ירקבו, והפרחים שלהם יתייבשו ויישרפו,
כי הם דחו את תורת יהוה צבאות, ובזו למילים
של אלוהים הקדוש של ישראל. [25] לכן יהוה
כעס על עמו, והוא הרים את ידו ונתן מכה לעם,
והרים שדרו ורעדו, וגופות של אנשים מתו
ברחובות כמו אשפה. אבל אפו של יהוה לא שכך,
והוא עדיין מוכן להכות שוב. [26] הוא יקרא
לעמים רחוקים שיבואו ויילחמו בישראל, והוא
יקרא לעמים שיבואו מקצוות הארץ. הם יבואו
במהירות ובכוח. [27] אף אחד לא יהיה עייף או
חלש, אף אחד לא יישן או יתנמנם, אף אחד לא
יוריד את החגורה שלו או יתיר את נעלי הסנדלים
שלו. [28] החיצים שלהם יהיו חדים, והקשתות
שלהם יהיו מוכנות. הפרסות של הסוסים שלהם
יהיו קשות כמו צור, והגלגלים של המרכבות
שלהם יהיו כמו סופה. [29] הם ישאגו כמו אריות,
כמו אריות צעירים הם ישאגו ויתקיפו את הטרף
שלהם. הם יתקיפו ויסחבו את הטרף שלהם
ויברחו, ואף אחד לא יוכל להציל את הטרף.
[30] ביום ההוא הם יישאגו על ישראל כמו ים
סוער. אם מישהו יסתכל על הארץ, הוא יראה רק
חושך וצרות, והאור יהפוך לחושך בגלל העננים.

ויקחם בזרועותיו ויתן בלבם לדעת אותו. ואהיה להם לאלהים ועבדי יהיו בתוכם
ואתם תהיו לי לעם ואני אהיה לכם לאלהים. ١٦ ואתם בני אדם כה אמר אדני יהוה
אל בני ישראל הנה הם אומרים אלינו לאמר: כה אמר אדני יהוה הנה אל הגוים
הרחקתים ואל הארצות פיזרתים ואהי להם למקדש מעט בארצות אשר באו שם.
١٧ לכן אמר אדני יהוה ולקחתי אתכם מן העמים וקבצתי אתכם מן הארצות אשר
נפוצותם בהם ונתתי לכם את אדמת ישראל. ١٨ ובאו שמה והסירו את כל שקוציה
ואת כל תועבותיה משם. ١٩ ונתתי להם לב אחד ורוח חדשה אתן בקרבכם והסרתי
את לב האבן מבשרם ונתתי להם לב בשר. ٢٠ למען בחקותי ילכו ואת משפטי ישמרו
ועשו אותם ויהיו לי לעם ואני אהיה להם לאלהים. ٢١ ולבית ישראל יאמר אדני
יהוה הנה אני פתח את קבריכם והעליתי אתכם מקבריכם עמי והבאתי אתכם אל
אדמת ישראל. ٢٢ וידעתם כי אני יהוה בפתחי את קבריכם ובהעלותי אתכם מקבריכם
עמי. ٢٣ ונתתי רוחי בכם וחייתם ונחתי אתכם על אדמתכם וידעתם כי אני יהוה
דברתי ועשיתי נאם יהוה. ٢٤ ויהי דבר יהוה אלי לאמר. ٢٥ ואתה בן אדם קח לך
עץ אחד וכתוב עליו ליהודה ולבני ישראל חברו ולקח עץ אחד וכתוב עליו ליוסף
עץ אפרים וכל בית ישראל חבריו. ٢٦ וקרב אותם לך לעץ אחד והיו לאחדים בידך.

۲۷ حەر حدُن ۱۹۱ ئن ىتِّ ىدحمُ ىبحبُ رُەس ۱۹۱ ئن ىتِّ ىدحمُ ىبحبُ رُەس. ۲۸ ەمد
ىدُەلا ئەِن ۱۹۱ ئن حدُن حەر ىدُەلا ئەِن ۱۹۱ ئن حدُن حەر ىتِّ ەمەبُ رُەبحەھ ئِبحُ ەس ىتِّ
حدُن ئِدن. ەرُەلا ئەِن ۱۹۱ ئن حدُن حەر ىتِّ ەمەبُ رُەبحەھ ئِبحُ ەس ىتِّ ۲۹. ىدُەلا ئەِن
ىتِّ ەمەبُ رُەبحەھ ئِبحُ ەس ىتِّ ەمەبُ رُەبحەھ ئِبحُ ەس ىتِّ ەمەبُ رُەبحەھ ئِبحُ ەس ىتِّ
ىدُەلا ئەِن ۱۹۱ ئن حدُن حەر ىتِّ ەمەبُ رُەبحەھ ئِبحُ ەس ىتِّ ۳۰. حدبح ىتِّ رُەس ىدُەلا ئەِن
ىدُەلا ئەِن ۱۹۱ ئن حدُن حەر ىتِّ ەمەبُ رُەبحەھ ئِبحُ ەس ىتِّ ەمەبُ رُەبحەھ ئِبحُ ەس ىتِّ
ەر

בעלתיך בעלים." ויהוה אמר אל הושע: "לך עוד אהב אשה
אוהבת רעה ומנאפת כאהבת יהוה את בני ישראל, אף כי
הם פונים אל אלהים אחרים ואוהבים עוגות ענבים." ב הושע
קנה אותה בכסף חמישה עשר שקלים ובחומר שעורים
ובלתך שעורים. ג והושע אמר אליה: "תשבי לי ימים רבים,
לא תזני ולא תהיי לאיש אחר, ואף אני אהיה לך כך."
ד כי בני ישראל ישבו ימים רבים בלא מלך ובלא שר ובלא
זבח ובלא מצבה ובלא אפוד ותרפים. ה אחר כך ישובו בני
ישראל ויבקשו את יהוה אלהיהם ואת דוד מלכם, ופחדו
אל יהוה ואל טובו באחרית הימים.

ד שמעו דבר יהוה בני ישראל, כי ריב ליהוה עם יושבי
הארץ, כי אין אמת ואין חסד ואין דעת אלהים בארץ.
ב אלה וכחש ורצח וגנב ונאף פרצו ודמים בדמים נגעו.
ג על כן תאבל הארץ ואמלל כל יושב בה בחית השדה
ועוף השמים וגם דגי הים יאספו. ד אך איש אל יריב ואל
יוכח איש ועמך כמריבי כהן. ה וכשלת היום ונכשל גם
נביא עמך בלילה ודמיתי אמך. ו נדמו עמי מבלי דעת כי
אתה הדעת מאסת ואמאסך מכהן לי ותשכח תורת
אלהיך אשכח גם אני בניך. ז כרבם כן חטאו לי כבודם
בקלון אמיר. ח חטאת עמי יאכלו ואל עונם ישאו נפשם.
ט והיה כעם כן כהן ופקדתי עליו דרכיו ומעלליו אשיב לו.
י ואכלו ולא ישבעו זנו ולא פרצו כי יהוה עזבו לשמר.
יא זנות ויין ותירוש יקח לב. יב עמי בעצו ישאל ומקלו
יגיד לו כי רוח זנונים התעה ויזנו מתחת אלהיהם. יג על
ראשי ההרים יזבחו ועל הגבעות יקטרו תחת אלה ולבנה
ואלה כי טוב צלה על כן תזנינה בנותיכם ועל כלותיכם
תנאפנה. יד לא אפקד על בנותיכם כי תזנינה ועל כלותיכם
כי תנאפנה כי הם עם הזונות יפרדו ואת קדשות יזבחו
ועם לא יבין יכשל. טו אם זנית אתה ישראל אל יאשם
יהודה ואל תבאו הגלגל ואל תעלו בית און ואל תשבעו חי
יהוה. טז כי כפרה סררה סרר ישראל עתה ירעם יהוה
כבר ברחב. יז אפרים חברים עצבים הנח לו. יח סר
סבאם זנה זנו אהבו הבו קלון מגניה. יט צרור כנפיה
בעטתו רוח וכלמו מזבחותם.

ה שמעו זאת הכהנים והקשיבו בית ישראל והאזינו בית
המלך כי לכם המשפט כי פח הייתם למצפה ורשת פרושה
על תבור. ב ושחטה שחטים העמיקו ואני מוסר לכלם.
ג אני ידעתי אפרים וישראל לא נכחד ממני כי עתה
הזנית אפרים נטמא ישראל. ד לא יתנו מעלליהם לשוב
אל אלהיהם כי רוח זנונים בקרבם ואת יהוה לא ידעו.
ה וענה גאון ישראל בפניו ויכשלו ישראל ואפרים בעונם
יכשל גם יהודה עמם. ו בצאנם ובבקרם ילכו לבקש את
יהוה ולא ימצא חלץ מהם. ז בי בגדו ליהוה כי בנים
זרים ילדו עתה יאכלם חדש את חלקיהם. ח תקעו שופר
בגבעה חצצרה ברמה הריעו בבית און אחריך בנימין.
ט אפרים לשמה תהיה בתוכחת בשבטי ישראל הודעתי
נאמנה. י היו שרי יהודה כמסיגי גבול עליהם אשפוך
כמים עברתי. יא עשוק אפרים רצוץ משפט כי הואיל הלך
אחרי צו. יב ואני כעש לאפרים וכרקב לבית יהודה.
יג וירא אפרים את חליו ויהודה את מזורו וילך אפרים
אל אשור וישלח אל מלך יריב והוא לא יוכל לרפא לכם
ולא יגהה מזור מכם. יד כי אנכי כשחל לאפרים וככפיר
לבית יהודה אני אני אטרף והלכתי אשא ואין מציל.
טו אלכה אשובה אל מקומי עד אשר יאשמו ובקשו פני
בצר להם ישחרונני.

ו לכו ונשובה אל יהוה כי הוא טרף וירפאנו יך ויחבשנו.
ב יחיינו מיומים ביום השלישי יקימנו ונחיה לפניו.
ג ונדעה נרדפה לדעת את יהוה כשחרו נכון מוצאו וכא
כגשם לנו כמלקוש יורה ארץ. ד מה אעשה לך אפרים מה
אעשה לך יהודה וחסדכם כענן בקר וכטל משכים הולך.
ה על כן חצבתי בנביאים הרגתים באמרי פי ומשפטיך
אור יצא. ו כי חסד חפצתי ולא זבח ודעת אלהים מעלות.
ז והמה כאדם עברו ברית שם בגדו בי. ח גלעד קריית
פעלי און עקבה מדם. ט וכחכי איש גדודים חבר כהנים
דרך ירצחו שכם כי זמה עשו. י בבית ישראל שעריה
ראיתי שם זנות לאפרים נטמא ישראל. יא גם יהודה שת
קציר לך בשובי שבות עמי בעוד אשוב אשיב שבות עמי
ורפאתי את ישראל ויגל אפרים עון שמרון ורעה כי עשו
שקר וגנב יבוא פשט בחוץ. ב ולא יאמרו בלבבם כל
רעתם זכרתי עתה סבבתם עלילותם נגד פני היו. ג הם
במלכם ישמחו ובשריהם בכזבם. ד כלם מנאפים כתנור
בוער מחדל מלש בלילה ישן בבקר הוא בוער כאש בו.
ה כל חמתם כתנור ויאכלו את שפטיהם כל מלכיהם נפלו
אין קורא בי מהם. ו אפרים בעמים הוא יתבולל אפרים
היה עגה בלתי הפוכה. ז אכלו זרים כחו והוא לא ידע גם
שיבה זרקה בו והוא לא ידע. ח וגאון ישראל בפניו ענה
ולא שבו אל יהוה אלהיהם ולא בקשוהו בכל זאת. ט ויהי
אפרים כיונה פותה אין לב קראו למצרים הלכו לאשור.
י בלכתם אפרוש עליהם רשתי כעוף השמים אורידם
כשמוע לעדתם. יא אוי להם כי נדדו מני שד להם כי
פשעו בי ואני אפדם ואני דברתי עליהם כזבים. יב ולא
זעקו אלי בלבבם כי יילילו על משכבותם לדגן ותירוש
יתגודדו בי יסורון. יג ואני יסרתי חזקתי זרועתם ואני
חושב עלי רע. יד ישובו לא על על קשת היו שריו בחרב
יפלו מגדעונם בגלל לשון זרותם זאת להם למצחוק
בארץ מצרים.

۱۸ جب افرائیم غیر قوموں کے ساتھ اتحاد کرتا ہے،
اُس کا انجام تباہی ہی ہے۔ ۱۹ اُس کا سر شرمندگی سے جھک جائے گا۔
اُس کی قربانیاں اُس کے لئے شرمندگی کا باعث ہوں گی۔
اُس کے بُت اُس کی بربادی کا سبب بنیں گے۔

خدا کی سزا

۲۰ افرائیم کی باتیں کتنی بھاری تھیں!
اُس کی باتوں سے لوگ کانپ اُٹھتے تھے۔
وہ اسرائیل میں ایک بڑا آدمی تھا۔
لیکن بعل کی پرستش کرنے کی وجہ سے وہ مر گیا۔
اب وہ کبھی زندہ نہیں ہو گا۔
۲۱ اب افرائیم کا گناہ اُس کے خلاف گواہی دیتا ہے۔
اُس کا گناہ ایک بند کتاب کی طرح ہے۔
اُس کا گناہ ایک بند کتاب کی طرح ہے۔
۲۲ افرائیم کا بچہ بہت بیوقوف ہے۔
وہ ایک ایسے بچے کی طرح ہے جو وقت پر پیدا نہیں ہوتا۔
۲۳ اب وہ وقت آ گیا ہے کہ وہ پیدا ہو،
لیکن وہ ایک بیوقوف بچہ ہے۔
وہ ایسی جگہ پر ہے جہاں اُسے پیدا نہیں ہونا چاہیئے۔
۲۴ میں افرائیم کو قبر سے بچا لوں گا۔
میں اُسے موت سے چھڑا لوں گا۔
موت، میں تیری مصیبتیں لے آؤں گا۔
قبر، میں تجھے تباہ کر دوں گا۔
میں اب رحم نہیں کروں گا۔
۲۵ افرائیم اپنے بھائیوں سے زیادہ پھلے پھولے گا۔
لیکن مشرقی ہوا آئے گی۔
خداوند کی طرف سے ہوا آئے گی۔
وہ صحرا سے آئے گی۔
اُس کے چشمے خشک ہو جائیں گے۔
اُس کا سرچشمہ سوکھ جائے گا۔
اُس کا خزانہ لوٹ لیا جائے گا۔
اُس کی ہر قیمتی چیز لوٹ لی جائے گی۔

سامریہ کی سزا

۱۳ ۱ جب افرائیم کے قبیلے نے بات کی تو لوگ کانپ اُٹھے۔
وہ اسرائیل میں بہت اہم تھا۔
لیکن بعل کی پرستش کرنے کی وجہ سے وہ مر گیا۔
۲ اب لوگ اور بھی زیادہ گناہ کرتے ہیں۔
وہ اپنے لئے چاندی کے بُت بناتے ہیں۔
وہ اپنی سمجھ بوجھ سے بُت بناتے ہیں۔
وہ بُت بنانے میں بہت ماہر ہیں۔
لیکن وہ بُت صرف مٹی کے ہیں۔
لوگ کہتے ہیں، "جو لوگ بچھڑوں کی قربانی دیتے ہیں

ئەی هەڤالێن من گوهدارییێ من بکەن، ٣ بەر کو ئەز جهێ خۆ ڤەکەم ئەو ژی ڤەگەڕیت
ئەوێ ئەز ل ڤێرێ ڕادوەستم. ٤ ڕێ جهێ ئەز ئەوێ ل وێ دگەهم، هەوە ئەو ڕێ دزانن.
٥ ڕاهێلا دەستپێکێ گوت: «ئا، ئەم نزانن تو ل کیڤە دچی، ما چاوا ئەم ڕێ دزانین؟»
٦ عیسا گوتێ: «ئەز ڕێ و ڕاستی و ژیانێ مە. کەسەک نەشێت بێی من بگەهتە
بابی. ٧ ئەگەر هەوە من ناسیبا، هەوە دێ بابێ من ژی ناسیبا. ژ نوکە ڤە هەوە
ئەو ناسن و هەوە ئەو دیتیە.» ٨ فیلیپۆسێ گوت: «ئا، خودێ، بابێ خۆ بۆ مە
دیار بکە، ئەڤە بەسە.» ٩ عیسا گوتێ: «فیلیپۆس، ئەز ئەڤقەدەر ل گەل هەوە
بووم، ما تو ژی نەناسیمە؟ هەر کەسێ من دیتی بابێ من دیتی. چاوا تو دبێژی
بابێ خۆ بۆ مە دیار بکە؟ ١٠ ما تو باوەر ناکی کو ئەز ل بابی مە و بابێ مە ل من
ڕاستە؟ ئەو گوتنێن ئەز ددەمێ هەوە دا دبێژم، ژ خۆڤە ناخڤم، بەلێ بابێ مە
یێ ل من ڕادوەستی کار دکەت. ١١ باوەرییێ بینن کو ئەز ل بابی مە و بابێ مە ل
من ڕاستە، یان ژی ئەگەر نە، ژ بەر کارێن ئەز دکەم باوەرییێ بینن.

ئەو ئەرکێ ئەز دهێلم بۆ هەوە

١٢ «ئەز ڕاستیێ دبێژم، هەر کەسێ باوەرییێ ب من بینیت ئەو ژی دێ وان کارێن
ئەز دکەم بکەت، بەلکی ژ وان مەزنتر ژی بکەت، چونکی ئەز دچم لای بابێ خۆ.

וְאֶתְנַחֵם עַל הָרָעָה׃ [14] מִיַּד שְׁאוֹל אֶפְדֵּם מִמָּוֶת אֶגְאָלֵם אֱהִי דְבָרֶיךָ מָוֶת אֱהִי קָטָבֵךְ שְׁאוֹל נֹחַם יִסָּתֵר מֵעֵינָי׃ כִּי הוּא בֵּין אַחִים יַפְרִיא יָבוֹא קָדִים רוּחַ יְהוָה מִמִּדְבָּר עֹלֶה וְיֹבַשׁ מְקוֹרוֹ וְיֶחֱרַב מַעְיָנוֹ הוּא יָשֹׁסֶה אוֹצַר כָּל כְּלִי חֶמְדָּה׃ [15] תֶּאְשַׁם שֹׁמְרוֹן כִּי מָרְתָה בֵּאלֹהֶיהָ בַּחֶרֶב יִפֹּלוּ עֹלָלֵיהֶם וְהָרָיוֹתֶיהָ יְבֻקָּעוּ׃ [16] שׁוּבָה יִשְׂרָאֵל עַד יְהוָה אֱלֹהֶיךָ כִּי כָשַׁלְתָּ בַּעֲוֹנֶךָ׃ קְחוּ עִמָּכֶם דְּבָרִים וְשׁוּבוּ אֶל יְהוָה אִמְרוּ אֵלָיו כָּל תִּשָּׂא עָוֹן וְקַח טוֹב וְנִשַּׁלְמָה פָרִים שְׂפָתֵינוּ׃ [17] אַשּׁוּר לֹא יוֹשִׁיעֵנוּ עַל סוּס לֹא נִרְכָּב וְלֹא נֹאמַר עוֹד אֱלֹהֵינוּ לְמַעֲשֵׂה יָדֵינוּ אֲשֶׁר בְּךָ יְרֻחַם יָתוֹם׃ [18] אֶרְפָּא מְשׁוּבָתָם אוֹהֲבֵם נְדָבָה כִּי שָׁב אַפִּי מִמֶּנּוּ׃ [19] אֶהְיֶה כַּטַּל לְיִשְׂרָאֵל יִפְרַח כַּשּׁוֹשַׁנָּה וְיַךְ שָׁרָשָׁיו כַּלְּבָנוֹן׃ [20] תֵּלַכְנָה יוֹנְקוֹתָיו וִיהִי כַּזַּיִת הוֹדוֹ וְרֵיחַ לוֹ כַּלְּבָנוֹן׃ [21] יָשֻׁבוּ יֹשְׁבֵי בְצִלּוֹ יְחַיּוּ דָגָן וְיִפְרְחוּ כַּגָּפֶן זִכְרוֹ כְּיֵין לְבָנוֹן׃ [22] אֶפְרַיִם מַה לִּי עוֹד לָעֲצַבִּים אֲנִי עָנִיתִי וַאֲשׁוּרֶנּוּ אֲנִי כִּבְרוֹשׁ רַעֲנָן מִמֶּנִּי פִרְיְךָ נִמְצָא׃ [23] מִי חָכָם וְיָבֶן אֵלֶּה נָבוֹן וְיֵדָעֵם כִּי יְשָׁרִים דַּרְכֵי יְהוָה וְצַדִּיקִים יֵלְכוּ בָם וּפֹשְׁעִים יִכָּשְׁלוּ בָם׃

---

[14] 13:14 מיד שאול אפדם ממות אגאלם אהי דבריך מות אהי קטבך שאול נחם יסתר מעיני׃ כי הוא בין אחים יפריא יבוא קדים רוח יהוה ממדבר עלה ויבש מקורו ויחרב מעינו הוא ישסה אוצר כל כלי חמדה׃ [15] תאשם שמרון כי מרתה באלהיה בחרב יפלו עלליהם והריותיה יבקעו׃ [16] שובה ישראל עד יהוה אלהיך כי כשלת בעונך׃ קחו עמכם דברים ושובו אל יהוה אמרו אליו כל תשא עון וקח טוב ונשלמה פרים שפתינו׃ [17] אשור לא יושיענו על סוס לא נרכב ולא נאמר עוד אלהינו למעשה ידינו אשר בך ירחם יתום׃ [18] ארפא משובתם אוהבם נדבה כי שב אפי ממנו׃ [19] אהיה כטל לישראל יפרח כשושנה ויך שרשיו כלבנון׃ [20] תלכנה יונקותיו ויהי כזית הודו וריח לו כלבנון׃ [21] ישבו יושבי בצלו יחיו דגן ויפרחו כגפן זכרו כיין לבנון׃ [22] אפרים מה לי עוד לעצבים אני עניתי ואשורנו אני כברוש רענן ממני פריך נמצא׃ [23] מי חכם ויבן אלה נבון וידעם כי ישרים דרכי יהוה וצדיקים ילכו בם ופשעים יכשלו בם׃

---

[t] 13:17 מלכים א 7:1 [u] 13:18 בראשית 34:14; מ"ב 1:3

[v] 13:19 מ"ב 1:7; בראשית 1:14 כך נראה לי

[w] 13:20 בית 2:16; 2 שמואל 3:20 [x] 13:21 2 שמואל 8:5; 10:21

[y] 13:22 2 שמואל 13:14 [z] 13:22 2 שמואל 16:12; תהלים 89:20

לחיים וּלמות. [25]״וְכִי יִשְׁאֲלוּ אֶתְכֶם: ׳מַדּוּעַ אַתֶּם מַתִּירִים?׳ תַּגִּידוּ כָּכָה: ׳כִּי אֲדוֹנָיו צָרִיךְ לוֹ׳״.

[26]״וַיֵּלְכוּ הַשְּׁנַיִם, וַיִּמְצְאוּ אֶת־הַיֶּלֶד קָשׁוּר אֶל־הַדֶּלֶת בַּחוּץ עַל־יַד הַשַּׁעַר, וַיַּתִּירוּהוּ. [27]וְאַנְשִׁים מִן־הָעֹמְדִים שָׁם אָמְרוּ אֲלֵיהֶם: ״מַדּוּעַ אַתֶּם מַתִּירִים אֶת־הַיֶּלֶד?״ [28]וַיַּעֲנוּ כַּאֲשֶׁר צִוָּה אֶתְכֶם יֵשׁוּעַ, וַיַּנִּיחוּם לָהֶם. [29]וַיָּבִיאוּ אֶת־הַיֶּלֶד אֶל־יֵשׁוּעַ וַיַּשְׁלִיכוּ עָלָיו אֶת־בִּגְדֵיהֶם, וַיַּרְכִּיבוּהוּ עָלָיו. [30]וְרַבִּים פָּרְשׂוּ אֶת־בִּגְדֵיהֶם בַּדֶּרֶךְ, וְאֲחֵרִים קָצְצוּ עֲנָפִים מִן־הָאִילָנוֹת וַיְפַזְּרוּם בַּדֶּרֶךְ. [31]וְהַהֹלְכִים לְפָנָיו וְהַבָּאִים אַחֲרָיו צָעֲקוּ בְּקוֹל גָּדוֹל: ״הוֹשַׁע נָא! בָּרוּךְ הַבָּא בְּשֵׁם יְהוָה! [32]בָּרוּךְ הַבָּא מַלְכוּת אָבִינוּ דָּוִד! הוֹשַׁע נָא בַּמְּרוֹמִים!״ [33]וַיָּבֹא יְרוּשָׁלַיִם וַיִּכָּנֵס אֶל־הַמִּקְדָּשׁ, וַיְשׁוֹטֵט בְּכָל־סְבִיבוֹת הַמָּקוֹם, וְכִי עֵת הָעֶרֶב כְּבָר הָיָה הוֹלֵךְ אֶל־בֵּית עַנְיָה עִם־שְׁנֵים עָשָׂר תַּלְמִידָיו.

[34a]וַיְהִי בְּיוֹם הַשֵּׁנִי, בְּצֵאתָם מִבֵּית עַנְיָה וַיִּרְעַב אֶת־יֵשׁוּעַ. [35a]וַיַּרְא מֵרָחוֹק תְּאֵנָה אַחַת עוֹמֶדֶת עַל־יַד הַדֶּרֶךְ, וַיֵּלֶךְ אֵלֶיהָ לִרְאוֹת אִם־יִמְצָא בָּהּ דָּבָר. וְכִי בָּא אֵלֶיהָ לֹא מָצָא בָּהּ כִּי אִם־עָלִים לְבָדָם, כִּי לֹא הָיְתָה עֵת תְּאֵנִים. [36a]וַיֹּאמֶר אֵלֶיהָ: ״לְעוֹלָם אַל־יֹאכַל אָדָם פְּרִי מִמֵּךְ עוֹד!״ וְתַלְמִידָיו שָׁמְעוּ אֶת־הַדָּבָר הַזֶּה.

---

[a] מרקוס ב׳:ב׳ [b] לוקס י״ט:ל״ד [c] מתי כ״א:ג׳

زۆڕ کۆ سەبب یێ. ٣٨"خێر جنجبەڤ، زێتێ ئسەنەبت، حزۆ
بتەد خێتێ ملێ مەحیڤۆ یکەجڤ ھمێکێ جسڵێبێ. ٣٩"ەحلج ھم
جڤێم دەمەھڤێ ئەڤ ھەحیکێ ھە حلج جنجب جنمەھڤ دەمەتێ
کۆ مەۆ ئێ جحیکێ ملێ جحیکێ کەجڤ. ٤٠"حبە ژۆز ھەمەۆم ڤەتێ جنڤ ژێز
جڤکەجڤ جنجب چڤبت ئێ زەجڤۆ حنڤ ئتێ:
٤١خکەمەڤ جھمیژێز، خڤیکێ ەڵڵەمەڵ، ھخێت ئە ئجچێ ھڤ جنجب
حنەھنقجڤ، چێ ۆەجەمەڤ ڵێ زێتێ ۆەم کەجڤ." d
٤٢جڤ ڤەمەھ ەجزنجێ ھەۆەم ھە حنەجەۆ، ڵڵبت ئەۆەم جنسەم
زێتێ چێبت چژەب ەۆە ەۆەمەب ەۆە یکەم ژۆ ڤێ ژەسەم ەۆە
ژسیۆ. ٤٣ژخێ ھە ەجۆێتێ ەبەک ەتێتێ ژجکێتێ ھە ژکۆ زەڵڵ ئێ
ۆەم کەڵڵ زەڵڵ ھەجنجێ ھەۆەم ڤەتێ ەجنجێ ھە خەڤ جسەبب کۆ ھیڵب جچنجێ.
ەۆێ ڤەمەھ ەجزنجێ ھە خەڤ جسەبب کۆ ھیڵب جچنجێ. ٤٤چبێۆ
ۆەمەب ەۆە جڤیەب ەۆەم ەۆە ئەمەب ەۆە ئەم ۆەم حتڤبڤ ژکۆ. ٤٥ژسیۆ
ژبۆ زەبڤ جسۆ ئەم ۆەم ەۆەجێتێ ئحیتێ، ڤەب ئەم ۆەم ملێ جەم جیکبۆێ،
ەۆەجەم ئەم ژڵەمەجڵڵ ھیجنجێتێ جۆەمەۆڤ ەۆە ڤەمەھ، ەڵجەب
ئەم.
٤٦ەجکەم ئەم ۆەم ڤەمەھ ەجزنجێ ھەۆەم ئێجۆێڵێ ەزەجۆەم: "ڤێ
ۆەم جڤجڤۆێ یکەجڤ جحیژەب ەۆە ەۆەم کۆ ھێتێ ژبۆ ھخێت ئێ
ەۆەحیژەب ئەمەڤێ. ٤٧"ھخێت ۆجژ ھەبڤ ئێ ڤێ ھڤژ ئەمەڤۆ:
حجبڤ ب ئبۆ ئەۆژ ئەمەڤێ، جۆەڤێ ھەۆەنۆ ھەۆەم ۆڵڤ جتۆێۆ ژۆژۆ."
٤٨eزبۆ جەمجب ئەم ۆەم ئەمەڤێ، ۆەم ئەم ۆڵ، ەەمەۆیژەم ئەمەۆم

---

d١٣:٤١ ۆەڵڵ ١:٥ e١٣:٤٧ زەئە ٦:٤٩

[49]כל פקודי המחנה אשר פקד משה ואהרן ונשיאי ישראל. [50]שנים עשר איש איש לבית אבתיו היו על המחנה. [51]וילכו משה ואהרן ונשיאי ישראל ויחנו כסדר דגליהם וכמשפחתם כאשר צוה יהוה את משה. [52]ויסעו בני ישראל איש על מחנהו ואיש על דגלו לצבאתם. [53]והלוים על משמרת משכן העדות לא יקצף על עדת בני ישראל והלוים ישמרו את משמרת משכן העדות. [54]ויעשו בני ישראל ככל אשר צוה יהוה את משה כן עשו לחניהם וכן לנסעיהם איש לדגלו ואיש לבית אבתיו.

פרשת שלח לך

יד [1]ותשא כל העדה ויתנו את קולם ויבכו העם בלילה ההוא. [2]וילנו על משה ועל אהרן כל בני ישראל ויאמרו אליהם כל העדה לו מתנו בארץ מצרים או במדבר הזה לו מתנו. [3]ולמה יהוה מביא אתנו אל הארץ הזאת לנפל בחרב נשינו וטפנו יהיו לבז הלוא טובה לנו שוב מצרימה. [4]ויאמרו איש אל אחיו נתנה ראש ונשובה מצרימה. [5]ויפל משה ואהרן על פניהם לפני כל קהל עדת בני ישראל. [6]ויהושע בן נון וכלב בן יפנה מן התרים את הארץ קרעו בגדיהם. [7]ויאמרו אל כל עדת בני ישראל לאמר הארץ אשר עברנו בה לתור אתה ארץ טובה מאד מאד.

חזאל מלך על ארם

[8] ואלישע בא עד דמשק ובן הדד מלך ארם חלה ויגד לו לאמר
איש האלהים בא עד הלם׃ [9] ויאמר המלך אל חזאל קח בידך מנחה
והלך לקראת איש האלהים ושאלת את יהוה לאמר החיה אחיה
מחלי זה׃ [10] ויאמר אליו אלישע לך אמר חלה תחלה ויהוה הראני
כי מות ימות׃ [11] וישם פניו וישם עד בוש ויבך איש האלהים׃
[12] ויאמר חזאל על מה אדני בוכה ויאמר כי ידעתי את הרעה
אשר תעשה לבני ישראל מבצריהם תשלח באש ובחוריהם בחרב
תהרג ועלליהם תרטש והרותיהם תבקע׃ [13] ויאמר חזאל כי מה
עבדך הכלב הזה כי יעשה את הדבר הגדול הזה ויאמר אלישע
הראני יהוה אתך מלך על ארם׃ [14] וילך מעל אליהו ויבא אל
אדניו ויאמר אליו מה אמר לך אלישע ויאמר אלי אמר חיה תחיה׃
[15] ויהי ממחרת ויקח את המכבר ויטבל במים ויפרש על פניו
וימת וימלך חזאל תחתיו׃ [16] בשנת חמש ליורם בן אחאב מלך
ישראל ויהורם בן יהושפט מלך יהודה מלך יהורם בן יהושפט
מלך יהודה׃ [17] בן שלשים ושתים שנה היה במלכו ושמנה שנים
מלך בירושלם׃ [18] וילך בדרך מלכי ישראל כאשר עשה בית
אחאב כי בת אחאב היתה לו אשה ויעש הרע בעיני יהוה׃ [19] ולא
אבה יהוה להשחית את יהודה למען דויד עבדו כאשר אמר לתת
לו נר לו ולבניו כל הימים׃

[١٩] ולא לסוס מלכו מצרים ולא יסיפו לכם לשוב בדרך הזה עוד׃ [٢٠] ויכרו שם בית סוסים, ויקנו לי לסוס מלכו ארם, ויסחרו לחיתים ולמלכי ארם׃ [٢١] ויעל יהושפט מירושלם ויתחבר עם אחאב׃ ויזבח לו צאן ובקר לרב, ולעם אשר עמו, ויסיתהו לעלות אל רמות גלעד׃

מיכיהו מתנבא נגד אחאב

[٢٢] ויאמר אחאב מלך ישראל אל יהושפט מלך יהודה, הילך עמי ברמות גלעד, ויאמר יהושפט אל מלך ישראל: כמוני כמוך, כעמי עמך, כסוסי סוסיך׃ [٢٣] ויאמר יהושפט אל מלך ישראל: דרוש נא היום את דבר יהוה׃ [٢٤] ויקבץ מלך ישראל את הנביאים כארבע מאות איש, ויאמר אלהם: האלך למלחמת רמות גלעד לשלום, או אחדל׃ ויאמרו עלו והצלח, ונתן יהוה ביד המלך׃ [٢٥] ויאמר יהושפט: הכה אין פה נביא יהוה עוד, ונדרשה אותו׃ [٢٦] ויאמר מלך ישראל: עוד איש אחד לדרוש את יהוה מאתו, ואנכי שנאתיו כי לא יתנבא עלי טוב כי אם רע, מיכיהו בן ימלה׃ ויאמר יהושפט: אל ידבר המלך כן׃ [٢٧] ויקרא מלך ישראל אל סריס אחד, ויאמר: מהרה מיכיהו בן ימלה׃ [٢٨] ויאמר מלך ישראל: שמו נא את איש הזה בבית הכלא, והאכילו לחם לחץ ומים לחץ עד בואי בשלום׃ [٢٩] ויאמר מיכיהו: אם שוב תשוב בשלום, לא דבר יהוה בי׃

هوشع كاهن زوجته

۱۵ ۱ يا اسرائيل، ارجع الى الرب الهك، لانك قد سقطت بذنبك. ۲ خذوا معكم كلاما وارجعوا الى الرب. قولوا له: "ارفع كل اثم، واقبل ما هو صالح، فنقدم ثمار شفاهنا.[f] ۳ اشور لا تخلصنا، ولا نركب على الخيل، ولا نقول بعد لصنعة ايدينا: انتم آلهتنا. لانه بك يرحم اليتيم." ۴ اشفي عن عقوقهم، احبهم بسخاء، لان غضبي قد ارتد عنه. ۵ اكون لاسرائيل كالطل. يزهر كالسوسنة، ويمد اصوله كلبنان. ۶ تمتد فروعه، ويكون بهاؤه كالزيتونة، ورائحته كلبنان. ۷ يرجع الجالسون في ظله، يحيون كالحنطة، ويزهرون كالكرمة. ذكرهم يكون كخمر لبنان. ۸ افرايم، ما لي وللاصنام بعد؟ انا استجبت له وراقبته. انا كسرو الذي يورق دائما. منك يوجد ثمرك. ۹ من هو حكيم فيفهم هذه الامور؟ من هو فطن فيعرفها؟ لان طرق الرب مستقيمة، والابرار يسلكون فيها، اما المذنبون فيعثرون فيها. ۱۰ ارض مصر تصير خربة. من اجل ظلم سكانها. بسبب ثمار افكارهم. ۱۱ يعقوب هرب الى بلاد ارام، واسرائيل خدم لاجل امرأة، ولاجل امرأة رعى غنما. ۱۲ باسم نبي اصعد الرب اسرائيل من مصر، وباسم نبي حفظ. ۱۳ افرايم اغاظ اغاظة مرة، فيترك دماءه عليه، ويرد سيده عاره اليه.

---

[f] ۱۴:۱ حرفيا ۳:۱۲

لبيه بب دأب حبأبه بسه أدوه سف بلوهف أسم أ دوه سف بلوهف أسم أ دوه سف بلوهف أسم أ د

لەن زەف بەۋەن دەر ۋەر ھەن ۋەر، ەلەبگ، ۋەجۋ ھەۋەنتۋ كە ۋەسۋ ھەۋەنتۋ. ۲۳ ەھۋچەن ۋەسەس ۋەۋتۋ ۋەۋەن: "ۋەس، ەلەبتۋ ەسۋدچەس، ەۋەس ۋەسۋەۋقۋجەن، ۋەجۋ ۋەس ۋەسۋەۋقۋ ەسەس ۋەگقۋ لەنۋەسۋەۋقۋ ەۋەن ۋەۋەسۋەۋقۋ دەن ۋەۋەسۋەۋقۋجەن، ەلەھۋەۋبۋ، ەلەبەبەبۋ. ۲۴"ەلەبد ۋە دەۋەلگ لەن زەنتۋ ھەن ۋەلەھگەجەن دگ ھۋھۋ دە، ەلەلبت لەن ۋگەجەن ۋەتۋچەۋەسۋ ەلەھۋەلگت لەن ەلەبەبەبۋ. ۲۵"ەلەھ ۋەۋ ەلەھسەس ۋە ۋەۋتۋ ەۋەجەن لەن سۋگقجەن. ۲۶"زەنتۋ ەۋەۋۋس لەن ۋەلەھگەجەن ۋە ەلەھەۋتۋ ۋەۋۋتۋ ەۋقەلەھ، ۲۷"ۋەۋەۋ ەۋەس دەۋەۋس ۋە ەسۋتەس ەلەھ ۋچەن دۋەۋ ەتەد ەلەبس. ۲۸"ۋەۋەۋ ەۋەس ۋەسەس ەسۋەۋ ەلەبگ ۋەۋەن ۋەلەھگەجەن ۋچەچەۋەم چەۋب ۋەلەھ ۋە. ۲۹"ەلەھ گەھ ۋە ذەس ەۋەۋتۋ ەلەھ ۋەس دگ ۋچەن ەلەھۋتۋ ۋگەجەن ەۋەس ەۋەۋتۋ ەلەھ ۋەس ۋە ۋەۋ ۋەۋتۋ: "ۋۋسەلەھ ەۋ ۋەتۋ ەۋەتۋ ەۋەس ەۋەس ۋەۋ ەۋەس، ەۋەس ۋۋگۋ، ەۋەس ۋگۋۋ ەۋەۋۋتۋ ەۋەس. ۋۋتۋ ەۋقەۋ ەلەھۋەلگت لە ەۋەلەھگەجەن ۋە ەۋەس. ەۋەۋەۋ ەۋەس ەۋەلەھگەجەن ۋە ەۋەس ەۋەۋتۋ ەۋەس ەۋەۋتۋ ەۋەس ەۋەۋتۋ

הבטחה אלוהית לעתיד

[36] אך כה אמר יהוה, האומר לעבדיו הנביאים: "בשובי אתכם
משבי אשור, ואת בית ישראל אשיב, ואת בית יהודה, ושמתי
אתכם כדגים הטובים. [37] ובקצתם אשיב אתם אל הארץ
הזאת, ואת בתיה אשיב אתם אל הארץ הזאת אשר נשבעתי
לאבותיהם. [38] ואת הנותרים מהם אשיב אל הארץ הזאת
אשר נשבעתי לאברהם ליצחק ולישראל, ואת הנותרים מהם
אשיב אל הארץ הזאת אשר נשבעתי לאברהם ליצחק ולישראל.
[39] ואת הנותרים מהם אשיב אל הארץ הזאת אשר נשבעתי
לאברהם ליצחק ולישראל, ואת הנותרים מהם אשיב אל הארץ
הזאת. [40] והנותרים מהם אשיב אל הארץ הזאת אשר נשבעתי
לאברהם ליצחק ולישראל, ואת הנותרים מהם אשיב אל הארץ
הזאת. [41] ואת הנותרים מהם אשיב אל הארץ הזאת אשר
נשבעתי לאברהם ליצחק ולישראל, ואת הנותרים מהם אשיב
אל הארץ הזאת.

הנבואה הראשונה נגד ממלכת ישראל

16 [1] ויהי דבר יהוה אלי לאמר. [2] ואתה בן אדם, הגד את
ירושלים את תועבותיה, [3] ואמרת כה אמר יהוה אל ירושלים
מולדתך וממשפחתך מארץ כנען. אביך האמורי ואמך החתית.
[4] ובלדתך ביום הולדך לא כרתו שרך ולא רחצת במים
לניקיון, לא מלחת מלח ולא חתלת בחתלות. [5] לא חסה עליך
עין לעשות לך אחת מאלה לחמול עליך, ותושלך על פני השדה
בגועל נפשך ביום הולדך.

הסלסלה הטוב

[6] שבחתי אלוהים שהוא נתן לי ולכולכם את הרצון והכוח לעשות את
הטוב שהוא רוצה שנעשה. [7] אבל אל תתביישו להודות לאדוננו על
כל מה שהוא עשה למענו, ואל תתביישו גם לבוא אלי בגלל שאני
נמצא בכלא למענו. אני בטוח שאלוהים יעזור לכולנו לעמוד בכל
הקשיים. [8] אלוהים יודע כמה אני אוהב את כולכם ומתגעגע אליכם
כל כך בגלל שאני נמצא בכלא למענו.

תפילה למען האחרים

[9] אני מתפלל שהאהבה שלכם זה לזה תגדל ותהיה עמוקה יותר
ויותר, ושתהיו מסוגלים להבין מה הכי חשוב ומה לא. [10] אני מתפלל
שתהיו מוכנים לבחור בטוב ביותר, ושתהיו ישרים וללא רבב ביום
שבו המשיח יחזור. [11] אני מתפלל שתהיו מלאים בכל הדברים הטובים
שישוע המשיח גרם לכם לעשות, ושתשבחו ותכבדו את אלוהים.

פאולוס בכלא

[12] אחים, אני רוצה שתדעו שכל מה שקרה לי עד עכשיו עזר
להפיץ את הבשורה. [13] כל השומרים בארמון הקיסר ושאר האנשים
בעיר יודעים עכשיו שאני נמצא בכלא בגלל המשיח. [14] הרבה מהאחים
שלנו, שבטוחים באלוהים בגלל מה שקרה לי, מרגישים עכשיו יותר
חזקים ומעזים יותר להגיד את הבשורה של אלוהים בלי פחד.
[15] נכון שיש כאלה שמקנאים בי ורבים עם המשיח, אבל יש גם כאלה
שרוצים לעזור. [16] האנשים שעושים את זה עושים זאת מתוך אהבה,
כי הם יודעים שאלוהים שם אותי כאן בכלא כדי להגן על הבשורה.
[17] האחרים מכריזים על המשיח מתוך אנוכיות ורצון להתווכח, ולא

هەر دڵت ئەوەیە قسەی دەکات. ٣٥ئەگەر هەموو ئەو شتانەی
ئێستا دەیبینیت، ئەو کاتەی کوڕی مرۆڤ دێتە ئاسمان
بینیت؟ ٣٦ڕاستی ڕاستی پێتان دەڵێم: ئەو کەسەی
باوەڕ بە من دەکات، ئەو کارانەی من دەیکەم ئەویش
دەیکات، هەروەها کارە گەورەترەکانیش دەکات، چونکە
من دەچم بۆ لای باوکم. ٣٧هەر شتێک لە ناوی من
داوای بکەن، ئەوە دەیکەم، تا باوک لە کوڕ شکۆمەند
بکرێت. ٣٨ئەگەر هیچ شتێک لە ناوی من داوا بکەن،
ئەوە دەیکەم.

بەڵێنی هاتنی ڕۆحی ڕاستی

١٥ ”ئەگەر خۆشتان دەوێم، ئەوا فەرمانەکانم جێبەجێ
دەکەن. ١٦ئینجا من لە باوکم دەپاڕێمەوە، ئەویش
پارێزەرێکی تر دەداتە پاڵتان تا هەتا هەتایە لەگەڵتان
بێت، ١٧ڕۆحی ڕاستی، کە جیهان ناتوانێت وەری بگرێت
چونکە نە دەیبینێت و نە دەیناسێت. بەڵام ئێوە
دەیناسن چونکە لەگەڵتان دەژی و لە ناوتان دەبێت.
١٨”ناهێڵم وەک هەتیو بمێنن، دێمەوە لای ئێوە.
١٩ماوەیەکی کەم ماوە جیهان ئیتر نەمبینێت، بەڵام
ئێوە دەمبینن، چونکە من دەژیم ئێوەش دەژین.
٢٠لەو ڕۆژەدا تێدەگەن کە من لە باوکم دام، ئێوە لە
من دان و منیش لە ئێوە دام. ٢١هەر کەسێک فەرمانەکانم
هەڵبگرێت و جێبەجێیان بکات، ئەوە ئەو کەسەیە
خۆشم دەوێت، باوکیشم خۆشی دەوێت، منیش
خۆشم دەوێت و خۆم بۆ دەردەخەم.”
٢٢یەهودا (نەک ئیسکەریوتی) پێی وت: ”ئەی
گەورەم، چۆن دەتەوێت خۆت بۆ ئێمە دەربخەیت و
نەک بۆ جیهان؟” ٢٣عیسا وەڵامی دایەوە: ”ئەگەر کەسێک
خۆشی بوێت، قسەکەم جێبەجێ دەکات، باوکیشم
خۆشی دەوێت، ئێمەش دێین و لای دەژین.
٢٤هەر کەسێک خۆشی نەوێت، قسەکانم جێبەجێ
ناکات. ئەو قسانەی ئێوە دەیبیستن قسەی من نین،
بەڵکو قسەی باوکمن کە ناردوومی.
٢٥”ئەمانەم پێتان گوتووە کە لەگەڵتان دەژیم،
٢٦بەڵام پارێزەرەکە، ڕۆحی پیرۆز کە باوک بە ناوی من
دەینێرێت، هەموو شتێکتان فێر دەکات و هەموو
ئەوانەشتان بیر دەخاتەوە کە پێتانم گوتووە.

אחיהם, פן־יראו את־אשר יקרה לאחיהם ושבו אל־
אחיהם׃ [٢٧] ויאמר בחבת אתי אל־בית אבי כי־חמשה
אחים לי ויעד להם פן־יבואו גם־הם אל־מקום־
הזה׃ [٢٨] ויאמר לו אברהם משה ואת־הנביאים
ישמעו אליהם׃ [٢٩] ויאמר לא אברהם אבי כי אם־
ילך אליהם מן־המתים ישובו׃ [٣٠] ויאמר אליו
אם־משה ואת־הנביאים לא ישמעו גם כי־יקום
איש מן־המתים לא יאמינו׃ [٣١] ויאמר אליו אם־
משה ואת־הנביאים לא ישמעו גם כי־יקום איש
מן־המתים לא יאמינו׃ [٣٢] ויהי כי־מת אלעזר
וישא אתו מלאכי השרת אל־חיק אברהם וימת
גם־העשיר ויקבר׃ [٣٣] וישא את־עיניו בהיותו
בשאול מרחוק ויראה את־אברהם ואת־אלעזר
בחיקו׃ [٣٤] ויקרא ויאמר אבי אברהם רחם־נא
עלי ושלח את־אלעזר ויטבל את־קצה אצבעו
במים ויצנן את־לשוני כי־יסורתי בלהבת האש
הזאת׃ [٣٥] ויאמר אברהם בני זכר כי־קבלת
בחייך את־טובתך וגם אלעזר את־רעתו ועתה
הוא מנחם ואתה מיסר׃ [٣٦] ומלבד כל־זאת
בינינו ובינכם תהום גדולה נכונה אשר לבלתי
יכלו העברים מזה אל־מקום־הזה ולבלתי יעברו
משם אל־מקומנו׃ [٣٧] ויאמר אליו אבי אברהם
אם־כן אבקשך אבי ושלחתו אל־בית אבי׃ [٣٨] כי
חמשה אחים לי ויעד להם פן־יבואו גם־הם אל־
מקום־הזה׃ [٣٩] ויאמר אברהם לא־יבואו כי
משה ואת־הנביאים לפניהם ישמעו׃ [٤٠] ויאמר
לא אברהם אבי כי אם־יקום איש מן־המתים

ابنك ليمجدك ابنك، ٢ كما أعطيته سلطانا على كل بشر، ليعطي كل الذين
أعطيته إياهم حياة أبدية. ٣ وهذه هي الحياة الأبدية أن يعرفوك أنت
الإله الحقيقي وحدك، ويعرفوا يسوع المسيح الذي أرسلته. ٤ أنا مجدتك
على الأرض، وأتممت العمل الذي أعطيتني لأعمله. ٥ والآن مجدني أنت
أيها الآب عند نفسك بالمجد الذي كان لي عندك قبل كون العالم.

٦ أنا أظهرت اسمك للناس الذين أعطيتني من العالم. كانوا لك وأعطيتهم
لي، وقد حفظوا كلمتك. ٧ والآن علموا أن كل ما أعطيتني هو من عندك.
٨ لأن الكلام الذي أعطيتني أعطيتهم، وهم قبلوا وعلموا يقينا أني خرجت
من عندك، وآمنوا أنك أنت أرسلتني. ٩ أنا من أجلهم أسأل. لست أسأل
من أجل العالم، بل من أجل الذين أعطيتني لأنهم لك. ١٠ وكل ما هو لي
فهو لك، وما هو لك فهو لي، وأنا ممجد فيهم. ١١ ولست أنا بعد في العالم،
وهؤلاء هم في العالم، وأنا آتي إليك. أيها الآب القدوس احفظهم في
اسمك الذي أعطيتني ليكونوا واحدا كما نحن. ١٢ حين كنت معهم في
العالم كنت أحفظهم في اسمك. الذين أعطيتني حفظتهم، وليس أحد منهم
هلك إلا ابن الهلاك ليتم الكتاب. ١٣ والآن أنا آتي إليك، وأتكلم بهذا في
العالم ليكون فرحي كاملا فيهم. ١٤ أنا قد أعطيتهم كلامك، والعالم
أبغضهم لأنهم ليسوا من العالم كما أني أنا لست من العالم. ١٥ لست أسأل
أن تأخذهم من العالم، بل أن تحفظهم من الشرير. ١٦ ليسوا من العالم كما
أني لست من العالم. ١٧ قدسهم في حقك. كلامك هو حق. ١٨ كما أرسلتني
إلى العالم أرسلتهم أنا إلى العالم. ١٩ ولأجلهم أقدس أنا ذاتي ليكونوا هم
أيضا مقدسين في الحق.

صلاة يسوع من أجل المؤمنين

٢٠ ولست أسأل من أجل هؤلاء فقط، بل من أجل الذين يؤمنون بي أيضا
بكلامهم، ٢١ ليكون الجميع واحدا، كما أنك أيها الآب فيّ وأنا فيك، ليكونوا
هم أيضا واحدا فينا، ليؤمن العالم أنك أرسلتني. ٢٢ والمجد الذي أعطيتني
قد أعطيتهم، ليكونوا واحدا كما نحن واحد: ٢٣ أنا فيهم وأنت فيّ، ليكونوا
مكملين إلى واحد، وليعلم العالم أنك أرسلتني، وأحببتهم كما أحببتني.
٢٤ أيها الآب أريد أن الذين أعطيتني، حيث أكون أنا، هم أيضا معي
ليبصروا مجدي الذي أعطيتني، لأنك أحببتني قبل إنشاء العالم. ٢٥ أيها
الآب البار، العالم أيضا لم يعرفك، وأما أنا فعرفتك، وهؤلاء عرفوا أنك

בתלמי לה בתסנו

١٠ ובמי בתו לה בתלמי, בתו מי בתו בתלמי לתלמי בתלמי בתלמי.
בתו בתו בתלמי בתלמי, בתלמי לה בתלמי בתלמי בתלמי. ١١ בתלמי
בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי,
בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי
בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי.
١٢ בתלמי בתלמי בתלמי, בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי,
בתלמי.

١٣ ובמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי
בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי
בתלמי בתלמי. ١٤ בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי,
בתלמי בתלמי. ١٥ בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי
בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי
בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי
בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי
בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי.

בתלמי לה בתלמי

١٦ בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי,
בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי בתלמי

"هەبە مرۆڤێ ئەو ژنەی کەڵکی جیهێڵێ؟" وەڵامیدایەوە و پرسی: "ژنە
بەخۆیەوە ئەو کە بڕوا بەجێدێڵێ،" هێشتا قسەکەی بەخۆیەوە [19] و
هەستا ڕۆیشت. هەروەها کاتێک هەندێ فەریسی لێی پرسی
کەی شانشینی خودا دێت، وەڵامی دانەوە و پێی: "کاتێک
شانشینی خودا دێت بە چاوی بەرچاو نایەت. [20] کەس ناڵێت
بڕوانە لێرە یان لەوێ؛ چونکە [21] شانشینی خودا لە ناوەڕاستی
ئێوەدایە." پاشان بە شاگردەکانی وت: "ڕۆژانێک دێت
کە هەرکامتان ئارەزووی دەکات یەکێک لە ڕۆژەکانی
کوڕی مرۆڤ ببینێت، بەڵام نایبینن. [22] خەڵکی پێتان دەڵێن:
'سەیرکە لێرە یان لەوێ.' مەڕۆن و شوێنەکەیان مەگرن.
[23] چونکە وەک بروسکە لە ئاسمانێکەوە دەدرەوشێتەوە
و تیشک دەداتەوە بۆ ئاسمانێکی تر، هەروا کوڕی مرۆڤ
لە ڕۆژی خۆیدا دەبێت. [24] بەڵام پێش هەموو شتێک
دەبێت ئازار بچێژێت و لەلایەن ئەم نەوەیەوە ڕەتبکرێتەوە.
[25] وەک چۆن لە ڕۆژانی نوحدا بوو، هەروا لە ڕۆژانی
کوڕی مرۆڤیش دەبێت. [26] هەروەک چۆن لە ڕۆژانی
نوحدا بوو، هەروا لە ڕۆژانی کوڕی مرۆڤیش دەبێت.
خەڵک دەیانخوارد و دەیانخواردەوە، ژن و مێرد
هاوسەرگیریان دەکرد هەتا ڕۆژی نوح چووە کەشتییەکە،
[27] و لافاو هات و هەموویانی لەناوبرد. [28] هەروەها
وەک چۆن لە ڕۆژانی لوطدا بوو. خەڵک دەیانخوارد و
دەیانخواردەوە، کڕین و فرۆشتنیان دەکرد، چاندنی
دەکرد و خانووبەرەیان بنیاتدەنا، [29] بەڵام ئەو ڕۆژەی
لوط لە سودۆم چوو، ئاگر و گۆگرد لە ئاسمانەوە باران
بارین و هەموویانی لەناوبرد. [30] بەهەمان شێوە ڕۆژی
کوڕی مرۆڤ ئاشکرا دەبێت. [31] لەو ڕۆژەدا با کەسێک
لەسەر بانەکە بێت و کەلوپەلەکانی لە ماڵەوە هەبن،

ואמר אל יהוה בחסדך תנחה עמוך אשר גאלת בעזך אל נוה קדשך ׃ ל"א
שמעו עמים ירגזון חיל אחז יושבי פלשת ׃ ל"ב
אז נבהלו אלופי אדום אילי מואב יאחזמו רעד נמגו כל יושבי כנען ׃ ל"ג
תפל עליהם אימתה ופחד בגדל זרועך ידמו כאבן עד יעבר עמך יהוה עד יעבר עם זו קנית ׃ ל"ד
תבאמו ותטעמו בהר נחלתך מכון לשבתך פעלת יהוה מקדש אדני כוננו ידיך ׃ ל"ה
יהוה ימלך עולם ועד ׃ ל"ו
כי בא סוס פרעה ברכבו ובפרשיו בים ויהוה השיב עליהם את מי הים ובני ישראל הלכו ביבשה בתוך הים ׃ ל"ז
ותקח מרים הנביאה אחות אהרן את התף בידה ותצאן כל הנשים אחריה בתפים ובמחלת ׃ ל"ח
ותען להם מרים שירו ליהוה כי גאה גאה סוס ורכבו רמה בים ׃ ל"ט
וישע יהושע את ישראל ממצת ים סוף ויצאו אל מדבר שור וילכו שלשת ימים במדבר ולא מצאו מים ׃ מ
ויבאו מרתה ולא יכלו למרת מים כי מרים הם על כן קרא שמה מרה ׃ מ"א
וילנו העם על משה לאמר מה נשתה ׃ מ"ב
ויצעק אל יהוה ויורהו יהוה עץ וישלך אל המים וימתקו המים שם שם לו חק ומשפט ושם נסהו ׃ מ"ג
ויאמר אם שמוע תשמע לקול יהוה אלהיך והישר בעיניו תעשה והאזנת למצותיו ושמרת כל חקיו כל המחלה אשר שמתי במצרים לא אשים עליך כי אני יהוה רפאך ׃ מ"ד
ויבאו אילמה ושם שנים עשר עינת מים ושבעים תמרים ויחנו שם על המים ׃ מ"ה

מחלוקת על המזון

יז ויסעו כל עדת בני ישראל ממדבר סין למסעיהם על פי יהוה ויחנו ברפידם ואין מים לשתות העם ׃ ב
ויריב העם עם משה ויאמרו תנו לנו מים ונשתה ויאמר להם משה מה תריבון עמדי מה תנסון את יהוה ׃ ג
ויצמא שם העם למים וילן העם על משה ויאמר למה זה העליתנו ממצרים להמית אתי ואת בני ואת מקני בצמא ׃ ד
ויצעק משה אל יהוה לאמר מה אעשה לעם הזה עוד מעט וסקלני ׃ ה
ויאמר יהוה אל משה עבר לפני העם וקח אתך מזקני ישראל ומטך אשר הכית בו את היאר קח בידך והלכת ׃ ו
הנני עמד לפניך שם על הצור בחרב והכית בצור ויצאו ממנו מים ושתה העם וישת משה לעיני זקני ישראל ׃ ז
ויקרא שם המקום מסה ומריבה על ריב בני ישראל ועל נסותם את יהוה לאמר היש יהוה בקרבנו אם אין ׃

وصا، دهُنُا دُنُكا، هُنُجُنُا دُبُحُ دُنُتُا عَيْمِ سَيْمِ هُنُكُمِ، هُنُكُمِ هُنُكُمِ سَيْمِ دُنُتُا دُبُحُ دُبُحُ سَيْمِ دُبُحُ دُبُحُ دُبُحُ

הקשיבו אליהם כי הסכמה, שהשקיף יהוה לאברהם, [19] אשר יצוה
את בניו ואת ביתו אחריו ושמרו דרך יהוה לעשות צדקה ומשפט
למען הביא יהוה לאברהם את אשר דבר עליו. [20] ויאמר יהוה זעקת
סדם ועמרה כי רבה ועונם כי כבדה מאד. [21] ארדה נא ואראה הכצעקתה
הבאה אלי עשו כלה ואם לא אדעה. [22] וישפטו משם האנשים וילכו
סדמה ואברהם עודנו עומד לפני יהוה. [23] ויגש אברהם ויאמר
האף תספה צדיק עם רשע. [24] אולי יש חמשים צדיקם בתוך העיר
האף תספה ולא תשא למקום בעבור חמשים הצדיקם אשר בקרבה.

אברהם עד אלון

[25] חלילה לך מעשות כדבר הזה להמית צדיק עם רשע והיה כצדיק
כרשע חלילה לך השפט כל הארץ לא יעשה משפט. [26] ויאמר יהוה
אם אמצא בסדם חמשים צדיקם בתוך העיר ונשאתי לכל המקום בעבורם.
[27] ויען אברהם ויאמר הנה נא הואלתי לדבר אל אדני ואנכי עפר
ואפר. [28] אולי יחסרון חמשה לחמשים הצדיק תשחית בחמשה
והשחתם כל העיר ויאמר לא אשחית אם אמצא שם ארבעים וחמשה.

---

[i] ١٨:١٨ בראשית ١٨:٦

הושע לא הושע

19 1 בְּנֵי יִשְׂרָאֵל כִּי תִשְׁבוּ הַרְבֵּה כְּמוֹ חוֹל הַיָּם אֲשֶׁר לֹא יִמַּד וְלֹא יִסָּפֵר.
וְהָיָה בִּמְקוֹם אֲשֶׁר יֵאָמֵר לָהֶם לֹא עַמִּי אַתֶּם יֵאָמֵר לָהֶם בְּנֵי אֵל חָי.
2 וְנִקְבְּצוּ בְּנֵי יְהוּדָה וּבְנֵי יִשְׂרָאֵל יַחְדָּו וְשָׂמוּ לָהֶם רֹאשׁ אֶחָד וְעָלוּ מִן הָאָרֶץ כִּי גָדוֹל יוֹם יִזְרְעֶאל.
3 אִמְרוּ לְאֲחֵיכֶם עַמִּי וְלַאֲחוֹתֵיכֶם רֻחָמָה.
4 רִיבוּ בְּאִמְּכֶם רִיבוּ כִּי הִוא לֹא אִשְׁתִּי וְאָנֹכִי לֹא אִישָׁהּ וְתָסַר זְנוּנֶיהָ מִפָּנֶיהָ וְנַאֲפוּפֶיהָ מִבֵּין שָׁדֶיהָ.
5 פֶּן אַפְשִׁיטֶנָּה עֲרֻמָה וְהַצִּגֹתִיהָ כְּיוֹם הִוָּלְדָהּ וְשַׂמְתִּיהָ כַּמִּדְבָּר וְהִצַּגְתִּיהָ כְּאֶרֶץ צִיָּה וְהֲמִתִּיהָ בַצָּמָא.
6 וְאֶת בָּנֶיהָ לֹא אֲרַחֵם כִּי בְנֵי זְנוּנִים הֵמָּה.
7 כִּי זָנְתָה אִמָּם הֹבִישָׁה הוֹרָתָם כִּי אָמְרָה אֵלְכָה אַחֲרֵי מְאַהֲבַי נֹתְנֵי לַחְמִי וּמֵימַי צַמְרִי וּפִשְׁתִּי שַׁמְנִי וְשִׁקּוּיָי.
8 לָכֵן הִנְנִי שָׂךְ אֶת דַּרְכֵּךְ בַּסִּירִים וְגָדַרְתִּי אֶת גְּדֵרָהּ וּנְתִיבוֹתֶיהָ לֹא תִמְצָא.
9 וְרָדְפָה אֶת מְאַהֲבֶיהָ וְלֹא תַשִּׂיגֵם וּבִקְּשָׁתַם וְלֹא תִמְצָא וְאָמְרָה אֵלְכָה וְאָשׁוּבָה אֶל אִישִׁי הָרִאשׁוֹן כִּי טוֹב לִי אָז מֵעַתָּה.
10 וְהִיא לֹא יָדְעָה כִּי אָנֹכִי נָתַתִּי לָהּ הַדָּגָן וְהַתִּירוֹשׁ וְהַיִּצְהָר וְכֶסֶף הִרְבֵּיתִי לָהּ וְזָהָב עָשׂוּ לַבָּעַל.
11 לָכֵן אָשׁוּב וְלָקַחְתִּי דְגָנִי בְּעִתּוֹ וְתִירוֹשִׁי בְּמוֹעֲדוֹ וְהִצַּלְתִּי צַמְרִי וּפִשְׁתִּי לְכַסּוֹת אֶת עֶרְוָתָהּ.
12 וְעַתָּה אֶגְלֶה אֶת נִבְלָתָהּ לְעֵינֵי מְאַהֲבֶיהָ וְאִישׁ לֹא יַצִּילֶנָּה מִיָּדִי.

ئەندامێ جەستێ

١٣ بەڵێ جەستێ مرۆڤی ژ چەندین ئەندامان پێکهاتیە، و هەر ئەندامەکێ ژ وان ل جەستێ وەکی خۆ گرنگە. ١٤ ئەڤا ژی ئەوە، ئەگەر پێ بێژیت: "من دەست نینە، ژبەر ڤێ چەندێ ئەز نە ژ جەستێ مە"، ئەڤە ژی ناهێتە هێلان کو ئەو ژ جەستێ نینە. ١٥ ئەگەر گوهێ بێژیتە: "من چاڤ نینە، ژبەر ڤێ چەندێ ئەز نە ژ جەستێ مە"، ئەڤە ژی ناهێتە هێلان کو ئەو ژ جەستێ نینە. ١٦ ئەگەر هەمی جەستێ چاڤ بان، دێ چ بیستنێ هەبا؟ ئەگەر هەمی گوهێ بان، دێ چ بۆنکرنێ هەبا؟ ١٧ ژبەر ڤێ چەندێ ژی خودێ ئەندامێن جەستێ ل جەستێ دانان، هەر ئێک ژ وان ژ بۆ خۆ ل جەستێ وەکی خۆ خواست.

١٨ ئەگەر هەمی ئەندام ئێک ئەندام بان، دێ چ جەستە هەبا؟ ١٩ لێ ئێستا ئەندام ب سەر خۆڤە زێدە ل جەستێ ڤەکری، و جەستە ئێک ئەندام. ٢٠ ژبەر ڤێ چەندێ ئەندام ب سەر خۆڤە زێدە ل جەستێ ڤەکری، و جەستە ئێک ئەندام. ٢١ چاڤ ناشێت بێژە دەستێ: "من پێدڤیا ته نینە"، یان ژی سەر ب پێیێن خۆ بێژە: "من پێدڤیا ته نینە." ٢٢ بەلکی ئەندامێن جەستێ یێن ئەم ب لاوازی دنێرین، ئەم پێدڤیا ته نە.

مزمور ۲۳

۲۳ یهوه شبان من است،
پس هیچ چیز کم نخواهم داشت.
۲ او مرا در چراگاه‌های سرسبز می‌خواباند،
و در کنار آب‌های آرام هدایت می‌کند.
۳ او جان مرا تازه می‌سازد.
به خاطر نام خود،
مرا در راه‌های درست رهبری می‌کند.
۴ حتی اگر در تاریک‌ترین دره‌ها راه بروم،
از هیچ بدی نخواهم ترسید،
زیرا تو با من هستی.
عصا و چوپانی تو مرا دلگرم می‌سازد.
۵ تو سفره‌ای در حضور دشمنانم برای من پهن می‌کنی.
سر مرا با روغن تدهین می‌کنی،
و جام مرا لبریز می‌سازی.
۶ یقیناً نیکویی و رحمت تمام روزهای زندگی
از من پیروی خواهند کرد،
و من تا ابد در خانه یهوه ساکن خواهم بود.

مزمور ۲۴

۲۴ زمین و هر آنچه در آن است، از آنِ یهوه است؛
دنیا و همه ساکنانش نیز.
۲ زیرا او بنیاد دنیا را بر دریاها گذاشت،
و آن را بر آب‌های جاری استوار ساخت.
۳ چه کسی می‌تواند به کوه یهوه صعود کند؟
چه کسی می‌تواند در مکان مقدس او بایستد؟
۴ کسی که دست‌هایش پاک و دلش خالص باشد،
کسی که به دروغ قسم نخورد
و فریب دیگران را در سر نپروراند.
۵ او برکت یهوه را دریافت خواهد کرد،
و خدای نجات‌بخش او را عادل خواهد شمرد.
۶ چنین است نسل کسانی که به دنبال او می‌گردند،
کسانی که در حضور خدای یعقوب به دنبال روی او هستند.
۷ ای دروازه‌ها، سرهای خود را بلند کنید!
ای درهای قدیمی، باز شوید!
تا پادشاه جلال وارد شود.
۸ چه کسی است این پادشاه جلال؟
یهوه قوی و توانا،
یهوه که در جنگ پیروز است.
۹ ای دروازه‌ها، سرهای خود را بلند کنید!
ای درهای قدیمی، باز شوید!
تا پادشاه جلال وارد شود.
۱۰ چه کسی است این پادشاه جلال؟
یهوه لشکرها،
او پادشاه جلال است.

מי חבחר ואו. וֹיִם חבחר הלחכ סהכחבחבהסה מיחם בחבחר חסם וֹיִם חבחר

בְּנֵיהֶם כִּי זְנוּת הֵמָּה מִבֵּית אֱלֹהֵיהֶם׃ ד וְלֹא אָרִיב עַל בָּנֶיהָ כִּי בָנֵי זְנוּנִים הֵמָּה׃
ה כִּי זָנְתָה אִמָּם הוֹבִישָׁה הוֹרָתָם כִּי אָמְרָה אֵלְכָה אַחֲרֵי מְאַהֲבָי נֹתְנֵי לַחְמִי וּמֵימַי
צַמְרִי וּפִשְׁתִּי שַׁמְנִי וְשִׁקּוּיָי׃ ו לָכֵן הִנְנִי שָׂךְ אֶת דַּרְכֵּךְ בַּסִּירִים וְגָדַרְתִּי אֶת גְּדֵרָהּ
וּנְתִיבוֹתֶיהָ לֹא תִמְצָא׃ ז וְרָדְפָה אֶת מְאַהֲבֶיהָ וְלֹא תַשִּׂיגֵם וּבִקְשָׁתַם וְלֹא תִמְצָא
וְאָמְרָה אֵלְכָה וְאָשׁוּבָה אֶל אִישִׁי הָרִאשׁוֹן כִּי טוֹב לִי אָז מֵעַתָּה׃ ח וְהִיא לֹא יָדְעָה כִּי
אָנֹכִי נָתַתִּי לָהּ הַדָּגָן וְהַתִּירוֹשׁ וְהַיִּצְהָר וְכֶסֶף הִרְבֵּיתִי לָהּ וְזָהָב עָשׂוּ לַבָּעַל׃ ט לָכֵן
אָשׁוּב וְלָקַחְתִּי דְגָנִי בְּעִתּוֹ וְתִירוֹשִׁי בְּמוֹעֲדוֹ וְהִצַּלְתִּי צַמְרִי וּפִשְׁתִּי לְכַסּוֹת אֶת
עֶרְוָתָהּ׃ י וְעַתָּה אֲגַלֶּה אֶת נִבְלָתָהּ לְעֵינֵי מְאַהֲבֶיהָ וְאִישׁ לֹא יַצִּילֶנָּה מִיָּדִי׃ יא וְהִשְׁבַּתִּי
כָּל מְשׂוֹשָׂהּ חַגָּהּ חָדְשָׁהּ וְשַׁבָּתָהּ וְכָל מוֹעֲדָהּ׃ יב וְהַשַּׁמֹּתִי גַּפְנָהּ וּתְאֵנָתָהּ אֲשֶׁר אָמְרָה
אֲתְנָה הֵמָּה לִי אֲשֶׁר נְתָנוּ לִי מְאַהֲבַי וְשַׂמְתִּים לְיַעַר וְאָכְלָתַם חַיַּת הַשָּׂדֶה׃ יג וּפָקַדְתִּי
עָלֶיהָ אֶת יְמֵי הַבְּעָלִים אֲשֶׁר תְּקַטֵּר לָהֶם וְתִתְעַד נִזְמָהּ וַחֲלְיָהּ וְהָלְכָה אַחֲרֵי
מְאַהֲבֶיהָ וְאוֹתִי שָׁכֵחָה נְאֻם יְהוָה׃ יד לָכֵן הִנְנִי מְפַתֶּיהָ וְהוֹלַכְתִּיהָ הַמִּדְבָּר וְדִבַּרְתִּי
עַל לִבָּהּ׃ טו וְנָתַתִּי לָהּ אֶת כְּרָמֶיהָ מִשָּׁם וְאֶת עֵמֶק עָכוֹר לְפֶתַח תִּקְוָה וְעָנְתָה שָׁמָּה

הושע ב׳:ד׳ – הושע ב׳:ט״ו

כִּימֵי נְעוּרֶיהָ וּכְיוֹם עֲלוֹתָהּ מֵאֶרֶץ מִצְרָיִם׃ יג וְהָיָה בַּיּוֹם הַהוּא נְאֻם יְהוָה תִּקְרְאִי
אִישִׁי וְלֹא תִקְרְאִי לִי עוֹד בַּעְלִי׃ יד וְהַסִרֹתִי אֶת שְׁמוֹת הַבְּעָלִים מִפִּיהָ וְלֹא יִזָּכְרוּ עוֹד
בִּשְׁמָם׃ טו וְשָׁבַרְתִּי לָהֶם בַּיּוֹם הַהוּא בְּרִית עִם חַיַּת הַשָּׂדֶה וְעִם עוֹף הַשָּׁמַיִם וְרֶמֶשׂ

ملكوتي. هناك يكون واحد عن يمينك والآخر عن يسارك.
[١٦] فقال يسوع: «لا تعرفون ما تطلبون. أتستطيعون أن تشربوا
الكأس التي سأشربها؟» فأجابوه: «نستطيع!» [١٧] فقال لهما:
«ستشربان كأسي، ولكن الجلوس عن يميني أو يساري ليس لي أن
أعطيه، بل هو لمن أعدّه أبي لهم».

يسوع يعلّم أن العظمة في الخدمة

[١٨] وسمع العشرة الآخرون بما جرى، فاستاءوا من الأخوين.
[١٩] فدعاهم يسوع إليه وقال: «أنتم تعلمون أن حكام الأمم
يتسلطون على شعوبهم، وأن عظماءهم يتحكمون بها. [٢٠] أما
بينكم فليس الأمر كذلك، بل من أراد أن يكون عظيماً بينكم
فليكن خادماً لكم، [٢١] ومن أراد أن يكون الأول بينكم فليكن
عبداً لكم، [٢٢] كما أن ابن الإنسان لم يأتِ ليُخدَم، بل ليَخدُم
ويبذل حياته فداءً عن كثيرين».

[٢٣] وفيما كان يسوع ومرافقوه يخرجون من أريحا، تبعهم
جمع كبير. [٢٤] وإذا أعميان جالسان على جانب الطريق، فلما
سمعا أن يسوع مجتاز من هناك صرخا قائلين: «ارحمنا يا سيد،
يا ابن داود!» [٢٥] فانتهرهما الجمع ليسكتا، فصرخا بأعلى
أصواتهما: «ارحمنا يا سيد، يا ابن داود!» [٢٦] فوقف يسوع
ودعاهما إليه وقال: [٢٧] «ماذا تريدان أن أفعل لكما؟» [٢٨] قالا
له: «يا سيد، نريد أن تفتح أعيننا».

لقفصهقيا لتمبدن دمسا ذمسا لمجلا كجح شمد دفس هن، لمحكن هذهبا، ن
نكبحا نئا."[٢٩] حتجتا تل لبئا دجلا هن، ن دمحسنا لهجا لمحذهبا، دهذهبا
بحجب لا تحد دلِئَ لح تحجب لهجهكا بحجب لح تحد دهم لهن، لقفهلا شهقيا
ذسما هذهبا لحلا هذهبا. [٣٠]"زهن هم لهجهكا لح شمب نئتا دجا لتمبدن
حتبئتا فحيتا هكذب لهمتجا تحذهب. [٣١]"حتم أنا لح لمحمهضا نا لهجا.
دجفذا دلا عدا لا لا ٨لا عيتا، حلجا لحتبضحدا لجلا هذهبا لهجا
تحجتا دجتا لحلا تتجا لهجهنهفهف هج حينهجفا. [٣٢]"ولجئا هج لحلا
لهجلا لهجلا منتجا لهجلا تنئا ضيئا دجا هن، ساقفتهضم دعفقيتا هج
نهجا لهجلا لهجلا منتجا لهجلا تنئا ضيئا دجا هن، ساقفتهضم دعفقيتا هج
لهجلا لحلا تحلجا هج لحلا. [٣٣]"لا لتجتا هذهبا. لتجتا هذهبا لحلا
لهجلا لحلا تحلجا هج لحلا. [٣٤]"زهسا لهجلا حا نهجلا دلِئا لهجلا
لحلا لحلا لهجلا تحلجا هج لحلا. [٣٥]"قم هذهجينهجلا لحلا لهجلا
لحلا لحلا لهجلا تحلجا هج لحلا. [٣٦]"قم هذهجينهجلا لحلا لهجلا
لحلا لحلا لهجلا تحلجا هج لحلا. [٣٧]"قم هذهجينهجلا لحلا لهجلا
لحلا لحلا لهجلا تحلجا هج لحلا. [٣٨]"قم هذهجينهجلا لحلا لهجلا
لحلا لحلا لهجلا تحلجا هج لحلا.

בניהם, כי זנות בקרבם ואת יהוה לא ידעו. ٤ וְלֹא יַעֲנֶה גְאוֹן
בְּיִשְׂרָאֵל בְּפָנָיו וְיִשְׂרָאֵל וְאֶפְרַיִם יִכָּשְׁלוּ בַּעֲוֹנָם כָּשַׁל גַּם יְהוּדָה
עִמָּם. ٥ בְּצֹאנָם וּבִבְקָרָם יֵלְכוּ לְבַקֵּשׁ אֶת יְהוָה וְלֹא יִמְצָא חָלַץ
מִמֶּנּוּ. ٦ בַּיהוָה בָּגָדוּ כִּי בָנִים זָרִים יָלָדוּ עַתָּה יֹאכְלֵם חֹדֶשׁ אֶת
חֶלְקֵיהֶם. ٧ תִּקְעוּ שׁוֹפָר בַּגִּבְעָה חֲצוֹצְרָה בָּרָמָה הָרִיעוּ בֵּית אָוֶן
אַחֲרֶיךָ בִּנְיָמִין. ٨ אֶפְרַיִם לְשַׁמָּה תִּהְיֶה בְּיוֹם תּוֹכֵחָה הוֹדַעְתִּי
בִּשְׁבָטֵי יִשְׂרָאֵל נֶאֱמָנָה. ٩ הָיָה שָׂרֵי יְהוּדָה כְּמַסִּיגֵי גְבוּל עֲלֵיהֶם
אֶשְׁפֹּךְ כַּמַּיִם עֶבְרָתִי. ١٠ עָשׁוּק אֶפְרַיִם רְצוּץ מִשְׁפָּט כִּי הוֹאִיל הָלַךְ
אַחֲרֵי צָו. ١١ וְאָנֹכִי כָּעָשׁ לְאֶפְרַיִם וּכְרָקָב לְבֵית יְהוּדָה. ١٢ וַיַּרְא
אֶפְרַיִם אֶת חָלְיוֹ וְיְהוּדָה אֶת מְזֹרוֹ וַיֵּלֶךְ אֶפְרַיִם אֶל אַשּׁוּר וַיִּשְׁלַח אֶל
מֶלֶךְ יָרֵב וְהוּא לֹא יוּכַל לִרְפֹּא לָכֶם וְלֹא יָגֶהּ מָזוֹר מִכֶּם. ١٣ כִּי אָנֹכִי
כַּשַּׁחַל לְאֶפְרַיִם וּכְכְפִיר לְבֵית יְהוּדָה אֲנִי אֲנִי אֶטְרֹף וְאֵלֵךְ אֶשָּׂא וְאֵין
מַצִּיל. ١٤ אֵלֵךְ אָשׁוּבָה אֶל מְקוֹמִי עַד אֲשֶׁר יֶאְשְׁמוּ וּבִקְשׁוּ פָנָי בַּצָּרָתָם
יְשַׁחֲרוּנְנִי. ١٥ הָבָה וְנָשׁוּבָה אֶל יְהוָה כִּי הוּא טָרָף וְיִרְפָּאֵנוּ יַךְ וְיַחְבְּשֵׁנוּ.
١٦ יְחַיֵּנוּ מִיָּמָיִם בַּיּוֹם הַשְּׁלִשִׁי יְקִימֵנוּ וְנִחְיֶה לְפָנָיו וְנֵדְעָה נִרְדְּפָה

בם שבו, ולמה הסיפרם לכם עכשיו. לפני שבא הרגע שבו תהיו מפוזרים
איש לביתו שלו.

תפילה של ישוע

١٧ אחרי שאמר את הדברים האלה, ישוע הלך עם תלמידיו אל הצד השני
של נחל קדרון. ١٨ הוא נכנס לגינה שהיתה שייכת לו ולתלמידיו. קוראים
לגינה הזאת גת שמנים. ١٩ יהודה, זה שבגד בישוע, ידע גם הוא את המקום
הזה, כי ישוע ותלמידיו נהגו להיפגש שם הרבה פעמים. ٢٠ ישוע ידע שהוא
עומד למות בקרוב, ולכן הוא רצה לדבר עם תלמידיו לפני שיעזוב אותם.
הוא אמר: "אבא, הגיע הזמן שבו אני אראה לכולם שאני בנך. תן לי
כוח לעשות את כל הדברים שאתה רוצה שאעשה. ٢١ אני רוצה שכולם
יכירו שאתה שלח אותי, ושאני אוהב אותם כמו שאתה אוהב אותי.
אני רוצה שכולם יהיו ביחד, כמו שאתה ואני ביחד. ٢٢ אבא, נתת לי את
הכוח לעשות נסים, ואני נתתי לתלמידים שלי את הכוח הזה. ٢٣ אני
בתוכם ואתה בתוכי. אני רוצה שכולם יהיו ביחד, כמו שאתה ואני ביחד.
אני רוצה שכולם יכירו שאתה שלחת אותי, ושאתה אוהב אותם כמו
שאתה אוהב אותי. ٢٤ אבא, אני רוצה שהתלמידים שלי יהיו איתי במקום
שבו אני נמצא. אני רוצה שיראו את הכבוד שנתת לי, כי אתה אהבת
אותי עוד לפני שנברא העולם. ٢٥j אבא צדיק, העולם לא מכיר אותך,
אבל אני מכיר אותך, והתלמידים שלי יודעים שאתה שלחת אותי.
אני אגלה להם את שמך, ואמשיך לגלות להם אותו, כדי שהאהבה
שיש לך אלי תהיה בתוכם, ואני אהיה בתוכם."

---

j ٢١:٢٤ מתי ٦:١٣-٢١

לחכמה לבבות ואזן חכמים תבקש דעת׃ כי תקרא לבינה תתן קולך לתבונה׃

הסלסלה בתפלה

٢٧ והיה בשבת חדש בשנה, ויבא איוב לאכל לחם בבית בנו הבכור, ויראהו יושב לבדו ומתאונן על מר נפשו. וישב איוב ויתפלל אל יהוה ויאמר: ״אלי, ٢٨ הסכמה אשר אתה יודע את לבבי, ואת כל מחשבותי ואת כל דרכי אתה מכיר. ואתה יודע כי לא עשיתי שום דבר רע בעיניך. ואתה יודע כי לא בקשתי לעשות שום דבר רע בעיניך. ٢٩ אך אתה יודע כי בשגגה חטאתי. ٣٠ ועתה, אלי, הסכמה אשר אתה יודע את לבבי, אנא סלח לי על חטאתי. בתפלה שלי אבקש כי תסלח לי על כל חטאתי, ותשוב אותי אליך בתשובה שלמה. ٣١ הסכמה אשר אתה יודע את לבבי, אלי, אנא סלח לי על כל חטאתי. ואל תשפוט אותי על פי מעשי הרעים, כי אם על פי לבבי. ٣٢ ואל תשכח את הסכמה אשר אתה יודע את לבבי, כי אתה יודע את כל מחשבותי ואת כל דרכי. ואל תשכח את הסכמה אשר אתה יודע את לבבי, כי אתה יודע את כל מחשבותי ואת כל דרכי. ٣٣ ואל תשכח את הסכמה אשר אתה יודע את לבבי, כי אתה יודע את כל מחשבותי ואת כל דרכי. ואל תשכח את הסכמה אשר אתה יודע את לבבי, כי אתה יודע את כל מחשבותי ואת כל דרכי. ٣٤ ואל תשכח את הסכמה אשר אתה יודע את לבבי, כי אתה יודע את כל מחשבותי ואת כל דרכי. ואל תשכח את הסכמה אשר אתה יודע את לבבי, כי אתה יודע את כל מחשבותי ואת כל דרכי. ٣٥ אך אתה יודע את לבבי, ואתה יודע את כל דרכי, ואתה יודע את כל מחשבותי.

ئەگەر دزەکە هەڵبێت، ڕێگا نەدەن بیگرنەوە. [٣٦] ئەگەر ئاژەڵەکە بەڕاستی
بدزرێت، ئەوا خاوەنەکەی پێویستە بە خاوەنەکەی بڵێت: "هیچ قەرەبووێک
ناکرێتەوە."

ئەگەر ئاژەڵێک ئاژەڵێکی تر بکوژێت

[٣٧] ئەگەر کەسێک گا یان مەڕ بدزێت و سەری ببڕێت یان بیفرۆشێت، ئەوا
پێویستە پێنج گا بۆ گایەک و چوار مەڕ بۆ مەڕێک بداتەوە. [٣٨] "ئەگەر
دزەکە لە کاتی شکاندنی ماڵەکەدا بگیرێت و لێی بدرێت و بمرێت، ئەوا
کەسەکە تاوانبار ناکرێت. [٣٩] بەڵام ئەگەر ئەمە لە کاتی هەڵهاتنی
خۆردا ڕوویدا، ئەوا کەسەکە تاوانبارە. "دزەکە دەبێت قەرەبووی هەموو
شتێک بکاتەوە کە دزیوێتی. ئەگەر هیچی نەبوو، ئەوا دەبێت خۆی بفرۆشرێت
بۆ ئەوەی قەرەبووی دزیەکەی بکاتەوە. [٤٠] ئەگەر ئاژەڵەکەی دزراو
لەناو دەستیدا بدۆزرێتەوە، چ گا بێت یان گوێدرێژ یان مەڕ، ئەوا
پێویستە دووەندە بداتەوە.

٢٢ [١] "ئەگەر پیاوێک مەڕێک یان گایەک بدزێت و سەری ببڕێت یان
بیفرۆشێت، ئەوا پێنج گا بۆ گایەک و چوار مەڕ بۆ مەڕێک بداتەوە. [٢] "ئەگەر
دزەکە لە کاتی شکاندنی ماڵەکەدا بگیرێت و لێی بدرێت و بمرێت، ئەوا
کەسەکە تاوانبار ناکرێت. [٣] بەڵام ئەگەر ئەمە لە کاتی هەڵهاتنی
خۆردا ڕوویدا، ئەوا کەسەکە تاوانبارە. "دزەکە دەبێت قەرەبووی هەموو
شتێک بکاتەوە کە دزیوێتی. ئەگەر هیچی نەبوو، ئەوا دەبێت خۆی بفرۆشرێت
بۆ ئەوەی قەرەبووی دزیەکەی بکاتەوە. [٤] ئەگەر ئاژەڵەکەی دزراو
لەناو دەستیدا بدۆزرێتەوە، چ گا بێت یان گوێدرێژ یان مەڕ، ئەوا
پێویستە دووەندە بداتەوە.

פרשת בני ראובן בני גד וחצי שבט מנשה

6 "אז בלק בן צפור, ראה את כל אשר עשה ישראל לאמרי, 7 ויגר מואב מפני העם כי רב הוא, ויקץ מואב מפני בני ישראל. 8 "ויאמר מואב אל זקני מדין: 'עתה ילחכו הקהל את כל סביבתינו כלחך השור את ירק השדה, ובלק בן צפור מלך לזמן ההוא למואב.' 9 "ויבאו מלאכים אל בלעם בן בעור פתורה אשר על נהר ארץ בני עמו לקרא לו לאמר: 'הנה עם יצא ממצרים, הנה כסה את עין הארץ וישב מולי. 10 "ועתה לכה נא ארה לי את העם הזה כי עצום הוא ממני, אולי אוכל נכה בו ואגרשנו מן הארץ כי ידעתי את אשר תברך מברך ואשר תאר יאור.' 11 "ויאמר בלעם אל האלהים: 'בלק בן צפור מלך מואב שלח אלי לאמר: 12 "הנה העם היצא ממצרים ויכס את עין הארץ עתה לכה קבה לי אולי אוכל להלחם בו וגרשתיו." 13 "ויאמר האלהים אל בלעם: 'לא תלך עמהם לא תאר את העם כי ברוך הוא.' 14 "ויקם בלעם בבקר ויאמר אל שרי בלק: 'לכו אל ארצכם כי מאן יהוה לתתי להלך עמכם.' 15 "ויוסף עוד בלק לשלח שרים רבים ונכבדים ממנה. 16 "ויבאו אל בלעם ויאמרו אליו כה אמר בלק בן צפור: 'אל נא תמנע מהלכי אליך, כי כבד אכבדך מאד וכל אשר תאמר אלי אעשה ולכה נא קבה לי את העם הזה.' 17 "ויען בלעם ויאמר אל עבדי בלק: 'אם יתן לי בלק מלא ביתו כסף וזהב לא אוכל לעבר את פי יהוה אלהי לעשות קטנה או גדולה.' 18 "ועתה שבו נא בזה גם אתם הלילה ואדעה מה יוסף יהוה דבר עמי.' 19 "ויאמר אלהים אל בלעם: 'אם לקרא לך באו האנשים קום לך אתם ואך את הדבר אשר אדבר אליך אתו תעשה.' 20 "ויקם בלעם בבקר ויחבש את אתנו וילך עם שרי מואב.

ומלך על הכסא בשבילו ויעש לו ולבית אביו ולכל בית אבותיו כדבר אשר דבר אל דוד לאמר: הנה שלמה בנך מלך ישב על כסאי ועיני המלך שלמה תראינה היום. ויאמר בניהו בן יהוידע אמן כה יאמר יהוה אלהי אדני המלך. כאשר היה יהוה עם אדני המלך כן יהיה עם שלמה ויגדל את כסאו על כסא אדני המלך דוד.

תפילת שלמה

ויתפלל שלמה על הקהל לפני יהוה ביום עשות שלמה לכלות להתפלל את כל התפלה והתחנה הזאת אל יהוה ויקם מלפני מזבח יהוה מכרעת על ברכיו ופרשיו כפיו השמים. ויעמד ויברך את כל קהל ישראל בקול גדול לאמר: ברוך יהוה אשר נתן מנוחה לעמו ישראל ככל אשר דבר לא נפל דבר אחד מכל דברו הטוב אשר דבר ביד משה עבדו. יהי יהוה אלהינו עמנו כאשר היה עם אבתינו אל יעזבנו ואל יטשנו. להטות לבבנו אליו ללכת בכל דרכיו ולשמר מצותיו וחקיו ומשפטיו אשר צוה את אבתינו. והיו הדברים האלה אשר התחננתי לפני יהוה קרבים אל יהוה אלהינו יומם ולילה לעשות משפט עבדו ומשפט עמו ישראל דבר יום ביומו. למען דעת כל עמי הארץ כי יהוה הוא האלהים אין עוד. ויהי לבבכם שלם עם יהוה אלהינו ללכת בחקיו ולשמר מצותיו כהיום הזה.

ئەوەیە هەڵەی لەسەرەمەرگ کە ئەو بەسەر ئیسرائیلی دا هێنا.

قسەکانی مۆسا لەبەردەم هەڵەکە

٢٣ [١] ئینجا مۆسا هەڵەکەی بانگکردەوە و پێی وت: "ئێوە ئیسرائیل، گوێ لە هەموو ئەو یاسا و بڕیارانە بگرن کە ئەمڕۆ بە گوێی ئێوەی دەڵێم. فێریان ببن و بە وردی جێبەجێیان بکەن. [٢] خودا خودای ئێمە لە چیای حۆرێب پەیمانێکی لەگەڵ ئێمە بەست. [٣] ئەو پەیمانە نەک هەر لەگەڵ باوباپیرانی ئێمە بەڵکو لەگەڵ هەموو ئێمەی ئەمڕۆ کە لێرە لە ژیاندا ماوین بەستی. [٤] خودا لە چیا لە ناوەڕاستی ئاگردا بە ڕوویی ڕاستەوخۆ قسەی لەگەڵ کردین. بەڵام ئێوە تا ئەمڕۆ تێناگەن کە مەبەستی چییە. [٥] چل ساڵ لە بیابان ڕێنماییم کردن، بەڵام جلوبەرگەکانتان لەبەر نەکۆنە بوون و پێڵاوەکانتان لە پێتان نەکۆنە بوون. [٦] نانتان نەخوارد و مەیتان نەخواردەوە، تا بزانن کە من یەزدانم کە خودای ئێوەم. [٧] کاتێک گەیشتینە ئەم شوێنە، سیحۆنی پاشای حەشبۆن و عۆگی پاشای باشان هێرشیان کردە سەرمان، بەڵام شکستیان پێهێنان و ئێمە سەرکەوتین. [٨] خاکەکەیانمان گرت و بە میراتی دابەشکرد بەسەر ڕەشەبەی ڕوبێن و گاد و نیوەی هۆزی مەنەسێدا. [٩] ئەمە هەموو ئەو شتانەیە کە دەبێت بە تەواوی جێبەجێ بکەن، تا هەموو ئەوەی دەیکەن سەرکەوتوو بن.

[١٠] "ئێوە ئەمڕۆ هەموتان لە بەردەم یەزدانی خودادا ڕاوەستاون، سەرۆکەکانتان، هۆزەکانتان، پیرەکان، فەرمانبەرەکان، هەموو پیاوانی ئیسرائیل، [١١] منداڵەکانتان، ژنەکانتان، هەروەها ئەو بیانییانەی لە ناو ئۆردووگاکەدا دەژین، لە دارتاشەوە تا ئاوکێشەکەتان، [١٢] تا ببنە بەشێک لە پەیمانی یەزدانی خودا، کە ئەمڕۆ لەگەڵتان دەیبەستێت و سوێندی لەسەر دەخوات، [١٣] تا ئێوە ئەمڕۆ وەک گەلی خۆی دابمەزرێنێت و ئەو خودای ئێوە بێت، هەروەک بەڵێنی پێداون و سوێندی بۆ باوباپیرانتان ئیبراهیم و ئیسحاق و یاقوب خواردووە. [١٤] ئەم پەیمانە نەک هەر لەگەڵ ئێوە بەڵکو لەگەڵ هەموو نەوەکانتان لە داهاتوودا دەبەستم، [١٥] لەگەڵ هەموو ئەوانەی ئەمڕۆ لێرە لەگەڵ ئێمەدا ڕاوەستاون لە بەردەم یەزدانی خودادا، و لەگەڵ هەموو ئەوانەشی کە ئەمڕۆ لێرە لەگەڵ ئێمەدا نین.

٢٣:٥ ئەکتا ٢٨:٢٢

בעמים אזרעה אותה. וְרִחַמְתִּי את לא רחמה ואמרתי ללא עמי אתה ואתה יאמר אלהי. ס
יא [יא] והיה מספר בני ישראל כחול הים אשר לא ימד ולא יספר והיה במקום אשר יאמר
להם לא עמי אתם יאמר להם בני אל חי. [יב] ונקבצו בני יהודה ובני ישראל יחדו ושמו
להם ראש אחד ועלו מן הארץ כי גדול יום יזרעאל. [יג] אמרו לאחיכם עמי ולאחותיכם
רחמה. [יד] ריבו באמכם ריבו כי היא לא אשתי ואנכי לא אישה ותסר זנוניה מפניה
ונאופיה מבין שדיה. [טו] פן אפשיטנה ערם והצגתיה כיום הולדה ושמתיה כמדבר
ושתתיה כארץ ציה והמתיה בצמא. [טז] וגם את בניה לא ארחם כי בני זנונים הם. [יז]
כי זנתה אמם הבישה הורתם כי אמרה אלכה אחרי מאהבי נתני לחמי ומימי צמרי ופשתי
שמני ומשקי. [יח] לכן הנני שך את דרכך בסוכים וגדרתי את גדרה ונתיבותיה לא תמצא.
[יט] ורדפה את מאהביה ולא תשיגם ובקשתם ולא תמצא כי אמרה אלכה ואשובה אל אישי
הראשון כי טוב לי אז מעתה. [כ] והיא לא ידעה כי אנכי נתתי לה את התירוש והתיר
הרביתי לה ואשר עשו לבעל כסף וזהב שמו לה. [כא] לכן הנני פותה והולכתיה המדבר
ודברתי על לבה. [כב] ונתתי לה את כרמיה משם ואת עמק עכור לפתח תקוה ועניתה שם
כימי נעוריה וכיום עלותה מארץ מצרים. [כג] והיה ביום ההוא נאם יהוה תקראי אישי
ולא תקראי אלי עוד בעלי. [כד] והסרתי את שמות הבעלים מפיה ולא יזכרו עוד בשמם.
[כה] וכרתי להם ברית ביום ההוא עם חית השדה ועם עוף השמים ורמש האדמה וקשת
וחרב ומלחמה אשבר מן הארץ והשכבתים לבטח. [כו] וארשתיך לי לעולם וארשתיך לי
בצדק ובמשפט ובחסד וברחמים. [כז] וארשתיך לי באמונה וידעת את יהוה. [כח] והיה
ביום ההוא אענה נאם יהוה אענה את השמים והם יענו את הארץ. [כט] והארץ תענה את
הדגן ואת התירוש ואת היצהר והם יענו את יזרעאל. [ל] וזרעתיה לי בארץ ורחמתי את
לא רחמה ואמרתי ללא עמי אתה והוא יאמר אלהי. ס

ובחלטה אמרתי לא אוסיף עוד לחוס על ישראל בית יהוה, ²¹ ״והיה ביום ההוא אענה נאם יהוה, אענה את השמים והם יענו את הארץ, ²² והארץ תענה את הדגן ואת התירוש ואת היצהר והם יענו את יזרעאל. ²³ וזרעתי אותה לי בארץ ורחמתי את לא רחמה ואמרתי ללא עמי עמי אתה והוא יאמר אלהי.״

הנישואים מחדש של הושע וגומר

²⁴ ויאמר יהוה אלי עוד לך אהב אשה אהובת רע ומנאפת כאהבת יהוה את בני ישראל והם פונים אל אלהים אחרים ואוהבים אשישי ענבים. ²⁵ וארכשה לי אותה בחמשה עשר כסף וחומר שעורים ולתך שעורים. ²⁶ ואמרתי אליה ימים רבים תשבי לי לא תזני ולא תהיי לאיש וגם אני אליך: ²⁷ כי ימים רבים ישבו בני ישראל ללא מלך וללא שר וללא זבח וללא מצבה וללא אפוד ותרפים. ²⁸ אחר ישובו בני ישראל ויבקשו את יהוה אלהיהם ואת דוד מלכם ופחדו אל יהוה ואל טובו באחרית הימים.

ריב יהוה עם ישראל

ד שמעו דבר יהוה בני ישראל כי ריב ליהוה עם יושבי הארץ כי אין אמת ואין חסד ואין דעת אלהים בארץ. ² אלה וכחש ורצח וגנב ונאף פרצו ודמים בדמים נגעו. ³ על כן תאבל הארץ ואמלל כל יושב בה בחית השדה ועוף השמים וגם דגי הים יאספו. ⁴ אך איש אל יריב ואל יוכח עם כמוך עמי כי כמריבי כהן. ⁵ וכשלת היום ונכשל גם נביא עמך בלילה ודמיתי אמך. ⁶ נדמו עמי מבלי דעת כי אתה הדעת מאסת ואמאסך מכהן לי ותשכח תורת אלהיך אשכח גם אני בניך. ⁷ כרבם כן חטאו לי כבודם בקלון אמיר. ⁸ חטאת עמי יאכלו ואל עונם ישאו נפשם. ⁹ והיה כעם כן כהן ופקדתי עליו דרכיו ומעלליו אשיב לו. ¹⁰ ואכלו ולא ישבעו זנו ולא יפרצו כי יהוה עזבו לשמר. ¹¹ זנות ויין ותירוש יקח לב. ¹² עמי בעצו ישאל ומקלו יגיד לו כי רוח זנונים התעה ויזנו מתחת אלהיהם. ¹³ על ראשי ההרים יזבחו ועל הגבעות יקטרו תחת אלה ולבנה ואלה כי טוב צלה ותזנינה כלותיכם וכי תנאפנה. ¹⁴ לא אפקד על בנותיכם כי תזנינה ועל כלותיכם כי תנאפנה כי הם עם הזונות יפרדו ועם הקדשות יזבחו ועם לא יבין יפל. ¹⁵ אם זונה את ישראל אל יאשם יהודה ואל תבואו הגלגל ואל תעלו בית און ואל תשבעו חי יהוה. ¹⁶ כי כפרה סוררת סרר ישראל עתה ירעם יהוה ככר ברחב. ¹⁷ חבור עצבים אפרים הנח לו. ¹⁸ סר סבאם זנה זנו אהבו הבו קלון מגניה. ¹⁹ צרור כנפיה ברוחה ויבשו מזבחותם.

ويقتلون بعضكم، وتكونون مكروهين من جميع الأمم من أجل اسمي. ١٠ وحينئذ يعثر كثيرون ويسلم بعضهم بعضا ويبغض بعضهم بعضا. ١١ ويقوم أنبياء كذبة كثيرون ويضلون كثيرين. ١٢ ولكثرة الإثم تبرد محبة الكثيرين. ١٣ ولكن الذي يصبر إلى المنتهى فهذا يخلص. ١٤ ويكرز ببشارة الملكوت هذه في كل المسكونة شهادة لجميع الأمم. ثم يأتي المنتهى.

رجاسة الخراب

١٥ فمتى رأيتم رجاسة الخراب التي قال عنها دانيال النبي قائمة في المكان المقدس، من يقرأ ففليفهم، ١٦ فحينئذ الذين في اليهودية فليهربوا إلى الجبال. ١٧ والذي على السطح فلا ينزل ليأخذ من بيته شيئا. ١٨ والذي في الحقل فلا يرجع إلى الوراء ليأخذ ثيابه. ١٩ وويل للحبالى وللمرضعات في تلك الأيام. ٢٠ وصلوا لكي لا يكون هربكم في شتاء ولا في سبت. ٢١ لأنه يكون حينئذ ضيق عظيم لم يكن مثله منذ ابتداء العالم إلى الآن ولا يكون. ٢٢ ولو لم تقصر تلك الأيام لم يخلص جسد. ولكن لأجل المختارين تقصر تلك الأيام.

הושע ב׳:כ״ד–ג׳:י׳

[10] אֶת־הַיְאֹר יַעְלְעוּ צְפַרְדְּעִים וְעָלוּ וּבָאוּ בְּבֵיתֶךָ וּבַחֲדַר מִשְׁכָּבְךָ וְעַל־מִטָּתֶךָ וּבְבֵית עֲבָדֶיךָ וּבְעַמֶּךָ וּבְתַנּוּרֶיךָ וּבְמִשְׁאֲרֹתֶיךָ׃ [11] וּבְךָ וּבְעַמְּךָ וּבְכָל־עֲבָדֶיךָ יַעֲלוּ הַצְּפַרְדְּעִים׃ [12] וַיֹּאמֶר יְהוָה אֶל־מֹשֶׁה אֱמֹר אֶל־אַהֲרֹן נְטֵה אֶת־יָדְךָ בְּמַטֶּךָ עַל־הַנְּהָרוֹת עַל־הַיְאֹרִים וְעַל־הַיְשֻׁפוֹת וְהַעַל צְפַרְדְּעִים עַל־אֶרֶץ מִצְרָיִם׃ [13] וַיַּעַשׂ־כֵּן אַהֲרֹן נָטָה יָדוֹ עַל־מֵימֵי מִצְרַיִם וַתַּעַל הַצְּפַרְדֵּעַ וַתְּכַס אֶת־אֶרֶץ מִצְרָיִם׃ [14] וַיַּעֲשׂוּ־כֵן הַחַרְטֻמִּים בְּלָטֵיהֶם וַיַּעֲלוּ אֶת־צְפַרְדְּעִים עַל־אֶרֶץ מִצְרָיִם׃ [15] וַיִּקְרָא פַרְעֹה לְמֹשֶׁה וּלְאַהֲרֹן וַיֹּאמֶר הַעְתִּירוּ אֶל־יְהוָה וְיָסֵר הַצְּפַרְדְּעִים מִמֶּנִּי וּמֵעַמִּי וַאֲשַׁלְּחָה אֶת־הָעָם וְיִזְבְּחוּ לַיהוָה׃ [16] וַיֹּאמֶר מֹשֶׁה לְפַרְעֹה הִתְפָּאֵר עָלַי לְמָתַי אַעְתִּיר לְךָ וְלַעֲבָדֶיךָ וּלְעַמְּךָ לְהַכְרִית צְפַרְדְּעִים מִמְּךָ וּמִבָּתֶּיךָ רַק בַּיְאֹר תִּשָּׁאַרְנָה׃ [17] וַיֹּאמֶר לְמָחָר וַיֹּאמֶר כִּדְבָרְךָ לְמַעַן תֵּדַע כִּי אֵין כַּיהוָה אֱלֹהֵינוּ׃ [18] וְסָרוּ הַצְּפַרְדְּעִים מִמְּךָ וּמִבָּתֶּיךָ וּמֵעֲבָדֶיךָ וּמֵעַמֶּךָ רַק בַּיְאֹר תִּשָּׁאַרְנָה׃ [19] וַיֵּצְאוּ מֹשֶׁה וְאַהֲרֹן מֵעִם פַּרְעֹה וַיִּצְעַק מֹשֶׁה אֶל־יְהוָה עַל־דְּבַר הַצְּפַרְדְּעִים אֲשֶׁר־שָׂם לְפַרְעֹה׃ [20] וַיַּעַשׂ יְהוָה כִּדְבַר מֹשֶׁה וַיָּמֻתוּ הַצְּפַרְדְּעִים מִן־הַבָּתִּים מִן־הַחֲצֵרוֹת וּמִן־הַשָּׂדוֹת׃ [21] וַיִּצְבְּרוּ אֹתָם חֳמָרִם חֳמָרִם וַתִּבְאַשׁ הָאָרֶץ׃ [22] וַיַּרְא פַּרְעֹה כִּי הָיְתָה הָרְוָחָה וְאֶת־לִבּוֹ הִכְבִּד וְלֹא שָׁמַע אֲלֵהֶם כַּאֲשֶׁר דִּבֶּר יְהוָה׃ ס

יי אמר והיה ביום ההוא אענה את השמים והם יענו את הארץ׃ ٢٣ והארץ תענה את
הדגן ואת התירוש ואת היצהר והם יענו את יזרעאל׃ ٢٤ וזרעתיה לי בארץ ורחמתי את
לא רחמה ואמרתי ללא עמי עמי אתה ואתה אלהי׃ ٢٥ ב ויאמר יי אל הושע לך עוד
אהב אשת רע ומנאפת כאהבת יי את בני ישראל והם פונים אל אלהים אחרים ואהבי
אשישי ענבים׃ ٢ ואכרה אותה לי בחמשה עשר כסף וחומר שעורים ולתך שעורים׃
٣ ואמר אליה ימים רבים תשבי לי לא תזני ולא תהיי לאיש וגם אנכי אליך׃ ٤ כי ימים
רבים ישבו בני ישראל אין מלך ואין שר ואין זבח ואין מצבה ואין אפוד ותרפים׃
٥ אחר ישבו בני ישראל ובקשו את יי אלהיהם ואת דוד מלכם ופחדו אל יי ואל טובו
באחרית הימים׃ ٦ א שמעו דבר יי בני ישראל כי ריב ליי עם יושבי הארץ כי אין אמת
ואין חסד ואין דעת אלהים בארץ׃ ٧ אלה וכחש ורצח וגנב ונאף פרצו ודמים בדמים
נגעו׃

הושע מבוא הושע

٢٥ ١ א שמעו זאת הכהנים והקשיבו בית ישראל ובית המלך האזינו כי לכם המשפט כי
פח הייתם למצפה ורשת פרושה על תבור׃ ٢ ושחטה סרו עמקה ואני מוסר לכלם׃
٣ אני ידעתי אפרים וישראל לא נכחד ממני כי עתה זנית אפרים נטמא ישראל׃
٤ לא יתנו מעלליהם לשוב אל אלהיהם כי רוח זנונים בקרבם ואת יי לא ידעו׃ ٥ וענה
גאון ישראל בפניו ויכשלו ישראל ואפרים יכשל גם יהודה עמם׃ ٦ בצאנם ובבקרם
ילכו לבקש את יי ולא ימצאו חלץ מהם׃ ٧ ביי בגדו כי בנים זרים ילדו עתה יאכלם
חדש את חלקיהם׃ ٨ תקעו שופר בגבעה חצצרה ברמה הריעו בבית און אחריך בנימן׃

ופיהם ידבר אך, ובידו ימלא לא אשר, ומרמה שקר עשה לא חמס על
פיהם. הסכדה דמשק ט ומשלח מתנה ומקבל כסף ישקל אשר איש
ואשר לא ינוח, ומשלח מתנה ומקבל כסף ישקל אשר איש ט
ואשר לא ינוח, ואשר לא ינוח, ואשר לא ינוח, ואשר לא ינוח.

הנה אנכי מאבד את אפרים ויהודה יהיה לבז לכל גויי הארץ
אשר סבבוהו כי מאנו ללכת אחרי צוי׃ 18 סר סבאם היין
מסבאתם זנו זנו אהבו הבו קלוניה׃ 19 צרור רוח בכנפיה
ויבשו מזבחותם למען זבחיהם׃ 20 שמעו זאת הכהנים
והקשיבו בית ישראל והאזינו בית המלך כי לכם המשפט
כי פח הייתם למצפה ורשת פרושה על תבור׃ 21 ושחטה
שטים העמיקו לשחת ואני מוסר לכלם׃ 22 ידעתי אפרים
ויהודה לא נעלם ממני כי עתה זנית אפרים נטמא
ישראל׃ 23 לא יתנו מעלליהם לשוב אל אלהיהם כי רוח
זנונים בקרבם ואת יהוה לא ידעו׃ 24 וענה גאון ישראל
בפניו ויכשלו ישראל ואפרים בעונם יכשל גם יהודה עמם׃
25 בצאנם ובבקרם ילכו לבקש את יהוה ולא ימצא חלץ
מהם׃ 26 בי בגדו ביהוה כי בנים זרים ילדו עתה יאכלם
חדש את חלקיהם׃ 27 תקעו שופר בגבעה חצצרה
ברמה הריעו בית און אחריך בנימין׃

בני ישראל ובני יהודה יתאחדו

ב ׳ ׳ ׳

خۆدێ چۆنێ ملاەلک بە نڤیسەهەر دە ئاڤا بێژە. ١٣ "خۆلکا چۆمەن، دەبەنگ، ئا هلکن، سا بە خەڤا هەر عەمەن، دەت خەڤێن هەر خەڤا دەبەشە

כסה, ניך שסלכה בנה לי מלכי בחסה ״[26] .שלי הכסוסיה מסלכי ניך, כסה

ەي بەيەمەە، ەەمەدەن دەلمەت ئەيحەمدەن مە بەمئ ەۋە دەە ۋە ەي
ئې ەيمې ەۋەمەمئەحەە، دەتمەن ەەمەن ۋە ۋەت ەەن ەۋەە ۋە ۋەئەت. ٧
مەۋەدەن دەمەدەن ئې دەمې ەۋەە، ەۋەە ەەمەجې ۋەمەمۋ دەتمەن ۋەحەت
ەۋەمەجەمەن دەمەدەن ئې دەمې ەۋەە، ەۋەە ەەمەجې ۋەمەمۋ دەتمەن
ەۋەمەجەمەن دەۋەمەمەن. ٨ جې ەەمەحەئەمەۋەە ەۋەدەن ەۋەە ەۋ
ئې ەيمې، ەيمې مە ەۋەە، ەۋەە مە ەۋەە ەۋەە ەۋەە ەۋەە ەۋەە
دەۋەن جې ەۋەن ەەمەن "ەيمەتې ەۋەمەتې،" ەەمەن ەۋەن ەۋەە. ٩ ەەت
ەۋەن ەۋەن ەۋەە ەۋەە ەۋەە ەۋەە ەۋەە ەۋەە ەۋەە ەۋەە ەۋەە

دێتە دەنگ، جار جار بێدەنگ دەبێ. ١٨ جەنگی هەیە کە ئەوەی بێدەنگ
دەبێ، جار جار دەبێتە دەنگ. جەنگی هەیە کە ئەوەی دەنگ دەبێ،
جار جار دەبێتە بێدەنگ. ١٩ دەنگ کە هێندە بەرز بێت کە هیچ
گوێیەک نەتوانێ گوێ لە هیچی تر بگرێ، ئەوە دەنگی ئەو کەسانەیە
کە لە ئاسمانەوە دەدوێن. ٢٠ جار هەیە کە جەنگ بێتە هۆی
ئەوەی کەسانێک لە ئاسمانەوە دەنگ بدەن، بەڵام ئەو دەنگانە
هەرگیز نەگەنە گوێی هیچ کەسێک. ٢١ لە ڕێگەی ئەو کەسانەوە
هەموو شتێک دەبێتە ئاشکرا. ئەو کەسانە هەرگیز ناوەستن
بۆ ئەوەی بیر لە هیچ شتێک نەکەنەوە، بەڵکو هەموو شتێک
بەبێ بیرکردنەوە دەڵێن. ٢٢ ”ئەو کەسانە هەرگیز ناوەستن
بۆ ئەوەی بیر لە هیچ شتێک نەکەنەوە، بەڵکو هەموو شتێک
بەبێ بیرکردنەوە دەڵێن. ٢٣ ”ئەو کەسانە هەرگیز ناوەستن
بۆ ئەوەی بیر لە هیچ شتێک نەکەنەوە، بەڵکو هەموو شتێک
بەبێ بیرکردنەوە دەڵێن. ٢٤ ”ئەوەتا دەڵێم: ئەو ئەتەکانەی
ئەو کەسانە دەیانەوێ بیانکەن بە بەشێک لە خۆیان، هەموو
ئەوانە بەشێکن لە ئەو کەسانەی کە ئەو ئەتەکانەیان
دروست کردووە. ٢٥ ”ئەو کەسانە هەرگیز ناوەستن، بۆ
ئەوەی بیر لە هیچ شتێک نەکەنەوە، هەموو شتێک بەبێ
بیرکردنەوە دەڵێن. ٢٦ ”ئەو کەسانە هەرگیز ناوەستن
بۆ ئەوەی بیر لە هیچ شتێک نەکەنەوە، هەموو شتێک بەبێ
بیرکردنەوە دەڵێن. ٢٧ ئەو کەسانە هەرگیز ناوەستن بۆ
ئەوەی بیر لە هیچ شتێک نەکەنەوە، هەموو شتێک بەبێ
بیرکردنەوە دەڵێن. ٢٨ جەنگی هەیە کە ئەوەی بێدەنگ
دەبێ، جار جار دەبێتە دەنگ. جەنگی هەیە کە ئەوەی دەنگ
دەبێ، جار جار دەبێتە بێدەنگ. ٢٩ جار هەیە کەسانێک
هەرگیز ناوەستن بۆ ئەوەی بیر لە هیچ شتێک نەکەنەوە،
هەموو شتێک بەبێ بیرکردنەوە دەڵێن. ٣٠ ئەو کەسانە
هەرگیز ناوەستن بۆ ئەوەی بیر لە هیچ شتێک نەکەنەوە،
هەموو شتێک بەبێ بیرکردنەوە دەڵێن. ٣١ هەرگیز

ڤەلەهە ئەمێز ئەت ئەز ئێرە ئێز ”ێ: ئێستێزەئە ئەز ئەت ئێز ئێز ئێ
ئەمێ، ئێسەئە ێ ڤەسەئەهەئە.“ ٣٢ هەڤێ ئێستێ ئەمێت ئەسێ ئەسێز ئێ
ەرەئەهە ئە ڤەلێڤەهە، ئەهەڤێ ئەڤ ٣٣ ئە ئەهە ئەڤ ئەسێ ئەسێز
ئەسێز ئەجەهە ئەسێز ئەسێز ئەسێز. ئەسێز ئێڤەئەهە: ”ئێز ئێزئەهەڤ ئەئێ
ئەسێز ئێجەهە ئە ئەهەڤ ئەسێز ئەسێز. ٣٤ ”ئێز ئەسێز ئەسێز ئە ئەسێز
ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز. ئەسێز ئە ئێ ئەسێز ئەسێز ئەسێز
٣٥ ئە ئەز ئەسێز ئەسێز، ئەسێز ئەسێز ئە ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز
ئەسێز، ئەسێز ئە ئەسێز ئە ئەسێز. ٣٦ ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز،
ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز. ئەسێز ٣٧ ئەسێز ئەسێز ئە ئەسێز ئەسێز
ئەسێز ئەسێز ئەسێز، ئەسێز ئەسێز ئەسێز. ٣٨ ئە ئەز ئەسێز ئەسێز
ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز. ٣٩ ئەسێز ئە ئەسێز، ئە ئەسێز
ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز
ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز. ٤٠ ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز
ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز
ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز
ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز
ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز
ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز
ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز
ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز
ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز
ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز
ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز
ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز
ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز
ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز
ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز
ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز
ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز
ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز
ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز
ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز ئەسێز

הפטרת יחזקאל לחג השבועות

٢٨ ١ויהי דבר־יהוה אלי לאמר, בן־אדם אמר לנגיד צור כה־אמר אדני יהוה יען גבה לבבך ותאמר אל אני ישבתי מושב אלהים בלב־ימים ואתה אדם ולא אל ותתן לבבך כלבב אלהים. ٣הנה חכם אתה מדניאל לא־נסתם כל־סוד עבתך. ٤בחכמתך ובתבונתך עשית לך חיל ותרב זהב וכסף באוצרותיך. ٥ברב חכמתך ברכלתך הרבית חילך ויגבה לבבך מחילך. ٦לכן כה אמר אדני יהוה יען תתך לבבך כלבב אלהים. ٧הנני מביא עליך זרים עריצי גוים ורקו חרבותם על יפי חכמתך וחללו את־יפעתך. ٨ירידוך אל־שחת ומתת מותי חללים בלב־ימים. ٩התאמר אמר אני אלהים לפני הרגך ואתה אדם ולא אל ביד חללך. ١٠מותי ערלים תמות ביד זרים כי אני דברתי נאם אדני יהוה.

הבטחת הישועה העתידית

יא לכן הנני פותה אותה והולכתיה המדברה ודברתי על לבה׃ יב ונתתי לה את כרמיה משם ואת עמק עכור לפתח תקוה ועניתה שם כימי נעוריה וכיום עלותה מארץ מצרים׃ יג והיה ביום ההוא נאם יהוה תקראי אישי ולא תקראי אלי עוד בעלי׃ יד והסרתי את שמות הבעלים מפיה ולא יזכרו עוד בשמם׃ טו וכרתי להם ביום ההוא ברית עם חית השדה ועם עוף השמים ורמש האדמה וקשת וחרב ומלחמה אשבר מן הארץ והשכבתים לבטח׃ טז וארשתיך לי לעולם וארשתיך לי בצדק ובמשפט ובחסד וברחמים׃ יז וארשתיך לי באמונה וידעת את יהוה׃ יח והיה ביום ההוא אענה נאם יהוה אענה את השמים והם יענו את הארץ׃ יט והארץ תענה את הדגן ואת התירוש ואת היצהר והם יענו את יזרעאל׃ כ וזרעתיה לי בארץ ורחמתי את לא רחמה ואמרתי ללא עמי עמי אתה והוא יאמר אלהי׃ כא ויהי היום ההוא אענה נאם יהוה אענה את השמים והם יענו את הארץ׃

בְּנִי יִזְרְעֶאל כִּי עוֹד מְעַט וּפָקַדְתִּי אֶת דְּמֵי יִזְרְעֶאל עַל בֵּית יֵהוּא וְהִשְׁבַּתִּי מַמְלְכוּת בֵּית יִשְׂרָאֵל׃ 22 וְהָיָה בַּיּוֹם הַהוּא נְאֻם יְהוָה אֶשְׁבֹּר אֶת קֶשֶׁת יִשְׂרָאֵל בְּבִקְעַת יִזְרְעֶאל׃ 23 וְזָרַעְתִּיהָ לִי בָּאָרֶץ וְרִחַמְתִּי אֶת לֹא רֻחָמָה וְאָמַרְתִּי לְלֹא עַמִּי עַמִּי אַתָּה וְהוּא יֹאמַר אֱלֹהָי׃ 24 וַיְרִיבוּ בְּנֵיכֶם כִּי הִיא לֹא אִשְׁתִּי וְאָנֹכִי לֹא אִישָׁהּ וְהָסִירָה זְנוּנֶיהָ מִפָּנֶיהָ וְנַאֲפוּפֶיהָ מִבֵּין שָׁדֶיהָ׃ 25 פֶּן אַפְשִׁיטֶנָּה עֲרֻמָה וְהַצַּגְתִּיהָ כְּיוֹם הִוָּלְדָהּ וְשַׂמְתִּיהָ כַּמִּדְבָּר וְהִשַּׁמְתִּיהָ כְּאֶרֶץ צִיָּה וְהֲמִתִּיהָ בַצָּמָא׃ 26 וְגַם אֶת בָּנֶיהָ לֹא אֲרַחֵם כִּי יַלְדֵי זְנוּנִים הֵמָּה׃ 27 כִּי זָנְתָה אִמָּם הֹבִישָׁה הוֹרָתָם כִּי אָמְרָה אֵלְכָה אַחֲרֵי מְאַהֲבַי נֹתְנֵי לַחְמִי וּמֵימַי צַמְרִי וּפִשְׁתִּי שַׁמְנִי וְשִׁקּוּיָי׃ 28 לָכֵן הִנֵּה אָנֹכִי שָׂךְ אֶת דַּרְכֵּךְ בַּסִּירִים וְגָדַרְתִּי אֶת גְּדֵרָהּ וּנְתִיבוֹתֶיהָ לֹא תִמְצָא׃ 29 וְרָדְפָה אֶת מְאַהֲבֶיהָ וְלֹא תַשִּׂיגֵם וּבִקְשָׁתַם וְלֹא תִמְצָא כִּי תֹאמַר אֵלְכָה וְאָשׁוּבָה אֶל אִישִׁי הָרִאשׁוֹן כִּי טוֹב לִי אָז מֵעַתָּה׃ 30 וְהִיא לֹא יָדְעָה כִּי אָנֹכִי נָתַתִּי לָהּ הַבָּר וְהַתִּירוֹשׁ וְהַיִּצְהָר וְכֶסֶף הִרְבֵּיתִי לָהּ וְזָהָב עָשׂוּ לַבָּעַל׃ 31 לָכֵן אָשׁוּב וְלָקַחְתִּי דְגָנִי בְּעִתּוֹ וְתִירוֹשִׁי בְּמוֹעֲדוֹ וְהִצַּלְתִּי צַמְרִי וּפִשְׁתִּי לְכַסּוֹת אֶת עֶרְוָתָהּ׃

---

l ב:כז ב מל׳ ט:ו-י

ڈیوٹرونومی استثنا کی کتاب

استثنا کا تعارف

۱ یہ وہ باتیں ہیں جو موسیٰ نے یردن کے پار بیابان میں، عربہ میں، سوف کے سامنے، فاران اور توفل اور لابن اور حضیروت اور دی ذہب کے درمیان تمام اسرائیل سے کہیں۔ ۲ (حورب سے سعیر کے پہاڑی ملک سے ہو کر قادیس برنیع تک گیارہ دن کا سفر ہے۔) ۳ چالیسویں برس کے گیارہویں مہینے کے پہلے دن موسیٰ نے بنی اسرائیل سے وہ سب کچھ کہا جو خداوند نے اُس کو ان کے لئے حکم دینے کو فرمایا تھا۔ ۴ یہ اُس وقت کی بات ہے جب موسیٰ نے حشبون میں رہنے والے اموری بادشاہ سیحون اور عشتاروت میں رہنے والے بسن کے بادشاہ عوج کو شکست دی تھی۔ ۵ یردن کے پار موآب کے علاقہ میں موسیٰ نے شریعت کی یہ باتیں بیان کرنی شروع کیں۔ ۶ خداوند ہمارے خدا نے حورب میں ہم سے کہا تھا، ”تم لوگ بہت عرصہ سے اس پہاڑ کے پاس رہ چکے ہو۔ ۷ اب یہاں سے کوچ کرو اور اموریوں کے پہاڑی ملک اور عربہ کے علاقہ میں یعنی پہاڑی ملک اور نشیبی علاقہ میں اور جنوب کے علاقہ میں اور سمندر کے کنارے کے علاقہ میں یعنی کنعانیوں کے ملک میں اور لبنان میں اور دریائے فرات کے بڑے دریا تک جاؤ۔

موسیٰ کا اسرائیل کے سرداروں کو مقرر کرنا

۸ دیکھو، میں نے اس ملک کو تمہارے سامنے کر دیا ہے۔ جاؤ اور اس ملک پر قبضہ کرو جو خداوند نے تمہارے باپ دادا ابرہام، اضحاق اور یعقوب سے قسم کھا کر کہا تھا کہ میں اسے اُن کو اور اُن کے بعد اُن کی نسل کو دوں گا۔ ۹ اُس وقت میں نے تم سے کہا تھا کہ میں اکیلا ہی تمہارا بوجھ نہیں اٹھا سکتا۔ ۱۰ خداوند تمہارا خدا تمہاری تعداد بڑھاتا رہا ہے اور اب تم آسمان کے ستاروں کی طرح بہت سے ہو گئے ہو۔ ۱۱ خداوند تمہارے باپ دادا کا خدا تمہیں اور بھی ہزار گنا بڑھائے اور تمہیں برکت دے جیسا اُس نے اُس سے وعدہ کیا ہے۔ ۱۲ لیکن میں اکیلا ہی تمہارا بوجھ، تمہارا بار اور تمہارے جھگڑے نہیں اٹھا سکتا۔

ميخا بحلح بب بحيهه لقلا لخذ، جذب بتهفهسه نهههجه ميح [13] لهذا.
لهذا، لهذا لقهمه هجه هي لهوه نهجهه هوه نهجهههحه
لهقهجه نهتهه هي لهذا هوه نهههجه. [14] لهذا هههجه هي لهذا
هوه نهههجه، لهذا لهذا هههجه هي لهذا هوه نهههجه. [15] هوه
هجه نهجهه هوه نهههجه نهههجه هي لهههه لهذا هوه نهههجه.

هههههه هس

[16] هخت هي لا هخت نهههههه هخت هيخ لهذا نهههههه
لهذا هوه نهههجه هي لا هخت نهههههه. [17] هخت هي هخت
نهههههه، نهههه نهههه هههههه لهذا هوه نهههجه هي لهذا
نهههههه هي هخت نهههههه. [m]

هههه هههه هههه هههه

[18] هخت هي هخت هههه هي لهذا هههه هههه هههه هههه
هههههه هي لهذا هههه هههه هههه هههه، [19] هخت
هههه هههه، هههه هههه هههه هههه هههه هههه هههه
هههه هههه هههه هههه هههه هههه هههه هههه هههه
هههه هههه هههه هههه هههه هههه هههه هههه هههه
هههه هههه

بۆچوە لەسەر ئەو، ڕەنا ئەو لە ئەو هێجێڵ. [٢٣]چوە بۆچوە لەسەر ئەو، ڕەنا ئەو لە ئەو هێجێڵ. [٢٣]چوە
ڕۆژگار لە هەموو ئەوەڕۆ ڕۆژگارەکانی ئەوەڕۆ، ئەوەڕۆ ڕۆژگارەکانی ڕۆژگار،
ەڕۆژگاری ڕۆژگار هەموو ئەو ڕۆژگار، ئەوەڕۆ. [٢٤]چوە ڕۆژ، ڕۆژگار هەموو ئەو
ئەوەڕۆ ئەوەڕۆ ڕۆژگارەکانی ڕۆژگار هەموو هەموو ڕۆژگارەکانی ڕۆژگار.
[٢٥]چوە ڕۆژگار ڕۆژگار ئەوەڕۆ ئەوەڕۆ، هەموو ئەوەڕۆ ڕۆژگار ئەوەڕۆ
ئەوەڕۆ ڕۆژگار چوە ڕۆژگار ئەوەڕۆ ڕۆژگار ئەوەڕۆ ڕۆژگار ئەوەڕۆ،
ڕۆژگار. [٢٦]چوە ڕۆژ، هەموو ئەو ڕۆژگار ڕۆژگارەکانی ڕۆژگار ڕۆژگار.
هەموو ئەوەڕۆ. [٢٧]چوە ڕۆژگار ئەوەڕۆ ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار.
ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار
ڕۆژگار ڕۆژگار. ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار،
ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار.
[٢٨]ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار، هەموو ئەو ڕۆژگار ڕۆژگار
ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار
ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار
ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار ڕۆژگار،

ڕەبەنی ئیسرائیل دەڵێت: «بۆ سێ تاوان و بۆ چوار
تاوانی ئەدۆم بەسە، من بڕیارەکەم ناگۆڕم، چونکە
شمشێرەکەی بەدوای برا نزیکەکەیدا هەڵگرت و
بەزەیی خۆی لەبیر کرد، توڕەییەکەی بەردەوام
بوو لە درێدەکردنی و هەروا ڕقی هەڵگرتبوو.
۱۲ بۆیە ئاگر دەنێرم بەسەر تیمان و
کۆشکەکانی بۆسرا دەیخۆن.»
۱۳ ڕەبەنی ئیسرائیل دەڵێت: «بۆ سێ تاوان و بۆ
چوار تاوانی عەمۆن بەسە، من بڕیارەکەم ناگۆڕم،
چونکە لە منداڵە دووگیانەکانی گلعاد
شکمیان هەڵدڕی تا سنوورەکانی خۆیان
فراوان بکەن. ۱۴ بۆیە ئاگر دەکەمە دیوارەکانی
ڕەبا و کۆشکەکانی دەخوات لە کاتی هاوارکردن
لە ڕۆژی شەڕدا، لە ڕۆژی هەژاندن لە ڕۆژی
گەردەڵوولدا. ۱۵ پاشا و سەرۆکەکانی
پێکەوە دەڕۆنە ئەسیری.»

۲:۶ هەروەها ۱۲:۶۲؛ مەتا ۱۲:۲۴

[16] וְעַל כָּל אֳנִיּוֹת תַּרְשִׁישׁ וְעַל כָּל שִׂכְיוֹת הַחֶמְדָּה׃
[17] וְשֻׁח גַּבַהּ הָאָדָם וְשַׁפַּל רוּם אֲנָשִׁים וְנִשְׂגָּב יְהוָה לְבַדּוֹ בַּיּוֹם הַהוּא׃

הַאֲלִילִים יִכָּחֵדוּ

[18] וְהָאֱלִילִים כָּלִיל יַחֲלֹף׃
[19] וּבָאוּ בִּמְעָרוֹת צֻרִים וּבִמְחִלּוֹת עָפָר מִפְּנֵי פַּחַד יְהוָה וּמֵהֲדַר גְּאוֹנוֹ בְּקוּמוֹ לַעֲרֹץ הָאָרֶץ׃
[20] בַּיּוֹם הַהוּא יַשְׁלִךְ הָאָדָם אֶת אֱלִילֵי כַסְפּוֹ וְאֶת אֱלִילֵי זְהָבוֹ אֲשֶׁר עָשׂוּ לוֹ לְהִשְׁתַּחֲוֹת לַחְפֹּר פְּרָוֹת וְלַעֲטַלֵּפִים׃
[21] לָבוֹא בְּנִקְרֻת הַצֻּרִים וּבִסְעִפֵי הַנְּקִיקִים מִפְּנֵי פַּחַד יְהוָה וּמֵהֲדַר גְּאוֹנוֹ בְּקוּמוֹ לַעֲרֹץ הָאָרֶץ׃
[22] חִדְלוּ לָכֶם מִן הָאָדָם אֲשֶׁר נְשָׁמָה בְאַפָּיו כִּי בַמֶּה נֶחְשָׁב הוּא׃ פ

יְרוּשָׁלַיִם וִיהוּדָה נִכְשָׁלִים

[23] כִּי הִנֵּה הָאָדוֹן יְהוָה צְבָאוֹת מֵסִיר מִירוּשָׁלַ͏ִם וּמִיהוּדָה מַשְׁעֵן וּמַשְׁעֶנֶת כָּל מִשְׁעַן לֶחֶם וְכָל מִשְׁעַן מָיִם׃
[24] גִּבּוֹר וְאִישׁ מִלְחָמָה שׁוֹפֵט וְנָבִיא וְקוֹסֵם וְזָקֵן׃
[25] שַׂר חֲמִשִּׁים וּפָנֶה וְיוֹעֵץ וְחָכָם חֲרָשִׁים וּנְבוֹן לָחַשׁ׃
[26] וְנָתַתִּי נְעָרִים שָׂרֵיהֶם וְתַעֲלוּלִים יִמְשְׁלוּ בָּם׃
[27] וְנָגַשׂ הָעָם אִישׁ בְּאִישׁ וְאִישׁ בְּרֵעֵהוּ יִרְהֲבוּ הַנַּעַר בַּזָּקֵן וְהַנִּקְלֶה בַּנִּכְבָּד׃
[28] כִּי יִתְפֹּשׂ אִישׁ בְּאָחִיו בֵּית אָבִיו שִׂמְלָה לָךְ קָצִין תִּהְיֶה לָּנוּ וְהַמַּכְשֵׁלָה הַזֹּאת תַּחַת יָדֶךָ׃
[29] יִשָּׂא בַיּוֹם הַהוּא לֵאמֹר לֹא אֶהְיֶה חֹבֵשׁ וּבְבֵיתִי אֵין לֶחֶם וְאֵין שִׂמְלָה אַל תְּשִׂימֻנִי קְצִין עָם׃

---

[25] ב:כד ואולי מ"ג ה:ה; ירמ' ב:לו; יחז' כז:ל

ئەوەتە، ئێمە بە ئەسپێک دەڕۆین، ئێمە ئەڤەوە دەگرین، ئەوە
دەکرێت بەرەو هەموو جەستەکە بچین.

زمانی ناڕاست

۳ ئەی، برایانم، با زۆر مامۆستا نەبن، چونکە دەزانن ئێمە
دەبێت قورسترین سزا وەربگرین. ۲ ئێمە هەموومان زۆر
هەڵەدەکەین؛ ئەگەر کەسێک لە قسەکردنیدا هەڵە نەکات،
ئەوە پیاوێکی تەواو و توانادارە، دەتوانێت لەشی تەواوی
خۆی کۆنترۆڵ بکات. ۳ ئەگەر ئێمە لەگەڵ ئەسپەکان
دەیانخەینە ژێر ئەو ئارەزووەی گوێڕایەڵیمان بکەن، ئەوا
ئێمە دەتوانین ڕێگەیان پێبدەین بە هەموو جەستەیاندا
بڕۆن. ۴ هەروەها بڕوانە کەشتییەکان، هەرچەندە زۆر
گەورەن و بە توندوتیژی لەلایەن بایەکی بەهێزەوە
دەڕۆن، بەڵام بە سوکانێکی زۆر بچووک ئاڕاستە
دەکرێن بەو شوێنەی کە ئامێری ڕێنمایی دەیەوێت.
۵ بەهەمان شێوە، زمانیش ئەندامێکی بچووکە، بەڵام
شانازی بە شتە گەورەکانەوە دەکات. بڕوانە چۆن
ئاگرێکی بچووک دەتوانێت دارستانێکی گەورە بسووتێنێت!
۶ زمان ئاگرێکە، جیهانێکی خراپەکارییە. زمان
لەناو ئەندامەکانماندا جێگیر دەبێت و هەموو جەستەکە
پیس دەکات، هەموو ژیانمان بە ئاگر هەڵدەگیرسێنێت،
خۆشی لەلایەن دۆزەخەوە ئاگر تێبەر دەدرێت.)
۷ مرۆڤ توانای ڕاوکردن و کۆنترۆڵکردنی هەموو جۆرە
ئاژەڵ و باڵندە و مار و گیانلەبەرانی دەریای هەیە،
۸ بەڵام هیچ مرۆڤێک ناتوانێت زمان کۆنترۆڵ بکات.
زمان خراپەکارێکی ناوەستە و پڕە لە ژەهری کوشندە.
۹ بە زمان ستایشی خودای باوک دەکەین، بەڵام بە هەمان
زمان نەفرەت لە مرۆڤەکان دەکەین، کە لە شێوەی خودا
دروستکراون. ۱۰ ستایش و نەفرەت لە یەک دەمدا لە یەک
سەرچاوەوە دێن. برایانم، ئەمە نابێت ئاوا بێت.

۳:۴p ئەیوب ۱۵:۴

بقر، إن كان ذكرًا أو أنثى، فإنه يقدمه صحيحًا أمام الرب.
٢ ويضع يده على رأس ذبيحته، ويذبحها أمام خيمة الاجتماع، ويرش بنو هرون الكهنة الدم على المذبح من كل جهاته.
٣ ثم يقدم من ذبيحة السلامة وقودًا للرب: الشحم الذي يغطي الأحشاء، وكل الشحم الذي على الأحشاء،
٤ والكليتين والشحم الذي عليهما عند الخاصرتين، والزيادة على الكبد مع الكليتين يقطعها.
٥ ويحرقها بنو هرون على المذبح على المحرقة التي على الحطب الذي على النار، وقودًا رائحة سرور للرب.

٦ وإن كان من الغنم قربانه لذبيحة السلامة للرب، ذكرًا أو أنثى، فصحيحًا يقدمه.
٧ إن كان خروفًا يقدمه أمام الرب،
٨ ويضع يده على رأس قربانه، ويذبحه أمام خيمة الاجتماع، ويرش بنو هرون دمه على المذبح من كل جهاته.
٩ ثم يقدم من ذبيحة السلامة وقودًا للرب: شحمها، الإلية كلها صحيحًا عند عجز العصعص، والشحم الذي يغطي الأحشاء، وكل الشحم الذي على الأحشاء،
١٠ والكليتين والشحم الذي عليهما عند الخاصرتين، والزيادة على الكبد مع الكليتين يقطعها.
١١ ويحرقها الكاهن على المذبح طعام وقود للرب.

١٢ وإن كان قربانه تيسًا، فيقدمه أمام الرب،
١٣ ويضع يده على رأسه، ويذبحه أمام خيمة الاجتماع، ويرش بنو هرون دمه على المذبح من كل جهاته.
١٤ ثم يقدم منه قربانه قربانًا للوقود للرب: الشحم الذي يغطي الأحشاء، وكل الشحم الذي على الأحشاء،
١٥ والكليتين والشحم الذي عليهما عند الخاصرتين، والزيادة على الكبد مع الكليتين يقطعها.
١٦ ويحرقها الكاهن على المذبح طعام وقود رائحة سرور. كل الشحم للرب.
١٧ فريضة دهر في أجيالكم في جميع مساكنكم: لا تأكلوا شحمًا ولا دمًا.

شريعة الخطية

٤ وكلم الرب موسى قائلًا:
٢ كلم بني إسرائيل قائلًا: إذا أخطأت نفس سهوًا في شيء من جميع أوامر الرب التي لا ينبغي أن تعمل، وعمل واحدة منها،
٣ إن كان الكاهن الممسوح يخطئ حسب خطية الشعب، فليقرب عن خطيته التي أخطأ بها ثورًا ابن بقر صحيحًا للرب ذبيحة خطية.
٤ ويقدم الثور إلى باب خيمة الاجتماع أمام الرب، ويضع يده على رأس الثور، ويذبح الثور أمام الرب.
٥ ويأخذ الكاهن الممسوح من دم الثور ويدخله إلى خيمة الاجتماع،
٦ ويغمس الكاهن إصبعه في الدم، ويرش من الدم سبع مرات أمام الرب قدام حجاب القدس.
٧ ويجعل الكاهن من الدم على قرون مذبح البخور العطر أمام الرب الذي في خيمة الاجتماع، وكل دم الثور يسكبه عند أساس مذبح المحرقة الذي باب خيمة الاجتماع.
٨ وكل شحم ثور ذبيحة الخطية يرفع منه: الشحم الذي يغطي الأحشاء، وكل الشحم الذي على الأحشاء،
٩ والكليتين والشحم الذي عليهما عند الخاصرتين، والزيادة على الكبد مع الكليتين يقطعها،
١٠ كما ترفع من ثور ذبيحة السلامة، ويحرقها الكاهن على مذبح المحرقة.
١١ وجلد الثور وكل لحمه مع رأسه وأكارعه وأحشائه وفرثه،
١٢ وكل الثور يخرجه إلى خارج المحلة إلى مكان طاهر حيث يلقى الرماد، ويحرقه على الحطب بالنار. على مكان إلقاء الرماد يحرق.

٣:١٢ q لاويين ١٤:١-٣؛ ٥٣:١-٣ ٣:١٣ r لاويين ٥:٩؛ ٤٠:٣

٣:١٤ s لاويين ١٠:٧ ٣:١٧ t تثنية ٥٩:٧-٨ ٣:١٨ u لاويين ٣٦:١

قصب صوحيلا بصب حتفقط حبذ صوذنئا دبلا حبتد صتسئ،
٢٥ صو دئكئا صلا حبحد. حصلا لاصئصوصا حبذ لاصئا سوصا صلا جبلصوصا لاصئا دئكئا صو
دصسوا ئصبصوصا، صتحت حصذبحصا لاصئا دبلا سلصئا صلا لاصئصوصا دئصحد.
٢٦ صوصوا صلا ئصبصوصا دئصحد لاصئا دئكئا، حبذ، لاصئا صلا ئصبصوصا صو صو
حلحل لحصحيصوصا دئصحد لاصئا دئكئا صلا حلحل لحصحيصوصا دئصحد
دصوصم حصذبحصا. ٢٧ صص ئصبصوصا صلا لاصئا صلا حلحل لحصحيصوصا دئصحد
حبذ. صا حلحل لحصحيصوصا دئصحد لاصئا صلا ئصبصوصا دئصحد لاصئا
ئصبصوصا دئصحد لاصئا صلا حلحل لحصحيصوصا دئصحد لاصئا صلا ئصبصوصا
٢٨ صتحت لحصحيصوصا دئصحد لاصئا صلا ئصبصوصا دئصحد لاصئا صلا
حلحل لحصحيصوصا دئصحد لاصئا صلا ئصبصوصا دئصحد لاصئا صلا ئصبصوصا
٢٩ صلا ئصبصوصا دئصحد لاصئا صلا ئصبصوصا دئصحد لاصئا صلا ئصبصوصا
دئصحد لاصئا صلا ئصبصوصا دئصحد لاصئا صلا ئصبصوصا دئصحد لاصئا
٣٠ صتحت لاصئا صلا ئصبصوصا دئصحد لاصئا صلا ئصبصوصا دئصحد لاصئا
صلا ئصبصوصا دئصحد لاصئا صلا ئصبصوصا دئصحد لاصئا صلا ئصبصوصا
٣١ صلا ئصبصوصا دئصحد لاصئا صلا ئصبصوصا دئصحد لاصئا صلا ئصبصوصا
دئصحد لاصئا صلا ئصبصوصا دئصحد لاصئا صلا ئصبصوصا دئصحد لاصئا

ڕێگەی بۆ ئامادە بکەن، ٧ هەروەها ئەو ڕەشمێڵەی کە
ڕووناکی لەسەر دادەنێن و پاشان پێستێکی
بەراز بەسەریدا دادەپۆشن و دواتر ئەو
شتانەی کە پێویستە هەڵیانگرن.

٨ هارون و کوڕەکانی دەبێ ئەو کارانە بکەن. ٩ ئێوە
دەبێ هیچ شتێک لە پیرۆزگاکە و لە هەموو
ئامێرەکانی پیرۆزگاکە بشارنەوە؟ ئامێرەکانی
ڕووناکی و چرا و ئامێرەکانی تر و هەموو
ئامێرەکانی پێویستە بۆ کارکردن لە پیرۆزگاکە.
١٠ پاشان هارون و کوڕەکانی دەبێ هەموو
ئامێرەکانی پیرۆزگاکە بپێچنەوە بە پێستی
بەراز و بیخەنە سەر هێڵکارێک. ١١ پاشان
دەبێ ڕەشمێڵێکی ئاڵتوونی بخەنە سەر
سندووقی ڕێککەوتنەکە و بە پێستی بەراز
داپۆشن و دواتر ئەو دارانەی بۆ هەڵگرتنی
سندووقەکە دەچەسپێنن. ١٢ هەموو ئامێرەکانی
خزمەتکردن لە پیرۆزگاکە بگرن و بیخەنە
ناو ڕەشمێڵێکی ئاڵتوونی و بە پێستی بەراز
داپۆشن و دواتر لەسەر هێڵکارێک دایبنێن.
١٣ پاشان خۆڵەمێشی قوربانگا لاببەن و
ڕەشمێڵێکی مۆر بەسەریدا بڵاو بکەنەوە.
١٤ هەموو ئامێرەکانی خزمەتکردن لەسەر
قوربانگا، وەک ئامێرەکانی ئاگردان و
چەقۆکان و بەلەمەکان و کاسەکان، هەموو
ئامێرەکانی قوربانگا، دەبێ پێستی بەرازیان
بەسەردا بڵاو بکەنەوە و دواتر دارەکانی
هەڵگرتنیان بچەسپێنن. ١٥ کاتێک هارون و
کوڕەکانی کارەکانی پیرۆزگا و هەموو
ئامێرەکانی پیرۆزگا تەواو دەکەن، کاتێک
ئامادەکاری بۆ کۆچکردن دەکەن، ئەوا
کۆهاتەکانی قەلغان دێن بۆ هەڵگرتنی، بەڵام
ئەوان نابێ هیچ شتێکی پیرۆز دەست پێ
بکەن، نەوەک بمرن. ئەمانە ئەو شتانەن کە
کۆهاتەکانی قەلغان هەڵیانگرن.

ئەرکەکانی لاوی ئەلعازار و ئیثامار

١٦ ئەلعازاری کوڕی هارونی کاهین
بەرپرسیارە لە ڕۆنی چرا و بۆنخۆشی و
قوربانی ئارد و ڕۆنی مەسح و هەموو
ئامێرەکانی پیرۆزگا و هەموو ئەو شتانەی
تێیدان. ١٧ پاشان یەزدان بە موسا و هارونی
فەرموو: ١٨ نابێ هۆزی خێزانەکانی کۆهاتیان
لە نێو لاوییەکان لەناو بچێت. ١٩ بەڵام ئەمە
بکەن بۆ ئەوەی ژیان بکەن و نەمرن کاتێک
نزیک دەبنەوە لە پیرۆزترین شتەکان:
هارون و کوڕەکانی دەبێ بچنە ناو
پیرۆزگاکە و هەر کەسێک بۆ کارێک یان بۆ
هەڵگرتنی بارێک دیاری دەکەن، ٢٠ بەڵام
نابێ هیچ کەسێک بچێتە ناو پیرۆزگاکە و
ئەو شتانە ببینێت کە دادەپۆشرێن، نەوەک
بمرێت.

٨:٣ ژمارە ٣٢:١-٢ ١٣:٤ دەرچوون ١٧:٤-٦؛ ٢٢:١٧-١٨

وبنو بنيامين وحشيم وبكر وعيرام. ١٠ بنو يصهار زخري وقورح ونافث.
وبنو زبولون سارد وايلون ويحلئيل. ١١ هؤلاء عشائر بني يعقوب
كلهم سبعة وستون نفسا. ١٢ وبنو يوسف منسى وافرايم. وبنو راحيل
بنيامين ونفتالي وجاد واشير. ١٣ وبنو ايلون سارد وايلون ويحلئيل.
هؤلاء عشائر بني بلهة. ١٤ وبنو افرايم شوثالح وباكر وتحن. ١٥ وبنو
شوثالح عيران. وبنو عيران عشائر عيرانيين. ١٦ وبنو جاد صفيون
وحجي وشوني واصبون وعيري وارودي وارئيلي. ١٧ وبنو اشير يمنة
وايشوي وبريعة واخت سارح. وبنو بريعة حابر وملكيئيل. ١٨ واخت
سارح يمنع وايشوي وايشوي وبريعة. ١٩ وبنو شميدع اخيعزر وشكم
ولقي وانيعام. ٢٠ وبنو افرايم شوثالح بارد ابنه وتحث ابنه واليعادة
ابنه وتحث ابنه وزابد ابنه. ٢١ وزابد ابنه وشوثالح ابنه وعازر وايلعاد
قتلهم اهالي جت الذين ولدوا هذه الارض لانهم نزلوا ليأخذوا
مواشيهم. ٢٢ فناح عليهم افرايم ابوهم ايلة ايام كثيرة وجاء اخوته
ليعزوه. ٢٣ ودخل على امرأته فحبلت وولدت ابنا فدعا اسمه بريعة
لانه ساء في بيته. ٢٤ وبنته شيرة بنت سفلة وعزيئيل وعزيئيل
واوزن شيرة. ٢٥ وبنو رافح رافح وتالح وتحن. ٢٦ وبنو لعدان عميهود
ابنه واليشمع ابنه. ٢٧ ونون ابنه ويهوشع ابنه. ٢٨ وملكهم وبيت ايل
وبناتها وشرقا عزر وبناتها وغربا يافلطي وبناتها وشكم وبناتها الى
عزة وبناتها. ٢٩ وعلى تخوم بني منسى بيت شان وبناتها تعنك
وبناتها مجدو وبناتها دور وبناتها. في هذه سكن بنو يوسف بن
اسرائيل.

صلاة داود

٣٠ ١ كلمات صلاة داود. ها انا اطرح تضرعي امامك يا رب. ٢ اغسلني
كثيرا من اثمي ومن خطيتي طهرني. ٣ لاني انا عارف بمعاصي وخطيتي
امامي دائما. ٤ اليك وحدك اخطأت والشر قدامك صنعت لكي تتبرر
في اقوالك وتغلب في قضائك. ٥ ها انا بالاثم صورت وبالخطية حبلت
بي امي. ٦ ها انك قد سررت بالحق في الباطن وفي الخفاء تعرفني
حكمة. ٧ تطهرني بالزوفا فاطهر. تغسلني فابيض اكثر من الثلج.
٨ تسمعني سرورا وفرحا فتبتهج عظام سحقتها. ٩ استر وجهك عن
خطاياي وامح كل اثامي. ١٠ قلبا نقيا اخلق في يا الله وروحا مستقيما
جدد في. ١١ لا تطرحني من امام وجهك وروحك القدوس لا تنزعه
مني. ١٢ رد لي بهجة خلاصك وبروح منتدبة اعضدني. ١٣ فاعلم
طرقك للاثمة فيرجع اليك الخطاة. ١٤ نجني من الدماء يا الله اله
خلاصي فيترنم لسانى بعدلك. ١٥ يا سيد افتح شفتي فيخبر فمي
بتسبحتك. ١٦ لانك لو سررت بذبيحة لكنت اقدمها. بمحرقة لا ترضى.
١٧ ذبائح الله روح منسحق. القلب المنسحق المنكسر يا الله لا تذل.

٥:١٧ لاويين ٤:١٨ ٥:١٥ لاويين ٤:١٩ ١٧:١٧ لاويين

٤:٢٢ تكوين ٦:١٥ لاويين

ذ٥:٣ وَلَا تَحْلِفُوا بِاسْمِي كَاذِبًا فَتُدَنِّسُوا اسْمَ إِلٰهِكُمْ. أَنَا الرَّبُّ. ٤ لَا تُبْغِضْ أَخَاكَ فِي قَلْبِكَ، بَلْ وَبِّخْ صَاحِبَكَ وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْهِ خَطِيَّةً. ٥ لَا تَنْتَقِمْ وَلَا تَحْقِدْ عَلَى أَبْنَاءِ شَعْبِكَ، بَلْ أَحِبَّ قَرِيبَكَ كَنَفْسِكَ. أَنَا الرَّبُّ. ٦ اِحْفَظُوا فَرَائِضِي. لَا تُزَاوِجْ بَهِيمَتَكَ بِنَوْعٍ آخَرَ، وَلَا تَزْرَعْ حَقْلَكَ بِنَوْعَيْنِ مِنَ الْبُذُورِ، وَلَا تَلْبَسْ ثَوْبًا مَنْسُوجًا مِنْ نَوْعَيْنِ مِنَ الْغَزْلِ. ٧ وَإِذَا اضْطَجَعَ رَجُلٌ مَعَ امْرَأَةٍ اضْطِجَاعَ زَوْجٍ وَكَانَتْ جَارِيَةً مَخْطُوبَةً لِرَجُلٍ وَلَمْ تُفْدَ وَلَمْ تُعْتَقْ عِتْقًا، فَلْيُعَاقَبَا. لَا يُقْتَلَانِ لأَنَّهَا لَمْ تُعْتَقْ. ٨ وَيُقَدِّمُ ذَبِيحَةَ إِثْمِهِ لِلرَّبِّ إِلَى بَابِ خَيْمَةِ الاجْتِمَاعِ، كَبْشًا ذَبِيحَةَ إِثْمٍ. ٩ وَيُكَفِّرُ عَنْهُ الْكَاهِنُ بِكَبْشِ الذَّبِيحَةِ أَمَامَ الرَّبِّ عَنْ خَطِيَّتِهِ الَّتِي أَخْطَأَ، فَيُغْفَرُ لَهُ عَنْ خَطِيَّتِهِ الَّتِي أَخْطَأَ. ١٠ وَإِذَا دَخَلْتُمْ أَرْضًا وَغَرَسْتُمْ كُلَّ شَجَرَةٍ مَأْكَلٍ، فَاحْسِبُوا ثَمَرَهَا غُرْلَةً. ثَلَاثَ سِنِينَ يَكُونُ لَكُمْ غُرْلَةً. لَا يُؤْكَلُ. ١١ وَفِي السَّنَةِ الرَّابِعَةِ كُلُّ ثَمَرِهَا يَكُونُ قُدْسًا تَهْلِيلًا لِلرَّبِّ. ١٢ وَفِي السَّنَةِ الْخَامِسَةِ تَأْكُلُونَ ثَمَرَهَا، لِكَيْ تَزِيدَ لَكُمْ غَلَّتُهَا. أَنَا الرَّبُّ إِلٰهُكُمْ.

لا تسرق ولا تغش ولا تكذب

١٣ لَا تَظْلِمْ قَرِيبَكَ وَلَا تَسْلُبْهُ. لَا تَبِتْ أُجْرَةُ الأَجِيرِ عِنْدَكَ إِلَى الْغَدِ. ١٤ لَا تَشْتِمِ الأَصَمَّ وَقُدَّامَ الأَعْمَى لَا تَضَعْ مَعْثَرَةً، بَلْ تَخْشَى إِلٰهَكَ. أَنَا الرَّبُّ.

ذ٥:١٢ ج تث ١٨:١٥ ٦:٣

ויהי בשנת מות המלך עזיהו וראה את אדני יושב על כסא רם ונשא ושוליו מלאים את ההיכל׃ 2 שרפים עומדים ממעל לו שש כנפות לאחד שש כנפות לאחד בשתים יכסה פניו ובשתים יכסה רגליו ובשתים יעופף׃ 3 וקרא זה אל זה ואמר קדוש קדוש קדוש יהוה צבאות מלא כל הארץ כבודו׃ 4 ויתנועעו אמות הספים מקול הקורא ובית ימלא עשן׃ 5 ואמר אוי לי כי נדמיתי כי איש טמא שפתים אנכי ובתוך עם טמא שפתים אנכי יושב כי את המלך יהוה צבאות ראו עיני׃ 6 ויעף אלי אחד מן השרפים ובידו רצפה במלקחים לקח מעל המזבח׃ 7 ויגע על פי ויאמר הנה נגע זה על שפתיך וסר עונך וחטאתך תכופר׃ 8 ואשמע את קול אדני אמר את מי אשלח ומי ילך לנו ואמר הנני שלחני׃ 9 ויאמר לך ואמרת לעם הזה שמעו שמוע ואל תבינו וראו ראו ואל תדעו׃ 10 השמן את לב העם הזה ואזניו הכבד ועיניו השע פן יראה בעיניו ובאזניו ישמע ולבבו יבין ושב ורפא לו׃ 11 ואמר עד מתי אדני ויען אם אין עד אשר תשוממנה ערים מאין יושב ובתים מאין אדם והאדמה תשומם שממה׃ 12 ורחק יהוה את האדם והרבה העזובה בקרב הארץ׃ 13 ועוד בה עשירית ושבה והיתה לבער כאלה וכאלון אשר בשלכת מצבת בם זרע קדש מצבתה׃

ישעיהו בן אחז, מלך יהודה

7 ויהי בימי אחז בן יותם בן עזיהו מלך יהודה עלה רצין מלך ארם ופקח בן רמליהו מלך ישראל ירושלם למלחמה עליה ולא יכול להלחם עליה׃ 2 ויגד לבית דוד לאמר נחה ארם על אפרים וינע לבבו ולב עמו כנוע עצי היער מפני הרוח׃ 3 ויאמר יהוה אל ישעיהו צא נא לקראת אחז אתה ושאר ישוב בנך אל קצה תעלת הברכה העליונה אל מסלת שדה כובס׃ 4 ואמרת אליו השמר והשקט אל תירא ולבבך אל ירך מפני שני זנבות האשתים האלה מפני חרון אף רצין וארם ובן רמליהו׃ 5 יען כי יעץ עליך ארם רע אפרים ובן רמליהו לאמר׃ 6 נעלה ביהודה ונקיצנה ונבקענה אלינו ונמליך מלך בתוכה את בן טבאל׃ 7 כה אמר אדני יהוה לא תקום ולא תהיה׃ 8 כי ראש ארם דמשק ורצין בעוד שלשים וחמש שנה יחתת מעם׃ 9 וראש אפרים שמרון וראש שמרון בן רמליהו אם לא תאמינו כי לא תאמנו׃ 10 ויסף יהוה דבר אל אחז לאמר׃ 11 שאל לך אות מעם יהוה אלהיך העמק שאלה או הגבה למעלה׃ 12 ויאמר אחז לא אשאל ולא אנסה את יהוה׃ 13 ויאמר שמעו נא בית דוד המעט מכם הלאות אנשים כי תלאו גם את אלהי׃ 14 לכן יתן אדני הוא לכם אות הנה העלמה הרה וילדת בן וקראת שמו עמנואל׃ 15 חמאה ודבש יאכל לדעתו מאוס ברע ובחור בטוב׃ 16 כי בטרם ידע הנער מאוס ברע ובחור בטוב תעזב האדמה אשר אתה קץ מפני שני מלכיה׃ 17 יבא יהוה עליך ועל עמך ועל בית אביך ימים אשר לא באו למיום סור אפרים מעל יהודה את מלך אשור׃ 18 והיה ביום ההוא ישרק יהוה לזבוב אשר בקצה יארי מצרים ולדבורה אשר בארץ אשור׃ 19 ובאו ונחו כלם בנחלי הבתולים ובנקיקי הסלעים ובכל הנהלים ובכל השיחים׃ 20 ביום ההוא יגלח אדני בתער השכירה בעברי נהר בכלך אשור את הראש ושער הרגלים ואף את הזקן תספה׃ 21 והיה ביום ההוא יחיה איש עגלת בקר ושתי הצאן׃ 22 והיה מרב עשות חלב יאכל חמאה כי חמאה ודבש יאכל כל הנותר בקרב הארץ׃ 23 והיה ביום ההוא כל מקום אשר יהיו שם אלף גפן באלף כסף לשמיר ולשית תהיה׃ 24 בחצים וקשת יבא שמה כי שמיר ושית תהיה כל הארץ׃ 25 וכל ההרים אשר בעדר יעדרון לא תבוא שמה יראת שמיר ושית והיתה למשלח שור ולמרמס שה׃

ישעיהו ומהר שלל חש בז

8 ויאמר יהוה אלי קח לך גליון גדול וכתב עליו בחרט אנוש למהר שלל חש בז׃ 2 ואעידה לי עדים נאמנים את אוריה הכהן ואת זכריהו בן יברכיהו׃ 3 ואקרב אל הנביאה ותהר ותלד בן ויאמר יהוה אלי קרא שמו מהר שלל חש בז׃ 4 כי בטרם ידע הנער קרא אבי ואמי ישא את חיל דמשק ואת שלל שמרון לפני מלך אשור׃ 5 ויסף יהוה דבר אלי עוד לאמר׃ 6 יען כי מאס העם הזה את מי השלח הולכים לאט ואת רצין ובן רמליהו משוש׃ 7 לכן הנה אדני מעלה עליהם את מי הנהר עזים ורבים את מלך אשור ואת כל כבודו ועלה על כל אפיקיו והלך על כל גדותיו׃ 8 ועבר ביהודה שטף ועבר עד צואר יגיע והיה מטות כנפיו מלא רחב ארצך עמנואל׃ 9 רועו עמים ותחתו והאזינו כל מרחקי ארץ התאזרו ותחתו התאזרו ותחתו׃ 10 עצו עצה ותפר דברו דבר ולא יקום כי עמנו אל׃ 11 כי כה אמר יהוה אלי בחזקת היד ויסרני מלכת בדרך העם הזה לאמר׃ 12 אל תאמרו קשר לכל אשר יאמר העם הזה קשר ואת מוראו אל תיראו ואל תערצו׃ 13 את יהוה צבאות אתו תקדישו והוא מוראכם והוא מערצכם׃ 14 והיה למקדש ולאבן נגף ולצור מכשול לשני בתי ישראל לפח ולמוקש ליושב ירושלם׃ 15 וכשלו בם רבים ונפלו ונשברו ונוקשו ונלכדו׃ 16 צור עדות תורה בלמד בתורתי׃ 17 וחכיתי ליהוה המסתיר פניו מבית יעקב וקויתי לו׃ 18 הנה אנכי והילדים אשר נתן לי יהוה לאתות ולמופתים בישראל מעם יהוה צבאות השכן בהר ציון׃ 19 וכי יאמרו אליכם דרשו אל האבות ואל הידעונים המצפצפים והמהגים הלוא עם אל אלהיו ידרש בעד החיים אל המתים׃ 20 לתורה ולתעודה אם לא יאמרו כדבר הזה אשר אין לו שחר׃ 21 ועבר בה נקשה ורעב והיה כי ירעב והתקצף וקלל במלכו ובאלהיו ופנה למעלה׃ 22 ואל ארץ יביט והנה צרה וחשכה מעוף צוקה ואפלה נדחה׃

ישוע, מלך השלום

9 כי לא מועף למוצקה כעת הראשון הקל אדמת זבולן וארמת נפתלי והאחרון הכביד דרך הים עבר הירדן גלילת הגוים׃ 2 העם ההלכים בחשך ראו אור גדול יושבי בארץ צלמות אור נגה עליהם׃ 3 הרבית הגוי לא הגדלת השמחה שמחו לפניך כשמחת בקציר כאשר יגילו בחלקם שלל׃ 4 כי את עול סבלו ואת מטה שכמו שבט נגשו הפרת כיום מדין׃ 5 כי כל סאן סואן ברעש ושלמה מגולגל והיתה למוקדת אש מאכלת אש׃ 6 כי ילד ילד לנו בן נתן לנו ותהי המשרה על שכמו וייקרא שמו פלא יועץ אל גבור אבי עד שר שלום׃ 7 למרבה המשרה ולשלום אין קץ על כסא דוד ועל ממלכתו להכינה ולסעדה במשפט ובצדקה מעתה ועד עולם קנאת יהוה צבאות תעשה זאת׃ 8 דבר שלח אדני ביעקב ונפל בישראל׃ 9 וידעו כל העם אפרים ויושב שמרון בגאון ובגדל לבב לאמר׃ 10 לבנים נפלו וגזית נבנה שקמים גדעו וארזים נחליף׃ 11 ויגב יהוה את צרי רצין עליו וסכסך את אויביו׃ 12 ארם מקדם ופלשתים מאחור ויאכלו את ישראל בכל פה בזאת לא שב אפו ועוד ידו נטויה׃ 13 והעם לא שב עד המכהו ואת יהוה צבאות לא דרשו׃ 14 ויכרת יהוה מישראל ראש וזנב כפה וגמא יום אחד׃ 15 הזקן והנשוא הוא הראש והנביא מורה שקר הוא הזנב׃ 16 והיו מאשרי העם הזה מתעים ומאשריו מבלעים׃ 17 על כן על בחוריו לא ישמח אדני ואת יתומיו ואת אלמנותיו לא ירחם כי כלם חנף ומרע וכל פה דבר נבלה בזאת לא שב אפו ועוד ידו נטויה׃ 18 כי בערה כרשעה אש שמיר ושית תאכל ותצת בסבכי היער ויתאבכו בגיא עשן׃ 19 בעברת יהוה צבאות נעתם עם ותהי העם כמאכלת אש איש על אחיו לא יחמולו׃ 20 ויגזר על ימין ורעב ואכל על שמאל ולא תשבענה איש בשר זרעו יאכלו׃ 21 מנשה את אפרים ואפרים את מנשה יחדו הם על יהודה בזאת לא שב אפו ועוד ידו נטויה׃

אשור, שוט אפי

10 הוי חקקי חוקי און ומכתבים עמלי כתבו׃ 2 להטות מדין דלים ולגזל משפט עניי עמי למען יהיו אלמנות שללם ויתומים יבוזו׃ 3 ומה תעשו ליום פקדה ולשואה מרחוק תבוא על מי תנוסו לעזרה ואנה תעזבו כבודכם׃ 4 בל אין כרע תחת אסיר ותחת הרוגים יפלו בזאת לא שב אפו ועוד ידו נטויה׃ 5 הוי אשור שבט אפי ומטה הוא בידם זעמי׃ 6 אל גוי חנף אשלחנו ועל עם עברתי אצוה לשלל שלל ולבז בז ולשום מדרס לרמס כטיט חוצות׃ 7 והוא לא כן יחשב ולבבו לא כן ידמה כי אם להשמיד ולהכרית גוים לא מעטים׃ 8 כי יאמר הלא שרי יחדו מלכים׃ 9 הלא כאשר כרכמיש כן חמת אם לא כארפד כן שמרין אם לא כדמשק כן שמרון׃ 10 כאשר מצאה ידי ממלכות האלילים ופסיליהם מירושלם ומשמרון׃ 11 הלא כאשר עשיתי לשמרון ולאליליה כן אעשה לירושלם ולעציביה׃ 12 והיה כי יכלה אדני את כל מעשהו בהר ציון ובירושלם אפקד על פרי גדל לבב מלך אשור ועל תפארת רום עיניו׃ 13 כי אמר בכח עשיתי ובחכמתי כי נבנתי ואסיר גבולות עמים ואוצרותיהם שללתי ואוריד כאביר יושבים׃ 14 ותמצא כקן ידי חיל העמים וכאסף ביצים עזובות אני אספתי כל הארץ ואין נוסף כנף ופצה פה ומצפצף׃ 15 התתאדר הגרזן על החוצב בו אם יתגדל המגרה על מניפיו כמטה שבט את מרימיו כמטה את אשר אינו עץ׃ 16 לכן יאמר האדון יהוה צבאות במשמניו רזון ותחת כבודו יקד יקוד כיקוד אש׃ 17 והיה אור ישראל לאש וקדושו ללהבה ובערה ואכלה שיתו ושמיריו ביום אחד׃ 18 וכבוד יערו וכרמלו מנפש ועד בשר יכלה והיה כמסס נס׃ 19 ושאר עצי יערו מספר יהיו ונער יכתבם׃ 20 והיה ביום ההוא לא יוסיף עוד שארית ישראל ופליטת בית יעקב להשען על מכהו והשען על יהוה קדוש ישראל באמת׃ 21 שאר ישוב שאר יעקב אל אל גבור׃ 22 כי אם יהי עמך ישראל כחול הים שאר בו ישוב כלה חרוצה שוטף צדקה׃ 23 כי כלה ונחרצה אדני יהוה צבאות עשה בקרב כל הארץ׃ 24 לכן כה אמר אדני יהוה צבאות אל תיראי עמי יושב ציון מאשור בשבט יכך ומטהו נשא עליך בדרך מצרים׃ 25 כי עוד מעט מזער ותם זעם ואפי על כלותם׃ 26 והעיר עליו יהוה צבאות שוט כמכת מדין בצור עורב ומטהו על הים ונשאו בדרך מצרים׃ 27 והיה ביום ההוא יסור סבלו מעל שכמך ועלו מעל צוארך ונשחת עול מפני שמן׃ 28 בא על עית עבר במגרון למכמש יפקיד כליו׃ 29 עברו מעברה גבע מון לנו לרמה חרדה שאול גבעת שאול נסה׃ 30 צהלי בת גלים הקשיבי לישה ענתות׃ 31 נדדה מדמינה יושבי הגבים העזו׃ 32 עוד היום בנוב לעמד יניף ידו הר בת ציון גבעת ירושלם׃ 33 הנה האדון יהוה צבאות מסעף פארה במערצה והגבהי הקומה גדועים ורמי הגבה שפלו׃ 34 וסבך היער בברזל יגדעו והלבנון באדיר יפול׃

ישוע, שורש ישי

11 וחטר מגזע ישי ונצר משרשיו יפרה׃ 2 ונחה עליו רוח יהוה רוח חכמה ובינה רוח עצה וגבורה רוח דעת ויראת יהוה׃ 3 והריחו ביראת יהוה ולא למראה עיניו ישפוט ולא למשמע אזניו יוכיח׃ 4 ושפט בצדק דלים והוכיח במישור לענוי ארץ והכה ארץ בשבט פיו וברוח שפתיו ימית רשע׃ 5 והיה צדק אזור מתניו והאמונה אזור חלציו׃ 6 וגר זאב עם כבש ונמר עם גדי ירבץ ועגל וכפיר ומריא יחדו ונער קטן נהג בם׃ 7 ופרה ודב תרעינה יחד ירבצו ילדיהן ואריה כבקר יאכל תבן׃ 8 ושעשע יונק על חר פתין ועל מאורת צפעוני גמול ידו הדה׃ 9 לא ירעו ולא ישחיתו בכל הר קדשי כי מלאה הארץ דעה את יהוה כמים לים מכסים׃ 10 והיה ביום ההוא שרש ישי אשר עמד לנס לעמים אליו גוים ידרשו והיתה מנוחתו כבוד׃ 11 והיה ביום ההוא יוסיף אדני שנית ידו לקנות את שארית עמו אשר ישאר מאשור וממצרים ומפתרוס ומכוש ומעילם ומשנער ומחמת ומאיי הים׃ 12 ונשא נס לגוים ואסף נדחי ישראל ונפוצות יהודה יקבץ מארבע כנפות הארץ׃ 13 וסרה קנאת אפרים וצרי יהודה יכרתו אפרים לא יקנא את יהודה ויהודה לא יצר את אפרים׃ 14 ועפו בכתף פלשתים ימה יבזו יחד את בני קדם אדום ומואב משלוח ידם ובני עמון משמעתם׃ 15 והחרים יהוה את לשון ים מצרים והניף ידו על הנהר ברוחו והכהו לשבעה נחלים והדריך בנעלים׃ 16 והיתה מסלה לשארית עמו אשר ישאר מאשור כאשר היתה לישראל ביום עלתו מארץ מצרים׃

שירת ישעיהו

12 ואמרת ביום ההוא אודך יהוה כי אנפת בי ישב אפך ותנחמני׃ 2 הנה אל ישועתי אבטח ולא אפחד כי עזי וזמרת יה יהוה ויהי לי לישועה׃ 3 ושאבתם מים בששון ממעיני הישועה׃ 4 ואמרתם ביום ההוא הודו ליהוה קראו בשמו הודיעו בעמים עלילותיו הזכירו כי נשגב שמו׃ 5 זמרו ליהוה כי גאות עשה מודעת זאת בכל הארץ׃ 6 צהלי ורני יושבת ציון כי גדול בקרבך קדוש ישראל׃

משא בבל

13 משא בבל אשר חזה ישעיהו בן אמוץ׃ 2 על הר נשא נס הרימו קול להם הניפו יד ויבאו פתחי נדיבים׃ 3 אני צויתי למקדשי גם קראתי גבורי לאפי עליזי גאותי׃ 4 קול המון בהרים דמות עם רב קול שאון ממלכות גוים נאספים יהוה צבאות פקד צבא מלחמה׃ 5 באים מארץ מרחק מקצה השמים יהוה וכלי זעמו להשחית כל הארץ׃ 6 הילילו כי קרוב יום יהוה כשד משדי יבוא׃ 7 על כן כל ידים תרפינה וכל לב אנוש ימס׃ 8 ונבהלו צרות וחבלים יאחזון כיולדה תחולנה איש אל רעהו יתמהו פני להבות פניהם׃ 9 הנה יום יהוה בא אכזר ועברה וחרון אף לשום הארץ לשמה ואת חטאיה ישמיד ממנה׃ 10 כי כוכבי השמים וכסיליהם לא יהלו אורם חשך בצאתו מזרח וירח לא יגיה אורו׃ 11 ופקדתי על תבל רעה ועל רשעים עונם והשבתי גאון זדים וגבהות עריצים אשפיל׃ 12 אקר אנוש מפז ואדם מכתם אופיר׃ 13 על כן שמי ארגיז ותרעש הארץ ממקומה בעברת יהוה צבאות וביום חרון אפו׃ 14 והיה כצבי מרדף וכצאן אין מקבץ איש אל עמו יפנו ואיש אל ארצו ינוסו׃ 15 כל הנמצא ידקר וכל הנספה יפל בחרב׃ 16 ועולליהם ירטשו לעיניהם בזה בתיהם תשסינה ונשיהם תשכבנה׃ 17 הנני מעיר עליהם את מדי הכסף לא יחפצו וזהב לא יבחרו בו׃ 18 וקשתות נערים תבקענה ופרי בטן לא ירחמו על בנים לא תחוס עינם׃ 19 והיתה בבל צבי ממלכות תפארת גאון כשדים כמהפכת אלהים את סדם ואת עמרה׃ 20 לא תשב עד נצח ולא תשכון עד דור ודור לא יהל ערבי שם ורעים לא ירבצו שם׃ 21 ורבצו שם ציים ומלאו בתיהם אחים ושכנו שם בנות יענה ושעירים ירקדו שם׃ 22 וענו איים באלמנותיו ותנים בהיכלי עונג וקרוב לבוא עתה וימיה לא יאריכון׃

משא בבל

14 כי ירחם יהוה את יעקב ובחר עוד בישראל והניחם על אדמתם ונלוה הגר עליהם ונספחו על בית יעקב׃ 2 ולקחום עמים והביאום אל מקומם והתנחלום בית ישראל על אדמת יהוה לעבדים ולשפחות והיו שבים לשובביהם ורדו בנגשיהם׃ 3 והיה ביום הניח יהוה לך מעצבך ומרגזך ומן העבדה הקשה אשר עבדת בה׃ 4 ונשאת המשל הזה על מלך בבל ואמרת איך שבת נגש שבתה מדהבה׃ 5 שבר יהוה מטה רשעים שבט משלים׃ 6 מכה עמים בעברה מכת בלתי סר רדה באף גוים נרדף מבלי חשך׃ 7 נחה שקטה כל הארץ פצחו רנה׃ 8 גם ברושים שמחו עליך ארזי לבנון לאמר מאז שכבת לא יעלה הכרת עלינו׃ 9 שאול מתחת רגזה לך לקראת בואך עורר לך רפאים כל עתודי הארץ הקים מכסאותם כל מלכי גוים׃ 10 כלם יענו ויאמרו אליך גם אתה חלית כמונו אלינו נמשלת׃ 11 הורד שאול גאונך המית נבליך תחתיך יצע רמה ומכסיך תולעה׃ 12 איך נפלת משמים הילל בן שחר נגדעת לארץ חולש על גוים׃ 13 ואתה אמרת בלבבך השמים אעלה ממעל לכוכבי אל ארים כסאי ואשב בהר מועד בירכתי צפון׃ 14 אעלה על במתי עב אדמה לעליון׃ 15 אך אל שאול תורד אל ירכתי בור׃ 16 ראיך אליך יביטו אליך יתבוננו הזה האיש מרגיז הארץ מרעיש ממלכות׃ 17 שם תבל כמדבר וערים הרס שבוי לא פתח בתיו׃ 18 כל מלכי גוים כלם שכבו בכבוד איש בביתו׃ 19 ואתה השלכת מקברך כנצר נתעב לבוש הרוגי חרב יורדי אל אבני בור כפגר מובס׃ 20 לא תחד אתם בקבורה כי ארצך שחת עמך הרגת לא יקרא לעולם זרע מרעים׃ 21 הכינו לבניו מטבחה בעון אבותם בל יקמו וירשו ארץ ומלאו פני תבל ערים׃ 22 וקמתי עליהם נאם יהוה צבאות והכרתי לבבל שם ושאר ונין ונכד נאם יהוה׃ 23 ושמתיה למורש קפד ואגמי מים וטאטאתיה במטאטא השמד אמר יהוה צבאות׃ 24 נשבע יהוה צבאות לאמר אם לא כאשר דמיתי כן היה וכאשר יעצתי היא תקום׃ 25 לשבר אשור בארצי ועל הרי אבוסנו ויסר מעליהם עולו וסבלו מעל שכמו יסור׃ 26 זאת העצה היעוצה על כל הארץ וזאת היד הנטויה על כל הגוים׃ 27 כי יהוה צבאות יעץ ומי יפר ידו הנטויה ומי ישיבנה׃ 28 בשנת מות המלך אחז היה המשא הזה׃ 29 אל תשמחי פלשת כלך כי נשבר שבט מכך כי משרש נחש יצא צפע ופריו שרף מעופף׃ 30 ורעו בכורי דל ואביונים לבטח ירבצו והמתי ברעב שרשך והשארית יהרג׃ 31 הילילי שער זעקי עיר נמוגת פלשת כלך כי עשן מצפון בא ואין בודד במועדיו׃ 32 ומה יענה מלאכי גוי כי יהוה יסד ציון ובה יחסו עניי עמו׃

משא מואב

15 משא מואב כי בלילה שדד ער מואב כי בלילה דמם קיר מואב׃ 2 עלה הבית ודיבון הבמות לבכות על נבו ועל מידבא מואב יילל בכל ראשיו קרחה כל זקן גרעה׃ 3 בחוצותיה חגרו שק על גגותיה וברחבותיה כל יילל ירד בבכי׃ 4 ותזעק חשבון ואלעלה עד יהץ נשמעו קולם על כן חלצי מואב יריעו נפשו לו׃ 5 לבי למואב יזעק בריחיה עד צוער עגלת שלשיה כי מעלה הלוחית בבכי יעלו כי בדרך חורנים יעוררו זעקת שבר׃ 6 כי מי נמרים למשמות יהיו כי יבש חציר כלה דשא ירק לא היה׃ 7 על כן יתרה ופקדת עשו על אשר עברו את נחל הערבים׃ 8 כי הקיפה זעקה את גבול מואב עד אגלים יללתה ועד באר אלים יללתה׃ 9 כי מי דימון מלאו דם כי אשית על דימון נוספות לפליט מואב ולשארית אדמה׃

משא מואב

16 שלחו כר משל ארץ מסלע מדבר אל הר בת ציון׃ 2 והיו כעוף נדד קנה משלחת בנות מואב מעברות ארנון׃ 3 הביאי עצה עשי פלילה שיתי כלילה בתוך צהרים כמו ליל הסתירי נדחים נוד לא הגלית׃ 4 יגורו בך נדחי מואב היה להם סתר מפני שודד כי אפס מוץ כלה שוד תם רמס מן הארץ׃ 5 והוכן בחסד כסא ויישב עליו באמת באהל דוד שפט ודרש משפט ומהר צדק׃ 6 שמענו גאון מואב גאה מאד גאותו וגאונו ועברתו לא כן בדיו לא כן׃ 7 לכן מואב ליואב תילל כלו אך נכאים לאשישי קיר חרשת תהגו אך נגועים׃ 8 כי שדמות חשבון אמלל גפן שבמה בעלי גוים הלמו שרקתיה עד יעזר נבכו מדבר שלחותיה נטשו עברו ים׃ 9 על כן אבכה בבכי יעזר גפן שבמה ארוך דמעתי חשבון ואלעלה כי על קיצך ועל קצירך הידד נפל׃ 10 ונאספה שמחה וגיל מכרמל ומארץ לא ירנן ולא יריע ביין לא ידרך יקב הידד השבתי׃ 11 על כן מעי למואב כנור יהמיון וקרבי לקיר חרשת׃ 12 והיה כי נראה כי נלאה מואב על הבמה ובא אל מקדשו להתפלל ולא יוכל׃ 13 זה הדבר אשר דבר יהוה על מואב מאז׃ 14 ועתה דבר יהוה לאמר בשלש שנים כשני שכיר וכבד אדם מאד ונשאר המון רב והיתרה מעט לא כח׃

משא דמשק

17 משא דמשק הנה דמשק מוסר מעיר והיתה להיות מפלת גל׃ 2 עזובות ערי ערוער לעדרים תהיינה והיו לרבץ ואין מחריד׃ 3 ונשבתה מבצר מאפרים וממלכה מדמשק ושארית ארם יהיו ככבוד בני ישראל נאם יהוה צבאות׃ 4 והיה ביום ההוא ורזה כבוד יעקב ומשמן בשרו יתרזה׃ 5 והיה כאסף קמה יד ובזרועו שבלים יקצור והיה כמלקט שבלים בעמק רפאים׃ 6 ושרידים בו כנקף זית שנים שלשה גרגרים בראש אמיר ארבעה חמשה בסעיפיה פרי נאם יהוה אלהי ישראל׃ 7 ביום ההוא יישעיהו אדם על עשהו ועיניו אל קדוש ישראל תראינה׃ 8 ולא יישעיהו אל המזבחות מעשה ידיו לא יראה ואשר עשו אצבעתיו לא יכבד האשרים והחמנים׃ 9 ביום ההוא יהיו ערי מעזו כעזובת החרי והאמירי אשר עזבו מפני בני ישראל והיתה שממה׃ 10 כי שכחת אלהי ישעך וצור מעזך לא זכרת על כן תטעי נטעי נעמנים וזמורת זר תשתלנו׃ 11 ביום נטעך תשגשגי ובבקר זרעך תפריחי נד קציר בראש נחלה ויגון אנוש נוכח׃ 12 הוי המון עמים רבים כהמות ימים ישאון ושאון לאמים כשאון מים כבירים ישאון׃ 13 לאמים כשאון מים רבים ירגשון וגער בו ונס למרחוק והורדף כמץ הרים לפני רוח וכגלגל לפני סופה׃ 14 לעת ערב והנה בלהה בטרם בקר איננו זה חלק שוסינו וגורל בזזינו זה׃

משא מצרים

18 הוי ארץ צלצל כנפים אשר מעבר לנהרי כוש׃ 2 השלח בים צירים ובכלי גמא על פני מים לכו מלאכים קלים אל גוי ממשך וזוחה אל עם נורא מהיתה גוי קו קו ומבוסה אשר בזו נהרים ארצו׃ 3 כל יושבי תבל ושכני ארץ כנשוא הנס על ההרים תראו וכתקע בשופר תשמעו׃ 4 כי כה אמר יהוה אלי אשקטה ואביטה במכוני כחם צח על אור כענן טל בחם קציר׃ 5 כי לפני קציר כתום פרח וציץ נעורים בוסר והיה נץ יקוץ הזלפות וסלסל הסיר׃ 6 יעזבו יחדו לעיט ההרים ולבהמת הארץ ועליו יקיץ העיט וכל בהמת הארץ עליו יחרף׃ 7 בעת ההיא יובל שי ליהוה צבאות עם ממשך וזוחה אל עם נורא מהיתה גוי קו קו ומבוסה אשר בזו נהרים ארצו אל מקום שם יהוה צבאות הר ציון׃

משא מצרים

19 משא מצרים הנה יהוה רכב על עב קל ובא מצרים ונעו אלילי מצרים מפניו ולב מצרים נמס בקרבו׃ 2 וסכסכתי מצרים במצרים ונלחם איש באחיו ואיש ברעהו עיר בעיר ממלכה במלכה׃ 3 ונבוכה רוח מצרים בקרבו ועצתו אבלע וידרשו אל האלילים ואל הלטים ואל אבות ואל הידעונים׃ 4 ואסגיר את מצרים ביד אדנים קשה ומלך עז ימשל בם נאם האדון יהוה צבאות׃ 5 ונשתו מים מן הים ונהר יחרב ויבש׃ 6 והאלו נהרו זנחו יבקעו ויבשו יאור וקנה ומלוי׃ 7 ערות על יאור על פי יאור וכל מזרע יאור יבש נדף ואיננו׃ 8 ואנחו דגים וספדו כל משליכי בחכה יאור ופרשי מכמרת על פני מים יאמללו׃ 9 ובשו עבדי פשתים שרקות וארגים חוריו׃ 10 והיו דכאיה כל עשי שכר אגמי נפש׃ 11 אך אולי צוער עצת פרעה עצה נבערה איך תאמרו אל פרעה בן חכמים אני בן מלכי קדם׃ 12 אי אפוא הם חכמיך ויגידו נא לך וידעו מה יעץ יהוה צבאות על מצרים׃ 13 נאלחו שרי צוער נשאו נף שרי מפיה תעו את מצרים פנת שבטיה׃ 14 יהוה מסך בקרבה רוח עועים ותעו את מצרים בכל מעשהו כתעות שכור בקיאו׃ 15 ולא יהיה למצרים מעשה אשר יעשה ראש וזנב כפה וגמא׃ 16 ביום ההוא יהיה מצרים כנשים והחרד ופחד מפני תנופת יד יהוה צבאות אשר הוא מניף עליו׃ 17 והיתה אדמת יהודה למצרים לזכרון כל אשר יזכיר אתה אליו יפחד מפני עצת יהוה צבאות אשר הוא יעץ עליו׃ 18 ביום ההוא יהיו חמש ערים בארץ מצרים מדברות בשפת כנען ונשבעות ליהוה צבאות עיר ההרס יאמר לאחת׃ 19 ביום ההוא יהיה מזבח ליהוה בתוך ארץ מצרים ומצבה אצל גבולה ליהוה׃ 20 והיה לאות ולעד ליהוה צבאות בארץ מצרים כי יצעקו אל יהוה מפני לוחצים ושלח להם מושיע ורב וציל׃ 21 ונודע יהוה למצרים וידעו מצרים את יהוה ביום ההוא ועבדו זבח ומנחה ונדרו נדר ליהוה ושלמו׃ 22 ונגף יהוה את מצרים נגף ורפא ושבו עד יהוה ונעתר להם ורפאם׃ 23 ביום ההוא תהיה מסלה ממצרים ואשור ובא אשור במצרים ומצרים באשור ועבדו מצרים את אשור׃ 24 ביום ההוא יהיה ישראל שלשתם מצרים ואשור ברכה בקרב הארץ׃ 25 אשר ברכו יהוה צבאות לאמר ברוך עמי מצרים ומעשה ידי אשור ונחלתי ישראל׃

משא מצרים וכוש

20 בשנת בוא תרתן אשדודה בעת אשר שלחו סרגון מלך אשור וילחם באשדוד ויתקפה׃ 2 בעת ההיא דבר יהוה ביד ישעיהו בן אמוץ לאמר לך ופתחת שק מעל מתניך וחלצתה נעלך מעל רגלך ועשית כן הלך ערם ויחף׃ 3 ויאמר יהוה כאשר הלך עבדי ישעיהו ערם ויחף שלש שנים אות ומופת על מצרים ועל כוש׃ 4 כן ינהג מלך אשור את שבי מצרים ואת גלות כוש נערים וזקנים ערם ויחף ושתי השת לערות מצרים׃ 5 ויחתו ויבשו מכוש מבטחם ומצרים תפארתם׃ 6 ואמר יושב האי הזה ביום ההוא הנה כה מבטחנו אשר נסנו שם לעזרה להנצל מפני מלך אשור ואנחנו איך נמלט׃

משא מדבר ים

21 משא מדבר ים כסופות בנגב ממדבר בא מארץ נוראה׃ 2 חזות קשה הגד לי הבגד בוגד והשד שודד עלי עילם צורי מדי כל אנחתה השבתי׃ 3 על כן מלאו חלצי חבלים צירים אחזוני כצירי יולדה נעויתי משמוע נבהלתי מראות׃ 4 תעה לבבי פלצות בעתתני נשף חשכתי לי שם לחרדה׃ 5 ערוך השלחן צפה הצפית אכל שתה קומו שרים משחו מגן׃ 6 כי כה אמר אלי אדני לך העמד המצפה את אשר יראה יגיד׃ 7 וראה רכב צמד פרשים רכב חמור רכב גמל והקשיב קשב רב׃ 8 ויקרא אריה על ראי אדני אנכי עמדתי תמיד יומם ועל משמרתי כל הלילות אנכי נצבתי׃ 9 והנה זה בא רכב אנשים צמד פרשים ויען ויאמר נפלה נפלה בבל וכל פסילי אלהיה שברו לארץ׃ 10 מתרוסתי ובן גרני אשר שמעתי מיהוה צבאות אלהי ישראל הגדתי לכם׃ 11 משא דומה אלי קרא משעיר שמר מה מלילה שמר אמר שמר׃ 12 אמר בא בקר וגם לילה אם תבעיון בעיו שובו אתיו׃ 13 משא בערב תלינו בחרשי ארחות דדנים׃ 14 לקראת צמא הביאו מים ישבי ארץ תימא קדמו בלחמו׃ 15 כי מפני חרבות נדדו מפני חרב שלופה ומפני קשת דרוכה ומפני כבד מלחמה׃ 16 כי כה אמר אלי אדני בעוד שנה כשני שכיר וכל כבוד קדר יכלו׃ 17 ושארית מספר גבורי בני קדר ימעטו כי יהוה אלהי ישראל דבר׃

משא גיא חזיון

22 משא גיא חזיון מה לך כי עלית כלך על הגגות׃ 2 מלאה קריות עיר הומיה קריה עלזה חלליך לא חללי חרב ולא מתי מלחמה׃ 3 כל קציניך נדדו יחדו מקשת אסרו כל נמצאיך אסרו יחדו מרחוק ברחו׃ 4 על כן אמרתי שעו ממני אמרר בבכי אל תאיצו לנחמני על שד בת עמי׃ 5 כי יום מהומה ומבוסה ומבוכה לאדני יהוה צבאות בגיא חזיון מקרקר קיר ושוע אל הר׃ 6 ועילם נשא אשפה ברכב אדם פרשים ומגן ערה קיר׃ 7 והיה מבחר עמקיך מלאו רכב ופרשים שית ישיתו השער׃ 8 ויגל את מסך יהודה והיתה ביום ההוא אל נשק הבתים׃ 9 ואת בקעת דויד ראיתם כי רבו ויקבצו את מי הברכה התחתונה׃ 10 ואת בתי ירושלם ספרתם ותתצו הבתים לבצר החומה׃ 11 ומקוה עשיתם בין החומתים למי הברכה הישנה ולא הבטתם אל עשיה ויוצרה מרחוק לא ראיתם׃ 12 ויקרא אדני יהוה צבאות ביום ההוא לבכי ולמספד ולקרחה ולחגור שק׃ 13 והנה משוש וגיל הרג בקר ושחט צאן אכל בשר ושתות יין אכול ושתו כי מחר נמות׃ 14 ונגלה באזני יהוה צבאות אם יכפר העון הזה לכם עד תמותון אמר אדני יהוה צבאות׃ 15 כה אמר אדני יהוה צבאות לך בא אל הסכן הזה אל שבנא אשר על הבית מה לך פה ומי לך פה כי חצבת לך פה קבר חצב במרום קברו חקק במעון סלע לאהל׃ 16 הנה יהוה מטלטלך טלטלה גבר וסחרר סחרורך׃ 17 צנוף יצנפך צנפה כדור אל ארץ רחבת ידים שם תמות ושם מרכבות כבודך קלון בית אדניך׃ 18 והדפתיך מעמדך וממצבתך יהרסך׃ 19 והיה ביום ההוא אקרא לעבדי לאליקים בן חלקיהו׃ 20 והלבשתיו כתנתך ואבנטך אחזקנו וממשלתך אתן בידו והיה לאב לישבי ירושלם ולבית יהודה׃ 21 ונתתי מפתח בית דויד על שכמו ופתח ואין סגר וסגר ואין פתח׃ 22 ותקעתיו יתד במקום נאמן והיה לכסא כבוד לבית אביו׃ 23 ותלו עליו כל כבוד בית אביו הצאצאים והשפלות כל קטני הכלים מכלי הגביעים ועד כל כלי הנבלים׃ 24 ביום ההוא נאם יהוה צבאות תמוש היתד הנתוקה במקום נאמן ונגדעה ונפלה ונכרתה המשא אשר עליה כי יהוה דבר׃

משא צור

23 משא צור הילילו אניות תרשיש כי שדדה מבית מבוא מארץ כתים נגלה להם׃ 2 דומו ישבי אי סחרי צידון עברוך ים׃ 3 ובמים רבים זרע שיחור קציר יאורים תבואתה ותהי רכלת גוים׃ 4 בושי צידון כי אמר ים מעוזה ים לאמר לא חלתי ולא ילדתי ולא גידלתי בחורים רוממתי בתולות׃ 5 כשמוע מצרים חלו

ماڵی ئیسرائیل بەڵکو هەموو ماڵی دەشت. ٧ خودا لەگەڵ ئەبرام قسەی کرد و پێی فەرموو
ماڵەکەت بهێنە ناو کەشتییەکە، چونکە لەم نەوەیەدا تۆ تەنیا کەسێکی ڕاستودروستم
بینیوە. ٨ لە هەموو ئاژەڵە پاکەکان حەوت حەوت و لە ئاژەڵە ناپاکەکان دوو دوو
بهێنە، ٩ نێر و مێ، هەروەها لە باڵندەکان حەوت حەوت نێر و مێ، بۆ ئەوەی نەوەی
ئاژەڵەکان لەسەر ڕووی زەوی بپارێزرێن. ١٠ حەوت ڕۆژ دوای ئەوە باران بەسەر
زەویدا دەبارێنم بۆ چل ڕۆژ و چل شەو، هەموو ئەو ماددە ژیندارانەی کە دروستم
کردوون لەسەر ڕووی زەوی لەناو دەبەم.» ١١ لە ساڵی شەشسەد سااڵنەی ژیانی نۆح،
لە مانگی دووەمدا، لە ڕۆژی حەڤدەی مانگدا، هەموو سەرچاوەکانی قووڵایی زەوی
تەقینەوە و پەنجەرەکانی ئاسمان کرانەوە. ١٢ باران چل ڕۆژ و چل شەو بەسەر
زەویدا دەباری. ١٣ لە هەمان ڕۆژدا نۆح و کوڕەکانی سام و حام و ژنەکەی و ژنەکانی
کوڕەکانی لەگەڵ خۆیدا چوونە ناو کەشتییەکە، ١٤ هەروەها هەموو ئاژەڵەکان بە
پێی جۆرەکانیان و هەموو ئاژەڵە ماڵییەکان بە پێی جۆرەکانیان و هەموو
خشۆکەکانی سەر زەوی بە پێی جۆرەکانیان و هەموو باڵندەکان بە پێی
جۆرەکانیان، هەموو چۆلەکە و باڵندەی تر. ١٥ هەموو ئەو گیانلەبەرانەی کە
هەناسەی ژیانیان تێدا بوو، دوو دوو لە نۆح چوونە ناو کەشتییەکە. ١٦ نێر و مێی
هەموو گیانلەبەرێک بەو شێوەیە چوونە ناو کەشتییەکە، وەک خودا فەرمانی پێ
کردبوو. پاشان یەزدان دەرگاکەی لەسەر داخست.

١٧ ئەو ڕووداوە چل ڕۆژ بەردەوام بوو. ئاو زیادی کرد و کەشتییەکەی بەرز
هەڵگرت و لە زەوی بەرزتر کرد. ١٨ ئاو بەسەر زەویدا زیادی کرد و کەشتییەکە
بەسەر ئاوەکەدا دەڕۆیشت. ١٩ ئاو زۆر بەسەر زەویدا زیادی کرد و هەموو
چیاکانی ژێر هەموو ئاسمانێک داپۆشران. ٢٠ ئاو پانزە گەز بەسەر چیاکاندا
بەرز بووەوە و چیاکان داپۆشران. ٢١ هەموو گیانلەبەرێک کە لەسەر زەوی
جووڵەی دەکرد، باڵندە و ئاژەڵ و گیانلەبەرە خشۆکەکان و هەموو مرۆڤەکان
مردن. ٢٢ هەموو ئەو گیانلەبەرانەی کە هەناسەی ژیانیان تێدا بوو و لەسەر

וְנָתַן יְהוָה אֱלֹהֶיךָ בְּיָדֶךָ וְהִכִּיתָ אֹתָם הַחֲרֵם תַּחֲרִים אֹתָם לֹא־תִכְרֹת לָהֶם
וְלֹא תָחֹן אֲלֵהֶם. [20] וְגַם אֶת־הַצִּרְעָה יְשַׁלַּח יְהוָה אֱלֹהֶיךָ בָּם עַד אֹבַד הַנִּשְׁאָרִים
וְהַנִּסְתָּרִים מִפָּנֶיךָ. [21] לֹא תַעֲרֹץ מִפְּנֵיהֶם כִּי יְהוָה אֱלֹהֶיךָ בְּקִרְבֶּךָ אֵל גָּדוֹל
וְנוֹרָא. [22] וְנָשַׁל יְהוָה אֱלֹהֶיךָ אֶת־הַגּוֹיִם הָאֵל מִפָּנֶיךָ מְעָט מְעָט לֹא תוּכַל כַּלֹּתָם
מַהֵר פֶּן־תִּרְבֶּה עָלֶיךָ חַיַּת הַשָּׂדֶה. [23] וּנְתָנָם יְהוָה אֱלֹהֶיךָ לְפָנֶיךָ וְהָמָם מְהוּמָה
גְּדֹלָה עַד הִשָּׁמְדָם. [24] וְנָתַן מְלָכֵיהֶם בְּיָדֶךָ וְהַאֲבַדְתָּ אֶת־שְׁמָם מִתַּחַת הַשָּׁמָיִם
לֹא־יִתְיַצֵּב אִישׁ בְּפָנֶיךָ עַד הִשְׁמִדְךָ אֹתָם.

הַבְחָרַת עַם קָדוֹשׁ

[1] כִּי תָבוֹא אֶל־הָאָרֶץ אֲשֶׁר יְהוָה אֱלֹהֶיךָ בָּא לָרֶשֶׁת אֹתָהּ וְנָשַׁל גּוֹיִם רַבִּים מִפָּנֶיךָ
הַחִתִּי וְהַגִּרְגָּשִׁי וְהָאֱמֹרִי וְהַכְּנַעֲנִי וְהַפְּרִזִּי וְהַחִוִּי וְהַיְבוּסִי שִׁבְעָה גוֹיִם רַבִּים
וַעֲצוּמִים מִמְּךָ. [2] וּנְתָנָם יְהוָה אֱלֹהֶיךָ לְפָנֶיךָ וְהִכִּיתָם הַחֲרֵם תַּחֲרִים אֹתָם לֹא־תִכְרֹת
לָהֶם בְּרִית וְלֹא תְחָנֵּם. [3] וְלֹא תִתְחַתֵּן בָּם בִּתְּךָ לֹא־תִתֵּן לִבְנוֹ וּבִתּוֹ לֹא־תִקַּח לִבְנֶךָ.
[4] כִּי יָסִיר אֶת־בִּנְךָ מֵאַחֲרַי וְעָבְדוּ אֱלֹהִים אֲחֵרִים וְחָרָה אַף־יְהוָה בָּכֶם וְהִשְׁמִדְךָ
מַהֵר. [5] כִּי אִם־כֹּה תַּעֲשׂוּ לָהֶם מִזְבְּחֹתֵיהֶם תִּתֹּצוּ וּמַצֵּבֹתָם תְּשַׁבֵּרוּן וַאֲשֵׁרָיו
תְּגַדֵּעוּן וּפְסִילֵיהֶם תִּשְׂרְפוּן בָּאֵשׁ. [6] כִּי עַם קָדוֹשׁ אַתָּה לַיהוָה אֱלֹהֶיךָ בְּךָ בָּחַר
יְהוָה אֱלֹהֶיךָ לִהְיוֹת לוֹ לְעַם סְגֻלָּה מִכֹּל הָעַמִּים אֲשֶׁר עַל־פְּנֵי הָאֲדָמָה. [7] לֹא מֵרֻבְּכֶם
מִכָּל־הָעַמִּים חָשַׁק יְהוָה בָּכֶם וַיִּבְחַר בָּכֶם כִּי אַתֶּם הַמְעַט מִכָּל־הָעַמִּים. [8] כִּי מֵאַהֲבַת

ڕەحمەتی خودا لەسەر نەتەوەکان

٧ ئەوجا ئەی ئێمە دەڵێین؟ ئایا یاسا گوناهە؟ بەهیچ شێوەیەک نا. بەڵام ئەگەر یاسا نەبوایە
ئەوا هەستی گوناهم نەدەزانی. بۆ نموونە ئەگەر یاسا نەیفەرموایە "چاوچنۆکی مەکە"[d]
ئەوا نەمدەزانی چاوچنۆکی چییە. ٨ بەڵام گوناه هۆکارێکی بۆ دۆزیمەوە لە فەرمانەکەدا
و هەموو جۆرە چاوچنۆکییەکی لە دڵمدا هەڵچاند. ئەگەر یاسا نەبوایە گوناهیش مردوو
بوو. ٩ جارێک من بەبێ یاسا ژیانم هەبوو، بەڵام کاتێک فەرمانەکە هات گوناه
ژیانەوە و من مردم. ١٠ ئەو فەرمانەی کە ببووە هۆی ژیان بۆ من، بووە هۆی مردنم.
١١ گوناه هۆکارێکی بۆ دۆزیمەوە لە فەرمانەکەدا و فریوی دام و بە هۆی فەرمانەکەوە
کوشتمی. ١٢ بۆیە یاسا پیرۆزە و فەرمانەکەش پیرۆز و ڕاست و چاکە. ١٣ ئایا ئەوە
بەو مانایە دێت کە شتێکی چاک ببێتە هۆی مردنم؟ بەهیچ شێوەیەک نا. گوناه بوو
بەهۆی ئەوەی وەک گوناه دەربکەوێت، بەهۆی چاکەیەکەوە مردنی بۆ هێنامەوە، تا
گوناه لە ڕادەبەدەر خراپ دەربکەوێت. ١٤ دەزانین یاسا ڕۆحییە، بەڵام من
جەستەیی و فرۆشراوم بۆ ژێر دەسەڵاتی گوناه. ١٥ ئەوەی دەیکەم لێی تێناگەم.
ئەوەی دەمەوێت ناکەم، بەڵکو ئەوەی ڕقی لێیەتی دەیکەم. ١٦ ئەگەر ئەوەی ناکەم
ئەوەی دەمەوێت، ئەوا دەبێتە دانپێدانان بەوەی یاسا چاکە. ١٧ بۆیە ئەوە من نیم
ئەوەی ئەمە دەکات، بەڵکو گوناهێک لە ناخمدا. ١٨ دەزانم هیچ چاکەیەک لە ناخمدا
نییە، واتە لە جەستەمدا نییە. ئارەزووی چاکەکردن هەیە لە ناخمدا، بەڵام
توانای ئەنجامدانی نییە. ١٩ ئەو چاکەیەی دەمەوێت ناکەم، بەڵکو ئەو خراپەیەی
نامەوێت ئەنجامی دەدەم. ٢٠ ئەگەر ئەوەی ناکەم ئەوەی دەمەوێت، ئەوا من نیم
ئەوەی ئەمە دەکات، بەڵکو گوناهێک لە ناخمدا.

---

d٧:٧ دەرچوون ٢٠:١٧؛ دووبارەکراوەی یاسا ٥:٢١

ואת אשר יעשה לו אלהים ויאמר לו כי יהיה זרעו גרים בארץ נכריה ועבדום וענו אתם ארבע מאות שנה׃ ח וגוי אשר יעבדו דן אנכי ואחרי כן יצאו ועבדוני במקום הזה׃ ח ויתן לו ברית מולת ויולד את יצחק וימלהו ביום השמיני ויצחק את יעקב ויעקב את שנים עשר האבות׃ ט והאבות קנאו את יוסף וימכרו אתו מצרימה ויהי אלהים אתו׃ י ויצלהו מכל צרותיו ויתן חן וחכמה לפני פרעה מלך מצרים וישם אתו משנה על מצרים ועל כל ביתו׃ יא ויבא רעב על כל ארץ מצרים וכנען וצרה גדולה ולא מצאו אבתינו מזון׃ יב ויהי כי שמע יעקב כי יש שבר במצרים וישלח את אבתינו בפעם הראשונה׃ יג ובפעם השנית נודע יוסף לאחיו וגלה מוצא יוסף לפרעה׃ יד וישלח יוסף ויקרא ליעקב אביו ואת כל מולדתו בנפש חמשים ושבעים׃ טו וירד יעקב מצרימה וימת הוא ואבתינו׃ טז ויעתקו אל שכם וישמו בקבר אשר קנה אברהם בכסף מאת בני חמור אבי שכם׃ יז וכאשר קרב זמן ההבטחה אשר נשבע אלהים לאברהם גדל העם ויפרו וירבו במצרים׃ יח עד אשר קם מלך אחר על מצרים אשר לא ידע את יוסף׃ יט הוא התחכם אל מולדתנו וירע לאבתינו עד כי השליכו את תינוקותיהם למען לא יחיו׃ כ בעת ההיא נולד משה ויהי יפה לאלהים ויגדל שלשה חדשים בבית אביו׃ כא ובהשליכו אתו נשאתו בת פרעה ותגדלהו לה לבן׃ כב וילמד משה את כל חכמת מצרים ויהי גדול בדבר ובמעשה׃ כג ויהי כמלאת לו ארבעים שנה ותעל על לבו לבקר את אחיו בני ישראל׃ כד וירא איש מצרי מכה את איש עברי ויגן משה ויך את המצרי וימת׃ כה ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ כו וביום השני נראה אל שני אנשים עברים נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ כז ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ כח ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ כט וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ ל ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ לא ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ לב ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ לג ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ לד ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ לה וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ לו ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ לז ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ לח ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ לט ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ מ ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ מא וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ מב ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ מג ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ מד ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ מה ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ מו ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ מז וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ מח ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ מט ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ נ ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ נא ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ נב ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ נג וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ נד ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ נה ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ נו ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ נז ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ נח ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ נט וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ ס ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ סא ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ סב ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ סג ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ סד ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ סה וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ סו ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ סז ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ סח ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ סט ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ ע ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ עא וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ עב ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ עג ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ עד ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ עה ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ עו ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ עז וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ עח ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ עט ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ פ ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ פא ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ פב ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ פג וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ פד ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ פה ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ פו ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ פז ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ פח ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ פט וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ צ ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ צא ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ צב ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ צג ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ צד ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ צה וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ צו ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ צז ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ צח ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ צט ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ ק ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ קא וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ קב ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ קג ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ קד ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ קה ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ קו ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ קז וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ קח ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ קט ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ קי ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ קיא ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ קיב ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ קיג וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ קיד ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ קטו ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ קטז ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ קיז ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ קיח ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ קיט וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ קכ ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ קכא ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ קכב ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ קכג ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ קכד ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ קכה וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ קכו ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ קכז ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ קכח ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ קכט ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ קל ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ קלא וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ קלב ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ קלג ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ קלד ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ קלה ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ קלו ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ קלז וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ קלח ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ קלט ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ קמ ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ קמא ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ קמב ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ קמג וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ קמד ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ קמה ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ קמו ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ קמז ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ קמח ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ קמט וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ קנ ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ קנא ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ קנב ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ קנג ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ קנד ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ קנה וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ קנו ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ קנז ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ קנח ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ קנט ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ קס ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ קסא וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ קסב ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ קסג ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ קסד ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ קסה ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ קסו ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ קסז וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ קסח ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ קסט ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ קע ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ קעא ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ קעב ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ קעג וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ קעד ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ קעה ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ קעו ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ קעז ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ קעח ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ קעט וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ קפ ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ קפא ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ קפב ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ קפג ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ קפד ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ קפה וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ קפו ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ קפז ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ קפח ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ קפט ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ קצ ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ קצא וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ קצב ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ קצג ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ קצד ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ קצה ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ קצו ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ קצז וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ קצח ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ קצט ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ ר ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ רא ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ רב ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ רג וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ רד ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ רה ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ רו ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ רז ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ רח ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ רט וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ רי ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ ריא ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ ריב ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ ריג ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ ריד ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ רטו וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ רטז ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ ריח ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ ריט ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ רכ ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ רכא ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ רכב וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ רכג ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ רכד ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ רכה ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ רכו ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ רכז ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ רכח וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ רכט ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ רל ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ רלא ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ רלב ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ רלג ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ רלד וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ רלה ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ רלו ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ רלז ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ רלח ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ רלט ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ רמ וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ רמא ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ רמב ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ רמג ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ רמד ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ רמה ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ רמו וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ רמז ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ רמח ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ רמט ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ רנ ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ רנא ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ רנב וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ רנג ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ רנד ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ רנה ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ רנו ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ רנז ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ רנח וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ רנט ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ רס ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ רסא ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ רסב ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ רסג ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ רסד וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ רסה ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ רסו ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ רסז ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ רסח ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ רסט ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ רע וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ רעא ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ רעב ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ רעג ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ רעד ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ רעה ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ רעו וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ רעז ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ רעח ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ רעט ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ רפ ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ רפא ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ רפב וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ רפג ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ רפד ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ רפה ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ רפו ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ רפז ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ רפח וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ רפט ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ רצ ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ רצא ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ רצב ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ רצג ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ רצד וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ רצה ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ רצו ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ רצז ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ רצח ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ רצט ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ רק וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ רקא ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ רקב ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ רקג ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ רקד ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ רקה ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ רקו וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ רקז ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ רקח ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ רקט ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ רקי ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ רקיא ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ רקיב וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ רקיג ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ רקיד ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ רקטו ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ רקטז ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ רקיח ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ רקיט וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ רקכ ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ רקכא ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ רקכב ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ רקכג ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ רקכד ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ רקכה וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ רקכו ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ רקכז ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ רקכח ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ רקכט ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ רקל ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ רקלא וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ רקלב ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ רקלג ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ רקלד ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ רקלה ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ רקלו ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויולד שם שני בנים׃ רקלז וימלאו ארבעים שנה ויבקר את אחיו בני ישראל׃ רקלח ויראה אל אחד מהם מכה ויגן משה ויך את המכה וישלם לו כאשר עשה לאיש המצרי׃ רקלט ויחשב כי אחיו יבינו כי אלהים יתן להם יד על ידו ולא הבינו׃ רקמ ויהי ממחרת ויראה אל שנים מהם נלחמים ויאמר אל המכה את רעהו למה תכה רעך׃ רקמא ויאמר אליו מי שם אותך לאיש שר ושופט עלינו הלהרגני אתה אמר אתמול את המצרי׃ רקמב ויברח משה בדבר הזה ויגר בארץ מדין ויול

مێ مێز ڕەبەر ڤێجەوێڤێ، ڤێجەوێڤێ مێز ژەوەجێ. [١٠] ێ مەتبەز دەمبەز مێز
.ڕەتێڤ ژەجێ، ڕەز ژەوەجێ شەڕ مژە ھژت ڤەت ئەجێ مەجێڤ ھەڤەڕ
[١١] ەێ ژەوەجێ مێز ژەژەدێ مەتێڤ مێ دەتەڤ ێز دەمەمێڤ ەەز ژەوز،
ەز دەمەمێڤ ێز مەتبەز مێ مەتێڤ ێھ ڤەز ڕەڤ ڤێڤێژەجێ ھەێڤ
ڕەز ژەوز دێژەھەز ێز ەەڤ ژەتەژەسەنەت، ێز ەەڤ ژەتێز مەتێز
[١٢] ژەجێ ڕەسەنەت، ێز ەەڤ ژەتێز دێژەھەز مێز ژەوەجێ. ڕەز ژەجێ
[١٣] ھژت ێ ڕەسەڤ، ەێ ژەتێز ھڤێز مەتێز ڕەز ژەسەز دێژەز ھڤێز
ێز ڕەز ژەوز دێژەھەز ڤەڤێژەجێ ڕەسەڤ ەێ ڕەسەڤ. [١٤] ھژت ژەز
ڤەڤێژەجێ ڕەز ەەسەجێڤ دێژەھ، ێڤ ڕەز ژەوز دێژەھەز ەەڤ ڕەسەڤ
[١٥] ھژت ژەسەڤ ڕەز ەەسەجێڤ ژەوز دێژەھ، ێڤ ڕەز ژەوز دێژەھەز ەەڤ
ێز ەەڤ ڕەسەڤ ێز ەەڤ ڕەز ژەوز دێژەھ، ێز ەەڤ ڕەسەڤ ێز ەەڤ ڕەز
ەەڤ ڕەسەڤ ێز ەەڤ ڕەز ژەوز دێژەھ، ێز ەەڤ ڕەسەڤ ێز ەەڤ ڕەز ژەوز
[١٦] ەەز ژەوز دێژەھەز ەەڤ ڕەسەڤ ێز ەەڤ ڕەز ژەوز دێژەھەز ەەڤ ڕەسەڤ
ێز ەەڤ ڕەز ژەوز دێژەھ، ێز ەەڤ ڕەسەڤ ێز ەەڤ ڕەز ژەوز دێژەھەز ەەڤ
ڕەسەڤ ێز ەەڤ ڕەز ژەوز دێژەھ، ێز ەەڤ ڕەسەڤ ێز ەەڤ ڕەز ژەوز دێژەھەز
ەەڤ ڕەسەڤ ێز ەەڤ ڕەز ژەوز دێژەھ، ێز ەەڤ ڕەسەڤ ێز ەەڤ ڕەز ژەوز
دێژەھەز ەەڤ ڕەسەڤ ێز ەەڤ ڕەز ژەوز دێژەھ، ێز ەەڤ ڕەسەڤ ێز ەەڤ
ڕەز ژەوز دێژەھەز ەەڤ ڕەسەڤ ێز ەەڤ ڕەز ژەوز دێژەھ، ێز ەەڤ ڕەسەڤ
ێز ەەڤ ڕەز ژەوز دێژەھەز ەەڤ ڕەسەڤ ێز ەەڤ ڕەز ژەوز دێژەھ، ێز ەەڤ
ڕەسەڤ ێز ەەڤ ڕەز ژەوز دێژەھەز ەەڤ ڕەسەڤ ێز ەەڤ ڕەز ژەوز دێژەھ،
ێز ەەڤ ڕەسەڤ ێز ەەڤ ڕەز ژەوز دێژەھەز ەەڤ ڕەسەڤ ێز ەەڤ ڕەز ژەوز
دێژەھ، ێز ەەڤ ڕەسەڤ ێز ەەڤ ڕەز ژەوز دێژەھەز ەەڤ ڕەسەڤ ێز ەەڤ
ڕەز ژەوز دێژەھ، ێ

خدا کا برگزیدہ کون الزام لگائے گا؟ خدا تو وہ ہے جو راست ٹھہراتا ہے۔ ۳۴ کون ہے جو مجرم ٹھہرائے؟ مسیح یسوع تو وہ ہے جو مُوا بلکہ جی بھی اُٹھا ہے اور خدا کے دہنے ہاتھ بیٹھا ہے اور ہمارے لئے شفاعت کرتا ہے۔ ۳۵ کون ہے جو ہمیں مسیح کی محبت سے جُدا کرے گا؟ کیا مصیبت یا تنگی یا ستائے جانا یا کال یا ننگا پن یا خطرہ یا تلوار؟ ۳۶ جیسا کلامُ اللہ میں لکھا ہے کہ تیری خاطر ہم دن بھر قتل کئے جاتے ہیں۔ ہم تو ذبح ہونے والی بھیڑوں کی مانند سمجھے گئے ہیں۔ ۳۷ لیکن ان سب باتوں میں ہم اُس کے وسیلہ سے جو ہم سے محبت رکھتا ہے کامل فتح پانے والے سے بڑھ کر ہیں۔ ۳۸ کیونکہ مجھے یقین ہے کہ نہ موت نہ زندگی نہ فرشتے نہ حکومتیں نہ موجودہ چیزیں نہ آئندہ چیزیں نہ قدرتیں ۳۹ نہ بلندی نہ پستی نہ کوئی اَور مخلوق ہمیں خدا کی محبت سے جو ہمارے خداوند مسیح یسوع میں ہے جُدا نہ کر سکیں گی۔

خدا کا برگزیدہ لوگ

۹ میں مسیح میں سچ کہتا ہوں، جھوٹ نہیں بولتا، میرا ضمیر روح القدس میں میری گواہی دیتا ہے۔ ۲ کہ مجھے بڑا غم اور دل میں دائمی دُکھ ہے۔ ۳ کیونکہ میں چاہتا تھا کہ اپنے بھائیوں کی خاطر جو جسم کے رشتہ سے میرے رشتہ دار ہیں خود مسیح سے ملعون ہو کر الگ کیا جاؤں۔ ۴ وہ اسرائیلی ہیں اور لے پالک ہونا اور جلال اور عہدنامے اور شریعت اور عبادت اور وعدے انہی کے ہیں۔ ۵ باپ دادے بھی انہی کے ہیں اور مسیح بھی جو جسم کے رشتہ سے انہی میں سے ہے جو سب پر خدا ہے مبارک ہمیشہ تک آمین۔ ۶ یہ نہیں کہ خدا کا کلام ٹل گیا ہے کیونکہ جو اسرائیل کہلاتے ہیں سب اسرائیلی نہیں۔ ۷ اور نہ ابرہام کی نسل ہونے سے سب اُس کے فرزند ہیں بلکہ لکھا ہے کہ اسحاق سے جو نسل چلے گی وہی تیری کہلائے گی۔ ۸ یعنی جسم کے فرزند خدا کے فرزند نہیں بلکہ وعدہ کے فرزند نسل شمار ہوتے ہیں۔ ۹ کیونکہ وعدہ کا کلام یہ ہے کہ اسی وقت میں آؤں گا اور سارہ کے بیٹا ہوگا۔ ۱۰ اور نہ صرف یہ بلکہ ربقہ کے بھی جب ہمارے باپ اسحاق سے حاملہ ہوئی۔ ۱۱ کیونکہ جب لڑکے پیدا بھی نہ ہوئے تھے اور نیکی یا بدی کچھ بھی نہ کی تھی تاکہ خدا کا اختیار قائم رہے جو اعمال پر نہیں بلکہ بلانے والے پر ہے۔ ۱۲ اُس سے کہا گیا کہ بڑا چھوٹے کی خدمت کرے گا۔ ۱۳ جیسا لکھا ہے کہ یعقوب کو میں نے پیار کیا لیکن عیسو سے عداوت رکھی۔ ۱۴ پس ہم کیا کہیں؟ کیا خدا کی طرف ناراستی ہے؟ ہرگز نہیں۔ ۱۵ کیونکہ وہ موسیٰ سے فرماتا ہے کہ جس پر رحم کرنا چاہوں اُس پر رحم کروں گا اور جس پر ترس کھانا چاہوں اُس پر ترس کھاؤں گا۔ ۱۶ پس یہ نہ تو چاہنے والے پر موقوف ہے نہ دوڑنے والے پر بلکہ رحم کرنے والے خدا پر۔ ۱۷ کیونکہ کتاب مقدس فرعون سے کہتی ہے کہ میں نے اسی لئے تجھے برپا کیا کہ تجھ میں اپنی قدرت دکھاؤں اور تاکہ میرا نام تمام دُنیا میں سنایا جائے۔ ۱۸ پس جس پر چاہتا ہے رحم کرتا ہے اور جسے چاہتا ہے سخت دل بناتا ہے۔

ואם אחד מאבריו סובל, כל האברים סובלים עמו; ואם אחד מאבריו מכובד, כל האברים שמחים עמו. [ve] ואתם הנכם גוף המשיח, ואיבריו כל אחד לחוד. [38] ואלוהים שם בכנסייה תחילה את השליחים, אחר כך את הנביאים, אחר כך את המורים, אחר כך את בעלי הנסים, אחר כך את בעלי כוחות הריפוי, את העוזרים, את המנהלים, את בעלי הלשונות השונות. [39] האם כולם שליחים? האם כולם נביאים? האם כולם מורים? האם כולם בעלי נסים? [40] האם כולם בעלי כוחות ריפוי? האם כולם מדברים בלשונות? האם כולם מתרגמים?

אהבה

יג [1] אם אדבר בלשונות בני אדם ובלשונות המלאכים, ואין לי אהבה, הרי אני כפעמון מצלצל או כתוף רועש. [2] ואם יש לי נבואה ואני יודע את כל הסודות ואת כל הדעת, ואם יש לי אמונה שלמה להעתיק הרים ממקומם, ואין לי אהבה, אינני כלום. [3] ואם אחלק את כל רכושי לעניים, ואם אמסור את גופי כדי שיישרף, ואין לי אהבה, אין לי כל תועלת. [4] האהבה סבלנית, האהבה מלאת חסד, אינה מקנאה, אינה מתפארת, אינה מתנשאת, [5] אינה מתנהגת בחוסר נימוס, אינה מחפשת את האינטרסים שלה, אינה נעתרת בקלות לכעס, אינה זוכרת את הרע שנעשה לה. [6] האהבה אינה שמחה בעוולה, אלא שמחה באמת. [7] האהבה מכסה הכול, מאמינה בכול, מקווה לכול, סובלת הכול. [8] האהבה לעולם לא תיכשל. אבל אם יש נבואות, הן תיעלמנה; אם יש לשונות, הן תיפסקנה; אם יש דעת, היא תיעלם. [9] כי הדעת שלנו חלקית, והנבואה שלנו חלקית, [10] אבל כאשר יבוא השלם, החלקי יעלם. [11] כשהייתי ילד, דיברתי כילד, חשבתי כילד, הסקתי מסקנות כילד. כשהפכתי לאיש, הפסקתי לעשות דברים כילד.

---

[e] ח:לו ראו תהלים כב:כב [f] יב:כא בראשית ט:ו [g] יח:י, יד בראשית יח:יח ט:טו

وقال لهم: «إيليا يأتي أولاً ويرد كل شيء إلى حاله. فكيف
مكتوب عن ابن الإنسان أنه يتألم آلاما كثيرة ويرفض؟ [12]
لكن أقول لكم إن إيليا قد جاء، وقد فعلوا به كل ما أرادوا
كما هو مكتوب عنه.»
[13] ولما جاء إلى التلاميذ رأى حولهم جمعا كثيرا
ومعلمين يحاورونهم. [14] وللوقت كل الجمع لما رأوه تحيروا
وركضوا فسلموا عليه. [15] فسألهم: «بماذا تحاورونهم؟»
[16] فأجاب واحد من الجمع وقال: «يا معلم، قد أتيت إليك
بابني به روح أخرس، [17] وحيثما أدركه يصرعه فيزبد
ويصرف بأسنانه ويجف. فقلت لتلاميذك أن يخرجوه فلم
يقدروا.» [18] فأجابه وقال: «أيها الجيل غير المؤمن، إلى
متى أكون معكم؟ إلى متى أحتملكم؟ قدموه إلي.» [19] فقدموه
إليه. ولما رآه للوقت صرعه الروح فخر على الأرض
يتمرغ ويزبد. [20] فسأل أباه: «كم من الزمان أتى عليه
هذا؟» فقال: «منذ الصبا. [21] وكثيرا ما طرحه في النار وفي
الماء ليهلكه. لكن إن كنت تقدر شيئا فتراءف علينا
وأغثنا.» [22] فقال له يسوع: «إن كنت تقدر! كل الأشياء
مستطاعة للمؤمن.» [23] للوقت صرخ أبو الولد بدموع
وقال: «أؤمن يا سيد، فأغث عدم إيماني.» [24] فلما رأى
يسوع أن الجمع يتراكض جميعا انتهر الروح النجس

---

h ٩:١٢ إشعياء ٥٣:٣ i ٩:١٣ ملاخي ٤:٥-٦ j ٩:١٥ تثنية ٣٣:١٩

k ٩:١٧ متى ١٧:٩ l ٩:٢٠ لوقا ٣٩:٩؛ ٤٢:١٦

بَعْدَ تَعْلِيمِهِ هٰذَا قَالَ لِتَلَامِيذِهِ. ٢٥ «ابْنُ الْإِنْسَانِ
سَوْفَ يُسْلَمُ إِلَى أَيْدِي النَّاسِ».
وَلٰكِنَّهُمْ لَمْ يَفْهَمُوا هٰذَا الْكَلَامَ، بَلْ كَانَ مُسْتَتِرًا عَنْهُمْ
لِئَلَّا يُدْرِكُوهُ، وَكَانُوا يَخَافُونَ أَنْ يَسْأَلُوهُ عَنْ هٰذَا الْكَلَامِ.
٢٦ ثُمَّ حَدَثَ أَنْ دَارَ بَيْنَهُمْ مُنَازَعَةٌ: مَنْ مِنْهُمْ يُعْتَبَرُ أَكْبَرَ؟
٢٧ فَعَلِمَ يَسُوعُ مَا يَدُورُ فِي خَلَدِهِمْ، فَأَخَذَ وَلَدًا وَأَقَامَهُ
بِجَانِبِهِ، ٢٨ وَقَالَ لَهُمْ: «مَنْ قَبِلَ هٰذَا الْوَلَدَ بِاسْمِي فَقَدْ قَبِلَنِي،
وَمَنْ قَبِلَنِي فَقَدْ قَبِلَ الَّذِي أَرْسَلَنِي. فَالْأَصْغَرُ بَيْنَكُمْ جَمِيعًا
هُوَ الْأَكْبَرُ».
٢٩ فَأَجَابَ يُوحَنَّا وَقَالَ: «يَا مُعَلِّمُ، رَأَيْنَا رَجُلًا يَطْرُدُ الشَّيَاطِينَ
بِاسْمِكَ، وَحَاوَلْنَا أَنْ نَمْنَعَهُ لِأَنَّهُ لَا يَتْبَعُنَا مَعَنَا».
٣٠ فَقَالَ لَهُ يَسُوعُ: «لَا تَمْنَعُوهُ، لِأَنَّ مَنْ لَيْسَ عَلَيْنَا فَهُوَ مَعَنَا».
٣١ وَلَمَّا اقْتَرَبَتِ الْأَيَّامُ الَّتِي فِيهَا يُرْفَعُ إِلَى السَّمَاءِ، ثَبَّتَ
وَجْهَهُ لِيَذْهَبَ إِلَى أُورُشَلِيمَ، ٣٢ وَأَرْسَلَ رُسُلًا قُدَّامَ وَجْهِهِ،
فَذَهَبُوا وَدَخَلُوا قَرْيَةَ السَّامِرِيِّينَ لِيُعِدُّوا لَهُ. ٣٣ فَلَمْ يَقْبَلُوهُ،
لِأَنَّ وَجْهَهُ كَانَ ذَاهِبًا إِلَى أُورُشَلِيمَ.

---

m ٩:٢٥ متى ٢٣:٢ n ٩:٢٦ متى ١٠:١ o ٩:٢٨ لوقا ١٠:٢٢-٢٣

p ٩:٢٩ لوقا ٩:١ q ٩:٣٣ لوقا ١٤:٨؛ ١٦:٢٨

١٠ [١] הוי לחוקקי חקי־און ולכתבים עמל כתבו׃ [٢] להטות
מדין דלים ולגזול משפט עניי עמי למען יהיו־אלמנות
שללם ויתר־שוללים יבזו׃ [٣] ומה תעשו ליום פקדה
ולשואה מרחוק תבוא על־מי תנוסו לעזרה ואי תעזבו
כבודכם׃ [٤] בלתי כרע תחת אסיר ולחלל תחת הרוגים
יפלו בכל־זאת לא־שב אפו ועוד ידו נטויה׃ [٥] הוי
אשור שבט אפי והמטה בידם זעמי׃ [٦] אל־גוי חנף
אשלחנהו ועל־עם עברתי אצוה־לו לשלל־שלל ולבז־בז
ולשום למרמס כטיט חוצות׃ [٧] והוא לא כן יחשב
ולבבו לא כן ידמה כי אם־להשמיד ולהכרית גוים לא־
מעטים׃ [٨] כי יאמר הלא שריי יחד מלכים׃ [٩] הלא
כרכמיש כלנו אם־לא כארפד חמת אם־לא כדמשק
יד־אשר הממלכות האלילים ופסיליהם יהיו מירושלם
ומשמרון׃ [١٠] הכאשר עשיתי לשמרון ולאליליה כן
אעשה ליושבי׃ [١١] ולא־כן מחשבתו יחשב ולבבו לא
כן ידמה כי־להשמיד ולהכרית גוים לא־מעטים׃ [١٢] והיה
כי־יכלה אדני את־כל־מעשהו בהר־ציון וביריושלם אפקד
על־פרי גדל־לבב מלך אשור ועל־תפארת רום־עיניו׃
[١٣] כי אמר בכח־ידי עשיתי ובחכמתי כי נבנתי ואסיר
גבולות עמים ואל־אוצרותיהם שללתי ואורידה כאביר
יושבים׃ [١٤] ותמצא כקן ידי חיל העמים וכאסף ביצים
עזובות אני אספתי כל־הארץ ולא־היה נוסס כנף ופצה
פה ומצפצף׃

---

[r] ١٠:٥ ישעיהו ٥:١٨ [s] ١٠:٦ ירמיהו ١٢:٣٠ ומלכים ב ٨ [t] ١٠:٧ ירמיהו ١٣:٣٠ ומלכים ב ٨

[u] ١٠:٨ ירמיהו ١٤:٣٠ ומלכים ב ٨ [v] ١٠:١١ דברי הימים ١٦:٢٨ [w] ١٠:١٣ מלכים ב ٣٢:٢

ואני יודע שתמיד אתה שומע אותי, אבל אמרתי את זה בגלל הקהל שעומד כאן, כדי שיאמינו שאתה שלחת אותי.״ [41] אחרי שאמר את זה, קרא בקול גדול: ״לזרה, צא החוצה!״ [42] והמת יצא החוצה, כשרגליו ויריו עדיין קשורות ברצועות, ופניו מכוסות במטלית. ישוע אמר להם: ״התירו אותו, ותנו לו ללכת.״

[43] אחרי שישוע עשה את זה, רבים מהיהודים שהיו שם האמינו בו. [44] אבל כמה מהם הלכו לפרושים וסיפרו להם מה ישוע עשה. [45] אז הכוהנים הראשיים והפרושים כינסו ישיבה של הסנהדרין, ואמרו: ״מה אנחנו עושים? האיש הזה עושה הרבה נסים. [46] אם נניח לו להמשיך ככה, כולם יאמינו בו, והרומאים יבואו ויהרסו את המקדש שלנו ואת האומה שלנו.״

[47] אחד מהם, קיפא, שהיה כוהן גדול באותה שנה, אמר להם: ״אתם לא יודעים כלום! [48] אתם לא מבינים שעדיף שאדם אחד ימות בשביל העם, מאשר שכל האומה תיהרס?״ [49] אחרי שאמר את זה, הוא לא התכוון שזה יקרה באמת, אבל הוא היה כוהן גדול באותה שנה, ולכן הוא נבא שישוע ימות בשביל היהודים. [50] ולא רק בשביל היהודים, אלא גם בשביל לאסוף יחד את כל ילדי האלוהים שנפוצו בכל העולם. [51] מאותו יום והלאה, הם תכננו להרוג את ישוע.

[52] לכן ישוע לא הלך יותר בפומבי בין היהודים, אלא עזב את יהודה והלך לאזור ליד המדבר, לעיר שנקראת אפרים, ושם הוא נשאר עם תלמידיו.

[53] הפסח של היהודים היה בקרוב, ואנשים רבים עלו לירושלים מהאזור כדי לעשות את הטקסים לפני הפסח. [54] הם חיפשו את ישוע, ואמרו זה לזה כשעמדו בחצרות המקדש: ״מה אתם חושבים? הוא לא יבוא לחג?״ [55] אבל הכוהנים הראשיים והפרושים כבר נתנו פקודה שכל מי שיראה את ישוע, יגיד להם איפה הוא נמצא, כדי שיוכלו לתפוס אותו.

ישוע בבית עניה

12 [1] שישה ימים לפני הפסח, ישוע הלך לבית עניה, שם חי אלעזר, שאותו ישוע החזיר לחיים מהמתים. [2] שם ערכו לישוע ארוחת ערב, ומרתא שירתה אותו, ואלעזר היה אחד מהאנשים שישבו לאכול עם ישוע. [3] אז מרים לקחה בקבוק של שמן ריחני יקר מאוד, שעשוי מצמח שנקרא נרד, ומרחה את רגלי ישוע, וניגבה אותן עם השיער שלה. הריח של השמן הריחני מילא את הבית.

[4] אחד מתלמידיו של ישוע, יהודה איש קריות, שהיה עומד לבגוד בישוע, אמר: [5] ״למה לא מכרו את השמן הריחני הזה בשלוש מאות דינרים, ונתנו את הכסף לעניים?״ [6] הוא לא אמר את זה כי הוא באמת דאג לעניים, אלא כי הוא היה גנב. הוא היה אחראי על הכסף שהיה לקבוצה, ולפעמים הוא היה לוקח חלק מהכסף לעצמו.

[7] ישוע אמר: ״תנו לה לנהוג ככה. היא שמרה את השמן הריחני הזה ליום שבו יקברו אותי. [8] תמיד יהיו עניים בסביבה, אבל אני לא אהיה תמיד איתכם.״

[9] הרבה יהודים הגיעו לבית עניה, לא רק בגלל ישוע, אלא גם כדי לראות את אלעזר, שישוע החזיר לחיים מהמתים. [10] אז הכוהנים הראשיים החליטו להרוג גם את אלעזר, [11] כי בגלל שהוא היה חי, הרבה יהודים עזבו את הדת שלהם והאמינו בישוע.

---

[x] יוחנן י״א:ל״ח [y] יוחנן י״ב:ז׳ [z] יוחנן י״א:נ״ג [a] יוחנן י״ח:י״ד [b] יוחנן י״א:נ״א [c] יוחנן י״ב:ה׳

לאמר אין אלהים לו בישועתה סלה׃ ג ואתה יהוה מגן בעדי כבודי ומרים
ראשי׃

ג קולי אל יהוה אקרא ויענני מהר קדשו סלה׃ ד אני שכבתי ואישנה הקיצותי
כי יהוה יסמכני׃ ה לא אירא מרבבות עם אשר סביב שתו עלי׃

למנצח בנגינות מזמור לדוד׃ ב בקראי ענני אלהי צדקי בצר הרחבת לי חנני
ושמע תפלתי׃ ג בני אישים עד מה כבודי לכלמה תאהבון ריק תבקשון כזב
סלה׃ ד ודעו כי הפלה יהוה חסיד לו יהוה ישמע בקראי אליו׃ ה רגזו ואל
תחטאו אמרו בלבבכם על משכבכם ודמו סלה׃ ו זבחו זבחי צדק ובטחו אל
יהוה׃ ז רבים אמרים מי יראנו טוב נסה עלינו אור פניך יהוה׃ ח נתת שמחה
בלבבי מעת דגנם ותירושם רבו׃ ט בשלום יחד אשכבה ואישן כי אתה יהוה
לבדד לבטח תושיבני׃

למנצח אל נחילות מזמור לדוד׃ ב אמרי האזינה יהוה בינה הגיגי׃ ג הקשיבה
לקול שועי מלכי ואלהי כי אליך אתפלל׃ ד יהוה בקר תשמע קולי בקר אערך
לך ואצפה׃ ה כי לא אל חפץ רשע אתה לא יגורך רע׃ ו לא יתיצבו הוללים
לנגד עיניך שנאת כל פעלי און׃ ז תאבד דברי כזב איש דמים ומרמה יתעב
יהוה׃ ח ואני ברב חסדך אבוא ביתך אשתחוה אל היכל קדשך ביראתך׃ ט יהוה
נחני בצדקתך למען שוררי הישר לפני דרכך׃ י כי אין בפיהו נכונה קרבם
הוות קבר פתוח גרונם לשונם יחליקון׃ יא האשימם אלהים יפלו ממעצותיהם
ברב פשעיהם הדיחמו כי מרו בך׃ יב ושמחו כל חוסי בך לעולם ירננו ותסך
עליהם ויעלזו בך אהבי שמך׃ יג כי אתה תברך צדיק יהוה כצנה רצון תעטרנו׃

למנצח בנגינת שמינית מזמור לדוד׃ ב יהוה אל באפך תוכיחני ואל בחמתך
תיסרני׃ ג חנני יהוה כי אמלל אני רפאני יהוה כי נבהלו עצמי׃ ד ונפשי נבהלה
מאד ואתה יהוה עד מתי׃ ה שובה יהוה חלצה נפשי הושיעני למען חסדך׃ ו כי
אין במות זכרך בשאול מי יודה לך׃ ז יגעתי באנחתי אשחה בכל לילה מטתי
אמסה בדמעתי ערשי אמיג׃ ח עשתה מכעס עיני עתקה בכל צוררי׃ ט סורו
ממני כל פעלי און כי שמע יהוה קול בכיי׃ י שמע יהוה תחנתי יהוה תפלתי
יקח׃ יא יבשו ויבהלו מאד כל איבי ישבו יבשו רגע׃

---

d ג:יא ז תהלים יט:יד, יז e ד:ה ז תהלים יט:יח f ח:א תהלים כט, ב; כט:ד

g י:א ז דברים כט:כח; ירמיהו סט:כב-כג

13 וַיִּקְרָא־לוֹ דָּוִד וַיֹּאכַל לְפָנָיו וַיִּשְׁתְּ וַיְשַׁכְּרֵהוּ וַיֵּצֵא בָּעֶרֶב לִשְׁכָּב
בְּמִשְׁכָּבוֹ עִם־עַבְדֵי אֲדֹנָיו וְאֶל־בֵּיתוֹ לֹא יָרָד׃ 14 וַיְהִי בַבֹּקֶר וַיִּכְתֹּב דָּוִד
סֵפֶר אֶל־יוֹאָב וַיִּשְׁלַח בְּיַד אוּרִיָּה׃ 15 וַיִּכְתֹּב בַּסֵּפֶר לֵאמֹר הָבוּ אֶת־אוּרִיָּה
אֶל־פְּנֵי הַמִּלְחָמָה הַחֲזָקָה וְשׁוּבוּ מֵאַחֲרָיו וְנִכָּה וָמֵת׃ 16 וַיְהִי בְּשׁוּר יוֹאָב
אֶל־הָעִיר וַיִּתֵּן אֶת־אוּרִיָּה אֶל־הַמָּקוֹם אֲשֶׁר יָדַע כִּי־אַנְשֵׁי חַיִל שָׁם׃
17 וַיֵּצְאוּ אַנְשֵׁי הָעִיר וַיִּלָּחֲמוּ אֶת־יוֹאָב וַיִּפֹּל מִן־הָעָם מֵעַבְדֵי דָוִד וַיָּמָת
גַּם אוּרִיָּה הַחִתִּי׃ 18 וַיִּשְׁלַח יוֹאָב וַיַּגֶּד לְדָוִד אֶת כָּל־דִּבְרֵי הַמִּלְחָמָה׃
19 וַיְצַו אֶת־הַמַּלְאָךְ לֵאמֹר כְּכַלֹּתְךָ אֶת כָּל־דִּבְרֵי הַמִּלְחָמָה לְדַבֵּר אֶל־
הַמֶּלֶךְ׃ 20 וְהָיָה אִם־תַּעֲלֶה חֲמַת הַמֶּלֶךְ וְאָמַר אֵלֶיךָ מַדּוּעַ נִגַּשְׁתֶּם
אֶל־הָעִיר לְהִלָּחֵם הֲלוֹא יְדַעְתֶּם אֶת אֲשֶׁר יֹרוּ מֵעַל הַחוֹמָה׃ 21 מִי הִכָּה
אֶת־אֲבִימֶלֶךְ בֶּן־יְרֻבֶּשֶׁת הֲלוֹא אִשָּׁה הִשְׁלְכָה עָלָיו פֶּלַח רֶכֶב מֵעַל הַחוֹמָה
וַיָּמָת בְּתֵבֵץ לָמָּה נִגַּשְׁתֶּם אֶל־הַחוֹמָה וְאָמַרְתָּ גַּם עַבְדְּךָ אוּרִיָּה הַחִתִּי
מֵת׃ 22 וַיֵּלֶךְ הַמַּלְאָךְ וַיָּבֹא וַיַּגֶּד לְדָוִד אֵת כָּל־אֲשֶׁר שְׁלָחוֹ יוֹאָב׃
23 וַיֹּאמֶר הַמַּלְאָךְ אֶל־דָּוִד כִּי־גָבְרוּ עָלֵינוּ הָאֲנָשִׁים וַיֵּצְאוּ אֵלֵינוּ הַשָּׂדֶה
וַנְּהִי עֲלֵיהֶם עַד־פֶּתַח הַשָּׁעַר׃ 24 וַיֹּרוּ הַיֹּרִים מֵעַל הַחוֹמָה אֶל־עֲבָדֶיךָ
וַיָּמָת מֵעַבְדֵי הַמֶּלֶךְ וְגַם עַבְדְּךָ אוּרִיָּה הַחִתִּי מֵת גַּם׃ 25 וַיֹּאמֶר דָּוִד אֶל־
הַמַּלְאָךְ כֹּה תֹאמַר אֶל־יוֹאָב אַל־יֵרַע בְּעֵינֶיךָ אֶת־הַדָּבָר הַזֶּה כִּי כָזֹה וְכָזֶה
תֹּאכַל הַחֶרֶב הַחֲזֵק מִלְחַמְתְּךָ אֵלֶיהָ וְהָרְסֶהָ וְחַזְּקֵהוּ׃

משל של שני חייבים

[כה] וַיֹּאמֶר לָהֶם מָשָׁל זֶה: אִישׁ מַלְוֶה הָיָה לוֹ שְׁנֵי חַיָּבִים, הָאֶחָד חָמֵשׁ מֵאוֹת דִּינָר וְהַשֵּׁנִי חֲמִשִּׁים. [כו] וְכַאֲשֶׁר לֹא הָיָה לָהֶם מַה לְשַׁלֵּם, מָחַל לִשְׁנֵיהֶם. אֵיזֶה מֵהֶם יֹאהַב אֶת הַמַּלְוֶה יוֹתֵר? [כז] שִׁמְעוֹן עָנָה וְאָמַר: אֲנִי חוֹשֵׁב שֶׁזֶּה שֶׁמָּחַל לוֹ הַרְבֵּה יוֹתֵר.
וַיֹּאמֶר לוֹ יֵשׁוּעַ: נָכוֹן שָׁפַטְתָּ. [כח] וְהִנֵּה הָאִשָּׁה הַזֹּאת לְנֶגֶד עֵינֶיךָ. נִכְנַסְתִּי לְבֵיתֶךָ וְלֹא נָתַתָּ לִי מַיִם לִרְחֹץ אֶת רַגְלַי, אֲבָל הִיא רָחֲצָה אֶת רַגְלַי בְּדִמְעוֹתֶיהָ וְקִנְּחָה אוֹתָן בְּשֵׂעָרָהּ. [כט] נָשַׁקְתָּ לִי, אֲבָל הִיא לֹא חָדְלָה מִנְּשִׁיקוֹת לְרַגְלַי מֵרֶגַע שֶׁנִּכְנַסְתִּי. [ל] לֹא מָשַׁחְתָּ אֶת רֹאשִׁי בְּשֶׁמֶן, אֲבָל הִיא מָשְׁחָה אֶת רַגְלַי בְּבֹשֶׂם יָקָר. [לא] לָכֵן אֲנִי אוֹמֵר לָךְ שֶׁכָּל חַטֹּאתֶיהָ הָרַבּוֹת נִסְלְחוּ לָהּ, כִּי הִיא אָהֲבָה הַרְבֵּה. אֲבָל מִי שֶׁנִּסְלַח לוֹ מְעַט, אוֹהֵב מְעַט.

שאלת הסמכות

[לב] וְעַתָּה בָּאוּ אֵלָיו וְשָׁאֲלוּ: בְּאֵיזֹה סַמְכוּת אַתָּה עוֹשֶׂה אֶת הַדְּבָרִים הָאֵלֶּה? מִי נָתַן לְךָ אֶת הַסַּמְכוּת הַזֹּאת?

[כה] יוחנן ב ב:כה 701 יוחנן ב ג:לד

٣٥ بِ فَٱنظُرْ لِئَلَّا ٱلنُّورُ ٱلَّذِي فِيكَ يَكُونُ ظَلَامًا؟ [٣٦] فَإِنْ كَانَ جَسَدُكَ كُلُّهُ نَيِّرًا،
لَيْسَ فِيهِ جُزْءٌ مُظْلِمٌ، يَكُونُ نَيِّرًا كُلُّهُ، كَمَا لَوْ كَانَ لَكَ ٱلسِّرَاجُ بِإِشْرَاقِهِ يُنِيرُ لَكَ.

تحذير من الرياء

١٢ ١ وَفِي أَثْنَاءِ ذٰلِكَ، إِذِ ٱجْتَمَعَ رِبْوَاتُ ٱلنَّاسِ حَتَّى دَاسَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا، ٱبْتَدَأَ
يَقُولُ أَوَّلًا لِتَلَامِيذِهِ: «ٱحْتَرِزُوا مِنْ خَمِيرِ ٱلْفَرِّيسِيِّينَ، ٱلَّذِي هُوَ ٱلرِّيَاءُ. ٢ وَلَيْسَ
مَكْتُومٌ إِلَّا سَيُعْلَنُ، وَلَا خَفِيٌّ إِلَّا سَيُعْرَفُ. ٣ لِأَنَّ كُلَّ مَا قُلْتُمُوهُ فِي ٱلظُّلْمَةِ يُسْمَعُ فِي
ٱلنُّورِ، وَٱلَّذِي كَلَّمْتُمُوهُ فِي ٱلْأُذُنِ فِي ٱلْمَخَادِعِ يُنَادَى بِهِ عَلَى ٱلسُّطُوحِ. ٤ وَأَقُولُ لَكُمْ
يَا أَحِبَّائِي: لَا تَخَافُوا مِنَ ٱلَّذِينَ يَقْتُلُونَ ٱلْجَسَدَ، وَبَعْدَ ذٰلِكَ لَيْسَ لَهُمْ أَكْثَرُ مِنْ ذٰلِكَ.
٥ بَلْ أُرِيكُمْ مَنْ تَخَافُونَ: خَافُوا ٱلَّذِي بَعْدَ مَا يَقْتُلُ لَهُ سُلْطَانٌ أَنْ يُلْقِيَ فِي جَهَنَّمَ. نَعَمْ،
أَقُولُ لَكُمْ، هٰذَا خَافُوهُ. ٦ أَلَيْسَ خَمْسُ عَصَافِيرَ تُبَاعُ بِفَلْسَيْنِ؟ وَوَاحِدٌ مِنْهَا لَيْسَ
مَنْسِيًّا أَمَامَ ٱللّٰهِ. ٧ بَلْ شُعُورُ رُؤُوسِكُمْ جَمِيعُهَا مُحْصَاةٌ. فَلَا تَخَافُوا. أَنْتُمْ أَفْضَلُ مِنْ
عَصَافِيرَ كَثِيرَةٍ. ٨ وَأَقُولُ لَكُمْ: كُلُّ مَنْ يَعْتَرِفُ بِي قُدَّامَ ٱلنَّاسِ، يَعْتَرِفُ بِهِ ٱبْنُ ٱلْإِنْسَانِ
قُدَّامَ مَلَائِكَةِ ٱللّٰهِ.

---

[٣٦] ١١:٣٥ حرفيا ١١:٤١

مەرد جەستە دەستەبر

٩ گا ئەو وتی: «جا بڕۆن، ئەو پیاوە بۆ من بهێنن!»
ئەوانیش بۆ سەر ئەو پیاوە چوون و بردیان بۆ ئەو شوێنەی
١٠ ئەو لێی بوو. ئەو پیاوە لە ئەو شوێنە دانیشت و
١١ ئەو پیاوە بە ئەو وتی: «ئەو پیاوە لە ئەو شوێنە،
١٢ ئەو پیاوە بە ئەو وتی: «ئەو پیاوە لە ئەو شوێنە،
١٣ ئەو پیاوە بە ئەو وتی: «ئەو پیاوە لە ئەو شوێنە،
١٤ ئەو پیاوە بە ئەو وتی: «ئەو پیاوە لە ئەو شوێنە،
١٥ ئەو پیاوە بە ئەو وتی: «ئەو پیاوە لە ئەو شوێنە،
١٦ ئەو پیاوە بە ئەو وتی: «ئەو پیاوە لە ئەو شوێنە،
١٧ ئەو پیاوە بە ئەو وتی: «ئەو پیاوە لە ئەو شوێنە،
١٨ ئەو پیاوە بە ئەو وتی: «ئەو پیاوە لە ئەو شوێنە،
١٩ ئەو پیاوە بە ئەو وتی: «ئەو پیاوە لە ئەو شوێنە،
٢٠ ئەو پیاوە بە ئەو وتی: «ئەو پیاوە لە ئەو شوێنە،
٢١ ئەو پیاوە بە ئەو وتی: «ئەو پیاوە لە ئەو شوێنە،
ئەو پیاوە بە ئەو وتی: «ئەو پیاوە لە ئەو شوێنە،

---

[k] ١٢:١٩ سەرژمێری ٣٥:٣٢ [l] ١٢:٢٠ دووبارەکردنەوەی یاسا ٢١:٢٥-٢٢

משל הזרע

١٣ [١] ביום ההוא יצא ישוע מן הבית וישב על שפת הים. [٢] ויקהלו
עליו המון רב, עד כי עלה הוא אל הספינה וישב בה, וכל העם עמדו
על החוף. [٣] וידבר אליהם משלים רבים לאמר: "הנה הזורע יצא
לזרוע את זרעו. [٤] ובזרעו נפלו גרעינים על הדרך, ויבואו העופות
ויאכלו אותם. [٥] ויש גרעינים שנפלו על מקום סלעי, שלא היתה
שם אדמה רבה, ויצמחו מיד כי לא היה עומק לקרקע. [٦] אך כאשר
זרחה השמש נשרפו הצמחים, ומפני שלא היה להם שורש יבשו.
[٧] ויש גרעינים שנפלו בין הקוצים, ויגדלו הקוצים ויחנקו את
הצמחים. [٨] אך יש גרעינים שנפלו על אדמה טובה ויצמחו ויתנו
פרי, מאה מכפלים או שישים או שלושים". [٩] ויאמר ישוע: "מי
שיש לו אזניים לשמוע, ישמע!"

[١٠] ויגשו אליו התלמידים ויאמרו: "מדוע אתה מדבר אל העם
במשלים?" [١١] ויען ויאמר להם: "כי לכם ניתן לדעת את סודות
מלכות השמים, אך לא להם. [١٢] כי מי שיש לו, יינתן לו עוד ויהיה
לו שפע; אך מי שאין לו, גם את מה שיש לו יקחו ממנו. [١٣] לכן
אני מדבר אליהם במשלים, כי הם רואים ואינם רואים, ושומעים
ואינם שומעים ואינם מבינים. [١٤] ובהם מתקיימת נבואת ישעיהו
האומרת:

'אתם תשמעו ולא תבינו,
ותראו ולא תדעו.
[١٥] כי לב העם הזה טמא,
ואזניהם כבדות לשמוע,
ועיניהם עצומות,
פן יראו בעיניהם
וישמעו באזניהם
ויבינו בלבם
וישובו ואני ארפא להם.'

[١٦] אך אשרי עיניכם כי רואות, ואשרי אזניכם כי שומעות.
[١٧] כי אמן אני אומר לכם, רבים נביאים וצדיקים חמדו לראות את
אשר אתם רואים, ולא ראו, ולשמוע את אשר אתם שומעים, ולא
שמעו.

---

m ١٣:٩ מקבילות ٢٠:١٣-١٥، ١٧؛ מרקוס ٥:١٧-١٩، ٢١ n ١٣:٩ לוקס ١٨:١٩

المسيح الصانع السلام

١١ ويُقال إنه لن تكون بعد لعنة، بل ستسكن أورشليم بأمان،
وتُدعى مدينة الحق، وجبل رب الجنود يُدعى الجبل المقدس.

١٢ وهذا هو الوبأ الذي سيضرب به الرب جميع الشعوب
الذين حاربوا أورشليم: سيذيب لحم كل واحد منهم وهو واقف على قدميه،
وتذوب عيونهم في محاجرها، وتذوب ألسنتهم في أفواههم.

١٣ وفي ذلك اليوم سيرسل الرب عليهم اضطرابًا عظيمًا،
فيمسك كل واحد بيد صاحبه، ويرفع يده ضد يد صاحبه.

١٤ ويحارب يهوذا أيضًا في أورشليم،
وتُجمع ثروة جميع الشعوب المحيطة بها،
ذهبًا وفضة وثيابًا بكميات كبيرة جدًا.

١٥ وسيصيب الوبأ نفسه الخيل والبغال والجمال والحمير،
وجميع الحيوانات التي في تلك المعسكرات.

عبادة الرب في أورشليم

١٦ وكل الذين بقوا من جميع الشعوب التي حاربت أورشليم
سيصعدون سنويًا ليسجدوا للملك، رب الجنود،
ويحتفلوا بعيد المظال.

١٧ وإذا رفضت أي عشيرة من عشائر الأرض
أن تصعد إلى أورشليم لتسجد للملك، رب الجنود،
فلن ينزل عليها المطر.

١٨ وإذا رفضت عشيرة مصر أن تصعد وتحضر،
فإن الوبأ الذي يضرب به الرب الشعوب
الذين لا يحتفلون بعيد المظال
سيصيبها أيضًا.

١٩ هذا هو العقاب الذي سيعاقب به الرب مصر
وكل الشعوب التي لا تحتفل بعيد المظال.

قداسة بيت الرب

٢٠ وفي ذلك اليوم سيُكتب على أجراس الخيل
«مقدس للرب»،
وستكون قدور بيت الرب مقدسة
مثل الأوعية المقدسة أمام المذبح.

٢١ وكل قدر في أورشليم وفي يهوذا
سيكون مقدسًا للرب، رب الجنود،
وكل الذين يأتون ليقدموا ذبائح
سيأخذون قدورًا من القدور ويطبخون فيها.
وفي ذلك اليوم لن يكون
تاجر في بيت الرب، رب الجنود.

ئەوێنە سپی لە شوێنی، وەک هێلکەی مریشک. ٨ هێشتا گۆشتەکە لە نێوان
ددانەکانیان بوو، بەڵام هێشتا نەیانخوارد، ئینجا خودا توڕەیی خۆی
لەسەر ئەو خەڵکە ڕژاند و لەناویان برد. ٩ ئەو شوێنەی ناوی لێنرا
قەبرەکانی ئارەزووکردن، چونکە لەوێ ئەو خەڵکەیان ناشت کە
ئارەزووی خواردنیان کرد. ١٠ ئینجا کۆچیان کرد لە قەبرەکانی
ئارەزووکردنەوە بۆ حەزێرۆت، و لەوێ نیشتەجێ بوون.
١١ ئینجا خانم مریەم و هارون قسەیان دژی موسا کرد، بەهۆی ژنە
حەبەشییەکەی کە موسا هێنابووی، چونکە ژنێکی حەبەشی هێنابوو:
١٢ ئایا تەنها لە ڕێگای موسا خودا قسەی لەگەڵدا کردووە؟ ئایا
لە ڕێگای ئێمەشەوە قسەی لەگەڵدا نەکردووە؟ خودا گوێی لێ بوو.
١٣ موسا پیاوێکی زۆر نەرم و نیان بوو، لە هەموو ئەو خەڵکانەی
سەر ڕووی زەوی. ١٤ لەو کاتەدا یەهۆڤا بە موسا و هارون و
مریەمی فەرموو: ئێوە سێکتان بڕۆنە دەرەوە بۆ چادری
کۆبوونەوە. ئینجا هەر سێکیان چوونە دەرەوە. ١٥ یەهۆڤا بە هەوردێک
هاتە خوارەوە و لە دەرگای چادرەکە ڕاوەستا، هارون و مریەمی
بانگ کرد، هەر دووکیان هاتنە پێشەوە. ١٦ پاشان فەرمووی: ئێوە
گوێ لە قسەکانم بگرن: ئەگەر پێغەمبەرێکتان هەبێت لە نێوانتان،
منی یەهۆڤا لە بینینێکدا پێی ئاشکرا دەکەم، لە خەونێکدا قسەی
لەگەڵ دەکەم. ١٧ بەڵام بەندەکەم موسا وا نییە، ئەو لە هەموو
ماڵەکەمدا متمانەپێکراوە. ١٨ دەم بە دەم قسەی لەگەڵ دەکەم،
بە ڕوونی، نەک بە چیرۆک، و شکۆی یەهۆڤا دەبینێت. بۆچی
ئێوە نەترسان قسە لە بەندەکەم موسا بکەن؟ ١٩ خودا توڕەیی خۆی
لێیان ڕژاند و ڕۆیشت. ٢٠ کاتێک هەوریش لە سەر چادرەکە
هەڵگیرا، هەر سێکیان مریەم کەوتە ژێر کاریگەری نەخۆشی
پیسی و وەک بەفر سپی بوو. هارون ڕووی کرە مریەم، کە
نەخۆشی پیسی پێوە دیار بوو. ٢١ هارون بە موسای گوت: ئەی
خاوەنم، تکات لێدەکەم، گوناهەکە مەخەرە سەر ئێمە، کە
بەهۆیەوە گەمژانە هەڵسوکەوتمان کرد و گوناهمان کرد.
٢٢ تکات لێدەکەم، وا مەکە ئەو

ژمارە ١١:١٤ - دووبارەکراوە ٢٣:٤٥

ולא תזנח לבבך. ותלמדם את בניך, לדבר בם בשבתך בביתך וברכתך בדרך ובשכבך ובקומך. ٢٣ וכתבתם על מזוזות ביתך ובשעריך. ٢١ למען ירבו ימיכם וימי בניכם על האדמה אשר נשבע יהוה לאבתיכם לתת להם כימי השמים על הארץ.

ברכה וקללה

١١ כי אם השמר תשמרון את כל המצוה הזאת אשר אנכי מצוה אתכם היום לאהבה את יהוה אלהיכם ולעבדו בכל לבבכם ובכל נפשכם. ٢ ועשיתם הישר והטוב בעיני יהוה אלהיכם למען ייטב לך ולבניך אחריך ולמען תאריכו ימים על האדמה אשר יהוה נשבע לאבתיך לתת להם כימי השמים על הארץ. ٣ כי אם שמר תשמרון את כל המצוה הזאת אשר אנכי מצוה אתכם היום לעשותה לאהבה את יהוה אלהיכם ולהלכת בכל דרכיו ולדבקה בו. ٤ והוריש יהוה את כל הגוים האלה מלפניכם וירשתם גוים גדלים ועצומים ממכם. ٥ כל המקום אשר תדרך כף רגלכם בו לכם יהיה מן המדבר והלבנון מן הנהר נהר פרת ועד הים האחרון יהיה גבלכם. ٦ לא יתיצב איש בפניכם פחדכם ויתתו יהוה אלהיכם את אימתכם ואת פחדכם על כל הארץ אשר תדרכו עליה כאשר דבר לכם. ٧ הנה אנכי נתן לפניכם היום ברכה וקללה. ٨ את הברכה אשר תשמעו אל מצות יהוה אלהיכם אשר אנכי מצוה אתכם היום. ٩ והקללה אם לא תשמעו אל מצות יהוה אלהיכם וסרתם מן הדרך אשר אנכי מצוה אתכם היום ללכת אחרי אלהים אחרים אשר לא ידעתם. ١٠ והיה כי יבאך יהוה אלהיך אל הארץ אשר אתה בא שמה לרשתה ונתנו לפניך גוים רבים. ١١ ויהושע בן נון נער משרת משה. ١٢ ויאמר אליו:

דברים ١١:٢٨ ١٥:٩٩ דברים ٩:٦٩ ١٥:٣p

יהושע ٤٣:٣٢ ١٥:١٠r

بێبڕێ لەسەر هەموو بەرزاییە بڵندەکان و لەژێر هەموو دارە
سەوزەکان.[12s]
١٣ ئەی چیاکەم و مەیدانەکەم لە وڵاتەکەدا،
سامانەکانت و هەموو گەنجینەکانت دەدەم بە تاڵان،
بەهۆی هەموو گوناهەکانت لە هەموو سنوورەکانتدا.[13t]
١٤ تۆ بەهۆی خۆتەوە لە میراتەکەم بێبەش دەبیت
کە پێم بەخشیبوو،
و دەتکەم بە کۆیلەی دوژمنەکانت
لە وڵاتێکدا کە نایانناسیت،
چونکە ئاگرێک هەڵگیرساوە لە توڕەییمدا
کە بۆ هەمیشە دەسووتێت.

ئەرمیا لەسەر هەڵەکەی

١٥ ئەی یەزدان، تۆ خۆت دەزانیت.
بیرم بکەرەوە و سەردانم بکە،
و تۆڵەم لە دوژمنەکانم بۆ بکەرەوە.
لە بەرگەگرتنتدا درەنگ مەکە،
بیر لە ماوەی ئازارچێژیم بکەرەوە لە پێناوتدا.
١٦ کاتێک قسەکانت دۆزییەوە، من خواردمن،
و قسەکانت بوونە خۆشی و دڵخۆشی بۆ دڵم،
چونکە ناوی تۆم لەسەر هەڵگرتووە،
ئەی یەزدانی خوای هێزەکان.
١٧ لە کۆڕی گاڵتەچییەکان دانیشتووم و شاد نەبووم،
بەهۆی دەستی تۆوە تەنیا دانیشتووم،
چونکە تۆ منت پڕ کردووە لە توڕەیی.
١٨ بۆچی ئازارەکەم بەردەوامە،
و برینەکەم چارەسەر نابێت و نایەتەوە؟
بۆ وەک سەرچاوەیەکی فریودەر لێم هاتووی،
وەک ئاوێک کە متمانەی پێ نییە؟
١٩ بۆیە یەزدان ئاوا دەڵێت:
«ئەگەر تۆبە بکەیت، ئەوا دەتگەڕێنمەوە،
تا لەبەردەمم بوەستیت.
ئەگەر بەنرخ لە بێبەها جیا بکەیتەوە،
وەک دەمی من دەبیت.
با ئەوان بگەڕێنەوە بۆ لای تۆ،
بەڵام تۆ مەگەڕێرەوە بۆ لایان.
٢٠ لەم گەلە بڕەنجەیەدا
وەک دیوارێکی بڕەنجی بەرزت لێ دەکەم،
و شەڕیان لەگەڵ دەکەیت،
بەڵام زاڵ نابن بەسەرتدا،
چونکە من لەگەڵتدام
بۆ ڕزگارکردن و ڕزگارکردنتان،
بڕوانە یەزدان ئاوا دەڵێت.
٢١ «من ڕزگارتان دەکەم
لە دەستی خراپەکاران،
و لە مستی زۆرداران ئازادتان دەکەم.

---

s ١٥:١١ هەروەها ١١٧:١ t ١٥:١٢ زبور ١١:١٠

ئەمەت ئە دێ بە ئەو، بەڵێ کە ئەو دێتە هەڤدەم ئێمە هەمو دێ بە ئەمەت ئە
کە فڕەمە. [٢٢u] ئەو ژمارا ژێدەرێ ڤێت بە مەحکما هەی ئێرۆ ئە
لێهاتیە.

هەلەت ئەسەد دە دانان ئەمەد

[٢٣] ئەبڵ ئەبڵ خەم بێ بە ئەو بێ ئەنگ ئەو ئێتی ئەوێ کە ئەبڵ ئێ ئەڤژەیێ،
ئەمەد ئەو ئەو ئەو ئەو ئەو ئەو ئەو ئەو ئەو ئەو ئەو ئەو ئەو ئەو ئەو ئەو ئەو
لێهاتیە. [٢٤] ئەبڵ دێ ئەو ئەو ئەو ئەو ئەو ئەو ئەو ئەو ئەو ئەو ئەو ئەو ئەو
ئەو ئەو ئەو ئەو ئەو

خۆ هەبێتە جگە لەوەی لەگەڵ ئەم ژنەدا ٣٢ هەبووە، هەڵدێت لە باوکی
دەبڕێت. ٣٣ ئینجا دەکوژێت هاوڕێ خۆی لە حەوشەکە، ئەمیش.

لەقەدەی ئەلیشا

١٦ ١ فەرمووی بە یەهو کوڕی حەنانی، دژی باشا کە دەڵێت: ٢ لەبەر
ئەوەی لە خۆڵەوە بەرزم کردیتەوە، و سەرۆکم کردووی بەسەر گەلی
ئیسرائیلی خۆم، بەڵام تۆ بە ڕێگای یارۆبەعام ڕۆیشتووی، گەلی
ئیسرائیلی خۆمت هێناوەتە گوناهکردن، بۆ ئەوەی بە گوناهەکانیان
بمخەنە خەشمەوە، ٣ ئەوا من دوای باشا و دوای ماڵەکەی دێم، و
ماڵەکەی وەک ماڵی یارۆبەعامی کوڕی نەباتت لێ دێنم. ٤ ئەوەی لە
باشا بمرێت لە شار سەگەکان دەیخۆن، و ئەوەی لە مەیدانیش بمرێت
باڵندەکانی ئاسمان دەیخۆن. ٥ ئەوانی تر لە کارەکانی باشا و هەموو
ئەوەی کردوویەتی و هێزەکەی لە کتێبی مێژووی پاشاکانی
ئیسرائیلدا نووسراوە. ٦ باشا لەگەڵ باوکانی نێژرا و لە تیرزا
نێژرا، و ئیلا کوڕی لە جێی دانیشت. ٧ هەروەها دەستی یەهو
کوڕی یەهو پێغەمبەر بە دژی باشا و ماڵەکەی هێنا، هەم بەهۆی
هەموو ئەو خراپەیەی کە لە چاوی یەزدان کردی، بە توڕەکردنی بە
کارەکانی دەستەکانی، وەک ماڵی یارۆبەعام بوو، هەم لەبەر ئەوەی
ئەویش لەناوی برد. ٨ باشا لە ساڵی بیست و شەشی ئاسا پاشای
یەهودا بوو، و دوو ساڵ لە تیرزا بەسەر ئیسرائیلدا پاشا بوو.
٩ بەڵام بەندەکەی زەمری، سەرۆکی نیوەی گەلی ئەسپەکانی، دژی
فەرمانڕەوایی کرد. کاتێک لە تیرزا بوو و لە ماڵی ئەرسا
بەڕێوەبەری ماڵەکەی لە تیرزا سەرخۆش بوو و مەست بوو،
١٠ زەمری هاتە ژوورەوە و لێی دا و کوشتی، لە ساڵی بیست و
حەوتەمی ئاسا پاشای یەهودا، و لە جێی پاشا بوو. ١١ کاتێک
دەستی بە پاشایەتی کرد و لە سەر تەختەکەی دانیشت، هەموو
ماڵی باشای لە ناو برد. نەهێشت هیچ نێرینەیەک لێی بمێنێتەوە،
نە لە نزیکانی و نە لە هاوڕێکانی. ١٢ زەمری هەموو ماڵی باشای
لەناو برد، وەک ئەو قسەیەی یەزدان کە بە یەهو پێغەمبەری
دژی باشا فەرموو، ١٣ بەهۆی هەموو گوناهەکانی باشا و گوناهەکانی
کوڕەکەی ئیلا کە گوناهیان کرد و هێشتا گوناهکاریان کرد
بەهۆی بێهودەییەکانیانەوە. ١٤ ئەوانی تر لە کارەکانی ئیلا و

[١٥] ئەجا، ئەڤڕاهام، ئەژەفەس، ئەژەفەس، ئەڤڕاهام دێت ژێ ئەمەس. [١٦] ئەجا ئەڤڕاهام ئەڤیا، ئەمەس ئەڤڕاهام، ئەمەس ئەڤڕاهام، ئەمەس ئەڤڕاهام، ئەمەس ئەڤڕاهام، ئەمەس ئەڤڕاهام، ئەمەس ئەڤڕاهام. [١٧] ئەڤڕاهام ئەڤیا، ئەمەس ئەڤڕاهام، ئەمەس ئەڤڕاهام، ئەمەس ئەڤڕاهام، ئەمەس ئەڤڕاهام، ئەمەس ئەڤڕاهام، ئەمەس ئەڤڕاهام

٢٧ وَلٰكِنَّ ٱلْمَلْعُونَ، حَكَمَ عَلَيْهِ ٱللهُ مُنْذُ ٱلْبَدْءِ، وَهُوَ ٱلَّذِي سَيَقْتُلُهُ بِحَبْلٍ، أَيْ
ٱلْمَلْعُونُ ٱلَّذِي يَسْتَحِقُّ ٱلْمَوْتَ بِدُونِ مُحَاكَمَةٍ بِحَبْلِ ٱلْمَلْعُونِ. آمِين.

شاول يبحث عن حمير أبيه

١

١ وَكَانَ رَجُلٌ مِنْ بَنْيَامِينَ اسْمُهُ قِيسُ بْنُ أَبِيئِيلَ بْنِ صَرُورَ بْنِ بَكُورَةَ بْنِ أَفِيحَ
بْنِ رَجُلٍ بَنْيَامِينِيٍّ جِبَّارِ الْقُدْرَةِ. ٢ وَكَانَ لَهُ ابْنٌ اسْمُهُ شَاوُلُ، فَتًى مُخْتَارٌ وَحَسَنٌ،
وَلَيْسَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَحْسَنُ مِنْهُ. مِنْ كَتِفِهِ فَصَاعِدًا كَانَ أَطْوَلَ مِنْ كُلِّ الشَّعْبِ.
٣ وَضَلَّتْ أَتُنُ قِيسٍ أَبِي شَاوُلَ، فَقَالَ قِيسٌ لِشَاوُلَ ابْنِهِ: «خُذْ مَعَكَ أَحَدَ الْغِلْمَانِ
وَقُمْ اذْهَبْ فَفَتِّشْ عَلَى الأَتُنِ». فَقَامَ وَذَهَبَ فِي جَبَلِ أَفْرَايِمَ وَفِي أَرْضِ شَلِيشَةَ
وَلَمْ يَجِدُوهَا، وَفِي أَرْضِ شَعْلِيمَ وَلَمْ تَكُنْ، وَفِي أَرْضِ بَنْيَامِينَ وَلَمْ يَجِدُوهَا.

٥

٤ فَجَاءَ إِلَى أَرْضِ صُوفٍ وَشَاوُلُ قَالَ لِلْغُلاَمِ الَّذِي مَعَهُ: «هَلُمَّ نَرْجِعْ لِئَلاَّ يَتْرُكَ
أَبِي الأَتُنَ وَيَغْتَمَّ لأَجْلِنَا». ٥ فَقَالَ لَهُ: «هُوَذَا فِي هذِهِ الْمَدِينَةِ رَجُلُ اللهِ، وَهُوَ رَجُلٌ
مُكْرَمٌ. كُلُّ مَا يَتَكَلَّمُ بِهِ يَأْتِي لاَ مَحَالَةَ. فَالآنَ نَذْهَبُ إِلَى هُنَاكَ. لَعَلَّهُ يُخْبِرُ عَنْ
طَرِيقِنَا الَّتِي نَحْنُ ذَاهِبُونَ عَلَيْهَا». ٦ فَقَالَ شَاوُلُ لِغُلاَمِهِ: «وَهُوَذَا نَذْهَبُ، وَمَاذَا
نُقَدِّمُ لِلرَّجُلِ؟ لأَنَّ الْخُبْزَ قَدْ فَرَغَ فِي أَوْعِيَتِنَا، وَلَيْسَ هَدِيَّةٌ لِنُقَدِّمَ لِرَجُلِ اللهِ. مَاذَا
مَعَنَا؟» ٧ فَعَادَ الْغُلاَمُ وَأَجَابَ شَاوُلَ وَقَالَ: «هُوَذَا يُوجَدُ بِيَدِي رُبُعُ شَاقَلٍ مِنَ الْفِضَّةِ
فَأُعْطِي رَجُلَ اللهِ لِكَيْ يُخْبِرَنَا عَنْ طَرِيقِنَا». ٨ (فِي الْقَدِيمِ فِي إِسْرَائِيلَ هكَذَا كَانَ
الرَّجُلُ إِذَا ذَهَبَ لِيَسْأَلَ اللهَ يَقُولُ: «هَلُمُّوا نَذْهَبْ إِلَى الرَّائِي». لأَنَّ الَّذِي يُدْعَى الآنَ
نَبِيًّا كَانَ يُدْعَى قَبْلاً الرَّائِيَ.)

صموئيل يمسح شاول

١٠ فَأَخَذَ صَمُوئِيلُ قَارُورَةَ الزَّيْتِ وَسَكَبَ عَلَى رَأْسِهِ، وَقَبَّلَهُ وَقَالَ: «أَلَيْسَ لأَنَّ الرَّبَّ قَدْ مَسَحَكَ عَلَى مِيرَاثِهِ رَئِيسًا؟ ١١ وَعِنْدَمَا تُفَارِقُنِي الْيَوْمَ تَجِدُ رَجُلَيْنِ عِنْدَ قَبْرِ رَاحِيلَ فِي تُخُومِ بَنْيَامِينَ فِي صَلْصَحَ، فَيَقُولاَنِ لَكَ: ‹قَدْ وُجِدَتِ الأَتُنُ الَّتِي ذَهَبْتَ لِتَطْلُبَهَا، وَهُوَ ذَا أَبُوكَ قَدْ تَرَكَ أَمْرَ الأَتُنِ وَاهْتَمَّ لأَجْلِكُمَا قَائِلاً: مَاذَا أَفْعَلُ لأَجْلِ ابْنِي؟› ١٢ ثُمَّ تَذْهَبُ مِنْ هُنَاكَ وَتَأْتِي إِلَى بَلُّوطَةِ تَابُورَ، وَهُنَاكَ يَلْقَاكَ ثَلاَثَةُ رِجَالٍ صَاعِدِينَ إِلَى بَيْتِ إِيلَ، وَاحِدٌ يَحْمِلُ ثَلاَثَةَ جِدَاءٍ، وَآخَرُ يَحْمِلُ ثَلاَثَةَ أَرْغِفَةٍ، وَآخَرُ يَحْمِلُ زِقَّ خَمْرٍ، ١٣ فَيَسْأَلُونَكَ عَنْ سَلاَمَتِكَ وَيُعْطُونَكَ رَغِيفَيْنِ فَتَأْخُذُ مِنْ يَدِهِمْ. ١٤ وَبَعْدَ ذَلِكَ تَأْتِي إِلَى جِبْعَةِ إِيلُوهِيمَ حَيْثُ نُصْبُ الْفِلِسْطِينِيِّينَ، وَيَكُونُ عِنْدَ دُخُولِكَ الْمَدِينَةَ أَنَّكَ تُلاَقِي جَمَاعَةَ أَنْبِيَاءَ نَازِلِينَ مِنَ الْمُرْتَفَعِ وَأَمَامَهُمْ رَبَابٌ وَدُفٌّ وَنَاىٌ وَعُودٌ وَهُمْ يَتَنَبَّأُونَ، ١٥ فَتَحِلُّ عَلَيْكَ رُوحُ الرَّبِّ وَتَتَنَبَّأُ مَعَهُمْ وَتَتَحَوَّلُ إِلَى رَجُلٍ آخَرَ. ١٦ وَلَمَّا جَاءَتْ هَذِهِ الآيَاتُ عَلَيْكَ فَافْعَلْ مَا تَجِدُ يَدُكَ لأَنَّ اللهَ مَعَكَ. ١٧ وَانْحَدِرْ أَمَامِي إِلَى الْجِلْجَالِ وَهَا أَنَا أَنْحَدِرُ إِلَيْكَ لأُقَرِّبَ مُحْرَقَاتِكَ وَأَذْبَحَ ذَبَائِحَ السَّلاَمَةِ. سَبْعَةَ أَيَّامٍ تَنْتَظِرُ حَتَّى آتِيَ إِلَيْكَ وَأُعَرِّفَكَ مَا تَفْعَلُ».

شاول يصير ملكا

١٨ وَلَمَّا أَدَارَ كَتِفَهُ لِيَذْهَبَ مِنْ عِنْدِ صَمُوئِيلَ جَعَلَ اللهُ لَهُ قَلْبًا آخَرَ، وَجَاءَتْ كُلُّ تِلْكَ الآيَاتِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ. ١٩ وَلَمَّا وَصَلُوا إِلَى الأَكَمَةِ هُنَاكَ إِذَا بِجَمَاعَةِ أَنْبِيَاءَ تُلاَقِيهِ، فَوَثَبَ عَلَيْهِ رُوحُ اللهِ فَتَنَبَّأَ فِي وَسَطِهِمْ. ٢٠ وَلَمَّا رَأَى كُلُّ الَّذِينَ عَرَفُوهُ مِنْ قَبْلُ أَنَّهُ هُوَذَا يَتَنَبَّأُ مَعَ الأَنْبِيَاءِ قَالَ الشَّعْبُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: «مَاذَا حَدَثَ لاِبْنِ قِيسٍ؟ أَشَاوُلُ أَيْضًا مِنَ الأَنْبِيَاءِ؟» ٢١ فَأَجَابَ وَاحِدٌ مِنْهُ وَقَالَ: «وَمَنْ أَبُوهُمْ؟» لِذَلِكَ صَارَ مَثَلاً: «أَشَاوُلُ أَيْضًا مِنَ الأَنْبِيَاءِ؟»

١٠:١ تكوين ٢٩:١٤

٢٠ لِمَاذَا هُوَ يَتَلَهَّفُ عَلَى الْخُبْزِ؟ لِمَاذَا يُرِيدُ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمًا؟
٢١ فَإِنَّ يَهْوَهَ غَضِبَ عَلَى شَعْبِهِ وَكَرِهَ مِيرَاثَهُ، وَدَفَعَهُمْ فِي يَدِ الْأُمَمِ،
فَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ مُبْغِضُوهُمْ. ٢٢ وَضَايَقَهُمْ أَعْدَاؤُهُمْ وَأَذَلُّوهُمْ تَحْتَ يَدِهِمْ.
٢٣ مَرَّاتٍ كَثِيرَةً أَنْقَذَهُمْ، وَلَكِنَّهُمْ أَغَاظُوهُ بِمَشُورَتِهِمْ، وَانْحَدَرُوا بِإِثْمِهِمْ.
٢٤ وَلَمَّا سَمِعَ اللهُ صُرَاخَهُمْ وَرَأَى ضِيقَهُمْ، ٢٥ وَذَكَرَ لَهُمْ عَهْدَهُ مَعَهُمْ،
وَنَدِمَ حَسَبَ كَثْرَةِ رَحْمَتِهِ، ٢٦ وَجَعَلَهُمْ مَرْحُومِينَ أَمَامَ جَمِيعِ الَّذِينَ سَبَوْهُمْ.
٢٧ خَلِّصْنَا يَا يَهْوَهُ إِلَهَنَا، وَاجْمَعْنَا مِنَ الأُمَمِ، لِنَحْمَدَ قُدْسَكَ،
وَنَفْتَخِرَ بِتَسْبِيحَاتِكَ. ٢٨ مُبَارَكٌ يَهْوَهُ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ مِنَ الأَزَلِ وَإِلَى الأَبَدِ.
وَلْيَقُلِ الشَّعْبُ كُلُّهُ: «آمِينَ». هَلِّلُويَا!

الكتاب الرابع

٢٩ اعْتَرِفُوا لِلرَّبِّ لأَنَّهُ صَالِحٌ، لأَنَّ إِلَى الأَبَدِ رَحْمَتَهُ.
٣٠ وَلْيَقُلْ مَفْدِيُّو الرَّبِّ الَّذِينَ فَدَاهُمْ مِنْ يَدِ الْعَدُوِّ،
٣١ وَجَمَعَهُمْ مِنَ الأَرَاضِي، مِنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، مِنَ الشِّمَالِ وَالْبَحْرِ.

٣٢ فَلْيَحْمَدُوهُ أَمَامَ الشَّعْبِ،
وَيُسَبِّحُوهُ فِي مَجْلِسِ الشُّيُوخِ.

[w] ١:٣١ أخبار الأيام الأول ٢٤:٩

محبة الله والعالم

٢ ١ يَا أَوْلَادِي، أَكْتُبُ إِلَيْكُمْ هَذِهِ الأُمُورَ لِكَيْ لاَ تُخْطِئُوا. وَلَكِنْ إِنْ أَخْطَأَ أَحَدٌ، فَلَنَا شَفِيعٌ عِنْدَ الآبِ، يَسُوعُ الْمَسِيحُ الْبَارُّ. ٢ وَهُوَ كَفَّارَةٌ لأَجْلِ خَطَايَانَا، لَيْسَ لأَجْلِ خَطَايَانَا فَقَطْ بَلْ لأَجْلِ خَطَايَا كُلِّ الْعَالَمِ أَيْضًا. ٣ وَبِهَذَا نَعْلَمُ أَنَّنَا قَدْ عَرَفْنَاهُ، إِنْ حَفِظْنَا وَصَايَاهُ. ٤ مَنْ قَالَ إِنِّي قَدْ عَرَفْتُهُ وَلَمْ يَحْفَظْ وَصَايَاهُ فَهُوَ كَاذِبٌ وَلَيْسَ الْحَقُّ فِيهِ. ٥ وَأَمَّا مَنْ حَفِظَ كَلِمَتَهُ فَحَقًّا فِي هَذَا قَدْ تَكَمَّلَتْ مَحَبَّةُ اللهِ. بِهَذَا نَعْلَمُ أَنَّنَا فِيهِ. ٦ مَنْ قَالَ إِنَّهُ ثَابِتٌ فِيهِ يَنْبَغِي أَنَّهُ هُوَ أَيْضًا كَمَا سَلَكَ ذَاكَ سَلَكَ هُوَ أَيْضًا.

وصية المحبة

٧ أَيُّهَا الأَحِبَّاءُ، لَسْتُ أَكْتُبُ إِلَيْكُمْ وَصِيَّةً جَدِيدَةً بَلْ وَصِيَّةً قَدِيمَةً كَانَتْ عِنْدَكُمْ مِنَ الْبَدْءِ. الْوَصِيَّةُ الْقَدِيمَةُ هِيَ الْكَلِمَةُ الَّتِي سَمِعْتُمُوهَا مِنَ الْبَدْءِ. ٨ وَمَعَ ذَلِكَ أَكْتُبُ إِلَيْكُمْ وَصِيَّةً جَدِيدَةً هِيَ حَقٌّ فِيهِ وَفِيكُمْ، لأَنَّ الظُّلْمَةَ قَدْ مَضَتْ وَالنُّورَ الْحَقِيقِيَّ الآنَ يُضِيءُ. ٩ مَنْ قَالَ إِنَّهُ فِي النُّورِ وَهُوَ مُبْغِضٌ أَخَاهُ فَهُوَ إِلَى الآنَ فِي الظُّلْمَةِ.

٢:٩x ١ يوحنا ٤:٦

حزقيا في نبع فوق المدخل؟ وهكذا فعلت لكي يعمل هو ما يحسن في عيني. ١٢ وبنى يسن كل مصنعة المدن التي ملكت عليها كل ممالك الأرض، وقد جعل يسن كل رؤساء جيشه يسكنون هناك. ١٣ وكل ما طلبت نفس يسن أن يعطوه إياه، كل ما طلبوه أعطاهم إياه لأن يسن كان يعتمد على الرب إلهه. ١٤ وكان يسن يعمل الصالح والحق أمام الرب إلهه، وهدم المذابح الغريبة ومرتفعات العبادة، وكسر التماثيل وقطع السواري، وأقام مذبح الرب إلهه، وذبح عليه ذبائح السلامة وذبائح الحمد، وأمر يهوذا أن يطلب الرب إله آبائهم، ويعمل الشريعة والوصية. ١٥ وكان يسن يهوذا كل الأيام التي كان فيها يسن في سلام. ١٦ وبنى مدن حصن في يهوذا، لأن الأرض كانت مستريحة، ولم يكن له حرب في تلك السنين، لأن الرب أعطاه راحة.

صلاة حزقيا

٣ ١ وفي السنة الرابعة عشرة للملك حزقيا صعد سنحاريب ملك أشور على كل مدن يهوذا الحصينة وأخذها. ٢ فأرسل ملك أشور رابشاقي من لخيش إلى أورشليم إلى الملك حزقيا بجيش عظيم، فوقف عند قناة البركة العليا في طريق حقل القصار. ٣ فخرج إليه ألياقيم بن حلقيا الذي على البيت، وشبنا الكاتب، ويوآخ بن آساف المسجل. ٤ فقال لهم رابشاقي: "قولوا لحزقيا، هكذا قال الملك العظيم، ملك أشور: ما هذا الاتكال الذي تتكل عليه؟

---

٧ ٢:١٦ أخبار الأيام الثاني ٣٢:٣٠

٥ ثم ركض مرة اخرى، وقال: «دعوتني يا ابي؟» فقال: «لم ادعُ. ارجع واضطجع». فرجع واضطجع. ٦ ثم عاد الرب ودعا ايضا: «صموئيل!» فقام صموئيل وجاء الى عالي وقال: «دعوتني يا ابي؟» فقال: «لم ادعُ يا ابني. ارجع واضطجع». ٧ وصموئيل لم يكن قد عرف الرب بعد، ولم يكن قد اعلن له كلام الرب بعد. ٨ فعاد الرب ودعا صموئيل ايضا للمرة الثالثة. فقام وجاء الى عالي وقال: «دعوتني يا ابي؟» فعلم عالي ان الرب هو الذي يدعو الصبي. ٩ فقال عالي لصموئيل: «اذهب واضطجع. واذا دعاك فقل: تكلم يا رب لان عبدك سامع». فذهب صموئيل واضطجع في مكانه.

١٠ وجاء الرب ووقف ودعا كما في المرات السابقة: «صموئيل! صموئيل!» فقال صموئيل: «تكلم لان عبدك سامع». ١١ فقال الرب لصموئيل: «ها انا اصنع امرا في اسرائيل يرن كلا اذني من سمعه. ١٢ في ذلك اليوم اقيم على عالي كل ما تكلمت به من جهة بيته. ابتدئ وافرغ. ١٣ واخبرته انني دائن بيته الى الابد من اجل الاثم الذي علم به، لان بنيه استهانوا بالله وهو لم يزجرهم. ١٤ لذلك اقسمت لبيت عالي ان اثم بيت عالي لا يكفر بذبيحة ولا بتقدمة الى الابد». ١٥ فاضطجع صموئيل الى الصباح وفتح ابواب بيت الرب. وخاف صموئيل ان يخبر عالي بالرؤيا. ١٦ فدعا عالي صموئيل وقال: «صموئيل ابني!» فقال: «هانذا». ١٧ فقال: «ما هو الامر الذي كلمك به؟ لا تخفِ عني. هكذا يفعل الله بك وهكذا يزيد ان اخفيت عني امرا من كل الامر الذي كلمك به». ١٨ فاخبره صموئيل بكل الامور ولم يخفِ عنه شيئا. فقال: «هو الرب. ليفعل ما يحسن في عينيه».

لِلرَّبِّ. [z20] وَصَمُوئِيلُ كَانَ يَنْمُو، وَالرَّبُّ كَانَ مَعَهُ وَلَمْ يُسْقِطْ
مِنْ كَلِمَاتِهِ شَيْئًا عَلَى الْأَرْضِ. [a21] وَظَلَّ الرَّبُّ يَظْهَرُ فِي شِيلُوهَ،
لِأَنَّ الرَّبَّ اسْتَعْلَنَ نَفْسَهُ لِصَمُوئِيلَ فِي شِيلُوهَ بِكَلِمَةِ الرَّبِّ. [22]
وَكَانَ كَلَامُ صَمُوئِيلَ لِكُلِّ إِسْرَائِيلَ.

إِسْرَائِيلُ يُهْزَمُ أَمَامَ الْفِلِسْطِينِيِّينَ

٤ [1] وَكَانَ فِي تِلْكَ الْأَيَّامِ أَنَّ الْفِلِسْطِينِيِّينَ جَمَعُوا جُيُوشَهُمْ لِلْحَرْبِ،
وَخَرَجُوا لِمُلَاقَاةِ إِسْرَائِيلَ. وَنَزَلَ إِسْرَائِيلُ عِنْدَ حَجَرِ الْمَعُونَةِ،
وَالْفِلِسْطِينِيُّونَ نَزَلُوا فِي أَفِيقَ. [2] وَاصْطَفَّ الْفِلِسْطِينِيُّونَ
لِمُلَاقَاةِ إِسْرَائِيلَ، وَاشْتَبَكَتِ الْحَرْبُ، وَانْهَزَمَ إِسْرَائِيلُ أَمَامَ
الْفِلِسْطِينِيِّينَ، وَقَتَلُوا فِي الصَّفِّ فِي الْحَقْلِ نَحْوَ أَرْبَعَةِ آلَافِ
رَجُلٍ. [3] وَلَمَّا جَاءَ الشَّعْبُ إِلَى الْمَحَلَّةِ قَالَ شُيُوخُ إِسْرَائِيلَ:
«لِمَاذَا ضَرَبَنَا الرَّبُّ الْيَوْمَ أَمَامَ الْفِلِسْطِينِيِّينَ؟ لِنَأْخُذْ إِلَيْنَا مِنْ
شِيلُوهَ تَابُوتَ عَهْدِ الرَّبِّ، فَيَأْتِيَ فِي وَسْطِنَا وَيُخَلِّصَنَا مِنْ يَدِ
أَعْدَائِنَا». [4] فَأَرْسَلَ الشَّعْبُ إِلَى شِيلُوهَ وَحَمَلُوا مِنْ هُنَاكَ تَابُوتَ
عَهْدِ رَبِّ الْجُنُودِ الْجَالِسِ عَلَى الْكَرُوبِيمِ، وَكَانَ ابْنَا عِيلِي،
حُفْنِي وَفِينְحَاسُ، مَعَ تَابُوتِ عَهْدِ اللهِ. [5] وَلَمَّا جَاءَ تَابُوتُ عَهْدِ
الرَّبِّ إِلَى الْمَحَلَّةِ هَتَفَ جَمِيعُ إِسْرَائِيلَ هُتَافًا عَظِيمًا، فَرَجَّتِ
الْأَرْضُ. [6] وَسَمِعَ الْفِلِسْطِينِيُّونَ صَوْتَ الْهُتَافِ وَقَالُوا: «مَا صَوْتُ
هَذَا الْهُتَافِ الْعَظِيمِ فِي مَحَلَّةِ الْعِبْرَانِيِّينَ؟» فَعَلِمُوا أَنَّ تَابُوتَ
الرَّبِّ قَدْ جَاءَ إِلَى الْمَحَلَّةِ. [7] فَخَافَ الْفِلِسْطِينِيُّونَ لِأَنَّهُمْ قَالُوا:
«قَدْ جَاءَ اللهُ إِلَى الْمَحَلَّةِ». وَقَالُوا: «وَيْلٌ لَنَا! لِأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ هَكَذَا
أَمْسِ أَوْ أَوَّلَ أَمْسِ. [8] وَيْلٌ لَنَا! مَنْ يُنْقِذُنَا مِنْ يَدِ هَؤُلَاءِ الْآلِهَةِ
الْأَقْوِيَاءِ؟ هَؤُلَاءِ هُمُ الْآلِهَةُ الَّذِينَ ضَرَبُوا الْمِصْرِيِّينَ بِكُلِّ
ضَرْبَةٍ فِي الْبَرِّيَّةِ.

---

[z] ١ صموئيل ٣:١٩ ١٣:٥ تثنية ٣:٢٠ [a] مزمور ١١:٩٤

٨ ويلٌ لنا! من يُخلّصنا من يد هؤلاء الآلهة الجبّارين؟ هؤلاء هم الآلهة
الذين ضربوا المصريين بكل أنواع الضربات في البرية! ٩ تشجّعوا أيها
الفلسطينيون، وكونوا رجالاً لئلا تصيروا عبيداً للعبرانيين كما كانوا
هم عبيداً لكم. كونوا رجالاً وحاربوا!» ١٠ فحارب الفلسطينيون
وهزموا إسرائيل، وهرب كل واحد إلى خيمته. وكانت هزيمة عظيمة
جداً، إذ سقط من إسرائيل ثلاثون ألف راجل. ١١ وأُخذ تابوت الله،
وقُتل ابنا عالي حفني وفينحاس.

١٢ وفي اليوم نفسه ركض رجل من بنيامين من المعركة، ووصل إلى
شيلوه ومزّق ثيابه وحثا التراب على رأسه. ١٣ ولما وصل، إذا عالي
جالس على كرسيه بجانب الطريق يراقب، لأن قلبه كان مرتجفاً على
تابوت الله. فلما دخل الرجل وأخبر بما حدث في المدينة، صرخ
المدينة كلها. ١٤ فسمع عالي صوت الصراخ وسأل: «ما معنى صوت
هذا الضجيج؟» فجاء الرجل مسرعاً وأخبر عالي. ١٥ وكان عالي
قد بلغ من العمر ثمانية وتسعين عاماً، وكانت عيناه قد كلّتا فلم
يكن يستطيع أن يرى. ١٦ فقال الرجل لعالي: «أنا الذي جئت من
المعركة، وقد هربت منها اليوم.» فقال عالي: «كيف كان الأمر يا
ابني؟» ١٧ فأجاب المخبر وقال: «هرب إسرائيل أمام الفلسطينيين،
وكانت هزيمة عظيمة بين الشعب. وماتا أيضاً ابناك حفني وفينحاس،
وتابوت الله أُخذ.»

١٨ وعندما ذكر الرجل تابوت الله، سقط عالي عن كرسيه إلى الوراء
بجانب الباب، فانكسرت رقبته ومات، لأنه كان شيخاً وثقيلاً. وكان
قد قضى في القضاء على إسرائيل أربعين سنة. ١٩ وكانت كنة عالي،
امرأة فينحاس، حبلى وقريبة من الولادة. فلما سمعت خبر أخذ تابوت
الله وموت حميها وزوجها، انحنت وولدت لأن الطلق أتاها فجأة.
٢٠ وفيما كانت تموت قالت النساء اللواتي وقفن عندها: «لا تخافي
لأنك ولدت ابناً.» فلم تجبهن ولم تعرهن انتباهاً. ٢١ وسمّت الولد
«إيخابود» قائلة: «ذهب المجد عن إسرائيل.» وذلك لأن تابوت الله

حنة تصلي لله

١ وكان رجل من الرامتايم صوفيم من جبل افرايم واسمه
O اليقانة بن يروحام بن اليهو بن توحو بن صوف افرايمي.
٢ وكانت له امرأتان اسم الواحدة حنة واسم الثانية فننة.
وكان لفننة اولاد ولحنة لم يكن اولاد. ٣ وكان هذا الرجل
يصعد من مدينته من يوم الى يوم ليسجد ويذبح لرب
الجنود في شيلوه. وهناك كان عالي وابنا عالي حفني
وفينحاس كاهنين للرب. ٤ وكان يوم ذبح اليقانة انه
يعطي فننة امرأته وكل بنيها وبناتها اقساما. ٥ واما
حنة فاعطى اقسام وجه واحد لانه احب حنة وان الرب
كان قد اغلق رحمها. ٦ وكانت ضرتها تغيظها ايضا
لاجل ان الرب كان قد اغلق رحمها كانت تفعل هكذا
كل سنة من سنة الى سنة كلما صعدت في بيت الرب
هكذا كانت تغيظها فبكت ولم تاكل. ٨ فقال لها
اليقانة رجلها لماذا تبكين ولماذا لا تاكلين ولماذا
يسوء قلبك الست انا خير لك من عشرة بنين.
٩ وقامت حنة بعد اكلهم في شيلوه وبعد شربهم.
وعالي الكاهن كان جالسا على الكرسي عند قائمة
هيكل الرب. ١٠ وهي كانت مرة النفس وصلت الى

يَسُوعَ حِينَمَا كَانَ فِي بَيْتِ عَنْيَا فِي بَيْتِ سِمْعَانَ الأَبْرَصِ، ١٣ إِنَّهُ حَيْثُمَا يُكْرَزُ بِهذَا الإِنْجِيلِ فِي كُلِّ الْعَالَمِ يُخْبَرُ أَيْضًا بِمَا فَعَلَتْهُ هذِهِ تَذْكَارًا لَهَا. [b]

خيانة يهوذا

٦ ١ ثُمَّ إِنَّ وَاحِدًا مِنَ الاثْنَيْ عَشَرَ، الَّذِي يُقَالُ لَهُ يَهُوذَا الإِسْخَرْيُوطِيُّ، ذَهَبَ إِلَى رُؤَسَاءِ الْكَهَنَةِ لِكَيْ يُسَلِّمَهُ إِلَيْهِمْ. ٢ فَلَمَّا سَمِعُوا فَرِحُوا، وَتَعَهَّدُوا أَنْ يُعْطُوهُ فِضَّةً. فَكَانَ يَطْلُبُ كَيْفَ يُسَلِّمُهُ فِي وَقْتٍ مُنَاسِبٍ. ٣ وَفِي أَوَّلِ أَيَّامِ الْفَطِيرِ الَّذِي فِيهِ كَانُوا يَذْبَحُونَ الْفِصْحَ، جَاءَ تَلاَمِيذُ يَسُوعَ إِلَيْهِ قَائِلِينَ: «أَيْنَ تُرِيدُ أَنْ نَذْهَبَ وَنُعِدَّ لَكَ لِتَأْكُلَ الْفِصْحَ؟» ٤ فَأَرْسَلَ اثْنَيْنِ مِنْ تَلاَمِيذِهِ وَقَالَ لَهُمَا: «اذْهَبَا إِلَى الْمَدِينَةِ، فَيُلاَقِيَكُمَا إِنْسَانٌ حَامِلٌ جَرَّةَ مَاءٍ. اتْبَعَاهُ، ٥ وَحَيْثُمَا يَدْخُلُ قُولاَ لِرَبِّ الْبَيْتِ: إِنَّ الْمُعَلِّمَ يَقُولُ: أَيْنَ الْمَنْزِلُ حَيْثُ آكُلُ الْفِصْحَ مَعَ تَلاَمِيذِي؟ ٦ فَهُوَ يُرِيكُمَا عِلِّيَّةً كَبِيرَةً مَفْرُوشَةً مُهَيَّأَةً. هُنَاكَ أَعِدَّا لَنَا». ٧ فَذَهَبَ تَلاَمِيذُهُ وَجَاءُوا إِلَى الْمَدِينَةِ، وَوَجَدُوا كَمَا قَالَ لَهُمْ، وَأَعَدُّوا الْفِصْحَ. ٨ وَلَمَّا كَانَ الْمَسَاءُ اتَّكَأَ مَعَ الاثْنَيْ عَشَرَ. ٩ وَفِيمَا هُمْ يَأْكُلُونَ قَالَ: «الْحَقَّ أَقُولُ لَكُمْ إِنَّ وَاحِدًا مِنْكُمْ سَيُسَلِّمُنِي، الآكِلَ مَعِي». ١٠ فَابْتَدَأُوا هُمْ يَحْزَنُونَ وَيَقُولُ لَهُ وَاحِدًا فَوَاحِدًا: «هَلْ أَنَا هُوَ؟» وَآخَرُ: «هَلْ أَنَا هُوَ؟» ١١ فَأَجَابَ وَقَالَ لَهُمْ: «إِنَّهُ وَاحِدٌ مِنَ الاثْنَيْ عَشَرَ، الَّذِي يَغْمِسُ مَعِي فِي الصَّحْفَةِ. ١٢ إِنَّ ابْنَ الإِنْسَانِ مَاضٍ كَمَا هُوَ مَكْتُوبٌ عَنْهُ، وَلكِنْ وَيْلٌ لِذلِكَ الإِنْسَانِ الَّذِي بِهِ يُسَلَّمُ ابْنُ الإِنْسَانِ! كَانَ خَيْرًا لِذلِكَ الإِنْسَانِ لَوْ لَمْ يُولَدْ».

---

[b] ٥:١٣ مت ٢٦:٦-١٣؛ لو ٣٧:٧؛ ١٩:١٩؛ ٢١:٢١؛ ٢١:٢٢، ٢٤؛ ٧:٢٤

صموئيل يدين الشعب

١٢ حينما جاء الوقت الذي فيه مات يهوياداع، بدأ الملوك الأجانب يهاجمون إسرائيل. يوآش هو الملك الذي حكم أورشليم لمدة ٤٠ سنة. اسم أمه صبيا وهي من بئر سبع. ١٣ وقد فعل يوآش ما هو صحيح في عيني الرب طوال الوقت الذي كان يهوياداع الكاهن يعلمه. ١٤ لكن الملك لم يزل المرتفعات، فاستمر الشعب في تقديم الذبائح والبخور هناك. ١٥ وقد بنى يوآش الملك مخزنًا جديدًا في بيت الرب. ١٦ وقد أعطى الكهنة كل المال الذي جاء إلى بيت الرب. ١٧ وقد أعطى الكهنة المال الذي جاء من الخطايا والذي جاء من الذبائح التي قدمت من أجل الإثم. ١٨

شعب اسرائيل الى الرب. ٣ فكلم صموئيل كل بيت اسرائيل قائلا ان كنتم
تتوبون الى الرب بكل قلوبكم فانزعوا الآلهة الغريبة من وسطكم والعشتاروث
وهيئوا قلوبكم للرب واعبدوه وحده فينقذكم من يد الفلسطينيين. ٤ فانزع
بنو اسرائيل البعليم والعشتاروث واعبدوا الرب وحده. ٥ فقال صموئيل
اجمعوا كل اسرائيل الى المصفاة فاصلي انا لاجلكم الى الرب. ٦ فاجتمعوا
الى المصفاة واستقوا ماء وسكبوه امام الرب وصاموا في ذلك اليوم وقالوا
هناك قد اخطأنا الى الرب. وقضى صموئيل بني اسرائيل في المصفاة.
٧ فلما سمع الفلسطينيون ان بني اسرائيل قد اجتمعوا في المصفاة صعد
اقطاب الفلسطينيين الى اسرائيل. فلما سمع بنو اسرائيل خافوا من
الفلسطينيين.
٨ فقال بنو اسرائيل لصموئيل لا تكف عن الصراخ لاجلنا الى الرب الهنا
لكي يخلصنا من يد الفلسطينيين. ٩ فاخذ صموئيل حملا رضيعا واصعده
محرقة كاملة للرب وصرخ صموئيل الى الرب لاجل اسرائيل فاستجاب له
الرب. ١٠ وفيما صموئيل يصعد المحرقة تقدم الفلسطينيون للحرب على
اسرائيل فرعد الرب بصوت عظيم في ذلك اليوم على الفلسطينيين
وازعجهم فانهزموا امام اسرائيل. ١١ وخرج رجال اسرائيل من المصفاة
وتبعوا الفلسطينيين وضربوهم الى ما تحت بيت كار.
١٢ فاخذ صموئيل حجرا واقامه بين المصفاة والسن ودعا اسمه حجر
المعونة وقال الى هنا اعانا الرب. ١٣ فذل الفلسطينيون ولم يعودوا
ايضا يدخلون تخم اسرائيل ويد الرب كانت على الفلسطينيين كل ايام
صموئيل. ١٤ فرد المدن التي اخذها الفلسطينيون من اسرائيل الى اسرائيل
من عقرون الى جت واسترد اسرائيل تخومها من يد الفلسطينيين. وكان
سلام بين اسرائيل والاموريين.

١٥ وبنو يسّاكر وزبولون وبنو نفتالي يخرجون بالأعلام على جيوشهم.
١٦ وبنو جاد يحيطون بهم من الجانب الشرقي إلى الجانب الغربي، وبنو
أشير يتقدمون بالأعلام على جيوشهم. ١٧ ثم يأتي خيمة الاجتماع مع
محلات اللاويين في وسط محلات الشعب. وكما يخيمون هكذا يرتحلون،
كل واحد في مكانه بحسب أعلامه.

محلات بني أفرايم

١٨ وعلى جيوش بني أفرايم الغربية بالأعلام يكون رئيسهم أليشامع بن
عميهود. ١٩ ومع جيشه سبط منسى، ورئيسهم جملئيل بن فدهصور.
٢٠ ومع جيشه سبط بنيامين، ورئيسهم أبيدان بن جدعوني. ٢١ وبنو
دان يتقدمون بالأعلام على جيوشهم، ورئيسهم أخيعزر بن عميشدي.
٢٢ ومع جيشه سبط أشير، ورئيسهم فغيئيل بن عكران. ٢٣ ومع جيشه
سبط نفتالي، ورئيسهم أخيرع بن عينان. ٢٤ فجميع الذين عدوا من
محلات أفرايم بجيوشهم مئة ألف وثمانية آلاف وماية. وهم يرتحلون
ثالثين في المقدمة.

محلات الجنوب

٢٥ وبنو رأوبين على جيوشهم بالأعلام إلى الجنوب، ورئيسهم أليصور
بن شديئور. ٢٦ ومع جيشه سبط شمعون، ورئيسهم شلومئيل بن صوري
شداي. ٢٧ ومع جيشه سبط جاد، ورئيسهم أليسف بن رعوئيل.

لي، ٨جيخ لي بنا. ٢٨ بنا يا سيدي الرب، أنت هو الله، وكلامك هو الحق، وقد تكلمت بهذا الخير إلى عبدك. ٢٩ والآن فليرض أن تبارك بيت عبدك، ليكون إلى الأبد أمامك. لأنك أنت يا سيدي الرب قد تكلمت، وببركتك فليتبارك بيت عبدك إلى الأبد.

٣٠ ولما أتم الرب كل الخير الذي تكلم به عن سيده، وأوصاه رئيسا على إسرائيل، ٣١ أن هذا لا يكون لك عثرة ولا سبب قلق لقلب سيدي، أن سفكت دما بلا سبب، وأن سيدي انتقم لنفسه. فمتى أحسن الرب إلى سيدي، فاذكر أمتك.

٣٢ فقال داود للرب إله إسرائيل الذي أرسله اليوم للقائي: ٣٣ ومبارك عقلك ومبارك أنت الذي كفني اليوم عن سفك الدم وعن انتقامي بيدي. ٣٤ لأنه حي هو الرب إله إسرائيل الذي منعني عن الشر أنك لولا عجلت وأتيت للقائي لما بقي لنابال إلى الغد ولا بائل الحائط. ٣٥ فأخذ داود من يدها ما جاءت به إليه، وقال لها: اصعدي بسلام إلى بيتك. ها قد سمعت لقولك وأكرمت وجهك.

٣٦ وجاءت أبيجايل إلى نابال وإذا هو يصنع في بيته وليمة كوليمة الملك، وقلب نابال طيب عليه وهو سكران جدا، فلم تخبره بشيء قليل ولا كثير إلى ضوء الصباح. ٣٧ وكان في الصباح لما صحا نابال من خمره أن امرأته أخبرته بهذه الأمور، فخمد قلبه في جوفه وصار كحجر. ٣٨ وكان نحو عشرة أيام أن الرب ضرب نابال فمات.

وَأَقَامَ صَمُوئِيلُ حَجَرًا وَوَضَعَهُ بَيْنَ الْمِصْفَاةِ وَبَيْنَ السِّنِّ، وَدَعَا اسْمَهُ
حَجَرَ الْمَعُونَةِ.

٣٩ فَذَلَّ الْفِلِسْطِينِيُّونَ وَلَمْ يَعُودُوا بَعْدُ يَدْخُلُونَ تُخُمَ إِسْرَائِيلَ، وَكَانَتْ
يَدُ الرَّبِّ عَلَى الْفِلِسْطِينِيِّينَ كُلَّ أَيَّامِ صَمُوئِيلَ. ٤ وَرَدَّ الْمُدُنُ الَّتِي أَخَذَ
الْفِلِسْطِينِيُّونَ مِنْ إِسْرَائِيلَ إِلَى إِسْرَائِيلَ، مِنْ عَقْرُونَ إِلَى جَتَّ، وَأَنْقَذَ
إِسْرَائِيلُ تُخُومَهَا مِنْ يَدِ الْفِلِسْطِينِيِّينَ. وَكَانَ سَلاَمٌ بَيْنَ إِسْرَائِيلَ وَالأَمُورِيِّينَ.

صموئيل يحكم

٧ ١ وَذَهَبَ صَمُوئِيلُ كُلَّ أَيَّامِ حَيَاتِهِ يَقْضِي لإِسْرَائِيلَ. ٢ وَكَانَ مِنْ سَنَةٍ إِلَى
سَنَةٍ أَنَّهُ يَذْهَبُ دَائِرًا بِبَيْتِ إِيلَ وَالْجِلْجَالِ وَالْمِصْفَاةِ، وَيَقْضِي لإِسْرَائِيلَ فِي
كُلِّ هَذِهِ الأَمَاكِنِ. ٣ ثُمَّ رُجُوعُهُ إِلَى الرَّامَةِ لأَنَّ بَيْتَهُ هُنَاكَ، وَهُنَاكَ يَقْضِي
لإِسْرَائِيلَ، وَبَنَى هُنَاكَ مَذْبَحًا لِلرَّبِّ.

٤ وَجَمَعَ كُلُّ إِسْرَائِيلَ وَأَتَوْا إِلَى الْمِصْفَاةِ وَاسْتَقَوْا مَاءً وَسَكَبُوهُ أَمَامَ الرَّبِّ،
وَصَامُوا فِي ذلِكَ الْيَوْمِ وَقَالُوا هُنَاكَ: «قَدْ أَخْطَأْنَا إِلَى الرَّبِّ». وَقَضَى
صَمُوئِيلُ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْمِصْفَاةِ. ٥ وَسَمِعَ الْفِلِسْطِينِيُّونَ أَنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ
قَدِ اجْتَمَعُوا إِلَى الْمِصْفَاةِ، فَصَعِدَ أَقْطَابُ الْفِلِسْطِينِيِّينَ عَلَى إِسْرَائِيلَ. فَلَمَّا
سَمِعَ بَنُو إِسْرَائِيلَ خَافُوا مِنَ الْفِلِسْطِينِيِّينَ. ٦ وَقَالَ بَنُو إِسْرَائِيلَ لِصَمُوئِيلَ:
«لاَ تَكُفَّ عَنِ الصُّرَاخِ لأَجْلِنَا إِلَى الرَّبِّ إِلهِنَا لِكَيْ يُخَلِّصَنَا مِنْ يَدِ
الْفِلِسْطِينِيِّينَ». ٧ فَأَخَذَ صَمُوئِيلُ حَمَلَ لَبَنٍ وَاحِدًا وَأَصْعَدَهُ مُحْرَقَةً كَامِلَةً
لِلرَّبِّ، وَصَرَخَ صَمُوئِيلُ إِلَى الرَّبِّ لأَجْلِ إِسْرَائِيلَ فَاسْتَجَابَ لَهُ الرَّبُّ.

٩ ابنها. فاتخذ شاول أحد الخدام معه وذهبا للبحث عن الأتان. ٣ وفي أثناء
بحثهما في جبل أفرايم ومنطقة شليشة دون العثور عليها، ثم في منطقة شعليم
دون جدوى، ثم في منطقة بنيامين دون العثور عليها، ٤ وصلا إلى منطقة صوف.
فقال شاول للخادم الذي معه: «تعال نرجع، لئلا يقلق أبي من أجل الأتان
ويبدأ في التفكير فينا.» ٥ فأجابه الخادم: «هوذا في هذه المدينة رجل الله،
وهو رجل مكرم، وكل ما يقوله يتحقق بالتأكيد. فلنذهب إليه، لعله يخبرنا
بالطريق الذي يجب أن نسلكه.» ٦ فقال شاول للخادم: «إن ذهبنا إليه، فماذا
نعطيه؟ فالخبز قد نفد من أمتعتنا، وليس معنا هدية نقدمها لرجل الله.
فما الذي عندنا؟» ٨ فأجابه الخادم قائلاً: «معي ربع شاقل من الفضة، فسوف
أعطيه إياه، فيخبرنا بالطريق.» ٩ (في الأيام السابقة كان الناس في إسرائيل
يقولون عندما يذهبون لسؤال الله: «تعالوا نذهب إلى الرائي»، لأن النبي
كان يُدعى الرائي في أيامنا.) ١٠ فقال شاول للخادم: «حسناً، لنذهب.» فذهبا
إلى المدينة التي كان رجل الله يقيم فيها.

١١ وبينما كانا يصعدان التل إلى المدينة، التقيا بفتيات خارجات لاستقاء
الماء، فسألهن: «هل الرائي هنا؟» ١٢ فأجبنه: «نعم، هو أمامكما، فأسرعا
الخطى، فقد وصل إلى المدينة اليوم، لأن الشعب سيقدم ذبيحة على المرتفع.
١٣ فما إن تدخلا المدينة حتى تجداه قبل أن يصعد إلى المرتفع ليأكل، لأن
الشعب لن يأكل حتى يأتي، لأنه هو الذي يبارك الذبيحة، ثم يأكل المدعوون
بعد ذلك. فاصعدا الآن، فستجداه في الحال.»

صموئيل يمسح شاول

٩ ١ كان هناك رجل من بنيامين اسمه قيس بن أبيئيل بن صرور بن بكورة بن
أفيح. ٢ وكان لقيس ابن اسمه شاول، وهو شاب وسيم، ليس بين بني إسرائيل
من هو أوسم منه، وكان أطول منهم بكتف.

٣ وفي يوم من الأيام ضلت أتن قيس والد شاول، فقال قيس لابنه شاول:
«خذ معك أحد الخدام واذهب وابحث عن الأتن.» ٤ فمضى شاول وخادمه في
جبل أفرايم وفي أرض شليشة، فلم يجدا الأتن. ثم مرا بأرض شعليم، فلم
يجدا الأتن. ثم مرا بأرض بنيامين، فلم يجدا الأتن.

---

d ٩:٩ بالعبرية ٤:٢٥

بعوحد الجدا بعجد ح، ذوذ الزئ ٥ذ٥ذئ، الزئ ٥ذ٥ذئ ٥ذ٥ذئ ٥ذ٥ذئ
جذجحد. ١١ ٢ ٥ذ٥ذئ ٥ذ٥ذئ ٥ذ٥ذئ ٥ذ٥ذئ ٥ذ٥ذئ ٥ذ٥ذئ ٥ذ٥ذئ ٥ذ٥ذئ ٥ذ٥ذئ
٥ذ٥ذئ ٥ذ٥ذئ ٥ذ٥ذئ ٥ذ٥ذئ ٥ذ٥ذئ ٥ذ٥ذئ ٥ذ٥ذئ ٥ذ٥ذئ

حلاب بد لوه. ليتوخزا ميڤز لحا بد لوه ليتوخزا. [٢٢] لهڤهُ نمهُ لوه
ليز لوم لڤڤحيح [٢٣] .لهڤحهڤ ميڤز، ٥هزهز حلاحلا، ححلاب ٥هڤحهڤ بحبم
حڤهم ٥هح ٥هڤحهڤ ،لهڤلهڤز ٥هح لهڤحز مووز، ٥ح.

[٢٤] لح ٥هح ححلاب ڤبز بد ٥هڤحهڤ ڤبز ٥هڤحهڤ لح ذهلهب ٥هڤحهڤ ڤبز
بحسز لهز، ٥هڤحهڤ لح ذهلهب بدز لهڤحز لوه٥ لح ٥هڤحهڤ ڤبز بد
حلاب [٢٥] .لهڤحهڤ لوه٥هڤحهڤ لهڤهذ ٥هڤحهڤ لهڤحز؟ لهڤحهڤ لهڤلهڤز
لهڤحز بحبم لح ٥هڤحهڤ ڤبز ٥هڤحهڤ بحبم حلاحلا ٥هڤحهڤ لح ذهلهب
لهڤحز بحبم لح ٥هڤحهڤ ڤبز ٥هڤحهڤ بحبم حلاحلا ٥هڤحهڤ لح ذهلهب
[٢٦] .لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز ٥هڤحهڤ بحبم حلاحلا ٥هڤحهڤ لح ذهلهب
لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز ٥هڤحهڤ بحبم حلاحلا ٥هڤحهڤ لح ذهلهب لهڤحز
[٢٧] .لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز ٥هڤحهڤ بحبم حلاحلا ٥هڤحهڤ لح ذهلهب
لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز ٥هڤحهڤ بحبم حلاحلا ٥هڤحهڤ لح ذهلهب لهڤحز
لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز ٥هڤحهڤ بحبم حلاحلا ٥هڤحهڤ لح ذهلهب لهڤحز
لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز ٥هڤحهڤ بحبم حلاحلا ٥هڤحهڤ لح ذهلهب لهڤحز
لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز ٥هڤحهڤ بحبم حلاحلا ٥هڤحهڤ لح ذهلهب لهڤحز

لهڤحز ٥هڤحهڤ لهڤحز

١٠ [١] لوه لهڤحز ٥هڤحهڤ لهڤحز ڤبز بد لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز، لح
لهڤحز ٥هڤحهڤ لهڤحز ڤبز بد لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز لهڤحز؟ [٢f] لهڤحز
لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز بد لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز لهڤحز، لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز
لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز بد لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز لهڤحز. [٣] لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز
لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز بد لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز لهڤحز، لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز
لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز بد لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز لهڤحز. [٤] لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز
لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز بد لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز لهڤحز، لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز
لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز بد لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز لهڤحز. لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز
لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز بد لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز لهڤحز. [٥g] لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز
لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز بد لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز لهڤحز، لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز
لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز بد لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز لهڤحز. [h] لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز
لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز بد لهڤحز ٥هڤحهڤ ڤبز لهڤحز.

---

f ١٠:١ لهڤحز ١٣:٢١؛ ١٤:٢٢-٢٩ g ١٠:٤ لهڤحز ١٧:٦؛ لهڤحز ٢٠:١١

h ١٠:٥ لهڤحز ١٤:٢٩

[6] וְצָלְחָה עָלֶיךָ רוּחַ יְהוָה וְנִבֵּאתָ עִמָּם וְנֶהְפַּכְתָּ לְאִישׁ אַחֵר׃ [7] וְהָיָה כִּי תָבֹאנָה הָאֹתוֹת הָאֵלֶּה לָךְ עֲשֵׂה לְךָ כִּי הָאֱלֹהִים עִמָּךְ׃ [8] וְיָרַדְתָּ לְפָנַי הַגִּלְגָּל וְהִנֵּה אָנֹכִי יוֹרֵד אֵלֶיךָ לְהַעֲלוֹת עֹלוֹת לְזַבֵּחַ זִבְחֵי שְׁלָמִים שִׁבְעַת יָמִים תּוֹחִיל עַד בּוֹאִי אֵלֶיךָ וְהוֹדַעְתִּי לְךָ אֵת אֲשֶׁר תַּעֲשֶׂה׃

[9] וַיְהִי כְּהַפְנוֹתוֹ שִׁכְמוֹ לָלֶכֶת מֵעִם שְׁמוּאֵל נָהַפֶךְ לוֹ אֱלֹהִים לֵב אַחֵר וַיָּבֹאוּ כָל הָאֹתוֹת הָהֵם בַּיּוֹם הַזֶּה׃ [10] וַיָּבֹאוּ שָׁמָּה הַגִּבְעָתָה וְהִנֵּה חֶבֶל נְבִאִים לִקְרָאתוֹ וַתִּצְלַח עָלָיו רוּחַ אֱלֹהִים וַיִּתְנַבֵּא בְּתוֹכָם׃ [11] וַיְהִי כָּל יוֹדְעָיו מִתְּמוֹל שִׁלְשׁוֹם וַיִּרְאוּ וְהִנֵּה עִם נְבִיאִים נִבָּא וַיֹּאמֶר הָעָם אִישׁ אֶל רֵעֵהוּ מַה זֶּה הָיָה לִבֶן קִישׁ הֲגַם שָׁאוּל בַּנְּבִיאִים׃ [12] וַיַּעַן אִישׁ מִשָּׁם וַיֹּאמֶר וּמִי אֲבִיהֶם עַל כֵּן הָיָה לְמָשָׁל הֲגַם שָׁאוּל בַּנְּבִיאִים׃ [13] וַיְכַל לְהִתְנַבֵּא וַיָּבֹא הַבָּמָה׃ [14] וַיֹּאמֶר דֹּד שָׁאוּל וְלַנַּעַר אֶל אָנָה הֲלַכְתֶּם וַיֹּאמֶר לְבַקֵּשׁ הָאֲתֹנוֹת וַנַּרְא כִּי אֵינָם וַנָּבוֹא אֶל שְׁמוּאֵל׃ [15] וַיֹּאמֶר דֹּד שָׁאוּל הַגִּידָה נָּא לִי מָה אָמַר לָכֶם שְׁמוּאֵל׃ [16] וַיֹּאמֶר שָׁאוּל אֶל דֹּדוֹ הַגֵּד נִגַּד לָנוּ כִּי נִמְצְאוּ הָאֲתֹנוֹת וְאֶת דְּבַר הַמְּלוּכָה לֹא הִגִּיד לוֹ אֲשֶׁר אָמַר שְׁמוּאֵל׃

שאול נבחר למלך

[17] וַיַּזְעֵק שְׁמוּאֵל אֶת הָעָם אֶל יְהוָה הַמִּצְפָּתָה׃ [18] וַיֹּאמֶר אֶל בְּנֵי יִשְׂרָאֵל כֹּה אָמַר יְהוָה אֱלֹהֵי יִשְׂרָאֵל אָנֹכִי הֶעֱלֵיתִי אֶת יִשְׂרָאֵל מִמִּצְרָיִם וָאַצֵּל אֶתְכֶם מִיַּד מִצְרַיִם וּמִיַּד כָּל הַמַּמְלָכוֹת הַלֹּחֲצִים אֶתְכֶם׃ [19] וְאַתֶּם הַיּוֹם הַזֶּה מְאַסְתֶּם אֶת אֱלֹהֵיכֶם אֲשֶׁר הוּא מוֹשִׁיעַ לָכֶם מִכָּל רָעוֹתֵיכֶם וְצָרוֹתֵיכֶם וַתֹּאמְרוּ לוֹ כִּי מֶלֶךְ תָּשִׂים עָלֵינוּ וְעַתָּה הִתְיַצְּבוּ לִפְנֵי יְהוָה לִשְׁבְטֵיכֶם וְלַאלְפֵיכֶם׃ [20] וַיַּקְרֵב שְׁמוּאֵל אֶת כָּל שִׁבְטֵי יִשְׂרָאֵל וַתִּלָּכֵד שֵׁבֶט בִּנְיָמִן׃ [21] וַיַּקְרֵב אֶת שֵׁבֶט בִּנְיָמִן לְמִשְׁפְּחֹתָיו וַתִּלָּכֵד מִשְׁפַּחַת הַמַּטְרִי וַתִּלָּכֵד שָׁאוּל בֶּן קִישׁ וַיְבַקְשֻׁהוּ וְלֹא נִמְצָא׃ [22] וַיִּשְׁאֲלוּ עוֹד בַּיהוָה הֲבוֹא עוֹד הֵנָּה הָאִישׁ וַיֹּאמֶר יְהוָה הִנֵּה הוּא נֶחְבָּא אֶל הַכֵּלִים׃ [23] וַיָּרוּצוּ וַיִּקָּחוּ מִשָּׁם וַיִּתְיַצֵּב בְּתוֹךְ הָעָם וַיִּגְבַּהּ מִכָּל הָעָם מִשִּׁכְמוֹ וָמָעְלָה׃ [24] וַיֹּאמֶר שְׁמוּאֵל אֶל כָּל הָעָם הֲרְאִיתֶם אֲשֶׁר בָּחַר בּוֹ יְהוָה כִּי אֵין כָּמֹהוּ בְּכָל הָעָם וַיָּרִיעוּ כָל הָעָם וַיֹּאמְרוּ יְחִי הַמֶּלֶךְ׃ [25] וַיְדַבֵּר שְׁמוּאֵל אֶל הָעָם אֵת מִשְׁפַּט הַמְּלוּכָה וַיִּכְתֹּב בַּסֵּפֶר וַיַּנַּח לִפְנֵי יְהוָה וַיְשַׁלַּח שְׁמוּאֵל אֶת כָּל הָעָם אִישׁ לְבֵיתוֹ׃ [26] וְגַם שָׁאוּל הָלַךְ לְבֵיתוֹ גִּבְעָתָה וַיֵּלֶךְ עִמּוֹ הַצְּבָא אֲשֶׁר נָגַע אֱלֹהִים בְּלִבָּם׃ [27] וּבְנֵי בְלִיַּעַל אָמְרוּ מָה יוֹשִׁיעֵנוּ זֶה וַיִּבְזֻהוּ וְלֹא הֵבִיאוּ לוֹ מִנְחָה וַיְהִי כְּמַחֲרִישׁ׃

---

[i] 10:7 מלכים ב 2:32, 16 [j] 10:8 מלכים ב 25:1-18 [k] 10:9 מלכים ב 21:5-6

[l] 10:10-16 מלכים ב 16:41-49

ملكا عليهم. ١٧ وقال صموئيل للشعب: هكذا قال الرب اله اسرائيل: انا اصعدت اسرائيل من مصر وانقذتكم من يد المصريين ومن يد جميع الممالك الضايقة اياكم. ١٨ وانتم اليوم رفضتم الهكم الذي هو مخلصكم من جميع شروركم وضيقاتكم وقلتم له: لا بل ملكا تجعل علينا. فالآن قفوا امام الرب حسب اسباطكم والوفكم. ١٩ فتقدم كل اسرائيل امام الرب فاخذ السبط بالقرعة. ٢٠ وقرب سبط بنيامين حسب عشائرهم فاخذت عشيرة المطري. ثم اخذ شاول بن قيس بالقرعة. فطلبوه فلم يوجد. ٢١ فسألوا ايضا الرب هل جاء الرجل الى هنا. فقال الرب: هوذا قد اختبأ عند الامتعة. ٢٢ فركضوا واخذوه من هناك فوقف في وسط الشعب فطاول من كتفه فصاعدا كل الشعب. ٢٣ وقال صموئيل لكل الشعب: هل رأيتم الذي اختاره الرب انه ليس مثله في كل الشعب؟ فهتف كل الشعب وقالوا: ليحي الملك.

٢٤ وكلم صموئيل الشعب بقضاء المملكة وكتبه في سفر ووضعه امام الرب. ثم صرف صموئيل كل الشعب كل انسان الى بيته. ٢٥ وشاول ايضا مضى الى بيته الى جبعة ومضى معه الجيش الذين مس الله قلوبهم. ٢٦ واما بنو بليعال فقالوا: كيف يخلصنا هذا؟ فاحتقروه ولم يقدموا له هدية. وكان كمن لم يسمع.

٢٧ وصعد ناحاش العموني وحاصر يابيش جلعاد. فقال كل رجال يابيش لناحاش: اقطع لنا عهدا فنعبدك. ٢ فقال ناحاش العموني لهم: بهذا اقطع لكم بان اقلع كل اعينكم اليمنى واجعل ذلك عارا على كل اسرائيل. ٣ فقال له شيوخ يابيش: اترك لنا سبعة ايام فنرسل رسلا في كل تخوم اسرائيل. وان لم يكن من يخلصنا نخرج اليك. ٤ فجاء الرسل الى جبعة شاول وتكلموا بالامور في اذان الشعب. فرفع كل الشعب صوته وبكوا. ٥ وهوذا شاول قد اتى خلف البقر من الحقل وقال شاول: ما بال الشعب يبكون؟ فاخبروه بكلام اهل يابيش. ٦ فحمي روح الله على شاول عند سماعه هذه الكلمات فحمي غضبه جدا. ٧ واخذ

---

m ١٠:١٨ تث ٦:٧ n ١٠:٢٦ مز ٢٤:١

جب تمہارے باپ کی گدھیوں کا خیال نہ کرو کیونکہ وہ گم ہو گئی ہیں، ۳۰ تو پھر
تمہارا کیا ہو گا؟ اسرائیل کی ساری دولت کس کی ہو گی؟ کیا وہ تمہاری اور
تمہارے سارے خاندان کی نہیں ہو گی؟“
۳۱ پھر حلکیاہ کا بیٹا عزریاہ، جو صدوق کا پوتا اور شلوم کا پڑپوتا تھا، ۳۲ کہنے لگا،
”اخیطوب کا بیٹا عزریاہ، جو ہمارا سردار کاہن ہے، کہتا ہے کہ ہمیں یہوواہ
کے گھر میں قربانیاں چڑھانی ہیں، ۳۳ اور جب ہم ایسا کریں گے تو ہمیں
اپنے ساتھ بیل، مینڈھے اور بھیڑ بکریوں کے بڑے بڑے ریوڑ لانے ہیں۔
کیا تم نے نہیں سنا کہ بہت عرصہ پہلے یہوواہ نے موسیٰ سے کیا کہا تھا؟
کیا یہ نہیں لکھا ہوا کہ یہوواہ کا غضب اسرائیل پر بھڑکا تھا؟

۱۱

۱ اور یہوواہ کا غضب اسرائیل پر بھڑکا تھا کیونکہ اُنہوں نے اُس کے
خلاف گناہ کیا تھا۔
۲ یسعدعام کا بیٹا حنانیاہ، جو صرعہ کا رہنے والا تھا، یرمیاہ کے پاس آیا
اور اُس کے سامنے کھڑا ہو گیا۔ ۳ اُس نے کہا، ”یرمیاہ، میری بات سنو!
میں حننیاہ کا بیٹا حنانیاہ ہوں۔ میں تمہیں بتاتا ہوں کہ یہوواہ کیا کہتا ہے۔
میں یہوداہ کی قوم کا جوا توڑ دوں گا جو بابل کے بادشاہ نبوکدنضر نے
اُن پر رکھا ہے۔ ۴ دو سال کے اندر اندر میں یہوواہ کے گھر کے سارے
برتن واپس لے آؤں گا جو بابل کے بادشاہ نبوکدنضر نے یروشلیم سے
لے کر بابل کے شہر میں رکھ دیئے تھے۔ ۵ اور میں یکنیاہ کا بیٹا یہویاکین،
یہوداہ کا بادشاہ، اور یہوداہ کے سارے قیدی بھی واپس لے آؤں گا جو
بابل کے شہر میں رکھ دیئے گئے تھے۔ یہوواہ کہتا ہے کہ میں اُن کا جوا
توڑ دوں گا۔“ ۶ یرمیاہ نبی نے حننیاہ نبی کی بات سنی اور اُس نے کہا،
”آمین! یہوواہ ایسا ہی کرے! یہوواہ تمہاری پیشگوئی پوری کرے اور
یہوواہ کے گھر کے برتن اور سارے قیدی بابل سے واپس لے آئے۔ ۷ لیکن
میری ایک بات سنو جو میں تمہیں اور ساری قوم کو بتاتا ہوں۔ ۸ جو نبی
میرے اور تمہارے پہلے نبی تھے اُنہوں نے بہت سے ملکوں اور بڑی
بڑی سلطنتوں کے خلاف پیشگوئی کی تھی کہ وہ جنگ، قحط اور وبا
پھیلائیں گے۔ ۹ لیکن جو نبی امن کی پیشگوئی کرتا ہے اُس کی پیشگوئی
اُس وقت پوری ہو گی جب لوگ دیکھیں گے کہ یہوواہ نے اُسے سچ مچ

جبابه. [١٠] فقال رجال يابيش لناحاش، غدا نخرج اليكم فتفعلون بنا كل ما يحسن في اعينكم.
[١١] وكان غدا ان شاول جعل الشعب ثلاثة رؤوس، وجاءوا في وسط المحلة في الهزيع الرابع وضربوا عمون حتى حمي النهار. وكان الذين بقوا متفرقين حتى لم يبق منهم اثنان معا.
[١٢] فقال الشعب لصموئيل من هو القائل أشاول يملك علينا. هاتوا الرجال فنقتلهم.
[١٣] فقال شاول لا يقتل احد في هذا اليوم لان اليوم صنع الرب خلاصا في اسرائيل.
[١٤] فقال صموئيل للشعب هلم نذهب الى الجلجال ونجدد هناك الملك.
[١٥] فذهب جميع الشعب الى الجلجال وملكوا هناك شاول امام الرب في الجلجال وذبحوا هناك ذبائح سلامة امام الرب. وفرح هناك شاول وجميع رجال اسرائيل جدا.

خطاب صموئيل

تثنية ١٧:٦-٢٠؛ يشوع ٢٤:١-٢٥؛ مزمور ٧٨:١-٧٢؛ اعمال ١٣:١٦-٤١

[١٧] فقال صموئيل لجميع اسرائيل ها قد سمعت صوتكم في كل ما قلتم لي وملكت
عليكم ملكا. [١٨] والآن ها الملك سائر امامكم وانا قد شخت وشبت، وبنوي هم ذا عندكم،
وانا قد سرت امامكم منذ صباي الى هذا اليوم. [١٩] ها انا ذا فاشهدوا علي امام الرب
وامام مسيحه هل اخذت ثور احد او اخذت حمار احد او هل ظلمت احدا او هل رضضت
احدا او من يد احد اخذت رشوة فاعمي عيني عنه فاعيد لكم. [٢٠] فقالوا لم تظلمنا ولم
ترضضنا ولم تأخذ من يد احد شيئا. [٢١] فقال لهم الرب شاهد هو على، ومسيحه شاهد هو
في هذا اليوم ان يدكم لم تجد في يدي شيئا. فقالوا هو شاهد. [٢٢] فقال صموئيل للشعب
الرب الذي صنع موسى وهرون واصعد آباءكم من ارض مصر.

١١:٩ تك ١٩:٢-٢٣

الجيش؟ هل أخبروك بما فعلته المرأة؟ هل هي أخت أحيمعص؟
نعم، هي أخته.» ٢٢ فذهب الرسول وجاء وأخبر داود بكل ما
أرسله يوآب ليقوله. ٢٣ وقال الرسول لداود: «إن الرجال
تفوقوا علينا وخرجوا إلينا إلى الحقل، فصددناهم إلى مدخل
الباب. ٢٤ فرماك الرماة من على السور، فمات بعض عبيد
الملك، ومات أيضاً عبدك أوريا الحثي.» ٢٥ فقال داود للرسول:
«قل ليوآب: لا تحزن على هذا الأمر، لأن السيف يأكل هذا
وذاك. قاتل المدينة بقوة واهدمها.» وشجع داود يوآب.
٢٦ ولما سمعت امرأة أوريا أن زوجها قد مات، ناحت عليه.
٢٧ وبعد انتهاء أيام النوح أرسل داود في طلبها، وضمها إلى
بيته، وصارت له زوجة، فولدت له ابناً. وكان ما فعله داود
مغضباً الرب.

١٢ فأرسل الرب ناثان النبي إلى داود، فجاء إليه وقال له:
«كان في مدينة رجلان، أحدهما غني والآخر فقير. ٢ وكان
للغني غنم وبقر كثيرة جداً، ٣ وأما الفقير فلم يكن له إلا
نعجة صغيرة واحدة اشتراها، فربّاها حتى كبرت عنده وعند
أولاده، فكانت تأكل من طعامه وتشرب من كأسه وتنام في
حضنه، وكانت له كابنة. ٤ وجاء ضيف إلى الرجل الغني،
فبخل أن يذبح من غنمه وبقره ليطعم الضيف الذي جاء إليه،
فأخذ نعجة الرجل الفقير وذبحها وأطعمها للضيف.»

٥ فغضب داود على الرجل غضباً شديداً، وقال لناثان:
«حي هو الرب، إن الرجل الذي فعل هذا يستحق الموت.
٦ وعليه أن يدفع أربعة أضعاف ثمن النعجة، لأنه فعل هذا
الأمر وما رحم.»

صموئيل يتحدى الشعب

١٢ ١ فقال صموئيل لجميع اسرائيل ها قد سمعت صوتكم في كل ما كلمتموني به
وملكت عليكم ملكا. ٢ والآن ها هو الملك سائر امامكم وانا قد شخت وابيضت
وها هو ذا بنوكم معكم وانا سرت امامكم منذ صباي الى هذا اليوم. ٣ ها انا
فاشهدوا علي امام الرب وامام مسيحه هل اخذت ثور احد او اخذت حمار احد
او ظلمت احدا او رضضت احدا او من يد احد اخذت كفرا فاصرف عينيّ به
فاعيد لكم. ٤ فقالوا لم تظلمنا ولم ترضضنا ولم تأخذ من يد احد شيئا.
٥ فقال لهم الرب شاهد هو عليكم اليوم ومسيحه شاهد هو اليوم انكم لم تجدوا
في يدي شيئا. فقالوا هو شاهد. ٦ وقال صموئيل للشعب الرب الذي اقام موسى
وهرون واصعد آباءكم من ارض مصر. ٧ والآن قفوا فاحاكمكم امام الرب من
اجل جميع احسنات الرب التي صنع معكم ومع آبائكم. ٨ لما دخل يعقوب
مصر وصرخ آباؤكم الى الرب ارسل الرب موسى وهرون فاخرجا آباءكم من
مصر واسكناهم في هذا المكان. ٩ فنسوا الرب الههم فباعهم بيد سيسرا رئيس
جيش حاصور وبيد الفلسطينيين وبيد ملك موآب فحاربوهم. ١٠ فصرخوا الى
الرب وقالوا اخطأنا اذ تركنا الرب وعبدنا البعليم والعشتاروث. والآن انقذنا
من يد اعدائنا فنعبدك. ١١ فارسل الرب يربعل وبدان ويفتاح وصموئيل
وانقذكم من يد اعدائكم من حولكم فسكنتم آمنين.

صموئيل يحذر الشعب

١٢ ثم رأيتم ان ناحاش ملك بني عمون اتى عليكم فقلتم لي كلا بل يملك
علينا ملك والرب الهكم هو ملككم. ١٣ والآن هوذا الملك الذي اختاركم
طلبتموه وها قد جعل الرب عليكم ملكا.

١٤ هٰذَا فَلْيَكُنْ حَتْفُ كُلِّ مَنْ لَا يَخْشَى الرَّبَّ مِنْ بَعْدُ وَلَا يَسْمَعُ لِقَوْلِهِ وَلَا يَتَمَرَّدُ عَلَى قَوْلِ الرَّبِّ. ١٥ إِنْ لَمْ تَسْمَعُوا لِقَوْلِ الرَّبِّ بَلْ تَتَمَرَّدُوا عَلَى قَوْلِ الرَّبِّ، فَتَكُونُ يَدُ الرَّبِّ عَلَيْكُمْ كَمَا كَانَتْ عَلَى آبَائِكُمْ. ١٦ وَالآنَ قِفُوا أَيْضًا وَانْظُرُوا هٰذَا الأَمْرَ الْعَظِيمَ الَّذِي سَيَفْعَلُهُ الرَّبُّ أَمَامَ أَعْيُنِكُمْ. ١٧ أَلَيْسَ الْيَوْمَ وَقْتَ حَصَادِ الْحِنْطَةِ؟ فَإِنِّي أَدْعُو الرَّبَّ فَيُعْطِيَ رُعُودًا وَمَطَرًا، فَتَعْلَمُوا وَتَرَوْا أَنَّ شَرَّكُمْ الَّذِي فَعَلْتُمْ كَثِيرٌ فِي عَيْنَيِ الرَّبِّ بِطَلَبِكُمْ لأَنْفُسِكُمْ مَلِكًا.» ١٨ فَدَعَا صَمُوئِيلُ الرَّبَّ فَأَعْطَى الرَّبُّ رُعُودًا وَمَطَرًا فِي ذٰلِكَ الْيَوْمِ، فَخَافَ كُلُّ الشَّعْبِ جِدًّا مِنَ الرَّبِّ وَمِنْ صَمُوئِيلَ. ١٩ وَقَالَ كُلُّ الشَّعْبِ لِصَمُوئِيلَ: «صَلِّ مِنْ أَجْلِ عَبِيدِكَ إِلَى الرَّبِّ إِلٰهِكَ لِئَلَّا نَمُوتَ، لأَنَّنَا قَدْ زِدْنَا عَلَى جَمِيعِ خَطَايَانَا هٰذَا الشَّرَّ بِطَلَبِنَا لأَنْفُسِنَا مَلِكًا.» ٢٠ فَقَالَ صَمُوئِيلُ لِلشَّعْبِ: «لَا تَخَافُوا. أَنْتُمْ قَدْ فَعَلْتُمْ كُلَّ هٰذَا الشَّرِّ. غَيْرَ أَنْ لَا تَحِيدُوا عَنِ الرَّبِّ بَلْ اعْبُدُوا الرَّبَّ بِكُلِّ قُلُوبِكُمْ. ٢١ وَلَا تَحِيدُوا وَرَاءَ الأَبَاطِيلِ الَّتِي لَا تَنْفَعُ وَلَا تُنْقِذُ لأَنَّهَا أَبَاطِيلُ. ٢٢ لأَنَّ الرَّبَّ لَا يَرْفُضُ شَعْبَهُ مِنْ أَجْلِ اسْمِهِ الْعَظِيمِ، لأَنَّهُ قَدْ سُرَّ الرَّبُّ أَنْ يَجْعَلَكُمْ لَهُ شَعْبًا. ٢٣ وَأَمَّا أَنَا فَحَاشَا لِي أَنْ أُخْطِئَ إِلَى الرَّبِّ بِكَفِّ الصَّلَاةِ مِنْ أَجْلِكُمْ، بَلْ أُعَلِّمُكُمُ الطَّرِيقَ الصَّالِحَةَ وَالْمُسْتَقِيمَةَ. ٢٤ إِنَّمَا اتَّقُوا الرَّبَّ وَاعْبُدُوهُ بِالْحَقِّ بِكُلِّ قُلُوبِكُمْ لأَنَّكُمْ قَدْ رَأَيْتُمْ كَمْ عَظَّمَ فِيكُمْ، ٢٥ وَلٰكِنْ إِنْ عَمِلْتُمْ شَرًّا فَإِنَّكُمْ تُفْنَوْنَ أَنْتُمْ وَمَلِكُكُمْ.»

٢٧ وَأَمَّا أَنَا فَحَاشَا لِي أَنْ أُخْطِئَ إِلَى الرَّبِّ بِكَفِّ الصَّلَاةِ مِنْ أَجْلِكُمْ، بَلْ أُعَلِّمُكُمُ الطَّرِيقَ الصَّالِحَةَ وَالْمُسْتَقِيمَةَ. ٢٨ غَيْرَ أَنْ اتَّقُوا الرَّبَّ وَاعْبُدُوهُ بِالْحَقِّ بِكُلِّ قُلُوبِكُمْ، لأَنَّكُمْ انْظُرُوا كَمْ عَظَّمَ فِيكُمْ؛ وَلٰكِنْ إِنْ فَعَلْتُمْ شَرًّا فَإِنَّكُمْ تُفْنَوْنَ أَنْتُمْ وَمَلِكُكُمْ.

صموئيل هصم ٢٩ .ليبقة ليئيلح بهيصوبج بهأو ،ولاخيخلخيج ولاجوصو
ليئيجة صموئيل ىلإ ليئيلح بهيصوبج بهأو ،ولاخيخلخيج ولاجوصو ٣٠ ىلإ
صموئيل ىلإ ليئيلح بهيصوبج ليئيسوصو ضرأ هبا صموئيل ىلإ؟ ٣١ ىلإ
ضرأتيئيلح بهيصوبج ىلإ صموئيل؟ بهصقو ىلإ صموئيل ىلإ ليئيلح بهيصوبج
.ليئيسوصو حبذ ليئيلح

.بهقي حبذ لئذا ضرأتيئيلح هب لئذا أبنا

حرس

١٣ ١ ليئيلح نبا سوه نبا هب لا سوه نبا ،ليئيلخيخلخيصح بهيصوبج ليئيتئيخ
ليوس ،بهأو نبا سوه نبا هب لا سوه نبا ،ليئيلخيخلخيصح بهيصوبج ليئيتئيخ
بهيصوبج ولاخيخلخيج ٢ .ليئيسوصو ليئيلح بهأو ليوس بهأو نبجيخ ،ليئيسوصو
صموئيل ليئيسوصو ضرأ هب ليوس ،ليوس بهأو نبجيخ ضرأ هب ليوس
بهيصوبج ولاخيخلخيج ٣ .ليئيسوصو ليوس بهأو نبجيخ ،ليئيسوصو
ليئيلح بهيصوبج ليئيتئيخ ،ليئيلخيخلخيصح بهيصوبج ليئيتئيخ ،ليئيلح
ليئيسوصو ليوس بهأو نبجيخ ،ليئيسوصو ليوس بهأو نبجيخ ،ليئيلح
.ليئيسوصو

٤ سوه نبا ،ليئيلح ليئيلح سوه. ضرأ ليئيسوصو ليئيلح ضرأ بهأو نبا سوه،
ليئيلح ،ليئيلح ليئيلح سوه نبا ،ليئيلح ليئيلح سوه نبا ٥ .ليئيسوصو
ليئيلح ،ليئيلح ليئيلح سوه نبا ٦ .ليئيسوصو ليئيلح ،ليئيلح ليئيلح سوه نبا
ليئيلح ،ليئيلح ليئيلح سوه نبا ٧ .ليئيسوصو ليئيلح ،ليئيلح ليئيلح سوه نبا
ليئيلح ،ليئيلح ليئيلح سوه نبا ،ليئيلح ليئيلح سوه نبا ،ليئيلح ليئيلح سوه نبا
ليئيلح ،ليئيلح ليئيلح سوه نبا ،ليئيلح ليئيلح سوه نبا ،ليئيلح ليئيلح سوه نبا
ليئيلح ،ليئيلح ليئيلح سوه نبا ،ليئيلح ليئيلح سوه نبا ،ليئيلح ليئيلح سوه نبا
ليئيلح ،ليئيلح ليئيلح سوه نبا ،ليئيلح ليئيلح سوه نبا ،ليئيلح ليئيلح سوه نبا
ليئيلح ،ليئيلح ليئيلح سوه نبا ،ليئيلح ليئيلح سوه نبا ،ليئيلح ليئيلح سوه نبا

اور میرے لئے بھی یہ ہرگز گناہ نہ ہو کہ خداوند کے حضور دعا کرنے سے باز آؤں۔ میں تمہیں اچھا اور سیدھا راستہ سکھاؤں گا۔ ۲۴ صرف خداوند کا خوف مانو اور سچائی سے اور دل سے اُس کی خدمت کرو۔ کیونکہ تم نے دیکھا ہے کہ اُس نے تمہارے لئے کیا کچھ بڑے بڑے کام کئے ہیں۔ لیکن اگر تم بدی کرتے رہو تو تم اور تمہارا بادشاہ دونوں ہلاک ہو جاؤ گے۔

۲۵ سموئیل نے سب لوگوں سے کہا: ”مت ڈرو۔ تم نے یہ سب بدی کی ہے، لیکن خداوند کی پیروی کرنا مت چھوڑو۔ اُس کی خدمت دل سے کرتے رہو۔

ساؤل کا یوناتن اور داؤد سے سلوک

۱۴ ایک دن یوناتن نے اپنے ہتھیار اٹھانے والے لڑکے سے کہا، ”آؤ ہم فلستیوں کی چوکی پر جائیں جو اُس طرف ہے۔“ لیکن اُس نے اپنے باپ سے اِس کا ذکر نہ کیا۔ ۲ اُس وقت ساؤل جبعہ کے کنارے انار کے درخت کے نیچے تھا جو مِجرون میں ہے۔ اُس کے ساتھ تقریباً چھ سو آدمی تھے۔ ۳ اخیاہ بھی وہیں تھا۔ وہ افود کا بیٹا اور ایلی کا پوتا تھا۔ ایلی خداوند کا کاہن تھا جو شیلوہ میں خدمت کرتا تھا۔ اخیاہ نے افود کا کپڑا پہن رکھا تھا۔ لوگوں کو معلوم نہ تھا کہ یوناتن وہاں سے چلا گیا ہے۔ ۴ یوناتن کی راہ میں دو چٹانیں تھیں جن کے درمیان سے گزرنا تھا۔ ایک چٹان کا نام بوصیص تھا اور دوسری کا سنہ۔ ۵ ایک چٹان شمال کی طرف مِکماس کے سامنے تھی اور دوسری جنوب کی طرف جبعہ کے سامنے۔

۶ یوناتن نے اپنے ہتھیار اٹھانے والے لڑکے سے کہا، ”آؤ ہم اُن بے ختنہ لوگوں کی چوکی پر جائیں۔ شاید خداوند ہماری مدد کرے۔ خداوند کے لئے کوئی رکاوٹ نہیں کہ وہ بہت سے یا تھوڑے سے لوگوں کے ذریعہ سے نجات دے۔“ ۷ اُس نے جواب دیا، ”جو کچھ تمہارے دل میں ہے وہ کرو۔ جدھر تم جانا چاہو جاؤ۔ میں تمہارے ساتھ ہوں۔“ ۸ یوناتن نے کہا، ”ہم اُن لوگوں کے پاس جائیں گے اور اُنہیں اپنے آپ کو دکھائیں گے۔ ۹ اگر وہ ہم سے کہیں، ‘ٹھہرو جب تک ہم تمہارے پاس نہ آئیں،’ تو ہم وہیں کھڑے رہیں گے اور اُن کے پاس نہیں جائیں گے۔ ۱۰ لیکن اگر وہ کہیں، ‘ہمارے پاس آؤ،’ تو ہم اُن کے پاس جائیں گے۔ کیونکہ ہم جانتے ہیں کہ خداوند نے اُنہیں ہمارے ہاتھ میں دے دیا ہے۔ یہ ہمارے لئے نشان ہوگا۔“

۱۱ چنانچہ دونوں اپنے آپ کو فلستیوں کی چوکی پر دکھانے لگے۔ فلستی کہنے لگے، ”دیکھو، عبرانی اُن غاروں سے نکل رہے ہیں جہاں وہ چھپے ہوئے تھے۔“ ۱۲ اُن لوگوں نے یوناتن اور اُس کے ہتھیار اٹھانے والے لڑکے سے کہا، ”ہمارے پاس آؤ۔ ہم تمہیں کچھ دکھائیں گے۔“ یوناتن نے اپنے ساتھی سے کہا، ”میرے پیچھے پیچھے آؤ۔ خداوند نے اُنہیں اسرائیل کے ہاتھ میں دے دیا ہے۔“ ۱۳ یوناتن رینگتا ہوا اُوپر چڑھا اور اُس کے ساتھ اُس کا ہتھیار اٹھانے والا لڑکا بھی۔ فلستی یوناتن کے سامنے گرتے گئے اور اُس کا ہتھیار اٹھانے والا لڑکا اُن کے پیچھے پیچھے اُنہیں مارتا گیا۔ ۱۴ اِس پہلے حملہ میں یوناتن اور اُس کے ہتھیار اٹھانے والے لڑکے نے تقریباً بیس آدمی مار ڈالے۔ یہ سب ایک چھوٹے سے علاقہ میں ہوا۔

۱۰ اور فلستی یوناتن اور اس کے ہتھیار اٹھانے والے کو دیکھ کر کہنے لگے، "ہماری طرف اوپر آؤ۔ ہم تمہیں کچھ دکھائیں گے۔" یوناتن نے اپنے ہتھیار اٹھانے والے سے کہا، "میرے پیچھے پیچھے اوپر آ، کیونکہ خداوند نے انہیں اسرائیل کے ہاتھ میں کر دیا ہے۔" ۱۱ چنانچہ یوناتن اور اس کا ہتھیار اٹھانے والا دونوں فلستیوں کی چوکی پر چڑھ گئے۔ فلستی کہنے لگے، "دیکھو، عبرانی اپنے چھپنے کی جگہوں سے نکل کر آ رہے ہیں۔" ۱۲ پھر چوکی کے آدمیوں نے یوناتن اور اس کے ہتھیار اٹھانے والے کو پکارا، "ہماری طرف اوپر آؤ۔ ہم تمہیں کچھ دکھائیں گے۔" یوناتن نے اپنے ہتھیار اٹھانے والے سے کہا، "میرے پیچھے پیچھے اوپر آ، کیونکہ خداوند نے انہیں اسرائیل کے ہاتھ میں کر دیا ہے۔"

۱۳ یوناتن ہاتھ پاؤں کے بل چڑھتا گیا، اور اس کا ہتھیار اٹھانے والا اس کے پیچھے پیچھے تھا۔ فلستی یوناتن کے سامنے گرتے گئے، اور اس کا ہتھیار اٹھانے والا اس کے پیچھے پیچھے انہیں قتل کرتا گیا۔ ۱۴ اس پہلے حملے میں جو یوناتن اور اس کے ہتھیار اٹھانے والے نے کیا، قریباً بیس آدمی مارے گئے۔ وہ ایک آدھ بیگھہ زمین کے اندر ہی تھے۔ ۱۵ اور لشکر میں، میدان میں اور سب لوگوں میں خوف پھیل گیا۔ یہاں تک کہ چوکی کے آدمی اور لٹیرے بھی کانپ اٹھے۔ زمین لرز گئی، اور خوف کا عالم تھا۔

۱۶ بنیمین کے جبعہ میں شاؤل کے پہرے داروں نے دیکھا کہ فلستیوں کا لشکر بھاگ رہا ہے اور ادھر ادھر پھیلتا جا رہا ہے۔ ۱۷ تب شاؤل نے اپنے ساتھ کے لوگوں سے کہا، "ذرا گنتی کرو اور معلوم کرو کہ ہم میں سے کون ہمارے پاس سے گیا ہے۔" جب انہوں نے گنتی کی تو معلوم ہوا کہ یوناتن اور اس کا ہتھیار اٹھانے والا غائب ہیں۔ ۱۸ تب شاؤل نے اخیاہ سے کہا، "خدا کا صندوق یہاں لے آ۔" (اس زمانہ میں خدا کا صندوق بنی اسرائیل کے ساتھ تھا۔) ۱۹ لیکن جب شاؤل کاہن سے باتیں کر رہا تھا تو فلستیوں کے لشکر میں جو شور مچا وہ بڑھتا ہی گیا۔ تب شاؤل نے کاہن سے کہا، "اپنا ہاتھ روک لے۔"

۲۰ پھر شاؤل اور اس کے سب ساتھی اکٹھے ہو کر لڑائی کے لئے آگے بڑھے۔ وہاں انہوں نے دیکھا کہ فلستی آپس میں ہی تلوار چلا رہے ہیں اور بڑی گھبراہٹ میں ہیں۔ ۲۱ اور جو عبرانی پہلے فلستیوں کے ساتھ تھے اور ان کے ساتھ لشکر میں آئے تھے، وہ بھی اسرائیلیوں کے ساتھ مل گئے جو شاؤل اور یوناتن کے ساتھ تھے۔ ۲۲ اور جو اسرائیلی افرائیم کے پہاڑی علاقہ میں چھپے ہوئے تھے، وہ بھی فلستیوں کے بھاگنے کی خبر سن کر لڑائی میں شامل ہو گئے۔ ۲۳ اس طرح خداوند نے اسرائیل کو اس دن فتح بخشی۔

---

p ۱۴:۲۱ ۱ سموئیل ۲۸:۱۱-۱۲

شعب لم يذق منه شيئا، وكان الشعب كلهم خائفين من القسم. ٢٥ وجاء كل الشعب إلى الوعر، وكان عسل على وجه البرية. ٢٦ ولما جاء الشعب إلى الوعر ورأوا العسل يقطر، لم يمد أحد يده إلى فمه، لأن الشعب خافوا من القسم. ٢٧ وأما يوناثان فلم يكن قد سمع بحلف أبيه الشعب، فمد طرف العصا التي في يده وغمسه في شهد العسل، ورد يده إلى فمه فاستنارت عيناه. ٢٨ فأجاب واحد من الشعب وقال: "حلفا حلف أبوك الشعب قائلا: ملعون الرجل الذي يأكل طعاما اليوم." والشعب معيون.

يوناثان يخالف الحلف

٢٩ فقال يوناثان: "قد كدر أبي الأرض. انظروا كيف استنارت عيناي لأني ذقت قليلا من هذا العسل. ٣٠ فكم بالحري لو أكل الشعب اليوم من غنيمة أعدائه التي وجدوها! لأن الضربة الآن لم تكثر بين الفلسطينيين." ٣١ وضربوا الفلسطينيين في ذلك اليوم من مخماس إلى أيلون. وأعيا الشعب جدا، ٣٢ فوثب الشعب على الغنيمة وأخذوا غنما وبقرا وعجولا وذبحوها على الأرض، وأكل الشعب مع الدم. ٣٣ فأخبروا شاول قائلين: "هوذا الشعب يخطئون إلى الرب بأكلهم مع الدم."

فقال: "قد غدرتم. دحرجوا إلي الآن حجرا كبيرا. ٣٤ وقال شاول: "تفرقوا بين الشعب وقولوا لهم أن يقربوا إلي كل واحد ثوره وكل واحد غنمه واذبحوا ههنا وكلوا، ولا تخطئوا إلى الرب بأكلكم مع الدم." فقرب كل الشعب كل واحد ثوره بيده تلك الليلة وذبحوا هناك. ٣٥ وبنى شاول مذبحا للرب. هو ابتدأ أن يبني مذبحا للرب.

[٣٦] هل الفلسطينيون النازلون على عبيدك؟ هل تدفعهم ليد إسرائيل؟ لكنه لم يجبه في ذلك اليوم. [٣٧] وقال شاول: انزل وراء الفلسطينيين ليلا ونهبهم حتى الصباح ولا نترك منهم رجلا. فقال كل ما يحسن في عينيك افعل. فقال الكاهن: لنتقدم إلى الله هنا. [٣٨] فدعا شاول كل رؤساء الشعب وقال: اعلموا وانظروا بماذا صار هذا الخطية اليوم. [٣٩] لأنه حي الله مخلص إسرائيل إن كان في يوناثان ابني لأنه يموت موتا. فلم يجبه أحد من كل الشعب.

شاول يرفض الله

١٥ [١] وقال صموئيل لشاول: إياي أرسل الرب لمسحك ملكا على شعبه على إسرائيل. فالآن اسمع لصوت كلام الرب. [٢] هكذا قال رب الجنود: قد افتقدت ما عمل عماليق بإسرائيل حين وقف له في الطريق عند صعوده من مصر. [٣] فالآن اذهب واضرب عماليق وحرموا كل ما له ولا تعف عنه بل اقتل رجلا وامرأة طفلا ورضيعا بقرا وغنما جملا وحمارا. [٤] فسمع شاول الشعب وعدهم في طلايم مئتي ألف راجل وعشرة آلاف رجل من يهوذا. [٥] وجاء شاول إلى مدينة عماليق وكمن في الوادي. [٦] وقال شاول للقينيين: اذهبوا انزلوا اعتزلوا من بين العماليقيين لئلا أهلكك معهم. وأنت قد أحسنت إلى كل بني إسرائيل عند صعودهم من مصر. فاعتزل القينيون من بين العماليقيين. [٧] وضرب شاول العماليقيين من حويلة مجيئك إلى شور التي تجاه مصر. [٨] وأمسك أجاج ملك العماليقيين حيا وحرم جميع الشعب بحد السيف. [٩] وعفا شاول والشعب عن أجاج وعن أفضل الغنم والبقر والمسمنات والخرفان وكل ما كان جيدا ولم يريدوا أن يحرموها. وكل الأمتعة الرديئة والمهزولة حرموها.

[١٠] وكان كلام الرب إلى صموئيل قائلا: [١١] ندمت على أني جعلت شاول ملكا لأنه رجع من ورائي ولم يقم كلامي. فاغتاظ صموئيل وصرخ إلى الرب الليل كله. [١٢] وبكر صموئيل ليلاقي شاول صباحا. فأخبر صموئيل قائلا: جاء شاول إلى كرمل وإذا هو يقيم لنفسه نصبا ثم مر واجتاز ونزل إلى الجلجال.

١٥:٣٩ تثنية ٣:٥-١٢

حكمه؛ لأن الرب ندم أنه جعل شاول ملكًا على إسرائيل. ١١ فحزن صموئيل
وصرخ إلى الرب الليل كله.

صموئيل يعين ملكًا

١٢ وبكر صموئيل في الصباح الباكر ليقابل شاول، فأُخبر أن شاول قد ذهب
إلى الكرمل وأقام لنفسه نصبًا تذكاريًا، ثم انصرف ونزل إلى الجلجال.
١٣ فجاء صموئيل إلى شاول، فقال له شاول: «مبارك أنت للرب! لقد أتممت
أمر الرب». ١٤ فقال صموئيل: «فما هذا الثغاء الذي في أذني، وهذا البقر
الذي أسمعه؟» ١٥ فأجاب شاول: «أتوا بها من العمالقة، لأن الشعب أبقى
على أفضل الغنم والبقر ليذبحوها للرب إلهك، وأما الباقي فقد حرمناه».
١٦ فقال صموئيل لشاول: «كف عن كلامك! سأخبرك بما قاله الرب لي
الليلة». فقال له شاول: «تكلم». ١٧ فقال صموئيل: «أليس إذ كنت صغيرًا في
عينيك صرت رأس أسباط إسرائيل، ومسحك الرب ملكًا على إسرائيل؟
١٨ وأرسلك الرب في مهمة وقال: اذهب وحرم الخطاة العمالقة، وقاتلهم
حتى يفنوا عن آخرهم. ١٩ فلماذا لم تطع صوت الرب، بل انقضضت على
الغنيمة وعملت الشر في عينيّ الرب؟» ٢٠ فأجاب شاول صموئيل: «بل
أطعت صوت الرب، وذهبت في المهمة التي أرسلني فيها الرب، وأحضرت
أجاج ملك العمالقة، وحرمت العمالقة. ٢١ لكن الشعب أخذ من الغنيمة
غنمًا وبقرًا، أفضل ما حُرم، ليذبحوها للرب إلههم في الجلجال».
٢٢ فقال صموئيل: «هل مسرة الرب بالمحرقات والذبائح كما بالطاعة
لصوت الرب؟ إن الطاعة خير من الذبيحة، والإصغاء خير من شحم
الكباش. ٢٣ لأن التمرد كخطية العرافة، والعناد كعبادة الأوثان والترافيم.
لأنك رفضت كلمة الرب، رفضك الرب أيضًا ملكًا». ٢٤ فقال شاول لصموئيل:
«أخطأت، لأني تعديت وصية الرب وكلامك، لأني خشيت الشعب وسمعت
لصوتهم. ٢٥ فالآن فاصفح عن خطيتي وارجع معي لأسجد للرب». ٢٦ فقال
صموئيل لشاول: «لا أرجع معك، لأنك رفضت كلمة الرب، فرفضك الرب

١٥:٢٥ صموئيل ١:١١٠

خلاص على يهوه صخرتي. ٢٧ وحينما استدار شاول ليذهب، أمسك صموئيل بطرف رداء شاول فتمزق. ٢٨ فقال له صموئيل: "خلاص يهوه مزق مملكة إسرائيل عنك اليوم وأعطاها لشخص آخر أفضل منك. ٢٩ وأيضًا مجد إسرائيل لن يكذب أو يغير رأيه، لأنه ليس إنسانًا فيغير رأيه."[s] ٣٠ فقال شاول: "لقد أخطأت، ولكن أكرمني الآن أمام شيوخ شعبي وأمام إسرائيل، وارجع معي حتى أسجد ليهوه إلهك." ٣١ فرجع صموئيل وراء شاول، وسجد شاول ليهوه.

٣٢ ثم قال صموئيل: "أحضروا إليّ أجاج ملك العماليقيين." فجاء إليه أجاج مسرورًا، وقال في نفسه: "حقًا قد زالت مرارة الموت." ٣٣ فقال صموئيل: "كما فجعت نساء كثيرات بسيفك، هكذا ستفجع أمك بين النساء." وقطع صموئيل أجاج أمام يهوه في الجلجال.

موت شاول

٣٤ ثم ذهب صموئيل إلى الرامة، وأما شاول فصعد إلى بيته في جبعة شاول. ٣٥ ولم يعد صموئيل يرى شاول حتى يوم موته، لأن صموئيل حزن على شاول. ويهوه ندم على أنه جعل شاول ملكًا على إسرائيل.

---

[s] ١٥:٢٧ صموئيل الأول ٦:٨ [t] ١٥:٣٣ تكوين ١٣:٢٢؛ ١٢:٥٦

وشتل بعد ملك لا وهذا حلف فلذا جلعاد في شعب كل ٣٩ وقتل
وصار وهذا وابنتا، وله وهذا وابنتا، وله وهذا وصار ١٥ وله
وهذا. وله وهذا وابنتا، وله وهذا وابنتا، وله وهذا وصار ٤٠ وله
وهذا وابنتا. ٤١ وله فلذا ١٥ وله وهذا وابنتا، وله وهذا وفلذا
وهذا وابنتا بعد وصار ملك بعد وهذا وفلذا وهذا وابنتا. ٤٢ وله
وهذا وصار ١٥ وله وهذا وهذا. وله وهذا وهذا وابنتا، ١٥هذا وهذا
في وهذا وهذا وهذا ملك وهذا وهذا.

٤٣ وهذا في وهذا وهذا ملك وهذا وهذا وهذا. فلذا وهذا ملك
ملك، في فلذا ١٥هذا وهذا وهذا. ٤٣ في فلذا وهذا وهذا، في فلذا
١٥هذا وهذا وهذا، في فلذا وهذا وهذا، ١٥ في فلذا ١٥هذا وهذا.
٤٤ في فلذا وهذا فلذا وهذا، في فلذا ١٥هذا وهذا فلذا وهذا. لا وله
فلذا وهذا، وله وله فلذا وهذا. ٤٥ وهذا وهذا وهذا: "وهذا، وهذا
وهذا، ١٥هذا وهذا وهذا وهذا." ٤٦ وابنا وهذا وهذا. ٤٧ وهذا
في وله وهذا وهذا، لكل وهذا، ١٥هذا وهذا. ٤٨ وهذا وهذا
وهذا وهذا؛ وهذا وهذا وهذا في وهذا وهذا. ٤٩ وهذا وهذا
وهذا، وهذا وله وله أب وهذا وهذا. وهذا وهذا، وهذا
وله أب وهذا وهذا. ٥٠ وهذا وهذا في وهذا وهذا وهذا، وهذا
في وهذا وهذا وهذا في وهذا.

٥١ وهذا وهذا وهذا في وهذا وهذا، وهذا وهذا وهذا
وهذا وهذا، ٥٢ وهذا وهذا وهذا في وهذا، وهذا وهذا
وهذا: وهذا في وهذا وهذا في وهذا وهذا، ٥٣ وهذا وهذا
وهذا، وله وهذا وهذا وهذا، وهذا وهذا في وهذا وهذا
وهذا وهذا، ١٥هذا وهذا وهذا وهذا وهذا. ٥٤ وهذا وهذا
وهذا وهذا، ١٥هذا وهذا في وهذا وهذا وهذا وهذا

ا١٥:٤٥ حذف ٧:٢

لأَنَّ الرَّبَّ لاَ يَرْفُضُ إِلَى الأَبَدِ. ٣٢ لأَنَّهُ إِنْ كَانَ قَدْ أَحْزَنَ فَإِنَّهُ يَرْحَمُ حَسَبَ كَثْرَةِ رَأْفَاتِهِ. ٣٣ لأَنَّهُ لاَ يُذِلُّ مِنْ قَلْبِهِ وَلاَ يُحْزِنُ بَنِي النَّاسِ. ٣٤ أَنْ يَسْحَقَ تَحْتَ رِجْلَيْهِ كُلَّ أَسْرَى الأَرْضِ، ٣٥ أَنْ يُعَوِّجَ حَقَّ رَجُلٍ أَمَامَ وَجْهِ الْعَلِيِّ، ٣٦ أَنْ يُعَوِّجَ إِنْسَانًا فِي دَعْوَاهُ. أَمَا يَرَى السَّيِّدُ؟

٣٧ مَنْ قَالَ فَكَانَ وَالسَّيِّدُ لَمْ يَأْمُرْ؟ ٣٨ مِنْ فَمِ الْعَلِيِّ لاَ تَخْرُجُ الْبَلِيَّةُ وَالْخَيْرُ؟

٣٩ لِمَاذَا يَتَذَمَّرُ الإِنْسَانُ الْحَيُّ، الرَّجُلُ عَلَى عِقَابِ خَطِيَّتِهِ؟

٤٠ لِنَفْحَصْ طُرُقَنَا وَنَمْتَحِنْهَا وَنَرْجِعْ إِلَى الرَّبِّ. ٤١ لِنَرْفَعْ قُلُوبَنَا مَعَ أَيَادِينَا إِلَى اللهِ فِي السَّمَاوَاتِ قَائِلِينَ: ٤٢ نَحْنُ قَدْ أَذْنَبْنَا وَتَمَرَّدْنَا وَأَنْتَ لَمْ تَغْفِرْ. ٤٣ اِحْتَجَبْتَ بِالْغَضَبِ وَطَرَدْتَنَا. قَتَلْتَ لَمْ تَعْفُ. ٤٤ احْتَجَبْتَ بِالسَّحَابِ حَتَّى لاَ تَجُوزَ الصَّلاَةُ. ٤٥ جَعَلْتَنَا قُمَامَةً وَكَنَسًا فِي وَسْطِ الشُّعُوبِ. ٤٦ فَغَرَ عَلَيْنَا جَمِيعُ أَعْدَائِنَا. ٤٧ صَارَ لَنَا الرُّعْبُ وَالْفَخُّ وَالْخَرَابُ وَالسَّحْقُ. ٤٨ قَدْ جَرَتْ أَنْهَارُ مِيَاهٍ مِنْ عَيْنَيَّ عَلَى سَحْقِ بِنْتِ شَعْبِي. ٤٩ عَيْنِي تَسْكُبُ وَلاَ تَكُفُّ بِلاَ هُدُوءٍ ٥٠ حَتَّى يُشْرِفَ وَيَنْظُرَ الرَّبُّ مِنَ السَّمَاوَاتِ. ٥١ عَيْنِي تُؤَثِّرُ فِي نَفْسِي مِنْ جَمِيعِ بَنَاتِ مَدِينَتِي. ٥٢ اِصْطَادَنِي كَعُصْفُورٍ أَعْدَائِي بِلاَ سَبَبٍ. ٥٣ أَبَادُوا فِي الْجُبِّ حَيَاتِي وَرَمَوْا عَلَيَّ حَجَرًا. ٥٤ طَمَّتْ مِيَاهٌ عَلَى رَأْسِي. قُلْتُ: أَنَا بِدِ. ٥٥ دَعَوْتُ بِاسْمِكَ يَا رَبُّ مِنَ الْجُبِّ السَّفْلِيِّ. ٥٦ سَمِعْتَ صَوْتِي. لاَ تَحْجُبْ أُذُنَكَ عَنْ تَنَهُّدِي عَنْ دَعْوَتِي. ٥٧ اِقْتَرَبْتَ فِي يَوْمِ أَدْعُوكَ. قُلْتَ: لاَ تَخَفْ. ٥٨ قَضَيْتَ يَا سَيِّدُ قَضَايَا نَفْسِي. فَدَيْتَ حَيَاتِي. ٥٩ رَأَيْتَ يَا رَبُّ مَظْلِمَتِي. اُقْضِ قَضِيَّتِي. ٦٠ رَأَيْتَ كُلَّ نَقْمَتِهِمْ كُلَّ أَفْكَارِهِمْ عَلَيَّ. ٦١ سَمِعْتَ يَا رَبُّ عَارَهُمْ كُلَّ أَفْكَارِهِمْ عَلَيَّ. ٦٢ شِفَاهُ قَائِمِينَ عَلَيَّ وَاهْتِمَامُهُمْ عَلَيَّ الْيَوْمَ كُلَّهُ. ٦٣ اُنْظُرْ جُلُوسَهُمْ وَقِيَامَهُمْ. أَنَا هُزْأَتُهُمْ. ٦٤ رُدَّ لَهُمْ مُجَازَاةً يَا رَبُّ حَسَبَ أَعْمَالِ أَيَادِيهِمْ. ٦٥ أَعْطِهِمْ غِشَاوَةَ الْقَلْبِ. لَعْنَتُكَ لَهُمْ. ٦٦ اِضْطَهِدْ بِغَضَبٍ وَأَبِدْهُمْ مِنْ تَحْتِ سَمَاوَاتِ الرَّبِّ.

صموئيل الأول

١٦ ١ وَقَالَ الرَّبُّ لِصَمُوئِيلَ: «إِلَى مَتَى أَنْتَ نَائِحٌ عَلَى شَاوُلَ وَأَنَا قَدْ رَفَضْتُهُ عَنْ أَنْ يَمْلِكَ عَلَى إِسْرَائِيلَ؟ امْلأْ قَرْنَكَ دُهْنًا وَهَلُمَّ أُرْسِلُكَ إِلَى يَسَّى الْبَيْتَلَحْمِيِّ، لأَنِّي قَدْ رَأَيْتُ فِي بَنِيهِ مَلِكًا لِنَفْسِي». ٢ فَقَالَ صَمُوئِيلُ: «كَيْفَ أَذْهَبُ وَشَاوُلُ يَسْمَعُ فَيَقْتُلُنِي؟» فَقَالَ الرَّبُّ: «تَأْخُذُ بَقَرَةً مِنَ الْبَقَرِ فِي يَدِكَ وَتَقُولُ: لِذَبْحٍ لِلرَّبِّ جِئْتُ. ٣ وَتَدْعُو يَسَّى إِلَى الذَّبِيحَةِ وَأَنَا أُعَرِّفُكَ مَا تَعْمَلُ، فَتَمْسَحُ لِي الَّذِي أَقُولُ لَكَ». ٤ فَفَعَلَ صَمُوئِيلُ كَمَا تَكَلَّمَ الرَّبُّ وَجَاءَ إِلَى بَيْتَلَحْمَ. فَاضْطَرَبَ شُيُوخُ الْمَدِينَةِ عِنْدَ اسْتِقْبَالِهِ وَقَالُوا: «سَلاَمٌ مَجِيئُكَ؟»

٨:٢٥ أخبار الأيام الثاني ١٠:٥٤ ١٤:١٣ أخبار الأيام الثاني ١٠:٥٥

فحص تابوت العهد

٥ ثم أتوا إلى بيت شمس، التي في حدود فلسطين، وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى بيت عنيا وفحصوا التابوت. ٦ ومن بيت عنيا أتوا إلى قرية يعاريم وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى جبعة وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى الرامة وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى جت وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى عقرون وفحصوا التابوت. ٧ ثم أتوا إلى عزة وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى أشدود وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى عسقلان وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى جت وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى عقرون وفحصوا التابوت. ٨ وأتوا إلى بيت شمس وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى عزة وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى أشدود وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى عسقلان وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى جت وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى عقرون وفحصوا التابوت. ٩ ثم أتوا إلى بيت شمس وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى عزة وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى أشدود وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى عسقلان وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى جت وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى عقرون وفحصوا التابوت. ١٠ ثم أتوا إلى بيت شمس وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى عزة وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى أشدود وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى عسقلان وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى جت وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى عقرون وفحصوا التابوت. ١١ وأتوا إلى بيت شمس وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى عزة وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى أشدود وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى عسقلان وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى جت وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى عقرون وفحصوا التابوت. ١٢ وبعد أيام أتوا إلى بيت شمس وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى عزة وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى أشدود وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى عسقلان وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى جت وفحصوا التابوت، ثم أتوا إلى عقرون وفحصوا التابوت.

١٣ وكانوا يحصدون حنطة القمح في الوادي. ورفعوا أعينهم ونظروا التابوت، ففرحوا برؤيته. ١٤ ولما وصلت العربة إلى حقل يشوع البيت شمسي، وقفت هناك. وكان هناك حجر كبير، فشقوا خشب العربة، وقدموا البقرات محرقة للرب.

١٥ وأما اللاويون، فأنزلوا تابوت الرب والصندوق الذي معه، الذي فيه أدوات من ذهب، ووضعوها على الحجر الكبير. وأما أهل بيت شمس فقدموا محرقات وذبائح في ذلك اليوم للرب. ١٦ ولما رأى الخمسة أقطاب فلسطين ذلك، رجعوا في ذلك اليوم إلى عقرون.

١٧ وهذه هي البواسير من الذهب التي رد الفلسطينيون للرب: واحد عن أشدود، واحد عن عزة، واحد عن عسقلان، واحد عن جت، واحد عن عقرون.

---

x ٦:٨ حزقيال ٢٣:١٥-١٦؛ مز ١٦:٩-١٠

شاول ابنه يوناثان وكل عبيده ليقتلوا داود. ولكن يوناثان ابن شاول سُرَّ جدًا بداود. ٢ فأخذه شاول في ذلك اليوم ولم يسمح له بالرجوع إلى بيت أبيه.

داود يعزف على القيثارة

٣ وعقد يوناثان وداود عهدًا معًا لأن يوناثان أحب داود كما يحب نفسه. ٤ فخلع يوناثان الرداء الذي كان يلبسه وأعطاه لداود مع ثيابه وسيفه وقوسه ومنطقته. ٥ وكان داود يخرج إلى أي مكان يرسله شاول فيه ويعمل بحكمة. فجعله شاول قائدًا على رجال الجيش. وكان ذلك يسر جميع الشعب وعبيد شاول.

٦ وعندما عاد داود بعد قتل الفلسطيني، خرجت نساء من جميع مدن إسرائيل يغنين ويرقصن ليستقبلن شاول الملك. كن يضربن على الدفوف ويغنين بفرح ويعزفن على آلات موسيقية أخرى. ٧ وكانت النساء يغنين هذه الأغنية:

«قتل شاول آلافًا من الأعداء،
وقتل داود عشرات الآلاف!»

٨ فغضب شاول جدًا وساءه هذا الكلام. قال: «أعطوا داود عشرات الآلاف، وأعطوني أنا الآلاف فقط. ماذا بقي له غير أن يأخذ الملك؟» ٩ ومنذ ذلك اليوم صار شاول يراقب داود بغيرة.

١٠ وفي اليوم التالي أرسل الله روحًا شريرة على شاول، فجعلته يهذي في وسط بيته. وكان داود يعزف على القيثارة كما كان يفعل كل يوم. وكان شاول يمسك رمحه ١١ ويقول في نفسه: «سأضرب داود بالرمح وأثبته في الحائط!» ثم رماه بالرمح مرتين، لكن داود تفادى الرمح في كل مرة.

شاول يخاف داود

١٢ وخاف شاول من داود لأن الرب كان معه، وقد ترك الرب شاول. ١٣ فأبعد شاول داود عن نفسه وجعله قائدًا على ألف رجل، وكان داود يقود الجيش في الحروب. ١٤ وكان داود ينجح في كل ما يعمل لأن الرب كان معه. ١٥ ولما رأى شاول نجاح داود خاف منه أكثر. ١٦ لكن جميع الشعب في إسرائيل ويهوذا كانوا يحبون داود لأنه كان يقودهم في الحروب.

٢صموئيل عندما عاش داود في حبرون

١٠ملك

١ وفيما بعد سأل داود الرب قائلا: «هل أصعد إلى إحدى مدن يهوذا؟»
فأجابه الرب: «اصعد». فسأله داود: «إلى أين أصعد؟»
فأجابه الرب: «إلى حبرون». ٢ فصعد داود إلى حبرون.

٢٠ملك

٣ وصعد داود ومعه رجاله وعائلاتهم، فاستقروا في مدن حبرون. ٤ وهناك
جاء رجال يهوذا ومسحوا داود ملكا على يهوذا. وعندما أخبروا داود
أن رجال يابيش جلعاد هم الذين دفنوا شاول، ٥ أرسل داود إليهم
رسلا يقول لهم: «الرب يبارككم لأنكم أظهرتم هذا الإخلاص لسيدكم
شاول ودفنتموه. ٦ والآن أظهر الرب إخلاصه ووفاءه لكم، وأنا أيضا
سأكافئكم على ما فعلتموه». ٧ وأضاف داود: «والآن تشجعوا وكونوا
رجالا، لأن سيدكم شاول قد مات، وقد مسحني رجال يهوذا ملكا عليهم».

٨ وكان أبنير بن نير قائد جيش شاول قد أخذ إيشبوشث بن شاول
وعبر به نهر الأردن إلى محنايم، ٩ وملكه على جلعاد وعلى الجشوريين

ּבְ מִצְוָ֣ה אֲשֶׁ֔ר הִ֖וא הַיּ֣וֹם לְ בִלְתִּ֥י עֲשׂ֖וֹת הַיָּשָׁ֥ר וְ הַטּ֑וֹב כִּ֥י יִיטַ֨ב לָ֜ךְ וְ בָאתָ֣ וְ רֵשְׁתָּ֗ אֶת־ הָאָ֤רֶץ הַטֹּבָה֙ אֲשֶׁ֣ר נִשְׁבַּ֣ע יְהוָ֔ה לַ אֲבֹתֶ֖יךָ לָ תֵּ֑ת כָּל־ הַיָּמִֽים׃ [10] כִּ֣י אִם־ שָׁמ֣וֹר תִּשְׁמֹ֗ר אֶת־ כָּל־ הַמִּצְוָה֮ הַזֹּאת֒ לַ עֲשׂוֹתָ֣ה לִ פְנֵ֣י יְהוָ֣ה אֱ לֹהֶ֔יךָ כַּ אֲשֶׁ֥ר צִוָּ֖ךְ לָ תֵּ֑ת כָּל־ הַיָּמִֽים׃ [11] וְ הַנִּבְיָ֣א הַ הוּא֮ אֲשֶׁ֣ר יָקוּם֒ בְּ קִרְבְּ֣ךָ אֶ֣ת אֶחָ֣יךָ כָּ מֹ֔נִי יָקִ֥ים לָ֖ךְ יְהוָ֣ה אֱ לֹהֶ֑יךָ אֵ֥לָיו תִּשְׁמָעֽוּן׃ [12] כְּ כֹ֣ל אֲשֶׁ֣ר שָׁאַ֔לְתָּ מֵ עִ֥ם יְהוָ֖ה אֱ לֹהֶ֑יךָ בְּ חֹרֵ֣ב בְּ יוֹם֮ הַ קָּהָל֒ לֵ אמֹ֗ר לֹ֣א אֹסִ֣יף לִ שְׁמֹ֣עַ אֶת־ קוֹל֩ יְהוָ֨ה אֱ לֹהָ֜י וְ אֶת־ הָאֵ֤שׁ הַ גְּדוֹלָה֙ הַ זֹּ֣את לֹ֣א אֶרְאֶ֔ה עוֹד֙ וְ לֹ֣א אָמֽוּת׃ [13] וַ יֹּ֥אמֶר יְהוָ֖ה אֵ לַ֑י הֵיטִ֣יבוּ אֲשֶׁ֥ר דִּבֵּֽרוּ׃ [14] נָבִ֣יא אָקִ֣ים לָ הֶ֗ם מִ קֶּ֙רֶב֙ אֲחִיהֶ֔ם כָּ מֹ֖נִי וְ נָתַתִּ֥י דְּבָרַ֛י בְּ פִ֖יו וְ דִבֶּ֣ר אֲלֵהֶ֑ם אֵ֚ת כְּ כֹ֣ל אֲשֶׁ֣ר אֲצַוֶּ֔נּוּ אֹתֽוֹ׃ [15] וְ הָיָ֗ה הָ אִישׁ֙ אֲשֶׁ֣ר לֹֽא־ יִשְׁמַ֣ע אֶל־ דְּבָרַ֔י אֲשֶׁ֥ר יְדַבֵּ֖ר בִּ שְׁמִ֑י אָנֹכִ֖י אֶדְרֹ֥שׁ מֵ עִמּֽוֹ׃ [16] אַךְ֩ הַ נָּבִ֨יא אֲשֶׁ֜ר יָזִ֣יד לְ דַבֵּ֣ר דָּבָ֗ר בִּ שְׁמִי֙ אֲשֶׁ֣ר לֹ֣א צִוִּיתִ֔יו לְ דַבֵּ֖ר וַ אֲשֶׁ֣ר יְדַבֵּ֑ר בְּ שֵׁ֥ם אֱ לֹהִ֖ים אֲחֵרִ֥ים וּ מֵ֥ת הַ נָּבִ֖יא הַ הֽוּא׃ [17] וְ כִ֥י תֹאמַ֖ר בְּ לִבֶּ֑ךָ אֵיכָ֣ה נֵדַ֔ע אֶת־ הַ דָּבָ֖ר אֲשֶׁ֣ר לֹֽא־ דִבְּרָ֥ה יְהוָֽה׃ [18] אֲשֶׁ֨ר יְדַבֵּ֤ר הַ נָּבִיא֙ בְּ שֵׁ֣ם יְהוָ֔ה וְ לֹ֥א יִהְיֶ֖ה הַ דָּבָ֑ר וְ לֹ֣א יָקֽוּם׃ [19] וְ הָיָ֗ה הַ דָּבָ֙ר֙ אֲשֶׁ֣ר לֹֽא־ יְדַבֵּ֣ר הַ נָּבִיא֮ בְּ שֵׁם֒ יְהוָה֙ לֵ אמֹ֔ר לֹ֥א יִהְיֶ֖ה הַ דָּבָ֑ר וְ לֹ֣א יָקֽוּם׃ [20] וְ כִ֥י תֹאמַ֖ר בְּ לִבֶּ֑ךָ אֵיכָ֣ה נֵדַ֔ע אֶת־ הַ דָּבָ֖ר אֲשֶׁ֣ר לֹֽא־ דִבְּרָ֥ה יְהוָֽה׃ [21] אֲשֶׁ֨ר יְדַבֵּ֤ר הַ נָּבִיא֙ בְּ שֵׁ֣ם יְהוָ֔ה וְ לֹ֥א יִהְיֶ֖ה הַ דָּבָ֑ר וְ לֹ֣א יָקֽוּם׃

פרשת שופטים

[1] כִּ֣י יִבָּרֵ֣א בְ קִרְבְּ֣ךָ אִ֣ישׁ אֶחָ֣יךָ כָּ מֹ֔נִי יָקִ֥ים לָ֖ךְ יְהוָ֣ה אֱ לֹהֶ֑יךָ אֵ֥לָיו תִּשְׁמָעֽוּן׃ [2] כְּ כֹ֣ל אֲשֶׁ֣ר שָׁאַ֔לְתָּ מֵ עִ֥ם יְהוָ֖ה אֱ לֹהֶ֑יךָ בְּ חֹרֵ֣ב בְּ יוֹם֮ הַ קָּהָל֒ לֵ אמֹ֗ר לֹ֣א אֹסִ֣יף לִ שְׁמֹ֣עַ אֶת־ קוֹל֩ יְהוָ֨ה אֱ לֹהָ֜י וְ אֶת־ הָאֵ֤שׁ הַ גְּדוֹלָה֙ הַ זֹּ֣את לֹ֣א אֶרְאֶ֔ה עוֹד֙ וְ לֹ֣א אָמֽוּת׃ [3] וַ יֹּ֥אמֶר יְהוָ֖ה אֵ לַ֑י הֵיטִ֣יבוּ אֲשֶׁ֥ר דִּבֵּֽרוּ׃ [4] נָבִ֣יא אָקִ֣ים לָ הֶ֗ם מִ קֶּ֙רֶב֙ אֲחִיהֶ֔ם כָּ מֹ֖נִי וְ נָתַתִּ֥י דְּבָרַ֛י בְּ פִ֖יו וְ דִבֶּ֣ר אֲלֵהֶ֑ם אֵ֚ת כְּ כֹ֣ל אֲשֶׁ֣ר אֲצַוֶּ֔נּוּ אֹתֽוֹ׃ [5] וְ הָיָ֗ה הָ אִישׁ֙ אֲשֶׁ֣ר לֹֽא־ יִשְׁמַ֣ע אֶל־ דְּבָרַ֔י אֲשֶׁ֥ר יְדַבֵּ֖ר בִּ שְׁמִ֑י אָנֹכִ֖י אֶדְרֹ֥שׁ מֵ עִמּֽוֹ׃ [6] אַךְ֩ הַ נָּבִ֨יא אֲשֶׁ֜ר יָזִ֣יד לְ דַבֵּ֣ר דָּבָ֗ר בִּ שְׁמִי֙ אֲשֶׁ֣ר לֹ֣א צִוִּיתִ֔יו לְ דַבֵּ֖ר וַ אֲשֶׁ֣ר יְדַבֵּ֑ר בְּ שֵׁ֥ם אֱ לֹהִ֖ים אֲחֵרִ֥ים וּ מֵ֥ת הַ נָּבִ֖יא הַ הֽוּא׃ [7] וְ כִ֥י תֹאמַ֖ר בְּ לִבֶּ֑ךָ אֵיכָ֣ה נֵדַ֔ע אֶת־ הַ דָּבָ֖ר אֲשֶׁ֣ר לֹֽא־ דִבְּרָ֥ה יְהוָֽה׃ [8] אֲשֶׁ֨ר יְדַבֵּ֤ר הַ נָּבִיא֙ בְּ שֵׁ֣ם יְהוָ֔ה וְ לֹ֥א יִהְיֶ֖ה הַ דָּבָ֑ר וְ לֹ֣א יָקֽוּם׃ [9] וְ הָיָ֗ה הַ דָּבָ֙ר֙ אֲשֶׁ֣ר לֹֽא־ יְדַבֵּ֣ר הַ נָּבִיא֮ בְּ שֵׁם֒ יְהוָה֙ לֵ אמֹ֔ר לֹ֥א יִהְיֶ֖ה הַ דָּבָ֑ר וְ לֹ֣א יָקֽוּם׃ [10] כִּ֣י יִבָּרֵ֣א בְ קִרְבְּ֣ךָ אִ֣ישׁ אֶחָ֣יךָ כָּ מֹ֔נִי יָקִ֥ים לָ֖ךְ יְהוָ֣ה אֱ לֹהֶ֑יךָ אֵ֥לָיו תִּשְׁמָעֽוּן׃ [11] כְּ כֹ֣ל אֲשֶׁ֣ר שָׁאַ֔לְתָּ מֵ עִ֥ם יְהוָ֖ה אֱ לֹהֶ֑יךָ בְּ חֹרֵ֣ב בְּ יוֹם֮ הַ קָּהָל֒ לֵ אמֹ֗ר לֹ֣א אֹסִ֣יף לִ שְׁמֹ֣עַ אֶת־ קוֹל֩ יְהוָ֨ה אֱ לֹהָ֜י וְ אֶת־ הָאֵ֤שׁ הַ גְּדוֹלָה֙ הַ זֹּ֣את לֹ֣א אֶרְאֶ֔ה עוֹד֙ וְ לֹ֣א אָמֽוּת׃ [12] וַ יֹּ֥אמֶר יְהוָ֖ה אֵ לַ֑י הֵיטִ֣יבוּ אֲשֶׁ֥ר דִּבֵּֽרוּ׃ [13] נָבִ֣יא אָקִ֣ים לָ הֶ֗ם מִ קֶּ֙רֶב֙ אֲחִיהֶ֔ם כָּ מֹ֖נִי וְ נָתַתִּ֥י דְּבָרַ֛י בְּ פִ֖יו וְ דִבֶּ֣ר אֲלֵהֶ֑ם אֵ֚ת כְּ כֹ֣ל אֲשֶׁ֣ר אֲצַוֶּ֔נּוּ אֹתֽוֹ׃ [14] וְ הָיָ֗ה הָ אִישׁ֙ אֲשֶׁ֣ר לֹֽא־ יִשְׁמַ֣ע אֶל־ דְּבָרַ֔י אֲשֶׁ֥ר יְדַבֵּ֖ר בִּ שְׁמִ֑י אָנֹכִ֖י אֶדְרֹ֥שׁ מֵ עִמּֽוֹ׃ [15] אַךְ֩ הַ נָּבִ֨יא אֲשֶׁ֜ר יָזִ֣יד לְ דַבֵּ֣ר דָּבָ֗ר בִּ שְׁמִי֙ אֲשֶׁ֣ר לֹ֣א צִוִּיתִ֔יו לְ דַבֵּ֖ר וַ אֲשֶׁ֣ר יְדַבֵּ֑ר בְּ שֵׁ֥ם אֱ לֹהִ֖ים אֲחֵרִ֥ים וּ מֵ֥ת הַ נָּבִ֖יא הַ הֽוּא׃ [16] וְ כִ֥י תֹאמַ֖ר בְּ לִבֶּ֑ךָ אֵיכָ֣ה נֵדַ֔ע אֶת־ הַ דָּבָ֖ר אֲשֶׁ֣ר לֹֽא־ דִבְּרָ֥ה יְהוָֽה׃ [17] אֲשֶׁ֨ר יְדַבֵּ֤ר הַ נָּבִיא֙ בְּ שֵׁ֣ם יְהוָ֔ה וְ לֹ֥א יִהְיֶ֖ה הַ דָּבָ֑ר וְ לֹ֣א יָקֽוּם׃ [18] וְ הָיָ֗ה הַ דָּבָ֙ר֙ אֲשֶׁ֣ר לֹֽא־ יְדַבֵּ֣ר הַ נָּבִיא֮ בְּ שֵׁם֒ יְהוָה֙ לֵ אמֹ֔ר לֹ֥א יִהְיֶ֖ה הַ דָּבָ֑ר וְ לֹ֣א יָקֽוּם׃ [19] וְ כִ֥י תֹאמַ֖ר בְּ לִבֶּ֑ךָ אֵיכָ֣ה נֵדַ֔ע אֶת־ הַ דָּבָ֖ר אֲשֶׁ֣ר לֹֽא־ דִבְּרָ֥ה יְהוָֽה׃ [20] אֲשֶׁ֨ר יְדַבֵּ֤ר הַ נָּבִיא֙ בְּ שֵׁ֣ם יְהוָ֔ה וְ לֹ֥א יִהְיֶ֖ה הַ דָּבָ֑ר וְ לֹ֣א יָקֽוּם׃ [21] וְ כִ֥י תֹאמַ֖ר בְּ לִבֶּ֑ךָ אֵיכָ֣ה נֵדַ֔ע אֶת־ הַ דָּבָ֖ר אֲשֶׁ֣ר לֹֽא־ דִבְּרָ֥ה יְהוָֽה׃

ישראל תהלה לו בקהל רב נדרי אשלם נגד יראיו׃ [٢٦] יאכלו ענוים וישבעו יהללו יהוה דרשיו יחי לבבכם לעד׃ [٢٧] יזכרו וישבו אל יהוה כל אפסי ארץ וישתחוו לפניך כל משפחות גוים׃ [٢٨] כי ליהוה המלוכה ומושל בגוים׃ [٢٩] אכלו וישתחוו כל דשני ארץ לפניו יכרעו כל יורדי עפר ונפשו לא חיה׃ [٣٠] זרע יעבדנו יסופר לאדני לדור׃ [٣١] יבאו וויגידו צדקתו לעם נולד כי עשה׃

מזמור כג

[١] מזמור לדוד יהוה רעי לא אחסר׃ [٢] בנאות דשא ירביצני על מי מנחות ינהלני׃ [٣] נפשי ישובב ינחני במעגלי צדק למען שמו׃ [٤] גם כי אלך בגיא צלמות לא אירא רע כי אתה עמדי שבטך ומשענתך המה ינחמוני׃ [٥] תערך לפני שלחן נגד צוררי דשנת בשמן ראשי כוסי רויה׃ [٦] אך טוב וחסד ירדפוני כל ימי חיי ושבתי בבית יהוה לארך ימים׃

מזמור כד

[١] לדוד מזמור ליהוה הארץ ומלואה תבל וישבי בה׃ [٢] כי הוא על ימים יסדה ועל נהרות יכוננה׃ [٣] מי יעלה בהר יהוה ומי יקום במקום קדשו׃ [٤] נקי כפים ובר לבב אשר לא נשא לשוא נפשי ולא נשבע למרמה׃ [٥] ישא ברכה מאת יהוה וצדקה מאלהי ישעו׃ [٦] זה דור דרשו מבקשי פניך יעקב סלה׃ [٧] שאו שערים ראשיכם והנשאו פתחי עולם ויבא מלך הכבוד׃ [٨] מי זה מלך הכבוד יהוה עזוז וגבור יהוה גבור מלחמה׃ [٩] שאו שערים ראשיכם ושאו פתחי עולם ויבא מלך הכבוד׃ [١٠] מי הוא זה מלך הכבוד יהוה צבאות הוא מלך הכבוד סלה׃

ضمن سجن ح حضر، ولكنهم لم يتركوا مجد لله، ١١ بل تعجبوا فقط
فصاروا مسبحين.

الله يحب الخطاة

١٢ وبيد الرسل كانت تجرى آيات وعجائب كثيرة فى الشعب، وكان
جميعهم بنفس واحدة مجتمعين فى رواق سليمان. ١٣ وأما من الباقين
فلم يجسر أحد أن يلتصق بهم، بل كان الشعب يعظمهم. ١٤ وكان
بالأكثر مؤمنون ينضمون إلى الرب، كثرة من رجال ونساء، ١٥ حتى
إنهم كانوا يخرجون المرضى إلى الشوارع، ويضعونهم على فرش
وأسرة، لكى يقع ظل بطرس على بعضهم إذا جاء. ١٦ وكان يجتمع
أيضا جمهور المدن المحيطة إلى أورشليم، حاملين مرضى ومعذبين
من أرواح نجسة، وكانوا يبرأون جميعهم.

٣ ١ وكان بطرس ويوحنا يصعدان معا إلى الهيكل فى ساعة
الصلاة التاسعة، ٢ وكان رجل أعرج من بطن أمه يحمل، الذى
كانوا يضعون كل يوم عند باب الهيكل الذى يقال له الجميل،
ليسأل صدقة من الداخلين الهيكل. ٣ فهذا لما نظر بطرس ويوحنا
مقبلين أن يدخلا الهيكل سألهما أن يعطيا صدقة. ٤ فشخص إليه
بطرس مع يوحنا وقال: انظر إلينا. ٥ فلحظهما يترجى أن يأخذ منهما
شيئا. ٦ فقال بطرس: ليس لى فضة ولا ذهب، ولكن الذى لى فإياه

---

٧ ٣:٣ أعمال ١٢:٢٤؛ رومية ٣٣:٣١

בתוכו, שהוא יכול להתבונן בה כל הימים שלו, כדי שילמד ליראה את יהוה אלוהיו ולשמור את כל דברי התורה הזאת ואת החוקים האלה לעשותם.

מלכות בלי גאווה

٧ לא יתגאה לבו על אחיו, ולא יסור מן המצווה ימין או שמאל, למען יאריך ימים על ממלכתו הוא ובניו בקרב ישראל. ٨ גם הכוהנים הלווים, כל שבט לוי, לא יקבלו חלק ונחלה עם ישראל; הם יאכלו מן האשים של יהוה ומנחלתו. ٩ אך לא יהיה להם נחלה בקרב אחיהם; יהוה הוא נחלתם, כפי שהבטיח להם. ١٠ וזאת תהיה זכות הכוהנים מן העם, מן הזובחים זבח, בין שור ובין שה: יתנו לכוהן את הזרוע, את הלחיים ואת הקיבה. ١١ גם את הבכורי דגנך, יינך ושמנך ואת הראשית מגזז צאנך תתן לו. ١٢ כי בו בחר יהוה אלוהיך מכל שבטיך, הוא ובניו כל הימים, לעמוד ולשרת בשם יהוה.

١٣ ואם יבוא הלוי מאחת מערי ישראל, שבהן הוא גר, ויחפוץ בכל נפשו לבוא אל המקום אשר יבחר יהוה, ١٤a ישרת שם בשם יהוה אלוהיו כשאר אחיו הלווים העומדים שם לפני יהוה. ١٥ חלק שווה יקבל לאכול, מלבד מה שיקבל ממכירת נכסי אבותיו. ١٦ כי הלוי הזה בא מן הגולה, ממקום רחוק, ועזב הכול כדי לשרת את יהוה. ١٧ אך אל יבוא בידים ריקות, כי אם יביא מנחה ליהוה. ١٨ ואז יקבל חלק שווה לשאר הלווים, ויאכל מן הקרבנות שיובאו ליהוה.

ז ספרים ג ٧:٣ ٢٩:٣٤ במדבר a ١٣:٣ ٣٣:٣٤ במדבר

סיו, ופנו לא ידע לבד סיו, ופנו לשנו לא, סיו ופנו לשנו לא, סיו ופנו לשנו לא, סיו

١١ שָׂכָר יִשְׂא בְּרָכָה מֵאֵת יְהוָה וּצְדָקָה מֵאֱלֹהֵי יִשְׁעוֹ׃ ١٢ זֶה דּוֹר דֹּרְשָׁיו מְבַקְשֵׁי פָנֶיךָ יַעֲקֹב סֶלָה׃ ١٣ שְׂאוּ שְׁעָרִים רָאשֵׁיכֶם וְהִנָּשְׂאוּ פִּתְחֵי עוֹלָם וְיָבוֹא מֶלֶךְ הַכָּבוֹד׃ ١٤ מִי זֶה מֶלֶךְ הַכָּבוֹד יְהוָה עִזּוּז וְגִבּוֹר יְהוָה גִּבּוֹר מִלְחָמָה׃ ١٥ שְׂאוּ שְׁעָרִים רָאשֵׁיכֶם וְהִנָּשְׂאוּ פִּתְחֵי עוֹלָם וְיָבוֹא מֶלֶךְ הַכָּבוֹד׃ ١٦ מִי זֶה מֶלֶךְ הַכָּבוֹד יְהוָה צְבָאוֹת הוּא מֶלֶךְ הַכָּבוֹד סֶלָה׃ ١٧ לְדָוִד מִזְמוֹר לַיהוָה הָאָרֶץ וּמְלוֹאָהּ תֵּבֵל וְיֹשְׁבֵי בָהּ׃ ١٨ כִּי הוּא עַל יַמִּים יְסָדָהּ וְעַל נְהָרוֹת יְכוֹנְנֶהָ׃ ١٩ מִי יַעֲלֶה בְהַר יְהוָה וּמִי יָקוּם בִּמְקוֹם קָדְשׁוֹ׃ ٢٠ נְקִי כַפַּיִם וּבַר לֵבָב אֲשֶׁר לֹא נָשָׂא לַשָּׁוְא נַפְשִׁי וְלֹא נִשְׁבַּע לְמִרְמָה׃ ٢١ יִשָּׂא בְרָכָה מֵאֵת יְהוָה וּצְדָקָה מֵאֱלֹהֵי יִשְׁעוֹ׃ ٢٢ זֶה דּוֹר דֹּרְשָׁיו מְבַקְשֵׁי פָנֶיךָ יַעֲקֹב סֶלָה׃ ٢٣ שְׂאוּ שְׁעָרִים רָאשֵׁיכֶם וְהִנָּשְׂאוּ פִּתְחֵי עוֹלָם וְיָבוֹא מֶלֶךְ הַכָּבוֹד׃ ٢٤ מִי זֶה מֶלֶךְ הַכָּבוֹד יְהוָה עִזּוּז וְגִבּוֹר יְהוָה גִּבּוֹר מִלְחָמָה׃ ٢٥ שְׂאוּ שְׁעָרִים רָאשֵׁיכֶם וְהִנָּשְׂאוּ פִּתְחֵי עוֹלָם וְיָבוֹא מֶלֶךְ הַכָּבוֹד׃ ٢٦ מִי הוּא זֶה מֶלֶךְ הַכָּבוֹד יְהוָה צְבָאוֹת הוּא מֶלֶךְ הַכָּבוֹד סֶלָה׃

תהלים כה

O לְדָוִד אֵלֶיךָ יְהוָה נַפְשִׁי אֶשָּׂא׃ ١ אֱלֹהַי בְּךָ בָטַחְתִּי אַל אֵבוֹשָׁה אַל יַעַלְצוּ אֹיְבַי לִי׃ ٢ גַּם כָּל קֹוֶיךָ לֹא יֵבֹשׁוּ יֵבֹשׁוּ הַבּוֹגְדִים רֵיקָם׃ ٣ דְּרָכֶיךָ יְהוָה הוֹדִיעֵנִי אָרְחוֹתֶיךָ לַמְּדֵנִי׃ ٤ הַדְרִיכֵנִי בַאֲמִתֶּךָ וְלַמְּדֵנִי כִּי אַתָּה אֱלֹהֵי יִשְׁעִי אוֹתְךָ קִוִּיתִי כָּל הַיּוֹם׃

---

c ٤:١٣ תהלים ١١٦:١٠

בְּנֵיהֶם מִבְּלִיעָל, כִּשְׁמֹעָם אֶת קוֹל הַנֵּבֶל הַזֶּה ٥ נִכְמְרוּ רַחֲמֵיהֶם וַיֵּצְאוּ יַחְדָּו
לְנֹאַי וַיֹּאמְרוּ אֵלָיו, הַבֵּן הַזֶּה מִי הוּא אֲשֶׁר קוֹל נִבְלָתוֹ כְּקוֹל אֲרָיוֹת? ٦ וַיֹּאמֶר
לָהֶם נֹאַי, הַבֵּן הַזֶּה הוּא אֲשֶׁר הִכְעִיס אֶת אֱלֹהִים בְּמַעֲשָׂיו הָרָעִים, וַיִּתְעַב
אֶת אֱלֹהֵי הָאָרֶץ וַיַּעֲבֹד אֶת הָעֲצֵבִים, וַיִּשְׁלַח יָדוֹ בְּאֶחָיו וַיַּכֵּם מַכָּה רַבָּה
וַיַּהֲרְגֵם. ٧ וַיֹּאמְרוּ אֵלָיו אַנְשֵׁי הָעִיר לֹא כֵן אֲדֹנֵינוּ. ٨ וַיֹּאמֶר אֲלֵיהֶם נֹאַי אִם
לֹא כֵן הוּא, הֲלֹא הַבֵּן הַזֶּה הוּא אֲשֶׁר הִכְעִיס אֶת אֱלֹהִים בְּמַעֲשָׂיו הָרָעִים
וַיִּתְעַב אֶת אֱלֹהֵי הָאָרֶץ וַיַּעֲבֹד אֶת הָעֲצֵבִים, וַיִּשְׁלַח יָדוֹ בְּאֶחָיו וַיַּכֵּם מַכָּה
רַבָּה וַיַּהֲרְגֵם. ٩ וְעַתָּה הֲיֵשׁ בָּכֶם אִישׁ אֲשֶׁר יוּכַל לְהַכְעִיס אֶת אֱלֹהִים כְּמַעֲשָׂיו
הָרָעִים אֲשֶׁר עָשָׂה הַבֵּן הַזֶּה? ١٠ וַיֹּאמְרוּ כָּל אַנְשֵׁי הָעִיר אֵלָיו לֹא כֵן אֲדֹנֵינוּ.
וַיֹּאמֶר נֹאַי אִם לֹא כֵן הוּא, הֲלֹא הַבֵּן הַזֶּה הִכְעִיס אֶת אֱלֹהִים בְּמַעֲשָׂיו הָרָעִים
בְּיוֹתֵר מִכָּל הָאֲנָשִׁים אֲשֶׁר הָיוּ לְפָנָיו, וַיַּכֵּם מַכָּה רַבָּה וַיַּהֲרְגֵם, וְעַתָּה הֲיֵשׁ
בָּכֶם אִישׁ אֲשֶׁר יוּכַל לְהַכְעִיס אֶת אֱלֹהִים כְּמַעֲשָׂיו הָרָעִים אֲשֶׁר עָשָׂה הַבֵּן הַזֶּה?

שמאל בראשית

١١ וַיַּעַן כָּל הָעָם אֲשֶׁר אִתּוֹ וַיֹּאמְרוּ כֵּן אֲדֹנֵינוּ כַּאֲשֶׁר דִּבַּרְתָּ, כִּי אֵין אִישׁ
בְּכָל הָאֲנָשִׁים אֲשֶׁר הָיוּ לְפָנֵינוּ אֲשֶׁר הִכְעִיס אֶת אֱלֹהִים כְּמַעֲשָׂיו הָרָעִים
כַּבֵּן הַזֶּה. וַיֹּאמֶר נֹאַי אֶל הָעָם אֲשֶׁר אִתּוֹ, הִנֵּה נָא הַיּוֹם הָאַחֲרוֹן לִפְנֵי בּוֹא
הַלַּיְלָה. ١٢ וְעַתָּה אִם אֵיכָה תַּעֲשׂוּן לִי כִּי אִם אֶת אֲשֶׁר אֲנִי אֹמֵר אֲלֵיכֶם,
וְנִמְלַטְתִּי אֲנִי וּבֵיתִי מִן הַמַּכָּה אֲשֶׁר אֱלֹהִים עֹשֶׂה בָּעִיר הַזֹּאת, וְאִם לֹא
תַּעֲשׂוּ כֵּן אֲשֶׁר אֲנִי אֹמֵר אֲלֵיכֶם, וְנִכְלֵיתִי אֲנִי וּבֵיתִי בְּתוֹךְ הָעִיר הַזֹּאת.
١٣ וַיֹּאמְרוּ אֵלָיו אַנְשֵׁי הָעִיר, הִנֵּה נָא בֵּיתְךָ אֵצֶל הָעִיר, וְאִם בָּא יָבוֹא אֵלֶיךָ
הַבֵּן הַזֶּה וְנָתַתָּ אֶת בֵּיתְךָ בְּיָדוֹ וְנִכְלֵיתִי אֲנַחְנוּ וּבֵיתֵנוּ בְּתוֹךְ הָעִיר הַזֹּאת.
١٤ וַיֹּאמֶר נֹאַי אֶל אַנְשֵׁי הָעִיר, הִנֵּה נָא בֵּיתִי אֵצֶל הָעִיר, וְאִם בָּא יָבוֹא אֵלַי
הַבֵּן הַזֶּה, אֵין אֲנִי נוֹתֵן אֶת בֵּיתִי בְּיָדוֹ, כִּי אִם אֶת אֲשֶׁר אֲנִי אֹמֵר אֲלֵיכֶם,
כִּי אִם אֶת אֲשֶׁר אֲנִי אֹמֵר אֲלֵיכֶם כֵּן תַּעֲשׂוּ: כִּי אִם בָּא הַבֵּן הַזֶּה אֵלַי הִכִּיתִי
בּוֹ מַכָּה רַבָּה וְהָרַגְתִּיו, וְלֹא אֶתֵּן אֶת בֵּיתִי בְּיָדוֹ, וְנִמְלַטְתִּי אֲנִי וּבֵיתִי
מִן הַמַּכָּה אֲשֶׁר אֱלֹהִים עֹשֶׂה בָּעִיר הַזֹּאת. ١٥ וַיְהִי כַּאֲשֶׁר כִּלָּה נֹאַי לְדַבֵּר
אֶל אַנְשֵׁי הָעִיר הַזֹּאת אֶת הַדְּבָרִים הָאֵלֶּה, וְהִנֵּה הַבֵּן הַזֶּה בָּא אֵלָיו לְבֵיתוֹ
וַיִּשְׁלַח אֶת יָדוֹ בְּנֹאַי וַיַּכֵּהוּ מַכָּה רַבָּה וַיַּהֲרְגֵהוּ, וַיִּתֵּן אֶת בֵּיתוֹ בְּיַד הַבֵּן
הַזֶּה. ١٦ וְכֵן עָשָׂה נֹאַי לְכָל אַנְשֵׁי הָעִיר הַזֹּאת בְּכָל הַיָּמִים אֲשֶׁר הָיָה בָּעִיר
הַזֹּאת. ١٧ וַיְהִי כְּכַלּוֹתוֹ אֶת נֹאַי וַיָּקָם הַבֵּן הַזֶּה מֵעַל בֵּיתוֹ וַיֵּלֶךְ לְבֵיתוֹ

בחבש לחלו, לפשיבחבה לשבחבו לשבחבו חבש. חלש וחבש וחבש חבחשו חלשו בחבש חבש חלש חבש חבש חב

לקבל ממנו, [8] ושיהיה מקבל עליו, ושהוא מכיר בו
שהוא חייב לו, [9] אם אין לו אלא מה שעליו, הרי זה
לא יוציא כלום, אם יש לו יותר על מה שעליו, הרי זה
יוציא את הנותר. [10] כיצד, ראובן שהלוה לשמעון
מאתים זוז, [11] ומכר שמעון שדה לראובן בשווי מאתים
זוז. [12] ולא נפרעו זה מזה כלום, הרי זה יוציא את
הנותר לראובן משום שמעון, ושמעון יוציא את הנותר
לראובן משום לוי. [13] אין שבועה זו - הפרעון מן
הדין.

הלכה ב

[14] כל שאין לו אלא מזון יום אחד בלבד, אפילו
מי שהוא מקבל צדקה מן הקופה? או מי שהוא
מקבל מזון יום אחד בלבד? [15] אם אין לו אלא
כלי אחד מכלי תשמישו, אם יש לו אחר? אם אין
לו אלא מטה אחת לישן עליה, אם יש לו שתים?
אם אין לו אלא כר אחד, אם יש לו שנים? [16] אם
אין לו אלא כסות אחת לכל השנה, אם יש לו
שתים? אם אין לו אלא מעט כסף, אם יש לו
הרבה? אם אין לו אלא מעט מזון, אם יש לו
הרבה? אם אין לו אלא מעט מזון, אם יש לו
הרבה? אם אין לו אלא מעט מזון

۱۸ او چې هغه ورځه راشي، نو هغه خلک چې له هغه سره
[g] ټینګ ولاړ دي ستاسو خدای به ستاسو ټولو دښمنانو ته
ماتې ورکړي.

۷ ۱ بیا هغه ما ته وښودل، چې څه شی د هغه د خلکو
لپاره ښه دي او څه شی د هغه د خلکو لپاره بد دي.

د ټولو ملتونو قضاوت

۲ هغه ما ته وویل، چې ټول ملتونه راټول کړم، او هغه
به یې د یهوشافاط د ولي په ځمکه کې راوړم. زه به هلته
له هغوی سره د هغه خلکو په اړه چې زما خلک یې
وویشلي او زما ځمکه یې ویشلې ده، قضاوت وکړم. ۳ هغوی
زما خلک په ډلو ډلو ویشلي دي، او د هرې ښځې په بدل
کې یې یو هلک ورکړی دی، او د هر ځوان په بدل کې یې
یوه نجلۍ ورکړې ده، او د شراب د څښلو په بدل کې یې
شراب څښلي دي.

۴ «صور او صیدون او د فلسطین ټول ولایتونه، ایا
تاسو زما څه غچ اخلئ؟ که تاسو زما څخه غچ اخلئ، نو
زه به ژر او په چټکۍ سره تاسو ته د خپل غچ ورکولو
سزا درکړم. ۵ ځکه چې تاسو زما سپینه زر او سره زر
واخیستل، او زما ښه ښه شیان مو خپلو معبدونو ته
یوړل. ۶ تاسو د یهودا او د یروشلم خلک د یونانیانو
ته وپلورل، ترڅو چې دوی له خپلې سیمې لرې کړئ.
۷ ګورئ، زه به تاسو ټول هغه ځایونه چې تاسو یې
دوی پلورلي دي، بیرته راولم، او زه به ستاسو ټول
کړنې بیرته ستاسو په سر راوګرځوم. ۸ زه به ستاسو
زامن او لوڼې د یهودا د خلکو په لاس کې وپلورم، او
هغوی به دوی د لرې پرتو سبایانو ملت ته، یعنې د
سبا خلکو ته وپلوري. ځکه چې زه یهوه خدای
خبرې کوم.»

۹ «د ملتونو په منځ کې اعلان وکړئ: د جګړې
چمتووالی ونیسئ، خپل زړور سړي راپاڅوئ، ټول
جنګیالي نږدې راشي او حمله وکړي. ۱۰ خپل
ځوکونه په توره ووهئ او خپل نیزې په اړې بدلې کړئ.
ډوبه سړی هم ووایي چې زه ځواکمن یم.

۱۱ «ټول ملتونه، له هر اړخه راټول شئ او هلته
ګډ شئ.»

[g] ۶:۱۸ د عبرانۍ متن ۷:۸، ۱۴

ולא שמרו ברית אלהים ובתורתו מאנו ללכת׃ ١١ וישכחו עלילותיו
ונפלאותיו אשר הראם׃ ١٢ נגד אבותם עשה פלא בארץ מצרים שדה
צען׃ ١٣ בקע ים ויעבירם והצב מים כמו נד׃ ١٤ וינחם בענן יומם וכל
הלילה באור אש׃ ١٥ יבקע צרים במדבר וישק כתהמות רבה׃ ١٦ ויוצא
נוזלים מסלע ויורד כנהרות מים׃ ١٧ ויוסיפו עוד לחטא לו למרות עלי
ציה׃ ١٨ וינסו אל בלבבם לשאל אכל לנפשם׃ ١٩ וידברו באלהים אמרו
התוכל אל לערך שלחן במדבר׃ ٢٠ הן הכה צור ויזובו מים ונחלים
ישטפו הגם לחם יוכל תת אם יכין שאר לעמו׃ ٢١ לכן שמע יהוה ויתעבר
ואש נשקה ביעקב וגם אף עלה בישראל׃ ٢٢ כי לא האמינו באלהים ולא
בטחו בישועתו׃ ٢٣ ויצו שחקים ממעל ודלתי שמים פתח׃ ٢٤ וימטר
עליהם מן לאכל ודגן שמים נתן למו׃ ٢٥ לחם אבירים אכל איש צדה
שלח להם לשבע׃ ٢٦ יסע קדים בשמים וינהג בעזו תימן׃ ٢٧ וימטר
עליהם כעפר שאר וכחול ים עוף כנף׃ ٢٨ ויפל בקרב מחניהם סביב
למשכנתיו׃ ٢٩ ויאכלו וישבעו מאד ותאותם יביא להם׃ ٣٠ לא זרו
מתאותם עוד אכלם בפיהם׃ ٣١ ואף אלהים עלה בהם ויהרג במשמניהם
ובחורי ישראל הכרע׃ ٣٢ בכל זאת חטאו עוד ולא האמינו בנפלאותיו׃
٣٣ ויכל בהבל ימיהם ושנותם בבהלה׃ ٣٤ אם הרגם ודרשוהו ושבו
ושחרו אל׃ ٣٥ ויזכרו כי אלהים צורם ואל עליון גאלם׃ ٣٦ ויפתוהו
בפיהם וילשנו לו בלשונם׃ ٣٧ ולבם לא נכון עמו ולא נאמנו בבריתו׃
٣٨ והוא רחום יכפר עון ולא ישחית והרבה להשיב אפו ולא יעיר כל
חמתו׃ ٣٩ ויזכר כי בשר המה רוח הולך ולא ישוב׃ ٤٠ כמה ימרוהו
במדבר יעציבוהו בישימון׃ ٤١ וישובו וינסו אל ואת קדוש ישראל
התוו׃ ٤٢ לא זכרו את ידו יום אשר פדם מיד צר׃ ٤٣ אשר שם במצרים
אתותיו ומופתיו בשדה צען׃ ٤٤ ויהפך לדם יאריהם ונזליהם בל ישתיון׃
٤٥ ישלח בהם ערב ויאכלם וצפרדע ותשחיתם׃ ٤٦ ויתן לחסיל יבולם
ויגיעם לארבה׃ ٤٧ יהרג בברד גפנם ושקמתם בחנמל׃ ٤٨ ויסגר לברד
בהמתם ומקניהם לרשפים׃ ٤٩ ישלח בם חרון אפו עברה וזעם וצרה
משלחת מלאכי רעים׃ ٥٠ ינחה נתיב לאפו לא חשך ממות נפשם ואת
חייהם לדבר הסגיר׃ ٥١ ויך כל בכור במצרים ראשית אונים באהלי חם׃
٥٢ ויסע כצאן עמו וינהגם כעדר במדבר׃ ٥٣ וינחם לבטח ולא פחדו
ואת אויביהם כסה הים׃ ٥٤ ויביאם אל גבול קדשו הר זה קנתה ימינו׃
٥٥ ויגרש מפניהם גוים ויפילם בחבל נחלה וישכן באהליהם שבטי
ישראל׃ ٥٦ ויבחנו וימרו את אלהים עליון ועדותיו לא שמרו׃ ٥٧ וישובו
ויבגדו כאבותם נהפכו כקשת רמיה׃ ٥٨ ויכעיסוהו בבמותם ובפסיליהם
יקניאוהו׃ ٥٩ שמע אלהים ויתעבר ויתעב מאד בישראל׃ ٦٠ וינש משכן
שלו אהל שכן באדם׃ ٦١ ויתן לשבי עזו ותפארתו ביד צר׃ ٦٢ ויסגר
לחרב עמו ובנחלתו התעבר׃ ٦٣ בחוריו אכלה אש ובתולתיו לא הוללו׃
٦٤ כהניו בחרב נפלו ואלמנותיו לא תבכינה׃ ٦٥ ויקץ כישן אדני כגבור
משיר מיין׃ ٦٦ ויך צריו אחור חרפת עולם נתן למו׃ ٦٧ וימאס באהל
יוסף ובשבט אפרים לא בחר׃ ٦٨ ויבחר את שבט יהודה את הר ציון
אשר אהב׃ ٦٩ ויבן כרמים מקדשו כארץ יסדה לעולם׃ ٧٠ ויבחר בדוד
עבדו ויקחהו ממכלאת צאן׃ ٧١ מאחר עלות הניקת לקחתו לרעות
ביעקב עמו ובישראל נחלתו׃ ٧٢ וירעם כתם לבבו ובתבונות כפיו ינחם׃

תהלים פב

א מזמור לאסף אלהים נצב בעדת אל בקרב אלהים ישפט׃ ב עד מתי
תשפטו עול ופני רשעים תשאו סלה׃ ג שפטו דל ויתום עני ורש
הצדיקו׃ ד פלטו דל ואביון ממיד רשעים הצילו׃ ה לא ידעו ולא יבינו

ולמה תלכו אתו, ה הלא בית אחד לכם ולמה תבחרו
לשכב עם אשה שכבה עמו היום ומחר. ו ויהי כראות
יהודה כי הרע הדבר בעיניו ויאמר לא נשב פה אנחנו
ואחינו עשרת אלפים איש ואחינו ישראל ונלכדה את
העיר אשר בנה בידינו. ז והנה יהודה ואחיו ראו כי
רבתה הרעה ויעמדו אנשי החיל אשר עמו לכלות את
בני בעשא ואת בני ירבעם ואת בני אחאב ואת בני
יהורם ואת בני אחזיה ואת בני עתליה ואת בני אחיה
ואת בני יואש ואת בני אמציה ואת בני עזיה ואת בני
יותם ואת בני אחז ואת בני חזקיה ואת בני מנשה
ואת בני אמון ואת בני יאשיה ואת בני יהואחז ואת
בני יהויקים ואת בני יכניה ואת בני צדקיה ואת בני
שלום ואת בני אליקים ואת בני ישוע ואת בני יוסף
ואת בני יהודה ואת בני שמעון ואת בני לוי ואת בני
נפתלי ואת בני גד ואת בני אשר ואת בני יששכר ואת
בני זבולון ואת בני בנימין ואת בני יוסף ואת בני
שמעון ואת בני לוי ואת בני נפתלי ואת בני גד ואת
בני אשר ואת בני יששכר ואת בני זבולון ואת בני
בנימין ואת בני יוסף ואת בני שמעון ואת בני לוי
ואת בני נפתלי ואת בני גד ואת בני אשר ואת בני
יששכר ואת בני זבולון ואת בני בנימין ואת בני יוסף
ואת בני שמעון ואת בני לוי ואת בני נפתלי ואת בני
גד ואת בני אשר ואת בני יששכר ואת בני זבולון ואת
בני

שמחה מהנחמה האמיתית

١٦ אבל הדברים שיש לי עליהם לספר הם שראיתי ושמעתי
ושעליהם אני מעיד לפניכם. ١٧ ואלה הדברים שיש לי לספר
לכם, אחיי שמחה היא לאלוהים שאתם עומדים איתנים
באמונתכם למרות הרדיפות. ١٨ ושמחתי גדולה כאשר
ראיתי את אהבתכם לאלוהים ואת נכונותכם לעזור לאחיכם
ולאחיותיכם. ١٩ ואני מתפלל שאלוהים יעזור לכם להמשיך
לעשות את הדברים הנכונים ולא יתן לכם לחזור לחטא.
אני מתפלל שאלוהים יעזור לכם לשמור על אמונתכם
בישוע המשיח ולא לוותר עליה, אפילו כאשר אנשים
יתנכלו לכם ויגרמו לכם לסבול. ٢٠ כי אם תשמרו על
אמונתכם בישוע המשיח אלוהים יעניק לכם את הברכות
שהוא הבטיח לנו. ٢١ אבל אם תחטאו אלוהים לא יהיה
מרוצה מכם. אני מתפלל שאלוהים יעזור לכם לשמור על
אמונתכם בישוע המשיח ולא לחטוא.

٢٢ אני מתפלל שאלוהים ישמור עליכם, כי הוא אמר
שהוא יעניש את כל מי שלא מאמין בישוע המשיח. אני
מתפלל שאלוהים יעזור לכם לעשות את הדברים הנכונים
ולא לחטוא. ٢٣ אני מתפלל שאלוהים יעזור לכם
להתנהג בצורה שתהיה מקובלת עליו. ٢٤ אני
מתפלל שאלוהים, שהוא אבינו ושהוא אהב אותנו ונתן לנו
נחמה נצחית ותקווה טובה, יעזור לכם

שמחה מהנחמה

٩ ١ לסיום אחיי אני מתפלל שאלוהים יעזור לכם
להתנהג בצורה הנכונה, ٢ שתאהבו זה את זה
ושתעזרו זה לזה כאחים. אני מתפלל שתהיו
מוכנים לעזור לכל אדם, ותהיו מוכנים לסבול
בשמחה כאשר אנשים יתנכלו לכם ויגרמו לכם
לסבול, ٣ ושתאמינו בישוע המשיח ולא

ואבד, בגלל שהמשפטי וצדקתי עשית, ישבת על כסא שופט צדק. ד גערת גוים, אבד רשע, שמם ימחית לעולם ועד. ה האויב תמו חרבות לנצח, וערים נתשת אבד זכרם המה. ו וה' לעולם ישב, כונן למשפט כסאו. ז והוא יישפט תבל בצדק, ידין לאמים במישרים. ח ויהי ה' משגב לדך, משגב לעתות בצרה. ט ויבטחו בך יודעי שמך, כי לא עזבת דרשיך ה'. י זמרו לה' יושב ציון, הגידו בעמים עלילותיו. יא כי דורש דמים אותם זכר, לא שכח צעקת ענוים. יב חנני ה' ראה עניי משנאי, מרוממי משערי מות. יג למען אספרה כל תהלתיך, בשערי בת ציון אגילה בישועתך. יד טבעו גוים בשחת עשו, ברשת זו טמנו נלכדה רגלם. טו נודע ה' משפט עשה, בפעל כפיו נוקש רשע. הגיון סלה. טז ישובו רשעים לשאולה, כל גוים שכחי אלהים. יז כי לא לנצח ישכח אביון, תקות ענוים תאבד עד. יח קומה ה' אל יעוז אנוש, ישפטו גוים על פניך. יט שיתה ה' מורה להם, ידעו גוים אנוש המה. סלה. כ למה ה' תעמוד ברחוק, תעלים לעתות בצרה. א בגאות רשע ידלק עני, יתפשו במזמות זו חשבו. ב כי הלל רשע על תאות נפשו, ובוצע ברך נאץ ה'. ג רשע כגבה אפו בל יבקש, אין אלהים כל מזמותיו. ד יחילו דרכו בכל עת, מרום משפטיך מנגדו כל צורריו יפיח בהם. ה אמר בלבו בל אמוט, לדר ודר אשר לא ברע. ו אלה מלאה פיהו ומרמות ותחתיו עמל ואון. ז ישב בכמסי חצרים במסתרים יהרג נקי, עיניו לחלכה יצפונו. ח יארוב במסתר כאריה בסכו, יארוב לחטף עני חטפו עני במשכו ברשתו. ט ודכא יכרע ושח ונפל בעזותיו חלכאים. י אמר בלבו שכח אל, הסתיר פניו בל ראה לנצח. יא קומה ה' אל נשא ידך, אל תשכח ענוים. יב על מה נאץ רשע אלהים, אמר בלבו לא תדרש. יג ראית כי עמל וכעס תביט, לתת בידך עליהם, עזוב חלכה יתום אתה היית עוזר. יד שבר זרוע רשע ורע, תדרש רשעו בל תמצא. טו ה' מלך עולם ועד, אבדו גוים מארצו. טז תאות ענוים שמעת ה', תכין לבם תקשיב אזנך. יז לשפט יתום ודך, לבלתי יוסיף עוד אנוש מן הארץ.

למנצח על מות לבן מזמור לדוד

א אודה ה' בכל לבי, אספרה כל נפלאותיך. ב אשמחה ואעלצה בך, אזמרה שמך עליון. ג בשוב אויבי אחור, יכשלו ויאבדו מפניך. ד כי עשית משפטי ודיני, ישבת לכסא שופט צדק. ה גערת גוים, אבד רשע, שמם ימחית לעולם ועד. ו האויב תמו חרבות לנצח, וערים נתשת אבד זכרם המה. ז וה' לעולם ישב, כונן למשפט כסאו. ח והוא יישפט תבל בצדק, ידין לאמים במישרים. ט ויהי ה' משגב לדך, משגב לעתות בצרה. י ויבטחו בך יודעי שמך, כי לא עזבת דרשיך ה'. יא זמרו לה' יושב ציון, הגידו בעמים עלילותיו. יב כי דורש דמים אותם זכר, לא שכח צעקת ענוים. יג חנני ה' ראה עניי משנאי, מרוממי משערי מות. יד למען אספרה כל תהלתיך, בשערי בת ציון אגילה בישועתך. טו טבעו גוים בשחת עשו, ברשת זו טמנו נלכדה רגלם. טז נודע ה' משפט עשה, בפעל כפיו נוקש רשע. הגיון סלה. יז ישובו רשעים לשאולה, כל גוים שכחי אלהים. יח כי לא לנצח ישכח אביון, תקות ענוים תאבד עד. יט קומה ה' אל יעוז אנוש, ישפטו גוים על פניך. כ שיתה ה' מורה להם, ידעו גוים אנוש המה. סלה. א למה ה' תעמוד ברחוק, תעלים לעתות בצרה. ב בגאות רשע ידלק עני, יתפשו במזמות זו חשבו. ג כי הלל רשע על תאות נפשו, ובוצע ברך נאץ ה'. ד רשע כגבה אפו בל יבקש, אין אלהים כל מזמותיו. ה יחילו דרכו בכל עת, מרום משפטיך מנגדו כל צורריו יפיח בהם. ו אמר בלבו בל אמוט, לדר ודר אשר לא ברע. ז אלה מלאה פיהו ומרמות ותחתיו עמל ואון. ח ישב בכמסי חצרים במסתרים יהרג נקי, עיניו לחלכה יצפונו. ט יארוב במסתר כאריה בסכו, יארוב לחטף עני חטפו עני במשכו ברשתו. י ודכא יכרע ושח ונפל בעזותיו חלכאים. יא אמר בלבו שכח אל, הסתיר פניו בל ראה לנצח. יב קומה ה' אל נשא ידך, אל תשכח ענוים. יג על מה נאץ רשע אלהים, אמר בלבו לא תדרש. יד ראית כי עמל וכעס תביט, לתת בידך עליהם, עזוב חלכה יתום אתה היית עוזר. טו שבר זרוע רשע ורע, תדרש רשעו בל תמצא. טז ה' מלך עולם ועד, אבדו גוים מארצו. יז תאות ענוים שמעת ה', תכין לבם תקשיב אזנך. יח לשפט יתום ודך, לבלתי יוסיף עוד אנוש מן הארץ.

---

[i] ט:ט תהלים ט:יא

עשׂוֹקִי רְאֵה עָנְיִי מִשֹּׂנְאָי מְרוֹמְמִי מִשַּׁעֲרֵי מָוֶת׃ 14 לְמַעַן אֲסַפְּרָה כָּל־תְּהִלָּתֶיךָ
בְּשַׁעֲרֵי בַּת־צִיּוֹן אָגִילָה בִּישׁוּעָתֶךָ׃ 15 טָבְעוּ גוֹיִם בְּשַׁחַת עָשׂוּ בָּרֶשֶׁת־זוּ נִלְכְּדָה
רַגְלָם׃ 16 נוֹדַע יְהוָה מִשְׁפָּט עָשָׂה בְּפֹעַל כַּפָּיו נוֹקֵשׁ רָשָׁע׃ 17 יָשׁוּבוּ רְשָׁעִים לִשְׁאוֹלָה כָּל־
גּוֹיִם שְׁכֵחֵי אֱלֹהִים׃ 18 כִּי לֹא לָנֶצַח יִשָּׁכַח אֶבְיוֹן תִּקְוַת עֲנִיִּים תֹּאבֵד לָעַד׃ 19 קוּמָה
יְהוָה אַל־יָעֹז אֱנוֹשׁ יִשָּׁפְטוּ גוֹיִם עַל־פָּנֶיךָ׃ 20 שִׁיתָה יְהוָה מוֹרָה לָהֶם יֵדְעוּ גוֹיִם אֱנוֹשׁ
הֵמָּה סֶלָה׃

למה יהוה תעמד ברחוק

י 1 לָמָּה יְהוָה תַּעֲמֹד בְּרָחֹק תַּעְלִים לְעִתּוֹת בַּצָּרָה׃ 2 בְּגַאֲוַת רָשָׁע יִדְלַק עָנִי יִתָּפְשׂוּ
בְּמֹזְמֹתוֹת זוּ חָשָׁבוּ׃ 3 כִּי הִלֵּל רָשָׁע עַל־תַּאֲוַת נַפְשׁוֹ וּבֹצֵעַ בֵּרַךְ נִאֵץ יְהוָה׃ 4 רָשָׁע
כְּגֹבַהּ אַפּוֹ בַּל־יִדְרֹשׁ אֵין אֱלֹהִים כָּל־מְזִמֹּתָיו׃ 5 יָחִילוּ דְרָכָיו בְּכָל־עֵת מָרוֹם מִשְׁפָּטֶיךָ
מִנֶּגְדּוֹ כָּל־צוֹרְרָיו יָפִיחַ בָּהֶם׃ 6 אָמַר בְּלִבּוֹ בַּל־אֶמּוֹט לְדֹר וָדֹר אֲשֶׁר לֹא־בָרָע׃
7 אָלָה פִּיהוּ מָלְאוּ וּמִרְמוֹת וְתוֹךְ לְשׁוֹנוֹ עָמָל וָאָוֶן׃ 8 יֵשֶׁב בְּמַאְרַב חֲצֵרִים בַּמִּסְתָּרִים
יַהֲרֹג נְקִי עֵינָיו לְחֵלְכָה צָפֻנוּ׃ 9 יֶאֱרֹב בַּמִּסְתָּר כְּאַרְיֵה בְסֻכּוֹ אָרַב לַחֲטֹף עָנִי לַחֲטֹף
עָנִי בְּמָשְׁכוֹ בְּרִשְׁתּוֹ׃ 10 יָדַךְ יָשֹׁחַ וְיָפֹל וְנָפַל בַּעֲצוּמָיו חֵלְכָה׃ 11 אָמַר בְּלִבּוֹ שָׁכַח אֵל
הִסְתִּיר פָּנָיו בַּל־רָאָה לָנֶצַח׃ 12 קוּמָה יְהוָה אֵל נְשָׂא יָדֶךָ אַל־תִּשְׁכַּח עֲנִיִּים׃
13 עַל־מָה נִאֵץ רָשָׁע אֱלֹהִים אָמַר בְּלִבּוֹ לֹא תִדְרֹשׁ׃ 14 רָאִיתָה כִּי־אַתָּה עָמָל וְכַעַס תַּבִּיט
לָתֵת בְּיָדֶךָ עָלֶיךָ יֶעֱזָב חֶלְקָה אַתָּה הָיִיתָ עֹזֵר יָתוֹם׃ 15 שְׁבֹר זְרוֹעַ רָשָׁע וְרָע תִּדְרוֹשׁ
רִשְׁעוֹ בַּל־תִּמְצָא׃ 16 יְהוָה מֶלֶךְ עוֹלָם וָעֶד אָבְדוּ גוֹיִם מֵאַרְצוֹ׃ 17 תַּאֲוַת עֲנָוִים שָׁמַעְתָּ
יְהוָה תָּכִין לִבָּם תַּקְשִׁיב אָזְנֶךָ׃ 18 לִשְׁפֹּט יָתוֹם וְדַךְ בַּל־יוֹסִיף עוֹד לַעֲרִיץ מֵאֱנוֹשׁ עַל־
הָאָרֶץ׃

כאשר בא אל שאול כן יעלה לא יראה עוד בית מולדתו לא יכירנו עוד מקומו׃ [12] גם אני לא אחשך את פי אדברה בצר רוחי אשיחה במר נפשי׃ [13] הים אני אם תנין כי תשים עלי משמר׃ [14] כי אמרתי ינחמני משכבי ישא בשיחי מראותי׃ [15] חדלתי למות חיי בזתי לא אאיס לעלם לא רך ימי הבלי׃ [16] מה אנוש כי תגדלנו וכי תשית אליו לבך׃ [17] ותפקדנו לבקרים לרגעים תבחננו׃ [18] עד מתי לא תשעה ממני עד בלעי ריקי׃ [19] חטאתי מה אפעל לך נוצר האדם למה שמתני למפגע לך ואהי עלי משא׃ [20] ולמה לא תשא פשעי ותעביר את עוני כי עתה לעפר אשכב ושחרתני ואינני׃

בלדד השוחי עונה

יא [1] ויען צופר הנעמתי ויאמר׃ [2] הרב מלי חשתון ואיש שפתים יצדק׃ [3] בדי מתים יחרישו אנשים ואין מכלים כי תלעיג׃ [4] כי אמרת זכי דעתי ואני בעיניך׃ [5] ואולם מי יתן אלוה ידבר ויפתח שפתיו עמך׃ [6] ויגד לך תעלמות חכמה כי כפלים לתושיה ודע כי הנשה לך אלוה מעון׃ [7] חקר אלוה תמצא אם עד תכלית שדי תמצא׃ [8] רמה הם מה תעמק שאול מה תדע׃ [9] ארכה מארץ מדה וארחב מני ים׃ [10] אם יחליף ויסגיר ויקהיל ומי ישיבנו׃ [11] כי הוא ידע מתי שוא וירא און ולא יתבונן׃ [12] ואיש נבוב יקנה ופרא אדם יולד עיר׃ [13] אם אתה הכינת לבך ופרש אליו כפיך׃

---

[j] ١١:٣ תהלים ١٣ ,٥-١:٣

בְּרֵךְ צַדִּיק יְהוָה כַּצִּנָּה רָצוֹן תַּעְטְרֶנּוּ׃ ה אֲמָרַי הַאֲזִינָה יְהוָה בִּינָה הֲגִיגִי׃ ו הַקְשִׁיבָה לְקוֹל שַׁוְעִי מַלְכִּי וֵאלֹהָי כִּי אֵלֶיךָ אֶתְפַּלָּל׃ ז יְהוָה בֹּקֶר תִּשְׁמַע קוֹלִי בֹּקֶר אֶעֱרָךְ לָךְ וַאֲצַפֶּה׃ ח כִּי לֹא אֵל חָפֵץ רֶשַׁע אָתָּה לֹא יְגָרְךָ רָע׃ ט לֹא יִתְיַצְּבוּ הוֹלָלִים לְנֶגֶד עֵינֶיךָ שָׂנֵאתָ כָּל פֹּעֲלֵי אָוֶן׃ י תְּאַבֵּד דֹּבְרֵי כָזָב אִישׁ דָּמִים וּמִרְמָה יְתָעֵב יְהוָה׃ יא וַאֲנִי בְּרֹב חַסְדְּךָ אָבוֹא בֵיתֶךָ אֶשְׁתַּחֲוֶה אֶל הֵיכַל קָדְשְׁךָ בְּיִרְאָתֶךָ׃ יב יְהוָה נְחֵנִי בְצִדְקָתֶךָ לְמַעַן שׁוֹרְרָי הַיְשַׁר לְפָנַי דַּרְכֶּךָ׃ יג כִּי אֵין בְּפִיהוּ נְכוֹנָה קִרְבָּתָם הַוַּת תָּהוֹם גְּרוֹנָם לְשׁוֹנָם יַחֲלִיקוּן׃ יד הַאֲשִׁימֵם אֱלֹהִים יִפְּלוּ מִמֹּעֲצוֹתֵיהֶם בְּרֹב פִּשְׁעֵימוֹ הַדִּיחֵמוֹ כִּי מָרוּ בָּךְ׃ טו וְיִשְׂמְחוּ כָל חוֹסֵי בָךְ לְעֹלָם יְרַנֵּנוּ וְתָסֵךְ עֲלֵימוֹ וְיַעֲלְזוּ בְךָ אֹהֲבֵי שְׁמֶךָ׃ טז כִּי אַתָּה תְּבָרֵךְ צַדִּיק יְהוָה כַּצִּנָּה רָצוֹן תַּעְטְרֶנּוּ׃

למנצח בנגינות מזמור לדוד

יז אֲמָרַי הַאֲזִינָה יְהוָה בִּינָה הֲגִיגִי׃ ב הַקְשִׁיבָה לְקוֹל שַׁוְעִי מַלְכִּי וֵאלֹהָי כִּי אֵלֶיךָ אֶתְפַּלָּל׃ ג יְהוָה בֹּקֶר תִּשְׁמַע קוֹלִי בֹּקֶר אֶעֱרָךְ לָךְ וַאֲצַפֶּה׃ ד כִּי לֹא אֵל חָפֵץ רֶשַׁע אָתָּה לֹא יְגָרְךָ רָע׃ ה לֹא יִתְיַצְּבוּ הוֹלָלִים לְנֶגֶד עֵינֶיךָ שָׂנֵאתָ כָּל פֹּעֲלֵי אָוֶן׃ ו תְּאַבֵּד דֹּבְרֵי כָזָב אִישׁ דָּמִים וּמִרְמָה יְתָעֵב יְהוָה׃ ז וַאֲנִי בְּרֹב חַסְדְּךָ אָבוֹא בֵיתֶךָ אֶשְׁתַּחֲוֶה אֶל הֵיכַל קָדְשְׁךָ בְּיִרְאָתֶךָ׃ ח יְהוָה נְחֵנִי בְצִדְקָתֶךָ לְמַעַן שׁוֹרְרָי הַיְשַׁר לְפָנַי דַּרְכֶּךָ׃ ט כִּי אֵין בְּפִיהוּ נְכוֹנָה קִרְבָּתָם הַוַּת תָּהוֹם גְּרוֹנָם לְשׁוֹנָם יַחֲלִיקוּן׃ י הַאֲשִׁימֵם אֱלֹהִים יִפְּלוּ מִמֹּעֲצוֹתֵיהֶם בְּרֹב פִּשְׁעֵימוֹ הַדִּיחֵמוֹ כִּי מָרוּ בָּךְ׃ יא וְיִשְׂמְחוּ כָל חוֹסֵי בָךְ לְעֹלָם יְרַנֵּנוּ וְתָסֵךְ עֲלֵימוֹ וְיַעֲלְזוּ בְךָ אֹהֲבֵי שְׁמֶךָ׃ יב כִּי אַתָּה תְּבָרֵךְ צַדִּיק יְהוָה כַּצִּנָּה רָצוֹן תַּעְטְרֶנּוּ׃

אבי אחרון ואחרון בתחתונה אחרונה. [18] ואחר בנה את בנה אחרון
אם ראשון ראשון, ראה נתן לה את בנה אחרון. [19] ואחרונה את אחרון
לאחרונה את אחרון ואחרון אחרון בנה אחרון בנה אחרון. [20] את אחרון
לאחרון אחרון אבי אחרון ואחרון אחרון בנה אחרון אחרון, ואחרון
אחרון בנה אחרון אחרון בנה אחרון, ואחרון בנה אחרון אחרון,
בנה אחרון אחרון אחרון. [21] ואחרונה אחרון אחרון אחרון אחרון
בנה אחרון, ואחרון בנה אחרון אחרון אחרון. נתן לו את אבי אחרון ואחרון בנה אבי,
אחרון אחרון אחרון אחרון. נתן לו את אבי אחרון ואחרון בנה אבי,
ראה נתן לה את אבי בנה אחרון אחרון. נתן ואחרון אחרון אחרון
אחרון. [22] בנה את? ראה נתן לה את בנה אבי. אחרון את? ראה נתן אחרון
אחרון. ואחרונה נתן את? ראה נתן. [23] בנה אחרון אחרון את? - ואחרונה
את אבי אחרון בנה את בנה אחרון - נתן בנה אחרון. אחרון את אחרון אבי, ואחרון
לה את אחרון אחרון בנה אחרון, בנה אחרון אחרון אחרון בנה אחרון
אחרון אחרון אחרון בנה אחרון אחרון אחרון אחרון. [24] אבי אחרון אחרון
אחרון אחרון אחרון אחרון אחרון אחרון אחרון אחרון אחרון

[30] ל וכל אשר נגעו בנבלתם יטמא עד הערב. [31] וזה לכם הטמא בשרצים השרץ
השורץ על הארץ החלד והעכבר והצב למינהו. [32] והקפד והעטלף והשלך
הגדול למינהו, והאנקה והכח והתנשמת. [33] כל אשר יפול עליהם מהם בנבלתם
יטמא כל כלי עץ או בגד או עור או שק כל כלי אשר יעשה מלאכה בהם במים
יובא והיה טמא עד הערב וטהר.

פרשת הלכות טומאת אוכלין

יב [1] וכל אוכל אשר יאכל אשר יבוא עליו מים יטמא. וכל משקה אשר ישתה
בכל כלי יטמא. [2] וכל אשר יגע בנבלתם יטמא עד הערב ואוכל מהם ישא
את בגדיו וכבס במים וטמא עד הערב. [3] וכל אשר יגע במשכבו ישא את
בגדיו וכבס במים וטמא עד הערב. [4] וכל הנוגע בחלל חרב או במת או בעצם
אדם או בקבר יטמא שבעת ימים. [5] וכל כלי חרש אשר יפול מהם כל אשר
בתוכו יטמא והוא תשברו. [6] וכל אוכל אשר יאכל אליו מים יטמא וכל משקה
אשר ישתה בכל כלי יטמא. [7] וכל אשר יגע בעצם או בחלל או במת או בקבר
יטמא שבעת ימים. [8] וכל כלי עץ אשר יפול עליו מהם יטמא וכל כלי עור
וכל שק כל כלי אשר יעשה מלאכה במים יובא והיה טמא עד הערב וטהר.
[9] וכל משכב אשר ישכב עליו הזב וכל משכב אשר ישב עליו יטמא. [10] וכל
הנוגע בכל אשר יהיה תחתיו יטמא עד הערב ונושא אותם יכבס בגדיו ורחץ
במים וטמא עד הערב. [11] וכל אשר יגע בו הזב ולא שטף במים את ידיו
וכבס בגדיו ורחץ במים וטמא עד הערב. [12] וכלי חרש אשר יגע בו הזב ישבר
וכל כלי עץ ישטף במים. [13] וכי יטהר הזב מזובו וספר לו שבעת ימים
לטהרתו וכבס בגדיו ורחץ את בשרו במים חיים וטהר. [14] וביום השמיני יקח
לו שתי תרים או שני בני יונה ובא לפני יהוה אל פתח אהל מועד ונתן אותם
אל הכהן. [15] ועשה הכהן את האחד חטאת ואת השני עולה וכפר עליו הכהן
מזובו לפני יהוה. [16] וכי תצא ממנו שכבת זרע ורחץ את כל בשרו במים
וטמא עד הערב. [17] וכל בגד וכל עור אשר יהיה עליו שכבת זרע וכובס במים
וטמא עד הערב. [18] והאשה אשר ישכב איש אתה שכבת זרע ורחצו במים
וטמאו עד הערב. [19] והאשה כי תהיה זבה דם יהיה זובה בבשרה שבעת ימים
תהיה בנדתה וכל הנוגע בה יטמא עד הערב. [20] וכל אשר תשכב עליו בנדתה
יטמא וכל אשר תשב עליו יטמא. [21] וכל הנוגע במשכבה יכבס בגדיו ורחץ
במים וטמא עד הערב. [22] וכל הנוגע בכל כלי אשר תשב עליו יכבס בגדיו
ורחץ במים וטמא עד הערב. [23] אם על המשכב הוא או על הכלי אשר היא
יושבת עליו בנגעו בו וטמא עד הערב. [24] ואם שכב ישכב איש אתה ותהי
נדתה עליו וטמא שבעת ימים וכל המשכב אשר ישכב עליו יטמא. [25] והאשה
כי יזוב זוב דמה ימים רבים בלא עת נדתה או כי תזוב על נדתה כל ימי זוב
טמאתה כימי נדתה תהיה טמאה היא. [26] כל המשכב אשר תשכב עליו כל ימי

ואל תשחיתו בשלי אשר אני עשה בקרבו. [10] כי הוא, בזרוע יי עלה מארץ מצרים, ואל תזבחו לו זבח מנחה ומנחה ומנחה, ולא תקטירו לו עולה. אחר. ואל תשחיתו בשלי אשר אני עשה בקרבו.

הפטרת בראשית לבית ישראל בבית המקדש

[11] ויהי כי ישבו, ויהי בשמעו את הדבר אשר אמר אליו. כי ישבו בשלום ויהי בשמעו את הדבר אשר אמר אליו. [12] ויאמר אליו אל תשחיתו בשלי אשר אני עשה בקרבו: ואל תזבחו לו זבח מנחה ומנחה ומנחה, ולא תקטירו לו עולה. [13] ויהי כי ישבו את הדבר אשר אמר אליו, ויאמר אליו אל תשחיתו בשלי אשר אני עשה בקרבו.

[14] ויבא את הדבר אשר אמר אליו, ויאמר אליו אל תשחיתו בשלי אשר אני עשה בקרבו, ואל תזבחו לו זבח מנחה ומנחה ומנחה. ויאמר אליו אל תשחיתו בשלי אשר אני עשה בקרבו. [15] ויאמר אליו אל תשחיתו בשלי אשר אני עשה בקרבו, ואל תזבחו לו זבח מנחה ומנחה ומנחה, ולא תקטירו לו עולה. ויאמר אליו אל תשחיתו בשלי אשר אני עשה בקרבו, ואל תזבחו לו זבח מנחה ומנחה ומנחה, ולא תקטירו לו עולה. [16] ויאמר אליו אל תשחיתו בשלי אשר אני עשה בקרבו? [17] ויאמר אליו אל תשחיתו בשלי אשר אני עשה בקרבו, ואל תזבחו לו זבח מנחה ומנחה ומנחה. ויאמר אליו אל תשחיתו בשלי אשר אני עשה בקרבו. [18] ויאמר אליו אל תשחיתו בשלי אשר אני עשה בקרבו? ויאמר אליו אל תשחיתו בשלי אשר אני עשה בקרבו, ואל תזבחו לו זבח מנחה ומנחה ומנחה. ויאמר אליו אל תשחיתו בשלי אשר אני עשה בקרבו? ויאמר אליו אל תשחיתו בשלי אשר אני עשה בקרבו?

[19] ויאמר אליו אל תשחיתו בשלי אשר אני עשה בקרבו? ויאמר אליו אל תשחיתו בשלי אשר אני עשה בקרבו, ואל תזבחו לו זבח מנחה ומנחה ומנחה. [20] ויאמר אליו אל תשחיתו בשלי אשר אני עשה בקרבו. ואל תזבחו לו זבח מנחה ומנחה ומנחה, ולא תקטירו לו עולה.

שמחת בחירתנו ל ואף, כאשר אנחנו מתבוננים בישועתו ומתענגים עליה, אנחנו מתחילים לשכוח את גודל חסדיו. ٧ אך אנחנו נזכור שוב את מה שהוא עשה עבורנו, כדי שנוכל להמשיך לשמוח בו. ٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לבטוח בו בהווה. ٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٢٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٢٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٢٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٢٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٣٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٣١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٣٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٣٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٣٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٣٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٣٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٣٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٣٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٣٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٤٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٤١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٤٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٤٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٤٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٤٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٤٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٤٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٤٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٤٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٥٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٥١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٥٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٥٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٥٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٥٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٥٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٥٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٥٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٥٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٦٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٦١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٦٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٦٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٦٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٦٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٦٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٦٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٦٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٦٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٧٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٧١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٧٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٧٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٧٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٧٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٧٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٧٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٧٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٧٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٨٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٨١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٨٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٨٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٨٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٨٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٨٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٨٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٨٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٨٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٩٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٩١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٩٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٩٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٩٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٩٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٩٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٩٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٩٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٩٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١٠٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١٠١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١٠٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١٠٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١٠٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١٠٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١٠٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١٠٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١٠٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١٠٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١١٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١١١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١١٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١١٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١١٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١١٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١١٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١١٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١١٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١١٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١٢٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١٢١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١٢٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١٢٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١٢٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١٢٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١٢٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١٢٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١٢٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١٢٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١٣٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١٣١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١٣٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١٣٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١٣٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١٣٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١٣٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١٣٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١٣٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١٣٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١٤٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١٤١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١٤٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١٤٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١٤٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١٤٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١٤٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١٤٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١٤٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١٤٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١٥٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١٥١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١٥٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١٥٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١٥٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١٥٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١٥٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١٥٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١٥٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١٥٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١٦٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١٦١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١٦٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١٦٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١٦٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١٦٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١٦٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١٦٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١٦٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١٦٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١٧٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١٧١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١٧٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١٧٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١٧٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١٧٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١٧٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١٧٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١٧٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١٧٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١٨٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١٨١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١٨٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١٨٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١٨٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١٨٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١٨٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١٨٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١٨٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١٨٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١٩٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١٩١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١٩٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١٩٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١٩٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١٩٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ١٩٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ١٩٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ١٩٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ١٩٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢٠٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢٠١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٢٠٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٢٠٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢٠٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢٠٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٢٠٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٢٠٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢٠٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢٠٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٢١٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٢١١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢١٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢١٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٢١٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٢١٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢١٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢١٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٢١٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٢١٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢٢٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢٢١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٢٢٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٢٢٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢٢٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢٢٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٢٢٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٢٢٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢٢٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢٢٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٢٣٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٢٣١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢٣٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢٣٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٢٣٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٢٣٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢٣٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢٣٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٢٣٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٢٣٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢٤٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢٤١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٢٤٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٢٤٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢٤٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢٤٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٢٤٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٢٤٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢٤٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢٤٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٢٥٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٢٥١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢٥٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢٥٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٢٥٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٢٥٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢٥٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢٥٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٢٥٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٢٥٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢٦٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢٦١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٢٦٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٢٦٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢٦٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢٦٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٢٦٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٢٦٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢٦٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢٦٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٢٧٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٢٧١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢٧٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢٧٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٢٧٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٢٧٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢٧٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢٧٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٢٧٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٢٧٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢٨٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢٨١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٢٨٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٢٨٣ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢٨٤ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢٨٥ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٢٨٦ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٢٨٧ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢٨٨ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמוח בו בהווה. ٢٨٩ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לקוות לו בעתיד. ٢٩٠ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשבח אותו בהווה. ٢٩١ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל להודות לו בעתיד. ٢٩٢ אנחנו נזכור את מה שהוא עשה עבורנו בעבר, כדי שנוכל לשמו

٨ כִּי־חֹשֶׁךְ יְכַסֶּה־אֶרֶץ וַעֲרָפֶל לְאֻמִּים וְעָלַיִךְ יִזְרַח יְהוָה וּכְבוֹדוֹ עָלַיִךְ יֵרָאֶה׃
٩ וְהָלְכוּ גוֹיִם לְאוֹרֵךְ וּמְלָכִים לְנֹגַהּ זַרְחֵךְ׃ ١٠ שְׂאִי־סָבִיב עֵינַיִךְ וּרְאִי כֻּלָּם נִקְבְּצוּ בָאוּ לָךְ
בָּנַיִךְ מֵרָחוֹק יָבוֹאוּ וּבְנוֹתַיִךְ עַל־צַד תֵּאָמַנָה׃ ١١ אָז תִּרְאִי וְנָהַרְתְּ וּפָחַד וְרָחַב לִבָּךְ כִּי־יֵהָפֵךְ
עָלַיִךְ הֲמוֹן יָם חֵיל גּוֹיִם יָבֹאוּ לָךְ׃ ١٢ שִׁפְעַת גְּמַלִּים תְּכַסֵּךְ בִּכְרֵי מִדְיָן וְעֵיפָה כֻּלָּם
מִשְּׁבָא יָבֹאוּ זָהָב וּלְבוֹנָה יִשָּׂאוּ וּתְהִלֹּת יְהוָה יְבַשֵּׂרוּ׃ ١٣ כָּל־צֹאן קֵדָר יִקָּבְצוּ לָךְ אֵילֵי
נְבָיוֹת יְשָׁרְתוּנֶךָ יַעֲלוּ עַל־רָצוֹן מִזְבְּחִי וּבֵית תִּפְאַרְתִּי אֲפָאֵר׃ ١٤ מִי־אֵלֶּה כָּעָב תָּעוּפֶינָה
וּכְיוֹנִים אֶל־אֲרֻבֹּתֵיהֶם׃

תקנת השלום

١٥ תַּחַת הֱיוֹתֵךְ עֲזוּבָה וּשְׂנוּאָה וְאֵין עוֹבֵר וְשַׂמְתִּיךְ לִגְאוֹן עוֹלָם מְשׂוֹשׂ דּוֹר וָדוֹר׃
١٦ וְיָנַקְתְּ חֲלֶב גּוֹיִם וְשַׁד מְלָכִים תִּינָקִי וְיָדַעַתְּ כִּי אֲנִי יְהוָה מוֹשִׁיעֵךְ וְגֹאֲלֵךְ אֲבִיר
יַעֲקֹב׃ ١٧ תַּחַת הַנְּחֹשֶׁת אָבִיא זָהָב וְתַחַת הַבַּרְזֶל אָבִיא כֶּסֶף וְתַחַת הָעֵצִים נְחֹשֶׁת וְתַחַת
הָאֲבָנִים בַּרְזֶל וְשַׂמְתִּי פְקֻדָּתֵךְ שָׁלוֹם וְנֹגְשַׂיִךְ צְדָקָה׃ ١٨ לֹא־יִשָּׁמַע עוֹד חָמָס בְּאַרְצֵךְ שֹׁד
וָשֶׁבֶר בִּגְבוּלָיִךְ וְקָרָאת יְשׁוּעָה חוֹמֹתַיִךְ וּשְׁעָרַיִךְ תְּהִלָּה׃ ١٩ לֹא־יִהְיֶה־לָּךְ עוֹד הַשֶּׁמֶשׁ
לְאוֹר יוֹמָם וּלְנֹגַהּ הַיָּרֵחַ לֹא יָאִיר־לָךְ וְהָיָה יְהוָה לְךָ לְאוֹר עוֹלָם וֵאלֹהַיִךְ לְתִפְאַרְתֵּךְ׃

تثنية اشتراع هارون موسى

تعلم

١ وهذه هي المنازل التي نزل فيها بنو إسرائيل، فإنهم ارتحلوا من بيروت بني يعقان إلى موسيرة جدجاد، ٢ ومن موسيرة جدجاد إلى يطبتة أرض أنهار مياه. ٣ وفي تلك الأيام ارتحل بنو إسرائيل من يطبتة أرض أنهار مياه إلى عبرونة، وفي عبرونة أرض أنهار مياه إلى عصيون جابر، وفي عصيون جابر إلى قادش برنيع، وفي قادش برنيع إلى حور الجبل، وفي حور الجبل إلى أرض أدوم. ٤ وفي تلك الأيام ارتحل بنو إسرائيل من عصيون جابر، وفي قادش برنيع إلى حور الجبل، وفي حور الجبل إلى أرض أدوم. ٥ وفي تلك الأيام ابتدأ موسى أن يعلم بنو إسرائيل.

تعلم الشريعة ٥٥

٦ فعلمهم في عبر الأردن في أرض موآب ابتدأ موسى أن يعلم الشريعة هذه قائلا: ٧ إن الرب إلهنا كلمنا في حوريب قائلا: كفاكم قعودا في هذا الجبل. ٨ قوموا وارتحلوا وادخلوا جبل الأموريين وكل ما يليه في العربة والجبل والسهل والجنوب وعلى شاطئ البحر أرض الكنعانيين ولبنان إلى النهر الكبير نهر الفرات. ٩ وفي ذلك الوقت كلمتكم قائلا: لا أقدر وحدي أن أحملكم. ١٠ الرب إلهكم قد أكثركم وها أنتم اليوم كنجوم السماء في الكثرة. ١١ الرب إله آبائكم يزيدكم عليكم هكذا ألفا مرة ويبارككم كما كلمكم. ١٢ كيف أحمل وحدي ثقلكم وحملكم ودعواكم؟ ١٣ هاتوا من أسباطكم رجالا حكماء وعقلاء ومعروفين فأجعلهم رؤوسكم.

صلاة يسوع لتلاميذه

١١ ثُمَّ دَخَلَ أُورُشَلِيمَ، وَالْهَيْكَلَ، وَبَعْدَمَا نَظَرَ كُلَّ شَيْءٍ حَوْلَهُ، إِذِ الْوَقْتُ
١٢ صَارَ مُتَأَخِّرًا خَرَجَ إِلَى بَيْتَ عَنْيَا مَعَ الاثْنَيْ عَشَرَ. ١٣ وَفِي الْغَدِ لَمَّا خَرَجُوا
مِنْ بَيْتَ عَنْيَا جَاعَ، ١٤ وَنَظَرَ مِنْ بَعِيدٍ تِينَةً عَلَيْهَا وَرَقٌ، فَجَاءَ لَعَلَّهُ يَجِدُ فِيهَا
شَيْئًا، وَلَمَّا جَاءَ إِلَيْهَا لَمْ يَجِدْ شَيْئًا إِلاَّ وَرَقًا فَقَطْ، لأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ وَقْتَ التِّينِ.
١٥ فَقَالَ يَسُوعُ: «لاَ يَأْكُلْ أَحَدٌ مِنْكِ ثَمَرًا بَعْدُ إِلَى الأَبَدِ». فَسَمِعَ تَلاَمِيذُهُ.
١٦ وَجَاءُوا إِلَى أُورُشَلِيمَ، وَدَخَلَ يَسُوعُ الْهَيْكَلَ وَابْتَدَأَ يُخْرِجُ الَّذِينَ كَانُوا
يَبِيعُونَ وَيَشْتَرُونَ فِي الْهَيْكَلِ، وَقَلَبَ مَوَائِدَ الصَّيَارِفَةِ وَكَرَاسِيَّ بَاعَةِ الْحَمَائِمِ،
١٧ وَلَمْ يَدَعْ أَحَدًا يَجْتَازُ الْهَيْكَلَ بِمَتَاعٍ، وَكَانَ يُعَلِّمُ قَائِلاً لَهُمْ: «أَلَيْسَ مَكْتُوبًا:
بَيْتِي بَيْتُ الصَّلاَةِ يُدْعَى لِجَمِيعِ الأُمَمِ؟ وَأَنْتُمْ جَعَلْتُمُوهُ مَغَارَةَ لُصُوصٍ».
١٨ وَسَمِعَ الْكَتَبَةُ وَرُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ فَطَلَبُوا كَيْفَ يُهْلِكُونَهُ، لأَنَّهُمْ خَافُوهُ إِذْ
بُهِتَ الْجَمْعُ كُلُّهُ مِنْ تَعْلِيمِهِ. ١٩ وَلَمَّا صَارَ الْمَسَاءُ خَرَجَ إِلَى خَارِجِ الْمَدِينَةِ.
٢٠ وَفِي الصَّبَاحِ إِذْ كَانُوا مُجْتَازِينَ رَأَوُا التِّينَةَ قَدْ يَبِسَتْ مِنَ الأُصُولِ.
٢١ فَتَذَكَّرَ بُطْرُسُ وَقَالَ لَهُ: «يَا سَيِّدُ، انْظُرْ، التِّينَةُ الَّتِي لَعَنْتَهَا قَدْ يَبِسَتْ».
٢٢ فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُمْ: «لِيَكُنْ لَكُمْ إِيمَانُ اللهِ. ٢٣ فَإِنِّي الْحَقَّ أَقُولُ لَكُمْ:
إِنَّ مَنْ قَالَ لِهَذَا الْجَبَلِ: انْتَقِلْ وَانْطَرِحْ فِي الْبَحْرِ، وَلاَ يَشُكُّ فِي قَلْبِهِ بَلْ يُؤْمِنُ
أَنَّ مَا يَقُولُهُ يَكُونُ، فَمَهْمَا قَالَ يَكُونُ لَهُ. ٢٤ لِذَلِكَ أَقُولُ لَكُمْ: كُلُّ مَا تَطْلُبُونَ
حِينَمَا تُصَلُّونَ فَآمِنُوا أَنْ تَنَالُوهُ فَيَكُونَ لَكُمْ.

داود يستعد لموت سليمان

٢ ١ ولما اقترب يوم موت داود أوصى ابنه سليمان قائلاً: ٢ «أنا ذاهب
الآن في طريق الموت، فكن قوياً وشجاعاً. ٣ واعمل بما يأمر به
الرب إلهك، واسلك في طرقه، واحفظ فرائضه ووصاياه وأحكامه
وشهاداته، كما هو مكتوب في شريعة موسى، لكي تنجح في كل ما
تعمله وفي كل ما تقدم عليه. ٤ وإذا فعلت ذلك فإن الرب يفي
بوعده الذي وعدني به حين قال: إذا حفظ أبناؤك طريقهم وسلكوا
أمامي بأمانة من كل قلوبهم ونفوسهم، فلن يعدم رجل من نسلك
عرش إسرائيل. ٥ «وأنت تعرف ما فعله بي يوآب بن صروية، وما
فعله بقائدي الجيشين اللذين قتلهما، أبنير بن نير وعماسا بن
يثر، إذ قتلهما في وقت السلم كما لو كانا في الحرب، وسفك دم
الحرب على حزامه وعلى حذائه. ٦ فاعمل بحكمتك، ولا تدع شيبته
تنزل بسلام إلى الهاوية. ٧ «وأما أبناء برزلاي الجلعادي فكن
لطفاً بهم، واجعلهم من الذين يأكلون على مائدتك، لأنهم
استقبلوني عندما هربت من أخيك أبشالوم. ٨ «وهناك شمعي بن
جيرا البنياميني من باحوريم، الذي لعنني بلعنة قاسية يوم ذهابي
إلى محنايم، ولكنه نزل للقائي عند نهر الأردن، فحلفت له بالرب
قائلاً: لن أقتلك بالسيف. ٩ ولكن لا تدعه يفلت من العقاب، فأنت
رجل حكيم وتعرف كيف تعامله، واجعل شيبته تنزل بدم إلى
الهاوية.»

وعلامة هذا لكم تجدون طفلا مقمطا مضجعا في مذود.

١١ لانه ولد لكم اليوم في مدينة داود مخلص هو المسيح الرب. ١٢ وهذه العلامة لكم تجدون طفلا مقمطا مضجعا في مذود. ١٣ وظهر بغتة مع الملاك جمهور من الجند السماوي مسبحين الله ١٤ قائلين المجد لله في الاعالي وعلى الارض السلام وبالناس المسرة. ١٥ فلما مضت عنهم الملائكة الى السماء قال الرعاة بعضهم لبعض لنجتز الآن الى بيت لحم ونرى هذا الامر الواقع الذي اعلمنا به الرب. ١٦ فجاءوا مسرعين ووجدوا مريم ويوسف والطفل مضجعا في المذود. ١٧ فلما رأوا فهموا عن الكلام الذي قيل لهم من جهة هذا الصبي. ١٨ وجميع الذين سمعوا تعجبوا مما قاله الرعاة لهم. ١٩ واما مريم فكانت تحفظ جميع هذه الامور متفكرة بها في قلبها. ٢٠ ثم رجع الرعاة وهم يمجدون الله ويسبحونه على جميع ما سمعوا ورأوا كما قيل لهم. ٢١ ولما تمت ثمانية ايام لختانه سمي يسوع كما تسمى من الملاك قبل ان حبل به في البطن.

ختان يسوع وتقدمته في الهيكل

ג מורים לא יהיו רבים

ג [1] אַל־יִהְיוּ רַבִּים מִכֶּם מוֹרִים, אַחַי, כִּי יוֹדְעִים אַתֶּם שֶׁנְּקַבֵּל עָלֵינוּ
[2] מִשְׁפָּט חָמוּר יוֹתֵר. כִּי כֻּלָּנוּ נִכְשָׁלִים הַרְבֵּה. וְאִם אֵין אָדָם נִכְשָׁל
בְּדִבּוּר, הוּא אִישׁ שָׁלֵם, יָכוֹל לִכְבֹּשׁ גַּם אֶת כָּל גּוּפוֹ. [3] הִנֵּה אָנוּ
שָׂמִים רְסָנִים בְּפִי הַסּוּסִים כְּדֵי שֶׁיְּצַיְּתוּ לָנוּ, וְכָךְ אָנוּ מַנְהִיגִים אֶת
כָּל גּוּפָם. [4] גַּם הָאֳנִיּוֹת הֲרֵי גְּדוֹלוֹת הֵן וְנִדְחָפוֹת בְּרוּחַ עַזָּה,
וְעַל אַף זֹאת מַנְהִיגִים אוֹתָן בְּהִתְקַטֵּן בְּמִדָּה מְעַטָּה בִּלְבַד לְפִי
רְצוֹן הַמַּנְהִיג. [5] כָּךְ גַּם הַלָּשׁוֹן הִיא אֵבֶר קָטָן, אַךְ הִנֵּה הִיא
מִתְגָּאָה בִּגְדוֹלוֹת. הִנֵּה אֵשׁ קְטַנָּה מַה רַּבָּה הַיַּעַר שֶׁתַּצִּית!
[6] וְהַלָּשׁוֹן הִיא אֵשׁ, הִיא עוֹלָם שֶׁל עַוְלָה בְּתוֹךְ אֵבָרֵינוּ. הִיא
מְטַמְּאָה אֶת כָּל הַגּוּף, וְהִיא מַצִּיתָה אֶת גַּלְגַּל הַחַיִּים, וְהִיא עַצְמָהּ
מִתְלַהֶטֶת מֵאֵשׁ גֵּיהִנֹּם. [7] כָּל מִינֵי חַיָּה וְעוֹף וְרֶמֶשׂ וְדָגִים
נִכְבָּשִׁים וְנִכְבָּשׁוּ בְּיַד הָאָדָם, [8] אֲבָל לְשׁוֹן אֵין אָדָם יָכוֹל לִכְבֹּשׁ.
הִיא רָעָה שֶׁאֵין מָרְגִּיעִין אוֹתָהּ, וְהִיא מְלֵאָה רַעַל הַמָּוֶת הַקָּטָּל.
[9] בָּהּ אָנוּ מְבָרְכִים אֶת אֲדוֹנֵינוּ וְאָבִינוּ, וּבָהּ אָנוּ מְקַלְלִים אֶת
בְּנֵי אָדָם הַנִּבְרָאִים בִּדְמוּת אֱלֹהִים. [10] מִפִּי אַחַת יוֹצְאִים בְּרָכָה
וְקִלָּלָה, אַחַי, אֵין זֶה רָאוּי כְּלָל. [11] הֲיַעֲלֶה אֶחָד מִמְּקוֹר אֶחָד
מַיִם מְתוּקִים וּמַיִם מָרִים? [12] הֲיוּכַל, אַחַי, עֵץ תְּאֵנִים לְהוֹצִיא
זֵיתִים, אוֹ גֶּפֶן לְהוֹצִיא תְּאֵנִים? וְכֵן אֵין מְקוֹר מַיִם מָלוּחַ
שֶׁיּוֹצִיא מַיִם מְתוּקִים.

---

[m] ג:ו ויק׳ יט:טז [n] ג:ח ויק׳ יב:ג; יח:יח; יח:כב

[o] ג:י תה׳ לד:יד [p] ג:יא משלי ב:ד

[q] ג:יב תה׳ כז:כו

ולכן ישראל יכלו לעבור את הירדן ביבשה.[q] 3:17 יהושע עמד על הכוהנים
שנשאו את ארון הברית, והם עמדו על היבשה במרכז הירדן. כל
ישראל עברו על היבשה, עד שכל העם סיים לעבור את הירדן.

יהושע לוקח אבנים מהירדן

4 ברגע שכל העם סיים לעבור את הירדן, יהוה אמר ליהושע: [2] "בחר
שנים עשר אנשים, אחד מכל שבט. [3] אמור להם שיקחו אבנים מהמקום
שבו הכוהנים עומדים, מתוך הירדן. כל אחד מהם יישא אבן על כתפו
ויעבור איתם למקום שבו תחנו הלילה."

[4] אז יהושע קרא לשנים עשר האנשים שבחר מבני ישראל, אחד מכל
שבט. [5] יהושע אמר להם: "לכו לפני ארון יהוה אלוהינו, אל תוך הירדן.
כל אחד מכם ישא אבן על כתפו, אבן אחת עבור כל אחד משבטי ישראל.
[6] האבנים יהיו לאות בינינו. בעתיד, כאשר ילדיכם ישאלו אתכם: 'מה
המשמעות של האבנים האלה?' [7] תענו להם שמי הירדן נבקעו לפני ארון
הברית של יהוה. כאשר הארון עבר את הירדן, מי הירדן נבקעו. האבנים
האלה יהיו לזיכרון לבני ישראל לנצח."

[8] בני ישראל עשו כפי שיהושע ציווה עליהם. הם לקחו שנים עשר
אבנים מתוך הירדן, אחד מכל שבט, כפי שיהוה אמר ליהושע. הם נשאו
את האבנים על כתפיהם ועברו איתם למקום שבו תחנו הלילה. שם הניחו
את האבנים. [9] יהושע הקים גם שנים עשר אבנים בתוך הירדן, במקום
שבו עמדו הכוהנים שנשאו את ארון הברית. האבנים נמצאות שם עד היום
הזה.[r] [10] הכוהנים שנשאו את הארון נשארו בתוך הירדן עד שכל העם
סיים לעבור את הירדן, כפי שיהוה ציווה את יהושע. משה ציווה את
יהושע לומר לעם שיעבור במהירות. [11] כאשר כל העם סיים לעבור את
הירדן, הכוהנים עברו גם הם, כשארון יהוה נמצא איתם.

---

[q] 3:17 יהושע 3:13, 16 [r] 4:9 יהושע 23:21 ומשה 3:13 [s] 4:10 דברים 3:16 ודברים 7:12

הכנעני והפרזי

٢١ ויאמרו אליו אנשי העיר לא כי ישב אדני פן נא אנשי העיר
מים ומת הארץ מן הנערות האלה׃ ٢٢ ויאמר לא תעשו כן
שבו נא אנשים את הנערות כי אם לכם אל הבית ולינו שם
ויהי אנשי העיר ישכימו ולכתם לדרככם׃ ٢٣ וילכו ויבאו
אל הבית וילנו שם ויקומו בבקר ויקם ויעבר אל המקום
ההוא ויבא יהושע אל העם וכל הנערות עמו׃ ٢٤ ויבאו
ויעלו מן העיר ויתהלכו אחרי יהושע ויבאו אל הבית
ויקרעו אותו ויצאו אל העיר׃ ٢٥ וילנו שם ויבאו אל
יהושע ויאמרו אליו הנערות אשר שלחתנו ויבאו אל
הבית ויקרעו אותו ויצאו אל העיר׃ ٢٦ ויאמר יהושע
אל האנשים אשר אתו לא תעשו כן שבו נא ושתו את
המים ומת הארץ כי כן עשו אנשי העיר לנערות׃ ٢٧ ויאמר
יהושע אל האנשים אשר אתו לא תעשו כן שבו נא ושתו
את המים ומת הארץ כי כן עשו אנשי העיר לנערות׃ ٢٨ ויבא
יהושע ויכרת אותם ויעשם שבתים ויהי כן עד היום הזה׃
ויהי כאשר שמעו כל המלכים אשר בעבר הירדן בהר
ובשפלה ובכל חוף הים הגדול אל מול הלבנון את החתי
והאמרי הכנעני והפרזי החוי והיבוסי לאמר׃ ١ ויקבצו
יחדו לבא למלחם את יהושע ואת ישראל פה אל פה׃
٢ ויקבצו כל המלכים האלה ויבאו ויחנו יחדו על מי מרום
לנגד ישראל׃ ٣ וישמעו יושבי גבעון את אשר עשה יהושע
ליריחו ולעי׃ ٤ ויעשו גם המה בערמה וילכו ויתצדו
כי לקחו להם צדה בלים ויין בלים ונאדות בלים ומלאים
ויחבשו את רגליהם ושלמות ושמלותיהם עליהם וכל לחם
צידם היה יבש היה נקדים׃ ٥ וילכו אל יהושע אל המחנה
הגלגלה ויאמרו אליו ואל איש ישראל מארץ רחוקה באנו
ועתה כרתו לנו ברית׃ ٦ ויאמרו אל איש ישראל אולי

ואמר לה, "לכי קראי לבעלך ובואי הנה." ז האשה ענתה ואמרה, "אין לי בעל."
ישוע אמר לה, "את צודקת כשאמרת שאין לך בעל. ח כי חמישה בעלים היו לך,
והאיש שאת חיה איתו עכשיו אינו בעלך. את דיברת אמת."

ט האשה אמרה לו, "אדוני, אני רואה שאתה נביא. י אבותינו עבדו את אלוהים
על ההר הזה, אבל אתם היהודים אומרים שירושלים היא המקום שבו צריך
לעבוד את אלוהים." יא ישוע ענה לה, "אשה, תאמיני לי שהזמן מגיע, ואתם לא
תעבדו את האב לא בהר הזה ולא בירושלים. יב אתם לא יודעים את מי אתם
עובדים, אבל אנחנו יודעים את מי אנחנו עובדים, כי הישועה באה מהיהודים.
יג אבל הזמן מגיע, ואפילו עכשיו הוא כבר כאן, שבו העובדים האמיתיים יעבדו
את האב ברוח ובאמת, כי האב רוצה שיעבדו אותו כך. יד אלוהים הוא רוח,
ולכן העובדים שלו צריכים לעבוד אותו ברוח ובאמת."

טו האשה אמרה לו, "אני יודעת שהמשיח, שנקרא גם כריסטוס, עומד לבוא.
כשהוא יבוא הוא יסביר לנו את כל הדברים." טז ישוע אמר לה, "אני המשיח,
ואני מדבר איתך עכשיו."

יז בדיוק אז חזרו התלמידים של ישוע. הם הופתעו לראות שהוא מדבר עם
אשה, אבל אף אחד מהם לא שאל אותה, "מה את רוצה?" או "למה את מדברת
עם המורה שלנו?" יח האשה השאירה את כדי המים שלה ליד הבאר, חזרה
לעיר ואמרה לאנשים, יט "בואו לראות אדם שאמר לי את כל מה שעשיתי בחיים
שלי. אולי הוא המשיח?" כ אז האנשים יצאו מהעיר ובאו לראות את ישוע.

כא בינתיים התלמידים של ישוע אמרו לו, "רבי, אתה חייב לאכול משהו."
כב אבל ישוע ענה להם, "יש לי אוכל שאתם לא יודעים עליו." כג אז התלמידים
שאלו זה את זה, "מי הביא לו אוכל?" כד ישוע אמר להם, "האוכל שלי הוא
לעשות את רצון האב שלח אותי, ולגמור את העבודה שהוא נתן לי לעשות.
כה אתם אומרים שעוד ארבעה חודשים יהיה קציר, אבל אני אומר לכם, תסתכלו
על השדות עכשיו! הגרעינים כבר בשלים לקציר. כו האיש שקוצר מקבל שכר
ואוסף יבול לחיי עולם, כדי שגם הזורע וגם הקוצר ישמחו יחד. כז כי כאן
מתקיים הפתגם, 'אחד זורע ואחר קוצר.' כח שלחתי אתכם לקצור יבול שלא
עבדתם עליו. אחרים עבדו קשה, ואתם נכנסתם לעבוד על עבודתם."

כט הרבה אנשים מהעיר שמרו אמונה בישוע בגלל מה שהאשה אמרה, כי היא

ויסע משה ובני ישראל מים סוף ויצאו אל מדבר שור ויילכו שלשת ימים במדבר ולא מצאו מים. [20] ויבאו מרתה ולא יכלו לשתות מים ממרה כי מרים הם על כן קרא שמה מרה. [21] וילנו העם על משה לאמר מה נשתה. [22] ויצעק אל יהוה ויורהו יהוה עץ וישלך אל המים וימתקו המים. שם שם לו חק ומשפט ושם נסהו. [23] ויאמר אם שמוע תשמע לקול יהוה אלהיך והישר בעיניו תעשה והאזנת למצותיו ושמרת כל חקיו כל המחלה אשר שמתי במצרים לא אשים עליך כי אני יהוה רפאך. [24] ויבאו אילמה ושם שנים עשר עינת מים ושבעים תמרים ויחנו שם על המים. [25] ויסעו מאילם ויבא כל עדת בני ישראל אל מדבר סין אשר בין אילם ובין סיני בחמשה עשר יום לחדש השני לצאתם מארץ מצרים. [26] ויתאוננו כל עדת בני ישראל על משה ועל אהרן במדבר ויאמרו אלהם בני ישראל מי יתן מותנו ביד יהוה בארץ מצרים בשבתנו על סיר הבשר באכלנו לחם לשבע כי הוצאתם אתנו אל המדבר הזה להמית את כל הקהל הזה ברעב. [27] ויאמר יהוה אל משה הנני ממטיר לכם לחם מן השמים וצא העם ולקטו דבר יום ביומו למען אנסנו הילך בתורתי אם לא. [28] והיה ביום הששי והכינו את אשר יביאו והיה משנה על אשר ילקטו יום יום. [29] ראו כי יהוה נתן לכם השבת על כן הוא נתן לכם ביום הששי לחם יומים שבו איש תחתיו אל יצא איש ממקמו ביום השביעי. [30] וישבתו העם ביום השביעי

ב׳:כ״א; ט״ו:כ״ה ישעיה מ״ב:כ״ד [t] ישעיה נ״ה:א׳ [u] ישעיה נ״ה:ג׳ [v] ישעיה נ״ה:ד׳ [w] ישעיה כ״א:ט׳

ולזרעה אשר לא ישכח שמה, ושמחות בניה על אמונתי אשר
בחרתי. [WLC ٣] כי כה אמר יהוה, אשר נתן לשמש לאור יומם
חקות ירח וכוכבים לאור לילה, רגע הים ויהמו גליו, יהוה צבאות
שמו. [٣]

שיר המעלות לשלמה

[١] אם יהוה לא יבנה בית, שוא עמלו בוניו בו. אם יהוה לא ישמר
עיר, שוא שקד שומר. [٢] שוא לכם משכימי קום, מאחרי שבת,
אכלי לחם העצבים, כן יתן לידידו שנה. [٣] הנה נחלת יהוה בנים,
שכר פרי הבטן. [٤] כחצים ביד גבור, כן בני הנעורים. [٥] אשרי
הגבר אשר מלא את אשפתו מהם, לא יבושו כי ידברו את אויבים
בשער.

[W] ٣٠:٤ ירמיה ٢١:١٠

יהושע ה

[13] וַיְהִי בִּהְיוֹת יְהוֹשֻׁעַ בִּירִיחוֹ וַיִּשָּׂא עֵינָיו וַיַּרְא וְהִנֵּה אִישׁ עֹמֵד לְנֶגְדּוֹ וְחַרְבּוֹ שְׁלוּפָה בְּיָדוֹ וַיֵּלֶךְ יְהוֹשֻׁעַ אֵלָיו וַיֹּאמֶר לוֹ הֲלָנוּ אַתָּה אִם לְצָרֵינוּ׃ [14] וַיֹּאמֶר לֹא כִּי אֲנִי שַׂר צְבָא יְהוָה עַתָּה בָּאתִי וַיִּפֹּל יְהוֹשֻׁעַ אַפַּיִם אַרְצָה וַיִּשְׁתָּחוּ וַיֹּאמֶר לוֹ מָה אֲדֹנִי מְדַבֵּר אֶל עַבְדּוֹ׃ [15x] וַיֹּאמֶר שַׂר צְבָא יְהוָה אֶל יְהוֹשֻׁעַ שַׁל נַעֲלְךָ מֵעַל רַגְלֶךָ כִּי הַמָּקוֹם אֲשֶׁר אַתָּה עֹמֵד עָלָיו קֹדֶשׁ הוּא וַיַּעַשׂ יְהוֹשֻׁעַ כֵּן׃ [16] וְיְרִיחוֹ סָגֹר וּמָסֻגָּר מִפְּנֵי בְּנֵי יִשְׂרָאֵל אֵין יוֹצֵא וְאֵין בָּא׃ [17] וַיֹּאמֶר יְהוָה אֶל יְהוֹשֻׁעַ רְאֵה נָתַתִּי בְּיָדְךָ אֶת יְרִיחוֹ וְאֶת מַלְכָּהּ גִּבּוֹרֵי הֶחָיִל׃ [18] וְנַקַּפְתֶּם אֶת הָעִיר כָּל אַנְשֵׁי הַמִּלְחָמָה הָקִיפוּ אֶת הָעִיר פַּעַם אַחַת תַּעֲשׂוּ שֵׁשֶׁת יָמִים׃ [19] וְשִׁבְעָה כֹהֲנִים יִשְׂאוּ שִׁבְעָה שׁוֹפְרוֹת הַיֹּבֵלִים לִפְנֵי הָאָרוֹן וּבַיּוֹם הַשְּׁבִיעִי תָּקִיפוּ אֶת הָעִיר שֶׁבַע פְּעָמִים וְהַכֹּהֲנִים יִתְקְעוּ בַּשּׁוֹפָרוֹת׃ [20] וְהָיָה כִּמְשֹׁךְ בְּקֶרֶן הַיֹּבֵל כְּשָׁמְעֲכֶם אֶת קוֹל הַשּׁוֹפָר יָרִיעַ כָּל הָעָם תְּרוּעָה גְּדוֹלָה וְנָפְלָה חוֹמַת הָעִיר תַּחְתֶּיהָ וְעָלָה הָעָם אִישׁ נֶגְדּוֹ וּלְכָדוּ אֶת הָעִיר׃ [21] וַיַּחֲרִימוּ אֶת כָּל אֲשֶׁר בָּעִיר מֵאִישׁ וְעַד אִשָּׁה מִנַּעַר וְעַד זָקֵן וְעַד שׁוֹר וָשֶׂה וְחֲמוֹר לְפִי חָרֶב׃ [22] וּלְשֵׁנֵי הָאֲנָשִׁים הַמְרַגְּלִים אֶת הָאָרֶץ אָמַר יְהוֹשֻׁעַ בֹּאוּ אֶל בֵּית הָאִשָּׁה הַזֹּנָה וְהוֹצִיאוּ מִשָּׁם אֶת הָאִשָּׁה וְאֶת כָּל אֲשֶׁר לָהּ כַּאֲשֶׁר נִשְׁבַּעְתֶּם לָהּ׃ [23] וַיָּבֹאוּ הַנְּעָרִים הַמְרַגְּלִים וַיּוֹצִיאוּ אֶת רָחָב וְאֶת אָבִיהָ וְאֶת אִמָּהּ וְאֶת אֶחֶיהָ וְאֵת כָּל אֲשֶׁר לָהּ וְאֵת כָּל מִשְׁפְּחוֹתֶיהָ הוֹצִיאוּ וַיַּנִּיחוּ אוֹתָם מִחוּץ לְמַחֲנֵה יִשְׂרָאֵל׃ [24] וְאֶת הָעִיר שָׂרְפוּ בָאֵשׁ וְאֵת כָּל אֲשֶׁר בָּהּ רַק הַכֶּסֶף וְהַזָּהָב וּכְלִי הַבַּרְזֶל וְהַנְּחֹשֶׁת נָתְנוּ אֶל אוֹצַר בֵּית יְהוָה׃ [25] וְאֶת רָחָב הַזּוֹנָה וְאֶת בֵּית אָבִיהָ וְאֶת כָּל אֲשֶׁר לָהּ הֶחֱיָה יְהוֹשֻׁעַ וַתֵּשֶׁב בְּקֶרֶב יִשְׂרָאֵל׃

---

[x] ה:יד וחקר יט:יח

[٢٦] لأن روح يهوه يذهب من هناك أمامك، وأنت تأتي إلى
النبيين الذين هم من يهوه.

أليشع يحيي ابن المرأة الشونمية

٦ [١] وكلم أليشع المرأة التي أحيا ابنها قائلا: قومي أنت وبيتك
وتغربي حيثما تجدين. لأن يهوه قد دعا الجوع أيضا، فيأتي
على الأرض سبع سنين. [٢] فقامت المرأة وفعلت بحسب قول
رجل الله، وذهبت هي وبيتها وتغربت في أرض الفلسطينيين
سبع سنين. [٣] وكان في نهاية السبع السنين أن المرأة رجعت
من أرض الفلسطينيين، وذهبت لتستغيث بالملك لأجل بيتها
وحقلها. [٤] والملك كان يتكلم مع جيحزي غلام رجل الله
قائلا: احكِ لي كل العظائم التي صنعها أليشع. [٥] وفيما هو
يحكي للملك كيف أحيا الميت، إذا بالمرأة التي أحيا ابنها
تستغيث بالملك لأجل بيتها وحقلها. فقال جيحزي: يا سيدي
الملك، هذه هي المرأة وهذا هو ابنها الذي أحياه أليشع.
[٦] فسأل الملك المرأة، فحكت له. فأقام لها الملك خصيا
واحدا قائلا: رُد كل ما هو لها وكل غلات الحقل من يوم
تركها الى الآن. [٧] وجاء أليشع الى دمشق، والبن-هدد ملك
أرام كان مريضا، فأخبروه قائلين: قد جاء رجل الله الى هنا.
[٨] فقال الملك لحزائيل: خذ بيدك هدية وامض لملاقاة رجل
الله، واسأل يهوه بواسطته قائلا: هل أبرأ من مرضي هذا؟
[٩] فمضى حزائيل لملاقاته وأخذ معه هدية من كل خيرات
دمشق، حمل أربعين جملا، وجاء ووقف أمام سيده وقال:
ابنك البن-هدد ملك أرام قد أرسلني اليك قائلا: هل أبرأ من
مرضي هذا؟ [١٠] فقال له أليشع: اذهب قل له: إنك تبرأ،
ولكن يهوه قد أراني أنه يموت موتا.

حيث جعل الصبي يصرخ له. [١٤] وقال أيضًا لرجل الله: «توسل إلى
الرب إلهك أن يرفع عني وعن ابني هذه الضربة». فتوسل موسى إلى
الرب، فرفع الضربة عن حزقيا. [١٥] ثم قال الرب لموسى: «اذهب
وقل لحزقيا إن الرب إله داود يقول: لقد سمعت صلاتك، ورأيت
دموعك، وسأشفيك. [١٦] وفي اليوم الثالث ستصعد إلى بيت الرب،
وسأضيف إلى أيامك خمس عشرة سنة. [١٧] ومن أشور أنقذك أنا
وهذه المدينة، وسأحميها من أجل نفسي ومن أجل عبدي داود».
[١٨] فأمر موسى أن يأخذوا كتلة من التين ويضعوها على الورم،
فشفي حزقيا.

ספר רות

פרק א

א וַיְהִי בִּימֵי שְׁפֹט הַשֹּׁפְטִים וַיְהִי רָעָב בָּאָרֶץ וַיֵּלֶךְ אִישׁ מִבֵּית לֶחֶם יְהוּדָה לָגוּר בִּשְׂדֵי מוֹאָב הוּא וְאִשְׁתּוֹ וּשְׁנֵי בָנָיו׃ ב וְשֵׁם הָאִישׁ אֱלִימֶלֶךְ וְשֵׁם אִשְׁתּוֹ נָעֳמִי וְשֵׁם שְׁנֵי בָנָיו מַחְלוֹן וְכִלְיוֹן אֶפְרָתִים מִבֵּית לֶחֶם יְהוּדָה וַיָּבֹאוּ שְׂדֵי מוֹאָב וַיִּהְיוּ שָׁם׃ ג וַיָּמָת אֱלִימֶלֶךְ אִישׁ נָעֳמִי וַתִּשָּׁאֵר הִיא וּשְׁנֵי בָנֶיהָ׃ ד וַיִּשְׂאוּ לָהֶם נָשִׁים מֹאֲבִיּוֹת שֵׁם הָאַחַת עָרְפָּה וְשֵׁם הַשֵּׁנִית רוּת וַיֵּשְׁבוּ שָׁם כְּעֶשֶׂר שָׁנִים׃ ה וַיָּמֻתוּ גַּם שְׁנֵיהֶם מַחְלוֹן וְכִלְיוֹן וַתִּשָּׁאֵר הָאִשָּׁה מִשְּׁנֵי יְלָדֶיהָ וּמֵאִישָׁהּ׃ ו וַתָּקָם הִיא וְכַלֹּתֶיהָ וַתָּשָׁב בִּשְׂדֵי מוֹאָב כִּי שָׁמְעָה בִּשְׂדֵה מוֹאָב כִּי פָקַד יְהוָה אֶת עַמּוֹ לָתֵת לָהֶם לָחֶם׃ ז וַתֵּצֵא מִן הַמָּקוֹם אֲשֶׁר הָיְתָה שָׁמָּה הִיא וּשְׁתֵּי כַלֹּתֶיהָ עִמָּהּ וַתֵּלַכְנָה בַּדֶּרֶךְ לָשׁוּב אֶל אֶרֶץ יְהוּדָה׃ ח וַתֹּאמֶר נָעֳמִי לִשְׁתֵּי כַלֹּתֶיהָ לֵכְנָה שֹּׁבְנָה אִשָּׁה לְבֵית אִמָּהּ יַעַשׂ יְהוָה עִמָּכֶם חֶסֶד כַּאֲשֶׁר עֲשִׂיתֶם עִם הַמֵּתִים וְעִמָּדִי׃ ט יִתֵּן יְהוָה לָכֶם וּתְמֶצְאֶינָה מְנוּחָה אִשָּׁה בֵּית אִישָׁהּ וַתִּשַּׁק לָהֶן וַתִּשֶּׂנָה אֶת קוֹלָן וַתִּבְכֶּינָה׃ י וַתֹּאמַרְנָה לָהּ כִּי אִתָּךְ נָשׁוּב לְעַמֵּךְ׃ יא וַתֹּאמֶר נָעֳמִי שֹׁבְנָה בְנֹתַי לָמָּה תֵלַכְנָה עִמִּי הַעוֹד לִי בָנִים בְּמֵעָי וְהָיוּ לָכֶם לַאֲנָשִׁים׃ יב שֹׁבְנָה בְנֹתַי לֵכְנָה כִּי זָקַנְתִּי מִהְיוֹת לְאִישׁ כִּי אָמַרְתִּי יֶשׁ לִי תִקְוָה גַּם הָיִיתִי הַלַּיְלָה לְאִישׁ וְגַם יָלַדְתִּי בָנִים׃

[13] ועתה ישוע, ואתם בעמוד שהכנו לכם בתנך, בשם יקיריכם
בפוקסטון, ושמעתם שהם מתו בגלל מחלה שהכה את כל
הכפר במשך שבועות רבים. [14] אני מקווה שתוכלו לסלוח
לנו על שהסתרנו מכם את האמת, אך לא יכולנו לעשות
אחרת.

הבטחת הישועה

[15] כאשר ישוע ואתם ואנחנו עמדנו יחד בכפר הקטן
שמחוץ לפוקסטון, [16] הוא אמר לנו שהוא יכול לרפא את
כל המחלות שהכו את הכפר, [17] ולהשיב את הנשמות
שאבדו לשטן. אך הוא אמר לנו שאנחנו לא נוכל לעשות
זאת, משום שהוא רצה שנלמד את האמת ונאמין בה.
[18] הוא אמר שהוא יכול לרפא את הגוף, אך לא את
הנשמה. הוא אמר שהוא יכול להשיב את הנשמה לגוף,
אך לא את הגוף לנשמה. [19] אנחנו לא יכולנו להבין
איך הוא יכול לעשות זאת, [20] אך אנחנו ידענו שהאמת
שהוא דיבר היא האמת, [21] ולכן אנחנו לא יכולנו לעשות
אחרת מאשר להאמין בו. אנחנו ידענו שאם נאמין בו
ונקבל את הישועה שהוא הציע, נוכל לחיות לנצח
בשמים, כי ישוע הוא האמת. [22] אנחנו ידענו שהוא
יכול לרפא את גופותינו, אך לא ידענו שהוא יכול לרפא
את נשמותינו עד שהוא הוכיח זאת לנו. [23] אנחנו
מאמינים, אנחנו יודעים שהוא יכול לרפא את נשמותינו
לנצח.

رسالة إلى ساردس

٢ ١«وَإِلَى مَلاَكِ كَنِيسَةِ سَارْدِسَ اكْتُبْ: هذَا يَقُولُ الَّذِي لَهُ
سَبْعَةُ أَرْوَاحِ اللهِ وَالسَّبْعَةُ الْكَوَاكِبِ: أَنَا عَارِفٌ أَعْمَالَكَ، أَنَّ لَكَ اسْمًا أَنَّكَ حَيٌّ
وَأَنْتَ مَيْتٌ. ٢كُنْ سَاهِرًا وَشَدِّدِ الَّذِي هُوَ عَتِيدٌ أَنْ يَمُوتَ، لأَنِّي لَمْ أَجِدْ أَعْمَالَكَ
كَامِلَةً أَمَامَ اللهِ. ٣فَاذْكُرْ كَيْفَ أَخَذْتَ وَسَمِعْتَ، وَاحْفَظْ وَتُبْ. فَإِنْ لَمْ تَسْهَرْ
أَجِيءُ كَلِصٍّ، وَلاَ تَعْلَمُ أَيَّةَ سَاعَةٍ أَجِيءُ عَلَيْكَ. ٤لَكِنَّ لَكَ أَسْمَاءً قَلِيلَةً فِي
سَارْدِسَ لَيْسَ هؤُلاَءِ قَدْ نَجَّسُوا ثِيَابَهُمْ، فَسَيَمْشُونَ مَعِي فِي ثِيَابٍ بِيضٍ لأَنَّهُمْ
مُسْتَحِقُّونَ. ٥اَلَّذِي يَغْلِبُ هكَذَا سَيُلْبَسُ ثِيَابًا بِيضًا، وَلَنْ أَمْحُوَ اسْمَهُ مِنْ سِفْرِ
الْحَيَاةِ، بَلْ أُقِرُّ بِاسْمِهِ أَمَامَ أَبِي وَأَمَامَ مَلاَئِكَتِهِ. ٦مَنْ لَهُ أُذُنٌ فَلْيَسْمَعْ مَا
يَقُولُ الرُّوحُ لِلْكَنَائِسِ».

رسالة إلى فيلادلفية

٧«وَإِلَى مَلاَكِ كَنِيسَةِ فِيلاَدَلْفِيَةَ اكْتُبْ: هذَا يَقُولُ الْقُدُّوسُ الصَّادِقُ، الَّذِي
لَهُ مِفْتَاحُ دَاوُدَ، الَّذِي يَفْتَحُ فَلاَ يُغْلِقُ أَحَدٌ، وَيُغْلِقُ فَلاَ يَفْتَحُ أَحَدٌ: ٨أَنَا عَارِفٌ
أَعْمَالَكَ. هُوَذَا قَدْ جَعَلْتُ أَمَامَكَ بَابًا مَفْتُوحًا لاَ يَقْدِرُ أَحَدٌ أَنْ يُغْلِقَهُ، لأَنَّ لَكَ
قُوَّةً يَسِيرَةً وَقَدْ حَفِظْتَ كَلِمَتِي وَلَمْ تُنْكِرْ اسْمِي. ٩هُوَذَا أَنَا أُعْطِي مِنْ مَجْمَعِ
الشَّيْطَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ إِنَّهُمْ يَهُودٌ وَهُمْ لَيْسُوا يَهُودًا بَلْ يَكْذِبُونَ، هُوَذَا أَنَا
أَجْعَلُهُمْ يَأْتُونَ وَيَسْجُدُونَ أَمَامَ رِجْلَيْكَ وَيَعْلَمُونَ أَنِّي أَنَا أَحْبَبْتُكَ. ١٠لأَنَّكَ
حَفِظْتَ كَلِمَةَ صَبْرِي أَنَا أَيْضًا أَحْفَظُكَ مِنْ سَاعَةِ التَّجْرِبَةِ الَّتِي سَتَأْتِي عَلَى
الْمَسْكُونَةِ كُلِّهَا لِتُجَرِّبَ السَّاكِنِينَ عَلَى الأَرْضِ. ١١هَا أَنَا آتِي سَرِيعًا. تَمَسَّكْ بِمَا
عِنْدَكَ لِئَلاَّ يَأْخُذَ أَحَدٌ إِكْلِيلَكَ. ١٢اَلَّذِي يَغْلِبُ فَسَأَجْعَلُهُ عَمُودًا فِي هَيْكَلِ
إِلهِي وَلاَ يَخْرُجُ بَعْدُ إِلَى خَارِجٍ، وَأَكْتُبُ عَلَيْهِ اسْمَ إِلهِي وَاسْمَ مَدِينَةِ إِلهِي

ואת כל הדור אנשי המלחמה תמו מקרב המחנה כאשר נשבע להם׃ יד
ויד יהוה היתה בם להמם מקרב המחנה עד תמם׃ טו ויהי כאשר
תמו כל אנשי המלחמה למות מקרב העם׃ טז וידבר יהוה אלי
לאמר׃ יז אתה עבר היום את גבול מואב את ער׃ יח וקרבת
מול בני עמון אל תצרם ואל תתגר בם כי לא אתן מארץ בני עמון
לך ירשה כי לבני לוט נתתיה ירשה׃ יט ארץ רפאים תחשב גם
היא לרפאים ישבו בה לפנים והעמים יקראו להם זמזמים׃ כ עם
גדול ורבים ורמי כענק ויושבים תחתם לאמים וישמידם מפניהם
וישבו תחתם׃ כא כמו שעשה לבני ענק את האמרי אשר הכחיד
מפניהם וישבו תחתם עד היום הזה׃ כב וכן עשה לבני עשו הישבים
בשעיר אשר הכחיד את החרי מפניהם וישבו תחתם עד היום הזה׃
כג והעוים הישבים בחצרים עד עזה כפתרים היצאים מכפתור
השמידם וישבו תחתם׃ כד קומו סעו ועברו את נחל ארנון ראה
נתתי בידך את סיחון האמרי מלך חשבון ואת ארצו החל רש
והתגר בו מלחמה׃ כה היום הזה אחל תת פחדך ויראתך על פני
העמים תחת כל השמים אשר ישמעון שמעך ורגזו וחלו מפניך׃
כו ואשלח מלאכים ממדבר קדמות אל סיחון מלך חשבון דברי
שלום לאמר׃ כז אעברה בארצך בדרך בדרך אלך לא אסור ימין
ושמאל׃ כח אכל תשבר ממני תעבור ברגלי רק אעברה׃ כט כאשר
עשו לי בני עשו הישבים בשעיר והמואבים הישבים בער עד אשר
אעבר את הירדן אל הארץ אשר יהוה אלהינו נתן לנו׃ ל ולא אבה
סיחון מלך חשבון הבתנו בו כי הקשה יהוה אלהיך את רוחו
והאמיץ את לבבו למען תתו בידך כיום הזה׃ לא ויאמר יהוה אלי
ראה החלתי תת לפניך את סיחון ואת ארצו החל רש לרשת את
ארצו׃ לב ויצא סיחון לקראתנו הוא וכל עמו למלחמה יהצה׃
לג ויתנהו יהוה אלהינו לפנינו ונך אתו ואת בניו ואת כל עמו׃
לד ונלכד את כל ערו בעת ההוא ונחרם את כל עיר מתם גברים
ונשים וטף לא השארנו שריד׃ לה רק הבהמה בזזנו לנו ושלל
ערים אשר לכדנו׃ לו מערער אשר על שפת נחל ארנון והעיר אשר
בנחל ועד הגלעד לא היתה קריה אשר שגבה ממנו את הכל אתנו
נתן יהוה אלהינו לפנינו׃ לז רק אל ארץ בני עמון לא קרבת כל
יד נחל יבק וערי ההר וכל אשר צוה יהוה אלהינו׃

ג א ונפן ונעבר דרך הבשן ויצא עוג מלך הבשן לקראתנו הוא וכל
עמו למלחמה אדרעי׃ ב ויאמר יהוה אלי אל תירא אתו כי בידך
נתתי אתו ואת כל עמו ואת ארצו ועשית לו כאשר עשית לסיחון
מלך האמרי אשר יושב בחשבון׃ ג ויתן יהוה אלהינו בידנו גם את
עוג מלך הבשן ואת כל עמו ונכהו עד בלתי השאיר לו שריד׃
ד ונלכד את כל ערו בעת ההוא לא היתה קריה אשר לא לקחנו
מהם ששים ערים כל חבל ארגב ממלכת עוג בבשן׃ ה כל אלה ערים
בצורות חומה גבהה דלתים ובריח לבד מערי הפרזי הרבה מאד׃
ו ונחרם אתם כאשר עשינו לסיחון מלך חשבון החרם כל עיר מתם
גברים ונשים וטף׃ ז וכל הבהמה ושלל הערים בזזנו לנו׃

כתבו הקדוש בלבד שהוא יהיה מוכן לכל מעשה טוב. ⁸ועוד
לא אמרתי כאן שהוא יהיה בלי חטא, אלא שהוא יתגבר
על החטא בכוחו של המשיח שחי בו. ⁹אני יודע שכל
מאמיני המשיח נקראים בשמו, אך לא כולם מתנהגים
כראוי לאנשים שנקראים בשמו של המשיח. ¹⁰לכן אני
אומר לכם, אל תתנו לאנשים שאינם מאמינים במשיח
לשלוט בכם. ¹¹כי אם תעשו זאת, הם יתחילו לחשוב
שהם יכולים לעשות כל מה שהם רוצים, ולא יהיה
אכפת להם אם מה שהם עושים הוא נכון או לא נכון.
¹²כמו שכתוב בספר הקדוש: "אלוהים אמר לאברהם
שיקריב את בנו יצחק". ¹³אבל אברהם לא הקריב את
בנו, כי הוא האמין שאלוהים יכול להחזיר את יצחק
לחיים, כאילו הוא קם מן המתים.

הקשר בין הגר לשרה

¹⁴אבל אברהם לא הקריב את בנו יצחק, ¹⁵והוא יכול
להוכיח זאת. כי אברהם היה אביו של שני בנים,
אחד מהם נולד מאישה חופשית ואחד מהם נולד
מעבדה. ¹⁶הבן שנולד מהאישה החופשית נולד
מפני שאברהם האמין בהבטחה שאלוהים נתן לו,
ואילו הבן שנולד מהעבדה נולד מפני שאברהם
עשה את הדברים בכוחות עצמו. ¹⁷כתוב בספר הקדוש
שאלוהים הבטיח לאברהם שיהיו לו הרבה צאצאים,
ואברהם האמין בהבטחה הזאת. ¹⁸אברהם האמין
בהבטחה, למרות שהיה נראה שאין שום סיכוי
שהבטחה כזאת תתגשם, ¹⁹ולמרות שאברהם ידע
שגופו הוא כבר גוף של אדם זקן, וגם שרה אשתו
כבר לא יכולה ללדת ילדים, אברהם המשיך להאמין
בהבטחה של אלוהים. ²⁰ואברהם לא הפסיק להאמין
בהבטחה של אלוהים, אפילו לא לרגע אחד. הוא
המשיך לבטוח באלוהים, ²¹כי הוא היה משוכנע
שאלוהים יכול לעשות כל מה שהוא הבטיח.

משל הלבנה והברזל

ד [1] ואתה בן־אדם קח־לך לבנה ונתתה אותה לפניך, וחקית עליה עיר את־ירושלם׃ [2] ונתת עליה מצור ובנית עליה דיק וסללת עליה סללה ונתת עליה מחנות ושמת־לך עליה כרים סביב׃ [3] ואתה קח־לך מחבת ברזל ונתתה אותה קיר ברזל בינך ובין העיר והכנת את־פניך אליה והיתה בצור והצרת אותה בית ישראל הוא׃ [4] ואתה שכב על־צדך השמאלי ושמת את־עון בית ישראל עליו מספר הימים אשר תשכב עליו תשא את־עונם׃ [5] ואני נתתי לך את־שנות עונם למספר ימים שלש מאות ותשעים יום ונשאת עון בית ישראל׃ [6] וכלית את־אלה ושכבת שנית על־צדך הימני ונשאת את־עון בית יהודה ארבעים יום יום לשנה יום לשנה נתתי לך׃ [7] ואל־מצור ירושלם תכין פניך וזרועך חשופה והנבאת עליה׃ [8] והנה נתתי עליך עבותים ולא תהפך מצדך אל־צדך עד־כלותך ימי מצורך׃ [9] ואתה קח־לך חטים ושערים ופול ועדשים ודחן ושבלת ושמתה אותם בכלי אחד ועשית אותם לך ללחם מספר הימים אשר אתה שכב על־צדך שלש מאות ותשעים יום תאכלנו׃ [10] והאכלתך מאכלך במשקל עשרים שקל ליום מעת עד־עת תאכלנו׃ [11] ומים במשורה תשתה ששית ההין מעת עד־עת תשתה׃ [12] ועגות שערים תאכלנה והיא בגללי האדם תעגנה לעיניהם׃ [13] ויאמר יהוה כה יאכלו בני־ישראל את־לחמם טמא בגוים אשר אדיחם שם׃ [14] ואמר אהה אדני יהוה הנה נפשי לא מטמאה ונבלה וטרפה לא־אכלתי מנעורי ועד־עתה ולא־בא בפי בשר פגול׃ [15] ויאמר אלי ראה נתתי לך את־צאת הבקר תחת גללי האדם ועשית את־לחמך עליהם׃

ד:ח מלכים ב יח:יג

ויבך, [16] ותשא קולה ותבך עוד אליהם ותשק ערפה לחמותה
וערפה שבה אל עמה ואל אלהיה הלכי אחרי יבמתך.

ברית רות ונעמי

[17] ותאמר רות אל תפגעי בי לעזבך לשוב מאחריך כי אל אשר
תלכי אלך ובאשר תלוני אלין עמך עמי ואלהיך אלהי. [18] ותרא כי
מתאמצת היא ללכת אתה ותחדל דבר אליה. [19] ותלכנה שתיהן
עד בואן בית לחם ויהי כבואן בית לחם ותהם כל העיר עליהן
ותאמרנה הזאת נעמי. [20] ותאמר אליהן אל תקראנה לי נעמי
קראן לי מרא כי המר שדי לי מאד. [21] אני מלאה הלכתי
ריקם ישיבני יהוה למה תקראנה לי נעמי ויהוה ענה בי
ושדי הרע אתי. [22] ותשב נעמי ורות המואביה כלתה עמה
השבה משדי מואב והנה באו בית לחם בתחלת קציר שערים.

בועז ורות

[23] ולנעמי מודע לאיש גבור חיל ממשפחת אלימלך ושמו בועז.
[24] ותאמר רות המואביה אל נעמי אלכה נא השדה ואלקטה
בשבלים אחר אשר אמצא חן בעיניו ותאמר לה לכי בתי. [25] ותלך
ותבוא ותלקט בשדה אחרי הקצרים ויקר מקרה חלקתה לבועז
אשר ממשפחת אלימלך. [26] והנה בועז בא מבית לחם ויאמר
לקוצרים יהוה עמכם ויאמרו לו יברכך יהוה. [27] ויאמר בועז
לנערו הנצבת על הקוצרים למי הנערה הזאת. [28] ויען הנער
הנצב על הקוצרים ויאמר נערה מואביה היא השבה עמנו משדי
מואב. [29] ותאמר אלקטה נא ואספתי בעמרים אחרי הקוצרים
ותבוא ותעמד מן הבקר ועד עתה זה שבתה הבית מעט. [30] ויאמר

---

[z] ד:כו ומשפחת ד:ד

ולמען נחלת את־שם־המת על־נחלתו ולא־יכרת השם מעם אחיו ומשער מקומו עדים אתם היום׃ ³¹ ויאמר הגאל לבעז קנה־לך אתה את־קנייני כי־אנכי לא אוכל לגאל לי פן־אשחית את־נחלתי גאל־לך את־גאולתי כי לא־אוכל לגאול׃ ³² וזאת לפנים בישראל על־הגאולה ועל־התמורה לקים כל־דבר שלף איש נעלו ונתן לרעהו וזאת התעודה בישראל׃

בועז נושא את רות

ד ³ ובעז עלה השערה וישב שם והנה הגאל עבר אשר דבר־בעז ויאמר סורה שב־פה פלני אלמני כי־מכרה חלקת השדה אשר לאחינו לאלימלך׃ ² ואני אמרתי אגלה אזנך לאמר קנה נגד־הישבים ונגד זקני עמי אם־תגאל גאל ואם־לא יגאל הגידה לי ואדע כי־אין זולתך לגאל ואנכי אחריך ויאמר אנכי אגאל׃ ³ ויאמר בעז ביום־קנותך השדה מיד נעמי וגם מאת רות המואביה אשת־המת אני קניתי להקים שם־המת על־נחלתו׃ ⁴ ואני אמרתי אגלה אזנך לאמר קנה נגד־הישבים ונגד זקני עמי אם־תגאל גאל ואם־לא יגאל הגידה לי ואדע כי־אין זולתך לגאל ואנכי אחריך ויאמר אנכי אגאל׃ ⁵ ויאמר בעז ביום־קנות השדה מיד נעמי וגם מאת רות המואביה אשת־המת קניתי לי לאשה להקים שם־המת על־נחלתו׃ ⁶ ויאמר הגאל לא אוכל לגאל לי פן־אשחית את־נחלתי גאל־לך את־גאולתי כי לא־אוכל לגאול׃ ⁷ וזאת לפנים בישראל על־הגאולה ועל־התמורה לקים כל־דבר שלף איש נעלו ונתן לרעהו וזאת התעודה בישראל׃ ⁸ ויאמר הגאל לבעז קנה־לך ויחלץ נעלו׃ ⁹ ויאמר בעז אל־הזקנים ואל־כל־העם עדים אתם היום כי קניתי את־כל־אשר לאלימלך ואת־כל־אשר לכליון ומחלון מיד נעמי׃ ¹⁰ וגם את־רות המואביה אשת־מחלון קניתי לי לאשה להקים שם־המת על־נחלתו ולא־יכרת שם־המת מעם אחיו ומשער מקומו עדים אתם היום׃ ¹¹ ויאמרו כל־העם אשר בשער והזקנים עדים יתן יהוה את־האשה הבאה אל־ביתך כרחל וכלאה אשר בנו שתי אלה את־בית ישראל ועשה־חיל באפרתה וקרא־שם בבית לחם׃ ¹² ויהי ביתך כבית פרץ אשר ילדה תמר ליהודה מן־הזרע אשר יתן יהוה לך מן־הנערה הזאת׃ ¹³ ויקח בעז את־רות והיתה לו לאשה ויבא אליה ויתן יהוה לה הרון ותלד בן׃

וַתִּדְבַּק רוּת בָּהּ׃ {יד} וַתֹּאמֶר הִנֵּה שָׁבָה יְבִמְתֵּךְ אֶל־עַמָּהּ וְאֶל־אֱלֹהֶיהָ שׁוּבִי
אַחֲרֵי יְבִמְתֵּךְ׃ {טו} וַתֹּאמֶר נָעֳמִי כִּי שָׁבָה יְבִמְתֵּךְ אֶל־עַמָּהּ וְאֶל־אֱלֹהֶיהָ
שׁוּבִי כַּלָּתֵךְ׃ {טז} וַתֹּאמֶר רוּת אַל־תִּפְגְּעִי־בִי לְעָזְבֵךְ לָשׁוּב מֵאַחֲרָיִךְ כִּי אֲשֶׁר
תֵּלְכִי אֵלֵךְ וּבַאֲשֶׁר תָּלִינִי אָלִין עַמֵּךְ עַמִּי וֵאלֹהַיִךְ אֱלֹהָי׃ {יז} בַּאֲשֶׁר תָּמוּתִי
אָמוּת וְשָׁם אֶקָּבֵר כֹּה יַעֲשֶׂה יְהוָה לִי וְכֹה יוֹסִיף כִּי הַמָּוֶת יַפְרִיד בֵּינִי וּבֵינֵךְ׃
{יח} וַתֵּרֶא כִּי מִתְאַמֶּצֶת הִוא לָלֶכֶת אִתָּהּ וַתֶּחְדַּל לְדַבֵּר אֵלֶיהָ׃ {יט} וַתֵּלַכְנָה
שְׁתֵּיהֶם עַד כִּי־בָאָה בֵּית לָחֶם וַיְהִי כְּבוֹא־בֵית לֶחֶם וַתֶּהֱמֶה כָּל־הָעִיר עֲלֵיהֶן
וַתֹּאמַרְנָה הֲזֹאת נָעֳמִי׃ {כ} וַתֹּאמֶר אֲלֵהֶן אַל־תִּקְרֶאנָה לִי נָעֳמִי קְרֶאנָה לִי
מָרָא כִּי הֵמַר שַׁדַּי לִי מְאֹד׃ {כא} אֲנִי מְלֵאָה הָלַכְתִּי וְרֵיקָם הֱשִׁיבַנִי יְהוָה
לָמָּה תִקְרֶאנָה לִי נָעֳמִי וַיהוָה עָנָה בִי וְשַׁדַּי הֵרַע לִי׃

רות ב

{כב} וַתָּשָׁב נָעֳמִי וְרוּת הַמֹּאֲבִיָּה כַּלָּתָהּ עִמָּהּ הַשָּׁבָה מִשְּׂדֵי מוֹאָב וְהֵמָּה
בָּאוּ בֵּית לֶחֶם בִּתְחִלַּת קְצִיר שְׂעֹרִים׃ {א} וּלְנָעֳמִי מוֹדָע לְאִישָׁהּ אִישׁ גִּבּוֹר חַיִל
מִמִּשְׁפַּחַת אֱלִימֶלֶךְ וּשְׁמוֹ בֹּעַז׃ {ב} וַתֹּאמֶר רוּת הַמֹּאֲבִיָּה אֶל־נָעֳמִי אֵלְכָה־נָּא
הַשָּׂדֶה וַאֲלַקְּטָה בַשִּׁבֳּלִים אַחַר אֲשֶׁר אֶמְצָא־חֵן בְּעֵינָיו אֵלֵךְ בִּתִּי לְכִי׃ {ג}
וַתֵּלֶךְ וַתָּבוֹא וַתְּלַקֵּט בַּשָּׂדֶה אַחֲרֵי הַקֹּצְרִים וַיִּקֶר מִקְרֶהָ חֶלְקַת הַשָּׂדֶה לְבֹעַז
אֲשֶׁר מִמִּשְׁפַּחַת אֱלִימֶלֶךְ׃ {ד} וְהִנֵּה־בֹעַז בָּא מִבֵּית לֶחֶם וַיֹּאמֶר לַקֹּצְרִים יְהוָה
עִמָּכֶם וַיֹּאמְרוּ לוֹ יְבָרֶכְךָ יְהוָה׃ {ה} וַיֹּאמֶר בֹּעַז לְנַעֲרוֹ הַנִּצָּב עַל־הַקֹּצְרִים
לְמִי הַנַּעֲרָה הָזֹאת׃ {ו} וַיַּעַן הַנַּעַר הַנִּצָּב עַל־הַקֹּצְרִים וַיֹּאמַר נַעֲרָה מוֹאֲבִיָּה הִוא
הַשָּׁבָה עִם־נָעֳמִי מִשְּׂדֵי מוֹאָב׃ {ז} וַתֹּאמֶר אֲלַקֳּטָה־נָּא וְאָסַפְתִּי בָעֳמָרִים אַחֲרֵי
הַקֹּצְרִים וַתָּבוֹא וַתַּעֲמֹד מֵאָז הַבֹּקֶר וְעַד־עָתָּה זֶה שִׁבְתָּהּ הַבַּיִת מְעָט׃ {ח}
וַיֹּאמֶר בֹּעַז אֶל־רוּת הֲלוֹא שָׁמַעַתְּ בִּתִּי אַל־תֵּלְכִי לִלְקֹט בְּשָׂדֶה אַחֵר וְגַם לֹא
תַעֲבְרִי מִזֶּה וְכֹה תִדְבָּקִין עִם־נַעֲרֹתָי׃ {ט} עֵינַיִךְ בַּשָּׂדֶה אֲשֶׁר יִקְצֹרוּן וְהָלַכְתְּ
אַחֲרֵיהֶן הֲלוֹא צִוִּיתִי אֶת־הַנְּעָרִים לְבִלְתִּי נָגְעֵךְ וְצָמִת וְהָלַכְתְּ אֶל־הַכֵּלִים
וְשָׁתִית מֵאֲשֶׁר יִשְׁאֲבוּן הַנְּעָרִים׃ {י} וַתִּפֹּל עַל־פָּנֶיהָ וַתִּשְׁתַּחוּ אָרְצָה וַתֹּאמֶר
אֵלָיו מַדּוּעַ מָצָאתִי חֵן בְּעֵינֶיךָ לְהַכִּירֵנִי וְאָנֹכִי נָכְרִיָּה׃ {יא} וַיַּעַן בֹּעַז וַיֹּאמֶר
אֵלֶיהָ הֻגֵּד הֻגַּד לִי כֹּל אֲשֶׁר עָשִׂית אֶת־חֲמוֹתֵךְ אַחֲרֵי מוֹת אִישֵׁךְ וַתַּעַזְבִי אָבִיךְ
וְאִמֵּךְ וְאֶרֶץ מוֹלַדְתֵּךְ וַתֵּלְכִי אֶל־עַם אֲשֶׁר לֹא־יָדַעַתְּ תְּמוֹל שִׁלְשׁוֹם׃ {יב}
יְשַׁלֵּם יְהוָה פָּעֳלֵךְ וּתְהִי מַשְׂכֻּרְתֵּךְ שְׁלֵמָה מֵעִם יְהוָה אֱלֹהֵי יִשְׂרָאֵל אֲשֶׁר בָּאת
לַחֲסוֹת תַּחַת כְּנָפָיו׃ {יג} וַתֹּאמֶר אֶמְצָא־חֵן בְּעֵינֶיךָ אֲדֹנִי כִּי נִחַמְתָּנִי וְכִי דִבַּרְתָּ
עַל־לֵב שִׁפְחָתֶךָ וְאָנֹכִי לֹא אֶהְיֶה כְּאַחַת שִׁפְחֹתֶיךָ׃

מַלְמִיכִי וְטוֹב יִשַׁי וְשָׁמוּעַ׃ [30] וְדָוִד בֶּן־שִׁבְעִים שָׁנָה וְשִׁמוּאֵל הַנָּבִיא לָקַח אֶת־פַּךְ
הַשֶּׁמֶן וַיִּמְשַׁח אֹתוֹ בְּקֶרֶב אֶחָיו׃ [31] וַתִּצְלַח רוּחַ יְהוָה אֶל־דָּוִד מִן־הַיּוֹם הַהוּא
וָמָעְלָה׃ וַיָּקָם שְׁמוּאֵל וַיֵּלֶךְ הָרָמָתָה׃ [32a] וְרוּחַ יְהוָה סָרָה מֵעִם שָׁאוּל וּבִעָתַתְהוּ
רוּחַ רָעָה מֵאֵת יְהוָה׃ [33] וַיֹּאמְרוּ עַבְדֵי שָׁאוּל אֵלָיו הִנֵּה־נָא רוּחַ אֱלֹהִים רָעָה
מְבַעַתְתֶּךָּ׃ [34] יֹאמַר אֲדֹנֵינוּ יְצַוּוּ עַבְדֶּיךָ לְפָנֶיךָ יְבַקְשׁוּ אִישׁ יוֹדֵעַ מְנַגֵּן בְּכִנּוֹר
וְהָיָה בְּהִיוֹת עָלֶיךָ רוּחַ אֱלֹהִים רָעָה וְנִגֵּן בְּיָדוֹ וְטוֹב לָךְ׃

רות ב

[1] וּלְנָעֳמִי מוֹדַע לְאִישָׁהּ אִישׁ גִּבּוֹר חָיִל מִמִּשְׁפַּחַת אֱלִימֶלֶךְ וּשְׁמוֹ בֹּעַז׃ [2] וַתֹּאמֶר
רוּת הַמֹּאֲבִיָּה אֶל־נָעֳמִי אֵלְכָה־נָּא הַשָּׂדֶה וַאֲלַקְּטָה בַשִּׁבֳּלִים אַחַר אֲשֶׁר־אֶמְצָא־חֵן
בְּעֵינָיו בַּת וַתֹּאמֶר לָהּ לְכִי בִתִּי׃ [3] וַתֵּלֶךְ וַתָּבוֹא וַתְּלַקֵּט בַּשָּׂדֶה אַחֲרֵי הַקֹּצְרִים
וַיִּקֶר מִקְרֶהָ חֵלֶק הַשָּׂדֶה לְבֹעַז אֲשֶׁר מִמִּשְׁפַּחַת אֱלִימֶלֶךְ׃ [4b] וְהִנֵּה בֹעַז בָּא מִבֵּית
לֶחֶם וַיֹּאמֶר לַקֹּצְרִים יְהוָה עִמָּכֶם וַיֹּאמְרוּ לוֹ יְבָרֶכְךָ יְהוָה׃

רות ב:ה–יב

[5] וַיֹּאמֶר בֹּעַז לְנַעֲרוֹ הַנִּצָּב עַל־הַקֹּצְרִים לְמִי הַנַּעֲרָה׃ [6] וַיַּעַן הַנַּעַר הַנִּצָּב עַל־הַקֹּצְרִים
וַיֹּאמַר נַעֲרָה מוֹאֲבִיָּה הִוא הַשָּׁבָה עִם־נָעֳמִי מִשְּׂדֵי מוֹאָב׃ [7] וַתֹּאמֶר אֲלַקֳּטָה־נָּא
וְאָסַפְתִּי בָעֳמָרִים אַחֲרֵי הַקֹּצְרִים וַתָּבוֹא וַתַּעֲמֹד מֵאָז הַבֹּקֶר וְעַד־עָתָּה זֶה שִׁבְתָּהּ
הַבַּיִת מְעָט׃ [8] וַיֹּאמֶר בֹּעַז אֶל־רוּת הֲלוֹא שָׁמַעַתְּ בִּתִּי אַל־תֵּלְכִי לִלְקֹט בְּשָׂדֶה אַחֵר
וְגַם לֹא תַעַבְרִי מִזֶּה וְכֹה תִדְבָּקִין עִם־נַעֲרֹתָי׃ [9] עֵינַיִךְ בַּשָּׂדֶה אֲשֶׁר יִקְצֹרוּן וְהָלַכְתְּ
אַחֲרֵיהֶן הֲלוֹא צִוִּיתִי אֶת־הַנְּעָרִים לְבִלְתִּי נָגְעֵךְ וְצָמִת וְהָלַכְתְּ אֶל־הַכֵּלִים וְשָׁתִית
מֵאֲשֶׁר יִשְׁאֲבוּן הַנְּעָרִים׃

---

[a] 1 שמואל טז:יד–כג; יח:י–יא [b] מתי ו:ג–ד; לוקס יב:כב–לא; 1 יוחנן ג:יז

الختم السادس

١٠ وَنَادَوْا بِصَوْتٍ عَظِيمٍ قَائِلِينَ: «حَتَّى مَتَى أَيُّهَا السَّيِّدُ
الْقُدُّوسُ وَالْحَقُّ، لَا تَقْضِي وَلَا تَنْتَقِمُ لِدِمَائِنَا مِنَ السَّاكِنِينَ
عَلَى الأَرْضِ؟» ١١ فَأُعْطِيَ كُلُّ وَاحِدٍ ثِيَابًا بَيْضَاءَ، وَقِيلَ لَهُمْ أَنْ
يَسْتَرِيحُوا زَمَانًا يَسِيرًا أَيْضًا، إِلَى أَنْ يَكْمُلَ الْعَبِيدُ رِفَاقُهُمْ
وَإِخْوَتُهُمُ الْمُزْمِعُونَ أَنْ يُقْتَلُوا كَمَا قُتِلُوا هُمْ. ١٢ وَنَظَرْتُ
لَمَّا فَتَحَ الْخَتْمَ السَّادِسَ، فَحَدَثَ زَلْزَلَةٌ عَظِيمَةٌ، وَالشَّمْسُ
صَارَتْ سَوْدَاءَ كَمِسْحٍ مِنْ شَعْرٍ، وَالْقَمَرُ كُلُّهُ صَارَ كَدَمٍ، ١٣ وَنُجُومُ
السَّمَاءِ سَقَطَتْ إِلَى الأَرْضِ كَمَا تُلْقِي التِّينَةُ مِنْ يَدِهَا
فَجَّهَا إِذَا هَزَّتْهَا رِيحٌ عَظِيمَةٌ. ١٤ وَالسَّمَاءُ انْفَلَقَتْ كَدَرْجٍ
مَلْفُوفٍ، وَكُلُّ جَبَلٍ وَجَزِيرَةٍ تَزَحْزَحَا عَنْ مَوَاضِعِهِمَا.
١٥ وَمُلُوكُ الأَرْضِ وَالْعُظَمَاءُ وَالأَغْنِيَاءُ وَالأُمَرَاءُ وَالأَقْوِيَاءُ
وَكُلُّ عَبْدٍ وَكُلُّ حُرٍّ، خَبَّأُوا أَنْفُسَهُمْ فِي الْمَغَايِرِ وَفِي صُخُورِ
الْجِبَالِ، ١٦ وَقَالُوا لِلْجِبَالِ وَالصُّخُورِ: «اسْقُطِي عَلَيْنَا وَأَخْفِينَا
عَنْ وَجْهِ الْجَالِسِ عَلَى الْعَرْشِ وَعَنْ غَضَبِ الْخَرُوفِ، ١٧ لأَنَّهُ قَدْ
جَاءَ يَوْمُ غَضَبِهِمَا الْعَظِيمُ، وَمَنْ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَقِفَ؟»

الختم لشعب الله

٧ ١ وَبَعْدَ ذَلِكَ رَأَيْتُ أَرْبَعَةَ مَلاَئِكَةٍ وَاقِفِينَ عَلَى أَرْبَعِ زَوَايَا
الأَرْضِ، يُمْسِكُونَ أَرْبَعَ رِيَاحِ الأَرْضِ لِئَلاَّ تَهُبَّ رِيحٌ عَلَى
الأَرْضِ وَلاَ عَلَى الْبَحْرِ وَلاَ عَلَى شَجَرَةٍ مَا. ٢ وَرَأَيْتُ مَلاَكًا آخَرَ
صَاعِدًا مِنْ مَشْرِقِ الشَّمْسِ، مَعَهُ خَتْمُ اللهِ الْحَيِّ، فَصَرَخَ بِصَوْتٍ

وَمَنْ هُمْ مَعَهُ مِنَ الْمَلاَئِكَةِ، وَمَنْ هُمْ مَعَهُ مِنَ الْبَشَرِ. ٢٣ حَتَّى لاَ يَكُونَ لِلْمَسِيحِ الَّذِي فِي الْجَسَدِ
بَعْدُ مَعَ الَّذِينَ هُمْ خَارِجَ الْجَسَدِ مَعَ الْمَسِيحِ. ٢٤ فَحِينَئِذٍ يَكُونُ لِلْمَسِيحِ الَّذِي فِي الْجَسَدِ
مَعَ الَّذِينَ هُمْ خَارِجَ الْجَسَدِ مَعَ الْمَسِيحِ كُلٌّ وَاحِدٌ. آمِينَ.

لعازر يقام من الموت

مرثا ومريم ترسلان الخبر

١ وكان رجل مريض اسمه لعازر من بيت عنيا، من قرية مريم ١ومرثا أختها. ٢ومريم هذه التي دهنت الرب بالطيب ومسحت قدميه بشعرها، وكان أخوها لعازر مريضا. ٣فأرسلت الأختان إلى يسوع تقولان: «يا سيد، هوذا الذي تحبه مريض». ٤فلما سمع يسوع قال: «هذا المرض ليس للموت، بل لمجد الله، ليتمجد ابن الله به». ٥وكان يسوع يحب مرثا وأختها ولعازر. ٦ولما سمع أنه مريض مكث يومين في المكان الذي كان فيه. ٧ثم بعد ذلك قال للتلاميذ: «لنذهب إلى اليهودية أيضا». ٨قال له التلاميذ: «يا معلم، الآن كان اليهود يطلبون أن يرجموك، أتذهب أيضا إلى هناك؟». ٩أجاب يسوع: «أليست ساعات النهار اثنتي عشرة؟ إن كان أحد يسلك في النهار لا يعثر، لأنه ينظر نور هذا العالم. ١٠ولكن إن كان أحد يسلك في الليل يعثر، لأن النور ليس فيه». ١١قال هذا، وبعد ذلك قال لهم: «لعازر حبيبنا قد نام، لكني أذهب لأوقظه من النوم».

يوحنا تعمید می دهد

۱۲ بنابراین، همان طور که در کتاب اشعیای نبی نوشته شده است،
«من پیام‌آور خود را پیش روی تو می‌فرستم تا راه را برای تو آماده سازد.
۱۳ صدای کسی را می‌شنوم که در بیابان فریاد می‌زند:
راه خداوند را آماده سازید و راه‌های او را هموار کنید.»
۱۴ یحیی در بیابان تعمید می‌داد و مردم را دعوت می‌کرد
که توبه کنند و تعمید بگیرند تا خدا گناهان آنها را ببخشد.
۱۵ مردم از سراسر یهودیه و اورشلیم نزد او می‌رفتند،
گناهان خود را اعتراف می‌کردند و در رود اردن تعمید می‌گرفتند.
۱۶ یحیی لباس خود را از پوست شتر می‌ساخت و کمربند چرمی می‌بست.
غذای او ملخ و عسل وحشی بود. ۱۷ او چنین موعظه می‌کرد:
«کسی که پس از من می‌آید، از من بسیار نیرومندتر است.
من حتی لیاقت ندارم که خم شوم و بند کفش او را باز کنم.
۱۸ من شما را با آب تعمید می‌دهم، اما او شما را با روح‌القدس تعمید خواهد داد.»

تعمید عیسی

۱۹ در آن روزها، عیسی از شهر ناصره در جلیل آمد و یحیی او را در رود اردن تعمید داد.
۲۰ همین که عیسی از آب بیرون آمد، دید که آسمان شکافته شد
و روح‌القدس به شکل کبوتر بر او فرود آمد.
۲۱ سپس صدایی از آسمان شنیده شد که می‌گفت:
«تو پسر عزیز من هستی و من از تو بسیار خشنودم.»
۲۲ بلافاصله روح‌القدس عیسی را به بیابان برد.
۲۳ او در آنجا چهل روز ماند و شیطان او را وسوسه کرد.
در آنجا با حیوانات وحشی زندگی می‌کرد و فرشتگان از او مراقبت می‌کردند.
۲۴ بعد از آنکه یحیی زندانی شد، عیسی به جلیل رفت
و پیام خدا را به مردم اعلام کرد. ۲۵ او می‌گفت:

وقد أعطى الله لكل الأمم التي حولهم أن يكونوا أصدقاء لهم. ٢٧ وقد أعطى الله لهم أن يكونوا أصدقاء لكل الأمم التي حولهم. ٢٨ وقد أعطى الله لهم أن يكونوا أصدقاء لكل الأمم التي حولهم. ٢٩ وقد أعطى الله لهم أن يكونوا أصدقاء لكل الأمم التي حولهم. ٣٠ وقد أعطى الله لهم أن يكونوا أصدقاء لكل الأمم التي حولهم.

الفصل الثاني

٢ ١ وفي تلك الأيام، قام متتيا بن يوحنا بن سمعان الكاهن من بيت يوآريب، وانتقل من أورشليم إلى مودين. ٢ وكان له خمسة بنين، يوحنان الملقب غادي، ٣ وسمعان الملقب تاسي، ويهوذا الملقب مكابي، ٤ وألعازار الملقب أفران، ويوناثان الملقب أفوس. ٥ ورأى يهوذا الملقب مكابي أن الأمم التي حولهم قد تجمعت ضد اليهود، ٦ وأن الملك أنطيوخس قد أرسل جيشاً إلى أورشليم ليقتل الناس ويأخذ الغنائم. ٧ ورأى أن الأمم التي حولهم قد أخذت الهيكل وأحرقت أبوابه. ٨ ورأى أن الأمم التي حولهم قد أخذت الهيكل وأحرقت أبوابه.

בלבבם. [9] כה אמר יהוה זכרתי לך חסד נעוריך אהבת כלולתיך לכתך אחרי במדבר בארץ לא זרועה. [10] קדש ישראל ליהוה ראשית תבואתה כל אכליו יאשמו רעה תבוא אליהם נאם יהוה. [11] שמעו דבר יהוה בית יעקב וכל משפחות בית ישראל. [12] כה אמר יהוה מה מצאו אבותיכם בי עול כי רחקו מעלי וילכו אחרי הבל ויהבלו. [13] ולא אמרו איה יהוה המעלה אתנו מארץ מצרים המולכנו במדבר בארץ ערבה ושחת בארץ ציה וצלמות בארץ לא עבר בה לא אדם ולא ישב אדם שם. [14] הגוי לא שכלתי ואתם בני תעבו ותהיו לי לנחלה. [15] עלי כפירים שאגו נתנו קולם וישיתו ארצו לשמה עריו נצתו מבלי יושב. [16] גם בני נף ותחפנס ירעוך קדקד. [17] הלוא את זאת תעשה לך בעזבך את יהוה אלהיך לעת מוליכו בדרך. [18] ועתה מה לך לדרך מצרים לשתות מי שיחור ומה לך לדרך אשור לשתות מי נהר. [19] תיסרך רעתך ומשובתיך תוכחנך ודעי וראי כי רע ומר עזבך את יהוה אלהיך ולא פחדתי אליך נאם אדני יהוה צבאות. [20] כי מעולם שברת עלך ותנתקי מוסרותיך ותאמרי לא אעבד כי על כל גבעה גבוהה ותחת כל עץ רענן את שכבת זונה. [21] ואנכי נטעתיך שורק זרע אמת כולך אך איך נהפכת לי סורי הגפן נכריה.

[٢٢] ابنا حي نجدلاه دهلهضلاه هه٥سهبه٥ه ملي كيه ستبنا، هضت زمح
هبد حذه٥نا دضتهبه حجبنا ملي ٥هضه جمب حيزبلجنه. [٢٣] حه٥ زهنا
حوجب ٥ي ضهه حوجب مي دضبذيه لحهكه٥جه٥ه، ابهم جنم ذاجب ٥ي دضبذيه
مي دضبذيه لحهكه٥جه٥ه، ابهم جنم ذاجب ٥ي دضبذيه لحهكه٥جه٥ه، ابهم
جنم ذاجب ٥ي دضبذيه لحهكه٥جه٥ه، ابهم جنم ذاجب ٥ي دضبذيه لحهكه٥جه٥ه،
ابهم جنم ذاجب ٥ي دضبذيه لحهكه٥جه٥ه، ابهم جنم ذاجب ٥ي دضبذيه
لحهكه٥جه٥ه، ابهم جنم ذاجب ٥ي دضبذيه لحهكه٥جه٥ه، ابهم جنم ذاجب ٥ي
دضبذيه لحهكه٥جه٥ه، ابهم جنم ذاجب ٥ي دضبذيه لحهكه٥جه٥ه، ابهم جنم

ומפיל הנביא הזה, וגם חבר ידו אל הים. ה הנה הוא עם הנביא הזה
בסערה, אם בחרבו הוא, אם ברעב הוא נלחם, ואנכי עמד בבית
הנביא הזה, ו אם בחר בחלציו, וכחד בגלוליו, ואנכי פתיתי את
הנביא הזה, וכחד בשגגתו אשר שגג. ז ונשאו את עון הנביא וכעון
הנביא יהיה, כעון דורש אל יהיה. ח ואל הנביא הזה אשר יסיתנו
ונכרתי אותו מקרב עמי ישראל. ט ועתה נשאו את עונכם, ועון
נביאיכם כמוהו יהיה, ואל בית ישראל אל תשובו עוד, ולא תטמאו
עוד את נפשותיכם בכל פשעיכם, נאם אדני יהוה.

משל הסיר והבשר

י ויהי דבר יהוה אלי לאמר: יא בן אדם, אמור אל בית ישראל
משל זה ואמרת אליהם, כה אמר אדני יהוה: הסר הסיר שים על
האש, שים וגם יצק מים בתוכו. יב אסף נתחיו בתוכו כל נתח טוב
ירך וכתף, מלא מבחר עצמות. יג מבחר הצאן לקח, וגם ערמת
העצים תחת העצמות, הרבה בשלו, גם עצמותיו בתוכו בשלו.
יד לכן כה אמר אדני יהוה: אוי עיר הדמים, אוי הסיר אשר חלודתו
בתוכו, ואשר חלודתו לא יצאה ממנו, נתח נתח הוציאו, לא נפל
גורל עליו. טו כי דמה אשר שפכה בתוכה, על צחיח סלע שמתיה,
לא שפכתיה על הארץ לכסות עליה עפר. טז להעלות חמה לנקום
נקם נתתי את דמה על צחיח סלע, בלתי הכסות. יז לכן כה אמר
אדני יהוה: אוי עיר הדמים, גם אני אגדיל המדורה. יח הרבה
העצים, הבעיר האש, תם הבשר ורקח התבשיל, והעצמות יחרו.

וְהִנֵּה אֲנִי, כִּי בָאָה אֵלַי הַבְּשׂוֹרָה, כִּי מָלְאוּ עָלַי מַלְאֲכֵי [19] אֲבִי בְּנֵי־חֲמוֹר לְקַחְתִּי, וְהִנֵּה אֵינֶנּוּ שָׁם, וְהַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [20] וַיִּרְדְּפוּ אַחֲרָיו עַבְדֵי אִישׁ־הָאֱלֹהִים, וַיַּשִּׂיגוּ אֹתוֹ עֹמֵד עַל־הַמֶּרְכָּבָה וְאֵינֶנּוּ. וַיָּשֶׁב אֶל־הָעִיר וַיִּתְהַלֵּךְ בָּהּ, וַיַּרְא אֶת־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [21] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [22] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [23] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [24] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [25] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [26] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [27] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [28] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [29] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [30] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [31] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [32] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [33] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [34] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [35] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [36] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [37] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [38] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [39] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [40] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [41] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [42] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [43] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [44] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [45] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [46] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [47] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [48] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [49] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [50] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [51] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [52] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [53] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [54] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [55] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [56] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [57] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [58] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [59] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [60] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [61] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [62] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [63] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [64] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [65] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [66] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [67] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [68] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [69] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [70] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [71] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [72] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [73] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [74] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [75] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [76] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [77] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [78] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [79] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [80] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [81] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [82] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [83] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [84] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [85] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [86] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [87] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [88] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [89] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [90] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [91] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [92] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [93] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [94] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [95] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [96] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [97] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [98] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [99] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר. [100] וַיָּבֹא אֶל־הַנְּעָרִים כִּי נֶעְלָמוּ, וַיָּשֶׂם עַל־הַמֶּרְכָּבָה וַיָּרָץ אֶל־הָעִיר.

מלכים ב ד

[1] וְאִשָּׁה אַחַת מִנְּשֵׁי בְנֵי־הַנְּבִיאִים, צָעֲקָה אֶל־אֱלִישָׁע לֵאמֹר, עַבְדְּךָ אִישִׁי מֵת, וְאַתָּה יָדַעְתָּ כִּי עַבְדְּךָ הָיָה יָרֵא אֶת־יְהוָה, וְהַנֹּשֶׁה בָּא לָקַחַת אֶת־שְׁנֵי יְלָדַי לוֹ לַעֲבָדִים. [2] וַיֹּאמֶר אֵלֶיהָ אֱלִישָׁע, מַה־אֶעֱשֶׂה לָּךְ, הַגִּידִי לִי, מַה־יֶּשׁ־לָךְ בַּבָּיִת. וַתֹּאמֶר, אֵין לְשִׁפְחָתְךָ כֹּל בַּבַּיִת, כִּי אִם־אָסוּךְ שָׁמֶן. [3] וַיֹּאמֶר, לְכִי שַׁאֲלִי לָךְ כֵּלִים מִן־הַחוּץ, מֵאֵת כָּל־שְׁכֵנָיִךְ, כֵּלִים רֵקִים אַל־תְּמַעֵטִי. [4] וּבָאת וְסָגַרְתְּ הַדֶּלֶת בַּעֲדֵךְ וּבְעַד בָּנַיִךְ, וְיָצַקְתְּ אֶל־כָּל־הַכֵּלִים הָאֵלֶּה, וְהַמָּלֵא תַּסִּיעִי. [5] וַתֵּלֶךְ מֵאִתּוֹ וַתִּסְגֹּר הַדֶּלֶת בַּעֲדָהּ וּבְעַד בָּנֶיהָ, הֵם מַגִּשִׁים אֵלֶיהָ וְהִיא יוֹצֶקֶת. [6] וַיְהִי כְּמַלֹּאת הַכֵּלִים, וַתֹּאמֶר אֶל־בְּנָהּ הַגִּישָׁה־לִּי עוֹד כֶּלִי, וַיֹּאמֶר אֵלֶיהָ אֵין עוֹד כֶּלִי, וַיַּעֲמֹד הַשָּׁמֶן. [7] וַתָּבֹא וַתַּגֶּד לְאִישׁ הָאֱלֹהִים, וַיֹּאמֶר לְכִי מִכְרִי אֶת־הַשֶּׁמֶן וְשַׁלְּמִי אֶת־נִשְׁיֵךְ, וְאַתְּ וּבָנַיִךְ תִּחְיוּ בַּנּוֹתָר. [8] וַיְהִי הַיּוֹם וַיַּעֲבֹר אֱלִישָׁע אֶל־שׁוּנֵם, וְשָׁם אִשָּׁה גְדוֹלָה, וַתַּחֲזֵק בּוֹ לֶאֱכָל לָחֶם, וַיְהִי מִדֵּי עָבְרוֹ וְסָר שָׁמָּה לֶאֱכָל לָחֶם. [9] וַתֹּאמֶר אֶל־אִישָׁהּ הִנֵּה נָא יָדַעְתִּי כִּי אִישׁ אֱלֹהִים קָדוֹשׁ הוּא הָעֹבֵר עָלֵינוּ תָּמִיד. [10] נַעֲשֶׂה נָּא עֲלִיַּת־קִיר קְטַנָּה, וְנָשִׂים לוֹ שָׁם מִטָּה וְשֻׁלְחָן וְכִסֵּא וּמְנוֹרָה, וְהָיָה בְּבֹאוֹ אֵלֵינוּ יָסוּר שָׁמָּה. [11] וַיְהִי הַיּוֹם וַיָּבֹא שָׁמָּה וַיָּסָר אֶל־הָעֲלִיָּה וַיִּשְׁכַּב שָׁם. [12] וַיֹּאמֶר אֶל־גֵּחֲזִי נַעְרוֹ קְרָא לַשּׁוּנַמִּית הַזֹּאת, וַיִּקְרָא לָהּ וַתַּעֲמֹד לְפָנָיו. [13] וַיֹּאמֶר אֵלָיו אֱלִישָׁע אֱמָר־נָא אֵלֶיהָ הִנֵּה חָרַדְתְּ אֵלֵינוּ אֵת כָּל־הַחֲרָדָה הַזֹּאת, מַה־לַּעֲשׂוֹת לָךְ הֲיֵשׁ לָךְ דָּבָר לְהִתְדַּבֵּר לְךָ אֶל־הַמֶּלֶךְ אוֹ אֶל־שַׂר הַצָּבָא, וַתֹּאמֶר בְּתוֹךְ עַמִּי אָנֹכִי יוֹשֶׁבֶת. [14] וַיֹּאמֶר מָה אֵפוֹא לַעֲשׂוֹת לָהּ, וַיֹּאמֶר גֵּחֲזִי אָכֵן בֵּן אֵין לָהּ וְאִישָׁהּ זָקֵן. [15] וַיֹּאמֶר קְרָא־לָהּ, וַיִּקְרָא לָהּ וַתַּעֲמֹד בַּפָּתַח. [16] וַיֹּאמֶר לַמּוֹעֵד הַזֶּה כָּעֵת חַיָּה אַתְּ חֹבֶקֶת בֵּן, וַתֹּאמֶר לֹא אֲדֹנִי אִישׁ הָאֱלֹהִים אַל־תְּכַזֵּב בְּשִׁפְחָתֶךָ. [17] וַתַּהַר הָאִשָּׁה וַתֵּלֶד בֵּן לַמּוֹעֵד הַזֶּה כָּעֵת חַיָּה אֲשֶׁר דִּבֶּר אֵלֶיהָ אֱלִישָׁע. [18] וַיִּגְדְּלוּ הַנְּעָרִים וַיְהִי הַיּוֹם וַיֵּצֵא אֶל־אָבִיו אֶל־הַקְּצִרִים. [19] וַיֹּאמֶר אֶל־אָבִיו רֹאשִׁי רֹאשִׁי, וַיֹּאמֶר אֶל־הַנַּעַר שָׂאֵהוּ אֶל־אִמּוֹ. [20] וַיִּשָּׂאֵהוּ וַיְבִאֵהוּ אֶל־אִמּוֹ וַיֵּשֶׁב עַל־בִּרְכֶּיהָ עַד־הַצָּהֳרַיִם וַיָּמֹת. [21] וַתַּעַל וַתַּשְׁכִּבֵהוּ עַל־מִטַּת אִישׁ הָאֱלֹהִים וַתִּסְגֹּר בַּעֲדוֹ וַתֵּצֵא. [22] וַתִּקְרָא אֶל־אִישָׁהּ וַתֹּאמֶר שִׁלְחָה־נָּא לִי אַחַת מִן־הַנְּעָרִים וְאַחַת מִן־הָאֲתֹנוֹת וְאָרוּצָה עַד־אִישׁ הָאֱלֹהִים וְאָשׁוּבָה. [23] וַיֹּאמֶר מַדּוּעַ אַתְּ הֹלֶכֶת אֵלָיו הַיּוֹם לֹא חֹדֶשׁ וְלֹא שַׁבָּת, וַתֹּאמֶר שָׁלוֹם. [24] וַתַּחֲבֹשׁ הָאֲתוֹן וַתֹּאמֶר אֶל־נַעֲרָהּ נְהַג וָלֵךְ אַל־תַּעְצָר־לִי לִרְכֹּב כִּי אִם־אָמַרְתִּי אֵלֶיךָ, וְהָלַכְתָּ. [25] וַתֵּלֶךְ וַתָּבֹא אֶל־אִישׁ הָאֱלֹהִים אֶל־הַר הַכַּרְמֶל, וַיְהִי כִּרְאוֹת אִישׁ הָאֱלֹהִים אֹתָהּ מִנֶּגֶד וַיֹּאמֶר אֶל־גֵּחֲזִי נַעְרוֹ הִנֵּה הַשּׁוּנַמִּית הַזֹּאת. [26] עַתָּה רֻץ־נָא לִקְרָאתָהּ וְאֱמָר־לָהּ הֲשָׁלוֹם לָךְ הֲשָׁלוֹם לְאִישֵׁךְ הֲשָׁלוֹם לַיָּלֶד, וַתֹּאמֶר שָׁלוֹם. [27] וַתָּבֹא אֶל־אִישׁ הָאֱלֹהִים אֶל־הָהָר וַתַּחֲזֵק בְּרַגְלָיו, וַיִּגַּשׁ גֵּחֲזִי לְהָדְפָהּ וַיֹּאמֶר אִישׁ הָאֱלֹהִים הַנִּיחָה לָהּ כִּי נַפְשָׁהּ מָרָה לָהּ וַיהוָה הֶעְלִים מִמֶּנִּי וְלֹא הִגִּיד לִי. [28] וַתֹּאמֶר הֲשָׁאַלְתִּי בֵן מֵאֵת אֲדֹנִי הֲלֹא אָמַרְתִּי לֹא תַשְׁלֶה אֹתִי. [29] וַיֹּאמֶר אֶל־גֵּחֲזִי חֲגֹר מָתְנֶיךָ וְקַח מִשְׁעַנְתִּי בְיָדְךָ וָלֵךְ כִּי־תִמְצָא אִישׁ לֹא־תְבָרְכֶנּוּ וְאִם־יְבָרֶכְךָ אִישׁ לֹא תַעֲנֶנּוּ וְשַׂמְתָּ מִשְׁעַנְתִּי עַל־פְּנֵי הַנָּעַר. [30] וַתֹּאמֶר אֵם הַנַּעַר חַי־יְהוָה וְחֵי נַפְשֶׁךָ אִם־אֶעֱזָבֶךָּ וַיָּקָם וַיֵּלֶךְ אַחֲרֶיהָ. [31] וְגֵחֲזִי עָבַר לְפָנֵיהֶם וַיָּשֶׂם אֶת־הַמִּשְׁעֶנֶת עַל־פְּנֵי הַנַּעַר וְאֵין קוֹל וְאֵין קַשֶּׁבֶת וַיָּשָׁב לִקְרָאתוֹ וַיַּגֶּד לוֹ לֵאמֹר לֹא הֵקִיץ הַנָּעַר. [32] וַיָּבֹא אֱלִישָׁע הַבָּיְתָה וְהִנֵּה הַנַּעַר מֵת מֻשְׁכָּב עַל־מִטָּתוֹ. [33] וַיָּבֹא וַיִּסְגֹּר הַדֶּלֶת בְּעַד שְׁנֵיהֶם וַיִּתְפַּלֵּל אֶל־יְהוָה. [34] וַיַּעַל וַיִּשְׁכַּב עַל־הַיֶּלֶד וַיָּשֶׂם פִּיו עַל־פִּיו וְעֵינָיו עַל־עֵינָיו וְכַפָּיו עַל־כַּפָּיו וַיִּגְהַר עָלָיו וַיִּתְחַמַּם בְּשַׂר הַיֶּלֶד. [35] וַיָּשָׁב וַיֵּלֶךְ בַּבַּיִת אַחַת הֵנָּה וְאַחַת הֵנָּה וַיַּעַל וַיִּגְהַר עָלָיו וַיִּזֹּר הַיֶּלֶד שֶׁבַע פְּעָמִים וַיִּפְקַח הַיֶּלֶד אֶת־עֵינָיו. [36] וַיִּקְרָא אֶל־גֵּחֲזִי וַיֹּאמֶר קְרָא אֶל־הַשּׁוּנַמִּית הַזֹּאת וַיִּקְרָא לָהּ וַתָּבֹא אֵלָיו וַיֹּאמֶר שְׂאִי בְנֵךְ. [37] וַתָּבֹא וַתִּפֹּל עַל־רַגְלָיו וַתִּשְׁתַּחוּ אָרְצָה וַתִּשָּׂא אֶת־בְּנָהּ וַתֵּצֵא. [38] וְאֱלִישָׁע שָׁב הַגִּלְגָּלָה וְהָרָעָב בָּאָרֶץ וּבְנֵי הַנְּבִיאִים יֹשְׁבִים לְפָנָיו וַיֹּאמֶר לְנַעֲרוֹ שִׁים הַסִּיר הַגָּדוֹל וּבַשֵּׁל נְזִיד לִבְנֵי הַנְּבִיאִים. [39] וַיֵּצֵא אֶחָד אֶל־הַשָּׂדֶה לְלַקֵּט אֹרֹת וַיִּמְצָא גֶּפֶן שָׂדֶה וַיְלַקֵּט מִמֶּנָּה פַּקֻּעֹת שָׂדֶה מְלוֹא בִגְדוֹ וַיָּבֹא וַיְפַלַּח אֶל־סִיר הַנְּזִיד כִּי לֹא יָדָעוּ. [40] וַיִּצְקוּ לָאֲנָשִׁים לֶאֱכֹל וַיְהִי כְּאָכְלָם מִן־הַנְּזִיד וַיִּצְעָקוּ וַיֹּאמְרוּ מָוֶת בַּסִּיר אִישׁ הָאֱלֹהִים וְלֹא יָכְלוּ לֶאֱכֹל. [41] וַיֹּאמֶר וְקִחוּ קֶמַח וַיִּשְׁלַךְ אֶל־הַסִּיר וַיֹּאמֶר צַק לָעָם וְיֹאכֵלוּ וְאֵין דָּבָר רָע בַּסִּיר. [42] וְאִישׁ בָּא מִבַּעַל שָׁלִשָׁה וַיָּבֵא לְאִישׁ הָאֱלֹהִים לֶחֶם בִּכּוּרִים עֶשְׂרִים לֶחֶם שְׂעֹרִים וְכַרְמֶל בְּצִקְלֹנוֹ וַיֹּאמֶר תֵּן לָעָם וְיֹאכֵלוּ. [43] וַיֹּאמֶר מְשָׁרְתוֹ מַה־אֶתֵּן זֶה לִפְנֵי מֵאָה אִישׁ וַיֹּאמֶר תֵּן לָעָם וְיֹאכֵלוּ כִּי כֹה אָמַר יְהוָה אָכוֹל וְהוֹתֵר. [44] וַיִּתֵּן לִפְנֵיהֶם וַיֹּאכְלוּ וַיּוֹתִרוּ כִּדְבַר יְהוָה.

يسوع يشفي مريضين

١٠ وذهب يسوع إلى بيت بطرس، فرأى حماة بطرس مريضة على السرير وبها حمى. فلمس يد المرأة، فتركتها الحمى، فقامت وأخذت تخدمهم. ١١ وعند غروب ذلك اليوم، أتى إليه كثيرون ممن كان بهم مرض أو مس من الشياطين، فأخرج الشياطين بكلمة منه، وشفى جميع المرضى. ١٢ وذلك ليتم ما قاله النبي إشعياء: «هو أخذ أمراضنا وحمل أوجاعنا».

شروط التلمذة

١٣ وأمر يسوع تلاميذه أن يعبروا إلى الشاطئ الآخر من البحيرة. ١٤ فجاء إليه أحد معلمي الشريعة وقال له: «يا معلم، أريد أن أتبعك أينما تذهب». ١٥ فأجابه يسوع: «للثعالب أوجرة، ولطيور السماء أعشاش، أما ابن الإنسان فليس له مكان يسند رأسه إليه». ١٦ وقال آخر من تلاميذه: «يا سيد، ائذن لي أولاً أن أذهب وأدفن أبي». ١٧ فأجابه يسوع: «اتبعني، ودع الموتى يدفنون موتاهم».

يسوع يسكت العاصفة

١٨ ولما رأى يسوع الجموع حوله، أمر تلاميذه أن يعبروا إلى الشاطئ الآخر من البحيرة. ١٩ فجاء إليه أحد معلمي الشريعة وقال له: «يا معلم، أتبعك أينما تذهب». ٢٠ فأجابه يسوع: «للثعالب أوجرة، ولطيور السماء أعشاش، أما ابن الإنسان فليس له مكان يسند رأسه إليه».

---

[c] ٨:١٨ ٤:١٨ متى ٢٩:٨

الخاتمة

٢١ فَتَطَأُونَ الأَشْرَارَ لأَنَّهُمْ يَكُونُونَ رَمَادًا تَحْتَ بُطُونِ أَقْدَامِكُمْ
فِي اليَوْمِ الَّذِي أَنَا أَعْمَلُ هذَا، قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ. ٢٢ اُذْكُرُوا شَرِيعَةَ
مُوسَى عَبْدِي الَّتِي أَمَرْتُهُ بِهَا فِي حُورِيبَ لأَجْلِ جَمِيعِ إِسْرَائِيلَ،
الْفَرَائِضَ وَالأَحْكَامَ. ٢٣ هَا أَنَا أُرْسِلُ لَكُمْ إِيلِيَّا النَّبِيَّ قَبْلَ مَجِيءِ
يَوْمِ الرَّبِّ الْعَظِيمِ وَالْمَخُوفِ.

תהלים עשר מאות ושבעה עשר

מזמור

[١] למה, יהוה, תעמוד ברחוק תסתיר לעתות בצרה, [٢] בגאות רשע ידלק עני, יתפשו במזמות זו חשבו. [٣] כי הלל רשע על תאות נפשו, ובוצע ברך נאץ יהוה. [٤] רשע כגאות אפו בל ידרוש, אין אלהים כל מזמותיו. [٥] יחילו דרכיו בכל עת, מרום משפטיך מנגדו כל צורריו יפיח בהם. [٦] אמר בלבו בל אמוט לדר ודר אשר לא ברע. [٧] אלה מלא פיהו ומרמות ותך לשונו עמל ואון. [٨] ישב במארב חצרים במסתרים יהרג נקי עיניו לחלכה יצפונ. [٩] ארב במסתר כאריה בסכו ארב לחטף עני חטף עני במשכו ברשתו. [١٠] ידכה ישח ונפל בעצמיו חלכאים. [١١] אמר בלבו שכח אל הסתיר פניו בל ראה לנצח. [١٢] קומה יהוה אל נשא ידך אל תשכח ענוים. [١٣] על מה נאץ רשע אלהים אמר בלבו לא תדרש. [١٤] ראית כי אתה עמל וכעס ליתן בידך עליך יעזב חלכה יתום אתה היית עזר. [١٥] שבר זרוע רשע ורע תדרש רשעו בל תמצא. [١٦] יהוה מלך עולם ועד אבדו גוים מארצו. [١٧] תאות ענוים שמעת יהוה תכין לבם תקשיב אזנך. [١٨] לשפט יתום ודך בל יוסיף עוד לערץ אנוש מן הארץ.

دزُكْرْد، [11] ٥دحكلحد هنكْد فُمتهفُه سهيْتِد زُمِ زُحهفُ دعهجيهس، دهِءْد
كُهجفِ سفُكْفُ ٥هفُدهجفُ دحِتْد جُم هِدهفُ، [12] عُحهزْد لحُتْد، ٥٥ دفُم
هُسيهس كُهجفِ لهفُهسفُ دئفُه٥فُ دهفُهتِتْد حجهذْد. [13] هُحُت فُم فِي زْد
هِ كُهجفِ هِ عهكْلهتْد دسِتْد ٥فُم تِتْد فِ لهفُكهفُ دحِذهتِهس ٥هِسِتْد، [14] دحِ ١٨
فِ فهفُفُتْد، دهِد فهسُكْد ٥هِد هِ.

٢٥٥٥١ دهتسد

[15] ٥٥ هِد دهفهفُ دزُكْرْد كْد ٥ه٥سُتْد، ٥هفهجزْد دحكْهس حِتْد٥.
[16] هُحُت حِس فهت لهس حكْهس حِدهتِتْد تهفُتْد ٥حزُكْد، ٥ه٥سُتْد
وكْد ٥ه٥سُتْد، ي ٥دهِهفُهس ٥ي هُدْهُ٥د، ي زِسُتْد ٥ي عهكْلهتْد،
حكْهس حِدهتِتْد حِس ٥ِد٥س لهس فهت هِد٥، [17] ٥٥ هِد هِ فِدد هِ حكْهس
حِدهتِتْد، ٥حلهد حِدهب حِس حِ خُلْد. [18] ٥٥٥ هِد زِسُتْد دفِفِزْد،
دهِد حِفُفْد. ٥٥ هِد عهزْد، ٥هفهجزْد هِ ٥هتِ٥د، دهِءْد ٥٥ فِدهُتْد
دحلهد. [19] هُحُت دهِهد كْد ي دْد دحِس هُهزْد حكْد هُهفِفُ٥د، [20] ٥حِس
فِهِيد حكْهس حِدهتِتْد كْلِيس، ي دهفُتْد ٥ي دزُكْد، دهِد دهِجفُ٥د دهكْهُد
دحِهِس دعهفِهِ ي هِد هِفِهِ. [21] زُس٥ه٥ ٥ه٥ ٥ه٥ دسِزْد دزُتْد ٥هجزْد
٥دِهتِتْد هسِكْهجفِ دهِ٥ ٥هفِسُتْد دهِتِد، [22] ٥هتْد زُدِتْد فُم فِهِيزْهجفِ دهِد
فِفِيزْد دتُتْد دهِد هُهزْد، دفِهسِجد كُهجفِ زُكْرْد فِدهِتِد ٥دكْد ٥هفُهد
٥دكْد كُهفُد، [23] ي دهزُزْد فُه٥ه٥ دهفُهفُهسفُهجفِ، ٥٥٥ه٥ه٥ حِد٥
هِس٥ دهِتِهسفُهجفِ، ٥كْد زُس٥ه٥ ٥ه هِ دِد٥فِهِفِ. زُفِد هِد ٥فِهِفِ
دعهفِد كُهجفِ ٥دفِهتْد هِد ٥هفِهتْد دحكْد دهِءْد ٥س٥ه ٥هفُتْد، ٥دزُتْد
فُ٥ه٥ه ٥٥د ٥ه هِد عهزْد دسِفُه٥ ي٥س.

٢٨جا ما هوكمقا بسكمه

٢٤ أبنا يسبنا بتاباحا ما، ٥هجنا جنهجنا ٥هجا بنجفجا ما بنجمهجنهجه، ٢٥ ٥ما
تهاذهجا ٢٨جا ما هجنا ٥هجا بنجفجا ٢٨جا ما هجنا ٥هجا بنجفجا ٢٨جا ما هجنا ٥هجا بنجف

ستا دەستا

٦ خۆ ئەڤجا، ژبەر دەمێکێ دریژ ئەڤجی بەرەف مەسیحی ڤەنجی، ئەز
بێهیڤیم تێ، ٧ چیمژەڤجی مەوەیێ، ڤەبێ چیا تێ، مەیدانێ
خۆشڤەیێ نیڤ دەڤێ مەڤە، دەبەڤ ئەڤ ئەز ئەڤ ئەز ئەڤ
٨ ئاسمانێ مەسیحیێ ڤەڤەشکەڤجی ئەڤجە ئێک ڤێت ئەز ژبۆ
خێلکێ، نیڤ ڤەئێنێ دەبێژێ ئەڤ ئەز ئەڤ ئەز ئەڤ ئەز
دەڤێ دەمێکێ ژیگەیێ ئەڤ ئەز ئەڤ ئەز ئەڤ ئەز
ئەڤ ئەز ئەڤ ئەز ئەڤ ئەز

فەزگنەجفە. ئەجۆ زنئا جا پلێم ئاف ئدۆس حەبجێتا جیسُ یە، ١٩ ەڤزئنا ئا ذەشُنا جا ئجج یە جشِذ حەئیس ببگنا، ئەجۆ زنئا یا زنئا مێە جبفا حڤِشا، جحِە حێە فِلِڤُ جینا مێە، ەجبفا حەفِڤا حڤِتا ەحیجَنیا، ەلِڤەەفِەا مێە نِج ڤِگُا ئجج یە جِلِڤەھ.

٢٠ خھ یِ مەە ئەجفە جُم مەبسُا بە یِھھِجقِھا جگُلمُا، ئەمفِب جسُنا ٢١ مەفە نِج جیِ ئھ ئگُلمُا جتگُلمُا لەفەمڤِتا، نِج: "ئا ڤُمڤِە، ئا پُلەیە، ئا ڤُجیە"؟ ٢٢ نِیا حگُەب جذِب جەفِبگُھُا ھُشَت بنا فەمڤِتا ەەلڤِتا جحبتنُتا. ٢٣ نِیا جا ڤَتب ببِیا نِج جِیِ مەە حبُەب بجەھُا جبگُا ھِلِجھُا بە یِجنُا، ەفِحجفِھُا ڤِگُلھُا، ەلِیِذھُا جفِلِڤُا، زنئا یِ نئا یتبب ھُذِا پلِڤُا لِفِحلفِیا عتبسفنُھُا جفِلِڤُا.

ستا سڤِا حەجسا

٣ ١خھ یِ مەە ئەجفە جُم مەبسُا، پلِلەجفِ یتجبِتا جنا لییلِك، نِحُا جەجسُا ەەبڤا مێە جلِك نِفِبنا جنِڤُا. ٢ نِفەجفِ سنُقەجفِ ٣ حیتجبِتا جلییلِك، ەگِ حیتجبِتا جحِزئا. ھُشَت مەە ئەجفە، ەسُقەجفِ حیتجبِتا جلییلِك، ەگِ حیتجبِتا جحِزئا. ھُشَت مەە ئەجفە، ەسُقەجفِ پلِتا نئا جُم مەبسُا جنِڤُا. ٤ زنِفِ جەبسُا، ەە جِیِ سُقەجفِ، ڤِیت یلِتا، ەپگُا زەف نِسەفِ یە ڤَتبەفِ یلِتا جُیِتا جیتھ حیتمُا.

٥ خھ نِفتیەفِ ەِڤُقەجفِ جەنئا نِزنُتا: أتبھُا، پلِتفِھُا، جلِھُا، ٦ جتەفِھُا جبھُا، ەپلِفتِفِھُا، ەە جِیِگُا ھِلِجھُا جیِنِقا. حیلِھُا جِنِیا، جلِھُا ئگُا جُزئا جنِڤُا جلِك زنئا جنِڤُا جنەتا جگُا نِفیِنِھُا. ٧ زنِف نِسەفِ ٨ زنئا ڤِجنِبفِ ەەە حِیِا زنەشِا زنِفِ جیسُا مەفِ ەەە ڤُفتب. ڤُجنا نِجُا جِیِمفِ زنِفِ بە نِیا: تبمُا، جُزئا، جبتبھُا، جلِڤُا، ەەیەتا ٩ جسھُتا بە ڤِەھفِجفِ. گِ جُلمِفِ نِج زنەسِئا، ھُشَت تەیس ئەجفِ

לבקרו בהיכלו האדון אשר אתם מבקשים, והנה מלאך הברית אשר אתם חפצים הנה בא אמר יהוה צבאות. 11 ומי יכיל את יום בואו ומי העומד בהראותו כי הוא כאש צורף וכבורית מכבסים. 12 וישב צורף וממרק כסף וטהר את בני לוי וזקק אותם כזהב וככסף והיו ליהוה מגישי מנחה בצדקה. 13 וערבה ליהוה מנחת יהודה וירושלם כימי עולם וכשנים קדמוניות. 14 וקרבתי אליכם למשפט והייתי עד מהר בכשפים ובמנאפים ובנשבעים לשקר ובעושקי שכר שכיר אלמנה ויתום ומטי גר ולא יראו אותי אמר יהוה צבאות. 15 כי אני יהוה לא שניתי ואתם בני יעקב לא כליתם. 16 למימי אבותיכם סרתם מחקי ולא שמרתם שובו אלי ואשובה אליכם אמר יהוה צבאות ואמרתם במה נשוב הלוא יקבע אדם אלהים כי אתם קבעים אותי ואמרתם במה קבענוך במעשר ותרומה. 17 ארורים אתם בארור כי אתם קבעים אותי הגוי כולו. 18 הביאו את כל המעשר אל בית האוצר והיה טרף בביתי ובחנו נא אותי בזאת אמר יהוה צבאות אם לא אפתח לכם את ארבות השמים והריקתי לכם ברכה עד בלי די. 19 וגערתי לכם באכל ולא ישחית לכם את פרי האדמה ולא תשכל לכם הגפן בשדה אמר יהוה צבאות. 20 והיו אתכם כל הגוים כי תהיו אתם ארץ חפץ אמר יהוה צבאות. 21 חזקו דברי עלי אמר יהוה ואמרתם מה דברנו עליך. 22 אמרתם שוא עבד אלהים ומה בצע כי שמרנו משמרתו וכי הלכנו קדרנית מפני יהוה צבאות. 23 ועתה אנחנו מאשרים זדים גם נבנו עשי רשעה גם בחנו אלהים וימלטו. 24 אז נדברו יראי יהוה איש אל רעהו ויקשב יהוה וישמע ויכתב ספר זכרון לפניו ליראי יהוה ולחשבי שמו. 25 והיו לי אמר יהוה צבאות ביום אשר אני עשה סגולה וחמלתי עליהם כאשר יחמל איש על בנו העבד אתו. 26 ושבתם וראיתם בין צדיק לרשע בין עבד אלהים לאשר לא עבדו. 27 כי הנה היום בא בער כתנור והיו כל זדים וכל עשי רשעה קש ולהט אתם היום הבא אמר יהוה צבאות אשר לא יעזב להם שרש וענף. 28 ולכם יראי שמי תזרח שמש צדקה ומרפא בכנפיה ויצאתם ופשתם כעגלי מרבק. 29 וזרחתי רשעים כי יהיו אפר תחת כפות רגליכם ביום אשר אני עשה אמר יהוה צבאות. 30 זכרו תורת משה עבדי אשר צויתי אתו בחרב על כל ישראל חקים ומשפטים. 31 הנה אנכי שלח לכם את אליה הנביא לפני בוא יום יהוה הגדול והנורא. 32 והשיב לב אבות על בנים ולב בנים על אבותם פן אבוא והכיתי את הארץ חרם.

ئاخىرقى ئەسكەرتىش

٢٢ ئۇنچە، ئىنسانلار ئۆزلىرىنى ئەيسا مەسىھكە ئوخشاش دەپ ئويلاپ، ئۇ كەلگەن
ئىشلارنى ئۆزلىرىنىڭ ئىشلىرى بىلەن ئالماشتۇرۇپ قويماسلىقى ئۈچۈن، ئۇلارغا
مۇنداق دېدى: ٢٣ «ئەگەر بىرسى سىلەرگە، ‹مانا، مەسىھ بۇ يەردە› ياكى ‹ئۇ
يەردە› دەپ قالسا، ئىشەنمەڭلار. ٢٤ چۈنكى ساختا مەسىھلەر ۋە ساختا پەيغەمبەرلەر
ئورنىدىن تۇرۇپ، ئىمكانقەدەر ھەتتا تاللانغانلارنىمۇ ئازدۇرۇش ئۈچۈن زور
مۆجىزىلەرنى ۋە كارامەتلەرنى كۆرسىتىدۇ. ٢٥ مانا مەن سىلەرگە ئالدىن ئېيتىپ
قويدۇم. ٤ ١ ئۇنداقتا، ئەگەر ئۇلار سىلەرگە، ‹مانا، ئۇ چۆلدە› دېسە، چىقماڭلار؛
ياكى ‹مانا، ئۇ ئىچكى ئۆيدە› دېسە، ئىشەنمەڭلار. ٢ چۈنكى چاقماق شەرقتىن
چىقىپ، غەربكىچە كۆرۈنگەندەك، ئىنسانئوغلىنىڭ كېلىشىمۇ شۇنداق بولىدۇ.
٣ لاشا قەيەرگە بارسا، بۈركۈتلەر شۇ يەرگە يىغىلىدۇ.

ئىنسانئوغلىنىڭ كېلىشى

٤ ٢ ئۇ كۈنلەرنىڭ ئازابىدىن كېيىن، دەرھال قۇياش قاراڭغۇلىشىپ كېتىدۇ،
ئاي نۇرىنى بەرمەيدۇ، يۇلتۇزلار ئاسماندىن يېغىلىدۇ، ئاسمان كۈچلىرى
لەرزىگە كېلىدۇ. ٣ ئاندىن ئىنسانئوغلىنىڭ بەلگىسى ئاسماندا كۆرۈنىدۇ، ئاندىن
يەر يۈزىدىكى بارلىق قەبىلىلەر ماتەم تۇتىدۇ، ئۇلار ئىنسانئوغلىنىڭ قۇدرەت
ۋە شان-شەرەت بىلەن ئاسمان بۇلۇتلىرىدا كېلىۋاتقانلىقىنى كۆرىدۇ. ٤ ئۇ
كاناي ئاۋازى بىلەن ئۆز پەرىشتىلىرىنى ئەۋەتىدۇ، ئۇلار ئۇنىڭ تاللىغانلىرىنى
تۆت شامالدىن، ئاسماننىڭ بىر چېتىدىن يەنە بىر چېتىگىچە يىغىدۇ.

ئەنجۈر دەرىخىدىن ئىبرەت ئېلىش

٧ ئەنجۈر دەرىخىدىن ئىبرەت ئېلىڭلار: ئۇنىڭ شېخى يۇمشاق بولۇپ، يوپۇرماقلىرى
چىققاندا، يازنىڭ يېقىنلاشقانلىقىنى بىلىسىلەر. ٨ شۇنىڭغا ئوخشاش، بۇ

ויכול לשלם את חובו. ²⁵ אדוני המלך, אני מבקש שתמכור את אשתו
ואת ילדיו ואת כל רכושו כדי לשלם את החוב. ²⁶ העבד נפל על הרצפה
לפני אדונו והתחנן: 'תן לי זמן, ואני אשלם לך הכול!' ²⁷ המלך ריחם
על העבד, ויתר לו על החוב ושחרר אותו.

²⁸ "אחרי שהעבד יצא מהחדר, הוא פגש עבד אחר של המלך, שחייב
לו סכום קטן. הוא תפס בצווארו של העבד השני והתחיל לחנוק אותו.
'תחזיר לי את הכסף שאתה חייב לי!' צעק. ²⁹ העבד השני נפל על
הרצפה והתחנן: 'תן לי זמן, ואני אשלם לך!' ³⁰ אבל העבד לא הסכים
לתת לו זמן. הוא הלך ושם אותו בכלא עד שישלם את החוב.

³¹ "כשאר העבדים של המלך ראו מה קרה, הם כעסו מאוד. הם הלכו
לספר למלך את כל מה שקרה. ³² אז המלך קרא לעבד ואמר לו: 'עבד
רשע! ויתרתי לך על החוב שלך כי ביקשת ממני. ³³ היה לך לרחם על
העבד השני, כמו שרחמתי עליך!' ³⁴ המלך כעס מאוד על העבד, ושם
אותו בכלא עד שישלם את כל החוב.

³⁵ "כך גם אבי שבשמים יעשה לכם, אם לא תסלחו מכל הלב לאחיכם
ולאחיותיכם."

19 ¹ כשישוע סיים לדבר, הוא עזב את הגליל והלך לאזור יהודה,
מעבר לנהר הירדן. ² הרבה אנשים הלכו אחריו, והוא ריפא את כולם.

³ כמה פרושים באו אליו כדי לנסות אותו. הם שאלו: "האם מותר
לגבר לגרש את אשתו מכל סיבה שהיא?"

⁴ ישוע ענה: "הכתובים אומרים שבתחילה אלוהים ברא זכר ונקבה.
⁵ הוא אמר: 'לכן גבר יעזוב את אביו ואת אמו ויתחתן עם אשתו, והם
יהיו לבשר אחד.' ⁶ הם כבר לא שני אנשים נפרדים, אלא הם בשר אחד.
אלוהים חיבר ביניהם, ואסור לאדם להפריד ביניהם."

⁷ הפרושים שאלו: "אז למה משה אמר שאפשר לתת לאישה ספר
כריתות ולשלח אותה?"

⁸ ישוע ענה: "משה נתן לכם את החוק הזה כי אתם לא רוצים לשמוע
בקול אלוהים. אבל מתחילת הבריאה לא היה כך.

١لخا١ مجصا١ ةفصلةه عسم ها٥لةفصتيا

ىلقا

١ةفصلةه ها٥لةفصهه ها٥لةضيلهه ةيا١ ىيجا ها٥لةضيلهه ةبئ ةيئ١ ا
ةئ١ ها٥لةضيلهه ةبئ ها٥لةضيلهه: ةفصلةه ها٥لةضيلهه ةيئ١ ها٥لةضيلهه.

ةيمصلها٥لةضيلهه ١٥ها٥مصا ٥ها٥ ١٥ها٥حا

٢ةبحةيا١ ةبئ ١ةيئ١ ةبئ ةيلحا ها٥لةضيلهه، ها٥لةضيلهه ةيجةيئ١ ةبئ
ةبئ١ ةبئ ةيئ١ ةبئ ةبم ةبئ ١ةيئ١ ةيجةيئ١ ١٥ها٥ئ١ ةبئ. ٣ةيئ١
ةيجةيئ١ ةبئ ١ةيئ١ ةبئ ةبم ةبئ ١ةيئ١ ةيجةيئ١ ١٥ها٥ئ١ ةبئ
ةبئ١ ةبئ

بلکہ محبت، بلکہ وہ عمل جو حق اور راستی سے ہو۔ ہم جانتے ہیں کہ
ہم اُس سے ملے ہوئے ہیں۔

مسیح یوحنا کا پہلا خط

۲ میرے بچو، میں یہ باتیں تمہیں اِس لئے لکھتا ہوں کہ تم گناہ نہ
کرو۔ لیکن اگر کوئی گناہ کرے تو ہمارا ایک شفیع ہے جو باپ کے
پاس ہے، یعنی یسوع مسیح جو راست باز ہے۔ ۲ وہ ہمارے گناہوں کا
کفارہ ہے، اور نہ صرف ہمارے گناہوں کا بلکہ تمام دُنیا کے گناہوں کا
بھی۔ ۳ اِس سے ہم جانتے ہیں کہ ہم اُسے جانتے ہیں اگر ہم اُس کے
حکموں پر عمل کریں۔ ۴ جو کہتا ہے کہ میں اُسے جانتا ہوں لیکن
اُس کے حکموں پر عمل نہیں کرتا وہ جھوٹا ہے اور اُس میں سچائی
نہیں ہے۔ ۵ لیکن جو اُس کا کلام مانتا ہے اُس میں واقعی خدا کی
محبت کامل ہو گئی ہے۔ اِس سے ہم جانتے ہیں کہ ہم اُس میں ہیں۔
۶ جو کہتا ہے کہ میں اُس میں قائم رہتا ہوں اُسے چاہئے کہ وہ بھی
اُسی طرح چلے جس طرح یسوع مسیح چلتا تھا۔ ۷ پیارو، میں تمہیں
کوئی نیا حکم نہیں لکھ رہا بلکہ وہ پرانا حکم جو شروع سے تمہارے
پاس ہے۔ یہ پرانا حکم وہ کلام ہے جو تم نے سنا ہے۔ ۸ تاہم میں
تمہیں ایک نیا حکم لکھ رہا ہوں جو مسیح اور تم میں پورا ہوتا ہے،
کیونکہ تاریکی ختم ہو رہی ہے اور سچی روشنی چمک رہی ہے۔
۹ جو کہتا ہے کہ میں روشنی میں ہوں لیکن اپنے بھائی سے نفرت
رکھتا ہے وہ ابھی تک تاریکی میں ہے۔ ۱۰ جو اپنے بھائی سے محبت
رکھتا ہے وہ روشنی میں رہتا ہے اور اُس میں ٹھوکر کا کوئی سبب
نہیں ہوتا۔ ۱۱ لیکن جو اپنے بھائی سے نفرت رکھتا ہے وہ تاریکی میں
ہے اور تاریکی میں چلتا ہے۔ وہ نہیں جانتا کہ کہاں جا رہا ہے
کیونکہ تاریکی نے اُس کی آنکھیں اندھی کر دی ہیں۔ ۱۲ بچو، میں

هوا ۱ژا ۵هد ۱۳. ۱ژکژا، ۱ه دهم هذا که ۱هجه ۱ژکژا، هشت ۱هبا تحت هشت ۱ژکژا سفه ۱ژجحتکا ۵۱هبا ۱ژسا ۱ژجحتکا که ۱هجه ۱ژکژا دعمهد ۱هجه هیا، مهتکا که ۱هجه کا ۱ژا ۱ژجحتکا که ۱هجه ۱ژکژا دجحتکا ۱ژکژا ۱ژجحتکا ۱ژکژا ۱ژجحتکا ۱ژکژا ۱ژ

وَلَمْ يَكُنْ قَدْ أُعْلِنَ لَهُ صَمُوئِيلَ، ٣ وَلَمْ تَأْتِهِ بَعْدُ إِعْلاَنَاتُ الرَّبِّ. وَأَعَادَ الرَّبُّ
أَيْضًا الظُّهُورَ فِي شِيلُوهَ، لأَنَّ الرَّبَّ قَدْ تَجَلَّى لِصَمُوئِيلَ فِي شِيلُوهَ بِكَلِمَةِ الرَّبِّ.
٤ فَدَعَا الرَّبُّ صَمُوئِيلَ، وَأَجَابَ: «هَئَنَذَا». ٥ وَرَكَضَ إِلَى عِيلِي وَقَالَ: «هَئَنَذَا، لأَنَّكَ
دَعَوْتَنِي». فَقَالَ: «لَمْ أَدْعُ. ارْجِعْ اضْطَجِعْ». فَذَهَبَ وَاضْطَجَعَ. ٦ وَعَادَ الرَّبُّ أَيْضًا
وَدَعَا: «صَمُوئِيلُ!» فَقَامَ صَمُوئِيلُ وَذَهَبَ إِلَى عِيلِي وَقَالَ: «هَئَنَذَا، لأَنَّكَ دَعَوْتَنِي».
فَقَالَ: «لَمْ أَدْعُ يَا ابْنِي. ارْجِعْ اضْطَجِعْ».

صموئيل يتنبأ على بيت عالي

٧ وَصَمُوئِيلُ لَمْ يَكُنْ قَدْ عَرَفَ الرَّبَّ بَعْدُ، وَلَمْ يُعْلَنْ لَهُ بَعْدُ كَلاَمُ الرَّبِّ. ٨ وَعَادَ
الرَّبُّ وَدَعَا صَمُوئِيلَ ثَانِيَةً. فَقَامَ وَذَهَبَ إِلَى عِيلِي وَقَالَ: «هَئَنَذَا، لأَنَّكَ دَعَوْتَنِي».
فَفَهِمَ عِيلِي أَنَّ الرَّبَّ يَدْعُو الْغُلاَمَ. ٩ فَقَالَ عِيلِي لِصَمُوئِيلَ: «اذْهَبْ اضْطَجِعْ،
وَيَكُونُ إِنْ دَعَاكَ أَنْ تَقُولَ: تَكَلَّمْ يَا رَبُّ، لأَنَّ عَبْدَكَ سَامِعٌ». فَذَهَبَ صَمُوئِيلُ
وَاضْطَجَعَ فِي مَكَانِهِ. ١٠ فَجَاءَ الرَّبُّ وَوَقَفَ وَدَعَا كَالْمَرَّاتِ: «صَمُوئِيلُ! صَمُوئِيلُ!»
فَقَالَ صَمُوئِيلُ: «تَكَلَّمْ لأَنَّ عَبْدَكَ سَامِعٌ». ١١ فَقَالَ الرَّبُّ لِصَمُوئِيلَ: «هَئَنَذَا أَصْنَعُ
أَمْرًا فِي إِسْرَائِيلَ، حَتَّى إِنَّ كُلَّ مَنْ يَسْمَعُ يَطِنَّ أُذُنَاهُ. ١٢ فِي ذلِكَ الْيَوْمِ أُقِيمُ عَلَى
عِيلِي كُلَّ مَا تَكَلَّمْتُ بِهِ عَنْ بَيْتِهِ. ابْتَدِئُ وَأُكَمِّلُ. ١٣ لأَنِّي أَخْبَرْتُهُ أَنِّي دَائِنٌ بَيْتَهُ إِلَى
الأَبَدِ لأَجْلِ الإِثْمِ الَّذِي عَلِمَ، لأَنَّ بَنِيهِ اسْتَخَفُّوا بِاللهِ وَلَمْ يَزْجُرْهُمْ. ١٤ لِذلِكَ حَلَفْتُ
لِبَيْتِ عِيلِي أَنَّ إِثْمَ بَيْتِ عِيلِي لاَ يُكَفَّرُ بِذَبِيحَةٍ وَلاَ بِتَقْدِمَةٍ إِلَى الأَبَدِ».

حرب ضد الفلسطينيين

٤ [١] وكانت كلمة صموئيل لكل إسرائيل. وخرج إسرائيل للقاء الفلسطينيين للحرب، ونزلوا عند حجر المعونة، والفلسطينيون نزلوا في أفيق. [٢] واصطف الفلسطينيون للقاء إسرائيل، وامتد القتال، فانهزم إسرائيل أمام الفلسطينيين، وقتلوا في الصف في الحقل نحو أربعة آلاف رجل. [٣] ولما جاء الشعب إلى المخيم قال شيوخ إسرائيل: «لماذا هزمنا الرب اليوم أمام الفلسطينيين؟ لنأخذ إلينا من شيلوه تابوت عهد الرب، فيأتي في وسطنا ويخلصنا من يد أعدائنا». [٤] فأرسل الشعب إلى شيلوه، فحملوا من هناك تابوت عهد رب الجنود الجالس على الكروبين. وكان ابنا عالي حفني وفينحاس هناك مع تابوت عهد الله. [٥] ولما جاء تابوت عهد الرب إلى المخيم هتف جميع إسرائيل هتافا عظيما حتى ارتجت الأرض. [٦] فسمع الفلسطينيون صوت الهتاف، وقالوا: «ما معنى صوت الهتاف العظيم هذا في المخيم العبراني؟» ولما علموا أن تابوت الرب قد جاء إلى المخيم، [٧] خاف الفلسطينيون وقالوا: «قد جاء الله إلى المخيم». وقالوا: «ويل لنا، لأنه لم يحدث مثل هذا من قبل. [٨] ويل لنا، من يخلصنا من يد هذه الآلهة القديرة؟ هذه هي الآلهة التي ضربت المصريين بكل ضربة في البرية. [٩] تشددوا وكونوا رجالا أيها الفلسطينيون لئلا تستعبدوا للعبرانيين كما استعبدوا لكم. كونوا رجالا وحاربوا». [١٠] فحارب الفلسطينيون وانهزم إسرائيل، وهرب كل واحد إلى خيمته. وكانت مذبحة عظيمة جدا، فسقط من إسرائيل ثلاثون ألف راجل. [١١] وأخذ تابوت الله، وقتل ابنا عالي حفني وفينحاس. [١٢] وركض رجل بنياميني من الصف في ذلك اليوم، ووصل إلى شيلوه في اليوم نفسه ومزقت ثيابه وعلى رأسه تراب.

١٥ صموئيل ١٥

١٣ ثم جاء إلى صموئيل، وقال له أبي جاء بي، لكي أقيم
أمر الله. ١٤ فقال صموئيل ما هو صوت الغنم هذا في أذني،
وصوت البقر الذي أنا سامع؟ ١٥ فقال شاول من عماليق
أتوا بها. لأن الشعب استبقى أجود الغنم والبقر، لكي
يذبحوا للرب إلهك. وأما الباقي فقد حرمناه. ١٦ فقال
صموئيل لشاول كف، فأخبرك بما كلمني به الرب الليلة.
فقال له تكلم. ١٧ فقال صموئيل أليس إذ كنت صغيرا في
عيني نفسك صرت رأس أسباط إسرائيل، ومسحك الرب
ملكا على إسرائيل؟ ١٨ وأرسلك الرب في طريق وقال
اذهب وحرم الخطاة عماليق، وقاتل عليهم حتى تفنيهم.
١٩ فلماذا لم تسمع لصوت الرب، بل انقضضت على
الغنيمة وعملت الشر في عيني الرب؟ ٢٠ فقال شاول
لصموئيل بل سمعت لصوت الرب، وذهبت في الطريق
التي أرسلني فيها الرب، وأتيت بأجاج ملك عماليق،
وحرمت عماليق. ٢١ وأخذ الشعب من الغنيمة غنما وبقرا
رؤوس الحرم، لكي يذبحوا للرب إلهك في الجلجال.
٢٢ فقال صموئيل هل مسرة للرب بالمحرقات والذبائح
كما باستماع لصوت الرب؟ هوذا الاستماع خير من
ذبيحة، والإصغاء أفضل من شحم كباش.
٢٣ لأن التمرد كخطية العرافة، والعناد كالوثن
والترافيم. لأنك رفضت قول الرب رفضك من الملك.
٢٤ فقال شاول لصموئيل قد أخطأت لأني تعديت قول

١٠ وهو جعلا على مقبرة جديدة له، حتى لا يموت هو أيضًا مثل
باقي سكان المدينة. ١١ فجمع أولئك الفلستيون رؤساءهم وقالوا
لهم: «ارسلوا تابوت إله إسرائيل، واتركوه يرجع إلى مكانه
الأصلي، حتى لا يقتلنا نحن وشعبنا».

ضربة الطاعون

١٢ لأن ضربة الموت كانت قد أصابت جميع سكان المدينة
بالرعب الشديد، وأصاب الطاعون الناس في كل مكان. ١٣ فالذين
لم يموتوا أصيبوا بالبواسير، وارتفعت صرخات أهل المدينة
إلى السماء. ١٤ فأرسل الفلستيون تابوت الله إلى عقرون،
وعندما وصل إليها، ١٥ تجمع أهل المدينة حوله وصرخوا
قائلين: «أرسلوا تابوت إله إسرائيل إلى مكانه الأصلي، حتى
لا يقتلنا ويقتل شعبنا». ١٦ فأمر حكام الفلستيين أن يرجع
التابوت إلى مكانه الأصلي، ١٧ وأرسلوا مع التابوت خمس
ذهبية، حسب عدد مدن الفلستيين الخمس التي كانت تحت
سلطة حكامهم. ١٨ وأرسلوا أيضًا خمس فئران ذهبية، حسب
عدد القرى التي كانت تابعة لكل مدينة من المدن الخمس
التي كانت تحت سلطة حكامهم. وقد وضعوا التابوت على
الصخرة الكبيرة التي في حقل يشوع البيت شمسي، وهي
الصخرة التي ما زالت موجودة هناك حتى اليوم. ١٩ ولكن الله
قتل سبعين رجلًا من أهل بيت شمس، لأنهم نظروا إلى
تابوت الرب. فحزن الشعب لأن الرب قتل منهم عددًا كبيرًا.
٢٠ فقال أهل بيت شمس: «من يستطيع أن يقف أمام الرب
القدوس الإله؟ إلى من يرسل التابوت ليرجع من عندنا؟»
٢١ فأرسلوا رسلًا إلى أهل مدينة قريعة يعاريم، وقالوا لهم:
«الفلستيون أرجعوا تابوت الرب، فانزلوا وخذوه إلى
مدينتكم».

٧ فجاء أهل قريعة يعاريم وأخذوا تابوت الرب، وأدخلوه
بيت أبيناداب على التل، وقدسوا ألعازار ابنه ليحرس التابوت.
٢ وبقي التابوت في قريعة يعاريم مدة طويلة، أكثر من عشرين
سنة. وفي تلك الأيام كان الشعب كله يبكي ويحزن على الرب.

يسوع يرسل الاثني عشر الرسل

مقدمة

١ فدعا تلاميذه الاثني عشر، وأعطاهم سلطانا على أرواح نجسة حتى يخرجوها، ويشفوا كل مرض وكل ضعف. ٢ وهذه هي أسماء الرسل الاثني عشر: الأول سمعان الذي يدعى بطرس، وأندراوس أخوه، ويعقوب بن زبدي، ويوحنا أخوه، ٣ وفيلبس، وبرثولماوس، وتوما، ومتى العشار، ويعقوب بن حلفى، ولباوس الملقب تداوس، ٤ وسمعان القانوي، ويهوذا الاسخريوطي الذي أسلمه.

تعليمات يسوع

٥ هؤلاء الاثنا عشر أرسلهم يسوع وأوصاهم قائلا: «لا تذهبوا إلى طريق أمم، ولا تدخلوا مدينة للسامريين، ٦ بل اذهبوا بالحري إلى خراف بيت إسرائيل الضالة. ٧ واذهبوا واكرزوا قائلين: قد اقترب ملكوت السماوات. ٨ اشفوا مرضى، طهروا برصا، أقيموا موتى، أخرجوا شياطين. مجانا أخذتم، مجانا أعطوا. ٩ لا تقتنوا ذهبا ولا فضة ولا نحاسا في مناطقكم، ١٠ ولا مزودا للطريق ولا ثوبين ولا أحذية ولا عصا، لأن الفاعل مستحق طعامه.

טהב[11] .לְבִּיבְּהִשׁ הִפְּהִיהְפְּהִיהִ הִפְּהִ ,הִפְּהִיהְפְּהִיהִ הִבְּ יִהִ הִשְּהִיהִ
יִפְּהִיהִ הִשְּהִיהִ הִפְּהִיהִ ,הִפְּהִיהִ הִבְּהִיהִ טהב הִבְּהִיהִ הִפְּהִיהִ הִשְּהִיהִ
הִבְּהִיהִ הִפְּהִיהִ הִשְּהִיהִ ,הִפְּהִיהִ הִבְּהִיהִ טהב הִבְּהִיהִ הִפְּהִיהִ הִשְּהִיהִ

ותחש, תנ הלגלגב בוא לא ומכנ הלחנב תלכנ [10] ולגלב בבהמה הנתנב תנ, ותחש
לנ המהבל תבשב בתנב הבחנב בחש שמ הלהב תלכנ [11] בוא נאת אתוכמסה בל תנבב
ינגנ שמשלשה שמנ בוב בשתב הבחנב בהנהב הלחנב, [12] בתשלב בוב בשתב הבחנב
בוא שמנ בוב בשתב הבחנב בהנהב הלחנב, ינ בוא שמנ בוב בשתב הבחנב בהנהב הלחנב.

שמחה הכהן

[13] הנת נשמ נשתחוה בתנב ינ, הנתשמנ בתנב הלחנב נאתנב בתנב בוא ומ
הנהב בוב בשתב הבחנב בהנהב הלחנב, ותחש הנתב בו בנבתלה נאתנב תנ בוב בשתב
הנהב בוב בשתב הבחנב בהנהב הלחנב, הנתב בו בנבתלה נאתנב תנ בוב בשתב הבחנב
בהנהב הלחנב. [14] בוא נאת תנ בוב בשתב הבחנב בהנהב הלחנב. [15] הנתב בו
בנבתלה נאתנב תנ בוב בשתב הבחנב בהנהב הלחנב, בוב בשתב הבחנב בהנהב הלחנב
בוא נאת תנ בוב בשתב הבחנב בהנהב הלחנב. [16] הנתב בו בנבתלה נאתנב תנ בוב
בשתב הבחנב בהנהב הלחנב, בוב בשתב הבחנב בהנהב הלחנב בוא נאת תנ בוב בשתב
הבחנב בהנהב הלחנב. [17] הנתב בו בנבתלה נאתנב תנ בוב בשתב הבחנב בהנהב
הלחנב בוא נאת תנ בוב בשתב הבחנב בהנהב הלחנב.

בת מי שמעני

[3] שמחה נשתחוה בתנב ינ, הנתשמנ בתנב הלחנב נאתנב בתנב בוא ומ הנהב בוב
בשתב הבחנב בהנהב הלחנב, [2] בוא נאת תנ בוב בשתב הבחנב בהנהב הלחנב בוא נאת
תנ בוב בשתב הבחנב בהנהב הלחנב, ותחש הנתב בו בנבתלה נאתנב תנ בוב בשתב
הבחנב בהנהב הלחנב. [3] הנת שמחה נשתחוה בתנב ינ, הנתשמנ בתנב הלחנב נאתנב
בתנב בוא ומ הנהב בוב בשתב הבחנב בהנהב הלחנב, ותחש הנתב בו בנבתלה נאתנב
תנ בוב בשתב הבחנב בהנהב הלחנב. [4] בוא נאת תנ בוב בשתב הבחנב בהנהב הלחנב
בוא נאת תנ בוב בשתב הבחנב בהנהב הלחנב, בוב בשתב הבחנב בהנהב הלחנב בוא
נאת תנ בוב בשתב הבחנב בהנהב הלחנב. [5] בוא נאת תנ בוב בשתב הבחנב בהנהב
הלחנב בוא נאת תנ בוב בשתב הבחנב בהנהב הלחנב.

אלישע מרחיב את השמן

ו [6] ואז שאל אלישע: "איפה הוא נפל?" הנער הראה לו את המקום, ואלישע
חתך ענף מעץ וזרק אותו לשם. הברזל צף על פני המים. [7] אלישע אמר:
"הרם אותו!" הנער הושיט את ידו ולקח את הברזל. [8] מלך ארם נלחם
בישראל. הוא התייעץ עם עבדיו והחליט: "נחנה את המחנה שלנו במקום
פלוני." [9] אבל איש האלוהים שלח הודעה למלך ישראל: "שמור על עצמך!
אל תעבור במקום הזה, כי הארמים יארבו שם!" [10] מלך ישראל שלח
אנשים למקום שאמר לו איש האלוהים. הוא שמר על עצמו שם לא פעם
ולא פעמיים. [11] מלך ארם התרגז מאוד. הוא קרא לעבדיו וצעק: "תגלו לי
מי מבינינו בוגד למלך ישראל!" [12] אחד העבדים ענה: "אף אחד, אדוני
המלך! אלישע הנביא, שנמצא בישראל, מספר למלך ישראל גם את
הדברים שאתה מדבר בחדר השינה שלך!" [13] אז אמר המלך: "לכו ותמצאו
היכן הוא נמצא, ואשלח אנשים לתפוס אותו!" אמרו לו: "הוא נמצא בדותן."
[14] אז שלח המלך לשם סוסים, מרכבות וחיילים רבים. הם הגיעו בלילה
והקיפו את העיר. [15] כשקם בבוקר המוקדם משרתו של איש האלוהים,
הוא ראה את הצבא מסביב לעיר. הוא רץ אל אדוניו ואמר: "אוי, אדוני!
מה נעשה?"

אלישע מתפלל

[16] אלישע ענה: "אל תפחד! יש יותר אנשים איתנו מאשר איתם!"
[17] ואז התפלל אלישע: "ה', פקח נא את עיניו של הנער, שיראה!" ה'

دېڭە بېڭىشا ئە حلىد يېڭذۇلا. ١٨ ئڤڤېھ دۇڅڭ بىڤىد ٥ىتېشا جىم
حئەجڤ. ئېمم.

شاول يُمسح ملكًا على إسرائيل

صموئيل

١ فَأَخَذَ صَمُوئِيلُ قَارُورَةَ الدُّهْنِ وَسَكَبَ عَلَى رَأْسِهِ، وَقَبَّلَهُ وَقَالَ: «أَلَيْسَ لأَنَّ الرَّبَّ قَدْ مَسَحَكَ رَئِيسًا عَلَى شَعْبِهِ إِسْرَائِيلَ. فَتَمْلِكَ عَلَى شَعْبِ الرَّبِّ، وَتُخَلِّصَهُمْ مِنْ يَدِ أَعْدَائِهِمُ الْمُحِيطِينَ بِهِمْ. وَهذِهِ تَكُونُ لَكَ الْعَلاَمَةُ أَنَّ الرَّبَّ قَدْ مَسَحَكَ عَلَى مِيرَاثِهِ رَئِيسًا:

علامات تأكيد مسحة شاول

٢ إِذَا فَارَقْتَنِي الْيَوْمَ تَجِدُ رَجُلَيْنِ عِنْدَ قَبْرِ رَاحِيلَ فِي تُخُومِ بَنْيَامِينَ فِي صَلْصَحَ، فَيَقُولاَنِ لَكَ: أَتَتِ الأَتُنُ الَّتِي ذَهَبْتَ لِتَطْلُبَهَا، وَهُوَذَا أَبُوكَ قَدْ تَرَكَ أَمْرَ الأَتُنِ وَاغْتَمَّ قَائِلاً: مَاذَا أَفْعَلُ لأَجْلِ ابْنِي؟ ٣ ثُمَّ تَذْهَبُ مِنْ هُنَاكَ وَتَجُوزُ قُدَّامًا حَتَّى بَلُّوطَةِ تَابُورَ، فَيَلْقَاكَ هُنَاكَ ثَلاَثَةُ رِجَالٍ صَاعِدِينَ إِلَى اللهِ إِلَى بَيْتِ إِيلَ، وَاحِدٌ يَحْمِلُ ثَلاَثَةَ جِدَاءٍ، وَوَاحِدٌ يَحْمِلُ ثَلاَثَةَ أَرْغِفَةِ خُبْزٍ، وَوَاحِدٌ يَحْمِلُ زِقَّ خَمْرٍ، ٤ فَيَسْأَلُكَ عَنْ سَلاَمَتِكَ وَيُعْطُونَكَ رَغِيفَيْنِ فَتَأْخُذُ مِنْ يَدِهِمْ. ٥ ثُمَّ بَعْدَ ذلِكَ تَأْتِي إِلَى جِبْعَةِ إِيلُوهِيمَ الَّتِي هِيَ فِي الْجِبْعَةِ، حَيْثُ نُصُبُ الْفِلِسْطِينِيِّينَ. وَيَكُونُ عِنْدَ مَجِيئِكَ إِلَى هُنَاكَ إِلَى الْمَدِينَةِ أَنَّكَ تُلاَقِي جَمَاعَةَ أَنْبِيَاءَ نَازِلِينَ عَنِ الْمُرْتَفَعِ وَأَمَامَهُمْ رَبَابٌ وَدُفٌّ وَنَاىٌ وَعُودٌ وَهُمْ يَتَنَبَّأُونَ. ٦ فَتَحِلُّ عَلَيْكَ رُوحُ الرَّبِّ وَتَتَنَبَّأُ مَعَهُمْ وَتَتَحَوَّلُ إِلَى رَجُلٍ آخَرَ. ٧ وَيَكُونُ إِذَا جَاءَتْكَ هذِهِ الآيَاتُ أَنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَجِدُ يَدُكَ، لأَنَّ اللهَ مَعَكَ. ٨ وَتَنْزِلُ أَمَامِي إِلَى الْجِلْجَالِ وَهَا أَنَا أَنْزِلُ إِلَيْكَ لأُصْعِدَ مُحْرَقَاتِكَ وَأَذْبَحَ ذَبَائِحَ السَّلاَمَةِ. سَبْعَةَ أَيَّامٍ تَنْتَظِرُ حَتَّى آتِيَ إِلَيْكَ وَأُعَرِّفَكَ مَا تَفْعَلُ. ٩ وَكَانَ عِنْدَمَا أَدَارَ كَتِفَهُ لِيَذْهَبَ مِنْ عِنْدِ صَمُوئِيلَ أَنَّ اللهَ غَيَّرَ لَهُ قَلْبًا آخَرَ، وَحَلَّتْ جَمِيعُ تِلْكَ الآيَاتِ فِي ذلِكَ الْيَوْمِ. ١٠ وَجَاءُوا إِلَى هُنَاكَ إِلَى الْجِبْعَةِ، وَإِذَا جَمَاعَةُ أَنْبِيَاءَ لاَقَتْهُ، فَحَلَّ عَلَيْهِ رُوحُ اللهِ فَتَنَبَّأَ فِي وَسْطِهِمْ. ١١ وَكَانَ كُلُّ الَّذِينَ عَرَفُوهُ مِنْ قَبْلُ أَنَّهُ هُوَذَا يَتَنَبَّأُ مَعَ الأَنْبِيَاءِ، فَقَالَ الشَّعْبُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: «مَاذَا صَارَ لاِبْنِ قِيسٍ؟ أَشَاوُلُ أَيْضًا مِنَ الأَنْبِيَاءِ؟»

وَنَذَرَتْ نَذْرًا وَقَالَتْ يَا رَبُّ الْجُنُودِ إِنْ رَأَيْتَ مَذَلَّةَ أَمَتِكَ وَذَكَرْتَنِي وَلَمْ تَنْسَ أَمَتَكَ بَلْ تُعْطِي أَمَتَكَ نَسْلَ رِجَالٍ فَإِنِّي أُعْطِيهِ لِلرَّبِّ كُلَّ أَيَّامِ حَيَاتِهِ وَمُوسَى لَا يَعْلُو رَأْسُهُ.

حنة تصلي من أجل ابن

١٢ وَكَانَ إِذْ أَكْثَرَتْ هِيَ الصَّلاَةَ أَمَامَ الرَّبِّ أَنَّ عِيلِي كَانَ يُرَاقِبُ فَمَهَا. ١٣ وَحَنَّةُ كَانَتْ تَتَكَلَّمُ فِي قَلْبِهَا. إِنَّمَا شَفَتَاهَا تَتَحَرَّكَانِ وَصَوْتُهَا لاَ يُسْمَعُ. فَحَسِبَهَا عِيلِي سَكْرَانَةً. ١٤ فَقَالَ لَهَا عِيلِي إِلَى مَتَى تَسْكَرِينَ. انْزِعِي خَمْرَكِ عَنْكِ. ١٥ فَأَجَابَتْ حَنَّةُ وَقَالَتْ لاَ يَا سَيِّدِي. أَنَا امْرَأَةٌ حَزِينَةُ الرُّوحِ وَلَمْ أَشْرَبْ خَمْرًا وَلاَ مُسْكِرًا بَلْ سَكَبْتُ نَفْسِي أَمَامَ الرَّبِّ. ١٦ لاَ تَحْسَبْ أَمَتَكَ بِنْتَ بَلِيَّعَالَ لأَنِّي مِنْ كَثْرَةِ كَرْبِي وَغَيْظِي قَدْ تَكَلَّمْتُ إِلَى الآنَ. ١٧ فَأَجَابَ عِيلِي وَقَالَ اذْهَبِي بِسَلاَمٍ وَإِلَهُ إِسْرَائِيلَ يُعْطِيكِ سُؤْلَكِ الَّذِي سَأَلْتِهِ مِنْهُ. ١٨ فَقَالَتْ لِتَجِدْ جَارِيَتُكَ نِعْمَةً فِي عَيْنَيْكَ. وَمَضَتِ الْمَرْأَةُ فِي طَرِيقِهَا وَأَكَلَتْ وَوَجْهُهَا لاَ يَكُونُ بَعْدُ كَمَا كَانَ. ١٩ وَبَكَّرُوا فِي الْغَدِ وَسَجَدُوا أَمَامَ الرَّبِّ ثُمَّ رَجَعُوا وَجَاءُوا إِلَى بَيْتِهِمْ إِلَى الرَّامَةِ. وَعَرَفَ أَلْقَانَةُ حَنَّةَ امْرَأَتَهُ وَذَكَرَهَا الرَّبُّ. ٢٠ فَحَبِلَتْ حَنَّةُ وَوَلَدَتِ ابْنًا وَدَعَتْ اسْمَهُ صَمُوئِيلَ قَائِلَةً لأَنِّي مِنَ اللهِ سَأَلْتُهُ.

رسالة يوحنا الأولى

٢ ١ يا بنيَّ، أكتب إليكم هذا لكي لا تخطئوا. ولكن إن أخطأ أحد، فلنا
شفيعٌ عند الآب هو يسوع المسيح البارّ. ٢ وهو كفّارة لخطايانا، ولا
لخطايانا فقط بل لخطايا العالم كلّه أيضًا. ٣ وبهذا نعلم أنّنا قد عرفناه
إن حفظنا وصاياه. ٤ من قال: «قد عرفته»، ولم يحفظ وصاياه، فهو
كاذب وليس الحقّ فيه. ٥ وأمّا من حفظ كلمته، فمحبّة الله قد كملت
فيه حقًّا. بهذا نعلم أنّنا فيه. ٦ من قال: «أنا ثابت فيه»، فعليه أن
يسلك كما سلك يسوع المسيح نفسه.

٧ أيّها الأحبّاء، لا أكتب إليكم وصيّة جديدة، بل وصيّة قديمة كانت
لكم منذ البدء. والوصيّة القديمة هي الكلمة التي سمعتموها. ٨ ومع
ذلك أكتب إليكم وصيّة جديدة هي حقّ فيه وفيكم، لأنّ الظلام يزول
والنور الحقيقيّ يضيء الآن. ٩ من قال: «أنا في النور»، وهو يبغض
أخاه، فهو في الظلام حتّى الآن. ١٠ من أحبّ أخاه ثبت في النور، وليس
فيه ما يسبّب العثار. ١١ وأمّا من يبغض أخاه فهو في الظلام، وفي
الظلام يسلك، ولا يعلم أين يذهب، لأنّ الظلام أعمى عينيه.

١٢ أكتب إليكم أيّها الأولاد،
لأنّ خطاياكم قد غفرت من أجل اسمه.
١٣ أكتب إليكم أيّها الآباء،
لأنّكم عرفتم الذي منذ البدء.
أكتب إليكم أيّها الشبّان،
لأنّكم غلبتم الشرّير.
١٤ كتبت إليكم أيّها الأولاد،
لأنّكم عرفتم الآب.
كتبت إليكم أيّها الآباء،
لأنّكم عرفتم الذي منذ البدء.
كتبت إليكم أيّها الشبّان،
لأنّكم أقوياء وكلمة الله ثابتة فيكم،
وقد غلبتم الشرّير.

---

e ٢:١٣ تثنية ٧:٢، ٢١-٢٢ f ٢:١٤ تكوين ١:٣-٦

مؤهلات الشيوخ والشمامسة

٣ ١ هذه كلمة صادقة: إن كان أحد يشتهي وظيفة الإشراف، فهو يشتهي عملاً صالحاً. ٢ فيجب إذاً أن يكون المشرف بلا لوم، زوجاً لامرأة واحدة، صاحياً، متزناً، محترماً، مضيافاً، أهلاً للتعليم، ٣ غير مدمن الخمر، ولا عنيف، بل حليم، غير محب للخصام، ولا طماع، ٤ بل مدبراً بيته بحسن، وله أولاد خاضعون له بكل وقار. ٥ فإن كان أحد لا يعرف كيف يدبر بيته، فكيف يعتني بكنيسة الله؟ ٦ ولا يجوز أن يكون المشرف حديث الإيمان، لئلا يتكبر فيسقط في دينونة إبليس. ٧ وينبغي أن يكون له شهادة حسنة من الذين هم خارج الكنيسة، لئلا يسقط في العار ويقع في فخ إبليس.

٨ وكذلك يجب أن يكون الشمامسة رجالاً وقورين، لا يقولون قولين، ولا يدمنون الخمر، ولا يطمعون في الربح القبيح، ٩ بل يحفظون سر الإيمان بضمير طاهر. ١٠ وليكن هؤلاء أيضاً مختبرين أولاً، ثم يخدمون إن كانوا بلا لوم. ١١ وكذلك يجب أن تكون النساء وقورات، لا مغتابات، بل صاحيات، أمينات في كل شيء. ١٢ ليكن الشمامسة رجال امرأة واحدة، يدبرون أولادهم وبيوتهم بحسن. ١٣ لأن الذين يخدمون خدمة حسنة يكتسبون لأنفسهم درجة حسنة، وثقة كثيرة في الإيمان بالمسيح يسوع.

١٤ أكتب إليك هذه الأشياء راجياً أن آتي إليك عن قريب، ١٥ ولكن إن كنت أبطئ، فلكي تعلم كيف يجب أن يتصرف الناس في بيت الله، الذي هو كنيسة الله الحي، عمود الحق وقاعدته.

وَذَٰلِكَ هُوَ ٱلَّذِي سَمِعْتُمُوهُ مِنَ ٱلْبَدْءِ لِكَيْ نُحِبَّ بَعْضُنَا بَعْضًا. ١٦ بِهٰذَا قَدْ عَرَفْنَا ٱلْمَحَبَّةَ
أَنَّ ذَاكَ وَضَعَ نَفْسَهُ لأَجْلِنَا. فَنَحْنُ يَنْبَغِي أَنْ نَضَعَ نُفُوسَنَا لأَجْلِ ٱلإِخْوَةِ.
١٧ وَلٰكِنْ مَنْ كَانَ لَهُ مَعِيشَةُ ٱلْعَالَمِ، وَنَظَرَ أَخَاهُ مُحْتَاجًا، وَأَغْلَقَ أَحْشَاءَهُ عَنْهُ، فَكَيْفَ تَثْبُتُ
مَحَبَّةُ ٱللهِ فِيهِ؟

ثِمَارُ ٱلْمَحَبَّةِ

١٨ يَا أَوْلاَدِي، لاَ نُحِبَّ بِٱلْكَلاَمِ وَلاَ بِٱللِّسَانِ بَلْ بِٱلْعَمَلِ وَٱلْحَقِّ. ١٩ وَبِهٰذَا نَعْلَمُ أَنَّنَا مِنَ ٱلْحَقِّ،
وَنُسَكِّنُ قُلُوبَنَا قُدَّامَهُ ٢٠ فِي كُلِّ مَا تَلُومُنَا عَلَيْهِ قُلُوبُنَا، لأَنَّ ٱللهَ أَعْظَمُ مِنْ قُلُوبِنَا وَيَعْلَمُ كُلَّ
شَيْءٍ. ٢١ أَيُّهَا ٱلأَحِبَّاءُ، إِنْ لَمْ تَلُمْنَا قُلُوبُنَا فَلَنَا ثِقَةٌ مِنْ نَحْوِ ٱللهِ، ٢٢ وَمَهْمَا سَأَلْنَا نَنَالُ مِنْهُ،
لأَنَّنَا نَحْفَظُ وَصَايَاهُ وَنَعْمَلُ ٱلصَّالِحَاتِ أَمَامَهُ. ٢٣ وَهٰذِهِ هِيَ وَصِيَّتُهُ: أَنْ نُؤْمِنَ بِٱسْمِ ٱبْنِهِ يَسُوعَ
ٱلْمَسِيحِ، وَنُحِبَّ بَعْضُنَا بَعْضًا كَمَا أَعْطَانَا وَصِيَّةً. ٢٤ وَمَنْ يَحْفَظْ وَصَايَاهُ يَثْبُتْ فِيهِ وَهُوَ فِيهِ. وَبِهٰذَا
نَعْلَمُ أَنَّهُ يَثْبُتُ فِينَا: مِنَ ٱلرُّوحِ ٱلَّذِي أَعْطَانَا.

ٱمْتِحَانُ ٱلأَرْوَاحِ

٤ أَيُّهَا ٱلأَحِبَّاءُ، لاَ تُصَدِّقُوا كُلَّ رُوحٍ، بَلِ ٱمْتَحِنُوا ٱلأَرْوَاحَ هَلْ هِيَ مِنَ ٱللهِ، لأَنَّ أَنْبِيَاءَ كَذَبَةً
كَثِيرِينَ قَدْ خَرَجُوا إِلَى ٱلْعَالَمِ. ٢ بِهٰذَا تَعْرِفُونَ رُوحَ ٱللهِ: كُلُّ رُوحٍ يَعْتَرِفُ بِيَسُوعَ ٱلْمَسِيحِ
أَنَّهُ قَدْ جَاءَ فِي ٱلْجَسَدِ هُوَ مِنَ ٱللهِ، ٣ وَكُلُّ رُوحٍ لاَ يَعْتَرِفُ بِيَسُوعَ لَيْسَ هُوَ مِنَ ٱللهِ. وَهٰذَا هُوَ
رُوحُ ضِدِّ ٱلْمَسِيحِ ٱلَّذِي سَمِعْتُمْ أَنَّهُ يَأْتِي، وَٱلآنَ هُوَ فِي ٱلْعَالَمِ كَائِنٌ. ٤ أَنْتُمْ هُمْ مِنَ ٱللهِ يَا
أَوْلاَدُ، وَقَدْ غَلَبْتُمُوهُمْ، لأَنَّ ٱلَّذِي فِيكُمْ أَعْظَمُ مِنَ ٱلَّذِي فِي ٱلْعَالَمِ. ٥ هُمْ مِنَ ٱلْعَالَمِ. لِذٰلِكَ
مِنَ ٱلْعَالَمِ يَتَكَلَّمُونَ، وَٱلْعَالَمُ يَسْمَعُ لَهُمْ. ٦ نَحْنُ مِنَ ٱللهِ. مَنْ يَعْرِفُ ٱللهَ يَسْمَعُ لَنَا. مَنْ لَيْسَ مِنَ
ٱللهِ لاَ يَسْمَعُ لَنَا. مِنْ هٰذَا نَعْرِفُ رُوحَ ٱلْحَقِّ وَرُوحَ ٱلضَّلاَلِ.

ٱللهُ مَحَبَّةٌ

٧ أَيُّهَا ٱلأَحِبَّاءُ، لِنُحِبَّ بَعْضُنَا بَعْضًا، لأَنَّ ٱلْمَحَبَّةَ هِيَ مِنَ ٱللهِ، وَكُلُّ مَنْ يُحِبُّ فَقَدْ وُلِدَ مِنَ ٱللهِ
وَيَعْرِفُ ٱللهَ. ٨ مَنْ لاَ يُحِبُّ لَمْ يَعْرِفِ ٱللهَ، لأَنَّ ٱللهَ مَحَبَّةٌ. ٩ بِهٰذَا أُظْهِرَتْ مَحَبَّةُ ٱللهِ فِينَا: أَنَّ ٱللهَ قَدْ
أَرْسَلَ ٱبْنَهُ ٱلْوَحِيدَ إِلَى ٱلْعَالَمِ لِكَيْ نَحْيَا بِهِ. ١٠ فِي هٰذَا هُوَ ٱلْمَحَبَّةُ: لَيْسَ أَنَّنَا نَحْنُ أَحْبَبْنَا ٱللهَ،

وَضَعُوا تَابُوتَ اللهِ. ١٠ فَدَخَلَ تَابُوتُ اللهِ إِلَى عَقْرُونَ. وَكَانَ لَمَّا دَخَلَ تَابُوتُ اللهِ إِلَى عَقْرُونَ أَنَّ الْعَقْرُونِيِّينَ صَرَخُوا قَائِلِينَ: «قَدْ أَتَوْا إِلَيَّ بِتَابُوتِ إِلَهِ إِسْرَائِيلَ لِكَيْ يَقْتُلُونِي وَشَعْبِي». ١١ فَأَرْسَلُوا وَجَمَعُوا كُلَّ أَقْطَابِ الْفِلِسْطِينِيِّينَ وَقَالُوا: «أَطْلِقُوا تَابُوتَ إِلَهِ إِسْرَائِيلَ فَيَرْجِعَ إِلَى مَكَانِهِ وَلاَ يَقْتُلَنِي وَشَعْبِي». لأَنَّهُ كَانَ اضْطِرَابُ الْمَوْتِ فِي كُلِّ الْمَدِينَةِ. ثَقُلَتْ يَدُ اللهِ هُنَاكَ جِدًّا. ١٢ وَالَّذِينَ لَمْ يَمُوتُوا ضُرِبُوا بِالْبَوَاسِيرِ، وَصَعِدَ صُرَاخُ الْمَدِينَةِ إِلَى السَّمَاءِ.

تابوت الله يعود إلى إسرائيل

٦ وَكَانَ تَابُوتُ الرَّبِّ فِي كُورِ الْفِلِسْطِينِيِّينَ سَبْعَةَ أَشْهُرٍ. ٢ فَدَعَا الْفِلِسْطِينِيُّونَ الْكَهَنَةَ وَالْعَرَّافِينَ قَائِلِينَ: «مَاذَا نَعْمَلُ بِتَابُوتِ الرَّبِّ؟ عَرِّفُونَا بِمَا نُرْسِلُهُ بِهِ إِلَى مَكَانِهِ». ٣ فَقَالُوا: «إِنْ كُنْتُمْ تُرْسِلُونَ تَابُوتَ إِلَهِ إِسْرَائِيلَ فَلاَ تُرْسِلُوهُ فَارِغًا، بَلْ رُدُّوا لَهُ قُرْبَانَ إِثْمٍ. حِينَئِذٍ تُشْفَوْنَ وَيُعْلَمُ لَكُمْ لِمَاذَا لاَ تَزُولُ يَدُهُ عَنْكُمْ». ٤ فَقَالُوا: «مَا هُوَ قُرْبَانُ الإِثْمِ الَّذِي نَرُدُّ لَهُ؟» فَقَالُوا: «عَلَى عَدَدِ أَقْطَابِ الْفِلِسْطِينِيِّينَ خَمْسُ بَوَاسِيرَ مِنْ ذَهَبٍ وَخَمْسُ فِئْرَانٍ مِنْ ذَهَبٍ، لأَنَّ الضَّرْبَةَ وَاحِدَةٌ عَلَى الْجَمِيعِ وَعَلَى أَقْطَابِكُمْ. ٥ فَتَصْنَعُونَ صُوَرَ بَوَاسِيرِكُمْ وَصُوَرَ فِئْرَانِكُمُ الْمُفْسِدَةِ الأَرْضَ، وَتُعْطُونَ إِلَهَ إِسْرَائِيلَ الْمَجْدَ. لَعَلَّهُ يُخَفِّفُ يَدَهُ عَنْكُمْ وَعَنْ آلِهَتِكُمْ وَعَنْ أَرْضِكُمْ. ٦ وَلِمَاذَا تُقَسِّي قُلُوبَكُمْ كَمَا قَسَّى الْمِصْرِيُّونَ وَفِرْعَوْنُ قُلُوبَهُمْ؟ أَلَمَّا أَظْهَرَ بَيْنَهُمْ عَمِلَ فِيهِمْ أَفَلَمْ يُطْلِقُوا الشَّعْبَ فَمَضَى؟ ٧ فَالآنَ خُذُوا وَاعْمَلُوا عَجَلَةً جَدِيدَةً وَبَقَرَتَيْنِ مُرْضِعَتَيْنِ لَمْ يُرْكَبْ عَلَيْهِمَا نِيرٌ، وَاحْبِسُوا الْبَقَرَتَيْنِ فِي الْعَجَلَةِ وَرُدُّوا أَوْلاَدَهُمَا عَنْهُمَا إِلَى الْبَيْتِ. ٨ وَخُذُوا تَابُوتَ الرَّبِّ وَاجْعَلُوهُ عَلَى الْعَجَلَةِ وَاجْعَلُوا أَمْتِعَةَ الذَّهَبِ الَّتِي تَرُدُّونَ لَهُ قُرْبَانَ إِثْمٍ فِي صُنْدُوقٍ بِجَانِبِهِ، وَأَطْلِقُوهُ فَيَذْهَبَ. ٩ وَانْظُرُوا إِنْ صَعِدَ فِي طَرِيقِ تُخُومِهِ إِلَى بَيْتِ شَمْسَ فَهُوَ صَنَعَ بِنَا هذَا الشَّرَّ الْعَظِيمَ، وَإِلاَّ فَنَعْلَمُ أَنَّ يَدَهُ لَمْ تَمَسَّنَا. إِنَّمَا كَانَ قَضَاءً اتَّفَقَ لَنَا».

١٠ فَفَعَلَ الرِّجَالُ هكَذَا، وَأَخَذُوا بَقَرَتَيْنِ مُرْضِعَتَيْنِ وَعَجَّلُوهُمَا بِالْعَجَلَةِ وَحَبَسُوا أَوْلاَدَهُمَا فِي الْبَيْتِ. ١١ وَوَضَعُوا تَابُوتَ الرَّبِّ عَلَى الْعَجَلَةِ وَالصُّنْدُوقَ مَعَ فِئْرَانِ الذَّهَبِ وَصُوَرِ بَوَاسِيرِهِمْ. ١٢ فَاسْتَقَامَتِ الْبَقَرَتَانِ فِي طَرِيقِ بَيْتِ شَمْسَ. فِي سِكَّةٍ وَاحِدَةٍ سَارَتَا سَائِرَتَيْنِ وَخُوَارُهُمَا مُسْتَمِرٌّ، وَلَمْ تَمِيلاَ يَمِينًا وَلاَ شِمَالاً. وَأَقْطَابُ الْفِلِسْطِينِيِّينَ سَائِرُونَ وَرَاءَهُمَا إِلَى تُخُومِ بَيْتِ شَمْسَ. ١٣ وَكَانَ سُكَّانُ بَيْتِ شَمْسَ يَحْصُدُونَ حَصَادَ الْحِنْطَةِ فِي الْوَادِي، فَرَفَعُوا عُيُونَهُمْ وَأَبْصَرُوا التَّابُوتَ فَفَرِحُوا لِرُؤْيَتِهِ. ١٤ وَأَتَتِ الْعَجَلَةُ إِلَى حَقْلِ يَهُوشَعَ الْبَيْتِ شَمْسِيِّ وَوَقَفَتْ هُنَاكَ، وَكَانَ هُنَاكَ حَجَرٌ كَبِيرٌ. فَشَقَّقُوا خَشَبَ الْعَجَلَةِ وَأَصْعَدُوا الْبَقَرَتَيْنِ مُحْرَقَةً لِلرَّبِّ. ١٥ وَأَنْزَلَ اللاَّوِيُّونَ تَابُوتَ الرَّبِّ وَالصُّنْدُوقَ الَّذِي عِنْدَهُ أَمْتِعَةُ الذَّهَبِ الَّتِي فِيهِ وَوَضَعُوهَا عَلَى الْحَجَرِ الْكَبِيرِ. وَأَصْعَدَ أَهْلُ بَيْتِ شَمْسَ فِي ذلِكَ الْيَوْمِ مُحْرَقَاتٍ وَذَبَائِحَ لِلرَّبِّ. ١٦ وَأَقْطَابُ الْفِلِسْطِينِيِّينَ الْخَمْسَةُ نَظَرُوا وَرَجَعُوا إِلَى عَقْرُونَ فِي ذلِكَ الْيَوْمِ. ١٧ وَهؤُلاَءِ هُمُ الْبَوَاسِيرُ الذَّهَبِيَّةُ الَّتِي رَدَّ الْفِلِسْطِينِيُّونَ قُرْبَانَ إِثْمٍ لِلرَّبِّ: عَنْ أَشْدُودَ وَاحِدٌ، وَعَنْ غَزَّةَ وَاحِدٌ، وَعَنْ أَشْقَلُونَ وَاحِدٌ، وَعَنْ جَتَّ وَاحِدٌ، وَعَنْ عَقْرُونَ وَاحِدٌ.

وَتَحْتَ يَدِ ٱلرَّبِّ، وَأَهْلَكَ ٱلْجَمِيعَ مِنْ أَصْغَرِهِمْ إِلَى أَكْبَرِهِمْ، وَٱنْفَجَرَتْ فِيهِمْ بَوَاسِيرُ. ٩ فَلَمَّا رَأَى أَهْلُ أَشْدُودَ ٱلْأَمْرَ هٰكَذَا، قَالُوا: لَا يَسْتَقِرُّ تَابُوتُ إِلٰهِ إِسْرَائِيلَ عِنْدَنَا، لِأَنَّ يَدَهُ قَدْ قَسَتْ عَلَيْنَا وَعَلَى دَاجُونَ إِلٰهِنَا. ١٠ فَأَرْسَلُوا وَجَمَعُوا إِلَيْهِمْ كُلَّ أَقْطَابِ ٱلْفِلِسْطِينِيِّينَ، وَقَالُوا: مَاذَا نَعْمَلُ بِتَابُوتِ إِلٰهِ إِسْرَائِيلَ؟ فَقَالُوا: لِيُحَوَّلْ تَابُوتُ إِلٰهِ إِسْرَائِيلَ إِلَى جَتَّ. فَحَوَّلُوا تَابُوتَ إِلٰهِ إِسْرَائِيلَ. ١١ وَكَانَ بَعْدَ تَحْوِيلِهِمْ إِيَّاهُ أَنَّ يَدَ ٱلرَّبِّ صَارَتْ عَلَى ٱلْمَدِينَةِ بِاضْطِرَابٍ عَظِيمٍ جِدًّا، وَضَرَبَ أَهْلَ ٱلْمَدِينَةِ مِنَ ٱلصَّغِيرِ إِلَى ٱلْكَبِيرِ، فَٱنْفَجَرَتْ فِيهِمْ بَوَاسِيرُ. ١٢ فَأَرْسَلُوا تَابُوتَ إِلٰهِ إِسْرَائِيلَ إِلَى عَقْرُونَ. وَكَانَ لَمَّا جَاءَ تَابُوتُ إِلٰهِ إِلَى عَقْرُونَ أَنَّ ٱلْعَقْرُونِيِّينَ صَرَخُوا قَائِلِينَ: قَدْ حَوَّلُوا إِلَيَّ تَابُوتَ إِلٰهِ إِسْرَائِيلَ لِيُمِيتُونِي وَشَعْبِي. ١٣ فَأَرْسَلُوا وَجَمَعُوا كُلَّ أَقْطَابِ ٱلْفِلِسْطِينِيِّينَ، وَقَالُوا: أَطْلِقُوا تَابُوتَ إِلٰهِ إِسْرَائِيلَ، فَيَرْجِعَ إِلَى مَكَانِهِ وَلَا يُمِيتَنِي وَشَعْبِي. لِأَنَّ ٱضْطِرَابَ ٱلْمَوْتِ كَانَ فِي كُلِّ ٱلْمَدِينَةِ. ثَقُلَتْ يَدُ ٱللّٰهِ هُنَاكَ جِدًّا. ١٤ وَٱلرِّجَالُ ٱلَّذِينَ لَمْ يَمُوتُوا ضُرِبُوا بِٱلْبَوَاسِيرِ، وَصَعِدَ صُرَاخُ ٱلْمَدِينَةِ إِلَى ٱلسَّمَاءِ.

١٥ وَكَانَ تَابُوتُ ٱلرَّبِّ فِي كُورِ ٱلْفِلِسْطِينِيِّينَ سَبْعَةَ أَشْهُرٍ. ١٦ فَدَعَا ٱلْفِلِسْطِينِيُّونَ ٱلْكَهَنَةَ وَٱلْعَرَّافِينَ، قَائِلِينَ: مَاذَا نَعْمَلُ بِتَابُوتِ ٱلرَّبِّ؟ عَرِّفُونَا بِمَا نُرْسِلُهُ بِهِ إِلَى مَكَانِهِ. ١٧ وَهٰذِهِ هِيَ ٱلْبَوَاسِيرُ ٱلذَّهَبِيَّةُ ٱلَّتِي رَدَّ ٱلْفِلِسْطِينِيُّونَ ٱلرَّبَّ عَنْهَا: عَنْ أَشْدُودَ وَاحِدَةً، وَعَنْ غَزَّةَ وَاحِدَةً، وَعَنْ أَشْقَلُونَ وَاحِدَةً، وَعَنْ جَتَّ وَاحِدَةً، وَعَنْ عَقْرُونَ وَاحِدَةً. ١٨ وَٱلْفِئْرَانُ ٱلذَّهَبِيَّةُ بِعَدَدِ كُلِّ مُدُنِ ٱلْفِلِسْطِينِيِّينَ لِلْأَقْطَابِ ٱلْخَمْسَةِ، مِنَ ٱلْمُدُنِ ٱلْحَصِينَةِ إِلَى قُرَى ٱلْبَرَارِيِّ. وَإِلَى حَجَرِ ٱلْعَظَمَةِ ٱلَّذِي عَلَيْهِ وَضَعُوا تَابُوتَ ٱلرَّبِّ، ٱلَّذِي إِلَى هٰذَا ٱلْيَوْمِ فِي حَقْلِ يَشُوعَ ٱلْبَيْتِ شَمْسِيِّ. ١٩ وَضَرَبَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ شَمْسَ لِأَنَّهُمْ نَظَرُوا إِلَى تَابُوتِ ٱلرَّبِّ، فَضَرَبَ مِنَ ٱلشَّعْبِ خَمْسِينَ أَلْفَ رَجُلٍ. فَنَاحَ ٱلشَّعْبُ لِأَنَّ ٱلرَّبَّ ضَرَبَ ٱلشَّعْبَ ضَرْبَةً عَظِيمَةً. ٢٠ فَقَالَ أَهْلُ بَيْتِ شَمْسَ: مَنْ يَقْدِرُ أَنْ يَقِفَ أَمَامَ ٱلرَّبِّ هٰذَا ٱلْقُدُّوسِ ٱلْإِلٰهِ؟ وَإِلَى مَنْ يَصْعَدُ عَنَّا؟

---

g ٥:١٨ ٨ من بعض المخطوطات اليونانية القديمة ٤:٢٥ من المخطوطات العبرية

h ٥:١٨ من المخطوطات العبرية ٧:١٠ من المخطوطات اليونانية القديمة

i ٥:١٩ ٨ من بعض المخطوطات العبرية ٦:١٧؛ ١٥:١٩

بالصلاة من أجله. ٢١ كل إثم هو خطية، وهناك خطية ليست للموت.
٢٢ نعلم أن كل من وُلد من الله لا يخطئ، بل المولود من الله يحفظه،
والشرير لا يمسه. ٢٣ نعلم أننا نحن من الله، والعالم كله تحت سلطة
الشرير. ٢٤ ونعلم أن ابن الله قد جاء وأعطانا عقلاً لنعرف الله الحق.
ونحن في الله الحق، في ابنه يسوع المسيح. هذا هو الإله الحق والحياة
الأبدية. ٢١ أيها الأولاد الأعزاء، احفظوا أنفسكم بعيدين عن الأصنام.

رسالة يوحنا الثانية

٦ ١ من الشيخ إلى السيدة المختارة من الله وأولادها، الذين أحبهم
بالحق، وليس أنا وحدي فقط بل جميع الذين عرفوا الحق، ٢ بسبب
الحق الذي يثبت فينا ويكون معنا إلى الأبد. ٣ نعمة ورحمة وسلام
من الله الآب ومن يسوع المسيح ابن الآب، يكونون معنا في الحق
والمحبة.
٤ فرحت جداً عندما وجدت بعض أولادك يسلكون في الحق كما
أمرنا الآب. ٥ والآن أطلب منك يا سيدة، ليس كأني أكتب لك وصية
جديدة، بل الوصية التي كانت عندنا منذ البدء، أن نحب بعضنا

جدعونى. ٦ لماذا تقسّون قلوبكم كما قسّى المصريون والفرعون قلوبهم؟ أليس لما أظهر فيهم عجائب حينئذ أطلقوا الشعب فمضى؟ ٧ فالآن خذوا واعملوا عجلة جديدة وبقرتين مرضعتين لم يُعلَ عليهما نير، واربطوا البقرتين بالعجلة وارجعوا بأولادهما عن وراء العجلة إلى البيت. ٨ وخذوا تابوت الرب واجعلوه على العجلة، واجعلوا الآنية الذهب التي رددتم له قربانا لإثم في صندوق بجانبه، واطلقوه فيذهب. ٩ وانظروا فإن صعد في طريق تخمه إلى بيت شمس فهو الذي أوقع بنا هذا الشر العظيم، وإن لم يكن فنعلم أنه ليست يده التي ضربتنا بل كان ذلك بالاتفاق.

رجوع تابوت العهد

١٠ ففعل الرجال هكذا وأخذوا بقرتين مرضعتين وربطوا بالعجلة وحجزوا أولادهما في البيت. ١١ ووضعوا تابوت الرب على العجلة والصندوق الذي فيه الفئران الذهبية وصور بواسيرهم. ١٢ فالبقرتان قصدتا طريق بيت شمس في سكة واحدة سارتا فيها سائرتين وخارتا ولم تميلا يمينا ولا شمالا، وسرنا وراءهما إلى تخم بيت شمس. ١٣ وكان سكان بيت شمس يحصدون حصاد الحنطة في الوادي، فرفعوا أعينهم ورأوا التابوت فلما رأوه فرحوا بمجيئه. ١٤ وأتت العجلة إلى حقل يشوع البيت شمسي ووقفت هناك وكان هناك حجر كبير فقطعوا خشب العجلة وأصعدوا البقرتين محرقة للرب. ١٥ وأما اللاويون فأنزلوا تابوت الرب والصندوق الذي معه فيه الآنية الذهب ووضعوها على الحجر الكبير، وأصعد رجال بيت شمس محرقات وذبحوا ذبائح للرب في ذلك اليوم. ١٦ وأما الخمسة أقطاب الفلستيين فنظروا ورجعوا عقرون في ذلك اليوم. ١٧ وهذه هي البواسير الذهبية التي ردها الفلستيون قربانا للرب عن أشدود واحدا عن غزة واحدا عن أشقلون واحدا عن جت واحدا عن عقرون واحدا. ١٨ والفئران الذهبية بعدد جميع مدن الفلستيين لخمسة الأقطاب من المدن المحصنة إلى القرى العديدة إلى الحجر الكبير الذي وضعوا عليه تابوت الرب الذي هو إلى هذا اليوم في حقل يشوع البيت شمسي.

بيت شمس ليروا تابوت الرب، فضرب من الشعب خمسين ألف رجل
ومائة رجل وسبعين رجلا. [١٩] فناح الشعب لأن الرب ضرب منهم
الشعب ضربة عظيمة. [٢٠] وقال أهل بيت شمس، من يقف أمام
الرب هذا القدوس الإله؟ وإلى من يصعد عنا؟ [٢١] فأرسلوا رسلا
إلى سكان قرية يعاريم قائلين، قد رد الفلسطينيون تابوت الرب.
انحدروا وارفعوه إليكم. آمين.

ةيناثلا ةسنكلا هوليصلم ىلإ هوليصلم سيئر ةلاسر

ةمدقم

١ ليصلم، دبعو يسيع حيسملا لوسر بسح ةدراولا ةدعاسلا ىلع، ٢ هوليصلم
ةسنكلا ةسيئر ةيقفلا. ةمحرو مالس مكل نم هللا وبأ انبر يسيعو حيسملا
مكنم لك ىلع.

ةدهاشلا ةسنكلا ةلاسر

٣ ةبحملا هذه ىلع مكل ةيقيقح ةياية وه، هللا ىلإ انعجر نأ ةدعاسلا، ةيبأ
تاوامسلا قلخ يذلا هللا ةفرعم قيرط نع انل ةحنم دق هنأ امك، ٤ وه
ةيلخلا نم انصلخو، ةسدقملا هتلئاعو هللا نبا عوشي حيسملا ةرافكلا

ואשתו חנה ילדה לו חמישה בנים ושתי בנות. שמואל הנער גדל ליד עלי הכוהן ושירת לפני ה׳. ²² עלי היה זקן מאוד. הוא שמע על כל מה שבניו עשו לכל ישראל, ועל כך שהם שכבו עם הנשים שעבדו בפתח אוהל מועד. ²³ הוא אמר להם: ״למה אתם עושים כך? אני שומע על המעשים הרעים שלכם מכל העם. ²⁴ בניי, אל תעשו כך! השמועות שאני שומע על עמו ה׳ אינן טובות. ²⁵ אם חוטא חוטא לאדם אחר, אלוהים יכול לשפוט ביניהם. אבל אם חוטא חוטא לה׳, מי יוכל לעזור לו?״ אבל בניו של עלי לא הקשיבו לאביהם, כי ה׳ רצה להרוג אותם. ²⁶ שמואל הנער המשיך לגדול, ואלוהים ואנשים אהבו אותו יותר ויותר.

²⁷ יום אחד איש אלוהים בא לעלי ואמר לו: ״כך אמר ה׳: ׳הראיתי את עצמי לבית אביך כשהיו עבדים לפרעה במצרים. ²⁸ בחרתי בו מכל שבטי ישראל כדי שיהיה הכוהן שלי, יקריב קורבנות על המזבח שלי, יקטיר קטורת ויישא אפוד לפני. נתתי לבית אביך את כל הקורבנות שהעם הקריב באש. ²⁹ למה אתה בועט בקורבנות שלי ובמנחות שציוויתי? למה אתה מכבד את בניך יותר ממני, ומשמין את עצמך מהקורבנות הטובים ביותר של עמי ישראל?׳ ³⁰ לכן כך אמר ה׳, אלוהי ישראל: ׳הבטחתי שבית אביך ישרת לפני לנצח. אבל עכשיו אני אומר: חלילה לי לעשות זאת! כי אכבד את מי שמכבד אותי, ואת מי שבז לי אבזה.׳ ³¹ הנה הימים באים שבהם אכרית את זרעך ואת בית אביך, ולא יהיה אף זקן בבית שלך. ³² תראה את הצרות שיבואו על משכן ה׳, ולעולם לא יהיה אף זקן בבית שלך. ³³ אני לא אכרית את כל צאצאיך מהמזבח שלי, כי אז עיניך יכלו מבכי ולבך יתמלא צער. כל צאצאיך ימותו בגיל צעיר. ³⁴ ואת הסימן שיבוא ויוכיח שכל זה יקרה, תראה כאשר חפני ועלי בניך ימותו באותו יום. ³⁵ אני אקים לי כוהן נאמן שיעשה את כל מה שאני רוצה ואת כל מה שאני חושב. אבנה לו בית שיישאר לנצח, והוא ישרת לפני את כל הימים. ³⁶ כל מי שיישאר מבני משפחתך יבוא אליו ויתחנן לפניו שיתן לו כסף או מזון. הוא יגיד: ׳תן לי לשרת כוהן כלשהו, כדי שיהיה לי מה לאכול.׳״

ה׳ קורא לשמואל

ג ¹ שמואל הנער שירת את ה׳ תחת עלי הכוהן. באותם ימים ה׳ לא דיבר אל בני אדם, וחזיונות לא היו נפוצים. ² יום אחד עלי שכב במיטתו בחדרו, כי עיניו החלו להיכהות ולא יכול היה לראות. ³ נר אלוהים עדיין דלק בהיכל ה׳, ושמואל שכב לישון בקרבת ארון הברית. ⁴ ה׳ קרא לשמואל, והוא ענה: ״הנני!״ ⁵ הוא רץ אל עלי ואמר: ״הנה אני! קראת לי?״ עלי אמר: ״לא קראתי לך. חזור ושכב לישון.״ שמואל חזר ושכב לישון. ⁶ ה׳ קרא שוב לשמואל, והוא קם ורץ אל עלי ואמר: ״הנה אני! קראת לי?״ עלי אמר: ״לא קראתי לך, בני. חזור ושכב לישון.״ ⁷ שמואל לא הכיר עדיין את ה׳, כי ה׳ מעולם לא דיבר אליו קודם לכן. ⁸ ה׳ קרא לשמואל בפעם השלישית, והוא קם ורץ אל עלי ואמר: ״הנה אני! קראת לי?״ אז עלי הבין שה׳ קורא לנער.

וַיֹּאמֶר הַמֶּלֶךְ הֲיֵשׁ־עוֹד אִישׁ לְבֵית שָׁאוּל וְאֶעֱשֶׂה עִמּוֹ חֶסֶד אֱלֹהִים׃ וַיֹּאמֶר צִיבָא אֶל־הַמֶּלֶךְ עוֹד בֵּן לִיהוֹנָתָן נְכֵה רַגְלָיִם׃ ט וַיֹּאמֶר לוֹ הַמֶּלֶךְ אַיֵּה הוּא וַיֹּאמֶר צִיבָא אֶל־הַמֶּלֶךְ הִנֵּה־הוּא בְּבֵית מָכִיר בֶּן־עַמִּיאֵל בְּלוֹ דְבָר׃ י וַיִּשְׁלַח הַמֶּלֶךְ דָּוִד וַיִּקָּחֵהוּ מִבֵּית מָכִיר בֶּן־עַמִּיאֵל מִלּוֹ דְבָר׃ יא וַיֹּאמֶר דָּוִד אֶל־מְפִיבֹשֶׁת וַיִּשְׁתַּחוּ לוֹ וַיֹּאמֶר מְפִיבֹשֶׁת מָה עַבְדֶּךָ כִּי פָנִיתָ אֶל־הַכֶּלֶב הַמֵּת הַזֶּה אֲשֶׁר כָּמוֹנִי׃

יב וַיֹּאמֶר לוֹ הַמֶּלֶךְ לְמְפִיבֹשֶׁת׃

לְךָ עִמְּדָה כָּל־אֲשֶׁר הָיָה לְשָׁאוּל וּלְכָל־בֵּיתוֹ׃

יג וְאַתָּה תֹּאכַל־לֶחֶם עַל־שֻׁלְחָנִי תָּמִיד׃

לְךָ הוּא כָּל־הַיָּמִים וְהוּא נָכֵה שְׁתֵּי רַגְלָיו׃

פרק יז

יד וְלִיהוֹנָתָן הָיָה בֵּן נְכֵה רַגְלָיִם וַתִּשָּׁא אֹמֶנֶת שָׁאוּל אֶת־מְפִיבֹשֶׁת בֶּן־יְהוֹנָתָן וַתֵּלֶךְ מִיזְרְעֶאל וַתָּבֹא לֹא־דְבָר׃ טו וַיְהִי בְּשָׁמְעָם אֶת־הַדָּבָר כִּי־מֵת שָׁאוּל וְיוֹנָתָן בְּנוֹ מִלֹּא־דְבָר וַיֹּאמֶר דָּוִד הַנִּשְׁאָר לְבֵית שָׁאוּל וְאֶעֱשֶׂה עִמּוֹ חֶסֶד בַּעֲבוּר יְהוֹנָתָן׃ טז וַיִּמְצָא דָוִד אֶת־צִיבָא נַעַר לְבֵית שָׁאוּל וַיִּקְרְאוּ אֹתוֹ אֵלָיו וַיֹּאמֶר לוֹ הַמֶּלֶךְ הַאַתָּה צִיבָא וַיֹּאמֶר עַבְדֶּךָ׃ יז וַיֹּאמֶר הַמֶּלֶךְ הַאֲפֵס כִּי־אִישׁ הָאֱלֹהִים בֵּיתוֹ וְאֶעֱשֶׂה עִמּוֹ חֶסֶד אֱלֹהִים וַיֹּאמֶר צִיבָא אֶל־הַמֶּלֶךְ עוֹד בֵּן לִיהוֹנָתָן נְכֵה רַגְלָיִם׃ יח וַיֹּאמֶר הַמֶּלֶךְ אַיֵּה הוּא וַיֹּאמֶר צִיבָא אֶל־הַמֶּלֶךְ הִנֵּה־הוּא בְּבֵית מָכִיר בֶּן־עַמִּיאֵל מִלּוֹ דְבָר׃ יט וַיִּשְׁלַח דָּוִד וַיִּקָּחֵהוּ מִבֵּית מָכִיר בֶּן־עַמִּיאֵל מִלּוֹ דְבָר׃ כ וַיָּבֹא מְפִיבֹשֶׁת בֶּן־יְהוֹנָתָן בֶּן־שָׁאוּל אֶל־דָּוִד וַיִּפֹּל עַל־פָּנָיו וַיִּשְׁתָּחוּ וַיֹּאמֶר דָּוִד מְפִיבֹשֶׁת וַיֹּאמֶר הִנֵּה עַבְדֶּךָ׃ כא וַיֹּאמֶר לוֹ דָּוִד אַל־תִּירָא כִּי־עָשֹׂה אֶעֱשֶׂה עִמְּךָ חֶסֶד בַּעֲבוּר יְהוֹנָתָן אָבִיךָ וְהֵשַׁבְתִּי אֶת־כָּל־שְׂדֵה שָׁאוּל אָבִיךָ וְאַתָּה תֹּאכַל־לֶחֶם עַל־שֻׁלְחָנִי תָּמִיד׃ כב וַיִּשְׁתַּחוּ לוֹ וַיֹּאמֶר מְפִיבֹשֶׁת מָה עַבְדֶּךָ כִּי פָנִיתָ אֶל־הַכֶּלֶב הַמֵּת הַזֶּה אֲשֶׁר כָּמוֹנִי׃

וַיִּשְׁכַּב בְּתוֹכָהּ׃ [19] וַיְהִי בַּבֹּקֶר וַיָּקָם מִכָּל עַל, וַיֹּאמֶר
אֲדֹנִי שְׁאֻלָה׃

כי נִבְדָּל נִבְדָּל לְאָב בְּנוֹ בְּיָם׃ ל

וַיֹּאמֶר: "חַלִּלְתִּי הַיּוֹם בְּקוֹל דַּקִּי בְּמֵעַי בְּכִי עָלָה," [20] כֹּה הָיָה וַיְדַבֵּר,
כִּי אִשָּׁה אַחַת הָיְתָה בְּתוֹכָהּ מִבְּתֵי בְּנוֹת הָיוּ בְּמִסְפָּר מִבְּנֵי,
מִבְּחוּץ לְבִשְׁדָּה מִבְּחוּץ לְמִבְּחוּץ. [21] יַיִן וַיֹּאמֶר כִּי כָּל בְּיָם אֵם
מִבְּחוּץ בְּמִבְּחוּץ, כִּי הָיָה אֵלָה לְבִשְׁדָּה, מִמִּבְּחוּץ, מִכָּל הָיָה
לְמִכָּל, מִמִּבְּחוּץ לְחֹלֶשׁ פָּלְטָה אֵלָה מִם מִבְּחוּץ לְמִכָּל
בְּמִבְּחוּץ מִכְּשָׁלִים כְּלִי אִבְּחוּץ, מִשְׁחָה, מִכְּלִי, מִכֹּה
אָב בְּמִכָּל לְמִכָּל חֵלֶק בְּנוֹ. [23] וַיְהִי בְּמִדָּה מִכְלָה מִכֹּה, כִּי הָיָה
לְבִי מִכֹּה חִשְׁמִי, מִחַת כִּי אֵבֶה בְּנוֹ מִכָּה פָּלָה. [24] וַיֹּאמֶר
שְׁמִשְׁאֵל לְכָל בְּמִכָּל בְּפָלֶה, יַעַן בְּיָם מִכְּנוֹ לְמִי חֵשׁ לְמִשְׁי וַיָּה,
מִנְּנוֹ לְמִכְּלִים, מִכֹּה, [25] לְמִכְּמִכְּחוֹ מִכְּלִים לְבִלְמִכְּלָה. מִמִּכָּל בְּלִשְׁי
מִשְׁלַח לְמִי מִכְּחוֹ בְּנוֹכְחוֹ לְחַדָּה, [26] מִבְּחוּץ לְכָלְמִי, מִבְּחוּץ
יַעַן בְּלִכְלִכְּלָה, בְּמִי מִכֹּה מִי בְּמִכָּל לְכְּלִכְּחוֹ מִכְּלִי.

לחנה המתה לשאול

ג [1] וַיְהִי הָיָה לְיָמִים, בְּמִי מִי אֵבֶה בְּנוֹ וַיָּבֹא וַיָּמָת וַיִּשְׁכַּב. [2] מִחַת וַיָּמָת
מִי אֵבֶה לָמוּת, מִכְּנוֹת בְּיוֹם, מִכְּלָה בְּלִי, מִכְּלָה, כִּי מִכְּלָה,
לְמִכְּחוֹת, כִּי לְכָלוֹת מִכְּלָה מִכְּלִי, [3] כִּי מִכֹּה חִנּוֹן, כִּי מִכְּלָה,
מִכְּנוֹת לְמִכְּמִם, כִּי בְּלוֹנוֹת מִכְּנוֹת, חֵמָה, מִנּוֹת מִכְּלָה, [4] מִכְּלָה,
מִכְּלוֹת, מִכֹּה, מִכְּלָה מִכְּלוֹת לְמִכְּחוֹת לְמִי מִכְּלִים לְכָלוֹ; [5] וְאֵבֶה כִּי

ל 2:19 מכות 5:16

ויחבאם בתוך האהל ויצא להם ויאמר אליהם. ז ויאמרו אליו איה שרה אשתך ויאמר הנה באהל. ח ויאמר שוב אשוב אליך כעת חיה והנה בן לשרה אשתך ושרה שמעת פתח האהל והוא אחריו. ט והאנשים קמו משם וישקיפו על פני סדם ואברהם הלך עמם לשלחם. י ויהוה אמר הכמכסה אני מעלים מאברהם אשר אני עשה. יא ואברהם היו לגוי גדול ועצום והנבראו בו כל גוי הארץ. יב כי ידעתיו למען אשר יצוה את בניו ואת ביתו אחריו ושמרו דרך יהוה לעשות צדקה ומשפט למען הביא יהוה על אברהם את אשר דבר עליו. יג ויהוה אמר זעקת סדם ועמרה כי רבה והטאתם כי כבדה מאד. יד ארדה נא ואראה הכצעקתה הבאה אלי עשו כלה ואם לא אדעה. טו וישפנו משם האנשים ויבאו סדמה ואברהם עודנו עמד לפני יהוה. טז ויגש אברהם ויאמר האף תספה צדיק עם רשע. יז אולי יש חמשים צדיקם בתוך העיר האף תספה ולא תשא למקום בעבור חמשים הצדיקם אשר בקרבה. יח חלילה לך מעשות כדבר הזה להמית צדיק עם רשע והיה כצדיק כרשע חלילה לך השפט כל הארץ לא יעשה משפט. יט ויהוה אמר אם אמצא בסדם חמשים צדיקם בתוך העיר ונשאתי לכל המקום בעבורם. כ ויען יהוה ויאמר הנה נא החלתי לדבר אל אדני ואנכי עפר ואפר. כא אולי יחסרון חמשה לחמשים הצדיקם הכחמשה תשחית בחמשה את כל העיר ויאמר לא אשחית אם אמצא שם ארבעים וחמשה. כב ויסף עוד לדבר אליו ויאמר אולי ימצאון שם ארבעים ויאמר לא אעשה בעבור הארבעים. כג ויאמר אל נא יחר לאדני ואדברה אולי ימצאון שם שלשים ויאמר לא אעשה אם אמצא שם שלשים. כד ויאמר הנה נא החלתי לדבר אל אדני אולי ימצאון שם עשרים ויאמר לא אשחית בעבור העשרים. כה ויאמר אל נא יחר לאדני ואדברה אך הפעם אולי ימצאון שם עשרה ויאמר לא אשחית בעבור העשרה. כו ויהוה הלך כאשר כלה לדבר אל אברהם ואברהם שב למקמו.

סדום ועמורה נהפכות לתמורה

יט ויבאו שני המלאכים סדמה בערב ולוט יושב בשער סדם וירא לוט ויקם לקראתם וישתחו אפים ארצה. ב ויאמר הנה נא אדני סורו נא אל בית עבדכם ולינו ורחצו רגליכם והשכמתם והלכתם לדרככם ויאמרו לא כי ברחוב נלין. ג ויפצר בהם מאד ויסרו אליו ויבאו אל ביתו ויעש להם משתה ומצות אפה ויאכלו. ד טרם יטכבו ואנשי העיר אנשי סדם נסבו על הבית מנער ועד זקן כל העם מקצה. ה ויקראו אל לוט ויאמרו לו איה האנשים אשר באו אליך הלילה הוציאם אלינו ונדעה אתם. ו ויצא אליהם לוט הפתחה והדלת סגר אחריו. ז ויאמר אל נא אחי תרעו. ח הנה נא לי שתי בנות אשר לא ידעו איש אוציאה נא אתם אליכם ועשו להן כטוב בעיניכם רק לאנשים האל תעשו דבר כי על כן באו בצל קורתי. ט ויאמרו גש הלאה ויאמרו האחד בא לגור ויעש שפט עתה נרע לך מהם ויפצרו באיש בלוט מאד ויגשו לשבר הדלת. י וישלחו האנשים את ידם ויבאו את לוט אליהם הביתה ואת הדלת סגרו. יא ואת האנשים אשר פתח הבית הכו בסנורים מקטן ועד גדול ויתלאו למצא הפתח. יב ויאמרו האנשים אל לוט עד מי פה לך חתן ובניך ובנתיך כל אשר לך בעיר הוצא מן המקום. יג כי משחתים אנחנו את המקום הזה כי גדלה צעקתם את פני יהוה וישלחנו יהוה לשחתה. יד ויצא לוט וידבר אל חתניו לקחי בנותיו ויאמר קומו צאו מן המקום הזה כי משחית יהוה את העיר ויהי כמצחק בעיני חתניו.

ד ¹ ופלשתים נאספו את מחנותם למלחמה ויתקבצו ליהודה ויחנו בין העזקה ובין
שכו באפס דמים: ² ויצא דוד ואנשיו לקראתם ויערכו דוד למלחמה לקראת
פלשתים ויכו את ישראל נגפה לפני פלשתים ויכו במערכה בשדה כארבעת
אלפי איש: ³ ותבא העם אל המחנה ויאמרו זקני ישראל למה נגפנו היום
יהוה לפני פלשתים נקחה אלינו מן שלו את ארון ברית יהוה ויבא בקרבנו
ויושיענו מכף אויבינו: ⁴ וישלח העם שלו ויישאו משם את ארון ברית יהוה
צבאות יושב הכרובים ושני בני עלי עם ארון ברית האלהים: ⁵ ויהי ככא
ארון ברית יהוה אל המחנה ויריעו כל ישראל תרועה גדולה ותהם הארץ:
⁶ וישמעו פלשתים את קול התרועה ויאמרו מה קול התרועה הגדולה הזאת
במחנה העברים ויידעו כי ארון יהוה בא אל המחנה: ⁷ ויראו פלשתים כי אמרו
בא אלהים אל המחנה ויאמרו אוי לנו כי לא היתה כזאת אתמול שלשם:
⁸ אוי לנו מי יצילנו מיד האלהים האדירים האלה אלה הם האלהים המכים
את מצרים בכל מכה במדבר: ⁹ התחזקו והיו לאנשים פלשתים פן תעבדו
לעברים כאשר עבדו לכם והייתם לאנשים ונלחמתם: ¹⁰ ויתגברו פלשתים
וינגפו איש לאהלו ותהי המכה גדולה מאד ויפל מישראל שלשים אלף רגלי:
¹¹ וארון האלהים נלקח ושני בני עלי מתו חפני ופינחס: ¹² וירץ איש בנימין
מן המערכה ויבא שלו ביום ההוא וקרעי בגדיו ואדמה על ראשו: ¹³ ויבא והנה
עלי ישב על הכסא על יד הדרך משקיף כי היה לבו חרד על ארון האלהים
ויבא האיש להגיד בעיר ותזעק כל העיר: ¹⁴ וישמע עלי את קול הצעקה ויאמר
מה קול ההמון הזה והאיש מהר ויבא ויגד לעלי: ¹⁵ ועלי בן תשעים ושמנה
שנה ועיניו קמו ולא יוכל לראות: ¹⁶ ויאמר האיש אל עלי אנכי הבאתי מן

ויתנצלו שבעתים ויפלו לו לעבדים. כאשר קם שאול ויעל הוא ואנשיו ויתנצלו
בחרב ולא מצאו לדוד ולאנשיו. [17] ויאמר העם אל שאול, ויאמר פלשתים פשטו
על ארץ ישראל ונפל גם מכת רבה בעם, וגם בניך שני המתו, ואחינעם
ואביגיל אשת נבל הכרמלי. [18] ויהי כאשר הזכיר את הארון ויפל על פניו
ארצה. [19] ויאמר איש ישראל אל רעהו, מה היה הדבר אשר עשה שאול
ובניו אשר הלכו עמו. ויאמר העם אל שאול, הנה נפלו בניך ואתה.

שמואל בגבעה

[20] ויהי כאשר שב דוד להכות את עמלק, וישב דוד בציקלג. ויהי
ביום השלישי, והנה איש בא מן המחנה מעם שאול, וכתנתו קרעה
ואדמה על ראשו. [21] ויהי כבואו אלי ויפל ארצה וישתחו. ויאמר אליו דוד
מאין תבוא. ויאמר אליו מפלט ישראל אנכי נמלטתי. [22] ויאמר אליו דוד מה

ھەلقا ئىسرا ھەلەقە زەخرا

ئەقىد

١ قُەلەھ، ڤِگا جِزُگرا ەئىسىئ ئەبىسە ھەبىسە، ئە ھِمُسىھُرا جِھِتِرا
جِزُگرا ەم ئەجُدِ جِھِگا ٢ جِزُگرا جِزُگرا ھُرەجِزُدِ جِعِدُدِ ھُرەجُدِ ەم ئەجُدِ جِتِرا
جِگِئِم، جِمِھِرا ٣ ئِتِرا جِگِلِمُ، ئِجِرا جِتِرا ھِمِ ھِمِجِتِخِتِھُرا ئەگُرا ەي جِھِرِھِمِ
ھُرەقەھ ئِگ ھِمِجِ ەم، ەم جِمِجِتِخِتِھُرا ھِمِ ئِتِرا ي ھِمِھِمِتِھُرا ھِمِجِتِخِتِھُرا
جِھِمِسُجِرا جِزُگرا ھِمِجِتِخِتِھُرا ھِمِ ئِتِرا ٤ھِمِھِلِلِھ، ئِجِرا ئِتِرا ھِمِجِتِخِتِھُرا
جِھِمِسُجِرا. ئِتِھُمِھُرا ھِمِ ئِگرا ەم ئِگرا ئِتِرا ەھِئِم ھِمِجِتِخِتِھُرا ھِمِسُجِرا ھِمِجِتِخِتِھُرا
ھِمِسُجِرا ھِمِ ئِتِرا ەم ئِگرا ھِمِ ئِگرا ئِتِرا ەم ئِگرا

حزقيال ١٨:٢٣. ١١ إِنِّي أَنَا يَهْوَه صَبَاؤُوت، قُلْتُ فَيَكُونُ مَتَى جَاءَ
تَعْزِيَةٌ، فَإِنَّهُمْ يَطْلُبُونَ مِنِّي أَنْ أَتْرُكَ لَهُمْ مَنْفَذًا. ١٢ حِينَئِذٍ تَكُونُ أُمَمُ
الْأَرْضِ كُلُّهَا مُبَارَكَةً بِكَ، لِأَنَّكَ تَكُونُ أَرْضًا مُسَرَّةً،" قَالَ يَهْوَه صَبَاؤُوت.
١٣ "أَنْتُمْ قُلْتُمْ عَنِّي أَشْيَاءَ صَعْبَةً. لَكِنَّكُمْ تَقُولُونَ: 'مَاذَا قُلْنَا عَنْكَ؟'
١٤ قُلْتُمْ إِنَّ عِبَادَةَ اللهِ بَاطِلَةٌ، وَمَا الْفَائِدَةُ مِنْ أَنَّنَا حَفِظْنَا أَوَامِرَهُ وَسِرْنَا
بِحُزْنٍ أَمَامَ يَهْوَه صَبَاؤُوت؟ ١٥ لِذَلِكَ نَحْنُ نَعْتَبِرُ الْمُتَكَبِّرِينَ سُعَدَاءَ،
فَالْأَشْرَارُ لَيْسَ فَقَطْ يَزْدَهِرُونَ، بَلْ يُجَرِّبُونَ اللهَ وَيَنْجُونَ أَيْضًا."

١٦ حِينَئِذٍ تَحَدَّثَ الَّذِينَ يَخَافُونَ يَهْوَه كُلٌّ مَعَ صَاحِبِهِ، وَأَصْغَى يَهْوَه
وَسَمِعَ، وَكُتِبَ سِفْرُ تَذْكَارٍ أَمَامَهُ لِلَّذِينَ يَخَافُونَ يَهْوَه وَيُفَكِّرُونَ فِي اسْمِهِ.
١٧ "وَهُمْ يَكُونُونَ لِي، يَقُولُ يَهْوَه صَبَاؤُوت، فِي الْيَوْمِ الَّذِي أَصْنَعُ فِيهِ
خَاصَّتِي، وَأُشْفِقُ عَلَيْهِمْ كَمَا يُشْفِقُ الرَّجُلُ عَلَى ابْنِهِ الَّذِي يَخْدِمُهُ. ١٨ حِينَئِذٍ
تَرْجِعُونَ وَتَرَوْنَ الْفَرْقَ بَيْنَ الصِّدِّيقِ وَالشِّرِّيرِ، بَيْنَ الَّذِي يَخْدِمُ اللهَ وَالَّذِي
لَا يَخْدِمُهُ.

يوم الرب

٤ ١ "لِأَنَّهُ هُوَذَا الْيَوْمُ آتٍ، مُتَّقِدًا كَالتَّنُّورِ، وَكُلُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ وَكُلُّ
فَاعِلِي الشَّرِّ يَكُونُونَ قَشًّا، وَيُحْرِقُهُمُ الْيَوْمُ الآتِي، قَالَ يَهْوَه صَبَاؤُوت،
فَلَا يُبْقِي لَهُمْ أَصْلًا وَلَا فَرْعًا. ٢ وَلَكُمْ أَيُّهَا الْخَائِفُونَ اسْمِي تُشْرِقُ شَمْسُ
الْبِرِّ وَالشِّفَاءُ فِي أَجْنِحَتِهَا، فَتَخْرُجُونَ وَتَنْشَأُونَ كَعُجُولِ الصِّيرَةِ. ٣ وَتَدُوسُونَ
الأَشْرَارَ لأَنَّهُمْ يَكُونُونَ رَمَادًا تَحْتَ بُطُونِ أَرْجُلِكُمْ فِي الْيَوْمِ الَّذِي أَنَا
أَصْنَعُ هذَا، قَالَ يَهْوَه صَبَاؤُوت. ٤ اُذْكُرُوا شَرِيعَةَ مُوسَى عَبْدِي الَّتِي
أَمَرْتُهُ بِهَا فِي حُورِيبَ لأَجْلِ جَمِيعِ إِسْرَائِيلَ، الْفَرَائِضَ وَالأَحْكَامَ.
٥ هَا أَنَا أُرْسِلُ لَكُمْ إِيلِيَّا النَّبِيَّ قَبْلَ مَجِيءِ يَوْمِ يَهْوَه الْعَظِيمِ وَالْمَخُوفِ.
٦ فَيَرُدُّ قَلْبَ الآبَاءِ عَلَى الأَبْنَاءِ، وَقَلْبَ الأَبْنَاءِ عَلَى آبَائِهِمْ، لِئَلَّا آتِيَ
وَأَضْرِبَ الأَرْضَ بِلَعْنَةٍ.

هيكل، لكي يكون طعام في بيتي، وامتحنوني بهذا، قال رب الجنود، إن لم أفتح لكم كوى السماوات وأفيض لكم بركة حتى لا تكفي. ١١ فأنتهر لأجلكم آكلا فلا يفسد لكم ثمر الأرض، ولا يعقم لكم الكرم في الحقل، قال رب الجنود. ١٢ فيطوبكم جميع الأمم، لأنكم تكونون أرضا مسرة، قال رب الجنود. ١٣ قويت علي كلماتكم، قال الرب، وقلتم ماذا تكلمنا عليك. ١٤ قلتم باطل عبادة الله، وما المنفعة أننا حفظنا شعائره وسلكنا في مذلة أمام رب الجنود؟ ١٥ فالآن نحن نطوب الأجانب، فإنهم بنوا فعاينوا، وجربوا الله فنجوا. ١٦ حينئذ كلم متقو الرب كل واحد قريبه، وأصغى الرب وسمع، وكتب سفر تذكرة أمامه للذين اتقوا الرب وللمفكرين في اسمه. ١٧ وقال رب الجنود: إنهم يكونون لي خاصة في اليوم الذي أنا أصنع، ويعفو عنهم كما يعفو الرجل عن ابنه الذي يخدمه. ١٨ فترجعون وترون الفرق بين البار والشرير، بين من يخدم الله ومن لا يخدمه.

مجيء يوم الرب

٤ ١ فإنه هوذا اليوم آتٍ ملتهبا كالتنور، ويكون كل المستكبرين وكل فاعلي الاثم قشا، ويحرقهم اليوم الآتي قال رب الجنود حتى لا يبقي لهم أصل ولا غصن. ٢ وأما لكم أيها المتقون اسمي فتشرق شمس البر والشفاء في أجنحتها، فتخرجون وتنشأون كعجول الصيرة. ٣ وتدوسون الأشرار لأنهم يكونون رمادا تحت بطون أرجلكم في اليوم الذي أنا أصنع، قال رب الجنود. ٤ اذكروا شريعة موسى عبدي التي أمرته في حوريب لكل إسرائيل فرائض وأحكاما. ٥ هأنذا أرسل لكم إيليا النبي قبل مجيء يوم الرب العظيم والمخوف. ٦ فيرد قلب الآباء على الأبناء وقلب الأبناء على آبائهم لئلا آتي وأضرب الأرض بلعنة.

[8] האם יכזב אדם אלהים כי אתם כזבים אתי ואמרתם במה כזבנוך
המעשר והתרומה׃ [9] בארור ארורים אתם הגוי כלו כזבים אתי׃
[10] הביאו את כל המעשר אל בית האוצר והיה טרף בביתי והבחנוני
נא בזאת אמר יהוה צבאות אם לא אפתח לכם את ארבות השמים
והריקתי לכם ברכה עד בלי די׃ [11] וגערתי לכם באכל ולא תשחית
לכם את פרי האדמה ולא תשכל לכם הגפן בשדה אמר יהוה צבאות׃
[12] ואשרוכם כל הגוים כי תהיו אתם ארץ חפץ אמר יהוה צבאות׃
[13] חזקו עלי דבריכם אמר יהוה ואמרתם מה נדברנו עליך׃ [14] אמרתם
שוא עבד אלהים ומה בצע כי שמרנו משמרתו וכי הלכנו קדרנות
מפני יהוה צבאות׃ [15] ועתה אנחנו מאשרים זדים גם נבנו עשי רשעה
גם בחנו אלהים וימלטו׃ [16] אז נדברו יראי יהוה איש אל רעהו
והקשב יהוה וישמע ויכתב ספר זכרון לפניו ליראי יהוה ולחשבי
שמו׃ [17] והיו לי אמר יהוה צבאות ליום אשר אני עשה סגלה וחמלתי

يوحنا يكتب إلى الكنائس السبع في آسيا

مقدمة

١ هذا هو سفر رؤيا يسوع المسيح، الذي أعطاه الله ليُظهر لعبيده ما لا بد أن يحدث عما قريب. وقد أرسل ملاكه ليُعلن هذه الرؤيا لعبده يوحنا، ٢ الذي شهد بكل ما رآه، وبكل ما سمعه من كلمة الله ومن شهادة يسوع المسيح. ٣ طوبى لمن يقرأ هذه النبوة، ولمن يسمع كلماتها، ولمن يحفظ ما هو مكتوب فيها، لأن الوقت قد اقترب.

رسالة يوحنا إلى الكنائس السبع

٤ من يوحنا إلى الكنائس السبع التي في آسيا: نعمة لكم وسلام من الله الذي هو كائن وكان وسيأتي، ومن الأرواح السبعة التي أمام عرشه، ٥ ومن يسوع المسيح الشاهد الأمين، بكر الأموات، ورئيس ملوك الأرض. له المجد والسلطان إلى الأبد. آمين.

٦ لقد جعلنا ملوكًا وكهنة لله أبيه، فله المجد والقوة إلى الأبد. آمين.

٧ ها هو يأتي مع السحاب، وستراه كل عين، حتى الذين طعنوه، وستنوح عليه جميع قبائل الأرض. نعم، آمين.

رؤيا المسيح بين المنائر

٨ أنا هو الألف والياء، البداية والنهاية، يقول الرب الإله، الذي هو كائن وكان وسيأتي، القادر على كل شيء.

٩ أنا يوحنا أخوكم وشريككم في الضيق والملكوت والصبر في يسوع، كنت في جزيرة تُدعى بطمس بسبب كلمة الله وشهادة يسوع. ١٠ في يوم الرب امتلأت بالروح، وسمعت خلفي صوتًا عظيمًا كصوت بوق، ١١ يقول: اكتب في كتاب ما تراه، وأرسله إلى الكنائس السبع: إلى أفسس، وإلى سميرنا، وإلى برغامس، وإلى ثياتيرا، وإلى ساردس، وإلى فيلادلفيا، وإلى لاودكية.

١٢ فجعلوا لهم مرتفعات في أورشليم حسب عادات الأمم. ١٣ فأزالوا
علامات الختان التي كانت لهم، وتخلوا عن العهد المقدس، وانضموا
إلى الأمم وباعوا أنفسهم لفعل الشر. ١٤ ولما رأى يونثان وسمعان
أخوه هذه الأمور، اشتد غضبهما جدًا. ١٥ فأرسلا رسلًا إلى طوبيا
وسنبلط وجدعو الأموري، ١٦ ولم يكتفيا بذلك بل أرسلا إلى
الأمة القوية في قدس، التي كان لديها جيش كثير، وإلى أبلمي
وشامي وجبعون، ١٧ وكتبا إليهم أن يأتوا بسرعة ويهجموا عليهم
ويبيدوهم. ١٨ وأوصاهم أن يكونوا على حذر من أعمالهم، لأنهم
كانوا يتذكرون الشرور التي ارتكبوها ضد اليهود. ١٩ فأطاعوا
أوامرهما، وجاءوا بجيش كثير، وعسكروا أمام مودين. ٢٠ فخرج
يونثان وسمعان أخوه وهاجموا أعداءهما، وهزموهم وطاردوهم.
٢١ وبعد أن قتلوا بعض الذين كانوا يحرسون أبواب أشدود، أحرقوا
المدينة بالنار، وغنموا كثيرًا من الأسلاب. ٢٢ وبعد أن هزموا
العدو وقتلوا الكهنة الذين كانوا يدخلون الهيكل ليقدموا
الذبائح لأصنامهم، ٢٣ ارتحلوا من هناك إلى أدسا، وهاجموا
المدينة وأخذوها وقتلوا سكانها، ٢٤ وأحرقوا المدينة بالنار،
وأخذوا أسلابها وغنائمها، ٢٥ وعبروا بعد ذلك نهر الأردن
ووصلوا إلى السهل الكبير أمام بيت شان.

הנביא ירמיהו

מוסיף לנבא על חורבן המקדש

א [1]הַדָּבָר אֲשֶׁר הָיָה אֶל־יִרְמְיָהוּ מֵאֵת יְהוָה לֵאמֹר׃ [2]עֲמֹד בְּשַׁעַר בֵּית־יְהוָה וְקָרָאתָ שָׁם אֶת־הַדָּבָר הַזֶּה וְאָמַרְתָּ שִׁמְעוּ דְבַר־יְהוָה כָּל־יְהוּדָה הַבָּאִים בַּשְּׁעָרִים הָאֵלֶּה לְהִשְׁתַּחֲוֹת לַיהוָה׃ [3]כֹּה אָמַר יְהוָה צְבָאוֹת אֱלֹהֵי יִשְׂרָאֵל הֵיטִיבוּ דַרְכֵיכֶם וּמַעַלְלֵיכֶם וְאַשְׁכִּינָה אֶתְכֶם אֶל־הַמָּקוֹם הַזֶּה׃ [4]אַל־תִּבְטְחוּ לָכֶם אֶל־דִּבְרֵי הַשֶּׁקֶר לֵאמֹר הֵיכַל יְהוָה הֵיכַל יְהוָה הֵיכַל יְהוָה הֵמָּה׃ [5]כִּי אִם־הֵיטֵב תֵּיטִיבוּ אֶת־דַּרְכֵיכֶם וְאֶת־מַעַלְלֵיכֶם אִם־עָשׂוֹ תַּעֲשׂוּ מִשְׁפָּט בֵּין אִישׁ וּבֵין רֵעֵהוּ׃ [6]גֵּר יָתוֹם וְאַלְמָנָה אַל־תּוֹנוּ וְדָם נָקִי אַל־תִּשְׁפְּכוּ בַּמָּקוֹם הַזֶּה וְאַחֲרֵי אֱלֹהִים אֲחֵרִים לֹא תֵלְכוּ לְרָעַת לָכֶם׃ [7]וְשִׁכַּנְתִּי אֶתְכֶם בַּמָּקוֹם הַזֶּה בָּאָרֶץ אֲשֶׁר נָתַתִּי לַאֲבוֹתֵיכֶם מֵעוֹלָם וְעַד־עוֹלָם׃ [8]הִנֵּה אַתֶּם בֹּטְחִים לָכֶם אֶל־דִּבְרֵי הַשֶּׁקֶר אֲשֶׁר לֹא יוֹעִלוּ׃ [9]הֲגָנֹב רָצֹחַ וְנָאֹף וְהַקְטֵר לַבַּעַל וְהָלֹךְ אַחֲרֵי אֱלֹהִים אֲחֵרִים אֲשֶׁר לֹא יְדַעְתֶּם׃ [10]וּבָאתֶם וַעֲמַדְתֶּם לְפָנַי בַּבַּיִת הַזֶּה אֲשֶׁר נִקְרָא שְׁמִי עָלָיו וַאֲמַרְתֶּם נִצַּלְנוּ לְמַעַן עֲשׂוֹת אֵת כָּל־הַתּוֹעֵבוֹת הָאֵלֶּה׃ [11]הַמְעָרַת פָּרִצִים הַבַּיִת הַזֶּה אֲשֶׁר נִקְרָא שְׁמִי עָלָיו בְּעֵינֵיכֶם גַּם אֲנִי הִנֵּה רָאִיתִי נְאֻם־יְהוָה׃ [12]כִּי אִם־לְכוּ־נָא אֶל־מְקוֹמִי אֲשֶׁר בְּשִׁלֹה אֲשֶׁר שִׁכַּנְתִּי שְׁמִי בָּרִאשׁוֹנָה וּרְאוּ אֵת אֲשֶׁר עָשִׂיתִי לוֹ מִפְּנֵי רָעַת עַמִּי יִשְׂרָאֵל׃ [13]וְעַתָּה יַעַן עֲשׂוֹתְכֶם אֶת־כָּל־הַמַּעֲשִׂים הָאֵלֶּה נְאֻם־יְהוָה וָאֲדַבֵּר אֲלֵיכֶם הַשְׁכֵּם וְדַבֵּר וְלֹא שְׁמַעְתֶּם וָאֶקְרָא לָכֶם וְלֹא עֲנִיתֶם׃ [14]וְעָשִׂיתִי לַבַּיִת אֲשֶׁר נִקְרָא שְׁמִי עָלָיו אֲשֶׁר אַתֶּם בֹּטְחִים בּוֹ וְלַמָּקוֹם אֲשֶׁר נָתַתִּי לָכֶם וְלַאֲבוֹתֵיכֶם כַּאֲשֶׁר עָשִׂיתִי לְשִׁלֹה׃ [15]וְהִשְׁלַכְתִּי אֶתְכֶם מֵעַל פָּנַי כַּאֲשֶׁר הִשְׁלַכְתִּי אֵת כָּל־אֲחֵיכֶם אֵת כָּל־זֶרַע אֶפְרָיִם׃ [16]וְאַתָּה אַל־תִּתְפַּלֵּל בְּעַד־הָעָם הַזֶּה וְאַל־תִּשָּׂא בַעֲדָם רִנָּה וּתְפִלָּה וְאַל־תִּפְגַּע בִּי כִּי אֵינֶנִּי שֹׁמֵעַ אֹתָךְ׃ [17]הֲלֹא אֶת־אֲשֶׁר הֵמָּה עֹשִׂים בְּעָרֵי יְהוּדָה וּבְחֻצוֹת יְרוּשָׁלִָם׃ [18]הַבָּנִים מְלַקְּטִים עֵצִים וְהָאָבוֹת מְבַעֲרִים אֶת־הָאֵשׁ וְהַנָּשִׁים לָשׁוֹת בָּצֵק לַעֲשׂוֹת כַּוָּנִים לִמְלֶכֶת הַשָּׁמַיִם וְלַהַסִּיךְ נְסָכִים לֵאלֹהִים אֲחֵרִים לְמַעַן הַכְעִסֵנִי׃ [19]הֹתָם אֹתִי הֲלוֹא אֹתָם נְאֻם־יְהוָה הֲלֹא אֶת־עַצְמָם לְבֹשֶׁת פָּנֵימוֹ׃ [20]לָכֵן כֹּה אָמַר אֲדֹנָי יְהוִה הִנֵּה אַפִּי וַחֲמָתִי נִתָּכֶת עַל־הַמָּקוֹם הַזֶּה עַל־הָאָדָם וְעַל־הַבְּהֵמָה וְעַל־עֵץ הַשָּׂדֶה וְעַל־פְּרִי הָאֲדָמָה וּבָעֲרָה וְלֹא תִכְבֶּה׃ [21]כֹּה אָמַר יְהוָה צְבָאוֹת אֱלֹהֵי יִשְׂרָאֵל עוֹלוֹתֵיכֶם סְפוּ עַל־זִבְחֵיכֶם וְאִכְלוּ בָשָׂר׃ [22]כִּי לֹא דִבַּרְתִּי אֶת־אֲבוֹתֵיכֶם וְלֹא צִוִּיתִים בְּיוֹם הוֹצִיאִי אוֹתָם מֵאֶרֶץ מִצְרַיִם עַל־דִּבְרַת עוֹלָה וָזָבַח׃ [23]כִּי אִם־אֶת־הַדָּבָר הַזֶּה צִוִּיתִי אֹתָם לֵאמֹר שִׁמְעוּ בְקֹלִי וְהָיִיתִי לָכֶם לֵאלֹהִים וְאַתֶּם תִּהְיוּ־לִי לְעָם וְהָלַכְתֶּם בְּכָל־הַדֶּרֶךְ אֲשֶׁר אֲצַוֶּה אֶתְכֶם לְמַעַן יִיטַב לָכֶם׃ [24]וְלֹא שָׁמְעוּ וְלֹא הִטּוּ אֶת־אָזְנָם וַיֵּלְכוּ בְּמוֹעֲצוֹת בִּשְׁרִרוּת לִבָּם הָרָע וַיִּהְיוּ לְאָחוֹר וְלֹא לְפָנִים׃ [25]לְמִן־הַיּוֹם אֲשֶׁר יָצְאוּ אֲבוֹתֵיכֶם מֵאֶרֶץ מִצְרַיִם עַד־הַיּוֹם הַזֶּה וָאֶשְׁלַח אֲלֵיכֶם אֶת־כָּל־עֲבָדַי הַנְּבִיאִים יוֹם וְהַשְׁכֵּם וְשָׁלֹחַ׃ [26]וְלֹא שָׁמְעוּ אֵלַי וְלֹא הִטּוּ אֶת־אָזְנָם וַיַּקְשׁוּ אֶת־עָרְפָּם הֵרֵעוּ מֵאֲבוֹתֵיהֶם׃ [27]וְדִבַּרְתָּ אֲלֵיהֶם אֶת־כָּל־הַדְּבָרִים הָאֵלֶּה וְלֹא יִשְׁמְעוּ אֵלֶיךָ וְקָרָאתָ לָהֶם וְלֹא יַעֲנוּךָ׃ [28]וְאָמַרְתָּ אֲלֵיהֶם זֶה הַגּוֹי אֲשֶׁר לֹא־שָׁמְעוּ בְּקוֹל יְהוָה אֱלֹהֵיהֶם וְלֹא לָקְחוּ מוּסָר אָבְדָה הָאֱמוּנָה וְנִכְרְתָה מִפִּיהֶם׃ [29]גֹּזִּי נִזְרֵךְ וְהַשְׁלִיכִי וְשָׂאִי עַל־שְׁפָיִים קִינָה כִּי מָאַס יְהוָה וַיִּטֹּשׁ אֶת־דּוֹר עֶבְרָתוֹ׃ [30]כִּי עָשׂוּ בְנֵי־יְהוּדָה הָרַע בְּעֵינַי נְאֻם־יְהוָה שָׂמוּ שִׁקּוּצֵיהֶם בַּבַּיִת אֲשֶׁר נִקְרָא שְׁמִי עָלָיו לְטַמְּאוֹ׃ [31]וּבָנוּ בָּמוֹת הַתֹּפֶת אֲשֶׁר בְּגֵי בֶן־הִנֹּם לִשְׂרֹף אֶת־בְּנֵיהֶם וְאֶת־בְּנוֹתֵיהֶם בָּאֵשׁ אֲשֶׁר לֹא צִוִּיתִי וְלֹא עָלְתָה עַל־לִבִּי׃ [32]לָכֵן הִנֵּה יָמִים בָּאִים נְאֻם־יְהוָה וְלֹא־יֵאָמֵר עוֹד הַתֹּפֶת וְגֵי בֶן־הִנֹּם כִּי אִם־גֵּי הַהֲרֵגָה וְקָבְרוּ בְתֹפֶת מֵאֵין מָקוֹם׃ [33]וְהָיְתָה נִבְלַת הָעָם הַזֶּה לְמַאֲכָל לְעוֹף הַשָּׁמַיִם וּלְבֶהֱמַת הָאָרֶץ וְאֵין מַחֲרִיד׃ [34]וְהִשְׁבַּתִּי מֵעָרֵי יְהוּדָה וּמֵחֻצוֹת יְרוּשָׁלִַם קוֹל שָׂשׂוֹן וְקוֹל שִׂמְחָה קוֹל חָתָן וְקוֹל כַּלָּה כִּי לְחָרְבָּה תִּהְיֶה הָאָרֶץ׃

---

[l] ז:א ח ירמיהו כו:א [k] ז:ב דברים יב:ח; ד ט:ה; יהושע כב:יט [m] ז:ו ירמיהו כב:ג

٨ [uu]ועלו ההר והביאו עץ ובנו את הבית אשר אחפץ בו ואכבדה אמר יהוה׃
٩ פנה אל רבים והנה למעט והבאתם בבית ונפחתי בו אמר יהוה צבאות יען
ביתי אשר הוא חרב ואתם רצים איש לביתו׃
١٠ על כן עליכם כלו שמים מטל והארץ כלאה יבולה׃
١١ וקראתי חרב על הארץ ועל ההרים ועל דגן ועל תירוש ועל יצהר ועל אשר
תוציא האדמה ועל האדם ועל הבהמה ועל כל יגיע כפים׃

١٢ וישמע זרבבל בן שלתיאל ויהושע בן יהוצדק הכהן הגדול וכל שארית העם
בקול יהוה אלהיהם ועל דברי חגי הנביא כאשר שלחו יהוה אלהיהם ויראו העם
מפני יהוה׃ [dv]١٣ ויאמר חגי מלאך יהוה במלאכות יהוה לעם לאמר אני עמכם
נאם יהוה׃
١٤ ויעיר יהוה את רוח זרבבל בן שלתיאל פחת יהודה ואת רוח יהושע בן
יהוצדק הכהן הגדול ואת רוח כל שארית העם ויבאו ויעשו מלאכה בבית יהוה
צבאותם אלהיהם׃
١٥ ביום עשרים וארבעה לחדש בששי בשנת שתים לדריוש המלך׃

פרק ב

١ בשביעי בעשרים ואחד לחדש היה דבר יהוה ביד חגי הנביא לאמר׃
٢ אמר נא אל זרבבל בן שלתיאל פחת יהודה ואל יהושע בן יהוצדק הכהן הגדול
ואל שארית העם לאמר׃ [ew]٣ מי בכם הנשאר אשר ראה את הבית הזה בכבודו
הראשון ומה אתם רואים אתו עתה הלוא כאין הוא בעיניכם׃

[dv] ١٣:١ חגי ٢:١٠-١٢ [ew] ٣:١ חגי ١:١٣
[uu] ٨:١ חגי ١:٨ [ev] ١٥:١ חגי ١:١٥ – ٢:١ – ٢٣ – ٢٥:٢ חגי ١:١٢

وَكَانَ عَلَى كُلِّ شَعْبِ الْأَرْضِ وَعَلَى الْكَهَنَةِ. ٣ وَتَكَلَّمَ حَجَّايُ رَسُولُ الرَّبِّ بِرِسَالَةِ الرَّبِّ إِلَى الشَّعْبِ قَائِلًا: «أَنَا مَعَكُمْ يَقُولُ الرَّبُّ. ٤ وَأَيِّدُ زَرُبَّابِلَ بْنَ شَأَلْتِيئِيلَ وَالِي يَهُوذَا، وَيَشُوعَ بْنَ يَهُوصَادَاقَ الْكَاهِنَ الْعَظِيمَ، وَكُلَّ بَقِيَّةِ الشَّعْبِ، وَأَقْوِيهِمْ يَقُولُ الرَّبُّ وَاعْمَلُوا، لِأَنِّي أَنَا مَعَكُمْ يَقُولُ رَبُّ الْجُنُودِ.

وَعْدُ الرَّبِّ بِمَجْدِ الْهَيْكَلِ الْجَدِيدِ

٥ حَسَبَ الْكَلِمَةِ الَّتِي عَاهَدْتُكُمْ بِهَا عِنْدَ خُرُوجِكُمْ مِنْ مِصْرَ، وَرُوحِي مُقِيمٌ فِي وَسْطِكُمْ. لَا تَخَافُوا. ٦ لِأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ: بَعْدَ مَرَّةٍ وَاحِدَةٍ هِيَ بَعْدُ قَلِيلَةٌ أَنَا أُزَلْزِلُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَالْبَحْرَ وَالْيَابِسَةَ. ٧ وَأُزَلْزِلُ كُلَّ الْأُمَمِ، فَيَأْتِي مُشْتَهَى كُلِّ الْأُمَمِ، وَأَمْلَأُ هَذَا الْبَيْتَ مَجْدًا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ.

٨ لِي الْفِضَّةُ وَلِي الذَّهَبُ يَقُولُ رَبُّ الْجُنُودِ. ٩ مَجْدُ هَذَا الْبَيْتِ الْأَخِيرِ يَكُونُ أَعْظَمَ مِنَ الْأَوَّلِ قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ، وَفِي هَذَا الْمَكَانِ أُعْطِي سَلَامًا يَقُولُ رَبُّ الْجُنُودِ.

١٠ فِي الرَّابِعِ وَالْعِشْرِينَ مِنَ التَّاسِعِ، فِي السَّنَةِ الثَّانِيَةِ لِدَارِيُوسَ، كَانَ كَلِمَةُ الرَّبِّ إِلَى حَجَّايَ النَّبِيِّ قَائِلًا: ١١ «هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ: اسْأَلِ الْكَهَنَةَ شَرِيعَةً قَائِلًا: ١٢ إِذَا حَمَلَ إِنْسَانٌ لَحْمًا مُقَدَّسًا فِي طَرَفِ ثَوْبِهِ، وَلَمَسَ بِطَرَفِهِ خُبْزًا أَوْ طَبِيخًا أَوْ خَمْرًا أَوْ زَيْتًا أَوْ أَيَّ طَعَامٍ، هَلْ يَتَقَدَّسُ؟» فَأَجَابَ الْكَهَنَةُ وَقَالُوا: «لَا».

٢:٨ حجّي ١:٤-٦

ها ٥ ذُبْحِ لِلْعِجْلِ الْمُسَمَّنِ لِأَنَّهُ يَسْقُطُ فِي الْحُفْرَةِ؛ لَكِنَّ الرَّاعِيَ لَا يَسْقُطُ فِي الْحُفْرَةِ: [s]١٣ وَهَا هُوَ يَأْتِي سَرِيعًا، يَقُولُ رَبُّ الْجُنُودِ: وَمَنْ يَقْدِرُ أَنْ يَثْبُتَ فِي يَوْمِ مَجِيئِهِ؟ وَمَنْ يَقِفُ عِنْدَ ظُهُورِهِ؟ [t]٢ فَإِنَّهُ كَنَارِ الْمُصَوِّرِ، وَكَأُشْنَانِ الْقَصَّارِ. ٣ فَيَجْلِسُ مُمَحِّصًا وَمُنَقِّيًا الْفِضَّةِ، وَيُطَهِّرُ بَنِي لَاوِي، وَيُصَفِّيهِمْ كَالذَّهَبِ وَكَالْفِضَّةِ، فَيَكُونُونَ لِلرَّبِّ مُقَدِّمِينَ قُرْبَانًا بِالْبِرِّ. ٤ فَتَكُونُ قُرْبَانُ يَهُوذَا وَأُورُشَلِيمَ لَذَّةً لِلرَّبِّ كَأَيَّامِ الدَّهْرِ وَكَالسِّنِينَ الْقَدِيمَةِ. ٥ وَأَتَقَدَّمُ إِلَيْكُمْ لِلدَّيْنُونَةِ، وَأَكُونُ شَاهِدًا سَرِيعًا عَلَى السَّحَرَةِ وَعَلَى الْفَاسِقِينَ وَعَلَى الْحَالِفِينَ بِاسْمِي كَذِبًا، وَعَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ الْأَجِيرَ فِي أُجْرَتِهِ، وَالْأَرْمَلَةَ وَالْيَتِيمَ، وَالَّذِينَ يَصْنَعُونَ الظُّلْمَ لِلْغَرِيبِ، وَلَا يَخَافُونَنِي، قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ. ٦ لِأَنِّي أَنَا الرَّبُّ لَا أَتَغَيَّرُ، وَأَنْتُمْ يَا بَنِي يَعْقُوبَ لَمْ تَفْنَوْا. [u]٧ مُنْذُ أَيَّامِ آبَائِكُمْ قَدْ حِدْتُمْ عَنْ فَرَائِضِي وَلَمْ تَحْفَظُوهَا. ارْجِعُوا إِلَيَّ فَأَرْجِعَ إِلَيْكُمْ، قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ. فَقُلْتُمْ: بِمَ نَرْجِعُ؟ ٨ أَيَسْلُبُ الْإِنْسَانُ اللهَ؟ فَإِنَّكُمْ سَلَبْتُمُونِي. وَقُلْتُمْ: بِمَ سَلَبْنَاكَ؟ فِي الْعُشُورِ وَالتَّقْدِمَةِ. ٩ بِلَعْنَةٍ أَنْتُمْ مَلْعُونُونَ، فَإِنَّكُمْ أَنْتُمُ الْأُمَّةُ كُلُّهَا سَالِبُونَ إِيَّايَ. ١٠ قَدِّمُوا كُلَّ الْعُشُورِ إِلَى الْخَزْنَةِ، لِيَكُونَ طَعَامٌ فِي بَيْتِي، وَجَرِّبُونِي بِهَذَا، قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ، إِنْ لَمْ أَفْتَحْ لَكُمْ كُوَى السَّمَاءِ وَأُفِيضَ عَلَيْكُمْ بَرَكَةً حَتَّى لَا تَكْفِيَ. ١١ وَأَنْتَهِرُ لَكُمُ الْآكِلَ فَلَا يُفْسِدُ ثَمَرَ أَرْضِكُمْ، وَلَا تُعْقِمُ كَرْمَتُكُمْ فِي الْحَقْلِ، قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ. ١٢ وَيُطَوِّبُكُمْ جَمِيعُ الْأُمَمِ، لِأَنَّكُمْ تَكُونُونَ أَرْضَ مَسَرَّةٍ، قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ.

تَعَنُّتُ الشَّعْبِ وَتَعْزِيَةُ الْأَتْقِيَاءِ

٣ ١ هَا أَنَا مُرْسِلٌ مَلَاكِي فَيُهَيِّئُ الطَّرِيقَ أَمَامِي، وَيَأْتِي بَغْتَةً إِلَى هَيْكَلِهِ السَّيِّدُ الَّذِي أَنْتُمْ تَطْلُبُونَهُ، وَمَلَاكُ الْعَهْدِ الَّذِي أَنْتُمْ تُسَرُّونَ بِهِ. هَا هُوَ يَأْتِي، قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ. ٢ وَمَنْ يَحْتَمِلُ يَوْمَ مَجِيئِهِ، وَمَنْ يَقِفُ عِنْدَ ظُهُورِهِ؟ لِأَنَّهُ كَنَارِ الْمُصَوِّرِ، وَكَأُشْنَانِ الْقَصَّارِ. ٣ فَيَجْلِسُ مُمَحِّصًا وَمُنَقِّيًا الْفِضَّةِ، وَيُطَهِّرُ بَنِي لَاوِي، وَيُصَفِّيهِمْ كَالذَّهَبِ وَكَالْفِضَّةِ، فَيَكُونُونَ لِلرَّبِّ مُقَدِّمِينَ قُرْبَانًا بِالْبِرِّ. ٤ فَتَكُونُ قُرْبَانُ يَهُوذَا وَأُورُشَلِيمَ لَذَّةً لِلرَّبِّ كَأَيَّامِ الدَّهْرِ وَكَالسِّنِينَ الْقَدِيمَةِ. ٥ وَأَتَقَدَّمُ إِلَيْكُمْ لِلدَّيْنُونَةِ، وَأَكُونُ شَاهِدًا سَرِيعًا عَلَى السَّحَرَةِ وَعَلَى الْفَاسِقِينَ وَعَلَى الْحَالِفِينَ بِاسْمِي كَذِبًا، وَعَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ الْأَجِيرَ فِي أُجْرَتِهِ، وَالْأَرْمَلَةَ وَالْيَتِيمَ، وَالَّذِينَ يَصْنَعُونَ الظُّلْمَ لِلْغَرِيبِ، وَلَا يَخَافُونَنِي، قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ. ٦ لِأَنِّي أَنَا الرَّبُّ لَا أَتَغَيَّرُ، وَأَنْتُمْ يَا بَنِي يَعْقُوبَ لَمْ تَفْنَوْا. [u]٧ مُنْذُ أَيَّامِ آبَائِكُمْ قَدْ حِدْتُمْ عَنْ فَرَائِضِي وَلَمْ تَحْفَظُوهَا. ارْجِعُوا إِلَيَّ فَأَرْجِعَ إِلَيْكُمْ، قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ. فَقُلْتُمْ: بِمَ نَرْجِعُ؟ ٨ أَيَسْلُبُ الْإِنْسَانُ اللهَ؟ فَإِنَّكُمْ سَلَبْتُمُونِي. وَقُلْتُمْ: بِمَ سَلَبْنَاكَ؟ فِي الْعُشُورِ وَالتَّقْدِمَةِ. ٩ بِلَعْنَةٍ أَنْتُمْ مَلْعُونُونَ، فَإِنَّكُمْ أَنْتُمُ الْأُمَّةُ كُلُّهَا سَالِبُونَ إِيَّايَ. ١٠ قَدِّمُوا كُلَّ الْعُشُورِ إِلَى الْخَزْنَةِ، لِيَكُونَ طَعَامٌ فِي بَيْتِي، وَجَرِّبُونِي بِهَذَا، قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ، إِنْ لَمْ أَفْتَحْ لَكُمْ كُوَى السَّمَاءِ وَأُفِيضَ عَلَيْكُمْ بَرَكَةً حَتَّى لَا تَكْفِيَ. ١١ وَأَنْتَهِرُ لَكُمُ الْآكِلَ فَلَا يُفْسِدُ ثَمَرَ أَرْضِكُمْ، وَلَا تُعْقِمُ كَرْمَتُكُمْ فِي الْحَقْلِ، قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ. ١٢ وَيُطَوِّبُكُمْ جَمِيعُ الْأُمَمِ، لِأَنَّكُمْ تَكُونُونَ أَرْضَ مَسَرَّةٍ، قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ.

---

[s] ٢:١٢ ملاخي ٢٢:٢٢ [t] ٢:١٣ زكريا ١٧:٨ [u] ٢:١٣ زكريا ١٨:٨

وَمِنْ سِفْرِ زَكَرِيَّا، ابْنِ بَرَخِيَا، ابْنِ عِدُّوَ النَّبِيِّ، إِلَى جَمِيعِ سَبْيِ الْمَنْفَى قَائِلًا:

مَجِيءُ الرَّبِّ لِلْقَضَاءِ عَلَى الشُّعُوبِ

٧ «هٰكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ:
اِعْتَبِرُوا فِي طُرُقِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ. ٨ اِصْعَدُوا إِلَى الْجَبَلِ وَأْتُوا بِخَشَبٍ،
وَابْنُوا الْهَيْكَلَ فَأَرْتَضِيَ بِهِ وَأَتَمَجَّدَ، قَالَ الرَّبُّ.
٩ نَظَرْتُمْ إِلَى الْكَثِيرِ وَإِذَا هُوَ قَلِيلٌ، وَجَلَبْتُمُوهُ إِلَى الْبَيْتِ فَنَفَخْتُ فِيهِ.
لِمَاذَا؟ يَقُولُ رَبُّ الْجُنُودِ، مِنْ أَجْلِ بَيْتِي الَّذِي هُوَ خَرِبٌ،
وَأَنْتُمْ تَسْعَوْنَ كُلُّ وَاحِدٍ إِلَى بَيْتِهِ.
١٠ لِذَلِكَ مِنْ أَجْلِكُمْ حُبِسَتِ السَّمَاوَاتُ عَنِ النَّدَى،
وَحُبِسَتِ الْأَرْضُ عَنْ غَلَّتِهَا.
١١ وَدَعَوْتُ جَفَافًا عَلَى الْبَرِّ وَعَلَى الْجِبَالِ وَعَلَى الْحِنْطَةِ وَعَلَى الْمِسْطَارِ
وَعَلَى الزَّيْتِ وَعَلَى كُلِّ مَا تُخْرِجُ الْأَرْضُ، وَعَلَى النَّاسِ وَالْبَهَائِمِ،
وَعَلَى كُلِّ تَعَبِ الْيَدَيْنِ».

١٢ فَسَمِعَ زَرُبَّابِلُ بْنُ شَأَلْتِيئِيلَ وَيَشُوعُ بْنُ يَهُوصَادَاقَ الْكَاهِنُ الْعَظِيمُ،
وَكُلُّ بَقِيَّةِ الشَّعْبِ، صَوْتَ الرَّبِّ إِلٰهِهِمْ وَكَلِمَاتِ حَجَّيَ النَّبِيِّ كَمَا
أَرْسَلَهُ الرَّبُّ إِلٰهُهُمْ، وَخَافَ الشَّعْبُ مِنْ وَجْهِ الرَّبِّ. ١٣ فَقَالَ حَجَّيُ رَسُولُ
الرَّبِّ فِي رِسَالَةِ الرَّبِّ لِلشَّعْبِ قَائِلًا: «أَنَا مَعَكُمْ يَقُولُ الرَّبُّ». ١٤ فَأَهَاجَ
الرَّبُّ رُوحَ زَرُبَّابِلَ بْنِ شَأَلْتِيئِيلَ وَالِي يَهُوذَا، وَرُوحَ يَشُوعَ بْنِ يَهُوصَادَاقَ
الْكَاهِنِ الْعَظِيمِ، وَرُوحَ كُلِّ بَقِيَّةِ الشَّعْبِ، فَأَتَوْا وَعَمِلُوا فِي بَيْتِ
بَيْتِ رَبِّ الْجُنُودِ إِلٰهِهِمْ ١٥ فِي الْيَوْمِ الرَّابِعِ وَالْعِشْرِينَ مِنَ الشَّهْرِ السَّادِسِ،
فِي السَّنَةِ الثَّانِيَةِ لِدَارِيُوسَ الْمَلِكِ.

---

٧ ١١:٣ حجّي ٩٥:٧-١١ ٨-٧:٩٥ حجّي ٣:١٥ W

וּמְשִׁיחֶךָ הוֹדִיעָ[xix] ? יְהוָה הֲבִנְהָרוֹת חָרָה אַפֶּךָ אִם בַּנְּהָרִים עֶבְרָתֶךָ אִם בַּיָּם
שִׂיחֶךָ כִּי רֹכְבֹתֶיךָ יְשׁוּעָה׃

לַמְנַצֵּחַ בִּנְגִינֹת עַל שִׁגְיֹנֹת חֲבַקּוּק הַנָּבִיא׃

٣ ١ יְהוָה שָׁמַעְתִּי שִׁמְעֲךָ יָרֵאתִי יְהוָה פָּעָלְךָ בְּקֶרֶב שְׁנוֹת חַיֵּהוּ בְּקֶרֶב שָׁנִים תּוֹדִיעַ
בְּרֹגֶז רַחֵם תִּזְכֹּר׃ ٢ אֱלוֹהַּ מִתֵּימָן יָבוֹא וְקָדוֹשׁ מֵהַר פָּארָן סֶלָה כִּסָּה שָׁמַיִם
הוֹדוֹ וְתִהִלָּתוֹ מָלְאָה הָאָרֶץ׃ ٣ וְנֹגַהּ כָּאוֹר תִּהְיֶה קַרְנַיִם מִיָּדוֹ לוֹ וְשָׁם חֶבְיוֹן
עֻזּוֹ׃ ٤ לְפָנָיו יֵלֶךְ דָּבֶר וְיֵצֵא רִשְׁפֵּי לַפִּיד לְרַגְלָיו׃ ٥ עָמַד וַיְמֹד אֶרֶץ רָאָה וַיְתַר
גּוֹיִם וַתְּפֹצַצְנָה הָרֵי עַד שַׁחוּ גִּבְעוֹת עוֹלָם הֲלִיכוֹת עוֹלָם לוֹ׃ ٦ תַּחַת אָוֶן
רָאִיתִי אֹהָלֵי כּוּשָׁן יִרְגָּזוּן יְרִיעוֹת אֶרֶץ מִדְיָן׃ ٧ הֲבַנְּהָרִים חָרָה יְהוָה אִם בַּנְּהָרִים
אַפֶּךָ אִם בַּיָּם עֶבְרָתֶךָ כִּי תִרְכַּב עַל סוּסֶיךָ מַרְכְּבֹתֶיךָ יְשׁוּעָה׃ ٨ עָרֹה תָּעוֹר
קַשְׁתֶּךָ שִׁבְעוֹת אֲמָרֵי בָּדָר סֶלָה נְהָרוֹת תְּבַקַּע אָרֶץ׃ ٩ רָאוּךָ יָחִילוּ חֲלָיִם עֲבַר
מָיִם נָתַן תְּהוֹם קוֹלוֹ רוֹמָה יָדָיו נָשָׂא׃ ١٠ שֶׁמֶשׁ יָרֵחַ עָמַד זְבֻל לְאוֹר חִצֶּיךָ יְהַלֵּכוּן
לְנֹגַהּ בָּרָק חֲנִיתֶךָ׃ ١١ בְּזַעַם תִּצְעַד אָרֶץ בְּאַף תָּדוּשׁ גּוֹיִם׃ ١٢ יָצָאתָ לְיֵשַׁע עַמֶּךָ
לְיֵשַׁע אֶת מְשִׁיחֶךָ מָחַצְתָּ רֹאשׁ מִבֵּית רָשָׁע עֶרְיָה יְסוֹד עַד צַוָּאר סֶלָה׃ ١٣ נָקַבְתָּ
בְמַטָּיו רֹאשׁ פְּרָזָיו יִסְעֲרוּ לְהַפִּיצֵנִי עֲלִיצָתָם כְּאָכֵל עָנִי בַּמִּסְתָּר׃ ١٤ דָּרַכְתָּ בַיָּם
סוּסֶיךָ חֹמֶר מַיִם רַבִּים׃ ١٥ שָׁמַרְתִּי וַתִּרְגַּז בֶּטֶן לְקוֹל צָהֲלוּ שְׂפָתַי תָּבוֹא רָקָבוֹן
בְּעַצְמוֹתַי וְתַחְתָּי אֶרְגָּז אֲשֶׁר אָנוּחַ לְיוֹם צָרָה לַעֲלוֹת לְעַם יְגוּדֶנּוּ׃ ١٦ כִּי תְאֵנָה לֹא
תִפְרָח וְאֵין יְבוּל בַּגְּפָנִים כִּחַשׁ מַעֲשֵׂה זַיִת וּשְׁדֵמוֹת לֹא עָשָׂה אֹכֶל גָּזַז מִצֹּאן
מִקְרֶה וְאֵין בָּקָר בָּרְפָתִים׃ ١٧ וַאֲנִי בַּיהוָה אָגִילָה אָרִיעָה בֵּאלֹהֵי יִשְׁעִי׃ ١٨ יְהוָה
אֲדֹנָי חֵילִי וְיָשֵׂם רַגְלַי כָּאַיָּלוֹת וְעַל בָּמוֹתַי יַדְרִיכֵנִי לַמְנַצֵּחַ בִּנְגִינֹתָי׃

---

[x] ٣:١٨ מלכים ב ١٤:١-٣٥ [y] ٤:٣ תהלים ١١٩:٩٠ [z] ٤:٤ דברים ٢:٢

[a] ٤:٥ תהלים ١١٩:٩٠ [b] ٤:٧ תהלים ٩٠:٧-٨

الأرض الذي أعطاهم. ٩ ثم رأيت تحت المذبح نفوس الذين قتلوا
من أجل كلمة الله ومن أجل الشهادة التي كانوا يحملونها. ١٠ وصرخوا
بصوت عظيم قائلين: «حتى متى أيها السيد القدوس والحق لا تدين
وتنتقم لدمنا من سكان الأرض؟» ١١ فأعطي كل واحد منهم ثوبا أبيض
وقيل لهم أن يستريحوا زمانا يسيرا حتى يكمل عدد العبيد والإخوة
الذين سيقتلون مثلهم. ١٢ ثم رأيت حين فتح الختم السادس، وإذا
بزلزال عظيم قد حدث، والشمس صارت سوداء كالمسح المصنوع من
شعر الماعز، والقمر صار كالدم. ١٣ والنجوم السماوية سقطت على
الأرض كما تسقط التين غير الناضج عندما تهزها الريح العاصفة.
١٤ والسماء انفلقت وانطوت كالدرج، والجبال والجزر زحزحت عن
أماكنها.

١٥ وملوك الأرض والعظماء والقادة والأغنياء والأقوياء وكل
العبيد والأحرار اختبأوا في المغاور وبين صخور الجبال. ١٦ وقالوا
للجبال والصخور: «اسقطي علينا واسترينا من وجه الجالس على
العرش ومن غضب الخروف، ١٧ لأن يوم غضبه العظيم قد جاء، ومن
يستطيع أن يقف؟»

٧ وبعد هذا رأيت أربعة ملائكة واقفين على زوايا الأرض
الأربع، ممسكين الرياح الأربع لئلا تهب على الأرض أو على
البحر أو على أي شجرة. ٢ ورأيت ملاكا آخر صاعدا من مشرق
الشمس، معه ختم الله الحي، فصرخ بصوت عظيم إلى الملائكة

وَهُوَ ٱلَّذِي يَحْيَا وَيُمِيتُ. وَلَهُ ٱلْمُلْكُ وَٱلْقُوَّةُ وَٱلْجَلَالُ إِلَى ٱلدَّهْرِ كُلِّهِ. [c]
وَهُوَ ٱلَّذِي يَحْيَا وَيُمِيتُ. وَلَهُ ٱلْمُلْكُ وَٱلْقُوَّةُ وَٱلْجَلَالُ إِلَى ٱلدَّهْرِ كُلِّهِ. [c]
وَهُوَ ٱلَّذِي يَحْيَا وَيُمِيتُ. وَلَهُ ٱلْمُلْكُ وَٱلْقُوَّةُ وَٱلْجَلَالُ إِلَى ٱلدَّهْرِ كُلِّهِ. [c]
وَهُوَ ٱلَّذِي يَحْيَا وَيُمِيتُ. وَلَهُ ٱلْمُلْكُ وَٱلْقُوَّةُ وَٱلْجَلَالُ إِلَى ٱلدَّهْرِ كُلِّهِ. [c]
وَهُوَ ٱلَّذِي يَحْيَا وَيُمِيتُ. وَلَهُ ٱلْمُلْكُ وَٱلْقُوَّةُ وَٱلْجَلَالُ إِلَى ٱلدَّهْرِ كُلِّهِ. [c]
وَهُوَ ٱلَّذِي يَحْيَا وَيُمِيتُ. وَلَهُ ٱلْمُلْكُ وَٱلْقُوَّةُ وَٱلْجَلَالُ إِلَى ٱلدَّهْرِ كُلِّهِ. [c]
وَهُوَ ٱلَّذِي يَحْيَا وَيُمِيتُ. وَلَهُ ٱلْمُلْكُ وَٱلْقُوَّةُ وَٱلْجَلَالُ إِلَى ٱلدَّهْرِ كُلِّهِ. [c]

[d] فَٱلْآنَ، أَيُّهَا ٱلْمُلُوكُ، ٱفْهَمُوا. ٱقْبَلُوا أَدَبًا يَا قُضَاةَ ٱلْأَرْضِ.
[d] فَٱلْآنَ، أَيُّهَا ٱلْمُلُوكُ، ٱفْهَمُوا. ٱقْبَلُوا أَدَبًا يَا قُضَاةَ ٱلْأَرْضِ.
[d] فَٱلْآنَ، أَيُّهَا ٱلْمُلُوكُ، ٱفْهَمُوا. ٱقْبَلُوا أَدَبًا يَا قُضَاةَ ٱلْأَرْضِ.
[d] فَٱلْآنَ، أَيُّهَا ٱلْمُلُوكُ، ٱفْهَمُوا. ٱقْبَلُوا أَدَبًا يَا قُضَاةَ ٱلْأَرْضِ.
[d] فَٱلْآنَ، أَيُّهَا ٱلْمُلُوكُ، ٱفْهَمُوا. ٱقْبَلُوا أَدَبًا يَا قُضَاةَ ٱلْأَرْضِ.
[d] فَٱلْآنَ، أَيُّهَا ٱلْمُلُوكُ، ٱفْهَمُوا. ٱقْبَلُوا أَدَبًا يَا قُضَاةَ ٱلْأَرْضِ.
[d] فَٱلْآنَ، أَيُّهَا ٱلْمُلُوكُ، ٱفْهَمُوا. ٱقْبَلُوا أَدَبًا يَا قُضَاةَ ٱلْأَرْضِ.

[e] ٱعْبُدُوا ٱلرَّبَّ بِخَوْفٍ، وَهَلِّلُوا لَهُ بِرِعْدَةٍ.
[e] ٱعْبُدُوا ٱلرَّبَّ بِخَوْفٍ، وَهَلِّلُوا لَهُ بِرِعْدَةٍ.
[e] ٱعْبُدُوا ٱلرَّبَّ بِخَوْفٍ، وَهَلِّلُوا لَهُ بِرِعْدَةٍ.
[e] ٱعْبُدُوا ٱلرَّبَّ بِخَوْفٍ، وَهَلِّلُوا لَهُ بِرِعْدَةٍ.
[e] ٱعْبُدُوا ٱلرَّبَّ بِخَوْفٍ، وَهَلِّلُوا لَهُ بِرِعْدَةٍ.
[e] ٱعْبُدُوا ٱلرَّبَّ بِخَوْفٍ، وَهَلِّلُوا لَهُ بِرِعْدَةٍ.
[e] ٱعْبُدُوا ٱلرَّبَّ بِخَوْفٍ، وَهَلِّلُوا لَهُ بِرِعْدَةٍ.

[d] قَبِّلُوا ٱلْبَرَّ، لِئَلَّا يَغْضَبَ فَتَبِيدُوا عَنِ ٱلطَّرِيقِ. [d]
[d] قَبِّلُوا ٱلْبَرَّ، لِئَلَّا يَغْضَبَ فَتَبِيدُوا عَنِ ٱلطَّرِيقِ. [d]
[d] قَبِّلُوا ٱلْبَرَّ، لِئَلَّا يَغْضَبَ فَتَبِيدُوا عَنِ ٱلطَّرِيقِ. [d]
[d] قَبِّلُوا ٱلْبَرَّ، لِئَلَّا يَغْضَبَ فَتَبِيدُوا عَنِ ٱلطَّرِيقِ. [d]
[d] قَبِّلُوا ٱلْبَرَّ، لِئَلَّا يَغْضَبَ فَتَبِيدُوا عَنِ ٱلطَّرِيقِ. [d]
[d] قَبِّلُوا ٱلْبَرَّ، لِئَلَّا يَغْضَبَ فَتَبِيدُوا عَنِ ٱلطَّرِيقِ. [d]
[d] قَبِّلُوا ٱلْبَرَّ، لِئَلَّا يَغْضَبَ فَتَبِيدُوا عَنِ ٱلطَّرِيقِ. [d]

[e] إِذَا ٱتَّقَدَ غَضَبُهُ عَنْ قَلِيلٍ. طُوبَى لِجَمِيعِ ٱلْمُتَّكِلِينَ عَلَيْهِ. [e]
[e] إِذَا ٱتَّقَدَ غَضَبُهُ عَنْ قَلِيلٍ. طُوبَى لِجَمِيعِ ٱلْمُتَّكِلِينَ عَلَيْهِ. [e]
[e] إِذَا ٱتَّقَدَ غَضَبُهُ عَنْ قَلِيلٍ. طُوبَى لِجَمِيعِ ٱلْمُتَّكِلِينَ عَلَيْهِ. [e]
[e] إِذَا ٱتَّقَدَ غَضَبُهُ عَنْ قَلِيلٍ. طُوبَى لِجَمِيعِ ٱلْمُتَّكِلِينَ عَلَيْهِ. [e]
[e] إِذَا ٱتَّقَدَ غَضَبُهُ عَنْ قَلِيلٍ. طُوبَى لِجَمِيعِ ٱلْمُتَّكِلِينَ عَلَيْهِ. [e]
[e] إِذَا ٱتَّقَدَ غَضَبُهُ عَنْ قَلِيلٍ. طُوبَى لِجَمِيعِ ٱلْمُتَّكِلِينَ عَلَيْهِ. [e]
[e] إِذَا ٱتَّقَدَ غَضَبُهُ عَنْ قَلِيلٍ. طُوبَى لِجَمِيعِ ٱلْمُتَّكِلِينَ عَلَيْهِ. [e]

[٧] ثُمَّ ٱرْتَحَلَ دَاوُدُ هُوَ وَكُلُّ ٱلشَّعْبِ ٱلَّذِينَ مَعَهُ مِنْ بَعْلَةِ يَهُوذَا لِكَيْ يُصْعِدُوا مِنْ هُنَاكَ تَابُوتَ ٱللهِ ٱلَّذِي ٱسْمُ ٱسْمِ ٱلرَّبِّ ٱلْجَالِسِ ٱلْكَرُوبِيمِ عَلَيْهِ. [٨] فَحَمَلُوا تَابُوتَ ٱللهِ عَلَى عَجَلَةٍ جَدِيدَةٍ وَأَتَوْا بِهِ مِنْ بَيْتِ أَبِينَادَابَ ٱلَّذِي فِي ٱلتَّلِّ. وَعُزَّةُ وَأَخْيُو ٱبْنَا أَبِينَادَابَ يَسُوقَانِ ٱلْعَجَلَةَ الجديدة. [٩] وَلَمَّا جَاءُوا بِهَا مِنْ بَيْتِ أَبِينَادَابَ ٱلَّذِي فِي ٱلتَّلِّ مَعَ تَابُوتِ ٱللهِ، كَانَ أَخْيُو سَائِرًا أَمَامَ ٱلتَّابُوتِ. [١٠] وَدَاوُدُ وَكُلُّ بَيْتِ إِسْرَائِيلَ يَلْعَبُونَ أَمَامَ ٱلرَّبِّ بِكُلِّ أَنْوَاعِ آلَاتٍ مِنْ خَشَبِ سَرْوٍ، وَبِعِيدَانٍ وَبِرَبَابٍ وَبِدُفُوفٍ وَبِمَزَاهِرَ وَبِصُنُوجٍ.

ٱلْمَلِكُ هُوَ ٱلْمُخَلِّصُ

[١١] لِأَنَّهُ لَا يَرْفُضُ ٱلسَّيِّدُ إِلَى ٱلدُّهُورِ، [١٢] بَلْ إِنْ كَانَ قَدْ أَحْزَنَ فَإِنَّهُ يَرْحَمُ حَسَبَ كَثْرَةِ رَأْفَاتِهِ. [١٣] لِأَنَّهُ لَيْسَ عَنْ طَيْبِ قَلْبِهِ أَذَلَّ وَلَا أَحْزَنَ بَنِي ٱلْبَشَرِ. [١٤] لِكَيْ يَسْحَقَ تَحْتَ رِجْلَيْهِ كُلَّ أَسْرَى ٱلْأَرْضِ، لِكَيْ يُمِيلَ حَقَّ ٱلرَّجُلِ أَمَامَ وَجْهِ ٱلْعَلِيِّ، لِكَيْ يُعَوِّجَ ٱلرَّجُلَ فِي دَعْوَاهُ، ٱلسَّيِّدُ لَا يَرَى.

---

[c] ٣:٥ تث ٩:٧ [d] ٥:٥ مز ٢:٧ [e] ٦:٥ مز ١١٠:٤

٦ [١] ثم عجب عوذة جوفئة جمعتهم وهبم لحمهوة، ولا
ثنب جندت جنة جهنجوة هم فوشتة هتة وجوشمهوة
حزئة، [٢] موفئة حنة هحمهجنة، وهنمهتة، ومنمهة جمتة وجنة
دلئلم. [٣] زئة يه عجنس، لي زئة نوحلد نم فهفه. [٤] هفت زب جسزة
حزئة فبت فه حنة حنة وهجنة هجنئة، ومة
هنة جنة جنة، [٥] وهلبم حنة وهجنة جمهجتة، حنهة جنة زئة،
مبتلة جزئة جزة، [٦] ونفلد حنة، لي هيئة سزة كلة ريهة فعب
موجزة لهنجوة، هفت جندت جوفت منة حنهنة جزئة وجنجوة
منة نجوة هجم عللم. [٧] هفت زنة جد عنة جلة جنفة جنهة ذئت
كتة، ونوجتة يمنة جشت زنب جنة جنهة مكة فلسة، جد
هجلة حنحة هم زئة. [٨] ربنة زنة جفلة يوتة ومهوة موهلوة
مكة ومهنت مكة جفتة لهلة، جنهنة يه فتة موهجة. [٩] ربنة
زنة جوهوجد هم زئة، جنهنة يه فتة موهجة. [١٠] هفت زئة
لي ملة نزهم، ولا هنت يه جشئوجفي ولا سوت جموسة كوجفي
جنة عوكتة حنة عجتة كوجفي جنة رهجة حنهنتة. [١١] حتئة هم جلد جد ميتوجفي فسة زه زئة هفلوة زهلد هذة،
لهجلوة جوجنوجفي، [١٢] جكة زه ونوة هجنهكتة، يكة زه ونوة ذمئتة
زب جنهمهوة ونسلوة ونة نزنة جفوتة.

عذهوة جمتة جلنة

[١٣] ربنة جزئة حجد يه فمئة نزجزهم، مجد يه جكتة هفت جه ونة
هد حنة حوذ هتة جنجد ونة حم، [١٤] جلهذ:

אחרים מן הכוכבים שלא יעשו כן, ולא יהיה להם חלק בברכה.[f] ואחרי כן הלכו משה ואהרן ונדב ואביהוא ושבעים מזקני ישראל ועלו אל ההר, [10] וראו את אלהי ישראל, ומתחת לרגליו היה כמין מרצפת של לבנת ספיר, וכעצם השמים לטהרה. [11] ולא שלח ידו אל אצילי בני ישראל, ויחזו את האלהים ויאכלו וישתו. [12] ויאמר יהוה אל משה עלה אלי ההרה והיה שם, ואתנה לך את לוחות האבן והתורה והמצוה אשר כתבתי להורותם. [13] ויקם משה ויהושע משרתו, ויעל משה אל הר האלהים. [14] ואל הזקנים אמר שבו לנו בזה עד אשר נשוב אליכם, והנה אהרן וחור עמכם, מי בעל דברים יגש אליהם. [15] ויעל משה אל ההר, ויכס הענן את ההר. [16] וישכן כבוד יהוה על הר סיני, ויכסהו הענן ששת ימים, ויקרא אל משה ביום השביעי מתוך הענן. [17] ומראה כבוד יהוה היה כאש אוכלת בראש ההר לעיני בני ישראל. [18] ויבא משה בתוך הענן, ויעל אל ההר, ויהי משה בהר ארבעים יום וארבעים לילה.

משה מקים את המשכן

25 [1] ויאמר יהוה אל משה לאמר. [2] דבר אל בני ישראל ויקחו לי תרומה, מאת כל איש אשר ידבנו לבו תקחו את תרומתי. [3] וזאת התרומה אשר תקחו מאתם זהב וכסף ונחשת, [4] ותכלת וארגמן ותולעת שני ושש ועזים, [5] ועורות אילים מאדמים וערת תחשים ועצי שטים, [6] שמן למאור בשמים לשמן המשחה ולקטרת הסמים, [7] אבני שהם ואבני מלואים לאפד ולחשן. [8] ועשו לי מקדש ושכנתי בתוכם. [9] ככל אשר אני מראה אותך את תבנית המשכן ואת תבנית כל כליו וכן תעשו.

---

[f] שמות כד:יא [g] שמות כד:ב [h] שמות כד:יז; ויקרא ט:כד; במדבר יד:י

مع ليث، بحيث مع ڪُلّي، مع ليڤيّة صاحب خدمة بيته وصاحب غريب
إسرائيل، حتى لا يموت بسبب خطيئته عند نجاسته. [١٦] وإذا أكل
ما وجد ميتة، وما افترسته وحوش، من المواشي أو من الطير، يغسل
ثيابه ويستحم بالماء ويكون نجسًا إلى المساء، ثم يكون طاهرًا.
[٧] وإن لم يغسل ثيابه ولم يستحم بالماء، فإنه يحمل إثمه.

[٨] وكلّم الرب موسى قائلًا: [٩] كلّم بني إسرائيل وقل لهم: أنا
الرب إلهكم. [١٠] لا تعملوا كما يعمل أهل أرض مصر التي كنتم
ساكنين فيها، ولا كما يعمل أهل أرض كنعان التي أنا آتٍ بكم إليها،
ولا تسلكوا في فرائضهم. [١١] بأحكامي تعملون، وفرائضي تحفظون
لتسلكوا فيها. أنا الرب إلهكم.

شريعة الزنا والدعارة

[١٢] لا تكشف عورة أحد من أقربائك (هذا كلام الرب) لتعرّيها.
[١٣] عورة أمك لا تكشفها، فهي أمك، لا تكشف عورتها. [١٤] عورة
أخي أبيك لا تكشف، فهي قريبة أبيك. [١٥] عورة كنّتك لا تكشف،
فهي امرأة ابنك، لا تكشف عورتها. [١٦] عورة امرأة أخيك لا تكشف،
فهي عورة أخيك. [١٧] عورة امرأة وابنتها لا تكشف، ولا تأخذ ابنة
ابنها ولا ابنة ابنتها لتكشف عورتها، فهما قريبتان له. إنه رذيلة.

---

[i] ٧:٥ حزقيال ٢١:١٨

[18j] وَيَا مَنْ هُوَ مُتَّكِئٌ عَلَى الْكُرْسِيِّ الْعَالِي، وَالْمَلَائِكَةُ
كُلُّهُمْ سَاجِدُونَ أَمَامَهُ، [19] (وَهُوَ أَيْضًا مُتَّكِئٌ عَلَى
صَدْرِ يَسُوعَ، وَيَسُوعُ مُتَّكِئٌ عَلَى صَدْرِ يُوحَنَّا)، [20] وَيَا
مَنْ هُوَ مُتَّكِئٌ عَلَى صَدْرِ يَسُوعَ، [21] وَيَا مَنْ هُوَ
مُتَّكِئٌ عَلَى صَدْرِ يُوحَنَّا، وَيَا مَنْ هُوَ
مُتَّكِئٌ عَلَى صَدْرِ يَسُوعَ وَيُوحَنَّا:

[22k] "أَيُّهَا الْكُرْسِيُّ الْعَالِي." [23] وَيَا مَنْ هُوَ
مُتَّكِئٌ عَلَى صَدْرِ يَسُوعَ وَيُوحَنَّا، وَيَا مَنْ هُوَ
مُتَّكِئٌ عَلَى صَدْرِ يَسُوعَ وَيُوحَنَّا

הפטרת בהר בחוקותי

ז [1]בעת ההיא נאם יהוה והוציאו את עצמות מלכי יהודה ואת עצמות שריו ואת עצמות הכהנים ואת עצמות הנביאים ואת עצמות יושבי ירושלם מקבריהם׃ [2]ושטחום לשמש ולירח ולכל צבא השמים אשר אהבום ואשר עבדום ואשר הלכו אחריהם ואשר דרשום והשתחוו להם לא יאספו ולא יקברו לדמן על פני האדמה יהיו׃ [3]ונבחר מת מכל השארית הנשארים מכל המשפחה הרעה הזאת בכל המקומות הנשארים אשר הדחתים שם נאם יהוה צבאות׃ [4]ואמרת אליהם כה אמר יהוה הנפל ולא יקום השב ולא ישוב׃ [5]מדוע שובבה העם הזה בירושלם משובת נצח החזיקו במרמה מאנו לשוב׃ [6]הקשבתי והאזנתי דברו לא כן איש על רעתו נחם לאמר מה עשיתי כל שב במרוצתו כסוס שטה במלחמה׃ [7]גם חסידה בשמים ידעה מועדיה ותור וסוס ועגור שמרו את עת בואנה עמי לא ידעו את משפט יהוה׃ [8]איכה תאמרו חכמים אנחנו ותורת יהוה אתנו אכן הנה לשקר עשתה עט שקר סופרים׃ [9]הבושו חכמים חתו ונלכדו הנה בדבר יהוה מאסו וחכמת מה להם׃ [10]לכן אתן את נשיהם לאחרים שדותיהם ליורשים כי מקטן ועד גדול כל בצע בצע מנביא ועד כהן כל עשה שקר׃ [11]וירפאו את שבר בני עמי על נקלה לאמר שלום שלום ואין שלום׃ [12]הבושו כי תועבה עשו גם בוש לא יבושו והכלם לא ידעו לכן יפלו בנפלים בעת פקדתים יכשלו אמר יהוה׃ [13]אספו אסף נאם יהוה אין ענבים בגפן ואין תאנים בתאנה והעלה נבל ואתן להם יעברום׃ [14]מדוע אנחנו ישבים האספו ונבוא אל ערי המבצר ונדמה שם כי יהוה אלהינו המדמנו וישקנו מי ראש כי חטאנו ליהוה׃ [15]קוה לשלום ואין לעת מרפא והנה בעתה׃ [16]מדן נשמע נחרת סוסיו מקול מצהלות אבריו רעשה כל הארץ ויבאו ויאכלו ארץ ומלואה עיר וישבי בה׃ [17]כי הנני משלח בכם נחשים צפעונים אשר אין להם לחש ונשכו אתכם נאם יהוה׃ [18]מכאובי עלי יגון עלי דוי לבי׃ [19]הנה קול שועת בת עמי מארץ מרחקים הליהוה אין בציון אם מלכה אין בה מדוע הכעסוני בפסיליהם בהבלי נכר׃ [20]עבר קציר כלה קיץ ואנחנו לא נושענו׃ [21]על שבר בת עמי הושברתי קדרתי שמה החזתני׃ [22]הצרי אין בגלעד אם רפא אין שם כי מדוע לא עלתה ארוכת בת עמי׃

---

[1] ירמיהו ח:א-ג; כה:כז-לג

١٠ هٰذا أيضًا مِن كلامِ الحكيمِ سليمان حينَ كتبَ في رِثائِه: «لقد
مَهَّدتُ، يا رَبُّ، طريقَ الخيرِ لِشَعبِك، وأعطَيتُهم أرضًا
خِصبةً تَدِرُّ لَبَنًا وعَسَلًا». حتّى اليومِ، يَرى اليهودُ أنَّ
لِهٰذا الكلامِ مَعنًى خاصًّا بِهم.
١١ وأضافَ يَقولُ: «لقد رَأَيتُ، يا رَبُّ، أنَّ شَعبَك
يَعبُدونَ أصنامًا مِن حَجَرٍ وخَشَبٍ، ورَأَيتُ أنَّهم
يَعتَقِدونَ أنَّ آلِهَتَهم تَحميهِم مِن كُلِّ شَرّ!»
١٢ هٰذا ما قالَه سليمانُ الحكيمُ. [m١٣] ثُمَّ أضافَ
يَقولُ: «لا يَجوزُ أن يَعبُدَ الإنسانُ إلّا اللهَ الحَيَّ
الَّذي خَلَقَ السَّماءَ والأرضَ وكُلَّ ما فيهِما».

الرَّبُّ يَسوعُ يَدينُ أورَشليمَ

٩ ١ ثُمَّ قالَ يَسوعُ لِلجَماعَةِ: «لا يَجوزُ أن يَعبُدَ
أحَدٌ إلّا اللهَ الحَيَّ الَّذي خَلَقَ السَّماءَ والأرضَ
وكُلَّ ما فيهِما. ٢ هٰذا ما قالَه سليمانُ الحكيمُ،
وهٰذا ما قالَه أنبِياءُ اللهِ الَّذينَ أرسَلَهُمُ اللهُ
لِيُعَلِّموا شَعبَه، ولٰكِنَّ شَعبَه لَم يَسمَعْ لَهُم؛
فَقَد عَبَدَ الأصنامَ وعَبَدَ الشَّمسَ والقَمَرَ
وكُلَّ جُندِ السَّماءِ. [n٣] لَم تَكُفَّ هٰذِهِ الأُمَّةُ عَن
عِبادَةِ الأصنامِ حَتّى بَعدَ أن أرسَلَ اللهُ إلَيها
ابنَه، [o٤] ابنَ داوُدَ المَولودَ في بَيتَ لَحمَ،
لِيُعَلِّمَها، لٰكِنَّها لَم تَسمَعْ لَه. لَقَد قَتَلَ
اليَهودُ رَئيسَ الحَياةِ الَّذي أقامَه اللهُ مِنَ
المَوتى، وهُوَ يَسوعُ المَسيحُ الَّذي شَهِدَ
لَهُ اللهُ بِالمُعجِزاتِ والعَجائِبِ والآياتِ
الَّتي صَنَعَها بِيَدِه. [p٥] لَقَد رَفَضَ اليَهودُ
كَلِمَةَ اللهِ الَّتي بَشَّرَ بِها يَسوعُ المَسيحُ،
وهُمُ الآنَ يَرفُضونَ كَلِمَةَ اللهِ الَّتي
يُبَشِّرُ بِها رُسُلُ يَسوعَ المَسيحِ.

---

[m] ١٢:٨ تثنية ٣١:٣١-٣٤

[n] ٢:٩ مزمور ٢:٢٣-٣٠؛ ٢٥:٣١-٤٠؛ ٢٦:١-٣٠ [o] ٣:٩ مزمور ٢٦:٣١-٣٣ [p] ٤:٩
مزمور ١٦:٣٣؛ ٢٥:١٠-١٦؛ ٣٠:١-٦؛ عدد ١٧:٨-١٠؛ ٢٥:١٦؛ ٢ ملوك ١٠:٣-٥

لِيا. [69] جَبِ حلِح جِبِ حلِح هِبِ هِبِ هِبِ

بحسب الذي عيّنه لها بنو إسرائيل. [١٧] فحدث إذ بنو إسرائيل قد عبروا أن
بنو إسرائيل قد عبروا الأردن في اليوم الأول من الشهر الأول؛ وكان الأردن
ممتلئا على جميع شطوطه كما في أيام الحصاد. [١٨] وكان أن الذين حملوا
تابوت عهد الرب قد خرجوا من وسط الأردن، وكان أن أرجل الكهنة الذين
حملوا تابوت الرب قد ارتفعت على اليابسة، فإذا مياه الأردن قد رجعت إلى
أماكنها وفاضت على جميع شطوطه كما في الأول. [١٩] وكان أن الشعب قد
صعد من الأردن في اليوم العاشر من الشهر الأول، وخيموا في الجلجال في
التخم الشرقي لأريحا. [٢٠] وأقام يشوع في الجلجال اثني عشر حجرا
أخذوها من الأردن. [٢١] وقال لبني إسرائيل: إذا سأل أبناؤكم آباءهم في
الأزمنة الآتية قائلين: ما هذه الحجارة؟ [٢٢] فأعلموا أبناءكم قائلين: على
اليابسة عبر إسرائيل هذا الأردن. [٢٣] لأن الرب إلهكم قد جفف مياه
الأردن أمامكم حتى عبرتم، كما فعل الرب إلهكم بالبحر الأحمر الذي
جففه أمامنا حتى عبرنا، [٢٤] لكي تعلم جميع شعوب الأرض أن يد الرب
هي قوية، لكي تتقوا الرب إلهكم كل الأيام.

ختان الشعب في الجلجال

٥ [١] وكان لما سمع جميع ملوك الأموريين الذين في عبر الأردن نحو
البحر، والملوك الكنعانيين الذين على الشاطئ، أن الرب قد جفف مياه
الأردن أمام بني إسرائيل حتى عبروا، أن قلوبهم ذابت، ولم تكن فيهم
بعد روح من أجل بني إسرائيل. [٢] في ذلك الوقت قال الرب ليشوع:
اصنع لنفسك سكاكين صوانية، وعد فاختن بني إسرائيل ثانية. [٣] ففعل
يشوع كما قال له الرب، واختتن بنو إسرائيل في تل الغرلات. [٤] وهذا
هو السبب الذي من أجله اختتن يشوع: كل الشعب الذين خرجوا من
مصر، الذكور من جميع رجال الحرب، ماتوا في البرية في الطريق بعد
خروجهم من مصر. [٥] لأن جميع الشعب الذين خرجوا كانوا مختونين،
ولكن جميع الشعب المولودين في البرية في الطريق بعد خروجهم من
مصر لم يكونوا مختونين. [٦] لأن بني إسرائيل سلكوا أربعين سنة في
البرية، حتى فني جميع الشعب، الرجال الذين خرجوا من مصر، الذين لم
يسمعوا لصوت الرب، الذين حلف الرب لهم أنه لن يريهم الأرض التي
حلف الرب لآبائهم أنه يعطينا إياها، أرضا تفيض لبنا وعسلا. [٧] فأقام
بنوهم عوضا عنهم، هؤلاء أقامهم يشوع ليختنوا، لأنهم كانوا غلفا لأنهم
لم يختنوا في الطريق. [٨] وكان لما فرغ جميع الشعب من الختان أنهم

٩:٢٠t متى ٨:٢٤ ٩:٢١u حجّة ١٥:٨ ٩:٢٢v تثنية ١١:١٧

وہاں کوئی اور نہیں ہوگا، اور جو کچھ وہاں ہے وہ اُس کا ہوگا۔ اُس کے
مالک نے مجھ سے کہا، کہ تم پھر سے بہت سی قوموں اور ملکوں اور
زبانوں اور بادشاہوں کے بارے میں نبوت کرو۔

دو گواہ

۱۱ ۱ پھر مجھے ایک سرکنڈا ماپنے کی لاٹھی کی طرح دیا گیا اور
کہا گیا، اُٹھ اور خدا کے ہیکل اور قربان گاہ کو اور وہاں عبادت
کرنے والوں کو ماپ۔ ۲ لیکن صحن جو ہیکل کے باہر ہے اُسے
چھوڑ دے اور اُسے نہ ماپ کیونکہ وہ غیر قوموں کو دیا گیا ہے
اور وہ بیالیس مہینے تک مقدس شہر کو پامال کریں گے۔ ۳ اور
میں اپنے دو گواہوں کو اختیار دوں گا اور وہ ٹاٹ پہنے ہوئے
ایک ہزار دو سو ساٹھ دن نبوت کریں گے۔ ۴ یہ وہ دو زیتون کے
درخت اور دو چراغ ہیں جو زمین کے خداوند کے سامنے کھڑے
ہیں۔ ۵ اور اگر کوئی اُنہیں نقصان پہنچانا چاہے تو اُن کے منہ
سے آگ نکلتی ہے اور اُن کے دشمنوں کو بھسم کر دیتی ہے۔
ہاں اگر کوئی اُنہیں نقصان پہنچانا چاہے تو اُسے اِسی طرح
مارا جانا ہوگا۔ ۶ اُن کو یہ اختیار ہے کہ جتنے دن وہ نبوت
کریں اُتنے دن آسمان پر مینہ نہ برسے۔ اور اُن کو یہ بھی
اختیار ہے کہ پانی کو خون بنا دیں اور جب چاہیں دنیا پر ہر
طرح کی آفت لائیں۔ ۷ جب وہ اپنی گواہی دے چکیں گے تو
وہ وحشی درندہ جو اتھاہ گڑھے سے نکلتا ہے اُن سے لڑے گا
اور اُن پر غالب آ کر اُن کو مار ڈالے گا۔ ۸ اور اُن کی لاشیں
اُس بڑے شہر کے چوک میں پڑی رہیں گی جو روحانی طور پر
سدوم اور مصر کہلاتا ہے جہاں اُن کے خداوند کو بھی صلیب
پر کھینچا گیا تھا۔ ۹ اور قومیں اور قبیلے اور زبانیں اور
امتوں کے لوگ تین دن اور ساڑھے تین گھنٹے تک اُن کی
لاشوں کو دیکھتے رہیں گے اور اُن کی لاشوں کو قبر میں رکھنے
کی اجازت نہ دیں گے۔ ۱۰ اور دنیا کے رہنے والے اُن کی موت
پر خوشیاں منائیں گے اور ایک دوسرے کو تحفے بھیجیں گے
کیونکہ یہ دو نبی دنیا کے رہنے والوں کو بہت دُکھ دیتے تھے۔

۱۱:۷ دانی ۷:۲۱-۸

وَهُوَ مُحِبٌّ سَلَامٍ. ١٢ إِنَّنَا نُؤْمِنُ وَنَعْتَرِفُ بِهٰذَا كَمَا يَفْعَلُ هٰؤُلَاءِ
أَيْضًا. ١٣ فَإِنَّنَا نَعْلَمُ أَنَّ هٰذَا الْكِتَابَ قَدْ كُتِبَ مِنْ قِبَلِ أُنَاسٍ
مُتَدَيِّنِينَ حَسَبَ مَشُورَةِ اللهِ وَإِرْشَادِهِ، وَأَنَّ كُلَّ مَا فِيهِ هُوَ حَقٌّ
وَصِدْقٌ. ١٤ وَلٰكِنَّنَا نَعْلَمُ أَيْضًا أَنَّ هٰذَا الْكِتَابَ لَيْسَ لِلْجَمِيعِ،
بَلْ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ اللهَ وَيَعْمَلُونَ بِمَا فِيهِ. ١٥ وَلَا يَنْبَغِي أَنْ
يَتَكَلَّمَ أَحَدٌ بِكَلَامٍ رَدِيءٍ عَنْ هٰذَا الْكِتَابِ، لِأَنَّ كُلَّ مَا فِيهِ
مُقَدَّسٌ:

١٦ أَيْ مَا كَانَ قَدْ كُتِبَ مُنْذُ الْبَدْءِ عَنْ أُنَاسٍ مُتَدَيِّنِينَ، وَهُمْ
يَدْعُونَ: يَا رَبُّ نَعْمَلُ كُلَّ مَا تَشَاءُ.
١٧ وَلَا يَعْمَلُونَ كُلَّ مَا يُرِيدُ. ١٨ وَلَا يَقْبَلُونَ أَنْ يُخْبِرَهُمْ أَحَدٌ
بِأَنَّ هٰذَا خَطَأٌ، لِأَنَّهُمْ يَعْتَقِدُونَ أَنَّهُمْ أَفْضَلُ مِنَ الْجَمِيعِ.

الْمَسِيحُ يَدْعُو تِلْمِيذَيْنِ

١٩ ثُمَّ ذَهَبَ، وَبَعْدَ أَنْ صَلَّى أَخَذَ يَتَجَوَّلُ حَتَّى وَصَلَ إِلَى
بَيْتِ عَنْيَا، وَهُنَاكَ دَعَا تِلْمِيذَيْنِ مِنْ تَلَامِيذِهِ ٢٠ وَقَالَ لَهُمَا:
اذْهَبَا إِلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمَامَكُمَا، وَحَالَمَا تَدْخُلَانِهَا تَجِدَانِ
جَحْشًا مَرْبُوطًا لَمْ يَرْكَبْ عَلَيْهِ أَحَدٌ قَطُّ، فَحُلَّاهُ وَأْتِيَا بِهِ.
٢١ وَإِنْ سَأَلَكُمَا أَحَدٌ: لِمَاذَا تَفْعَلَانِ هٰذَا؟ فَقُولَا: ٢٢ إِنَّ
الْمُعَلِّمَ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ، وَسَيُعِيدُهُ إِلَى هُنَا فِي الْحَالِ. ٢٣ فَذَهَبَ
الْمِئَةُ وَالْعِشْرُونَ تِلْمِيذًا، وَوَجَدُوا كَمَا قَالَ لَهُمْ، ٢٤ وَلَمَّا
حَلَّا الْجَحْشَ قَالَ أَصْحَابُهُ: لِمَاذَا تَحُلَّانِهِ؟ ٢٥ فَأَجَابَا: إِنَّ
الْمُعَلِّمَ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ. ٢٦ فَأَتَيَا بِهِ إِلَى يَسُوعَ، وَأَلْقَيَا ثِيَابَهُمَا
عَلَى الْجَحْشِ وَأَرْكَبَا يَسُوعَ عَلَيْهِ. ٢٧ وَفِيمَا كَانَ يَسِيرُ فَرَشَ
النَّاسُ ثِيَابَهُمْ عَلَى الطَّرِيقِ، ٢٨ وَلَمَّا اقْتَرَبَ مِنْ أُورُشَلِيمَ
وَوَصَلَ إِلَى جَبَلِ الزَّيْتُونِ أَخَذَ جَمِيعُ تَلَامِيذِهِ يُسَبِّحُونَ اللهَ
بِفَرَحٍ، وَبِأَصْوَاتٍ عَالِيَةٍ عَلَى كُلِّ مَا رَأَوْهُ مِنَ الْمُعْجِزَاتِ،

---

[x] ١٠:١٣ مزمور ١١٠:١ [y] ١٠:١٦ تثنية ٣١:٣٣ [z] ١٠:١٧ تثنية ٣١:٣٤

منه. [٢٦] فقال لهم يسوع: «لستم تؤمنون لأنكم لستم من خرافي، [٢٧] خرافي تسمع صوتي، وأنا أعرفها فتتبعني، [٢٨] وأنا أعطيها حياة أبدية فلا تهلك أبدا ولا يخطفها أحد من يدي. [٢٩a] أبي الذي أعطاني إياها هو أعظم من الجميع، ولا يقدر أحد أن يخطفها من يد أبي. [٣٠] أنا والآب واحد».

[٣١] فتناول اليهود حجارة ليرجموه. [٣٢] فقال لهم يسوع: «أريتكم أعمالا كثيرة حسنة من عند أبي، فبسبب أي عمل منها ترجمونني؟» [٣٣] أجابه اليهود: «لسنا نرجمك لأجل عمل حسن، بل لأجل تجديف، لأنك وأنت إنسان تجعل نفسك إلها». [٣٤] أجابهم يسوع: «أليس مكتوبا في ناموسكم: أنا قلت إنكم آلهة؟ [٣٥] فإن كان قال آلهة لأولئك الذين صارت إليهم كلمة الله، ولا يمكن أن يُنقض المكتوب، [٣٦] فالذي قدسه الآب وأرسله إلى العالم أتقولون له إنه يجدف لأني قلت إني ابن الله؟ [٣٧] إن كنت لست أعمل أعمال أبي فلا تؤمنوا بي.

---

[a] ١٠:٢٨ مز ٨ نحو اش ٦١:١٧؛ ١٥:١٩ [b] ١٠:٣٠ مز ٨ نحو اش ٣٢:٣٥

[c] ١٠:٣٠ مز ٨ نحو اش ٣٢:٣٦؛ تث ١٣٥:١٤

[٣٨] ابنُ حمضونة الأبيوني، وابنُ ذِلذَة الكذّاب، لا تحفل كل بلد
حي. [٣٩d] ابنُ زِنة لا يسع لا في أب مع أب جذب الكذّاب الكلكلي، لكن مع أب
جاوب بصوت مفتعل يحتقر مستقيم.

الأصحاح ١١

[١] الأبيوني حمضونة الأبيوني ٥ حين تبنى دابة حين كل الجنوب، صدى
تبنى حين ٥ حين حين تبنى دار قمر سيء. [٢] ٥ حين أول الأبيوني، لكن
تبنى فبنى تبنى لا ما تبنى حين. [٣] الأبيوني حمضونة فبنى مع حمضونة
عبد الأبيوني حذق حلكل. [٤e] ما الأبيوني حمضونة الأبيوني عبد
الأبيوني حين تبنى فبنى ٥ حين ٥ حين تبنى حين. [٥] ٥ حين
الأبيوني تبنى فبنى ما حين تبنى فبنى ٥ حين ٥ حين تبنى حين.
[٦] الأبيوني حمضونة الأبيوني عبد الأبيوني حمضونة الأبيوني. [٧] ٥ حين
الأبيوني حمضونة الأبيوني ٥ حين تبنى فبنى ٥ حين ٥ حين تبنى حين.
[٨] الأبيوني حمضونة الأبيوني ٥ حين تبنى فبنى ٥ حين ٥ حين تبنى حين.
[٩] الأبيوني حمضونة الأبيوني ٥ حين تبنى فبنى ٥ حين ٥ حين تبنى حين.
[١٠] الأبيوني حمضونة الأبيوني ٥ حين تبنى فبنى ٥ حين ٥ حين تبنى حين.

---

[d] ١٠:٣٨ سجمص ٢:٣-٤ [e] ١١:٣ حذص ١٨:١؛ حمضونة ٣٣:٦، ٩

[f] ١١:٤ حذص ١٨:٤ ٣:١٠-١٠ [g] ١١:٥ حذص ١٨:٥ ٢١:٥-٢٤ [h] ١١:٧ حذص ١٨:٦ ١٣:٦-٢٢

مَي هيمِهِم، هِمَّهِم دِمَّهِم دِمَّهِم د

[١٩n] وَبَعْدَ ذٰلِكَ رَأَيْتُ، وَإِذَا جُمْهُورٌ عَظِيمٌ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ وَقَبِيلَةٍ وَشَعْبٍ وَلِسَانٍ، يَقِفُونَ أَمَامَ الْعَرْشِ وَأَمَامَ الْخَرُوفِ، مُتَسَرْبَلِينَ بِثِيَابٍ بِيضٍ، وَفِي أَيْدِيهِمْ سَعَفُ النَّخْلِ. [٢٠o] وَهُمْ يَصْرُخُونَ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ قَائِلِينَ: «الْخَلَاصُ لِإِلٰهِنَا الْجَالِسِ عَلَى الْعَرْشِ، وَلِلْخَرُوفِ!» [٢١p] وَجَمِيعُ الْمَلَائِكَةِ كَانُوا وَاقِفِينَ حَوْلَ الْعَرْشِ وَالشُّيُوخِ وَالْحَيَوَانَاتِ الْأَرْبَعَةِ، وَخَرُّوا أَمَامَ الْعَرْشِ عَلَى وُجُوهِهِمْ، وَسَجَدُوا لِلَّهِ، [٢٢q] قَائِلِينَ: «آمِينَ! الْبَرَكَةُ وَالْمَجْدُ وَالْحِكْمَةُ وَالشُّكْرُ وَالْكَرَامَةُ وَالْقُدْرَةُ وَالْقُوَّةُ لِإِلٰهِنَا إِلَى أَبَدِ الْآبِدِينَ! آمِينَ». [٢٣r] فَأَجَابَ وَاحِدٌ مِنَ الشُّيُوخِ وَقَالَ لِي: «هٰؤُلَاءِ الْمُتَسَرْبَلُونَ بِالثِّيَابِ الْبِيضِ، مَنْ هُمْ، وَمِنْ أَيْنَ أَتَوْا؟» [٢٤s] فَقُلْتُ لَهُ: «يَا سَيِّدُ، أَنْتَ تَعْلَمُ». فَقَالَ لِي: «هٰؤُلَاءِ هُمُ الَّذِينَ أَتَوْا مِنَ الضِّيقَةِ الْعَظِيمَةِ، وَقَدْ غَسَلُوا ثِيَابَهُمْ وَبَيَّضُوهَا فِي دَمِ الْخَرُوفِ. [٢٥t] لِذٰلِكَ هُمْ أَمَامَ عَرْشِ اللهِ، وَيَخْدِمُونَهُ نَهَارًا وَلَيْلًا فِي هَيْكَلِهِ، وَالْجَالِسُ عَلَى الْعَرْشِ يَحُلُّ فَوْقَهُمْ. [٢٦] لَا يَجُوعُونَ بَعْدُ وَلَا يَعْطَشُونَ بَعْدُ، وَلَا تَقَعُ عَلَيْهِمُ الشَّمْسُ وَلَا أَيُّ حَرٍّ، [٢٧u] لِأَنَّ الْخَرُوفَ الَّذِي فِي وَسَطِ الْعَرْشِ يَرْعَاهُمْ وَيَقُودُهُمْ إِلَى يَنَابِيعِ مِيَاهِ الْحَيَاةِ، وَيَمْسَحُ اللهُ كُلَّ دَمْعَةٍ مِنْ عُيُونِهِمْ». [٢٨] وَالْمَلَاكُ الْخَامِسُ بَوَّقَ، فَرَأَيْتُ كَوْكَبًا قَدْ سَقَطَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَقَدْ أُعْطِيَ مِفْتَاحَ بِئْرِ الْهَاوِيَةِ. [٢٩v] فَفَتَحَ بِئْرَ الْهَاوِيَةِ، فَصَعِدَ دُخَانٌ مِنَ الْبِئْرِ كَدُخَانِ أَتُونٍ عَظِيمٍ، وَأُظْلِمَتِ الشَّمْسُ وَالْهَوَاءُ مِنْ دُخَانِ الْبِئْرِ.

---

n ١١:١٨ حزقيال ٢١:١٢ o ١١:١٩ حزقيال ٢٢:١٣

p ١١:٢٠ حزقيال ٢٧:٢٧-٢٩، ٣٩-٤٠ q ١١:٢١ حزقيال ٣١:٤٧–٢٠:٤٨

r ١١:٢٢ حزقيال ٢٤:٥٠-٢٥؛ مكابيين ١٩:١٣ s ١١:٢٣ مكابيين ١:٢٢؛ ٢:٢

t ١١:٢٤ مكابيين ٢:١٠-١٢ u ١١:٢٧ مكابيين ١٥:٢ v ١١:٢٨ مكابيين ١٢:٢١-٣٠

ויאמר אליהם מרתא אחות המת אדני כבר מסרח כי יום רביעי הוא לו׃ [w]٣٩ אמר לה ישוע הלא אמרתי לך אם תאמיני תראי את כבוד האלהים׃ [x]٤٠ ויסירו את האבן ממקום אשר שכב שם המת וישוע נשא עיניו למעלה ויאמר אבי אודך כי שמעתני׃ [y]٤١ ואני ידעתי כי תמיד תשמעני אך בעבור העם העומדים סביב אמרתי כן למען יאמינו כי אתה שלחתני׃ [z]٤٢ ויהי כאשר אמר כזאת ויקרא בקול גדול לאמר לעזר צא החוצה׃ [a]٤٣ ויצא המת ורגליו ידיו וסביב פניו כרוכים בבגדי פשתים ופניו כמכסה׃ [b]٤٤ ויאמר אליהם ישוע התירו אותו והניחו ללכת׃ [c]٤٥ ורבים מן היהודים אשר באו אל מרים וראו את אשר עשה ישוע האמינו בו׃ [d]٤٦ ומהם הלכו אל הפרושים ויגידו להם את אשר עשה ישוע׃ [e]٤٧ ויקבצו הכהנים הגדולים והפרושים סנהדרין ויאמרו מה נעשה כי האיש הזה עושה אותות רבות׃ [f]٤٨ אם נניחנו ככה כולם יאמינו בו ובאו הרומים ולקחו גם את מקומנו וגם את העם׃ [g]٤٩ ואחד מהם קיפא שר הכהנים בשנה ההיא אמר אליהם אתם לא תדעו מאומה׃ [h]٥٠ ולא תחשבו כי טוב לנו כי אדם אחד ימות בעד העם ולא יאבד כל העם׃ [i]٥١ ולא מדעתו אמר זאת כי אם שר הכהנים בשנה ההיא היה ויתנבא כי ישוע עתיד למות בעד העם׃ [j]٥٢ ולא בעד העם לבד כי אם גם בעד בני האלהים הנפוצים לקבץ אותם יחד׃

[w] ١١:٣٩ מעמד ١٤:٢١-٣١ [x] ١١:٤٠ מעמד זה נמשך ٦:١٢-٢١ [y] ١١:٤١ יוחנן ١٧:١

[z] ١١:٤٢ מתי ٦:٦-٨ [a] ١١:٤٣ מתי ٤-٥

[b] ١١:٤٤ מתי ١٣-١٦ [c] ١١:٤٥ מתי ١١-١٢ [d] ١١:٤٦ מעמד ١ מלכות ١٦-٢

[e] ١١:٤٧ מעמד ١ מלכות ١-٢٥ [f] ١١:٤٨ מלכות ٦:١-٢٣

[g] ١١:٤٩ מלכות ٣:١-٣٠ [h] ١١:٥٠ קיפה ١٨:١٤؛ ٢٠:٢ יוחנן ١٥:٣٧

[i] ١١:٥١ ב מלכות ٢١:٢٤ [j] ١١:٥٢ קיפה ٢٣:٢٦

[۳۹] لا بُدّ مِن أن يَكونَ هُناكَ أُناسٌ يَعيشونَ في الأرضِ عِندَما يَأتي المَسيحُ الدَّجّالُ، وإلّا فَلَن يَكونَ هُناكَ أيُّ شَيءٍ لِيُخَلِّصَهُ المَسيحُ مِنهُ. [٤٠] عِندَما يَأتي المَسيحُ الدَّجّالُ، سَيَكونُ لَدَيهِ جَيشٌ عَظيمٌ مِنَ الأشرارِ الَّذينَ سَيَتبَعونَهُ. وسَيَكونُ لَدَيهِ أيضًا جَيشٌ مِنَ الأرواحِ الشِّرّيرَةِ الَّتي سَتَتَكَلَّمُ مِن خِلالِ الأشرارِ الَّذينَ سَيَتبَعونَهُ.

المَسيحُ الدَّجّالُ

١٢ [١] عِندَما يَأتي المَسيحُ الدَّجّالُ، سَيَكونُ لَدَيهِ جَيشٌ عَظيمٌ مِنَ الأشرارِ الَّذينَ سَيَتبَعونَهُ، وسَيَكونُ لَدَيهِ أيضًا جَيشٌ مِنَ الأرواحِ الشِّرّيرَةِ الَّتي سَتَتَكَلَّمُ مِن خِلالِ الأشرارِ الَّذينَ سَيَتبَعونَهُ. [٢] سَيَكونُ المَسيحُ الدَّجّالُ قادِرًا عَلى القِيامِ بِأشياءَ عَظيمَةٍ جِدًّا، حَتّى إنَّهُ سَيَكونُ قادِرًا عَلى القِيامِ بِأشياءَ عَظيمَةٍ جِدًّا لِدَرَجَةِ أنَّهُ سَيَكونُ قادِرًا عَلى خِداعِ جَميعِ النّاسِ الَّذينَ يَعيشونَ عَلى الأرضِ، بِاستِثناءِ المُختارينَ. [٣] سَيَكونُ المَسيحُ الدَّجّالُ قادِرًا عَلى القِيامِ بِأشياءَ عَظيمَةٍ جِدًّا لِدَرَجَةِ أنَّهُ سَيَكونُ قادِرًا عَلى خِداعِ جَميعِ النّاسِ الَّذينَ يَعيشونَ عَلى الأرضِ، بِاستِثناءِ المُختارينَ. [٤] سَيَكونُ المَسيحُ الدَّجّالُ قادِرًا عَلى القِيامِ بِأشياءَ عَظيمَةٍ جِدًّا لِدَرَجَةِ أنَّهُ سَيَكونُ قادِرًا عَلى خِداعِ جَميعِ النّاسِ الَّذينَ يَعيشونَ عَلى الأرضِ، بِاستِثناءِ المُختارينَ. [٥] سَيَكونُ المَسيحُ الدَّجّالُ قادِرًا عَلى القِيامِ بِأشياءَ عَظيمَةٍ جِدًّا لِدَرَجَةِ أنَّهُ سَيَكونُ قادِرًا عَلى خِداعِ جَميعِ النّاسِ الَّذينَ يَعيشونَ عَلى الأرضِ، بِاستِثناءِ المُختارينَ:

[٦] سَتَتَمَكَّنُ مِن أن تَجعَلَ النّارَ تَنزِلُ مِنَ السَّماءِ، وسَتَتَمَكَّنُ مِن أن تَجعَلَ النّارَ تَنزِلُ مِنَ السَّماءِ عَلى الأرضِ، وسَتَتَمَكَّنُ مِن أن تَجعَلَ النّارَ تَنزِلُ مِنَ السَّماءِ عَلى الأرضِ أمامَ النّاسِ. [٧k] سَتَتَمَكَّنُ مِن أن تَجعَلَ النّارَ تَنزِلُ مِنَ السَّماءِ عَلى الأرضِ أمامَ النّاسِ، وسَتَتَمَكَّنُ مِن أن تَجعَلَ النّارَ تَنزِلُ مِنَ السَّماءِ عَلى الأرضِ أمامَ النّاسِ بِاستِخدامِ قُوَّةِ الصَّلاةِ. [٨] سَتَتَمَكَّنُ مِن أن تَجعَلَ النّارَ تَنزِلُ مِنَ السَّماءِ عَلى الأرضِ أمامَ النّاسِ، وسَتَتَمَكَّنُ مِن أن تَجعَلَ النّارَ تَنزِلُ مِنَ السَّماءِ عَلى الأرضِ أمامَ النّاسِ بِاستِخدامِ قُوَّةِ الصَّلاة

[١٠] هُتَف أَبَد حَتَف لَا هَكَ لَا هُد. لَهَص
بَد أَبَد حَتَف؟ [

رُوس ہنُوشوِ ہجُجوُ. [21p] ہمِیْلہ تیِّ فَیْ ہ، ہذُوہلہ ہیْذ ذُوِ ہفُوہبہ لِ کوہ
سِیُو، دوہیْلہ ہیْوہدہ ہیْذہ:

زُہ تیْکیْجُ ہفُوہجہ ہوہدیْنہوہدہ ہفُوہسِ ہبُہ [229] ہبُہ ہسِ ہدُوہجُ بہ لِ ہیْ ہدُوہجُ،
ہفُوہسِیْ ہدُوہجُ بہ ہیْ ہدُوہجُ ہلہوہکُ ہفُوہجہ ہوہدیْنہوہدہ ہفُوہسِ ہبُہ،
ہدہوہبہ ہدُوہجُ ہیْوہدہ ہفُوہسِ ہبُہ، ہوہدیْنہوہدہ ہفُوہسِ ہبُہ، ہدہوہبہ
ہدُوہجُ ہیْوہدہ ہفُوہسِ ہبُہ، ہوہدیْنہوہدہ ہفُوہسِ ہبُہ، ہدہوہبہ ہدُوہجُ
ہیْوہدہ ہفُوہسِ ہبُہ، ہوہدیْنہوہدہ ہفُوہسِ ہبُہ، ہدہوہبہ ہدُوہجُ ہیْوہدہ
ہفُوہسِ ہبُہ، ہوہدیْنہوہدہ ہفُوہسِ ہبُہ، ہدہوہبہ ہدُوہجُ ہیْوہدہ ہفُوہسِ
ہبُہ، ہوہدیْنہوہدہ ہفُوہسِ ہبُہ، ہدہوہبہ ہدُوہجُ ہیْوہدہ ہفُوہسِ ہبُہ،
ہوہدیْنہوہدہ ہفُوہسِ ہبُہ، ہدہوہبہ ہدُوہجُ ہیْوہدہ ہفُوہسِ ہبُہ، ہوہدیْنہوہدہ
ہفُوہسِ ہبُہ، ہدہوہبہ ہدُوہجُ ہیْوہدہ ہفُوہسِ ہبُہ، ہوہدیْنہوہدہ ہفُوہسِ
ہبُہ، ہدہوہبہ ہدُوہجُ ہیْوہدہ ہفُوہسِ ہبُہ،

حجّة الصلاة

١٣ [١] حجّة الصلاة. [٢] لا تكن مُتكاسلًا في الصلاة، ولا تكن مُتهاونًا في حجّة الصلاة. [٣t] لا تكن مُتكاسلًا في حجّة الصلاة، فإنّ الصلاة هي حجّة الله على عبده. [٤] فإذا قام العبد إلى الصلاة، فقد قام إلى حجّة الله عليه. [٥] لا تُقِم الصلاة إلّا بخشوع وخوف، فإنّ الله يسمع صلاة عبده ويرى قلبه. [٦n] فإذا قام العبد إلى الصلاة، فليقل:

[٧] أعوذ بالله من الشيطان الرجيم، ومن وساوسه ومن خطراته ومن همزاته ومن نفثه ومن نفخه. [٨] بسم الله الرحمن الرحيم. [٩] لا قوة إلّا بالله العلي العظيم، ولا حول ولا قوة إلّا بالله العلي العظيم، ولا ملجأ ولا منجى من الله إلّا إليه. [١٠] ثم يكبّر تكبيرة واحدة ويرفع يديه حذو منكبيه، ثم يقول: [١١] وجّهت وجهي للذي فطر السماوات والأرض حنيفًا مسلمًا وما أنا من المشركين. [١٢w] وجّهت وجهي لله الذي خلق السماوات والأرض حنيفًا مسلمًا وما أنا من المشركين.

---

t ١٣:٢ تكوين ١٨:١-٨؛ ١٩:١-٣ u ١٣:٥ مزمور ٨٥ (٨٤) ٦:٣١

v ١٣:٦ مزامير ١١٨:٦-٧ w ١٣:١١ خروج ١٦:٢٧

ہِیلِیکِ دِیکِ دِیکِ د

محمد بحسب لوقا

مقدمة

۱ هذا ما كتبه لوقا الطبيب، الذي كان رفيقاً لبولس في أسفاره، وقد جمع فيه
أخبار يسوع: عمله.

ميلاد يسوع ومجيء المجوس

۲ وفي السنة الخامسة عشرة من حكم طيباريوس قيصر، وبينما كان بيلاطس
البنطي حاكماً على اليهودية، وهيرودس رئيساً على الجليل، وفيلبس أخوه رئيساً
على إيطورية وتراخونيتس، ولوسانيوس رئيساً على أبيلينة، ۳ في عهد رؤساء
الكهنة حنان وقيافا، جاء كلام الله إلى يوحنا بن زكريا في البرية. ۴ فذهب
يوحنا إلى جميع الأنحاء المحيطة بنهر الأردن، يدعو الناس إلى التوبة
ومعمودية الغفران عن الخطايا، ۵ كما هو مكتوب في سفر أقوال النبي إشعياء:
«صوت صارخ في البرية: هيئوا طريق الرب، واجعلوا سبله مستقيمة. ۶ كل
وادٍ يرتفع، وكل جبل وتل ينخفض، وتصير الطرق الملتوية مستقيمة،
والمسالك الوعرة سهولاً ممهدة، ۷ فيرى كل بشر خلاص الله».

۸ فقال يوحنا للجموع التي جاءت لتعتمد على يديه: «يا أولاد الأفاعي!
من حذركم أن تهربوا من الغضب الآتي؟ ۹ فاصنعوا ثمراً يليق بالتوبة،
ولا تظنوا أنكم تقولون في أنفسكم: لنا إبراهيم أباً، لأني أقول لكم إن الله
قادر أن يقيم من هذه الحجارة أولاداً لإبراهيم. ۱۰ والفأس موضوعة على
أصل الشجر، فكل شجرة لا تثمر ثمراً جيداً تُقطع وتُلقى في النار».

حسین بن منصور حلاج کی شہادت، اور تصوف کی تاریخ میں اس کا مقام۔
اردو ترجمہ از ڈاکٹر سید عبدالباری۔

حدیث

۱۲ پھر جب ان کے بڑے سردار نے دیکھا کہ ہم ان کے دین کی مخالفت کر رہے ہیں، تو وہ ہمارے پاس آیا۔
۱۳ اور ہم نے اس سے کہا: "ہم تم سے ایک بات پوچھتے ہیں، اگر تم ہمیں اس کا جواب دو۔" ۱۴ اور ہم نے اس سے کہا کہ ہم تم سے ایک بات پوچھتے ہیں، اگر تم ہمیں اس کا جواب دو۔ ۱۵ کیا یہ درست ہے کہ تم نے ہمارے باپ دادا کو قتل کیا، اور ان کے گھروں کو جلا دیا؟ ۱۶ اور کیا تم نے ہمارے بھائیوں کو قید کیا، اور ان کے مال لوٹ لیے؟
۱۷ ہم نے اس سے کہا: "ہم تم سے ایک بات پوچھتے ہیں، اگر تم ہمیں اس کا جواب دو۔ ۱۸ کیا تم نے ہمارے بھائیوں کو قتل کیا، اور ان کے گھروں کو جلا دیا؟ ۱۹ اور کیا تم نے ہمارے بھائیوں کو قید کیا، اور ان کے مال لوٹ لیے؟

عدالت کا فیصلہ اور سزا

۲۰ پھر جب ان کے بڑے سردار نے دیکھا کہ ہم ان کے دین کی مخالفت کر رہے ہیں، تو وہ ہمارے پاس آیا۔ ۲۱ اور ہم نے اس سے کہا: "ہم تم سے ایک بات پوچھتے ہیں، اگر تم ہمیں اس کا جواب دو۔ ۲۲ کیا تم نے ہمارے باپ دادا کو قتل کیا، اور ان کے گھروں کو جلا دیا؟

۲۳ هُنَّ اِن هِيَ مِنْهُمْ مِنْ مِنْ مِن

فالج کے شفا پانے کا بیان

۱ کئی دن کے بعد یسوع پھر کفرنحوم میں آیا۔ جب لوگوں کو پتا چلا کہ وہ گھر میں ہے، ۲ تو اتنے جمع ہو گئے کہ دروازے کے سامنے بھی جگہ نہ رہی۔ یسوع نے ان کو کلام سنانا شروع کیا۔ ۳ اتنے میں چار آدمی ایک فالج کے مریض کو چارپائی پر لے کر آئے۔ ۴ مگر بھیڑ کی وجہ سے وہ اسے یسوع کے پاس نہ لا سکے۔ اس لئے انہوں نے اس جگہ کی چھت کھول دی جہاں یسوع تھا۔ پھر انہوں نے چھت میں سوراخ کر کے چارپائی کو نیچے لٹکا دیا جس پر فالج کا مریض پڑا تھا۔ ۵ یسوع نے ان کا ایمان دیکھ کر فالج کے مریض سے کہا، "بیٹے، تیرے گناہ معاف ہوئے۔"

۶ وہاں کچھ شریعت کے عالم بیٹھے تھے۔ وہ دل میں سوچنے لگے، ۷ "یہ کیا کہہ رہا ہے؟ یہ تو کفر بک رہا ہے۔ اللہ کے سوا کون گناہ معاف کر سکتا ہے؟" ۸ یسوع نے فوراً اپنی روح میں جان لیا کہ وہ کیا سوچ رہے ہیں۔ اس لئے اس نے ان سے پوچھا، "تم اپنے دلوں میں یہ باتیں کیوں سوچ رہے ہو؟ ۹ کیا یہ کہنا آسان ہے کہ فالج کے مریض سے تیرے گناہ معاف ہوئے، یا یہ کہنا کہ اٹھ، اپنی چارپائی اٹھا کر چل پھر؟ ۱۰ میں تم کو دکھاؤں گا کہ ابنِ آدم کو زمین پر گناہ معاف کرنے کا اختیار ہے۔" پھر اس نے فالج کے مریض سے کہا، ۱۱ "میں تجھ سے کہتا ہوں، اٹھ، اپنی چارپائی اٹھا کر اپنے گھر چلا جا۔" ۱۲ وہ اٹھا اور فوراً چارپائی اٹھا کر سب کے سامنے باہر چلا گیا۔ یہ دیکھ کر سب لوگ حیران رہ گئے اور خدا کی تعریف کرنے لگے۔ انہوں نے کہا، "ہم نے ایسا کبھی نہیں دیکھا۔"

لاوی متی کا بلایا جانا

۱۳ پھر یسوع جھیل کے کنارے گیا۔ سب لوگ اس کے پاس آئے اور وہ انہیں تعلیم دینے لگا۔ ۱۴ جب وہ آگے جا رہا تھا تو اس نے حلفی کے بیٹے لاوی کو دیکھا جو محصول کی چوکی پر بیٹھا تھا۔ یسوع نے اس سے کہا، "میرے پیچھے چل۔" لاوی اٹھا اور یسوع کے پیچھے ہو لیا۔

۱۵ بعد میں یسوع لاوی کے گھر میں کھانا کھانے بیٹھا۔ بہت سے محصول لینے والے اور گناہگار لوگ بھی یسوع اور اس کے شاگردوں کے ساتھ کھانا کھانے بیٹھے۔ کیونکہ ان میں سے بہت سے لوگ یسوع کے پیرو بن چکے تھے۔ ۱۶ شریعت کے عالم جو فریسی تھے، جب انہوں نے دیکھا کہ یسوع گناہگاروں اور محصول لینے والوں کے ساتھ کھانا کھا رہا ہے تو انہوں نے یسوع کے شاگردوں سے پوچھا، "یہ کیا بات ہے کہ وہ محصول لینے والوں اور گناہگاروں کے ساتھ کھانا کھاتا ہے؟"

۱۷ یسوع نے یہ سنا تو ان سے کہا، "تندرست لوگوں کو نہیں بلکہ بیماروں کو ڈاکٹر کی ضرورت ہوتی ہے۔ میں راستبازوں کو نہیں بلکہ گناہگاروں کو بلانے آیا ہوں۔"

روزہ کے بارے میں سوال

۱۸ یوحنا کے شاگرد اور فریسی روزہ رکھتے تھے۔ کچھ لوگ یسوع کے پاس آئے اور اس سے پوچھا، "یوحنا کے شاگرد اور فریسی روزہ رکھتے ہیں، لیکن تیرے شاگرد روزہ نہیں رکھتے۔ کیا وجہ ہے؟"

۱۹ یسوع نے جواب دیا، "جب دولہا ساتھ ہو تو شادی کے مہمان روزہ نہیں رکھتے۔ ۲۰ لیکن ایک وقت آئے گا جب دولہا ان سے جدا کر دیا جائے گا۔ اس وقت وہ روزہ رکھیں گے۔ ۲۱ کوئی بھی پرانے کپڑے پر نئے کپڑے کا پیوند نہیں لگاتا۔ اگر وہ ایسا کرے تو نیا کپڑا پرانے کپڑے کو پھاڑ دے گا اور پھٹن پہلے سے بھی بڑھ جائے گی۔ ۲۲ کوئی بھی نئی شراب پرانی مشکوں میں نہیں بھرتا۔ اگر وہ ایسا کرے تو شراب مشکوں کو پھاڑ دے گی اور شراب اور مشکیں دونوں ضائع ہو جائیں گی۔ نئی شراب کو نئی مشکوں میں بھرنا چاہیے۔"

---

x ۲:۸ متی ۱۸:۱۹ y ۲:۱۱ متی ۲:۲۰-۱۴؛ ۵ یرمیاہ ۱۸-۱۷:۵

حذفت خلق جديد؟[zz] ٢٢ يسوع هو داماد من و
عروسش هستند. زمانی که داماد با آنها باشد، آنها
نمی‌توانند روزه بگیرند. ٢٣ روزی یسوع از میان
مزارع گندم می‌گذشت. شاگردانش در راه شروع
[a]
به چیدن خوشه‌های گندم کردند. ٢٤ فریسیان به او
گفتند: «ببین، چرا شاگردانت کاری را می‌کنند که
در روز استراحت مجاز نیست؟» ٢٥ یسوع جواب داد:
«آیا هرگز نخوانده‌اید که داود و همراهانش وقتی
گرسنه بودند و غذا نداشتند چه کرد؟ ٢٦ او در زمان
[c]
ابیاتار کاهن اعظم به خانهٔ خدا رفت و نان مقدس
را که فقط کاهنان مجاز بودند بخورند، خورد و به
همراهانش هم داد.»

مرقس ٣

١ یسوع بار دیگر به کنیسه رفت و مردی را دید که
دستش فلج بود. ٢ عده‌ای منتظر بودند تا ببینند
آیا یسوع در روز استراحت او را شفا می‌دهد یا
نه، زیرا می‌خواستند او را متهم کنند. ٣ یسوع به
مرد گفت: «برخیز و جلو بیا.» ٤ سپس از مردم
پرسید: «کدام درست است در روز استراحت
کار خوب انجام دهیم یا کار بد؟ جان کسی را
نجات دهیم یا بگذاریم بمیرد؟» اما آنها ساکت
ماندند. ٥ یسوع با ناراحتی به آنها نگاه کرد،
زیرا سنگدلی آنها او را غمگین ساخته بود. سپس
به مرد گفت: «دستت را دراز کن.» مرد دستش را
دراز کرد و دستش شفا یافت. ٦ فریسیان از کنیسه
بیرون رفتند و با هیرودیان نقشه کشتند که چگونه
یسوع را بکشند.

---

[z] ٢:٢١ تکوین ١٤:٢٢-١ [a] ٢:٢٣ تثنیه ٦:١٥ [b] ٢:٢٣ ب تجدید ٧:٢٠

[c] ٢:٢٥ اول سموئیل ٢١:١-٦

جحنئ، ةيقبتلا ةيلمع هيلع متيف ةبرضلا قاعأ امدعف. ۷ حلسم ليجأ ةيقبتلا،
هيلإ، هتيدهو مهلاعأ نع رفكي، يذلا قلطب هللا ملعيسف مهلامعأ لبس
جذنئ، ۸ ةنلا مهلخدي يتلا مهل فرعي اهلجأ ليئئل. حبرأ هيلع جرخ ملف،
ميلئ هفصو دقف. ۹ حيرج يف جذجس لهذئ ةئئ، ومحم يف كرشي لازئ
دهشت لبق يتلا حبصملا جيزي فرصي يف قلطي حبذحلا هيلع هللا ناوخإ.
هكلهأ. يف رظنأ لسبملا ملف، ليبق ةرجئ ةيلو. ۱۱ فيئ ءيش جئ دقئ قلطي متيل ةئ
جئ دقئ قلطي متيل ةئ ميلع هفذيقي مل جذ فحبصل؟ ۱۲ ليسفيت، يف
فيل ليئئ دجئيتي نيحيلص لحبرأ جليتي، بيكيأ ليقيأ؟ ومف رظن جئ
دقئ فيئ قلطي متيل ميلشيتي ميلتي.

سجمل مع حلاص

۱۳ فيب ميلع هيفصئ هفذمئئ كلهجف؟ عجفص فسيل هيقس جذ
هفلشقس جقبتي ميجمحيل فحبجيل. ۱٤ ليئ يل لبه جيكبيل
فذبذيل كلهجف هفبقيرهيل هجف يتفجف، رل سهذبهف حبوه مرل
جلبهف جلاص عذذئ. ۱۵ ليأ سيجمل يل مرئ حيرئئ مع حيلاص، يرل
ليذئئيل مرئ، بيتئئيل، هيفئئيل. ۱٦ هفئت ليئ دبه جيكبيل
هفبقيرهيل، فيل لبه سيكل ملاص عبرل هيئئ. ۱۷ ليئ سيجمل دمع
حيلاص، ميدب فبفئئ دجبيل مرئ، هوهش ملبيل عرفئل، فحرئئيل،
فحبجيل، ملبيل جسيص ملحبئتيتي جقبتي، جرل دهتفبيل مرل سأيل
دقفيل. ۱۸ ملحبئيل دليجمبيل حي قتئ ليذبيل عرفئل دلب جرجدب
عرفئل.

الصداقة والعالم

٤ [١]من أين تأتي الحروب والنزاعات بينكم؟ ألا تأتي من شهواتكم
التي تتصارع في داخلكم؟ [٢]تريدون شيئًا ولا تحصلون عليه.
فتقتلون وتحسدون ولا تستطيعون الحصول على ما تريدون.
فتتخاصمون وتتحاربون. لا تحصلون على ما تريدون لأنكم لا
تطلبون من الله. [٣]وحتى عندما تطلبون لا تحصلون على ما
تريدون لأنكم تطلبون بدوافع خاطئة. تريدون أن تستخدموا
ما تحصلون عليه من أجل ملذاتكم. [٤]أيها الخائنون، ألا
تعلمون أن صداقة العالم عداوة لله؟ فكل من يريد أن يكون
صديقًا للعالم يجعل نفسه عدوًا لله. [٥]أم تظنون أن الكتاب
المقدس يقول بلا معنى؟ ألا تعلمون أن الروح الذي أسكنه
الله فينا يشتاق إلى أن نكون له وحده؟ [٦]ولكنه يعطينا
نعمة أكثر. لهذا السبب يقول الكتاب المقدس:

«يقاوم الله المتكبرين،
ولكنه يعطي نعمة للمتواضعين.»

[٧]فاخضعوا لله. قاوموا إبليس، وسيهرب منكم. [٨]اقتربوا من
الله، وسيقترب منكم. اغسلوا أيديكم، أيها الخطاة، وطهروا
قلوبكم، أيها المترددون. [٩]اشعروا بالحزن، وانوحوا، وابكوا.
حولوا ضحككم إلى حزن، وفرحكم إلى كآبة. [١٠]تواضعوا أمام
الرب، وسيرفعكم.

[١١]لا تتكلموا بالسوء على بعضكم البعض، أيها الإخوة.
فالذي يتكلم بالسوء على أخيه أو يدينه يتكلم بالسوء على
الشريعة ويدين الشريعة. وإذا كنت تدين الشريعة فلست
تطيع الشريعة، بل أنت تحكم عليها. [١٢]الله وحده هو
المشرع والقاضي، وهو وحده القادر على أن يخلص أو يهلك.

---

[d] ٤:٦ أي ٣٤:٣

ואמר, אבל אין זה כן. אלא הוא בא לגלות את ערות הארץ.
האם אתם חושבים שאלוהים משקר?

הנבואה של אחיה

١٣ וַיֹּאמֶר אֲחִיָּה, אֵלֶיהָ: "לְכִי אִמְרִי לְיָרָבְעָם כֹּה אָמַר יְהוָה אֱלֹהֵי יִשְׂרָאֵל: ١٤ הִנֵּה אָנֹכִי שֹׁלֵחַ אֶל יָרָבְעָם שֵׁבֶט אֶחָד מִיִּשְׂרָאֵל, וְהִכִּיתִי אֶת יִשְׂרָאֵל כַּאֲשֶׁר יָנוּד הַקָּנֶה בַּמָּיִם. וְנָתַשְׁתִּי אֶת יִשְׂרָאֵל מֵעַל הָאֲדָמָה הַטֹּבָה הַזֹּאת אֲשֶׁר נָתַן לַאֲבוֹתָם, וְזֵרִיתִים אֶת עֵבֶר הַנָּהָר; כִּי עָשׂוּ אֶת אֲשֵׁרֵיהֶם מַכְעִיסִים אֶת יְהוָה. ١٥ וְנָתַן אֶת יִשְׂרָאֵל עַל חַטֹּאות יָרָבְעָם אֲשֶׁר חָטָא וְאֲשֶׁר הֶחֱטִיא אֶת יִשְׂרָאֵל." ١٦ וַתָּקָם אֲחִיָּה וַתֵּלַךְ וַתָּבֹא תִרְצָה. הִיא בָּאָה אֶל הַמִּפְתָּן הַבַּיִת וְהִנֵּה הַנַּעַר מֵת. ١٧ וַתֵּצֵא, וַתָּבֹא בְּשַׁעַר הַבַּיִת וַתָּמָת הַנָּעַר, כִּי בָּא בְּשַׁעַר הַבַּיִת וַתָּמָת הַנָּעַר.

מותו של אבימלך

O ١ וַיִּלָּחֶם אֲבִימֶלֶךְ אֶל תֵּבֵץ וַיִּלְכֹּד אֹתָהּ וַיִּתְקְפֶהָ וַיִּגַּשׁ עַד פֶּתַח הַמִּגְדָּל לְהַצִּיתוֹ בָּאֵשׁ. ٢ וַתַּשְׁלֵךְ אִשָּׁה פֶּלַח רֶכֶב אֶת רִאשׁ אֲבִימֶלֶךְ וַתָּרֶץ אֶת גֻּלְגָּלְתּוֹ. ٣ וַיִּקְרָא מְהֵרָה אֶל הַנַּעַר נֹשֵׂא כֵלָיו וַיֹּאמֶר לוֹ: שְׁלֹף חַרְבְּךָ וּמוֹתְתֵנִי, פֶּן יֹאמְרוּ לִי אִשָּׁה הֲרָגָתְהוּ. וַיִּדְקְרֵהוּ נַעֲרוֹ וַיָּמֹת. ٤ וַיַּרְא אִישׁ יִשְׂרָאֵל כִּי מֵת אֲבִימֶלֶךְ וַיֵּלְכוּ אִישׁ לִמְקֹמוֹ. ٥ וַיָּמָת יוֹתָם וַיִּקָּבֵר בְּבֵאֵר וַיָּמָת שָׁם. ٦ וַיָּשָׁב אֲבִימֶלֶךְ בֶּן יְרֻבַּעַל וַיִּמְלֹךְ תַּחְתָּיו בִּשְׁכֶם עַל יַד אֵלוֹן מַצֵּבָה אֲשֶׁר בִּשְׁכֶם.

محمد ٥ على محمد

٧ ثم محمد عبد الله، ورسوله. الذين آمنوا وعملوا الصالحات
وآمنوا بما نزل على محمد وهو الحق من ربهم، كفر عنهم
سيئاتهم وأصلح بالهم. ٨ ذلك بأن الذين كفروا اتبعوا الباطل
وأن الذين آمنوا اتبعوا الحق من ربهم، كذلك يضرب الله
للناس أمثالهم. ٩ فإذا لقيتم الذين كفروا فضرب الرقاب
حتى إذا أثخنتموهم فشدوا الوثاق فإما منا بعد وإما فداء
حتى تضع الحرب أوزارها، ذلك ولو يشاء الله لانتصر منهم
ولكن ليبلو بعضكم ببعض، والذين قتلوا في سبيل الله
فلن يضل أعمالهم. ١٠ سيهديهم ويصلح بالهم. ١١ ويدخلهم
الجنة عرفها لهم. ١٢ يا أيها الذين آمنوا إن تنصروا الله
ينصركم ويثبت أقدامكم. ١٣ والذين كفروا فتعسا لهم
وأضل أعمالهم. ١٤ ذلك بأنهم كرهوا ما أنزل الله فأحبط
أعمالهم. ١٥ أفلم يسيروا في الأرض فينظروا كيف كان
عاقبة الذين من قبلهم دمر الله عليهم وللكافرين أمثالها.
ذلك بأن الله مولى الذين آمنوا وأن الكافرين لا مولى لهم.

محمد ٥ على محمد

١٣ وكأين من قرية هي أشد قوة من قريتك التي أخرجتك
أهلكناهم فلا ناصر لهم. ١٤ أفمن كان على بينة من ربه
كمن زين له سوء عمله واتبعوا أهواءهم. ١٥ مثل الجنة التي
وعد المتقون فيها أنهار من ماء غير آسن وأنهار من لبن لم
يتغير طعمه وأنهار من خمر لذة للشاربين وأنهار من عسل

---

e ١١:٥ راجع تك ١:٢١-٢٢؛ ٢:١٠؛ ٤٢:١٠

ليعيم، بنى حيا عجبة ذكر. [١٧] ايكا جنئتا مهوا ابذ ايمن، ٥حيا هكنا
تم تنذ بلخ يهذا هوا نعنا دكا ٥ها يهذا هوا نعنا دكا ٥ها يهذا هوا
٥كه يتيا ٥عها بتيا. [١٨f] ٥هيجيخت ميعيم كا ٥عجنا ٥عجنا هوا يهذا
٥نذنا ٥هجاهجا كه بلخ. g

[١٩] نسفنهتب، ي رنتا هيئهجف شلخ، ٥هج ٢هذنا جذخا، [٢٠] نجد ذهه
جهج ٥حه ٥ها ضه هم ٢نكا ذبه مخذ فخذ ٥ح لكا هيك مهذه٢ هم ٢نكا
٥هذخ لهكا هم ضه٥ها ٥حه جهج ٥حه ٥ها ضه هم ٢نكا ذبه مخذ فخذ ٥ح
٢هذنا ذسلهنا ٥ها ضه٥ها.

---

f ٥:١٧ ١ صلحة ١:١٧؛ ١:١٨ g ٥:١٨ ١ صلحة ٤٢:١٨-٤٥

شاول يبحث عن الأتن

١

١ وَكَانَ رَجُلٌ مِنْ بَنْيَامِينَ اسْمُهُ قِيسُ بْنُ أَبِيئِيلَ بْنِ صَرُورَ بْنِ بَكُورَةَ بْنِ أَفِيحَ
بْنِ رَجُلٍ بَنْيَامِينِيٍّ، جِبَّارَ الْبَأْسِ. ٢ وَكَانَ لَهُ ابْنٌ اسْمُهُ شَاوُلُ، فَتًى مُخْتَارٌ وَحَسَنٌ،
وَلَيْسَ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَحْسَنُ مِنْهُ. مِنْ كَتِفِهِ فَمَا فَوْقُ كَانَ أَطْوَلَ مِنْ جَمِيعِ الشَّعْبِ.

٣ ٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩

٣ وَضَلَّتْ أَتُنُ قِيسٍ أَبِي شَاوُلَ، فَقَالَ قِيسٌ لِشَاوُلَ ابْنِهِ: «خُذْ مَعَكَ أَحَدَ الْغِلْمَانِ
وَقُمْ اذْهَبْ فَفَتِّشْ عَلَى الأَتُنِ». ٤ فَاجْتَازَ فِي جَبَلِ أَفْرَايِمَ وَاجْتَازَ فِي أَرْضِ شَلِيشَةَ
وَلَمْ يَجِدُوا، وَاجْتَازُوا فِي أَرْضِ شَعَلِيمَ وَلَمْ تَكُنْ هُنَاكَ، وَاجْتَازَ فِي أَرْضِ يَمِينِيٍّ
وَلَمْ يَجِدُوا. ٥ وَلَمَّا جَاءَ إِلَى أَرْضِ صُوفٍ قَالَ شَاوُلُ لِلْغُلاَمِ الَّذِي مَعَهُ: «هَلُمَّ
وَنَرْجِعُ لِئَلاَّ يَتْرُكَ أَبِي الأَتُنَ وَيَغْتَمَّ لأَجْلِنَا». ٦ فَقَالَ لَهُ: «هُوَذَا فِي هذِهِ الْمَدِينَةِ
رَجُلُ اللهِ، وَهُوَ رَجُلٌ مُكْرَمٌ. كُلُّ مَا يَتَكَلَّمُ بِهِ يَأْتِي لاَ مَحَالَةَ. فَالآنَ نَذْهَبُ إِلَى هُنَاكَ.
لَعَلَّهُ يُخْبِرُنَا عَنْ طَرِيقِنَا الَّتِي نَحْنُ سَائِرُونَ عَلَيْهَا». ٧ فَقَالَ شَاوُلُ لِلْغُلاَمِ: «وَهَا
إِنْ ذَهَبْنَا فَمَاذَا نُقَدِّمُ لِلرَّجُلِ؟ لأَنَّ الْخُبْزَ قَدْ فَرَغَ فِي أَوْعِيَتِنَا، وَلَيْسَ هَدِيَّةٌ
لِنُقَدِّمَ لِرَجُلِ اللهِ. أَيَّ شَيْءٍ مَعَنَا؟» ٨ فَعَادَ الْغُلاَمُ أَيْضًا وَقَالَ: «هُوَذَا يُوجَدُ بِيَدِي رُبُعُ
شَاقِلٍ مِنَ الْفِضَّةِ، فَأُعْطِي رَجُلَ اللهِ فَيُخْبِرَنَا عَنْ طَرِيقِنَا». ٩ (قَبْلاً فِي إِسْرَائِيلَ هكَذَا

١٠ وهو المتخاصم مع الرب يُحطَّم. فمن السماء يُرعد عليه الرب.
يدين أطراف الأرض. يمنح قوة لملكه، ويرفع قرن مسيحه.»
١١ ثم ذهب ألقانة إلى بيته في الرامة، وبقي الصبي يخدم الرب
أمام عالي الكاهن.

حنة تصلي من أجل طفل

١٢ وكان أبناء عالي أشرارًا. لم يكن لهم أي اهتمام بالرب
١٣ ولا بالطريقة التي يجب أن يعمل بها الكهنة مع الشعب.
فعندما يقدم أحد ذبيحة، كان خادم الكاهن يأتي بينما يكون
اللحم يُطبخ، ويحمل شوكة ذات ثلاث أسنان في يده.
١٤ ويغرزها في القِدر أو المقلاة أو الوعاء أو القِدر الصغير،
ويأخذ كل ما تعلق بالشوكة. هكذا كانوا يفعلون مع كل
إسرائيلي يأتي إلى شيلوه. ١٥ وحتى قبل أن يُحرق الدهن،
كان خادم الكاهن يأتي ويقول للرجل الذي يقدم الذبيحة:
«أعطِ اللحم للكاهن ليشويه. فهو لا يريد لحمًا مسلوقًا
منك، بل نيئًا فقط.»
١٦ فإذا قال له الرجل: «دعهم يحرقون الدهن أولًا، ثم
خذ ما تريد.»
١٧ كان يجيب: «لا، أعطِني اللحم الآن. وإن لم تفعل
فسآخذه بالقوة.»
١٨ وكان هذا الخطأ كبيرًا جدًا أمام الرب، لأن الناس
كانوا يستخفون بتقدمات الرب.
١٩ وكان صموئيل يخدم أمام الرب، وهو لا يزال صبيًا
صغيرًا يرتدي أفود من الكتان.
٢٠ وكان عالي يبارك ألقانة وزوجته، ويقول: «ليعطك
الرب نسلًا من هذه المرأة عوضًا عن الطلب الذي طلبته
من الرب.» وبعد ذلك كانا يعودان إلى بيتهما.

حنة تصلي من أجل طفل

١٣ وكان ألقانة يذهب كل سنة إلى شيلوه، ليقدم ذبيحة
ويعبد الرب القدير. وكان حفنى وفينحاس، ابنا عالي،
كاهنين للرب هناك. ١٤ وكان ألقانة يقدم الذبيحة، ويعطي
لزوجته فننة وبنيها وبناتها أجزاء من اللحم. ١٥ لكنه كان
يعطي حنة جزءًا خاصًا، لأنه كان يحبها، بالرغم من أن الرب
لم يكن قد أعطاها أطفالًا. ١٦ وكانت فننة تضايق حنة
وتسخر منها، لأن الرب لم يكن قد أعطاها أطفالًا.

---

h ١:١٦ حنة ١١:٤٤-٤٥؛ ٢:١٩

وحي.[٢١] وتجيب الفتاة الثانية وتقول لأختها: «تعالي نذهب إلى
الحقل ونجمع السنابل خلف الحصادين». فذهبتا وجمعتا السنابل
خلف الحصادين. وصادف أن الحقل كان لبوعز، وهو من عشيرة
أليمالك.[٢٢] وجاء بوعز من بيت لحم وسأل الحصادين: «ليبارك
الرب الذين يحصدون!» فأجابوه: «ليباركك الرب!»[٢٣] وسأل بوعز
الفتاة التي كانت تشرف على الحصادين: «لمن هذه الفتاة؟»[٢٤] فأجابه:

«هي فتاة موآبية جاءت مع نعومي من بلاد موآب.[٢٥] وقد طلبت
مني أن أدعها تجمع السنابل خلف الحصادين، وهي تعمل منذ
الصباح حتى الآن بدون راحة».

راعوث تجمع السنابل في حقل بوعز

٢ [١] وكان لأليمالك قريب غني من عشيرته اسمه بوعز، وهو
من عشيرة أليمالك. [٢] وقالت راعوث لنعومي: «دعيني أذهب
إلى الحقل وأجمع السنابل خلف من أجد نعمة في عينيه». فأجابتها
نعومي: «اذهبي يا ابنتي».[٣] فذهبت راعوث وجمعت السنابل
خلف الحصادين، وصادف أن الحقل كان لبوعز من عشيرة أليمالك.
[٤] وجاء بوعز من بيت لحم وسلم على الحصادين، فأجابوه:
«ليباركك الرب!»[٥] وسأل بوعز رئيس الحصادين: «لمن هذه
الفتاة؟»[٦] فأجابه: «هي فتاة موآبية جاءت مع نعومي من بلاد
موآب.

---

i ١:٢ راعوث ٤:٦-٨

وَصَلَّى حَنَّةُ وَقَالَتْ: «قَدْ ابْتَهَجَ قَلْبِي بِالرَّبِّ، ارْتَفَعَ قَرْنِي بِالرَّبِّ. اتَّسَعَ فَمِي عَلَى أَعْدَائِي، لأَنِّي فَرِحْتُ بِخَلاَصِكَ. [j] لَيْسَ قُدُّوسٌ مِثْلَ الرَّبِّ، لأَنَّهُ لَيْسَ آخَرَ غَيْرَكَ، وَلَيْسَ صَخْرَةٌ مِثْلَ إِلهِنَا.

لاَ تُكْثِرُوا التَّكَلُّمَ بِكِبْرٍ. لِيَخْرُجِ الْعَتَفُ مِنْ أَفْوَاهِكُمْ، لأَنَّ إِلهَ عُلُومٍ الرَّبُّ، وَلَهُ تُوزَنُ الأَعْمَالُ. [k]

قَوْسُ الأَقْوِيَاءِ قَدْ حُطِّمَتْ، وَالْمُتَعَثِّرُونَ تَمَنْطَقُوا قُدْرَةً. [l]

الشِّبَاعُ قَدِ ارْتَهَنُوا بِالْخُبْزِ، وَالْجِيَاعُ كَفُّوا. حَتَّى وَلَدَتِ الْعَاقِرُ السَّبْعَةَ، وَالْكَثِيرَةُ الْبَنِينَ ذَبُلَتْ. [m] الرَّبُّ يُمِيتُ وَيُحْيِي، يُهْبِطُ إِلَى الْهَاوِيَةِ وَيُصْعِدُ. [n] الرَّبُّ يُفْقِرُ وَيُغْنِي، يَضَعُ وَيَرْفَعُ أَيْضًا. يُقِيمُ الْمِسْكِينَ مِنَ التُّرَابِ، مِنَ الْمَزْبَلَةِ يَرْفَعُ الْبَائِسَ، لِيُجْلِسَهُ مَعَ الشُّرَفَاءِ، وَيُورِثَهُمْ كُرْسِيَّ الْمَجْدِ. لأَنَّ لِلرَّبِّ أَعْمِدَةَ الأَرْضِ، وَقَدْ رَكَّبَ عَلَيْهَا الْمَسْكُونَةَ. [o] أَقْدَامَ أَتْقِيَائِهِ يَحْفَظُ، وَالأَشْرَارُ فِي الظُّلْمَةِ يَصْمُتُونَ، لأَنَّهُ لَيْسَ بِالْقُوَّةِ يَتَقَوَّى الإِنْسَانُ. [p] الْمُخَاصِمُونَ الرَّبَّ يَتَحَطَّمُونَ. عَلَيْهِمْ فِي السَّمَاوَاتِ يُرْعِدُ. الرَّبُّ يَدِينُ أَقَاصِيَ الأَرْضِ، وَيُعْطِي عِزًّا لِمَلِكِهِ، وَيَرْفَعُ قَرْنَ مَسِيحِهِ». [q]

صموئيل يخدم الرب

[11] وَمَضَى أَلْقَانَةُ إِلَى الرَّامَةِ إِلَى بَيْتِهِ، وَأَمَّا الصَّبِيُّ فَكَانَ يَخْدِمُ الرَّبَّ أَمَامَ عَلِي الْكَاهِنِ. [12] وَكَانَ بَنُو عِيلِي لِئَامًا. لَمْ يَكُونُوا يَعْرِفُونَ الرَّبَّ، [13] وَلاَ حَقَّ الْكَهَنَةِ مِنَ الشَّعْبِ. كُلُّ مَنْ ذَبَحَ ذَبِيحَةً، وَلَحْمُ الطَّبِيخِ جَاءَ وَفِي يَدِ الْفَتَى ثَلاَثُ أَسِنَّةٍ، [14] فَكَانَ يَضْرِبُ بِهَا فِي الطَّاسَةِ أَوِ الْقِدْرِ أَوِ الْقِمْقَمِ أَوِ الْبُرْمَةِ، وَكُلُّ مَا يَرْفَعُ الثَّلاَثُ الأَسِنَّةِ بِهَا يَأْخُذُ الْكَاهِنُ لِنَفْسِهِ. هكَذَا كَانُوا يَفْعَلُونَ بِكُلِّ إِسْرَائِيلَ الآتِينَ إِلَى هُنَاكَ إِلَى شِيلُوهَ. [15] وَأَيْضًا قَبْلَ أَنْ يُوقِدُوا الشَّحْمَ كَانَ يَأْتِي غُلاَمُ الْكَاهِنِ وَيَقُولُ لِلرَّجُلِ الذَّابِحِ: «هَاتِ لَحْمًا لِيَشْوِيَ لِلْكَاهِنِ، لأَنَّهُ لاَ يَأْخُذُ مِنْكَ مَسْلُوقًا بَلْ نِيئًا». [16] فَإِنْ قَالَ لَهُ الرَّجُلُ: «لاَ بُدَّ أَنْ يُوقِدُوا الشَّحْمَ أَوَّلاً، ثُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ حَسَبَ كُلِّ نَفْسِ الْهَوَى»، فَإِنَّهُ كَانَ يَقُولُ لَهُ: «لاَ، بَلِ الآنَ تُعْطِي، وَإِلاَّ فَأَنَا آخُذُ بِالْقُوَّةِ». [17] فَكَانَتْ خَطِيَّةُ الْغِلْمَانِ عَظِيمَةً جِدًّا أَمَامَ الرَّبِّ، لأَنَّ رِجَالَ الرَّبِّ احْتَقَرُوا تَقْدِمَةَ الرَّبِّ.

---

[j] ٢:٦ تثنية ٣٢:٣٩ [k] ٢:٧ صموئيل ٢٢:١١٨ [l] ٢:٨ تثنية ١٤:٨

١٧ وكانت خطية الغلمان عظيمة جدا امام الرب لان الناس ازدروا بتقدمة الرب. ١٨ واما صموئيل فكان يخدم امام الرب وهو غلام ممنطق بصدار من كتان. ١٩ وكانت امه تصنع له جبة صغيرة وتصعدها اليه من سنة الى سنة عندما تصعد مع رجلها لتقدم الذبيحة السنوية. ٢٠ وكان عالي يبارك القنا وامرأته ويقول ليعوض الرب لك نسلا من هذه المرأة عوضا عن المستعار الذي استعير للرب. ثم كانوا يذهبون الى مكانهم. ٢١ وافتقد الرب حنة فحبلت وولدت ثلاثة بنين وبنتين. وكبر الغلام صموئيل عند الرب. ٢٢ وكان عالي شيخا جدا وسمع كل ما يفعل بنوه بجميع اسرائيل وكيف كانوا يضاجعون النساء اللواتي كن يتجندن لباب خيمة الاجتماع. ٢٣ فقال لهم لماذا تفعلون مثل هذه الامور التي اسمع عنها من جميع هذا الشعب. ٢٤ لا يا بني فان الخبر الذي اسمعه ليس بخير. انكم تجعلون شعب الرب يتعدون. ٢٥ ان اخطأ انسان الى انسان يقضي عليه الله واما ان اخطأ انسان الى الرب فمن يشفع له. فلم يسمعوا لصوت ابيهم لان الرب اراد ان يميتهم.

دعوة صموئيل

٣ وكان الغلام صموئيل يخدم الرب امام عالي. وكانت كلمة الرب عزيزة في تلك الايام. لم تكن رؤيا منتشرة. ٢ وفي ذلك اليوم كان عالي مضطجعا في مكانه وعيناه قد ابتدأتا تكلان فلا يقدر ان يبصر. ٣ وسراج الله لم ينطفئ بعد وصموئيل مضطجع في هيكل

٢:٢٢m تكوين ٩:٥٣ ٢:٢٣n تكوين ٧:٥٣

دهنقجه. [٣] لا ٥ه٧ ههقلهه٥جه جذهلا، تلجلا دخهلا، دهنقجه
دهجحهلا ٧ه٧ جذهلا، تلا هه ٧ه٧ ٧ه٧ [٤] جذهلا هه تلا، تلجلا
ههجحهلا دلا قهلا سذهجلا، جذهلا هجلا تلجه ٧ه٧ جذهلا. [٥] هقتد
جذهلا تلجلا هه ٧ه٧ جذهلا، تلا هه ٧ه٧ ٧ه٧ جذهلا، تلا هه ٧ه٧
٧ه٧ جذهلا، تلا هه ٧ه٧ ٧ه٧ جذهلا، تلا هه ٧ه٧ ٧ه٧ جذهلا، تلا
هه ٧ه٧ ٧ه٧ جذهلا، تلا هه ٧ه٧ ٧ه٧ جذهلا، تلا هه ٧ه٧ ٧ه٧
جذهلا، تلا هه ٧ه٧ ٧ه٧ جذهلا، تلا هه ٧ه٧ ٧ه٧ جذهلا، تلا هه
٧ه٧ ٧ه٧ جذهلا، تلا هه ٧ه٧ ٧ه٧ جذهلا، تلا هه ٧ه٧ ٧ه٧ جذهلا،
تلا

١٤ ابنا أقول هذا لا لكي يخجلكم، بل لأنصحكم كأولادي الأحباء. ١٥ فلو كان لكم
ربوات من المعلمين في المسيح، فليس لكم آباء كثيرون. لأني أنا ولدتكم في المسيح
يسوع بالإنجيل. ١٦ فأطلب إليكم أن تقتدوا بي. ١٧ لهذا السبب أرسلت إليكم تيموثاوس
الذي هو ابني الحبيب والأمين في الرب، ليذكركم طرقي في المسيح يسوع، كما أعلم
في كل كنيسة في كل مكان. ١٨ وقد انتفخ قوم كأني لست آتي إليكم. ١٩ ولكني سآتي
إليكم عن قريب إن شاء الرب، وسأعلم ليس بأقوال المتكبرين بل بقوتهم. ٢٠ لأن
ملكوت الله ليس بالكلام بل بالقوة. ٢١ فماذا تريدون؟ أآتي إليكم بعصا أم بالمحبة
وروح الوداعة؟

الزاني في الكنيسة

٥ يسمع عنكم بوجود الزنا بينكم، وزنا من نوع لا يوجد حتى بين الوثنيين، حتى
إن أحدكم يعاشر امرأة أبيه. ٢ وأنتم منتفخون بالكبرياء، أفلا بالحري تنوحون
حتى يرتفع من بينكم من فعل هذا الفعل؟ ٣ فإني أنا كأني غائب بالجسد، ولكني
حاضر بالروح، وقد حكمت كأني حاضر في الذي فعل هذا الأمر هكذا، ٤ باسم ربنا
يسوع المسيح، إذا اجتمعتم أنتم وروحي مع قوة ربنا يسوع المسيح، ٥ أن تسلموا
هذا الرجل للشيطان لهلاك الجسد، لكي تخلص الروح في يوم ربنا يسوع المسيح.

٣:١٤٩ تكوين ١٢:٨ ٣:٢٠٢ تثنية ١:٦-٢٤:٧

الفلسطينيين وانتشر القتل في الشعب. وقُتل ايضا عفني ابنا عالي. ٢ ولما جاء الرسول الى شيلوه وجد ان الشعب قد قُتل. ٣ فلما وصل الى شيلوه قال الشيوخ: لماذا ضربنا الرب اليوم امام الفلسطينيين؟ فلنأخذ الى شيلوه تابوت عهد الرب ليأتي بيننا ويخلصنا من يد اعدائنا. ٤ فأرسل الشعب الى شيلوه وحملوا من هناك تابوت عهد رب الجنود الجالس على الكاروبيم. وكان ابنا عالي حفني وفينحاس مع تابوت عهد الله. ٥ ولما جاء تابوت عهد الرب الى المحلة هتف جميع بني اسرائيل هتافا عظيما حتى ارتجت الارض. ٦ فلما سمع الفلسطينيون صوت الهتاف قالوا: ما معنى صوت الهتاف العظيم هذا في محلة العبرانيين؟ فعلموا ان تابوت الرب قد جاء الى المحلة. ٧ فخاف الفلسطينيون لانهم قالوا: قد جاء الله الى المحلة. وقالوا: ويل لنا لانه لم يكن مثل هذا من قبل. ٨ ويل لنا من يخلصنا من يد هذه الآلهة العظيمة؟ هذه هي الآلهة التي ضربت المصريين بكل ضربة في البرية. ٩ تشددوا وكونوا رجالا ايها الفلسطينيون لئلا تستعبدوا للعبرانيين كما استعبدوا لكم. كونوا رجالا وحاربوا. ١٠ فحارب الفلسطينيون فانهزم اسرائيل وهرب كل واحد الى خيمته وكانت مذبحة عظيمة جدا فسقط من اسرائيل ثلاثون الفا من المشاة. ١١ وأُخذ تابوت الله وقُتل ابنا عالي حفني وفينحاس.

٤:٨ ص ٧٨:١٠ ١٢

١٢ وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ بَنْيَامِينَ مِنْ صُرْعَةِ الْمَحَلَّةِ وَثِيَابُهُ مُمَزَّقَةٌ وَتُرَابٌ عَلَى رَأْسِهِ. ١٣ وَلَمَّا جَاءَ إِذَا هُوَ جَالِسٌ عَلَى الْكُرْسِيِّ بِجَانِبِ الطَّرِيقِ يَرْقُبُ لأَنَّ قَلْبَهُ كَانَ مُرْتَعِدًا لأَجْلِ تَابُوتِ اللهِ. فَلَمَّا جَاءَ الرَّجُلُ إِلَى الْمَدِينَةِ وَأَخْبَرَ فَصَرَخَتِ الْمَدِينَةُ كُلُّهَا. ١٤ فَسَمِعَ عِيلِي صَوْتَ الصُّرَاخِ وَقَالَ: «مَا صَوْتُ هذَا الضَّجِيجِ؟» وَإِذَا الرَّجُلُ قَدْ أَسْرَعَ وَجَاءَ وَأَخْبَرَ عِيلِي. ١٥ وَكَانَ عِيلِي ابْنَ ثَمَانٍ وَتِسْعِينَ سَنَةً وَعَيْنَاهُ قَدْ وَقَفَتَا فَلاَ يُبْصِرُ. ١٦ فَقَالَ الرَّجُلُ لِعِيلِي: «أَنَا جِئْتُ مِنَ الصَّفِّ وَأَنَا قَدْ هَرَبْتُ الْيَوْمَ مِنَ الصَّفِّ». فَقَالَ: «كَيْفَ كَانَ الأَمْرُ يَا ابْنِي؟» ١٧ فَأَجَابَ الْمُخْبِرُ وَقَالَ: «قَدْ هَرَبَ إِسْرَائِيلُ مِنْ أَمَامِ الْفِلِسْطِينِيِّينَ وَأَيْضًا قَدْ كَانَتْ مَذْبَحَةٌ عَظِيمَةٌ بَيْنَ الشَّعْبِ. وَمَاتَ أَيْضًا ابْنَاكَ حُفْنِي وَفِينְحَاسُ وَتَابُوتُ اللهِ قَدْ أُخِذَ». ١٨ وَكَانَ إِذْ ذَكَرَ تَابُوتَ اللهِ أَنَّهُ سَقَطَ عَنِ الْكُرْسِيِّ إِلَى الْوَرَاءِ بِجَانِبِ الْبَابِ فَانْكَسَرَتْ عُنُقُهُ وَمَاتَ لأَنَّهُ كَانَ شَيْخًا وَثَقِيلاً. وَهُوَ قَضَى لإِسْرَائِيلَ أَرْبَعِينَ سَنَةً.

١٩ وَكَانَتْ كَنَّتُهُ امْرَأَةُ فِينְحَاسَ حُبْلَى قَرِيبَةً مِنَ الْوِلاَدَةِ. فَلَمَّا سَمِعَتِ الْخَبَرَ عَنْ أَخْذِ تَابُوتِ اللهِ وَعَنْ مَوْتِ حَمِيهَا وَرَجُلِهَا انْحَنَتْ وَوَلَدَتْ لأَنَّ أَوْجَاعَهَا عَادَتْ عَلَيْهَا. ٢٠ وَفِي وَقْتِ مَوْتِهَا قَالَتِ النِّسَاءُ الْوَاقِفَاتُ عِنْدَهَا: «لاَ تَخَافِي لأَنَّكِ قَدْ وَلَدْتِ ابْنًا». فَلَمْ تُجِبْ وَلَمْ تَجْعَلْ قَلْبَهَا. ٢١ وَدَعَتِ الْوَلَدَ «إِيخَابُودَ» قَائِلَةً: «قَدْ زَالَ الْمَجْدُ عَنْ إِسْرَائِيلَ» لأَجْلِ أَخْذِ تَابُوتِ اللهِ وَلأَجْلِ حَمِيهَا وَرَجُلِهَا. ٢٢ وَقَالَتْ: «قَدْ زَالَ الْمَجْدُ عَنْ إِسْرَائِيلَ لأَنَّ تَابُوتَ اللهِ قَدْ أُخِذَ».

٥ وَأَخَذَ الْفِلِسْطِينِيُّونَ تَابُوتَ اللهِ وَأَتَوْا بِهِ مِنْ «أَبَنِ-عَزَرَ» إِلَى «أَشْدُودَ». ٢ وَأَخَذَ الْفِلِسْطِينِيُّونَ تَابُوتَ اللهِ وَأَتَوْا بِهِ إِلَى بَيْتِ «دَاجُونَ» وَأَقَامُوهُ بِجَانِبِ «دَاجُونَ». ٣ وَلَمَّا بَكَّرَ أَشْدُودِيُّونَ فِي الْغَدِ إِذَا «دَاجُونُ» سَاقِطٌ عَلَى وَجْهِهِ إِلَى الأَرْضِ أَمَامَ تَابُوتِ الرَّبِّ. فَأَخَذُوا «دَاجُونَ» وَرَدُّوهُ إِلَى مَكَانِهِ. ٤ وَبَكَّرُوا فِي الْغَدِ صَبَاحًا إِذَا هُوَ سَاقِطٌ عَلَى وَجْهِهِ إِلَى الأَرْضِ أَمَامَ تَابُوتِ الرَّبِّ. وَرَأْسُ «دَاجُونَ» وَكِلْتَا يَدَيْهِ مَقْطُوعَةٌ عَلَى الْعَتَبَةِ. لَمْ يَبْقَ فِيهِ إِلاَّ «دَاجُونُ» نَفْسُهُ.

---

t ١٨:٤ صم ١١:٣١

فلسطين الى بيت داجون واقاموه عند رجله. ٥ لذلك لا يطأ كهنة داجون ولا كل الذين يدخلون بيت داجون عتبة اشدود الى هذا اليوم: ٦ وثقلت يد الرب على اشدود واخربهم وضربهم بالبواسير في اشدود وفي تخومها. ٧ فلما رأى رجال اشدود هكذا قالوا لا يقيم تابوت اله اسرائيل عندنا لان يده قد قست علينا وعلى داجون الهنا. ٨ فارسلوا وجمعوا اليهم كل اقطاب الفلسطينيين وقالوا ماذا نعمل بتابوت اله اسرائيل. فقالوا ليرسل تابوت اله اسرائيل الى جت. فساروا بتابوت اله اسرائيل. ٩ وكان بعد ما ساروا به ان يد الرب صارت على المدينة بدهشة عظيمة جدا وضرب رجال المدينة من الصغير الى الكبير فظهرت فيهم بواسير. ١٠ فارسلوا تابوت الله الى عقرون. وكان لما دخل تابوت الله الى عقرون ان العقرونيين صرخوا قائلين قد احضروا الي تابوت اله اسرائيل لكي يقتلني وشعبي. ١١ فارسلوا وجمعوا كل اقطاب الفلسطينيين وقالوا ارسلوا تابوت اله اسرائيل فيرجع الى مكانه ولا يقتلني وشعبي. لان ثقل الموت كان في المدينة كلها. شدد يد الله جدا هناك.

١٢ والرجال الذين لم يموتوا ضربوا بالبواسير فصعد صراخ المدينة الى السماء.

משלי בן־שלמה מלך ישראל

משל

א [١] משלי שלמה, בן חכם משמח אב, וכסיל בן מכאיב אמו. [٢] לא יועילו אוצרות רשע, וצדקה תציל ממות. [٣] לא ירעיב יהוה נפש צדיק, והון רשעים יהדף. [٤] עשה כף רמיה רוש, ויד חרוצים תעשיר. [٥] אוגר בקיץ בן משכיל, נרדם בקציר בן מביש. [٦] ברכות לראש צדיק, ופי רשעים יכסה חמס. [٧] זכר צדיק לברכה, ושם רשעים ירקב. [٨] חכם בלבב יקח מצות, ואויל שפתים ילבט. [٩] הולך בתם יהלך בטח, ועקש דרכיו יודע. [١٠] קורץ עין יתן עצב, ואויל שפתים ילבט. [١١] מקור חיים פי צדיק, ופי רשעים יכסה חמס. [١٢] שנאה תעורר מדנים, ועל כל פשעים תכסה אהבה. [١٣] בשפתי נבון תמצא חכמה, ושבט לגו חסר לב. [١٤] חכמים יצפינו דעת, ופי אויל מחתה קרבה. [١٥] הון עשיר קרית עזו, מחתת דלים רישם. [١٦] פעל צדיק לחיים, תבואת רשע לחטאת. [١٧] ארח לחיים שומר מוסר, ותועה מוכיח מתעה. [١٨] כסה שנאה שפתי שקר, ומוציא דבה הוא כסיל. [١٩] ברב מלין לא יחדל פשע, וחושך שפתיו משכיל. [٢٠] כסף נבחר לשון צדיק, לב רשעים כמעט. [٢١] שפתי צדיק ירעו רבים, וכסילים במחסר ימותו. [٢٢] ברכת יהוה היא תעשיר, ולא יוסיף עצב עמה. [٢٣] כשחוק לכסיל עשות זמה, וחכמה לאיש תבונה. [٢٤] מגורת רשע היא תבואנו, ותאות צדיקים יתן. [٢٥] כעבור הסופה ואין רשע עוד, וצדיק יסוד עולם. [٢٦] כחומץ לשנים וכעשן לעינים, כן העצל לשולחיו. [٢٧] יראת יהוה תוסיף ימים, ושנות רשעים תקצרנה. [٢٨] תוחלת צדיקים שמחה, ותקות רשעים תאבד. [٢٩] מעוז לתם דרך יהוה, ומחתה לפעלי און. [٣٠] צדיק לעולם בל ימוט, ורשעים לא ישכנו ארץ. [٣١] פי צדיק יניב חכמה, ולשון תהפכות תכרת. [٣٢] שפתי צדיק ידעון רצון, ופי רשעים תהפכות.

ולפניהם אלהי מצרים ואלהי ארצם, אשר לקחו מתוך ארץ מצרים לעבדם בה, אני ה׳ אלהיכם׃ ١١ ולא שמעו אל משה מקצר רוח ומעבודה קשה׃ ١٢ ויאמר ה׳ אל משה בא דבר אל פרעה מלך מצרים וישלח את בני ישראל מארצו׃ ١٣ וידבר משה לפני ה׳ לאמר הן בני ישראל לא שמעו אלי ואיך ישמעני פרעה ואנכי ערל שפתים׃ ١٤ וידבר ה׳ אל משה ואל אהרן ויצום אל בני ישראל ואל פרעה מלך מצרים להוציא את בני ישראל ממצרים׃ ١٥ אלה ראשי בית אבתם בני ראובן בכור ישראל חנוך ופלוא חצרון וכרמי אלה משפחות ראובן׃ ١٦ ובני שמעון ימואל וימין ואהד ויכין וצחר ושאול בן הכנענית אלה משפחות שמעון׃ ١٧ ואלה שמות בני לוי למולדתם גרשון וקהת ומררי ושני חיי לוי מאה שלשים ושבע שנה׃ ١٨ בני גרשון לבני ושמעי למשפחתם׃ ١٩ ובני קהת עמרם ויצהר וחברון ועזיאל ושני חיי קהת מאה שלשים ושלש שנה׃ ٢٠ ובני עמרם אהרן ומשה ומרים אחותם ויהיו בני עמרם מאה ושלשים ושבע שנה׃ ٢١ ובני יצהר קרח ונפג וזכרי׃

١٧:١ מש׳ ١٧:٥؛ מזמ׳ ٩:٧؛ ש״ב ٩:٣٥

אין רוצה לבוא אל הבית בשום אופן אלא אם כן יהיה לו
קרבן.

תורת הזבחים

ב [1] וזאת היא תורת הקרבן שיביא לה' כאשר יתנדב
איש מישראל: מן הבקר או מן הצאן, יביא את קרבנו.
[2] אם קרבנו יהיה עולה מן הבקר, יקריב זכר תמים;
פתח אוהל מועד יקריב אותו, לרצון לפני ה'. [3] וסמך
את ידו על ראש העולה, ונרצה לו לכפר עליו. [4] ושחט
את בן הבקר לפני ה', והקריבו בני אהרן הכהנים את
הדם וזרקו את הדם על המזבח סביב, אשר פתח אוהל
מועד. [5] והפשיט את העולה, ונתח אותה לנתחיה.
[6] ונתנו בני אהרן הכהן אש על המזבח, וערכו עצים
על האש. [7] וערכו בני אהרן הכהנים את הנתחים, את
הראש ואת הפדר, על העצים אשר על האש אשר על
המזבח. [8] והקריב את הקרב ואת הכרעים ירחץ במים,
והקטיר הכהן את הכל המזבחה עולה אשה ריח ניחוח
לה'. [9] ואם מן הצאן קרבנו מן הכשבים או מן העזים
לעולה, זכר תמים יקריבנו. [10] והקריב אותו על ירך
המזבח צפונה לפני ה', וזרקו בני אהרן הכהנים את

---

[w] ויקרא ב:ה; ו:א–ז; כד:ז; ח:יח [x] ויקרא ב:ו; כד:יט [y] ויקרא ז:ח; כד:יט-כא

مَن نَجَسوفَتِۍ دِهِفِيدَه دِحَنَ هِكَنَ هِمِهَلِيمِهِ مَن لَهِوُكَنَ. هِمِدُّيدِ
هِمِجِيوُّيدِ، هَيَ رَنَتِ دِ نَتِ أَهِد جِنَ أَب جِنَ حَدِهَتِ كِيَتِ؛
[11] دِلَوفِ هِجِلَتِ، جِنَ حَد هِكَتِ هِمِد مَحَد هِمِنَتِ كِيَتِ، دِ هِمِب جِفِ
دِكَ تِهُوَ حِمِ هَلِ هَمِهِمِتِ دِيَ مَحِد هِمِد هَدَ. [12] رَنَ دِيَ رَنَتِ، هَمِ تِهُوَ
دِحِهُفِ هَلِ دِيَ فِهِمِ لَيِجِ مَلِكَمَ، كِفُدَ مَن هَلِ هِمِجَتِ دِيَ فِهِمِ
دِهِنَ، جِهِتِ جِهِتِ لَيِجِ مَلِكَمَ، [13] مَحِ هِمِد حِمِلَ مَحِ
هِمِهِمِدِ هَلِ دِهِنَ، هِمِحِهِمِدِ دِهِمِسِهُدِ دِهِمَهَ. هَدِ هَتِ مَحِ
دِهِنَ

לכל חי יש מבטח כי טוב כלב חי מאריה מת. [٢٢] כי החיים יודעים שימותו[a] והמתים לא יודעים מאומה ואין עוד שכר כי נשכח זכרם.

חכמת החיים

٣ [١] גם אהבתם גם שנאתם גם קנאתם כבר אבדה ואין עוד חלק לעולם בכל אשר נעשה תחת השמש. [٢] עת לבכות ועת לשחוק עת לספוד ועת לרקוד. [٣] עת להרוג ועת לרפא עת לפרוץ ועת לבנות. [٤] עת לבכות ועת לשחוק עת לספוד ועת לרקוד. עת להשליך אבנים ועת לקבץ אבנים עת לחבק ועת לרחק מחבק. [٥] עת לבקש ועת לאבד עת לשמור ועת להשליך. [٦b] עת לקרוע ועת לתפור עת להחריש ועת לדבר. [٧c] עת לאהוב ועת לשנוא עת מלחמה ועת שלום. [٨] מה יתרון העושה בדבר אשר הוא עמל בו. [٩d] ראיתי את העניין אשר נתן אלהים לבני האדם לענות בו. [١٠] את הכל עשה יפה בעתו גם את העולם נתן בלבם מבלי אשר לא ימצא האדם את המעשה אשר עשה האלהים מראש ועד סוף. [١١] ידעתי כי אין טוב בם כי אם לשמח ולעשות טוב בחייו.

---

[a] ٢:٢٢ איוב ١١:٢٦ [b] ٣:٥ דברים ٩-٦:١ [c] ٣:٦ דברים ١١:٧

[d] ٣:٨ מקור ٤:٩٠

۱۰ زېنۍ ئەھد دەدئ ىە ژې زې ىە ېنجې، ەدېتې ىە ېكىمب حقئ
ذەد، ەيھېجقې دىسەمب ىە ڤىب ەمسېچې حدذې، ەزئىد ەھەشتې دحبەھ
ىە ئمجب. ۱۱ ھقىت ې حكىس زې ىە ڤىب ەمسېچې، ەمجب ېنھد
دئتې ۇې ىگې دۇەھەۇ؟ ۇې ىگې دىسېھۇ زې جدېتې حدەحۇد
دزگىد، ۱۲ ېھقذې ەتبەەتې ئۇھۇد دئەد دزگىد، دحِس ەدېتې
ىە ڤىب ەمەمۇد ەمەمسېچې، ەيھېجقې ىە ڤىب ەھەتې حدذې.
۱۳ زېنۍ ژىم، زې ەمېد، ېھقذې ەھ ېتەدتې شجې ەئزئىد ېجۇد،
زېئد دزەبمەۇد ېحەذې ىگې. ۱۴e ئھ مەبېتب، جد ېھقذې ەھ زېز،
ېجەدەې حلې ميجب دبە ېنىھجەې دڤىبھەې مەعَجِيد دگ بېئ
ەدگ مەەمد ەحتگمد لېھېد، ۱۵ مىتەجەې ئې جذېجۇ دېتئ دەئې
ېڭەجەې زې سېجەۇ دزگىد دەبتۇ ەەۇ ەەۇجېۇ ېڭې. ۱۶ ېتەذد
ەڭ حەب ېھ ەەۇجېۇ ېڭەجەې، ژدب دبەھ ژەبم مەبېئ ڤەئەھ حەبب ېھ
ېڭەجەې زې سېجەۇ دزگىد دەبتۇ ەەۇ ەەۇجېۇ ېڭې. ۱۶ ېتەذد
ەڭ حەب زېز ىگ حكىس ېڭېتەەەس، زىب دبە ېكىمب ئېجەمد
ميتبېتې جھقې دڤذەمەې، زىب دېتجەمد ئتې گ ەڤقې ەۋېې ەھەچېكد
ەئز، ژدب دېحدېژد ئز لحۇتې ىيتېد، ېكىگمد دېگئىس. ۱۷ زېنۍ ژىم
مەبېتب، جد حېژگ زېز مح ېجدەۇۇ، ەەەمەب ېتەبد دگ ڤىبھەې دەحتې
حبد ميڭې دئتې ئمېڭې دئىمەھۇ، ەدگ ئھڤبھەې مح دەحەجەې مەبۇ.
۱۸ زېنۍ ېژېھەې حتڤېبھ ەحېژحۇەجەې جۇژې ەڤژەڤې بتەد مەتبئ.
ېڭې ېتەحەسۇۇ مح ژدېۍ ەەڤلې ىگېد. ژەم.

---

e۳:۱۳ زتحد ەد ۱۷:۶۵؛ ۲۲:۶۶

شاول يصير ملكا

صموئيل يمسحه

١ فَأَخَذَ صَمُوئِيلُ قَارُورَةَ الدُّهْنِ وَسَكَبَ عَلَى رَأْسِهِ وَقَبَّلَهُ وَقَالَ: أَلَيْسَ لأَنَّ الرَّبَّ قَدْ مَسَحَكَ عَلَى مِيرَاثِهِ رَئِيسًا؟ ٢ عِنْدَ فِرَاقِكَ الْيَوْمَ مِنْ عِنْدِي تَجِدُ رَجُلَيْنِ عِنْدَ قَبْرِ رَاحِيلَ فِي تُخُومِ بَنْيَامِينَ فِي صَلْصَحَ، فَيَقُولاَنِ لَكَ: قَدْ وُجِدَتِ الأَتُنُ الَّتِي ذَهَبْتَ لِتَطْلُبَهَا، وَهُوَذَا أَبُوكَ قَدْ تَرَكَ أَمْرَ الأَتُنِ وَاهْتَمَّ قَائِلاً: مَاذَا أَفْعَلُ لأَجْلِ ابْنِي؟ ٣ ثُمَّ امْضِ مِنْ هُنَاكَ وَتَعَالَ إِلَى بَلُّوطَةِ تَابُورَ، فَيَلْقَاكَ هُنَاكَ ثَلاَثَةُ رِجَالٍ صَاعِدِينَ إِلَى اللهِ إِلَى بَيْتِ إِيلَ، وَاحِدٌ يَحْمِلُ ثَلاَثَةَ جِدَاءٍ، وَوَاحِدٌ يَحْمِلُ ثَلاَثَةَ أَرْغِفَةِ خُبْزٍ، وَوَاحِدٌ يَحْمِلُ زِقَّ خَمْرٍ. ٤ فَيَسْأَلُكَ عَنْ سَلاَمَةٍ وَيُعْطُونَكَ رَغِيفَيْ خُبْزٍ فَتَأْخُذُ مِنْ أَيْدِيهِمْ.

علامات شاول

٥ وَبَعْدَ ذلِكَ تَأْتِي إِلَى جِبْعَةِ إِيلُوهِيمَ حَيْثُ نُصْبُ الْفِلِسْطِينِيِّينَ، وَيَكُونُ عِنْدَ مَجِيئِكَ إِلَى هُنَاكَ إِلَى الْمَدِينَةِ أَنَّكَ تُلاَقِي زُمْرَةَ أَنْبِيَاءَ نَازِلِينَ مِنَ الْمُرْتَفَعِ وَأَمَامَهُمْ رَبَابٌ وَدُفٌّ وَنَاءٌ وَعُودٌ وَهُمْ يَتَنَبَّأُونَ. ٦ فَتَحِلُّ عَلَيْكَ رُوحُ الرَّبِّ وَتَتَنَبَّأُ مَعَهُمْ وَتَتَحَوَّلُ إِلَى رَجُلٍ آخَرَ. ٧ وَلْيَكُنْ إِذَا أَتَتْكَ هذِهِ الآيَاتُ أَنَّكَ تَفْعَلُ كَمَا تَجِدُ يَدُكَ، لأَنَّ اللهَ مَعَكَ. ٨ وَتَنْزِلُ قُدَّامِي إِلَى الْجِلْجَالِ وَهُوَذَا أَنَا أَنْزِلُ إِلَيْكَ لأُصْعِدَ مُحْرَقَاتِكَ وَأَذْبَحَ ذَبَائِحَ السَّلاَمَةِ. سَبْعَةَ أَيَّامٍ تَنْتَظِرُ حَتَّى أَجِيءَ إِلَيْكَ وَأُعَرِّفَكَ مَا تَفْعَلُ. ٩ وَكَانَ عِنْدَمَا أَدَارَ كَتِفَهُ لِيَذْهَبَ مِنْ عِنْدِ صَمُوئِيلَ أَنَّ اللهَ غَيَّرَ لَهُ قَلْبًا آخَرَ، وَحَلَّتْ جَمِيعُ تِلْكَ الآيَاتِ فِي ذلِكَ الْيَوْمِ. ١٠ وَجَاءُوا إِلَى هُنَاكَ إِلَى الْجَبَلِ، وَإِذَا زُمْرَةُ أَنْبِيَاءَ لاَقَتْهُ، فَحَلَّ عَلَيْهِ رُوحُ اللهِ فَتَنَبَّأَ فِي وَسْطِهِمْ.

محبت محبت

۲ ۱ فرزندان، چیزها را به شما می‌نویسم تا گناه نکنید. اما اگر کسی گناه کند، ما نزد پدر شفاعت‌کننده‌ای داریم که عیسی مسیح است و او بی‌گناه است. ۲ او کفاره‌ی گناهان ما است و نه فقط گناهان ما، بلکه گناهان تمام دنیا. ۳ اگر از احکام او اطاعت کنیم، مطمئن می‌شویم که او را می‌شناسیم. ۴ کسی که می‌گوید: "او را می‌شناسم"، اما از احکام او اطاعت نمی‌کند، دروغگو است و حقیقت در او نیست. ۵ اما کسی که از کلام او اطاعت می‌کند، در او محبت خدا به کمال رسیده است. از این طریق می‌دانیم که در او هستیم. ۶ کسی که می‌گوید در او می‌ماند، باید زندگی کند همان‌طور که او زندگی کرد.

حکم جدید

۷ دوستان عزیز، من حکم تازه‌ای به شما نمی‌نویسم، بلکه حکمی که از ابتدا به شما داده شده است. این حکم همان کلامی است که شنیده‌اید. ۸ با این حال، حکم تازه‌ای به شما می‌نویسم که در او و در شما حقیقت است، زیرا تاریکی در حال از بین رفتن است و نور حقیقی در حال تابیدن است. ۹ کسی که می‌گوید در نور است اما از برادر خود متنفر است، هنوز در تاریکی است. ۱۰ کسی که برادر خود را دوست دارد در نور زندگی می‌کند و هیچ چیز باعث لغزش او نمی‌شود. ۱۱ اما کسی که از برادر خود متنفر است در تاریکی است و در تاریکی زندگی می‌کند. او نمی‌داند به کجا می‌رود، زیرا تاریکی چشمان او را کور کرده است.

۱۲ فرزندان، چیزها را به شما می‌نویسم زیرا گناهان شما به خاطر نام او بخشیده شده است.
۱۳ پدران، چیزها را به شما می‌نویسم زیرا او را که از ابتدا بود می‌شناسید.
جوانان، چیزها را به شما می‌نویسم زیرا بر شریر پیروز شده‌اید.

الحبشة. ١٤ حبحب يحفُّ بي يَلِدَه، هُنَّ مجد تحت كفه لحشة. حبحب
ب يَلِدَه خَتَمَ، هُنَّ مجد تحت كفه لحشة. حبحب ب يَلِدَه لحفه
ملك بيعمليا جذعوا دِئكا صفه ميخايم دِئكا بيعمليا هُنَّ
حبه، ملبحب كفه الحبشة.

١٥ لا هُميحبصفه لدهبيا ملا لصحبب جله دهبيا. ي هب هُميح لدهبيا،
سهُ دشة بيه حِي. ١٦ هُنَّ حلج صحبب دابه لحهبيا، جهوصفا
دفلِذا، ومجهوصفا دجتيا، ومجهوشذا هفهفا دجتيا، لا ملا مع خشة يلا
مع دهبيا ملا. ١٧ دهبيا ومجهوصفاوه لحتِذا ملا، ابنا هو دكحج بيجنا
دِئكا حِي فِيح لكبم.

لحمحجتا دحسسا

١٨ نَيْجَا، هُبه اشذُها ملك، وجاجب دعصبيا صفه، صحبسا جُكلا حِيفُا
ملا، ولاف هُبِا ذشة صحبتا جُكلِّا صهيا ملا. حبه أهُا حِي نجبس دهُبه
اشذُها ملك. ١٩ مع لحصِبْ فلهِ لاصفه، ابنا لا ساوه صِنم، هُنَّ ي
هُنَّ ساوه صِنم، حِي قُتب ساوه بجم. ابنا فلهِ لاصفه مع لحصِبْ دقُتا
مجهبُها دِي ساوه صِنم. ٢٠ ابنا بُسه فيا صفه صحبيا حبه نهبحتا، ولحِ
نجهبُفه حلج صحبب. ٢١ لا مِي يحفُّ يَلِدَه هُنَّ لا نجهبُفه عذُذا،
ابنا هُنَّ حِي نجهبُفه ملك، ولاوِ دهكلا لا أيا مع عذُذا. ٢٢ هُنَّ ملا
جُكلا عجهب مع ام دهُذِب دبهد ملا صحبسا؟ أهُا ملا دلصهجُنا
دصحبسا، ام دهُذِب لتُذ ملحذهُنا. ٢٣ حلج مع دهُذِب لحذهُنا، لِه
يَلِه ولاف ملا؛ ملحلج مع دهُمِدا لحذهُنا، ابه يَلِه ولاف ملا. ٢٤ صحبب
دعصبه يَلِدَه بُسه مع عهُذُنا، عجهصبا جذعلج يَلِدَه. ي
جذعلج يَلِدَه صحبب دعصبه يَلِدَه مع عهُذُنا، ولاف بُسه يه بُسه

جنگجوؤں کو بھی ساتھ لے گئی۔ [۲۵] داؤد اور اُس کے آدمیوں نے
نابل کے علاقے میں پہنچ کر اُس سے بات کی۔ [۲۶] نابل کی بیوی
ابیجیل نے اُن کا استقبال کیا۔ [۲۷] ابیجیل نے داؤد کے سامنے
آ کر زمین تک جھک کر سجدہ کیا۔ پھر اُس نے داؤد کے پاؤں پر
گر کر کہا، "میرے آقا، مجھے اور میرے خاندان کو قصوروار
ٹھہرائیں۔ اپنی لونڈی کو اجازت دیں کہ آپ سے بات کرے۔
آپ میری باتیں سنیں۔ [۲۸] میرے آقا، نابل کی باتوں پر توجہ نہ
دیں۔ وہ اُس کے نام کی طرح بیوقوف ہے۔ اُس کا نام نابل یعنی
بیوقوف ہے، اور بیوقوفی اُس کی ہر بات سے ظاہر ہوتی ہے۔
میرے آقا نے جو نوجوان بھیجے تھے اُن کو میں نے نہیں دیکھا۔
[۲۹] اگرچہ کچھ لوگ آپ کی جان لینے کے درپے ہیں، تاہم
خداوند میرے آقا کی جان کو آپ کے خدا یہوواہ کی زندگی کی
تھیلی میں محفوظ رکھے گا۔ لیکن آپ کے دشمنوں کی جانیں
فلاخن کے پتھروں کی طرح پھینک دی جائیں گی۔

داؤد اور ابیجیل

۳ سموئیل نبی کی موت ہو گئی تھی۔ سارے اسرائیل نے
اکٹھے ہو کر اُس کا ماتم کیا۔ اُسے رامہ میں اُس کے گھر میں
دفن کیا گیا۔ پھر داؤد فاران کے بیابان میں چلا گیا۔ [۲] وہاں
ماعون میں ایک آدمی رہتا تھا جو بہت امیر تھا۔ اُس کے تین
ہزار بھیڑیں اور ایک ہزار بکریاں تھیں۔ وہ کرمل میں اپنی
بھیڑوں کی اُون کاٹ رہا تھا۔ [۳] اُس کا نام نابل تھا اور اُس کی
بیوی کا نام ابیجیل۔ ابیجیل بڑی عقلمند اور خوبصورت عورت
تھی، لیکن نابل سخت اور بُرے کاموں کا آدمی تھا۔ وہ کالب کے
خاندان سے تھا۔ [۴] جب داؤد بیابان میں تھا تو اُس نے سنا کہ
نابل اپنی بھیڑوں کی اُون کاٹ رہا ہے۔ [۵] اُس نے دس نوجوان
بھیج کر اُن سے کہا، "کرمل جا کر نابل سے ملو اور میرا نام لے
کر اُسے سلام کہو۔ [۶] پھر اُس سے کہو: زندگی میں آپ کی
اور آپ کے خاندان کی خیر ہو۔ آپ کی ہر چیز کی خیر ہو۔
[۷] میں نے سنا ہے کہ آپ کے بھیڑوں کی اُون کاٹنے والے
آئے ہیں۔ جب وہ ہمارے چرواہوں کے ساتھ تھے تو ہم نے
کبھی اُن کو تنگ نہیں کیا۔ اُن کی بھیڑوں کو کوئی نقصان نہیں
پہنچا جب تک وہ کرمل میں رہے۔ [۸] اپنے نوجوانوں سے پوچھ
لیں، وہ آپ کو بتائیں گے کہ یہ سچ ہے۔ اب میرے نوجوانوں
پر مہربانی کریں، کیونکہ ہم نے اچھے دن میں آپ کے پاس آ

جَجِيْ لِا رُهُا هِ بُجُا مِلِ مِبْهِا هِ بُكُا لِا هِلِهِلِكِ هِ هُلِهُتِا جُأَحِلِهُبُجُا. ۹ حلِكِ هِ
سِهِبُا، هُحُّت جَبُهُذِا جُبُكُا حِ جُجِهِلِكِ لِا رُهُا هِ بُكُا هِ مِبْهِا هِ بُجُا. ۱۰ حلِكِ
مِنْ حِنِهِتِا جُبُكُا هِ مِبْهِا هِ بُكُا هِ مِبْهِا هِ بُكُا هِ مِبْهِا هِ ب

سموئيل هذا الذي قال للشعب ان الرب هو يخلص شعبه من يد الفلسطينيين ومن يد جميع اعدائهم. ٢٤ فلما رأى عالي صموئيل قال ليكن الرب هو يصنع ما يحسن في عينيه.

تابوت الله يؤخذ

٤ وكان كلام صموئيل لجميع اسرائيل. وخرج اسرائيل للقاء الفلسطينيين للحرب ونزلوا عند حجر المعونة والفلسطينيون نزلوا في افيق. ٢ واصطف الفلسطينيون للقاء اسرائيل فاشتبكت الحرب وانكسر اسرائيل امام الفلسطينيين فضربوا في الصف في الحقل نحو اربعة آلاف رجل. ٣ ولما جاء الشعب الى المحلة قال شيوخ اسرائيل لماذا ضربنا الرب اليوم امام الفلسطينيين. لنأخذ الينا من شيلوه تابوت عهد الرب فيأتي في وسطنا ويخلصنا من يد اعدائنا. ٤ فارسل الشعب الى شيلوه فحملوا من هناك تابوت عهد رب الجنود الجالس على الكروبيم وكان ابنا عالي حفني وفينحاس مع تابوت عهد الله. ٥ ولما جاء تابوت عهد الرب الى المحلة هتف جميع اسرائيل هتافا عظيما فارتجت الارض. ٦ فسمع الفلسطينيون صوت الهتاف وقالوا ما صوت الهتاف العظيم هذا في محلة العبرانيين. فعلموا ان تابوت الرب قد جاء الى المحلة. ٧ فخاف الفلسطينيون لانهم قالوا قد جاء الله الى المحلة. وقالوا ويل لنا لانه لم يكن مثل هذا من قبل. ٨ ويل لنا من يخلصنا من يد هؤلاء الآلهة الاقوياء هؤلاء هم الآلهة الذين ضربوا المصريين بكل ضربة في البرية. ٩ تشددوا وكونوا رجالا ايها الفلسطينيون لئلا تستعبدوا للعبرانيين كما استعبدوا لكم. كونوا رجالا وحاربوا. ١٠ فحارب الفلسطينيون فانكسر اسرائيل وهربوا كل واحد الى خيمته وكانت

محبتنا، ١١ محبوبي كي يۀ سي محبت كړي چې خدای مونږ سره کړې ده نو مونږ هم
يو بل سره محبت کول په کار دي. ١٢ هيڅوک خدای نه دي ليدلی خو که مونږ يو بل
سره محبت وکړو نو خدای په مونږ کې ژوند کوي او د هغه محبت زمونږ په ژوند
کې بشپړ شوی دی. ١٣ دا چې مونږ په هغه کې ژوند کوو او هغه په مونږ کې ژوند
کوي دا د هغه له روح څخه دی چې يې زمونږ سره شريک کړي دی. ١٤ مونږ ليدلي
او شاهدي ورکوو چې پلار زوی د نړۍ د ژغورونکي په توګه لېږلی دی. ١٥ هر چا
چې ومني چې عيسی د خدای زوی دی خدای په هغه کې ژوند کوي او هغه د خدای
په ژوند کې ژوند کوي. ١٦ مونږ د خپل سره د خدای د محبت په اړه پوهيږو او
باور لرو. خدای محبت دی او هر څوک چې په محبت کې ژوند کوي د خدای سره
ژوند کوي او خدای د هغه سره ژوند کوي. ١٧ په دې ډول د قيامت په ورځ د
قضاوت لپاره ډاډمن يو، ځکه چې په دې دنيا کې زمونږ ژوند د هغه په شان دی.
١٨ په محبت کې ويره نشته، بلکې کامله محبت ويره له منځه وړي، ځکه چې ويره
د سزا سره تړاو لري او هر څوک چې ويره لري د هغه په محبت کې کامل نه دی.
١٩ مونږ يوازې د هغه له امله محبت کوو چې هغه لومړی مونږ سره محبت وکړ.
٢٠ که چا ويلي وي: "زه د خدای سره مينه لرم" خو خپل ورور يا خور سره کرکه
ولري نو هغه دروغجن دی. ځکه چې څوک چې خپل ورور يا خور چې ويني سره
مينه نه کوي هغه خدای چې نه يې ويني نشي کولای چې مينه وکړي. ٢١ او موږ له
هغه دا حکم لرو چې څوک چې خدای سره مينه کوي بايد خپل ورور يا خور سره
هم مينه وکړي.

ايمان او محبت

٥ هر چا چې باور لري چې عيسی مسيح د خدای له خوا ژغورونکی مسيح دی د
خدای زوی زېږېدلی دی او هر چا چې د زوی سره مينه لري د هغه د زوی سره هم
مينه لري. ٢ مونږ د خدای سره د خپلې مينې له لارې پوهيږو چې خدای سره مينه

وأخذوه وأتوا به إلى بيت داجون، ووضعوه بجانب داجون. ٣ وبكروا في اليوم التالي عند طلوع الفجر، وإذا بداجون ساقط على وجهه على الأرض أمام تابوت الرب. فأخذوا داجون وأعادوه إلى مكانه. ٤ وبكروا في اليوم التالي عند طلوع الفجر، وإذا بداجون ساقط على وجهه على الأرض أمام تابوت الرب؛ ورأس داجون ويداه مقطوعتان على العتبة، ولم يبق من داجون إلا جذعه. ٥ لهذا السبب لا يطأ كهنة داجون وكل الذين يدخلون بيت داجون عتبة بيت داجون في أشدود إلى هذا اليوم.

ضربة الرب لأهل أشدود

٦ وثقلت يد الرب على أهل أشدود، وأهلكهم وضربهم بالبواسير، في أشدود وفي كل تخومها. ٧ فلما رأى أهل أشدود ما حدث، قالوا: «لا يبقى تابوت إله إسرائيل معنا، لأن يده قاسية علينا وعلى داجون إلهنا». ٨ فأرسلوا وجمعوا إليهم كل أقطاب الفلسطينيين، وقالوا: «ماذا نفعل بتابوت إله إسرائيل؟» فأجابوا: «لينقل تابوت إله إسرائيل إلى جت». فنقلوا تابوت إله إسرائيل إلى هناك. ٩ وبعد أن نقلوه إلى هناك، صارت يد الرب على المدينة فأحدثت اضطرابا عظيما جدا، وضرب الرب أهل المدينة من الصغير إلى الكبير، فأصابتهم بالبواسير. ١٠ فأرسلوا تابوت الله إلى عقرون. ولما وصل تابوت الله إلى عقرون صرخ أهل عقرون قائلين: «قد أتوا بتابوت إله إسرائيل إلينا ليقتلونا وشعبنا!» ١١ فأرسلوا وجمعوا كل أقطاب الفلسطينيين وقالوا: «أطلقوا تابوت إله إسرائيل، فيرجع إلى مكانه ولا يقتلنا وشعبنا!» لأن ضربة الموت كانت قد حدثت في كل المدينة، وثقلت يد الله هناك جدا. ١٢ والرجال الذين لم يموتوا ضربوا بالبواسير، وارتفع صراخ المدينة إلى السماء.

عودة تابوت العهد

٦ وكان تابوت الرب في كورة الفلسطينيين سبعة أشهر. ٢ فدعا الفلسطينيون الكهنة والعرافين وقالوا: «ماذا نفعل بتابوت الرب؟ أعلمونا بما نرسله به إلى مكانه». ٣ فقالوا: «إن كنتم ترسلون تابوت إله إسرائيل، فلا ترسلوه فارغا، بل ردوا له ذبيحة إثم. حينئذ تبرأون وتعلمون لماذا لا تزول يده عنكم». ٤ فقالوا: «ما هي ذبيحة الإثم التي نردها له؟» فقالوا: «عدد أقطاب الفلسطينيين خمسة بواسير من ذهب وخمسة فئران من ذهب، لأن الضربة واحدة عليكم وعلى أقطابكم. ٥ فاصنعوا صور بواسيركم وصور فئرانكم التي تخرب الأرض، وأعطوا إله إسرائيل مجدا. لعله يخفف يده عنكم وعن آلهتكم وعن أرضكم. ٦ فلماذا تقسون قلوبكم كما قسى المصريون وفرعون قلوبهم؟ أليس لما أظهر فيهم عجائبه أطلقوهم فذهبوا؟ ٧ فالآن خذوا واعملوا عجلة جديدة وبقرتين مرضعتين لم يعلهما نير، وأربطوا البقرتين في العجلة، وارجعوا بعجولهما عن وراءهما إلى البيت. ٨ وخذوا تابوت الرب وضعوه على العجلة، واجعلوا أمتعة الذهب التي تردونها له ذبيحة إثم في صندوق بجانبه، واطلقوه فيذهب. ٩ وانظروا فإن صعد في طريق تخمه إلى بيت شمس، فهو الذي أوقع بنا هذا الشر العظيم. وإن لم يكن، نعلم أن يده لم تمسنا، بل كان ذلك بالاتفاق».

وَدَاوُدَ وَرِجَالُهُ فِي الْبَرِّيَّةِ. ١٦ فَلَمَّا جَاءَ دَاوُدُ إِلَى نُوبَ إِلَى أَخِيمَالِكَ الْكَاهِنِ
خَافَ أَخِيمَالِكُ عِنْدَ اسْتِقْبَالِهِ دَاوُدَ، وَقَالَ لَهُ: «لِمَاذَا أَنْتَ وَحْدَكَ وَلَيْسَ مَعَكَ
أَحَدٌ؟». ٢ فَقَالَ دَاوُدُ لِلْكَاهِنِ أَخِيمَالِكَ: «الْمَلِكُ أَمَرَنِي بِأَمْرٍ وَقَالَ لِي: لَا يَعْلَمُ
أَحَدٌ شَيْئًا عَنِ الْأَمْرِ الَّذِي أُرْسِلُكَ فِيهِ وَالَّذِي أَمَرْتُكَ بِهِ. وَقَدْ وَعَدْتُ غِلْمَانِي
بِمَكَانٍ كَذَا وَكَذَا. ٣ فَالْآنَ مَاذَا عِنْدَكَ؟ هَاتِ خَمْسَةَ أَرْغِفَةٍ أَوْ مَا يُوجَدُ». ٤ فَأَجَابَ
الْكَاهِنُ دَاوُدَ: «لَيْسَ عِنْدِي خُبْزٌ عَادِيٌّ تَحْتَ يَدِي، وَلَكِنْ يُوجَدُ خُبْزٌ مُقَدَّسٌ. إِنْ
كَانَ الْغِلْمَانُ قَدِ امْتَنَعُوا عَنِ النِّسَاءِ». ٥ فَأَجَابَ دَاوُدُ الْكَاهِنَ: «إِنَّ النِّسَاءَ قَدْ
حُجِزْنَ عَنَّا كَالْعَادَةِ كُلَّمَا خَرَجْتُ فِي سَفَرٍ. وَأَمْتِعَةُ الْغِلْمَانِ مُقَدَّسَةٌ، وَهَذَا
السَّفَرُ لَيْسَ مُقَدَّسًا أَكْثَرَ مِنْ غَيْرِهِ». ٦ فَأَعْطَاهُ الْكَاهِنُ الْخُبْزَ الْمُقَدَّسَ، لِأَنَّهُ لَمْ
يَكُنْ هُنَاكَ خُبْزٌ إِلَّا خُبْزُ التَّقْدِمَةِ الَّذِي رُفِعَ عَنِ الْمَائِدَةِ أَمَامَ الرَّبِّ لِيُوضَعَ
خُبْزٌ سَاخِنٌ يَوْمَ رَفْعِهِ. ٧ وَكَانَ هُنَاكَ رَجُلٌ مِنْ عَبِيدِ شَاوُلَ حَبِيسًا أَمَامَ الرَّبِّ
فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ، وَاسْمُهُ دُوآغُ الأَدُومِيُّ، وَهُوَ أَقْوَى رُعَاةِ شَاوُلَ.

משלי פרק ו

הקדמה

א בְּנִי אִם־עָרַבְתָּ לְרֵעֶךָ תָּקַעְתָּ לַזָּר כַּפֶּיךָ׃
ב נוֹקַשְׁתָּ בְאִמְרֵי־פִיךָ נִלְכַּדְתָּ בְּאִמְרֵי פִיךָ׃ ג עֲשֵׂה־זֹאת
בְּנִי וְהִנָּצֵל כִּי בָאתָ בְכַף־רֵעֶךָ לֵךְ הִתְרַפֵּס וּרְהַב בְּעַלֶיךָ׃

אזהרה מפני עצלות

ד אַל־תִּתֵּן שֵׁנָה לְעֵינֶיךָ וּתְנוּמָה לְעַפְעַפֶּיךָ׃ ה הִנָּצֵל כִּצְבִי
מִיָּד וּכְמִלָּט מִיַּד יָקוּשׁ וּכְמִלָּט מִיַּד יָקוּשׁ׃ ו לֵךְ אֶל־נְמָלָה עָצֵל
רְאֵה דְרָכֶיהָ וַחֲכָם׃ ז אֲשֶׁר אֵין לָהּ קָצִין שֹׁטֵר וּמוֹשֵׁל׃ ח תָּכִין
בַּקַּיִץ לַחְמָהּ אָגְרָה בַּקָּצִיר מַאֲכָלָהּ׃ ט עַד־מָתַי עָצֵל תִּשְׁכָּב
מָתַי מִשְּׁנָתְךָ תָּקוּם׃ י מְעַט שֵׁנוֹת מְעַט תְּנוּמוֹת מְעַט חבק־יָדַיִם
לִשְׁכָּב׃ יא וּבָא כְמְהַלֵּךְ רִישֶׁךָ וּמַחְסֹרְךָ כְּאִישׁ מָגֵן׃

אדם בליעל

יב אָדָם בְּלִיַּעַל אִישׁ אָוֶן הוֹלֵךְ עִקְּשׁוּת פֶּה׃ יג קֹרֵץ בְּעֵינָיו מֹלֵל
בְּרַגְלָיו מוֹרֶה בְּאֶצְבְּעֹתָיו׃ יד תַּהְפֻּכוֹת בְּלִבּוֹ חָרֵשׁ רָעָה בְּכָל־עֵת
מְדָנִים יְשַׁלֵּחַ׃ טו עַל־כֵּן פִּתְאֹם יָבוֹא אֵידוֹ רֶגַע יֵחָתֵת וְאֵין מַרְפֵּא׃

שש שנואות

טז שֵׁשׁ הֵנָּה שָׂנֵא יְהוָה וְשֶׁבַע תּוֹעֲבוֹת נַפְשׁוֹ׃ יז עֵינַיִם רָמוֹת
לְשׁוֹן שָׁקֶר וְיָדַיִם שֹׁפְכוֹת דָּם נָקִי׃ יח לֵב חֹרֵשׁ מַחְשְׁבוֹת אָוֶן
רַגְלַיִם מְמַהֲרוֹת לָרוּץ לָרָעָה׃ יט עֵד שְׁקָרִים יָפִיחַ כְּזָב וּמְשַׁלֵּחַ
מְדָנִים בֵּין אַחִים׃

שמירת תורת האב

כ נְצֹר בְּנִי מִצְוַת אָבִיךָ וְאַל תִּטֹּשׁ תּוֹרַת אִמֶּךָ׃ כא קָשְׁרֵם
עַל־לִבְּךָ תָּמִיד עָנְדֵם עַל־גַּרְגְּרוֹתֶיךָ׃ כב בְּהִתְהַלֶּכְךָ תַּנְחֶה
אֹתָךְ בְּשָׁכְבְּךָ תִּשְׁמֹר עָלֶיךָ וַהֲקִיצוֹתָ הִיא תְשִׂיחֶךָ׃ כג כִּי נֵר
מִצְוָה וְתוֹרָה אוֹר וְדֶרֶךְ חַיִּים תּוֹכְחוֹת מוּסָר׃ כד לִשְׁמָרְךָ מֵאֵשֶׁת
רָע מֵחֶלְקַת לְשׁוֹן נָכְרִיָּה׃ כה אַל־תַּחְמֹד יָפְיָהּ בִּלְבָבֶךָ וְאַל
תִּקָּחֲךָ בְּעַפְעַפֶּיהָ׃ כו כִּי בְעַד אִשָּׁה זוֹנָה עַד כִּכַּר לָחֶם וְאֵשֶׁת
אִישׁ נֶפֶשׁ יְקָרָה תָצוּד׃ כז הַיְכַבֶּה אִישׁ אֵשׁ בְּחֵיקוֹ וּבְגָדָיו לֹא
תִכָּסֶינָה׃ כח אִם־יְהַלֵּךְ אִישׁ עַל־גֶּחָלִים וְרַגְלָיו לֹא תִכָּוֶינָה׃
כט כֵּן הַבָּא אֶל־אֵשֶׁת רֵעֵהוּ לֹא יִנָּקֶה כָּל־הַנֹּגֵעַ בָּהּ׃ ל לֹא
יָבוּזוּ לַגַּנָּב כִּי יִגְנֹב לְמַלֵּא נַפְשׁוֹ כִּי יִרְעָב׃ לא וְנִמְצָא שִׁבְעָתַיִם
יְשַׁלֵּם אֶת־כָּל־הוֹן בֵּיתוֹ יִתֵּן׃ לב נֹאֵף אִשָּׁה חֲסַר־לֵב מַשְׁחִית
נַפְשׁוֹ הוּא יַעֲשֶׂנָּה׃ לג נֶגַע וְקָלוֹן יִמְצָא וְחֶרְפָּתוֹ לֹא תִמָּחֶה׃
לד כִּי קִנְאָה חֲמַת גָּבֶר וְלֹא יָחוֹס בְּיוֹם נָקָם׃ לה לֹא יִשָּׂא פְּנֵי כָל־כֹּפֶר
וְלֹא יֹאבֶה כִּי תַרְבֶּה שֹׁחַד׃

ەیڵ ئە جبەوجڤ ەئا ژژەۆڤ عئەد یڵیە، [11] ھتت ەە جژژد عئەد یڵیە
جذەجد ەیڵ حڤەشتقەەس حبتد.

عئقد جسۆەد

[12] ۱بە بد ذتد ڵیەذد یئەجڤ، ۱بئد ڵ تیم جەڤلیم ۆذتد ەیجەۆڤ.
۱بئد ۱بە بد ەجد جە ەەس جەەجڤ ەەڤەەجەس ڤۆڤ ئە ڤۆ، جڤتد
ەەڤحیڤۆ ەجذەڤ. [13] حەەجد ئد عئەد یئجد ئژجَ جشۆجد حەبۆ.

2 Thessalonians

Greeting

1 Paul, Silvanus, and Timothy,
To the church of the Thessalonians in God our Father and the Lord Jesus Christ:
2 Grace and peace to you.

Thanksgiving and Encouragement

3 We must always thank God for you, brothers and sisters, and rightly so, because your faith is growing more and more, and the love all of you have for one another is increasing. 4 Therefore, we ourselves boast about you among God's churches about your endurance and faith in all your persecutions and the afflictions you are enduring.

5 This is a clear indication of God's righteous judgment, that you will be counted worthy of the kingdom of God, for which you are suffering. 6 For it is a righteous thing with God to repay with affliction those who afflict you, 7 and to grant relief with us to you who are afflicted, when the Lord Jesus is revealed from heaven with his powerful angels 8 in flaming fire, dealing out retribution to those who do not know God and to those who do not obey the gospel of our Lord Jesus. 9 They will pay the penalty of eternal destruction, away from the presence of the Lord and from the glory of his power, 10 when he comes to be glorified in his holy people and to be marvelled at among all who have believed—for you believed our testimony to you. 11 With this in mind, we always pray for you, that our God will count you worthy of his calling and will fulfill by his power every desire for goodness and every work of faith.

ויקרא בני יקניה עד הנה, כי לא היה לו בנים בימי מותו.
[12] וישמעו אנשי בית שמש את אשר הכו ה' בבית שמש, וישמחו
קציר חטים בעמק; וישאו עיניהם וירא את הארון, וישמחו לראות.

מות אנשי בית שמש

[13] ובית שמש קוצרים קציר חטים בעמק, וישאו עיניהם וירא את
הארון וישמחו לראות. [14] והעגלה באה אל שדה יהושע בית השמשי
ותעמד שם, ושם אבן גדולה; ויבקעו את עצי העגלה ואת הפרות
העלו עולה לה'. [15] והלוים הורידו את ארון ה' ואת הכלי אשר
אתו, אשר שמו עליו אבני הגדולה. ואנשי בית שמש הקריבו עולות
וזבחים לה' ביום ההוא.

الرسالة الأولى ليوحنا

المقدمة

١ الذي كان منذ البدء، الذي سمعناه، الذي رأيناه بعيوننا، الذي تأملناه ولمسته أيدينا من كلمة الحياة. ٢ والحياة أظهرت، وقد رأينا ونشهد ونخبركم بالحياة الأبدية التي كانت عند الآب وأظهرت لنا. ٣ الذي رأيناه وسمعناه نخبركم به أيضا لكي يكون لكم أنتم أيضا شركة معنا. وشركتنا نحن هي مع الآب ومع ابنه يسوع المسيح. ٤ ونكتب نحن هذا لكي يكون فرحنا كاملا.

الله نور وخطية المسيحيين

٥ وهذا هو الخبر الذي سمعناه منه ونخبركم به أن الله نور وليس فيه ظلمة البتة. ٦ إن قلنا إن لنا شركة معه وسلكنا في الظلمة نكذب ولسنا نعمل الحق. ٧ ولكن إن سلكنا في النور كما هو في النور فلنا شركة بعضنا مع بعض ودم يسوع المسيح ابنه يطهرنا من كل خطية. ٨ إن قلنا إنه ليست لنا خطية نضل أنفسنا وليس الحق فينا. ٩ إن اعترفنا بخطايانا فهو أمين وعادل حتى يغفر لنا خطايانا ويطهرنا من كل إثم. ١٠ إن قلنا إننا لم نخطئ نجعله كاذبا وكلمته ليست فينا.

---

f ١:٥ متى ١١:٢٩-٣٠ g ١:٦ ص ٢:٤

كنتم تغتسلون مرارا؛ وانتم تمسكون بتقليد الناس[h] ٨ وتتركون وصية الله وتتمسكون بتقليد الناس.» ٩ وقال لهم: «حسنا تبطلون وصية الله لكي تحفظوا تقليدكم. ١٠ لان موسى قال: ‹اكرم اباك وامك›، و‹من يشتم ابا او اما فليقتل موتا›. ١١ وانتم تقولون ان الانسان اذا قال لابيه او لامه: ‹قربان هو كل ما تنتفع بي›، ١٢ فلا تدعونه بعد يفعل شيئا لابيه او لامه[i] ١٣ مبطلين كلمة الله بتقليدكم الذي سلمتموه. وامور كثيرة كهذه تفعلون.» ١٤ ودعا الجمع كله وقال لهم: «اسمعوني انتم جميعا وافهموا. ١٥ ليس شيء خارجا عن الانسان يدخل فيه ويقدر ان ينجسه، بل الامور التي تخرج منه هي التي تنجس الانسان.» ١٦ [ان كان لاحد اذنان للسمع فليسمع.][j]

---

[h] ٧:١ تثنية ١٩:١-٢٤ [i] ١١:١ تكوين ٤:٣-٩ [j] ١١:١ صموئيل ٢٢:١-٣٥

[k] ١١:١ صموئيل ١٦:١-٣٥

زكريا وأليصابات

١٧ وهو يتقدم أمامه بروح إيليا وقوته
ليرد قلوب الآباء إلى الأبناء،
والعصاة إلى فكر الأبرار،
لكي يهيئ للرب شعبا مستعدا.
١٨ فقال زكريا للملاك: بماذا أعلم هذا؟
لأني أنا شيخ وامرأتي متقدمة في أيامها.
١٩ فأجاب الملاك وقال له: أنا جبرائيل الواقف قدام الله،
وأرسلت لأكلمك وأبشرك بهذا.
٢٠ وها أنت تكون صامتا ولا تقدر أن تتكلم
إلى اليوم الذي يكون فيه هذا،
لأنك لم تؤمن بكلامي
الذي سيتم في وقته.
٢١ وكان الشعب منتظرين زكريا،
ويتعجبون من إبطائه في الهيكل.
٢٢ فلما خرج لم يقدر أن يكلمهم،
فعلموا أنه قد رأى رؤيا في الهيكل.
وكان يومئ إليهم
وبقي صامتا.
٢٣ ولما كملت أيام خدمته
مضى إلى بيته.

ولادة يوحنا

٢٤ وبعد تلك الأيام حبلت أليصابات امرأته،
وأخفت نفسها خمسة أشهر قائلة:
٢٥ هكذا قد فعل بي الرب في الأيام التي نظر فيها
لينزع عاري بين الناس.

يوحنا الحبر

مقدمة

١ في البدء كان الكلمة، والكلمة كان عند الله، وكان الكلمة هو الله. ٢ هو كان في البدء عند الله. ٣ به كان كل شيء، وبغيره لم يكن شيء مما كان. ٤ فيه كانت الحياة، والحياة كانت نور الناس. ٥ والنور يضيء في الظلمة، والظلمة لم تدركه.

شهادة يوحنا المعمدان

٦ كان رجل مرسل من الله اسمه يوحنا. ٧ جاء للشهادة ليشهد للنور، لكي يؤمن الجميع بواسطته. ٨ لم يكن هو النور، بل جاء ليشهد للنور. ٩ كان النور الحقيقي الذي ينير كل إنسان آتيا إلى العالم. ١٠ كان في العالم، والعالم به كان، ولكن العالم لم يعرفه. ١١ إلى خاصته جاء، وخاصته لم تقبله. ١٢ وأما كل الذين قبلوه فأعطاهم سلطانا أن يصيروا أولاد الله، أي المؤمنون باسمه. ١٣ الذين ولدوا ليس من دم ولا من مشيئة جسد ولا من مشيئة رجل، بل من الله.

تجسد الكلمة

١٤ والكلمة صار جسدا وحل بيننا، ورأينا مجده، مجدا كما لوحيد من الآب، مملوءا نعمة وحقا. ١٥ يوحنا شهد له ونادى قائلا: "هذا كنت قلت عنه: الذي يأتي بعدي صار قدامي، لأنه كان قبلي." ١٦ ومن ملئه نحن جميعا أخذنا، ونعمة فوق نعمة. ١٧ لأن الناموس بموسى أعطي، وأما النعمة والحق فبيسوع المسيح صارا. ١٨ الله لم يره أحد قط. الابن الوحيد الذي هو في حضن الآب هو خبر.

سؤال تلاميذ يوحنا

٩ ثُمَّ هُمْ، إِذْ مَضَى تَلاَمِيذُ يُوحَنَّا وَأَخْبَرُوهُ عَنْ هذِهِ كُلِّهَا، دَعَا وَاحِدًا مِنْ هؤُلاَءِ قُرَيْبًا إِلَيْهِ، وَقَالَ لَهُ: ١٠ «اذْهَبْ سَلْ يَسُوعَ لِمَاذَا نَحْنُ وَالْفَرِّيسِيُّونَ نَصُومُ كَثِيرًا، وَأَمَّا تَلاَمِيذُكَ فَلاَ يَصُومُونَ؟» ١١ فَقَالَ يَسُوعُ: «هَلْ يَقْدِرُ بَنُو الْعُرْسِ أَنْ يَصُومُوا وَالْعَرِيسُ مَعَهُمْ؟ مَا دَامَ مَعَهُمُ الْعَرِيسُ لاَ يَقْدِرُونَ أَنْ يَصُومُوا. ١٢ وَلكِنْ سَتَأْتِي أَيَّامٌ حِينَ يُرْفَعُ الْعَرِيسُ عَنْهُمْ، وَحِينَئِذٍ فِي تِلْكَ الأَيَّامِ يَصُومُونَ. ١٣ وَلَيْسَ أَحَدٌ يَخِيطُ رُقْعَةً مِنْ جَدِيدٍ عَلَى ثَوْبٍ عَتِيقٍ، لأَنَّ الْمِلْءَ يَأْخُذُ مِنَ الثَّوْبِ، الْجَدِيدُ مِنَ الْعَتِيقِ، فَيَصِيرُ الْخَرْقُ أَرْدَأَ. ١٤ وَلاَ يَجْعَلُ أَحَدٌ خَمْرًا جَدِيدَةً فِي زِقَاقٍ عَتِيقَةٍ، لِئَلاَّ تَشُقَّ الْخَمْرُ الزِّقَاقَ فَتُهْرَقَ الْخَمْرُ وَالزِّقَاقُ تَتْلَفُ، بَلْ يَجْعَلُونَ خَمْرًا جَدِيدَةً فِي زِقَاقٍ جَدِيدَةٍ فَتُحْفَظَانِ جَمِيعًا. ١٥ وَلَيْسَ أَحَدٌ بَعْدَ شُرْبِهِ الْعَتِيقِ يُرِيدُ لِلْوَقْتِ جَدِيدًا، لأَنَّهُ يَقُولُ: الْعَتِيقُ أَطْيَبُ. ١٦ وَلَيْسَ أَحَدٌ يَجْعَلُ رُقْعَةً مِنْ جُوخٍ جَدِيدٍ عَلَى ثَوْبٍ عَتِيقٍ، لأَنَّ الْجُوخَ الَّذِي يُسَدُّ بِهِ يَأْخُذُ مِنَ الثَّوْبِ فَيَصِيرُ الْخَرْقُ أَرْدَأَ. ١٧ وَلَيْسَ أَحَدٌ يَجْعَلُ خَمْرًا جَدِيدَةً فِي زِقَاقٍ عَتِيقَةٍ، لِئَلاَّ تَشُقَّ الْخَمْرُ الزِّقَاقَ فَتُهْرَقَ الْخَمْرُ وَالزِّقَاقُ تَتْلَفُ، بَلْ يَجْعَلُونَ خَمْرًا جَدِيدَةً فِي زِقَاقٍ جَدِيدَةٍ فَتُحْفَظَانِ جَمِيعًا. ١٨ وَلَيْسَ أَحَدٌ إِذَا شَرِبَ الْعَتِيقَ يُرِيدُ لِلْوَقْتِ جَدِيدًا، لأَنَّهُ يَقُولُ: الْعَتِيقُ أَطْيَبُ.»

شفاء ابنة يايرس

١٨ فَبَيْنَمَا هُوَ يَتَكَلَّمُ بِهذَا إِلَيْهِمْ إِذَا رَئِيسٌ قَدْ جَاءَ وَسَجَدَ لَهُ قَائِلاً: «ابْنَتِي الآنَ مَاتَتْ، لكِنْ تَعَالَ وَضَعْ يَدَكَ عَلَيْهَا فَتَحْيَا.» ١٩ فَقَامَ يَسُوعُ وَتَبِعَهُ هُوَ وَتَلاَمِيذُهُ.

١٣:٧ هوشع ١:١٣

בשר אחד. ٢٠"ואז יהוה אלהים אמר לאדם: "עכשיו כל בעלי החיים והעופות כבר קיבלו שם, אבל עדיין לא נמצאה עזרה הולמת עבורך. ٢١לכן יהוה אלהים גרם לאדם להירדם שנת עמוק, ובעודו ישן לקח אחת מצלעותיו וסגר את מקומה בבשר.

הבריאה של האישה

٢ ٢١"ואז יהוה אלהים בנה אישה מהצלע שלקח מהאדם, והביא אותה אל האדם. ٢٢כשראה האדם את האישה הוא אמר: "סוף סוף מצאתי מישהי שהיא כמוני, שהיא חלק ממני. אקרא לה אישה, כי היא נלקחה מאיש." ٢٣האדם המשיך ואמר: "עכשיו אני יודע למה אבי ואמי יעזבו את בתי משפחתם כשיתחתנו. הם יהיו כמו גוף אחד, בשר אחד. ٢٤"לכן אדם יעזוב את אביו ואת אמו ויתחבר לאשתו, והם יהיו כמו גוף אחד, בשר אחד. ٢٥"שניהם היו ערומים, האדם והאישה, אבל הם לא התביישו.

הנחש מדיח את האישה

٣ ١"הנחש היה ערמומי יותר מכל בעלי החיים שיהוה אלהים עשה. הוא אמר לאישה: "האם באמת אלהים אמר שאסור לכם לאכול מכל עצי הגן? ٢"האישה ענתה לנחש: "אנחנו יכולים לאכול מפרי כל העצים בגן, ٣חוץ מפרי העץ שנמצא באמצע הגן. אלהים אמר שאסור לנו לאכול ממנו או אפילו לגעת בו, אחרת נמות." ٤"הנחש אמר לאישה: "לא, לא תמותו. ٥אלהים יודע שברגע שתאכלו מהעץ הזה, עיניכם ייפקחו, ותהיו כמו אלהים, יודעים טוב ורע." ٦"האישה ראתה שהעץ נראה טוב למאכל, ושהוא יפה לעין, ושהוא נותן חוכמה. היא לקחה מפריו ואכלה, ואז נתנה גם לבעלה, והוא אכל. ٧"ואז עיניהם נפקחו, והם הבינו שהם ערומים. הם תפרו עלי תאנה כדי לכסות את עצמם.

אלהים מעניש את האדם והאישה

٨"כשהאדם והאישה שמעו את יהוה אלהים הולך בגן בקרירות היום, הם הסתתרו מפניו בין עצי הגן. ٩"אבל יהוה אלהים קרא לאדם ושאל אותו: "איפה אתה?" ١٠"האדם ענה: "שמעתי אותך בגן, אבל פחדתי כי אני ערום, ולכן הסתתרתי."

على ذبح، اذ. ٩ حينئذ ١٠ "كل أجير به يتجر تجار مصر. وهم يكونون
أحداثا في شوارعها. وفي كل رؤوس الاسواق يقتلون جميع رؤسائها، وفي
كل رجال حربها يبيدون. هكذا قال السيد رب الجنود. ١١ "اصعدي الى
جلعاد وخذي بلسانا يا عذراء بنت مصر. باطلا تستعملين كثيرا من
الشفاء. لا علاج لك. ١٢ سمعت الامم خزيك، وصراخك قد ملأ الارض.
لان جبارا قد عثر على جبار. كلاهما سقطا معا."

خطية اسرائيل وتوبيخ الله

١٣ "الكلمة التي تكلم بها الرب ارميا النبي عن مجيء نبوخذ نصر ملك
بابل ليضرب ارض مصر: ١٤ "اخبروا في مصر وأسمعوا في مجدل
واسمعوا في نوف وفي تحفنحيس. قولوا انتصب وتهيأ لان السيف قد
اكل من حولك. ١٥ لماذا انجرف اقويائك؟ لم يثبتوا لان الرب قد
دفعهم. ١٦ اكثر المتعثرين. سقط واحد على آخر، فقالوا قوموا
ونرجع الى شعبنا والى ارض ولادتنا من وجه السيف المضطهد. ١٧ دعوا
هناك اسم فرعون ملك مصر: قد ابطل الميعاد. ١٨ حي انا يقول الملك
رب الجنود اسمه انه كتابور بين الجبال وكالكرمل على البحر يأتي.
١٩ اعملي لنفسك امتعة السبي يا ساكنة بنت مصر، لان نوف تصير
خربة وتحرق حتى لا ساكن. ٢٠ "مصر عجلة حسناء. هلاك قد اتى.
من الشمال اتى. ٢١ ايضا مرتزقتها في وسطها كعجول مسمنة. لانهم
هم ايضا قد رجعوا. جميعا هربوا. لم يقفوا. لان يوم بليتهم اتى عليهم،
وقت عقوبتهم. ٢٢ صوتها يذهب كالحية. لانهم بجيش يسيرون وبفؤوس
يأتون عليها كقاطعي الحطب. ٢٣ قطعوا وعرها، يقول الرب، لانهم
اكثر من الجراد ولا يحصون. ٢٤ خزيت بنت مصر. قد دفعت ليد شعب
من الشمال."

---

m ٢:١٤ ص ٢٢:٥، ٧؛ ٣١:١٦؛ ٢٥:١-٣؛ ٨ن ٢٣:٤

دعای حنا و شمعون

۱۸ "مریم و یوسف از سخنانی که درباره عیسی گفته می‌شد، تعجب
می‌کردند. ۱۹ شمعون آنها را برکت داد و به مریم، مادر عیسی، گفت:
"این کودک برای سقوط و برخاستن بسیاری در اسرائیل تعیین شده است.
او نشانه‌ای خواهد بود که با مخالفت روبرو خواهد شد. ۲۰ و شمشیری
قلب تو را خواهد شکافت. افکار پنهان بسیاری آشکار خواهد شد."
۲۱ حنا، دختر فنوئیل از قبیلهٔ اشیر، زن بسیار مسنی بود. او بعد از
ازدواج، هفت سال با شوهرش زندگی کرده بود. ۲۲ سپس شوهرش مرد و
او بیوه ماند تا اینکه به هشتاد و چهار سالگی رسید. او هرگز معبد را
ترک نمی‌کرد، بلکه شب و روز در آنجا خدا را عبادت می‌کرد و روزه
می‌گرفت و دعا می‌نمود. ۲۳ او در همان ساعت نزد آنها آمد و خدا را
شکر کرد و درباره کودک با همه کسانی که منتظر آزادی اورشلیم
بودند صحبت می‌کرد.

۲۴ وقتی یوسف و مریم کارهای لازم را طبق شریعت خداوند به
پایان رساندند، به شهر خود ناصره در جلیل برگشتند. ۲۵ کودک رشد
کرد و قوی و پر از حکمت شد و فیض خدا بر او بود.

۲۶ هر سال والدین عیسی برای عید پسح به اورشلیم می‌رفتند. ۲۷ وقتی
او دوازده ساله شد، طبق رسم معمول به اورشلیم رفتند. ۲۸ بعد از
پایان عید، والدین عیسی شهر را ترک کردند، اما عیسی در اورشلیم
ماند. ولی آنها از این موضوع خبر نداشتند. ۲۹ آنها فکر می‌کردند که
او با سایر همسفران است. پس یک روز راه رفتند و سپس به دنبال او
گشتند.

ن ۲:۲۰ ۱ صمو ۱:۱۶؛ ت مکا ۲۲:۹-۳۷ س ۲:۲۷ خرو ۱۳:۲

رسالة ملاخي

٣ ١"هأنذا مرسل ملاكي فيهيئ الطريق أمامي، وفجأة يأتي إلى هيكله
السيد الذي تطلبونه، ملاك العهد الذي تسرون به. نعم، إنه آتٍ!
يقول رب الجنود. ٢"ولكن من يستطيع احتمال يوم مجيئه؟ ومن
يقف عند ظهوره؟ فهو كنار المنقي ومثل صابون القصارين. ٣سيجلس
كمنقٍ ومطهر للفضة، فيطهر أبناء لاوي ويصفيهم كالذهب والفضة،
ليقدموا للرب تقدمات بر. ٤"عندئذ ستكون تقدمات يهوذا وأورشليم
مقبولة لدى الرب كما في الأيام الخالية والسنين الغابرة. ٥"سآتي
إليكم لأحاكمكم، وأكون سريعًا في الشهادة على السحرة والزناة
والحالفين بالباطل، وعلى الذين يظلمون الأجير في أجرته والأرملة
واليتيم، وعلى الذين يسيئون إلى الغرباء ولا يخافونني. قال رب
الجنود.

رسالة ملاخي

٦"أنا الرب لا أتغير، لذلك لم تفنوا يا نسل يعقوب. ٧منذ أيام آبائكم
وأنتم تحيدون عن فرائضي ولا تحفظونها. ارجعوا إليّ فأرجع إليكم،
قال رب الجنود. فقلتم: كيف نرجع؟ ٨"هل يسلب الإنسان الله؟ فإنكم
تسلبونني. قلتم: كيف نسلبك؟ في العشور والتقدمات. ٩لقد لعنتكم
لعنة، لأنكم تسلبونني، أنتم الأمة كلها. ١٠هاتوا كل العشور إلى

כי גמול ידיו ישלם לו׃ ١١ אוי לרשע רע כי גמול ידיו יעשה לו׃ ١٢ נגשי עמי עוללים ונשים משלו בו עמי מאשריך מתעים ודרך ארחותיך בלעו׃ ١٣ נצב לריב יהוה ועמד לדין עמים׃ ١٤ יהוה במשפט יבוא עם זקני עמו ושריו אתם בערתם הכרם גזלת העני בבתיכם׃ ١٥ מה לכם תדכאו עמי ופני עניים תטחנו נאם אדני יהוה צבאות׃ ١٦ ויאמר יהוה יען כי גבהו בנות ציון וילכו נטויות גרון ומשקרות עינים הלוך ותפוף ילכו ותעכסנה ברגליהן׃ ١٧ ושפח אדני קרקפת בנות ציון ויהוה פתיהן יערה׃ ١٨ ביום ההוא יסיר אדני את תפארת העכסים והשבסים והשהרנים׃ ١٩ הנטפות והשרשות והרעלות׃ ٢٠ הפארים והצעדות והאבנטים ובתי הנפש והלחשים׃ ٢١ הטבעת ונזם האף׃ ٢٢ המחלצות והמטפחות והחרטים והמקטרות׃ ٢٣ והגלינים והסדינים והצניפות והרדידים׃ ٢٤ והיה תחת בשם מק יהיה ותחת חגורה נקפה ותחת מעשה מקשורה ותחת פתיל מגבלה תחת עטרת פאר ותחת אשה כי אם כויה׃ ٢٥ אנשיך בחרב יפלו וגבורתך במלחמה׃ ٢٦ ואנו שעריה ואבלה ונקתה לארץ תשב׃

ישעיה פרק ד

ד ׀ ١ והחזיקו שבע נשים באיש אחד ביום ההוא לאמר לחמנו נאכל ושמלתנו נלבש רק יקרא שמך עלינו אסף חרפתנו׃ ٢ ביום ההוא יהיה צמח יהוה לצבי ולכבוד ופרי הארץ לגאון ולתפארת לפליטת ישראל׃ ٣ והיה הנשאר בציון והנותר בירושלם קדוש יאמר לו כל הכתוב לחיים בירושלם׃ ٤ אם רחץ אדני את צואת בנות ציון ואת דמי ירושלם יהרץ מקרבה ברוח משפט וברוח בער׃ ٥ וברא יהוה על כל מכון הר ציון ועל מקראיה ענן יומם ועשן ונגה אש להבה לילה כי על כל כבוד חפה׃ ٦ וסכה תהיה לצל יומם מחרב ולמחסה ולמסתור מזרם ומגשם׃

ישעיה ٣:١٩p ישעיה ١٢:٣

ומצבתי בתוכם ושרידיהם אביא מירושלם׃ ٢٢ כה אמר יהוה אשר
אם־ימדדו שחקים מלמעלה ויחקרו מוסדי־ארץ למטה גם־אני

ישראל ועמים

٤ ١ כי יחזיק שבעה נשים באיש ביום ההוא לאמר לחמנו נאכל
ושמלתינו נלבש רק יקרא שמך עלינו אסף חרפתנו׃ ٢ ביום ההוא
יהיה צמח יהוה לצבי ולכבוד ופרי הארץ לגאון ולתפארת לפליטת
ישראל׃ ٣ והיה הנשאר בציון והנותר בירושלם קדוש יאמר לו כל
הכתוב לחיים בירושלם׃ ٤ אם־רחץ אדני את־צואת בנות ציון
ואת־דמי ירושלם יהרץ מקרבה ברוח משפט וברוח בערה׃ ٥ וברא
יהוה על כל־מכון הר־ציון ועל־מקראיה ענן יומם ועשן ונגה אש
להבה לילה כי על־כל־כבוד חפה׃ ٦ וסכה תהיה לצל יומם מחרב
ולמחסה ולמסתור מזרם ומגשם׃ ٧ אשירה נא לידידי שירת דודי
לכרמו כרם היה לידידי בקרן בן־שמן׃ ٨ ויעזקהו ויסקלהו ויטעהו
שורק ויבן מגדל בתוכו וגם־יקב חצב בו ויקו לעשות ענבים ויעש
באשים׃ ٩ ועתה יושב ירושלם ואיש יהודה שפטו־נא בינו ובין
כרמי׃ ١٠ מה־לעשות עוד לכרמי ולא עשיתי בו מדוע קויתי לעשות
ענבים ויעש באשים׃ ١١ ועתה אודיעה־נא אתכם את אשר־אני עשה
לכרמי הסר משוכתו והיה לבער פרץ גדרו והיה למרמס׃ ١٢ ואשיתהו
בתה לא־יזמר ולא־יעדר ועלה שמיר ושית תהיה ועל־העבים

فَتَبِعُوهُ حَتَّى إِذَا وَصَلُوا إِلَى بَيْتِ عَنْيَا، رَفَعَ يَدَيْهِ وَبَارَكَهُمْ،
وَفِيمَا هُوَ يُبَارِكُهُمْ ١٠ ارْتَفَعَ عَنْهُمْ وَأُصْعِدَ إِلَى السَّمَاءِ. فَسَجَدُوا لَهُ،
ثُمَّ رَجَعُوا إِلَى أُورُشَلِيمَ وَهُمْ فَرِحُونَ جِدًّا،
١١ وَكَانُوا يُوَاظِبُونَ فِي الْهَيْكَلِ عَلَى تَسْبِيحِ اللهِ وَحَمْدِهِ.

إنجيل لوقا

٥ ١ وَفِيمَا كَانَ يَسُوعُ وَاقِفًا عَلَى بُحَيْرَةِ جَنِّيسَارَتَ، وَالْجُمُوعُ
٢ تَزْدَحِمُ عَلَيْهِ لِتَسْمَعَ كَلِمَةَ اللهِ، ٢ رَأَى سَفِينَتَيْنِ رَاسِيَتَيْنِ عِنْدَ
الشَّاطِئِ، وَقَدْ خَرَجَ الصَّيَّادُونَ مِنْهُمَا وَغَسَلُوا شِبَاكَهُمْ.
٣ ٣ فَصَعِدَ يَسُوعُ إِلَى إِحْدَى السَّفِينَتَيْنِ، وَكَانَتْ لِسِمْعَانَ، وَطَلَبَ
إِلَيْهِ أَنْ يُبْعِدَ قَلِيلاً عَنِ الشَّاطِئِ. ثُمَّ جَلَسَ وَأَخَذَ يُعَلِّمُ
٤ الْجُمُوعَ مِنَ السَّفِينَةِ. ٤ وَلَمَّا فَرَغَ مِنَ الْكَلاَمِ قَالَ لِسِمْعَانَ:
«أَبْعِدْ إِلَى الْعُمْقِ، وَأَلْقُوا شِبَاكَكُمْ لِلصَّيْدِ». ٥ فَأَجَابَهُ سِمْعَانُ:
«يَا مُعَلِّمُ، تَعِبْنَا اللَّيْلَ كُلَّهُ وَلَمْ نَصْطَدْ شَيْئًا، وَلَكِنْ بِكَلِمَتِكَ
أُلْقِي الشِّبَاكَ». ٦ وَلَمَّا فَعَلُوا ذَلِكَ اصْطَادُوا كَمِّيَّةً كَبِيرَةً مِنَ
السَّمَكِ، حَتَّى كَادَتْ شِبَاكُهُمْ تَتَمَزَّقُ. ٧ فَأَشَارُوا إِلَى شُرَكَائِهِمْ
فِي السَّفِينَةِ الأُخْرَى أَنْ يَأْتُوا لِمُسَاعَدَتِهِمْ، فَجَاءُوا وَمَلأُوا
السَّفِينَتَيْنِ حَتَّى كَادَتَا تَغْرَقَانِ. ٨ فَلَمَّا رَأَى سِمْعَانُ بُطْرُسُ ذَلِكَ
خَرَّ عِنْدَ رُكْبَتَيْ يَسُوعَ وَقَالَ: «اذْهَبْ عَنِّي يَا رَبُّ، فَإِنِّي رَجُلٌ
خَاطِئٌ!» ٩ لأَنَّ الدَّهْشَةَ أَخَذَتْهُ هُوَ وَكُلَّ الَّذِينَ مَعَهُ لِكَثْرَةِ
السَّمَكِ الَّذِي اصْطَادُوهُ، ١٠ وَكَذَلِكَ يَعْقُوبَ وَيُوحَنَّا ابْنَيْ زَبْدِي
اللَّذَيْنِ كَانَا شَرِيكَيْ سِمْعَانَ. فَقَالَ يَسُوعُ لِسِمْعَانَ: «لاَ تَخَفْ،
فَمِنَ الآنَ فَصَاعِدًا تَكُونُ صَيَّادَ النَّاسِ». ١١ وَبَعْدَ أَنْ أَرْسَوُا
السَّفِينَتَيْنِ إِلَى الشَّاطِئِ تَرَكُوا كُلَّ شَيْءٍ وَتَبِعُوهُ.

ואת־שאר הפרי׃ ٩ כי־כה אמר אדני יהוה צבאות׃ שממה תהיה הבתים הגדלים והטובים מאין יושב׃
١٠ כי־עשרה צמדי כרם יעשו בת־אחד ויהיה הזרע חמר ועשה איפה׃ ١١ הוי משכימי בבקר שכר ירדפו
אחר עתים נשף יין ידליקם׃ ١٢ והיה כנור ונבל תף וחלילם ויינם משתיהם ואת־פעל יהוה לא יביטו
וגמל ידיו לא ראו׃ ١٣ לכן גלה עמי מבלי דעת וכבודו מתי רעב והמונו חרבו צמא׃ ١٤ לכן הרחיבה
שאול נפשה ופערה פיה בלי חק וירד הדרה והמונה ושאנה ועלז בה׃ ١٥ וישח אדם וישפל עין גבהי
עינים תשפלנה׃ ١٦ ויגבה יהוה צבאות במשפט והאל הקדוש נקדש בצדקה׃ ١٧ ורעו כדברם ומרים
חרבות אשמים יאכלו׃ ١٨ הוי מושכי העון בחבלי השוא וכעבות העגלה חטאה׃ ١٩ האמרים
ימהר יחישה מעשהו למען נראה ותקרב ותבא עצת קדוש־ישראל ונדעה׃ ٢٠ הוי האמרים לרע טוב
ולטוב רע שמים חשך לאור ואור לחשך שמים מר למתוק ומתוק למר׃ ٢١ הוי חכמים בעיניהם ונגד
פניהם נבונים׃ ٢٢ הוי גברים לשתות יין ואנשי חיל למסך שכר׃ ٢٣ המצדיקים רשע בשחד וצדקת
צדיק יסירו ממנו׃ ٢٤ לכן כאכל קש לשון אש וחרך להבה יקלה שרשם כמק ופרחם כאבק יעלה כי
מאסו את־תורת יהוה צבאות ואת־אמרת קדוש־ישראל נאצו׃ ٢٥ על־כן חרה אף־יהוה בעמו ויט ידו
עליהם ויכם ורגזו הרים וגויתם היתה כסחי בקרב זאת בכל־זאת לא־שב אפו ועוד ידו נטויה׃
٢٦ ונשא נס לגוים מרחוק ושרק לו מקצה הארץ והנה מהרה קל יבוא׃ ٢٧ לא־יגע ולא־יכשל בו לא
ינום ולא יישן ולא־תפתח אזור מתניו ולא תנתק שרוך נעליו׃ ٢٨ אשר חציו שנונים וכל־קשתותיו
דרכות סוסיו כצר יחשבו וגלגליו כסופה׃ ٢٩ שאגתו כלביא יהמה כאריות ישאג ויהם ויחזק טרף
ויגהה ואין מציל׃ ٣٠ ויהם עליו ביום ההוא כנהמת הים ונבט לארץ והנה חשך צר ואור חשך עכר
בשמיה׃

ו

١ בשנת־מות המלך עזיהו וארא את־אדני יושב על־כסא רם ונשא ושוליו מלאים את־ההיכל׃
٢ שרפים עמדים ממעל לו שש כנפות שש כנפות לאחד בשתים יכסה פניו ובשתים יכסה רגליו
ובשתים יעופף׃ ٣ וקרא זה אל־זה ואמר קדוש קדוש קדוש יהוה צבאות מלא כל־הארץ כבודו׃

בְּנֵי־הַנְּבִיאִים׃ וַיֹּאמֶר: "אֲדֹנִי יְהוָה. [4] הִנֵּה־נָא הַמָּקוֹם אֲשֶׁר־בְּנֵי הַנְּבִיאִים
יְשְׁבִים לְפָנֶיךָ צַר מִמֶּנּוּ׃ [5] נֵלְכָה־נָּא עַד־הַיַּרְדֵּן וְנִקְחָה מִשָּׁם אִישׁ קוֹרָה אֶחָת
וְנַעֲשֶׂה־לָּנוּ שָׁם מָקוֹם לָשֶׁבֶת שָׁם׃" וַיֹּאמֶר: "לְכוּ." [6] וַיֹּאמֶר הָאֶחָד הָבָה נָּא
אַתָּה עִם־עֲבָדֶיךָ וַיֹּאמֶר: "אֲנִי אֵלֵךְ." [7] וַיֹּאמֶר: "אֵלֵךְ אִתָּכֶם׃" וַיֵּלֶךְ אִתָּם
וַיָּבֹאוּ הַיַּרְדֵּנָה וַיִּכְרְתוּ הָעֵצִים׃ [8] וַיְהִי הָאִישׁ כָּרֹתוֹ קוֹרָה וְהִנֵּה הַבַּרְזֶל נָפַל
בַּמָּיִם וַיִּצְעַק וַיֹּאמֶר: "אֲהָהּ אֲדֹנִי וְהוּא שָׁאוּל׃" [9] וַיֹּאמֶר אִישׁ הָאֱלֹהִים: "אָנָה
נָפָל?" וַיַּרְאֵהוּ אֶת־הַמָּקוֹם אֲשֶׁר נָפַל שָׁם׃ וַיִּכְרֹת עֵץ וַיַּשְׁלֵךְ שָׁמָּה וַיָּצֶף
הַבַּרְזֶל׃ [10] וַיֹּאמֶר: "שָׂא־לָךְ." וַיִּשְׁלַח יָדוֹ וַיִּקָּחֵהוּ׃ [11] וַיִּסְעַר לֵב־אֲרָם עַל־
זֶה וַיִּקְרָא אֶל־עֲבָדָיו וַיֹּאמֶר אֲלֵיהֶם: "הֲלוֹא תַּגִּידוּ לִי אֲשֶׁר־לָנוּ אֶל־מֶלֶךְ
יִשְׂרָאֵל׃" [12] וַיֹּאמֶר אֶחָד מֵעֲבָדָיו: "לֹא אֲדֹנִי הַמֶּלֶךְ כִּי אֱלִישָׁע הַנָּבִיא אֲשֶׁר
בְּיִשְׂרָאֵל יַגִּיד לְמֶלֶךְ יִשְׂרָאֵל אֶת־הַדְּבָרִים אֲשֶׁר־תְּדַבֵּר בַּחֲדַר מִשְׁכָּבֶךָ׃"
[13] וַיֹּאמֶר: "לְכוּ וּרְאוּ אֵיפֹה הוּא וְאֶשְׁלְחָה וְאֶקָּחֵהוּ׃" וַיַּגֶּד־לוֹ לֵאמֹר: "הִנֵּה
בְּדֹתָן׃" [14] וַיִּשְׁלַח־שָׁמָּה סוּסִים וְרֶכֶב וְחַיִל כָּבֵד וַיָּבֹאוּ לַיְלָה וַיָּסֹבּוּ עַל־הָעִיר׃

ולא אבין את אשר יאמר, ואל ספר נתון את אשר לא ידע לקרא לאמר קרב נא וקרא זאת׃ ١٢ ויען
העם הזה אל עמו נגש נא ויען הנביא ויאמר אליהם לא תקשרו קשר לכל אשר יאמר העם הזה קשר
ואת מוראו לא תיראו ולא תערצו׃ ١٣ את יהוה צבאות אתו תקדישו והוא מוראכם והוא יערצכם׃
١٤ והיה למקדש ולאבן נגף ולצור מכשול לשני בתי ישראל למוקש ולפח ליושב ירושלם׃ ١٥ וכשלו
בם רבים ונפלו ונשברו ונוקשו ונלכדו׃ ١٦ צור עדות חתום תורה בלמדי׃ ١٧ וחכיתי ליהוה המסתיר
את פניו מבית יעקב וקויתי לו׃ ١٨ הנה אנכי והילדים אשר נתן לי יהוה לאתות ולמופתים בישראל
מעם יהוה צבאות השכן בהר ציון׃

ישעיה נביא ומלך אשור

٧ ١ ויהי בימי אחז בן יותם בן עזיהו מלך יהודה עלה רצין מלך ארם ופקח בן רמליהו מלך ישראל
ירושלם למלחמה עליה ולא יכל להלחם עליה׃ ٢ ויגד לבית דויד לאמר נחה ארם על אפרים וינע
לבבו ולב עמו כנוע עצי היער מפני הרוח׃ ٣ ויאמר יהוה אל ישעיהו צא נא לקראת אחז אתה
ושאר ישוב בנך אל קצה תעלת הברכה העליונה אל משלת שדה כובס׃ ٤ ואמרת אליו השמר והשקט
אל תירא ואל ירך לבבך משני זנבות האשתים האלה בחרי אף רצין וארם ובן רמליהו׃ ٥ יען כי יעץ
עליך ארם רע אפרים ובן רמליהו לאמר׃ ٦ נעלה ביהודה ונקיצנה ונבקענה אלינו ונמליך מלך בתוכה
את בן טבאל׃ ٧ כה אמר אדני יהוה לא תקום ולא תהיה׃ ٨ כי ראש ארם דמשק וראש דמשק רצין
ובעוד שלשים וחמש שנה יחתת אפרים מעם׃ ٩ וראש אפרים שמרון וראש שמרון בן רמליהו אם
לא תאמינו כי לא תאמנו׃

חטאת עם ועונשה גדול

[9] עם כֻּלּוֹ נְבִיא לְבִיא יִטְרֹף, וְכִנֵּרוֹת לְנִבְלָה יְנַגֵּנוּ, וְעַל יְשֵׁנִים עַל מִשְׁכְּבוֹתָם מְפַלְּלִים מְכֻשָּׁפִים מְעַנְּנִים, וְלֵיל כְּמוֹ יוֹם מְאִירִים, אֵין חֹשֶׁךְ וְאֵין צַלְמָוֶת לְהִתְכַּסּוֹת שָׁם פֹּעֲלֵי אָוֶן. [10] כִּי אָמַר יְהוָה: הִנֵּה אֲנִי נֹתֵן אֶת נְשֵׁיהֶם לַאֲחֵרִים, שְׂדוֹתֵיהֶם לְיוֹרְשִׁים, כִּי מִקָּטֹן וְעַד גָּדוֹל כֻּלּוֹ בֹצֵעַ בָּצַע, מִנָּבִיא וְעַד כֹּהֵן כֻּלּוֹ עֹשֶׂה שָׁקֶר. [11] וַיְרַפְּאוּ אֶת שֶׁבֶר בְּנוֹתִי עַל נְקֹה נְקֹה וְאֵין שָׁלוֹם. [12] הֹבִישׁוּ כִּי תוֹעֵבָה עָשׂוּ שָׁאוֹן גַּם לֹא יֵבֹשׁוּ וְהַכְלֵם לֹא יָדָעוּ לָכֵן יִפְּלוּ בַּנֹּפְלִים בְּעֵת פָּקְדָתִים יִכָּשְׁלוּ אָמַר יְהוָה. [13] אָסֹף אֹסִיפֵם נְאֻם יְהוָה אֵין עֲנָבִים בַּגֶּפֶן וְאֵין תְּאֵנִים בַּתְּאֵנָה וְהֶעָלֶה נָבֵל וָאֶתֵּן לָהֶם יַעַבְרוּם. [14] מַה אֲנַחְנוּ יֵשְׁבוּ הֵאָסְפוּ וְנָבוֹא אֶל עָרֵי הַמִּבְצָר וְנִדְּמָה שָׁם כִּי יְהוָה אֱלֹהֵינוּ הִדְמָנוּ וַיַּשְׁקֵנוּ מֵי רֹאשׁ כִּי חָטָאנוּ לַיהוָה. [15] קַוֵּה לְשָׁלוֹם וְאֵין טוֹב לְעֵת מַרְפֵּה וְהִנֵּה בְעוּתָה. [16] מִדָּן נִשְׁמַע נַחְרַת סוּסָיו מִקּוֹל מִצְהֲלוֹת אַבִּירָיו רָעֲשָׁה כָל הָאָרֶץ וַיָּבֹאוּ וַיֹּאכְלוּ אֶרֶץ וּמְלֹאָהּ עִיר וְיֹשְׁבֵי בָהּ. [17] כִּי הִנְנִי מְשַׁלֵּחַ בָּכֶם נְחָשִׁים צִפְעֹנִים אֲשֶׁר אֵין לָהֶם לָחַשׁ וְנִשְּׁכוּ אֶתְכֶם נְאֻם יְהוָה.[9]

---

[9] ירמיה ח:יז; כג:א-ב

הפצת הבשורה בגליל העליון

ז [1]באותם ימים שוב התאסף המון גדול של אנשים, ולא היה להם מה לאכול. ישוע קרא לתלמידיו ואמר להם: [2]״אני מרחם על העם הזה, כי כבר שלושה ימים הם נשארים איתי ואין להם מה לאכול. [3]אם אשלח אותם הביתה רעבים, הם יתעלפו בדרך, כי חלקם באו מרחוק.״ [4]תלמידיו ענו לו: ״איך נוכל למצוא לחם במקום שומם כזה כדי להאכיל את כל האנשים האלה?״ [5]ישוע שאל אותם: ״כמה כיכרות לחם יש לכם?״ הם ענו: ״שבעה.״ [6]אז הוא ציווה על האנשים לשבת על הקרקע. הוא לקח את שבעת הכיכרות, הודה לאלוהים על האוכל, בירך את הלחם, פירר אותו והתחיל לחלק לתלמידיו, והם חילקו לאנשים. [7]היו להם גם כמה דגים קטנים, וישוע בירך גם אותם והורה לחלק גם אותם. [8]כולם אכלו עד שנתמלאו, ואחר כך אספו את השאריות ומילאו שבעה סלים גדולים. [9]היו שם כ־4,000 איש. אחרי הארוחה שלח ישוע את האנשים הביתה, [10]ומיד לאחר מכן נכנס לסירה עם תלמידיו והגיע לאזור דלמנותא.

דרישת סימן

[11]כשהגיעו לשם באו הפרושים וישוחחו עם ישוע. הם רצו לנסות אותו, ולכן ביקשו ממנו שיעשה נס כדי להוכיח שהוא באמת שליח אלוהים. [12]ישוע נאנח מעומק ליבו ואמר: ״מדוע הדור הזה מבקש נס? אני אומר לכם בוודאות שלא יינתן לדור הזה שום נס.״ [13]אחר כך הוא עזב אותם, נכנס שוב לסירה והפליג לעבר הגדה השנייה של האגם.

ומי שהוא מושל בעמים, יהיה מושל בהם. ١٢ ואני אשלח את
הרעה בישראל, והיא תפגע בכל אחד מהם, בין אם הוא
עשיר ובין אם הוא עני. אף על פי כן, העם לא יחזור בו
מחטאיו, אלא ימשיך לעבוד את אלילי הזהב שלו. ١٣ לכן
אני, יהוה, אכרית מישראל את ראשו ואת זנבו, את
הדקל ואת הסוף, ביום אחד. ١٤ הזקן והנכבד הוא הראש,
והנביא המלמד שקרים הוא הזנב. ١٥ המנהיגים של העם
הזה מטעים אותו, ואלה שמקבלים את הדרכתם הולכים
לאבדון. ١٦ לכן אני, אדוני יהוה, לא אשמח בבחוריהם,
ולא ארחם על יתומיהם ועל אלמנותיהם, כי כולם
חנפים ומרעים, ופיהם מדבר רק דברי הבל. אף על פי כן,
העם לא יחזור בו מחטאיו, אלא ימשיך לעבוד את אלילי
הזהב שלו. ١٧ הרשעות בוערת כמו אש, והיא אוכלת את
השיחים והקוצים, ומדליקה את היער הסבוך, ועשן
רב עולה מתוכו. ١٨ בגלל כעסי, הארץ נשרפת, והעם
נעשה כמו דלק לאש; איש לא חס על אחיו. ١٩ אנשים
חותכים בימין ועדיין רעבים, ואוכלים בשמאל ועדיין
לא שבעים; כל אחד אוכל את בשר זרועו. ٢٠ מנשה
אוכל את אפרים, ואפרים אוכל את מנשה, ושניהם
יחד אוכלים את יהודה. אף על פי כן, העם לא יחזור בו
מחטאיו, אלא ימשיך לעבוד את אלילי הזהב שלו.

٩ ١ הוי לאלה שחוקקים חוקים רעים, ומי שכותב
פקודות שמטרתן לדכא את העם. ٢ הם מונעים
מהעניים את זכויותיהם, ומפקירים את האלמנות
והיתומים. ٣ מה תעשו ביום הדין, כאשר אסון יבוא
עליכם מרחוק? למי תפנו לעזרה? איפה תסתירו את
עושרכם? ٤ אין לכם ברירה אלא להתכופף בין
האסירים או ליפול בין ההרוגים. אף על פי כן, העם לא
יחזור בו מחטאיו, אלא ימשיך לעבוד את אלילי הזהב
שלו. ٥ אני אשלח את אשור, שהוא שוט הזעם שלי,
ומטה העונש שבידו הוא כעסי. ٦ אשלח אותו נגד עם
חנף, נגד העם שמעורר את חמתי, כדי שישדוד ויבזוז
את רכושו, ויבוסס אותו כמו בבוץ ברחובות. ٧ אבל
אשור לא יבין שהוא רק כלי בידי, כי הוא חושב רק על
כיבוש ועל הרס של עמים רבים. ٨ הוא אומר לעצמו:
'כל שריי הם מלכים!' ٩ הוא חושב שכמו שכבש את
כלנו, כך יכבוש את ירושלים ואת שומרון. ١٠ הוא
כבש ממלכות רבות שהיו עשירות יותר מירושלים
ומשומרון, ١١ ולכן הוא חושב שיוכל לכבוש גם את
ירושלים ואת אלילי הזהב שלה.'

یہوواہ فرماتا ہے، ”دیکھو، وہ دن آ رہے ہیں جب میں ہر
ختنہ شدہ شخص کو جو ختنہ نہ شدہ ہو سزا دوں گا۔ ۲۶ میں
مصر، یہوداہ، ادوم، عمون، موآب اور ان سب کو سزا دوں گا
جو بیابان میں رہتے ہیں اور اپنے بالوں کو کاٹ کر ان کے
کنارے بگاڑ دیتے ہیں۔ کیونکہ یہ سب قومیں تو نامختون ہیں
اور اسرائیل کا سارا گھرانا بھی دل کا نامختون ہے۔“

۱۰ اے اسرائیل کے گھرانے، یہوواہ تم سے جو کلام کرتا ہے
اُسے سنو۔ ۲ یہوواہ یوں فرماتا ہے: ”قوموں کی راہ پر نہ چلو
اور آسمان کے نشانوں سے خوف نہ کھاؤ، اگرچہ قومیں ان سے
خوف کھاتی ہیں۔ ۳ کیونکہ قوموں کے رسم و رواج باطل ہیں۔
جنگل سے کاٹی گئی لکڑی کو کاریگر اپنے ہاتھ کی کلہاڑی سے
تراشتا ہے۔ ۴ وہ اسے چاندی اور سونے سے آراستہ کرتا ہے
اور اسے میخوں اور ہتھوڑے سے مضبوط کرتا ہے تاکہ وہ
ہل نہ سکے۔ ۵ ان کے بُت کھیرے کے کھیت میں لگے ہوئے
پُتلے کی مانند ہیں اور بول نہیں سکتے۔ انہیں اُٹھا کر لے
جانا پڑتا ہے کیونکہ وہ چل نہیں سکتے۔ ان سے مت ڈرو،
کیونکہ وہ نہ تو کسی کا نقصان کر سکتے ہیں اور نہ ہی کسی کا
بھلا کر سکتے ہیں۔“

۶ اے یہوواہ، تیرے برابر کوئی نہیں ہے۔ تُو عظیم ہے اور
تیرا نام قدرت میں عظیم ہے۔ ۷ اے قوموں کے بادشاہ، کون
تجھ سے نہ ڈرے؟ یہ تیرا ہی حق ہے۔ قوموں کے سارے
دانشوروں اور ان کی ساری بادشاہتوں میں تیرے برابر کوئی
نہیں ہے۔ ۸ وہ سب کے سب بیوقوف اور نادان ہیں۔ ان کی
تعلیم لکڑی کے بُتوں سے ملتی ہے۔ ۹ تارسیس سے چاندی کے
پترے اور اُوفاز سے سونا لایا جاتا ہے۔ کاریگر اور سنار ان
بُتوں کو بناتے ہیں۔ ان کے کپڑے نیلے اور ارغوانی ہیں۔
یہ سب ہنرمند لوگوں کا کام ہے۔ ۱۰ لیکن یہوواہ خدا سچا
خدا ہے۔ وہ زندہ خدا اور ابدی بادشاہ ہے۔ جب وہ غصے
ہوتا ہے تو زمین لرز اُٹھتی ہے اور قومیں اس کا قہر برداشت
نہیں کر سکتیں۔

۱۱ ”یرمیاہ، تم ان لوگوں سے یہ کہو: ’جن دیوتاؤں نے
آسمان اور زمین کو نہیں بنایا وہ زمین اور آسمان سے مٹ
جائیں گے۔‘“

۱۲ لیکن یہوواہ نے اپنی قدرت سے زمین کو بنایا ہے۔
اپنی حکمت سے اُس نے دنیا کو قائم کیا ہے اور اپنی فہم سے
آسمان کو پھیلایا ہے۔ ۱۳ جب وہ بولتا ہے تو آسمان پر پانی
گرجتا ہے۔ وہ زمین کے کناروں سے بادل اُٹھاتا ہے۔ وہ
بارش کے لئے بجلی بھیجتا ہے اور اپنے خزانوں سے ہوا
نکالتا ہے۔

۱۴ ہر انسان بیوقوف اور نادان ہے۔ ہر سنار اپنے بُت کی
وجہ سے شرمندہ ہوتا ہے۔ اُس کے ڈھالے ہوئے بُت جھوٹے
ہیں۔ ان میں کوئی زندگی نہیں ہے۔ ۱۵ وہ بیکار ہیں اور
مضحکہ خیز ہیں۔ جب ان کی سزا کا وقت آئے گا تو وہ
ختم ہو جائیں گے۔ ۱۶ لیکن یعقوب کا حصہ ان جیسا نہیں ہے۔
کیونکہ وہ سب کا خالق ہے۔ اسرائیل اُس کا خاص قبیلہ ہے۔
یہوواہ قادرِ مطلق اُس کا نام ہے۔

۱۷ اے یروشلیم کی رہنے والی، اپنا سامان باندھ کر
محاصرے کے لئے تیار ہو جا۔ ۱۸ کیونکہ یہوواہ یوں فرماتا
ہے: ”دیکھو، اس بار میں اس ملک کے باشندوں کو
پھینک دوں گا۔ میں ان کو سزا دوں گا تاکہ وہ مجھے جان
لیں۔“

۱۹ مجھ پر افسوس ہے کیونکہ میرا زخم ناقابلِ علاج ہے۔
میں نے کہا، ”یہ میری بیماری ہے اور مجھے اسے برداشت
کرنا ہی ہے۔“ ۲۰ میرا خیمہ برباد ہو گیا ہے اور اس کی
ساری رسیاں ٹوٹ گئی ہیں۔ میرے بچے مجھ سے جُدا ہو گئے
ہیں اور اب وہ میرے پاس نہیں ہیں۔ کوئی نہیں بچا جو میرا
خیمہ دوبارہ کھڑا کرے یا میرے خیمے کی رسیاں ٹھیک کرے۔
۲۱ میرے چرواہے بیوقوف ہو گئے ہیں۔ انہوں نے یہوواہ سے

ויהי בנסעם מהר ויאמר אל אלישע הנה נא המקום אשר אנחנו ישבים שם לפניך צר לנו.

הצבא הארמי מוכה בסומא

ו א ויאמר הלכו נא ונראה את אשר ישלח אלינו ונלך ונראה את אשר ילך שמה ולא יודע איש את מקומו. ב ויאמר הלכו ונראה את אשר ישלח אלינו ונלך ונראה את אשר ילך שמה ולא יודע איש את מקומו. ג ויאמר הלכו נא ונראה את אשר ישלח אלינו ונלך ונראה את אשר ילך שמה ולא יודע איש את מקומו. ד ויאמר הלכו נא ונראה את אשר ישלח אלינו ונלך ונראה את אשר ילך שמה ולא יודע איש את מקומו. ה ויאמר הלכו נא ונראה את אשר ישלח אלינו ונלך ונראה את אשר ילך שמה ולא יודע איש את מקומו. ו ויאמר הלכו נא ונראה את אשר ישלח אלינו ונלך ונראה את אשר ילך שמה ולא יודע איש את מקומו. ז ויאמר הלכו נא ונראה את אשר ישלח אלינו ונלך ונראה את אשר ילך שמה ולא יודע איש את מקומו. ח ויאמר הלכו נא ונראה את אשר ישלח אלינו ונלך ונראה את אשר ילך שמה ולא יודע איש את מקומו. ט ויאמר הלכו נא ונראה את אשר ישלח אלינו ונלך ונראה את אשר ילך שמה ולא יודע איש את מקומו. י ויאמר הלכו נא ונראה את אשר ישלח אלינו ונלך ונראה את אשר ילך שמה ולא יודע איש את מקומו. יא ויאמר הלכו נא ונראה את אשר ישלח אלינו ונלך ונראה את אשר ילך שמה ולא יודע איש את מקומו. יב ויאמר הלכו נא ונראה את אשר ישלח אלינו ונלך ונראה את אשר ילך שמה ולא יודע איש את מקומו. יג ויאמר הלכו נא ונראה את אשר ישלח אלינו ונלך ונראה את אשר ילך שמה ולא יודע איש את מקומו. יד ויאמר הלכו נא ונראה את אשר ישלח אלינו ונלך ונראה את אשר ילך שמה ולא יודע איש את מקומו. טו ויאמר הלכו נא ונראה את אשר ישלח אלינו ונלך ונראה את אשר ילך שמה ולא יודע איש את מקומו. טז ויאמר הלכו נא ונראה את אשר ישלח אלינו ונלך ונראה את אשר ילך שמה ולא יודע איש את מקומו. יז ויאמר הלכו נא ונראה את אשר ישלח אלינו ונלך ונראה את אשר ילך שמה ולא יודע איש את מקומו. יח ויאמר הלכו נא ונראה את אשר ישלח אלינו ונלך ונראה את אשר ילך שמה ולא יודע איש את מקומו. יט ויאמר הלכו נא ונראה את אשר ישלח אלינו ונלך ונראה את אשר ילך שמה ולא יודע איש את מקומו. כ ויאמר הלכו נא ונראה את אשר ישלח אלינו ונלך ונראה את אשר ילך שמה ולא יודע איש את מקומו. כא ויאמר הלכו נא ונראה את אשר ישלח אלינו ונלך ונראה את אשר ילך שמה ולא יודע איש את מקומו. כב ויאמר הלכו נא ונראה את אשר ישלח אלינו ונלך ונראה את אשר ילך שמה ולא יודע איש את מקומו. כג ויאמר הלכו נא ונראה את אשר ישלח אלינו ונלך ונראה את אשר ילך שמה ולא יודע איש את מקומו.

لعازر يقام من الموت

١١ ١كان رجل مريضا اسمه لعازر من بيت عنيا قرية مريا ومرثا اختيها. ٢ومريم التي كان اخوها لعازر مريضا هي التي دهنت الرب بالطيب ومسحت رجليه بشعرها. ٣فارسلت الاختان اليه قائلتين: "يا سيد هوذا الذي تحبه مريض". ٤فلما سمع يسوع قال: "هذا المرض ليس للموت بل لاجل مجد الله ليتمجد ابن الله به". ٥وكان يسوع يحب مرثا واختها ولعازر. ٦فلما سمع انه مريض مكث حينئذ في الموضع الذي كان فيه يومين. ٧ثم بعد ذلك قال للتلاميذ: "لنذهب الى اليهودية ايضا". ٨قال له التلاميذ: "يا سيدي الآن كان اليهود يطلبون ان يرجموك افتذهب ايضا الى هناك". ٩اجاب يسوع: "اليست ساعات النهار اثنتي عشرة ساعة. ان كان احد يسلك في النهار لا يصطدم لانه ينظر نور هذا العالم. ١٠ولكن ان كان احد يسلك في الليل يصطدم لان النور ليس فيه". ١١قال هذا وبعد ذلك قال لهم: "لعازر حبيبنا قد نام لكني اذهب لانتبهه من النوم". ١٢فقال تلاميذه: "يا سيد ان كان قد نام فهو يشفى". ١٣وكان يسوع يقول عن موته. فظنوا انه يقول عن رقاد النوم. ١٤فحينئذ قال لهم يسوع علانية: "لعازر مات. ١٥وانا افرح لاجلكم اني لم اكن هناك لكي تؤمنوا. ولكن لنذهب اليه". ١٦فقال توما الذي يقال له التوأم للتلاميذ رفقائه: "لنذهب نحن ايضا لنموت معه".

يسوع هو القيامة والحياة

وَهَذِهِ مَدِينَةٌ لَا تُقْبَلُكُمْ، فَاخْرُجُوا إِلَى شَوَارِعِهَا وَقُولُوا: ١١ حَتَّى الْغُبَارُ الَّذِي لَصِقَ بِنَا مِنْ مَدِينَتِكُمْ نَنْفُضُهُ عَلَيْكُمْ. وَلَكِنْ اعْلَمُوا هَذَا: قَدِ اقْتَرَبَ مَلَكُوتُ اللهِ.» ١٢ أَقُولُ لَكُمْ إِنَّ سَدُومَ سَتَكُونُ أَكْثَرَ احْتِمَالاً يَوْمَ الدِّينُونَةِ مِنْ تِلْكَ الْمَدِينَةِ.

الويل على المدن التي لم تتب

١٣ «وَيْلٌ لَكِ يَا كُورَزِينَ! وَيْلٌ لَكِ يَا بَيْتَ صَيْدَا! لأَنَّهُ لَوْ صُنِعَتِ الْقُوَّاتُ الَّتِي صُنِعَتْ فِيكُمَا فِي صُورَ وَصَيْدَا، لَتَابَ أَهْلُهُمَا مُنْذُ زَمَانٍ بَعِيدٍ، وَجَلَسُوا فِي الْمُسُوحِ وَالرَّمَادِ. ١٤ لَكِنِّي أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ صُورَ وَصَيْدَا سَتَكُونُ أَكْثَرَ احْتِمَالاً يَوْمَ الدِّينُونَةِ مِنْكُمَا.

١٥ وَأَنْتِ يَا كَفْرَنَاحُومُ، هَلْ تُرْتَفَعِينَ إِلَى السَّمَاءِ؟ إِلَى الْهَاوِيَةِ تَهْبِطِينَ!

١٦ «مَنْ يَسْمَعُكُمْ يَسْمَعُنِي، وَمَنْ يَرْفُضُكُمْ يَرْفُضُنِي، وَمَنْ يَرْفُضُنِي يَرْفُضُ الَّذِي أَرْسَلَنِي.»

عودة السبعين

١٧ وَرَجَعَ السَّبْعُونَ بِفَرَحٍ وَقَالُوا: «يَا رَبُّ، حَتَّى الشَّيَاطِينُ تَخْضَعُ لَنَا بِاسْمِكَ!»

١٨ فَقَالَ لَهُمْ: «كُنْتُ أُبْصِرُ الشَّيْطَانَ سَاقِطاً مِثْلَ الْبَرْقِ مِنَ السَّمَاءِ. ١٩ هَا قَدْ أَعْطَيْتُكُمُ السُّلْطَانَ لِتَدُوسُوا الْحَيَّاتِ وَالْعَقَارِبَ، وَكُلَّ قُوَّةِ الْعَدُوِّ، وَلَا يَضُرُّكُمْ شَيْءٌ.

ישעיהו פרק יב

١٢ [١] ואמרת ביום ההוא אודך יהוה כי אנפת בי ישב אפך ותנחמני׃
[٢] הנה אל ישועתי אבטח ולא אפחד כי עזי וזמרת יה יהוה ויהי לי לישועה׃
[٣] ושאבתם מים בששון ממעיני הישועה׃ [٤] ואמרתם ביום ההוא הודו ליהוה קראו בשמו הודיעו בעמים עלילתיו הזכירו כי נשגב שמו׃
[٥] זמרו ליהוה כי גאות עשה זאת מודעת בכל הארץ׃ [٦] צהלי ורני יושבת ציון כי גדול בקרבך קדוש ישראל׃

ישעיהו פרק יג

[٧] משא בבל אשר חזה ישעיהו בן אמוץ׃ [٨] על הר נשא נס הרימו להם קולו הניפו יד ויבאו פתחי נדיבים׃ [٩] אני צויתי למקדשי גם קראתי גבורי לאפי עליזי גאותי׃ [١٠] קול המון בהרים דמות עם רב קול שאון ממלכות גוים נאספים יהוה צבאות פקד צבא מלחמה׃

١٢:٩ ישעיהו ١:٣

وتعبتعد بنيكوتو، وهكذا بزيادة وفحلة، وكثير، وشبكة، وصيدة

وَيَسْمَعُونَ وَلَا يَفْهَمُونَ. وَفِيهِمْ تَتِمُّ نُبُوَّةُ إِشَعْيَاءَ الْقَائِلَةُ: ٣ ‹سَتَسْمَعُونَ سَمْعًا وَلَا تَفْهَمُونَ، وَتَنْظُرُونَ نَظَرًا وَلَا تُبْصِرُونَ. ٤ لِأَنَّ قَلْبَ هَذَا الشَّعْبِ قَدْ غَلُظَ، وَبِآذَانِهِمْ سَمِعُوا ثَقِيلًا، وَغَمَّضُوا عُيُونَهُمْ لِئَلَّا يُبْصِرُوا بِعُيُونِهِمْ، وَيَسْمَعُوا بِآذَانِهِمْ، وَيَفْهَمُوا بِقُلُوبِهِمْ، وَيَرْجِعُوا فَأَشْفِيَهُمْ›. ٥ وَلَكِنَّ طُوبَى لِعُيُونِكُمْ لِأَنَّهَا تُبْصِرُ، وَلِآذَانِكُمْ لِأَنَّهَا تَسْمَعُ. ٦ فَإِنِّي الْحَقَّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ أَنْبِيَاءَ وَأَبْرَارًا كَثِيرِينَ اشْتَهَوْا أَنْ يَرَوْا مَا أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ وَلَمْ يَرَوْا، وَأَنْ يَسْمَعُوا مَا أَنْتُمْ تَسْمَعُونَ وَلَمْ يَسْمَعُوا. ٧ فَاسْمَعُوا أَنْتُمْ مَثَلَ الزَّارِعِ: ٨ كُلُّ مَنْ يَسْمَعُ كَلِمَةَ الْمَلَكُوتِ وَلَا يَفْهَمُ، فَيَأْتِي الشِّرِّيرُ وَيَخْطَفُ مَا زُرِعَ فِي قَلْبِهِ. هَذَا هُوَ الْمَزْرُوعُ عَلَى الطَّرِيقِ. ٩ وَالْمَزْرُوعُ عَلَى الأَرَاضِي الْمُحَجَّرَةِ هُوَ الَّذِي يَسْمَعُ الْكَلِمَةَ وَحَالًا يَقْبَلُهَا بِفَرَحٍ، ١٠ وَلَيْسَ لَهُ أَصْلٌ فِي ذَاتِهِ بَلْ هُوَ إِلَى حِينٍ، فَإِذَا حَدَثَ ضِيقٌ أَوِ اضْطِهَادٌ مِنْ أَجْلِ الْكَلِمَةِ فَلِلْوَقْتِ يَعْثُرُ. ١١ وَالْمَزْرُوعُ بَيْنَ الشَّوْكِ هُوَ الَّذِي يَسْمَعُ الْكَلِمَةَ، وَهَمُّ هَذَا الْعَالَمِ وَغُرُورُ الْغِنَى يَخْنُقَانِ الْكَلِمَةَ فَتَصِيرُ بِلَا ثَمَرٍ. ١٢ وَالْمَزْرُوعُ عَلَى الأَرْضِ الْجَيِّدَةِ هُوَ الَّذِي يَسْمَعُ الْكَلِمَةَ وَيَفْهَمُ، الَّذِي يَأْتِي بِالْحَرِيِّ وَيَصْنَعُ بَعْضُهُ مِئَةً وَبَعْضُهُ سِتِّينَ وَبَعْضُهُ ثَلَاثِينَ».

مثل الزوان

١٣ وَقَدَّمَ لَهُمْ مَثَلًا آخَرَ قَائِلًا: «يُشْبِهُ مَلَكُوتُ السَّمَاوَاتِ إِنْسَانًا زَرَعَ زَرْعًا جَيِّدًا فِي حَقْلِهِ. ٢٥ وَفِيمَا النَّاسُ نِيَامٌ جَاءَ عَدُوُّهُ وَزَرَعَ زَوَانًا فِي وَسْطِ الْحِنْطَةِ وَمَضَى. ٢٦ فَلَمَّا طَلَعَ النَّبَاتُ وَصَنَعَ أَثْمَارًا حِينَئِذٍ ظَهَرَ الزَّوَانُ أَيْضًا. ٢٧ فَجَاءَ عَبِيدُ رَبِّ الْبَيْتِ وَقَالُوا لَهُ: يَا سَيِّدُ، أَلَيْسَ زَرْعًا جَيِّدًا زَرَعْتَ فِي حَقْلِكَ؟ فَمِنْ أَيْنَ لَهُ زَوَانٌ؟ ٢٨ فَقَالَ لَهُمْ: إِنْسَانٌ عَدُوٌّ فَعَلَ هَذَا. فَقَالَ لَهُ الْعَبِيدُ: أَتُرِيدُ أَنْ نَمْضِيَ وَنَجْمَعَهُ؟ ٢٩ فَقَالَ: لَا، لِئَلَّا عِنْدَ جَمْعِكُمُ الزَّوَانَ تَقْلَعُونَ الْحِنْطَةَ مَعَهُ. ٣٠ دَعُوهُمَا يَنْمُوَانِ كِلَيْهِمَا مَعًا إِلَى الْحَصَادِ، وَفِي وَقْتِ الْحَصَادِ أَقُولُ لِلْحَصَّادِينَ: اجْمَعُوا أَوَّلًا الزَّوَانَ وَاحْزِمُوهُ حُزَمًا لِكَيْ يُحْرَقَ، وَأَمَّا الْحِنْطَةُ فَاجْمَعُوهَا إِلَى مَخْزَنِي».

ضالة بخجل يحملها على كتفيه فرحا، ١٥ ويأتي إلى بيته ويدعو أصدقاءه وجيرانه ويقول لهم: افرحوا معي لأني وجدت خروفي الضال. ١٦ أقول لكم إن هكذا يكون فرح في السماء بخاطئ واحد يتوب، أكثر من فرحها بتسعة وتسعين بارا لا يحتاجون إلى توبة. ١٧ أو ما امرأة تملك عشرة دراهم فضة، إذا أضاعت درهما واحدا، ألا توقد سراجا وتكنس البيت وتفتش بعناية حتى تجده؟ ١٨ وإذا وجدته تدعو صديقاتها وجاراتها وتقول لهن: افرحن معي لأني وجدت الدرهم الذي أضعته. ١٩ هكذا أقول لكم إن هكذا يكون فرح أمام ملائكة الله بخاطئ واحد يتوب.

مثل الابن الضال

١٤ ٢٠ وقال أيضا: كان لإنسان ابنان، ٢١ فقال الأصغر منهما لأبيه: يا أبي، أعطني القسم الذي يخصني من الميراث. فقسم بينهما أملاكه. ٢٢ وبعد أيام ليست بكثيرة جمع الابن الأصغر كل ما له وسافر إلى كورة بعيدة، وهناك بذر ماله بعيش مسرف. ٢٣ فلما أنفق كل شيء حدث جوع شديد في تلك الكورة، فابتدأ يحتاج. ٢٤ فمضى والتصق بواحد من أهل تلك الكورة، فأرسله إلى حقوله ليرعى خنازير. ٢٥ وكان يشتهي أن يملأ بطنه من الخرنوب الذي كانت الخنازير تأكله، فلم يكن أحد يعطيه.

متى ١٤

٦ ولما جاء يوم ميلاد هيرودس، رقصت ابنة هيروديا أمام الجميع، ٧ فسرّ هيرودس
وأقسم أن يعطيها ما تطلبه. ٨ فقالت له أمها: «اطلب رأس يوحنا المعمدان على
طبق!» ٩ فحزن الملك، ولكن بسبب قسمه أمام ضيوفه، أمر أن تُعطى ما طلبت. ١٠ فأرسل
وقطع رأس يوحنا في السجن. ١١ ثم أُحضر الرأس على طبق، وأُعطي للفتاة، فأخذته
إلى أمها. ١٢ وجاء تلاميذ يوحنا وأخذوا جثته ودفنوه، ثم ذهبوا وأخبروا يسوع.

يسوع يطعم خمسة آلاف

١٣ فلما سمع يسوع الخبر، انسحب من هناك بسفينة إلى مكان خالٍ وحده. فلما سمع
الجموع بذلك، تبعوه سيرًا على الأقدام من المدن. ١٤ فلما خرج يسوع ورأى الجموع
الكثيرة، تحنّن عليهم وشفى مرضاهم.

١٥ ولما حلّ المساء، جاء تلاميذه وقالوا له: «المكان قفر، والوقت قد تأخر، فاصرف
الجموع ليذهبوا إلى القرى ويشتروا لأنفسهم طعامًا.» ١٦ فقال لهم يسوع: «لا حاجة
لذهابهم، أعطوهم أنتم ليأكلوا.» ١٧ فقالوا له: «ليس عندنا هنا إلا خمسة أرغفة
وسمكتان.» ١٨ فقال: «ائتوني بها إلى هنا.» ١٩ ثم أمر الجموع أن يجلسوا على
العشب، وأخذ الأرغفة والسمكتين، ورفع نظره نحو السماء، وبارك، وكسر الأرغفة،
وأعطاها لتلاميذه، والتلاميذ أعطوا الجموع. ٢٠ فأكل الجميع وشبعوا، ثم جمعوا ما
فضل من الكسر فملأوا اثنتي عشرة سلة. ٢١ وكان الآكلون نحو خمسة آلاف رجل،
عدا النساء والأطفال.

تدابير أخرى

١٤ وَبِهٰذِهِ الطَّرِيقَةِ تَحْتَفِظُونَ بِأَرْضِكُمْ نَظِيفَةً، لِأَنَّ كُلَّ
مَنْ يَقْتُلُ إِنْسَانًا أَوْ يَلْمِسُ جُثَّةً يَكُونُ نَجِسًا إِلَى الْمَسَاءِ.
١٥ وَعِنْدَمَا تَدْخُلُونَ أَرْضَ كَنْعَانَ لَا تَزْرَعُوا حَقْلَكُمْ بِنَوْعَيْنِ
مِنَ الْبُذُورِ، وَلَا تَغْرِسُوا كَرْمَكُمْ بِنَوْعَيْنِ مِنَ الْغِرَاسِ، وَلَا
تَلْبَسُوا ثَوْبًا مَصْنُوعًا مِنْ نَوْعَيْنِ مِنَ الْخُيُوطِ. ١٦ وَعِنْدَمَا
تَسْكُنُونَ فِي الْأَرْضِ لَا تَحْرُثُوا بِثَوْرٍ وَحِمَارٍ مَعًا. ١٧ وَلَا
تَلْبَسُوا ثَوْبًا مَصْنُوعًا مِنْ صُوفٍ وَكَتَّانٍ مَعًا. ١٨ وَعِنْدَمَا
تَحْصُدُونَ مَحْصُولَكُمْ، وَمَا يَنْمُو مِنْ تِلْقَائِهِ فِي حُقُولِكُمْ
وَكُرُومِكُمْ؛ وَلَا تَحْصُدُوا كُلَّ مَا فِي حُقُولِكُمْ، وَلَا تَجْمَعُوا
كُلَّ مَا يَسْقُطُ مِنَ الْحَصَادِ، بَلْ اتْرُكُوهُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْغُرَبَاءِ.
أَنَا الرَّبُّ إِلٰهُكُمْ. ١٩ وَعِنْدَمَا تَحْصُدُونَ مَحْصُولَكُمْ فِي
حُقُولِكُمْ وَتَنْسَوْنَ حُزْمَةً فِي الْحَقْلِ لَا تَرْجِعُوا لِتَأْخُذُوهَا،
بَلِ اتْرُكُوهَا لِلْغُرَبَاءِ وَالْفُقَرَاءِ وَالْأَرَامِلِ وَالْأَيْتَامِ، لِكَيْ
يُبَارِكَكُمُ الرَّبُّ إِلٰهُكُمْ فِي كُلِّ أَعْمَالِ أَيْدِيكُمْ. ٢٠ وَعِنْدَمَا
تَقْطِفُونَ ثِمَارَ زَيْتُونِكُمْ لَا تَعُودُوا لِتَقْطِفُوا مَا تَبَقَّى عَلَى
أَغْصَانِهَا، بَلِ اتْرُكُوهُ لِلْغُرَبَاءِ وَالْفُقَرَاءِ وَالْأَرَامِلِ وَالْأَيْتَامِ.
٢١ وَعِنْدَمَا تَقْطِفُونَ ثِمَارَ كُرُومِكُمْ لَا تَعُودُوا لِتَلْتَقِطُوا مَا
تَبَقَّى مِنْهَا، بَلِ اتْرُكُوهُ لِلْغُرَبَاءِ وَالْفُقَرَاءِ وَالْأَرَامِلِ وَالْأَيْتَامِ.
٢٢ وَاذْكُرُوا أَنَّكُمْ كُنْتُمْ عَبِيدًا فِي أَرْضِ مِصْرَ، وَلِهٰذَا
أَنَا أَمُرُكُمْ بِأَنْ تَعْمَلُوا هٰذَا.

قانون الجلد

١٥ ١ «وَإِذَا تَخَاصَمَ رَجُلَانِ وَذَهَبَا إِلَى الْمَحْكَمَةِ، وَطَلَبَ
الْقُضَاةُ مِنَ الْبَرِيءِ أَنْ يُعَاقِبَ الْمُذْنِبَ، فَإِنَّ ٢ الْقَاضِيَ
يَأْمُرُ الْمُذْنِبَ أَنْ يَنْبَطِحَ عَلَى الْأَرْضِ، وَيَأْمُرُ بِجَلْدِهِ أَمَامَ
الْقَاضِي بِعَدَدٍ مِنَ الْجَلَدَاتِ يُنَاسِبُ ذَنْبَهُ، ٣ عَلَى أَلَّا

ולא יאבד, אלא יחיה חיי עולם. ג כי כך אהב אלוהים את העולם,
שנתן את בנו היחיד, כדי שכל מי שמאמין בו לא יאבד,
אלא יחיה חיי עולם.
ד כי אלוהים לא שלח את בנו אל העולם כדי לשפוט את העולם,
אלא כדי שהעולם יינצל דרכו. ה מי שמאמין בו לא נשפט;
מי שלא מאמין כבר נשפט, כי לא האמין בשם בנו היחיד של
אלוהים. ו ואת פסק הדין הזה: האור בא לעולם, אבל בני האדם
העדיפו את החושך על פני האור, כי מעשיהם היו רעים.
ז כל מי שעושה רע שונא את האור, ולא בא אל האור, כדי
שמעשיו לא ייחשפו. ח אבל מי שחי לפי האמת בא אל האור,
כדי שיראו שמעשיו נעשו בעזרת אלוהים.

יוחנן המטביל מעיד על ישוע

ט אחרי זה הלך ישוע עם תלמידיו אל אזור יהודה, ושם הוא
נשאר עם תלמידיו וטבל אנשים. י יוחנן טבל אנשים גם הוא
בעין-נון, ליד שלים, כי היו שם מים רבים. אנשים באו אליו
וקיבלו טבילה. יא יוחנן עוד לא נכלא באותו זמן. יב אז
התווכחו תלמידיו של יוחנן עם יהודי על עניין הטהרה.
יג הם באו אל יוחנן ואמרו לו: "רבי, האיש שהיה איתך
בעבר מעבר לנהר הירדן, שאתה העדת עליו, הוא טובל עכשיו
והכול הולכים אליו!" יד יוחנן ענה: "אדם לא יכול לקבל
דבר אלא אם כן אלוהים נתן לו. טו אתם עצמכם יודעים
שאמרתי: 'אני לא המשיח, אלא נשלחתי לפניו'. טז מי שיש
לו כלה הוא החתן, אבל חבר החתן עומד ושומע אותו, ושמח
מאוד כשהוא שומע את קול החתן. לכן גם אני שמח מאוד.

فرّ. ٤ فجأة ظهر أمامهما موسى وإيليا يتحدثان مع يسوع. ٥ فقال بطرس ليسوع: «يا سيد، من الجيد أن نكون هنا. إن شئت، فسأصنع ثلاث مظال هنا: واحدة لك، وواحدة لموسى، وواحدة لإيليا.» ٦ وبينما كان يتكلم، إذا سحابة مضيئة ظللتهم، وصوت من السحابة يقول: «هذا هو ابني الحبيب الذي أسر به كل السرور. فاسمعوا له.» ٧ فلما سمع التلاميذ الصوت، سقطوا على وجوههم وخافوا جدًا. ٨ فجاء يسوع ولمسهم وقال: «قوموا، لا تخافوا.» ٩ فرفعوا أعينهم ولم يروا أحدًا إلا يسوع وحده. وفيما كانوا ينزلون من الجبل، أوصاهم يسوع قائلًا: «لا تخبروا أحدًا بما رأيتم حتى يقوم ابن الإنسان من بين الأموات.» ١٠ فسأله التلاميذ: «لماذا يقول معلمو الشريعة إن إيليا يجب أن يأتي أولًا؟» ١١ فأجاب يسوع: «إيليا يأتي أولًا ويصلح كل شيء. ١٢ ولكني أقول لكم إن إيليا قد جاء بالفعل، ولم يعرفوه أو يعاملوه كما أرادوا، بل فعلوا به كل ما شاءوا. وهكذا ابن الإنسان أيضًا سيتألم على أيديهم.» ١٣ عندئذ فهم التلاميذ أنه كان يتكلم معهم عن يوحنا المعمدان.

١٤ ولما عاد يسوع ومن معه إلى الجموع، جاء إليه رجل وركع أمامه ١٥ وقال: «يا سيد، ارحم ابني، فإنه مصاب بالصرع ويتألم كثيرًا. فكثيرًا ما يقع في النار وفي الماء. ١٦ وقد أحضرته إلى تلاميذك، ولكنهم لم يستطيعوا شفاءه.» ١٧ فأجاب يسوع: «أيها الجيل الكافر الملتوي، إلى متى أكون معكم؟ إلى متى أحتملكم؟ هاتوا الولد إلي.» ١٨ فانتهر يسوع الروح النجس، فخرج من الولد، فشفي الولد في تلك الساعة.

17 ואת כל כלי בית יהוה אלהיו שבר אחז וכתת את המכנות הנחשת אשר תחת הים עליהם ויתן אתו על רצפת אבן׃ 18 ואת מסך המשכת בנו בבית ואת מבוא המלך החיצון הסב בבית יהוה מפני מלך אשור׃ 19 ויתר דברי אחז אשר עשה הלא הם כתובים על ספר דברי הימים למלכי יהודה׃ 20 וישכב אחז עם אבתיו ויקבר עם אבתיו בעיר דוד ויהי חזקיהו בנו תחתיו׃

פרק יז

1 בשנת שתים עשרה למלך אחז בן יהוה מלך הושע בן אלה במלוך שמרון על ישראל תשע שנים׃ 2 ויעש הרע בעיני יהוה רק לא כמלכי ישראל אשר היו לפניו׃ 3 עליו עלה שלמנאסר מלך אשור ויהי הושע לו עבד וישב לו מנחה׃ 4 וימצא מלך אשור בהושע כי שלח מלאכים אל סו מלך מצרים ולא העלה מנחה למלך אשור כעת מדי שנה בשנה ועצר עליו מלך אשור ויאסרהו בבית כלא׃ 5 ויעל מלך אשור בכל הארץ ויעל שמרון ויצר עליה שלש שנים׃ 6 בשנת התשע להושע לכד מלך אשור את שמרון ויגל את ישראל אשור ויושב אתם בחלח ובחבור נהר גוזן וערי מדי׃

בתופת. ולבמות הבעל אשר בגיא בן הנם, לשרף את בניהם ואת בנותיהם באש. אשר לא צויתי ולא דברתי ולא עלתה על לבי. ז לכן הנה ימים באים, נאם יהוה, ולא יאמר עוד התפת וגיא בן הנם כי אם גיא ההרגה. וקברו בתופת מאין מקום. ח ונתתי את נבלת העם הזה למאכל לעוף השמים ולבהמת הארץ, ואין מחריד. ט והשבתי מעיר הזאת ומערי יהודה קול ששון וקול שמחה קול חתן וקול כלה, כי לחרבה תהיה הארץ. י ואמרת אל האנשים ההלכים אתך, ושברת הבקבק לעיני האנשים. יא ואמרת אליהם כה אמר יהוה צבאות, ככה אשבר את העם הזה ואת העיר הזאת כאשר ישבר כלי היוצר אשר לא יוכל עוד להתרפא, ובתופת יקברו מאין מקום. יב ככה אעשה למקום הזה, נאם יהוה, ולישביו, לתת את העיר הזאת כתופת. יג והיו בתי ירושלם ובתי מלכי יהודה כמקום התופת, טמאים כל הבתים אשר הקטרו על גגותם לכל צבא השמים והסכו נסכים לאלהים אחרים. יד ויבא ירמיה מתופת אשר שלחו יהוה שם להנבא, ויעמד בחצר בית יהוה ויאמר אל כל העם. טו כה אמר יהוה צבאות אלהי ישראל, הנני מביא על העיר הזאת ועל כל עריה את כל הרעה אשר דברתי עליה, כי הקשו את עורפם מלשמע את דברי.

دۆکڵ. ۱۸"ئەوجا جیهێڵ ئەبێتەوە بۆ ئەو، وەک ئاو
ئەگەر ئەو ڕێگایە ببڕێت کە ئەو دەڕوات."

بیلدەد دەڵێت

۱۸ ۱ئینجا بیلدەدی شووحی وەڵامی دایەوە و گوتی:
۲"کەی ئەم قسانە کۆتایی دێن؟ ئەگەر بیر بکەیتەوە، ئەوا
بۆچوونمان دەربڕین.
۳ئێمە وەک ئاژەڵ وا لە بەرچاوتان هاتووین،
وەک گا و وشتر وا لە بەرچاوتان هاتووین.
۴ئەی تۆ کە لە توڕەییدا خۆت دەدڕێنیت،
ئایا زەوی بە هۆی تۆوە چۆڵ دەبێت،
یان بەرد لە شوێنی خۆی هەڵدەگیرێت؟
۵"بەڵێ، ڕووناکی خراپەکار دەکوژێت،
گڕی ئاگری ناو ماڵەکەی ناگیرسێت.
۶ڕووناکی ناو چادرەکەی تاریک دەبێت،
چرای سەر لووتکەی لە کار دەکەوێت.
۷هەنگاوە بەهێزەکانی دەبێتە لاواز،
ڕێگاکانی خۆی بۆ خۆی دەدۆزێتەوە.
۸بە پێی خۆی دەڕوات بۆ تۆڕ،
بەسەر تۆڕەکەدا دەڕوات و
بە تەڵەکەدا دەڕوات.
۹پێی دەگیرێت بە تەڵەکە،
تۆڕ دەیگرێت بە پێیەوە،

الصلاة هو ان الفريسي وقف يصلي في نفسه هكذا. اللهم اني اشكرك
اني لست مثل سائر الناس الخاطفين الظالمين الزناة او حتى مثل هذا
العشار. ١٢ اصوم مرتين في الاسبوع. اؤدي العشور عن كل ما اقتنيه.
١٣ واما العشار فوقف من بعيد لا يشاء ان يرفع عينيه نحو السماء بل
قرع على صدره قائلا اللهم ارحمني انا الخاطئ. ١٤ اقول لكم ان هذا
نزل الى بيته مبررا دون ذاك لان كل من يرفع نفسه يتضع ومن يضع
نفسه يرتفع. ١٥ وكانوا يقدمون اليه ايضا اولادهم لكي يلمسهم فلما
رأى تلاميذه انتهروهم. ١٦ فدعا يسوع الاولاد اليه وقال دعوا الاولاد
يأتون الي ولا تمنعوهم لان لمثل هؤلاء ملكوت الله. ١٧ الحق اقول
لكم من لا يقبل ملكوت الله مثل ولد لا يدخل فيه. ١٨ وسأله رئيس
قائلا ايها المعلم الصالح ماذا اعمل لارث الحياة الابدية. ١٩ فقال له
يسوع لماذا تدعوني صالحا ليس صالح احد الا واحد وهو الله.

وصاياي التي أوصيكم بها اليوم. ٢١ لكي يحسن إليك وإلى أولادك من بعدك، ولكي تطيل أيامك على الأرض التي يعطيك الرب إلهك إياها إلى الأبد.

٢٢ «إذا وجد في وسطك في إحدى مدنك التي يعطيك الرب إلهك إياها رجل أو امرأة يفعل الشر في عيني الرب إلهك ويتعدى عهده، ٢٣ وذهب وعبد آلهة أخرى وسجد لها أو للشمس أو للقمر أو لكل جند السماء مما لم آمر به، ٢٤ وأخبر بذلك وسمعت عنه، فاسأل جيدا وإذا كان الأمر صحيحا والخبر يقينا أن هذه الرذيلة قد عملت في إسرائيل، ٢٥ فأخرج ذلك الرجل أو تلك المرأة اللذين عملا هذا الأمر الشرير إلى أبوابك، الرجل أو المرأة، ورجمتهما بالحجارة حتى الموت. ٢٦ على فم شاهدين أو ثلاثة شهود يقتل المستحق الموت. لا يقتل على فم شاهد واحد. ٧ يد الشاهدين تكون عليه أولا لقتله، ثم يد جميع الشعب أخيرا. فتنزع الرذيلة من وسطك.

٨ «إذا عجز عن القضاء أمر في قضية دم ودم وقضية خصومة وقضية ضرب في قضايا النزاع في مدنك، فقم واصعد إلى المكان الذي يختاره الرب إلهك، ٩ وائت إلى الكهنة اللاويين وإلى القاضي الذي يكون في تلك الأيام واسأل فيخبرونك بقضاء الدين. ١٠ فاعمل حسب القول الذي يخبرونك من ذلك المكان الذي يختاره الرب، واحترز أن تعمل حسب كل ما يعلمونك. ١١ حسب الشريعة التي يعلمونك والقضاء الذي يقولون لك تعمل. لا تحيد عن القول الذي يخبرونك به يمينا ولا شمالا. ١٢ والرجل الذي يطغى فلا يسمع لأجل الكاهن الواقف هناك ليخدم أمام الرب إلهك أو لأجل القاضي، فذلك الرجل يقتل. فتنزع الشر من إسرائيل. ١٣ فجميع الشعب يسمعون ويخافون ولا يطغون أيضا.

١٤ «إذا أتيت إلى الأرض التي الرب إلهك يعطيك، وامتلكتها وسكنت فيها، وقلت: أجعل ملكا عليّ كجميع الأمم الذين حولي، ١٥ فإنك تجعل عليك ملكا الذي يختاره الرب إلهك. من وسط إخوتك تجعل عليك ملكا. لا تقدر أن تجعل عليك رجلا أجنبيا ليس هو أخا لك. ١٦ غير أنه لا يقتني لنفسه خيلا ولا يرد الشعب إلى مصر لأجل اقتناء الخيل، لأن الرب قد قال لكم لا ترجعون أيضا في هذا الطريق. ١٧ ولا يقتني لنفسه نساء كثيرات لئلا تزيغ نفسه. ولا يكثر لنفسه جدا من الفضة والذهب. ١٨ ويكون متى جلس على كرسي مملكته أنه يكتب لنفسه نسخة من هذه الشريعة في سفر من عند الكهنة اللاويين. ١٩ ويكون معه ويقرأ فيه كل أيام حياته لكي يتعلم أن يخاف الرب إلهه ليحفظ جميع كلمات هذه الشريعة وهذه الفرائض ليعملها، ٢٠ لئلا يرتفع قلبه على إخوته ولئلا يحيد عن الوصية يمينا أو شمالا لكي يطيل أيامه في مملكته هو وبنوه في وسط إسرائيل.

١٩

١ «إذا قرض الرب إلهك الشعوب الذين الرب إلهك يعطيك أرضهم، وورثتهم وسكنت في مدنهم وفي بيوتهم، ٢ تفرز لنفسك ثلاث مدن في وسط أرضك التي الرب إلهك يعطيك لتمتلكها. ٣ تهيئ لنفسك الطريق وتقسم تخم أرضك التي يقسمها الرب إلهك ميراثا، فتكون لكل قاتل نفس هاربا إلى هناك.

"فليكن، يا سيد، لقد ربحت عشر فضات أخرى." [٤] فأجابه سيده: "وأنت
فوق عشر مدن." [٥] وجاء الثاني قائلا: "يا سيد، ربحت خمس فضات
أخرى." [٦] فأجابه سيده: "وأنت فوق خمس مدن." [٧] وجاء آخر قائلا:
"يا سيد، ها فضتك التي كانت عندي مربوطة في منديل، [٨] لأني كنت
أخافك، لأنك رجل قاس تأخذ ما لم تضعه، وتحصد ما لم تزرعه." [٩] فقال
له سيده: "من فمك أدينك أيها العبد الشرير. كنت تعلم أني رجل قاس
آخذ ما لم أضعه، وأحصد ما لم أزرعه، [١٠] فلماذا لم تضع فضتي في
المصرف، حتى إذا رجعت كنت آخذها مع فائدتها؟" [١١] ثم قال للواقفين
عنده: "انزعوا عنه الفضة، وأعطوها لصاحب العشر فضات." [١٢] فقالوا
له: "يا سيد، إن عنده عشر فضات!" [١٣] "إني أقول لكم: إن كل من له
يعطى، ومن ليس له فالذي عنده يؤخذ منه. [١٤] وأما أعدائي هؤلاء الذين
لم يريدوا أن أملك عليهم، فأتوا بهم إلى هنا واذبحوهم أمامي."

دخول يسوع أورشليم

[١١] وبعد أن قال يسوع هذا، تقدم صاعدا إلى أورشليم. [١٢] ولما اقترب
من بيت فاجي وبيت عنيا عند جبل الزيتون، أرسل اثنين من تلاميذه [١٣]

۱۳ خطاهای پنهان را چه کسی می‌تواند ببیند؟
خداوندا، مرا از گناهانی که نمی‌دانم پاک کن.
۱۴ نگذار گناه بر من تسلط یابد؛
آنگاه بی‌عیب خواهم بود
و از گناهان بزرگ پاک خواهم شد.
ای خداوند، صخرهٔ من و نجات‌دهندهٔ من،
سخنان دهانم و افکار قلبم
همیشه در حضور تو پسندیده باشد.

مزمور ۲۰

برای رهبر موسیقی. مزمور داود.

۱ خداوند در روز سختی دعای تو را مستجاب کند!
نام خدای یعقوب از هر خطری تو را محفوظ نگه دارد!
۲ از مکان مقدس کمک برای تو بفرستد
و از اورشلیم تو را حمایت کند.
۳ هدایای تو را بپذیرد
و قربانی‌های سوختنی تو را قبول کند.
۴ آرزوی دلت را برآورده سازد
و تمام نقشه‌هایت را عملی گرداند.
۵ ما در پیروزی تو شادی خواهیم کرد
و پرچم خود را به نام خدای خود برافراشته خواهیم ساخت.
خداوند تمام دعاهای تو را مستجاب کند.
۶ اکنون می‌دانم که خداوند
پادشاه برگزیدهٔ خود را یاری می‌دهد.
او از آسمان مقدس خود
با قدرت نجات‌بخش دست راست خود
دعای او را مستجاب می‌کند.
۷ بعضی به ارابه‌های جنگی و بعضی به اسب‌ها توکل می‌کنند،
اما ما به نام خداوند، خدای خود، توکل می‌کنیم.
۸ آنها سقوط کرده، خواهند افتاد،
اما ما برخاسته، ایستاده‌ایم.
۹ ای خداوند، پادشاه را نجات بده!
وقتی ما را صدا می‌زنیم، ما را اجابت فرما.

۱۹:۱۵ ترجمهٔ یونانی ۹:۲

متی ۲۰

۲۰ ۱ «آسمان بادشاہی کی مثال ایک ایسے زمیندار کی طرح ہے جو صبح سویرے
اپنے باغ کے لئے مزدور بلانے نکلا۔ ۲ اُس نے مزدوروں کے ساتھ ایک دینار
روزانہ طے کیا اور اُنہیں اپنے باغ میں بھیج دیا۔ ۳ پھر وہ نو بجے کے قریب
باہر گیا تو اُس نے کچھ اَور لوگوں کو بازار میں بیکار کھڑے دیکھا۔ ۴ اُس نے
اُن سے کہا، ‘تم بھی میرے باغ میں جاؤ۔ جو کچھ بھی مناسب ہو گا میں
تمہیں دوں گا۔’ چنانچہ وہ چلے گئے۔ ۵ پھر وہ بارہ بجے اور تین بجے کے
قریب باہر گیا تو اُس نے ویسا ہی کیا۔ ۶ آخر میں وہ پانچ بجے کے قریب
باہر گیا تو اُس نے کچھ اَور لوگوں کو وہاں کھڑے دیکھا۔ اُس نے اُن سے
پوچھا، ‘تم سارا دن یہاں بیکار کیوں کھڑے رہے؟’ ۷ اُنہوں نے جواب دیا،
‘کیونکہ کسی نے ہمیں کام پر نہیں لگایا۔’ اُس نے اُن سے کہا، ‘تم بھی
میرے باغ میں جاؤ۔’ ۸ شام کو باغ کے مالک نے اپنے منتظم سے کہا،
‘مزدوروں کو بلا کر آخر سے پہلے آنے والوں سے شروع کرتے ہوئے پہلے
آنے والوں تک مزدوری دے دو۔’ ۹ جو لوگ پانچ بجے کے قریب آئے تھے
اُنہیں ایک ایک دینار ملا۔ ۱۰ جب پہلے آنے والوں کی باری آئی تو اُنہوں

בוא מי שלא משמיע דברי תורה זו, אל תקבלו אותו בבית ואל תברכו אותו. [׳׳] כי המברך אותו משתתף במעשיו הרעים.

סיום ומסרים אישיים

[׳׳] אף על פי שיש לי הרבה לכתוב לכם, אינני רוצה לכתוב לכם בעזרת נייר ודיו. אני מקווה לבוא אליכם ולדבר איתכם פנים אל פנים, כדי שתהיה שמחתנו שלמה.

[׳׳] ברכות לך, אהובתי הגברת הנבחרת, ולילדיה. כל חברי כאן שולחים לך ברכות. ברכות לך, גאיוס, אהובי. אני אוהב אותך באמת.

ג׳ יוחנן

ברכה ומסר אישי

[׳] אני, הזקן, כותב מכתב זה לגאיוס, אהובי, שאני אוהב באמת. [׳] אהובי, אני מתפלל שתהיה בריא ושיהיה לך הכול טוב, כמו שיש לנשמתך. [׳] כי שמחתי מאוד כאשר באו אחים ונתנו עדות על האמת שבך, כפי שאתה הולך באמת. [׳] אין לי שמחה גדולה יותר מלשמוע שילדיי הולכים באמת.

גאיוס מקבל פנים חמות

[׳] אהובי, אתה נאמן במה שאתה עושה עבור האחים, אפילו כאשר הם זרים. [׳] הם העידו בפני הכנסייה על אהבתך. טוב תעשה אם תשלח אותם בדרכם בצורה ראויה לאלוהים. [׳] כי הם יצאו לדרך למען השם, ואינם מקבלים דבר מהעמים. [׳] לכן עלינו לקבל בסבר פנים יפות אנשים כאלה, כדי שנהיה שותפים לעבודתם למען האמת.

דיוטרפס ודמטריוס

[׳] כתבתי משהו לכנסייה, אבל דיוטרפס, שאוהב להיות הראשון בכל דבר, לא מקבל את סמכותנו. [׳׳] לכן, כאשר אבוא, אזכיר את מעשיו הרעים, שבהם הוא מאשים אותנו בדברים רעים ומרושעים. ולא זו בלבד, אלא שהוא גם לא מקבל את האחים, ומונע מאחרים לעשות זאת, ומגרש אותם מהכנסייה.

[׳׳] אהובי, אל תחקה את הרע, אלא את הטוב. מי שעושה טוב הוא מאלוהים, ומי שעושה רע לא ראה את אלוהים. [׳׳] דמטריוס זכה לעדות טובה מכל האנשים ומהאמת עצמה. גם אנחנו מעידים עליו, ואתה יודע שעדותנו אמיתית.

ויאמר אליהם כה תאמרון אל צדקיהו׃ ٤"כה אמר יהוה אלהי ישראל הנני סב את כלי המלחמה אשר בידיכם אשר אתם נלחמים בהם את מלך בבל ואת הכשדים הצרים עליכם מחוץ לחומה ואספתים אל תוך העיר הזאת׃ ٥ונלחמתי אני אתכם ביד נטויה ובזרוע חזקה באף ובחמה ובקצף גדול׃ ٦והכיתי את יושב העיר הזאת את האדם ואת הבהמה בדבר גדול ימתו׃ ٧ואחרי כן נאם יהוה אתן את צדקיהו מלך יהודה ואת עבדיו ואת העם ואת הנשארים בעיר הזאת מן הדבר מן החרב ומן הרעב ביד נבוכדנאצר מלך בבל וביד אויביהם וביד מבקשי נפשם והכם לפי חרב לא יחמל עליהם לא יחוס ולא ירחם׃ ٨ואל העם הזה תאמר כה אמר יהוה הנני נתן לפניכם את דרך החיים ואת דרך המות׃ ٩היושב בעיר הזאת ימות בחרב וברעב ובדבר והיוצא ונפל על הכשדים הצרים עליכם יחיה והיתה לו נפשו לשלל׃ ١٠כי שמתי פני באנשים ולא לטובה נאם יהוה ביד מלך בבל תנתן והשרפה באש׃

בית מלך יהודה

١١ולבית מלך יהודה שמעו דבר יהוה׃ ١٢בית דוד כה אמר יהוה דינו לבקר משפט והצילו גזול מיד עשקו פן תצא כאש חמתי ובערה ואין מכבה מרע מעלליכם׃ ١٣הנני אליך יושבת העמק צור המישר נאם יהוה האמרים מי יחת עלינו ומי יבוא במעונותינו׃ ١٤ופקדתי עליכם כפרי מעלליכם נאם יהוה והצתי אש ביערתה ואכלה כל סביבותיה׃

وَتَكُونُ لَكُمْ شَهَادَةً. ١٤ فَضَعُوا فِي قُلُوبِكُمْ أَنْ لَا تَهْتَمُّوا مِنْ قَبْلُ بِمَا تَحْتَجُّونَ بِهِ، ١٥ لِأَنِّي أَنَا أُعْطِيكُمْ فَمًا وَحِكْمَةً لَا يَقْدِرُ جَمِيعُ مُقَاوِمِيكُمْ أَنْ يُقَاوِمُوهَا أَوْ يُنَاقِضُوهَا. ١٦ وَتُسَلَّمُونَ أَنْتُمْ أَيْضًا مِنَ الْوَالِدِينَ وَالإِخْوَةِ وَالأَنْسِبَاءِ وَالأَصْدِقَاءِ، وَيَقْتُلُونَ مِنْكُمْ. ١٧ وَتَكُونُونَ مُبْغَضِينَ مِنَ الْجَمِيعِ مِنْ أَجْلِ اسْمِي. ١٨ وَلَكِنْ شَعْرَةٌ مِنْ رُؤُوسِكُمْ لَا تَهْلِكُ. ١٩ بِثَبَاتِكُمُ اقْتَنُوا أَنْفُسَكُمْ. ٢٠ وَمَتَى رَأَيْتُمْ أُورُشَلِيمَ مُحَاطَةً بِجُيُوشٍ، فَاعْلَمُوا حِينَئِذٍ أَنَّ خَرَابَهَا قَدِ اقْتَرَبَ. ٢١ حِينَئِذٍ لِيَهْرُبِ الَّذِينَ فِي الْيَهُودِيَّةِ إِلَى الْجِبَالِ، وَالَّذِينَ فِي وَسْطِهَا يَخْرُجُونَ، وَالَّذِينَ فِي الْكُوَرِ لَا يَدْخُلُونَ إِلَيْهَا. ٢٢ لِأَنَّ هَذِهِ أَيَّامُ انْتِقَامٍ لِيَتِمَّ كُلُّ مَا هُوَ مَكْتُوبٌ. ٢٣ وَيْلٌ لِلْحَوَامِلِ وَالْمُرْضِعَاتِ فِي تِلْكَ الأَيَّامِ، لأَنَّهُ سَيَكُونُ ضِيقٌ عَظِيمٌ عَلَى الأَرْضِ وَسَخَطٌ عَلَى هَذَا الشَّعْبِ. ٢٤ وَيَسْقُطُونَ بِفَمِ السَّيْفِ، وَيُسْبَوْنَ إِلَى جَمِيعِ الأُمَمِ، وَأُورُشَلِيمُ تَكُونُ مَدُوسَةً مِنَ الأُمَمِ حَتَّى تُكَمَّلَ أَزْمِنَةُ الأُمَمِ. ٢٥ وَتَكُونُ عَلَامَاتٌ فِي الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَالنُّجُومِ، وَعَلَى الأَرْضِ كَرْبُ أُمَمٍ بِحَيْرَةٍ إِذْ ضَجَّ الْبَحْرُ وَالأَمْوَاجُ، ٢٦ وَالنَّاسُ يُغْشَى عَلَيْهِمْ مِنْ خَوْفِ وَانْتِظَارِ مَا يَأْتِي عَلَى الْمَسْكُونَةِ، لأَنَّ قُوَّاتِ السَّمَاوَاتِ تَتَزَعْزَعُ. ٢٧ وَحِينَئِذٍ يُبْصِرُونَ ابْنَ الإِنْسَانِ آتِيًا فِي سَحَابَةٍ بِقُوَّةٍ وَمَجْدٍ كَثِيرٍ.

מלך יהודה

٢٢ [١] אחזיהו בן־יהורם מלך יהודה בשנת שתים עשרה שנה ליהורם בן־אחאב מלך ישראל, מלך אחזיהו בן־שתים [٢] ועשרים שנה בירושלים ושם אמו עתליהו בת־עמרי. גם־הוא הלך בדרכי בית אחאב כי אמו היתה יועצת לו לרשעה. [٣] הוא עשה הרע בעיני יהוה כמו בית אחאב כי הם היו יועצים לו אחרי מות אביו לאבדון. [٤] הוא הלך בעצתם ויצא עם יהורם בן־אחאב מלך ישראל למלחמה נגד חזאל מלך ארם ברמות גלעד, ושם פצעו הארמים את יהורם. [٥] הוא שב להתרפא ביזרעאל מן הפצעים אשר הכוהו בני ארם ברמה במלחמתו נגד חזאל מלך ארם. ויהורם בן־אחאב ירד ביזרעאל לבקר את אחזיהו בן־יהורם מלך יהודה כי חלה היה.

מות יהורם

[٦] ואלישע הנביא קרא לאחד מבני הנביאים ואמר לו: "חגור את מתניך וקח בידך את צלוחית השמן הזאת, ולך אל רמות גלעד. [٧] כאשר תגיע לשם תראה את יהוא בן־יהושפט בן־נמשי. לך אליו והוציא אותו מקרב אחיו ומן החדר הפנימי שבו הוא נמצא. [٨] קח את צלוחית השמן ויצוק על ראשו ואמור: 'כה אמר יהוה, מלכתיך למלך על ישראל.' אחר־כך פתח את הדלת ומהר לברוח ואל תתמהמה." [٩] הנער הנביא הלך לרמות גלעד. כאשר הגיע לשם מצא את שרי הצבא יושבים יחד. הוא ניגש אליהם ואמר: "יש לי דבר חשוב לומר לך, שר הצבא." יהוא שאל: "לאיזה מכולנו?" הנער ענה: "לך, שר הצבא." [١٠] יהוא קם ונכנס לבית, והנער יצק את השמן על ראשו ואמר לו: "כה אמר יהוה, אלהי ישראל: 'מלכתיך למלך על עם יהוה, על ישראל. [١١] אתה תכה את בית אחאב אדוניך, ואני אנקום את דמי עבדי הנביאים ואת דמי כל עבדי יהוה מיד איזבל. כל בית אחאב יאבד, ואכרית מבית אחאב כל זכר, בין עבד בין בן־חורין בישראל. [١٢] בית אחאב יהיה כבית ירבעם בן־נבט ובית בעשא בן־אחיה, ואת איזבל תאכלנה הכלבים בחלקת הארץ של יזרעאל, ואין מי שיקבור אותה.'" ואז פתח הנער את הדלת ונס.

وَلِيَ ٱلْحَقُّ، لِأُجَازِيَ كُلَّ وَاحِدٍ كَمَا يَكُونُ عَمَلُهُ. ١٣ أَنَا ٱلأَلِفُ وَٱلْيَاءُ، ٱلْبَادِئُ وَٱلْمُنْتَهِي، ٱلأَوَّلُ وَٱلآخِرُ.» ١٤ طُوبَى لِلَّذِينَ يَغْسِلُونَ حُلَلَهُمْ لِكَيْ يَكُونَ سُلْطَانُهُمْ عَلَى شَجَرَةِ ٱلْحَيَاةِ، وَيَدْخُلُوا ٱلْمَدِينَةَ مِنَ ٱلأَبْوَابِ. ١٥ لأَنَّ خَارِجاً ٱلْكِلَابُ وَٱلسَّحَرَةُ وَٱلزُّنَاةُ وَٱلْقَاتِلُونَ وَعَبَدَةُ ٱلأَوْثَانِ، وَكُلُّ مَنْ يُحِبُّ وَيَصْنَعُ كَذِباً. ١٦ «أَنَا يَسُوعُ، أَرْسَلْتُ مَلاَكِي لأَشْهَدَ لَكُمْ بِهَذِهِ ٱلأُمُورِ عَنِ ٱلْكَنَائِسِ. أَنَا أَصْلُ دَاوُدَ وَنَسْلُهُ، كَوْكَبُ ٱلصُّبْحِ ٱلْمُنِيرُ.» ١٧ وَٱلرُّوحُ وَٱلْعَرُوسُ يَقُولاَنِ: «تَعَالَ!» وَلْيَقُلِ ٱلسَّامِعُ: «تَعَالَ!» وَلْيَأْتِ ٱلْعَطْشَانُ، وَلْيَأْخُذْ مَاءَ ٱلْحَيَاةِ مَجَّاناً. ١٨ أَنَا أَشْهَدُ لِكُلِّ مَنْ يَسْمَعُ أَقْوَالَ نُبُوَّةِ هٰذَا ٱلْكِتَابِ: إِنْ زَادَ أَحَدٌ عَلَيْهَا، يَزِيدُ ٱللهُ عَلَيْهِ ٱلضَّرَبَاتِ ٱلْمَكْتُوبَةَ فِي هٰذَا ٱلْكِتَابِ. ١٩ وَإِنْ نَقَصَ أَحَدٌ مِنْ أَقْوَالِ كِتَابِ هٰذِهِ ٱلنُّبُوَّةِ، يَنْقُصُ ٱللهُ نَصِيبَهُ مِنْ شَجَرَةِ ٱلْحَيَاةِ وَمِنَ ٱلْمَدِينَةِ ٱلْمُقَدَّسَةِ ٱلْمَكْتُوبَةِ فِي هٰذَا ٱلْكِتَابِ. ٢٠ قَالَ ٱلشَّاهِدُ بِهٰذَا: «نَعَمْ، أَنَا آتِي سَرِيعاً!» آمِينَ. تَعَالَ أَيُّهَا ٱلرَّبُّ يَسُوعُ. ٢١ نِعْمَةُ رَبِّنَا يَسُوعَ ٱلْمَسِيحِ مَعَ ٱلْقِدِّيسِينَ أَجْمَعِينَ. آمِينَ.